بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ١

ص: ۲

میراث مکتوب شیعه

از سه قرن نخستین هجری

دفتر اوّل

دکتر سید حسین مدرسی طباطبائی

ترجمه

سید علی قَرائی ـ رسول جعفریان

چاپ دوم با اصلاحات - زمستان ۱۳۸۶

نام کتاب:
میراث مکتوب شیعه در سه قرن نخستین هجری
دفتر اوّل
مؤلف: دکتر سید حسین مدرسی طباطبائی
مترجمان: سید علی قَرائی ـ رسول جعفریان
چاپ دوم: زمستان ۱۳۸۶
شمارگان چاپ: ۱۵۰۰ نسخه
قیمت: تومان
چاپ اعتماد
تلفن محل توزیع: تلفن: ۷۷۳۱۳۵۵ـ۰۲۵۱

فهرست مطالب

یادداشت مؤلف...۷

یادآوری مترجمان ...۹

مقدمه مؤلف ...۱۳

فصل اول

امام علی بن ابی طالب (ع) و نزدیکانش ...۱۹ ـ ۶۸

فصل دوم

تشیع کوفی در دوران اموی ...۶۹ ـ ۱۷۴

فصل سوم:

دوران سرکوب شیعه ...۱۷۵ ـ ۴۸۲

* * *

منابع و مآخذ ...۴۷۳

فهرست راهنما ...۵۱۹

فهرست تفصیلی کتاب (نام مؤلفان) ...۵۴۱

ص: ۶

یادداشت مؤلف در باره شرح حال خود

حسین مدرسی ـ عفا اللّه عنه ـ در قم به دنیا آمد. پس از تحصیلات جدید، به حوزه علمیه پیوست. سطوح عالی فقه و اصول را نزد حضرات آقایان مرحوم فاضل لنکرانی، حسین نوری، یوسف صانعی، و مرحوم آیت اللّه سلطانی، ومتون فلسفی را خدمت آقایان گیلانی، جوادی آملی، محمد شاه آبادی، و مرحوم مرتضی مطهری فرا گرفت. خارج فقه و اصول را عمدتاً در محضر مرحوم آیت اللّه سید محمد محقق داماد (یک سال) و آیت اللّه مرتضی حایری طاب ثراه (ده سال) شاگردی کرد. هم زمان به تدریس متون درسی رایج در حوزه نیز می پرداخت که تا سطوح عالی ادامه داد. از سال ۱۳۵۵ متناوباً، و از سال ۱۳۵۸ مستمراً، برای ادامه تحصیلات جدید در انگلستان به سر برد. در سال ۱۳۶۱ دوره دکتری خود را در دانشگاه آکسفورد به پایان برد و برای تدریس به دانشگاه پرینستون امریکا دعوت شد که از آن زمان تا کنون در همان جا مقیم و عهده دار کرسی Bayard Dodge آن دانشگاه است. او هم زمان در دانشکده مطالعات بین المللی دانشگاه کلمبیا در شهر نیویورک، و در کالج سینت انتونی دانشگاه آکسفورد نیز عهده دار کرسی مهدی (کلمبیا) و گلستانه (آکسفورد) است. همچنین به تناوب در دانشکده حقوق دانشگاه ییل و هاروارد نیز تدریس کرده و مدّت نه سال عضو شورای عالی نظارت بر دانشگاه هاروارد بوده است.

در زمینه نگارش، از ایام نوجوانی در اواسط دهه چهل به نوشتن مقالات اجتماعی و سپس مذهبی در روزنامه ها و مجلات مذهبی (مانند مجله مکتب اسلام) می پرداخت که سپس با پژوهش های تاریخی در مجلات ادبی تهران

ص: ۷

(مانند ماهنامه های وحید و بررسی های تاریخی) ادامه داد. در سال های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ شماری کتاب در مورد پیشینه تاریخی شهر قم و اسناد تاریخی به چاپ رسانید. در بیست و پنج سال اخیر، تحقیقات و نوشته های اسلامی او در دو زمینه حقوق اسلامی و تاریخ تشیع متمرکز شده که از آن میان، این کتاب ها به فارسی در آمده است:

ـ زمین در فقه اسلامی، دو جلد (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲)

ـ مقدمه ای بر فقه شیعه، ترجمه محمد آصف فکرت، (مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸)

ـ مکتب در فرآیند تکامل، ترجمه هشام ایزد پناه (پرینستون: انتشارات داروین، ۱۳۷۳) (اخیرا انتشارات کویر در تهران با مقدمه تازه ای از سوی مؤلف آن را نشر داده است).

ـ میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ترجمه سید علی قرایی و رسول جعفریان (قم: کتابخانه تخصصی تاریخ، ۱۳۸۳) (همین کتاب).

ص: ۸

بسم الله الرحمن الرحیم. الحمد لله رب العالمین
وصلی الله علی سیدنا محمد و علی آله الطیبین الطاهرین

یادآوری مترجمان

تلاش برای بازشناسی آثار مکتوب، اما از دست رفته قرون نخستین اسلامی از چندین دهه پیش در جهان اسلام آغاز شده است. این کار در حوزه تشیع، بیشتر در دو دهه گذشته، مورد توجه قرار گرفته و ضمن جستجو در متون کهن برجای مانده، قطعاتی از آثار تألیفی مفقود از آثار موجود جدا گشته و به صورت مستقل عرضه شده است. این حرکت که به هدف بازشناسی متون پایه اما مفقود صورت می گیرد، می تواند در بازشناسی دیدگاه ها و نگرش های موجود در قرون گذشته از زوایای مختلف سودمند باشد، چه، شخصیت فکری و سیاسی ونیز دینی ـ مذهبی یک مؤلف، حتی در ده صفحه از یک کتاب چند صد صفحه ای مفقودِ او می تواند به دست آید. به علاوه، با این اقدام، بخشی از پشتوانه های فکری تمدن اسلامی و تاریخ علم بازسازی شده و راه برای کاوش در تحقیقات تاریخی و دینی گشوده تر می شود.

کتاب حاضر که پژوهشی فراگیر در این زمینه آن هم در حوزه شیعه شناسی به حساب می آید، در واقع تلاشی است برای فهرست کردن قطعات برجای مانده از متون پیشین شیعی اما غالبا مفقود که می تواند پایه ای برای بازسازی بسیاری از آن آثار باشد، کاری که محققان دیگر اسلامی، به ویژه در رشته حدیث، می بایست آن را دنبال کنند.

استاد دکتر سید حسین مدرسی طباطبائی، سالها در قم به تحصیل علوم

ص: ۹

دینی اشتغال داشت و همزمان در زمینه تاریخ علوم اسلامی به ویژه فقه و نیز تاریخ قم پژوهش هایی را انتشار داد که یکی از برجسته ترین آنها تربت پاکان و چندین اثر مهم دیگر بود. وی سپس در آکسفورد به تحصیلات خود ادامه داد و از سال ۱۳۶۱ که دکتری خود را گرفت تا این زمان در دانشگاه های پرینستون، هاروارد و کلمبیا در امریکا، و آکسفورد در انگلستان به تدریس علوم اسلامی و حقوق مشغول است. از ایشان آثار چندی ترجمه و به فارسی انتشار یافته که از آن جمله می توان به کتاب زمین در فقه اسلامی و درآمدی بر فقه شیعه اشاره کرد.

کتاب حاضر با عنوان:

Tradition and Survival: A Bibliographical Literature Survey of Early Shi'ite ,Oxford: Oneworld, ۲۰۰۳

حاصل کاوش طولانی و درازدامن ایشان در متون کهن اسلامی با هدف شناسایی «میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین اسلامی» است که اکنون انتشار می یابد. طبعا انجام این مهم، در روزگاری که

امکانات رایانه ای در کار نبوده، کاری دشوار اما ستودنی است. در این باره، ایشان شرحی در مقدمه خویش آورده اند.

این کتاب، در سال ۲۰۰۳/۱۳۸۱ به چاپ رسید و همان زمان نسخه ای از آن توسط مؤلف در اختیار مترجمان قرار داده شد. طی یک سال (از بهمن ۸۱ تا بهمن۸۲) به فارسی درآمد و پس از ملاحظه مؤلف و افزودن برخی از نکات به صورت فعلی آماده تقدیم به علاقه مندان و شیعه شناسان شده است. امیدواریم انتشار کتاب حاضر، گامی برای پیشبرد تحقیقات تاریخ شیعه باشد.

در ترجمه فارسی، تلاش شده است تا متن آن در تمامی بخش ها منطبق با متن اصلی باشد. نظارت مؤلف بر ترجمه، کار ما را آسان تر کرد و چنان شد که مسؤولیت محتوایی آن، شامل اطلاعات و تحلیل ها همه بر عهده مؤلف دانشمند و ارجمند قرار گرفت. البته ممکن است که در برخی از مسائل و تحقیقات و تحلیل های ارائه شده، چون و چرایی صورت گیرد، اما مهم تر از هرچیز، نشر این اثر ارجمند به فارسی بود. طبعا هم در حوزه علمیه و هم

ص: ۱۰

دانشگاه های ما، استادانی هستند که در این باره تأملاتی داشته باشند و اگر توضیحی بر متن دارند، به صورت مقاله یا کتاب نشر دهند. یقینا این اقدام سبب خشنودی مؤلف و مترجمان خواهد شد.

گفتنی است که این کتاب قرار است در دو دفتر عرضه شود، اما تاکنون، تنها مجلد نخست آن به انگلیسی انتشار یافته و امیدواریم مجلد دیگر آن هرچه زودتر آماده و منتشر شود. دفتر اوّل، مشتمل بر سه فصل است که بر حسب نام مؤلفان ترتیب یافته است; جز آن که دو فصل اول بر اساس تاریخ وفات (قطعی یا تقریبی) مؤلفان است، اما ترتیب اسامی در فصل سوم بر اساس الفبای فرنگی است که به همان صورت حفظ شده و در پایان کتاب یک فهرست الفبایی بر اساس الفبای فارسی ارائه شده است.

فهرست راهنمای کتاب بر اساس شماره صفحه های متن لاتین است که در متن کتاب، میان کروشه و با اعداد لاتینی درج شده است. بنابر این، باید برای یافتن شماره صفحاتی که برابر نام ها ومفاهیم و اسامی کتابها در فهرست راهنما آمده، به شماره صفحه های لاتین قید شده در متن مراجعه کرد. این کار برای رعایت دقت بیشتر در استخراج فهرست راهنما بر اساس همان چه مؤلف محترم در متن انگلیسی آورده، انجام گرفت. به علاوه، با درج شماره صفحات متن لاتین در داخل متن ترجمه شده، ارجاع به متن انگلیسی و فارسی کتاب، همزمان ممکن خواهد بود.

کتابنامه کتاب و نیز اسامی کتابها در متن و پاورقی ها، در متن انگلیسی، همه بر اساس نام مؤلف بود که ما به دلیل انس محققان ایرانی با اسامی کتابها، ترجیح دادیم به جای نام مؤلف، نام کتاب را بیاوریم (به استثنای نام های لاتین). این کار به طور هماهنگ در متن و کتابنامه رعایت شده تا مراجعه کنندگان بتوانند مشخصات کتابها را به سرعت به دست آورند.

در پایان، فهرست تفصیلی نام مؤلفان آمده است که در سمت راست آنها شماره شرح حال و در سمت چپ نامها، شماره صفحه متن فارسی آمده است.

مترجمان ـ ۲۲ بهمن ۱۳۸۲

ص: ۱۱

یادداشت چاپ دوم

پس از انتشار چاپ اول مؤلف محترم اضافاتی در بخش های مختلف داشتند که آنها را به تدریج ارسال کردند و در متن افزوده شد. علاوه بر آن یکبار دیگر متن چاپی کتاب را به طور دقیق خواندند و اصلاحاتی در آن به عمل آوردند که مغتنم و گاه بسیار ضروری بود. خبط و خطاهایی هم که در آن چاپ صورت گرفته بود در این بازنگری رفع و رجوع شد. در فهرست راهنما مشکل جدی وجود داشت که آن هم بحمد الله اصلاح گردید.

بنابرین اکنون که چاپ دوم کتاب عرضه می شود می توانیم مطمئن باشیم که دقت بیشتری در آن اعمال شده است.

۲۲ بهمن ۱۳۸۶

ص: ۱۲

هدف این تحقیق، شناخت و دستیابی بر میراث مکتوب مذهب شیعه امامیه طی سه قرن نخست هجری است. آغاز این تحقیق به سالها پیش باز می گردد، زمانی که مقاله ای برای یک جشن نامه در باره موادّ برجای مانده از کتابی که در منابع متقدم اسلامی به امیرمؤمنان (ع) نسبت داده اند، نوشتم. آن مقاله چاپ نشد، زیرا جشن نامه ای که مقاله برای آن نوشته شده بود، هیچ گاه انتشار نیافت. با این حال، آن تحقیق مرا تشویق کرد که بررسی جامعی در باره دیگر آثار امامیه به عنوان متمم باب مربوط از کتاب تاریخ ادبیات عرب فؤاد سزگین (Geschichte desarabischen Schrifttumsجلد اول، صص ۵۲۴ ـ ۵۵۲) انجام دهم. اما بررسی حاضر، به لحاظ دوره تاریخی، زمان محدودتری را شامل می شود و آن تنها سه قرن نخست تاریخ شیعه است که در کتاب فعلی به دو مجلد، مشتمل بر پنج دوره تاریخی تقسیم شده و شامل روزگار امام علی (ع) تا پایان غیبت صغری (سال ۳۲۹) است. بابی در پایان کتاب به یک ارزیابی کلی از این میراث مکتوب اختصاص خواهد داشت.

آغاز ادبیاتِ نوشتاری شیعه را می توان به اواخر دوران اموی، با شماری رساله و یک کتاب علیه نظام حاکم پیگیری کرد. در آن روزگار، ثبت مسموعات حدیثی در دفاتر از سوی راویان حدیث، از جمله راویان شیعی، سالیانی بود که کم و بیش آغاز شده بود.[۱] اندک زمانی پس از آن، تدوین کتاب های فرم یافته تری در باره علوم قرآنی و فقه هم آغاز شد. گفته می شود[۲] که نخستین اثر منظم شیعی در موضوع فقه، کتاب عبیدالله بن علی حلبی، راوی از

ص: ۱۳

امام صادق (ع) بود که آن را در نیمه نخست قرن دوم هجری نوشته بود.[۳] بر اساس نقلی دیگر[۴] در میانه قرن دوم هجری، آثار فقهیِ اکثریت غیر شیعی، به شماری انبوه رسیده بود.

دفاتر حدیث که راویان اولیه حدیث از روایات شفاهی می نوشتند و به آنها جزء، نسخه، اصل، صحیفه یا کتاب می گفتند،[۵] منبع عمده مجموعه های حدیثی بزرگتری شد که به زودی پدید آمدند. در سنّت شیعی، به آن دفاترِ ابتدایی، معمولا کتاب یا اصل گفته می شد. تعبیر اصل، معنای روشنی در علم حدیث اسلامی به طور کلی[۶] و دانش حدیث شیعی

---

۱. رجال کشی: ۲۲۵.

۲. رجال برقی: ۷۳.

۳. این کتاب نیز در شکل مجموعه روایاتی از ائمه (ع) بوده، ولی گویا به صورت موضوعی باب بندی شده بود. بنگرید: نجاشی: ۲۳۱، **فهرست طوسی**: ۱۰۶ ـ ۱۰۷ (نیز بنگرید: **جوابات المسائل الرسّیّة الاولی**، ص ۳۳۱).

۴. رجال کشی: ۳۸۴.

۵. برای فرق های جزئی محتمل میان موارد استعمال اصلی برخی از این مصطلحات، نمونه های متعدد چاپ شده نسخ، اجزاء و اصول بازمانده از ادوار نخستین را باید با یکدیگر سنجید. محمد مصطفی اعظمی در **دراسات**: ۳۴۳ ـ ۳۴۵، ۴۷۷ مطالبی در این باب دارد.

۶. نمونه های استفاده از این اصطلاح در این معنا، در سنت سنّی آن، بیش از آن است که قابل شمارش باشد. تنها چند موردی را که تصادفا از آن یادداشتی نگاه داشته ام، در اینجا ارائه می دهم: **الرد علی الجهمیة** عثمان الدارمی، ص ۱، **الجرح و التعدیل**: ۱۴۷/۵، **کامل ابن عدی**: ۲۳۰۳، **اخبار اصبهان ابونعیم**: ۱۲۹/۱، ۱۵۲/۲، **تلخیص المتشابه خطیب**: ۴۷۱، ۵۱۶، **تاریخ بغداد**: ۹۶/۳ ـ ۹۸، ۴۶۷/۵، ۳۷۹/۶، **شواهد التنزیل**: موارد متعدد، **معجم السفر ابوطاهر**

به طور خاص[7] داشت. این اصطلاح، در ابتدا به معنای دفتر یادداشت شخصی از مسموعات و مطالبی بود که به صورت شفاهی دریافت شده بود.[8] شاید در آغاز، تنها جُنْگ و دفتر یادداشت نامنظم، اما بعدها احیانا یک اثر تألیفی منظّم و مبوّب نیز که از روایات شفاهی فراهم آمده بود، «اصل» نامیده می شد.[9] باور عام چنین بود که نزدیک به چهار صد عدد از این دفاتر حدیثی، از

ص: ۱۴

اصحاب امامان (ع) برجای مانده است.[10] این اصول می بایست جزو حدود یک هزار اثر شیعی باشد که در پایان قرن سوم در دست بوده است.[11]

در جای خود این مطلب ثابت شده است که مجامیع متقدم حدیث، بیشتر مطالب خود را از نوشته های پیشین برگرفته و غالبا اسناد روایات، نشانگر طریقِ دستیابی مؤلفین آثار بعدی به کتابهای پیشین است نه سند نقل شفاهی نقلها. این نکات را محمد مصطفی اعظمی در آثارش[12] به طور قانع کننده، همراه با شواهد کافی از منابع سنّی،[13] بحث کرده است. شواهد فراوان و مشابه آن را از کتابهای شیعه می توان ارائه کرد.[14] اما مؤلف این سطور تلاش دارد که نقل مستقیم آثار متأخر را از منابع مکتوب متقدم، به صورت موردی بر اساس مستحکم تری استوار سازد. از باب نمونه، به نظر می رسد که اگر روایتی با همان اسناد که در کتابشناسی های قدیم شیعی برای دفاتر حدیثی اصحاب ائمه ذکر شده،

سِلَفی: ۲۹۹، ۴۲۳، التدوین رافعی: ۳۰۲/۲، **معجم البلدان**: ۲۸۰/۵، **تاریخ نیسابور، المنتخب من السیاق**: ۱۶، ۳۸، ۳۱۷، ۴۰۱، ۴۲۴ (مقـ : همان: ۳۵، ۸۳، ۱۰۴، **اخبار الراضی بالله** صولی: ۲۱۷، **الانساب**: ۵۷/۱۰ [**نیز المبانی فی نظم المعانی**: ۹۱]، ۳۸۶، ۵۴۰، **تاریخ بیهق** ابن فندق: ۱۸۳ برای کاربردی متفاوت از این اصطلاح)، **میزان الاعتدال**: ۱۲۷/۱، **تهذیب** ابن حجر: ۱۷۶/۵، ۱۵۴/۸، ۱۸۰/۱۱، **اللئالی** سیوطی: ۲۶۳/۱.

۷ . برای نمونه بنگرید: **غیبت نعمانی**: ۱۸، **کمال الدین**: ۱۹، **فهرست طوسی**: ۷۴ ـ ۷۵ (نیز بنگرید: **من لایحضر**: ۱۱۷/۲، **عیون**: ۲۵۶/۱، **کفایة الاثر**: ۳۰۹، **امالی طوسی**: ۴۱۳، **مناقب ابن شهر آشوب**: ۲۹۹/۱). برای کاربرد این اصطلاح در سنت زیدی، برای نمونه بنگرید: **الشافی** عبدالله بن حمزه: ۵۸/۱، ۱۱۶/۲.

۸ . برای نمونه بنگرید: **جوابات مسائل اهل الموصل فی العدد و الرؤیة** شیخ مفید: ۲۴

۹ . ببینید **جوابات المسائل الرسیة الاولی**: ۳۳۱، **فهرست طوسی**: ۶۳

۱۰ . **اعلام الوری**، طبرسی: ۴۱۰، ۴۳۹. برای توضیحات بیشتر بنگرید به مقاله اتان کالبرگ در باره **اصول اربعمائة**. به گفته ابن شهر آشوب در **مناقب**: ۱۹۷/۲ یک صد عدد از این دفاتر یا کتابها، مربوط به شاگردان امام صادق (ع) بوده است. فهارس اولیه، بیش از یک صد دفتر را به شاگردان امام صادق (ع) منسوب می دارند; حتی محقق حلی در **معتبر**: ۲۶/۱ بر این اعتقاد است که همه این چهارصد اصل، از شاگردان امام صادق علیه السلام بوده است.

۱۱ . **فهرست طوسی**: ۶۴.

۱۲ . بنگرید به کتاب او با عنوانِ **دراسات فی الحدیث النبوی**: ۵۸۷ ـ ۵۹۴ (نیز بنگرید: ۳۸۲ ـ ۳۸۵) و کتاب دیگر او با عنوان: Hadith, Methodology and Literature : ۷۴ ـ ۷۹.

۱۳ . به این یک نمونه توجه کنید: **صحیح بخاری**: ۴/ ۱۱۲ ـ ۱۱۳ روایتی از عمرو نقل می کند که وی از محمد بن جعفر با تعبیر رایج «حدثنا» روایت می کند که به طور مرسوم به معنای روایت شفاهی است. یک کلمه در روایت افتاده است. بخاری از عمرو توضیحی را می آورد و آن این که کلمه یاد شده در نسخه او از **کتاب محمد بن جعفر** افتاده بود.

۱۴ . چند مورد تنها از باب نمونه: **رسالة ابی غالب**: ۱۲۹ ـ ۱۳۳ (نیز بنگرید: ۱۵۳ ـ ۱۵۴)، **معانی**: ۱۴۹ ـ ۱۵۰، **عیون**: ۲۰/۲ ـ ۲۲، **من لایحضر**: ۷۲/۳، **امالی طوسی** (چاپ نجف، ۱۹۶۸): ۲۰۷/۲ (نیز بنگرید: **کافی**: ۵۲/۱، ۵۳) . در مواردی مؤلفان یادآور می شد که متن روایتی که به صورت شفاهی نقل شده در کتاب راوی اصلی نیست. این مسأله معمولا موجب تردید در اعتبار آن نقل شفاهی می شد. بنگرید: **جوابات مسائل اهل الموصل فی العدد و الرؤیة**: ۲۴، **تهذیب طوسی**: ۱۶۹/۴ [و از آنجا در: **شرح الجمل** ابن براج: ۱۷۵]).

روایت شده و یا دست کم به همان راوی اعلی که فهرست ها به عنوان راوی کتاب از مؤلف معرفی می کنند، استناد داده شده باشد به احتمال زیاد از همان اثر مکتوب متقدم سرچشمه گرفته است.[۱۵] همین مطلب در مواردی

که شمار زیادی روایت از یک مؤلف متقدم، به سند واحد نقل شود،[۱۶] و نیز در مواردی که از یک مؤلف، همزمان، با چندین سند که همواره یکسانند نقل شود، صادق است.[۱۷] حلقه مشترک در مورد اخیر، به احتمال زیاد، یک دفتر حدیثی مکتوب است. من در این کتاب، به روش سزگین تنها آثاری را معرفی کرده ام که تعداد قابل ملاحظه ای نقل از آن بر جای مانده باشد، آن مقدار که بتوان گفت که اثر یاد شده، دست کم تا حدودی باقی مانده است.[۱۸]

چند نکته دیگر را نیز باید در آغاز خاطرنشان کرد:

بخش عمده مطالب کتاب، پیش از پدید آمدن رایانه ها و برنامه های تهیه شده برای مطالعات حدیثی فراهم آمده است; حتی پیش از آن که فهرست های جدید برای احادیث شیعه پدید آید. بانک اطلاعاتی که در حال حاضر در قم، برای اسانید احادیث شیعی فراهم آمده، تا پایان طبع این مجلّد در دسترس من نبوده است. روشن است که دستیابی به این ابزارهای جدید، سرعت و دقت بسیار بیشتری را برای تحقیقات مشابه در این زمینه ها، در آینده فراهم خواهد کرد.

زمانی که من به جمع آوری این موادّ مشغول شدم، تلاش کردم تا همه اطلاعات مربوط به متکلمان متقدم شیعه و آرای آنان را در مسائل کلامی گردآوری کنم. اما انتشار کتاب اخیر جوزف فان اس (Theologie und Gesellschaft im ۲. und ۳. jahrhundert Hidschra) مرا قانع کرد که در آن کار تجدید نظر کرده و آن اطلاعات را که اکنون تکرار کار و زائد به نظر می رسید از کتاب بپیرایم. طی دهه اخیر کتابهای متعددی به عنوان بازسازی آثار مفقود شیعی چاپ شده یا نقل ها از رجال متقدم شیعه را در مجموعه هایی گردآوری کرده است. من از این حرکت احیاگرایانه متون، بسیار بهره برده ام، زیرا مرا قادر ساخت تا لیست موادّی را که خود

یافته بودم، حذف کرده، اثر حاضر را کوچک تر کنم. به علاوه، با انتشار فهرست های عمده منابع حدیث شیعه، دیگر عملا دلیلی برای ارائه فهرست طولانی نقل های باقی مانده از هر کتاب متقدم شیعی که خود پیش تر جمع کرده بودم،

---

۱۵ . البته در موارد بسیاری، فهرست ها، تنها یک طریق از چندین طریق را برای وصول یک کتاب، یاد می کنند. بنگرید: نجاشی: ۳، ۱۱۶، ۱۲۷، ۲۳۱.

۱۶ . مخصوصا اگر آن موارد همه با هم در یک جا نقل شود، چنان که فی المثل در موارد بسیار در **قرب الاسناد** و **امالی طوسی**.

۱۷ . از این قبیل است نقلهای صدوق در **من لایحضر** که معمولا از نخستین راوی از امام و بدون اسناد نقل می شود ولی مؤلف در **مشیخه** ملحق به کتاب، طرق خود را به آن راویان نخست و کتابهای آنان، یاد می کند. مؤلف در بسیاری موارد یادآور می شود که برای تمام نقلهایی که از یک راوی معین کرده، همزمان، چند طریق، دو یا بیشتر، دارد.

۱۸ . بنابر این، مؤلفانی که از آنان مواردی در کتابهای بعدی نقل شده، اما این نقلها، از طرقی که در فهرست ها و منابع متقدم، به عنوان طریق روایت آثار آنان معرفی شده است نبوده و یا تنها در موارد بسیار نادری چنین بوده است، در متن اثر حاضر ذکر نخواهند شد. اسامی این مؤلفان در پیوستی، فهرستوار در پایان جلد دوم خواهد آمد.

نبود. این مسأله هم کمک کرد تا به طور قابل ملاحظه ای از حجم اثر حاضر کاسته شود. طبعا در مواردی که به هر دلیل لیست های آن فهارس را کافی نیافتم، از فهرست های خود استفاده و آنها را ارائه کرده ام.

ارجاع به منابع کهن، الزاما به معنای پذیرفتن اصالت آن آثار نیست. برای نمونه، احتمال جدی وجود دارد که بخش بزرگی از نسخه کبرای موجود کتاب بصائر الدرجات الحاقی باشد. از این مطلب در جای خود در همین کتاب، به تفصیل گفتگو خواهد شد. هماهنگ با سنت وقایع نگاری حماسی ایام العرب، برخی از روایات و گزارشهای مربوط به جنگهای جامعه اولیه اسلامی، مانند وقعة صفین، و برخی مقاتل بیش از آن که تاریخ باشد، نوعی قصه تاریخی است و بسیاری از جزئیات وقایع و گفتگوها و اشعار و رجزها و حتی برخی نام هایی که در آن ذکر می شود بسا از ابداعات ذهنی راویان باشد.[۱۹] بسیاری از مطالب کتابی به نام دلائل الامامة و آثار مؤلفانی مانند شاذان بن جبرئیل قمی، حسین بن عبدالوهاب، قطب الدین راوندی و حسن بن سلیمان حلی، از منابع غیر سنتی و باطنی سرچشمه گرفته است. مؤلفان این آثار، شاید به اصالت موادی که نقل کرده اند، معتقد بوده اند، اما این باور الزاما بر روش های سنتی روایت و نقد حدیث متکی نبوده است. با این حال، این به معنای حذف این آثار از پژوهش حاضر نیست، پژوهشی که به طبیعت خود ناگزیر از استناد به سلسله ای بزرگ از احتمالات و حدس ها بوده است.

آثاری وجود دارد که به طور قراردادی به افرادی جز مؤلفان اصلی منسوب شده اند. برای نمونه، یک لیست قدیم از اسامی شماری از راویان حدیث شیعی که رجال برقی خوانده می شود، به احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ ـ ۲۸۰) منسوب شده; در حالی که در این

ص: ۱۷

متن، نقلهایی آمده است که از یکی از شاگردان این دانشمند بوده و بنابر این باید مربوط به زمانی متأخر از وی باشد.[۲۰] نجاشی: ۳۹۲ کتابی از شیخ صدوق (م ۳۸۱) با عنوان کتاب المعرفة برجال البرقی (که به نظر می رسد فهرست راویانی بوده که برقی از آنان در کتاب حدیثی جامع خود، کتاب محاسن روایت کرده بود) یاد می کند. این امکانا می تواند همین اثر معروف به رجال برقی باشد (اختلافات میان آنچه در این فهرست آمده، با آنچه که در مشیخه صدوق است، طبعا نشانگر تفاوت اطلاعات مؤلف در دو دوره زمانی مختلف تواند بود). کتاب الایضاح ابن رستم طبری را در نسخه چاپی آن به استناد یک دو نسخه خطی جدید به فضل بن شاذان نیشابوری منسوب داشته اند. می دانیم که تفسیری که به شکل قراردادی تفسیر علی بن ابراهیم قمی خوانده می شود از او نیست. وضع و حال این آثار و آثار مشابه در جای خود از اثر حاضر مورد بحث قرار خواهد گرفت. اما برای تسهیل امر و آن که خواننده در تشخیص مأخذ مورد استفاده به دشواری نیفتد، در ارجاعات، نام و نشان کتاب ها به همان صورت شایع مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

---

۱۹ . سخن از روشی در وقایع نگاری حماسی است که مشابه آن را با تفاوت هایی در ادبیّات فارسی نیز داشته ایم. برای یک نمونه دست دوم از آن شیوه وقایع نگاری ببینید مناقب ابن شهر آشوب ۳۷۳/۲– ۳۷۵ که در آن ماجرای نزول سوره هل اتی از منابع بسیار به نقل از اصبغ بن نباته و امام باقر (ع) روایت شده است. در این متن امیرمؤمنان و حضرت زهرا و حسنین و حتی مسائل همه با شعر سخن با یکدیگر سخن می گویند. آیا می توان آن متن را جز حماسه سرایی تاریخی دانست و فی المثل به استناد آن استنتاج کرد که در آن روزگار فی الواقع تاجری یهودی با نام نخاص بن الحارا یا شمعون بن حاریا در مدینه بوده است؟

۲۰ . مگر آن که نقلهای مورد نظر، الحاقاتی باشد که بعدها در نسخه ای از کتاب که نسخه های موجود از آن سرچشمه گرفته، افزوده شده باشد و این احتمال بعیدی نیست.

مطالبی که در آثار متقدم آمده است، معمولا در آثار ادوار متأخر عینا تکرار می شود. در فهرست هایی که از نقلهای برجای مانده از یک اثر ارائه می کنیم، تنها اولین منبعی که آن مورد را نقل کرده، می آوریم، مگر آن که شاهدی در اختیار باشد که منبع متأخرتر، به طور مستقیم یا از طریق دیگری از آن اصل مفقود استفاده کرده باشد. فی المثل وقتی یک نقل در منبع دیگری با سندی دیگر یا با اختلاف قابل توجهی در متن نقل می شود، عادتا باید از اصل کتاب یا منبع میانه دیگری گرفته شده باشد. همین رویه را در مورد منابع شرح حال مؤلفان پیروی خواهیم کرد، به طوری که تنها منابع اصلی یا تحریرهای متأخر از آثاری که اصل آنها مفقود شده، یاد خواهند شد. نمونه ای از قسم دوم، کتاب فهرست شیخ طوسی است که به روشنی، تحریری از یک فهرست کهن تر شیعی است که برجای نمانده،[21] اما در دسترس نجاشی بوده و او

ص: ۱۸

اشتباهات آن را در موارد متعدد دریافته و به تصحیح آن همت گماشته است.

گذشته از مطالبی که به شرح پیش گفته، کنار گذاشته شد، یادداشت هایی که در این دو مجلد تدوین می شود به همان صورت اصلی که سالها پیش جمع آوری شده بود، عرضه گردیده است. با این حال از یک ترم مرخصی دانشگاهی خود در پاییز سال ۲۰۰۲ برای به روز کردن ارجاعات کتابشناسی، با توجه به چاپ های جدید، و همچنین اعمال تجدید نظرهای جزیی استفاده کردم. در مواردی که به نسخ خطی ارجاع داده و اکنون آن متون به چاپ رسیده است، ارجاعات را به نسخ چاپی باز گرداندم. برخی از آثار مفقود که موارد برجای مانده اش را در آثار متأخر پیگیری کرده و بدان مراجع ارجاع داده بودم، اکنون به شکل بازسازی شده در دسترس می باشد. بیشتر لیست های من در این کتاب ـ هرچند نه همه آنها ـ اکنون بر اساس این آثار بازسازی شده است. اکنون چاپهای انتقادی بهتری از شماری از منابع در دست است. در مواردی که چاپهای پیشین مورد مراجعه من، اغلاط فراوانی داشته ـ مانند لسان المیزان ابن حجر، ـ یا آن که چاپ جدید، متن کامل یا دست کم گسترده تری از متن چاپی قبلی ارائه می دهد، مانند انساب الاشراف، تاریخ دمشق ابن عساکر، یا طبقات ابن سعد، ارجاعات را به چاپ های جدید، بهتر یا گسترده تر تغییر داده ام. در مواردی هم که یادداشت ها از چاپ های متفاوت یک اثر گرفته شده بود، اکنون همه را با یک چاپ، معمولا تازه ترین چاپی که در دسترس داشتم، مقابله و تمامی ارجاعات را بدان بازگرداندم. در موارد اندکی، به دلیلی خاص، مجبور شده ام از چاپ دیگری استفاده کنم، اما چاپ های مورد استفاده، همانهاست که در کتابشناسی آمده است، مگر آن که مشخصات خاص آن در متن قید شود.

اصطلاح سنّی در تمام کتاب، به معنای متعارف امروزی آن به کار رفته است; معنایی که بعد از دوره مورد تحقیق ما، شکل گرفته است.

تمامی تواریخ بکار برده شده در این کتاب، بر اساس تاریخ هجری است، مگر تاریخ چاپ کتابها که می تواند میلادی یا هجری باشد.

---

۲۱ . شیخ طوسی گهگاه از منابع اندک دیگر و اطلاعات شخصی خود مطالبی بر آن اثر افزوده است. وی جملات کوتاه اندکی هم در این جا و آنجا افزوده (برای نمونه: فهرست: ۱۲۶ که وی در آنجا نظر مخالف خودش را در باره عبارت بیان کرده بدون آن که عبارت اصلی را عوض کند) و اسامی مشایخ خود را جایگزین کرده، و طرق خود را که بالقوه طرق روایت او به آثار حدیثی ذکر شده در آن فهرست بودند، در هر مورد گنجانیده است.

در پایان به عنوان انجام وظیفه ای دلپذیر، باید از مایکل کوک که تمامی این مجلد را خواند و با برخی تصحیحات و نقدهای همیشه عالمانه اش، مرا ممنون خویش ساخت، و از دوستم محسن آشتیانی و شاگردم دنیس صوفی به خاطر پیشنهادهای با ارزششان برای بهتر شدن متن کتاب، تشکر کنم.

ص: ۱۹

ص: ٢٠

فصل اول

امام علی بن ابی طالب (ع) و نزدیکانش

[۱] در وقت رحلت پیامبر(ص) تنها فرزند زنده آن حضرت، فاطمه زهرا (س) بود که فرزندان ذکورش حسن و حسین (علیهماالسلام) بودند. امام علی (ع) که از روزگار کودکی، نزدیک ترین یار پیامبر (ص) و داماد ایشان بود، در رأس این خانواده کوچک از ذریّه پیامبر(ص) که به اهل بیت شناخته می شدند، قرار داشت.

جانشینی پیامبر(ص) به یکی از پیرترینِ افراد قبیله او از قریش تعلق گرفت. دختر پیامبر (ص) و نواده های آن حضرت که اکنون دیگر از کانون توجه خارج بودند، همچنان می بایست از توجه و عواطف مسلمانان مدینه، بهره مند بوده باشند. اعضای خاندان بنی هاشم ـ تیره ای از قریش ـ و موالی آنان شامل غلامان آزاد شده توسط پیامبر (ص) و فرزندانشان و همچنین شماری از دوستداران و ارادتمندان، گروه کوچکی از وابستگان به این بیت را تشکیل می دادند. میان اصحاب پیامبر(ص) هم کسانی بودند که محبت ویژه ای به اهل بیت پیامبر(ص) داشتند و این محبت را تا پایان زندگی خویش حفظ کردند. سلمان فارسی، ابوذر غفاری و مقداد بن اسود کندی، سه نفر از بزرگان صحابه بودند که در جمع دوستداران اهل بیت حضور داشتند. شیعیان این اصحاب را نخستین طبقه خویش می دانند.

ص: ٢٢

[۲] ۱ . علی بن ابی طالب علیه السلام

ابوالحسن علی بن ابی طالب (ع) پسر عمو و داماد پیامبر (ص)، نخستین امام شیعه و چهارمین خلیفه راشد اهل سنت (حکومت از ۳۵ ـ ۴۰). وی در حدود سال ۶۰۰ میلادی متولد شد، و توسط پیامبر (ص) پرورش یافت. او دانشمندترین و نزدیک ترین اصحاب پیامبر(ص) به ایشان بود. آن حضرت به سال ۴۰ در کوفه به شهادت رسید.

زندگی نامه آن حضرت را در منابع و تک نگاری های بسیار و بخش های خاص به زندگی آن حضرت در میان کتابهای دیگر می توان یافت. برای خلاصه ای از این مطالب و فهرست منابع عمده متقدم برای شرح حال آن حضرت بنگرید به مدخل های مربوط به ایشان در: دائرة المعارف اسلام، ویرایش دوم: ۳۸۱/۱ ـ ۳۸۶ (از L. Veccia Vaglieri) و دائرة المعارف ایرانیکا: ۸۳۸/۱ ـ ۸۴۸ (از E.Kohlberg و I.K.Poonawale).

۱ ـ مُصْحف علی (ع)

بر اساس گزارش منابع تاریخی، امام علی (ع) یکی از نخستین گردآورندگان قرآن بوده است.[۲۲] گفته می شود که مصحف آن حضرت به ترتیب نزول بود،[۲۳] گرچه فهرستی که

ص: ۲۳

منابع[۲۴] از ترتیب مصحف ایشان آورده اند، این گزارش را تأیید نمی کند. همچنین گفته شده که مصحف آن حضرت، مشتمل بر مطالب تفسیری و دارای اطلاعاتی در باره آیات نسخ شده قرآن بوده است.[۲۵] منابع شیعی گزارش می کنند که پس از رحلت رسول خدا(ص)، امام علی (ع) مصحف خود را به مسلمانان عرضه کرد، اما اصحاب دیگر پیامبر (ص) آن را نپذیرفتند و او مجبور شد تا آن را به خانه اش بازگرداند.[۲۶] وی همچنین یکی از معدود قرّاء اصلی قرآن بود [۳] که قراءات آنان برجای مانده است.[۲۷] مواردی از اختلافات قرائت منسوب به وی با قرائت رایج، در منابع ضبط شده است.[۲۸]

---

۲۲ . طبقات ابن سعد: ۳۳۸/۲، مصنف ابن ابی شیبه: ۱۴۸/۶، تاریخ یعقوبی: ۱۳۵/۲، سنن ابن ابی داود: ۱۰، کافی: ۱۸/۸، فهرست ابن ندیم: ۳۰، الاوائل عسکری: ۲۱۹/۱ ـ ۲۲۰، حلیة الاولیاء: ۶۷/۱، التسهیل ابن جُزَی: ۴/۱، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۲۷/۱، معرفة القراء ذهبی: ۲۸/۱.

۲۳ . طبقات ابن سعد: ۲۵۸/۲، معرفة القراء: ۲۸/۱، الاتقان: ۲۱۶/۱.

۲۴ . تاریخ الیعقوبی: ۱۳۵/۲ ـ ۱۳۶، مفاتیح شهرستانی: ۱۳۴/۱ ـ ۱۳۹ (به نقل از محمد بن خالد برقی، دانشمند نیمه اول قرن سوم، به احتمال در کتاب التنزیل وی [نجاشی: ۳۳۵]).

۲۵ . الاتقان: ۲۰۴/۱.

۲۶ . کتاب سلیم بن قیس: ۷۲، ۱۰۸، بصائر الدرجات: ۱۹۳، کافی: ۶۳۳/۲، نکت الانتصار: ۱۰۷، مفاتیح شهرستانی: ۱۲۰/۱، الاحتجاج: ۱۰۷/۱، ۲۲۵ ـ ۲۲۸، مناقب ابن شهر آشوب: ۴۲/۲. باید توجه داشت که گزارشی در مصنف عبدالرزاق: ۶/۴ ـ ۷ و صحیح بخاری: ۲۷۷/۲ (بخشی از آن نیز در مسند احمد: ۱۴/۱ و با اختلافی در مصنف ابن ابی شیبه: ۲۲۷/۱۵، الرد علی بِشر عثمان دارمی: ۱۳۰، تاریخ دمشق: ۲۶۶/۳۹) می گوید که امام علی (ع) در واکنش به گلایه مردم از عمال و جمع کنندگان زکات عثمان، متن مکتوب رهنمودها و توصیه های پیامبر (ص) را به عمال خود در باره جمع آوری زکات، به عثمان عرضه کرده و از او خواست تا به عاملان جمع آوری زکات دستور دهد تا از آن پیروی کنند، اما عثمان آن را نپذیرفت و گفت که نیازی به آن ندارد. امام علی (ع) مجبور شد آن را پس گیرد. شباهت میان این نقل با ماجرای عرضه مصحف قابل توجه است (برای توضیحات بیشتر بنگرید به پاورقی ش ۴۸).

۲۷ . معرفة القراء ذهبی: ۴۲/۱.

یک دانشمند سنی با نام ابوطاهر عبدالواحد بن عمر بغدادی بزّاز (م ۳۴۹)[۲۹] کتابی در باره قرائت امام علی (علیه السلام) نوشته بود.[۳۰] شماری از مؤلفان در باره قراءات قرآنی، اظهار نظر کرده اند که قرائت حفص[۳۱] از عاصم[۳۲] که از اعصار

ص: ۲۴

نخستین اسلامی قرائت رایج قرآن بوده، در واقع، قرائت امام علی (علیه السلام) است.[۳۳] باور چنین است که قرائت حفص به استثنای یک کلمه، همان قرائت عاصم می باشد.[۳۴] از عاصم چنین نقل شده که به حفص گفته بود: قرائتی که به او یاد داد، همان است که خود از ابوعبدالرحمن سُلَمی[۳۵] یاد گرفته و وی آن را از امام علی (ع) فرا گرفته بود.[۳۶] عاصم گفته است که هیچ گاه از قرائت سلمی خارج نشده و قرائت سلمی هم، هیچ گاه از قرائت امام علی (ع) فاصله نگرفته است.[۳۷] با این همه هیچ کدام از موارد اختلاف قرائت که به مصحف علی (ع) نسبت داده شده، در قرائت عاصم/حفص دیده نمی شود. شیعیان قرائت عاصم را به عنوان قرائت امام علی (ع) به رسمیت نمی شناسند،[۳۸] گرچه برخی به گرایش شیعی عاصم اشاره کرده اند.[۳۹]

ردیه نویسان سنی، از این نظریه که قرائت امام علی (ع) از طریق ابوعبدالرحمان سلمی به دست رسیده و این که قرائت سلمی اساسا اختلافی با قرائت رایج قرآن ندارد، [۴] برای حمله به استدلالات کلامی شیعیان نخستین و احتجاج

---

۲۸ . ابن جنّی نزدیک به شصت مورد از این اختلافات قرائت را در **محتسب** خویش آورده است. این موارد در کتاب او پراکنده است اما به مدد فهرست اعلام پایانی کتاب (۵۰۶/۲) می توان آنها را به دست آورد. بسیاری از این موارد وموارد دیگر، در سایر منابع نیز ضبط شده است از جمله در: **القراءات** سیاری: ۷۰ ب، **مصاحف** ابن ابی داود: ۵۳، **تأویل ما نزل من القرآن**: ۱۹۳، **بدیع ابن خالویه**: ۱۵۱، **المبانی فی نظم المعانی**: ۱۰۳، **مناقب ابن شهر آشوب**: ۱۱۰/۳ (به نقل از ابوالقاسم کوفی در **الرد علی اهل التبدیل**). نیز جِفْری: ۱۸۵ ـ ۱۹۲، **معجم القراءات القرآنیه**، مقدمه: ۱۵ ـ ۱۶ و منابعی که در آنجا یاد شده است.

۲۹ . در باره وی بنگرید: **فهرست ابن ندیم**: ۳۵، **تاریخ بغداد**: ۷/۱۱ ـ ۸ و بسیاری منابع دیگر که در پاورقی مصححان بر **سیر اعلام النبلاء ذهبی**: ۲۱/۱۶ و **تاریخ الاسلام**: ۲۵ (سالهای ۳۳۱ ـ ۳۵۰)/۴۲۴ آمده است.

۳۰ . نجاشی: ۲۴۷، **فهرست** طوسی: ۱۲۲.

۳۱ . حفص بن سلیمان کوفی (م ۱۸۰)، قاری قرآن و شاگرد اصلی عاصم و فرزند ناتنی او.

۳۲ . عاصم بن ابی النجود کوفی (م ۱۲۷)، یکی از قرّاء سبعه.

۳۳ . **مبسوط** ابن مهران: ۴۴، ۴۶ ـ ۴۷، ۴۸، ۵۱، ۱۹۹، **الغایة فی القراءات السبعة**: ۵۲، **التذکرة فی القراءات**: ۶۱/۱ ـ ۶۲، **غایة الاختصار** از ابوالعلاء همدانی: ۵۵/۱، **مبانی**: ۱۰۳، **الاقناع فی القراءات السبع**: ۱۲۴/۱، **معرفة القراء**: ۹۴/۱. نیز بنگرید: **فهرست** ابن ندیم: ۳۱، **المراتب ابوالقاسم بستی**: ۱۵۵.

۳۴ . **معانی القراءات**: ۹۹، **مبسوط** ابن مهران: ۵۶، **الغایة فی القراءات السبعة**: ۵۳.

۳۵ . ابوعبدالرحمن عبدالله بن حبیب السُلَمی (م ۷۳ ـ ۷۴)، راوی حدیث و قاری قرآن که چهل سال در مسجد جامع کوفه تدریس قرآن می کرده است.

۳۶ . **التذکره** ابوالعلاء همدانی: ۵۵/۱، **معرفة القراء**: ۹۲.

۳۷ . **مبسوط** ابن مهران: ۵۶. این مؤلف در جای دیگری نقل کرده است که ابوبکر بن عیاش (م ۱۹۳)، شاگرد دیگر عاصم، در ده مورد قرائت عاصم را تغییر داد تا آن را به طور کامل مطابق قرائت امام علی (ع) کند (**همان**: ۴۴۰. نیز بنگرید: **معرفة القراء**: ۲۷/۱، ۹۱، ۹۲).

۳۸ . به طور خاص بنگرید: **سعد السعود**: ۵۵۴.

۳۹ . **نقض**: ۲۱۲ ـ ۲۱۳، ۲۳۸.

آنان به این مسأله که امام علی (ع) مصحفی متفاوت از قرآن عثمانی داشته است، بهره برداری کرده اند.[۴۰] این مسأله این پرسش را به خاطر می آورد که آیا ایده یکی بودن قرائت امام علی (ع) با قرائت عاصم، اصولا از آغاز

ص: ۲۵

به همین منظور طرح نشده بود تا از آن به عنوان وسیله ای برای خلع سلاح شیعیان در استدلالات کلامی استفاده شود؟

۲ ـ کتاب علی (ع)

بر اساس یک نقل قدیم، امام علی (ع) یک بار در محضر پیامبر (ص) دیده شده بود که مطالبی را که از پیامبر (ص) می شنید، بر ورقی از پوست می نوشت.[۴۱] ارجاعات به آن نوشته و نقل از متنی که بر اساس اعتقاد عام، امام علی (ع) آن را از سخنان پیامبر (ص) تألیف کرده بود، در روایات قرن دوم هجری فراوان است. بر اساس یک روایت، عطاء بن ابی رباح، فقیه مکه در اوائل قرن دوم (م ۱۱۴) از این متن آگاه بوده و تردیدی نداشت که آن تألیف امام علی (ع) بوده است.[۴۲] برخی از روایات آن متن را به عنوان یک طومار هفتاد ذراعی از پوست وصف کرده اند.[۴۳] این همان وصفی است که برای طوماری دیگر با نام جامعه در برخی از روایات آمده است.[۴۴] گفته می شود که هر دو متن، شامل آگاهی هایی بود که مردم به دانستن آن در ابواب حلال و حرام و فرائض (ارث)،[۴۵] و حتی دیه خراش ها[۴۶] نیاز دارند. چنین

---

۴۰ . **نکت الانتصار**: ۷۰، ۳۷۸، **مبانی**: ۶۰. برای این بحث و نظرات شیعه در این باره بنگرید به مقاله نگارنده کتاب با عنوان:

Early Debates on the Integrity of the Qur'an، صص ۲۴-۲۸

۴۱ . **بصائر**: ۱۶۳ (بند ش ۴، نیز بنگرید: ۱۶۰، بند ش ۳۱)؛ **الامامة و التبصرة**، علی بن بابویه، ۱۷۴، **المحدث الفاصل**: ۶۰۱، **ادب الاملاء** سمعانی: ۱۲ ـ ۱۳، **محاسن الاصطلاح**: ۳۰۰.

۴۲ . **الام** شافعی: ۱۲۶/۲.

۴۳ . **بصائر**: ۱۴۲ ـ ۱۴۶ (ش ۳، ۵، ۶، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱)، ۱۴۷ ـ ۱۴۹ (ش ۱، ۲، ۵، ۷، ۱۲)، ۱۵۱ (ش ۲)، ۱۵۵ (ش ۱۰)، ۱۵۹ (ش ۲۶) که همه، ابعاد مذکور را یادآور می شوند. این نکته که این متن روی پوست نوشته شده بود، در **بصائر**: ۱۴۲ (ش ۲) و ۱۴۷ (ش ۵) یاد شده است. برخی دیگر، آن را تنها به عنوان یک طومار بزرگ، بدون تعیین ابعاد دقیق، یاد کرده اند چنان که در نجاشی: ۳۶۰ (نیز بنگرید: **بصائر**: ۱۴۸ ـ ۱۴۹ [ش ۹، ۱۲]، ۱۶۳ [ش ۳]، ۱۶۴ [ش ۶]، ۱۶۸ [ش ۲۴])، یا آن که آن در حالت پیچیده در حجم ران انسان (**بصائر**: ۱۶۵ [ش ۱۴]) یا ران شتر (**همان**: ۱۴۲ [ش ۲]، **کافی**: ۹۴/۷) بود.

۴۴ . **بصائر**: ۱۴۲ ـ ۱۴۶ (ش ۲، ۴، ۸، ۹، ۱۵، ۲۲)، ۱۴۸ ـ ۱۵۰ (ش ۸، ۱۳، ۱۶)، ۱۵۲ ـ ۱۵۳ (ش ۳، ۶)، ۱۵۷ (ش ۱۹)، ۱۶۰ (ش ۳۱)، **من لایحضر**: ۴۱۹/۴، **خصال**: ۵۲۸. این نکته که **جامعه** روی پوست بوده، در **بصائر**: ۱۴۲ (ش ۲)، ۱۴۹ (ش ۱۳)، ۱۵۳ (ش ۶، با ذکر این مطلب هم که آن در حالت پیچیده در حجم ران شتر بود. نیز **کافی**: ۲۴۱/۱) و **کافی**: ۲۳۹/۱، ۲۴۱ آمده است.

۴۵ . برای این توصیف در باره **کتاب علی** بنگرید: **بصائر**: ۱۴۲ ـ ۱۴۶ (ش ۱، ۳، ۷، ۱۱، ۱۸)، ۱۴۸ (ش ۷)، ۱۴۹ (ش ۱۴)، ۱۵۴ (ش ۷)، ۱۶۴ (ش ۱۰)، ۱۶۶ (ش ۱۸)، **تفسیر عیاشی**: ۲۵/۱ ـ ۲۶، **کافی**: ۲۴۲/۱. در باره **جامعه** بنگرید: **بصائر**: ۱۴۲ ـ ۱۴۶ (ش ۴، ۸، ۹، ۱۵، ۲۲، ۲۳)، ۱۴۸ (ش ۸)، ۱۵۰ (ش ۱۶)، ۱۵۲ (ش ۳)، ۱۵۷ (ش۱۹)، ۱۶۱ (ش ۳۳)، **کافی**: ۲۳۹/۱، ۲۴۱.

ص: ۲۶

وصفی به لحاظ مواد، اندازه [۵] و محتوا در باره متن دیگری که مصحف (یا کتاب) فاطمه نامیده می شد، نیز وجود دارد.[۴۷] اما آن نکته که بیان می کرد که این متن مشتمل بر همه چیزهایی است که مردم به آن نیاز دارند، حتی دیه خراش ها، گاهی در باره متن دیگری که جفر[۴۸] خوانده می شد، نیز آمده است. باور عمومی در باره دو متن اخیر نیز آن بود که آنها حاوی مطالبی بودند که امام علی (ع) از روی گفته های پیامبر (ص) نوشته بود.[۴۹] ولی ارجاعات و نقلها از دو متن اخیرالذکر، غالبا در مورد اثر اول[۵۰] و تماما در باره اثر دوم،[۵۱] در موضوع مغیبات و ملاحم است. تمامی این متون از میراث مکتوب خاندان پیامبر (ص) به شمار می آمد، میراثی که بسیاری از شیعیان متقدم بر این باور بودند که در سلسله ائمه اطهار (ع) دست به دست منتقل شده[۵۲] و آنان را از علم خاصی بهرهور می سازد که بر تمامی امت از جمله دانشمندان، آنان را برتری می بخشد.[۵۳] یک نویسنده معاصر در تحلیل خود از نقلهای بالا نتیجه گیری کرده است که این سخنان همگی از همان روایت اولی که امیرمؤمنان (ع) را در محضر پیامبر

ص: ۲۷

---

۴۶ . برای **کتاب علی** بنگرید: **بصائر**: ۱۴۲ ـ ۱۴۳ (ش ۳، ۶، ۱۰، ۱۱، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۱)، ۱۴۷ ـ ۱۴۸ (ش ۱، ۶، ۷، ۱۱)، ۱۵۵ (ش ۱۰، ۱۲)، ۱۵۹ (ش ۲۶)، ۱۶۴ (ش ۵)، ۱۶۶ (ش ۱۸). در باره **جامعه** بنگرید: **همان**: ۱۴۲ ـ ۱۴۶ (ش ۲، ۴، ۸، ۱۵، ۲۲)، ۱۴۸ (ش ۸) ۱۵۲ (ش ۳)، ۱۵۳ (ش ۶)، ۱۶۰ (ش ۳۱)، **کافی**: ۲۳۹/۱، ۲۴۱.

۴۷ . **بصائر**: ۱۵۰ ـ ۱۵۱ (ش ۱)، ۱۵۳ (ش ۵)، ۱۵۶ (ش ۱۴)، ۱۶۱ (ش ۳۳)، **کافی**: ۲۴۰/۱، **خصال**: ۵۲۸. نیز بنگرید: **کافی**: ۵۰۷/۳. برای وصف هایی مخالف از این مصحف بنگرید: **بصائر**: ۱۵۲ ـ ۱۵۴ (ش ۳، ۶)، ۱۵۷ (ش ۱۸)، ۱۵۸ (ش ۲۱)، ۱۵۹ (ش ۲۷)، **کافی**: ۲۴۰/۱، ۲۴۱. مقایسه کنید با: **بصائر**: ۱۵۲ (ش ۳)، ۱۵۳ (ش ۶)، ۱۵۷ ـ ۱۵۸ (ش ۱۹)، ۱۶۱ (ش ۳۳)، **کافی**: ۲۳۹/۱، ۲۴۱ (ش ۵)، **خصال**: ۵۲۸ که در این موارد آن دو اثر از یکدیگر قاطعانه تفکیک شده اند.

۴۸ . **بصائر**: ۱۵۵ (ش ۱۲)، ۱۵۶ (ش ۱۴)، **من لایحضر**: ۴۱۹/۴، **خصال**: ۵۲۸. نیز بنگرید: **بصائر**: ۱۵۶ (ش ۱۵)، ۱۶۰ (ش ۳۰)، ۱۶۱ (ش ۳۴)، موردی که کتاب یاد شده را مشتمل بر چیزهایی می شناسد که مردم از احکام شریعت (حلال و حرام) به آن نیاز دارند. روایت **من لایحضر** می گوید که آن متن، حاوی تمامی علوم است.

۴۹ . در باره **مصحف فاطمه** بنگرید: **بصائر**: ۱۵۰ ـ ۱۶۱ (ش ۵، ۱۴، ۱۹، ۳۳). مقایسه کنید با نقلهای مخالف در **همان**: ۱۵۰ ـ ۱۶۱ (ش ۳، ۱۸، ۲۷). در باره **جفر**، بنگرید: **همان**: ۱۵۵ ـ ۱۶۱ (ش ۱۰، ۱۲، ۱۵، ۲۶، ۳۰، ۳۴).

۵۰ . برای نمونه بنگرید: ۱۶۱ (ش ۳۲)، ۱۶۹ (ش ۳)، ۱۷۰ (ش ۷)، **الامامة** علی بن بابویه: ۱۸۰، **کافی**: ۲۴۱/۱، ۲۴۲، ۵۸/۸. نیز بنگرید: **بصائر**: ۱۵۸ (ش ۲۳) که در آن گفته شده که مصحف فاطمه (س) پس از رحلت امام محمد باقر (ع) (م ۱۱۴ ـ ۱۱۷) [از سوی خدا] باز گرفته شد [قُبِض].

۵۱ . بنگرید به مقاله «جفر» در دائرة المعارف اسلام، ویرایش دوم: ۳۵۷/۲ ـ ۳۷۷ (از T. Fahd).

۵۲ . **بصائر**: ۱۶۲ ـ ۱۶۷ (ش ۱، ۳، ۷، ۸، ۹، ۱۲، ۱۷، ۲۰)، **کافی**: ۲۷۶/۱، ۲۹۷ ـ ۲۹۸، **دعائم الاسلام**: ۲۷/۱، ۳۴۶/۲ ـ ۳۴۷، **من لایحضر**: ۱۸۹/۴، ۴۱۹، **تهذیب**: ۱۷۶/۹.

۵۳ . **بصائر**: ۱۴۲ ـ ۱۴۶، ۳۲۶ ـ ۳۲۸، **احتجاج**: ۶/۲ ـ ۷.

در حال یادداشت سخنان ایشان نشان می داد گرفته شده و آن یک روایت به تدریج رشد کرده و به اینجا رسیده است.[54] این اظهار نظر چه درست باشد یا نباشد، [۶] به هر حال این روایات متکثّره، عثمانی ها را به مقابله واداشت و آنان سخنی را به امام علی (ع) نسبت دادند

ص: ۲۸

که به طور صریح می گفت وی چیزی از پیامبر (ص) دریافت نکرده مگر یک ورقه کوچک به اندازه یک انگشت[55] محتوی سه جمله کوتاه که او از پیامبر (ص) شنیده[56] و آن نوشته را در غلاف شمشیر خود داشت.[57] متن این جملات

۵۴ . این اظهار نظر، بر این فرض مبتنی است که روایت نخست، در دو جهت، دامن گسترده است: **الف** در ابعاد، از یک پاره پوست که امام علی (ع) تمامی متن و حواشی آن را پر کرد (**بصائر**: ۱۶۳، **المحدث الفاصل**: ۶۰۱)، آن هم پوستی از گوسفند، نه بزرگ و نه کوچک (**بصائر**: ۱۵۵ [ش ۱۲]، ۱۶۵ [۱۴])، به پوست گاو (**کافی**: ۲۴۱/۱، گرچه در **بصائر**: ۱۵۶ [ش ۱۴] این مطلب را انکار می کند)، و از آنجا به دو پوست، یکی از گوسفند و دیگری از بز (**بصائر**: ۱۵۹ [ش ۲۶]، اما در **من لایحضر**: ۴۱۹/۴ [نیز **خصال**: ۵۲۸] این کتاب **جفر** است که روی یک پوست گوسفند و یک پوست بز نوشته شده بود)، و از آن به یک طومار هفتاد ذراعی (چنان که گذشت)، سپس به یک کیسه بزرگ ساخته شده از پوست گاو محتوی چندین کتاب (**همان**: ۱۵۶ [ش ۱۵]، ۱۶۰ [ش ۳۰]، ۱۶۱ [ش ۳۴])، سپس دو کیسه بزرگ پر از کتاب و اشیاء دیگر (**بصائر**: ۱۵۱ ـ ۱۵۴ [ش ۲، ۹، ۱۰، ۱۲]). **ب**: از نظر محتوا، از احکام مربوط به حلال و حرام به مغیبات و ملاحم که اولا به **کتاب علی** منسوب می شد و بعدا کتاب دیگری با نام **مصحف فاطمه** بر آن افزوده شد، نیز کتاب سومی با نام **جامعه** که احیانا ـ همان گونه که گذشت ـ کتابی جز کتاب علی (ع) دانسته می شد، و کتاب چهارمی با عنوان **جفر** (در واقع، نه یک جفر، بلکه دو عدد، کوچک و بزرگ [**من لایحضر**: ۴۰۹/۴، **خصال**: ۵۲۸])، و سپس کتابی که در آن اسامی تمام شیعیان ثبت شده بود تا ائمه (ع) پیروان خویش را بشناسند (**بصائر**: ۱۷۰ ـ ۱۷۲) که آن متن هم به اندازه ران شتر بوده است (**همان**: ۱۷۳ [ش ۱۰]) و گاه همراه نوشته ای دیگر بود که در آن اسامی تمام دشمنان امامان (ع) تا روز قیامت ثبت شده بود (**من لایحضر**: ۴۱۹/۴، **خصال**: ۵۲۸، **کتاب الضیاء**، سعد بن عبدالله اشعری به نقل **خلاصة الفوائد طالقانی**: ۲۹۶ ـ ۲۹۷. در حقیقت این دو متن، شب معراج، به پیامبر (ع) داده شده بود و آن حضرت، آنها را به امام علی (ع) سپرد [**بصائر**: ۱۹۲])، و سپس متنی دیگر با نام همه حاکمان آینده (**همان**: ۱۶۹ [ش ۵]، **العبّاسی ابن سمکه**: ۱۸۴ ـ ۱۸۵)، گرچه گاهی گفته می شد که لیست نام حاکمان آینده در **کتاب علی** (**بصائر**: ۱۶۹، [ش ۱]، **مقاتل الطالبیّین**: ۱۴۲) یا در **کتاب یا مصحف فاطمه** (**بصائر**: ۱۶۹ [ش ۳، ۷]، **کافی**: ۲۴۲/۱) آمده است. چنان که گاه اظهار می شد که آن نوشته مشتمل بر اسامی انبیا هم بوده است (**بصائر**: ۱۶۹ [ش ۴، ۶]). یا دو متن، یکی مشتمل بر اسامی انبیا و دیگری اسامی سلاطین و حکام (**همان**: ۱۶۹ [ش ۲]، **کافی**: ۲۴۲/۱ [ش ۷] . **دعائم**: ۳۴۷/۲ دارد که امام علی (ع) به حسنین (ع) «کتاب قرآن و کتاب علم و وصیت سرّی که در آن برای آنان اسامی ملوک دنیا، طول زمان دنیا، و اسامی داعیان [شاید به معنی ائمه] را تا روز قیامت نوشته بود» سپرد). از سوی دیگر، در حالی که جریان اصلی و توده شیعیان کتاب علی را یک کتاب بشری می دانست، غالیان آن را همان کتاب مکنون الهی که در قرآن از آن یاد شده (واقعه: ۷۸) می پنداشتند (**غیبت نعمانی**: ۳۲۷). یک مطلب مشابه در اینجا قابل ذکر است که بر اساس روایتی در **کافی**: ۵۳۰/۱، **کمال الدین**: ۲۹۵ و **تفسیر عیاشی**: ۱۶ ـ ۱۷ دانشمندترین رهبر مذهبی یهود در زمان عمر، کتابی به املای موسی (ع) و خط هارون داشته است. روایت معروفی از پیامبر (ص) که میان شیعیان به حدیث منزلت معروف است می گوید که علی نسبت به پیامبر همان موقعیت را داشت که هارون نسبت به موسی، جز آن که علی بر خلاف هارون، پیغمبر نبود.

۵۵ . **حلیة الاولیاء**: ۱۶۴/۴.

۵۶ . شیعیان باطنی، به سهم خود، بدون اتلاف وقت، عمل متقابل کرده و گفتند که هر حرفی از آن جملات، رمزی برای بازگشودن هزار باب علم بوده است (**بصائر**: ۳۰۷ ـ ۳۰۸، **کافی**: ۲۹۶/۱، **خصال**: ۶۴۹).

۵۷ . **کتاب السیر فزاری**: ۲۶۰، **مسند طیالسی**: ۹۰/۱، ۱۵۴، **مسند حمیدی**: ۱۷۲/۱ ـ ۱۷۳، **مصنف عبدالرزاق**: ۲۶۳/۹، ۹۹/۱۰، **مصنف ابن ابی شیبه**: ۲۹۳/۹، **مسند احمد**: ۷۹/۱، ۸۱، ۱۰۰، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۴۲، ۱۵۱، **الاموال ابن زنجویه**: ۴۴۱ ـ ۴۴۲، **صحیح بخاری**: ۲۸۹/۴، **صحیح مسلم**: ۹۹۵ ـ ۹۹۹، ۱۱۴۷، **سنن ابن ماجه**: ۸۸۷، **سنن ترمذی**: ۶/۴. بنا به روایت دیگر، آن نوشته در شمشیر پیامبر (ص) بوده است که پس از رحلت آن حضرت،

کوتاه به صورت های مختلفی روایت شده است.[58] [7] طبق معمول،[59] برخی حتی تحمل دیدن این مقدار را هم در غلاف شمشیر علی

ص: ۲۹

مردم (**مسائل علی بن جعفر**: ۲۹۲، **مسند شافعی**: ۹۷/۲ [نیز بنگرید: **اموال ابن زنجویه**: ۴۴۲، **محاسن**: ۱۰۵، **کافی**: ۲۷۵/۷، **من لایحضر**: ۹۸/۴، **سنن بیهقی**: ۲۶/۸]، **دیات ابن ابی عاصم**: ۳۶) یا امام علی (ع) (**محاسن**: ۱۷ ـ ۱۸، **مسند ابی یعلی**: ۲۷۷/۱، **سنن بیهقی**: ۳۲۴/۸) آن را یافتند. روایتی در **کامل** ابن عدی: ۱۴۰۸ می گوید که این، حضرت زین العابدین علی بن الحسین (ع) بود که آن ورقه را از غلاف شمشیر پیامبر (ص) خارج ساخته بود. گزارش دیگری در **طبقات** ابن سعد: ۷۸/۵ این مسأله را به محمد بن حنفیه نسبت داده است که گفته بود که خاندان علی (ع) چیزی جز قرآن (کذا) و ورقه ای که ابن حنفیه آن را در غلاف شمشیرش داشته و دارای همان مطالبی بوده است که در اخبار دیگر به امام علی (ع) منسوب شده، از پیامبر به ارث نبرده اند. این، پاسخ محمد بن حنفیه به حامیان مختار ثقفی (م ۶۷) بود که مدعی بودند که محمد بن حنفیه دارای علم خاصی است.

۵۸. رفعت فوزی عبدالمطلب بیشتر این نقل های مختلف را در کتابچه ای تحت عنوان **صحیفة علی بن ابی طالب عن رسول الله (ص)** گردآوری کرده است. برای کاری مشابه در باره همان نقل های مختلف بنگرید: **مکاتیب الرسول** میانجی: ۱۰۶/۲ ـ ۱۳۰، ۱۵۴ ـ ۱۵۶، ۱۷۶ ـ ۱۷۷. نیز بنگرید به پاورقی مصححان بر **مسند طیالسی**: ۹۰/۱ ـ ۹۱، ۱۵۲، **مسند ابی یعلی**: ۲۸۲/۱ ـ ۲۸۳، و **مسند احمد**: (بیروت: ۱۹۹۵ م) ۳۶/۲ ـ ۳۷، ۵۲، ۲۶۵، ۲۶۸، ۲۸۶، ۳۰۴، ۳۰۵، ۴۲۸ـ ۴۲۹. برای یک اشتباه احتمالی در رایج ترین نسخه آن متن، بنگرید به پاورقی مصحح بر **صحیح مسلم**: ۹۹۵ ـ ۹۹۸ (و از آنجا **مسند احمد** [بیروت: ۱۹۹۵]: ۵۲/۲).

۵۹. بنگرید به مقاله این نویسنده با عنوان Early Debates on the Integrity of the Qur'an، صص ۱۹ ـ ۲۱. برای هدف مناظره ای این قبیل نقلها، برای نمونه بنگرید: **مستدرک حاکم**: ۱۵۳/۴، **فتح الباری**: ۱۸۲/۱، ۷۴/۴. این هدف به خصوص در نقلهایی به روشنی دیده می شود که بر اساس آن امام علی (ع) به خدا سوگند یاد می کند که به جز این کلمات کوتاه، چیزی خاص که پیامبر فقط به او گفته و با دیگران در میان نگذارده باشد از آن حضرت دریافت نکرده است (**کتاب السیر فزاری**: ۲۲۰، **مسند طیالسی**: ۹۰/۱، **مصنف عبدالرزاق**: ۱۰۰/۱۰، ۴۴۹/۱۱، **مسند حمیدی**: ۱۷۲/۱ ـ ۱۷۳، **الام شافعی**: ۳۳/۶، ۲۹۲/۷، **مصنف ابن ابی شیبه**: ۲۹۳/۹، **مسند احمد**: ۷۹/۱، ۸۱۱۰۰، ۱۰۲، ۱۱۹، ۱۴۲، **تاریخ مدینه ابن شبه**: ۱۱۶۶، **صحیح بخاری**: ۲۸۹/۴. نیز بنگرید: **مصنف ابن ابی شیبه**: ۵۶۶/۶، **مسند احمد**: ۱۰۸/۱، **صحیح مسلم**: ۱۹۶۷، **کتاب السنه عبدالله بن احمد**: ۲۱۷ که در این موارد اخیر امام علی (ع) وقتی از او می پرسند که آیا پیامبر (ص) چیز خاصی بدو گفته است، عصبانی می شود، یا می گوید که هر کس ادعا کند که او چیز خاصی از پیامبر (ص) دریافت کرده است، کذاب است [**مصنف ابن ابی شیبه**: ۱۹۸/۱۴، **مسند احمد**: ۸۱/۱، **صحیح مسلم**: ۹۹۵، ۱۱۴۷، **سنن ترمذی**: ۶/۴، **کتاب السنه عبدالله بن احمد**: ۲۱۸ ـ ۲۱۹، **مسند ابی یعلی**: ۲۲۸/۱]). این منظور با گزارش های دیگری هم تأیید می شود که در آن امام علی (ع) به عبدالله بن سبا ـ که سنیان او را بنیانگذار مکتب تشیع می دانند ـ می گوید که پیامبر (ص) چیز خاصی به او (امام علی [ع]) نداده است که از دیگران پنهان کرده باشد و تو (که چنین نسبتی به من می دهی) دروغگو هستی (**کتاب السنه** ابن ابی عاصم: ۶۷۴/۲ ـ ۶۷۵، **کتاب السنه** عبدالله بن احمد: ۲۳۱، **مسند ابی یعلی**: ۳۴۹/۱ ـ ۳۵۰). این مطلب باز با این مورد هم تأیید و دنبال می شود که در برخی روایات، سعی شده است تا این مطلب به مالک اشتر نیز که صحابی نزدیک امام علی (ع) بوده و شیعیان به وی علاقه فراوانی داشتند و در مقابل، عثمانیه به طور ویژه از او نفرت داشتند چون بر حسب باور آنان وی در شمار قاتلان عثمان بوده است (یک روایت در مورد سخن ما حتی از بردن نام وی هم دریغ کرده و به او به عنوان «کسی که راوی از او یاد کرد» اشاره می کند [**محلی** ابن حزم: ۳۵۳/۱۰]. برای نمونه دیگری از کینه عثمانیه نسبت به او بنگرید: **مصنف عبدالرزاق**: ۴۵۰/۱۱) نسبت دهند. در این نقل آمده است که مالک اشتر به سوی امام علی (ع) دوید تا به او اطلاع دهد که امت به خاطر مطالبی که [در مورد فضائل او] شنیده اند، میانشان اختلاف افتاده و او باید صریحا روشن کند که آیا وصیت خاصی از پیامبر (ص) دریافت کرده است یا نه؟ امام در جواب می گوید که پیامبر (ص) به جز یک متن کوتاه، چیزی که فقط به او داده و از دیگران دریغ کرده باشد، به وی نداده است (**سنن نسائی**: ۳۳۵/۶، ۵۶/۸، **معجم اوسط طبرانی**: ۲۶۷/۵ [نیز بنگرید: **مسند احمد**: ۱۱۹/۱، ۱۲۲، ۱۲۷/۵ ـ ۱۲۸، و از آنجا در **سنن ابی داود**: ۱۸۰/۴ ـ ۱۸۱]، **مسند ابی یعلی**: ۴۶۲/۱، **مستدرک حاکم**: ۱۴۱/۲، **سنن بیهقی**: ۱۹۴/۸ [مقـ : **مصنف عبدالرزاق**: ۴۴۹/۱۱، **مسند احمد**: ۱۴۲/۱ ـ ۱۴۳، ۱۴۸، **تاریخ مدینه ابن شبه**: ۱۱۶۶ ـ ۱۱۶۷، **مسند ابی یعلی**: ۲۷۲/۱، **سنن بیهقی**: ۲۹/۸]).

(ع) نداشته و آن را در غلاف شمشیر عمر قرار داده اند.[۶۰]

باور چنین بوده است که کتاب علی (ع) در اختیار امامان: زین العابدین،[۶۱] محمد باقر[۶۲] و جعفر صادق[۶۳] (علیهم السلام) بوده است. دو امام اخیر، به تکرار از آن کتاب، روایت

ص: ۳۰

می کردند، گرچه برخی از نقلهای امام صادق (ع)، به نقل از پدرشان بوده است.[۶۴] امامان بعدی هم گاهی از آن روایت می کردند.[۶۵]

[۸] اکثریت قریب به اتفاق این روایات، مشتمل بر احکام فقهی است، گرچه شمار اندکی روایت باطنی نیز بعدا به آن منسوب شده است. در موارد اندکی، روایت نقل شده، از کاری حکایت می کند که پیامبر اکرم (ص) یا امیرمؤمنان(ع) انجام داده یا نداده بودند،[۶۶] جمله ای که عادتا نمی توانسته توسط پیامبر (ع) املا و توسط امیرمؤمنان نوشته شده باشد. باید توجه داشت که در قرون اوّلیه، متونی وجود داشته که شیعیان در باره فضائل امام علی (ع) و گفته ها و سیره آن حضرت نوشته بودند که در بسیاری از موارد، در قالب روایت و نقل از آن حضرت بود. اشاراتی به این نوع نوشته ها نیز در برخی کتابشناسی های عمومی و فهارس یافت می شود.[۶۷] منظور از نام «کتاب علی» در مورد نقل هایی که به وصف سیره امام می پردازد، می تواند یک یا دیگری از این قبیل آثار باشد.

---

۶۰ . **مصنف عبدالرزاق**: ۹/۴، **سنن بیهقی**: ۹۰/۴.

۶۱ . **کافی**: ۱۶۳/۸ (مقـ : **همان**: ۱۳۱/۸).

۶۲ . **بصائر**: ۱۶۵، نجاشی: ۹۶۶، (نیز بنگرید: **تهذیب**: ۱۴۲/۱، **العقد الثمین**: ۹۳).

۶۳ . **رجال کشی**: ۳۷۶، (نیز بنگرید: **کافی**: ۳۹۷/۳). بر اساس توارث در سلسله امامت، طبیعی بود که برخی تصور کنند که این کتاب از امام صادق (ع) به فرزند و جانشینش امام کاظم (ع) منتقل شده باشد (**قرب الاسناد**: ۳۱۷، **غیبت نعمانی**: ۳۲۷). ولی بر اساس نسخه ای از یک روایت که در **بصائر**: ۱۶۶ ـ ۱۶۷ از امام صادق (ع) نقل شده ایشان فرمودند که کتاب علی را به خاطر احتیاط، دفن نموده اند (که مبادا به دست حکومت جائر بیفتد؟).

۶۴ . **اصل زید زرّاد**: ۳ ـ ۴ (و از آنجا در **معانی الاخبار**: ۱ ـ ۲)، **مصنف عبدالرزاق**: ۵۳۲/۴، **قرب الاسناد**: ۹۲ (به نقل از «کتابی از علی»)، **من لایحضر**: ۶۱۴/۳ (نیز **علل**: ۱۸۸/۲، **تهذیب**: ۴۸۱/۷)، **محلی** ابن حزم: ۱۰۲/۷ ـ ۱۰۳.

۶۵ . برای نمونه: **کافی**: ۴۵۲/۵ (به نقل از امام کاظم [ع])، **کشف الغمه**: ۱۳۶/۳ (به نقل از امام جواد [ع])، **مروج الذهب**: ۸۲/۵ ـ ۸۳ (به نقل از امام هادی [ع]).

۶۶ . بنگرید: روایتی در **تهذیب**: ۱۰۸/۱۰، که از «کتاب علی» نقل می کند که پیامبر (ص) بیش از یک دست و یک پا را در مجازات دزدی قطع نمی فرمود (حتی برای مجرمینی که عمل دزدی را تکرار کرده باشند)، **محاسن**: ۲۷۳ (نیز: **کافی**: ۱۷۶/۷، **من لایحضر**: ۷۵/۴) که از «کتاب علی»، رویّه آن امام را در اجرای حدود نقل می کند. نیز **تهذیب**: ۸۲/۸ که در آن گفتگوی پیامبر با یک زن و **کافی**: ۶۶۶/۲ (نیز: ۳۱/۵ به نقل از «کتابی از علی») که در آن متن دستورالعمل پیامبر (ص) به مهاجرین و انصار از «کتاب علی» نقل شده است.

۶۷ . بنگرید مدخل های خلاس بن عمرو هَجَری (**الجرح و التعدیل**: ۴۰۲/۳ [صحف عن علی]، ۴۰۲ ـ ۴۰۳ [کتاب عن علی»]،مراسیل ابن ابی حاتم: ۵۵، **ضعفاء عقیلی**: ۲۹/۲، **میزان الاعتدال**: ۶۵۸/۱، **تهذیب الکمال**: ۳۶۵/۸) و ابوهارون عبدی (م ۱۳۴) (**تاریخ یحیی بن معین**: ۱۴۶/۴ [بخوانید: «هذه صحیفة الوصی» چنان که در سایر منابع آمده است]، **ضعفاء عقیلی**: ۳۱۴/۳، **الجرح و التعدیل**: ۳۶۴/۶، **کامل ابن عدی**، ۱۷۳۲، **مجروحین ابن حبان**: ۱۷۷/۲).

چنین است فهرستی از روایات نقل شده از کتاب علی در منابع کهن:[68]

ص: ۳۱

الف . فروع

نماز:

ـ الاُمّ: ۱۲۶/۲

ـ بصائر: ۱۶۵

ـ کافی: ۳۹۷/۳ (از «کتابی به املاء پیامبر»)، ۱۷۶/۳

ـ تهذیب: ۲۳/۲، ۲۵۱، ۱۰۲/۲، ۲۴۳، ۲۸/۳ (نیز بنگرید: همان: ۱۴۲/۱)

روزه

ـ تهذیب: ۱۵۸/۴

[۹] حج:

ـ نوادر بزنطی: ۳۳ (نیز تهذیب: ۱۵۲/۵)

ـ کافی: ۳۴۰/۴ (نیز من لایحضر: ۳۳۸/۲، علل: ۹۴/۲ [فی کتاب جدّی])، ۳۶۸ (نیز تهذیب: ۳۲۹/۱)، ۳۸۹ ـ ۳۹۰ (دو نسخه مختلف، نیز در تهذیب: ۳۵۵/۵ [و ۳۵۷ با اختلاف در عبارت])، ۳۹۰ (نیز تهذیب: ۳۴۴/۵)، ۵۳۴

ـ محلی ابن حزم: ۱۰۲/۷ ـ ۱۰۳ (به نقل از عبدالرزاق)

جهاد

ـ کافی: ۶۶۶/۲، ۳۱/۵ (در مورد دوم «فی کتاب لعلی»)

معاصی و مناهی

ـ کتاب الزهد حسین بن سعید: ۳۹ (نیز کافی: ۳۴۷/۲، عقاب: ۲۶۱ [تکرار شده در: ۲۷۰ ـ ۲۷۱]، خصال: ۱۲۴).

ـ تفسیر عیاشی: ۲۲۳/۱ (نیز عقاب: ۲۷۸)

ـ کافی: ۷۱/۲ ـ ۷۲، ۲۷۸ ـ ۲۷۸، ۵۴۱/۵ (نیز امالی صدوق: ۳۸۵، علل: ۲۷۱/۲، عقاب: ۳۰۱، مقـ : کافی: ۳۷۴/۲ که در آن یک نسخه طولانی تر از همین روایت، از طریق دیگر، به «کتاب رسول الله» منسوب شده است.)

ـ امالی صدوق: ۵۰۹ ـ ۵۱۸ (نیز: من لایحضر: ۴/ ۳ ـ ۱۸)

ـ علل: ۱۶۰/۲ ـ ۱۶۱ (نیز خصال: ۲۷۳/۱)

بیع

ـ اصل علاء بن رزین: ۱۵۳ (و از آنجا در من لایحضر: ۴۵۲/۳)

ـ تفسیر عیاشی: ۲۵/۲ (نیز کافی: ۴۰۷/۱، ۲۷۹/۵ ـ ۲۸۰)

---

۶۸. بسیاری از این نقلها در **مکاتیب الرسول** میانجی: ۱۳۵/۲ ـ ۳۱۳ و اندکی از آن ها در **تدوین السنة** جلالی: ۶۴ ـ ۷۰ و **کتاب علی** مصطفی قصیر العاملی: ۲۳ ـ ۳۸ آمده است. نقلها به ترتیبی فهرست شده که به حسب قاعده باید در یک اثر بازسازی شده به آن شکل مدوّن شود. ترتیب نقل ها پیشنهادی است.

ـ کافی: ۱۳۶/۵

نکاح و طلاق

ـ امالی احمد بن عیسی: ۵۱/۳

ـ نوادر احمد بن محمد بن عیسی: ۷۹ (نیز تهذیب: ۴۳۲/۷)، ۸۷ (نیز کافی: ۴۵۲/۵)

ـ من لایحضر: ۴۱۶/۳ (نیز علل: ۱۸۸/۲، تهذیب: ۴۸۱/۷، ۴۹۱)

ـ تهذیب: ۸۲/۸

اطعمه و اشربه

ـ مسائل علی بن جعفر: ۱۱۵ (نیز کافی: ۲۱۹/۶، ۲۲۰ (با اختلاف در عبارت)، تهذیب: ۲/۹، ۴، ۵ (نیز: ۶) [۱۰] ـ مصنف عبدالرزاق: ۵۳۲/۴ (نیز سنن بیهقی: ۲۵۸/۹)

ـ تفسیر عیاشی: ۲۹۴/۱، ۲۹۵ (نیز کافی: ۲۰۲/۶، ۲۰۷)

ـ کافی: ۹/۳ (نیز تهذیب: ۲۲۷/۱ [نیز ۸۶/۹ با اختلاف در عبارت])، ۲۳۲/۶، ۲۴۶، ۲۵۵

ـ من لایحضر: ۳۳۰/۳

قضا و شهادات

ـ کافی: ۴۱۴/۷ ـ ۴۱۵ (دو نسخه مختلف)

ارث

ـ بصائر: ۱۶۵

ـ کافی: ۷۷/۷، ۱۱۹، ۱۳۶

ـ من لایحضر: ۲۶۳/۴ (مقـ : تهذیب: ۳۰۸/۹)

ـ معانی الاخبار: ۲۱۷ (نیز تهذیب: ۲۱۱/۹)

ـ تهذیب: ۳۲۵/۹ ـ ۳۲۶

روایات متعدد دیگر به متنی در باره احکام ارث (صحیفة الفرائض)[۶۹] منسوب می شود که اعتقاد

---

۶۹. پیش تر گفتیم که روایتی در **مصنف** عبدالرزاق: ۶/۴ ـ ۷ (نیز **مسند احمد**: ۱۴۱/۱، **مصنف** ابن ابی شیبه: ۲۲۷/۱۵، **صحیح بخاری**: ۲۷۷/۲) نشانگر آن است که امام علی(ع) متنی را که مشتمل بر دستورالعمل های پیامبر در باره فرائض (در اینجا به معنای زکات بر دام و تولیدات کشاورزی) بود، بر عثمان عرضه کرد که او نپذیرفت. روایات فراوانی از امام علی (ع) در **مصنف عبدالرزاق**: ۵/۴ ـ ۶، ۷، ۱۹، ۲۲، ۳۹، ۷۵، ۸۸، ۸۹، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۳۴، **مصنف** ابن ابی شیبه: ۱۱۷/۳، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۴۵، ۲۱۹، **مسند احمد**: ۹۲/۱، ۱۱۳، ۱۴۵، ۱۴۸، **سنن ابی داود**: ۹۹/۲ ـ ۱۰۱ و بسیاری از منابع دیگر در باره این موضوع آمده است که می تواند از همان متنی بوده باشد که گفته می شود که پیامبر (ص) آن را املاء فرموده اما در حیات ایشان برای عاملان زکات، فرستاده نشد (**سنن دارمی**: ۳۸۲/۱ ـ ۳۸۳، **سنن ابی داود**: ۹۸/۲). متنی با سبکی مشابه که گفته می شود پیامبر (ص) آن را برای عمرو بن حزم که عامل زکات ایشان در یمن بود فرستاده است، تقریبا در همه جوامع حدیثی با تفاوت هایی درج شده است. جمله ای که خطابی در **غریب الحدیث**: ۱۷۶/۲ از متنی که گفته می شود که امام علی (ع) بر عثمان عرضه کرد اما از سوی او رد شد، نقل می کند در منبعی دیگر، از دستورالعملی که امام برای عثمان بن حنیف، فرماندار خود در بصره، نوشت نقل شده (**النهایه** ابن اثیر: ۲۹۸/۲، اما مقـ : ۳۹۲/۳) پس شاید تشابه اسمی موجب پیدایش نقل نخست شده باشد. از سوی دیگر نام مشابهی (**کتاب الفرائض**) بر متن دیگری اطلاق می شود که به امام علی (ع) منسوب بوده

ص: ۳۳

بر این است که امام علی (ع) آن را نیز از املاء پیامبر (ص) تألیف کرده بود. گفته می شود که این متن هم بخشی از [۱۱] کتاب علی (ع) (کافی: ۹۴/۷ [بخوانید: «فی کتاب علی»، چنان که در تهذیب: ۲۷۹/۱])، با توصیف مشابهی در باره اندازه و شکل آن (کافی: ۹۴/۵ ـ ۹۵)، یا بخشی از جامعه (بصائر: ۱۴۵، کافی: ۱۲۵/۷) بوده است. چنین است فهرستی از موارد نقل شده از این متن در باره ارث:

– کافی: ۸۱/۷ (در اینجا دو گزارش مخالف از ترتیب متن آمده است)، ۹۳/۷ ـ ۹۴ (نیز دعائم: ۳۶۹/۲)، ۹۸/۷ (نیز دعائم: ۳۷۱/۲)، ۱۱۲ (تکرار شده در ۱۱۳، نیز دعائم: ۳۷۵/۲)، ۱۲۶ (نیز بنگرید: ۱۲۵/۷، مقـ : بصائر: ۱۴۵ که در آنجا مورد یاد شده از جامعه نقل شده است.)

ـ دعائم: ۳۷۰/۲، ۳۷۴، ۳۷۹

ـ تهذیب: ۳۰۶/۹

ـ وسائل الشیعه: ۴۹۳/۱۷ (به نقل از ابن ابی عقیل، دانشمند شیعی اوائل قرن چهارم)

حدود و دیات

ـ محاسن: ۲۷۳ (نیز کافی: ۱۷۶/۷)

ـ کافی: ۲۰۱/۷، ۲۱۴ (نیز ۲۱۶ با اختلاف در عبارت)، ۳۱۳، ۳۱۶ ـ ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۹

ـ خصال: ۵۳۹

ـ تهذیب: ۱۰۸/۱۰

ب . اخلاق

ص: ۳۴

ـ اصل زید الزراد: ۳ ـ ۴ (نیز معانی الاخبار: ۱ ـ ۲)

ـ قرب الاسناد: ۹۲

ـ بصائر: ۱۴۷

ـ کافی: ۴۱/۱، ۷۱/۲ ـ ۷۲، ۱۳۶، ۲۵۹، ۴۸۴ (نیز ۴۸۸ با اختلاف در عبارت)، [۱۲] ۶۶۶ (نیز تهذیب: ۱۴۰/۶)

ـ التمحیص ابن همام: ۴۴

ـ کشف الغمه: ۱۳۶/۳

و در باره احکام دیات می باشد (کافی: ۳۳۰/۷ ـ ۳۴۳). هر سه متن که در باره آنها گفته می شود که در دست امام علی (ع) بوده یا از سوی وی صادر شده، معقول می نماید که از آن حضرت بوده باشد که به احتمال، بخشنامه ها و رهنمودهایی برای استانداران ایشان در دوران خلافت وی بوده است. اصطلاح «فرائض» را در معنای عام، می توان بر هر سه موضوع (ارث، زکات، دیات) اطلاق کرد، گرچه این کلمه در اصطلاح متأخر فقهی، معمولا به معنای ارث بکار می رود.

یک روایت در کتاب الزهد حسین بن سعید: ۴۴ در باره روش درست رفتار و سلوک با بردگان، به کتاب رسول خدا (ص) نسبت داده شده که ظاهرا اشاره به همین متن مورد سخن می باشد.

ج . عقائد و فضائل

ـ بصائر: ۱۶۶ ـ ۱۶۷

ـ مروج الذهب: ۸۲/۵ ـ ۸۳

ـ خصال: ۶۵ ـ ۶۷

ـ تأویل ما نزل من القرآن: ۴۶۶ (نیز امالی طوسی: ۲۰/۲)

د . قصص انبیاء

ـ تفسیر عیاشی: ۲۷/۱ ـ ۲۹ (فی کتاب من کتب علی، نیز تفسیر قمی: ۳۶/۱ ـ ۴۱ [فی کتاب امیرالمؤمنین (ع)]، علل: ۱۰۰/۱)، ۳۳/۲ ـ ۳۴ (نیز تفسیر قمی: ۲۴۴/۱ ـ ۲۴۵، سعد السعود: ۲۳۸ ـ ۲۴۰ [به نقل از تفسیر ابن عقده])، ۱۲۹ ـ ۱۳۶

ـ تفسیر قمی: ۳۲/۱ ـ ۳۴، ۴۱

ـ کافی: ۲۳۳/۸

هـ . روایات باطنی

ـ بصائر: ۱۶۹ (بند شماره ۱، مقـ : بندهای شماره ۳ و ۷ که در هر دو، مطلب مورد سخن به «کتاب فاطمه» منسوب شده است; نیز مقاتل: ۲۰۸)

ـ کمال الدین: ۳۱۲ ـ ۳۱۳ (نیز عیون اخبار الرضا: ۴۵/۱ ـ ۴۶ [متن در صفحات ۴۰ ـ ۴۵])

ـ فضائل شاذان بن جبرئیل: ۱۴۰ ـ ۱۴۲

ـ مناقب ابن شهر آشوب: ۲۷۳/۴

ـ دلائل الامامه: ۵۵۴ ـ ۵۶۲ (نیز ملاحم ابن طاوس: ۱۶۸ ـ ۱۷۱ [به نقل از کتابی از یعقوب بن

نعیم، مؤلفی از اوائل قرن سوم])

۳ ـ کتاب الدیات[۷۰]

متنی منسوب به امام علی (ع) در باره دیه نفس یا اعضای بدن از انگشت و چشم و سایر اعضا، [۱۳] بر اساس دستورالعملی که وی به عنوان رهنمود برای عمال خویش[۷۱] فرستاده بود. در موارد اندکی به این متن، نیز عنوان کتاب علی[۷۲] یا کتاب الفرائض[۷۳] اطلاق شده است.

---

۷۰ . کافی: ۳۱۱/۷.

۷۱ . کافی: ۳۳۰/۷، من لایحضر: ۷۵/۴.

۷۲ . برای نمونه: تهذیب: ۲۹۲/۱۰.

۷۳ . برای نمونه: کافی: ۳۳۰/۷.

متن کامل این دستورالعمل، در من لایحضر: ۷۵/۴ ـ ۹۲ و تهذیب: ۲۹۵/۱۰ ـ ۳۰۸ (نیز بنگرید ۱۶۹/۱۰، ۲۴۵، ۲۵۸، ۲۶۷، ۲۹۲) و بعدها در الجامع للشرائع یحیی بن سعید حلی: ۶۰۵ ـ ۶۲۴ آمده است. تحریر دیگری با تفاوتی اندک در کافی: ۳۳۰/۷ ـ ۳۴۳ (نیز بنگرید: ۳۱۱، ۳۲۴، ۳۲۷، ۳۶۳، و برای اطلاعات بیشتر باز بنگرید: مکاتیب الرسول: ۲۵۸/۲ ـ ۲۷۹) آمده است. این دستورالعمل برای علمای زیدی (امالی احمد بن عیسی: ۲۲۷/۴) و سنی (مصنف عبدالرزاق: ۵/۴، ۲۸۰/۹، ۳۰۶، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۳، ۳۳۷ ـ ۳۳۸، ۳۴۳، ۳۴۵، ۳۵۸، ۳۶۹، ۳۷۱، ۳۷۳، ۳۸۰، ۳۸۳، مصنف ابن ابی شیبه: ۱۳۴/۹، ۱۳۶، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۸، ۱۹۳، ۲۱۳، ۲۱۵ ـ ۲۱۶، ۲۲۴، سنن ابی داود: ۱۰۰/۲ ـ ۱۹۱، تفسیر طبری: ۱۳۳/۵، سنن دارقطنی: ۱۷۷/۴، سنن بیهقی: ۶۹/۸، ۷۴، ۸۱، ۸۵، ۸۹، ۹۶، ۹۷، ۹۸) هم شناخته بوده است. این اثر در میان علمای متقدم شیعی با عنوان کتاب عبدالله بن ابجر، به نام اولین روایتگر آن متن شناخته می شد که نام کامل او ابوعمر عبدالله بن سعید بن حیان بن ابجر کنانی از مردمان کوفه بود (نجاشی: ۲۱۷; در باره این راوی و دیگر اعضای خاندانش بنگرید: تهذیب الکمال: ۲۵۷/۱۷ ـ ۲۶۰، ۳۱۳/۱۸ ـ ۳۱۵ و منابع فراوان دیگری که در پاورقی مصحح آن کتاب در همان صفحات آمده است). تحریر نخست آن (همان که در من لایحضر و تهذیب آمده) با نام اولین راوی معروف آن متن، تحت عنوان دیات ظریف بن ناصح در مجموعه الاصول الستة عشر (تهران، ۱۳۷۱، ۱۳۴ ـ ۱۴۸) نیز به چاپ رسیده است.

ص: ۳۶

۴ ـ نهج البلاغه

در اواخر قرن سوم، شمار خطبه های منسوب به امام علی(ع) نزدیک به چهارصد عدد بوده است.[۷۴] نیم قرن بعد این رقم را ۴۸۰ نوشته اند.[۷۵] تعدادی از راویان متقدم حدیث، مجموعه هایی از خطبه های آن حضرت تدوین کرده بودند، از آن جمله:

ـــ زید بن وهب جُهَنی (اواخر قرن اول)[۷۶]

ـــ مَسْعدة بن صَدَقه عبدی (اواخر قرن دوم)[۷۷]

ـــ اسماعیل بن مهران سکونی (زنده در ۲۲۴)[۷۸]

ـــ صالح بن ابی حمّاد رازی (میانه قرن سوم)[۷۹]

ـــ عبدالعظیم بن عبدالله حسنی (م ۲۵۲)[۸۰]

---

۷۴. مشاکلة الناس: ۱۲، ۴۸.

۷۵. مروج الذهب: ۱۷۲/۳.

۷۶. فهرست طوسی: ۷۲.

۷۷. نجاشی: ۴۱۵.

۷۸. همان: ۲۷.

۷۹. همان: ۱۹۸.

۸۰. همان: ۲۴۷.

عده ای دیگر، ابوابی را در آثار خود به خطبه ها، نامه ها و کلمات منقول از حضرت اختصاص داده اند. از آن میان، مورخان متقدمی مانند محمد بن عمر واقدی (م ۲۰۷)،[۸۱] علی بن محمد مدائنی (م ۲۲۵)،[۸۲] [۱۴] احمد بن محمد بن عَبدربّه (م ۳۲۸)[۸۳] و عبدالعزیز بن یحیی جَلُودی (م ۳۳۲).[۸۴] همچنین، شماری دیگر، به تدوین نامه های آن حضرت پرداخته اند، مانند ابراهیم بن محمد ثقفی (م ۲۸۳).[۸۵]

کهن ترین اثر باقی مانده از نوع اول، نهج البلاغه مجموعه ای گزیده از خطبه ها، نامه ها و کلمات قصار منسوب به امام علی (ع) است که به وسیله محمد بن حسین موسوی شریف

ص: ۳۷

رضی (م ۴۰۶) در سال ۴۰۰ تألیف گردید.[۸۶] بسیاری از محتویات این کتاب، در منابع پیشین آمده است که به برخی از آن منابع، در خود نهج البلاغه هم اشاره می شود.[۸۷] اخیرا شماری کتاب با جستجو در منابع متقدم، به مستندیابی محتویات نهج البلاغه پرداخته اند. آخرین اثر از این نوع، کتاب مدارک نهج البلاغه رضا استادی می باشد (قم، ۱۳۹۶). یک چاپ اخیر نهج البلاغه (با تحقیق جعفر الحسینی، قم، ۱۴۱۹) مشتمل بر بخشی در باره منابع محتویات نهج البلاغه (صص ۵۹۱ ـ ۶۲۱) است. در موارد اندکی برخی کلمات که در منابع متقدم به دیگر اشخاص منسوب بوده، در نهج البلاغه به نام امیرمؤمنان (ع) آمده[۸۸] ظاهرا بر پایه منابع کهن دیگری که برجای نمانده است. ابن تیمیه و ذهبی[۸۹] تردیدهایی در باره اصالت بسیاری از محتویات نهج البلاغه ابراز کرده اند. ابن خلکان هم در وفیات: ۳۱۳/۳ همین رویه را پیشه کرده است، گرچه خود در جای دیگر (همان: ۸/۵) بدون هیچ مشکل و ایرادی از آن نقل می کند. خطیب (جامع: ۱۶۱/۲) خطبه های منسوب به امام علی (ع) را که به ملاحم و فتن مربوط است، ساختگی می داند. برخی از نمونه های این قبیل خطبه ها در نهج البلاغه آمده است.

نهج البلاغه با چاپ های فراوان و نسخه های خطی متعددی از قرن پنجم به بعد در دسترس می باشد. برای فهرستی از نسخه های پیش از قرن دهم بنگرید: مجله تراثنا (چاپ قم) (مقاله سید عبدالعزیز طباطبائی با عنوان فی رحاب نهج البلاغة): ش ۵ / ۲۵ ـ ۱۰۲، ش ۷ ـ ۸ / ۱۳ ـ ۳۶، ش ۲۹ / ۷ ـ ۲۵. [۱۵] یک تحقیق اخیر، با عنوان نهج السعادة

---

۸۱ . رسالة ابی غالب: ۱۸۱.

۸۲ . فهرست ابن ندیم: ۱۱۵.

۸۳ . عقدالفرید: ۱۶۶/۴ ـ ۱۸۱.

۸۴ . بخش هایی از «مسند علی» او به خطبه ها، اشعار، نامه ها و دیگر گفتارهای آن حضرت اختصاص داده شده بود. بنگرید به فهرست محتویات کتاب او در نجاشی: ۲۴۰ ـ ۲۴۲.

۸۵ . نجاشی: ۱۷.

۸۶ . همان: ۳۹۸. نیز بنگرید: حقائق التأویل شریف رضی: ۱۶۷، و مجازات او: ۳۹ ـ ۴۰، ۶۷، ۱۹۹، ۲۵۱، ۳۹۱.

۸۷ . نهج البلاغه: ۷۶، ۳۵۳، ۴۴۵، ۴۶۴، ۴۶۵، ۵۴۱، ۵۵۷.

۸۸ . برای چند نمونه بنگرید: نهج البلاغه، «تصحیح» صبری ابراهیم السید: ۶۸ ـ ۷۷، ولی باز موارد دیگری نیز هست از جمله دو سخن در باره زنان که یکی (نهج البلاغه: ۴۰۵، حکمت ش ۳۱) در عیون الاخبار ابن قتیبه: ۷۸/۴ ـ ۷۹ به ابن المقفع، و دیگری (نهج البلاغه: ۱۰۵ ـ ۱۰۶، خطبه ش ۸۰) با تفاوتی در عبارت از سوی نویسندگان سنی به پیامبر (ص) منسوب شده است (مسند احمد: ۶۷/۲، ۳۷۴، صحیح بخاری: ۸۵/۱، صحیح مسلم: ۸۶ ـ ۸۷ [و از این ها در بصائر ابوحیان: ۷۴/۳، ربیع الابرار: ۲۷۹/۴]).

۸۹ . میزان الاعتدال: ۱۲۴/۳، سیر اعلام النبلاء: ۵۸۹/۱۷ ـ ۵۹۰.

فی مستدرک نهج البلاغة (چاپ دوم، تهران، ۱۹۹۸) از محمد باقر محمودی، در تلاش است تا خطبه ها، نامه ها، و کلمات منسوب به امیرمؤمنان (ع) را که در نهج البلاغه نیامده، جمع آوری کند.

شروح زیادی بر این کتاب در طول ده قرن گذشته نوشته شده است. فهرستی از شروح قدیمی را در مجموعه کاوشی در نهج البلاغه، مقاله عزیزالله عطاردی: ۲۸۵ ـ ۲۸۷ ببینید. برای

ص: ۳۸

سایر شروح بنگرید: ذریعه: ۱۱۱/۱۴ ـ ۱۶۱، فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار: ۱۲۴/۱ ـ ۱۴۹. برای فهرست آثاری که در پیرامون نهج البلاغه به عربی و فارسی نوشته شده است، بنگرید: کتابنامه نهج البلاغه، رضا استادی (تهران، ۱۳۵۹ ش، تجدید چاپ شده در چهل مقاله او: ۳۵۱ ـ ۳۹۸).

۵ ـ مُسْند

همان گونه که گذشت، خطبه ها و نامه ها و عهدها و گفته های آن حضرت در کتاب های مستقل یا ابوابی از کتابهای دیگر، گردآوری شده است. افزون بر آن، آثاری هم وجود دارد که هدفش جمع آوری سخنان آن حضرت در باره مسائل عقاید، فقه و اخلاق است که بسیاری از آن کلمات، مشتمل بر احادیث پیامبر (ص) یا حاکی از افعال آن حضرت است. مسانید یعنی مجموعه های حدیثی که بر اساس راوی اول تدوین شده ـ برخلاف روش شایع تری که به صورت موضوعی به تدوین اخبار و احادیث می پرداخت ـ غالبا بابی از آن اختصاص به روایات نقل شده از امام علی (ع) دارد. مسند احمد: ۷۵/۱ ـ ۱۶۰، مسند ابویعلی: ۲۲۳/۱ ـ ۴۶۲ تهذیب الاثار طبری: تمامی مجلد چهارم، جامع المسانید ابن کثیر: ۹۵/۱۹ ـ ۲۸۹ و ۵/۱۰ ـ ۳۴۴ چند نمونه از این نوع مسانید حدیثی هستند که احادیث روایت شده از امیرمؤمنان (ع) در سنت سنی را جمع آورده اند. به نظر می رسد بیشتر آثار مستقلی نیز که به عنوان مسند علی در مجامیع متأخرتر نقل شده و یا با این نام انتشار یافته است، بخش هایی از آثار بزرگتری بوده اند. از آن جمله، آثاری از نویسندگان ذیل:

ـ یعقوب بن شیبه بصری (م ۲۶۲)[۹۰] در پنج مجلد[۹۱]

ـ قاضی اسماعیل بن اسحاق جَهْضَمی اَزْدی (م ۲۸۲)[۹۲]

ـ محمد بن عبدالله حضرمی کوفی معروف به مُطَیّن (م ۲۹۷)[۹۳]

ـ احمد بن علی بن شعیب نسائی (م ۳۰۳)[۹۴]

ص: ۳۹

---

۹۰ . نجاشی: ۴۵۱، فهرست طوسی: ۱۸۰.

۹۱ . سیر اعلام النبلاء: ۴۷۸/۱۲.

۹۲ . صلة الخلف: ۳۵۴.

۹۳ . اهل البیت فی المکتبة العربیة: ۴۶۹ ـ ۷۰. این اثر در یک نسخه مخطوط باقی مانده که تمامی آن به صورت عکسی به طور پراکنده در «مسند علی بن ابی طالب» یوسف ازبک چاپ شده است.

۹۴ . سیر اعلام النبلاء: ۴۷۵/۱۰، ۶۱۴/۱۲، ۱۳۳/۱۴، تهذیب التهذیب: ۶/۱.

ـ یحیی بن محمد بن سعید بغدادی (م ۳۱۸)[۹۵]
ـ عبدالرحمان بن عثمان تمیمی دمشقی (م ۴۲۰)[۹۶]
[۱۶] ـ جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی (م ۹۱۱)[۹۷]

شماری از آثار متأخر تلاش کرده اند تا تمامی روایات موجود از امام علی (ع) را گردآوری کنند. جامع تر از همه مسند علی بن ابی طالب یوسف ازبک (هفت جلد، دمشق و بیروت، ۱۹۹۵) است که شامل بیشتر این قبیل روایات در کتابهای حدیثی اهل سنت است. همچنین مسند الامام علی (ع) از حسن القپانچی (ده جلد، بیروت، ۲۰۰۰) که شامل ۱۱۴۵۱ روایت از امام علی (ع) در آثار شیعه و سنی است. (موسوعة الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) از باقر شریف قرشی (یازده جلد، قم، ۲۰۰۲) تازه ترین اثری است که در این زمینه منتشر شده است، مترجم).

۶ ـ دیوان

در این مورد که آیا امیرمؤمنان شعر می سروده اند، گزارش های متفاوتی در منابع کهن آمده است.[۹۸] عبدالعزیز جلودی (م ۳۲۲) در کتاب مسند علی خود، بابی به اشعار منسوب به امام علی (ع) اختصاص داده بود.[۹۹] بعدها چندین مجموعه از این اشعار تدوین شد که از آن جمله این آثار است:

ـ سلوة الشیعة، مجموعه ای مشتمل بر دویست بیت شعر، از ابوالحسن علی بن احمد فنجکردی نیشابوری (م ۵۱۳).[۱۰۰]

ـ مجموعه ای از یک مؤلف ناشناخته که کیدری در انوار العقول خود از آن استفاده کرده است.
ـ دیوان علی از هبة الله بن علی ابن الشَّجَری (م ۵۴۳) که نیزکیدری از آن در انوار العقول خود

ص: ۴۰

استفاده کرده است.

ـ الحدیقة الانیقة از قطب الدین محمد بن حسین کیدری بیهقی (زنده در ۶۱۰) که مؤلف از آن در کتاب انوار العقول خود به عنوان مجموعه ای از اشعار امام در باره مسائل اخلاقی یاد کرده است.

---

۹۵ . تاریخ بغداد: ۱۹/۵.

۹۶ . نسخه خطی ش ۲۷۳ کتابخانه ظاهریه (فهرست نسخه ها، قسم حدیث: ۳۶۰، مجامیع: ۲۲۸/۱).

۹۷ . تصحیح حافظ عزیز بیک، حیدرآباد، ۱۹۸۵. این، بخشِ مسند علی از کتاب **جامع الاحادیث** مؤلف (۲۴۲/۱۵ ـ ۴۷۸، ۵/۱۶ ـ ۴۷۳) می باشد.

۹۸ . در این باره بنگرید: **علی بن ابی طالب، ما ثبت من شعره و ما اختلف فی نسبته الیه**، از احمد تیمور پاشا، تجدید چاپ شده در مجله الموسم، ش ۱۷ (سال ۱۹۹۰)، صص ۷۷۳ ـ ۷۸۵.

۹۹ . نجاشی: ۲۴۱.

۱۰۰ . نسخه های خطی فراوانی از این اثر در دست است. برای فهرستی از این نسخه ها اکنون بنگرید: مجله **علوم حدیث**: مقاله مهریزی، ش ۹ (۱۹۹۸): ۲۰۶ ـ ۲۰۸.

ـ انوار العقول فی اشعار وصیّ الرسول از کیدری، مشتمل بر ۵۰۶ قطعه شعر منسوب به امام علی (ع) که از منابعی که در خود اثر از آنها یاد شده و به ترتیب ابجد، گردآوری شده است. به نظر می رسد مجموعه دیگری که بدون نام گردآورنده با عنوان دیوان علی به چاپ رسیده، در اصل برگرفته از همین کتاب باشد. ترتیب و محتوا به مقدار زیادی، همان است اما برخی از قطعات شعری و نیز اسناد، حذف شده است.[۱۰۱]

ـ دیوان امیر المؤمنین (ع)، مشتمل بر ۱۱۰۹بیت، گردآوری سید محسن امین، دمشق، ۱۹۴۷. دیگران آن را مکرر به نام خود چاپ کرده اند. [۱۷]

بسیاری از اشعاری که در این آثار به امام علی (ع) منسوب است، سروده دیگران است. برای نمونه های بسیاری بنگرید: فهرست کتابخانه دانشگاه تهران: ۱۱۰۸/۵ ـ ۱۱۲۴، و منهاج البراعة: ۳۰۶/۱۵ ـ ۳۱۳، ۶۲/۱۷ ـ ۶۵.

۷ ـ قضاوت ها

روش اداری و احکام قضایی و اجرایی امام علی (ع) در دوران خلافت، توسط شماری از اصحاب وی مانند عبیدالله بن ابی رافع، حارث اعور و به احتمال أصبغ بن نُباته (بنگرید به مدخل مربوط به هریک در این کتاب) ثبت و گردآوری شده بود. در منابع کهن، اشارات متعددی به این قبیل آثار شده است.[۱۰۲] آرای فقهی منسوب به امام علی (ع) در منابع سنی در ارتباط با مسائل مختلف عبادی وفقهی، اخیرا توسط محمد روّاس قلعه جی در کتابی تحت عنوان موسوعة فقه علی بن ابی طالب (ع) (دمشق، ۱۹۸۳) که مجلدی از سلسلة موسوعات فقه السلف است گردآوری شده است.

۲ . فاطمه زهرا (س)

ص: ۴۱

فاطمه زهرا (س)، دختر پیامبر (ص)، همسر امام علی (ع) و مادر حسن و حسین (ع) امام دوم وسوم شیعه. وی به عنوان یکی از چهارده معصوم که شامل پیامبر، فاطمه و دوازده امام (علیهم السلام) می باشند، نزد شیعیان مورد نهایت احترام و تقدیس است. وی اندکی پس از رحلت پدرش، در سال یازدهم هجری درگذشت.

برای خلاصه گزارش های منابع کهن در باره حضرت زهرا (س) بنگرید به مدخل «فاطمه» در دائرة المعارف اسلام، چاپ دوم، ۸۴۱/۲ ـ ۸۵۰ (از Veccia Vaglieri). در آنجا فهرستی از برخی منابع اصلی و دست دوم در باره زندگی حضرت به دست داده شده است. نیز بنگرید به پایان نامه دکتری تحت عنوان: The Image of Fatima in Classical Muslim Thoughtاز Denise L. Soufi (پرینستون، ۱۹۹۷). برای فهرستی از سایر کتابهای مربوط به آن حضرت بنگرید: معجم ما کتب عن الرسول و الائمة: ۱۱/۵ ـ ۱۲۹.

۱ ـ مصحف فاطمه (س)

---

۱۰۱ . ذریعه: ۴۳۱/۲ ـ ۴۳۴.

۱۰۲ . برای نمونه: علل احمد بن حنبل: ۳۴۶/۱، صحیح مسلم: ۱۳، ۱۴.

از کتابی با این عنوان در چندین روایت کهن شیعی، تقریبا در تمام موارد در زمینه اندیشه های باطنی، یاد شده است. روایتی از امام جعفر صادق (ع) حاکی از آن است که مصحف فاطمه مشتمل بر متن وصیّت آن حضرت بود (بصائر: ۱۵۷ [ش ۱۶]، ۱۵۸ [ش ۲۱]، کافی: ۲۴۱/۱ [ش ۴])؛ این طبعا باید اشاره به متنی متفاوت و طولانی تر از متن بسیار کوتاهی باشد که از امام باقر (ع) در من لایحضر: ۲۴۴/۴ به عنوان وصیت حضرت زهرا (س) نقل می شود. روایات دیگری هم در باره منشأ و منبع اصلی این کتاب در دست است. یک روایت بر آن است که این اثر، مجموعه ای از گفته های جبرئیل [۱۸] به حضرت فاطمه (س) پس از وفات پدرش بوده که به منظور تسلّی خاطر وی بر آن حضرت القاء شده و همسرش امام علی (ع) آنها را گردآوری و تدوین کرده است (بصائر: ۱۵۴ [ش ۶، نیز بنگرید: ۱۵۷، ش ۱۷]، کافی: ۲۴۱/۱ [ش ۵]). روایت دیگر مطالب قبلی را تأیید می کند اما نامی از فرشته مورد نظر به میان نمی آورد (بصائر: ۱۵۷ [ش ۱۵]، کافی: ۲۴۰/۱ [ش ۲]). اما روایات دیگری حاکی از آن است که کتاب را خداوند، القا و املا کرده است (بصائر: ۱۵۲ [ش ۳]، ولی این نکته در متن همان روایت که به نقل از این مؤلف در کافی:۲۳۹/۱ آمده، نیامده است. روشن نیست که جمله مورد نظر به متن بصائر افزوده شده یا در کافی حذف شده است) یا آن که توسط «رسول خدا» القا شده و به وسیله امام علی (ع) نوشته شده است (بصائر: ۱۵۳ [ش ۵]). روایت دیگری در صدد است تا مطالب دو روایت گذشته را با یکدیگر تلفیق کند به این صورت که مصحف یاد شده، کلام خدا بوده

ص: ۴۲

است که برای آن حضرت فرستاده شده و پیامبر (ص) آن را املا کرده و امام علی (ع) آن را نوشته است (بصائر: ۱۵۶ [ش ۱۴]). مجلسی در بحار: ۴۲/۲۶ می گوید که اصطلاح «رسول خدا» می تواند اشاره به جبرئیل باشد نه پیامبر(ص)، ولی «املا شده وسیله رسول خدا و نوشته شده توسط علی (ع)» وصف شایع برای کتاب علی بود که گذشت و در آن مورد، همگان اصطلاح «رسول خدا» را به معنای پیامبر (ص) می فهمیدند.

در باره محتوای این مصحف نیز روایات متعارضی آمده است. اما همه این روایات بر یک نکته اتفاق دارند که در آن کتاب، چیزی از قرآن نبوده است (بصائر: ۱۵۰ ـ ۱۶۱ [ش ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۷، ۳۰، ۳۳]، کافی: ۲۳۹/۱ ـ ۲۴۰ [ش ۱، ۳]، دلائل الامامه: ۱۰۵) و این به روشنی تلاشی است برای نشان دادن آن که هرچند اگر هم مطالب این مصحف از خدا بود، ولی بخشی از پیام قرآنی و پیامبری نبوده و همسطح با قرآن نیست (به ویژه بنگرید به: بصائر: ۱۵۴ ـ ۱۵۹ [ش ۹، ۱۴، ۱۷، ۲۷]). همان گونه که گذشت، یک روایت، متن مصحف را، وصیت فاطمه (س) می شناساند. از سوی دیگر، روایتی که املای مصحف را از جبرئیل می داند، حاکی از آن است که آن، مشتمل بر مطالبی بوده است که فرشته، در باره مقام وموقعیت پیامبر پس از رحلتش و نیز رویدادهایی که برای فرزندانش پیش خواهد آمد، به آن حضرت القا کرده است (بصائر: ۱۵۴ [ش ۶]، کافی: ۲۴۱/۱ [ش ۵]). تحریر دیگری از این روایت که محتوای کتاب را به یک فرشته نامعین نسبت می دهد، تأکید می کند که در آن مصحف، چیزی در باره احکام حلال و حرام نبوده، بلکه مشتمل بر آگاهی هایی در باره آینده بوده است (بصائر: ۱۵۷ [ش ۱۸]، کافی: ۲۴۰/۱ [ش ۲]). روایت دیگری، احتمالا موضوع کتاب را بسط داده و مطالبی را که مردم برای انجام وظایف دینی شان بدان محتاجند، از جمله جزئیات دیات اعضاء انسانی را در آن جای می دهد (بصائر: ۱۵۰ ـ ۱۵۱ [ش ۱]، کافی: ۲۴۰/۱ [ش ۳]). همان گونه که در باره کتاب علی یادآور شدیم، توصیف اخیر برای متونی با نام جفر و جامعه یاد شده که چه بسا در این نقل نیز، اشاره مورد نظر به محتوای متن اول (جفر) باشد که در این روایت از آن نیز سخن رفته است و نه مصحف فاطمه، به

خصوص با توجه به این که ارجاعات به مصحف فاطمه بیشتر در امور غیبی و پیشگویی های تاریخی است [۱۹] نه وظایف شرعی و دینی. برای نمونه، در یک مورد آمده است که زنادقه باز در سال ۱۲۸ پدیدار خواهند شد آن چنان که امام صادق (ع) در مصحف فاطمه (س) یافته بود (بصائر: ۱۵۷ [ش ۱۸]، کافی: ۲۴۰/۱ [ش ۲]). در روایت دیگری آمده است که امام صادق (ع) در مصحف فاطمه که در آن اسامی تمامی ملوک آینده آمده، نگریست اما نام هیچ کدام از فرزندان امام حسن مجتبی (ع) را در آن نیافت (بصائر: ۱۶۹

ص: ۴۳

[ش ۳، ۵]، الامامة و التبصرة: ۱۸۰، کافی: ۲۴۲/۱ [ش ۸]. تحریر دیگری از این روایت در بصائر: ۱۶۱ [ش ۳۲]و ۱۷۰ [ش ۷] به جای «بنوحسن» «بنو فلان» دارد، و سهم آنان را در حکومت به اندازه گرد روی نعل اسب می داند). این اشاره روشنی است به داعیه محمد بن عبدالله نفس زکیه که در سال ۱۴۵ بر ضد منصور عباسی قیام کرد. تحریر دیگری از این روایت، از نفس زکیه صراحتا نام می برد و می افزاید که در آن مصحف، نه تنها اسامی ملوک بلکه اسامی تمام انبیاء و اوصیای آنان نیز آمده است (مناقب: ۲۴۹/۴، نیز بصائر: ۱۶۹ [ش ۴، ۶]. در این جا به جای «مصحف فاطمه» «فی کتاب» آمده است). این مطلب با روایتی در بصائر: ۱۶۹ (ش ۲) و کافی: ۲۴۲/۱ (ش ۷) که کتاب مستقلی را برای هر کدام از ملوک و انبیاء اختصاص می دهد، منطبق نیست. یک توصیف متأخر که شکل باطنی گرایانه بیشتری دارد، بر آن است که این کتاب، مشتمل بر تمام علوم کائنات است، از گذشته، حال و آینده جهان، و تازه این همه، تنها محتویات دو برگ نخست آن را تشکیل می دهد (دلائل الامامة: ۱۰۴ ـ ۱۰۷).

روایت اخیر، همچنین تصویری فرهمند و باشکوه از ساختار فیزیکی کتاب به دست می دهد (همان: ۱۰۵). در یک روایت پیشین، تنها آمده بود که آن کتاب، سه برابر متن قرآن است (بصائر: ۱۵۲ [ش ۳]، کافی: ۲۳۹/۱ [ش ۱]). یک اختلاف نیز در باره محل نگهداری آن متن وجود دارد. بیشتر روایات حاکی از آن هستند که کتاب یاد شده در اختیار امام صادق (ع) و امامان پس از وی بوده (بصائر: ۱۵۰ ـ ۱۵۸، ۱۶۱ [ش ۱، ۳، ۵، ۸، ۱۵، ۱۹، ۳۲، ۳۳]، کافی: ۲۳۹/۱ ـ ۲۴۲ [ش ۱، ۲، ۳، ۷، ۸]) و این نشانگر آن است که کتاب در سلسله امامان از نسل فاطمه (س) دست به دست گشته تا به دست امام مهدی (ع) رسیده است (دلائل: ۱۰۶). با این همه، در روایت دیگری آمده است که کتاب یاد شده، پس از رحلت امام باقر (ع) پس گرفته شد (بصائر: ۱۵۸ [ش ۲۳] با تعبیر «قُبِض» که در برخی از روایات سنی مدعی کم و کاستی در متن قرآن آمده و در قرن دوم به وضوح به معنی بازپس گرفته شدن یک متن توسط خداوند از جامعه مسلمین فهمیده می شد که گاهی در همین معنی، تعبیر «رُفِع» آمده است). اندیشه اخیر، شاید از بقایای میراث یک فرقه قدیم شیعی باشد که پس از وفات امام محمد باقر(ع)، از امام صادق و امامان بعدی پیروی نکردند (بحار: ۱۷/۷۴، نیز Modarressi, Crisis, ۵۴, n. ۷). به هر روی، شواهدی وجود دارد که امام جعفر صادق (ع) که گهگاه از این کتاب نقلی فرموده بودند در موارد دیگری تلاش کرده اند تا به دیگران چنین القا کنند که گرچه ایشان کتاب را در گذشته دیده بوده اند، ولی شاید اکنون آن را شخصا در اختیار نداشته باشند (کافی: ۵۰۷/۳). گفته بالا در باره پس گرفته شدن کتاب، می تواند منطبق بر روایت اخیر باشد.

ص: ۴۴

[۲۰] اما در باره اصل این نظر که چنین کتابی وجود داشته است، نویسنده ای معاصر بر این باور است که نوعی توسعه طبیعی مانند آنچه پیشتر در باره کتاب علی گفته شد، در اینجا هم مصداق دارد. او می گوید که ظاهرا در میان بسیاری از شیعیان متقدم، در اواخر دوره اموی، باوری وجود داشته است که اسامی امامان از اولاد علی (ع) و فاطمه (س) در لوحی نوشته شده بود که خداوند آن را بر پیامبر (ص) فرستاد و ایشان هم آن را به فاطمه (س) سپرد (غیبت نعمانی: ۶۲ ـ ۶۳، اختصاص: ۲۱۰ ـ ۲۱۲، کمال الدین: ۳۰۸، ۳۱۱، ۳۱۳، عیون اخبار الرضا [ع]: ۴۲/۱، ۴۶، ۴۷، غیبت طوسی: ۱۳۹، ۱۴۴. نیز بنگرید: کفایة الاثر: ۱۹۶). تحریرهای دیگری از این روایت، لوح را، صحیفه ـ یعنی یک برگه ـ (کمال الدین: ۳۰۶ ـ ۳۰۷، ۳۱۲، عیون: ۴۰، ۵۰) یا کتاب ـ یعنی سندی مکتوب ـ (کمال الدین: ۳۱۲، عیون: ۴۵/۱) می خواند که به املای پیامبر (ص) و به کتابت امام علی (ع) بوده است. در بسیاری از تحریرهای مختلف این روایت، متنی متعلق به دوره غیبت پیوست شده که مشتمل بر فهرست کامل نام امامان دوازده گانه بوده و به عنوان متن لوح یا صحیفه ارائه شده است (برای نمونه بنگرید: کافی: ۵۲۷/۱ ـ ۵۲۸، غیبت نعمانی: ۶۲ ـ ۶۶، کمال الدین: ۳۰۷، ۳۰۹ ـ ۳۱۱، عیون اخبار الرضا: ۴۵ ـ ۴۶، اختصاص: ۲۱۱ ـ ۲۱۲، غیبت طوسی: ۱۴۴ ـ ۱۴۶). تغییر تکاملی فکر وجود یک صحیفه به یک مصحف، طبعا روندی دشوار نبوده است.

به جز روایتی که در باره ظهور مجدد زنادقه گذشت (بصائر: ۱۵۷، کافی: ۲۴۰/۱) نقلهای کمی از مصحف فاطمه (س) در منابع آمده که نمونه های زیر از آن جمله است:

ـ کافی: ۵۰۷/۳ (در باره زکات (به نقل از [کتاب فاطمة])

ـ همان: ۵۷/۸ ـ ۵۸ (در باره افزوده ای بر آیه دوم سوره معارج، بیشتر به صورت «حاشیه تفسیری»

ـ بحار: ۲۴۵/۳۰ (در باره قرائت متفاوتی برای آیه ۲۸ سوره فرقان [به نقل از تأویل الایات، گرچه در نسخه چاپی این کتاب: ۳۷۴ و از آن جا در نسخه بازسازی شده تأویل ما نزل ابن جُحام: ۱۹۳، از منبع، به عنوان «مصحف علی» [به جای «مصحف فاطمه»] یاد شده است).

در بادی امر چنین به نظر می رسد که دو نقل اخیر با گزارش شایع که می گوید در آن کتاب چیزی از قرآن نبوده، در تضاد باشد، اما چنان که یادآور شدیم این توصیف، تلاشی برای جلوگیری از یک خطای احتمالی بود که مصحف یا کتاب فاطمه به عنوان یک کتاب وحی شده از سوی خداوند، متمم قرآن باشد. بدین ترتیب، توصیف یاد شده، وجود مطالبی افزون بر قرآن را در مصحف یا کتاب فاطمه (س) نفی می کند، اما این را که در آن، آیات قرآنی یا تفسیر آنها آمده باشد انکار نمی کند. همچنین مورد نقل اول (از کافی، پیرامون زکات) با آن گزارش که می گوید در آن کتاب چیزی در باره حلال و حرام نبوده است، منافات دارد، گرچه همین

ص: ۴۵

گزارش هم که در باره عدم وجود احکام و حلال و حرام در این کتاب آمده، ظاهرا بر آن است تا میان وحی قرآنی و مصحف فاطمه تفاوت بگذارد. از سوی دیگر آن نقل کافی با روایات دیگری مطابق است که مصحف فاطمه را به عنوان متنی که مشتمل بر تمامی نیازهای مردم در امور دینی است، وصف می کند.

[۲۱] ۲ ـ مسند فاطمه (س)

شمار قابل توجهی از روایات در مجموعه های حدیثی هست که یا راوی آن حضرت زهرا (س) است و یا مربوط به زندگی و فضائل آن حضرت می باشد. تلاش هایی برای گردآوری آنها در تک نگاری هایی صورت گرفته است:

ـ اخبار فاطمة و منشأها و مولدها، ابوعبدالله محمد بن زکریا بن دینار جوهری غلاّبی بصری (م ۲۹۸) (نجاشی: ۳۴۷)

ـ فضائل فاطمة، ابوالقاسم عبدالله بن محمد بن عبدالعزیز منیعی بغوی (م ۳۱۷) (اهل البیت فی المکتبة العربیه: ۳۷۰)

ـ اخبار فاطمة و الحسن و الحسین، ابوبکر محمد بن احمد کاتب بغدادی معروف به ابن ابی الثلج (م ۳۲۵) (نجاشی: ۳۸۲)

ـ اخبار فاطمة، ابوعلی احمد بن محمد بن جعفر صولی بصری (زنده در ۳۵۳) (نجاشی: ۲۳۳، فهرست طوسی: ۳۲) که کتابی بزرگ بوده (فهرست طوسی: ۳۲، و از آنجا در معالم العلماء: ۱۹) و ابن شهر آشوب در مناقب: ۳۳۱/۳، ۳۳۳، ۳۳۷ از آن نقل کرده است.

ـ اخبار فاطمة، ابوطالب عبیدالله بن احمد بن یعقوب انباری (م ۳۵۶) (نجاشی: ۲۳۳)

ـ اخبار الزهراء، شیخ صدوق (م ۳۸۱) که ابن طاوس در یقین: ۱۵۷ ـ ۱۶۰ (برای توضیح بیشتر بنگرید: کتابخانه ابن طاوس: ۱۰۵ ـ ۱۰۶) و اربلی در کشف الغمه: ۸۲/۲ ـ ۸۶ (به عنوان مولد فاطمه و فضائلها و تزویجها و ظلامتها و وفاتها و محشرها، نیز نجاشی: ۳۹۲ به عنوان کتاب مولد فاطمه)، ۸۹ ـ ۹۳، ۹۸، ۱۰۲ ـ ۱۰۵، ۱۲۷ ـ ۱۲۸ از آن نقل کرده اند.

ـ مسند سیدة النساء العالمین فاطمة بنت رسول الله (ص)، علی بن عمر بن احمد دارقطنی (م ۳۸۵) که از آن در العقد الثمین عبدالله بن حمزه: ۲۰۵، ۲۲۰ ـ ۲۲۲ نقل شده است.

ـ مسند فاطمة، عمر بن احمد بن شاهین مروّذی بغدادی (م ۳۹۵) (صلة الخلف: ۳۶۰) که با عنوان فضائل فاطمة انتشار یافته است (با تحقیق محمد سعید طریحی، بیروت، ۱۹۸۵)

ـ جزء فی فضائل فاطمة، حاکم ابوعبدالله محمد بن عبدالله نیشابوری (م ۴۰۵) (تاریخ الاسلام

ص: ۴۶

ذهبی: ۲۹ [سالهای ۴۰۱ ـ ۴۲۰]/۱۳۲، و از آنجا در طبقات الشافعیّه: ۱۶۶/۴)

ـ الاربعین فی فضائل الزهراء، ابوصالح احمد بن عبدالملک بن علی نیشابوری مؤذن (م ۴۷۰) (معالم العلماء: ۲۵)

– مسند فاطمه، منسوب به ابن رستم طبری (قرن پنجم)، یاد شده در اثبات الهداة شیخ حر عاملی: ۵۸/۱ و محجه سید هاشم بحرانی: ۲۸ ـ ۴۶، ۴۸، ۱۰۷، ۱۲۳، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۹۱، ۲۱۲ (نیز با عنوان مناقب فاطمة و ولدها در مدینة المعاجز: ۳۲۸/۱ ـ ۳۲۹). [۲۲] این همان کتاب دلائل الامامة منسوب به مؤلف یاد شده است (بنگرید به مقدمه مصحح بر چاپ جدید اثر اخیر: ۳۸ ـ ۳۹).

ـ فضائل الزهراء، ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی (اوائل قرن ششم) (معالم العلماء: ۲۵)

– مسند فاطمة و ما ورد فی فضائلها = الثغور الباسمة فی مناقب السیدة فاطمة (حاجی خلیفه: ۵۲۱)، از جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی (م ۹۱۱). این اثر دارای ۲۸۴ روایت از (یا در باره) حضرت زهرا (س) است (چاپ حافظ عزیزبیک در حیدرآباد، ۱۴۰۶ و فواز احمد زمرلی، بیروت، ۱۴۱۴).

ـ مسند فاطمة الزهراء، عزیزالله عطاردی (تهران، ۱۴۱۲)

ـ مسند فاطمة الزهراء، حسين شيخ الاسلامى تويسركانى (قم، ۱۴۲۰)
– الكوثر، محمد باقر موسوى (قم، ۱۴۲۰) كه در هفت جلد انتشار يافته و داراى ۴۳۲۱ روايت از (يا در باره) حضرت زهرا (س) است.

۳ . ابورافع

ابورافع، قبطى الاصل، مولى / خادم رسول خدا (ص) و سپس بر اساس برخى مرويات، در پايان عمر خود مسؤول بيت المال اميرمؤمنان (ع) بود. وى نه تنها خودش[۱۰۳] بلكه فرزندانش تا چندين نسل[۱۰۴] به عنوان منبع اطلاعات در باره زندگى شخصى پيامبر (ص) شناخته مى شدند. اين خاندان، روابطش را با اهل بيت پيامبر (ص)

ص: ۴۷

نگاه داشت[۱۰۵] و روايات نقل شده از افراد اين خاندان، تمايلات شيعى آنان را اثبات مى كند.

طبقات ابن سعد: ۵۴/۴ ـ ۵۵، السيرة النبوية: ۳۰۱/۲ ـ ۳۰۲، مسند احمد: ۹/۶، تركة النبى: ۱۱۰، انساب الاشراف: ۵۶۶/۱ ـ ۵۶۸، تاريخ طبرى: ۲۶۱/۲، ۱۷۰/۳، ۱۸۰/۶، الجرح و التعديل: ۱۴۹/۲، معجم [۲۳] كبير طبرانى: ۳۰۷/۱ ـ ۳۰۹، اغانى: ۲۰۵/۴ ـ ۲۰۶، حلية الاولياء: ۱۸۳/۱ ـ ۱۸۵، تهذيب الكمال: ۳۰۱/۳۳ ـ ۳۰۲، سير اعلام النبلاء: ۱۶/۲ (و بسيارى منابع ديگر كه در پاورقى مصحح آمده است)، الاصابه: ۱۳۴/۷ ـ ۱۳۵، تهذيب التهذيب: ۹۲/۱۲ ـ ۹۳

ابورافع در اصل، غلام عباس بن عبدالمطلب عموى پيامبر (ص) بود كه وى به عنوان هديه به پيامبر (ص) بخشيد و بعدا توسط پيامبر آزاد گشت. گزارشى در باره يک غلام پيشين سعيد بن عاص اموى به نام رافع (تركة النبى: ۱۱۱، انساب الاشراف: ۵۷۱/۱، معجم كبير طبرانى: ۲۳/۵، حلية الاولياء: ۸۳/۱) از سوى معصب زبيرى و مبرّد در كامل: ۴۳۶/۲ (و از آن جا در آثار بعدى مانند: معارف ابن قتيبه: ۱۴۵ ـ ۱۴۶، تاريخ طبرى: ۱۷۰/۳ و كتب تراجم) به اشتباه با ابورافع تطبيق داده شده است. هشام بن محمد كلبى اين خطا را تصحيح كرد (انساب الاشراف: ۴۸۳/۱، و از آنجا الاصابه: ۱۳۵/۷ ـ ۱۳۶).

اين مطلب را كه وى در سالهاى پايان زندگى مسؤول بيت المال امام على (ع) بوده است، ابن ابى شيبه در مصنف: ۴۵۸/۶ و نجاشى: ۴ ـ ۵ گزارش كرده اند (نيز بنگريد: كتاب فى فضل اميرالمؤمنين (ع) ابن دأب: ۱۵۱، شرح الاخبار: ۳۷۴/۱، بغية الطلب: ۴۴۴۹). طبرى: ۱۵۶/۵ و خبرى در اصل عاصم بن حميد: ۳۴، فرزند ابورافع را مسؤول بيت المال

---

۱۰۳ . براى نمونه بنگريد: **طبقات ابن سعد**: ۲۸۳/۲، **مسند رويانى**: ۴۶۳/۱، **تقييد العلم**: ۹۱ ـ ۹۲، **امالى طوسى**: ۴۶۸.

۱۰۴ . براى نمونه بنگريد: **تركة النبى (ص)**: ۱۰۷ ـ ۱۰۸ (نيز **المحاسن و المساوى**: ۳۱۱/۲). كه در نقلى آمده است كه حجاج به دنبال يكى از اعضاى خاندان ابورافع فرستاد تا نزد وى آمده و شمشير و زره پيامبر (ص) را بشناسد.

۱۰۵ . زمانى كه ابورافع درگذشت، امام على (ع) شخصا سرپرستى ايتام او را عهده دار شد (**مصنف عبدالرزاق**: ۶۷/۴، **الام شافعى**: ۱۵۷/۷، **الاموال** ابوعبيد: ۴۰۵، **مصنف** ابن ابى شيبه: ۱۴۹/۳، **الاموال** ابن زنجويه: ۹۹۱، **تاريخ كبير بخارى**: ۷۶/۱، **امالى احمد بن عيسى**: ۲۹۶/۲). پس از رحلت امام على (ع)، عبيدالله فرزند ابورافع، خود را مولاى امام حسن مجتبى (ع) معرفى كرد (**الكامل** مبرد: ۴۳۷/۲). بعدها خاندان ابورافع، موالى ائمه اطهار (ع) شناخته مى شدند كه به روشنى از باب انتقال وراثى ولاء عتق از پيامبر (ص) به اولاد ايشان بود (بنگريد: **كافى**: ۴۸۷/۱، ۳۳۹/۵). به همين دليل، اين خانواده، منبع اطلاعات در باره زندگى شخصى خاندان پيامبر (ص) هم بوده اند (براى نمونه بنگريد: **فضائل احمد**: ۶۲۹/۱ ـ ۶۳۰، **تاريخ المدينه** ابن شبه: ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۱).

امام علی (ع) می دانند. این فرزند در اصل عاصم، همان کاتب رسمی امام علی (ع) شناسانده شده، یعنی عبیدالله بن ابی رافع (بنگرید به مدخل عبیدالله بن ابی رافع در همین فصل از کتاب حاضر)، اما در شرح الاخبار: ۲۰/۲ و تهذیب: ۱۵۱/۱۰ او را علی بن ابی رافع معرفی کرده اند. قاضی نعمان می گوید که علی بن ابی رافع هم مسؤول بیت المال بوده است

ص: ۴۸

و هم نگهدارنده مُهر (خاتم) امام علی (ع).

تاریخ درگذشت ابورافع، متفاوت نقل شده که زودترین آن، دوره خلافت عمر (سنن بیهقی: ۱۰۷/۴ ـ ۱۰۸. نیز بنگرید: اصل عاصم بن حمید: ۳۴) و دیرترین آن، زمان بازگشت امام مجتبی (ع) به مدینه در سال ۴۱ است (تأویل ما نزل: ۹۸ ـ ۹۹، نجاشی: ۵ ـ ۶، امالی طوسی: ۵۹). ابن حبان در ثقات: ۱۶/۳ ـ ۱۷ و مشاهیر: ۳۷ و ذهبی در سیر: ۱۶/۲ تاریخ درگذشت او را سال ۴۰ یاد کرده اند. این که وی تا زمان خلافت امام علی (ع) زنده بوده، می تواند با این نکته تأیید شود که نام وی در میان جمعی که در صفین در کنار امام علی (ع) بوده اند، آمده است (تسمیة ابن ابی رافع: ۱۷، هر چند ظاهراً این مطلب الحاقی است. در همین جا آمده که وی در آغاز خلافت امام علی (ع) ۸۵ سال داشته است). اما این که وی در زمان حیات امام علی (ع) درگذشته، با اخباری که در آن آمده است که امام شخصا سرپرستی ایتام او را برعهده گرفت، تأیید می شود. این روایات، با تعیین سال ۴۰ به عنوان تاریخ درگذشت او سازگار نیست; زیرا در آن روایات آمده است که امام، از اموال یتیمان ابورافع، تا زمانی که آنان به سن بلوغ رسیدند، زکات پرداخت می کرده است. این امر مستلزم آن است که میان درگذشت ابورافع و شهادت امام، دست کم یک دو سال گذشته باشد. روایات یاد شده این را هم نشان می دهد که هیچ کدام از فرزندان ابورافع به سن بلوغ نرسیده بودند که از سایر فرزندان نگهداری کند، نکته ای که با تاریخ پیشگفته ناسازگار است، زیرا عبیدالله فرزند ابورافع، عضو فعّال اردوگاه امام علی از همان روزهای آغاز خلافت ایشان بود. روشن است که میان نقلهای مختلف در این باب ناسازگاری های اساسی وجود دارد.

ابورافع، نیای دودمان بزرگی از راویان حدیث در قرن های نخستین هجری بوده که فهرستی از آنان در فائده ۳۱ پایان قاموس الرجال آمده است.

۱ ـ کتاب ابی رافع

تعداد قابل توجهی روایت از ابورافع، از پیامبر (ص) یا در باره آن حضرت، نقل شده است. در مسند احمد: ۸/۱ ـ ۱۰، ۳۹۰ ـ ۳۹۳، مسند رویانی: ۴۵۵/۱ ـ ۴۸۰ و معجم کبیر طبرانی: ۳۰۷/۱ ـ ۳۳۳ ابواب خاصی به روایات وی اختصاص داده شده (نیز بنگرید: المسند الجامع: ۲۱۷/۱۶ ـ ۲۴۰)، اما روایات بسیار دیگری از او در منابع به صورت پراکنده آمده است. نام وی به عنوان خادم پیامبر(ص) نزد مؤلفان اخبار مربوط به کرامات و معجزات نیز در دوره های بعد، شایع بوده و از او به عنوان یک منبع فرضی برای داستان های منسوب به پیامبر (ص) استفاده می کرده اند [۲۴] (برای نمونه: کمال الدین: ۲۲۴ ـ ۲۲۸).

ص: ۴۹

نجاشی: ۶ از کتابی از ابورافع با عنوان کتاب السنن و الاحکام والقضایا یاد می کند، متنی که نجاشی آن را از دو طریق که اختلاف جزئی با هم دارند، دریافت کرده است. نجاشی نخستین جمله آن متن را در این باره که امیرمؤمنان (ع) چگونه نماز خود را شروع می کرد نقل نموده و سپس ترتیب ابواب متن را که مربوط به نماز، روزه، حج، زکات و قضاء بوده بیان می کند. طبرانی در کتاب الدعاء: ۱۰۳۰ و خطیب در کفایه: ۴۷۲ از ابورافع، بر اساس متن مکتوبی که وی به دست راوی خود داده بود،[۱۰۶] نقل می کنند که پیامبر (ص) چگونه نماز خویش را آغاز می کرد (نیز ببینید ایضاح قاضی نعمان: ۱۹۲).

با توجه به روایات فراوان عبیدالله بن ابی رافع از امام علی (ع) که نحوه شروع نماز پیامبر (ص) را وصف می کند (برای نمونه: کتاب الدعاء: ۱۰۲۶ ـ ۱۰۲۹) روشن است که روایت موجود در منابع شیعه و سنی، از یک متن گرفته شده که ظاهرا همان است که فرزند ابورافع در باره سیره امام علی (ع) گرد آوری کرده بود (بنگرید به مدخل بعد).[۱۰۷] حذف کلمه «ابن» و طبعا اشتباه در انتساب روایاتی که فرزند ابورافع نقل کرده و نسبت دادن آن روایات به پدرش، اشتباهی شایع بوده (برای نمونه: مصنف عبدالرزاق: ۱۷۹/۳ ـ ۱۸۰، ش ۵۲۳۱ ـ ۵۲۳۲) که بیهقی (سنن: ۱۰۷/۴ ـ ۱۰۸) و دیگران در موارد دیگری به آن اشاره کرده اند. شیخ طوسی متوجه این نکته بوده و هیچ کتابی را به ابورافع نسبت نمی دهد.

۲ ـ اخبار ابی رافع

ابن شهرآشوب (مناقب: ۱۴/۲ ـ ۱۵، ۴۱، ۵۹، ۱۸۰، ۷۸/۳، ۱۲۴) از کتابی با عنوان اخبار ابی رافع از دانشمند زیدی، ابوالقاسم عبدالعزیز بن اسحاق کوفی معروف به ابن بقال (م ۳۶۳)[۱۰۸] نقل می کند. متناسب با موضوع کتاب ابن شهرآشوب، روایات نقل شده، در باره فضائل اهل بیت پیامبر است.

ص: ۵۰

[۲۵] ۴ . ابن ابی رافع

عبیدالله بن ابی رافع، فرزند خادم رسول خدا (ص)، دستیار و کاتب رسمی امیرمؤمنان (ع) در دوران خلافت آن حضرت بود. وی در دوره خلافت امام، پیوسته ملازم آن حضرت بوده و پس از شهادت وی، زمانی که امام مجتبی (ع) به خلافت رسید، همچنان به عنوان کاتب ایشان باقی ماند.

---

۱۰۶ . مقـ : **معجم کبیر طبرانی**: ۳۱۴/۱ که در آنجا به جای «دفع الیّ کتابا» در این نقل آمده است «وقع الیّ کتابٌ». سیاق کلام و متن نقل شده توسط خطیب که تفاوت جزئی در سند با متن منقول طبرانی دارد، عبارت اول یعنی «دفع الی کتابا» را تأیید می کند که می گوید ابورافع متن مکتوب را به راوی داده بود.

۱۰۷ . این مسأله را با این نکته می توان تأیید کرد که برخلاف عبیدالله که کاتب رسمی امام علی (ع) بوده، شاهدی بر این که ابورافع قدرت بر خواندن و نوشتن داشته است، در دست نیست.

۱۰۸ . در باره وی بنگرید: **تاریخ بغداد**: ۴۵۸/۱۰ ـ ۴۵۹، **رجال طوسی**: ۴۳۲ـ ۴۳۳، **لسان المیزان**: ۳۷۸/۴ ـ ۳۷۹، سزگین (اصل آلمانی): ۵۶۸/۱.

وقعة صفين: ۴۷۱، طبقات ابن سعد: ۵۵/۴، ۲۱۵/۵، مسند حمیدی: ۱۷۷/۱، صحیح بخاری: ۳۴۹/۳، صحیح مسلم: ۱۹۴۱، تاریخ الثقات عجلی: ۳۱۶، سنن ابی داود: ۲۵۲/۲، سنن ترمذی: ۳۸/۲، ۳۳۳/۵، قضایا امیرالمؤمنین ابراهیم بن هاشم: ۶۱، انساب الاشراف: ۵۷۳/۱، معارف ابن قتیبه: ۱۴۵، صحیح ابن حبان: ۴۲۴/۱۴، کامل مبرد: ۴۳۶/۲، مسند ابی یعلی: ۳۱۵،۳۱۶/۱، تاریخ طبری: ۱۷۰/۳، ۱۸۰/۶، الجرح و التعدیل: ۳۰۷/۵، کافی: ۳۷۱/۷، الوزراء و الکتّاب: ۱۴، شرح الاخبار: ۱۶/۲، من لایحضر: ۲۵/۳، مؤتلف دارقطنی: ۲۲۳، نجاشی: ۴، دلایل النبوة بیهقی: ۱۶، امالی طوسی: ۷۲۹، فهرست او: ۱۰۷، رجال همو: ۷۱، الجامع لاخلاق الراوی خطیب: ۲۶۳/۱، تاریخ بغداد: ۳۰۴/۱۰، تاریخ دمشق: ۵۰۲/۴۵، کشف المحجه: ۱۷۳ ـ ۱۷۴ (به نقل از رسائل الائمّه کلینی. نیز بنگرید: کتاب سلیم بن قیس: ۱۹۳)، تهذیب الکمال: ۳۴/۱۹ ـ ۳۵ (و بسیاری منابع دیگر که در پاورقی مصحح آمده است). نیز بنگرید: نهج البلاغه: ۵۳۰.

در باره حضور او در حوادث و جنگهای دوران ناآرام خلافت امام علی (ع)، برای نمونه بنگرید: مصنف ابن ابی شیبه: ۵۹۵/۱۴، صحیح مسلم: ۷۴۹، السنة فسوی: ۳۹۲ (و از آن جا در تاریخ بغداد: ۳۱۰/۵)، خصائص نسائی: ۳۰۹ ـ ۳۱۰، سؤالات آجری: ۳۱، صحیح ابن حبان: ۴۶/۹، سنن بیهقی: ۱۷۱/۸، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۳۷/۷. نیز بنگرید به توقیع وی در انتهای اسناد آن دوره آن چنان که خواهد آمد.

برای استمرار خدمت او در خلافت امام حسن مجتبی (ع) و ادامه کار کتابت برای ایشان، بنگرید: کامل مبرّد: ۴۳۷/۲، الافاده فی تاریخ الائمة السادة ابوطالب: ۵۳. پس از صلح امام حسن (ع) و بازگشت ایشان به مدینه، عبیدالله هم به مدینه بازگشت و گویا تا پایان زندگیش همانجا بسر برد (بنگرید: مناقب الامام امیرالمؤمنین (ع): ۵۰۷/۱). مبرد در کامل: ۴۳۶/۲ و ابن قتیبه در معارف: ۱۴۳ روایت کرده اند که چون عبیدالله خود را مولای پیامبر (ص) می نامید، عمرو بن سعید بن عاص که از سوی یزید (حکومت ۶۰ ـ ۶۴) حاکم مدینه بود، او را در سال ۶۰ تازیانه زد. طبری، فرد مزبور را «رافع» می نامد و مشخصات دیگری از او نمی دهد. چنان که در مدخل «ابورافع» یادآور شدیم، تمامی این رخداد، مربوط به شخص دیگری است که قبلا غلام پدر آن حاکم مدینه بوده و ربطی به هیچ یک از افراد

ص: ۵۱

خانواده ابورافع ندارد.

توقیع عبیدالله به عنوان کاتب رسمی یا شاهد در پایان بسیاری از اسناد دوران خلافت امام علی (علیه السلام) آمده است. نمونه ها از قرار زیر است:

۱ . نامه امام علی (ع) به مردم مصر، در صفر سال ۳۶، در باره نصب قیس بن سعد بن عباده به عنوان حاکم آنان (غارات: ۲۱۰ ـ ۲۱۱، تاریخ طبری: ۵۴۸/۴ ـ ۵۴۹)

۲ . نامه امام به عثمان بن حنیف، حاکم بصره، زمانی که در سال ۳۶ (حوالی آغاز جمادی الاولی) به بصره نزدیک می شد در سفری که سرانجام به جنگ جمل منتهی شد (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۳۱۲/۹ ـ ۳۱۳ به نقل از ابومخنف لوط بن یحیی [م ۱۵۷]، گویا از کتاب الجمل او)

[۲۶] ۳ . نامه آن حضرت در جمادی الاولی سال ۳۶ از بصره به مردم کوفه، در آگاه ساختن آنان از فجایع شورشیان جمل، از جمله رفتار آنان با حاکم بصره (جمل، شیخ مفید: ۳۹۸ ـ ۳۹۹)

۴ . نامه امام به حاکم کوفه در باره خبر پیروزی در جنگ جمل در میانه جمادی الاولی سال ۳۶ (تاریخ طبری: ۵۴۲/۴)

۵ . نامه امام در جمادی الاولی سال ۳۶ به مردم مدینه در باره خبر پیروزی در جنگ جمل و این که ایشان عازم کوفه است (جمل، مفید: ۳۹۵ ـ ۳۹۶)

۶ . نامه امام به مردم کوفه در رجب سال ۳۶ (همان: ۴۰۳ ـ ۴۴۰)

۷ . نامه امام به اشعث بن قیس حاکم آذربایجان در شعبان سال ۳۶ (شرح نهج البلاغه ابن میثم: ۳۵۰/۴ ـ ۳۵۱)

۸ . نامه امام به محمد بن ابی بکر در اول رمضان سال ۳۶ در نصب او به عنوان حاکم مصر (الغارات: ۲۲۴ ـ ۲۲۵، تاریخ طبری: ۵۵۶/۴، تحف العقول: ۱۷۶)

۹ . پیمان با مسیحیان نجران در دهم جمادی الثانیه سال ۳۷ (خراج، ابویوسف: ۷۴)

۱۰ . نامه امام به عبدالله بن عباس حاکم بصره در ذی قعده سال ۳۷ (وقعة صفین: ۱۰۵)

۱۱ . نامه امام به مخنف بن سلیم، حاکم اصفهان و همدان در سال ۳۷ (همان: ۱۰۴ ـ ۱۰۵)

۱۲ . نامه امام به عوسجة بن شداد در سال ۳۹ (الغارات: ۱۱۵ ـ ۱۱۶)

۱۳ . وصیت امام در باره دارایی هایش با تاریخ دهم جمادی الاولی سال ۳۶ (تاریخ المدینه: ۲۲۵/۱ ـ ۲۲۸)، سال ۳۷ (مصنف عبدالرزاق: ۲۸۸/۷)، یا ۳۹ (مقتل، ابن ابی الدنیا: ۵۱ ـ ۵۵ [که بخشی از آن در صفحات ۵۵ ـ ۵۶ تکرار شده است]، امالی احمد بن عیسی: ۳۱۳/۲ ـ ۳۱۵). از عبیدالله روایت شده که گفته بود امام علی (ع) چهار ماه و سیزده روز پس از نوشتن این وصیت به شهادت رسید. بر این اساس، تاریخ این سند جمادی الاولی سال ۴۰ خواهد بود. عبیدالله یکی از دو شاهد وصیت نامه

ص: ۵۲

حضرت است و سند به خط خود امام بوده است (مقتل، ابن ابی الدنیا: ۴۸). (نیز بنگرید: کافی: ۴۹/۷ ـ ۵۱ و تهذیب: ۱۴۶/۹ ـ ۱۴۸ که تاریخ وصیت در نقل آنان دهم جمادی الاولی سال ۳۷ قید شده و متن فاقد امضای شهود است).

۱۴ . آخرین وصیت امام به فرزندش امام حسن مجتبی (ع) در بستر شهادت که در بیستم رمضان سال ۴۰ املا شده بود (مقتل، ابن ابی الدنیا: ۴۵ ـ ۴۷، نیز بنگرید: المعرفة و التاریخ: ۸۱۱/۲)

عبیدالله همچنین کاتب نامه ای بود که امیرمؤمنان (ع) پیش از نبرد صفین برای معاویه فرستاد (وقعة صفین: ۴۷۱).

برای نمونه ای از شعر عبیدالله بنگرید: مناقب خوارزمی: ۲۰۴ ـ ۲۰۵ (بخوانید «عبیدالله» به جای «عبدالله»).

۱ ـ کتاب ابن ابی رافع

همان گونه که گذشت، کتابی که نجاشی: ۶ تحت عنوان کتاب السنن و الاحکام و القضایا به ابورافع نسبت می دهد، به نظر می رسد که مربوط به فرزندش عبیدالله باشد. به گفته نجاشی، این کتاب، با توصیفی از این که امام علی (ع) چگونه نمازش را آغاز می کرد، شروع می شد (نیز بنگرید: امالی احمد بن عیسی: ۱۰۸/۱ ـ ۱۰۹). منابع سنی، روایتی طولانی [۲۷]در وصف نماز پیامبر (ص) به روایت عبیدالله نقل می کنند که وی از امام علی (ع) روایت کرده است. این روایت با توصیف چگونگی شروع نماز پیامبر آغاز می شود، اما بسیار محتمل است که این خبر در واقع، وصف نماز امام علی (ع) باشد چنان که منابع شیعی اظهار می کنند. در سنّت سنّی گفته شده است که به عنوان یک قاعده عمومی، هرچه یک

صحابی در یک امر دینی گفته باشد، می بایست نقل قول یا فعل پیامبر باشد، زیرا اظهارات شخصی صحابه، جایی در امور دینی ندارد.[۱۰۹] این احتمال وجود دارد که این ذهنیت، برخی از راویان بعدی خبر ابن ابی رافع

را تحت تأثیر قرار داده باشد تا امام علی (ع) را راوی خبر از پیامبر (ص) معرفی کنند نه آن که روایت را وصف فعل خود او بدانند.[۱۱۰]

این کتاب، مشتمل بر ابوابی در باره نماز، روزه، حج، زکات و قضاء بوده است (نجاشی: ۶). طوسی (فهرست: ۱۰۷) این اثر را با نام کتاب قضایا امیرالمؤمنین (ع) به عبیدالله بن ابی رافع نسبت می دهد که شاید نام اصلی کتاب بوده چه قاضی نعمان هم که منبع او، مانند مؤلّف امالی احمد بن عیسی (چنان که در همه موارد زیر)، کتاب را با همان اسناد نجاشی و طوسی دریافت کرده بود (ایضاح: ۱۶۶، ۱۷۰ – ۱۷۱، ۱۹۴) در کتاب ایضاح خود: ۱۶۶ و ۱۹۴ از آن با همین نام یاد و نقل می کند (در باره منبع او بنگرید: همان: ۱۷۰ – ۱۷۱).

دو سندی که نجاشی و طوسی برای این کتاب ذکر می کنند، در اوائل سند یکسانند. هر دو سند [۲۸] به علی بن [محمد بن] قاسم کندی،[۱۱۱] از محمد فرزند عبیدالله بن ابی رافع، از

۱۰۹ . بنگرید: **مباحث فی علوم القرآن**، صبحی صالح: ۱۴۳ و منابعی که در آنجا یاد شده است. نمونه های عمل دانشمندان اهل سنت بر اساس این قاعده، در منابع، فراوان تر از آن است که بتوان در اینجا یاد کرد. اندکی از نمونه هایی از این دست در باره خصوص امام علی (ع) از این قرار است: (۱) **مصنف ابن ابی شیبه**: ۴۷۲/۱۲، روایت ابواسحاق سبیعی از حارث اعور از امام علی در باره فضیلت آماده بودن برای جهاد در راه خدا. ابن ابی حاتم در **علل**: ۳۱۵/۱ و طبرانی در **معجم اوسط طبرانی**: ۱۳۱/۱، ۴۰/۲ با همان سند از امام علی (ع) همان گفته را از پیامبر نقل می کنند. (۲) **سنن ترمذی**: ۲۸۰/۲، ۱۶۸/۵ ـ ۱۶۹، دو نسخه از یک روایت در شرح یک واژه در قرآن که یک نسخه (۱۶۹/۵، نیز **تفسیر طبری**: ۶۹/۱، ۷۰) از امام علی (ع) و مورد دوم (۲۸۰/۲، ۱۶۸/۵) به صورت روایت امام علی (ع) از پیامبر (ص) نقل شده است. (۳) **مصنف عبدالرزاق**: ۱۷/۳، ۵۶، ۵۸ در شماره های ۴۶۲۵ و ۴۷۷۵ (در باره اذان) از امام علی (ع) روایت می کند و در ش ۴۶۲۶ و ۴۷۸۳ همان را از علی (ع) از پیامبر (ص) روایت می کند (نیز **مسند طیالسی**: ۱۱۶/۱، **مصنف ابن ابی شیبه**: ۲۴۱/۲، ۲۸۶، **مسند احمد**: ۷۷/۱، ۸۸، ۸۹، ۹۸، ۱۱۱، ۱۱۵، **سنن ابن ماجه**: ۳۶۳). (۴) **سنن دارقطنی**: ۱۰۳/۲، روایت از امام علی (ع) در باره زکات بر گاوهایی که کار می کنند. ابن زنجویه در **الاموال**: ۸۴۵ همان را از امام علی (ع) از پیامبر (ص) نقل می کند. ابوداود در **سنن**: ۱۰۰/۲، طبرانی در **الاحادیث الطوال**: ۱۴۵، و بیهقی در **سنن**: ۹۳/۴، ۹۹، ۱۰۶، ۱۳۶، ۱۳۷ علت این اختلاف را توضیح می دهند: در این جا راوی خود به صراحت می گوید که خبر را به صورت نقل از امام علی (ع) دریافت کرده است، اما معتقد است که باید امام علی (ع) آن را از پیامبر (ص) روایت کرده باشد. نیز بنگرید: **مصنف عبدالرزاق**: ۳۴/۴ (از امام علی) ۳۳/۴، ۳۴، ۸۹ (علی از پیامبر)، **مصنف ابن ابی شیبه**: ۱۱۸/۳ (از امام علی)، ۱۱۷/۳، ۱۱۸ (علی از پیامبر). (۵) ابن ابی شیبه در **مصنف**: ۲۴۷/۱، طبرانی در **الدعاء**: ۱۰۶۱ (به روایت حارث اعور) و بیهقی در **سنن**: ۹۶/۲ نقل می کنند که امام علی (ع) در نماز چه می خوانده است. در **الدعاء** طبرانی: ۱۰۵۲ ـ ۱۰۵۴ و **تاریخ جرجان** سهمی: ۳۸۰ امام علی (ع) همان روایت را از پیامبر (ص) نقل می کند. (۶) ابن ابی شیبه در **مصنف** ۳۵۲/۱ (از امام علی) مقـ : **معجم اوسط** طبرانی: ۲۱۴/۵، و **حلیة الاولیاء**: ۱۱۴/۱۰ (امام علی از پیامبر). (۷) **مصنف عبدالرزاق**: ۲۸۲/۴، **الام** شافعی: ۱۷۶/۷ و **مصنف** ابن ابی شیبه: ۶۵/۳ (از امام علی در باره روزه روز جمعه)، مقـ : **علل** ابن جوزی: ۵۵۰ (امام علی از پیامبر).

۱۱۰ . این نکته دست کم در یک مورد به صراحت آمده است: در **مصنف عبدالرزاق** ۱۰۰/۲ (نیز **مصنف ابن ابی شیبه**: ۳۷۰/۱، ۳۷۳، **سنن بیهقی**: ۱۶۸/۲) ابن ابی رافع نقل می کند که امام علی برخی از سوره های قرآن را در رکعات مختلف نماز خویش می خواند. طحاوی در **شرح معانی الاثار** ۲۰۶/۱ اظهار می دارد که این باید مطلبی باشد که امام علی (ع) از پیامبر (ص) روایت کرده، نه آن که وصف عمل خود او باشد.

۱۱۱ . در باره او بنگرید: **لسان المیزان**: ۷۴/۵ و منابعی که مصحح در پاورقی آورده است.

ص: ۵۴

پدرش عبیدالله منتهی می شود.

نجاشی: ۶ ـ ۷ کتاب مستقلی در باره عبادات و سایر ابواب فقه، با جمله آغازین متفاوتی به علی فرزند دیگر ابورافع نسبت می دهد، کسی که نجاشی او را کاتب امام علی (ع) می شناساند. وی خاطر نشان می کند که این کتاب در میان علویان، رواج فراوانی داشته است. گرچه از ابورافع، فرزندی با نام علی یاد شده است،[112] معرفی نجاشی از او با عنوان کاتب علی (ع)، تردیدی در دقیق بودن سخن وی پدید می آورد.[113] نجاشی از عبیدالله که متصدی آن شغل در دستگاه اداری امام علی (ع) بوده و این نکته در تمامی منابع شیعه و شیعی آمده، به عنوان مؤلف یاد نکرده است. برخلاف آن، شیخ طوسی، هیچ اشاره ای به علی بن ابی رافع (به جز به عنوان پدر یکی از اصحاب امام زین العابدین [ع] در رجال: ۴۷) یا کتابی که او تألیف کرده باشد، ندارد. اگر علی بن ابی رافع کتابی داشته است که میان علویان چنان شهرتی داشته، آن چنان که عبارت نجاشی ادعا می کند، این اقدام طوسی در ترک نام او، کاری غیرمعمول خواهد بود.[114]

ص: ۵۵

این نکته را نمی توان کاملا منتفی دانست که منبع نجاشی در باره کتاب علی بن ابی رافع، تصویر روشنی در باره شخصیت عبیدالله بن ابی رافع نداشته و احتمالا او را با عبیدالله فرزند علی بن ابی رافع خلط می کرده است، کسی که نجاشی: ۷ نام او را به عنوان راوی اثر مورد بحث یاد می کند. این اشتباه بی سابقه نیست. ابن عساکر در تاریخ دمشق: ۵۰۲/۴۵ از کتاب تسمیة من شهد مع علی عبیدالله بن ابی رافع نقل می کند، کتابی که ابن عساکر از طریق فرزند مؤلف محمد آن را روایت کرده است (بنگرید به مدخل مربوط به فرزند در همین مجلد). ابن عساکر این متن را [۲۹] از سه

۱۱۲ . **امالی محاملی**: ۲۶۳، **الاصابه**: ۶۷/۵، نیز به عنوان پدر دو راوی حدیث: حسن و عبیدالله و جد فرزندانشان که تنی چند از آنان نیز راوی حدیث بودند.

۱۱۳ . این نکته باید مورد توجه قرار گیرد که آخرین حلقه در سلسله سند کتاب مورد ادعا برای علی بن ابی رافع در نجاشی: ۷، سطر ۲ ـ ۴، به روشنی دچار اشکال است. در عبارت آمده است: «حدثنی ابومحمد عبدالرحمن بن محمد بن عبیدالله بن ابی رافع و کان کاتب امیرالمؤمنین علیه السلام انه کان یقول». چون این راوی از اصحاب امام علی (ع) نبوده، و نجاشی هم تلاش نمی کند او را به عنوان مؤلف کتاب معرفی کند، جمله اصلی در منبعی که نجاشی از آن استفاده کرده، به احتمال زیاد، چنین بوده است: حدثنی ابومحمد عبدالرحمن بن محمد بن عبیدالله بن ابی رافع [عن ابیه عن جده عبیدالله بن ابی رافع] و کان کاتب امیرالمؤمنین علیه السلام أنه کان یقول». قسمت داخل کروشه، از قلم ناسخ نسخه ای که نجاشی استفاده کرده، سقط شده بوده، و عملا نظر ناسخ از نام عبیدالله در یکجا به عبیدالله بعدی پریده و عبارت میانی را انداخته است، چیزی که در استنساخ ها بسیار رخ می دهد.

۱۱۴ . در پایان مدخل علی بن ابی رافع در نجاشی، وی دو طریق مختلف برای این کتاب یاد می کند. دومین طریق در واقع، مربوط به اثر دیگری از حارث اعور است (نجاشی: ۷، سطر ۱۸، تفاوت میان این دو کتاب را یادآور می شود.) اولین طریق به محمد بن عمر بن عبیدالله بن محمد از اولاد امام علی (ع) می رسد که کتاب را از پدرش روایت می کند که او هم از پدرش روایت کرده است (نجاشی: ۷، سطر ۱۲ ـ ۱۳). این بخش از سند با سند خبری که در **طبقات** ابن سعد: ۱۵/۳ ـ ۱۶ (و از آن جا در **تاریخ دمشق**: ۶۹/۴۲) از عبیدالله بن ابی رافع به نقل از امام علی نقل شده، و ظاهرا بندی از کتابش در باره سخنان امام علی (ع) بوده، یکی است. به نظر می رسد کتابی که برای علی بن ابی رافع فرض شده، در واقع، بخشی از کتاب **السنن و الاحکام و القضایا** از عبیدالله بن ابی رافع بوده است. این حقیقت که تنها یک کتاب به عنوان کتاب ابن ابی رافع برای علویان شناخته شده بود (چنان که از نجاشی: ۷، سطر ۹ ـ ۱۰ فهمیده می شود [نیز بنگرید: **بصائر**: ۱۶۵]) نیز این نتیجه گیری را تأیید می کند.

طریق دریافت کرده است: نخستین طریق به محمد بن عبیدالله بن علی بن ابی رافع می رسد «عن ابیه عبیدالله بن ابی رافع و کان کاتب علی». این به روشنی خطاست، زیرا کسی که کاتب علی (ع) بوده، می بایست عموی پدر راوی باشد نه پدر خودش. یک راوی بعدی با حذف نام «بن علی» از وسط طریق سومِ همان متن، تلاش کرده است تا عبارت را تصحیح کند. قاضی نعمان در شرح الاخبار: ۳۳۰/۲ خبری را در باره منازعه ای که امام علی (ع) در باره آن قضاوت کرده و در منابع دیگر همان خبر را محمد بن عبیدالله بن ابی رافع از پدرش روایت می کند (برای نمونه بنگرید به طرق ابن قیم: ۶۷)، به محمد بن عبدالله (کذا) بن علی بن ابی رافع نسبت می دهد (نیز ببینید ایضاح او: ۱۶۶). این خلط در باره عبیدالله بن علی بن ابی رافع به خاطر نام مشترک وی با عمویش عبیدالله بن ابی رافع، اشتباهی معمول بوده است.[115] آنچنان که در اسناد اخبار زیادی که از وی روایت شده، دیده می شود[116] و شرح حال نویسان هم آن را خاطرنشان کرده اند. به احتمال زیاد، همین مطلب علت خلط موجود در عبارت نجاشی در تشخیص درست مؤلف کتاب ابن ابی رافع و نام دقیق کاتب رسمی امام علی (ع) بوده است. روشن است که شیخ طوسی، این خلط را دریافته

و در این دام گرفتار نشده است.

چنین است فهرست نقلهایی که از این کتاب به دست رسیده و یا می تواند از آن گرفته شده باشد:

آنچه که امام علی (در روایات شیعه) یا پیامبر (در روایات اهل سنت) پیش از نماز، در حال نماز، یا پس از آن می خوانده اند:

مسند طیالسی: ۱۲۰/۱ ـ ۱۳۰، مصنف عبدالرزاق: ۷۹/۲، ۱۶۳، الام شافعی: ۹۱/۱، مصنف ابن ابی شیبه: ۲۳۱/۱، ۲۴۸، فضائل احمد: ۶۹۵ ـ ۶۹۶، مسند او: ۹۴/۱، ۱۰۲ ـ ۱۰۳، صحیح مسلم: ۵۳۴ ـ ۵۳۶، سنن ابی داود: ۲۰۱/۱ ـ ۲۰۲، سنن ترمذی: ۴۲۲/۵ ـ ۴۲۵، امالی احمد بن عیسی: ۱۰۸/۱ ـ ۱۰۹، کتاب الدعاء طبرانی: ۱۰۲۷ ـ ۱۰۳۰، ۱۰۴۳ ـ ۱۰۴۴، ۱۰۵۲ ـ ۱۰۵۴، ۱۰۶۳ ـ ۱۰۶۴. ایضاح قاضی نعمان: ۱۹۴. این خبر در بسیاری از منابع دیگر نیز آمده است. برای بیشتر آن منابع بنگرید: ازبک: ۲۰۱۹ ـ ۲۰۴۷ [۳۰] (سنن ابن ماجه: ۳۳۵ بخشی از این نقل را به روایت ابورافع از امام علی [ع] دارد).

کیفیت نماز خواندن رسول خدا (ص) به روایت امام علی (ع)

مسند احمد: ۹۳/۱ (نیز رفع الیدین بخاری: ۲۳، سنن ابن ماجه: ۲۸۰، سنن ابی داود: ۱۹۸/۱ ـ ۱۹۹، ۲۰۲ ـ ۲۰۳).

---

۱۱۵. برای یک نمونه دیگر بنگرید: **تهذیب الکمال**:: ۳۲۹/۲۸. دارقطنی در **ضعفاء**: ۱۴۷ مرتکب خلط مشابهی در مدخل «محمد بن عبیدالله بن ابی رافع» شده که به گفته او، از پدرش عبیدالله بن ابی رافع روایت کرده است. دارقطنی در باره این عبیدالله می گوید: «لیس بصاحب علی، ذاک عبیدالله بن علی بن ابی رافع».

۱۱۶. به عنوان یک نمونه از موارد بسیار این سردرگمی ببینید: **معجم کبیر طبرانی**: ۳۲۴/۱ ـ ۳۲۵ که در بخش مرویات عبیدالله بن علی بن ابی رافع (ملقب به «عبادل» که سرگذشت نگاران وی تذکر داده اند) نام او در سند روایت شماره ۹۶۹ به عبیدالله بن ابی رافع تصحیف شده است. در سند روایت شماره ۹۶۸ او به عنوان فرزند عبیدالله بن ابی رافع ظاهر می شود. اما در سند روایت شماره ۹۷۴ نواده آن عبیدالله می شود (نیز مقـ: **مسند احمد**: ۷۸/۱ با **تاریخ واسط** بحشل: ۱۹۵).

در باره کیفیت نماز خواندن امام علی (ع)

ـ مصنف عبدالرزاق: ۱۰۰/۲ (نیز بنگرید: مصنف ابن ابی شیبه: ۳۷۰/۱، ۳۷۳، خیر الکلام بخاری: ۳۵، المعرفة و التاریخ: ۴۱۹/۱)

ـ مصنف عبدالرزاق: ۱۷۹/۳ ـ ۱۸۰ (نیز مسند احمد: ۴۳۰/۲، صحیح مسلم: ۸۷۷، سنن ابن ماجه: ۱۰۱۸، سنن ترمذی: ۵۲۴/۱، امالی طوسی: ۶۴۷)

روایات دیگر در باره نماز

ـ مسند احمد: ۹/۶، ۳۹۱

ـ امالی احمد بن عیسی: ۲۱۰/۱ (نیز ایضاح قاضی نعمان: ۱۷۰ – ۱۷۱)

ـ مسند بزار: ۳۵۳/۱

ـ مستدرک حاکم: ۳۹۳/۲ (نیز سنن بیهقی: ۲۷۹/۲)

ص: ۵۷

- ایضاح قاضی نعمان: ۱۶۶

ـ نجاشی: ۷

ـ معجم اوسط طبرانی: ۵۷/۲ (و از آن جا در تاریخ بغداد۵: ۲۵۵/۴، نیز مسند بزار: ۲۴۰/۱. بخشی از آن نیز در مسند احمد: ۸۰/۱، ۱۲۰، سنن دارمی: ۳۴۸/۱، الرد علی الجهمیه دارمی: ۳۴)

ـ مستدرک حاکم: ۲۳۹/۱ (نیز معانی الاثار طحاوی: ۲۰۹/۱، قراءة بیهقی: ۹۲)

کیفیت حج پیامبر (ص) به روایت از امام علی (ع)

الام شافعی: ۹۷/۲ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۴۱۷/۱۴، مسند احمد: ۷۲/۱، ۷۸، ۸۱، ۱۵۶، اخبار مکه ازرقی: ۵۵/۲، سنن ابن ماجه: ۱۰۰۱، اخبار مکه فاکهی: ۳۸۹/۱، ۵۱/۲، ۳۲۲/۴، ۳۷/۵، سنن ترمذی: ۲۲۱/۲، ۲۲۳)

روایات دیگر در باره حج

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۶۴/۴

ـ تهذیب الاثار طبری، مسند ابن عباس: ۲۲۴ ـ ۲۲۵

ـ مسند احمد: ۱۲۱/۱

ـ سنن بیهقی: ۳۲۹/۴

دیگر مسائل فقهی

بیع: امالی احمد بن عیسی: ۱۸۳/۳

نکاح: سنن بیهقی: ۱۱۱/۷

طلاق: امالی احمد بن عیسی: ۱۰۰/۳

[۳۱] عتق: همان: ۲۰۳/۴

حدود: همان: ۲۰۳/۴ (دو روایت)، ۲۱۶

در باره قضاء

ـ شرح الاخبار: ۳۳۰/۲ ـ ۳۳۱ (نیز بنگرید: اخبار القضاة: ۹۵/۱ ـ ۹۷ که در آنجا این روایت از راوی دیگری نقل شده است)

ـ الطرق الحکمیّه: ۶۷ ـ ۶۸

ص: ۵۸

در باره اخلاق

ـ سنن ابی داود: ۳۵۴/۴ (نیز مسند ابی یعلی: ۳۴۵/۱، امالی ابوطالب: ۳۴۴)

ـ اخلاق النبی ابوالشیخ: ۶۲، ۸۰ (نیز شرح السنه بغوی: ۱۸۰/۵)

در باره قرآن

مستدرک حاکم: ۲۳۷/۳

در باره فضائل

ـ مسند حمیدی: ۱۷۷/۱ ـ ۱۷۸ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۱۵۴/۱۲، ۳۸۴/۱۴، مسند احمد: ۷۹/۱، صحیح بخاری: ۲۴۹/۲، ۳۴۹/۳ ـ ۳۵۰، صحیح مسلم: ۱۹۴۱ ـ ۱۹۴۲، سنن ترمذی: ۵۳۳/۵)

ـ طبقات ابن سعد: ۹۹/۱

ـ همان: ۱۵/۳ ـ ۱۶ (نیز مناقب الامام امیر المؤمنین (ع)، محمد بن سلیمان: ۳۶۴/۱ ـ ۳۶۵، امالی ابی طالب: ۷۵، اعلام طبرسی: ۱۹۰ ـ ۱۹۱، تاریخ دمشق: ۶۹/۴۲)

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۵۹۵/۱۴ (نیز زین الفتی: ۴۳۱/۱، تاریخ دمشق: ۵۳۴/۴۲)

ـ فضائل احمد: ۶۵۷ (نیز مناقب الامام امیرالمؤمنین (ع)، محمد بن سلیمان: ۴۸۵/۱ ـ ۴۸۶، ۴۹۱، ۴۹۵، ۵۳۶/۲، معجم کبیر طبرانی: ۳۱۸/۱، ارشاد مفید: ۸۷/۱)

ـ مسند احمد: ۸۱/۱ (نیز کامل ابن عدی: ۱۰۶۰)

ـ صحیح مسلم: ۷۴۹/۲ (نیز المعرفة و التاریخ: ۳۹۱/۱، خصائص نسائی: ۳۰۹ ـ ۳۱۰)

ـ مسند بزار: ۲۱۳/۳ (نیز مناقب الامام امیر المؤمنین (ع)، محمد بن سلیمان: ۳۹۵/۱، کامل ابن عدی: ۲۱۲۶)

ـ مناقب الامام امیر المؤمنین (ع)، محمد بن سلیمان: ۲۶۲/۱، ۲۸۵، ۲۸۶ (نیز معجم کبیر طبرانی: ۳۲۰/۱ [ش ۹۲۲]، مستدرک حاکم: ۱۸۳/۳ [مقـ : تأویل ما نزل: ۲۸۶])

ـ همان: ۲۸۴/۱، ۳۹۵، ۳۹۷ (نیز شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: ۲۲۸/۱۳)

ـ همان: ۴۳۳/۱ ـ ۴۴۴ (نیز معجم کبیر طبرانی: ۳۱۹/۱ [ش ۹۴۹])

ـ همان: ۲۳۶/۱

ـ همان: ۳۱۰/۱

ـ همان: ۴۷۴/۱

ص: ۵۹

ـ همان: ۴۸۹/۱

ـ همان: ۳۹۲/۱ (مقـ : تأویل ما نزل: ۳۹۱)

ـ مسند رویانی: ۴۶۱/۱ (نیز معجم کبیر طبرانی: ۳۲۱/۱، ما نزل ابونعیم: ۶۲ ـ ۶۳، نجاشی: ۴ ـ ۵)

[۳۲] ـ تأویل ما نزل من القرآن: ۲۰۳ ـ ۲۰۴ (نیز تاریخ دمشق: ۴۹/۴۲ ـ ۵۰)

ـ تفسیر فرات: ۵۲۷ ـ ۵۲۸

ـ معجم کبیر طبرانی: ۳۱۵/۱ (ش ۹۳۱)

ـ همان: ۳۱۹/۱ (ش ۹۴۶)

ـ همان: ۳۱۹/۱ (ش ۹۴۸)

ـ همان: ۳۲۰/۱ (ش ۹۵۱)

ـ همان: ۳۱۹/۱ ـ ۳۲۰ (ش ۹۵۰، نیز اخبار الحسن طبرانی: ۶۶)

ـ ارشاد مفید: ۷۳/۱ ـ ۷۴

- تسمیة من روی عن الامام زید، شجری: ۵۸

ـ امالی طوسی: ۴۶۳ ـ ۴۷۲

ـ شواهد التنزیل: ۲۳۳/۲

ـ اعلام طبرسی: ۱۸۷

ـ معجم السفر ابوطاهر سِلَفی: ۳۷۶

ـ تاریخ دمشق: ۱۴۱/۴۲ (نیز بنگرید: تفسیر عیاشی: ۱۲۷/۲)

۲ . تسمیة من شهد مع علی حروبه من المهاجرین و الانصار

فهرستی است از اصحاب پیامبر (ص) و دیگر شخصیت ها که در سه جنگ دوران خلافت امام علی (ع) همراه او حضور داشتند. این یکی از کهن ترین آثار از این دست می باشد (بنگرید به : تسمیات جلالی: ۵۲ ـ ۶۸ برای فهرست یک صد مورد از این گونه آثار از قرون نخستین). طوسی در فهرست: ۱۰۷ آن را تسمیة من شهد مع امیرالمؤمنین علی علیه السلام الجمل و صفین و نهروان من الصحابة رضی الله عنهم می نامد. ابن عساکر در تاریخ دمشق: ۵۰۲/۴۵ آن را

تسمیة من شهد مع امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب من قریش و الانصار و من مهاجری العرب نامیده است. طبرانی در معجم کبیر: ۱۴۶/۲، ۲۵۹، ۲۸۸، ۲۲۳/۳ ـ ۲۲۴، ۲۷۳، ۲۷۶، ۱۴/۴، ۳۰، ۱۹۷، ۱۹۹ (دو بار)، ۲۰۳، ۲۱۷، ۳۵/۵، ۶۰، ۶۹ (دو بار)، (و از آنجا ابن حجر در همان مدخل ها در الاصابه) آن را تسمیة من شهد مع علی من اصحاب رسول الله (ص) می خواند. ابن اثیر در اسد الغابه: ۲۶۶/۱، ۲۶۷، ۲۷۰، ۲۴/۲، ۶۱، ۷۸،

ص: ۶۰

۱۲۳، ۱۲۸، ۱۶۲، ۱۷۱، ۲۲۰ از آن با عنوان کتاب عبیدالله بن ابی رافع فی تسمیة من شهد مع علی (۲۶۶/۱)، سیر عبیدالله بن ابی رافع فی تسمیة من شهد صفین مع علی (۲۷۰/۱)، تسمیة من شهد مع علی حروبه (۲۲۰/۲)، من شهد مع علی من الصحابة (۱۷۱/۲)، تسمیة من شهد مع علی من اصحاب رسول الله (ص) (۱۲۳/۲) و عناوین مشابه یاد می کند (اما در همان: ۱۲۸/۲، ۱۶۲، ۱۷۱ به اشتباه این کتاب را به راوی اول آن، یعنی محمد فرزند مؤلف، منسوب می کند). (نیز بنگرید: مجمع الزوائد هیثمی: ۲۴۵/۷).

متن کامل این اثر، در شرح الاخبار: ۱۶/۲ ـ ۳۶ باقی مانده است. مطالب دیگری در باره اشخاص نام برده شده، از جمله خود مؤلف (شرح الاخبار: ۲۰/۲)، توسط راویان بعدی بر آن اثر افزوده شده است. این افزوده ها را به تقریب می توان مشخص کرد.

[۳۳] ۵ . ربیعة بن سُمَیع

از کارگزاران امام علی (ع) در جمع آوری زکات.

کافی: ۵۳۹/۳، نجاشی: ۷ ـ ۸

نجاشی: ۷ ـ ۸ (و از آن جا سزگین [اصل آلمانی]: ۵۲۵/۱) کتابی در باره زکات انعام به این شخص نسبت می دهد. این نوشته، متن یک دستور العمل بود که امام علی (ع) در وقت اعزام وی در مأموریتی برای جمع آوری صدقات برای او نوشت. بنابر این کلمه «کتاب» در اینجا، نباید به معنای کتاب مصطلح باشد، آن چنان که نجاشی تصور کرده است، بلکه مقصود، سند مکتوبی است که ربیعه، تنها دریافت کننده و راوی آن بوده است (بر این اساس، بسیاری از مطالبی که تستری در قاموس الرجال: ۳۵۴/۴ در باره چگونگی کتاب ربیعة بن سمیع آورده، بی مورد است). بخشی از این سند در کافی: ۵۳۹/۳ ـ ۵۴۰ (و از آن جا در تهذیب: ۹۵/۴) آمده که در آن، نام دریافت کننده و راوی در نسخه چاپی بر اساس برخی از نسخه های خطی، زمعة بن سُبَیع آمده است. دست کم دریک نسخه معتبر کافی، به جای «زمعه» «ربیعه» آمده و در نسخه دیگری «سبیع» بدون نقطه زیر باء، دیده شده است (مکاتیب الرسول:۴۵۰/۱ـ۴۵۱). بنابر این، چنین به نظر می رسد که ضبط این نام در کافی با آنچه در نجاشی آمده برابر بوده است.

۶ . علی زین العابدین علیه السلام

ابوالحسن علی بن الحسین زین العابدین، که در میان شیعیان به امام سجاد (ع) نیز

ص: ۶۱

شناخته می شود. نواده امام علی (ع) و فاطمه زهرا (س) و چهارمین امام شیعه امامیه. او محترم ترین شخصیت اهل بیت در زمان خود بود. وی در مدینه به دنیا آمد، جایی که تا پایان زندگی در همانجا بسر برد، و به سال ۹۴ رحلت کرد.

برای خلاصه مطالب مربوط به شرح حال آن حضرت در منابع شیعه و سنی، بنگرید به مدخل های مربوط به ایشان در دانشنامه ایرانیکا: ۸۴۹/۱ ـ ۸۵۰ (از مادلونگ) و دائرة المعارف اسلام، چاپ دوم: ۴۸۱/۱۱ ـ ۴۸۳ (از کالبرگ) که هر دو، کتابشناسی برگزیده ای در پایان مقاله به دست داده اند. برای فهرست جامع تری از منابع شرح حال ایشان بنگرید به پاورقی مصححان بر تاریخ الاسلام ذهبی ۶(سالهای ۹۱ ـ ۱۰۰)/۴۳۱ ـ ۴۳۲ و تهذیب الکمال: ۳۸۲/۲۰; نیز: معجم ما کتب عن الرسول و الائمة: ۱۵۷/۸ ـ ۲۴۹ .

[۳۴] ۱ ـ صحیفه کامله

همچنان که از دو لقب ایشان می توان به دست آورد، امام زین العابدین (ع) در روزگار خود به کمال در زهد و عبادت مشتهر بوده اند. روایات فراوانی از ایشان در باره زهد (برای نمونه کافی: ۱۴/۸ ـ ۱۷، تحف العقول: ۲۴۹ ـ ۲۵۲، ۲۷۲ ـ ۲۷۴، بحار: ۱۲۸/۷۸ ـ ۱۶۲) و همچنین ادعیه و عبادات در منابع آمده است. امام جعفر صادق (ع)، یک بار، به یکی از اصحابش، متن دعایی از امام زین العابدین را نشان داد که در صفحات یک دفتر قدیمی ثبت شده بود (اوراق من صحیفة عتیقة) (امالی طوسی: ۱۵ ـ ۱۸). نزدیک ۵۴ قطعه دعای بلند و کوتاه، برخی برای تمامی اوقات و برخی برای مناسبت های ویژه (مانند جمعه و رمضان و غیره)، در یک مجلد تحت عنوان صحیفه کامله گردآوری شده است. این کتاب، گرچه امروزه میان شیعه امامیه دارای احترام فراوان است، اما این محبوبیت و اقبال عام از چهار قرن فراتر نمی رود (بحار: ۴۳/۱۱۰، ۶۰ ـ ۶۱).[۱۱۷]

ص: ۶۲

این کتاب با داستانی در باره آغاز تألیف آن شروع می شود. این حکایت، سندی دارد که از اواسط قرن ششم شروع شده و به ابتدای قرن دوم باز می گردد (تحریر دیگری از این سند با اسامی متفاوتی در بخش انتهایی آن که در برخی از نسخه های کتاب آمده، از اواخر قرن چهارم یا اواسط قرن پنجم شروع می شود). این داستان در باره یک دعا صحبت می کند، نه در باره کتابی که مشتمل بر ادعیه فراوان باشد. تنها در اواخر داستان، جمله ای که به نظر می رسد بعدا بر آن

---

۱۱۷ . به نظر می رسد مطلب نقل شده در ص ۶۰ مجلد ۱۱۰ بحار از قول آخوند ملامحمدتقی مجلسی، برداشت مؤلف محترم را تأیید نکند. در آنجا دست کم اشاره به وجود نسخه های شیعی ـ امامی آن و حتی نسخه ای به خط ابن ادریس عالم امامی قرن ششم هم شده و این که پیش از روزگار صفوی صحیفه شهرتی در میان شیعیان نداشته، دست کم از این عبارت به دست نمی آید. این را می دانیم که مرحوم آخوند ملامحمدتقی مجلسی نسبت به بسیاری از کتابهای حدیثی شیعه، مشابه این مسأله مطرح می کند و چنین می نماید که گویی پیش از آن خبری از آنها نبوده و ایشان برای نخستین بار آنها را در اصفهان رواج داده در حالی که این می تواند فقط به معنای رواج مکتب حدیثی شیعه در اصفهان باشد نه آن که این کتابها میان شیعه شناخته شده نبوده است (مترجم).

توضیح مؤلف: کلمه Popularity در اصل کتاب به معنی پذیرش و اقبال وسیع میان عامّه مردم است و این مطلب با وجود نسخ خطی امامی قبل از قرن یازدهم از این کتاب یا نسخه ابن ادریس منافات ندارد. مجلسی اول ممکن است مبالغه کند ولی دروغ فاضح که نمی گوید.اگر کتاب در دوره قبل از او به آن درجه از اقبال عامّ بود، معاصرینش به این حرف او می خندیدند و میرلوحی آن را در صدر مطاعن او به رخ پسرش می کشید.

متن افزوده شده است، این روال را تغییر داده و از ۶۴ دعا سخن می گوید که در آن مجموعه گنجانده شده است (نسخه های معروف و شناخته شده صحیفه معمولا حداکثر مشتمل بر ۵۴ دعا می باشد.) نجاشی: ۴۲۶ و فهرست طوسی: ۱۷۰ ـ ۱۷۱ نیز تنها از یک دعا به عنوان «دعاء الصحیفة» یاد می کنند. بنابر این محتمل است که این مجلد با یک دعا شروع می شده که در ابتدای آن داستانی با سند آمده بود که به همان یک متن، مربوط بوده و سپس متون دیگر در دوره های بعد بر آن افزوده شده است. میان نسخه های متعدد این کتاب اختلافات بسیاری هم در تعداد ادعیه و هم در مورد متن دقیق هر دعا وجود دارد. مطلبی که علمای گذشته نیز یادآور شده اند (مقدمه شانه چی بر صحیفه سجادیه: ۲۳، ۳۷ ـ ۳۸، به نقل از دانشمند کتابشناس اوائل قرن دوازدهم میرزا عبدالله افندی اصفهانی در کتابش با عنوان الصحیفة الثالثه). قدیم ترین نسخه تاریخ دار این اثر (نسخه ش ۱۲۴۰۵/۲ کتابخانه آستان قدس رضوی با تاریخ ۴۱۶ که به کوشش کاظم مدیرشانه چی [مشهد، ۱۴۱۳] انتشار یافته است. تنها مشتمل بر ۳۸ دعا است. نسخه شماره ۵۳ / تصوف مسجد جامع صنعاء که اصل آن به نسخه ای با اسنادی مورّخ صفر ۳۶۷ باز می گردد (فهرست کتابخانه: ۳۷۴) با دعای شماره ۴۲ نسخه رایج فعلی پایان می یابد; ولی شاید ترتیب دعاها در این نسخه با نسخه رایج متفاوت باشد. متنی که امام جعفر صادق (علیه السلام) به شاگرد خود از صحیفه کهن ارائه فرمود، دعای شماره ۴۹ نسخه رایج فعلی است.

[۳۵] متونی که در این اثر فراهم آمده، برخی از آن ها به لحاظ متن و سبک و ساختار

ص: ۶۳

عبارات، ویژگی هایی دارند که فی الواقع با روزگار امام سجاد (ع) و رفتار و خصوصیات آن حضرت، چنان که در منابع آمده، انطباق دارد. همچنین متنی در باره زهد منسوب به آن حضرت وجود دارد که راوی اول آن، آن را در صحیفهای یافته بوده است. صحیفه در اینجا ظاهرا به معنای برگ کاغذ یا پوست، و در برابر روایت شفاهی می باشد (کافی: ۱۴/۸). این متن به عنوان صحیفة علی بن الحسین فی الزهد شناخته می شود. متن کامل این صحیفه در کافی: ۱۴/۸ ـ ۱۷ نقل شده است.

از زمانی که این مجموعه، شکل فعلی خود را در اواسط قرن ششم به دست آورد، مستدرکات مختلف و شروح متعددی برای آن تدوین و تألیف شده است. فهرستی از این هر دو گونه آثار در این منابع هست: ذریعه: ۳۴۵/۱۴ ـ ۳۵۹، سزگین: ۵۲۸/۱، فهرست کتابخانه دانشگاه تهران، منزوی، ۱۵۸/۱ ـ ۱۶۱، مقدمه شانه چی بر صحیفه: ۳۲ ـ ۳۷، ۴۲ ـ ۴۴. برای برخی از کهن ترین نسخه های این اثر بنگرید:مقدمه شانه چی ۲۳ ـ ۲۴، ۲۸ ـ ۲۹. برای برخی از چاپ های فراوان کتاب بنگرید: همان: ۳۰ ـ ۳۲، معجم ما ألف: ۲۲۰/۸ ـ ۲۲۳. صحیفه سجادیه به انگلیسی نیز ترجمه شده است (William C. Chittick, trans., The Psalms of Islam, London, ۱۹۸۸).

کوشش هایی برای گردآوری تمامی دعاهای منسوب به امام سجاد (ع) در یک جا صورت گرفته است. آخرین دست از این کوشش ها عبارت است از ادعیة الامام زین العابدین در دو مجلد با کوشش جواد قیومی اصفهانی (قم، ۱۴۱۹) با ۲۶۷ متن دعا که منابع آن در همین کتاب ۷۸۱/۲ ـ ۸۴۰ آمده است، و الصحیفة السجادیة الجامعة (قم، ۱۴۱۱) از محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی، با ۲۷۰ متن دعا.

۲ ـ رسالة الی بعض اصحابه = رسالة الحقوق

متن یک نامه در باره وظایفی که انسان در قبال خداوند، دین، حاکم، شخص خود و دیگر انسان ها دارد. نخستین راوی این متن، ابوحمزه ثمالی (م ۱۴۸ ـ ۱۵۰) از آن به عنوان نامه امام زین العابدین (ع) به یکی از اصحابش یاد می کند (تحف العقول: ۲۵۵، خصال: ۵۶۴)، اما نجاشی: ۱۱۶ آن را رسالة الحقوق می نامد. متن کامل این نامه در تحف العقول: ۲۵۵ ـ ۲۷۲ و با تفاوت هایی در عبارات در امالی صدوق ۴۵۱ ـ ۴۵۶، من لایحضر: ۶۱۸/۲ ـ ۶۲۶، خصال: ۵۶۴ ـ ۵۷۰ (و از آنجا بحار: ۲/۷۴ ـ ۲۱. متن این نامه یا دست کم بخشی از آن، در رسائل الائمة کلینی هم بوده که ابن طاوس در فلاح: ۲۸۷ از آن نقل می کند) آمده است. این متن به صورت مستقل (بغداد، ۱۳۶۹، تهران، ۱۴۰۲) و اخیرا همراه کتاب جهاد الامام السجاد (ع) از سید محمدرضا حسینی جلالی

ص: ۶۴

(قم، ۱۴۱۸): ۲۵۵ ـ ۲۹۶ نیز چاپ شده است. متنی مشابه اما کوتاه تر منسوب به زید فرزند امام زین العابدین (ع) وجود دارد که به شکل نامه ای در باره همین موضوع نوشته شده و متن کامل آن در مجله علوم الحدیث ـ یک فصلنامه که در قم چاپ می شود ـ (شماره ۶، ص ۲۲۵ ـ ۲۵۶) آمده است. یکی از این دو متن صورت ملخص یا گسترش یافته دیگری است.

[۳۶] ۳ ـ کتابه الی محمد بن مسلم الزُهْری

متن نامه طولانی ملامت آمیز و نصیحت گرانه امام زین العابدین (ع) که گفته می شود آن حضرت به محدث اواخر دوره اموی، ابن شهاب زهری (م ۱۲۴) نوشته اند. زهری شاگرد و دوستدار امام زین العابدین بوده (طبقات ابن سعد: ۱۶۵/۵، ۱۶۶، علل: ۲۱۹/۱، حلیة الاولیاء: ۱۳۵/۳، تاریخ دمشق: ۳۷۰/۴۱، ۳۷۲ ـ ۳۷۳، ۳۷۶، تهذیب الکمال: ۳۸۶/۲۰) و آن حضرت را بهترینِ بنی هاشم و دانشمندترین شخصی وصف می کند که در عمر خود دیده بود (طبقات ابن سعد: ۱۶۶/۵، المعرفة و التاریخ: ۵۴۴/۱، تاریخ ابی زرعه دمشقی: ۵۳۶، الجرح و التعدیل: ۱۷۹/۶، علل الشرایع: ۲۲۰/۱، حلیة الاولیاء: ۱۳۶/۳، تاریخ دمشق: ۳۶۶/۴۱، ۳۷۱، ۳۹۸، تهذیب الکمال: ۳۸۶/۲۰، ۳۸۸). او همچنین یکی از راویان عمده از امام زین العابدین (ع) می باشد (مسند الامام السجاد عطاردی: ۴۵۱/۲). این نامه که متن آن در تحف العقول: ۲۷۴ ـ ۲۷۷ (و از آنجا بحار: ۱۳۱/۷۸ ـ ۱۳۵) آمده، دارای صبغه آشکار متنی از دوران متأخر روزگار اموی است.

۴ ـ دیوان

مجموعه ای نزدیک به ۱۵۰ بیت شعر منسوب به امام زین العابدین (ع) که نسخه های متعددی از آن در دست است (ذریعه: ۴۳۱/۹، سزگین: ۵۲۶/۱ ـ ۵۲۷. از جمله نسخه ای با تاریخ ۲۹۸ که بی تأمل ساختگی است) و چندین بار نیز به چاپ رسیده است. با این همه شاهدی بر تأیید نسبت این دیوان به امام سجاد (ع) وجود ندارد. حتی گفته شده است که سبک و محتوای دیوان به روشنی نشان می دهد که سراینده اشعار، شخصی دیگر از دورانی دیگر است. هیچ کدام از ابیاتی که از امام سجاد (ع) در منابع متقدم (ببینید: بحار: ۵۱/۴۶، ۸۱، ۸۲ ـ ۸۷، ۹۱، ۹۷ ـ ۹۸، ۱۴۶) نقل شده، در این مجلد نیامده است.

۵ ـ مُسْنَد
نجاشی: ۲۴۲، ۳۹۵ از دو اثر با عنوان اخبار علی بن الحسین یاد می کند که یکی از آنها از

عبدالعزیز بن یحیی جلودی (م ۳۳۲) مورخ بصری است که به احتمال، بابی از یک کتاب بزرگ تر بوده، و دیگری از محمد بن عمر جعابی (م ۳۳۵) که به احتمال زیاد کتابی مستقل بوده است. این دو کتاب، می بایست مجموعه ای از روایات از امام زین العابدین (ع) یا در باره آن حضرت بوده باشد که در حدیث سنی، روایت شده بود. مدخل امام زین العابدین (ع) در تاریخ مدینة دمشق: ۳۶۰/۴۱ ـ ۴۱۶ نیز همین کار را انجام داده و این روایات را تا حد زیادی گرد آورده است. کتابی تازه از عزیزالله عطاردی با عنوان مسند الامام السجاد (ع) در دو جلد (تهران، ۱۳۷۹ ش) تلاش کرده است تا مطالب و مواد مشابه را از منابع شیعی گردآوری کند.

[۳۷] ۷ . محمد الباقر علیه السلام

ابوجعفر محمد بن علی الباقر، پنجمین امام شیعه امامیه. وی دانشمندی بسیار محترم و مورد حرمت عموم در دانش قرآن، حدیث و فقه در روزگار خویش بود. وی که در مدینه به سال ۵۶ یا ۵۷ به دنیا آمد، تمام مدت عمرش را در همانجا سپری کرد و دارای حلقه بزرگی از شاگردان، اصحاب و دوستداران خود بود. وی الهام بخش اصلی بسیاری از آنچه بعدا به عنوان عقاید اساسی تشیع شناخته شد، بوده است. او همچنین به عنوان بارزترین عضو خاندان پیامبر، از سوی گروه ها و جریان های مختلف هوادار علویان در عراق، به عنوان رهبر روحانی آنان شناخته می شد که امید داشتند روزی آن حضرت با قدرت سیاسی امویان به منازعه مسلحانه برخیزد و یک حکومت متقی و اخلاقی تأسیس کند. او هیچ گاه به چنین اقدام دست نزد. وی به سال ۱۱۴ یا ۱۱۷ رحلت کرد.

برای خلاصه ای از مطالب مربوط به شرح حال آن حضرت بنگرید به مدخل مربوط به ایشان در دائرة المعارف اسلام، چاپ دوم، ۳۹۷/۷ ـ ۴۰۰ (از E.Kohlberg) با فهرستی از مهم ترین منابع در پایان مقاله. برای فهرست مفصل منابع شرح حال آن حضرت بنگرید به پاورقی مصححان در تاریخ الاسلام ذهبی: ۷ (سالهای ۱۰۱ ـ ۱۲۰)/۴۹۲، و تهذیب الکمال: ۱۳۶/۲۶ ـ ۱۳۷. نیز معجم ما اُلّف: ۲۵۱/۸ ـ ۲۷۷.

برای اشاره به ایشان به عنوان بارزترین عضو اهل بیت در زمان خویش، بنگرید: کامل مبرد: ۱۱۹/۴ (نیز تاریخ طبری: ۵۶۹/۷ ـ ۵۷۰، عقد الفرید: ۸۲/۵ ـ ۸۳)، تاریخ الاسلام ذهبی: ۷ (سالهای ۱۰۱ ـ ۱۲۰)/۴۶۲ ـ ۴۶۳. برای علاقه عراقی های طرفدار علویان به ایشان بنگرید: تاریخ دمشق: ۲۷۹/۵۴ که در آنجا هشام بن عبدالملک (خلافت ۱۰۵ ـ ۱۲۵) آن حضرت را به عنوان کسی که عراقی ها به وی عشق می‌ورزند (المفتون به اهل العراق) معرفی می کند، نیز تفسیر قمی: ۲۸۴/۲ که در آنجا برخی از

اشخاص، امام باقر (علیه السلام) را برای هشام به عنوان «نبیّ اهل الکوفه» وصف می کنند (نیز بنگرید: کافی: ۳۴۲/۱). در باره انتظارات و توقعات سیاسی از آن حضرت بنگرید: المقالات و الفرق: ۷۵، کافی: ۳۴۲/۱، ۵۳۶، ۸۰/۸،

۳۴۱، العبّاسی ابن سمکه: ۶۹، غیبت نعمانی: ۱۶۷ ـ ۱۶۸، ۱۶۹، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۳۷، کمال الدین: ۳۲۵، تاریخ دمشق: ۲۹۱/۵۴.

۱ ـ تفسیر القرآن / تفسیر الباقر

تفسیر قرآن منسوب به امام محمد باقر علیه السلام (فهرست ابن ندیم: ۳۶ [که از آن به عنوان اولین مورد در فهرست تفاسیر کهن قرآن یاد می کند]، نجاشی: ۱۷۰، فهرست طوسی: ۷۲، معالم العلماء: ۵۲) ابن طاوس نسخه ای دست کم از پنج بخش اول این اثر در دست داشته که از آن در سعد السعود: ۲۳ ـ ۲۴، ۲۴۵ ـ ۲۴۹ نقل کرده است (برای اطلاعات بیشتر بنگرید: کتابخانه ابن طاوس: ۳۳۹). این اثر، در واقع، مجموعه روایاتی بوده که ابوالجارود زیاد بن منذر، شاگرد امام باقر (ع)، از آن حضرت در باره معانی آیات قرآن نقل کرده بود. بخشی از این کتاب برجای مانده است (بنگرید: بخش دوم همین کتاب، ش ۱۳، مدخل ابوالجارود). عبدالله بن حمزه در عقد الثمین: ۳۱۲ از یک کتاب تفسیر نقل کرده که توسط سه تن، از جمله [۳۸] ابوحمزه ثمالی، از امام محمد باقر (ع) روایت شده بود اما جز کتابی بود که به نام تفسیر امام باقر در روزگار عبدالله بن حمزه در دسترس بود. اسنادی که وی برای این کتاب ذکر می کند، همان است که نجاشی: ۱۱۴ ـ ۱۱۵ برای تفسیر ابوحمزه به دست داده است (بنگرید: بخش سوم، ش ۲۰۱).

۲ ـ المناسک

روایتی از امام صادق (ع) در تفسیر عیاشی: ۲۵۲ ـ ۲۵۳ می گوید که پیش از ابوجعفر [باقر (ع)] شیعیان بر مناسک حج واقف نبودند، تا آن که ایشان آمد و حج را به آنان نشان داد و چگونگی انجام مناسک را برای آنان بیان کرد. رساله ای در مناسک حج وجود دارد که ابوالجارود زیاد بن منذر از امام باقر (ع) روایت کرده است. متن کامل این رساله در امالی احمد بن عیسی: ۳۵۶/۲ ـ ۳۶۷ آمده است (همراه با برخی از افزوده ها توسط مؤلف آن کتاب در میانه روایت، همان: ۳۶۰/۲ ـ ۳۶۲، ۳۶۵، ۳۶۷. روایات دیگری از امام باقر [ع] در باره این موضوع در همان: ۳۶۸/۲ ـ ۳۷۲ با همان سند رساله مناسک آمده که می تواند جزء اثر مورد سخن بوده باشد). این رساله به سال ۱۳۴۲ ق در بغداد با نام مناسک امام زین العابدین (ع) به چاپ رسیده است بر اساس نسخه ای که سلسله سند آن از ابوخالد عمرو بن خالد واسطی (بنگرید: مدخل ۴۲ در بخش سوم کتاب

ص: ۶۷

حاضر) به زید بن علی می رسد. مصحح کتاب، بر اساس اشاره ای که طوسی در فهرست: ۱۷۹ به کتاب مناسک امام زین العابدین (ع) دارد، معتقد است که زید این کتاب را از پدرش امام زین العابدین (ع) روایت کرده است، اما روایت پیشگفته در تفسیر عیاشی، نسبت کتاب را به امام باقر (ع) تأیید می کند. به علاوه، سیاق اخلاقی بسیاری از روایات امام سجاد (ع) در باره حج (مسند الامام السجاد (ع)، عطاردی: ۲۲۵/۲ ـ ۲۳۸) به طور مشخص، متفاوت با لحن و زبان فقهی خالص این متن است. ابن عدی نیز در کامل: ۱۵۶۱ (و از آن جا لسان المیزان: ۳۹/۳) به متنی در باره حج که از امام باقر (ع) روایت شده بود، اشاره کرده و یادآور می شود که تحریر دیگری از این متن، از فرزند ایشان امام صادق (ع) روایت شده است (نیز بنگرید: کامل ابن عدی: ۵۵۶ ـ ۵۵۷). ارجاع اخیر به روشنی اشاره به یک متن طولانی روایت شده از امام صادق (ع) با اسانید متعدد سنی است که در بسیاری از مجامیع حدیثی آنان آمده است، از جمله: مسند

طیالسی: ۲۴۶/۳ ـ ۲۴۹، مصنف ابن ابی شیبه، الجزء المفقود: ۳۷۷ ـ ۳۸۱، مسند احمد: ۳۲۰/۳ ـ ۳۲۱، سنن دارمی: ۴۴/۲ ـ ۴۹، صحیح مسلم: ۸۸۶ ـ ۸۹۲، سنن ابن ماجه: ۱۰۲۲ ـ ۱۰۲۷، سنن ابی داود: ۱۸۲/۲ ـ ۱۸۶، مسند ابی یعلی: ۲۳/۴ ـ ۲۶، صحیح ابن حبان: ۲۵۰/۹ ـ ۲۵۶ وبسیاری از منابع دیگر که متن یاد شده را، به صورت کامل یا بخشی از آن نقل نموده اند (بنگرید: پاورقی های مصححان بر مسند طیالسی: ۲۴۴/۳ ـ ۲۵۰ و مسند احمد [بیروت، ۱۹۹۵]، ۳۲۸/۲۲ ـ ۳۳۱ برای دو فهرست طولانی از منابع این روایت).

ص: ۶۸

فصل دوم

تشیع کوفی در دوران اموی

[۳۹] اگر ما گزارش های تاریخی مربوط به دوران صدر اسلام را به عنوان اخباری معتبر بپذیریم، ریشه های تشیعِ [عراقی] به شهر کوفه دهه چهارم قرن اول هجری باز می گردد. هم چنان که تشیع در بیشتر دوره اموی، عملا به صورت یک پدیده کوفی باقی ماند.[۱۱۸]

ماجرای شکل گیری تاریخی «شیعه» به عنوان یک گروه مستقل مذهبی،[۱۱۹] این چنین آغاز شد: گروهی از مردم کوفه از روش و اقدامات حاکم شهر که از سوی عثمان منصوب شده بود ناراضی شدند. بخش کوچکی از جوانان شهر به رهبری مالک اشتر نخعی، آشکارا به انتقاد از حاکم و خلیفه ای که وی را منصوب کرده بود، پرداختند. حاکم شهر، گزارشی در باره آنان به خلیفه داد و به دستور خلیفه آنان را به شام تبعید کرد، جایی که معاویه حکومت می کرد. وی نیز آنان را به حمص فرستاد. اندکی بعد این گروه از حمص گریخته و به کوفه باز گشتند، حاکم شهر را بیرون کرده و اداره امور شهر را در اختیار گرفتند. خلیفه تسلیم خواسته های

ص: ۶۹

آنان شد و حاکمِ مورد قبول آنان را به کوفه فرستاد. اما نارضایتی از رفتار خلیفه ادامه یافت. گروهی از کوفیان به مدینه سفر کردند و به گروه هایی دیگر از مردم که همه برای شکایت از سیاست های خلیفه به آن شهر آمده بودند، پیوستند. [۴۰] اکنون همه چشمها به سوی امام علی (ع) دوخته است تا جایگزینی برای خلیفه بوده و دولت را به روال قبلی باز گرداند و به سیاست های گذشته برگردد. کوفی ها به اردوی امام علی (ع) می پیوندند. زمانی که عثمان کشته می شود آن گروه کوفی را، از آغاز خلافت آن حضرت، در شمار نزدیکترین همکاران ایشان می یابیم. امام علی (ع) به کمک آنان، شورش بصره را سرکوب کرد، و سپس به سوی کوفه رفت و همانجا استقرار یافت. بدین ترتیب کوفه، تا پایان خلافت آن حضرت، پایتخت ایشان ماند. نخستین جنگ داخلی، یکپارچگی جامعه اسلامی را می شکند و آنان را

---

۱۱۸ . حجاز به طور کلی، هرگز یک سرزمین شیعه نشین نبود. برخی گزارش ها می گوید که در اواخر دوره اموی، تنها چهار تن شیعه در مکه زندگی می کردند (**رجال کشی**: ۲۴۶، ۳۸۹) و مجموعا کمتر از بیست نفر در مکه و مدینه (**شرح نهج البلاغه** ابن ابی الحدید: ۱۰۴/۴). در اواخر این دوره، تیره حسینی از اهل بیت، هواداراني در سرزمین ایران یافت چنان که گروه کوچکی از شیعیان و هواداران ائمه اطهار (ع) در خراسان بودند (**العباسی ابن سمکه**: ۲۰۴) اما در آغاز کار و مدتها پس از آن، بین النهرین (**همان**: ۱۶۹، **کافی**: ۲۴۲/۲) و به ویژه کوفه (**بصائر**: ۷۷ [و از آنجا در **کامل الزیارات**: ۳۱۴، **ثواب الاعمال**: ۱۱۴]، **بشارة المصطفی**: ۱۳۴) به صورت نقطه تمرکز جامعه شیعه باقی ماند.

۱۱۹ . طبعا مباحث قرآنی و حدیثی امامت، به ویژه حدیث غدیر و تأثیری که آن حدیث در پایه گزاری اساس تشیع در همان مدینه منوره عصر رسول (ص) داشت، جدای از این بحث تاریخی است.

به موافقان و مخالفان علی (ع) تقسیم می کند. مخالفان به عنوان حامیان عثمان شناخته می شوند. این دوگانگی، تقریبا برای یک قرن ادامه می یابد، پیش از آن که پیچیدگی بیشتری به خود بگیرد.

برای تمامی این دوره، کوفه مرکز حامیان آرمان های امام علی (ع) است، گرچه در طول زمان، تلقی آنان از این آرمان ها شکل های مختلفی به خود می گیرد. زمانی که اردوی طرفدار امام علی (ع) به رهبری فرزند ایشان امام حسن مجتبی (ع) از معاویه شکست می خورد، امیدها برباد می رود، اما شمار اندکی از طرفداران امام علی (ع)، فعال باقی مانده و سازش ناپذیر می مانند. کسانی مانند رَشید (یا: رُشَید) هَجَری، عمرو بن حَمِق و نیز حُجْر بن عدی و یارانش بودند که همه به وسیله عوامل معاویه کشته شدند. دیگران از امام حسن مجتبی (ع) در صلح با معاویه پیروی کردند و گرچه به اصل آرمان وفادار ماندند، دیگر در هیچ نوع فعالیت سیاسی شرکت نکرده و موضع افراطی نیز در تقدیس امام علی (ع) نگرفتند. برای این گروه، آنچه اصالت داشت، سیره اخلاقی ـ مذهبی امام بود که در رفتار شخصی و اداری آن حضرت منعکس شده بود. اینان همچنین مهر و ولای عمیقی نسبت به فرزندان ایشان داشتند.[120] برای گروهی دیگر، خاطرات شیرین گذشته از ایام آن امام، به امیدهایی برای آینده تبدیل می شد که علی روزی باز خواهد گشت. در اینجا «علاقه» به «تقدیس» تبدیل می شود. اندکی بعد این امیدها به خاندان آن حضرت منعطف شده، از شخص علی به شخصیت علوی منتقل می شود. یک برنامه ریزی سریع برای برپایی دولتی جایگزین به رهبری امام حسین (ع) به سرعت سرکوب شد. گروهی از شیعیان علی (ع) در یک شورش

ص: ۷۰

انتحاری [توابین] به هدف زنده نگه داشتن یاد حسین (ع) جان خود را فدا کردند. یک شورشگر محلی [مختار] برای مدت کوتاهی موفق به تأسیس حکومتی مستقل، زیر شعار انتقام خون حسین (ع) می شود. این جنبش، محمد بن حنفیه، فرزند دیگر علی را رهبر روحانی خویش می نامد. اما بسیاری از بازماندگان از شیعیان علی (ع) را در این رویداد نمی بینیم. به مرور با گذشت زمان، امام زین العابدین (ع) تنها بازمانده امام حسین، به عنوان بزرگ خاندان پیامبر شناخته شده و همه عواطف و توجهات به سوی او معطوف می شود و این توجه پس از وی به فرزندش امام باقر (ع) می رسد. بدین ترتیب تشیع امامی شکل می گیرد.

تشیع کوفی از این که یک پدیده یکدست باشد، فاصله زیادی داشت، وضعیتی که برای دو قرن بعد هم ادامه یافت. گرچه تشیع در قالب حرکتی [۴۱] بر ضد عثمان آغاز شد، اما به تدریج دامنه اعتراضات به دو خلیفه نخست هم کشیده شد. اکنون بسیاری از شیعیان کوفه به این باور می رسند که تاریخ، بلافاصله پس از رحلت پیامبر (ص) گرفتار نوعی انحراف شد، زمانی که قریش، قبیله پرنفوذ پیامبر(ع) تصمیم می گیرد قدرت را به دست بگیرد و علی (ع) را از حق مشروعش در جانشینی کنار بگذارد. در این نگاه، خلافت عثمان و پس از آن حکومت بنی امیه، چیزی جز نتیجه منطقی همان انحراف نخستین نبوده است. نوعی نگاه نوستالژیک، مظلومانه و سرکوب شده برای یک مدت طولانی، در میان شاخه ای از تشیع کوفی، به طور طبیعی به سمت چهارچوبی کشیده شد که عمدتا عامیانه و دارای ماهیت سیاسی، همراه با تمایلات نیرومند باطنی بود. اشارات فراوانی به این شاخه از تشیع، در روایات از امام صادق (ع) وجود دارد.[121] یک شاخه دیگر، عالمانه تر و نسبت به جهان بیرون از جامعه محدود شیعی بازتر بوده و در متن داد و ستد فرهنگی و علمی

۱۲۰ . بنگرید: تاریخ طبری: ۸/۱۱، ۱۳.

۱۲۱ . برای نمونه: رجال کشی: ۳۰۱.

روزگار حضور داشت. از این شاخه نیز در منابع قدیم به تکرار یاد شده است. گفته می شود که جامعه شیعی در اواخر دوره اموی بیش از پنجاه هزار عضو در کوفه داشته است.[122] البته در آغاز، افکار و تحلیلات برخی از جریان های شیعی آن زمان، مانند جریانات مختلف اسلامی در آن روزگار، ناپخته و ابتدایی به نظر می رسد. اما تشیع به تدریج و با گذشت زمان، از طریق آموزش های امام باقر (ع) راه درست مذهبی خود را یافته و گفتمانی مستقل برای اظهار آرمان ها و عقاید

ص: ۷۱

خویش به وجود می آورد.

لیست مؤلفان شیعی این دوره که پس از این یادداشت کوتاه می آید، به ترتیب تاریخ واقعی یا تقریبی درگذشت آنان است.

ص: ۷۲

۱۲۲ . صفات الشیعه: ۲۰۳، بشارة المصطفی: ۱۶۳.

[۴۲] ۱ . میثم تمّار

میثم بن یحیی، خرما فروش، از موالی قبیله بنواسد و ساکن در کوفه. او در ارادت و ولای خود نسبت به امام علی (ع) استوار و صریح بود و به خاطر همین ارادت استوار توسط حاکم اموی کوفه در اواخر سال ۶۰ به شهادت رسید.

برقی: ۳۴، ۴۳، کافی: ۲۲۰/۲، رجال کشی: ۹، ۷۸ ـ ۷۹، ارشاد: ۳۲۳/۱ ـ ۳۲۵، رجال طوسی: ۹۶، ۱۰۵، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۲۹۱/۲ ـ ۲۹۴ (به نقل از غارات ثقفی، ولی مطلب مربوط در نسخ مخطوط موجود از الغارات و طبعا نسخه های چاپی نیامده است.)، تهذیب الکمال: ۳۰۹/۳ (و پاورقی آن)، اصابه ابن حجر: ۲۳۸/۶، ۳۱۶ ـ ۳۱۸ (به نقل از مؤید بن النعمان الشیعی در کتاب مناقب او). هشام بن محمد بن سائب کلبی مورخ متقدم (م ۲۰۴ ـ ۲۰۶) کتابی در باره شهادت میثم و دو صحابی دیگر امام علی (ع) نوشته است (نجاشی: ۴۳۵). کتاب هایی هم اخیرا در باره او نوشته شده است (بنگرید: معجم ما الف: ۴۲۱/۶ ـ ۴۲۲).

میثم به عنوان یکی از قدیمی ترین شهدای شیعه که توسط حاکم اموی کوفه از میان شیعیان انتخاب و به هدف ارعاب و ترساندن شیعیان کوفه و درهم شکستن نهضت آنان در هواداری آل علی، درست چند روز پیش از آمدن امام حسین (ع) به کوفه به دار آویخته شد، مورد احترام و عواطف شیعیان در طول تاریخ بوده است. گزارش شهادت وی به چندین صورت نقل شده که همه دارای سبک داستانی قدیسانه است، اما این حکایات مختلف، وقتی که به بیان آخرین مراحل شهادت او می رسد، به هم نزدیک می شوند. قبر وی در کوفه به عنوان یک زیارتگاه مقدس شیعی تا روزگار ما برجای مانده است (برای توصیفی از آرامگاه او بنگرید: مراقد المعارف: ۳۴۰/۲ ـ ۳۴۴، المزارات المعروفة: ۳۵/۱ ـ ۴۷).

میثم در رأس یک خانواده علمی شیعه از اواخر قرن اول تا اواسط قرن سوم بوده و شماری از

ص: ۷۳

فرزندان و اعقاب وی راوی حدیث بوده اند. این افراد شامل پسران او (عمران،[۱۲۳] شعیب،[۱۲۴] صالح،[۱۲۵] یعقوب،[۱۲۶] علی،[۱۲۷] محمد[۱۲۸] و احتمالا اسماعیل[۱۲۹] و حمزه[۱۳۰])، نوادگان (چهار نفر از [۴۳] فرزندش شعیب: ابراهیم،[۱۳۱]

---

۱۲۳ . **رجال کشی**: ۸۱، ۸۲، ۱۱۴، نجاشی: ۲۹۲، **رجال طوسی**:۱۱۸، ۲۵۶. نیز بنگرید: **ضعفاء عقیلی**: ۳۰۶/۳، **معجم اوسط طبرانی**: ۱۷۱/۴ (و از آنجا **تاریخ دمشق**: ۳۲۹/۴۲).

۱۲۴ . برقی: ۵۱ (با حذف کلمه «یعقوب» که مصحح اضافه کرده، بخوانید «شعیب بن میثم» به جای «یعقوب بن شعیب بن میثم»، چنان که اقتضای ترتیب زمانی اسناد نیز چنین است)، **رجال طوسی**: ۲۲۴.

۱۲۵ . برقی: ۵۹، **رجال کشی**: ۸۰، ۱۱۵، **رجال طوسی**: ۱۳۸، ۲۲۵ (نیز بنگرید: **تفسیر قمی**: ۳۸۸/۲، **کامل الزیارات**: ۲۵۸، **تاریخ دمشق**: ۳۵۶/۴۲، ۳۶۱، **کتاب الزهد** ابن مبارک: ۲۶۱).

۱۲۶ . **امالی طوسی**: ۴۰۶.

۱۲۷ . **المزار الکبیر**: ۱۴۹.

۱۲۸ . **الاصابه**: ۲۴۱/۷.

۱۲۹ . **المزار الکبیر**: ۳۴۹ (مقـ : **کامل الزیارات**: ۴۵۲ که در آنجا همین نقل از فرزندی از میثم که نام او برده نشده، نقل می شود).

۱۳۰ . **رجال کشی**: ۸۰. مقـ : **همان**: ۸۱ ـ ۸۲ که در این مورد، ابن فضال که از رجال شناسان متقدم حدیث شیعی است اظهار می دارد که نام حمزه به عنوان راوی خبر منقول در **رجال کشی**: ۸۰ ـ ۸۱ تصحیف عمران می باشد. در **لئالی سیوطی**: ۳۷۸/۱ «عمران بن میثم» به «عمرو بن میثم» تصحیف شده است.

۱۳۱ . **کامل الزیارات**: ۱۴۰ ـ ۱۴۱، **رجال طوسی**: ۱۵۷، **تلخیص المتشابه خطیب**: ۲۱۸/۱. نیز برقی: ۸۱ (بخوانید «المیثمی» به جای «التیمی»).

اسحاق،[۱۳۲] اسماعیل[۱۳۳] و یعقوب،[۱۳۴] و عده ای دیگر: حسن بن صالح،[۱۳۵] علی بن محمد،[۱۳۶] یونس بن عمران[۱۳۷] و یوسف بن عمران[۱۳۸])، نبیرگان (عمار،[۱۳۹] محسن،[۱۴۰] محمد بن یعقوب بن شعیب،[۱۴۱] حسن بن اسماعیل بن شعیب،[۱۴۲] علی بن

اسماعیل بن صالح،[۱۴۳] و کلثوم بنت یوسف بن عمران[۱۴۴])، نسل های پایین تر (اسماعیل بن حسن بن اسماعیل بن شعیب،[۱۴۵] احمد بن حسن بن اسماعیل بن شعیب،[۱۴۶] محمد بن حسن بن زیاد،[۱۴۷]و ابراهیم بن نضر[۱۴۸]) و وابستگان خاندان (برای نمونه: ابان بن عمر اسدی [زنده در ۱۴۸]، که با این خانواده ازدواج کرد)[۱۴۹] می باشند. یکی از نبیرگان او، علی بن اسماعیل بن شعیب میثمی،[۱۵۰] یک متکلم معروف شیعه در اوائل قرن سوم بوده است.

کتاب میثم

منابع شرح حال از این که میثم کتابی تألیف کرده باشد، گزارشی نداده اند، اما صالح یکی از پسرانش، از کتاب میثم (امالی طوسی: ۱۴۸ ـ ۱۴۹) نقل می کند و یعقوب فرزند دیگر او، از کتاب یا کتاب های پدرش روایت می کند (همان:

---

۱۳۲ . رجال طوسی: ۱۶۲.

۱۳۳ . همان: ۱۶۰، تلخیص المتشابه خطیب: ۲۱۸/۱.

۱۳۴ . نجاشی: ۴۵۰، فهرست طوسی: ۱۸۰، رجال او: ۱۴۹، ۳۲۳، ۳۴۵.

۱۳۵ . محاسن: ۳۹۵.

۱۳۶ . تفسیر عیاشی: ۱۹۴/۱، الاصابه: ۲۴۱/۷.

۱۳۷ . کافی: ۲۷۰/۴.

۱۳۸ . رجال کشی: ۸۳، کافی: ۱۴۶/۲.

۱۳۹ . تفسیر عیاشی: ۳۵۹/۱ که از وی به عنوان عمار فرزند میثم یاد نموده است. اما این راوی از امام جعفر صادق (ع) روایت می کند. پس با توجه به طبقه زمانی باید نواده میثم باشد.

۱۴۰ . تفسیر عیاشی: ۱۳۷/۱، کافی: ۷۶/۲، تهذیب: ۷۳/۲ ـ ۷۴.

۱۴۱ . تهذیب: ۱۷۱/۴. نیز من لایحضر: ۱۷۰/۲ (بخوانید «محمد بن یعقوب بن شعیب عن ابیه» به جای «محمد بن یعقوب عن شعیب عن ابیه»).

۱۴۲ . محاسن: ۴۷۹ ـ ۴۸۰.

۱۴۳ . تاریخ طبری: ۵۹۷/۷، ۶۰۱، ۶۲۶.

۱۴۴ . برقی: ۱۴۶.

۱۴۵ . کافی: ۳۱/۴.

۱۴۶ . رجال کشی: ۴۶۸، نجاشی: ۷۴، فهرست طوسی: ۲۲، رجال او: ۳۳۲.

۱۴۷ . نجاشی: ۳۶۳.

۱۴۸ . طب الائمة: ۱۲۴.

۱۴۹ . نجاشی: ۱۰، رجال طوسی: ۱۶۴.

۱۵۰ . نجاشی: ۲۵۱، فهرست طوسی: ۸۷، رجال او: ۳۶۲.

۴۰۵ ـ ۴۰۶،نیز بنگرید: تأویل ما نزل من القرآن: ۴۶۵).[۱۵۱] پس ممکن است دفتری از سخنان امام علی (ع) در خانواده وجود داشته و باور چنین بوده که میثم آن را تدوین کرده است. شماری از روایات میثم [۴۴] از امام علی (ع) در منابع متقدم که اعقاب او روایت می کنند، در صورتی که چنان دفتری وجود می داشته، می تواند از آن نقل شده باشد. این روایات شامل موارد زیر است:

ـ غارات: ۴۱۳ ـ ۴۱۵ (با اشاره به زیارت بیت المقدس که عمل رایجی در زمان میثم نبوده

است، مگر آن که این اشاره بعدا به متن افزوده شده باشد. نیز بنگرید: مصنف ابن ابی شیبه: ۳۷۴/۲، ۲۰۸/۱۲ که در آنجا همین متن از طریق راوی دیگری آمده است.)

ـ کافی: ۱۸۶/۷ ـ ۱۸۷ (نیز تهذیب: ۹/۱۰ ـ ۱۱). در آخرین جمله این نقل، نوعی لحن ضد کیسانی وجود دارد که تاریخ خبر را چند دهه بعد از میثم معین می کند، مگر آن که جمله اخیر بعدا بر متن افزوده شده باشد. موضوعی که نامحتمل نیست.

ـ تفسیر فرات: ۵۵ ـ ۵۶

ـ عقاب: ۲۶۱

ـ امالی طوسی: ۳۰۹ (نیز تاریخ دمشق: ۲۷۸/۴۲)

ـ مجمع البیان طبرسی: ۷۵/۳۰ (به نقل از بخشی از تفسیر عیاشی که باقی نمانده است)

ـ المزار الکبیر: ۱۴۹ ـ ۱۵۳ (نیز مزار شهید اول: ۲۸۳ ـ ۲۸۸)

ـ الاصابه: ۲۴۲/۷ (به نقل از یک مؤلف شیعه در کتابی که در اثبات ایمان ابوطالب نوشته بوده است. این کتاب که ابن حجر از آن در الاصابه: ۲۳۶/۷ ـ ۲۴۲ نقل می کند، جز کتاب الحجة علی الذاهب الی تکفیر ابی طالب از سید فخار بن معد بوده که باقی مانده است. نقل یاد شده در اصابه با سندی آمده که در آن علی بن محمد بن متیم [کذا در اصل] از پدرش، از جدش نقل می کند. «متیم» تصحیف «میثم» است، به شهادت آن که ابن حجر خود در شرح حال میثم، همین نقل را آورده است [همان: ۳۱۸/۶]. راوی یاد شده، همان علی بن محمد بن میثم است که عیاشی در تفسیر: ۱۹۴/۱ به عنوان راوی از امام جعفر صادق (ع) از وی روایت می کند.

نام میثم مانند شماری دیگر از اصحاب امام علی (ع) در زمان های بعد برای مستند ساختن مطالب باطنی و مسائل مربوط به ملاحم و فتن به عنوان روایت از امام علی (ع) مورد استناد قرار گرفته است، چنان که در این نمونه ها:

ـ الهدایة الکبری: ۱۲۵ ـ ۱۲۶، ۱۴۸ ـ ۱۵۰

ـ امالی صدوق: ۱۸۹ ـ ۱۹۰ (نیز علل: ۲۱۷ ـ ۲۱۸)

ـ اربعون حدیثا فی فضائل امیرالمؤمنین (ع) ابن ابی الفوارس: ۹۰ ـ ۹۶ (نیز فضائل شاذان بن جبرئیل: ۲ ـ ۵)

ـ بحار: ۳۴۴/۵۴ ـ ۳۴۶

---

۱۵۱ . یک نویسنده معاصر بر آن است که ابوجعفر طبری در **بشارة المصطفی** «در موارد مختلف می گوید که من چنین و چنان در کتاب میثم تمار یافته ام» (**تدوین السنة الشریفه**، جلالی: ۲۴۳، نیز بنگرید: ۱۴۱ که در آنجا گفته شده است که کتاب میثم تا قرن هفتم در دسترس بود، به دلیل آن که دانشمند یاد شده، به طور مستقیم از آن نقل کرده است.) من حتی یک مورد هم از این نقل مستقیم، دست کم در نسخه چاپی آن کتاب نیافته ام (تنها در ص ۸۷ همان روایت **امالی طوسی**: ۱۴۸ - ۱۴۹ به نقل از صالح بن میثم آمده که راوی در آغاز آن می گوید: «وجدت فی کتاب میثم»).

هیچ کدام از نقلهای اخیر از طریق اعضای خانواده میثم روایت نشده است.

[۴۵] ۲ . حارث اعور

ص: ۷۶

ابوزهیر حارث بن عبدالله همْدانی، یک چشم، تابعی برجسته کوفه که به دانش وسیع در امور دین و فقه و علم حساب شهرت داشت. وی از اصحاب امام علی (ع) بود و تا پایان عمر به عنوان یک هوادار وفادار آن امام باقی ماند. وی به سال ۶۵ در کوفه درگذشت.

تقریبا همه منابع شرح حال راویان حدیث، مدخلی در باره حارث اعور دارند. برای فهرست بسیاری از این منابع بنگرید به پاورقی مصححان بر تهذیب الکمال: ۲۴۴/۵ ـ ۲۵۳ و تاریخ الاسلام: ۵ (سالهای ۶۱ ـ ۸۰)/۸۹ ـ ۹۰.

حارث از قبیله یمنی هَمْدان بود که بسیاری از افراد آن از هواداران سرسخت امام علی (ع) در دوران خلافت ایشان بودند. بر اساس شجره نسبی که در نسب معد و الیمن ابن کلبی: ۵۲۰ ـ ۵۲۱ (و از آنجا ذیل المذیل طبری: ۶۶۲ و دیگران) آمده، حارث اعور از طایفه حوثی از تیره های همدان بود. کلمه «خارفی» که در تاریخ اوسط بخاری: ۲۸۲/۱، تاریخ کبیر او: ۲۷۳/۲ و بسیاری از منابع بعدی آمده باید تصحیف کلمه «حوثی» باشد; زیرا خارف تیره دیگری از همدان بوده است (نسب معد و الیمن: ۵۲۱). «خارفی» هم به نوبه خود در رجال طوسی: ۶۰ به «حالقی» تصحیف شده است. کلمه حوثی یا خارفی، در اسناد روایتی که در تاریخ جرجان: ۲۶۰ نیز نقل شده (و در آن بخوانید: «تقیّة» به جای «ثقة»، چنان که در مسند الفردوس[ازبک: ۴۵۴]) به نوبه خود به «جرجانی» تصحیف شده بود. به نظر می رسد تصحیف اخیر سبب شده که یکی از معاصران یحیی بن معین (م ۲۳۳) اظهار نظر کند که حارث، به احتمال دارای اصالت ایرانی بوده است (تهذیب الکمال: ۲۴۵/۵).

حارث یکی از اعضای گروه ده نفری کوفه بود که علیه عامل عثمان در آن شهر شوریدند و اداره شهر را در اختیار گرفتند (طبقات ابن سعد: ۲۰۴/۵، انساب الاشراف:۲ /۳۳۹ ـ ۳۴۰). در باره علاقه و وابستگی وی به امام علی (ع) بنگرید: وقعة صفین: ۱۲۱، مسائل الامامة: ۲۲، غارات: ۳۰۲، ۴۷۹، المعرفة والتاریخ: ۶۱۷/۲، ۶۲۴، خصال: ۳۳۴، نهج البلاغه: ۴۵۹ ـ ۴۶۰ (نامه شماره ۶۹)، امالی مفید: ۴، ۲۷۱، ۳۵۱، کشف المحجة: ۱۷۴

طبری در ذیل المذیل: ۶۶۳ در باره تاریخ درگذشت حارث اعور می گوید که سال ۶۵ دقیق نیست و دقیق تر آن است که حارث در زمان عبدالله بن یزید انصاری که از سوی عبدالله بن زبیر (مدعی خلافت در سال های ۶۴ ـ ۷۳) حاکم کوفه بود، وفات کرده است. این انصاری از روز جمعه ۲۲ رمضان ۶۴ تا پنج شنبه ۲۵ رمضان ۶۵ (تاریخ طبری: ۵۶۰/۵، ۶۲۲) حاکم کوفه بود، وشخصا بر جسد حارث نماز گزارد (مصنف عبدالرزاق: ۴۹۸/۳).

ص: ۷۷

شرح حال نویسان در این امر اتفاق نظر دارند که حارث فردی بسیار دانشمند و از منابع بزرگ علم در روزگار خود بوده است، اما در باره وثاقت او اختلاف نظر وجود دارد. دو تک نگاری در باره او از دانشمند مراکشی عبدالعزیز بن

محمد بن صِدّیق الحسینی الغماری (م ۱۴۱۸) با عناوین الباحث عن علل الطعن فی الحارث (چاپ دوم، قم، ۱۴۲۰ [در مجله علوم الحدیث: ۳۰۷/۵ ـ ۳۶۰]) و بیان نکث الناکث المتعدی بتضعیف الحارث (چاپ دوم، قم، ۱۴۲۰ [در همان مجله: ۲۵۷/۶ – ۲۹۳]) در دست است.

[۴۶] ۱ ـ کتاب / صحیفه

گزارشی در طبقات ابن سعد: ۲۰۹/۶ و المحدث الفاصل: ۳۷۰ می گوید که حارث، روزی اوراقی چند خرید و نزد امام علی (ع) آورد و آن حضرت «دانش بسیاری» بر روی آن اوراق، برای وی نوشت. نقل دیگری در کافی: ۱۴۱/۱ و توحید: ۳۱ از آن حکایت دارد که حارث، خطبه ای از امام علی (ع) را که خود یادداشت کرده بود از روی نوشته خویش برای راوی نقل کرد. راوی مزبور ابواسحاق عمرو بن عبدالله سبیعی همدانی[۱۵۲] (م ۱۲۶ ـ ۱۲۹) بود که گفته می شود با بیوه حارث ازدواج کرد و بدین ترتیب بر «کُتُب» او دست یافت.[۱۵۳] همچنین ارجاعات فراوانی در منابع متقدم به کتاب یا صحیفه حارث اعور وجود دارد و آن مجموعه ای از یادداشت ها بود که وی از اقوال و افعال امام علی (ع) در کوفه فراهم آورده بود. در باره ابواسحاق سبیعی که فراوان به نقل از حارث مطالبی از گفته ها و افعال امام علی (ع) روایت می کند، باور دانشمندان حدیث سنی بر آن است که او تنها چهار روایت به طور شفاهی از حارث شنیده[۱۵۴] و تمامی روایات دیگر وی از کتاب حارث بوده است.[۱۵۵] محدثان اهل سنت همچنین اظهار نظر می کنند که روایات دو راوی دیگر اواخر قرن اول، یعنی خِلاس بن عمرو هَجَری بصری و عبدالاعلی بن عامر ثعلبی کوفی از امام علی (ع) از کتاب حارث گرفته شده است.[۱۵۶] شاید به دلیل مشابهت محتوی،[۱۵۷] نجاشی یا منبع او نسخه ای از این کتاب را

ص: ۷۸

که به سند متصل از طریق ابواسحاق سبیعی دریافت کرده بود، تحریر دیگری از کتاب ابن ابی رافع پنداشت.[۱۵۸]

لیست ذیل، فهرستی از بخشی از مروياتی است که در منابع به روایت ابواسحاق سبیعی از حارث از امام علی (ع) نقل شده است:

الف . در باره قرآن[۱۵۹]

---

۱۵۲ . در باره وی بنگرید: **تهذیب الکمال**: ۱۰۲/۲۲ ـ ۱۱۳ و منابع فراوانی که در پاورقی مصحح آن کتاب آمده است.

۱۵۳ . **سیر اعلام النبلاء**: ۳۹۸/۵ به نقل از احمد بن حنبل، نیز بنگرید: احوال الرجال جوزجانی: ۴۳

۱۵۴ . **تاریخ اوسط بخاری**: ۲۸۲/۱، سنن ابی داود: ۲۳۹/۱، **خصائص** نسائی: ۸۴، **الجرح و التعدیل**: ۱۳۲/۱، احوال الرجال جوزجانی: ۴۳

۱۵۵ . تاریخ الثقات: ۳۶۶.

۱۵۶ . در باره خلاس بنگرید: **سؤالات آجری**: ۱۴۵/۲ (یُحَدّث عن صحیفة الحارث الاعور)، و در باره عبدالاعلی بنگرید: **الجرح و التعدیل**: ۲۶/۶ (وقع الیه کتاب الحارث الاعور. نیز بنگرید: **المعرفة والتاریخ**: ۸۱۸/۲).

۱۵۷ . برای نمونه بنگرید: **سنن بیهقی**: ۳۳/۲.

۱۵۸ . نجاشی: ۷.

۱۵۹ . هم در اینجا و هم در مدخل مربوط به اصبغ بن نباته، روایات به ترتیبی فهرست شده که معمولا باید در نسخه بازسازی شده این دو اثر بدان ترتیب قرار گیرد.

– مسند احمد: ۹۱/۱ (نیز مسند ابی یعلی: ۳۰۲/۱، کامل ابن عدی: ۱۳۲۰ [نیز بنگرید: تفسیر عیاشی:۳۰/۱]. نیز معجم اوسط طبرانی: ۲۹/۲، معجم صغیر او: ۷۸/۲ [مقـ : مصنف ابن ابی شیبه: ۴۸۲/۱۰، سنن دارمی: ۴۳۵/۲، سنن ترمذی: ۲۹/۵ ـ ۳۰ که همین خبر از حارث به وساطت راوی دیگری نقل شده است.])

– سنن ابن ماجه: ۱۱۵۸، ۱۱۶۹ (نیز مسند الشهاب قضاعی: ۵۱/۱ [با اختلافی در عبارت]).

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۵۲۹/۱۰، ۲۸۶/۱۳ (نیز سنن دارمی: ۴۴۲/۲، ۴۴۳، عیون الاخبار ابن قتیبه: ۱۳۱/۲ [همه با اختلافاتی در عبارت])

[۴۷] ـ تفسیر ابن المنذر (ازبک: ۴۱۹)

ـ مصنف عبدالرزاق: ۵۰۵/۷

ـ معجم اوسط طبرانی: ۳۱۰/۷

ـ تفسیر ابن کثیر: ۶۰۶/۱

ـ حلیة الاولیاء: ۱۳۶/۷ (نیز تاریخ بغداد: ۲۴۸/۶ [با متن کامل تر])

ـ فردوس (ازبک: ۴۱۵)

ـ تفسیر طبری: ۸۱/۲

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۵۰۴/۲، ۵۰۵ (نیز تفسیر طبری: ۵۵۴/۲، مکتفی دانی: ۱۸۸)

ـ تفسیر طبری: ۱۸/۷، ۲۱ (نیز تفسیر ابن ابی حاتم: ۱۱۹۲. مقـ : سنن سعید بن منصور: ۱۵۴۷ که در آن به

ص: ۷۹

جای «شعبی» بخوانید «سبیعی»)

ـ مصنف ابن ابی شیبه، الجزء المفقود: ۴۳۹ (نیز سنن ترمذی: ۲۸۰/۲، تفسیر طبری: ۱۶۹/۱۰)

ـ تفسیر قمی: ۲۷۶/۲ (دو روایت)

ـ الکشف و البیان ثعلبی: ذیل آیه ۶۳ سوره زمر (ازبک: ۴۱۴)

ـ تفسیر طبری: ۳۵/۲۴ (نیز صفة الجنة ابونعیم: ۱۳۲/۲)

ـ بحر الفوائد کلاباذی (ازبک: ۳۹۴)

ـ رقائق ابن مبارک: ۱۰۷ (نیز تفسیر قمی: ۲۸۷/۲ ـ ۲۸۸ [با متنی طولانی تر]، شعب الایمان: ۵۶/۷)

ـ تفسیر ابن ابی حاتم: ۳۲۸۸ (و از آن جا تفسیر ابن کثیر: ۲۴۸/۶)

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۵۲۴/۲ (نیز تاریخ طبری: ۱۸۰/۲۶)

ـ الکشف و البیان: ذیل آیه اول سورة الذاریات (ازبک: ۴۱۶)

ـ تفسیر طبری: ۱۶۹/۲۷

ـ همان: ۱۲۹/۳۰

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۲۰۳/۳ (تفسیر طبری: ۳۱۹/۳۰)

ـ غیبت نعمانی: ۳۰۴ ـ ۳۰۵

ب . عقاید

ـ مسند ابی یعلی: ۴۰۰/۱ (نیز علل ابن ابی حاتم: ۱۴۶/۲، کامل ابن عدی: ۸۲۱، مؤتلف دارقطنی: ۶۲۷)

ـ حلیة الاولیاء: ۷۳/۳ (بخوانید: «سفیان عن ابی اسحاق» به جای «سفیان بن ابی اسحاق»)

ـ کافی: ۱۴۱/۱ – ۱۴۲ (نیز توحید: ۳۱ ـ ۳۴)

ـ الغارات: ۱۱۱/۱ ـ ۱۱۲ (نیز توحید: ۱۸۴)

ـ سنن بیهقی: ۲۰۴/۱۰ (نیز بنگرید: الجرح و التعدیل: ۲۴۵/۱، کامل ابن عدی: ۶۰۴)

ـ تاریخ دمشق: ۵۱۲/۴۲ ـ ۵۱۳

ـ علل ابن جوزی: ۱۵۰

ـ عقاب: ۲۵۲

ـ معجم اوسط طبرانی: ۱۲۸/۷ (نیز معجم صغیر او: ۹۳/۲، تلخیص المتشابه خطیب: ۷۹۵)

[۴۸] ـ فردوس (ازبک: ۴۱۸)

ـ تفسیر طبری: ۳۵/۲۴ ـ ۳۶

ـ کامل ابن عدی: ۲۱۵۰

ص: ۸۰

ج . احکام

طهارت

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۲۶/۱ (نیز سنن دارقطنی: ۷۸/۱ ـ ۷۹، سنن بیهقی: ۱۲/۱)

ـ سنن ترمذی: ۹۵/۱

ـ کتاب الدعاء طبرانی: ۹۷۷

ـ کامل ابن عدی: ۲۳۴۸

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۱۰۰/۱ (نیز سنن ابن ماجه: ۱۳۹، علل ابن ابی حاتم: ۵۶/۱)

ـ امالی احمد بن عیسی: ۱۶/۱

ـ مصنف عبدالرزاق: ۱۱۷/۱

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۱۶۰/۱ (نیز تفسیر طبری: ۱۱۴/۵، سنن بیهقی: ۲۲۱/۱)

ـ مصنف عبدالرزاق: ۲۴۲/۱، ۲۴۴ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۱۶۰/۱، ۴۳۳/۲، سنن دارقطنی: ۱۸۶/۱، امالی احمد بن عیسی: ۷۰/۱، سنن بیهقی: ۲۳۲/۱، ۲۳۳)

ـ تفسیر طبری: ۱۲۶/۶

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۳۶/۱ (نیز مسند احمد: ۷۷/۱، سنن ابن ماجه: ۱۳۳)

ـ مصنف عبدالرزاق: ۳۴۰/۱ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۱۰۴/۱، مسند بزار: ۱۶۲/۱[با اختلافی در عبارت]. نیز بنگرید: مسند احمد: ۹۰/۱)

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۶۵/۱ (نیز تهذیب الاثار طبری، مسند امام علی: ۲۱۷)

ـ اوسط ابن المنذر (ازبک: ۴۲۲)

ـ مصنف عبدالرزاق:۲۶۳/۱ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۷۱/۱)
ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۱۳۹/۱
ـ همان: ۸۱/۱
ـ مصنف عبدالرزاق: ۲۳۰/۱، ۲۸۴ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۸۱/۱)
ـ همان: ۲۷۷/۱ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۷۶/۱)
ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۷۶/۱
ـ تهذیب الاثار طبری، مسند امام علی: ۲۷۷
ـ کامل ابن عدی: ۱۳۰۸
ـ الام شافعی: ۱۵۳/۷ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۴۵/۲)

ص: ۸۱

ـ مصنف عبدالرزاق: ۳۰۲/۱ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۹۳/۱، سنن دارمی: ۲۱۵/۱ ـ ۲۱۶)
ـ جزء رافع بن عاصم (ازبک: ۴۲۴)
ـ مصنف عبدالرزاق: ۴۰۷/۳ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۲۶۹/۳)
ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۲۳۵/۳
ـ اوسط ابن المنذر (ازبک: ۴۲۳)
ـ امالی احمد بن عیسی: ۴۸/۱

[۴۹] نماز
ـ معجم اوسط طبرانی: ۳۰۱/۷ (نیز معجم صغیر: ۵۲/۲، مجمع البیان: ۲۳۱/۱۲)
ـ فردوس (ازبک: ۴۰۵)
ـ سنن بیهقی: ۳۳/۲
ـ امالی احمد بن عیسی: ۱۱۵/۱، ۱۱۶
ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۳۷۲/۱ (نیز بنگرید: مصنف عبدالرزاق: ۱۰۰/۲)
ـ همان: ۲۴۷/۱ (نیز کتاب الدعاء طبرانی: ۱۰۶۱، تاریخ جرجان: ۳۳۸، سنن بیهقی: ۹۶/۲ [با اختلاف در عبارت])
ـ مصنف عبدالرزاق: ۱۸۷/۲ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۵۳۴/۲، کتاب الدعاء طبرانی: ۱۰۷۵)
- ایضاح قاضی نعمان: ۲۱۱
ـ الام شافعی: ۱۵۳/۷ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۲۹۵/۱، امالی احمد بن عیسی: ۱۲۷/۱ ـ ۱۲۸، سنن بیهقی: ۱۴۳/۲)
ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۲۵۸/۱ (در باره سجده به طور عام)
ـ همان: ۲۵۸/۱ (در باره نحوه درست سجده مردان)

ـ مصنف عبدالرزاق: ۱۳۸/۳ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۲۶۹/۱ [در باره نحوه درست سجده زنان]، سنن بیهقی: ۲۲۲/۲)

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۲۸۴/۱

ـ مسند طیالسی: ۱۵۰/۱ (نیز مصنف عبدالرزاق: ۱۴۴/۲ ـ ۱۴۵ [نیز بنگرید: ۱۴۱/۲ ـ ۱۴۲، ۱۸۴، ۲۶۷]، مسند احمد: ۱۴۶/۱، المنتخب من مسند عبد بن حمید: ۱۲۱/۱، مسند بزار: ۲۶۵/۱. نیز بخشی از آن در مصنف ابن ابی شیبه: ۲۸۵/۱، ۷۱/۲، ۴۱۴، ۴۳۴، ۴۳۷، سنن ابن ماجه: ۲۸۹، ۳۱۰، سنن ابی داود: ۲۳۹/۱، سنن ترمذی: ۳۱۵/۱، امالی احمد بن عیسی: ۲۹۰/۱، معجم اوسط طبرانی: ۱۲/۳ و بسیاری از

ص: ۸۲

منابع دیگر)

ـ مصنف عبدالرزاق: ۲۴۰/۲ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۳۰۵/۱[با اختلاف در عبارت]).

ـ مسند احمد: ۹۶/۱، ۱۰۴، ۸۸/۵ [با اختلاف در عبارت] (نیز مسند ابی یعلی: ۳۸۴/۱)

ـ اوسط ابن المنذر (ازبک: ۴۲۱)

ـ امالی احمد بن عیسی: ۱۳۹/۱، ۱۴۲

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۳۱۶/۲

ـ همان: ۳۰۵/۲ (نیز سنن بیهقی: ۳۹۸/۲ [با اختلاف در عبارت])

ـ ضعفاء عقیلی: ۵۵/۱ (نیز کامل ابن عدی: ۲۶۷۹، حلیة الاولیاء: ۱۸۳/۷)

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۴۶۴/۲ (نیز امالی احمد بن عیسی: ۱۸۰/۱ [تکرار شده در ۱۸۷]، مسند بزار: ۳۲۸/۱)

ـ مصنف عبدالرزاق: ۵۰۷/۲

ـ مسند بزار: ۳۲۵/۱

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۴۸۹/۲

ـ مصنف عبدالرزاق: ۱۲۶/۲

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۲۷۶/۲

ـ مصنف عبدالرزاق: ۲۹/۲

ـ همان: ۳۰۵/۲ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۲۶/۲ [با اختلاف در عبارت])

[۵۰] ـ همان: ۱۲۲/۲ (نیز الام شافعی: ۱۵۳/۷، مصنف ابن ابی شیبه: ۳۹۷/۱)

ـ همان: ۳۳۸/۲ – ۳۳۹ (نیز سنن دارقطنی: ۱۵۶/۱، سنن بیهقی: ۲۵۶/۲ [همه با اختلاف در عبارات])

ـ ایضاح قاضی نعمان: ۱۹۰

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۶۴/۲

ـ مصنف عبدالرزاق: ۳۵۲/۲ (نیز امالی احمد بن عیسی: ۲۲۵/۱، سنن دارقطنی: ۱۸۵/۱، سنن بیهقی: ۲۳۴/۱ [ایضاح قاضی نعمان: ۱۵۷، ۱۶۳، و کامل ابن عدی: ۳۱۶ متن کامل تری از این روایت را نقل کرده اند.])

ـ سنن بیهقی: ۲۹۸/۲

ـ مصنف عبدالرزاق: ۲۰۸/۲

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۳۲۴/۲

ص: ۸۳

ـ مصنف عبدالرزاق: ۴۶۳/۳ (دو نسخه مختلف)

ـ مسند بزار: ۲۴۹/۱

ـ مصنف عبدالرزاق: ۳۰۱/۳، ۱۶۷/۸ (نیز بنگرید: همان: ۱۶۸/۸، مصنف ابن ابی شیبه: ۱۰۱/۲، سنن بیهقی: ۱۷۹/۳، امالی احمد بن عیسی: ۱۸۸/۱)

ـ همان: ۲۱۰/۳

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۱۰۴/۲ (نیز امالی احمد بن عیسی: ۱۹۵/۱ [با اختلاف در عبارت])

ـ همان: ۱۱۱/۲ (نیز علل ابن ابی حاتم: ۱۹۸/۱)

ـ مسند ابن جعد: ۷۷۰ (ش ۲۰۱۵)

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۲۷۸/۲

ـ معجم اوسط طبرانی: ۲۲۴/۴ ـ ۲۲۵ (نیز سنن بیهقی: ۲۹۵/۳)

ـ امالی احمد بن عیسی: ۱۸۷/۱ (در باره نماز عیدین)

ـ مصنف عبدالرزاق: ۲۹۷/۳ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۱۸۰/۲ [با اختلاف در عبارت]، سنن بیهقی: ۲۹۵/۳)

ـ همان: ۳۶۶/۳ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۱۶۰/۲، سنن دارقطنی: ۴۴/۲، سنن بیهقی: ۲۸۳/۳ [همه با اختلاف در عبارات])

ـ همان: ۲۸۹/۳، ۲۹۹ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۱۶۳/۲، صورت های دیگری از همین متن در سنن ابن ماجه: ۴۱۱، سنن ترمذی: ۵۳۵/۱، امالی احمد بن عیسی: ۸۸۸/۱، سنن بیهقی: ۲۸۱/۳، ۳۱۱)

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۱۸۲/۲

ـ همان: ۱۷۳/۲

ـ امالی احمد بن عیسی: ۱۸۷/۱

ـ همان: ۱۸۸/۱

ـ همان: ۱۸۹/۱

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۳۰۷/۳

ـ مسند طیالسی: ۱۱۶/۱ (نیز مصنف عبدالرزاق: ۱۷/۳، ۵۶، ۵۸، مصنف ابن ابی شیبه: ۲۴۱/۲، ۲۸۶، مسند احمد: ۷۷/۱، ۸۸، ۸۹، ۹۸، ۱۱۱، ۱۱۵، سنن ابن ماجه: ۳۶۳)

- ایضاح قاضی نعمان: ۷۶ - ۷۷

ـ مسند احمد: ۸۹/۱ (نیز منتخب مسند عبد بن حمید: ۱۲۱/۱، سنن ترمذی: ۴۷۵/۱، مسند ابی یعلی: ۳۵۶/۱، ایضاح قاضی نعمان: ۲۱۸ [همه با اختلاف در عبارات])

ص: ۸۴

[۵۱] ـ صفوه ابن القیسرانی (ازبک: ۴۲۱، این متن در صفحه ۱۸۹ چاپ بیروت، ۱۹۹۵ از کتاب ابن القیسرانی بدون اسناد آمده است.)

ـ معجم اوسط طبرانی: ۳۳۰/۷

ـ مسند احمد: ۸۶/۱

ـ اخبار اصبهان: ۲۱۳/۱

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۵۲۳/۲ (نیز تفسیر طبری: ۱۸۰/۲۶ ـ ۱۸۱)

ـ کامل ابن عدی: ۷۰۴

ـ مصنف عبدالرزاق: ۴۹۸/۱ (نیز سنن دارقطنی: ۴۰/۱، سنن بیهقی: ۵۷/۳)

ـ ایضاح قاضی نعمان: ۱۳۸

ـ تاریخ بغداد: ۲۸۳/۱ (نیز علل ابن جوزی: ۹۶۶)

ـ مصنف عبدالرزاق: ۵۰۱/۲

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۹۱/۲، ۸۲ (نیز معجم اوسط طبرانی: ۲۴۱/۳ ـ ۲۴۲، معجم صغیر او: ۱۰۵/۱ [همه با اختلاف در عبارات])

ـ مسند ابن جعد: ۷۶۹

ـ همان: ۷۷۰ (ش ۲۰۱۶)

ـ مصباح المتهجد: ۳۱۶ (نیز جمال الاسبوع: ۹۱، ۱۰۴ ـ ۱۰۵)

ـ اربعین شهید اول: ۳۱۶

ـ اقبال الاعمال: ۴۵۹/۱ ـ ۴۶۰

ـ فضائل احمد: ۶۱۶ (نیز سنن ترمذی: ۴۸۲/۵ ـ ۴۸۳، عمل یوم و لیلة نسائی: ۶۰۹، خصائص او: ۸۲)

ـ امالی صدوق: ۶۷۴ ـ ۶۷۵ (نیز ثواب الاعمال: ۱۹۹)

ـ کتاب الدعاء طبرانی: ۱۴۳۶

ـ همان: ۱۵۹۹

ـ الجرح و التعدیل: ۱۷۹/۱

ـ سنن ابی داود: ۴۲۷/۴

ـ معجم اوسط طبرانی: ۳۳۴/۷

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۴۰۵/۷، ۴۷/۸، ۳۱۳/۱۰، ۴۲۳ (نیز مسند احمد: ۷۶/۱، منتخب مسند عبد بن حمید: ۱۲۰/۱، سنن ترمذی: ۵۲۷/۵، کتاب الدعاء طبرانی: ۱۳۱۹ ـ ۱۳۲۰، امالی طوسی: ۶۳۸)

ـ کتاب الدعاء طبرانی: ۱۲۲۵ ـ ۱۲۲۶ (نیز المستفاد ابن نجار: ۴۸/۲)

ـ علل ابن ابی حاتم: ۳۶۰ (نیز اربعین ابن عساکر: ۶۳، و از آنجا بحار: ۲۹۳/۷۶ ـ ۲۹۴. مقایسه کنید با: سنن ترمذی: ۴۴۳/۵، و منابع سنی دیگری که مصحح در پاورقی آورده است، و امالی طوسی: ۵۱۵، که در این منابع ابواسحاق سبیعی همین خبر را از راوی دیگری از امام علی (ع) روایت می کند.)

ـ طب الائمه: ۳۷

ـ همان: ۱۷ ـ ۱۸

[۵۲] روزه

ـ امالی احمد بن عیسی: ۳۱۷/۲

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۶۸/۳ (نیز تهذیب الاثار طبری، مسند ابن عباس: ۷۶۵ [با اختلاف در عبارت])

ـ مسند ابی یعلی: ۳۴۶/۱ (نیز علل ابن ابی حاتم: ۲۴۷/۱، معجم اوسط طبرانی: ۷۶/۹ ـ ۷۷، مسند بزار: ۴۹۴/۱، [همه با اختلاف در عبارات])

ـ تذکرة الحفاظ: ۶۱۲

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۱۷۳/۳

ـ همان: ۸۱/۳

ـ مصنف عبدالرزاق: ۲۴۲/۴ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۳۴/۳، سنن بیهقی: ۲۵۹/۴ [همه با اختلاف در عبارات])

ـ همان: ۲۱۶/۴ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۳۸/۳، ۳۹، سنن بیهقی: ۲۱۵/۴ [با اختلاف در عبارات])

ـ علل ابن جوزی: ۵۵۰ ـ ۵۵۱. بخش هایی از این روایت در مصنف ابن ابی شیبه: ۴۴/۳، ۹۴ نیز آمده است (مقـ : الام شافعی: ۶۵/۳، ۱۷۶/۷، مصنف عبدالرزاق: ۲۵۶/۴، ۲۸۲، مصنف ابن ابی شیبه: ۶۵/۳ که در این منبع ابواسحاق سبیعی همین خبر را مع الواسطه از حارث نقل می کند.)

ـ معجم اوسط طبرانی: ۲۵۴/۵

ـ مصنف ابن ابی شیبه، الجزء المفقود: ۳۰

ـ همان: ۵۶/۳ (نیز تمهید ابن عبدالبر: ۲۰۷/۷)

ـ مصنف عبدالرزاق: ۲۷۴/۴ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۲۸/۳ [با اختلاف در عبارت])

ـ محلی ابن حزم: ۱۹۴/۵

ـ سنن دارقطنی: ۲۰۰/۲

ص: ۸۶

زکات

ـ کتاب الخراج یحیی بن آدم: ۱۵۰ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۱۳۹/۳)

ـ مسند طیالسی: ۱۱۵/۱ (نیز مسند حمیدی: ۸۱/۱، الاموال ابی عبید: ۴۶۳، مصنف ابن ابی شیبه: ۱۵۲/۳، المدوّنة الکبری: ۲۴۴/۱، مسند احمد: ۱۲۱/۱، ۱۳۲، ۱۴۶، الاموال ابن زنجویه: ۹۴۵، ۱۰۱۹، ۱۰۶۱، منتخب مسند عبد بن حمید: ۱۱۹/۱، سنن ابن ماجه: ۵۷۰، ۵۸۰، سنن ابی داود: ۹۹/۲ ـ ۱۰۱، ۱۳۶، امالی احمد بن عیسی: ۲۶۷/۲، مسند

ابی یعلی: ۲۵۶/۱، ۴۳۶، احادیث الطوال طبرانی: ۱۴۴ ـ ۱۴۶، سنن دارقطنی: ۹۲/۲، ۱۰۳، سنن بیهقی: ۹۳/۴، ۹۵، ۹۹، ۱۰۶، ۱۳۶، ۱۳۷)

ـ سنن دار قطنی: ۱۴۹/۲ (نیز مستدرک حاکم: ۴۱۱/۱)

ـ مسند طیالسی: ۱۴۶/۱ (نیز مصنف عبدالرزاق: ۱۰۶/۱۱، مسند احمد: ۹۶/۱، ۱۱۵)

ـ کتاب الخراج یحیی بن آدم: ۱۱۶ (بخوانید: «عن حارث و عاصم»، چنان که در تمامی موارد مشابه، به جای «عن حارث او عاصم»)

[۵۳] حج

ـ سنن ترمذی: ۱۶۶/۲ (نیز تفسیر طبری: ۱۶/۴ ـ ۱۷، تاریخ جرجان: ۳۹۱، ضعفاء عقیلی: ۳۴۸/۴، کامل ابن عدی: ۲۵۸۰)

ـ سنن طیالسی: ۱۴۸/۱ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۱۰۵/۴، ۳۶۷/۱۰، کتاب الدعاء طبرانی: ۱۲۰۰ ـ ۱۲۰۱، سنن بیهقی: ۵۹/۵)

ـ محلی ابن حزم: ۱۵۱/۵

ـ مصنف ابن ابی شیبه، الجزءالمفقود: ۳۹۸

ـ همان: ۱۷۵ (مقـ : همان: ۲۶/۲، مصنف ابن ابی شیبه: ۳۰۵/۲)

ـ تفسیر طبری: ۶۴/۱۰

جهاد

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۴۸۲/۱۲ (نیز علل ابن ابی حاتم: ۳۱۵/۱)

ـ ضعفاء عقیلی: ۴۵۱/۴ (نیز امالی طوسی: /۳۸۳ ـ ۳۸۴ [بخوانید: «یوسف بن اسحاق عن ابی اسحاق عن الحارث» به جای «یوسف بن اسحاق بن ابی اسحاق عن الحارث»]، موضح خطیب: ۲۶۱/۲ [با تلفیق متنی مشابه ضعفاء عقیلی: ۴۵۱/۴ با متن مصنف ابن ابی شیبه:۴۸۲/۱۲]).

ـ مصنف عبدالرزاق: ۵۴۷/۳، ۲۷۷/۵

ص: ۸۷

ـ کامل ابن عدی: ۲۱۴۹ ـ ۲۱۵۰ (نیز مسند شهاب: ۲۱۵/۲، تاریخ دمشق: ۸۱/۱۸ ـ ۸۲)

بیع

ـ علل ابن ابی حاتم: ۳۹۰/۱ (نیز کامل ابن عدی: ۴۹۸، شعب الایمان: ۸۸/۲)

ـ مسند ابی یعلی: ۴۰۱/۲

ـ اخبار مکه فاکهی: ۵۰/۳ (نیز من لایحضر: ۲۶۷/۳، تهذیب: ۱۶۲/۷)

ـ مسند احمد: ۸۵/۱، ۹۳

ـ مصنف عبدالرزاق: ۱۲۴/۸
ـ غارات: ۱۱۱/۱ ـ ۱۱۲
ـ الام شافعی: ۱۶۷/۷

نکاح و طلاق
ـ کافی: ۳۲۶/۵
ـ کامل ابن عدی: ۱۵۳۲ (نیز تاریخ جرجان: ۲۵۷)
ـ مصنف عبدالرزاق: ۲۷۰/۷
ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۲۲۴/۴
ـ ناسخ ابوعبید: ۱۲۴ (نیز سنن بیهقی: ۳۰۶/۷ [بخوانید: «ابواسحاق السبیعی عن الحارث» به جای «ابواسحاق عن الشعبی عن الحارث»])
ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۱۹۸/۵
ـ امالی احمد بن عیسی: ۹۲/۳
ـ همان: ۹۵/۳
ـ همان: ۱۱۲/۳

[۵۴] خوردنی ها و آشامیدنی ها
ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۸۷/۸
ـ سنن دارقطنی: ۲۷۴/۴
ـ ضعفاء عقیلی: ۳۲۴/۲، ۱۲۷/۴

ص: ۸۸

ارث
ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۳۷۲/۱۱
ـ مسند طیالسی: ۱۴۸/۱ (نیز مصنف عبدالرزاق: ۲۴۹/۱۰، الام شافعی: ۲۹/۴، مصنف ابن ابی شیبه: ۱۶۰/۱۰، ۴۰۲/۱۱، مسند احمد: ۷۹/۱، ۱۳۱، ۱۴۴، سنن دارمی: ۲۶۸/۲، سنن ابن ماجه: ۹۰۶، ۹۱۵، سنن ترمذی: ۶۰۰/۳ ـ ۶۰۱، ۶۲۳، تفسیر طبری: ۲۸۰/۴ ـ ۲۸۱، تهذیب: ۳۲۶/۹، ۳۲۷)
ـ مصنف عبدالرزاق: ۲۸۷/۱۰ (نیز بنگرید: مصنف ابن ابی شیبه: ۲۷۰/۱۱ [با اختلاف در عبارت])
ـ مسند ابی یعلی: ۲۹۷/۲ (نیز کامل ابن عدی: ۱۸۸۹)
ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۲۵۸/۱۱
ـ سنن دارقطنی: ۶۸/۴ (نیز سنن بیهقی: ۲۵۳/۶)
ـ مصنف عبدالرزاق: ۲۵۱/۱۰

ـ محلی ابن حزم: ۳۰۵/۹
ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۱۴۹/۱۱ (نیز کامل ابن عدی: ۲۵۱۱ [با متن بسیار طولانی تر])
ـ مصنف عبدالرزاق: ۶۶/۹ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۲۰۲/۱۱)
ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۱۵۵/۱۱
ـ همان: ۱۵۷/۱۱
ـ محلی ابن حزم: ۳۲۱/۹

حدود و دیات
ـ مصنف عبدالرزاق: ۱۹۹/۱۰
ـ سنن دارقطنی: ۱۷۷/۳
ـ علل ابن ابی حاتم: ۴۵۹/۱

د . فضائل
ـ کمال الدین: ۲۳۷ (نیز مسند بزار: ۲۲۱/۳)
ـ امالی مفید: ۳۱۸
ـ معجم اوسط طبرانی: ۲۲۰/۱ (نیز ثواب الاعمال: ۲۸۶، شعب الایمان: ۲۱۶/۲)
ـ تأویل ما نزل من القرآن: ۱۳۵

ص: ۸۹

ـ ما نزل ابونعیم: ۲۷۶
ـ معجم اوسط طبرانی: ۳۷۱/۳ ـ ۳۷۲
ـ تفسیر ابن کثیر: ۵۶۴/۲ ـ ۵۶۵
ـ امالی طوسی: ۳۵۳ (نیز تلخیص المتشابه خطیب: ۳۰۸ ـ ۳۰۹، تاریخ دمشق: ۳۸۵/۴۲)
[۵۵] ـ ضعفاء عقیلی: ۲۲/۲ (نیز تاریخ دمشق: ۳۳۱/۲)
ـ تاریخ دمشق: ۳۶۰/۴۲
ـ امالی طوسی: ۲۴۸، ۶۳۳ (نیز تاریخ دمشق: ۱۱۳/۷۰)
ـ فضائل احمد: ۶۱۳ (نیز تاریخ دمشق: ۳۳۷/۴۲)
ـ بشارة المصطفی: ۱۶۶
ـ معارف ابن قتیبه: ۲۱۰
ـ مناقب ابن شهرآشوب: ۳۰۶/۲ (به نقل از دلائل ابن عقده)
ـ اللئالی المصنوعه: ۳۳۴/۱

ـ امالی مفید: ۲۷۱
ـ معجم اوسط طبرانی: ۱۲۷/۷ ـ ۱۲۸ (نیز اخبار اصبهان: ۱۰۰/۱)
ـ تاریخ دمشق: ۱۹۵/۱۳
ـ اخبار الحسن طبرانی: ۷۵ (نیز معجم کبیر طبرانی: ۴۷/۳)
ـ همان: ۵۶ ـ ۵۷ (نیز معجم کبیر طبرانی: ۳۶/۳)
ـ امالی ابی طالب: ۹۲
ـ تاریخ دمشق: ۴۶۰/۲۴ ـ ۴۶۱ (نیز بحرالفوائد کلاباذی: ۸۷)
ـ اخبار اصبهان: ۳۶۱/۲
ـ همان: ۱۷۲/۱
ـ سنن دارقطنی: ۸۰/۳ (نیز شعب الایمان: ۳۵۹/۷، امالی طوسی: ۴۷۳ [هر دو با متون طولانی تر]، فقیه خطیب: ۳۲/۱، مسند شهاب: ۲۰۳/۱)

هـ . اخلاق

ـ حلیة الاولیاء: ۳۵/۲ (نیز تاریخ دمشق: ۲۵۴/۱۳ ـ ۲۵۵ [با متن کامل تر]، بخشی از آن نیز در مجروحین ابن حبان: ۳۰۶/۲، مسند شهاب: ۷۸/۱، ۳۸/۲، ۳۹، کامل ابن عدی: ۵۲/۱. مقـ : تحف العقول: ۲۲۵ ـ ۲۲۶ [بدون سند]، معانی الاخبار: ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۵۶، ۲۵۸ [به روایت اصبغ بن نباته از

ص: ۹۰

حارث]).
ـ امالی طوسی: ۴۵۷ ـ ۴۵۸
ـ مسند شهاب: ۲۳۲/۱
ـ ضعفاء عقیلی: ۱۳۵/۳
ـ فقیه خطیب: ۱۶۰/۲
ـ فردوس (ازبک: ۴۲۷)
ـ مسند احمد: ۸۸/۱ ـ ۸۹ (نیز سنن دارمی: ۲۷۵/۲ ـ ۲۷۶، سنن ابن ماجه: ۴۶۱، سنن ترمذی: ۴۵۳/۴، امالی طوسی: ۴۷۸، ۶۳۴ ـ ۶۳۵، و بخشی از آن در مصنف ابن ابی شیبه: ۲۳۵/۳، ۴۳۵/۸)
ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۵۰۲/۸ (نیز معجم اوسط طبرانی: ۳۴۹/۵، کتاب الدعاء: ۱۶۸۳ ـ ۱۶۸۴ [با اختلاف در عبارت]).
ـ همان: ۴۹۷/۸
ـ معجم اوسط طبرانی: ۱۵۵/۷ (نیز کتاب الدعاء: ۱۶۹۰)
ـ امالی طوسی: ۵۱۶
ـ کامل ابن عدی: ۷۹۸
[۵۶] ـ علل ابن ابی حاتم: ۲۱۲/۲ (نیز معجم اوسط طبرانی: ۳۶۴/۵، سنن بیهقی: ۲۳۵/۱۰).

ـ تاریخ بغداد: ۱۸۶/۳
ـ اخبار اصبهان: ۱۷۸/۱
ـ کامل ابن عدی: ۵۲۰ (نیز شعب الایمان: ۴۹۳/۶)
ـ تاریخ دمشق: ۳۱/۱۳، ۳۰/۱۴
ـ امالی طوسی: ۴۵۸
ـ خصال: ۱۲۴
ـ تقیید العلم: ۸۹
ـ المجالسة دینوری: ۱۰۳/۲ (نیز کفایه خطیب: ۲۶۲)
ـ کامل ابن عدی: ۴۷۳ (و از آن جا در تاریخ جرجان: ۲۱۲)
ـ فردوس (ازبک: ۴۰۲، نیز اللئالی المصنوعه: ۳۷۵/۲)
ـ همان: (ازبک: ۳۹۹ ـ ۴۰۰، نیز علل ابن جوزی: ۷۰۹)
ـ مصنف عبدالرزاق: ۴۵۸/۱۰
ـ شعب الایمان: ۴۹۳/۱ ـ ۴۹۴

ص: ۹۱

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۱۲۰/۸
ـ فردوس (ازبک: ۴۱۹)
ـ متفق خطیب: ۱۸۴۴
ـ کامل ابن عدی: ۲۳۷۷
ـ ضعفاء عقیلی: ۱۸۷/۴ (نیز کامل ابن عدی: ۲۴۱۰)
ـ المحدث الفاصل: ۴۹۹ (نیز مسند بزار: ۱۰۰/۲، ۴۳۰، معجم اوسط طبرانی: ۳۳۰/۵ [با اختلاف در عبارت]).
ـ معجم اوسط طبرانی: ۱۲۸/۷ (نیز معجم صغیر او: ۹۳/۲، تلخیص خطیب: ۷۹۵)
ـ فردوس (ازبک: ۴۲۷، ش ۲۷۶)
ـ کامل ابن عدی: ۱۷۷۸
ـ کافی: ۳۱۶/۲ (نیز خصال: ۴۳)
ـ امالی صدوق: ۲۹۵ ـ ۲۹۶ (نیز معانی: ۲۳۱ [بخوانید: «عاصم بن [ابی] ضمرة و الحارث» به جای «عاصم بن [ابی] ضمرة عن الحارث»])[۱۶۰]

---

۱۶۰ . عاصم هرگز از حارث روایت نکرده است (**تهذیب الکمال:** ۴۹۷/۱۳ ـ ۴۹۸). سبیعی که راوی این حدیث در طبقه بعد است گفته بود که عاصم هیچ گاه، حدیثی برای او جز از امام علی (ع) روایت نکرده بود (**همان:** ۴۹۳/۱۳، گرچه این جمله با نقل به واسطه منافات قطعی ندارد). پس سند خبر مورد نظر می بایست چنین باشد: سبیعی از عاصم و حارث; همچنان که در موارد متعدد دیگر چنین است (برای نمونه: **المدونة الکبری:** ۲۴۴/۱، **الاموال** ابن زنجویه: ۹۴۵، ۱۰۶۱، **سنن ابی داود:** ۹۲/۲، ۱۰۰، **سنن ترمذی:** ۸/۲ ـ ۹، **الاحادیث الطوال** طبرانی: ۱۴۴ ـ ۱۴۵، **سنن دارقطنی:** ۱۰۳/۲، **شعب الایمان:** ۲۱۶/۲، **سنن بیهقی:** ۹۳/۴، ۹۵، ۹۹، ۱۰۶، ۱۳۶، ۱۳۷).

ـ همان: ۵۰۵

ـ خصال: ۱۵

ـ همان: ۴۵ ـ ۴۶

[57] ـ معجم اوسط طبرانی: ۳۵۲/۲ (نیز معجم صغیر طبرانی: ۳۰/۱، امالی طوسی: ۴۰۵)

ـ تاریخ دمشق: ۸۱/۱۸ ـ ۸۲ (بخشی از آن نیز در کامل ابن عدی: ۲۱۴۹، اللئالی المصنوعه: ۴۵۵/۲)

ـ فردوس (ازبک: ۴۱۰)

ـ همان (ازبک: ۴۱۷)

ـ کافی: ۵۱۶/۵

ـ مصنف عبدالرزاق: ۴۰۲/۱۱ (نیز مسند بزار: ۱۵۱/۴)

ـ جامع ابن عبدالبر: ۹۸۵

ـ مجروحین ابن حبان: ۶۷/۳ (نیز تاریخ بغداد: ۴۱۱/۱۳

ـ مسند احمد: ۶۷/۱ (نیز منتخب مسند عبد بن حمید: ۱۲۲/۱)

ـ اخبار الحسن طبرانی: ۱۱۱ - ۱۱۴ (نیز معانی الاخبار: ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۵۶، ۲۵۸ که در آنجا چند قطعه از این روایت طولانی از راوی دیگری از حارث نقل شده است)

و . متفرقات

ـ کامل ابن عدی: ۲۱۴۹

ـ ذکر ما فی هذه الامة من الابدال، از ابومحمد سمرقندی (ازبک: ۴۱۰)

ـ فردوس (ازبک: ۴۰۹)

ـ همان (ازبک: ۳۸۳ ـ ۳۸۴. نیز بنگرید: العلوّ ذهبی: ۴۵. برای نسخه دست برده شده ای از این خبر بنگرید مناهل السلسله ایوبی: ۷۵)

ز . ابداعات بعدی

اسناد «ابواسحاق از حارث از علی» مانند برخی از سندهای معروف دیگر، در ادوار بعد وسیله ای آسان و سندی دم دست برای کسانی شد که می خواستند ابداعات ذهنی یا شنیده های خود را به شکل روایت به امیرمؤمنان (ع) منتسب سازند. در این مورد به خصوص، عثمانیه در مناظرات فرقه ای خود با شیعیان، به منظور اسکات و الزام آنان بهره برداری کردند بدین ترتیب که با جعل حدیث، عقاید و آرای ضد شیعی را با افزودن این سند در آغاز آن به امام علی (ع) نسبت می دادند در حالی که رجال شناسان سنی، حارث را یک شیعه سرسخت می شناسانند و قابل تصور نیست که یک شیعه سرسخت چنان مطالبی را روایت کند. آنچه در زیر می آید فهرست ناقصی است از این گونه مجعولات که فرض وجود آن در کتاب حارث کاملا غیر محتمل است:

۱ . افزوده های عثمانی

ـ سیر اعلام النبلاء: ۱۴۴/۳ (منابع دیگر، این خبر را از شعبی نقل می کنند که یک راوی شناخته شده به داشتن گرایش های اموی است، و این نشانگر آن است که به احتمال زیاد، «سبیعی» در

ص: ۹۳

عبارت سیر تصحیف «شعبی» است. بنگرید: مصنف ابن ابی شیبه: ۱۹۳/۱۵، کتاب السنة عبدالله بن احمد بن حنبل: ۲۲۳، تاریخ دمشق: ۱۵۱/۵۹)

ـ سنن بیهقی: ۳۰۵/۱ (مقـ : مسند احمد: ۱۰۳/۱، ۱۲۵، مسند ابی یعلی: ۳۳۵/۱، سنن بیهقی: ۳۰۴/۱ که این منابع اخیر، متن مورد سخن را از «سلمی» از امام علی (ع) روایت می کنند.)

[۵۸] ـ فضائل احمد: ۳۰۸/۱ (نیز تاریخ دمشق: ۳۷۷/۳۰، ۲۰۴/۴۴)

ـ تاریخ دمشق: ۱۲۸/۳۹

ـ کامل ابن عدی: ۴۹۸ (نیز تاریخ دمشق: ۳۳/۴۲)

ـ تاریخ خطیب: ۱۹۲/۱۰

ـ کتاب المحن ابوالعرب: ۱۰۸

ـ طبقات ابن سعد: ۱۱۴/۳ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۱۱۳/۱۲، مسند احمد: ۷۶/۱، ۹۵، ۱۰۷، ۱۰۸، سنن ابن ماجه: ۴۹، المعرفة و التاریخ: ۵۳۴/۲، سنن ترمذی: ۱۳۹/۶ ـ ۱۴۰)

ـ فضائل احمد: ۴۳۴/۱

ـ فردوس (ازبک: ۴۰۴)

ـ همان (ازبک: ۳۸۰. نیز تاریخ دمشق: ۴۶۲/۲۳)

ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۱۹/۱ (نیز تفسیر طبری: ۱۲۸/۶، سنن بیهقی: ۷۱/۱ [با افزوده ای در آن])

ـ المجالسة دینوری: ۲۹۴/۸ ـ ۲۹۵ (نیز تاریخ دمشق: ۱۲۸/۳۰)

۲ . افزوده های دیگران

در ادوار بعد، برخی از محدثان دیگر نیز به نوبه خود از همان طریق برای مستند ساختن پاره ای از افزوده های خویش بهره جسته اند. یک نمونه، خبری است که فهرست کامل نام دوازده امام را دارد و در مائة منقبة: ۲۳ ـ ۲۴ و از آن جا در مقتل خوارزمی: ۱۴۵ آمده است (نیز بنگرید: بحار: ۳۱۶/۲۶ [از ابن جحام در تأویل ما نزل من القرآن، به نقل تفضیل الائمة علی الانبیاء حسن بن سلیمان]، نیز مناقب ابن شهر آشوب: ۲۹۲/۱ و طرائف ابن طاوس: ۲۵۶/۱ که در این دو «ابواسحاق عن الحارث و سعید عن علی» به «ابواسحاق بن الحارث عن سعید عن علی» و «ابواسحاق بن الحارث و سعید عن علی» تصحیف شده است). البته نامحتمل نیست که در اصل، متنی وجود داشته و سپس بر آن مطالبی افزوده و به روز شده باشد، مطلبی که در بسیاری از موارد مشابه، بسیار رایج بوده است.

ص: ۹۴

ح . مواردی دیگر

شماری از روایات نیز وجود دارد که منابع، آن ها را از حارث به وساطت ابواسحاق سبیعی نقل می کنند ولی سبیعی آنها را مع الواسطه از حارث از علی (ع) روایت کرده که طبعا نشانگر روایت شفاهی معمول از حارث است نه نقل از کتاب او. نمونه ها:

۱ . سبیعی از عبدالله بن مُرّة از حارث: الام شافعی: ۱۶۵/۳، ۱۷۶/۷ (نیز مصنف عبدالرزاق: ۲۵۶/۴، ۲۸۲، مصنف ابن ابی شیبه: ۶۵/۳)

۲ . سبیعی از کریم از حارث: ضعفاء عقیلی: ۱۱/۴

۳ . سبیعی از عبدالله بن حارث از حارث: علوّ ذهبی: ۴۵

همان گونه که گذشت، روایاتی نیز که خلاس بن عمرو هجری بصری و عبدالاعلی بن عامر ثعلبی کوفی از امام علی (ع) نقل کرده اند بنابه اظهار نظر دانشمندان علم الحدیث سنی، محتملا از کتاب حارث بوده است. ازبک: ۸۴۹ ـ ۸۶۳، ۱۹۶۷ ـ ۱۹۷۶ مجموعا شصت روایت [۵۹] از این نوع از خلاس (ولی موارد دیگری نیز هست چنان که در امالی احمد بن عیسی: ۱۹۲/۳) و نزدیک به بیست روایت از عبدالاعلی را ارائه کرده است.

۲ . کتاب المسائل التی اخبر بها امیرالمؤمنین الیهودی

(فهرست طوسی: ۱۱۱). این اثر یک جزوه تبلیغی فرقه ای، و به احتمال زیاد از دوره اموی است که در شکل دفتری مشتمل بر پاسخ های امام علی (ع)به پرسشهایی که رئیس جامعه یهود (در کوفه؟) از او در بازگشت از جنگ نهروان نمود، تدوین شده است. بر اساس سندی که در فهرست طوسی: ۱۱۱ آمده، این اثر را عمرو بن ابی المقدام که از روات اوائل قرن دوم بوده، از ابواسحاق سبیعی از حارث نقل می کند. متن کامل این رساله در خصال: ۳۶۵ ـ ۳۸۲ برجای مانده است.

۳ . اَصْبغ بن نُباته

ابوالقاسم اصبغ بن نباته تمیمی حنظلی مجاشعی، صحابی نزدیک و عضو نیروی نخبه نظامی امام علی (ع) در کوفه. گفته اند که او روزگاری دراز عمر کرد.

جمهره ابن الکلبی: ۲۰۵، وقعة صفین: ۴۰۶، ۴۴۲ ـ ۴۴۳، مسائل الامامة: ۲۲، طبقات ابن سعد: ۲۴۷/۶، تاریخ خلیفة بن خیاط: ۱۸۴، تاریخ یحیی بن معین: ۴۱/۲، تاریخ کبیر بخاری: ۳۵/۲، المعرفة و التاریخ: ۳۹/۳،

ص: ۹۵

۶۶، ۱۹۰، رجال برقی: ۳۶، ۳۸، ضعفاء عقیلی: ۱۲۹/۱ ـ ۱۳۰، الجرح و التعدیل: ۳۱۹/۲، رجال کشی: ۵، ۹۸، ۱۰۳، ۲۲۱ ـ ۲۲۲، مجروحین ابن حبان: ۱۷۳/۱ ـ ۱۷۴، کامل ابن عدی: ۳۹۸، مؤتلف دارقطنی: ۲۵۶، زین الفتی: ۲۷۶/۱، نجاشی: ۸، فهرست طوسی: ۳۷ ـ ۳۸، رجال او: ۵۷ ـ ۹۳، تهذیب الکمال: ۳۰۸/۳ ـ ۳۱۱ (و منابع دیگر که در پاورقی مصحح این اثر آمده است).

ابن الکلبی شجره نسب کامل اصبغ بن نباته را از تمیم به دست می دهد. برقی: ۳۸ وی را یمنی معرفی می کند. یمن از سرزمین های تمیم نبوده است. محتمل است که نسبت «تمیمی» در منبع مورد استفاده برقی به «یمنی» تصحیف شده بود. این که وی از نیروی نخبه نظامی امام علی (ع) بوده در وقعة صفین: ۴۴۳ و رجال کشی: ۵، ۱۰۳ آمده است. وی در هر دو جنگ جمل (شرح الاخبار: ۲۹۰/۲) و صفین (وقعة صفین: ۴۰۶، ۴۴۲ ـ ۴۴۳ که آنجا یک رجز سه بیتی را به وی نسبت می دهد) حضور داشت. همچنین گفته اند که وی در جریان مبادله نامه میان امام علی و معاویه، در پیش درآمد جنگ صفین، نامه ای از سوی امام برای معاویه برده بود (مناقب خوارزمی: ۲۰۵ که یک شعر سه بیتی نیز از اصبغ نقل می کند.)

این که او روزگاری دراز زندگی کرد در رجال کشی: ۲۲۱ ـ ۲۲۲، نجاشی و فهرست آمده است. کتابی در موضوع مقتل سید الشهداء (ع) به وی نسبت داده اند که در فرض صحت، نمایانگر زنده بودن او دست کم تا سال ۶۱ است، ولی آن نسبت [۶۰] ظاهرا نادرست است (بنگرید به ادامه بحث). خبری در شرح الاخبار: ۲۹۰/۲ حکایت از آن دارد که وی در دوره حکومت حجاج در کوفه (سالهای حکومت ۷۵ ـ ۹۵) زنده بوده است.

اصبغ در نگاه شیعیان، از یاران وفادار و پرهیزکار امام علی (ع) و ممدوح بوده است. سنیان که با وی به عنوان یک شخص، مشکل چندانی نداشته اند، با این حال، روایات وی را تضعیف کرده اند. ابن حبان در مجروحین: ۱۷۳/۱ ـ ۱۷۴ علت تضعیف وی را شدّت علاقه او به امیرمؤمنان (ع) می داند، چیزی که سبب شد تا روایاتی نقل کند که ابن حبان آنها را «طامات» می خواند. ابن حجر هم در تهذیب: ۳۱۶/۲ بر آن است که روایات اصبغ به خاطر اتهام رفض به وی، رد شده است. عقیلی در ضعفاء: ۱۲۹/۱ ـ ۱۳۰ وی را به داشتن عقیده به رجعت متهم کرده، نکته ای که از جمله با روایتی از او در تأویل ما نزل من القرآن: ۲۱۲ ـ ۲۱۳ تأیید می شود. ابن عدی در کامل: ۳۹۸ موضع مساعدتری نسبت به وی نشان می دهد. به نظر وی، علتی که علمای سنی روایات اصبغ را نمی پذیرفتند، عدم اعتماد به کسانی بوده که از وی نقل می کرده اند. وی می گوید: «اگر کسی که از وی نقل می کند مورد اعتماد باشد، اشکالی در روایت اصبغ نیست». این بیان وی توضیح می دهد که چرا با وجود همه نکات منفی که در باره روایات اصبغ گفته شده، علمای سنی در دوره های بعد روایات وی را بیشتر با خرده گیری

ص: ۹۶

از راویان از وی تضعیف می کردند نه آن که حملات خود را متوجه شخص او کنند; نکته ای که سبب سردرگمی محمدناصرالدین البانی در سلسلة الاحادیث الضعیفه: ۶۸/۲ شده است.

یک روایت در کتاب مناقب الامام امیرالمؤمنین (ع) محمد بن سلیمان: ۱۶۶/۲ حاکی از آن است که اصبغ بن نباته، دست کم گهگاه، گفته های امام علی (ع) را یادداشت می کرده است. نجاشی: ۸ اصبغ را در شمار نخستین مؤلفان شیعی یاد می کند، اما آنچه که نجاشی و طوسی در فهرست از آثار وی یاد می کنند، تنها دو سند مکتوب طولانی و یک حدیث بلند است بدین شرح:

۱ . عهدنامه منسوب به امام علی (ع) به مالک اشتر حاکم اعزامی او به مصر. این متن در نهج البلاغه (نامه ها: ۵۳) باقی مانده است.[۱۶۱]

---

۱۶۱ . نهج البلاغه: ۴۲۶ ـ ۴۴۵.

۲ . وصیّت امام علی (ع) به فرزندش محمد حنفیه. این متن در من لایحضر: ۳۸۴/۴ ـ ۳۹۲ آمده است. کلینی در کافی: ۳۳۸/۵، ۵۱۰ قطعاتی از وصیت نامه ای که گفته می شود امام (ع) برای فرزندش امام مجتبی (ع) نوشته نقل کرده و می افزاید که این مطالب را اصبغ به عنوان بخش هایی از نامه امام علی (ع) به فرزندش محمد حنفیه روایت کرده است. متن نامه امام علی (ع) به امام مجتبی (ع) که دارای جملاتی مشترک با چیزی است که اصبغ نقل کرده، در نهج البلاغه (نامه ها: ۳۱)[۱۶۲] و منابعی پیش از آن مانند تحف العقول: ۶۸ ـ ۸۸ و الرسائل کلینی و کتاب الزواجر و المواعظ حسن بن عبدالله عسکری آمده که از این دو منبع اخیر در کشف المحجه: ۱۵۷ ـ ۱۷۳ نقل شده است. عسکری متن مورد سخن (وصیّت امام به محمد حنفیّه) را تحریر دیگری از وصیت نامه امام علی (ع) به امام مجتبی (ع) می شناساند (همان: ۱۵۸).

[۶۱] ۳ . یک گزارش طولانی در باره شهادت امام حسین (ع) که دانشمند شیعی ابوبکر احمد بن عبدالله بن جُلّین دوری ورّاق (م ۳۷۷) به روایت از ابن عقده و با سندی که به ابو الجارود می رسد نقل کرده است (فهرست طوسی: ۳۸). نقل هایی در باره همین موضوع در منابع کهن از اصبغ به نقل از امام علی (ع) روایت شده که می تواند بخش هایی از گزارش مورد سخن باشد، از جمله دو مورد زیر:

ـــ دلائل النبوة ابونعیم: ۲۱۱

ص: ۹۷

ـــ شرح الاخبار: ۱۳۷/۲

دو بند به نقل از قاسم بن اصبغ بن نباته در باره شهادت امام حسین (ع) در تاریخ طبری: ۴۴۹/۵ ـ ۴۵۰ و مقاتل الطالبیین: ۱۱۷ ـ ۱۱۸ آمده (بند دوم نیز در عقاب: ۲۵۹ ـ ۲۶۰ با متنی کامل تر) که به روشنی هر دو، بخش هایی از یک متن طولانی تر می باشند. این احتمال دور از ذهن نیست که همین متن به اشتباه به اصبغ بن نباته نسبت داده شده باشد.

به فهرست بالا دو مورد دیگر را می توان افزود:

۱ . خبر وفاة سلمان الفارسی

یک گزارش طولانی در باره درگذشت سلمان فارسی در قالب یک رساله مستقل با مقدمه و خاتمه. این متن، یک اثر باطنی است که به روشنی توسط غالیان دوره های بعد پرداخت شده است. متن کامل این رساله با نسبت ادعایی آن به اصبغ در فضائل شاذان بن جبرئیل: ۸۶ ـ ۹۲ آمده است.

۲ . کتاب اصبغ

تعداد زیادی روایت در منابع کهن به نقل از اصبغ در باره گفته ها و سیره امام علی (ع) در دوران خلافت ایشان موجود است. حجم بالای این نقلها، برخی از نویسندگان متأخر را به این فرض متمایل ساخته که می باید در قرنهای

---

۱۶۲ . همان: ۳۹۱ ـ ۴۰۶. برای شباهت دو متن، بندهای نقل شده در صص ۴۰۲، ۴۰۴، ۴۰۵ را با مطالب مشابه در همان: ۳۸۴، ۳۸۶، ۳۹۲ (به ترتیب) مقایسه کنید.

نخستین، دفتری از احادیث منسوب به اصبغ، مشابه کتاب حارث اعور، مشتمل بر روایات او از امام علی (ع) یا در باره آن حضرت وجود می داشته است.[۱۶۳] بخشی از این روایات البته می تواند از چنین کتابی ـ در صورتی که فی الواقع وجود می داشته ـ بوده باشد، اما این هم محتمل است که در بسیاری از این موارد، برخی از راویان بعدی از نام وی به عنوان نامی دم دست برای مستند ساختن برخی اقوال مشهور امام علی یا پاره ای از ساخته های خود استفاده کرده و نام وی را بر سر آن اخبار افزوده باشند. سعد الاسکاف که راوی عمده اخبار اصبغ است، [۶۲] یک واعظ یا قاص حرفه ای بوده (رجال کشی: ۲۱۵) و طریق «سعد از اصبغ از علی (ع)» نیز، مانند طریق «سبیعی از حارث از علی (ع)»، یک اسناد رایج مورد استفاده در دوره های بعد بوده است.

ص: ۹۸

در اینجا فهرستی از روایات مشتمل بر نقل سخنانی از امام علی (ع)[۱۶۴] یا در باره آن حضرت که در منابع به روایت از اصبغ آمده، به دست داده می شود:

۱ ـ در موضوع فضائل

الف: فضائل امام علی (ع)

۱ . در قرآن:

ـ تفسیر فرات: ۵۰

ـ کافی: ۴۲۸/۱ (نیز تفسیر قمی: ۱۴۸/۲ ـ ۱۴۸)

ـ مناقب ابن شهر آشوب: ۸۰/۳ (نیز تأویل الایات: ۷۵۹ ـ ۷۶۰)

ـ تفسیر عیاشی: ۲۱۲/۱ (نیز شواهد التنزیل: ۱۷۸/۱)

ـ مناقب ابن شهر آشوب: ۸۵/۳

ـ تأویل ما نزل من القرآن: ۱۰۹

ـ همان: ۲۱۲ ـ ۲۱۳

ـ همان: ۲۱۳

ـ همان: ۲۸۱

ـ تفسیر فرات: ۲۵۳ (نیز بنگرید: مناقب ابن شهر آشوب: ۹۳/۳)

ـ شواهد التنزیل: ۱۹۸/۱

ـ بصائر الدرجات: ۴۹۷ (نیز تفسیر فرات: ۱۴۲ ـ ۱۴۳، شواهد التنزیل: ۲۶۳/۱ [با اختلاف در عبارت])

ـ تفسیر عیاشی: ۱۴/۱ (نیز تأویل ما نزل من القرآن: ۳۱۸)

ـ تفسیر قمی: ۴۱۷/۲

---

۱۶۳ . بنگرید: **معجم رجال الحدیث**: ۲۲۵/۳.

۱۶۴ . تقریبا همه آنچه از اصبغ نقل شده، به روایت از (یا در باره) امام علی (ع) است با چند استثناء بسیار معدود از جمله در **مصنف عبدالرزاق**: ۵۷۴/۳ (از حضرت فاطمه [س])، **کفایة الاثر**: ۲۲۳، **امالی ابوطالب**: ۳۷۶ (هر دو مورد از امام مجتبی [ع] از پیامبر [ص]).

ـ تأویل ما نزل من القرآن: ۴۷۱

ـ شواهد التنزیل: ۴۰۵/۲ (نیز اللئالی المصنوعه: ۱۹۲/۱)

ص: ۹۹

۲ . از پیامبر(ص)

ـ امالی طوسی: ۳۰۹ (نیز تاریخ دمشق: ۳۷۸/۴۲)

ـ تاریخ دمشق ابن عساکر: ۱۶۸/۴۲

ـ کمال الدین: ۶۶۹

ـ مناقب الامام امیر المؤمنین (ع): ۲۰۷/۱ (نیز زین الفتی: ۱۹۵/۲ ـ ۱۹۷، ۲۱۴)

ـ همان: ۴۲۷/۲

ـ همان: ۴۸۵/۲

ـ امالی ابوطالب: ۷۳

ـ امالی صدوق: ۴۵۰

[۶۳] ـ همان: ۷۳۱

ـ مائة منقبة: ۶۳

ـ همان: ۷۱ ـ ۷۲ (نیز یقین ابن طاوس: ۲۴۴ ـ ۲۴۵)

ـ مناقب ابن شهر آشوب: ۶۷/۳

ـ شواهد التنزیل: ۲۳۲/۲ (نیز مناقب خوارزمی: ۳۲۵)

ـ تاریخ بغداد: ۱۲۲/۱۳ (نیز تاریخ دمشق: ۳۲۷/۴۲ ـ ۳۲۸، یقین ابن طاوس: ۱۴۹ ـ ۱۵۰)

ـ طرائف: ۱۴۷/۱ (به نقل از مناقب ابن مردویه)

ـ امالی طوسی: ۴۰۶

ـ بصائر: ۵۱

ـ امالی صدوق: ۵۶۳

ـ همان: ۵۶۴

ـ کفایة الاثر: ۱۳۲

ـ میزان الاعتدال: ۲۷۱/۱

ـ اسد الغابه: ۲۰۵/۵ (نیز اصابه ابن حجر: ۱۶۱/۷ [به نقل از کتاب الموالاة ابن عقده])

۳ . از خود امام

ـ شرح الاخبار: ۱۵۲/۱، ۱۶۸ (نیز مناقب ابن شهر آشوب: ۲۰۸/۳ [به نقل از کتاب الولایة طبری])

ـ امالی صدوق: ۷۰۲ (نیز من لایحضر: ۴۱۹/۴ ـ ۴۲۰)

ـ امالی صدوق: ۷۷

ص: ۱۰۰

ـ همان: ۹۲
ـ مناقب ابن شهر آشوب: ۶۲/۳
ـ مناقب الامام امیرالمؤمنین (ع): ۳۹۲/۱، ۳۹۵ (نیز زین الفتی: ۳۹۰/۲ ـ ۳۹۱)
ـ زین الفتی: ۴۱۷/۲ ـ ۴۲۰
ـ کشف الغمه: ۳۲/۲
ـ امالی صدوق: ۴۲۲ ـ ۴۲۵ (نیز توحید: ۳۰۵ ـ ۳۰۸)
ـ شرح الاخبار: ۱۹۲/۱
ـ خصال: ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۵۱
ـ رجال کشی: ۲۲۱ ـ ۲۲۲

۴ . از دیگران
ـ امالی صدوق: ۷۲۴
ـ مناقب امیرالمؤمنین (ع): ۱۵/۲
ـ مناقب ابن شهر آشوب: ۵۶/۲

[۶۴] ب . فضائل اهل بیت (ع)
ـ ما نزل من القرآن فی اهل البیت: ۴۴ (نیز تفسیر عیاشی: ۹/۱، کافی: ۶۲۷/۲، تفسیر فرات: ۴۶ ـ ۴۸ [با اختلاف در عبارت]، شرح الاخبار: ۳۵۳/۲ [مثل فرات])
ـ تأویل ما نزل من القرآن: ۳۱۷
ـ مناقب امیرالمؤمنین (ع): ۱۶۶/۲
ـ بصائر: ۱۱۱
ـ همان: ۲۶۸
ـ تفسیر فرات: ۳۹۴ ـ ۳۹۵
ـ همان: ۲۸۵ ـ ۲۸۶
ـ مناقب ابن شهر آشوب: ۱۰۴/۲
ـ تفسیر عیاشی: ۲۲۹/۲ (نیز کافی: ۲۱۷/۱، تفسیر قمی: ۸۶/۱)
ـ تلخیص المتشابه خطیب: ۱۱۱
ـ تأویل ما نزل من القرآن: ۴۷۸

ص: ۱۰۱

ـ همان: ۱۵۱

ـ همان: ۱۸۱ (نیز تفسیر فرات: ۲۷۸، شواهد التنزیل: ۵۲۴/۱)

ـ کافی: ۴۵۰/۱ (نیز تفسیر فرات: ۱۱۲ ـ ۱۱۳ [با اختلاف در عبارت]، شرح الاخبار: ۱۲۴/۱. بخشی نیز در معجم کبیر طبرانی: ۱۵۱/۳، مستدرک حاکم: ۱۹۲/۳)

ـ کامل الزیارات: ۱۱۵

ـ الاموال ابوعبید: ۵۲۵

ـ امالی صدوق: ۷۵۵

ـ مناقب ابن شهر آشوب: ۳۲۶/۳ ـ ۳۲۷

- همان ۲/ ۳۷۳ - ۳۷۵

ـ کمال الدین: ۱۷۴ ـ ۱۷۵

ـ الحجة علی الذاهب الی تکفیر ابی طالب: ۱۰۶

ج . فضائل شیعه

ـ تفسیر عیاشی: ۱۲۴/۲

ـ تفسیر فرات: ۲۹۳

ـ همان: ۳۱۱ ـ ۳۱۲

ـ همان: ۱۵۵

ـ مناقب امیر المؤمنین (ع): ۲۹۷/۲ (نیز ارشاد: ۴۲/۱)

ـ مناقب امیر المؤمنین (ع): ۴۰۴/۱ (نیز امالی طوسی: ۲۲۸)

ـ صفات الشیعة: ۱۷۱

ـ مؤمن حسین بن سعید: ۱۶ (نیز امالی طوسی: ۴۰۹ ـ ۴۱۰)

ـ غیبت نعمانی: ۲۰۹ ـ ۲۱۰

ـ امالی مفید: ۳ ـ ۷

ـ امالی طوسی: ۶۵۰

ـ بصائر: ۲۱ ـ ۲۲

[۶۵] د . فضائل کوفه

ـ طبقات ابن سعد: ۸۶/۶ (نیز تاریخ طبری: ۵۹/۴ [با اختلاف در عبارت])

ـ غیبت طوسی: ۴۷۳ (به نقل از کتاب غیبت فضل بن شاذان)

ـ شرح الاخبار: ۴۱۶/۲ ـ ۴۱۷ (نیز امالی طوسی: ۵۱)

ـ کامل الزیارات: ۷۲

ـ وقعة صفین: ۱۲۶ ـ ۱۲۷

ـ امالی صدوق: ۲۹۸ (نیز من لایحضر: ۲۳۱/۱ ـ ۲۳۲)

هـ . متفرقات

ـ اختصاص: ۲۲۱ ـ ۲۲۲

ـ فردوس (ازبک: ۹۹. نیز تاریخ دمشق: ۱۹۶/۴۴)

۲ ـ در باره زندگانی امام علی (ع) و حوادث روزگار خلافت آن حضرت

الف: جنگ جمل

ـ تفسیر فرات: ۱۱۱ ـ ۱۱۳ (نیز شرح الاخبار: ۱۲۴/۱. بخشی از آن نیز در کافی: ۴۵۰/۱)

ـ تفسیر عیاشی: ۲۰۰/۱

ـ الکافئة لابطال توبة الخاطئه مفید: ۳۱

ـ همان: ۳۴

ـ تفسیر عیاشی: ۱۳۶/۱

ـ شرح الاخبار: ۲۹۰/۲

ـ مناقب ابن شهر آشوب: ۹۸/۲

ـ معانی الاخبار: ۱۶۸

ـ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۲۴۸/۱ ـ ۲۴۹ (به نقل از کتاب الجمل ابومخنف)

ـ همان: ۲۶۳/۱ (به نقل از همان کتاب ابومخنف)

ب: جنگ صفین

ـ فرحة الغری: ۲۳

ـ رجال کشی: ۹۸ (نیز شرح الاخبار: ۱۲/۲، مستدرک حاکم: ۴۰۲/۳، خصائص شریف رضی: ۵۳)

ـ رجال کشی: ۱۰۳ (نیز اختصاص: ۶۵)

ـ تاریخ دمشق: ۴۷۴/۴۲

ص: ۱۰۳

ـ اختصاص: ۱۸۱

ـ وقعة صفین: ۱۵۹ ـ ۱۶۰

ـ همان: ۳۲۲ ـ ۳۲۳ (نیز تفسیر فرات: ۷۰، امالی مفید: ۱۶۷)

ج: جنگ نهروان

ـ توحید: ۲۲۵

[۶۶] ـ اخلاق النبی ابی الشیخ: ۱۳۳

ـ فرج المهموم: ۱۰۵ ـ ۱۰۷

ـ امالی ابوطالب: ۱۴۶

د: شهادت امام علی (ع)

ـ مقتل امیر المؤمنین ابومخنف (نقل شده در بحار: ۲۶۱/۴۲ ـ ۲۶۳، نیز ارشاد: ۱۲/۱ [با اختلاف در عبارت])

ـ علل: ۱۶۶/۱

ـ مناقب امیر المؤمنین (ع): ۳۷/۲

ـ شرح الاخبار: ۱۶۵/۱ ـ ۱۶۶، ۴۳۵/۲ (نیز ضعفاء عقیلی: ۱۳۰/۳، کتاب المحن ابوالعرب: ۱۰۱ [با متن کامل تر]، مناقب ابن شهر آشوب: ۳۱۳/۳، تاریخ دمشق: ۴۸۰/۴۷ [با اختلاف عبارات در بیشتر این مآخذ]).

ـ کتاب المحن ابوالعرب: ۹۵ (نیز تاریخ دمشق: ۵۵۵/۴۲)

ـ ارشاد: ۱۴/۱

ـ مناقب ابن شهر آشوب: ۲۷۱/۲ (به نقل از کتاب الإحن و المحن صفوانی)

ـ اخبار اصبهان: ۶۰/۲

ـ امالی مفید: ۳۵۱ ـ ۳۵۳

هـ : رفتار آن حضرت در کوفه

ـ وقعة صفین: ۵

ـ کافی: ۴۹۳/۳

ـ تفسیر عیاشی: ۱۴/۱

ص: ۱۰۴

ـ الاموال ابوعبید: ۸۶ (نیز الاموال ابن زنجویه: ۲۵۳، سنن بیهقی: ۱۵۰/۶ [هر دو با اختلاف در عبارات]. بخشی از آن نیز در امالی احمد بن عیسی: ۱۹۰/۳)

ـ امالی احمد بن عیسی: ۱۹۴/۳

ـ فردوس (ازبک: ۱۰۲)

ـ مکارم الاخلاق طبرسی: ۱۲۹ (به نقل از کتاب زهد امیر المؤمنین صدوق، بخشی از آن نیز در مناقب ابن شهر آشوب: ۹۷/۲)

ـ المدونة الكبری: ۵۲/۲ (نیز محلی ابن حزم: ۳۲۵/۷، احکام ابن قیم: ۳۶، طرق همو: ۶۹)
ـ شرح الاخبار: ۳۶۱/۲ (نیز امالی صدوق: ۳۵۷ ـ ۳۵۸)
ـ بصائر: ۳۰۶ (نیز خصال: ۶۴۴ ـ ۶۴۵)
ـ وقعة صفین: ۲۳۱
ـ اخبار اصبهان: ۴۵/۱
ـ تأویل ما نزل من القرآن: ۲۹۷ ـ ۲۹۸
ـ تاریخ دمشق: ۵۲۳/۴۲
ـ تفسیر عیاشی: ۲۸۵/۲
ـ محاسن: ۳۵۲ (نیز تفسیر قمی: ۲۸۱/۲، امالی صدوق: ۵۹۷، من لایحضر: ۲۷۲/۲ ـ ۲۷۳)
[۶۷] ـ رجال کشی: ۱۲۷
ـ تفسیر عیاشی: ۳۶۰/۱ ـ ۳۶۱ (مقـ : الام شافعی: ۱۵۴/۷، مسند ابی یعلی: ۳۲۲/۱، مسند بزار: ۹۳/۴)

و: قضاوت های او

تعداد نسبتا زیادی روایت از اصبغ در باره احکام قضایی امام علی (ع) وجود دارد که مربوط به دوران خلافت آن حضرت و پیش از آن می شود. نویسنده شیعی میانه قرن سوم، ابراهیم بن هاشم قمی، بیشتر این مواد را در کتاب قضایا امیرالمؤمنین فراهم آورده که باقی مانده است. یک نویسنده معاصر این اثر را از اصبغ بن نباته می داند که ابراهیم بن هاشم آن را روایت کرده بود.[۱۶۵] اما کتاب به صورتی که باقی مانده نمی تواند از اصبغ باشد، زیرا مشتمل بر موادی است که از راویانی جز او روایت شده و از طرف دیگر، فاقد بخشی از مطالبی است که

ص: ۱۰۵

از اصبغ در منابع دیگر در این موضوع نقل شده است. مهم تر آن که همان گونه که در زیر می بینیم بخش هایی از این مطالب اخیر در این کتاب از راویان دیگر نقل می شود. چنین است فهرستی از مرویّات اصبغ در موضوع قضاوت های امام علی (ع):

ـ قضایا امیر المؤمنین (ع): ۲۷ (نیز کافی: ۲۶۵/۷)
ـ من لایحضر: ۲۰/۳ ـ ۲۲ (نیز قضایا: ۳۴ ـ ۳۷ [با اسنادی دیگر]، الطرق الحکمیة: ۸۹ ـ ۹۱ [بدون اسناد])
ـ من لایحضر: ۲۴/۳ (نیز قضایا: ۳۳ [با اسنادی دیگر]).
ـ طرق ابن قیم: ۶۹ ـ ۷۰ (نیز مناقب ابن شهر آشوب: ۳۶۳/۲ [با اختلاف در متن و بدون اسناد])
ـ قضایا: ۱۲۴ ـ ۱۲۵ (نیز بنگرید: مناقب ابن شهر آشوب: ۳۵۸/۳ که نسخه متفاوتی از این روایت را بی اسناد به عنوان پاسخ امام علی (ع) به پرسشی از سلطان روم نقل کرده است)
ـ قضایا: ۵۳ ـ ۵۴ (نیز شرح الاخبار: ۳۲۵/۲ ـ ۳۲۷، ارشاد: ۲۱۳/۱)

---

۱۶۵ . التدوین السّنة الشریفه: ۱۴۰.

ـ قضایا: ۶۰ ـ ۶۳ (نیز کافی: ۳۷۲/۷ ـ ۳۷۳، الطرق الحکمیة ابن قیم: ۷۱ ـ ۷۲، من لایحضر: ۲۴/۳ ـ ۲۷ [با اختلافاتی در متن و با سندی دیگر]).

ـ الطرق الحکمیة، ابن قیم: ۹۶ ـ ۹۷ (نیز کافی: ۲۹۴/۷ [با اسناد دیگر]، من لایحضر: ۲۷/۳ [با اختلاف در عبارت و بدون سند])

ـ قضایا: ۴۴ ـ ۴۵ (نیز کافی: ۳۲۳/۷ [با اختلاف در عبارت]، من لایحضر: ۱۹/۳ ـ ۲۰ [با اسناد متفاوت])

ـ قضایا: ۴۵ ـ ۴۶ (نیز طرق ابن قیم: ۷۳)

ـ من لایحضر: ۳۱/۴ ـ ۳۲ (نیز قضایا: ۷۷ ـ ۷۸ [نسخه ای کوتاه تر با اسنادی دیگر])

ـ من لایحضر: ۳۲/۴ ـ ۳۳ (نیز قضایا: ۷۴ ـ ۷۶ [با اسنادی دیگر])

ـ قضایا: ۴۸ (نیز طرق ابن قیم: ۷۴ ـ ۷۵، نیز کافی: ۲۸۸/۴ که در آن جا این متن به نقل از ابراهیم بن هاشم ولی با اسنادی به اصبغ جز اسناد موجود در کتاب قضایاآمده است [۶۸] [این ممکن است در صحّت انتساب کتاب اخیر به ابراهیم بن هاشم تردید ایجاد کند]، من لایحضر: ۳۰/۳ ـ ۳۱ به نقل از راوی دوم در سند ذکر شده در کافی)

ـ من لایحضر: ۱۶۹/۴ ـ ۱۷۰

ـ قضایا: ۴۷ ـ ۴۸ (نیز طرق ابن قیم: ۷۴)

ـ قضایا: ۴۹

ص: ۱۰۶

ـ همان: ۴۹

ـ همان: ۴۶ (نیز طرق ابن قیم: ۷۳)

ـ همان: ۴۸ ـ ۴۹ (نیز طرق ابن قیم: ۷۷)

ـ طرق ابن قیم: ۷۷ ـ ۷۸ (نیز قضایا: ۵۱ ـ ۵۲، کافی: ۱۵۹/۷ [هر دو با اسنادی متفاوت])

ـ من لایحضر: ۲۸/۳ (نیز تهذیب: ۲۳۲/۶)

ـ من لایحضر: ۷/۳ (نیز تهذیب: ۹۶/۲)

ـ من لایحضر: ۹۵/۳ (نیز تهذیب: ۲۰۹/۶ [با اختلاف در عبارت و اسنادی متفاوت])

ـ طرق ابن قیم: ۹۷

۳ ـ سخنان امام علی (ع)

الف: خطبه ها

ـ امالی صدوق: ۴۲۲ ـ ۴۲۵ (بخشی از آن نیز در ۱۹۶ ـ ۱۹۷. نیز بنگرید: توحید: ۳۰۵ ـ ۳۰۸)

ـ امالی ابوطالب: ۱۸۵ (نیز تاریخ دمشق: ۴۹۵/۴۲ ـ ۴۹۶)

ـ کافی: ۴۹/۲ ـ ۵۰

ـ همان: ۳۳۸/۲

ـ همان: ۱۵۰/۵

ـ همان: ۳۶۰/۸ ـ ۳۶۲

ـ غارات: ۵۰۱ ـ ۵۰۳

ـ امالی مفید: ۲۳۴ ـ ۲۳۵ (نیز امالی طوسی: ۱۰ ـ ۱۱)

ـ انقاذ شریف مرتضی: ۲۴۱ ـ ۲۴۲ (نیز المنقذ من التقلید: ۱۹۳/۱ ـ ۱۹۴، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۲۲۷/۱۸ ـ ۲۲۸ [به نقل از غرر ابوالحسین بصری]. نیز بنگرید به مقدمه مصحح رسالة ابلیس حاکم جشمی: ۵ ـ ۶)

ـ غیبت نعمانی: ۲۷ ـ ۲۸

ـ حیاة الحیوان دمیری: ۱۱۱/۱ (به نقل از ابن النجار)

ب: در باره قرآن

ـ مسند طیالسی: ۶۴۲/۲ (نیز تفسیر طبری: ۱۸۵/۲۷، صفة الجنة ابونعیم: ۲۲۹/۳)

[۶۹] ـ اخبار الحسن طبرانی: ۱۵۷ ـ ۱۵۸ (نیز معجم کبیر همو: ۹۳/۳، و از آنجا در اخبار اصبهان:

ص: ۱۰۷

۴۵/۱)

ـ تفسیر عیاشی: ۱۳۸/۱ (نیز تفسیر قمی: ۸۵/۱ ـ ۸۶)

ـ تفسیر عیاشی: ۲۱۷/۱

ـ همان: ۳۲/۲ ـ ۳۳

ـ همان: ۲۸۵/۲

ـ همان: ۳۵۱/۲

ـ کافی: ۶۲۴/۲

ـ تفسیر طبری: ۹۵/۱۴

ـ صفة الجنة ابونعیم: ۳۸/۱

ـ تفسیر طبری: ۹۳/۲۲

ـ معانی الاخبار: ۲۲۵

ـ تفسیر قمی: ۲۳۸/۲

ـ همان: ۱۰۶/۲

ـ همان: ۲۷۶/۲

ـ اخبار مکه فاکهی: ۴۲/۲

ـ قضایا: ۱۲۰ ـ ۱۲۳ (نیز بصائر: ۴۴۹ ـ ۴۵۰، کافی: ۲۸۱ ـ ۲۸۴)

ـ غارات: ۱۸۳ ـ ۱۸۷

ـ معانی الاخبار: ۳۱۵

ـ امالی ابوطالب: ۲۶۹ (نیز فضائل الاوقات بیهقی: ۲۵۴، شعب الایمان او: ۳۳۷/۳ ـ ۳۳۸، فضل رمضان عبدالصمد بن عساکر[ازبک: ۹۶]، همه با اختلافاتی در عبارات)

ـ شعب الایمان: ۱۴۸/۴
ـ مجروحین ابن حبان: ۱۷۷/۱ (نیز مستدرک حاکم: ۵۳۷/۲، سنن بیهقی: ۷۵/۲، امالی طوسی: ۳۷۷، تاریخ بغداد: ۴۲۲/۱۴)

ج: در باره عبادات و مسائل فقهی
ـ وقعة صفین: ۱۴۶ (بخشی از آن نیز در مصنف عبدالرزاق: ۷/۱)
ـ شکر ابن ابی الدنیا: ۱۹ (نیز شعب الایمان: ۱۱۳/۴)
ـ کافی: ۱۷۳/۳

ص: ۱۰۸

ـ کامل ابن عدی: ۱۱۸۸ (مقـ : موضوعات ابن جوزی: ۲۲۵/۳ و میزان الاعتدال: ۱۲۴/۲، که در این دو منبع، امام علی (ع) این خبر را از پیامبر (ص) نقل کرده است)
ـ کامل الزیارات: ۵۳۵ (نیز زین الفتی: ۷۴/۲، جامع الاخبار: ۵۸ [با اختلاف در عبارت]).
ـ امالی احمد بن عیسی: ۱۱۸/۱
ـ ضعفاء عقیلی: ۲۲۷/۳ (نیز تهذیب: ۳۱۴/۲ [با اختلاف در عبارت])
ـ تهذیب: ۳۸/۲
ـ امالی صدوق: ۳۲۷
ـ قضایا: ۴۸
[۷۰] ـ سنن بیهقی: ۲۸۱/۳
ـ العروس ابن الرازی: ۱۶۸
ـ کافی: ۴۲/۳ (نیز علل۵ ۲۷۰/۱)
ـ من لایحضر: ۴۲۳/۱
ـ غنیه عبدالقادر گیلانی: ۶۳/۲
ـ امالی صدوق: ۴۷۴ (نیز خصال: ۴۰۹ ـ ۴۱۰، ثواب الاعمال: ۴۶، امالی طوسی: ۴۳۲، تهذیب: ۲۴۹/۳)
ـ معانی الاخبار: ۱۴۰
ـ مصنف عبدالرزاق: ۲۳۶/۲ (نیز حلیة الاولیاء: ۱۲۳/۷ [با اختلاف در عبارت])
ـ فردوس (ازبک: ۹۷، ش ۲۳)
ـ امالی احمد بن عیسی: ۳۴۵/۲
ـ امالی طوسی: ۱۷۳
ـ امالی ابومحمد خلال (ازبک: ۱۰۵)
ـ تهذیب: ۲۷۲/۴
ـ کافی: ۵۴/۵

ـ همان: ۹/۵

ـ مصنف عبدالرزاق: ۵۰/۶، ۳۶۷/۱۰ (نیز مسند ابی یعلی: ۲۷۳/۱، ۲۷۸. مقـ : وقعة صفین: ۱۴۶ که در آنجا این خبر از طریق راوی دیگری نقل شده است)

ـ من لایحضر: ۱۹/۴

ـ کامل ابن عدی: ۱۶۸۴

ـ محاسن: ۴۳۹ (نیز کافی: ۳۱۸/۶)

ص: ۱۰۹

ـ محاسن: ۶۱۲ (نیز بنگرید: من لایحضر: ۱۲۰/۱ ـ ۱۲۱)

ـ امالی احمد بن عیسی: ۲۶۳/۴ (نیز سنن بیهقی: ۲۱۲/۱۰)

ـ همان: ۲۶۱/۴ (نیز تهذیب: ۹۵/۱۰)

ـ تهذیب: ۱۳۰/۱۰

د: در باره اخلاق

ـ فردوس (ازبک: ۹۷، ش ۲۴)

ـ خصال: ۲۳۱ ـ ۲۳۵ (نیز تحف العقول: ۱۶۴. مقـ : کافی: ۵۰/۲ ـ ۵۱، نهج البلاغه: ۴۷۳ ـ ۴۷۴، موضح خطیب: ۲۲۳/۱ [نیز تاریخ بغداد او: ۲۲۲/۱]، امالی طوسی: ۳۷ ـ ۳۸، تاریخ دمشق: ۵۱۴/۴۲ ـ ۵۱۵، که همین مطلب را از امام علی (ع) از طریق راوی دیگر و یا بدون سند نقل کرده اند)

ـ امالی صدوق: ۶۴۰ ـ ۶۴۱

ـ توحید: ۳۳۷

ـ همان: ۳۶۹

ـ مسند بزار: ۸۵/۲

ـ کافی: ۳۱۷/۵ (نیز امالی صدوق: ۶۸۷، خصال: ۳۶۰، عقاب: ۳۰۵، فردوس [ازبک:۹۳]، ابن النجار: ذیل تاریخ بغداد: ۱۳۷/۳)

[۷۱] ـ علل: ۲۰۸/۲ (نیز ثواب: ۴۷ ـ ۴۸، ۶۱)

ـ توحید: ۳۲۷

ـ محاسن: ۱۱۸ (و کافی: ۳۴۰/۲)

ـ من لایحضر: ۱۶۷/۳

ـ خصال: ۱۱۳

ـ محاسن: ۱۹۱ (نیز کافی: ۱۰/۱ ـ ۱۱، امالی صدوق: ۷۷۲، خصال: ۱۰۲)

ـ محاسن: ۳۴۵

ـ خصال: ۲۱۷

ـ همان: ۴۲۶ ـ ۴۲۷

ـ عقاب: ۳۱۰

ـ کافی: ۹۰/۲

ـ مشکاة الانوار: ۵۴

ص: ۱۱۰

ـ کافی: ۵۰/۶

ـ فقیه خطیب: ۱۱۳/۲

ـ مستدرک حاکم: ۳۲۱/۴

ـ خصال: ۵۰۵ ـ ۵۰۶

ـ امالی احمد بن عیسی: ۲۶۳/۴ (نیز کتاب جعفر بن محمد بن قولویه: ۱۴۵، تاریخ دمشق: ۳۲۱/۵۰، ۳۲۲. بخشی از آن نیز در ذم الملاهی ابن ابی الدنیا [ازبک: ۹۰])

ـ علل: ۷۷/۱

ـ امالی ابوطالب: ۴۱۹ ـ ۴۲۰

ـ امالی صدوق: ۷۱۳ ـ ۷۱۴

ـ امالی طوسی: ۴۵۳ ـ ۴۵۴، ۵۱۱ (نیز تاریخ بغداد: ۲۳۹/۱۴، فردوس [ازبک: ۹۰]، ذیل تاریخ بغداد ابن الدبیثی: ۱۸۳)

ـ فضائل الاشهر: ۹۱ ـ ۹۲

ـ الجرح و التعدیل: ۴۹۲/۱ (نیز مسند بزار: ۳۶۲/۳، الکنی و الاسماء دولابی: ۱۰۰، ضعفاء عقیلی: ۵۴/۱، کامل ابن عدی: ۲۵۵، آداب بیهقی: ۳۵۷)

ـ محاسن: ۳۱۶

ـ ضعفاء عقیلی: ۱۲۰/۱ (نیز معجم اوسط طبرانی: ۱۲۷/۹)

ـ امالی طوسی: ۱۶۳ ـ ۱۶۴

ـ زهد حسین بن سعید: ۴۷ ـ ۴۸ (نیز بنگرید: نهج البلاغه: ۴۹۲ ـ ۴۹۳)

ـ امالی ابوطالب: ۳۷۲ ـ ۳۷۳

ـ معانی الاخبار: ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۵۶، ۲۵۷ ـ ۲۵۸ (اجزائی از روایت واحد. نیز بنگرید: اخبار الحسن طبرانی: ۱۱۱ ـ ۱۱۴ برای متن کامل این روایت، ولی از طریق راوی دیگر)

ـ غنیه عبدالقادر گیلانی: ۱۸۴/۱ (بخوانید «الاصبغ بن نباته» به جای «الاصبغ عن بناته»)

[۷۲] هـ: متفرقات

ـ پاسخ امام علی (ع) به پرسش های ابن الکوّاء.[۱۶۶] قضایا: ۱۰۵ ـ ۱۰۶، تفسیر عیاشی: ۴۱/۱ ـ

ص: ۱۱۱

۴۲، ۳۳۹/۲، ۳۴۱ ـ ۳۴۹، بصائر: ۱۴۳، ۱۴۶، تفسیر قمی: ۱۰۶/۲ ـ ۱۰۷، تفسیر فرات: ۱۴۳ ـ ۱۴۴، شرح الاخبار: ۳۴۳/۲ ـ ۳۴۴، توحید: ۲۸۲، خصائص شریف رضی: ۸۷، احتجاج: ۳۳۷/۱ ـ ۳۴۰، ۳۸۵ ـ ۳۸۸ (نیز ببینید غارات: ۱۷۸ ـ ۱۸۳)

ـ غارات: ۱۸۷ ـ ۱۸۹ (نیز قضایا: ۱۰۱ ـ ۱۰۳)

ـ معانی الاخبار: ۴۲ (از محمد بن حنفیه)

ـ کافی: ۱۵۷/۸

ـ همان: ۳۳۸/۵

ـ مناقب ابن شهر آشوب: ۵۶/۲

ـ امالی صدوق: ۳۹۵ ـ ۳۹۶ (نیز خصال: ۳۳۱ ـ ۳۳۲، معانی الاخبار: ۴۶ ـ ۴۷، توحید: ۲۳۷)

ـ کنز الفوائد: ۱۷۹ (نیز معجم البلدان: ۱۱۶/۱)

ـ تاریخ دمشق: ۲۳۷/۶

ـ همان: ۱۸۵/۶

ـ محاسن: ۴۸۱

ـ طب الائمه: ۳۵

ـ خصائص: ۴۸ ـ ۴۹

ـ کافی: ۶۲۴/۲ ـ ۶۲۶

ـ عدة الداعی: ۲۹۳

ـ سنن ابن ماجه: ۱۱۵۲

ـ کامل ابن عدی: ۱۱۸۷

ـ خصال: ۲۲۸ ـ ۲۲۹

ص: ۱۱۲

---

۱۶۶ . او «عبدالله بن عمرو یشکری»، از آگاهان در علم انساب عرب بود که اندکی بعد در جریان شورش خوارج علیه امام علی (ع) به آنان پیوست و در جنگ نهروان کشته شد. بنگرید: **مصنف ابن ابی شیبه**: ۳۲۵/۱۵، **اشتقاق** ابن درید: ۳۴۰، **معارف** ابن قتیبه: ۵۳۵، **فهرست** ابن ندیم: ۱۰۲، **مستدرک حاکم**: ۱۴۶/۳، **تاریخ دمشق**: ۹۶/۲۷ ـ ۱۰۷ (نیز بنگرید: **وقعة صفین**: ۲۹۵، ۵۰۲). به جز منابع بالا که تمام یا بخشی از پرسش و پاسخ ابن الکواء و امام علی (ع) را به روایت اصبغ آورده اند، بسیاری از منابع کهن دیگر بخشی از این روایت را با سندی دیگر یا بدون سند نقل کرده اند. برای نمونه بنگرید: سیره ابن اسحاق: ۱۸۴، **مصنف عبدالرزاق**: ۲۹/۵، **مصنف ابن ابی شیبه**: ۱۶۹/۴، **اخبار مکه ازرقی**: ۴۹/۱، ۵۲، **ادب المفرد**: ۲۶۰، ۴۳۴، **مسند بزار**: ۱۶۶/۲، **تاریخ طبری**: ۵۲/۱، **تفسیر طبری**: ۲۲۱/۱۳، ۴۹/۱۵، ۸/۱۶، ۳۴، ۱۸۴/۲۶، ۱۶/۲۷ ـ ۱۷، **شرح معانی الاثار**: ۳۵۰/۲، **غیبت نعمانی**: ۲۶۸، ۳۱۲، **مسند ابی یعلی**: ۳۱۱/۱، **غریب الحدیث خطابی**: ۱۷۹/۲، **مستدرک حاکم**: ۳۲۵/۲، ۴۶۶، **حلیة الاولیاء**: ۳۶۵/۴، **سنن بیهقی**: ۳۷۶/۷، **جامع ابن عبدالبر**: ۱۴۰/۱، **فقیه خطیب**: ۱۸۷/۲، **تاریخ بغداد**: ۶۲/۱۲.

و: ملاحم و مغیّبات

ـ کفایة الاثر: ۱۴۶ ـ ۱۵۱

ـ کمال الدین: ۳۰۳

[۷۳] ـ غیبت نعمانی: ۲۴۸

ـ همان: ۲۷۸

ـ کمال الدین: ۳۰۲، ۳۰۳

ـ همان: ۲۸۰

ـ همان: ۶۶۹

ـ همان: ۲۵۹ ـ ۲۶۰ (نیز اختصاص: ۲۲۳ ـ ۲۲۴، قصص الانبیاء: ۳۶۷)

ـ کفایة الاثر: ۱۳۲ ـ ۱۳۳

ـ همان: ۲۲۳

ـ کافی: ۳۳۸/۱ (نیز کفایة الاثر: ۲۲۰)

ـ غیبت نعمانی: ۳۱۸

ـ مجموعه جباعی: ۱۷۹ ـ ۱۸۰ (نیز بحار: ۲۲۳/۶۰)

ـ بحار: ۲۳۴/۱۰۰ ـ ۲۳۵ (به نقل از کتاب سرور اهل الایمان از علی بن عبدالحمید نیلی)

ـ بحار: ۲۷۲/۵۲ ـ ۲۷۵ (به نقل از همان کتاب نیلی)

ـ دلائل النبوة بیهقی: ۲۱۱

ـ شرح الاخبار: ۱۳۷/۲

ز: روایات باطنی

ـ خصائص شریف رضی: ۵۸

ـ مشارق الانوار: ۱۳۵

ـ امالی صدوق: ۲۹۴

ـ امالی طوسی: ۲۸۳

ـ اختصاص: ۳۰۷

ـ بصائر: ۲۶۲

ـ اختصاص: ۱۸۱ ـ ۱۸۳

ص: ۱۱۳

ـ مناقب ابن شهرآشوب: ۲۶۰/۲ ـ ۲۶۱

ـ همان: ۵۲/۴

ـ همان: ۲۶۹/۲

ـ خرائج: ۲۱۹

ـ فضائل شاذان بن جبرئیل: ۱۷۲ ـ ۱۷۳ (نیز بنگرید: بحار: ۲۶۷/۳۴ ـ ۲۶۹ که همین گزارش را به خرائج نسبت می دهد)

ـ مشارق الانوار: ۹۲ ـ ۹۳

ـ بحار: ۵۳/۴۲ ـ ۵۴

[۷۴] ۴ . کمیل بن زیاد

کمیل بن زیاد بن نَهیک نخعی، از اصحاب نزدیک امام علی (ع) و یکی از اشراف و وجوه کوفه. او از نخستین کوفیانی بود که به طور آشکار علیه عثمان و سیاست های او سخن گفت و در نتیجه، به حکم خلیفه، در سال ۳۳ یا اندکی بعد از آن، از کوفه به حمص شام تبعید شد. او سپس به جمع یاران و شیعیان امام علی (ع) در مدینه پیوست و از همان نخستین روزهای خلافت ایشان از اصحاب نزدیک وی به شمار بود. وی بعدا از طرف امام علی (ع) به عنوان عامل هیت که یک منطقه سوق الجیشی حساس در شمال کوفه بود، منصوب شد و توانست با موفقیت یکی از نخستین حملات سپاه معاویه را به عراق دفع کند. او به عنوان یک فرمانده در کنار امام علی (ع) در نبرد صفین حضور داشت. وی سالها بعد، در جریان قیام عبدالرحمان بن محمد بن اشعث علیه حجاج در سال ۸۲ به او پیوست و در همان سال (یا سال بعد) توسط حجاج در سن ۹۰ سالگی به دلیل حضورش در آن قیام و به خاطر فعالیت های نیم قرن پیش خود علیه عثمان و بیش از همه به گناه نیم قرن عشق و ولای علی (ع) کشته شد.

طبقات ابن سعد: ۲۱۷/۶، طبقات خلیفة بن خیاط: ۳۳۵ ـ ۳۳۶، تاریخ خلیفه: ۲۸۸، تاریخ کبیر بخاری: ۲۴۳/۷، تاریخ الثقات عجلی: ۳۹۸، رجال برقی: ۳۸، انساب الاشراف: ۳۳۹/۲ ـ ۳۴۰، ۱۳۱/۵، ۱۵۰، ۱۵۹، فتوح ابن اعثم: ۴۷/۴، ۱۴۱/۷ ـ ۱۴۳، ذیل المذیل طبری: ۳۶۳ ـ ۳۶۴، تاریخ طبری: ۳۱۸/۴ ـ ۳۲۶، ۴۰۳ ـ ۴۰۴، ۴۴۶، ۳۵۰/۶، اشتقاق: ۲۴۲، الجرح و التعدیل: ۹۹۵/۷، کتاب المحن ابوالعرب: ۲۰۴ ـ ۲۰۵، مجروحین ابن حبان: ۲۲۱/۲، ثقات همو: ۳۴۱/۵، التنبیه و الاشراف: ۲۷۵، مؤتلف دارقطنی: ۱۹۸، ارشاد مفید: ۳۲۷/۱،

ص: ۱۱۴

جمهره ابن حزم: ۳۹۰، رجال طوسی: ۸۰، ۹۵، الاکمال ابن ماکولا: ۱۷۶/۷، تاریخ دمشق: ۲۴۷/۵۰ ـ ۲۵۷، تهذیب الکمال: ۲۱۸/۲۴ ـ ۲۲۳، عبر ذهبی: ۹۵/۱، میزان الاعتدال او: ۴۱۵/۳، مغنی همو: ۵۳۳/۲، تاریخ الاسلام همو: ۳ (سالهای ۱۱ ـ ۴۰)/۴۳۰ ـ ۴۳۱، ۶ (سالهای ۸۱ ـ ۱۰۰)/۱۷۶ ـ ۱۷۸، البدایة و النهایة: ۴۶/۹ ـ ۴۷، اصابه ابن حجر: ۶۵/۵ ـ ۶۶، تهذیب او: ۴۴۷/۸ ـ ۴۴۸

بیشتر رجال شناسان کهن حدیث، کمیل را به عنوان شخصی موثق و پرهیزکار می شناسانند. در جریان شورش عبدالرحمن وی عضو برجسته گردان قرّاء بود، گروهی که به ایمان و تقوا شهرت داشتند (تاریخ طبری: ۳۵۰/۶).[۱۶۷] با

۱۶۷ . به گفته بلاذری در انساب: ۱۵۰/۵ گروه «قرّاء» از قبل وجود داشته و عضویت کمیل در زمره آنان به زمان عثمان باز می گردد. نصر بن مزاحم در وقعة صفین: ۲۰۸، ۲۴۶ از وجود قراء در نبرد صفین یاد می کند. به طور عموم قرّاء کوفه با بنی امیه مخالف بودند، همچنان که از اظهارات هواداران

این همه شماری از دانشمندان سنی عمدتا متأخر، او را به خاطر «عشق مفرط» نسبت به امام علی (ع) (به عبارت دیگر: تمایلات شیعی) سرزنش کرده اند.[۷۵] منابع شیعه یک سره از او ستایش می کنند (بنگرید: معجم خویی: ۱۲۸/۱۴ ـ ۱۲۹).

در باره فعالیت های نخستین او در اردوی مخالفان عثمان در کوفه و تبعید او به حمص بنگرید: طبقات ابن سعد: ۲۴/۵، انساب الاشراف: ۱۳۱/۵، ۱۵۰، ۱۵۹، تاریخ طبری: ۳۱۸/۴، ۳۲۲، ۳۲۶ (نیز ۴۰۳ که در این مورد گزارشی ادعا می کند که کمیل بعدا به قصد کشتن عثمان به مدینه رفت)، تاریخ دمشق: ۲۴۷/۵۰. نام کمیل در میان اصحاب نزدیک امام علی (ع) از همان آغاز خلافت آن حضرت دیده می شود. برای نمونه، وی فرستاده امام به سوی عبدالله بن عمر بود تا او را به پیوستن به امام در سفری که به جنگ جمل منتهی شد، تشویق کند (تاریخ طبری: ۴۴۶/۴).

در باره نصب وی به عنوان حاکم هیت و دفع سپاه شام از سوی وی، بنگرید: انساب الاشراف: ۳۳۹/۲ ـ ۲۴۰، فتوح ابن اعثم: ۴۸/۴ (و ترجمه فارسی قرن ششمی این منبع: ۷۱۴ ـ ۷۱۶ که دارای گزارش بسیار مفصل تری است). متن دو نامه امام علی (ع) به کمیل به عنوان حاکم هیت برجای

ص: ۱۱۵

مانده است، یکی در توبیخ (انساب الاشراف: ۳۳۹/۲، نهج البلاغه: ۴۵۰ ـ ۴۵۱ [نامه ۶۱]) و دیگری در تقدیر از او (ترجمه فارسی فتوح: ۷۱۶).

برای شرکت وی در قیام ابن اشعث بنگرید به ذیل المذیّل طبری: ۳۶۳ ـ ۳۶۴، تاریخ طبری: ۳۵۰/۶، کتاب المحن ابوالعرب: ۲۰۴ ـ ۲۰۵.

در باره سال شهادت وی، بیشتر شرح حال نویسان، آن را سال ۸۲ نوشته اند (بنگرید به نقل هایی که در تاریخ دمشق: ۲۵۷/۵۰، تهذیب الکمال: ۲۲۲/۲۴، شذرات الذهب: ۳۳۵/۱ آمده است) گرچه طبری (تاریخ: ۳۶۵/۶ و از آنجا کامل ابن اثیر: ۴۸۱/۴ ـــ ۴۸۲) آن را در حوادث سال بعد یاد می کند، چیزی که محتمل تر به نظر می رسد، زیرا سرکوبی قیام یاد شده در میانه سال ۸۳ بود. گفته می شود که یحیی بن معین سال ۸۴ (تاریخ دمشق: ۲۵۷/۵۰ و تهذیب الکمال: ۲۲۲/۲۴) یا ۸۸ (تهذیب ابن حجر: ۴۴۸/۸) را سال شهادت کمیل می داند. صَفَدی سال شهادت وی را در حوالی سال ۹۰ ذکر می کند (الوافی بالوفیات: ۳۷۰/۲۴).

ابن کثیر، سن کمیل را در وقت کشته شدن، صدسال می داند (البدایه: ۴۶/۹). بیشتر منابع دیگر آن را نود نوشته اند، اما مدائنی (بر اساس آن چه در تاریخ دمشق: ۲۵۷/۵۰ و تهذیب الکمال: ۲۲۲/۲۴ آمده) سن وی را هفتاد یاد می کند. ابن حجر در تهذیب: ۴۴۸/۸ این نظر را به یحیی بن معین هم نسبت می دهد. تاریخ اخیر می بایست تصحیف «تسعین» به «سبعین» باشد که در رسم الخط عربی امری رایج است، زیرا در سخنان متعددی از حجاج، خود کمیل و دیگران،

امویان بر ضد آنان بر می آید (بنگرید **مسند احمد**: ۱۷۵/۲، ۱۵۱/۴، **غریب الحدیث** ابن قتیبه: ۴۵۳، **ضعفاء** عقیلی: ۲۷۴/۱، **معجم کبیر طبرانی**: ۱۷۹/۱۷، ۳۰۵. برای اظهارات غیر سیاسی بعدی علیه آنان بنگرید: **طبقات** سلمی: ۱۱ [و از آن جا سیر ذهبی: ۳۸۹/۸ ـ ۳۹۰، **تاریخ الاسلام** همو: ۱۲[سالهای ۱۸۹ ـ ۱۹۰])/۳۴۲ ـ ۳۴۳). برای ارجاعات بیشتر در باره این گروه در متون متقدم، هرچند نه الزاما با قبول برداشت ها و استنتاجات نویسنده مقاله، بنگرید به مدخل «قراء» در دائرة المعارف اسلام، چاپ دوم، ۴۹۹/۵ ـ ۵۰۰ [از]T. Nagel و تحقیقات تازه ای که در مورد قرّاء در آنجا یاد شده است به خصوص مقاله Martin Hinds در IJMES، سال دوم (۱۹۷۱): ۳۵۸ – ۳۵۹ که اکنون در مجموعه مقالات او با نام Studies in Early Islamic History در دسترس است).

پیش و پس از دستگیری او توسط حکومت، به پیری و کهنسالی او اشاره شده است (بنگرید: تاریخ طبری: ۴۰۴/۴، فتوح ابن اعثم: ۱۴۲/۷، کتاب المحن: ۲۰۴ ـ ۲۰۵، المعرفة و التاریخ: ۴۸۱/۲، ارشاد مفید: ۳۲۷/۱، تاریخ دمشق: ۲۵۶/۵۰، اصابه: ۶۵۴/۵).

مزاری در کوفه وجود دارد که شیعیان آن را به عنوان مقبره کمیل می شناسند و زیارت می کنند (بنگرید به توصیفی که در مراقد المعارف: ۲۱۹/۲ ـ ۲۲۰ از آن آمده است)، اما به نظر می رسد که کشف این مزار و اقبال بدان، به بیش از دو قرن نمی رسد. نخستین مؤلفی که از این مقبره در اواخر قرن سیزدهم هجری یاد کرده (روضات الجنات: ۳۶۶/۶) می گوید که مقبره کمیل در این ادوار اخیر یافت شده و زیارتگاه گردیده است.

در باره کمیل، جنبه ای هم مربوط به پس از درگذشت وی وجود دارد که باید از آن یاد کرد و آن حضور او به عنوان یک شخصیت سمبولیک در ادبیات عرفانی اسلامی قرون میانه است. همان گونه که گذشت، شرح حال نویسان، او را شخصی متعبد و پرهیزکار یاد کرده اند. این امر، به همراه داستان غم انگیز شهادتش در سن بسیار بالا به گناه عشق و ولای علی (ع)، به طور طبیعی تأثر و سمپاتی

ص: ۱۱۶

زیادی نسبت به او ایجاد کرد که بعدها هاله ای از تقدّس در اطراف شخصیت وی پدید آورد. در همان زمان شهادتش، شاعری در رثای وی شعری سروده و ضمن آن حجاج را به خاطر اقدام ستمکارانه اش ملامت می کند (تاریخ طبری: ۴۰۴/۴). بعدها، برخی از عرفای مسلمان، [۷۶] وی را یکی از کانال های اصلی و عمده ارتباط با نورانیت باطنی خاندان پیامبر (ص) تلقی کرده و با قرار دادن نام او در سند خرقه خود، سلسله خویش را به امام علی (ع) وصل نموده اند. به نظر می رسد که آغاز این مسأله در قرن ششم بوده است. بر اساس آنچه تاکنون یافته ام، نخستین شخصیت صوفی که سلسله خرقه خود را از طریق کمیل به امام علی (ع) متصل می کند، نجم الدین کبری (م ۶۱۸) بوده که این مطلب را در اجازه ای که برای یکی از شاگردانش در ۴ شوال سال ۵۹۸ نوشته (روضات الجنان حافظ حسین: ۳۰۶/۲ ـ ۳۰۸) یاد کرده است. بعد از نجم الدین کبری، سلسله ها و مشایخ بسیاری که سند خرقه خود را به نجم الدین کبری می رسانند، از کمیل به عنوان یکی از آخرین حلقه هایی که سلسله آنان را به امام علی (ع) و پیامبر (ص) می رساند، یاد کرده اند (فوائح الجمال، مقدمه مصحّح ۱۸ ـ ۲۲، ۳۰ ـ ۳۸، ۵۳ ـ ۵۸ که آنجا اسامی بسیاری از این سلسله ها و بیش از سی منبع، فهرست شده است. نیز مقدمه مصحّح مناظر المحاضر: ۵۸ ـ ۶۰. از این منابع است: اوراد الاحباب: ۲۷، مناظر المحاضر علاءالدوله سمنانی: ۱۳۶، تذکره او: ۱۵۳، جامع الاسرار سید حیدر آملی: ۲۲۳ ـ ۲۲۴، ۶۱۴، المحیط الاعظم او: ۵۲۱/۱ ـ ۵۲۲، نص النصوص او: ۲۱۸، ۲۲۲ ـ ۲۲۳، دیوان اشعار و رسائل اسیری: ۳۵۰).

ابن حبان که در ثقات: ۳۴۱/۵ کمیل را در شمار راویان موثق حدیث یاد می کند، در مجروحین:۲۲۲ وی را به خاطر مهر و دوستی زیادش به امام علی (ع) ملامت می کند و می گوید که وی روایات مشکله (معضلات) از علی (ع) نقل می کرد. از جمله روایاتی در معجزات او. به نظر می رسد که هیچ یک از این قبیل روایات او در متون سنی برجای نمانده باشد، شاید به استثنای گفتار منسوب به وی در زمان شهادت که علی (ع) به وی گفته بود که وی به دست حجاج کشته خواهد شد (اصابه: ۶۵۴/۵. نیز ارشاد: ۳۲۷/۱). در واقع، تنها شمار اندکی از روایات وی در مجامیع حدیثی آمده

(چیزی که با وصف ابن حجر از وی در تهذیب: ۴۴۸/۸ به عنوان «قلیل الحدیث» مطابقت دارد) و آن مشتمل است بر موارد زیر:[168]

ص: ۱۱۷

ـ تیجان ابن هشام: ۱۸۰

ـ مسند احمد: ۳۰۹/۲، ۵۲۰، ۵۲۴ (بخوانید «کمیل» به جای «کهیل»)، ۵۳۵ (نیز عمل یوم و لیلة نسائی: ۳۵۸، و از آن جا تاریخ دمشق: ۲۴۸/۵۰ و دیگران)

ـ انساب الاشراف: ۱۷۳/۵

ـ شرح الاخبار: ۲۰۹/۱

ـ معجم اوسط طبرانی: ۱۵۳/۲ (نیز بنگرید: ارشاد القلوب: ۳۵/۲ ـ ۳۶، نقلی که به نظر می رسد تحریر دیگری از همان روایت طبرانی باشد)

ـ تحف العقول: ۱۹۶ ـ ۱۹۷

ـ مستدرک حاکم: ۳۱۷/۳

ـ نهج البلاغه: ۵۱۳ (حکمت ۲۵۷)

ـ دلائل النبوة بیهقی: ۳۴۱/۵ (و از آن جا تاریخ دمشق: ۲۰۲/۶۹ ـ ۲۰۳)

ـ امالی ابوطالب: ۲۱۳

[۷۷] ـ تاریخ دمشق: ۲۵۱/۵۰

ـ اعلام الدین دیلمی: ۹۵

ـ کلمات مکنونه فیض: ۷۷ ـ ۷۸ (نیز الاثنی عشریه عیناثی: ۲۲۲ ـ ۲۲۳، مجمع البحرین: ۱۱۵/۴ ـ ۱۱۶. نیز بنگرید: بحار: ۸۴/۵۸ ـ ۸۵ که در آن جا مؤلف یادآور شده است که این نقل در هیچ کدام از کتب متقدم حدیث نیامده و نسبت آن به کمیل به وضوح نادرست است).

به استثنای نقل مستدرک حاکم، تمامی این موارد از امام علی (ع) است. اخبار دیگری هم از دیگران وجود دارد که مطالبی را از زبان امام علی (ع) خطاب به کمیل نقل می کنند، گرچه کمیل خود این مطالب را روایت نکرده یا نقل او باقی نمانده است:

ـ مروج الذهب: ۱۷۵/۳

ـ امالی مفید: ۲۸۳

ـ دستور معالم الحکم: ۱۱۷ ـ ۱۱۸

ـ اعلام الدین: ۲۶۵

ـ ارشاد القلوب: ۳۵/۲ ـ ۳۶

---

۱۶۸ . نقلی نیز از کمیل در **کنز العمال**: ۵۷۷/۹ (به نقل از **سنن سعید بن منصور**) آمده است. در **تاریخ کبیر بخاری**: ۲۳۰/۱ ـ ۲۳۱ نام راوی را «کهیل» می آورد که می بایست مقصودش کهیل الفزاری باشد که در مورد دیگری از همان کتاب (۲۳۸/۴) از وی یاد شده است.

به جز موارد فوق، کمیل به عنوان راوی نخست چند متن منسوب به امام علی (ع) شناخته می شود. این موارد به شرح زیر است:

ص: ۱۱۸

۱ . حدیث کمیل

این روایت که با جمله «القلوب اوعیة» آغاز می شود، متنی طولانی و فصیح در باره فضائل علم حقیقی دینی است. این روایت با تفاوت هایی در بسیاری از منابع سنی و شیعی نقل شده است. نمونه ها چنین است:

غارات: ۱۴۸/۱ ـ ۱۵۴، تاریخ یعقوبی: ۲۰۵/۲ ـ ۲۰۶، مناقب امیرالمؤمنین (ع): ۹۵/۲ ـ ۹۶، عقد الفرید: ۲۱۲/۲ ـ ۲۱۳، غیبت نعمانی: ۱۳۶، تحف العقول: ۱۶۹ ـ ۱۷۱، کمال الدین: ۲۸۹ ـ ۲۹۴، خصال: ۱۸۶ ـ ۱۸۷، الجلیس الصالح: ۳۳۱/۳ ـ ۳۳۲، ۱۳۵/۴ ـ ۱۳۷، دیوان ابوهلال عسکری: ۱۴۳/۱ ـ ۱۴۴، نهج البلاغه: ۴۹۵ ـ ۴۹۷ (حکمت ۱۴۷)، امالی مفید: ۲۴۷ ـ ۲۵۰، ارشاد: ۲۲۷/۱ ـ ۲۲۸، امالی ابوطالب: ۱۳۹، حلیة الاولیاء: ۷۹/۱ ـ ۸۰، دستور معالم الحکم: ۷۰ ـ ۷۲، فقیه خطیب: ۵۰/۱، تاریخ بغداد: ۳۷۹/۶، سراج الملوک: ۱۲۱/۱۲۲، التذکرة الحمدونیه: ۶۷/۱ ـ ۶۸، تاریخ دمشق: ۲۵۱/۵۰ ـ ۲۵۵، صفة الصفوة: ۱۲۷/۱ ـ ۱۲۸، تهذیب الکمال: ۲۲۰/۲۴، کنز العمال: ۲۶۲/۱۰ ـ ۲۶۴ (به نقل از منابع متقدم دیگر). بخشی از این متن یا اشاراتی به آن نیز در آثار کهنی مانند عیون الاخبار ابن قتیبه: ۱۲۰/۲ و نقض کتاب الارشاد ابن قبه: ۱۸۹ و بسیاری دیگر یافت می شود.

چیزی که این متن را مورد توجه خاص شیعیان قرار داد، جمله ای در آن بود که می گفت زمین هیچ گاه از حجت خدا خالی نخواهد بود، کسانی که حامل علم حقیقی و نماینده خداوند بر روی زمین هستند. پس از این عبارت، بیشتر نسخ شیعی این متن و بسیاری از نسخ سنی آن (مانند متن نقل شده وسیله ابن عبدربه در عقدالفرید: ۲۱۳/۲، [۷۸] نهروانی در الجلیس الصالح: ۳۳۱/۳ ـ ۳۳۲، قضاعی در دستور: ۷۱ ـ ۷۲، ابن عساکر در تاریخ دمشق: ۲۵۵/۵۰، متقی در کنز العمال: ۲۶۳/۱۰ ـ ۲۶۴. نیز بنگرید دیوان المعانی ابوهلال: ۱۴۳ ـ ۱۴۴) دارای جمله ای هستند که می گوید این حاملان حقیقت می توانند ظاهر و مشهور باشند یا خائف و مغمور. جاحظ در نیمه نخست قرن سوم هجری (حیوان: ۲۶۹/۲) از فرقه ای با نام کمیلیه یاد می کند که باورشان این بود که همیشه نیاز به حضور یک امام هست، چه قائم و چه قاعد، که مردم بتوانند شخصا به او مراجعه کنند. به گفته جاحظ، کمیلیه امامتِ از طریق وکیل و نایب را جایز نمی دانستند، به این معنا که امام غایب باشد و دیگری از طرف وی، به وظایف امامت قیام و عمل کند[۱۶۹] ـ

۱۶۹ . اظهار نظر جاحظ در توضیح اشاره ای است که در شعری از ابوالسری معدان شمیطی، شاعر نابینای اواخر قرن دوم (سزگین: ۴۵۴/۲) در باره بدعت های فرقه های مختلف در آن زمان آمده و شاعر مزبور، ضمن آن شعر، کمیل و پیروانش را برای عقاید انحرافی شان محکوم می کند. (در باره این شعر او بنگرید به مقاله Charles Pellat در مجله Oriens، سال ۱۶ [۱۹۶۳]: ۹۹ – ۱۰۹ و مجله Arabica، سال ۴۲ [۱۹۷۵]: ۳۰۰ – ۳۰۲ و مقاله Josef Van Ess در مجله Der Islam ، سال ۴۷ [۱۹۷۱]: ۲۴۵ – ۲۵۱، و مقاله وداد القاضی در مجله Studia Islamica، سال ۷۹ [۱۹۹۳]: ۳۷ – ۳۹). عقاید ذکر شده مربوط به گروهی است که کتابهای فِرَق آنها را «کاملیّه» نامیده اند، لذا تعبیر به «آل کمیل» که در اشعار آمده، به احتمال زیاد صورت مصغّر نام آنهاست به داعی تحقیر. قاضی عیاض نیز در دوره ای متأخر از همان شکل مصغر، به عنوان یک نام تحقیرآمیز برای اشاره به این گروه استفاده کرده است (**شفاء** قاضی عیاض: ۱۰۷۲)، چیزی که برخی از شارحان متن او توضیح داده اند (**شرح الشفاء** قاری: ۵۱۰/۴. نیز بنگرید: **تاج العروس**: ۱۰۴/۸)، گرچه برخی شارحان دیگر کتاب او این نظر را قابل مناقشه دانسته و برآنند که شکل مصغّر می تواند اشتباه املایی یا اشتباه در

ص: ۱۱۹

نکته ای که در مراحل آغازین انقلاب عباسی مطرح بود. به نظر می رسد این مطلب، اشاره به همان جمله مورد نظر در روایت کمیل از امام علی (ع) دارد و نشان می دهد که شیعیان نخستین، جمله «ظاهر یا مغمور» را چگونه می فهمیده اند. بعدها امامیه تعبیر «مغمور» را که قبلا به معنای حاضر، اما گمنام و مقهور و غیر فعال فهمیده می شد، به معنای غایب تفسیر کردند و از آن متن مشهور در مناظرات فرقه ای خود با مخالفان استفاده نمودند. ابن قبه (اواخر قرن سوم و اوائل قرن چهارم) در پاسخ به انتقاد یک مخالف زیدی که می پرسد چرا امامیه که همیشه استدلال می کردند که امام باید ظاهر و حاضر باشد، اکنون به یک امام غایب باور دارند، می نویسد: «امامیه همواره بر این باور بوده اند که امام، یا ظاهر و مشهور است یا غایب و مغمور، و در این باره، اگر هیچ مستندی غیر از خبر کمیل بن زیاد نداشتیم، کافی بود» (نقض کتاب الارشاد ابن قبه: ۱۸۷. برای استدلال های بعدی به این متن برای هدف یاد شده، برای نمونه بنگرید: غیبت نعمانی: ۲۵، کمال الدین: ۲۸۹ ـ ۲۹۸).

۲ . وصیّة امیرالمؤمنین

این اثر یک متن بلند مشتمل بر مواعظ اخلاقی است که گفته می شود امام علی (ع) به کمیل تعلیم داده است. این متن با دو تحریر روایت شده است، یکی کوتاه تر که ابن شعبه (میانه قرن چهارم) در تحف العقول: ۱۷۱ ـ ۱۷۶ آورده [۷۹]و دیگری طولانی تر، با اضافات بسیار در قالب جملات تند فرقه ای که جا به جا در متن پراکنده است، در بشارة المصطفی ابوجعفر طبری (میانه قرن ششم): ۲۵ ـ ۳۱. تحریر نخست که کهن تر به نظر می آید شامل دو مطلب، یکی

ص: ۱۲۰

شرکت در جهاد با امام جائر و دیگری نشر اسرار خاندان پیامبر (ص) است که هر دو مسائلی بودند که در اواخر دوره اموی مورد توجه ویژه قرار گرفتند. تحریر دوم از دوازده نفر زندانیان اهل جهنم یاد می کند که آن نیز مفهومی شیعی متعلق به اواخر دوره اموی است (بنگرید به ادامه بحث، ذیل مدخل سلیم بن قیس)، اما متن حاضر آنها را به دو گروه شش نفری تقسیم می کند: شش نفر از متقدمین و شش نفر از متأخرین. به هر حال به نظر می رسد این مطالب، مربوط به زمانی است که عدد دوازده برای امامان، هنوز میان شیعیان تثبیت نشده بود. از سوی دیگر جمله ای در تحریر دوم، زهد افراطی را مورد انکار قرار می دهد، با این اظهار نظر که عشق و علاقه زیاد به عبادت، شخص را به سوی امامان دروغین جذب می کند. این جمله، شاید نشانگر یک منشأ غالی برای تحریر دوم باشد (بنگرید: Crisis از نویسنده حاضر، ص ۳۵).

۳ . دعای کمیل

خواندن از مؤلف یا اولین ناسخ اثر او باشد (**نسیم الریاض**: ۵۱۰/۴). بدین ترتیب باید گفت شعر معدان ربطی با کمیل ما ندارد و ارتباط دادن فرقه ذکر شده در شعر معدان به عقیده عدم جواز وکالت در امامت که نظریه برگرفته از حدیث کمیل است، اشتباهی از جاحظ است.

یک متن طولانی به روایت کمیل در قالب دعایی که امام علی (ع) به وی تعلیم داده بود (مصباح المتهجد: ۸۴۴ ـ ۸۵۰، اقبال ابن طاوس: ۳۳۱/۳ ـ ۳۳۸). این یک دعای بسیار رایج میان شیعیان است که در شب های جمعه خوانده می شود. برای آن شروح زیادی نوشته شده که نام شماری از آنها در ذریعه: ۲۵۸/۱۳ ـ ۲۵۹، و معجم ما ألف: ۵۰/۶ ـ ۵۲، ۵۳، ۵۶، ۹۱ آمده است.

۴ . حدیث «ما الحقیقة»

متنی با لحن و اصطلاحات مکتب عرفانی محیی الدین عربی (م ۶۳۸) که در قرن هفتم ظاهر شده و در قالب پاسخی از امیر مؤمنان (ع) به پرسش کمیل در باره ماهیت حقیقت می باشد. این متن که در تصوف شیعی، از همان روزگار رواج فراوان یافته، بدون سند در ادبیات صوفیانه (برای نمونه جامع الاسرار سید حیدرآملی: ۱۷۰ و نص النصوص او: ۴۴۰) و از آنجا در برخی از مجموعه ها (برای نمونه: جنگ مهدوی: ۱۳۶ ـ ۱۳۷، کشکول: ۲۱۹/۲ ـ ۲۲۰) و سرگذشت نامه های متأخر (برای نمونه: روضات: ۶۶/۶) نقل و تک نگاری های متعددی در شرح آن طی هشت قرن گذشته نوشته شده است. برای فهرستی از این شروح بنگرید: ذریعه: ۱۹۶/۱۳ ـ ۱۹۸، فهرست نسخه های خطی دانشگاه تهران: ۴۶۱/۳ ـ ۴۶۴، فهرست نسخه های خطی فارسی: ۱۳۳۱/۲، و به تازگی مقاله مهدی مهریزی در میراث حدیث شیعه: ۱۹۵/۲ ـ ۱۹۹ (نیز بنگرید: کشف الظنون: ۱۰۴۱/۲). [۸۰] باید توجه داشت که در مکتب ابن عربی، علم باطنی را به جای

ص: ۱۲۱

استفاده از واسطه ها و راویان، می توان مستقیما از طریق الهام دریافت کرد. فصوص ابن عربی خود نمونه ای از این پدیده است (بنگرید به مقدمه همان کتاب: ۴۷). بنابر این ضرورتی ندارد که بیش از این، در باره منبع احتمالی متن مورد نظر جستجو کنیم.

۵ . زید بن وهْب

ابوسلیمان زید بن وهب جُهَنی کوفی، از طبقه نخست تابعین و راوی پرکار حدیث. وی در زمان حیات پیامبر (ص) مسلمان شد ولی آن حضرت را ندید; اما پس از وفات پیامبر(ص) فردی فعال در عرصه جامعه اسلامی بود. او همچنین یکی از اعضای فعال اردوگاه امام علی (ع) بود، دست کم از زمانی که آن حضرت در سال ۳۶ به خلافت رسید، و پس از آن در تمامی جنگهای امام (ع) بر مخالفانش، در کنار آن حضرت، حضور داشت. او به عنوان شاهد عینی، منبعی موثّق برای رخدادهای سالشمار آن نبردها بوده است. وی به خاطر آن که به عنوان عضوی از گروه ضد عثمان مشهور نبود، از سوی رجال شناسان سنی، متهم به تشیع نشده است. البته این احتمال هست که وی ضد عثمان به عنوان یک فرد نبوده اما گرایش های او بر ضد عثمانیه در برخی از گزارش هایش مشهود است. سالهای مختلفی برای درگذشت وی در منابع آمده، اما به نظر می رسد که گزارش ها بر سر این مسأله که وی پس از سال هشتاد هجری درگذشته است، اتفاق نظر دارند. سال ۹۶ دیرترین تاریخی است که برای درگذشت وی گفته اند.

طبقات ابن سعد: ۱۶۰/۶، طبقات خلیفه بن خیاط: ۳۶۴، تاریخ خلیفة بن خیاط: ۲۸۸، تاریخ کبیر بخاری: ۴۰۷/۳، الکنی و الاسماء مسلم: ۳۷۰/۱، تاریخ الثقات عجلی: ۳۷۱، المعرفة و التاریخ: ۷۶۸/۲ ـ ۷۱، ۱۱۸/۳، رجال برقی: ۳۸،

تاریخ ابی زرعه دمشقی: ۶۷۶ ـ ۶۷۷، تاریخ یعقوبی: ۲۴۱/۲، ۲۸۲، الکنی والاسماء دولابی: ۵۹۸، الجرح و التعدیل: ۵۷۴/۳، ثقات ابن حبان: ۲۵۰/۴، فهرست طوسی: ۷۲، رجال او: ۶۴، تاریخ بغداد: ۴۴۰/۸ ـ ۴۴۲، استیعاب: ۵۵۹/۲، اسد الغابه: ۲۴۲/۲، تهذیب الکمال: ۱۱۱/۱۰ ـ ۱۱۳ (و منابع دیگری که در پاورقی مصحح در مأخذ اخیر آمده است).

برای فعالیت های وی پیش از خلافت امام علی (ع) به ویژه بنگرید: طبقات ابن سعد: ۱۶۰/۶. برای حضور وی در جنگ ها در کنار امام و موقعیت وی به عنوان یک شاهد عینی حوادث دوران خلافت آن حضرت بنگرید: شرح معانی الاثار: ۲۱۲/۳ (کارهای مقدماتی برای نبرد جمل)، وقعة صفین: ۲۳۴، ۲۴۲ ـ ۲۴۳، ۲۴۹ ـ ۲۵۰، ۴۵۰ (جنگ صفین)، مصنف عبدالرزاق: ۱۴۷/۱۰ (نیز مصنف ابن ابی شیبه:

ص: ۱۲۲

۱۱۷/۱۵، ۳۱۱، ۳۲۰، صحیح مسلم: ۷۴۸)، تاریخ بغداد: ۴۴۱/۸ (جنگ نهروان)، مقتل ابن ابی الدنیا: ۶۱ (شهادت امام علی [ع])، تاریخ طبری: ۱۳/۵ ـ ۱۴، ۱۴ ـ ۱۵، ۱۶، ۱۸ ـ ۱۹، ۲۹، ۳۹، ۴۵، ۸۴، ۹۰ ـ ۹۱ (به نقل از ابومخنف). برای تمایلات ضد عثمانیه وی بنگرید: المعرفة و التاریخ: ۷۶۸/۲ ـ ۷۷۰ (و از آنجا در میزان: ۱۰۷/۲). وی راوی نخست تعدادی از احادیثِ مربوط به فضائل امام علی (ع) است. برای نمونه: مصنف ابن ابی شیبه: ۶۲/۱۲، [۸۱] امالی صدوق: ۵۶۰، ارشاد: ۸۰/۱ ـ ۸۵ (نیز مناقب ابن شهرآشوب: ۱۲۳/۳ ـ ۱۲۴)، ما نزل ابونعیم: ۳۱ (نیز شواهد التنزیل: ۶۳/۱، مناقب ابن شهرآشوب: ۵۲/۳)، شواهد التنزیل: ۳۰۲/۲ (نیز شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۲۲۵/۱۳ ـ ۲۲۶)، ۳۴۸ (نیز تاریخ دمشق: ۳۶۲/۴۲). وی همچنین از منابع اصلی روایات مربوط به دو صحابی بزرگ و جلیل، عمار یاسر و ابوذر غفاری بوده است (برای نمونه بنگرید: وقعة صفین: ۳۲۶ ـ ۳۲۸، المعرفة والتاریخ: ۷۷۰/۲، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۵۳/۳، ۲۶۱/۸). ابوذر و عمار هر دو مورد علاقه شیعیان و مورد تنفر عثمانی ها بودند. پردازندگان بعدی روایات ملاحم، از نام وی مانند نام برخی دیگر از اصحاب امام علی، برای استناد اخبار ملاحم به آن حضرت استفاده کرده اند. نمونه ای از این دست، در مقتضب الاثر ابن عیاش: ۳۱ و نمونه دیگر در احتجاج: ۱۰/۲ ـ ۱۱ آمده است. تلاش مشابهی از طرف پردازشگران سنی در استفاده از نام زید برای نسبت دادن گفته های ضد شیعی به امام علی (ع) صورت گرفته است. نمونه ها را می توان در کتاب السیر فزاری: ۳۲۷ (نیز حلیة الاولیاء: ۲۰۱/۷، کفایه خطیب: ۳۷۶)، الام شافعی: ۱۵۱/۷ (و از آنجا در سنن بیهقی: ۲۸۷/۱) و تاریخ دمشق: ۷/۲۹، ۲۱۴/۴۴ ـ ۲۱۵ یافت.

کتاب خطب امیرالمؤمنین (ع)

مجموعه ای از خطبه های امام که در روزهای جمعه و اعیاد فطر و قربان و در مناسبت های دیگر ایراد شده است (فهرست طوسی: ۷۲). ابن شهرآشوب (مناقب: ۴۷/۲) روایت می کند که کتاب خطب امیرالمؤمنین اسماعیل بن مهران سکونی (نجاشی: ۲۷) که در آن زمان وجود داشته، بر اساس مواد کتاب زید بن وهب تهیه شده بوده است. نقلهای متعددی در منابع مربوط از خطبه های امام علی (ع) به روایت زید بن وهب آمده که با این کتاب او مناسبت دارد. سندی که شیخ طوسی در فهرست: ۷۲ برای این کتاب یاد کرده، مشابه سندی است که در آغاز روایات مشتمل بر خطبه های نقل شده از امام توسط زید بن وهب در وقعة صفین و برخی آثار دیگر آمده است. نمونه ها:

ـ مصباح المتهجد: ۳۸۰ ـ ۳۸۳ (نیز من لایحضر: ۴۲۷/۱ ـ ۴۳۲ که در آنجا این متن بدون انتساب به زید آمده است. این خطبه ای از امام در یک روز جمعه بود)

ص: ۱۲۳

ـ خصال: ۴۰۰ ـ ۴۰۱ (نیز توحید: ۲۷۸ ـ ۲۹۹)

ـ وقعة صفین: ۲۲۵ (که در آن نام وی به «یزید» تصحیف شده است; نیز تاریخ طبری: ۱۳/۵ ـ ۱۴)، ۲۳۲ (نیز تاریخ طبری: ۱۴/۵ ـ ۱۵)، ۲۵۶ (نیز تاریخ طبری: ۲۵/۵)، ۳۹۱ (نیز تاریخ طبری: ۴۵/۵)

ـ تاریخ طبری: ۸۴/۵، ۹۰ ـ ۹۱

ـ خصائص نسائی: ۳۱۷ ـ ۳۲۲ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۱۱۷/۱۵، ۳۱۱، ۳۲۰، عیون الاخبار ابن قتیبه: ۱۶۴/۱)

همچنین تعداد زیادی کلمات قصار و نیز گفتگوهای امام با دیگران طی جنگها به روایت زید بن وهب در منابع نقل شده است. برخی از این قطعات، می تواند در اصل از همین کتاب بوده باشد. نمونه ها چنین است:

[۸۲] ـ مسند طیالسی: ۱۳۳/۱ (نیز فضائل احمد: ۵۴۲ ـ ۵۴۳، مسند احمد: ۹۱/۱، زهد همو: ۱۶۵، بخشی از آن نیز در مصنف ابن ابی شیبه: ۲۸۲/۱۳، تواضع ابن ابی الدنیا: ۱۶۸)، ۱۵۰ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۱۶۵/۸، مسند احمد: ۹۰/۱ ـ ۹۱، ۹۷، ۱۵۳، صحیح بخاری: ۴۸۹/۳، ۸۵/۴، صحیح مسلم: ۱۶۴۵)

ـ مصنف عبدالرزاق: ۱۴۷/۱۰ (نیز مسند احمد: ۹۱/۱، صحیح مسلم: ۷۴۸، کتاب السنة عبدالله بن احمد بن حنبل: ۲۷۲)

ـ وقعة صفین: ۲۴۹ ـ ۲۵۰ (نیز تاریخ طبری: ۱۸/۵ ـ ۱۹)، ۳۲۶ ـ ۳۲۷ (نیز تاریخ طبری: ۳۹/۵ ـ ۴۰)،۴۵۰

ـ مصنّف ابن ابی شیبه: ۴۳۷/۹ (نیز سنن دارمی: ۳۹۱/۲)

ـ شرح معانی الاثار: ۴۹۰/۱ (نیز شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۷۶/۴ [به نقل از کتاب صفین ابراهیم بن دیزیل (م ۲۸۱)])

ـ مجالس مفید: ۸۰/۲ (نیز مناقب ابن شهرآشوب: ۱۲۰/۳)

ـ حلیة الاولیاء: ۱۴۷/۱

ـ تاریخ بغداد: ۴۴۱/۸ (مقـ : خصائص نسائی: ۳۱۷)

نقل نصر بن مزاحم و طبری از زید بن وهب از راه ابومخنف است که خود در بیشتر موارد (برای نمونه: تاریخ طبری: ۱۳/۵ ـ ۱۴، ۱۴ ـ ۱۵، ۱۶، ۱۸ ـ ۱۹، ۲۵، ۳۹ ـ ۴۰، ۴۵، ۸۴) از زید به واسطه مالک بن اعین جهنی،[۱۷۰] راوی و شاعر کوفی روایت می کند (نیز بنگرید: الجرح و

ص: ۱۲۴

التعدیل: ۲۰۶/۸). شیخ طوسی هم کتاب زید را از طریق ابومخنف از ابومنصور جهنی[۱۷۱] از زید روایت می کند (فهرست: ۷۲; این اسناد در روایتی در خصال: ۴۰۰ ـ ۴۰۱ و توحید: ۲۷۸ ـ ۲۷۹ آمده است). یک نقل طولانی از

۱۷۰ . در باره وی بنگرید: **رجال برقی**: ۵۶، ۶۵، **رجال طوسی**: ۱۴۵، ۳۰۲. دو نمونه از اشعار وی در **معجم الشعراء** مرزبانی: ۳۶۶ (و از آن جا در **ارشاد** مفید: ۱۵۷/۲ ـ ۱۵۸، **تاریخ دمشق**: ۲۷۴/۵۴، **مناقب**ابن شهرآشوب: ۲۷۷/۴ ـ ۲۷۸، **سیر اعلام النبلاء**: ۴۰۴/۴) آمده است، یکی در ستایش امام محمد باقر (ع) و دیگری در رثای امام جعفر صادق (ع) (اما طوسی در **رجال**: ۳۰۲ می گوید که مالک در روزگار زندگی امام جعفر صادق (ع) درگذشته بود).

مالک بن اعین در کافی: ۳۹/۵ ـ ۴۲ که مشتمل بر چندین خطبه امام بوده و به وضوح به سبک بندی از یک کتاب است، به احتمال زیاد از کتاب زید بوده و می تواند نشانگر سبک و سیاق اصلی آن کتاب باشد.

۶ . سُلَیم بن قیس هلالی

سلیم بن قیس هلالی، به نقل مآخذ، یکی از اصحاب امیرمؤمنان (ع) در کوفه بود که به دنبال سرکوبی هواداران آن حضرت از سوی حجاج، از کوفه به سوی شرق گریخت و در شهر نوبندگان در فارس، در جنوب ایران، پنهان شد و در همان روزگار که حجاج (م ۹۵) هنوز بر سر کار بود، درگذشت. چنین به نظر می رسد که چنین شخصی هیچ گاه وجود نداشته و نام سلیم بن قیس، تنها یک نام مستعار بود که شیعیان کوفه از [۸۳] رهگذر تقیه، برای کتاب شدید اللحنی که در سالهای ناآرام پایانی حکومت اموی علیه آن نظام و پایه های اعتقادی آن نشر کردند، به کار بردند.

رجال برقی: ۳۵، ۴۱، ۴۳، ۴۹، رجال کشی: ۱۰۴ ـ ۱۰۵، فهرست ابن ندیم: ۲۷۵، اختصاص: ۳، ۸، رجال ابن غضائری: ۶۳ ـ ۶۴، ۱۱۸ ـ ۱۱۹، نجاشی: ۸، فهرست طوسی: ۸۱، رجال او: ۶۶، ۹۴، ۱۰۱، ۱۱۴، ۱۳۶.

نیز مدخلی در باره او در دائرة المعارف اسلام:۸۱۸/۹ ـ ۸۱۸(از M. Djebli).

همه منابع پیشگفته بر آگاهی هایی تکیه می کنند که در مقدمه کتاب سلیم آمده است. ابن غضائری (م ۴۱۱) در اوائل قرن پنجم از علمای شیعه روزگار خود نقل کرده است که این سلیم، ناشناخته بوده و از وی در هیچ روایتی یاد نشده است (رجال ابن غضائری: ۶۳). دو قرن و نیم پس از آن، یکی از علمای شیعه معاصر ابن ابی الحدید به وی گفته بود که این نام، ما به ازاء خارجی نداشته و شخصی با این مشخصات هرگز وجود نداشته است (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۲۱۷/۱۲).

ص: ۱۲۵

همانگونه که خواهیم دید یکی از علمای برجسته اخیر شیعه هم با این نقطه نظرها موافق است.[۱۷۲]

کتاب سلیم بن قیس هلالی

این اثر کهن ترین کتاب شیعی است که باقی مانده و یکی از نمونه های بسیار نادر آثاری است که از روزگار امویان به دست ما رسیده است. هسته اصلی کتاب که به مقدار زیادی در تحریر فعلی آن باقی مانده، به یقین از دوره هشام بن عبدالملک (ح. ۱۰۵ ـ ۱۲۵) و مربوط به سالهای پایانی حکومت اوست، زمانی که سلطه دیرپای امویان با مشکلاتی که مربوط به جانشینی وی بود، در معرض تهدید قرار گرفته بود. در این کتاب، اشارات مکرری به دوازده نفر از حاکمان جور آمده است که رهبری جامعه مسلمان را پس از پیامبر (ص) غصب کردند. این دوازده نفر عبارت بودند از: دو خلیفه اول، عثمان، معاویه، فرزندش یزید، و هفت نفر از نسل حَکَم بن ابی العاص که اولین آنها مروان بود (کتاب سلیم: ۱۱۰، ۱۷۴، ۱۷۵، ۲۰۵، نیز بنگرید: ۱۳۶، ۱۷۰، ۲۰۰). از میان امامان شیعه، تنها از پنج امام اول در این کتاب با اسم یاد شده

---

۱۷۱ . صدوق کنیه مالک بن اعین را ابومحمد یاد کرده (مشیخه: ۴۴۰) که می تواند تصحیف ابومنصور باشد یا به عکس.

۱۷۲ . در باره سلیم بن قیس و کتاب او، تاکنون دهها نفر از دانشمندان برجسته شیعی اظهار نظر کرده اند که بخش هایی از آنها در مقدمه چاپ سه جلدی اخیر آن درج شده است. طبعا دیدگاه موجود در این کتاب، با استدلال های خاص خود، برای ارزیابی، قابل مقایسه با دیدگاه های دیگران می باشد – مترجم.

و گفته شده است که امامت در میان اولاد محمد بن علی بن الحسین (امام باقر [ع]) ادامه خواهد یافت (همان: ۲۰۶، نیز بنگرید: ۱۶۸). همین طور گفته شده است که سروران بهشت از اولاد عبدالمطلب عبارتند از پیامبر (ص)، علی (ع)، برادرش جعفر، عمویش حمزه و حسن و حسین و فاطمه و مهدی (همان: ۲۱۷، نیز بنگرید به کافی: ۴۵۰/۱، ۴۹/۸ ـ ۵۰ برای مطالب مشابهی از همان دوره. این اظهارات به وضوح مربوط به پیش از شکل گیری نظریه ای است که امامان را پس از انبیا از همه مردم از جمله حمزه و جعفر برتر می داند، نظریه ای که در اوائل دوران عباسی مطرح بوده است). در آن روزگار امید چنان بود که یکی از فرزندان فاطمه (س) (کتاب سلیم: ۱۴۰) و به طور خاص از فرزندان امام حسین (ع) (همان: ۱۷۵) [۸۴] دولت اموی را سرنگون خواهد کرد. شمار شیعیان در آن زمان تنها هفتاد هزار نفر بود.[۱۷۳] نقطه تمرکز این کتاب شهر کوفه بود که وضعیت شیعیان این شهر را با کمی تفصیل بیان می کند (همان: ۱۸۰ ـ

ص: ۱۲۶

۱۸۲). این نشانه روشنی است بر این که مولِد این کتاب، همین شهر و به احتمال نشانگر آن است که تا آن زمان تشیع در مناطق دیگر، هنوز به صورت گسترده، رواج نیافته بود.

زبان کتاب، زبان ملاحم است که برخی از حوادث قرن اول اسلامی را از نگاه شیعه در قالب پیشگویی هایی از پیامبر (ص) و علی (ع) وصف می کند. برابر با طبیعت متون ملاحم تا روزگار ما، این پیشگویی ها در دو یا سه مرحله، در دوره های بعدی، با افزایش کلمات یا جملاتی، به روز شده اند. بنابر این در دو مورد از کتاب اشاره ای به آمدن پرچم های سیاه از شرق برای سرنگونی دولت اموی شده است (همان: ۱۵۷، ۱۷۵). این اشاره به وضوح موردی از به روز شدن متن است; پس لزوما ـ چنان که یکی از اسلام شناسان غربی اظهار نظر کرده است ـ اشاره به نوعی گرایش شیعی هاشمی ندارد، زیرا کتاب به روشنی دارای گرایش تشیع امامی حسینی است. اشاره ای هم به دوازده امام (کذا) از اولاد امام علی (ع) آمده که جانشین او خواهند بود (همان: ۲۱۷ ـ ۲۱۸). این عبارت در درون سخنی قرار گرفته که در آن آمده است: خداوند به اهل زمین نگریست و از میان آنان پیامبر و علی را برگزید (این گفتار بعد از جمله ای است که در باره سروران بهشت آمده و قبلا به آن اشاره کردیم). در ادامه گفتار آمده است که خداوند نظر دیگری بر زمین افکند و پس از علی (ع)، دوازده نفر از اوصیاء از فرزندان پیامبر[۱۷۴] را برگزید تا از برگزیدگان امت در هر نسلی باشند. به گفته یک نویسنده معاصر، سبک عبارت نشان می دهد که سطر اخیر، افزوده بعدی است. افزوده مزبور البته خطایی نیز از سوی پردازنده آن در بر داشت، چه او درنیافته بود که وقتی نام امام علی (ع) بر آن رقم افزوده شود، عدد امامان به سیزده می رسد. نجاشی: ۴۴۰ روایت می کند که یک مؤلف شیعی از قرن چهارم، در کتابی که برای یکی از رجال زیدیه نوشت، برای آن که رضایت خاطر او را جلب کند، به استناد حدیث یاد شده نام زید را که مذهب زیدیه به او منسوب است بر نام دوازده امام افزود. این روایت، تنها روایت در باره عدد امامان در نسخه ای از کتاب سلیم بود که در دسترس مسعودی مورخ در اوائل قرن چهارم قرار داشت (بنگرید: التنبیه و الاشراف: ۱۹۸ ـ ۱۹۹) [۸۵] اما اندکی بعد از آن، وقتی نعمانی کتاب غیبت خود را در حوالی سال ۳۴۰ می نگاشت، دست کم یک نسخه از کتاب سلیم در بغداد وجود

---

۱۷۳ . نیز بنگرید: **صفات الشیعه**: ۲۰۳، **بشارة المصطفی**: ۱۶۳. ولی خبری در بحار: ۲۲۰/۱۰ از ابوحنیفه نقل می کند که به امام صادق (ع) اظهار کرده بود که «بیش از ده هزار نفر» از مردم کوفه، اصحاب پیغمبر را لعن می کنند.

۱۷۴ . بخوانید «من اهل بیتی» به جای «و اهل بیتی» چنان که در چاپ قم، ۱۴۱۵، ص ۸۵۷.

داشت که ارجاعات و اشارات متعددی در جای جای آن، در باره شمار نهایی امامان بود. این زمان، جملات یاد شده با دقت بیشتری همراه بود تا اشکالی که پیش از آن پدید آمده بود، در آن به وجود نیاید. موارد یاد شده

ص: ۱۲۷

در نسخه های چاپی کتاب آمده است (کتاب سلیم: ۶۲، ۱۰۹، ۱۲۵، ۱۳۶، ۱۵۱، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۲۰۱، ۲۰۷). این ارجاعات، کتاب را یک منبع اساسی برای استدلال امامیه در برخی جزئیات مربوط به غیبت امام دوازدهم (ع) ساخته بود (بنگرید: غیبت نعمانی: ۱۰۱ ـ ۱۰۲).

بر اساس پیشگفتاری که در آغاز کتاب سلیم آمده، کتاب از سوی مؤلف اصلی، به ابان بن ابی عیاش، یک راوی حدیث که آن زمان بسیار جوان بود، سپرده شد. ابان هم به نوبه خود، دو ماه پیش از وفاتش به راوی دیگری سپرد. این اثر به زبان قابل فهم عامه نوشته شده و نماینده طرز تفکر ساده و بدون ظرافت های کلامی در میان شیعیان عادی کوفه در اواخر دوره اموی است که در آن رگه هایی از افکار کیسانی در باره فضائل اهل بیت (ع) نیز دیده می شود. کتاب، همچنین اشاره به مواضع امویان در باره برخی از مسائل مطروحه در آن روزگار دارد. بسیاری از این خطوط ساده و بدون ظرافت کلامی در مباحث تفسیری و عقایدی، بعدها توسط عقل گرایان شیعی در قرون چهارم و پنجم متحوّل شده و تغییر شکل داد. به همین دلیل، برخی از دانشمندان شیعه در آن ادوار، با افکار موجود در این کتاب، دشواری هایی داشتند. همین طور با برخی از مواد تاریخی آن (بنگرید: تصحیح الاعتقاد شیخ مفید: ۱۴۹ که در آن جا می گوید کتاب سلیم معتبر نیست و مطالب فاسدی در آن گنجانده شده است). با این حال، به دلیل قدمت این متن و نیز محبوبیت آن میان شیعیان و این که طریق روایتی آن به راوی ادعایی اول آن ابان بن ابی عیاش، بر اساس مبانی قراردادی علم رجال حدیث ظاهرا معتبر بود، برخی از علمای قرون اولیه و زمان های بعد، بر این باور بودند که ابان که معمولا در منابع رجال اهل سنت راوی غیر معتبری شناخته می شد مسؤول مطالب نادرست موجود در کتاب بوده است (رجال ابن غضائری: ۳۶/۱، ۶۳، ۱۱۸ ـ ۱۱۹ که نیز تأکید می کند که کتاب بدون تردید ساختگی است و ابان را متهم به جعل می کند [نیز اجوبه مسائل مهنائیه علامه حلی: ۱۲۴ که همین مطلب را نقل کرده است]. رجال ابن داود: ۱۷۸، ۴۱۴ هم گفته ابن غضائری را تکرار می کند). یک دانشمند برجسته اخیر شیعی، با تأیید این نکته که کتاب مجعول است، بر این باور است که این جعل برای هدف خوبی صورت گرفته و پردازنده آن، اطلاعاتی را که برخی معروف و شماری هم نادرست بوده، روی هم ریخته که البته به طور کلی به قصد خدمت به مقصودی درست صورت گرفته است. وی نیز این نکته را تأیید می کند که کتاب متعلق به اواخر دوره اموی است، پیش از آن که تعداد امامان ستمگر از دوازده تجاوز کند «چه در متن کتاب پیش گویی می شود که پس از آن دوازده ستمکار، حق به حق دار برخواهد گشت; اما این امر هیچگاه محقق نشد و بر تعداد غاصبان افزوده شد و حق به حق دار بر نگشت» [۸۶]

ص: ۱۲۸

(ابوالحسن شعرانی در حواشی شرح اصول کافی ملاصالح مازندرانی: ۳۷۳/۲ ـ ۳۷۴). بنابر این، ظاهرا باید چنین نتیجه گرفت که یک یا تعدادی از راویان متقدم، این کتاب را یافته و آن را به روش وجادة (و نه سماع) نقل کرده بودند و

در این مرحله کسی نیز داستان ادعایی پیدایش کتاب را پرداخته و بر آن افزوده است. به هر روی، این کتاب کهن تر از دو ماه پیش از وفات ابان بن ابی عیاش است که در سال ۱۳۸ درگذشته بود.

از این رهگذر که در طول زمان برخی تصرفات در پاره ای از نسخ این کتاب صورت گرفته است، میان نسخ آن اختلافاتی وجود دارد که آقابزرگ (ذریعه: ۱۵۲/۲ ـ ۱۵۹) آن را وصف کرده است. خوشبختانه چنین به نظر می رسد که تصرفات بعدی، بیشتر در قالب افزوده ها بوده تا تغییر عبارت و تبدیل محتوای مواد.[۱۷۵] بدین ترتیب هسته اصلی و کهن کتاب در بیشتر نسخه ها، ولو به قیمت تضاد میان مطالب کتاب، حفظ شده است. به برخی از این اختلافات، در چاپ های مختلف کتاب اشاره شده است که عبارتند از چند چاپ نجف; بیروت، ۱۴۰۷، قم، ۱۴۱۵ (نسخه مورد استفاده در اینجا چاپ نجف، حیدریه، بدون تاریخ، ۲۳۶ ص).[۱۷۶]

ص: ۱۲۹

۷ . جابر جُعْفی

جابر بن یزید بن حارث جعفی، محدث سرشناس کوفه در اواخر دوره اموی. [۸۷] وی در روزگار خود یک مرجع عمده در معارف دینی به شمار می رفت، به طوری که بسیاری از دانشمندان معروف اوائل دوره عباسی، نزد وی شاگردی کرده و از او به عنوان راوی قابل اعتماد ودانشمند، روایت حدیث می کردند، حتی اگر با عقاید شیعی او موافقت نداشتند. وی به سال ۱۲۸ درگذشت.

تقریبا تمامی کتابهای رجالی سنی و شیعی، و نیز بیشتر کتابهای عمومی شرح حال، مدخل هایی به جابر جعفی اختصاص داده اند. برای خلاصه این مطالب و فهرست بسیاری از منابع مربوط به وی بنگرید به مدخل مربوط به او در دائرة المعارف اسلام، چاپ دوم، متمم، ۲۳۲ ـ ۲۳۳ از (W.Madelung). نیز بنگرید: سزگین: ۳۰۷/۱. احمد بن محمد

---

۱۷۵ . همان گونه که در بالا یادآور شدیم، حتی اشاره به دوازده امام پس از امام علی (به جای یازده) در بیشتر نسخه های خطی تغییر نیافته و به جای آن اشاراتی که عدد صحیح را ارائه کرده در این جا و آن جا، در آن کتاب افزوده شده است. نمونه دیگر در صفحه ۸۴ ـ ۸۷ است که در آنجا تقسیم امت به هفتاد و سه فرقه، چنان که در نقلی معروف از پیامبر (ص) آمده، یاد شده است. متن در صدد اثبات این نکته است که همه شیعیان امام علی (ع) حتی کسانی که امام زمان خویش را دقیقا نشناسند، جزو فرقه ناجیه هستند. باید طرفدار علویان بود و به حق آنان باور داشت; حتی اگر مصائب و دشواری های زمان، مانع از شناخت امام شود. وجود شکل عباسی این طرز تفکر در اواخر دوره اموی اثبات شده و چنین اندیشه ای وجود داشته است. این اندیشه، زمانی نیز میان شیعیان علوی در نتیجه جاه طلبی شاخه حسنی دودمان و درگیری آنان با پیروان شاخه حسینی بر سر رهبری خاندان پیامبر مطرح شد (بنگرید: Crisis، از مدرسی: ۵۳). زیدیان جارودی این اندیشه را به عنوان عقیده اساسی خویش قرار دادند، اما امام صادق (ع) آن را محکوم کرد (**غیبت نعمانی**: ۱۳۳ ـ ۱۳۵) و پس از آن در شاخه حسینی که میراث علمی آن آنچه را که بعدا به عنوان تشیع امامی مشهور شد، شکل داد، از این اندیشه خبری نیست (عبدالله بن ابی یعفور [م ۱۳۱] از کسانی است که محکوم کردن این تفکر را از سوی امام صادق [ع] روایت کرده است). اما در سیاق عبارت نقل شده در **کتاب سلیم**: ۸۴ عبارتی دارد که بدون آن که عبارت اصل را دگرگون سازد، پیام تکثر گرای آن را به طور کلی معکوس کرده و می گوید که از آن هفتاد و سه فرقه، سیزده فرقه ادعای محبت خاندان پیامبر (ص) را دارند، اما دوازده فرقه از آن جمله به جهنم رفته و تنها یکی نجات خواهد یافت.

۱۷۶ . [منقح ترین چاپ این اثر توسط محمدباقر انصاری در سال ۱۴۱۵ در قم در سه مجلد عرضه شده و در مقدمه به تفصیل، داده های آن با موارد مشابه در منابع دیگر تطبیق داده شده است – مترجم].

بن عبیدالله جوهری معروف به ابن عیاش (م ۴۰۱)، دانشمند شیعی اواخر قرن چهارم بغداد، کتابی در باره او با عنوان اخبار جابر الجعفی نوشت (نجاشی: ۸۶).

نکته ای هم در باره جابر در کتابهای ملل و نحل آمده که شرح حال نویسان وی از آن سخنی نگفته اند. چندین کتاب ملل و نحل (از آن جمله: مقالات الاسلامیین: ۷۷/۱، الفرق بین الفرق: ۴۴، ۲۳۲، الفصل ابن حزم: ۴۴/۵، الحور العین: ۱۶۸، ملل شهرستانی: ۷۳/۱) از او به عنوان دومین رئیس مغیریه (که در باره آنان بنگرید به مدخل Mughiriyyaدر دائرة المعارف اسلام، چاپ دوم، از W. Madelung)، یکی از فرقه های غالی شیعی که مغیرة بن سعید بجلی (م ۱۱۹) آغازگر آن بود، یاد می کنند. مغیریه، پس از امام باقر (ع) از دعوی شاخه حسنی اهل بیت حمایت کرده و به اردوی محمد بن عبدالله بن حسن نفس زکیه پیوستند، اما به نظر می رسد که جابر به شاخه حسینی و به طور خاص به امام جعفر صادق (ع) وفادار ماند. روایتی در رجال کشی: ۱۹۲ به طور قاطع نکته اخیر را تأیید می کند، اما در عین حال، شاید اشاره به ارتباط احتمالی قبلی میان جابر جعفی و مغیرة بن سعید داشته باشد (نیز بنگرید: مصنف ابن ابی شیبه: ۴۷/۱).

در باره تاریخ درگذشت وی، معتبرترین گزارش ها، سال ۱۲۸ و ۱۳۲ را پیشنهاد می کند. روایتی در فرق الشیعه: ۵۱ و المقالات و الفرق: ۴۳ می گوید که پس از درگذشت عبدالله بن معاویه طالبی در سال ۱۲۹ یا ۱۳۱ گروهی از پیروانش افکار و اندیشه های غالی را مطرح کرده و مدعی آن شدند که جابر جعفی هم دارای همین آراء بوده است. لحن بیان این گزارش شاید اشعاری داشته باشد که جابر در

ص: ۱۳۰

این زمان، درگذشته بوده و بدین ترتیب، امکانا احتمال وفات او را در سال ۱۲۸ اندکی قوی تر سازد.

جابر یک راوی بسیار پرکار حدیث بوده است. برخی از شرح حال نویسان، وی را با تعبیر «من اَوْعیة العلم» وصف کرده اند (تاریخ الاسلام ذهبی: ۸ [سالهای ۱۲۱ ـ ۱۴۰]/۵۹). ترمذی در سنن: ۲۴۸/۱ و ۲۳۳/۶ می گوید که اگر جابر نبود، کوفه (که یک مرکز عمده حدیث در قرن دوم هجری بود) از حدیث تهی می گردید. وی از مشایخ زیادی حدیث شنیده بود، اما بیشتر دانش خود را از امام باقر (ع) دریافت کرده بود: نزدیک به هفتاد هزار حدیث (صحیح مسلم: ۲۰) که خود می گفت که چندین هزار از آن را هرگز برای هیچ کس بازگو نکرده بود (المعرفة و التاریخ: ۷۱۵/۲، برای تحریر دیگری از این خبر بنگرید: کافی: ۱۵۷/۸، رجال کشی: ۱۹۴، اختصاص: ۶۶ ـ ۶۷). گفته شده است که او هیجده سال نزد امام باقر (ع) شاگردی کرد [۸۸] (امالی طوسی: ۲۹۶). روایات او به روشنی نشانه های شاخه مردمی تشیع کوفی اواخر دوره اموی را داراست. یعنی تأکید شدید بر دوستی علی و فرزندانش که جهت گیری فعلی آن عمدتا به سمت شاخه حسینی بود، ودیگر باطن گرایی و تبرّای از خلفای پیش از امام علی (ع) و طبعا از عثمانیه، و انتظار بازگشت و تغییر اوضاع به نفع خاندان پیامبر (ص).

در باره نکته اخیر، نقل های زیادی از او در مورد اندیشه مهدویت وجود دارد که بسیاری از آنها اصیل به نظر رسیده و بازتاب آمال و آرزوهای جامعه شیعه در اواخر دوره اموی است. برخی از این روایات، از یک رهبر انقلابی (یعنی «قائم»، گاهی حتی از «منصور»، یک ایده مهدی گونه شیعیان عراق در دوره اموی[چنان که در ارشاد: ۳۷/۱])[177] از

---

۱۷۷ . برای استعمال بعدی این مفهوم میان اسماعیلیان یمنی، بنگرید: **افتتاح الدعوة**: ۳۲ که به همین روایت که در بالا آوردیم اشاره دارد.

میان خاندان پیامبر سخن می گوید که قیام خواهد کرد و انتقام آنان را از امویان خواهد ستاند (تفسیر فرات: ۳۹۹، تفسیر عیاشی: ۲۹۹/۱). روایات دیگری، از این که هیچ قیامی علیه هشام بن عبدالملک موفق نخواهد شد اظهار حسرت می نمایند (کافی: ۳۹۴/۸ ـ ۳۹۵، کشف الغمه: ۳۵۰/۲ به نقل از دلائل عبدالله بن جعفر حمیری. نیز ببینید تسمیة من روی عن الامام زید: ۴۹ – ۵۲) یا در انتظار رسیدن پرچم های سیاه هستند که به کوفه خواهند آمد و برای مهدی که همان زمان در مکه ظهور کرده بیعت خواهند گرفت (کتاب الفتن نعیم بن حماد: ۲۴۱، غیبت طوسی: ۴۵۲). به هر روی، بیشتر این روایات به طور صادقانه، آمال و آرزوهای آن زمان را منعکس می کنند (برای نمونه

ص: ۱۳۱

بنگرید: غیبت نعمانی: ۳۱۱ ـ ۳۱۲ که در آنجا فرض بر این است که امام باقر (ع) همان قائم خواهد بود). البته گاه برخی از افزوده های بعدی در این روایات، در قالب یک یا دو کلمه یا جمله، به آسانی قابل تشخیص است. نمونه هایی از روایاتی که از جابر جعفی در باره اندیشه «قائم» نقل شده بدین شرح است:

کتاب الفتن نعیم بن حماد: ۲۴۱

تفسیر عیاشی: ۶۴/۱ ـ ۶۶، ۲۴۴ ـ ۲۴۵، ۲۹۱، ۷۶/۲

کافی: ۲۶۴/۱، ۳۰۷، ۳۹۴/۸ ـ ۳۹۵

تأویل ما نزل ابن جحام: ۲۹۵

غیبت نعمانی: ۲۰۰ ـ ۲۰۱، ۲۳۷ ـ ۲۳۸، ۲۵۱، ۲۷۹ ـ ۲۸۲، ۳۰۲، ۳۱۱ ـ ۳۱۲، ۳۳۲

کمال الدین: ۲۸۶، ۳۳۰، ۳۹۴، ۶۴۸، ۶۵۳، ۶۷۳

ارشاد: ۳۷/۱، ۱۸۰/۲ ـ ۱۸۱، ۳۷۴ ـ ۳۷۵، ۳۸۳، ۳۸۶

غیبت طوسی: ۱۸۷، ۳۳۹، ۴۴۱ ـ ۴۴۲، ۴۴۵ ـ ۴۴۶، ۴۵۲، ۴۷۰، ۴۷۱

مجمع البیان: ۱۳۶/۲۷

خرائج (نقل شده در بحار: ۳۳۶/۵۲)

[۸۹] مناقب ابن شهرآشوب: ۲۸۱/۱

تأویل الایات: ۷۳۲ ـ ۷۳۳، ۷۳۴ ـ ۷۳۶، ۷۹۲

با این همه، این گرایش باطنی گرایانه و غلوّ موجود در برخی از روایات جابر بود که بیشترین توجه را به خود جلب کرد. همین امر سبب شده تا او در میان شیعیان غالی از چنان محبوبیتی برخوردار شود که وی را از پیشکسوتان خود شمرده و به عنوان کسی که از اسرار و علوم الهی و مقامات فوق انسانی امامان آگاه بود، یاد کنند. این، به وضوح، مقصود از آن نقل است که می گوید وی بسیاری از احادیث خود را برای دیگران بیان نکرد و از سوی امامان دستور داشت تا بسیاری از آنچه را که از ایشان شنیده بود برای مردم آشکار نسازد (کمال الدین: ۲۵۳) یا آن که سر خود را در چاهی در بیابان فرو برده و اسرار خویش را در چاه بگوید (کافی: ۱۵۷/۸، رجال کشی: ۱۹۴). روایتی در رجال کشی: ۴۸۵ که به روشنی منشأ غالی دارد می گوید که علم امامان به چهار نفر منتهی شد که عبارتند از سلمان فارسی، جابر (که به احتمال قریب به یقین، منظور همین جابر جعفی است نه جابر بن عبدالله انصاری آن گونه که در معجم خویی: ۱۵/۴ استظهار شده)، سید حمیری، و یونس (ظاهرا یونس بن ظبیان غالی [در باره او بنگرید: رجال کشی: ۳۶۳ ـ ۳۶۵] که به عنوان راوی از جابر در کمال الدین: ۲۵۳ ظاهر می شود، نه یونس بن

ص: ۱۳۲

عبدالرحمن غیر غالی، چنان که در رجال کشی آمده است). روایتی دیگر مقام جابر را نزد امامان، برابر با مقام سلمان فارسی نزد پیامبر (ص) می داند، چنان که مقام داود بن کثیر رقّی غالی را مساوی با مقام مقداد بن اسود کندی از اصحاب پیامبر (ص) (اختصاص: ۲۱۶). در موادی که در آغاز توسط غالیان پرداخته شده، چنان که از به کاربردن اصطلاحات آنان استفاده می شود، جابر به عنوان باب امام محمد باقر (ع) یاد شده است (بنگرید: تاریخ الائمة ابن ابی الثلج: ۳۳، انوار ابن همام: ۴۴، دلایل الامامة: ۲۱۷، الدر النظیم: ۶۰۳ [و از اینها در آثار بعدی مانند مصباح کفعمی: ۶۱۱، کاشف الغمة از قمی مشهدی: ۸۶، الفصول المهمه ابن صباغ: ۲۱۱، التتمة فی تواریخ الائمة: ۹۶]) که اشاره به همان دعوی دارد که وی در حریم علوم الهی راه یافته بود. غالیان، معجزات و کراماتی را هم به جابر نسبت داده اند (بنگرید به منابعی که در مدخل مربوط به وی در دائرة المعارف اسلام ذکر شده است. برای برخی موارد این کرامات منسوب به وی بنگرید: رجال کشی: ۱۹۵ ـ ۱۹۸، کتاب جعفر حضرمی: ۸۰، مناقب ابن شهرآشوب: ۱۹۷/۴). از این رو، برخی از مؤلفان متقدم جابر را به عنوان غالی معرفی کرده اند (برای مثال: اعلاق النفیسه ابن رسته: ۲۱۹).

روایات فراوانی از جابر در باره معجزات پیامبر و امامان (علیهم السلام) نقل شده است که می تواند درست و اصیل بوده و نشانگر ذهنیت شاخه ای از تشیع کوفی باشد که جابر نماینده آن بود. بسیاری از این روایات چندان غیر معمول است که شماری از راویان متقدم و حتی برخی از نویسندگان بعدی که مشکلی با روایات معجزات ائمه اطهار (ع) ندارند [۹۰] از آنها رضایت نداشته و آنها را «اعاجیب و غرایب» می نامند (برای نمونه بنگرید: بصائر: ۲۳۸، بحار: ۱۷/۲۶، ۳۰۰/۳۰). در این جا فهرستی از برخی از جالب ترین این روایات را ارائه می کنیم که در آثار متعلق به جریان اصلی شیعه، به خصوص آنان که تمایل به مفوّضه دارند، آمده است:[۱۷۸]

بصائر: ۹۷، ۳۵۰، ۳۵۴ ـ ۳۵۵، ۳۵۷، ۳۷۶، ۳۹۷ (تکرار شده در ۳۹۹)، ۴۰۴ ـ ۴۰۵

کافی: ۳۹۶/۱

رجال کشی: ۱۴ ـ ۱۵

کمال الدین: ۲۵۳ ـ ۲۵۴

اختصاص: ۲۷۲، ۲۹۹، ۳۰۲ ـ ۳۰۳، ۳۱۵ (تکرار شده در ۳۱۷)

ص: ۱۳۳

عیون المعجزات: ۷۸ ـ ۸۳

مناقب ابن شهرآشوب: ۴۵۰/۱، ۲۶۶/۲ ـ ۲۶۷، ۱۴۰/۴ ـ ۱۴۱، ۱۸۳

دلائل الامامة: ۹۲، ۱۰۳ ـ ۱۰۴، ۲۱۲، ۲۲۰، ۲۲۴ ـ ۲۲۶، ۲۴۲، ۲۶۹

خرائج: ۲۴۶، ۲۵۹ ـ ۲۶۰، ۲۷۵ ـ ۲۷۶، ۶۰۵ ـ ۶۰۵، ۷۵۴ ـ ۷۵۵، ۸۱۰ (نیز بحار: ۹۹/۴۷)

---

۱۷۸ . برای موارد مشابه در آثار دیگر فرقه های شیعه برای نمونه بنگرید به: **مناقب الامام امیرالمؤمنین** (ع) ۱۹۲/۲.

بخش هایی از این مواد، نمونه های مشابهی در آثار فرقه های غالی افراطی دارد که از جریان اصلی شیعه امامی طرد شده بودند. (فی المثل در کتاب الهدایة خصیبی: ۱۲۸ ـ ۱۲۹، ۱۶۰، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۲۶ ـ ۲۳۲، ۲۳۹ ـ ۲۴۰). مواردی هم در آثار غلات از جابر نقل شده است که در آثار جریان اصلی شیعه امامی، نیامده است. (برای نمونه: همان: ۴۱ ـ ۴۳، ۷۰ ـ ۷۳، ۱۲۴، ۱۵۳). همچنین است افکار باطنی صرف که در آثار غلات به جابر منسوب گشته و از وجود پیشین ارواح انسان ها در قالب ادوار و اکوار سخن می گوید و به احتمال زیاد مربوط به زمان های بعدی است.[۱۷۹] همین مطلب در باره نقلهایی که فهرست کامل نام دوازده امام را (برای نمونه: غیبت: ۹۳ ـ ۹۴، کمال الدین: ۲۵۳ ـ ۲۵۴، ۲۵۶ ـ ۲۵۷، ۳۱۱، کفایة الاثر: ۵۳ ـ ۵۶، ۲۴۶ ـ ۲۴۸، غیبت طوسی: ۱۳۹، ۱۴۹، مقتضب الاثر: ۳۰ ـ ۳۲) به دست می دهد نیز صادق است. گرچه در اکثر موارد اینچنینی، به نظر می رسد که مطالب یاد شده، در قالب افزودن بر متن قدیم بوده است (در واقع، به نظر می رسد، شایع ترین فرم جعل به صورت داخل کردن مطالب جدید در متون کهن بوده نه این که متن جدیدی از اساس جعل شود و به صورت یک متن و سند قدیمی ارائه گردد).[۱۸۰] [۹۱] همچنین پیشگویی هایی دیگر در باره حوادث آینده در روایات جابر هست. برای نمونه: تفسیر عیاشی: ۶۴/۱ ـ ۶۶ (و از آنجا غیبت نعمانی: ۲۷۹ ـ ۲۸۲، ارشاد: ۳۷۲/۲ ـ ۳۷۳ که در آنجا نزاع های داخلی خاندان عباسی و حوادثی دیگر را پیشگویی می کند)، مقاتل: ۵۲۴ (که قیام ابوالسرایا را در سال ۱۹۹ پیشگویی می کند)، امالی صدوق: ۱۱۹ و عیون اخبار الرضا: ۲۵۷/۲ (که دفن امام رضا (ع) را در طوس پیشگویی می کند)، خرائج: ۷۵۴ ـ ۷۵۵ (نیز الهدایه خصیبی: ۱۲۸ ـ ۱۲۹ و تحریر دیگری از آن در رجال کشی: ۱۹۸ که در آنجا جابر، کندن کانال آب کوفه را در زمان منصور عباسی، پیشگویی می کند). همچنین روایاتی وجود دارد که با حقایق معروف تاریخی ناسازگار است. برای نمونه یکی از آنها نشان می دهد که امام باقر (ع) در

زمان امامت خود، جابر را می فرستد تا جابر بن عبدالله انصاری صحابی معروف پیامبر (ص) را به حضور ایشان بیاورد تا در باره موضوعی شهادت دهد (خرائج: ۵۸۹ ـ ۵۹۳). آن صحابی پیامبر(ص) سالها پیش از امامت امام باقر(ع) وفات یافته بود. نسبت های دروغ به جابر در روایات، امری غیر عادی نبود. نوبختی در فرق الشیعه: ۵۱ از شخصی با نام عبدالله بن حارث یاد می کند که افکار غالی را نشر داده و آنها را به جابر نسبت می داد. شاید این اندکی پس از وفات جابر بوده است (نیز بنگرید: المقالات و الفرق: ۴۳).

گفته می شود که علت عمده ای که سبب شد تا جابر از چشم علمای سنی بیفتد، عقیده اش به رجعت بوده است،[۱۸۱] یعنی این اندیشه که امام علی و اولاد مظلومش، روزی باز خواهند گشت و از دشمنانشان انتقام خواهند گرفت. این تفکر با سوابق مشابه در اندیشه های دینی قبل از اسلام و باورهای دو فرقه سبائی و کیسانی، اندیشه ای رایج در میان شیعیان کوفه در آن زمان بوده و در روایات جابر هم صریحا وجود دارد (تفسیر عیاشی: ۲۵۷/۲، ۳۲۶ [نیز غیبت نعمانی: ۳۳۲، اختصاص: ۲۵۷ ـ ۲۵۸، غیبت طوسی: ۴۷۸ ـ ۴۷۹]، مختصر بصائر: ۱۸، ۲۶، ۲۹، ۳۷ ـ ۳۸، ۳۹. نیز بنگرید: تفسیر

۱۷۹ . در باره این نکته به طور کلی بنگرید: کافی: ۲۵۴/۸، رجال کشی: ۲۹۷، ۲۹۹.

۱۸۰ . برای نمونه بنگرید: مناقب ابن شهر آشوب: ۲۸۲/۱ که در آنجا یک نقل مستقیم از یک اثر جابر آمده و در آن اسامی امامان بعد از امام باقر (ع) به وضوح افزوده شده است; زیرا متن اصلی هنوز تلاش می کند که حقانیت امامت امام باقر (ع) را ثابت کند. نیز بنگرید: کمال الدین: ۲۵۶ ـ ۲۵۷.

۱۸۱ . صحیح مسلم: ۲۰، المعرفة و التاریخ: ۷۱۵/۲ ـ ۷۱۶.

قمی: ۲۵/۱). روایتی در تاریخ دمشق: ۲۸۴/۵۴ گویی جابر را از داشتن این عقیده مبرّا می کند، زیرا از وی نقل می کند که گفته بود هیچ کس در خاندان پیامبر (ص) چنین عقیده ای نداشته است. اما این روایت، نمونه ای است از روش مرسوم و رایج در مجادلات مذهبی آن روزگار که اندیشه ای را با نسبت دادن گفتاری علیه آن به پیشوایان آن مذهب، مورد تردید و تضعیف قرار می دادند، یا از زبان بزرگان مکتب مخالف، مطالبی علیه معتقدات پیروان آن مکتب به دروغ جعل می نمودند. همچنین وی در منابع سنی به این عقیده متهم شده که امام علی (ع) همان دابّة الارض است که یادش در قرآن (نمل: ۸۲) آمده و یکی از آیات الهی است که در روز قیامت ظاهر خواهد شد.[۱۸۲] این عقیده، بخشی از عقیده به رجعت است (تأویل ما نزل: ۲۲۳) و در روایات برجای مانده از جابر آمده است (برای نمونه، همان: ۲۱۱، ۲۱۵). تبرّای از خلفای پیش از امام علی (ع) هم که یکی از ویژگی های عمده شاخه ای از تشیع کوفی بود در روایات جابر، به خوبی دیده می شود، گرچه روایاتی هم نقل شده که خلاف آن را بیان می کند [۹۲] (برای نمونه: معجم اوسط طبرانی: ۳۲۲/۷، حلیة الاولیاء: ۱۸۴/۳ ـ ۱۸۵ [و از

ص: ۱۳۵

آنجادر تاریخ دمشق: ۲۸۶/۵۴])، ولی این روایات هم عمدتا علیه شیعه و برای تضعیف مواضع و احتجاجات آنان جعل شده، نه این که بخواهد جابر را تبرئه کند.

میزان مسؤولیت واقعی جابر در مورد روایات باطنی گرا و غلوآمیز منسوب به او هر اندازه بوده باشد، آن منقولات، علمای شیعه بعدی از جمله شخصیت بارزی چون شیخ مفید را بر آن داشت که نه تنها در روایات او بلکه در عقیده شخصی او هم تردید کنند (نجاشی: ۱۲۸. نیز بنگرید: خلاصة الاقوال: ۳۵، رجال ابن داود: ۴۳۳ ـ ۴۳۴). تردیدهای دیگری هم در باره روایات وی در میان شیعه، از زمان های بسیار دور وجود داشت (بنگرید: بصائر:۲۳۸، ۴۵۷، رجال کشی: ۱۹۲، اختصاص: ۲۰۴). علمای حدیث شیعه، همچنین یادآور شده اند که بیشتر راویان از جابر، به طور کلی، ناموثق شناخته می شدند و بنابر این صرف نظر از موقعیت شخصی خود او، بیشتر روایات منسوب به او به هر حال غیر معتبرند. با این همه، بیشتر مواد منسوب به وی، از نظر شکل و محتوا منسجم بوده و با یکدیگر همخوانی دارد و می توان گفت آن نقلها، منعکس کننده مواضع و معتقدات رایج میان بخشی از تشیع کوفه در آن زمان بوده است. چنان که از این زاویه به مسأله نگریسته شود، روایات جابر می تواند به عنوان گزارش با ارزشی از عقاید و گفتمان یک مکتب متقدم ابتدایی و عامیانه رایج میان شیعیان کوفه در دوره اموی تلقی و ارزیابی شود.

جابر یکی از معدود علمای متقدم حدیث بود که آنچه را می شنیدند به صورت مکتوب ثبت می کردند (تقیید العلم: ۱۰۹). چنان که معروف است، این رویّه، برخلاف روش بسیاری از همقطاران وی در طبقه او بوده است.[۱۸۳] با این حال، روایتی از وی علیه نوشتن حدیث نقل می شود با این استدلال که این کار، مردم را از قرآن غافل می سازد (مصنف ابن ابی شیبه: ۵۲/۹) که ظاهرا نسبت چنین استدلال به کسی که می گفت تنها هفتادهزار حدیث از یکی از مشایخش شنیده چندان پذیرفتنی نیست، مگر آن که منظور، محکوم کردن روش سنیان آن زمان در اهتمام به انظار منسوب به صحابه و تابعین باشد. در نقلی دیگر در المعرفة و التاریخ: ۱۳/۳ جابر وقتی متوجه می شود که دو تن از شاگردانش مطالبی را که

---

۱۸۲ . برای تاریخ این باور بنگرید: طبقات ابن سعد: ۲۸/۳، انساب الاشراف: ۳۶۰/۲، ضعفاء عقیلی: ۶۳/۲، میزان الاعتدال: ۵۲/۲.

۱۸۳ . بنگرید به مقاله «مایکل کوک» تحت عنوان The Opponents of Writing of Tradition in Early Islam در Arabica، ش ۴۴ (۱۹۹۷): ۴۳۷ ـ ۵۳۰ (ترجمه آن در مجله علوم حدیث (ش ۸ ـ ۱۰) چاپ شده است – مترجم).

از وی شنیده اند یادداشت می کنند، ناراحت شد. ولی در این مورد، شاگردان خود اعتراض جابر را چنان تلقی کردند که نگرانی او

ص: ۱۳۶

نه از اصل نوشتن حدیث بلکه از آنانی است که می نوشتند.

جابر شاگردان فراوانی داشت که برخی از آنان می توانستند تا ده هزار حدیث از وی شنیده باشند. در واقع این رقمی است که قاضی برجسته کوفه شریک بن عبدالله نخعی (م ۱۷۷) می گفت که از جابر شنیده است (میزان الاعتدال: ۲۲۰/۲). برخی از شاگردان جابر، مسموعات خود از وی را می نوشتند. یحیی بن سعید قطان (م ۱۹۸) طوماری از یکی از مشایخ خود دریافت کرد که روایات جابر در آن نوشته شده بود (المعرفة و التاریخ: ۱۵۶/۲). احمد بن حنبل، [۹۳] در حال استنساخ دفتر حدیثی که زهیر (م ۱۷۳) ـ یکی دیگر از شاگردان جابر ـ از روایات او نوشته بود، دیده شد (شرح علل الترمذی ابن رجب: ۳۸۵/۱ ـ ۳۸۶). یکی از آثار برجای مانده از حدیث متقدم شیعی، کتاب جعفر بن محمد بن شریح حضرمی، اساسا دفتری است که راوی آن حُمَید بن شعیب از جابر شنیده با روایات اندکی از دیگران در پایان آن، از جمله یک یا دو نمونه از جابر اما از طریقی دیگر. طوسی از دو اثر عمرو بن ابی المقدام، راوی از جابر، یاد می کند که محتویات یکی از آنها تماما از جابر نقل شده بوده است (فهرست طوسی: ۱۱۱). هر دو اثر، باقی مانده (خصال: ۳۶۴ ـ ۳۸۲، احتجاج: ۱۹۲/۱ ـ ۲۱۰) و هر دو مجموعه مطالبی است که تماما از جابر شنیده شده است. یک نمونه باقی مانده دیگر کتاب صفة الجنة و النار از سعید بن جناح کوفی (نجاشی: ۱۹۱) است که به طور کامل در اختصاص: ۳۴۵ ـ ۳۶۵ نقل شده است. بخش مربوط به وصف دوزخ (صص ۳۵۹ ـ ۳۶۵) به طور کامل از جابر و به احتمال زیاد از تفسیر اوست، با چهار نقل کوتاه از دیگران در پایان.

نجاشی: ۱۲۹ از هشت اثر جابر یاد می کند که جز یک مورد احتمالی، هیچ یک به صورت اصلی باقی نمانده، گرچه بندهایی از برخی از آنها در آثار بعدی یافت می شود، چنان که نقل های گسترده ای هم از جابر در باره برخی از آن موضوعات در کتابهای بعدی وجود دارد که از طُرُقی که نجاشی برای آن آثار یاد کرده، روایت شده است. این نشان می دهد که نقلها به احتمال قریب به یقین باید از اثر مربوط باشند. همچنین نجاشی: ۲۸۷ از عمرو بن شِمْر (شَمِر) جعفی، یکی از راویان عمده از جابر، یاد می کند که موادی به کتابهای جابر افزوده و لذا برخی از آثار جابر، به عمرو نیز منسوب می شده است. نجاشی می افزاید که این مسأله، وضعیت را مشتبه و پیچیده ساخته است. با این حال، همچنان که ذیل عنوان کتاب صفین خواهیم دید، به نظر می رسد افزوده های عمرو به شکل مطالب الحاقی به نقل از مشایخ دیگر بوده ، بدون انتساب آنها به جابر، و ظاهرا بدون تصرف در مواد اصلی کتاب. نجاشی در پایانِ فهرست تألیفات جابر یادآور می شود که آثار دیگری هم به جابر منسوبند که در واقع، جعلی

ص: ۱۳۷

هستند. به نظر می رسد این، اشاره به رساله هایی باشد که غالیان ساخته بودند، مانند آنچه که به طور کامل در الهدایة خصیبی: ۲۲۶ ـ ۲۳۲ و بحار: ۸/۲۶ ـ ۱۷ نقل شده است. نجاشی از متنی منسوب به جابر، تحت عنوان نامه ابوجعفر (امام باقر) به مردم بصره یاد می کند. تستری در قاموس: ۵۴۳/۲ می گوید که این نامه از ابوجعفر ثانی (امام

جواد) می باشد که محمد بن سنان زاهری غالی (م ۲۲۰) آن را نقل کرده، چنان که در فهرست طوسی: ۱۳۱ یاد شده است. تستری، نجاشی را به خاطر این اشتباه سرزنش می کند، اما هیچ دلیلی نیست که فی الواقع آن متن را محمد بن سنان به عنوان نامه ابوجعفر باقر نقل نکرده و شاید این طوسی (که به دلیل عدم نقل آن متن در آثار روایی خویش امکانا آن متن را خود ندیده) ـ یا به تعبیر دقیق تر، منبع او ـ بود که در اسناد آن به امام جواد (ع) دچار اشتباه شده بود.

در اینجا فهرستی از آثار جابر به ترتیبی که نجاشی ذکر کرده است، ارائه می شود:

[۹۴] ۱ ـ کتاب التفسیر

نجاشی و طوسی در فهرست: ۴۵ این کتاب را با اِسنادهای متفاوت دریافت کرده اند. اشاره ای هم به «تفسیر جابر» در رجال کشی: ۱۹۲ آمده است که می تواند اشاره به این کتاب او باشد یا تفسیری که جابر از آیه ای مشخص از قرآن کرده بود. این که جابر به دانش تفسیر قرآن و علاقه به آن معروف بوده، از روایتی در حلیة الاولیاء: ۱۸۱/۳ نیز به دست می آید که در آن، در شرح جریان دیدار او و گروهی دیگر با امام باقر (ع)، حضرت به او رو کرده و می پرسد که علمای (سنی) عراق در باره معنی آیه ای از قرآن چه می گویند. روایتی در صحیح مسلم: ۲۰ ـ ۲۱ (نیز در المعرفة و التاریخ: ۷۱۵/۲ ـ ۷۱۶ و برخی منابع دیگر) نشان می دهد که مردم از جابر در باره معنی آیات قرآن پرسش می کردند (باز ببینید: تفسیر قمی: ۲۵/۱).

به نظر می رسد که این کتاب در دانش تفسیر، معروفیتی داشته است. عنوان مدخل مربوط به جابر در اختصاص: ۲۰۴ به این صورت است: «جابر بن یزید جعفی مؤلف کتاب تفسیر». خصیبی در الهدایه: ۱۸ و ابن شهرآشوب در مناقب: ۲۸۱/۱ ـ ۲۸۲ (و از آنجا، بدون ذکر منبع، در العدد القویة: ۸۵ ـ ۸۶، الدر النظیم: ۷۹۲)، ۱۶۸/۲ ـ ۱۶۹، ۱۸۸ به طور مستقیم از این کتاب نقل می کنند. این نقلها، قطعات کوتاهی است، اما دو نقل طولانی از جابر در کافی: ۳۷۹/۸ ـ ۳۸۱ و صفة الجنة و النار سعید بن جناح: ۳۵۹ ـ ۳۶۵ آمده است که به احتمال زیاد از همین کتاب تفسیر و نشانگر سبک اصلی کتاب می باشد، چیزی که تشخیص آن در نقلهای کوتاه دشوار است. در تأویل الایات: ۵۲۸ ـ ۵۲۹، ۷۳۴ ـ ۷۳۹ دو نقل مشابه اضافی با همین سبک و رنگ وجود دارد.

ص: ۱۳۸

مورد دوم که مشتمل بر تفسیر یازده آیه آخر سوره مدّثر است (تفسیر جابر از آیات ۸ ـ ۱۰ این سوره در همان اثر: ۷۳۲ ـ ۷۳۳ آمده است)، با این عبارت شروع می شود: «جاء فی تفسیر اهل البیت رواه الرجال عن عمرو بن شمر عن جابر بن یزید عن ابی جعفر» (همان: ۷۳۴). اگر فرض کنیم که پیش از جمله «رواه الرجال» در این عبارت، کلمه «الذی» افتاده و منظور از تفسیر، کتاب تفسیر و نه توضیح ائمه در مورد آیه یا آیاتی خاص باشد، این عبارت نشانگر آن خواهد بود که تفسیر جابر به نام «تفسیر اهل بیت» شناخته می شده است. آقابزرگ در ذریعه: ۲۶۲/۴ از یک نسخه خطی قرن هفتم با عنوانی مشابه یاد می کند که آن را در یک کتابخانه خصوصی در تهران دیده بود.

نقلهای بسیاری در تفسیر قرآن از جابر در آثار تفسیری شیعه و سنی موجود است که بیشتر آنها به احتمال زیاد از همین کتاب می باشد. فهرستی ناقص از این نقلها چنین است:

کتاب جعفر حضرمی: ۶۳، ۶۶، ۷۰، ۷۴

مسند طیالسی: ۴۶۲/۲ (نیز تفسیر طبری: ۱۸۵/۲۷، معجم کبیر طبرانی: ۴۰/۷، صفة الجنة ابونعیم: ۲۲۹/۳)

صفة الجنة و النار سعید بن جناح: ۳۵۶ ـ ۳۵۸، ۳۵۹ ـ ۳۶۵

[۹۵] مصنف عبدالرزاق: ۳۷۰/۳ ـ ۳۷۱

تفسیر او: ۴۷۹/۱

زهد حسین بن سعید: ۵۳

محاسن: ۱۵۱، ۱۵۲، ۲۲۴، ۲۲۷ (ش ۱۵۶)، ۲۴۹ ـ ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۹۹، ۳۰۰

اخبار مکه فاکهی: ۲۷۵/۴ (نیز تاریخ طبری: ۲۷۶/۱)

مسائل الامام احمد بن حنبل صالح بن احمد: ۴۸/۲

مسائل الامام احمد بن حنبل ابن هانیء: ۲۱۲/۲

الهمّ و الحزن ابن ابی الدنیا: ۹۴

بصائر: ۵۵ ـ ۵۶، ۷۰، ۷۶، ۱۹۳، ۲۰۸ ـ ۲۰۹، ۲۱۳، ۲۹۴، ۳۵۴ ـ ۳۵۵، ۳۵۷، ۴۴۶ ـ ۴۴۹

تفسیر عیاشی: ۱۱/۱، ۱۲، ۲۶ ـ ۲۹، ۳۹ ـ ۴۱، ۴۱ ـ ۴۲، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۹، ۶۱، ۶۴ ـ ۶۶، ۶۷، ۷۲، ۸۶، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۴۱، ۱۶۵ ـ ۱۶۶، ۱۷۱، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۷ ـ ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۲۷، ۲۴۴ ـ ۲۴۵، ۳۲۶، ۳۳۰، ۳۵۱ ـ ۳۵۲، ۳۶۶، ۳۸۸ ; ۴۱/۲، ۵۰، ۵۲، ۷۶، ۸۴، ۸۶، ۹۵ ـ ۹۶، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۴۲ ـ ۱۴۳، ۱۸۴، ۱۸۸، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۱۱، ۲۲۸، ۲۳۵، ۲۴۰ ـ ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۸ ـ ۲۴۹، ۲۵۶ ـ ۲۵۷، ۲۵۷ ـ ۲۵۸، ۲۸۰، ۲۹۰، ۳۰۴، ۳۱۷، ۳۲۶، ۳۵۰، ۳۵۱

ص: ۱۳۹

مناقب الامام امیرالمؤمنین (ع)محمد بن سلیمان: ۱۳۰/۱، ۱۹۴

اخبار القضاة: ۴۲/۱

تفسیر طبری: ۲۴۱/۱، ۲۶۱، ۴۶/۲، ۱۸۶، ۳۳۷/۳ (بخوانید: «جابر عن عامر» به جای «جابر بن عامر»، چنان که مصحح نیز در پاورقی ش ۲ یادآور شده است)، ۱۸۱/۵، ۲۱۶، ۴۴/۶، ۱۲۹، ۵۷/۸، ۷۹/۹، ۱۵/۱۲، ۸۶/۲۳، ۸۶/۲۴ ـ ۸۷

تاریخ طبری: ۲۶۶/۱، ۲۶۹ (با دو تحریر متضاد)، ۲۷۶، ۳۲۹

جزء ابن خزیمه (ازبک: ۱۷۵۵)

تفسیر ابن ابی حاتم: ۹۲۳، ۱۱۱۹

کافی: ۳۸/۱، ۱۷۳، ۲۱۸ ـ ۲۱۹، ۲۲۶، ۲۳۰، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۴، ۴۵۱، ۹۳/۲ (بخشی از متن منقول در تفسیر عیاشی: ۱۸۸/۲، التمحیص: ۶۳، سعد السعود: ۲۴۲ به نقل از تفسیر ابن عقده)، ۶۰۱، ۶۴۹، ۲۳۱/۳ ـ ۲۳۴، ۲۵۹، ۴۶۶/۶، ۶۰/۸، ۹۰، ۳۱۲ ـ ۳۱۳، ۳۴۴ ـ ۳۴۵، ۳۷۹ ـ ۳۸۱

تفسیر فرات: ۵۴، ۷۳ ـ ۷۵، ۹۳، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۳۲، ۱۴۶، ۲۲۸ ـ ۲۳۰، ۲۴۱، ۲۶۰، ۲۸۲، ۲۹۱، ۲۹۸، ۳۲۵، ۳۲۹، ۳۶۴، ۳۶۶، ۳۶۹، ۳۹۹ ـ ۴۰۰، ۴۰۸ ـ ۴۰۹، ۴۵۳ ـ ۴۵۴، ۴۶۵، ۴۶۷، ۴۶۸، ۵۰۹، ۵۸۳ ـ ۵۸۴

[۹۶] تأویل ما نزل من القرآن: ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۲۹، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۹۴ ـ ۱۹۵، ۲۱۱، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۴۲، ۲۴۵ ـ ۲۴۶، ۲۵۷، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۳۰۱، ۳۰۳، ۳۱۸، ۳۱۹ ـ ۳۲۰، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۳۷ ـ ۳۳۸، ۳۵۱، ۳۵۷، ۳۶۶، ۳۷۶، ۳۷۷، ۴۰۲، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۳ ـ ۴۱۴، ۴۲۷ ـ ۴۲۸، ۴۳۱ ـ ۴۳۲، ۴۵۱، ۴۷۴، ۴۷۵ ـ ۴۷۶

التمحیص: ۶۳

غیبت نعمانی: ۱۳۱ ـ ۱۳۲، ۲۵۱

تفسیر قمی: ۲۷/۱ ـ ۲۸، ۳۶ ـ ۴۱، ۳۳۹ ـ ۳۴۱، ۳۶۱، ۳۶۹ ـ ۳۷۰، ۱۴/۲، ۲۷ ـ ۲۸، ۶۵ ـ ۶۶، ۱۰۴، ۱۱۰ ـ ۱۱۱، ۱۶۵ ـ ۱۶۶، ۲۵۵، ۲۹۷ ـ ۲۹۸، ۳۹۱، ۴۰۷، ۴۲۱

شرح الاخبار: ۲۳۴/۱، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۹

معجم اوسط طبرانی: ۱۸/۶

معجم کبیر او: ۴۰/۷ (دو روایت)، ۱۴۳/۹

عمل الیوم و اللیلة ابن السنّی: ۲۰۹ ـ ۲۱۰ (بخشی از آن نیز در معجم کبیر طبرانی: ۱۰۸/۱، تفسیر ابن کثیر: ۵۲۶/۱)

کامل ابن عدی: ۱۷۸۰

ص: ۱۴۰

من لایحضر: ۵۸/۳

علل الشرایع: ۹۸/۱ ـ ۱۰۰، ۱۱۷ ـ ۱۱۸

کمال الدین: ۲۵۳ ـ ۲۵۴، ۲۵۶ ـ ۲۵۷، ۳۹۴

خصال: ۱۳۲، ۶۵۲

معانی: ۵۸ ـ ۶۲، ۶۳، ۱۰۴ ـ ۱۰۵، ۱۶۷، ۲۲۸، ۴۰۰ ـ ۴۰۱

صفات الشیعة: ۲۰۲ ـ ۲۰۳

توحید: ۶۶ ـ ۶۷، ۱۵۹، ۲۷۷

اختصاص: ۱۸، ۲۳، ۱۲۸ـ ۱۳۰، ۲۷۸، ۳۰۲ ـ ۳۰۳، ۳۳۲، ۳۳۴

الکشف و البیان ثعلبی (ازبک: ۱۳۷۵. همین روایت به نقل از ثعلبی در خصائص ابن بطریق: ۲۲۵، ۲۲۹ نیز نقل شده است)

امالی ابوطالب: ۴۱۸

تسمیة من روی عن الامام زید: ۴۹

حلیة الاولیاء: ۱۸۱/۳، ۱۹۰

امالی طوسی: ۲۳۲ ـ ۲۳۳، ۲۵۵، ۲۷۲، ۳۴۶

تبیان: ۱۴۲/۲، ۱۶۸، ۲۴۴/۵، ۳۸۴/۶، ۱۳/۹، ۵۴۴

شواهد التنزیل: ۳۹/۱، ۷۶، ۳۵۷ ـ ۳۵۸، ۳۶۳ ـ ۳۶۴، ۳۹۸، ۴۲۰ ـ ۴۲۲، ۴۳۴ ـ ۴۳۶، ۴۵۷، ۴۶۹، ۴۹۱ ـ ۴۹۲، ۵۸۳، ۱۶۴/۲، ۱۷۵، ۱۸۲ ـ ۱۸۳، ۳۰۹، ۳۶۸، ۳۸۳، ۳۸۸، ۳۸۹، ۴۳۰، ۴۶۰ ـ ۴۶۲، ۴۶۴ ـ ۴۶۶

مناقب علی بن ابی طالب ابن مغازلی: ۲۶۷

مجمع البیان: ۳۳۶/۱، ۶۵/۲، ۱۳۸، ۱۶۲، ۲۴۵/۴، ۱۵۷/۱۰، ۱۵۹، ۱۶۸/۱۳، ۷۷/۱۴، ۱۸۹/۱۹، ۱۳۰/۲۳، ۱۳۶/۲۷، [۹۷] ۳۹/۲۹، ۵۱، ۷۵/۳۰

قصص الانبیاء راوندی: ۳۵ ـ ۴۰، ۷۶ ـ ۷۷، ۱۹۰ ـ ۱۹۱، ۲۲۰، ۲۴۶، ۲۴۷

مناقب ابن شهرآشوب: ۲۸۱/۱، ۲۸۲ ـ ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۹/۲، ۱۶۸ ـ ۱۶۹، ۱۸۸، ۲۶۶ ـ ۲۶۷، ۱۷۸/۴

شافی عبدالله بن حمزه: ۱۰۸/۳

دلائل الامامه: ۵۳، ۹۲

مشکات الانوار: ۹۹

تأویل الایات (به جز آنچه که از ابن جحام و منابع دیگر مذکور در بالا نقل شد): ۱۹۳، ۳۶۳ ـ ۳۶۴، ۳۹۷ ـ ۳۹۹، ۵۰۴ ـ ۵۰۶، ۵۲۸ ـ ۵۲۹، ۵۳۱، ۵۵۰، ۶۰۹، ۷۱۶، ۷۳۲ ـ ۷۳۳، ۷۳۴ ـ ۷۳۶، ۷۹۲،

ص: ۱۴۱

۸۰۷ ـ ۸۰۸، ۸۲۹ ـ ۸۳۰

۲ ـ کتاب الفضائل

بیشتر بندهایی که در بخش پیش، ذیل عنوان کتاب التفسیر فهرست شد، مناسب این کتاب نیز می باشد، زیرا تلاش عمده جابر در تفسیرش بر آن بود تا ثابت کند که هرجا در قرآن ستایشی آمده، مقصود امام علی (ع)، فرزندان و شیعیان اوست، همان طور که دشمنان آنان مصداق آیاتی هستند که در محکومیت و ذم کسانی آمده است. آنچه ذیلا خواهد آمد، فهرست پاره ای از نقلهای جابر در باره فضائل است که عمدتا، و نه همه آنها، در باره خاندان پیامبر(ص) و شیعیان می باشد و در شکل تفسیر قرآن نیست:

کتاب جعفر حضرمی: ۶۰ ـ ۶۵

مسند طیالسی: ۱۰۶/۲ (نیز در طبقات ابن سعد: ۱۱۲/۱، مصنف عبدالرزاق: ۴۹۴/۷، مصنف ابن ابی شیبه: ۳۷۹/۳، مسند احمد: ۲۸۳/۴، مسند رویانی: ۲۴۷/۱)

مصنف عبدالرزاق: ۳۴۶/۱، ۳۴۷

طبقات ابن سعد: ۱۸/۳، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۴۸/۵، ۲۵۷/۶، ۲۴/۸، ترجمة الامام الحسین: ۳۸

فضائل احمد: ۶۸۲، ۷۶۴، ۷۹۲

مسند او: ۲۳۲/۱ (نیز جزء فیه من حدیث لُوَین: ۱۱۰)

المعرفة و التاریخ فسوی: ۵۳۹/۱

سنن ترمذی: ۲۴۷/۱، ۱۵۱/۶

[۹۸] محاسن: ۱۳۴، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۸۶، ۲۲۷ (بند ۱۵۷)، ۳۸۷

فضائل رمضان، ابن ابی الدنیا: ۴۶ ـ ۴۸

اخوان او: ۱۷۷

العیال همو: ۲۱۰

انساب الاشراف: ۱۳۴/۲

مسند بزار: ۱۰۲ ـ ۱۰۳

بصائر: ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۵ ـ ۱۶، ۲۱، ۴۹، ۷۵، ۹۰، ۹۵، ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۱۷، ۱۴۴، ۱۸۲، ۱۸۸، ۱۹۳، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۸۹، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۹ ـ ۳۱۰، ۳۷۶، ۳۹۷، ۳۹۹، ۴۱۳ ـ ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۴۷، ۴۵۴

مناقب الامام امیرالمؤمنین (ع): ۲۹۷/۱، ۳۵۰، ۳۹۴، ۴۷۸، ۴۸۰، ۵۲۲، ۵۸/۲ ـ ۵۹، ۶۰ ـ ۶۱، ۱۰۷، ۱۹۲، ۲۳۲ ـ ۲۳۳، ۲۸۶، ۲۸۷

ص: ۱۴۲

تاریخ طبری: ۲۰۹/۴، ۲۸۵، ۵۰۰

ضعفاء عقیلی: ۳۱۲/۲

کافی: ۳۰۷/۱، ۳۹۶، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۶۰، ۴۶۷، ۷۴/۲، ۲۳۵، ۱۸/۸ ـ ۳۰، ۷۰ ـ ۷۲، ۱۵۹، ۱۷۰ ـ ۱۷۳، ۶، ۳۹۴ ـ ۳۹۵، ۳۳۶

رجال کشی: ۱۹۳ ـ ۱۹۴

شرح الاخبار: ۲۷۲/۲ ـ ۲۷۳، ۳۲۲ ـ ۳۲۳

مقاتل الطالبیین: ۵۰، ۱۳۰، ۵۲۴

اخبار الحسن طبرانی: ۵۸، ۶۲

معجم اوسط او: ۱۸۷/۴، ۳۳۲/۷

معجم کبیر همو: ۳۶/۳، ۱۱۸/۱۱، ۲۳۹

المحدث الفاصل: ۶۰۱

کامل ابن عدی: ۵۴۲، ۱۵۴۹، ۱۷۸۰

امالی صدوق: ۶۰، ۷۳ ـ ۷۴، ۷۸، ۳۴۱، ۴۰۸ ـ ۴۰۹، ۴۷۲، ۷۷۰ ـ ۷۷۱

فضائل الشیعة: ۲۷۴

علل الشرائع: ۱۲۷/۱، ۱۷۲، ۱۳۵، ۲۲۲، ۲۲۳

عقاب الاعمال: ۲۴۸

کمال الدین: ۲۷۹، ۲۸۶، ۳۱۱، ۳۳۰، ۶۴۸، ۶۵۳، ۶۷۳

خصال: ۷۶، ۱۴۷، ۲۱۷ ـ ۲۱۸، ۲۱۹ ـ ۲۲۰، ۳۶۰، ۴۲۹، ۵۱۶، ۵۸۱، ۵۸۴، ۶۵۰

صفات الشیعة: ۲۰۰ ـ ۲۰۱

توحید: ۲۱، ۱۳۸

امالی مفید: ۷۴، ۷۶ ـ ۷۸ (تکرار شده در ۳۴۶ ـ ۳۴۷)، ۱۱۸، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۷، ۳۱۱

مسار الشیعة: ۵۶ ـ ۵۷ (و از آنجا در مصباح المتهجد: ۸۰۱)

ارشاد: ۳۷/۱، ۴۱ ـ ۴۲، ۷۵، ۱۴۳، ۱۶۰، ۱۸۰ ـ ۱۸۱

اختصاص: ۲۶، ۲۲۴، ۲۸۰، ۲۹۹، ۳۱۵، ۳۱۷

مائة منقبة: ۱۶۹

امالی ابوطالب: ۸۷ ـ ۸۸، ۱۴۸
[۹۹] فضیلة العادلین، ابونعیم: ۱۱۱ ـ ۱۱۳
حلیة الاولیاء: ۱۸۲/۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۵/۴

ص: ۱۴۳

زین الفتی: ۲۲۷/۲
امالی طوسی: ۷۹ ـ ۸۰، ۸۴، ۲۳۲ ـ ۲۳۳، ۲۷۳، ۲۹۶، ۴۳۱، ۷۳۵ ـ ۷۳۶
موضح خطیب: ۸۱
متفق او: ۹۶۷ ـ ۹۶۸
تلخیص المتشابه همو: ۲۳۱، ۷۶۲
الاربعین عن الاربعین: ۶۳
قصص راوندی: ۲۲۹ ـ ۲۳۰، ۲۵۴ ـ ۲۵۵، ۲۶۲، ۲۸۸
مناقب ابن شهرآشوب: ۲۸۸/۲، ۳۶۴، ۳۶۸، ۶۸/۳، ۷۸، ۱۱۱، ۲۳۲، ۲۵۱، ۳۲۵، ۱۶۷/۴، ۱۸۵، ۱۸۸، ۲۰۶
تاریخ دمشق: ۱۷۰/۱۴، ۱۴۱/۴۲ ـ ۱۴۲، ۲۴۲، ۳۳۳، ۳۶۷، ۳۹۶، ۴۸۷، ۲۸۱/۵۴، ۲۸۴، ۲۸۶
شافی عبدالله بن حمزه: ۱۰۳/۱
عقد الثمین همو: ۹۱ ـ ۹۲
بشارة المصطفی: ۱۲ ـ ۱۳، ۱۴ ـ ۱۵، ۱۷ ـ ۱۸، ۴۹، ۶۳، ۶۵ ـ ۶۶، ۹۲، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۴۸، ۱۶۱ ـ ۱۶۲، ۱۸۹، ۱۹۳
شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۱۰۴/۴، ۱۰۵، ۱۰۸، ۲۹/۱۶، ۲۱۱
اقبال ابن طاوس: ۳۷/۲ ـ ۳۸
اعلام دیلمی: ۱۱۹، ۴۵۱، ۴۶۱
اصابه ابن حجر: ۳۸/۱
بحار الانوار: ۱۵/۲۳، ۴۲/۶۸ (به نقل از ریاض الجنان فضل الله بن محمود)

نقلهای بسیاری از این نوع از جابر در آثار غالیان آمده است که علی الرسم به زبان و مصطلحات مخصوص خود آنان است، ولی گاهی نقل هایی هست که ممکن است از آثار شیعه گرفته شده باشند، مانند این چند مورد:

کتاب الهفت: ۱۹۲
الهدایه خصیبی: ۳۷۷ ـ ۳۷۸
رساله محمود بعمره: ۲ ـ ۴

۳ ـ کتاب الجمل

برخی از نقلهای مربوط به این موضوع از جابر به شرح زیر است:

ص: ۱۴۴

[۱۰۰] تاریخ طبری: ۵۰۰/۴، ۵۱۲
تأویل ما نزل من القرآن: ۴۷۲
معجم اوسط طبرانی: ۱۸/۴
علل الشرائع: ۲۴۲/۲ (نیز خصال: ۶۵۰)
خصال: ۴۹
امالی مفید: ۲۹۵ ـ ۲۹۸ (واز آنجا در امالی طوسی: ۷۰ ـ ۷۲ ([با اختلافات])
کافئه او: ۱۴ ـ ۱۵، ۱۸ ـ ۱۹، ۲۴ ـ ۲۵، ۳۱ ـ ۳۲
شافی سید مرتضی: ۳۴۴/۴ (واز آنجا در تلخیص الشافی شیخ طوسی: ۱۳۵/۳)
خرائج: ۹۷
مناقب ابن شهرآشوب: ۲۰۳/۳
شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۱۰۴/۴ (احتمالا)، ۱۱/۱۴ ـ ۱۳

۴ ـ کتاب صفین

عمده مواد این کتاب در وقعة صفین نصر بن مزاحم باقی مانده است به این شرح: وقعة صفین: ۱۵۶ ـ ۱۵۷، ۱۶۷، ۱۶۹ ـ ۱۷۰، ۱۷۴ ـ ۱۸۳، ۲۰۲ ـ ۲۰۳، ۲۰۴ ـ ۲۰۷، ۲۲۱ ـ ۲۲۲، ۲۳۰، ۲۳۶ ـ ۲۴۶، ۲۵۰، ۲۷۲ ـ ۲۷۳، ۲۹۳ ـ ۲۹۵، ۲۹۵ ـ ۲۹۶، ۲۹۸ ـ ۲۹۹، ۳۰۱ ـ ۳۰۲، ۳۱۳ ـ ۳۱۵، ۳۱۵ ـ ۳۱۷، ۳۴۰، ۳۴۳ ـ ۳۴۹، ۳۷۱ ـ ۳۷۲، ۴۵۷ ـ ۴۶۲، ۴۷۸ ـ ۴۸۲، ۵۰۰، ۵۰۴ ـ ۵۰۸، ۵۵۴ ـ ۵۵۹. همه این نقلها (به استثنای نقلی که در صفحه ۲۹۵ ـ ۲۹۶ آمده) از جابر به روایت عمرو بن شمر است که بر اساس گفته نجاشی: ۱۲۹ راوی کتاب بوده است. همچنین نقلهای متعددی از خود عمرو در این کتاب آمده است (۱۷۰ ـ ۱۷۲، ۲۳۱، ۲۷۴ ـ ۲۷۵، ۳۲۷، ۳۳۹، ۳۴۲ ـ ۳۴۳، ۳۵۳ ـ ۳۶۲، ۳۶۷ ـ ۳۶۹، ۴۳۳ ـ ۴۳۹، ۴۷۳ ـ ۴۷۶، ۴۷۷ ـ ۴۷۸، ۵۲۴ ـ ۵۲۷) که یا از افراد دیگری که نام برده روایت کرده و یا بدون ذکر منبع نقل کرده است. این نقلها، همان گونه که نجاشی یادآور شده باید موادی باشد که عمرو بر کتاب جابر افزوده بود.

مطالب دیگری که از جابر در باره جنگ صفین روایت شده می توان در آثار زیر یافت:

غارات: ۴۲ ـ ۴۳، ۱۲۴ ـ ۱۲۵ (بخوانید «جابر الجعفی» به جای «سالم الجعفی»، چنان که مصحح کتاب نیز در پاورقی ش ۳ در ص ۱۲۴ یادآور شده است)
کافی: ۳۵۲/۸ ـ ۳۶۰
الهدایه خصیبی: ۱۲۴

ص: ۱۴۵

امالی صدوق: ۴۹۰ ـ ۴۹۱
اختصاص: ۸۱ ـ ۸۲
تاریخ دمشق: ۱۳۶/۵۹ ـ ۱۳۷
شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۱۹۵/۲
مختصر بصائر: ۲۹
[۱۰۱] به احتمال قطعات زیر در باره حوادث بعد از جنگ مذکور نیز از همین کتاب است:
تاریخ طبری: ۶۳/۵ ـ ۶۴، ۹۲
شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۷۵/۶

۵ ـ کتاب النهروان

یک متن طولانی مشتمل بر پاسخ های امام به پرسشهای رئیس یهودیان (کوفه؟) پس از بازگشت از نهروان که در خصال: ۳۶۴ ـ ۳۸۲ نقل شده می تواند از همین کتاب بوده باشد. خطبه ای نیز که گفته می شود امام علی (ع) پس از بازگشت از نهروان به کوفه ایراد کرده و شیخ صدوق آن را از جابر در معانی الاخبار: ۵۸ ـ ۶۰ با شرح طولانی از خودِ جابر (همان: ۶۰ ـ ۶۲) نقل می کند که به روشنی از کتابی از وی بوده است، می تواند از همین اثر گرفته شده باشد.

۶ ـ کتاب مقتل امیرالمؤمنین (علیه السلام)

نقلهای مربوط به این موضوع از جابر:
مقتل ابن ابی الدنیا: ۳۳ ـ ۳۵، ۴۵ ـ ۴۸، ۶۱، ۷۳، ۸۸، ۹۰ ـ ۹۱
کتاب المحن: ۸۲ ـ ۸۳ (بخوانید: «جابر الجعفی» [چنان که در چاپ ریاضِ ۱۹۸۴ همین اثر: ۱۰۰ ـ ۱۰۱]، به جای «حاتم الجعفی»)
کافی: ۲۹۸/۱ ـ ۲۹۹
امالی صدوق: ۳۹۶ ـ ۳۹۷
خصال: ۳۶۴ ـ ۳۸۲
ارشاد: ۲۴/۱ ـ ۲۵
امالی طوسی: ۵۹۵

ص: ۱۴۶

غیبت او: ۱۹۴ ـ ۱۹۵
اعلام الوری: ۲۰۲
فرحة الغری: ۵۱، ۴۰ ـ ۴۶ (و از آنجا در الدلایل البرهانیه علامه حلی: ۸۴۷ ـ ۸۴۸، ۸۵۰)

برخی از نقلهای دیگر از جابر در اقدامات امام علی (ع) در کوفه و خطبه ها و قضاوت های ایشان، نیز می تواند از این کتاب بوده باشد، چنان که در نمونه های زیر:

کافی: ۱۵۱/۵، ۲۱۶/۷، ۲۵۷، ۱۷۰/۸ ـ ۱۷۳

نجاشی: ۲۰۳

مناقب ابن شهرآشوب: ۴۹۸/۱

[۱۰۲] ۷ ـ کتاب مقتل الحسین (ع)

این اثر، به احتمال زیاد، همان متنی است که به طور کامل در بحار: ۲۸۷/۳۰ ـ ۳۰۰ نقل شده است. به مؤلف بحار گفته شده بود که آن متن از دلائل الامامه است، اما در هیچ یک از نسخه های باقی مانده از دلائل، این متن نیامده است. نقل های پراکنده دیگری هم از جابر در باره رخداد کربلا وجود دارد، از جمله نمونه های زیر:

فضائل احمد: ۷۶۴

محاسن: ۱۵۱/۱

تفسیر عیاشی: ۲۲۰/۲، ۳۲۶

تاریخ طبری: ۴۴۹/۵

کافی: ۴۵۲/۶

غیبت نعمانی: ۳۳۲ (نیز در اختصاص: ۲۵۷ ـ ۲۵۸، غیبت طوسی: ۴۷۸ ـ ۴۷۹)

الهدایه خصیبی: ۳۷۶ ـ ۳۷۷

تفسیر قمی: ۲۹۷/۲ ـ ۲۹۸

طب الائمة: ۵۲

مقاتل: ۸۳، ۸۵، ۸۶، ۸۷

کامل الزیارات: ۱۱۴، ۱۲۵ ـ ۱۲۶، ۱۴۸ ـ ۱۴۹، ۱۴۹ ـ ۱۵۰، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۸۳، ۱۹۵ ـ ۱۹۶، ۲۸۱ ـ ۲۸۲، ۳۲۳، ۳۷۵ ـ ۳۷۷، ۴۳۳ ـ ۴۳۴

عقاب: ۳۲۶ ـ ۳۲۷

اختصاص: ۲۵۵ ـ ۲۸

ص: ۱۴۷

امالی طوسی: ۵۱۲ (بخشی از آن نیز در مصنف ابن ابی شیبه: ۱۴۲/۱۵، مسند احمد: ۹۸/۱ بدون عبارتی که در باره شهادت امام حسین[ع] است)، ۶۶۹

خرائج (آن گونه که در مختصر بصائر: ۳۶ ـ ۳۸ و بحار: ۸۰/۴۵ ـ ۸۲ نقل شده است)

قصص راوندی: ۲۲۰

فرحة الغری: ۴۳ ـ ۴۶ (و از آنجا در الدلائل البرهانیه: ۸۴۸)

مختصر بصائر: ۲۹

تأویل الایات: ۶۵۱

۸ ـ کتاب النوادر

بسیاری از روایات فراوانی که از جابر در منابع شیعه و سنی نقل شده با عنوان این اثر که نجاشی از آن نام برده، مناسبت دارد. از جمله داستانی طولانی از توطئه ای علیه پیامبر (ص) (نقل شده در الهدایه خصیبی: ۷۷ ـ ۸۲)، روایتی از کوشش های حضرت زهرا (س) برای حفظ فدک (نقل شده در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۲۱۱/۱۶ ـ ۲۱۳، دلائل الامامة: ۱۱۰ ـ ۱۲۵)، و بسیاری نقلهای دیگر.

[۱۰۳] ۹ ـ کتاب حدیث الشوری

(فهرست طوسی: ۱۱۱). متن کامل این رساله در احتجاج: ۳۲۰/۱ ـ ۳۳۶ نقل شده است. این رساله، فهرستی از فضائل امام علی (ع) به دست می دهد که او را شایسته ترین شخص برای جانشینی پیامبر در رهبری جامعه اسلامی ساخته بود. این مواد، در قالب یک سخنرانی از امام علی (ع) است که گفته می شود ایشان برای اعضای شورایی که عمر در بستر مرگ برای انتخاب جانشینش تعیین کرده بود، ایراد فرمود. این متن را عمرو بن شمر، راوی عمده جابر، از او نقل کرده که نام او در فهرست طوسی: ۱۱۱ به عمرو بن میمون تصحیف شده است. متن مشابهی تحت عنوان «خطبة الوسیلة» که همین راوی از جابر نقل کرده (خطبه ای که گفته می شود امام علی (ع) یک هفته پس از وفات پیامبر (ص) در مدینه ایراد کرده بود) در کافی: ۱۸/۸ ـ ۳۰ ثبت شده است. هر دو متن، در شمار جزوه های تبلیغی و مناظرات فرقه ای قدیم شیعه بوده است. سبک ساده و بدون ظرافت های کلامی آنها و طبیعت استدلالاتی که ضمن آنها ارائه شده، تاریخ تدوین آنها را به زمانی کهن، نزدیک به همان اواخر دوره اموی باز می گرداند.

ص: ۱۴۸

۱۰ ـ اصل

ذکر شده در فهرست طوسی: ۴۵، که شاید همان کتاب جابر الجعفی باشد که ابوغالب در رساله: ۱۶۷ با دو اسناد مختلف دریافت کرده بود. قسمت عمده صدها روایتی که از جابر در آثار سنی (به ویژه دو مصنف عبدالرزاق و ابن ابی شیبه) و شیعی در باره موضوعات مختلف مربوط به عقاید، اخلاق و احکام نقل شده، می تواند در اصل از این دفتر حدیث گرفته شده باشد. برای فهرستی از این روایات در کتب اربعه شیعه، بنگرید: معجم خویی: ۳۹۳/۴ ـ ۴۰۱. برای لیست بسیاری دیگر که در سایر منابع حدیثی شیعه نقل شده بنگرید: فهارس بحارالانوار: ۲۶۵/۸ ـ ۲۷۴.

دو نمونه که روشنگر سبک و سیاق اصلی کتاب تواند بود، یکی گزارشی طولانی است در کافی: ۴۹/۲ ـ ۵۱ در باره ارکان اسلام و ماهیت ایمان، و دیگر متنی طولانی تر در خصال: ۵۸۵ ـ ۵۸۸ در فهرست مواردی که احکام فقهی مربوط به زنان متفاوت با مردان است.

۸ . ابن ابی یعفور

ابومحمد عبدالله بن ابی یعفور واقد عبدی کوفی، از موالی قبیله بنو عبدالقیس از اسد ربیعه (که نسبت عبدی اشاره به آن است)، از قرّاء ومدرسان قرآن در مسجد جامع کوفه و از اصحاب نزدیک امام صادق (علیه السلام). وی در کوفه به زهد و تقوا معروف و از احترام و شهرت برخوردار بود. او به سال ۱۳۱ درگذشت.

[۱۰۴] رجال برقی: ۷۱، رجال کشی: ۱۰، ۱۶۱ ـ ۱۶۲، ۱۶۹، ۱۷۲ ـ ۱۷۳، ۱۸۰، ۲۴۶ ـ ۲۵۰، ۳۳۰، ۴۲۷، نجاشی: ۲۱۳، ۲۳۰ و ۲۶۴. نیز بنگرید: کافی: ۱۷۲ ـ ۱۷۳، ۲۵۵، ۱۳۳/۳، ۴۰۴/۷.

نام پدر این دانشمند به دو صورت مختلف واقد و وقدان آمده است. در این مورد بنگرید: کامل ابن عدی: ۴۹۰ به نقل از ابن عقده (نیز نجاشی: ۳۱۳).

دو روایت در کافی: ۲۵۵/۲ و رجال کشی: ۲۴۷ ـ ۲۴۸ از عدم سلامت جسمانی او حکایت می کند. کشی در رجال: ۲۴۶ گزارش می کند که ابن ابی یعفور در زمان امام صادق (ع) در سال طاعون درگذشت. این واقعه در سال ۱۳۱ بوده است (طبقات ابن سعد: ۳۲/۶، ۱۹۰/۷، ۲۲۶ [نیز بنگرید: ۱۸۰/۷، ۱۸۲، ۱۸۷]، تاریخ خلیفة بن خیّاط: ۶۰۳، تعازی مبرد: ۲۱۲، معارف ابن قتیبه: ۴۷۰ [نیز ۴۷۱، ۶۰۱]). طبری در تاریخ: ۴۰۱/۷ طاعون را در سال ۱۳۰ دانسته که شاید مقصودش آغاز این بیماری

ص: ۱۴۹

بوده است. بنابر این، ابن ابی یعفور در سال ۱۴۸، سال رحلت امام صادق (ع)، زنده نبود تا نقشی در تعیین جانشینی امام کاظم (ع) در برابر برادرش عبدالله بن جعفر که شیعیان فطحی از او پیروی کردند داشته باشد، چنان که در فرق الشیعه: ۸۹ و المقالات و الفرق: ۸۸ گفته اند.

کافی: ۴۰۴/۷ (و از آنجا تهذیب: ۲۷۸/۶) داستانی نقل می کند که بر اساس آن، ابن ابی یعفور همسایه قاضی ابویوسف بوده که یکبار شهادت ابن ابی یعفور را به دلیل تشیع او رد کرد، اما وقتی وی گفت «تو مرا به قومی نسبت می دهی که می ترسم از آنان نباشم» شهادت او را پذیرفت. این قاضی نمی تواند قاضی ابویوسف یعقوب بن ابراهیم کوفی (م ۱۸۲)، قاضی القضاة امپراتوری عباسیان در نیمه دوم قرن دوم هجری، باشد زیرا وی در زمان درگذشت ابن ابی یعفور تنها هفده سال داشت و ابن ابی یعفور سی سال پیش از آن که قاضی ابویوسف به مقام قضاوت برسد درگذشته بود. ولی این داستان نوعی سوژه سیّال و تکرار شونده در ادبیات قدیم شیعی بوده که در موارد متعدد دیگر هم، عکس العمل های مشابهی در مورد محمد بن مسلم ثقفی (م ۱۵۰) (رجال کشی: ۱۶۲)، ابوکهمس (من لایحضر: ۷۵/۳) و فضیل سُکّره (همان) به شریک بن عبدالله نخعی (م ۱۷۷)، قاضی کوفه از سال ۱۵۳ به بعد، نسبت داده می شود. همان طور که از مقایسه تاریخ ها به دست می آید، چنین ماجرا نمی تواند میان محمد بن مسلم و شریک نیز روی داده باشد.

ابن ابی یعفور به شاخه معتدل تر جامعه شیعه کوفه تعلق داشت، جریانی که با نسبت دادن ویژگی های فوق انسانی به امامان (ع) مخالفت می کرد. روایات وی، و نیز گفته های دیگران در باره او، این حقیقت را اثبات می کند (بنگرید: Crisis از مدرسی، صص ۳۰ ـ ۳۱). وی منبعی برای دانش دینی در جامعه شیعه کوفه بوده است (رجال کشی: ۱۶۱ ـ ۱۶۲). برخی از نویسندگان ملل و نحل از گروهی با نام یعفوریه یاد می کنند که بر اساس روایتی در رجال کشی: ۲۶۶ احتمالا می باید در کوفه می بودند. از برخی نقل های دیگر بر می آید که این گروه تا چند دهه پس از درگذشت ابن ابی یعفور وجود داشت و دارای مواضع معتدلی در باره مسائل مختلف کلامی و فرقه ای بود (فرق الشیعة: ۶۵، المقالات والفرق: ۶۹، مقالات الاسلامیین: ۱۲۲/۱). با این همه، نقل بالا در رجال کشی ظاهرا می گوید که گروهی با چنین نام

هیچ گاه وجود نداشته، و اسم یاد شده تنها اشاره به عقاید کلامی مورد حمایت او دارد نه این که گروهی با این نام از هواداران وی وجود داشته است.

کتاب

دفتر حدیث ابن ابی یعفور که شماری از راویان، از جمله ثابت بن شریح ازدی انباری، آن را از وی روایت کرده اند (نجاشی: ۲۱۳). نقلها از ابن ابی یعفور [۱۰۵] که برخی از راوی

پیشگفته می باشد (برای نمونه: تهذیب:۹۰/۷) در کتابهای حدیثی شیعه فراوان است. فهرستی از بیش از یکصد مورد که در کتب اربعه حدیث شیعی آمده، در معجم خویی: ۴۱۶/۱۰ ـ ۴۱۹، ۳۴۹/۲۲ ـ ۳۵۴ و حدود دویست مورد دیگر که غالبا در سایر منابع حدیثی است، در فهارس بحارالانوار: ۲۴۹/۹، ۴۸۷/۱۰ ـ ۴۸۸ آمده است. بسیاری از این مواد، می تواند در اصل از همان کتاب گرفته شده باشد.

۹ . سالم بن ابی حفصه

ابویونس سالم بن ابی حفصه کوفی، از موالی بنوعجل، زیدی بتری مذهب و دشمن سرسخت عثمان و امویان. وی از امام باقر (ع) روایت می کرد، اما مناسبات خوبی با امام صادق (ع) و پیروان آن حضرت نداشت. او در سال ۱۳۷ درگذشت.

بیشتر آثار رجالی سنی و شیعی، مدخلی به سالم بن ابی حفصه اختصاص داده اند. فهرستی از منابع سنی در باره او را در پاورقی مصحح تهذیب الکمال: ۱۳۳/۱۰ ـ ۱۳۴ ببینید. برای منابع شیعه بنگرید به: رجال برقی: ۵۴، رجال کشی: ۱۴۲، ۲۳۰، ۲۳۳ ـ ۲۳۶، نجاشی: ۱۸۸، رجال طوسی: ۱۱۵، ۱۳۶، ۲۱۷. نیز بنگرید: ملل و نحل شهرستانی: ۸۱/۱.

پدرش با کنیه خود ـ ابوحفصه ـ شهرت داشت. خطیب در موضح: ۲۹۸/۱ می گوید که کسی نام این ابوحفصه را یاد نکرده است، ولی در رجال طوسی: ۱۱۵ نام پدر سالم «عبید» و در نجاشی: ۱۸۸ «زیاد» یاد شده است. باید امیدوار بود که عبارت طوسی، محصول خلط میان راوی ما با سالم بن عبید (که در باره او بنگرید به منابع مذکور در پاورقی ش ۱ مصحح در تهذیب الکمال: ۱۶۳/۱۰)، راوی معاصر بصری وی، نبوده و دومی یعنی عبارت نجاشی هم نتیجه خلطی آمیخته به تصحیف با راوی بصری دیگر همان زمان، سالم بن دینار (که در باره وی بنگرید: تهذیب الکمال: ۱۳۸/۱۰ ـ ۱۳۹ و پاورقی ش ۲ مصحح در ص ۱۳۸)، که روایتی از او در باره حضرت فاطمه (س) در سنن ابی داود: ۶۲/۴ آمده است، نباشد. کشی نیز در رجال: ۲۴۰ سالم را تمّار، (فروشنده خرما) یاد می کند، اما تستری در قاموس: ۶۰۸/۴ اظهار نظر کرده است که در اینجا خلطی صورت گرفته است. «تمار»، «زیاد» و «دینار» به آسانی در رسم الخط عربی می توانند به یکدیگر تصحیف و تبدیل شده باشند.

خلط های دیگری هم در شرح حال سالم وجود دارد. خطیب در موضح: ۲۹۶/۱ یادآور می شود که مسلم، نگارنده صحیح، ابراهیم بن ابی حفصه برادر سالم را با راوی دیگری به نام ابراهیم بن مهاجر بجلی کوفی خلط کرده و بنابر این، برادر سالم را، ابراهیم بن ابی حفصه بجلی می خواند، در حالی که

ص: ۱۵۱

خاندان ابوحفصه از موالی بنوعجل بودند که شاخه ای از ربیعه از عدنان بوده است نه از بجیله که شاخه ای از کهلان بوده است. خطیب در ادامه بحث در موضح: ۲۹۸/۱ کنیه سالم را ابوقیس یاد کرده که به روشنی تصحیف ابویونس است که دیگر رجال شناسان آورده اند.

در باره عقاید بتری های زیدی که خلافت ابوبکر و عمر را می پذیرفتند (در برابر جارودی های زیدی و امامیه که امام علی (ع) را [۱۰۶] خلیفه بلافصل پیامبر (ص) می شناختند)، بنگرید به مدخل مربوط به این گروه در دایرة المعارف اسلام، ویرایش دوم، متمم: ۱۲۹ ـ ۱۳۰ (از Madelung). نیز بنگرید: فرق الشیعه: ۱۳، ۵۷، المقالات و الفرق: ۱۰ ـ ۱۱، ۷۳. گرایش های سالم در ضدیت با عثمان و امویان، در روایتی در ذیل المذیل طبری: ۶۶ (نیز تهذیب الکمال: ۱۳۶/۱۰، ۱۳۷، میزان الاعتدال: ۱۱۰/۲ و منابع دیگر) و نقلهای دیگری از او یا در باره او، به خوبی نشان داده شده است. ناسازگاری میان وی و پیروان امام صادق (ع) در چندین روایت در کافی: ۲۸۴/۲، ۴۰۳، ۳۵۰/۵، ۱۰۰/۸، رجال کشی: ۱۴۲، ۲۳۰، ۲۳۵، امالی مفید: ۳۵۴ (نیز امالی طوسی: ۱۲۵، و بخشی از آن در تفسیر عیاشی: ۱۵۲/۱، کافی: ۴۷/۴، رجال کشی: ۲۳۳ ـ ۲۳۴) آمده است. در این باره نیز بنگرید: بصائر: ۲۵۹، ۵۰۹، ۵۱۰.

گزارش درگذشت وی در سال ۱۳۷ در منابع شیعه آمده است. منابع سنی (برای نمونه: کاشف ذهبی: ۴۲۲/۱، تهذیب ابن حجر: ۴۳۴/۳، تقریب او: ۲۷۹/۱) درگذشت او را در حوالی سال ۱۴۰ می دانند.

کتاب

شرح حال نویسانِ سالم، یادآور می شوند که وی «قلیل الروایه» بوده (برای نمونه: الجرح و التعدیل: ۱۸۰/۴، و از آنجا تهذیب الکمال: ۱۳۵/۱۰) و روایاتش به طور کلی در باره فضائل اهل بیت بوده است (تهذیب الکمال: ۱۳۷/۱۰ ـ ۱۳۸). در این باره استثناءهایی وجود دارد; از جمله در فضائل احمد: ۱۶۸ ـ ۱۶۹ (نیز صفة الجنة ابن ابی الدنیا: ۱۴۷، در ستایش ابوبکر و عمر)، اصل عبّاد بن یعقوب: ۱۷ (علیه طلحه و زبیر و عایشه)، ادب المفرد بخاری: ۶۱ (در باره آیه ۶۰ سوره الرحمن)، تاریخ طبری: ۱۴۹/۱ (در باره آیه ۱۸۹ ـ ۱۹۰ اعراف، در تولد اولین فرزند آدم و حوا)، توحید: ۴۵۷ (در باره مباحث کلامی مربوط به چیستی خداوند)، تهذیب الکمال: ۱۳۴/۱۰ (در باره آیه ۸۰ سوره نساء)، و نقلهایی دیگر. اما عمدتا، بیشتر روایات سالم در باره فضائل امام علی و حسنین (علیهم السلام) می باشد. نجاشی: ۱۸۸ از یک کتاب از سالم نام می برد که یک عالم شیعی اوائل قرن سوم آن را روایت می کرد; ظاهرا به طریق وجاده نه سماع منتهی به خود سالم. این متن شاید دفتر احادیث سالم بوده و یا به احتمال، مجموعه ای که یک راوی بعدی از روایات منقول از سالم در باره فضائل اهل بیت گردآوری کرده بود که از جمله می توانست

ص: ۱۵۲

مشتمل بر موارد زیر بوده باشد:

الف: در باره ویژگی های پیامبر (ص):

کافی: ۴۴۲/۱

ب: در باره فضائل امام علی (ع):

سنن ترمذی: ۸۸/۶ ـ ۸۹ (نیز مناقب الامام امیر المؤمنین (ع): ۲۰/۲)

مناقب الامام امیر المؤمنین (ع): ۳۰۶/۱، ۳۱۹، ۳۲۵، ۴۶۲ (نیز در مستدرک حاکم: ۵۱/۳)، ۳۴۲/۲ (نیز در تاریخ دمشق: ۴۷۳/۴۲)، ۴۸۲ (بخشی از آن نیز در مناقب ابن شهرآشوب: ۲۰۶/۳)

[۱۰۷] معجم کبیر طبرانی: ۱۸۶/۲ (نیز شواهد التنزیل: ۳۲۶/۲)

خصال: ۶۴۴

امالی طوسی: ۲۵۱ (نیز شواهد التنزیل: ۸۱/۲)

شواهد التنزیل: ۱۳۹/۱

مناقب ابن شهرآشوب: ۴۲/۲

ج: در باره فضائل حسنین و دیگر افراد خاندان پیامبر(ص):

طبقات ابن سعد، ترجمة الامام الحسن: ۴۶ (نیز مناقب الامام امیر المؤمنین (ع): ۲۳۵/۲، ۲۴۳)، ۸۹ (نیز تاریخ ابی زرعه دمشقی: ۵۸۸)

مناقب الامام امیر المؤمنین (ع): ۱۱۲/۲، ۲۳۶، ۲۳۸، ۴۸۲

اخبار الحسن طبرانی: ۷۵ ـ ۷۷

ارشاد: ۱۳۲/۲

۱۰ . ابان بن تغلب

ابوسعید ابان بن تغلب بن رباح رَبَعی بَکْری جُرَیری کوفی، از موالی بنوجُرَیر (شاخه ای از بکر بن وائل از اسد ربیعه)، از اعضای سرشناس و مشهور جامعه شیعه در روزگار خود و از سران شاخه امامی آن در کوفه. وی در برخی از دانش های زمانش مانند نحو، لغت، ادبیات عرب و نیز قرآن و حدیث و فقه، سرآمد و عالمی محترم و معروف در زمان خویش بود. ابان به ویژه به خاطر استادیش در قرائت قرآن شهرت داشت. وی نزد بسیاری از علمای معروف آن زمان، و بیش از همه نزد امام صادق (ع) که گفته می شود از وی نزدیک به سی هزار حدیث شنیده بود، شاگردی کرد. هر دو گروه شیعه وسنی، ابان را

ص: ۱۵۳

راوی موثقی در حدیث می شمرند. روایات وی نماینده گرایش معتدل و عالمانه تر تشیع کوفی بود. وی به سال ۱۴۱ درگذشت.

تقریبا همه کتابهای رجالی سنی و شیعی و نیز بسیاری از کتابهای شرح حال، مدخل هایی را به ابان اختصاص داده اند. سبحانی در موسوعة طبقات الفقهاء: ۱۷/۲ و شبستری در الفائق فی رواة و اصحاب الامام الصادق(ع): ۲۵/۱ ـ ۲۶ فهرستی طولانی از این قبیل منابع را به دست داده اند. در میان منابع اهل سنت دو مأخذی که بیشترین اطلاعات را در باره وی دارند، عبارتند از تهذیب الکمال: ۶/۲ ـ ۸ و تهذیب التهذیب: ۹۳/۱ ـ ۹۴، ودر آثار شیعه، قاموس الرجال: ۹۷/۷ ـ ۱۰۷.

اختلافات اندکی در برخی از جزئیات مربوط به زندگی ابان در منابع وجود دارد. کنیه او در بیشتر این منابع ابوسعید است که در اعراب ابن خالویه: ۲۵۸/۱ به ابوسعد تصحیف شده (و همین طور در آثار بعدی مانند غاية النهایه:

۴/۱، [۱۰۸] تهذیب الکمال: ۶/۲، الوافی بالوفیات: ۳۰۰/۵ و کتابهای ذهبی [سیر اعلام: ۳۰۸/۶، تاریخ الاسلام: ۹ (سالهای ۱۴۱ ـ ۱۶۰) / ۵۵] و ابن حجر [تهذیب التهذیب: ۹۳/۱، تقریب: ۵۰/۱])، اما برخی آن را ابوامیه (که در غایة النهایه: ۴/۱ به ابوامیمه تصحیف شده) آورده اند. روایاتی که ضمن آنها وی با کنیه ابوسعید مورد خطاب قرار گرفته است (برای نمونه از سوی امام صادق [ع] در معانی الاخبار: ۶۶) نقل اوّل را تأیید می کند. همه او را کوفی می شناسند، اما قالی در امالی: ۷۹/۲ بر این تصور است که او یکی از زهاد بصره بود. برقی: ۶۰، ۶۳ و مشیخه: ۴۳۵ نسبت او را کندی می آورند (نیز در اختصاص: ۲۴۹). این شاید به آن معنی باشد (هرچند نه الزاما) که آنان، ابان را از افراد یا موالی قبیله کنده دانسته اند که در آن روزگار بسیاری از آنان در کوفه زندگی می کردند، اما این مطلب، برخلاف گزارشی است که در همه منابع دیگر آمده است. پس چنان چه «کندی» تصحیف «بکری» نباشد شاید اشاره به آن باشد که او در محلّه بنوکنده در کوفه زندگی می کرده است.

موقعیت برجسته و ممتاز او در جامعه شیعی، در برخی از گزارش های همان زمان انعکاس یافته است (برای نمونه روایتی در: کامل الزیارات: ۵۴۶ که در آنجا امام صادق [ع] از وی با تعبیر «من رؤساء الشیعة» یاد می کند). وی از سوی امام صادق (ع) سخت مورد احترام بود، چنان که چندین روایت گواه این مطلب است، و در یکی از سفرهای حج هم امام را همراهی کرده بود (کافی: ۲۶۷/۱، ۱۷۱/۲ [نیز امالی احمد بن عیسی: ۳۴۱/۴ با اختلاف در عبارات]، ۴۴۰/۳، ۳۹۸/۴، غیبت نعمانی: ۳۱۳، امالی صدوق: ۱۴۱). وی همچنین زمانی که امام صادق (ع) به کوفه آمد ملازم ایشان بود (کامل الزیارات: ۸۳). این نکته که ابان سی هزار حدیث از امام صادق (ع) روایت کرده در نجاشی: ۱۲ آمده است. در نقلی دیگر (همان: ۱۳، رجال کشی: ۳۳۱) امام صادق (ع) به یکی از اصحاب می فرماید که ابان از وی

ص: ۱۵۴

«حدیث فراوان» شنیده است. علمای سنی او را شخصی پرهیزکار وصف می کنند که واعظ شیعیان کوفه بود. شماری از نقلها بر آن است که وی در مسجد جامع کوفه می نشست و مردم که بسیاری از آنها غیر شیعی بودند، در مسائل دینی به او مراجعه می کردند (محاسن: ۱۸۱، کافی: ۵۲۰/۲، رجال کشی: ۳۳۰. نیز بنگرید: نجاشی: ۱۲). سفیان بن عیینه (م ۱۹۸) که شاگرد او بود، او را به فصاحت و بلاغت می ستود (تهذیب التهذیب: ۹۴/۱). مثالب ابن کلبی: ۱۲۳ و بدیع ابن خالویه: ۵۶ گزارش کرده اند که حرفه او معلمی بوده است. بر اساس روایتی در متعه مفید (نیز خلاصة الایجاز: ۵۸) ابان مردی ثروتمند بوده و یکبار آبروی خود را با ده هزار درهم خرید، زمانی که زنی به قصد فریب او، پذیرفت تا متعه وی شود. (او در کافی: ۴۵۵/۵، ۴۵۸ ـ ۴۵۹ از امام صادق (ع) در باره جزئیات این عقد پرسش می کند). فسوی در المعرفة و التاریخ: ۴۶۷/۲ داستانی نقل می کند که یکی از امرای بلند پایه دولت بر گروهی گذشت که ابان در میان آنان بود، همه برخاستند اما ابان برنخاست. وقتی دلیلش را پرسیدند گفت: نخواستم قرآن را ذلیل کنم. روشن است که مجلس آنان، مجلس قرائت قرآن بوده است.

منابع در ستایش وی به لحاظ علم و وثاقت، متفق اند، گرچه بیشتر آنها تشیع آشکار و استوار او را یادآور شده اند (به ویژه بنگرید، ضعفاء عقیلی: ۳۷/۱ برای اظهار نظرهای معاصران ابان از میان عثمانی های کوفه). ابن عدی در کامل: ۳۸۱ از وی به عنوان عالم معروف کوفه یاد می کند. ابونعیم او را در شمار سرآمدان در رشته خود (غایة من الغایات) وصف می کند (تهذیب التهذیب: ۹۴/۱. نیز بنگرید: نجاشی: ۱۱). استادی وی در لغت عرب از اخباری که در منابع ادبی آمده و حکایت از شنیده های وی از اعراب بدوی (که معیار زبان عربی فصیح بودند) دارد به درستی به دست می آید

(برای نمونه بنگرید به البیان و التبیین: ۷۲/۴ ـ ۷۳ به نقل از اصمعی [نیز امالی قالی: ۷۹/۲ که همان مطلب را با اختلافاتی به نقل از ابن الانباری، نقل می کند]، بلاغات ابن طیفور: ۶۲ [دو داستان از او، هر دو از اصمعی. [۱۰۹]اصمعی شواهد دیگری نیز از ابان در باره عربی فصیح نقل می کند. برای نمونه بنگرید: شعب الایمان بیهقی: ۳۴۱/۶]، کتاب الزهره محمد بن داود: ۴۷۴. نیز بنگرید: الجرح والتعدیل: ۹۷/۲، نجاشی: ۱۰، فهرست طوسی: ۱۷). استادی وی را در نحو بسیاری از شرح حال نویسان وی (برای نمونه کامل ابن عدی: ۳۸۰، غایة النهایه: ۴/۱، بغیة الوعاة: ۴۰۴/۱) یادآور شده اند. این مطلب با روایتی از سفیان بن عُیَینه که وصف می کند چگونه ابان گفته وی را اصلاح کرد (کامل ابن عدی: ۳۸۰) و نیز از روایتی دیگر در رجال کشی: ۲۷۶ که درآنجا آمده است که وی رقیب خود را در بحثی در باره عربی شکست داد، تأیید می شود. نقل های دیگری حکایت از علاقه او به شعر عربی دارد که دانش او در این باب نیز مورد ستایش قرار گرفته است (نجاشی: ۱۱). ابن ابی الدنیا خبری در اصلاح المال: ۳۶۳ (و از آنجا در تاریخ دمشق: ۲۴۶/۵۰) نقل می کند که در آن ابان، شعری را که کمیل بن زیاد در یک گفتگو

ص: ۱۵۵

برای او خواند، حکایت نمود. نیز خبری دیگر در المنتخب من کتاب شعراء ابونعیم: ۲۸ ـ ۲۹ در باره فرزدق. یک خبر طولانی در سیره ابن حبان: ۷۱ ـ ۷۶ نشانگر دانش وی به انساب عرب است (نیز دلائل النبوه ابونعیم: ۲۳۷ ـ ۲۴۱، دلائل النبوه بیهقی: ۴۲۲/۲). نیز بنگرید: میزان الاعتدال: ۱۰۷/۲ که از وی به عنوان یک منبع برای آگاهی های رجالی یاد می کند.

بسیاری از شرح حال نویسان، او را قاری یا مقریء وصف کرده اند (مشاهیر ابن حبان: ۲۵۹، نجاشی: ۱۰، ۱۱، فهرست طوسی: ۱۷، ۱۸، مؤتلف دارقطنی: ۳۰۶، کامل ابن اثیر: ۵۰۷/۵، تاریخ الاسلام ذهبی: ۹[سالهای ۱۴۱ ـ ۱۶۰]،۵۵/، سیر اعلام النبلاء: ۳۰۸/۶، تهذیب الکمال: ۱۴۶/۲۰). ذهبی در العبر: ۱۹۲/۱ او را «القاریء المشهور» می خواند. وی از قرّاء رسمی قرآن بوده و قرائت او در بسیاری از منابع یاد، و برخی از موارد اختلاف آن با سایر قراء ثبت شده است. وی قرآن را نزد چهار استاد از جمله عاصم و اعمش فرا گرفت. در واقع، وی یکی از سه نفری بود که تمامی متن قرآن را نزد اعمش قرائت کرد (غایة النهایة: ۴/۱). کسائی (م ۱۸۹)، یکی از قرّاء هفتگانه، قرآن را نزد وی خواند (مبسوط ابن مهران: ۷۲، التلخیص فی القراءات الثمان: ۱۲۰). از کتاب وی در باره تفسیر، روشن است که وی در دانش تفسیر هم استاد بوده است (برای جزئیات بیشتر در باره علاقه و اشتغال وی به تفسیر، بنگرید: تفسیر فرات: ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۵۱، ۲۳۹).

درست روشن نیست که او در هنگام وفات چند سال داشته است. در مبسوط ابن مهران نقل شده که کسائی به درک محضر اساتید نسل متقدم و معمّر کوفه مانند ابان بن تغلب و ابن ابی لیلی (م ۱۴۸) افتخار می کرده است. ابن ابی لیلی ۳۳ سال قاضی کوفه بود و چند سالی پس از ابان در سن ۷۴ سالگی درگذشت. این می تواند طبقه ای را که ابان به آن تعلق داشته، مشخص کند. از خود ابان هم نقل شده که وی امام علی بن الحسین (ع) (م ۹۵) را ملاقات کرده بود. روایاتی وجود دارد که بر اساس آنها وی حتی از امام سجاد (ع) استماع حدیث نموده بود (برای نمونه: کافی: ۲۳۶/۶، من لایحضر: ۲۰۴/۴). از این رو، کشی (چنان که در نجاشی: ۱۰ به نقل از نسخه اصل رجال کشی، گرچه این مطلب در تلخیص موجود از رجال کشی نیامده)، نجاشی: ۱۰ و همچنین طوسی در رجال: ۱۰۹ و فهرست: ۱۷ او را از اصحاب امام سجاد (ع) می دانند. روایت وی از امام سجاد (ع) اقتضا دارد که وی دست کم در آن زمان نوجوانی بوده باشد و این

مطلب سال تولد وی را دست کم در حدود زمان ولادت ابن ابی لیلی (متولد ۷۴) و امام صادق (ع) (متولد ۸۰) قرار می دهد، بلکه مقتضای نقل مستقیم از کمیل (شهید شده به سال ۸۲ ـ ۸۳) به شرحی که در بالا ذکر شد آن است که او در حدود سال ۸۰ دست کم نوجوانی دارای قابلیت سماع باشد. اما در روایتی که در کافی: ۴۴۰/۳ نقل شده، امام صادق (ع) به ابان می فرماید: «أما انتم فشباب و أما أنا فشیخ». پس شاید این گفته را باید خطاب به همراهان ابان دانست

ص: ۱۵۶

نه ابان که ظاهرا مسن تر از امام صادق (ع) بود. ابان پیش از امام صادق (ع) درگذشت و وفاتش سبب تألّم عمیق امام شد (رجال کشی: ۳۳۰، و از آن جا در نجاشی: ۱۰ و فهرست طوسی: ۱۷). بنابراین، اظهارات نوبختی در فرق الشیعه: ۸۹ و سعد بن عبدالله در المقالات و الفرق: ۸۹ که ادعا می کنند ابان پس از وفات امام صادق (ع) از امام موسی کاظم (ع) [۱۱۰] به عنوان جانشین واقعی امام صادق (ع) هواداری کرده بود، قابل پذیرش نیست.

ابن ندیم در فهرست: ۲۷۶، نجاشی: ۱۱، و طوسی در فهرست: ۱۷ ـ ۱۸ از شماری از آثار ابان یاد کرده اند. ابن عدی نیز در کامل: ۳۸۰ (و از آن جا در تهذیب الکمال: ۷/۲، تهذیب التهذیب: ۹۳/۱ و دیگران) از «اخبار» و «آثار مکتوب» او یاد می کند. ابن عدی می گوید که سنیان مشکلی با روایات او ندارند، زیرا گرایشِ بدعتی در آن ها نیست. در واقع، روایات وی به طور عموم، نماینده نوعی گرایش معتدل و غیرافراطی در تشیع کوفی است که با وجود آن که عمیقا شیعی و علوی گراست، چندان تحت تأثیر افکار باطنی که مشخصّه گرایش شیعی سبأیی ـ کیسانی بود، قرار نداشت. اما این گرایش معتدل، آن چنان که از روایات ابان به دست می آید، مانع از آن نشد که برخی از راویان بعدی، پیشگویی هایی در باره تعداد دقیق و نام امامان (ع)[۱۸۴] یا اخباری در باره عجایب گذشته،[۱۸۵] حال[۱۸۶] و آینده،[۱۸۷] اخباری باطنی گرا در باره سلمان[۱۸۸](که غلوّ در فضائل او از مسائل مورد علاقه خاصّ غلات بود) و امامان،[۱۸۹] یا خبر مربوط به

ص: ۱۵۷

---

۱۸۴ . **مصباح المتهجد**: ۳۳۷ ـ ۳۳۸ (ممکن است متن اصلی اصیل بوده اما عبارتی که اسامی امامان دوازده گانه در آن است، بعدا بر آن افزوده شده باشد)، **خصال**: ۴۷۵ (نیز **کمال الدین**: ۲۶۲، و از آنجا در **کفایة الاثر**: ۴۶، ۲۴۵ ـ ۲۴۶). در باره روایت **خصال** به نظر می رسد که خلطی میان ابان بن تغلب و ابان بن ابی عیاش صورت گرفته باشد، چه خبر از سلیم بن قیس است و می دانیم که این ابان دوم بر اساس دیباچه کتاب سلیم، راوی منحصر کتاب او بود. پس ظاهرا راوی خبر در اصل به شکل مطلق «ابان» بدون مشخصات بیشتر یاد شده بوده و یک راوی بعدی، به اشتباه او را «بن تغلب» شناسانده است.

۱۸۵ . **احتجاج**: ۱۸۰/۲ ـ ۱۸۱، **بحار**: ۲۷۰/۱۴ ـ ۲۷۱، ۴۴۵ ـ ۴۴۷.

۱۸۶ . **خصال**: ۴۸۹ ـ ۴۹۰ (و از آنجا در **احتجاج**: ۲۵۰/۲ ـ ۲۵۳، بخشی از آن نیز در **بصائر**: ۴۰۱ و از آنجا در **اختصاص**: ۳۱۸ ـ ۳۱۹).

۱۸۷ . **معجم صغیر طبرانی**: ۲۴۵/۱، **تفسیر عیاشی**: ۲۵۴/۲، **غیبت نعمانی**: ۳۱۳ ـ ۳۱۵ که صورت به روز شده آن نیز در همین کتاب نعمانی: ۳۱۰ ـ ۳۱۱ آمده است (نیز **کامل الزیارات**: ۲۳۳ ـ ۲۳۵، **کمال الدین**: ۶۷۱ ـ ۶۷۲، **خصال**: ۶۴۹)، **خرائج**: ۸۶۰.

۱۸۸ . **اختصاص**: ۲۲۱ ـ ۲۲۲.

۱۸۹ . **بصائر**: ۲۷۴، ۲۷۷، ۲۸۳، **خرائج**: ۶۱۵ ـ ۶۱۶، **مختصر بصائر** (چنان که در **بحار**: ۶۶/۵۳ آمده است).

یک جنّی که نزد امام علی (ع) آمد که خبر کشته شدن پسرش را بدهد،[190] و روایات دیگری از این دست را به وی منسوب سازند. اما برخی از روایات عمومی غیر باطنی منسوب به وی در ارتباط با رخدادهای آینده در باره ظهور منجی منتظر، اصیل به نظر می آید زیرا آن روایات منعکس کننده امیدهای مستمر شیعیان برای ایجاد تغییری به نفع آنان در آینده بود. چنین است روایتی در محاسن: ۸۷/۱ (نیز کافی: ۵۰۳/۳، من لایحضر: ۱۱/۲، ثواب: ۲۲۱). روایات دیگری هم هست که می تواند منعکس کننده نگرانی های جامعه در آن زمان باشد، مانند روایتی در غیبت نعمانی: ۲۹۸ ـ ۲۹۹ که پیشگویی می کند که وقتی پرچم حق ظاهر می شود، به خاطر آزارهایی که مردم از دست مدعیانی از خاندان پیامبر متحمل شده اند، همه به آن دشنام خواهند داد. [۱۱۱] روایت دیگری هم که محتملا واقفی و مربوط به پس از وفات امام کاظم (ع) است، شیعیان را نصیحت می کند که اگر امام آنان ناپدید شد، بر همان اعتقاد نخست بمانند (یعنی او را همچنان امام واقعی بشناسند) تا بار دیگر خورشید آنان طلوع کند (کمال الدین: ۳۴۹).

۱ ـ قرائت قرآنی / کتاب القراءة

نجاشی: ۱۱ و فهرست طوسی: ۱۷ ـ ۱۸ گفته اند که ابان قرائتی خاص داشته که میان قرّاء شناخته شده بود. سخن نجاشی به روشنی نشان می دهد که این قرائت به شکل مکتوب ثبت شده بود چه او نخستین جمله آن کتاب را نقل می کند . هم وی و هم طوسی اسنادی را که کتاب را از طریق آن دریافت کرده اند، آورده اند. این باید همان کتاب القراءات (کذا در اصل، به احتمال: القراءة) باشد که ابن ندیم در فهرست: ۲۷۶ یاد کرده است.

بخش هایی از قرائت ابان بن تغلب در منابع باقی مانده که همه مواردی را نشان می دهد که قرائت وی با قرائت مرسوم تفاوت داشته است، از جمله در آیات زیر:[191]

آل عمران: ۹۵ (بدیع ابن خالویه: ۲۱، محتسب ابن جنی: ۱۵۶/۱)

مائده: ۶۰ (محتسب: ۲۱۴/۱)

انفال: ۳۵ (محتسب: ۲۷۸/۱ ـ ۲۷۹)

ص: ۱۵۸

توبه: ۳۰ (اعراب القرآن نحّاس: ۲۱۰/۲)

توبه: ۱۲۳ (اعراب القرآن: ۲۴۰/۲، اعراب ابن خالویه: ۲۵۸/۱)

یوسف: ۳۱ (محتسب: ۳۳۹/۱)

کهف: ۱ ـ ۲ (بدیع ابن خالویه: ۷۸)

طه: ۱۲۴ (بدیع: ۹۰، محتسب: ۶۰/۲)

مؤمنون: ۱۱۶ (بدیع: ۹۹)

شعراء: ۵۱ (محتسب: ۱۲۵/۲)

---

۱۹۰ . مشارق الانوار: ۹۱ ـ ۹۲.

۱۹۱ . نقلی نیز از ابان در تفسیر قمی: ۳۴۹/۲ آمده که وی در آن، قرائت متفاوتی برای آیه ۸۲ سوره واقعه از امام علی (ع) نقل می کند. روایتی نیز از او در تسمیة من روی عن الامام زید: ۴۴ قرائت اصلی قرآن را در مورد آیه اول سوره نساء از پیامبر نقل می کند.

قصص: ۵۷ (بدیع: ۱۱۳، محتسب: ۱۵۳/۲)

ص: ۸۴ (المکتفی دانی: ۴۸۶)

واقعه: ۷۹ (بدیع: ۱۵۱)

بیشتر این موارد اکنون در معجم القرآءات القرآنیه (۷۵۲/۲، ۲۲۳، ۴۴۸، ۵۲/۳، ۱۶۶، ۱۱۸/۴، ۲۲۸، ۳۱۲، ۲۹/۵، ۲۷۶) نیز از منابع مختلف نقل شده اند. اما در مواردی که قرائت متفاوتی به «ابان» به نقل از عاصم نسبت داده شود، آن مربوط به شخص دیگری با نام ابان بن یزید بن احمد بصری عطار، معاصر جوان تر ابان بن تغلب، است که عالمی نحوی و شاگرد عاصم و راوی قرائت وی بود [۱۱۲] (بنگرید: غاية النهاية: ۴/۱). شماری از مؤلفان عصر حاضر میان این دو ابان خلط و راوی از عاصم را با ابان بن تغلب اشتباه کرده اند، در حالی که ابان بن تغلب، هر چند او هم شاگرد عاصم بوده، اما دارای قرائت مستقلی بوده است.

۲ ـ تفسیر غریب القرآن

نجاشی: ۱۱ و فهرست طوسی: ۱۷ (با عنوان کتاب الغریب فی القرآن) از این کتاب یاد کرده اند. به نظر می رسد این اثر، همان کتاب معانی القرآن باشد که ابن ندیم در فهرست: ۲۷۶ از آن یاد و به عنوان «کتاب لطیف» (کم برگ = کوچک) وصف کرده است. نجاشی: ۱۱ جمله آغازین کتاب را نقل می کند. طوسی یادآور می شود که این کتاب، کلمات غریب قرآن را با شواهدی از شعر عربی توضیح می دهد. پس عبارتی که در مجمع البیان طبرسی: ۸۱/۱۵ از ابان در باره آیه ۷۵ سوره بنی اسرائیل نقل شده بدون شک از همین کتاب است، زیرا با وصفی که از آن شده، کاملا منطبق است.

نقلهای دیگری از ابان در باره کلمات مختلف قرآن در دست است که می تواند از همان کتاب بوده باشد. از آن جمله مطالبی است در باره آیات زیر:

ص: ۱۵۹

مائده: ۳ (یک قطعه طولانی در خصال: ۴۵۱ ـ ۴۵۲، نیز بدون انتساب در تفسیر قمی: ۱۶۱/۱ ـ ۱۶۲)

مائده: ۴ (تفسیر عیاشی: ۲۹۵/۱، کافی: ۲۰۴/۶)

مائده: ۹۵ (تفسیر عیاشی: ۳۴۶/۱)

انفال: ۳۰ (مجمع البیان: ۱۳۷/۹)

توبه: ۱۰۱ (مجمع البیان: ۱۳۰/۱۰)

رعد: ۲۹ (تفسیر عیاشی: ۲۱۲/۲)

احزاب: ۳۳ (تاریخ دمشق: ۱۳۷/۱۴)

شوری: ۵۲ (بصائر: ۴۵۵)

عادیات: ۲ (سابق خطیب: ۱۱۶)

نقلهای بسیاری نیز از ابان در تفسیر آیاتی از قرآن وجود دارد که بسیاری از آنها در شرح فضائل امام علی و اهل بیت (ع) و ظاهرا از کتاب الفضائل اوست، اما برخی که به فضائل مربوط نیست شاید در اصل بخشی از کتاب مورد سخن بوده اند. از جمله موارد زیر:

صحیح مسلم: ۱۱۴ ـ ۱۱۵ (نیز تفسیر طبری: ۲۵۵/۷، و از آن جا در صحیح ابن حبان: ۴۱۴ ـ ۴۱۵، معجم اوسط طبرانی: ۳۳۷/۶، معجم صغیر او: ۶۸/۲، تاریخ بغداد: ۲۹۹/۵) (احتمالا در باره بقره: ۲۳۳).

کافی: ۴۰/۷ (ش ۳، نیز معانی: ۲۱۷) (در باره بقره: ۲۶۰)

کافی: ۴۰/۷ (ش ۱ـ۲، نیز من لایحضر: ۲۰۴/۴، معانی:۲۱۷) (شاید تفسیربقره: ۲۲۹ یا نساء:۲۰)

[۱۱۳] تفسیر عیاشی: ۱۷۴/۱ ـ ۱۷۵ (نیز کافی: ۳۳۷/۸) (در باره آل عمران: ۴۹)

غیبت نعمانی: ۳۲۰ (در باره آل عمران: ۱۷۹)

معجم صغیر طبرانی: ۷۵/۱ (در باره نساء: ۴۱)

تفسیر عیاشی: ۲۶۱/۱ ـ ۲۶۲ (در باره نساء: ۸۴)

همان: ۲۷۲/۱ (در باره نساء: ۱۰۲)

تفسیر طبری: ۲۵۵/۷ (نیز کامل ابن عدی: ۳۸۰) (در باره انعام: ۸۲)

تفسیر عیاشی: ۱۳/۲ (در باره اعراف: ۳۱)

همان: ۴۸/۲ (نیز کافی: ۵۴۶/۱، من لایحضر: ۴۴/۲ ـ ۴۵) (در باره انفال: ۱)

کتاب الموت ابن ابی الدنیا: ۵۴ (احتمالا در باره انفال: ۵۰ یا سجده: ۱۱)

امالی صدوق: ۳۱۹ ـ ۳۲۴ (در باره یوسف: ۵۰ ـ ۱۰۱)

کمال الدین: ۶۷۱ (در باره حجر: ۷۶)

ص: ۱۶۰

محاسن: ۱۷۹/۱ (در باره انبیاء: ۱۰۱)

تسمیة من روی عن الامام زید: ۴۳ (در باره نور: ۴۰)

تهجد ابن ابی الدنیا: ۴۷۱ (در باره غافر: ۱۸)

موضح خطیب: ۴۲۰/۲ (احتمالا در باره واقعه: ۷۹)

تفسیر عیاشی (نقل شده در مجمع البیان: ۲۳۹/۳۰، نیز کافی: ۲۶۷/۲) (در باره مجادله: ۲۲)

عقاب الاعمال: ۲۴۷ (در باره غاشیه: ۴)

کافی: ۴۴۷/۱ ـ ۴۴۸ (در باره سوره فیل)

به گفته نجاشی: ۱۲ و فهرست طوسی: ۱۷ (و از آن جا در معالم العلماء: ۲۷) مطالب کتاب ابان در باره غریب القرآن با آثار مشابهی از دو تن از دانشمندان شیعی کوفه، یکی محمد بن سائب کلبی معروف و دیگری عطیة بن حارث همدانی[۱۹۲] توسط عبدالرحمن بن محمد ازدی کوفی (که نام وی به اشتباه در نجاشی: ۱۲ محمد بن عبدالرحمن آمده، چنان که تستری نیز در قاموس الرجال: ۱۰۳/۱ توضیح داده است) در یک کتاب فراهم آمده و مطالب هر سه، ذیل تک تک آیات قرآنی دسته بندی شده بود. به گفته طوسی وی در این اثر، موارد اختلاف و توافق این سه دانشمند را با یکدیگر نشان می داد (فهرست: ۱۷). به نظر می رسد این کتاب، کتابی است که ابن طاوس در سعد السعود: ۳۶، ۴۳۰ ـ ۴۳۱ در باره آیه ۲۸ سوره مریم از آن نقل می کند (برای اطلاعات بیشتر بنگرید: کتابخانه ابن طاوس: ۱۷۲ ـ ۱۷۳).

---

۱۹۲ . در باره تمایلات شیعی این دانشمند بنگرید: خلاصه علامه حلی، ۱۲۷ به نقل از ابن عقده. نیز بنگرید: امالی ابوطالب: ۷۹ ـ ۸۱، تأویل الایات: ۲۶۱.

۳ ـ کتاب الفضائل

(نجاشی: ۱۱، فهرست طوسی: ۱۸). نقلها در این موضوع از ابان، که بسیاری از آنها از همان طریقی است که نجاشی و طوسی برای این کتاب یاد کرده اند، در مجموعه های حدیث شیعه و سنی فراوان است، از جمله در موارد زیر:

محاسن: ۳۳/۱، ۴۱، ۱۸۱

[۱۱۵] تواضع ابن ابی الدنیا: ۲۰۶

امالی احمد بن عیسی: ۲۰۹/۱، ۳۴۱/۴

بصائر: ۴۹، ۵۰ ـ ۵۱، ۵۲، ۱۲۲، ۳۰۷

ص: ۱۶۱

تفسیر عیاشی: ۱۰۰/۲، ۲۴۱، ۲۸۸

تفسیر طبری: ۲۵۵/۷، ۹۷/۲۰

تهذیب الاثار، بخش مسند امام علی(ع): ۴۵

کافی: ۲۶۷/۱، ۱۷۱/۲ ـ ۱۷۲، ۱۹۱، ۱۹۴، ۳۵۲ ـ ۳۵۳، ۴۲۷، ۵۲۰، ۱۹۷/۳، ۱۹۸، ۲۱۰ ـ ۲۱۱، ۲۱۲، ۳۲۹، ۱۲۷/۴، ۲۲۲، ۳۹۸، ۵۶۸/۵، ۲۵۳/۸

تفسیر فرات: ۹۰ ـ ۹۱، ۹۲، ۱۰۶، ۱۱۶، ۱۳۴، ۱۷۳، ۲۰۱، ۲۳۴، ۲۷۴، ۲۹۴، ۳۲۰، ۳۲۳، ۵۵۷ ـ ۵۵۸، ۵۵۹

تأویل ما نزل من القرآن: ۱۸۵، ۲۱۶، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۷۸، ۲۸۶، ۳۷۲، ۴۲۳، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۷۳ ـ ۴۷۵

تفسیر قمی: ۱۱۷/۲، ۲۶۲

دعاء طبرانی: ۹۰۳ ـ ۹۰۴

معجم اوسط او: ۳۷۱/۳ ـ ۳۷۲ (سه روایت)، ۱۷۱/۴، ۱۷۲

معجم کبیر همو: ۳۷۱/۳ ـ ۳۷۲، ۲۲۵/۱۷

معجم صغیر همو: ۱۲۹/۱

صحیح ابن حبان: ۲۸۰/۱۲

کامل ابن عدی: ۷۵۳ (نیز تاریخ بغداد: ۳۸۳/۷)، ۲۴۰۶

کامل الزیارات: ۸۳ ـ ۸۴، ۱۷۱ ـ ۱۷۲، ۲۳۲ ـ ۲۳۴، ۵۴۶

امالی صدوق: ۸۸ ـ ۸۹، ۱۴۱، ۱۸۷، ۲۶۷، ۳۴۳، ۳۵۵، ۴۳۳ ـ ۴۳۴، ۴۶۲، ۵۸۹، ۷۲۷ ـ ۷۲۸، ۷۳۹

فضائل الشیعه: ۲

علل: ۱۷۲/۱ ـ ۱۷۳، ۲۲۱

کمال الدین: ۲۲۱، ۴۱۰

معانی الاخبار: ۶۶

ثواب الاعمال: ۴۸، ۵۴، ۲۳۱

مناقب ابن مردویه (نقل شده در فرائد السمطین: ۲۷۰/۱ ـ ۲۷۲، مناقب خوارزمی: ۱۴۶ ـ ۱۴۷، طرائف ابن طاوس: ۲۴ ـ ۲۶)

امالی مفید: ۱۱۲ ـ ۱۱۳، ۳۳۸

اختصاص: ۲۳، ۶۲ ـ ۶۳، ۲۸۴

الکشف و البیان: ذیل آیات ۱۰۳ آل عمران، و ۳۶ نور (نقل شده در خصائص ابن بطریق: ۷۹، ۱۸۳،

ص: ۱۶۲

عمده همو: ۳۵۰، ۳۵۳)

امالی ابوطالب: ۳۲، ۸۷

اخبار اصبهان ابونعیم (نقل شده در اتقان سیوطی: ۱۸۲/۴)

حلیة الاولیاء: ۱۹۹/۳ ـ ۲۰۰

زین الفتی: ۳۱/۲

امالی طوسی: ۱۱۵، ۱۸۸، ۳۴۹، ۶۳۶، ۶۶۴ ـ ۶۶۵

مصباح المتهجد: ۷۱۶، ۸۴۱ ـ ۸۴۲

تهذیب: ۹۱/۳

اسباب النزول واحدی: ۳۶۳

ترغیب ابن شاهین: ۳۹۲

شواهد التنزیل: ۱۶۹/۱، ۱۸۳، ۳۴۴، ۳۵۹، ۳۷۴، ۳۸۷، ۴۲۵، ۴۴۲، ۴۹۵، ۵۲۲، ۵۳۳، ۵۳۹، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۹، ۷۴/۲، ۲۲۶، ۳۳۰، ۴۱۷ ـ ۴۱۸، ۴۳۱، ۴۶۶

مجمع البیان: ۱۵۷/۴، ۱۶۲/۱۹، ۲۳۹/۳۰

تاریخ دمشق: ۱۳۷/۱۴، ۲۶۴/۴۲، ۳۱۳، ۳۲۹، ۵۴۱، ۱۵/۵۴، ۲۷۵

مناقب ابن شهرآشوب: ۲۳۱/۲، ۷۷/۴

بشارة المصطفی: ۱۱۸

مهج الدعوات: ۲۰۰ ـ ۲۰۱

یقین ابن طاوس: ۱۱

کفایة الطالب: ۱۸۶، ۳۸۶ ـ ۳۸۷ (به نقل از طرق حدیث الطیر حاکم نیشابوری)

۴ ـ کتاب صفین

تنها نجاشی: ۱۱ از این کتاب یاد می کند. او کتاب را ندیده اما از طریق ابن غضائری از وجود آن آگاهی یافته بود که وی هم به نوبه خود از ابن عقده نقل می نمود. گفته اند که این کتاب را سیف بن عَمیرة که از روات حدیث شیعه بوده و در موارد دیگری نیز روایت او از ابان دیده می شود (برای نمونه: کافی: ۲۶۷/۲، ۲۰۴/۶، معجم اوسط طبرانی: ۳۷۱/۳ ـ ۳۷۲ [سه روایت]) روایت کرده بود. عبارتی طولانی به نقل از ابان، ولی از طریق راوی دیگری، در بشارة المصطفی:

۱۴۱ ـ ۱۴۲ در باره برخی از رخدادهای مربوط به صفین و نیز خطبه ای از امام در آنجا آمده است. نقل دیگری هم از ابان در توضیح روش ظاهرا متفاوت امام در جنگهای

ص: ۱۶۳

جمل و صفین در کافی: ۳۳/۳ و رجال کشی: ۲۱۸ هست. [۱۱۶] با این همه، کسی ابان را مورخ نخوانده است. یک خبر طولانی در حجم یک رساله کوچک در باره حوادث سقیفه بنی ساعده، محلی در مدینه که در آن جا خلافت ابوبکر صورت داده شد، در دست است که به نقل از ابان در احتجاج: ۱۸۶/۱ ـ ۲۰۳ نقل شده است. این متن، یک متن مناظراتی فرقه ای شیعی است که به نظر می رسد در جامعه شیعه کوفه در دوره اخیر اموی رایج بوده و بعدها، با تحریرها و طرق مختلف روایت شده است. روایات طولانی دیگری نیز به نقل از ابان در باره حوادث سقیفه نقل شده که از جمله اعتراض حضرت زهرا (س) (امالی طوسی: ۳۸۳ ـ ۳۸۴) و خطبه ای از امام علی (ع) معروف به شقشقیه است که امام ضمن آن اشاراتی نیز به سقیفه دارد (علل: ۱۴۴/۱ ـ ۱۴۶، معانی: ۳۶۱ ـ ۳۶۲) . این نقلها انسان را وسوسه می کند که بگوید کلمه «صفین» در نجاشی، شاید تصحیف ـ یا اشتباه قلمی یا ذهنی وی یا منبع او ـ از کلمه «سقیفه» بوده و ارجاع نجاشی در واقع اشاره به همان متن تبلیغی فرقه ای بالا در شرح دیدگاه های شیعه در باره رویداد سقیفه ننمود.

۵ ـ اصل

از این کتاب در فهرست طوسی: ۱۸ یاد شده و به نظر می رسد همان است که ابن ندیم در فهرست: ۲۷۶ در لیست آثار ابان به عنوان کتاب [یُعَدُّ] من الاصول فی الروایة علی مذاهب [احتمالا: مذهب] الشیعة یاد کرده است. بسیاری از روایات فراوانی که در مسائل فقهی و اخلاقی از ابان در آثار شیعه و سنی نقل شده، می تواند از این دفتر حدیث گرفته شده باشد. برای فهرست این نقلها در مجامیع حدیثی شیعه بنگرید: معجم خویی: ۴۰۷/۱ ـ ۴۰۸، فهارس بحار: ۹/۸، ۲۴۹.

ابن ادریس، دانشمند امامی اواخر قرن ششم هجری، در مستطرفات: ۳۹ ـ ۴۴ یک دفتر حدیث را با عنوان کتاب ابان بن تغلب نقل و درج نموده است. نام «ابان» به عنوان مؤلف در ابتدای این متن آمده، اما از اسناد روایات نقل شده روشن است که این ابان شخص دیگری است که می بایست در اواسط قرن سوم ـ تقریبا یک صد سال بعد از ابان بن تغلب ـ زندگی کرده باشد (برای اطلاعات بیشتر بنگرید: قاموس الرجال: ۱۰۶/۱).

۱۱ . ابوعبیده حذّاء

[۱۱۷] ابوعبیده زیاد بن عیسی، کفاش، از موالی کوفه، از اصحاب امام باقر (ع)، که

ص: ۱۶۴

یک بار در سفر حج در ملازمت آن حضرت بود، و امام صادق (ع). وی در دوران زندگی امام صادق (ع) – که به سال ۱۴۸ وفات یافت – درگذشت. ابوعبیده، آن چنان که از روایاتش بر می آید، راوی پرکاری بوده و در جامعه زمان خویش به عنوان یک فقیه شناخته می شده و مرجع سؤالات شرعی بوده است.

رجال برقی: ۵۵، ۶۶، رجال کشی: ۳۶۸ ـ ۳۶۹، نجاشی: ۱۷۰ ـ ۱۷۱، رجال طوسی: ۱۳۵، ۲۰۸. نیز بنگرید: کتاب المؤمن حسین بن سعید: ۳۱، کتاب ابان در مستطرفات: ۴۰، محاسن: ۷۰، ۲۶۳، تفسیر عیاشی: ۱۶۷/۱، کافی: ۱۷۹/۲، ۱۸۰، ۵۵۸/۴، ۳۸۱/۵، التمحیص: ۳۱، تهذیب: ۳۶۵/۷، اختصاص: ۸۳.

نجاشی مطالب و ارجاعاتی را که در منابع رجالی متقدم شیعی در باره این شخص یافت نقل کرده که به نظر می رسد ضمن آنها، مطالبی که در باره راویان دیگری با نام زیاد بوده، به اشتباه به مؤلف ما نسبت داده شده است. نقلی از سعد بن عبدالله اشعری (المقالات و الفرق: ۱۷۱) راوی ما را به نام زیاد بن احرم (یا: اخرم، یا: اخزم) می شناسد. رجال طوسی: ۲۰۹ از زیاد بن احمر عجلی کوفی، در شمار راویان از امام صادق (ع) یاد می کند که می تواند با راوی ما یکی باشد (بر اساس این فرض که یکی از این دو اسم «احمر» و «احرم» تصحیف دیگری باشد). پس نقل رجال طوسی، به احتمال، می تواند این نکته را پیشنهاد کند که شاید وی از موالی بنوعجل، شاخه ای از قبیله بکر بن وائل از اسد ربیعه، بوده است.

کتاب

احمد بن علی عقیقی، رجالی شیعی اواخر قرن سوم، از کتاب حدیث ابوعبیده حذاء که علی بن رئاب (میانه و نیمه دوم قرن دوم) آن را از وی روایت کرده، آگاهی داشته است (نجاشی: ۱۷۱). نقل های متعدد ابوعبیده به روایت علی بن رئاب در منابع کهن شیعی، می تواند امکانا موادّ باقی مانده ای از این دفتر حدیث باشد. از جمله نمونه های زیر:

زهد حسین بن سعید: ۶ ـ ۷، ۵۱ (بخوانید: «عن ابی عبیدة الحذّاء»، چنان که در محاسن: ۲۶۳ و کافی: ۱۲۴/۲)، ۵۶، ۹۰ ـ ۹۱ (بخوانید: «عن ابی عبیدة الحذّاء»، چنان که در تفسیر قمی: ۲۵۹/۲)، ۹۹، ۱۰۰

محاسن: ۲۰۵، ۲۶۳، ۶۳۵ (نیز کافی: ۵۳۹/۶ ـ ۵۴۰)

بصائر: ۱۵۳ ـ ۱۵۴

کافی: ۴۲/۱ (نیز ۴۰۹/۷)، ۶۵، ۲۴۱، ۳۲۵ (بخشی از آن نیز در ۱۰۶/۲)، ۳۴۸، ۴۵۸، ۱۲۴/۲، ۲۰۸، ۸۲/۳، ۱۰۶، ۳۲۸، ۳۷۶، ۳۸۷/۴، ۳۸۸، ۴۸۷، ۳۸۵/۵، ۴۰۸، ۴۲۵ (نیز ۴۴۵)، ۲۰۳/۶، ۲۰۸،

۲۱۲، ۵۳۹ ـ ۵۴۰، ۱۱۰/۷، ۱۴۰ (نیز ۲۹۸)، ۱۴۱ (نیز ۳۴۴)، ۱۶۲، ۲۵۹، ۳۹۸، ۱۰۴/۸ ـ ۱۰۶، ۱۸۲، ۲۰۰

[۱۱۸] تفسیر قمی: ۱۲۷/۱ (در این چاپ بدون نام علی بن رئاب)، ۲۴۴ ـ ۲۴۵ (نیز تفسیر عیاشی: ۳۳/۲ ـ ۳۴، سعد السعود: ۱۱۸ ـ ۱۱۹ [به نقل از تفسیر ابن عقده])، ۳۶۵ (دو روایت)، ۲۵۹/۲

کامل الزیارات: ۷۷ ـ ۷۸

من لایحضر: ۴۲/۴ (نیز تهذیب: ۱۹/۱۰)

تهذیب: ۱۴/۵، ۴۶۳/۷ ـ ۴۶۴، ۳۹۶/۹

بسیاری از روایات ابوعبیده در تفسیر عیاشی: ۸۴/۱ ـ ۸۵، ۸۷ ـ ۸۸، ۱۶۷، ۲۹۴، ۳۳۵، ۳۶۴، ۳۳/۲ ـ ۳۴، ۱۲۹، ۱۳۶، ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۵۴، ۲۳۱ که اسناد آن ها پس از نام راوی اول در تحریر تلخیص شده فعلی معمولا حذف شده،

می تواند از طریق علی بن رئاب بوده باشد، چنان که دست کم در سه مورد با منابع دیگر اثبات می شود (تفسیر عیاشی: ۲۹۴/۱ = کافی: ۲۰۳/۶; تفسیر عیاشی: ۳۳۵/۱ = کافی: ۲۰۰/۸; تفسیر عیاشی: ۳۳/۲ ـ ۳۴ = تفسیر قمی: ۲۴۴/۱ ـ ۲۴۵).

۱۲ . سعد الاسکاف

سعد بن طریف اسکاف (کفاش) کوفی، از موالی بنوحنظله، (شاخه ای از تمیم)، راوی حدیث سنی و شیعی. او در اواخر دوره اموی، قاص (قصه گو و موعظه گر) بود و این شغل وی به او کمک کرد تا مرویاتش وارد ادبیات سنی شود، در حالی که او به هواداری آشکار از امام علی (ع) شهرت داشت.

تاریخ کبیر بخاری: ۵۹/۴، تاریخ الثقات عجلی: ۱۷۹، ضعفاء نسائی: ۱۳۰، المعرفة و التاریخ فسوی (که فکر می کرد سعد بن طریف و سعد اسکاف دو نفر متفاوتند): ۳۸/۳ ـ ۳۹، ۵۸، ۶۴، ۶۶، رجال برقی: ۵۰، رجال کشی: ۲۰۴ ـ ۲۱۵، نجاشی: ۱۷۸، فهرست طوسی: ۷۶ ـ ۷۷، رجال او: ۱۱۵، ۱۳۶، ۲۱۲، تهذیب الکمال: ۲۷۱/۱۰ ـ ۲۷۲ (و منابعی دیگر که مصحح در پاورقی همین مأخذ آورده است).

ضعفاء عقیلی: ۱۲۰/۲، کامل ابن عدی: ۱۱۸۶/۳ و کتب تراجم بعدی سنی، وی را شیعه سرسخت می دانند. این که وی قاص بوده، از رجال کشی: ۲۱۵ و نجاشی: ۱۷۸ به دست می آید (گرچه در متن دوم، کلمه «قاص» به «قاضی» تصحیف شده است). تاریخ درگذشت وی مشخص نیست. بخاری در تاریخ اوسط: ۴۹/۲ و ذهبی در تاریخ الاسلام: ۹ (سالهای ۱۴۱ ـ ۱۶۰) /۱۴۷ وی را در زمره کسانی آورده اند که در فاصله سالهای ۱۴۱ ـ ۱۵۰ درگذشته اند. خبری در رجال کشی: ۲۱۵ حکایت از آن دارد

ص: ۱۶۶

که او در زمان رحلت امام صادق (ع) به سال ۱۴۸ زنده بود. در آن خبر آمده است که سعد بر امام صادق (ع) توقف کرده و از هیچ کس به عنوان جانشین او پیروی نکرد. به نظر می رسد فرد مورد نظر، شخص دیگری بوده است، زیرا در مورد سعد اسکاف حتی روشن نیست که وی از اصحاب امام صادق (ع) بوده باشد چه در مقابل روایات بسیار زیاد وی از امام باقر (ع)، تنها یک روایت وی [۱۱۹] از امام صادق (ع) دیده شده است آن هم اگر خطای در اسناد نباشد (محاسن: ۵۹۰).[۱۹۳] وی از دیگر اعضای خاندان پیامبر (ع) مانند زید بن علی[۱۹۴] و محمد بن عمر بن علی بن ابی طالب[۱۹۵] هم روایت می کرده است. دو خبر باطنی گرای منسوب به سعد اسکاف که در مزار مفید: ۱۹۲ (به نقل از

---

۱۹۳ . در مزار شیخ مفید: ۱۹۲ روایتی باطنی از امام صادق (ع) به واسطه سعد اسکاف آمده است (نیز تهذیب: ۱۰۶/۶ ـ ۱۰۷)، اما به نظر می رسد این نسبت ساختگی باشد، به همان تقریب که در بالا ذکر خواهد شد. روایت در تهذیب: ۲۲۹/۶ به نقل «سعد» از امام صادق (ع) شاید از سعد اسکاف نباشد. این روایت را [ابن] ابی عمیر از «سعد» نقل می کند که گرچه گاهی از سعد اسکاف روایت کرده (برای نمونه: **کافی:** ۱۶۴/۳) ولی بیشتر از کسان دیگری با همین نام روایت می کند (بنگرید: **معجم خویی:** ۴۸/۸ ـ ۴۹، ۹۴، ۴۲۶/۱۴، ۲۸۲/۲۲). روایتی که به نقل از سعد از امام صادق (ع) در **معانی:** ۳۴۳ آمده در **خصال:** ۱۱۲ به امام باقر (ع) نسبت داده شده است و به نظر می رسد که در اصل بخشی از یک خبر طولانی در **معانی:** ۳۱۴ (نیز **محاسن:** ۴ و **خصال:** ۸۴) و یا از متنی در **کافی:** ۶۶۸/۲ بوده که هر دو از امام باقر (ع) می باشد.

۱۹۴ . **کتاب الزهد حسین بن سعید:** ۱۰۱، **صفة الجنة** ابونعیم: ۲۴۷/۳ (نیز **تاریخ بغداد:** ۲۶۶/۱).

۱۹۵ . **بصائر:** ۵۰.

کتاب الزیارات احمد بن محمد بن داود قمی، نیز تهذیب: ۱۰۶/۶ ـ ۱۰۷) و مناقب ابن شهرآشوب: ۲۲۲/۴ (نیز خرائج: ۶۰۶ ـ ۶۰۷) آمده، به احتمال زیاد از ساخته های دوره های بعد است زیرا چنین گرایشی در سایر نقلهای بسیار او دیده نمی شود.

سعد اسکاف منبع شمار زیادی روایت در مجامیع حدیثی شیعه و سنی است. او راوی عمده روایات اصبغ بن نباته از (یا در باره) امام علی (ع) به شمار می آید. روایات او، به مناسبت حرفه او که قاص بوده، عمدتا در باره اخلاقیات دینی است. احیانا استثناءاتی هم وجود دارد، مانند مطالبی که نصر بن مزاحم در وقعة صفین: ۵، ۹۸ ـ ۱۰۰، ۱۲۶ ـ ۱۲۷، ۱۶۷، ۳۰۳ ـ ۳۰۴ از او نقل می کند (نقل اخیر [۳۰۳ ـ ۳۰۴] شاید از کتابی گرفته شده باشد، زیرا با عبارت «قال سعد الاسکاف» آغاز می شود بدون آن که سندی برای آن ذکر شود).

۱ ـ رسالة ابی جعفر الیه

ص: ۱۶۷

نجاشی: ۱۷۸ این اثر را که نامه امام باقر (ع) به سعد است، یاد کرده است. تستری در قاموس: ۴۷/۵ می گوید که به احتمال، نجاشی سعد اسکاف را با سعد الخیر (که در کافی: ۵۲/۸ ـ ۵۷ متن دو نامه از امام باقر به وی نقل شده) خلط کرده است. فرد دوم، سعد بن عبدالملک، از نواده عبدالعزیز بن مروان (برادر و ولیعهد اصلی عبدالملک بن مروان) بوده (اختصاص: ۸۵) و یک هوادار علویان در میان بنی امیه بود.

کافی: ۵۹۶/۲ ـ ۵۹۸ همچنین متن یک سخن طولانی را نقل می کند که بر اساس این نقل، امام باقر (ع) به سعد اسکاف در باره فضائل قرآن گفته بود و در ادامه آن، پرسش ها و پاسخ هایی میان سعد و امام آمده که هدف آن ثابت کردن افضلیّت اهل بیت می باشد. این یک رساله تبلیغی فرقه ای قرن دومی شیعی است که در سبک و لحن با سایر روایات سعد همخوانی ندارد، [۱۲۰] اما شاید در آن ادوار به عنوان نامه ای از امام به سعد اسکاف عرضه و تبلیغ می شده است. به احتمال، متن مورد اشاره نجاشی، همین متن است.

۲ ـ کتاب

دفتر حدیث سعد اسکاف که توسط شماری از راویان از او روایت شده است (فهرست طوسی: ۷۶). به جز نقلهای او از امام علی (ع) از طریق اصبغ، شیعیان به روایات سعد از امام باقر (ع) نیز علاقه داشته اند که گویا بخش عمده کتاب سعد را تشکیل می داده است. نمونه ها از این قرار است:

مؤمن حسین بن سعید: ۱۵ ـ ۱۶

کتاب الزهد او: ۲۲، ۶۶

تاریخ المدینة المنورة ابن شبه: ۱۳۲

محاسن: ۴، ۴۰، ۶۰، ۳۹۳، ۵۹۰، ۶۱۶

بصائر: ۲۴، ۴۸، ۵۶، ۷۴، ۹۷، ۱۰۰، ۳۹۱ ـ ۳۹۲، ۴۱۴، ۴۹۶ ـ ۴۹۷ (نیز ۴۹۹، ۵۰۰ با اختلاف)

امالی احمد بن عیسی: ۳۶۷/۴

تفسیر عیاشی: ۲۵/۱، ۸۶، ۱۰۱، ۱۷۱، ۲۰۳ ـ ۲۰۴، ۲۸۴، ۱۸/۲، ۲۶۷ (تکرار شده در ۲۶۸)، ۳۲۶، نیز مجمع البیان طبرسی: ۱۳۱/۳۰ (به نقل از بخش مفقود تفسیر عیاشی)

مناقب الامام امیر المؤمنین (ع): ۴۲۹/۱، ۵۳۷/۲ ـ ۵۳۸

کافی: ۲۰۸/۱، ۳۹۴ (و تحریر دیگر آن در ۳۹۵، متنی باطنی گرا و به احتمال قریب به یقین پرداخته دوره های بعد)، ۳۳۰/۲ ـ ۳۳۱، ۵۷۰ ـ ۵۷۱ (بخوانید: «عن ابی جعفر»، چنان که در

تهذیب: ۱۱۷/۲ و من لایحضر: ۴۷۱/۱)، ۶۰۱ (بخوانید: «عن ابی جعفر»، چنان که در تفسیر عیاشی: ۲۵/۱)، ۶۱۲ (نیز امالی صدوق: ۱۱۵، معانی: ۱۴۷، ثواب: ۱۲۹)، ۶۶۸، ۱۱۱/۳، ۱۶۴ (دو روایت)، ۱۶۵، ۴۶/۴، ۶۹ ـ ۷۰، ۲۵۴ ـ ۲۵۵، ۱۱۹/۵ (تکرار شده در ۵۲۰)، ۱۴۷، ۱۶۱، ۵۲۱، ۵۴/۶، ۳۲۶، ۴۰۰، ۳۵۲/۷، ۴۰۵

تفسیر فرات: ۲۵۷ ـ ۲۵۸، ۳۶۴

تأویل ما نزل ابن جحام: ۴۰۲ (بخوانید: «سعد بن طریف» [چنان که در تأویل الایات: ۷۱۵]، به جای «سالم بن طریف»)

تفسیر قمی: ۳۴۶/۲

شرح الاخبار قاضی نعمان: ۲۲۸/۱، ۴۰۹ ـ ۴۱۰، ۴۱۵ ـ ۴۱۶

[۱۲۱] کامل الزیارات: ۱۴۶

من لایحضر: ۶۱/۴

خصال: ۸۴، ۱۱۲، ۱۱۸ ـ ۱۱۹، ۴۴۸ (مقـ : ثواب: ۵۲ ـ ۵۳، تهذیب: ۲۸۳/۲، ۲۸۴ برای تحریرهای دیگری از همین متن. برای اطلاعات بیشتر بنگرید: من لایحضر: ۲۹۳/۱)

معانی: ۳۵ ـ ۳۶، ۱۶۴، ۳۱۴، ۳۷۳، ۳۹۵

ارشاد: ۸۷/۱

حلیة الاولیاء: ۱۸۳/۳ (دو روایت)

شواهد التنزیل: ۷۹/۱، ۴۳۶، ۳۰۹/۲

تاریخ دمشق: ۱۹۸/۱۴، ۴۱۲/۲۱ (بخوانید «سعد» به جای «ابی سعد»)، ۵۳/۴۲ ـ ۵۴

مختصر بصائر: ۹۳ ـ ۹۴

بحار: ۴۳ /۲۰۱ (به نقل از مصباح الانوار هاشم بن محمد)

۱۳ . ابوالجارود

ابوالجارود زیاد بن منذر هَمْدانی خارفی، دانشمند نابینای شیعی کوفه و رهبر شاخه جارودی تشیّع زیدی. وی در زمان حیات امام باقر (ع) شاگرد آن حضرت بود و پس از رحلت ایشان، به قیام زید بن علی پیوست و راهش را از پیروان امام جعفر صادق (ع) جدا کرد.

برای خلاصه موادّ شرح حال و فهرستی از منابع مربوط به وی بنگرید به مدخلهای مربوط به او

ص: ۱۶۹

در دانشنامه ایرانیکا: ۳۲۷/۱ ـ ۳۲۸ (از W. Madelung) و Theologie فان اس: ۲۵۴/۱ ـ ۲۵۷. برای عقاید فرقه زیدی جارودی بنگرید به فان اس، همان: ۲۵۷/۱ ـ ۲۶۸.

ذهبی در تاریخ الاسلام: ۹ (سالهای ۱۴۱ ـ ۱۶۰) /۱۴۰ ـ ۱۴۱ ابوالجارود را میان کسانی می گذارد که بین سالهای ۱۴۰ ـ ۱۵۰ درگذشته اند. بخاری در تاریخ اوسط: ۱۱۲/۲ او را از کسانی که بین سالهای ۱۵۱ ـ ۱۶۰ درگذشته اند، می شناسد. روشن است که اینها گمانه های بختکی است، زیرا در باره او پس از سالهای پایانی دوره اموی تقریبا هیچ نمی دانیم.[۱۹۶]

نقل های زیادی از ابوالجارود در کتابهای شیعه و سنی آمده است. خبری در الجرح و التعدیل: ۵۴۶/۳ اشاره به «کتابهای» ابوالجارود دارد که به گفته این منبع، وی آنها را در اواخر زندگی سوزاند.

[۱۲۲] ۱ ـ تفسیر القرآن

از این کتاب که با عنوان تفسیر الباقر (ع) هم شناخته می شد، ابن ندیم در فهرست: ۳۶، نجاشی: ۱۷۰، طوسی در فهرست: ۷۲، و ابن عدی در کامل: ۱۰۴۸ و دیگران یاد کرده اند. نجاشی و طوسی این کتاب را از طریقی دریافت کرده اند که به ابوسهل کثیر بن عیاش قطان می رسد که راوی از ابوالجارود بود و گفته می شود تا اواخر قرن دوم زنده بوده و در اواخر زندگی به قیام ابوالسرایا (سریّ بن منصور شیبانی) پیوست که در سالهای ۱۹۹ ـ ۲۰۰ بود (فهرست طوسی: ۷۲). قسمتی از این تفسیر، در تفسیر قمی باقی مانده که بخش عمده ای از آن را از ابتدای تفسیر سوره آل عمران تا پایان قرآن در خود جای داده و موارد آن به صراحت مشخص شده است (برای فهرست این مطالب بنگرید به: Scripture and Exegesis in Early Imami Shiismاز Bar-Asher: ۲۴۴ ـ ۲۴۷، و برای تحلیل آن بنگرید به: همان: ۴۶ ـ ۵۶. اکنون ماهر جرّار هم مقاله مفصّلی در باب این تفسیر در جشن نامه سامی مکارم نوشته است) اسناد این قطعات نیز به همان راوی یعنی کثیر بن عیاش باز می گردد (تفسیر قمی: ۱۰۲/۱ [نخستین نقل از ابوالجارود]، ۱۹۸، ۲۲۴، ۲۷۱). نسخه ای از این کتاب در شکل اصلی آن در میانه قرن هفتم در دسترس ابن

ص: ۱۷۰

طاوس بوده که وی آن را وصف و از پنج جزء نخست آن در سعد السعود: ۲۴۵ ـ ۲۴۹ نقل کرده است (برای اطلاعات بیشتر بنگرید: کتابخانه ابن طاوس: ۳۳۹). مطالبی از ابوالجارود در باره تفسیر آیات قرآن که گویا در بیشتر موارد از همین کتاب می باشد در بسیاری از آثار کهن دیگر نیز نقل شده است که در بسیاری از موارد، از طریق همان

---

۱۹۶. دو خبر در فهرست ابن ندیم: ۲۲۶ ـ ۲۲۷ حاکی از تغییر عمده ای در موضع ابوالجارود، گویا پس از این دوره، هم از نظر تشرع (شرب مسکر) و هم از نظر اعتقادات (تولّی ظالمین، ظاهراً به معنی پیوستن او به عبّاسیان) است. این مطلب، مناسب با خبری در **الجرح و التعدیل**: ۵۴۶/۳ است که می گوید وی پیش از مرگ، کتابهای خود را آتش زد.

راوی پیشگفته می باشد (برای نمونه: تأویل ما نزل: ۱۷۰، ۱۸۸، ۱۹۶، ۲۴۳ ـ ۲۴۴، ۲۶۱، ۲۸۷، ۴۰۳، امالی صدوق: ۱۸۶). نمونه هایی از آن چنین است:

تفسیر الحبری (ما نزل من القرآن فی اهل البیت): ۴۴

امالی احمد بن عیسی: ۳۳۳/۴، ۳۳۴ (دو روایت)

تفسیر عیاشی: ۹/۱، ۱۷، ۸۶، ۱۵۴، ۲۲۵، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۸۳، ۲۸۸ ـ ۲۸۹، ۲۸۰، ۱۰۱/۲، ۲۱۸، ۳۱۵ (نیز مجمع البیان: ۱۶۷/۲۳، و مناقب ابن شهراشوب: ۱۷۹/۴ که هر دو از بخش مفقود عیاشی نقل می کنند)

مناقب الامام امیر المؤمنین (ع): ۱۷۱/۱، ۳۸۲/۲، ۴۱۴/۱۵

تفسیر طبری: ۳۰۰/۳، ۲۶۵/۳۰

کافی: ۲۸۹/۸

تفسیر فرات: ۷۹، ۹۰، ۱۱۹، ۱۸۷، ۱۸۸، ۲۴۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۳۲۵، ۳۴۷، ۳۹۵ ـ ۳۹۷، ۴۱۹ ـ ۴۲۰، ۴۹۶ ـ ۴۹۷، ۵۳۴

تأویل ما نزل: ۱۰۹ ـ ۱۱۰، ۱۷۰، ۱۸۰، ۱۸۸، ۱۹۶، ۲۰۷ ـ ۲۰۸ (سه روایت)، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۳۰، ۲۳۲، ۴۳ ـ ۲۴۴، ۲۶۱، ۲۸۱ ـ ۲۸۲، ۲۸۷، ۳۰۲، ۳۵۲، ۳۷۹، ۳۸۲، ۴۰۳

شرح الاخبار قاضی نعمان: ۲۳۴، ۲۳۸، ۲۳۹

کامل ابن عدی: ۱۰۴۸

[۱۲۳] نصوص ابن بابویه (نقل شده در بحار: ۱۷۸/۱۳)

شواهد التنزیل: ۵۹/۱، ۲۵۴ ـ ۲۵۵، ۳۵۷ ـ ۳۵۸، ۳۶۶ ـ ۳۶۸، ۳۸۶، ۳۸۸، ۴۰۹، ۵۶۹، ۸۲/۲ ـ ۸۳، ۱۸۳، ۲۸۴، ۳۵۷، ۴۲۱

تبیان: ۱۴۲/۱، ۵۳/۳، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۴۹، ۲۱۵، ۲۹۰، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۱۰، ۳۲۳، ۴۴۶، ۴۶۰ (و از آنجا در مجمع البیان: ۲۰۶/۵ ـ ۲۰۷، ۱۶۷/۲۳)

مناقب ابن شهراشوب: ۱۶/۲، ۱۰۴، ۹۸/۳، ۲۰۲ ـ ۲۰۳، ۲/۴ ـ ۳، ۱۱۶، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۷۹

تأویل الایات: ۴۰۱

ص: ۱۷۱

۲ ـ اصل

دفتر حدیث ابوالجارود که کثیر بن عیاش قطان آن را روایت کرده است (فهرست طوسی: ۷۲)، همان که تفسیر ابوالجارود را هم روایت کرده بود. بیشتر روایات منقول از ابوالجارود در مجامیع حدیثی امامی و زیدی در باره مسائل فقهی و اخلاقی ـ دینی که برخی از آنها توسط کثیر بن عیاش روایت شده (برای نمونه: امالی احمد بن عیسی: ۲۵/۳، امالی صدوق: ۳۹۴ ـ ۳۹۵، معانی: ۱۰۱ ـ ۱۰۲، ۱۴۵ ـ ۱۴۶، توحید: ۲۳۶) ظاهرا از این دفتر گرفته شده است. در منابع زیدی، بیش از همه محمد بن بکر ارحبی کوفی (م ۱۷۱، چنان که در رجال طوسی: ۲۷۸) از او روایت می کند و در آثار امامی، محمد بن سنان زاهری (م ۲۲۰) که باید از ابوالجارود مع الواسطه یا از روی کتابش نقل کرده باشد. ابن غضائری در رجال: ۶۱ گزارش می کند که در زمان وی، امامیان، روایات ارحبی را بر روایات محمد بن سنان ترجیح

می داده اند، گرچه نمونه های اندکی از این روایات ارحبی در آثار امامی باقی مانده است (مثلا در کافی: ۶۲۴/۲ ـ ۶۲۶).

فهرست ناقصی از روایات ابوالجارود در برخی از آثار حدیثی زیدی و امامی چنین است:

اصل عباد بن یعقوب: ۱۶

محاسن: ۴، ۵، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۵۷، ۱۶۰، ۲۵۱، ۲۶۴، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۸۸، ۴۰۰، ۴۱۵، ۴۴۷، ۴۵۴، ۴۹۵، ۱۱، ۵۴۷، ۵۷۹، ۵۸۴، ۶۰۱، ۶۱۲، ۶۴۳

امالی احمد بن عیسی: ۳۴/۱ (دو روایت)، ۳۷، ۴۱، ۴۲ (دو روایت)، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۵، ۶۲، ۶۴، ۶۷ (دو روایت)، ۶۸، ۷۵، ۷۷، ۸۲، ۹۲ (دو روایت)، ۱۰۰، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۶ (دو روایت)، ۱۴۷ (دو روایت، در دوم بخوانید: «عن محمد بن بکر عن ابی الجارود» به جای «عن محمد بن ابی الجارود»)، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۴ ـ ۱۷۵ (چهار روایت)، ۱۸۰ (دو روایت)، ۱۸۴، ۲۰۱ (سه روایت)، ۲۰۲ (چهار روایت)، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۱۵ (سه روایت؛ در دو روایت اخیر بخوانید: «عن محمد بن بکر عن ابی الجارود»)، [۱۲۴] ۲۲۶، ۲۲۷ ـ ۲۲۸ (سه روایت)، ۲۲۹ ـ ۲۳۰ (چهار روایت)، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷ (دو روایت)، ۲۴۸، ۲۸۷/۲، ۳۵۴، ۳۵۶ ـ ۳۷۰ (رساله امام باقر (ع) در باره مناسک حج که یحیی بن سالم الفرّاء از ابوالجارود نقل کرده است)، ۳۷۰ ـ ۳۷۲ (چهارده روایت)، ۴۲۵ (از عبدالله بن مغیره)، ۱۸/۳، ۲۵ (از کثیر بن عیاش قطان)، ۳۱، ۳۲، ۴۱، ۴۲، ۴۷، ۱۳۱، ۱۷۳، ۳۲۳/۴ (از ابراهیم شیبانی، و از اینجا در فضل زیارة الحسین: ۴۴ ـ ۴۶)، ۳۳۴ (دو روایت)[۱۹۷]

ص: ۱۷۲

بصائر: ۲۱، ۸۴، ۸۵، ۱۱۱، ۱۴۸ (نیز ۱۴۹، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۸ با اختلافات)، ۲۱۸ ـ ۲۱۹، ۳۷۷، ۴۰۷، ۴۲۱، ۴۹۲ (نیز ۴۹۴ با اختلاف)

مناقب الامام امیر المؤمنین (ع): ۲۰۵/۱، ۳۵۸، ۳۹۲، ۱۶۲/۲، ۱۶۴، ۲۵۲، ۲۵۴

کافی: ۱۱/۱، ۴۱، ۶۰، ۱۹۴ ـ ۱۹۵، ۲۲۱، ۲۹۰، ۳۰۳ ـ ۳۰۴، ۵۳۲، ۵۳۴، ۲۱/۲ ـ ۲۲، ۸۶، ۹۰، ۱۲۶، ۱۴۳، ۱۸۹ ـ ۱۹۰، ۶۰۰، ۱۲۱/۳، ۱۶۴، ۱۷۳، ۲۲۲، ۲۲۶، ۵۰۶، ۲۵۶/۴، ۳۵۴، ۳۶۲، ۳۶۵، ۴۳۳، ۴۶۵، ۱۲۳/۵، ۴۲۰، ۲۴۶/۶، ۲۶۴، ۲۷۰، ۳۴۹ ـ ۳۵۰، ۳۹۰، ۴۱۲، ۴۴۵، ۴۴۷ ـ ۴۴۸، ۴۶۷، ۴۷۷، ۵۴۵، ۳۹/۷، ۲۷۲، ۸۶/۸، ۲۶۳، ۲۸۹، ۳۱۷ ـ ۳۱۸

رجال کشی: ۵، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۱۳ ـ ۱۱۴، ۱۲۴ ـ ۱۲۵، ۲۳۱ ـ ۲۳۲

تفسیر فرات: ۱۵۱

غیبت نعمانی: ۱۵۴، ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۹۱ ـ ۱۹۳ (سه روایت)، ۱۹۴ ـ ۱۹۶ (سه روایت)، ۲۲۹، ۲۳۸ (دو روایت)، ۲۴۲، ۲۷۴، ۳۱۵، ۳۲۲ (نیز ۳۲۳ با اختلافات)

مقاتل الطالبیّین: ۱۸، ۱۲۷، ۱۳۰

---

۱۹۷ . به استثنای مواردی که راوی آن قید شده، راوی بقیه نقلها از ابوالجارود، محمد بن بکر ارحبی همدانی می باشد (بنگرید: **امالی احمد بن عیسی**: ۳۷/۱).

ایضاح قاضی نعمان: ۱۰۲، ۱۰۵ - ۱۰۶، ۱۰۶ - ۱۰۷، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰ - ۱۱۱، ۱۶۰ (دو روایت)، ۱۸۰ - ۱۸۱، ۱۹۱، ۱۹۲

شرح الاخبار: ۲۷۳/۲ ـ ۲۷۶

کامل الزیارات: ۱۰۶، ۱۵۱ ـ ۱۵۲، ۴۵۱، ۴۸۹ ـ ۴۹۰ (نیز ثواب: ۱۱۴)

امالی صدوق: ۶۱، ۶۵، ۸۵، ۱۹۱، ۲۰۲ ـ ۲۰۳ (دو روایت)، ۲۲۸ ـ ۲۲۹، ۲۳۵، ۲۷۸، ۳۱۵ ـ ۳۱۶، ۳۸۰، ۳۹۴ ـ ۳۹۵، ۴۳۴، ۶۹۸ ـ ۷۰۰، ۷۰۵

فضائل الاشهر: ۱۲۳ ـ ۱۲۴

من لایحضر: ۱۵۲/۱، ۲۵۳، ۲۶۰، ۳۶۰/۲، ۴۵۹، ۵۳۴/۳، ۱۷۱/۴، ۱۸۰

علل: ۳۷/۲، ۲۷۲

عقاب: ۲۵۵، ۲۷۱ ـ ۲۷۲، ۲۷۹، ۲۸۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۲۰، ۳۲۷

[۱۲۵]کمال الدین: ۳۰۴، ۶۷۰

خصال: ۱۱۳، ۱۳۲، ۱۷۱، ۱۹۴ ـ ۱۹۵، ۲۰۰ ـ ۲۱۹، ۲۹۲، ۳۹۷ ـ ۳۹۸، ۴۰۹ ـ ۴۱۰، ۴۷۷ ـ ۴۷۸ (در باره لوحی که از آسمان برای فاطمه زهرا (س) نازل شد و مشتمل بر نام دوازده امام بود، روایتی که بنا به گفته مفید در رساله خود علیه پیروان ابوالجارود (المسائل الجارودیه: ۳۵)،

ص: ۱۷۳

جارودی ها آن را مورد تمسخر قرار می دادند)، ۴۹۹، ۵۵۴ ـ ۵۶۳، ۶۴۰

معانی: ۴۵ ـ ۴۶، ۹۵، ۱۸۸، ۲۲۲، ۲۶۲، ۲۹۸، ۲۹۹

توحید: ۱۶۵، ۲۳۶، ۲۸۸، ۳۸۳ ـ ۳۸۴، ۴۵۷

ثواب: ۲۶، ۲۷، ۱۱۴، ۱۳۱، ۲۳۱

کافئه مفید: ۲۵ ـ ۲۶، ۳۱، ۳۴، ۴۰، ۴۱ ـ ۴۲

ارشاد: ۱۷۲/۲، ۳۸۴

ناصریات سید مرتضی: ۶۴

تسمیة من روی عن الامام زید: ۶۷

امالی طوسی: ۱۴۲، ۳۱۷، ۴۲۶، ۴۵۶ ـ ۴۵۷، ۵۰۱، ۶۰۰ ـ ۶۰۲، ۶۲۳

غیبت طوسی: ۱۳۹ (با متن تصرّف شده)، ۴۲۷، ۴۴۱، ۴۷۴

تهذیب: ۱۹۱/۲، ۳۳۷، ۱۶۴/۴، ۲۶۲، ۳۱۷، ۴۶/۶، ۵/۸، ۱۴۷

شواهد التنزیل: ۷۹/۲

بشارة المصطفی: ۱۶، ۱۸، ۳۲، ۵۹ ـ ۶۰، ۶۹، ۷۳، ۱۸۵ (دو روایت)

بخش هایی از روایات او به منابع سنی هم راه یافته است. نمونه ها چنین است:

تاریخ یحیی بن معین: ۱۸۰/۲

سنن ترمذی: ۲۴۱/۴

مسند بزار: ۱۴۶/۲ ـ ۱۴۷ (و از آنجا در ناسخ ابن شاهین: ۱۸۸ ـ ۱۸۹ [نیز ۱۹۰، ۱۹۱ با اختلاف])

مسند ابی یعلی: ۳۴۷/۱

اخبار الحسن طبرانی: ۱۱۶ ـ ۱۱۷

کامل ابن عدی: ۱۰۴۷ ـ ۱۰۴۸ (سه روایت)

تلخیص المتشابه خطیب: ۶۰۰

تاریخ دمشق: ۶۰/۴۲، ۱۶۸، ۳۳۳، ۴۶۸

علل ابن جوزی: ۱۵۰/۱

فصل سوم

دوران سرکوب شیعه

۱۳۶ ـ ۱۹۸

[۱۲۷] انقلاب عبّاسیان، به عمر حکومتِ ضد هاشمیِ امویان در دمشق پایان داد و مرکز خلافت برای مدت کوتاهی به کوفه، شهری که گرایش تشیّع بر آن ـ به طور عمده، هر چند نه به طور کامل ـ غلبه داشت، منتقل گردید. برای چند سال، اندکی پیش و پس از انقلاب عباسی، شیعیان که هنوز عمدتا در کوفه، و در مقیاس بسیار کمتر در برخی مناطق دیگر عراق تمرکز داشتند، روزگار آرامی را گذراندند. نبرد قدرت میان عباسیان و شاخه حَسَنی از علویان به سرعت این وضعیت را دگرگون کرد. در روزگار منصور، دومین حاکم عباسی (خلافت ۱۳۶ ـ ۱۵۸) آزار علویان از نو آغاز شد و با قدرت تمام تا پایان حکومت نواده اش هارون الرشید (خلافت ۱۷۰ ـ ۱۹۳) ادامه یافت.

در این مقطع، جامعه شیعی، شاهد چندین تراژدی بود که برای شیعیان خاطرات و یاد فجایع دوران امویان را تجدید کرد. در وهله نخست، شاخه حسنی از خاندان پیامبر (ص) بسیاری از چهره های خود را در سرکوب بیرحمانه منصور از دست داد; رخدادهایی که به قیام و متعاقبا کشتار چهره هایی مانند ابراهیم بن عبدالله بن حسن در بصره و برادرش محمد بن عبدالله نفس زکیه در مدینه (هر دو در سال ۱۴۵)، عموزاده شان حسین بن علی بن حسن صاحب فخ در سال ۱۶۹ و یحیی بن عبدالله بن حسن، برادر کوچک نفس زکیه، در ۱۷۵ منجر شد. در مرحله بعد، سرکوب شاخه حسینی ـ که چهره برجسته شان امام جعفر صادق و امام موسی کاظم (علیهما السلام) بودند ـ و پیروانشان آغاز شد که با شهادت امام کاظم (ع) در زندان هارون (در سال ۱۸۳) به اوج خود رسید. [۱۲۸] از نظر داخلی در این دوره، تشیع

ص: ۱۷۵

امامی در درون خود شاهد اختلافات و انشعابات بود: نخست جدایی غالیانِ پیرو ابوالخطاب محمد بن ابی زینب اسدی غالی در حوالی سال ۱۳۸ از بدنه اصلی جامعه،[۱۹۸] و سپس انشعاب فَطْحی ها، یعنی پیروان عبدالله أفطح که قائل به امامت وی پس از امام صادق (م ۱۴۸) بودند و حتی به امامت امام کاظم (ع) به عنوان جانشین برادرش عبدالله قائل شدند نه جانشین بلافصل امام صادق (ع)، و انشعاب واقفی ها که پس از رحلت امام کاظم (ع) در سال ۱۸۳ با طرح مسأله غیبت آن حضرت و ظهور وی در آینده برای اقامه عدل در روی زمین، رحلت آن حضرت را انکار کردند. سرکوب دولتی و انشعاب داخلی که دو مشخصه عمده جامعه امامی در این دوره بود، تا آخرین سالهای این قرن ادامه یافت; یعنی تا زمانی که جنگ داخلی جهان اسلام، مأمون (خلافت ۱۹۸ ـ ۲۱۸) را به خلافت رساند و وی به نوبه خود امام علی بن موسی الرضا (ع) را به جانشینی خود منصوب کرد.

---

۱۹۸ . در گزارشی از این دوران در کتاب **کشف الغمه**: ۴۰۹/۲ از «روزگاری که جامعه شیعه دچار دو دستگی شد» یاد می شود. (بخوانید «حین اختلف الشیعة» به جای «حین اجلبت الشیعة»).

فهرستی که در ادامه این یادداشت کوتاه خواهد آمد، مشتمل بر نام مؤلفان امامی است[۱۹۹] که در هفت دهه نخست دوران عباسی زندگی می کردند و به احتمال زیاد پای به قرن سوم نگذاشتند. این فهرست شامل مؤلفات شماری از مؤلفان غیر امامی اعم از سنیان و زیدیان نیز می شود که امامیه، برخی از آثار آنان را ـ که مشتمل بر روایات آن مؤلفان از امامان است ـ جزو میراث خود به شمار می آوردند. بیشتر این افراد، راویان حدیثی بودند که به بیت امام جعفر صادق (ع) رفت و آمد داشته و از ایشان حدیث، روایت می کردند، ولی امامیه پس از آن دوره دیگر تقریبا هرگز آنان را در میان خود ندیدند. از این رو آنان را در این بخش آورده ایم هرچند ممکن است برخی از این راویان پای به قرن سوم هم نهاده باشند.

فهرست حاضر، همچنین شامل کسانی از نسل نخستین واقفه نیز هست که سال درگذشت آنان روشن نبوده و پس از این دوره، دیگر اطلاعی از آنان در دست نیست، هرچند محتمل است که برخی از آنان سالهایی از آغاز قرن سوم را هم درک کرده باشند.

ص: ۱۷۶

۱۹۹ . آثار منسوب به امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) و میزان اعتبار این نسبت ها، پس از این در باب پایانی کتاب که به ارزیابی میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین اختصاص دارد مورد بحث قرار خواهد گرفت.

[۱۲۹] ۱ . ابان احمر

ابوعبدالله اَبان بن عثمان احمر،از موالی بَجیلة، عالم برجسته در ادبیات عرب و تاریخ. وی در زمان های مختلف در بصره و کوفه زندگی می کرده و از امام صادق (ع) و شاگردانش نقل حدیث نموده است.

رجال برقی: ۹۹; رجال کشی: ۳۵۲ و ۳۷۵; ضعفاء عُقَیلی: ۳۷/۱ ـ ۳۸; ثقات ابن حبان: ۱۳۱/۸; نجاشی: ۱۳; فهرست طوسی: ۱۸ ـ ۱۹; رجال او: ۱۶۴; میزان الاعتدال: ۱۰/۱; لسان المیزان: ۳۵/۱ ـ ۳۶

یاقوت در ارشاد الاریب: ۳۹/۱ به نقل از فهرست طوسی (و از آنجا سیوطی در بغیة: ۴۰۵/۱) او را أبان بن عثمان بن یحیی بن زکریا اللؤلؤی معرفی می کند. این مطلب در فهرست نیامده و درست هم به نظر نمی رسد، زیرا یحیی بن زکریا اللؤلؤی دانشمندی از اواخر قرن سوم است که طوسی او را در مدخل مستقلی (فهرست: ۱۷۹) یاد کرده است. در محاسن (ص ۷۲) نام او ابان بن عثمان الاحمر التمیمی آمده است; نسبتی که در جای دیگری به چشم نمی خورد. محمد بن سَلاّم الجُمَحی شاگرد ابان در طبقات فحول الشعراء (ص ۲۱۱ و ۴۱۴) او را ابان الاعرج می نامد. این می تواند تصحیف «الاحمر» باشد که در سایر منابع آمده است.

در میان گزارش هایی که موطن اصلی ابان را یاد کرده، اختلاف وجود دارد. کشی (رجال کشی: ۳۵۲) او را بصری الاصل معرفی کرده که در کوفه می زیسته است. نجاشی: ۱۳ و طوسی در فهرست :۱۸ بر عکس، او را کوفی دانسته اند که در بصره و کوفه، در سالهای متفاوت، می زیسته است. در معالم العلماء: ۲۷ نیز او را کوفیِ ساکن در بصره می داند. برقی در رجال: ۹۹ او را کوفی می نامد، اصطلاحی که به گفته محمدتقی تستری (قاموس: ۱۳/۱) به طور معمول به موطن اصلی اشاره دارد (در مقابل «الکوفی» که محل زندگی را نشان می دهد. اما قبول این مدعا، نیاز به بحث و بررسی بیشتر دارد). بدون تردید، بجلی های بیشتری در کوفه زندگی می کردند; جایی که نخستین محلی بود که آنان پس از ترک مناطق اصلی خود در عربستان، در خلافت عمر (تاریخ طبری: ۴۷۱/۳) در آن اقامت گزیدند و

ص: ۱۷۷

محله معتبری از شهر به نام آنان شناخته می شد (معجم قبایل العرب: ۶۵/۱. نیز نجاشی: ۱۱۹). نجاشی و طوسی در فهرست هر دو یادآور می شوند که علمای بصره مانند ابوعبیدة، مَعْمر بن مُثنّی (م ۲۰۹) و ابوعبدالله محمّد بن سلاّم (الجمحی م ۲۳۲) در تألیفات خود از ابان به عنوان یک مرجع معتبر در زمینه اشعار، انساب و جنگهای عرب، اخباری نقل کرده اند. معالم العلماء: ۲۷ به خطا، بخش های این دو نام را با هم مخلوط کرده و می نویسد که ابوعُبَید قاسم بن سلاّم (الهروی م ۲۲۴) نزد اَبان شاگردی کرده است. جاحظ (البیان ۵۰/۲ ـ ۵۵) پنج خطبه از امام علی (ع) از معمر بن مُثّنی نقل کرده است (بنگرید: همان، ص ۵۱: قال ابوعبیدة ... ۵۵: و بهذا الاسناد ...) از جمله یکی که مشتمل بر فضائل

اهل بیت پیامبر (ع) بوده و به شدت شیعی است. ویلفرد مادلونگ[200] بر این گمان است که معمر آنها، یا دست کم برخی از آنها را، از ابان نقل کرده است. محمد بن سلاّم در طبقات فحول الشعراء (۴۵، ۸۷، ۲۱۱، ۲۱۳، ۳۱۶، ۳۲۲، ۳۷۵، ۴۰۶، ۴۱۴، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۵۸) مطالبی از ابان روایت می کند.

[۱۳۰] ضبط مرجح یک گزارش در رجال کشی ۳۵۲ گویای آن است که ابان، شیعه ای ناووسی بود، گروهی که پس از رحلت امام صادق (ع) هیچ کسی را به عنوان جانشین وی نپذیرفتند و بدین ترتیب راه خود را از اکثریت قاطع پیروان آن حضرت که سرانجام یک یا دیگری از فرزندان ایشان را به عنوان امام قبول کردند، جدا ساختند. برخی نویسندگان متأخر شیعه (مانند محمدتقی تستری در قاموس ۱۱۴/۱ ـ ۱۱۶) علیه این مطلب استدلال کرده اند، اما هیچ یک از استدلالات آنان قانع کننده نیست.

کشی در رجال: ۳۷۵ می نویسد که ابان از طبقه جوان تر شاگردان امام جعفر صادق (ع) (م ۱۴۸) بوده است. منابع شیعه، تاریخی برای درگذشت ابان نیاورده اند; اما لسان المیزان: ۳۶/۱ سال ۲۰۰ را یاد کرده است. رُوند بودن این عدد نشانگر نوعی تسامح و حدس است. همین منبع از یک اثر که نام نمی برد ـ به احتمال بسیار زیاد تاریخ الشیعه ابن ابی طیّ ـ نقل می کند که ابان دارای حافظه بسیار قوی بود در حدی که می توانست کتاب خودش را از حفظ روایت کند (بخوانید «یروی لنا» به جای «یرینا») بدون آن که کلمه ای به آن اضافه نماید.

۱ ـ کتاب المبتدأ و المبعث و المغازی و الوفاة و السقیفة و الردة

(نجاشی: ۱۳; فهرست طوسی: ۱۸). این اثر، کتابی است در سیره پیامبر (ص) با فصلی درباره

خلقت انسان و تاریخ انبیاء. نقل قول های فراوان از ابان که نویسندگان بعدی در باره این موضوعات از وی آورده اند، باید از همین کتاب گرفته شده باشد. از آن جمله یعقوبی در تاریخ: ۶/۲ که تصریح به نقل ابان از امام جعفر صادق (ع) دارد. سزگین: ۲۷۸/۱ به اشتباه، منبع یعقوبی را ابان بن عثمان بن عفان معرفی کرده است; کسی که مورخان سنی او را نخستین کسی می دانند که سیره پیامبر (ص) را برای سلیمان بن عبدالملک اموی در زمان ولایتعهدی او در سال ۸۲ تدوین کرد. روشن است که این ابان نمی توانسته منبع یعقوبی باشد که از امام صادق (متولد ۸۰) روایت می کرده است. یاقوت در معجم البلدان: ۳۲۱/۴ مؤلّف ما را به همین اعتبار «ابان بن عثمان صاحب المغازی» می خواند.

این کتاب تا اوائل قرن ششم در دسترس بوده و طَبْرِسی بخش بزرگی از آن را در اعلام الوری: ۸۲ ـ ۱۳۹ (با چند نقل پراکنده از مآخذ دیگر در میانه) درج کرده است. اخیرا آقای رسول جعفریان آن بخش را برگرفته و با افزودن نقلهایی دیگر از ابان در موضوع سیره پیامبر (ص) در سایر منابع قدیم، به نام المبعث و المغازی و الوفاة و السقیفة و الرّدة منتشر ساخته است. ولی ایشان یک نقل طولانی را از ابان که بیاضی در صراط المستقیم: ۷۹/۲ ـ ۸۳ آورده و در باره سقیفه است، ندارد. این متن طولانی طبعا باید بخش عمده فصل سقیفه را در آن کتاب تشکیل می داده است. همچنین شماری قطعات کوتاه و بلند دیگر، از جمله موارد زیر:

– طبقات ابن سعد: ۳۲/۴ (در باره جنگ بدر)

– عیّاشی: ۲۶۱/۱ – ۲۶۲ (در نزول آیه ۴: ۸۴ قرآن کریم)

---

۲۰۰ . در مقاله «ابوعبیده معمر بن مثنی به عنوان مورخ» در مجله Journal of Islamic Studies اکسفورد، ۱۹۹۲، صص ۴۷/۳ ـ ۵۶.

- کافی: ۱۹۴/۳ (تکرار شده با اختلافات در ۲۰۰، در روش پیامبر در دفن فرزندش ابراهیم)
- همان: ۲۴۱/۳ (در فوت رقیّه دختر پیامبر)
- همان: ۲۵۲/۴ (عمره حدیبیّه)
- همان: ۴۲۸/۴ (وصف طواف پیامبر)
- همان: ۴۷۳/۴ - ۴۷۴ (دستورات پیامبر در حج به زنانی که همراه او بودند)
- همان: ۵۰۲/۴ (روش پیامبر در عید اضحی)
- همان: ۵۴۸/۴ (نیز کامل الزیارات: ۴۱ - ۴۲ و ۴۴ - ۴۵، در ثواب زیارت پیامبر)
- همان: ۵۶۱/۴ (فاطمه زهرا پس از رسول خدا)
- همان: ۵۶۳/۴ (این که پیامبر مدینه را حرم قرار داد)
- همان: ۵۶۷/۴ (نصب پیامبر امیر مؤمنان را در غدیر)

ص: ۱۷۹

- همان: ۳۳۱/۸ (دو روایت، در باره زره رسول خدا و بیوت پیامبر)
- معجم البلدان یاقوت: ۳۲۱/۴ (در باره ذو قرد، محلّی که غزوه ذی قرد در سال ۶ هجرت بدان منسوب است)

[۱۳۱] ۲ ـ اصل / کتاب

دفتر حدیث ابان که شماری از راویان از جمله حسن بن علی الوشاء و مُحسّن بن احمد القیسی از او روایت کرده اند (رساله ابوغالب زراری: ۱۶۵; نجاشی، ۳۹; فهرست طوسی: ۱۹، لسان المیزان: ۳۶/۱). احمد بن محمد بن ابی نصر البَزَنطی تمامی آثار ابان را روایت کرده بود (نجاشی: ۱۳). ابن ابی عمیر (م ۲۱۷) به سماع از مؤلف، کتاب را روایت می کرد (لسان المیزان: ۳۶/۱).

چند صد روایت از ابان در آثار حدیثی متأخر شیعی به جای مانده که فهرست آنها در معجم رجال الحدیث: ۱۲۵/۱ ـ ۱۳۸، ۱۶۲ ـ ۱۶۹، ۳۷۱ ـ ۴۰۳، ۴۰۸ ـ ۴۳۷ و فهارس بحار: ۷/۸ ـ ۸، ۱۰ ـ ۱۱ آمده و بسیاری از آنها از راویان نامبرده پیشین است (معجم رجال الحدیث: ۲ / ۴۸۵، ۶۰۰ ـ ۶۰۱، ۴/ ۴۹۷، ۵/ ۲۸۳ ـ ۲۸۴، ۳۲۶ ـ ۳۲۷، ۱۴/ ۱۹۳ ـ ۱۹۵، ۴۱۶ ـ ۴۱۷، ۱۶۵/۲۳). بسیاری از این روایات، در اصل، احتمالا اجزائی از این دفتر حدیث بوده است.

۲ . عبّاد بن صُهَیب

ابوبکر عبّاد بن صهیب تمیمی کُلَیبی یربوعی، راوی پر کار حدیث سنی با تمایلات معتزلی و شیعی، بصری الاصل و کوفی المسکن. وی از امام جعفر صادق (ع) و دیگران حدیث نقل می کرده و گفته می شود که در حوالی سال ۲۰۲ درگذشته است.

رجال برقی: ۷۴; رجال کشی : ۳۹۱ ـ ۳۹۲; نجاشی: ۲۹۳; فهرست طوسی، ۱۲۰; رجال او: ۱۴۲، ۲۴۳. برای منابع سنی بنگرید به فهرست مفصل در پاورقی مصحح لسان المیزان: ۶۶۶/۳ ـ ۶۶۷ (ابن عدی در کامل: ۱۶۵۲ ـ ۱۶۵۳ و ذهبی در میزان، ۳۶۷/۲ بیشترین اطلاعات را در باره او دارند).

در منابع شیعه اطلاعات مربوط به این راوی با مطالب مربوط به محدث دیگر بصره، عباد بن کثیر، درآمیخته و خلط شده است (تفصیل این نکته را بنگرید در قاموس الرجال: ۶۴۳/۵ ـ ۶۴۴، ۶۵۳ ـ ۶۵۶. برای یک مورد محتمل دیگر ـ غیر از آنچه در قاموس آمده ـ بنگرید: علل الشرایع: ۱۱۳/۲).

تمایلات شیعی عباد در نقلهای او در فضائل امام علی (ع) و سایر اهل بیت انعکاس دارد (برای

ص: ۱۸۰

نمونه بنگرید: فضائل الصحابه احمد بن حنبل: ۶۵۸; عیون المعجزات: ۴۶ ـ ۴۷; شواهد التنزیل: ۱۸۱/۱ ـ ۱۸۲، ۳۵۷، ۴۵۷). وی خدمت تنی چند از رجال خاندان پیامبر (ص) رسیده و از آنان روایت کرده است (برای نمونه بنگرید: تفسیر عیاشی: ۹۱/۱ که او برای امام کاظم (ع) نظر فقهی عبدالله بن حسن را که خود از او شنیده بود، نقل می کند. همین طور: خصال: ۳۶۰ [به جای عتّاب، بخوانید عبّاد چنان که در بحار ۲۱۰/۴۳] که عباد از عیسی بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی (ع) روایت می کند).

سال ۲۰۲ برای درگذشت وی در تاریخ کبیر بخاری: ۴۳/۶ آمده است; اما ابن عدی در کامل: ۱۶۵۲ (و از آنجا در لسان المیزان: ۶۶۷/۳ ـ ۶۶۹) که از همان منبع نقل می کند، سال ۲۰۰ یا حوالی ۲۱۲ دارد. هر کدام از این تواریخ نشان می دهد که عباد، عمری طولانی داشته است، مشروط بر آن که نقل وی از راویانی مانند جابر جعفی (چنان که در تفسیر فرات: ۲۴۱ و به نقل از آن در شواهد التنزیل: ۴۵۷/۱) [۱۳۲] که در اوائل قرن دوم فعال بوده اند به سماع مستقیم بوده باشد.

ابن عدی (کامل: ۱۶۵۳) یادآور شده است که عباد بن صهیب چندین مجموعه از مرویات خود فراهم کرده بود.

کتابه عن أبی عبدالله

دفتر حدیث او از امام صادق (ع) (نجاشی: ۲۹۳; فهرست طوسی: ۱۲۰) که طوسی آن را از طریق حسن بن محبوب (م ۲۲۴) روایت کرده است. بخش اعظم روایات نقل شده از عباد در کتب حدیثی شیعه، از طریق همین حسن بن محبوب است، ولی بیشتر روایات سنی و زیدی از عباد، از طریق راوی دیگری با نام محمد بن عمر مازنی بصری است. بخشی از مرویات عباد از امام صادق (ع) چنین است:

فضائل احمد بن حنبل: ۶۵۸ (نیز امالی صدوق: ۲۴۸ ـ ۲۴۹)

محاسن: ۲۹۳

امالی احمد بن عیسی: ۳۳۳/۴ ـ ۳۳۴

تفسیر عیاشی: ۲۳۵/۱

مناقب الامام أمیر المؤمنین، محمد بن سلیمان: ۳۵۹/۱ (نیز در امالی طوسی: ۵۰۴ ـ ۵۰۵)، ۴۶۰ (تکرار شده در ۲۳۰/۲)

کافی: ۴۹/۱، ۲۷۶/۲، ۵۴۷/۳، ۲۸/۵، ۲۳۸، ۵۲۴ (نیز علل الشرایع: ۲۵۲/۲)، ۱۶۳/۶ (تکرار شده در ۲۱۲/۷)، ۲۱۵/۶، ۲۰۸/۷، ۲۳۹

ص: ۱۸۱

تمحیص ابن همام: ۴۵، ۶۶ (نیز خصال: ۱۲۷)

تفسیر فرات: ۳۴۳، ۴۵۲ ـ ۴۵۳

تأویل ما نزل، ابن جُحام: ۳۶۵

تفسیر قمی: ۳۸۹/۲

اغانی: ۲۷۷/۷

علل: ۹۲/۱ ـ ۹۵، ۱۵۳، ۱۷۰، ۱۸۴

خصال: ۱۲۷، ۱۸۹، ۵۱۱ ـ ۵۱۴

مأة منقبه ابن شاذان، ۳۵

امالی ابوطالب: ۱۴۸، ۴۳۴

امالی طوسی: ۶۴۷ ـ ۶۴۸ (سه نقل با اِسناد واحد)

[۱۳۳] تهذیب : ۱۶۶/۳، ۳۳۱/۷، ۳۸/۹، ۱۷۰، ۱۴۴/۱۰

شواهد التنزیل: ۳۵۷/۱

مناقب ابن شهرآشوب: ۳۳۱/۳

بشارة المصطفی: ۱۶۲ (بخوانید: «عن جعفر عن أبیه، عن علی بن الحسین» [چنان که در بسیاری از موارد دیگر] به جای «عن علی بن الحسین»)

تهذیب الکمال: ۸۲/۱۸ (و از این جا در اللئالی المصنوعه سیوطی: ۳۵/۱)

بحار الانوار: ۳۰۶/۹۲ ـ ۳۲۵

۳ . عبدالعزیز عبدی خزّاز

عبدالعزیز بن عبدالله کوفی خزاز، از موالی بنوعبدالقیس از قبیله اسد ربیعه، و راوی حدیث از امام صادق (ع).

برقی: ۷۵، نجاشی: ۲۴۴; رجال طوسی: ۲۳۹، ۲۶۵

روایتی در خرائج: ۶۳۶ (و از آن جا در کشف الغمة: ۴۰۳/۲) از این راوی (که در آنجا حرفه او را قزّاز [فروشنده ابریشم] به جای خزاز [به معنای فروشنده پوست خز] آورده است) دارد که این شخص در آغاز از افکار غلات در باره خصلت الهی امامان پیروی می کرده اما امام صادق (ع) وی را از آن برحذر داشت (مقایسه کنید با بصائر: ص ۲۳۶ که در آنجا این روایت به فرزند او اسماعیل نسبت داده شده با افزوده هایی که ظاهرا الحاقی است، زیرا با منظور اصلی روایت ناسازگار است). این که وی دارای

ص: ۱۸۲

تمایلات غالی بوده از روایتی که در توحید: ۱۵۲ آمده نیز استفاده می شود. ممکن است تضعیف وی توسط نجاشی: ۲۴۴ به همین دلیل باشد.

کتاب

دفتر حدیث اوست که وسیله شماری از راویان حدیث از جمله حسن بن محبوب از او روایت شده است (نجاشی: ۲۴۴). به جز موارد اندکی که فرزندش اسماعیل (کافی: ۵۶۰/۳ ـ ۵۶۲)، احتمالا فرزند دیگری به نام محمد (کافی: ۳۴۵/۶) و دیگران (برای نمونه محاسن: ۳۱، و از آنجا کافی: ۵۱۹/۲) از او نقل می کنند، همه روایات نقل شده از این مؤلف در آثار بعدی، به وسیله حسن بن محبوب نقل شده است. نمونه ها:

محاسن: ۲۷۷، ۴۹۷ (نیز کافی: ۳۴۰/۶)، ۵۰۰ (نیز کافی: ۳۳۳/۶)، ۵۴۰

بصائر الدرجات: ۲۰۷ (نیز کافی: ۲۱۴/۱، همین روایت در تأویل ما نزل من القرآن: ۲۳۱ از طریق راوی دیگری از عبدالعزیز نقل شده است)

[۱۳۴] کافی: ۳۷۵/۱ ـ ۳۷۶ (و از آن جا در غیبت نعمانی: ۱۳۲ ـ ۱۳۳. نیز بنگرید: تفسیر عیاشی: ۱۳۵/۱)، ۳۱۹/۲ (نیز ثواب الاعمال: ۲۰۱)، ۳۲۰ (نیز خصال: ۸۸ [بخوانید: «سهل بن زیاد عن حسن بن محبوب»، چنان که در کمال الدین: ۳۳۸، ۴۱۱ . نیز بنگرید: معجم خویی: ۳۴۲/۸])، ۴۴۹; ۱۳۳/۳ ـ ۱۳۴، ۱۹۲; ۱۲۶/۴، ۳۷۹; ۳۰۶/۵، ۳۹۲; ۱۹۷/۷ ـ ۱۹۸، ۲۰۸، ۳۰۶ (نیز من لایحضر: ۱۲۶/۴ ـ ۱۲۷)

رجال کشی: ۴۳

امالی صدوق: ۳۲۹ (نیز ثواب الاعمال: ۵۷)

من لایحضر: ۳۰۹/۴ ـ ۳۱۰

علل: ۱۶۱/۲ (نیز عقاب: ۲۷۷; خصال: ۲۷۳ ـ ۲۷۴)

کمال الدین: ۳۳۸ (متن تصرف شده، تکرار شده در همان: ۴۱۱)

توحید: ۱۵۲

تهذیب: ۲۰۷/۸

فلاح السائل: ۲۰۲ ـ ۲۰۳

۴ . عبدالغفار جازی

عبدالغفار بن حبیب طائی جازی، یک راوی عراقی از امام صادق (ع).

نجاشی: ۲۴۷; فهرست طوسی: ۱۲۲; رجال او: ۲۴۱، ۴۳۵

نجاشی نوشته است که نسبت جازی، منسوب به قریه ای است در بین النهرین با نام جازیه. محمد تقی تستری (قاموس: ۱۹۵/۶) می گوید: نسبت درست باید «جاری» باشد، زیرا نه یاقوت و نه سمعانی از جازیه یاد نکرده اند در حالی که افراد متعددی با نسبت «جاری» در منابع یاد شده اند. روشن است که این استدلال خوبی نیست.

کتاب

دفتر حدیث اوست که شماری از راویان از جمله نضر بن شعیب (ظاهرا مع الواسطه، چنان که در من لایحضر: ۲۱۳/۴) از او روایت کرده اند (نجاشی: ۲۴۷; فهرست طوسی: ۲۴۲). به جز یک مورد (تهذیب: ۲۹۱/۷) همه نقلها از عبدالغفار جازی در کتابهای حدیثی شیعه از طریق نضر بن شعیب می باشد، چنان که در این نمونه ها:

بصائر: ۱۶ (و از آن جا در کافی: ۳/۲)، ۱۷۸، ۱۹۳ ـ ۱۹۴، ۲۹۰ (بخوانید: «نضر بن شعیب عن عبدالغفار»، چنان که در بحار: ۳۳۰/۴۳)، ۳۲۱، ۳۲۸، ۵۱۳ ـ ۵۱۴ (دو روایت)

[۱۳۵] کافی: ۹۹/۵

فضائل الاشهر الثلاثة: ۹۶

من لایحضر: ۲۱۳/۴

معانی الاخبار: ۱۳۷، ۱۳۸، ۲۰۰

تهذیب: ۱۲۸/۱ (بخوانید نضر بن شعیب»، چنان که در استبصار: ۱۱۴/۱، به جای «نضر بن سوید عن شعیب»)، ۲۵۸/۵، ۴۶۷ (بخشی از آن تکرار شده در ۳۶۹)

۵ . ابومریم

ابومریم عبدالغفار بن قاسم بن یحیی بن قیس بن قهد انصاری، عالمِ محدث کوفی در نیمه اول قرن دوم هجری و راوی شناخته شده در هر دو جامعه شیعه و سنی در روزگار خویش. او از استادان بسیار، از جمله امام باقر و امام صادق(علیهماالسلام)، نقل حدیث می نمود.

تاریخ یحیی بن معین: ۳۶۷/۲; تاریخ کبیر بخاری: ۱۲۲/۶; رجال برقی: ۵۲، ۶۴; ذیل المذیل طبری: ۶۸۰

ص: ۱۸۴

; الجرح و التعدیل رازی: ۵۳/۶ ـ ۵۴; ضعفاء عقیلی: ۱۰۰/۳ ـ ۱۰۶; مجروحین ابن حبان: ۱۴۳/۲; کامل ابن عدی: ۱۹۶۴ ـ ۱۹۶۵; نجاشی: ۲۴۶ ـ ۲۴۷; فهرست طوسی: ۱۸۸ ـ ۱۸۹; رجال او: ۱۱۸، ۱۴۰، ۲۴۱; لسان المیزان: ۴۱۲/۴ ـ ۴۱۴ (و منابع دیگری که مصحح کتاب در پاورقی آورده است).

نسب او به شرحی که گذشت مطابق کامل ابن عدی: ۱۹۶۴ است. نجاشی: ۲۴۶ و رجال طوسی: ۲۴۱ او را عبدالغفار بن قاسم بن قیس بن قیس بن قهد خوانده اند. «قیس» اول می تواند تصحیف یحیی باشد یا به عکس و یا نامی افزون.

مؤلفان سنی با وجود ستایش از دانش حدیثی و رجالی ابومریم، وی را به خاطر داشتن تمایلات شیعی که مخصوصا در روایات او بر ضد عثمان انعکاس دارد، مذمّت کرده و وی را به خاطر عقایدش راوی غیر قابل اعتماد معرفی می کنند. شعبة بن حجاج (م ۱۶۰) محدث معروف اواسط قرن دوم نزد وی شاگردی و از او نقل روایت کرده است. ذهبی بر این گمان است که ابومریم می بایست تا سال ۱۶۰ زنده بوده باشد زیرا برخی از کسانی که از وی روایت کرده اند در میانه قرن دوم به دنیا آمده و نمی توانستند پیش از آن تاریخ از وی سماع حدیث کنند. این استدلال در صورتی درست است که آنان فی الواقع شفاهاً و مستقیماً از ابومریم روایت کرده باشند.

ابن ابی حاتم (الجرح و التعدیل: ۵۴/۶ [و از آنجا در میزان الاعتدال: ۶۴۰/۲]) ابومریم را از رؤسای شیعه می خواند. ابن عدی در کامل: ۱۹۶۵ و دیگران (مانند ابن عساکر در تاریخ دمشق: ۳۵۹/۳۰) او را شیعه غالی خوانده اند. این تعبیر به روشنی اشاره به روایاتی دارد که وی بر ضد عثمان روایت کرده است (نمونه ها در ضعفاء

عقیلی: ۱۰۲/۳، و مجروحین ابن حبّان: ۴۳/۲). عقیلی: ۱۰۲/۳ بر این باور است که روایات قابل انتقاد وی مربوط به دوره اخیر زندگی اوست و کسانی مانند شعبه پیش از آن تاریخ، نزد وی شاگردی کرده اند. عقیلی (و از آنجا در میزان الاعتدال: ۶۴۱/۲) از ابومریم به دلیل دانش رجالی او، ستایش می کند و به صراحت می گوید که علمای سنی او را به خاطر عقایدش، و نه به دلیل ضعف در روایت، غیر قابل اعتماد می دانند.

ابومریم به رغم گرایش شیعی خود، با امویان در ارتباط بود و گاهی به دمشق می رفته و در دربار شاهزاده ابراهیم بن ولید (م ۱۳۲) حضور می یافت. سفرهای گهگاهی وی به دمشق و روابط با ابراهیم بن ولید را خود وی در روایتی یادآور شده که با تصرّفات بعدی و اضافات، در کتاب کفایة الاثر خزاز: ۲۵۱ آمده است. [۱۳۶] در این روایت او همچنین به امام باقر(ع) شکوه می کند که در انتظار خروج قائم پیر شده است (همان: ۲۵۲). روشن است که این گزارش مربوط به سالهای پایانی زندگی امام باقر (ع) است.

در باره رفتار شخصی او، یک گزارش در کافی: ۴۱۰/۶، ۴۱۵ می گوید که او نبیذ می نوشیده است.

این نوعی نوشیدنی الکلی ملایم بود که بسیاری از فقهای عراق نوشیدن آن را در حد اعتدال جایز می دانستند. در میان شیعه هم کسانی بودند که نوشیدن نبیذ را جایز می پنداشتند (کافی: ۴۱۱/۶; رجال کشی: ۲۰۱). عادت وی در نوشیدن نبیذ را عقیلی (ضعفاء: ۱۰۲/۳) نیز ذکر می کند.

۱ ـ کتاب الصلاة

(فهرست طوسی: ۱۸۹). تعدادی روایت از این نویسنده در موضوع نماز در کتابهای حدیثی متأخر نقل شده است. نمونه ها:

امالی احمد بن عیسی: ۲۵۷/۱

تفسیر عیاشی: ۲۴۳/۱

أخبار القضاة: ۱۶/۳

کافی: ۴۵۰/۱ (نیز تهذیب: ۲۹۶/۱)، ۲۱۹/۳، ۳۰۵، ۴۲۱

ایضاح قاضی نعمان: ۷۱ – ۷۲، ۹۰

تهذیب: ۴۱۶/۱

الاذان بحی علی خیر العمل: ۷۴

۲ ـ کتاب

دفتر حدیث اوست که شماری از راویان شیعه از وی روایت کرده اند (نجاشی: ۲۴۷، فهرست طوسی: ۱۸۹). نزدیک به دویست نقل از ابومریم در کتاب های حدیثی امامیه آمده که بسیاری از آنها به احتمال زیاد، در اصل از همین کتاب بوده است. برای موارد این نقلها بنگرید به: معجم خویی: ۵۶/۱۰، ۲۱۱/۲۲، ۲۱۵، فهارس بحار: ۲۸۶/۹ ـ ۲۸۷، ۲۹۸/۱۰. تعداد قابل ملاحظه ای نقل از او نیز در منابع سنی آمده که بیشتر آنها در فضائل امام علی (ع) و برخی هم در موضوعات فقهی و اخلاقی است. نمونه ها:

مسند بزّار: ۱۰۵/۲ ـ ۱۰۶ (نیز محمّد بن سلیمان : ۳۷۰/۱ ـ ۳۷۱; تفسیر الطبری: ۱۲۱/۱۹ ـ ۱۲۲; تهذیب الاثار، بخش مسند علی: ۶۲ ـ ۶۳، تاریخ طبری: ۳۱۹/۲ ـ ۳۲۱)، ۲۹۰ (نیز اخبار اصبهان: ۴۷/۲)

مقتل امیرالمؤمنین (ع) ابن ابی الدنیا: ۳۶

[۱۳۷] اخبار القضاة: ۱۱/۳

ضعفاء عقیلی: ۱۰۱/۳ (برای نسخه شیعی این روایت بنگرید: تأویل ما نزل من القرآن: ۲۲۴ ـ ۲۲۵).

ص: ۱۸۶

معجم الصغیر طبرانی: ۱۲۰/۱ ـ ۱۲۱

کامل ابن عدی: ۵۳۴ (به جای «عن ابن ابی مریم» بخوانید: «عن أبی مریم»، چنان که در همان: ۱۹۶۵ و میزان الاعتدال: ۳۷۶/۱) ۸۴۳، ۱۹۶۴ ـ ۱۹۶۵ (پنج روایت)

جزء ابن مردویه: ۲۳۸

معرفة الصحابة: ۸۸

حلیة الاولیاء: ۳۷۵/۴ ـ ۳۷۶ (و از آنجا در سنن بیهقی: ۱۲۶/۹، شعب الایمان: ۴۸۴/۷ [به جای «ابومِرثَد» در این مأخذ، بخوانید «ابومریم»]).

تاریخ دمشق: ۳۵۹/۳۰، ۱۸۷/۴۲ ـ ۱۸۸، ۴۹۱

اللئالی المصنوعة: ۴۰۸/۱

روایاتی نیز از این مؤلف در منابع زیدی و اسماعیلی آمده است. از آن جمله:

وقعة صفین: ۲۱۷ ـ ۲۱۸

امالی احمد بن عیسی: ۲۵۷/۱، ۲۶۶/۲، ۱۱۲/۳، ۱۲۲

مناقب محمّد بن سلیمان: ۱۸۹/۱، ۲۸۸، ۳۲۵، ۱۰۲/۲، ۱۶۷، ۲۰۲، ۲۵۱، ۳۷۹، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۴۹، ۵۳۸

شرح الاخبار: ۲۸۶/۲ ـ ۲۸۸

۶ . کرّام الخثعمی

عبدالکریم بن عمرو بن صالح معروف به کرّام،از مردمان کوفه، از موالی قبیله خثعم، و از برجستگان جامعه شیعه کوفه در روزگار خود. او از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) روایت می کرد و پس از رحلت امام کاظم (ع) از رهبران واقفه بود.

رجال برقی: ۱۱۷، ۱۷۵; رجال کشی: ۵۵۵; رجال ابن غضائری: ۱۱۴; نجاشی: ۲۴۵; فهرست طوسی: ۱۰۹، رجال او: ۲۳۹، ۳۳۹، غیبت همو: ۵۴، ۶۳ ـ ۶۴

به گفته ابن غضائری، نام کرّام در میان غلات محبوب بوده و آنان بسیاری از مرویاتش را در آثار خود آورده اند. چند روایت باطنی از او در متون حدیثی شیعی (مانند کافی: ۲۳۲/۸ ـ ۲۳۳ [بخشی از آن نیز [۱۳۸] در بصائر: ۳۵۳ ـ ۳۵۴ و اختصاص: ۳۰۱]. نیز نگاه کنید: بصائر: ۲۰، اختصاص: ۲۸۶) می تواند از بقایای همان روایات باشد.

بیشتر کسانی که شرح حال وی را نوشته اند، یادآور شده اند که وی واقفی بوده است. از رجال

ص: ۱۸۷

طوسی ۳۳۹ بر می آید که او یک واقفی تند و متعصب بوده است. این مسأله، البته مانع از آن نشد که یک راوی بعدی، متنی به کرّام نسبت دهد که بر اساس آن، تعداد امامان دوازده دانسته شده بود (کافی: ۵۳۴/۱). در نسخه ای دیگری از این روایت (کافی: ۱۴۱/۴) جمله مربوط به دوازده امام نیامده است.

کتاب

دفتر حدیث اوست که تعدادی از راویان شیعه آن را روایت کرده اند، از آن جمله عبیس بن هشام ناشری و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی (نجاشی: ۲۴۵، فهرست طوسی: ۱۰۹، رجال او: ۳۳۹). تعداد زیادی روایت از کرام در متون حدیثی شیعه آمده است که عمدتا از طریق همین دو راوی کتاب او نقل می شود، گاه به صورت انفرادی از یکی از آن دو و گاه از هر دو با هم (برای نمونه: غیبت طوسی: ۴۲۵ ـ ۴۲۶. نیز مقایسه کنید نقل عبیس را از کرام در تهذیب: ۴۸۳/۵ با نقل بزنطی از کرام در استبصار ۲۶۰/۲). برای بیش از یک صد نقل از او در کتابهای چهارگانه حدیث شیعی بنگرید به معجم خویی: ۵۹/۱۰ ـ ۶۱، ۶۸ ـ ۷۰، ۴۰۸ ـ ۴۱۴; ۱۱۱/۱۴ ـ ۱۱۲، ۳۷۱ ـ ۳۷۲ (بیش از نیمی از اینها را بزنطی روایت کرده است.) برای حدود یک صد مورد دیگر که در دیگر آثار شیعی آمده است، بنگرید: فهارس بحار: ۲۸۸/۹ ۲۹۰; ۹/۱۰.

۷ . عبدالله بن ایّوب بیّاع الزُطّی

عبدالله بن ایوب بن راشد زُهْری، فروشنده لباس هایی که جاتهای هندی آن را تهیه می کردند. او به احتمال زیاد کوفی بوده و در میانه قرن دوم می زیسته است. گفته اند که وی از امام صادق (ع) روایت می کرده و دارای تمایلات باطنی بود.

نجاشی: ۲۲۱، فهرست طوسی: ۱۰۴ ـ ۱۰۵

نجاشی منبعی است که او را «بیّاع الزطّی» معرفی کرده، و آن به معنای فروشنده لباسهایی بوده است که جات های هندی آنها را تهیه می کرده اند. برای «الثیاب الزطیة» بنگرید: لسان العرب: ۳۰۸/۷; تاج العروس: ۱۴۶/۵. برای قوم هندی زُطّ بنگرید به دائرة المعارف اسلام [به زبان انگلیسی]، مدخل زط در اواخر جلد یازدهم. به احتمال زیاد وی پسر ایوب بن راشد بزّاز (رجال طوسی: ۱۶۳) بوده که از امام صادق (ع) روایت می کرده است (موارد نقل از ایوب بن راشد در کافی: ۶۹/۱، ۵۰۵/۳، ۴۱۵/۶، ۱۹۸/۷ ـ ۱۹۹). در کافی: ۱۹۸/۷ ایوب بن راشد از واسطه ای نقل می کند که او هم فروشنده لباس هایی بوده که قوم زط درست می کرده اند. [۱۳۹] این مطلب، این احتمال را تقویت می کند که ایوب، پدر

ص: ۱۸۸

راوی ما بوده که به همان گروه صنفی تعلق داشته است. این که پدر عبدالله، راوی حدیث بوده، همچنین از روایتی در بصائر: ۱۶۶ به دست می آید که آن را عبدالله با واسطه پدر خود از امام صادق (ع) نقل می کند.

رجال طوسی: ۲۳۱ از یک عبدالله بن ایوب نام می برد که کوفی و از موالی بنی اسد بوده و از امام صادق (ع) روایت کرده است. ابن غضائری: ۷۹ از یک عبدالله بن ایوب قمی یاد می کند که در باره وی چیزی نمی دانست جز آن که غلات در آثار خود از وی روایت کرده اند. در کافی: ۳۱/۱ ـ ۳۳ از یک عبدالله بن ایوب اشعری نقل می کند که می بایست در اواخر قرن دوم زندگی کرده باشد. تستری (قاموس: ۲۶۰/۶) احتمال می دهد که تنها یک عبدالله بن ایوب بوده که نسبت او به چند صورت مختلف ذکر شده است. البته تصحیف اسدی و اشعری و حتی زهری به یکدیگر در خط عربی ممکن است. این مطلب هم درست است که تقریبا تمامی راویان اشعری که از امامان روایت کرده اند از تیره ای از این قبیله بودند که در اواخر قرن اول هجری از کوفه به قم مهاجرت کرده بود. از سوی دیگر اتهام داشتن عقاید باطنی که نجاشی در باره راوی ما آورده، متناسب با گزارش ابن غضائری در باره مقبولیت عبدالله بن ایوب قمی در میان غُلات است. دو روایت از راوی ما در بصائر: ۱۳۱، ۴۲۹ ویژگی های مورد نظر علمای شیعه در قرن سوم و چهارم را برای غلو در روایت دارا هستند.

با این حال، ما مطمئناً با بیش از یک عبدالله بن ایوب سرو کار داریم. ابن غضائری به روشنی، به نامی که به صورت «ابومحمد عبدالله بن ایوب قمی» در یک متن نُصَیری از میمون طبرانی با عنوان مجموع الاعیاد: ۱۳۳ آمده اشاره دارد که در آن جا یک داستان مفصل از این شخص در باره عید نُصَیری نهم ربیع الاول (همان: ۱۳۳ ـ ۱۴۳) نقل شده است. اما اگر این گزارش را جدی بگیریم، این قمی باید در اواسط قرن سوم هجری به عنوان یکی از شاگردان امام علی الهادی (ع) (همان: ۱۳۴ ـ ۱۳۷، ۱۴۳) زندگی می کرده است. همچنین گزارشی مربوط به بعد از زمان امام رضا (ع) در کافی: ۳۴۶/۱ ـ ۳۴۷ و کمال: ۵۳۶ ـ ۵۳۷ از یک راوی با نام عبدالله بن ایوب هست که او نیز باید در حوالی اواسط قرن سوم زیسته باشد. این هر دو، طبعا جز راوی ما بوده اند. افزون بر آن، شماری از نقلها در منابع اهل سنت از عبدالله بن ایوب به نقل از پدرش از امام باقر (ع) (و یا از پدرش از جدش از امام حسن مجتبی [ع]) روایت شده است. این شخص، ابوبکر عبدالله بن ایوب بن ابی علاج فروشنده ریسمان است که از مردمان موصل بود (بنگرید به کامل ابن عدی: ۱۵۲۷; نیز لسان المیزان: ۷۲۹/۳ و منابع بسیار دیگری که در پاورقی آن آمده است. برای نمونه روایت او از ائمه شیعه (ع) بنگرید: الموضوعات ابن جوزی: ۴۰۱/۱; اللئالی سیوطی: ۳۸۳/۱).

ص: ۱۸۹

کتاب / کتاب النوادر

(نجاشی: ۲۲۱; فهرست طوسی: ۱۰۴ ـ ۱۰۵). علاوه بر روایاتی که گذشت و تعدادی دیگر که در آنها این مؤلف، مع الواسطه از امام صادق (ع) نقل می کند (برای نمونه بصائر: ۱۶۶; خصال: ۹ [نیز ۶۱ که آن را با واسطه از امام حسن مجتبی (ع) نقل می کند]) به احتمال، این همان عبدالله بن ایوب است که راوی اصلی کتاب الدیات بوده و آن، متن فرمان امام علی (ع) به استاندارانش در باره جزئیات مبحث دیات است. [۱۴۰] متن کامل آن فرمان باقی مانده است (بنگرید به مدخل «علی علیه السلام» در بخش اول کتاب حاضر).

۸ . ابن بُکَیر

ابوعلی عبدالله بن بکیر بن أعین، از خاندان رومی الاصل آل اعین کوفه (بنگرید: مدخل شماره ۲۳۴ در فصل حاضر)، و فقیه و متکلم برجسته شیعه. او از امام صادق (ع) روایت می کرده و پس از رحلت آن حضرت، با پیروی از بزرگترین پسر ایشان عبدالله به جای امام کاظم (ع)، به فَطْحیه پیوست.

رجال برقی: ۷۱، المقالات و الفرق: ۸۹; فرق الشیعة: ۷۹، ۱۱۲; رجال کشی: ۳۴۵، ۳۷۵، رسالة ابی غالب: ۱۱۴; الفهرست ابن ندیم: ۲۴۳، ۲۷۶; تکملة رسالة ابی غالب غضائری: ۱۹۲; نجاشی: ۲۲۲; فهرست طوسی: ۱۰۶; رجال او: ۲۳۰. نیز بنگرید: غیبت همو: ۵۶.

ابوالحسن اشعری (مقالات الاسلامیین: ۱۱۲/۱) آراء عبدالله بن بکیر را در کنار دیدگاه های دیگر متکلمان شیعه در باره مسأله استطاعت (یعنی این که آیا استطاعت انسان بر انجام فعل، مسبوق بر آن است یا همراه با آن) نقل می کند. نقلی در باره این موضوع از وی در توحید: ۳۴۷ آمده است. نمونه ای از آرای شخصی این مؤلف در بحث طلاق، در کافی: ۷۷/۶ ـ ۷۸ آمده و مورد بحث و نقد علمای بعدی شیعه قرار گرفته است (برای نمونه بنگرید به تهذیب ۳۵/۸ ـ ۳۶ و جواهر الکلام: ۳۲۹/۳۲ ـ ۱۳۱). این نکته که وی از فقهای برجسته شیعه در عصر خود بوده، در رجال کشی: ۳۴۵، ۳۷۵ ; رسالة ابی غالب: ۱۱۴ و فرق الشیعة: ۱۱۲ نیز آمده است. آراء و دیدگاه های او در جامعه شیعه معاصرش معروف بوده و گاهی برای امامان نیز بازگو می شده است (برای نمونه: معانی الاخبار: ص ۲۶۶ ـ ۲۶۷ [نیز عیون اخبار الرضا: ۳۱۰/۱ ـ ۳۱۱]. نیز بنگرید: رجال کشی: ۱۴۴). او یک راوی پرکار بوده (رسالة ابی غالب: ۱۱۴)، نکته ای که شماره روایات او در کتب حدیثی شیعه شاهد خوبی بر آن است.

ص: ۱۹۰

۱ ـ کتاب

دفتر حدیث اوست که تعداد زیادی از راویان شیعه از او نقل کرده اند، از جمله حسن بن علی بن فضّال (م ۲۲۴) (رجال کشی: ۵۱۶; فهرست ابن ندیم: ۲۴۳; رسالة ابی غالب: ۱۷۱; نجاشی: ۲۲۲ [نیز بنگرید: ۱۲۵]; فهرست طوسی: ۱۰۶). فضل بن شاذان نیشابوری، دانشمند برجسته قرن سوم هجری، این دفتر را از همین راوی سماع کرده است (رجال کشی: ۵۱۶). دو قطعه از این کتاب در قرب الإسناد: ۱۶۷ ـ ۱۷۴ (شماره ۱۳ ـ ۴۱) و مستطرفات ابن ادریس: ۱۳۷ ـ ۱۳۹ باقی مانده است. این اثر در اواسط قرن هفتم در اختیار ابن طاوس بوده و از آن در کشف المحجة: ۱۲۵ نقل می کند (نیز کتابخانه ابن طاوس: ۲۱۹).

[۱۴۱] روایات زیادی از عبدالله بن بکیر در کتب حدیثی شیعه، عمدتا از طریق حسن بن علی بن فضال، نقل شده است. برای فهرست بیش از هفتصد مورد آن در کتب اربعه بنگرید: معجم رجال الحدیث، ۱۲۶/۱۰ ـ ۱۳۰، ۴۲۰ ـ ۴۳۲، ۱۶۰/۲۲ ـ ۱۶۹، ۳۶۳ ـ ۳۷۸. برای فهرست بسیاری از روایات دیگر او در آثار حدیثی دیگر بنگرید: فهارس: ۲۳۹/۸ ـ ۲۴۰، ۱۹۸/۹.

۲ ـ مسند عبدالله بن بکیر بن أعین

اثری از احمد بن محمد بن سعید کوفی معروف به ابن عقده (م ۳۳۳) که به روشنی مجموعه ای از روایاتی بوده که از این راوی به ابن عقده رسیده بود. از این اثر در نجاشی: ۹۴ و فهرست طوسی: ۲۹ یاد شده است. سه روایت از عبدالله بن بکیر که از طریق ابن عقده در غیبت نعمانی: ۲۶۴، ۳۰۱ نقل شده باید از همین اثر باشد.

۹ . عبدالله بن غالب

ابوعلی عبدالله بن غالب بن هُذَیل اسدی، شاعر و فقیه شیعی کوفی در اواسط قرن دوم، که از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) روایت کرده است.

رجال برقی: ۶۴; رجال کشی: ۳۳۹; نجاشی: ۲۲۲; رجال طوسی: ۱۴۱ ـ ۱۴۲، ۲۳۳

برای نمونه های احتمالی شعر وی بنگرید: کامل الزیارات: ۲۱۰; غیبت طوسی: ۴۹ .

پدر وی (بنگرید: معجم رجال: ۲۱۹/۱۳ ـ ۲۲۰) ابوهذیل غالب بن هذیل، از موالی بنی اسد، نیز شاعر و راوی از امام باقر و صادق (علیهما السلام) بوده است (رجال طوسی: ۱۴۲، ۲۶۷). برادر او

ص: ۱۹۱

اسحاق بن غالب نیز، هم شاعر بوده و هم از امام صادق (ع) روایت می کرده است (نجاشی: ۷۲; رجال طوسی: ۱۶۲. نیز بنگرید: لسان المیزان: ۵۶۲/۱ که این اطلاعات را به خطا به کشی نسبت داده است).[۲۰۱]

در مورد فقیه بودن او که نجاشی یاد کرده، بنگرید: کافی: ۳۴۷/۷ .

[۱۴۲] کتاب

دفتر حدیث اوست که بسیاری از راویان، از جمله حسن بن محبوب (نجاشی: ۲۲۲) از او روایت کرده اند. روایات ذیل از عبدالله بن غالب توسط حسن بن محبوب، ممکن است از همان کتاب گرفته شده باشد:

محاسن: ۱۵۵ (و از آن جا در بصائر: ۳۳; کافی: ۲۱۵/۱)، ۲۹۵

تفسیر عیاشی (بدون ذکر راویِ از عبدالله، طبق رسم نسخه موجود این کتاب که اسناد را حذف کرده است): ۵۹/۱ ـ ۶۰ ; ۱۶۴/۲

کافی: ۲۳۰/۲ ـ ۲۳۱ (نیز ۴۷/۲ که در آنجا «عبدالله» به «عبدالملک» تصحیف شده است)، ۲۶۵، ۱۸۸/۳، ۱۵/۴، ۵۱۴/۵، ۳۴۷/۷، ۷۲/۸ ـ ۷۶، ۲۴۴ ـ ۲۴۵، ۳۳۶

امالی صدوق: ۵۹۳ ـ ۵۹۶، ۶۳۳ (نیز ثواب: ۲۳۲، تهذیب: ۳۰۳/۱ ـ ۳۰۴)

۲۰۱ . اسحاق بن غالب نیز صاحب یک دفتر حدیث بوده که آن را صفوان بن یحیی و دیگران از او روایت کرده اند (نجاشی: ۷۲). نمونه هایی از نقلهای او در آثار متأخرتر که بعضی از آن ها وسیله صفوان نقل شده در **کتاب الزهد** حسین بن سعید اهوازی: ۳۳ (نیز **کافی**: ۲/۴; **ثواب الاعمال**: ۱۶۹; **خصال**: ۴۸)، ۴۷ (نیز **تفسیر عیاشی**: ۸۹/۲ ـ ۹۰، **کافی**: ۴۱۲/۲); **محاسن**: ۹۸ (نیز **عقاب**: ۲۴۲); **کافی**: ۲۰۳/۱ ـ ۲۰۵ (متن زیبایی در باره مفهوم شیعی از امامت که به صورت خطبه ای از امام جعفر صادق [ع] نقل شده، ولی به احتمال زیاد اسحاق بن غالب خود آن را بر مبنای آموزه های امام تألیف کرده است. بخش دیگر این متن در **همان**: ۲۴۴/۱ ـ ۲۴۵; و بخش دیگری از ابتدای متن در **بصائر**: ۴۱۲ ـ ۴۱۳ آمده است. متنی که در **توحید**: ۴۴ ـ ۴۵ [نیز **علل**: ۱۱۴/۱] آمده به احتمال زیاد جزئی از همین خطبه می باشد و به روشنی از ابتدای آن است); **کافی**: ۳۲۱/۲ (نیز **امالی صدوق**: ۲۷۴)، ۶۰۲، **تهذیب**، ۱۹۰/۴ ـ ۱۹۱ دیده می شود.

علل الشرائع: ۲۷۶/۲
طب الائمة: ۱۳۵ (بخوانید: «حسن بن محبوب» به جای «محمد بن محبوب»)
تهذیب: ۱۵۱/۱۰ ـ ۱۵۲
مناقب ابن شهرآشوب: ۲۸۷/۲

۱۰ . عبدالله بن حکم ارمنی

ص: ۱۹۲

ابوالحکم عبدالله بن الحکم الارمنی، راوی از امام صادق (ع)، که متهم به داشتن افکار غالی در باره امامان (ع) بوده و گویا تا سالهای پایانی قرن دوم زنده بوده است.

نجاشی: ۲۲۵، رجال ابن غضائری: ۸۱، فهرست طوسی: ۱۰۱ ـ ۱۰۲ (نیز بنگرید: رجال او: ۴۳۷).

کنیه این مؤلف در کافی: ۳۱۳/۱، ۳۱۶، ۳۱۷ (مقایسه کنید با همان: ۳۵۸/۱، ۳۶۶) آمده است. در باره این که وی تا اواخر قرن دوم زنده بوده بنگرید به: کافی: ۳۱۵/۱ که در آن، روایتی از وی مربوط به چهار سال پس از مرگ هارون الرشید (م ۱۹۳) و تولد امام محمد جواد (ع) (تولد در ۱۹۵) نقل شده است.

[۱۴۳] کتاب

دفتر حدیث اوست که موسی بن رنجوَیْه الارمنی از او نقل می کند (نجاشی: ۲۲۵; فهرست طوسی: ۱۰۱ ـ ۱۰۲). نقلهای زیر از عبدالله بن الحکم در کتب حدیثی شیعه، همگی از طریق همین راوی می باشد:

بصائر: ۱۴۴

کافی: ۳۵۸/۱ ـ ۳۶۷ (بخوانید «محمد بن حسّان عن موسی بن رنجویه» [چنان که در نجاشی: ۲۲۵ و فهرست طوسی: ۱۰۱ ـ ۱۰۲] به جای «محمد بن رنجویه»، یا به احتمال «عن ابی محمد[۲۰۲] بن رنجویه» [چنان که در تهذیب: ۲۹۳/۸ (مقایسه کنید با کافی: ۴۶۰/۷)]) ۶۱۶/۲ ـ ۶۱۷ (نیز امالی صدوق: ۳۲۸)، ۴۹۳/۳، ۴۶۰/۷

من لایحضر (بنگرید مشیخه: ۵۱۵): ۵۲/۳ ـ ۵۳ (نیز تهذیب: ۳۶۷/۶)، ۳۰۷ (نیز تهذیب: ۱۷۷/۱۰ ـ ۱۷۸)، ۳۰۸، ۳۸۳

عقاب: ۳۰۹

تهذیب: ۱۵۳/۱۰ ـ ۱۵۴، ۲۶۹

جمال الاسبوع: ۲۷۸ (بخوانید: «رنجویه» به جای «زنجویه»)

ص: ۱۹۳

۲۰۲ . کنیه موسی بن رنجویه در نجاشی و فهرست طوسی به شکل ابوعمران آمده است. چنان که بر آشنایان با شرح حال نویسی مسلمانان پوشیده نیست، این یک کنیه قراردادی است برای هر کسی که نامش موسی باشد و مانع داشتن یک کنیه دیگر در اضافه به نام فرزند حقیقی شخص نیست.

۱۱ . ابومحمد الجعفری

ابومحمد عبدالله بن ابراهیم بن محمد بن علی بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب، تاریخنگار احوال و وقایع خاندان پیامبر (ص)، و روایتگر حدیث از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام).

نجاشی: ۲۱۶; عمدة الطالب: ۴۳، ۵۰

روایتی از این راوی که در کافی: ۳۱۳/۱ ـ ۳۱۶ آمده است، اشاره به چهار سال پس از مرگ هارون الرشید (م ۱۹۳) و تولد امام جواد (ع) (متولد ۱۹۵) دارد. این گزارش چنان که درست باشد، نشانگر آن است که این شخص، تا آخرین سالهای قرن دوم زنده بوده است.

[۱۴۴] ۱ ـ کتاب خروج محمد بن عبدالله و مقتله

این اثر در باره خروج ناموفق نفس زکیه در سال ۱۴۵ است (نجاشی: ۲۱۶). متن کامل این رساله در کافی: ۳۵۸/۱ ـ ۳۶۶ باقی مانده است.

۲ ـ کتاب خروج صاحب فخ و مقتله

این کتاب در باره خروج ناموفق حسین بن علی صاحب فخ در سال ۱۶۹ است (نجاشی: ۲۱۶). نجاشی این کتاب را از طریق بکر بن صالح روایت می نمود. بخش بزرگی از این رساله، از ابتدای آن، به روایت همین راوی، یعنی بکر بن صالح رازی، در کتاب اخبار فخ احمد بن سهل رازی: ۱۳۲ ـ ۱۴۷ آمده است (در میان این نقل، دو روایت از منابع دیگر هم درج شده است). در این کتاب، نام مؤلف به صورت عبدالله بن محمد بن ابراهیم، با چند نام اضافی دیگر در سلسله نسب او تا جعفر بن ابی طالب آمده است. دو قطعه از این اثر نیز در کافی: ۳۶۶/۱ ـ ۳۶۷ نقل شده که نخستین آن گفتگویی است میان صاحب فخ و امام کاظم (ع) که با برخی اختلافات در بخشی که در کتاب احمد بن سهل رازی آمده (ص ۱۳۵) نیز هست. دومین نقل، نامه هایی است که میان امام کاظم و یحیی بن عبدالله طالبی، برادر کوچک نفس زکیه، رد و بدل شده است. ابن یحیی در خروج صاحب فخ شرکت داشت اما از قتل عام فخ جان سالم بدر برد و خود دست به قیام زد. حوادث مربوط به قیام وی همراه با وقایع قیام فخ در کتاب احمد بن سهل آمده و به احتمال زیاد در اثر مؤلف ما نیز چنین بوده است.

ص: ۱۹۴

۳ ـ کتاب وصیّة موسی بن جعفر علیه السلام

این رساله که شامل متن وصیت امام کاظم (ع) و شرح وقایعی است که میان امام رضا (ع) و برادرانش پس از رحلت پدرشان رخ داد، در کافی: ۳۱۶/۱ ـ ۳۱۹ (نیز عیون: ۳۳/۱ ـ ۳۷ با اختلافاتی) آمده است (با عبارت پایانی رساله در کافی: ۳۱۹/۱). این متن در تأیید حق جانشینی امام رضا (ع) می باشد. یک متن طولانی دیگر با همین اِسناد و هدف که

پیش از متن مذکور در کافی: ۳۱۳/۱ ـ ۳۱۶ (نیز الامامة و التبصرة: ۲۱۵ ـ ۲۱۸; عیون: ۲۳/۱ ـ ۲۶) آمده، نیز به احتمال، در اصل، بخشی از همان کتاب بوده است.

[۱۴۵] ۴ ـ اصل

نجاشی: ۲۱۶ یادآور می شود که مؤلف، چندین کتاب دارد گرچه او تنها از دو مورد نام برده است. نقل های متعدد از عبدالله بن ابراهیم جعفری در کتب حدیث امامی که بیشتر آنها از طریق بکر بن صالح روایت شده، شاید نشانگر آن باشد که وی یک دفتر حدیث هم داشته که شامل روایات دیگر او بوده است. از آن جمله:

محاسن: ۳۶۹ (نیز کافی: ۵۳۲/۲)، ۳۷۰، ۴۲۵، ۵۵۳، ۵۵۵ (و از آن جا در کافی: ۳۵۹/۶ ـ ۳۶۰)، ۵۹۲، ۶۴۲

بصائر الدرجات: ۱۹۸ (با دو اشتباه در نسب عبدالله)

کافی: ۳۸۷/۱ ـ ۳۸۸

عیون: ۲۷۹/۱ (نیز خصال: ۳۹۲)

امالی طوسی: ۴۵۵ ـ ۴۵۶

۱۲ . عبدالله بن میمون قدّاح

عبدالله بن میمون قداح (تیرگر)، از مردمان مکه و از موالی بنی مخزوم (شاخه ای از قریش)، خدمتگزار بیت امام صادق (ع). وی از آن حضرت و احیانا از محدثان سنی روایت می کرد و در حَلَقات حدیثی شیعه و سنی، فردی شناخته شده بود.

تاریخ کبیر بخاری: ۲۰۵/۵; رجال برقی: ۷۱; المعرفة و التاریخ: ۱۹۵/۲ ـ ۱۹۶; ضعفاء نسائی: ۱۵۰; ضعفاء عُقَیلی: ۳۰۲/۲; الجرح و التعدیل: ۷۲/۵; رجال کشی: ۲۴۶، ۳۸۹; مجروحین ابن حبّان: ۲۱/۲; فهرست ابن ندیم: ۲۷۵; امالی مفید: ۱۳۴; نجاشی: ۲۱۳ ـ ۲۱۴; فهرست طوسی: ۱۰۳; رجال او: ۲۳۱; میزان الاعتدال:

ص: ۱۹۵

۵۱۲/۲، و منابع دیگری که در پاورقی مصحح کتاب تهذیب الکمال: ۱۹۸/۱۶ ـ ۱۹۹ آمده است.

نام پدر بزرگ این راوی در منابع اهل سنت داود و در منابع شیعه اسود آمده است که یکی باید تصحیف دیگری باشد، هر چند دومی یعنی اسود با میمون مناسبت بیشتری دارد; اگر فرض را بر آن بگذاریم که خاندان او پیشتر از بردگان مکه بوده اند (می دانیم که نام میمون، به شکل قراردادی از نام های بردگان بوده است). عبدالله از موالی فرزندان حارث بن عبدالله بن ربیعة مخزومی، از تابعین مکه و حاکم بصره از سوی عبدالله بن زبیر (حکومت از ۶۴ ـ ۷۳)، بوده است (ضعفاء عُقَیلی: ۳۰۲/۲; کامل ابن عدی: ۱۵۰۴; تهذیب الکمال: ۱۹۹/۱۶). طبعا وضعیت نسبت ولایی میمون قداح نیز باید همین گونه می بود، ولی در رجال طوسی: ۳۰۹ پدر او میمون (در باره وی بنگرید به: رجال برقی: ۵۹، ۶۶; نجاشی: ۲۱۳; رجال طوسی: ۱۲۰، ۱۴۵، ۳۰۹) را «مولی بنی هاشم» می خواند. این می تواند تصحیف یا سبق قلم باشد زیرا طوسی خود در جای دیگر، میمون را از موالی بنی مخزوم می داند (رجال طوسی: ۱۴۵). میمون و فرزندش از خدمتگزاران امامان بوده اند. میمون خادم امام باقر (ع) (کافی: ۴۰۰/۱) و عبدالله خادم امام صادق (ع) (کامل ابن عدی:

۱۵۰۴. نیز بنگرید: کافی: ۴۴۳/۶). محتمل است که طوسی به همین اعتبار، بر خلاف مواضعه و اصطلاح،[۲۰۳] عبدالله را در رجال: ۳۰۹ مولی بنی هاشم خوانده باشد.

[۱۴۶] وابستگی فرقه ای ابن قداح روشن نیست. هیچ یک از شرح حال نویسان سنی که شرح حال او را نوشته اند، از تمایلات شیعی او یاد نکرده اند. مجلسی (بحار: ۲۴۲/۸۴) اشاره دارد که محتوای روایات او در بیشتر موارد نشانگر تمایلات سنی می باشد. کشی (رجال کشی: ۳۸۹) بر اساس گفته ناقلی که به احتمال در اواخر زندگی ابن قداح با او دیدار کرده (بنگرید: قرب الاسناد: ۲۰)، دارد که وی تمایلات زیدی داشته است (اصطلاح بکار رفته در رجال کشی «تَزیُّد» است که برای معنای آن بنگرید: جلاء الابصار: ۱۲۸ که از آن بر می آید که این اصطلاح را بر وزن «تجعفر» ساخته بودند که خود

شاید به قیاس «تجفّر» در شعر معروف هارون بن سعد عجلی علیه پیروان امام صادق (ع): «برئت الی الرحمن ممن تجفّرا» گذارده شده بود. شعر عجلی در تأویل مختلف الحدیث: ۱۸۵، الفرق بین الفرق: ۲۴۰). طوسی در تهذیب ۲۳۰/۵ در یک مورد احتمال می دهد که ابن قداح، سخن عبدالله بن حسن را که میان زیدیه نخستین، مقبولیت زیادی داشته و معمرترین و محترم ترین حامی آنان از خاندان پیامبر (ص) بود به امام صادق (ع) نسبت داده است. این مطلب شاید نشانگر آن باشد که ابن قداح با اوساط زیدیه نزدیک بوده است. ابوالعلاء مَعرّی در غفران: ۴۰۷ ـ ۴۰۸ از شیعیان نقل کرده که می گفته اند عبدالله بن میمون قداح از قبیله عربی باهله از شاگردان امام جعفر صادق (ع) بوده و از ایشان روایت می کرد، ولی بعدا مرتدّ شد. معرّی می گوید یکی (یا تنی چند) از علمای بزرگ شیعه به او گفته بود که شیعیان چون از ابن قداح نقل می کنند، مشخص می کنند که حدیث مربوط را در زمانی که عقیده درست داشته، از او شنیده اند (قبل أن یرتد). وی سپس دو قطعه شعر منسوب به ابن قدّاح را بر ضد امام جعفر صادق (ع) نقل می کند. ولی ابن قداح ما عربی از باهله نبوده بلکه از موالی بنی مخزوم بوده است. از سوی دیگر، منابع در باره ارتداد مورد ادّعا چیزی گزارش نکرده اند. امکان دارد کلمه «یرتد» تصحیف «تزیّد» بوده باشد; اگرچه قطعه شعر نقل شده توسط معری، اگر آن را تحت اللفظی معنا کنیم، نشانگر انکار آخرت از سوی ابن قداح است. به هر حال، این گزارش اگر مربوط به شخص مورد نظر ما باشد، این تردید را تأیید می کند که ابن قداح، دست کم در اواخر عمرش، شیعه امامی نبوده است.

از طرف دیگر نمونه ای در دست است که یکی از راویان ابن قداح (که به احتمال زیاد همان راوی است که در رجال کشی: ۳۸۹ جانبداری ابن قداح را از زیدیه حکایت کرده است) به صورت غیر عادی و غیر معمول، تاریخ سماع خود را از ابن قداح صریحا به دست می دهد (قرب الاسناد: ۲۰). این شاید گزارش معری را تأیید کند که برای شیعیان مهم بود که روایت ابن قداح متعلق به چه دوره ای از زندگی اوست. با این همه، بجز نقل هایی جسته گریخته و همواره با اسانید

---

۲۰۳ . توضیح آن که واژه «مولی» در کاربرد قدیم خود در مواردی این چنین، دارای دو استعمال متفاوت بوده است: یکی استعمال لغوی در مفهوم «خدمتگزار» و دیگری استعمال خاص فنی در مفهوم «تحت الحمایه» که منتج انتساب ولایی غیر عربها به قبایل عربی می بود. استقراء ناقص موارد استعمال واژه نشان می دهد که اگر مولی به نام قبیله یا خاندان (مانند بازماندگان فلان کس) اضافه می شد، به معنی دوم بود و اگر به نام خاص اضافه می شد، گاهی به معنی دوم بود و مشخص می کرد که چه کس از چه قبیله، آن شخص غیر عرب را در حمایت خود گرفته و برای او انتساب ولایی فراهم ساخته است; و گاه به معنی اولی لغوی یعنی خدمتگزار و کارگزار حوایج; و از این نوع دوم است بسیاری از مواردی که نام فردی به عنوان مولای پیامبر یا ائمه اطهار (ع) یا خلفا و وزراء در متون قدیم ذکر گردیده است. (این پاورقی، افزوده مؤلف بر ترجمه فارسی است.)

شیعه امامی، نامی از ابن قدّاح در منابع زیدیه دیده نمی شود. اما در بیشتر روایات او در منابع اهل سنت، امام صادق (گاه مستقیما و گاه از طریق پدر خود) به عنوان راوی از راویان متقدّم سنی پدیدار می شود که چنین روشی البته روش شیعیان امامی نیست.

به علاوه در بسیاری از روایات او ـ شاید حتی اکثر موارد آن ـ در منابع شیعی امامی، به جز کافی، وی از امام صادق (ع) با تعبیر «جعفر بن محمد» یاد می کند، در حالی که امامیه معمولا با کنیه یعنی «ابوعبدالله» از آن حضرت یاد می کنند. اگر فرض کنیم که نام بردن از اسم امام، روش اصلی ابن قداح بوده، این نشانگر آن است که وی شیعه امامی نبوده است. این گمان هم قابل طرح است که تفاوتی که

ص: ۱۹۷

در روایات او در ذکر نام یا کنیه امام صادق (ع) هست، مربوط به زمان های مختلف زندگی او باشد. اما برخی از روایاتی که از وی نقل شده است در آثار مختلف، متفاوت آمده، یعنی یک روایت در یک جا با اسم و در جای دیگر با کنیه آمده است (برای نمونه مقایسه کنید کافی: ۵۲۳/۲ را با فلاح السائل: ۳۷۶). این اختلاف در تعبیر، مؤید یک فرض عام است که برخی از مصادر متأخر به خصوص کافی در روش تعبیر از امام، تصرفاتی را در متون متقدم روا می داشته اند. افزون بر این، برخی از روایات او هم گمان غیر شیعی بودن وی را تأیید می کند (برای نمونه: کافی: ۱۹/۶).

[۱۴۷] فهرست ابن ندیم: ۲۳۸ و منابع اسماعیلی (فهرست آن در پاورقی مصحّح در تاریخ جهانگشای جوینی: ۳۴۱/۳ ـ ۳۴۲) از شخصی به نام عبدالله بن میمون قداح نام می برند که از اصحاب امام جعفر صادق (ع) بوده و عقیده قرامطه را پایه گذاری کرده است. اما مشخصاتی که برای این فرد آورده اند (بنگرید به مدخلهایی که در باره او در دائرة المعارف اسلام به زبان انگلیسی، چاپ دوم:۴۸/۱ [از S.M.Stern] و ایرانیکا: ۱۸۲/۱ - ۱۸۳ [از H.Halm] آمده است) با مطالبی که در منابع شیعی و سنی در باره ابن قداح آمده، مطابقت ندارد. ابهامات موجود در باره همین ابن قداح، چه بسا، باطنی های اسماعیلی مذهب را تشویق کرده بود تا وی را به شخصیتی اسطوره ای تبدیل کنند. همچنین امکان آن است که شخص دیگری با این نام وجود داشته که نویسندگان نخستین اسماعیلی مذهب با ابن قداح مورد سخن ما اشتباه کرده و او را شاگرد امام صادق (ع) فرض کرده باشند، گرچه مطالبی را که نوشته های اسماعیلیه در باره ابن قداح مؤسس مذهب قرامطه نوشته اند مستلزم آن است که وی در نیمه دوم قرن سوم می زیسته و پس از سال ۲۶۱ درگذشته باشد.

به نظر می رسد که ابن قداح ما تا اواخر قرن دوم زنده بوده است. یک راوی می گوید که در سال ۱۹۸ از وی حدیثی شنیده است (قرب الاسناد: ۲۰). طبقه راویانی که از او روایت کرده اند نیز این نکته را تأیید می کند، هرچند طبعا این امکان نیز وجود دارد که آنان نه از خودش بلکه از کتابهای او نقل کرده باشند. به هر حال به نظر نمی رسد سال ۱۸۰ که زرکلی (الاعلام: ۱۴۱/۴) برای سال درگذشت او آورده، از منبع موثقی گرفته شده باشد.

نجاشی (ص ۲۱۴) می نویسد که ابن قداح کتابهای متعددی داشته که همه از طریق جعفر بن محمد بن عبیدالله (الاشعری، چنان که در محاسن: ۳۴، ۴۳۹ [در مقابل آنچه در معجم خویی: ۱۰۰/۴ آمده که این راوی در هیچ مورد به عنوان اشعری شناخته نشده است]) به نجاشی رسیده بود. او از دو کتاب از آن جمله یاد می کند:

ص: ۱۹۸

۱ ـ کتاب مبعث النبی (ص) و اخباره

از این کتاب گویا چیزی برجای نمانده است.

۲ ـ صفة الجنة و النار

چند روایت از وی در قرب الاسناد: ۲۴ ـ ۲۵ و برخی از منابع دیگر (برای نمونه: کافی: ۵۳۷/۵) با عنوان این اثر مناسبت دارد. قطعه ای که در قرب الاسناد: ۲۴ ـ ۲۵ نقل شده (و همان حدیث در کتب حدیثی سنی مانند کتاب السّنه ابن ابی عاصم: ۲۴۸/۱ ـ ۲۴۹ و معجم الکبیر طبرانی: ۱۵۳/۸ از طریق راویان سنی نقل شده) از اعلان کوتاه خداوند در مورد اهل بهشت و جهنم سخن می گوید. این متن در هر دو مورد با این سرآغاز شروع می شود: «بسم الله الرحمن الرحیم. کتاب من الرحمن الرحیم فی أهل الجنة» «بسم الله الرحمن الرحیم. کتاب من الرحمن الرحیم فی أهل النار». بایستی امیدوار بود که این سرآغازها یکی از شرح حال نویسان قدیم شیعی را به این اشتباه نینداخته باشد که متنی که در برابر او قرار دارد، سرآغاز کتابی در این باب است.

[۱۴۸] ۳ ـ کتاب

دفتر حدیث ابن قداح (فهرست ابن ندیم: ۲۷۵، رسالة ابی غالب: ص ۱۶۶، فهرست طوسی: ۱۰۳) که به گفته ابوغالب زراری، که آن را از طریق حسن بن علی بن فضال روایت کرده، مشتمل بر سه جزء بوده است. شیخ طوسی می توانست به سه سند این اثر را از مولف آن روایت کند که نهایتا به سه تن از راویان کتاب می رسید: یکی از همان جعفر بن محمد بن عبیدالله که نجاشی از او نام برده، دوم عبدالله بن الصلت قمی، و سوم ابراهیم بن هاشم قمی. سند صدوق در من لایحضر از راه راوی اخیر به ابن قداح می رسد (مشیخه: ۵۰۰). ابراهیم بن هاشم گاه به واسطه راوی نخستین یعنی جعفر بن عبیدالله از ابن قداح روایت می کند (برای نمونه: بصائر: ۱۴۸، کافی: ۱۵۳/۴; خصال: ۶۵۰ [با توضیحی که در زیر خواهد آمد]). پس شاید در مواردی که در اسناد روایت ابن قداح، ابراهیم بن هاشم بی‌واسطه از او نقل کرده نام جعفر بن عبیدالله در اسناد حذف شده است.

روایاتی که از طریق چهار راوی یاد شده از ابن قداح نقل شده، شامل نمونه های زیر می باشد:

نوادر محمد بن علی بن محبوب: ۹۴ (نیز فلاح السائل: ۳۷۶ که بندی دیگر از همین روایت را به نقل

ص: ۱۹۹

از نوادر محمد بن علی بن محبوب دارد [بنگرید: محاسبة النفس: ۱۴]).

محاسن: ۹، ۱۵ ـ ۱۶ (دو روایت)، ۳۴ ـ ۳۵، ۳۸ ـ ۳۹، ۸۴ (نیز امالی صدوق: ۵۷۳; عقاب الاعمال: ۲۷۶)، ۹۶ (نیز عقاب الاعمال: ۲۴۲)، ۱۰۶، ۱۱۲، ۲۲۹، ۲۵۴، ۲۶۰ ـ ۲۶۱ (بخوانید: «الاشعری» به جای «ابن الاشعث»)، ۲۹۳ ـ ۲۹۴ (دو روایت)، ۳۶۲، ۴۰۹، ۴۳۵، ۴۴۳، ۴۴۸، ۴۵۲، ۵۶۰، ۵۶۱ (سه روایت)، ۵۷۶، ۵۷۷

بصائر الدرجات: ۳، ۷، ۱۳۴، ۱۴۸ (بخوانید: «جعفر بن محمد عن عبدالله بن میمون»، چنان که در همان: ۱۶۴، به جای «جعفر بن محمد بن عبدالله بن میمون»)، ۲۹۷، ۳۱۰، ۵۰۳

کافی: ۳۴/۱، ۴۰، ۴۸، ۷۹/۲، ۹۰، ۱۰۲، ۱۱۴، ۱۵۲، ۱۸۳، ۲۹۳، ۲۹۷، ۳۲۷، ۳۷۸، ۴۳۶، ۴۴۴، ۴۶۲، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۷۱ (دو روایت)، ۴۷۳، ۴۷۵، ۴۸۷، ۴۹۲ (دو روایت)، ۴۹۵، ۴۹۸ ـ ۴۹۹، ۵۲۳، ۵۳۹ ـ ۵۴۰، ۵۶۹، ۶۱۰، ۶۴۵، ۶۴۷، ۶۵۷، ۶۵۹، ۶۶۴، ۲۲/۳، ۶۹، ۱۲۴، ۲۴۶، ۲۶۲ ـ ۲۶۳، ۴۲۸، ۴۸۸، ۷/۴، ۲۷، ۲۹، ۵۱، ۱۵۳ (بخوانید: «جعفر بن محمد بن عبیدالله» به جای «جعفر بن عبدالله»)، ۲۷۲، ۳۴۷، ۴۱۲، ۵۲۷، ۲۴/۵، ۴۶، ۹۵، ۱۶۵، ۳۱۲، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۶۸، ۴۷۴، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۷، ۵۰۳، ۵۱۶، ۵۲۳ ـ ۵۲۴، ۵۳۷، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۵۰، ۱۹/۶، ۴۰، ۴۷ (دو روایت)، ۲۶۶، ۲۸۵، ۲۹۰، ۲۹۷، ۳۰۹، ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۲۲، ۳۳۱، ۳۳۶، ۳۵۰، ۳۵۴، ۳۶۱، ۳۷۰، ۳۷۶، ۳۸۴، ۳۸۶ (دو روایت)، ۳۸۷، ۴۳۵، ۴۳۹، ۴۴۳، ۴۴۵، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۵۷، ۴۶۷، ۴۶۹ (دو روایت)، ۴۷۶، ۴۹۲، ۴۹۵ (دو روایت)، ۵۱۲، ۵۲۸، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۴۳، ۵۵۰، ۳۰۶/۸، ۴۷۵

[۱۴۹] تفسیر قمی: ۳۹۸/۲ ـ ۳۹۹

کامل الزیارات: ۴۵۳

امالی صدوق: ۱۱۶ (نیز ثواب الاعمال: ۱۵۹ ـ ۱۶۰)، ۷۱۴ (نیز خصال: ۲۹۳)

من لایحضر: ۳۴۲/۲، ۶۹/۳، ۳۰۰، ۳۵۳، ۳۸۴، ۴۳۶، ۵۷۳، ۱۳۰/۴

علل الشرائع: ۲۷۷/۱، ۲۵/۲ ـ ۳۳، ۲۱۵، ۲۷۰، ۲۷۷

عقاب الاعمال: ۲۷۰، ۲۷۵

خصال: ۴، ۱۳۴، ۲۲۵، ۲۸۷، ۲۹۵، ۳۲۰، ۳۳۸، ۴۳۹، ۶۵۰ (بخوانید «عن علی بن ابراهیم عن أبیه»، چنان که در پاورقی مصحح)

معانی الاخبار: ۱۵۲

امالی ابی طالب: ۳۱۸، ۴۱۵ ـ ۴۱۶ (بخوانید «جعفر بن محمد [بن عبیدالله]»، آن چنان که در مأخذ مؤلف یعنی محاسن: ۲۹۳ آمده است، به جای «جعفر بن عبدالله المحمدی»)

تهذیب: ۱۹۵/۲، ۸۰/۳ ـ ۸۲ (دو روایت)، ۲۴۴ ـ ۲۴۵، ۲۵۶، ۲۹۳، ۳۱۹ (بخوانید «جعفر بن

ص: ۲۰۰

محمد بن عبیدالله»، چنان که در استبصار: ۴۷۷/۱، به جای «جعفر بن محمد عن عبیدالله»)، ۳۰۰/۴، ۲۳۹/۵، ۴۵۴، ۴۷۲، ۱۵۳/۶، ۲۶۲/۹ ـ ۲۶۳، ۲۹۵، ۴۲۳، ۲۲۲/۱۰، ۲۶۸ ـ ۲۶۹ (بخوانید «جعفر بن محمد بن عبیدالله» به جای «جعفر بن محمد عن عبیدالله»)

فتح الابواب: ۱۴۷ـ ۱۴۸

عبدالله بن جعفر حمیری، قطعه ای مشتمل بر ۲۴ روایت از ابن قداح به واسطه یک راوی در قرب الاسناد: ۱۹ ـ ۲۸ (شماره: ۶۶ ـ ۷۴، ۷۷ ـ ۹۱) نقل کرده است. این راوی که محمد بن عیسی می باشد، می بایست همان کسی باشد که در مواردی از ابن قداح به واسطه حسن بن علی بن فضال (برای نمونه: کافی: ۵۱/۴) روایت می کند و ممکن است در اینجا هم با همین واسطه نقل کرده باشد.

از اهل سنت، ابن عدی در کامل: ۱۵۰۴ ـ ۱۵۰۶ از وی سیزده روایت نقل کرده است: هشت مورد از امام جعفر صادق (ع) از پدرش از جابر بن عبدالله (ش ۱ ـ ۷) و انس بن مالک (ش ۸) و پنج مورد به طور مستقیم از عبدالله بن عمر، جابر یا انس. روایت او از این سه تن می بایست با واسطه باشد، زیرا میان آنها دو طبقه فاصله است. در واقع، او از عبدالله بن عمر (تفسیر الطبری: ۱۳/۱) و ابن عباس (مجروحین ابن حبّان: ۲۱/۲) با دو واسطه نقل می کند. برخی از روایات او از امام صادق (ع) که ابن عدی در کامل آورده، در کتابهای کهن دیگر سنی هم هست. یکی از آن روایات که در باره [۱۵۰] عدم جواز روزه برای مسافر است (کامل: ۱۵۰۵) در تهذیب الاثار طبری، بخش مسند ابن عباس: ۱۲۴/۱ و حلیة الاولیاء: ۲۰۲/۳ نیز آمده است. روایت دیگر در باره «قدر» (کامل: ۱۵۰۴) در جامع ترمذی: ۲۲/۴ هم آمده است. سومین روایت در باره عادت رسول خدا (ص) در به دست کردن انگشتری در دست راست (کامل: ۱۵۰۴) در شمائل ترمذی: ۱۵۱، عیون الاخبار ابن قتیبه: ۳۰۲/۱ و ضعفاء عقیلی: ۳۰۲/۲ (نیز علل الشرائع ۱۵۲/۱) آمده است. نمونه های دیگر روایات ابن قداح از امام صادق (ع) در مآخذ سنی چنین است:

مسند احمد بن حنبل: ۱۲۲/۵

عیون الاخبار: ۳۰۲/۱ (نیز المجالسة و جواهر العلم: ۴۲۲/۲ ـ ۴۲۳، ۳۹/۸; تاریخ دمشق: ۴۴۵/۲)

معجم الکبیر طبرانی: ۴۱۱/۲۳

الامثال، ابوالشیخ: ۸۶ (بندی از همان روایت کافی: ۶۵۹/۲)

شرح اصول اعتقاد أهل السنة، لالکائی: ۷۸۲ ـ ۷۸۳ (نیز در الحجة فی بیان المحجة: ۲۴ ـ ۲۵)

تاریخ جرجان: ۳۲۴

تاریخ بغداد: ۳۰۰/۱۳

سیر اعلام النبلاء: ۲۵۸/۱۸ ـ ۲۵۹ (نیز تذکرة الحفاظ: ۱۱۵۸).

روایتی در تاریخ طبری: ۶۳/۵ ـ ۶۴ (بخشی از آن نیز در همان جا: ۹۲/۵) در باره برخی از تصمیمات امام علی (ع) پس از صفین که طبری آن را از یک عبدالله بن میمون روایت می کند، می تواند از مؤلف ما باشد (مقایسه کنید با: تهذیب: ۱۵۳/۶). روایتی نیز از وی در امالی صدوق: ۳۴۸ ـ ۳۴۹ (بخشی از آن نیز در کمال الدین: ۳۹۲) از طرق اهل سنت آمده است.

۴ ـ افادة البصیر لکلّ رامی مبتدی او ماهر نحریر

رساله ای در باره تیراندازی از عبدالله بن میمون نامی در کتابخانه چستربتی (ش ۵۱۴۴) که در سال ۱۰۸۵ در ۱۵۵ برگ کتابت شده است (فهرست کتابخانه: ۴۸/۷ ـ ۴۹). زرکلی در الاعلام: ۱۴۱/۴ کتاب یاد شده را به ابن قداح نسبت می دهد، گویا به دلیل حرفه تیرگری، اما به روشنی آشکار است که این کتاب متعلق به دوره های متأخرتر است.

۱۳ . ابن مُسکان

ابومحمد عبدالله بن مسکان کوفی، از موالی بنوعَنَزة از طوایف قبیله اسد ربیعه، فقیه برجسته شیعی در روزگار خود و راوی کثیر الروایة. وی معاصر امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) بود و پیش از رحلت امام کاظم (ع) در سال ۱۸۳ درگذشت.

[۱۵۱] رجال برقی: ۷۱; رجال کشی: ۳۷۵، ۳۸۲ ـ ۳۸۳; مشیخة: ۴۶۱ ـ ۴۶۲; نجاشی: ۲۱۴ ـ ۲۱۵; فهرست طوسی: ۱۹۶ (تصحیح اسپرنگر; این عنوان در چاپ نجف که مبنای ارجاعات ما در این کتاب است نیامده است); رجال او: ۲۶۴; الاکمال ابن ماکولا: ۲۵۷ (به نقل از ابن فضّال). نیز بنگرید: قاموس الرجال: ۶۰۸/۶ ـ ۶۱۵.

۱ ـ کتاب فی الامامة

به نقل نجاشی: ۲۱۴ این کتاب را محمد بن سنان زاهری روایت کرده است. احتمال زیاد می رود که کلمه «الامامة» در عنوان کتاب، تصحیف «الائمة» بوده و اثر مورد سخن عبارت از یک متن در تاریخ احوال رسول خدا (ص) و امامان (ع) باشد که کلینی در کافی: ۴۶۱/۱ ـ ۴۶۲ (در باره امام حسن مجتبی (ع)، نیز در مقاتل الطالبیّن: ۷۶ ـ ۷۷)، ۴۶۳ (در باره امام حسین [ع])، ۴۶۸ (در باره امام زین العابدین [ع])، ۴۷۲ (در باره امام باقر [ع])، ۴۷۵ (در باره امام صادق [ع])،

۴۸۶ (در باره امام کاظم [ع]) از همان راوی از ابن مسکان روایت می کند. این شش قطعه همگی دارای سبک واحدی بوده و با یک سند است. نقل اخیر، اشکالی دارد زیرا در آن از رحلت امام کاظم (ع) به سال ۱۸۳ سخن رفته، در حالی که در آن سال نه ابن مسکان و نه شیخِ روایت او در آن متن، یعنی ابوبصیر، زنده بوده اند. اما برخلاف اظهار نظر تستری در قاموس الرجال: ۶۱۰/۶ استناد این قطعه را به ابن مسکان نمی توان باطل دانست، زیرا به روشنی، بند یاد شده بخشی از همین متن طولانی است. احتمال بیشتر آن است که یکی از راویان بعدی متن، چه بسا محمد بن سنان که راوی بلاواسطه آن متن از ابن مسکان است (و شاید همو منبع دو بند مشابه دیگر در کافی: ۴۹۲/۱، ۴۹۷ در باره امام رضا و امام جواد [علیهما السلام] باشد[۲۰۴])، روایت یاد شده را به روز کرده باشد. بندی دیگر از همین متن در باره رسول خدا (ص) در مختصر الانوار ابن همام، ۲۱ ـ ۲۲ (در سند آن بخوانید: «عن ابن سنان» [یعنی محمد بن سنان] به جای «عن عبدالله بن سنان»)[۲۰۵] آمده است. بند دیگر در باره حضرت فاطمه زهرا (س) در دلائل الامامة: ۷۹[۲۰۶] (تکرار شده در ص ۱۳۴; در سند آن بخوانید «ابن سنان»، چنان که در بحار: ۴۳/۹ و ۱۷۰، به احتمال زیاد به صورت «وابن سنان») آمده است.

---

۲۰۴ . روایت البته به نام اوست، اما تاریخی که در قطعه دوم در باره درگذشت امام جواد (ع) در روزهای پایانی سال ۲۲۰ است، ترجیحا راوی متأخر دیگری را به عنوان روزآمد کننده آن بند و اضافه کننده آن تاریخ پیشنهاد می کند; زیرا بنا به نوشته نجاشی: ۳۲۸ محمد بن سنان خود در سال ۲۲۰ درگذشته است. این قبیل به روز کردن مواد تاریخی، روشی معمول بوده است.

۲۰۵ . عبدالله بن سنان، یک معاصر پیرتر ابن مسکان است که نه از او روایت می کرده و نه شیخِ احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی بوده است که از «ابن سنان» هم بند مورد بحث و هم سراسر متن را به شرحی که در نجاشی: ۲۱۴ آمده است، روایت می کند.

۲۰۶ . این بند هم از ابن همام نقل شده و می تواند از **کتاب الانوار** او باشد، گرچه در تلخیص باقی مانده از **انوار** نیامده است.

[۱۵۲] پیشنهاد بالا در باره عنوان و موضوع اصلی کتاب، بر اساس این فرضیه است که کتابی از شخص برجسته ای چون ابن مسکان در باره موضوع مهمّی مانند امامت، بعید است که از چشم شیخ طوسی افتاده باشد; در حالی که نجاشی که معاصر اوست، نه تنها آن را می شناخته بلکه به آن، اسناد نیز داشته است. اما برای رساله کوچکی در موضوع زندگی ائمه (ع) شاید دیدگاه ها در این باره مختلف باشد که آیا می توان آن را کتاب خواند یا نه. این می تواند علت عدم ذکر کتاب از سوی شیخ طوسی یا منبع او به عنوان یک اثر مستقل از ابن مسکان باشد.

بجز این، روایات دیگری نیز در احوال ائمه (ع) به نقل از ابن مسکان در منابع آمده که

ص: ۲۰۳

بسیاری از آنها را محمد بن سنان نقل کرده است. این احتمال کاملا منتفی نیست که برخی از این نقلها امکانا در اصل جزیی از همین متن مورد سخن بوده است. نمونه ها:

محاسن: ۶۱۲

تفسیر عیاشی: ۲۶۱/۱، ۴۱/۲

کافی: ۲۶۴/۱ ـ ۲۶۵، ۴۴۶، ۴۵۲ ـ ۴۵۳، ۴۴۸/۶ ـ ۴۴۹، ۴۸۷، ۵۰۰، ۱۶۳/۸ ـ ۱۶۴، ۲۰۳ ـ ۲۰۴، ۳۷۸ ـ ۳۷۹

رجال کشی: ۱۱۱ ـ ۱۱۲

کامل الزیارات: ۱۶۳، ۱۶۹ ـ ۱۷۱، ۲۱۶، ۲۵۷، ۲۶۳ ـ ۲۶۴ (نیز با طرق دیگر در ۲۶۶، ۲۷۹ ـ ۲۸۰، ۲۸۱ ـ ۲۸۲)، ۲۷۵، ۲۹۰، ۳۰۹ (تکرار شده در ۳۱۸)، ۳۱۱، ۳۵۱ ـ ۳۵۲، ۴۸۸ ـ ۴۸۹

ثواب الاعمال: ۱۷۱

مناقب ابن شهرآشوب: ۱۶۳/۴، ۲۲۳ ـ ۲۲۴

مهج الدعوات: ۲۶۰

روایات بسیاری نیز در منابع شیعه از ابن مسکان در باره بحث امامت هست که راوی بسیاری از آن همان محمد بن سنان است. اگر ابن مسکان واقعا اثری در این موضوع داشته، چنان که در متن موجود نجاشی هست، این نقلها با عنوان آن اثر مناسبت دارد. نمونه ها:

محاسن: ۹۹، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۸۲ ـ ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۳۱، ۲۴۶، ۲۵۹ ـ ۲۶۰، ۲۷۲، ۲۹۰، ۲۹۹ ـ ۳۰۰، ۶۱۲

بصائر الدرجات: ۳۶، ۴۴ ـ ۴۵، ۵۳ ـ ۵۴ (نیز کامل الزیارات: ۱۱۶، امالی صدوق: ۲۸۵، ۷۷۲)، ۶۴، ۷۴، ۸۴، ۱۰۷ ـ ۱۰۸، ۱۱۶، ۱۳۶ (تکرار شده در ۱۳۷ به دو اِسناد دیگر)، ۱۳۷، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۷۱ ـ ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۵ ـ ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۸، ۲۱۷ (نیز تأویل ما نزل: ۴۰۴)، ۲۳۰، ۲۶۰ ـ ۲۶۱، ۲۹۲، ۳۰۶ ـ ۳۰۷ (نیز خصال: ۶۴۴)، ۳۱۵،[۱۵۳] ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۲۸، ۳۳۱، ۳۳۶، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۶۲ ـ ۳۶۵ (متنی که با شش سند که اختلاف جزئی با هم دارند روایت شده است)، ۳۸۰، ۳۸۲، ۳۸۹ ـ ۳۹۰، ۳۹۹ ـ ۴۰۰، ۴۷۳، ۴۸۰، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۳

تفسیر عیاشی: ۱۳/۱، ۳۲۳، ۴۱/۲

الامامة و التبصرة: ۱۶۱، ۱۷۸، ۲۱۱

کافی: ۵۳/۱، ۱۷۸، ۲۲۵، ۲۳۵، ۲۵۸ (تکرار شده با دو سند دیگر)، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۸۶ ـ ۲۸۸ (دو روایت)، ۳۱۰، ۳۷۶، ۳۹۰، ۳۹۹، ۴۰۲ (عبارت پایانی یک اثر چنان که از آخرین جمله این بند بر می آید)، ۴۱۵، ۱۳۲/۳ ـ ۱۳۳، ۵۸/۸، ۱۴۶، ۱۶۳ ـ ۱۶۴، ۲۹۶

ص: ۲۰۴

رجال کشی: ۱۲۰، ۳۱۵ ـ ۳۱۶، ۳۲۳، ۳۶۰

تفسیر فرات: ۴۲۹ ـ ۴۳۰

تأویل ما نزل من القرآن: ۱۶۷، ۲۳۳، ۲۳۵ ـ ۲۳۶، ۳۱۱، ۴۰۴، ۴۶۳

غیبت نعمانی: ۳۲۱ (دو روایت)

تفسیر قمی: ۴۴/۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۱۰۶، ۱۲۹، ۱۹۴، ۲۱۰، ۲۱۴ ـ ۲۱۵، ۲۴۷ ـ ۲۴۸، ۳۱۶ ـ ۳۱۷، ۳۲۴، ۳۶۶، ۷۳/۲، ۸۴ ـ ۸۵، ۱۶۰، ۲۳۹، ۲۹۰، ۳۵۷، ۳۶۷

علل الشرائع: ۱۷۱/۱، ۱۸۷ ـ ۱۸۸، ۱۹۶،۱۹۰ ـ ۱۹۷

کمال الدین: ۲۰۳ ـ ۲۰۴، ۲۳۲، ۲۶۲ (متنی دست برده شده؛ نیز در عیون اخبار الرضا: ۵۲/۱، خصال: ۴۷۵)، ۳۴۴، ۴۱۰

خصال: ۳۲۴

اختصاص: ۸۲، ۲۸۷ ـ ۲۸۸، ۲۸۸ ـ ۲۸۹، ۳۰۷ ـ ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۱۷ ـ ۳۱۸، ۳۳۱

امالی مفید: ۴۵، ۱۸۴، ۲۷۹، ۳۲۸

۲ ـ کتاب فی الحلال و الحرام

نجاشی: ۲۱۴ از این کتاب یاد کرده و یادآور شده است که عمده مطالب کتاب از محمد بن علی بن ابی شعبة حلبی (شماره ۱۴۷ در همین بخش از اثر حاضر)، دانشمند میانه قرن دوم، روایت شده بود. ابن مسکان در واقع راوی اصلی کتاب حلبی در مسائل حلال و حرام است که در چند باب به صورت موضوعی مرتب شده بود. کتاب حلبی از طریق ابن مسکان به نجاشی: ۳۲۵ و صدوق (مشیخة: ۴۲۷) رسیده است. سهم ابن مسکان در این کتاب، گویا آن بوده که کتاب حلبی را استنساخ کرده و روایات دیگری را از خود بر آن افزوده است. بدین ترتیب بیشتر روایات فقهی حلبی که از طریق ابن مسکان در آثار کهن حدیثی شیعه روایت شده، باید بخش هایی از همین کتاب بوده باشد. نمونه ها:

[۱۵۴] محاسن: ۳۲۴، ۶۱۲

نوادر احمد بن محمد بن عیسی: ۱۲۸ ـ ۱۲۹، ۱۶۳ ـ ۱۶۴

تفسیر عیاشی: ۷۰/۱ ـ ۷۱

کافی: ۴۱۵/۱، ۳۵۵/۲، ۶/۳، ۳۷، ۳۹، ۴۵، ۵۹ ـ ۶۰، ۸۹ (بخوانید: «صفوان عن ابن مسکان عن محمد الحلبی»؛ بنگرید: تجرید اسانید الکافی: ۹۳ ـ ۹۴)، ۱۸۵، ۳۳۱، ۳۳۷ ـ ۳۳۸، ۴۰۳، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۷۳، ۵۱۷ (تکرار شده با اِسناد دیگر در ۵۱۸)، ۵۲۵، ۵۵۴ ـ ۵۵۵، ۹۱/۴، ۱۰۸، ۳۱۰، ۵۱۳، ۵۶۱،

ص: ۲۰۵

۲۴۴/۵، ۲۴۷، ۲۶۵، ۲۸۴، ۳۸۴، ۴۴۳، ۱۲۶/۶ (دو روایت از یک متن)، ۱۸۲، ۱۸۷، ۱۹۱، ۲۰۷، ۲۱۲ ـ ۲۱۳، ۲۱۴، ۱۱۲/۷ (دو روایت از یک متن)، ۲۳۰، ۲۷۸، ۴۴۲، ۴۵۱ ـ ۴۵۲

طب الائمة: ۶۲، ۱۰۸، ۱۱۴

کامل الزیارات: ۳۵۱ ـ ۳۵۲

من لایحضر: ۵۳/۲، ۱۳۷، ۳۶۶، ۳۹۸، ۴۵۹، ۲۰۷/۳، ۲۰۹ ـ ۲۱۰، ۲۱۷، ۲۲۶، ۲۸۴، ۲۸۹، ۳۱۷، ۴۷۹، ۶۵/۴، ۳۱۰

کمال الدین: ۳۴۴

تهذیب: ۲۳/۱، ۱۳۸، ۱۴۷، ۲۴۰، ۲۵۹، ۲۶۵، ۳۶۱، ۴۰۶، ۵۴/۲، ۶۸ ـ ۶۹، ۱۵۰ ـ ۱۵۱، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۸، ۱۷۴، ۱۹۰، ۲۲۶، ۲۳۴، ۲۴۸، ۲۶۹ ـ ۲۷۰، ۳۰۵، ۳۳۲، ۳۶۸، ۳۶۹، ۶۸/۳ ـ ۶۹، ۲۰۰، ۲۲۸، ۲۴۲، ۲۶۸، ۳۱۱، ۳۲/۴، ۸۱، ۱۰۸، ۱۲۴، ۱۵۶، ۲۶۲، ۲۶۴، ۳۰۸، ۳۲۳، ۷۰/۵، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۶۱، ۲۱۰، ۳۱۲ (بخشی از آن نیز در ۳۰۹)، ۳۲۶، ۳۳۲، ۳۳۷، ۳۸۰/، ۲۸/۷، ۳۶ (دو روایت)، ۴۱، ۵۴، ۵۵ ـ ۵۶، ۹۳ ـ ۹۴، ۹۹ ـ ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۵۴، ۱۹۵، ۲۰۵، ۲۸۹، ۲۹۶، ۳۲۱، ۱۱۶/۸، ۱۲۲، ۲۱۷ ـ ۲۱۸ (دو روایت)، ۲۵۳، ۲۷۰، ۲۹۵، ۳۲/۹ ۳۳ (سه روایت)، ۴۳، ۵۶، ۱۱۳، ۱۳۳، ۳۰۶، ۳۰۸ (دو روایت)، ۳۸۶، ۱۱۱/۱۰

شناختن و یافتن موارد مطالبی که ابن مسکان بر اصل کتاب حلبی افزوده است، چندان دشوار نیست. شمار روایات ابن مسکان که از غیر طریق حلبی نقل کرده و با همان اسناد از وی روایت شده که روایات ابن مسکان از حلبی در منابع شیعه نقل شده، در منابع متقدم حدیثی شیعه کم نیست. این روایات گاه بلافاصله پس از روایات ابن مسکان از حلبی آمده (برای نمونه: کافی: ۳۳۸/۳، تهذیب ۷۰/۲) یا چند سطری پس از آن (برای نمونه: تهذیب: ۱۶۵/۱، ۹۳/۷ ـ ۹۴) و یا حتی با یکدیگر ترکیب شده است [۱۵۵] (نمونه در کافی: ۳۵۵/۲ [بخوانید «و الحلبی» به جای «او الحلبی»]، تهذیب: ۱۵/۲ ـ ۱۵۱). در موارد اخیر، این احتمال وجود دارد که ابن مسکان خود به روایت حلبی نام راوی دیگر را افزوده باشد تا نشان دهد روایت از طریق دیگر هم نقل شده است، چنان که این احتمال هم هست که او متن روایت راوی دیگری را که مانند متن نقل شده از حلبی است بلافاصله پس از متن حلبی نقل کرده بود; اما راویان بعدی کتاب، فایده ای در تکرار متن واحد ندیده و متن را با نام هر دو راوی آن آورده اند. برای نمونه هایی از این قبیل که در کافی نقل شده است، بنگرید: تجرید اسانید الکافی: ۹۲ ـ ۹۵، ۲۲۷، ۲۸۳، ۲۹۱ ـ ۲۹۲، ۳۳۲، ۶۳۳ـ ۶۳۴، ۶۹۹. برای موارد مشابهی که در تهذیب آمده، بنگرید: تنقیح اسانید التهذیب: ۶، ۶۷، ۱۳۴، ۱۷۳، ۱۹۰ ـ ۱۹۲، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۵۹، ۳۴۴، ۳۵۳ ـ ۳۵۴، ۶۳۰ ـ ۶۳۱، ۶۳۵.

ص: ۲۰۶

۳ ـ کتاب

دفتر حدیث ابن مسکان (فهرست طوسی: ۱۹۶ چاپ اسپرنگر) که دائره آن باید بسی گسترده تر از حلال و حرام می بوده که موضوع کتاب پیشین بود. در واقع نزدیک به یک هزار روایت از ابن مسکان در چهار کتاب اصلی حدیث

شیعه (فهرست در معجم رجال الحدیث: ۳۲۹/۱۰ ـ ۳۳۰، ۴۹۸ ـ ۵۰۹، ۳۱/۲۳ ـ ۳۳، ۲۸۴ ـ ۳۱۳) و بسیاری دیگر در آثار دیگر (فهرست در فهارس بحارالانوار: ۲۴۱/۹ ـ ۲۴۲، ۳۰۵/۱۰ ـ ۳۰۶) آمده است.

۱۴ . البَطَل

عبدالله بن قاسم بن حارث حضرمی معروف به بطل، بصری الاصل. او از اصحاب دانشمند برجسته شیعی کوفه، معاویة بن عمار دُهْنی (م ۱۷۵) بود اما بعدها تمایلات غالی پیدا کرده، راه خود را از دهنی جدا کرد. وی پس از رحلت امام کاظم (ع) به واقفه پیوست.

رجال کشی: ۳۲۶; رجال ابن غضائری: ۷۸; نجاشی: ۲۲۶; فهرست طوسی: ۱۰۶; رجال او: ۳۴۱. نیز بنگرید: کافی: ۲۵۸/۱، ۵۳۶، ۲۰۶/۸; معانی الاخبار: ۱۱۱.

نام کامل راوی به شکلی که گذشت، در بصائر الدرجات: ۳۹۸; کامل الزیارات: ۱۹۷ و اختصاص: ۳۱۶ آمده است. نجاشی، ابن غضائری و شیخ در فهرست ۱۰۶ یک مدخل در باره عبدالله بن قاسم حارثی [۱۵۶] آورده اند که ابن غضائری او را همان بصری معروف به بطل یاد می داند و مدخلی با عنوان عبدالله بن قاسم حضرمی که ابن غضائری او را کوفی، و شیخ در رجال: ۳۴۱ واقفی، و نجاشی «بطل» می خواند. نجاشی و ابن غضائری، هر دو نفر را غالی می دانند; همان گونه که کشی که تنها یک مدخل به نام عبدالله بن قاسم دارد او را غالی می داند. نظر محمد تقی تستری (قاموس: ۵۵۵/۶ ـ ۵۵۶) در این باره که این دو نام مربوط به یک نفر باشد، درست به نظر می رسد.

تمایلات واقفی داشتن او با روایتی در غیبت طوسی: ۴۲۲، ۴۷۱ تأیید می شود که در آن از امام کاظم (ع) به عنوان «قائم» یاد می شود. روایت دیگری از او در بصائر: ۱۵۰ (بخوانید «موسی بن سعدان عن عبدالله بن قاسم» چنان که در بحار: ۳۳/۲۶ و موارد دیگر که این اسناد در آنجاها آمده است) تعداد امامان را هفت تن ذکر می کند (روایتی در غیبت طوسی: ۱۳۹ که دوازده بودن امامان را پیشگویی می کند و عبدالله بن قاسم در طریق سند آن آمده است، صرف نظر از وجود او در این میان، به هر حال

ص: ۲۰۷

متنی دست برده شده به نظر می رسد). تمایلات غالی او با متن بسیاری، شاید حتی بیشتر، روایات نقل شده از او و با طبیعت مشایخ و راویان او تأیید می شود از جمله در روایت بی‌واسطه (برای مثال: محاسن: ۸۹، کافی: ۳۴۳/۱، ۴۷۳، کمال: ۳۴۹، غیبت طوسی: ۱۶۴) و با واسطه (بصائر: ۱۳۸، کافی: ۲۲۴/۱ ـ ۲۲۵، عقاب الاعمال: ۲۴۹; تأویل الایات: ۸۶۸ ـ ۸۶۹ به نقل از ابن بابویه. نیز بنگرید: رجال کشی: ۳۲۶) او از مفضّل جُعْفی. در باره غلات واقفه بنگرید: رجال کشی: ۴۷۷ ـ ۴۷۹.

کتاب

دفتر حدیث اوست که شماری از راویان از او روایت کرده اند از جمله محمد بن خالد برقی، عبدالله بن عبدالرحمن اصم، و محمد بن حسین بن ابی الخطاب (نجاشی: ۲۲۶; فهرست طوسی: ۱۰۶ [هر دو در هر دو مدخل خود برای این مؤلف]). راوی اخیر، به طور معمول به واسطه موسی بن سعدان الحناط از عبدالله بن قاسم نقل می کند و در مواردی هم

که، بر اساس اسناد موجود، بدون واسطه از عبدالله بن قاسم نقل کرده، ظاهراً با واسطه همین شخص بوده است. چنین است نمونه هایی از نقل های این راویان از مؤلف این دفتر حدیث:

محاسن: ۸۹ (نیز عقاب: ۲۴۹)، ۱۳۷ ـ ۱۳۸، ۱۵۰، ۲۸۶ (نسخه کاملتر همان متن ص ۱۵۰; و از این مأخذ در کافی: ۴۶/۲)

بصائر: ۴۹، ۶۶، ۱۴۱، ۱۵۰ (بخوانید «موسی بن سعدان عن عبدالله بن قاسم»، چنان که در بحار: ۳۳/۲۶)، ۱۸۸، ۲۴۱ ـ ۲۴۲، ۲۷۰ ـ ۲۷۱، ۳۵۱، ۳۹۴، ۴۰۱، ۴۰۳، ۴۰۸، ۴۱۴ ـ ۴۱۵ (نیز علل الشرائع: ۱۵۸/۱)، ۴۳۲، ۴۵۶، ۴۹۹

کافی: ۱۹۵/۱، ۲۰۹، ۲۳۱، ۲۵۸، ۳۸۷، ۵۲۹ ـ ۵۳۰، ۵۳۶ ـ ۵۳۷; ۴۶/۲، ۱۰۴، ۱۲۳ ـ ۱۲۴، ۱۳۸، ۲۳۹ ـ ۲۴۰، ۳۳۵، ۴۲۲; ۱۲۴/۳، ۲۳۷، ۴۳۱ (بخوانید: «محمد بن الحسن بن شمّون عن عبدالله بن عبدالرحمان»، چنان که در تمام موارد مشابه دیگر); ۳/۴، ۲۷، ۳۶۵، ۵۸۱ ـ ۵۸۲; ۲۹۸/۵، ۴۹۸، ۵۱۳; ۲۵/۶; ۴۴۲/۷ (نیز معانی: ۳۸۹; من لایحضر: ۳۷۳/۳); ۲۰۶/۸، ۲۱۲ ـ ۲۱۵

[۱۵۷] رجال کشی: ۳۷۸ ـ ۳۷۹

تأویل ما نزل من القرآن: ۱۸۴ ـ ۱۸۵، ۲۲۵ ـ ۲۲۶، ۲۶۷، ۳۶۳، ۴۶۱

غیبت نعمانی: ۳۱۰ ـ ۳۱۱

تفسیر قمی: ۳۳۵/۱

کامل الزیارات: ۱۳۳ ـ ۱۳۴ (بخشی از آن نیز در ۱۳۶)، ۱۴۰ ـ ۱۴۱، ۲۱۹ ـ ۲۲۰، ۲۳۱ ـ ۲۳۲ (متن کاملتر در ۳۵۳ ـ ۳۵۴)، ۳۵۰ (نیز در امالی صدوق: ۷۳۷)

علل الشرایع: ۱۸۹/۲

عقاب الاعمال: ۲۴۹، ۲۸۰

کمال الدین: ۳۴۹

خصال: ۲۰۴ ـ ۲۰۵، ۲۶۴ ـ ۲۶۵

معانی الاخبار: ۱۱۱، ۱۴۳

ثواب الاعمال: ۱۶۷

المتعة، شیخ مفید: ۴۲ ـ ۴۳

امالی طوسی (به نقل بحار: ۵۴/۹۷)

غیبت او: ۴۲۲ (تکرار شده با متن کاملتر در ص ۴۷۱; نیز بنگرید: ۴۷۴)

تهذیب: ۱۷۶/۳، ۱۸۷ ـ ۱۸۸ (در هر دو مورد بخوانید «احمد بن محمد عن أبیه»، چنان که در همه موارد مشابه)، ۱۲۲/۴، ۷۴/۶، ۲۶۷/۷ ـ ۲۶۸

اعلام الوری: ۳۶۷ ـ ۳۶۹ (به نقل از کلینی، ولی بند مربوط در کافی ۵۲۹/۱ ـ ۵۳۰ نیست)

قصص الانبیاء راوندی: ۱۸۹ (بخوانید: «موسی بن سعدان»، چنان که در بحار: ۹۵/۷۵)

ابن طاوس در فرج المهموم: ۹۲ ـ ۹۳ یک روایت طولانی آورده و گفته است که آن را در کتاب عبدالله بن قاسم حضرمی یافته بود (نیز کتابخانه ابن طاوس: ۳۵۱، [شماره ۲۷۰]).

۱۵ . ابن سنان

عبدالله بن سنان کوفی، از موالی قریش و خزانه دار بیت المال کوفه در روزگار منصور و مهدی عباسی. وی از امام صادق (ع) روایت می کرده و عضو سرشناس جامعه شیعه زمان خویش بوده است.

تاریخ یحیی بن معین: ۴۸۹/۳; رجال برقی: ۷۱; ضعفاء عقیلی: ۲۶۳/۲; الجرح و التعدیل: ۶۸/۵ ـ ۶۹; رجال کشی: ۴۱۰ ـ ۴۱۱; کامل ابن عدی: ۱۵۶۰ ـ ۱۵۶۱; نجاشی: ۲۱۴; فهرست طوسی: ۱۰۱; رجال او: ۲۶۴، ۳۳۹; تاریخ بغداد: ۴۶۶/۱۳; میزان الاعتدال: ۴۳۶/۲ ـ ۴۳۷، و بسیاری از منابع دیگر که در پاورقی های مصححان تاریخ الاسلام ذهبی: ۱۲(سالهای ۱۸۱ ـ ۱۹۰)/۲۰۹ و لسان المیزان: ۳۸/۴ آمده است.

[۱۵۸] منابع شیعی، این راوی را به عنوان مولی قریش (رجال برقی: ۷۱; رجال کشی: ۴۱۱; رجال طوسی: ۲۶۴) و به خصوص بنی هاشم (نجاشی: ۲۱۴) می شناسانند. گرچه در این که او به شاخه

ص: ۲۰۹

طالبی تعلق داشته است یا عباسی، اختلاف نظر وجود دارد. برخی از منابع سنی او را زُهْری (منتسب به بنوزهرة بن کلاب از شاخه های قریش) دانسته اند (کامل ابن عدی: ۱۵۶۰; میزان الاعتدال: ۴۳۶/۲; لسان المیزان: ۲۹۷/۳)،[۲۰۷] اما این باید تصحیف «زاهری» باشد که در ضعفاء عقیلی: ۲۶۳/۲ برای او آمده است; نسبتی که بر اساس گفته نجاشی: ۳۲۸ (ذیل نام «محمد بن سنان زاهری منتسب به زاهر مولی عمرو بن حمق خزاعی») نشانگر وابستگی به خزاعه می باشد. نجاشی: ۲۱۴ عبدالله بن سنان ما را فرزند شخصی به نام سنان بن طریف معرفی کرده است. در رجال طوسی: ۲۸۳ از عبدالله فرزند سنان بن طریف هاشمی و برادر او محمد یاد می شود که از امام جعفر صادق (ع) روایت می کرده اند. یک محمد بن سنان زاهری هست که معاصر جوانتر عبدالله بن سنان بوده و از او روایت می کند (نجاشی: ۳۲۸). روشن نیست که آیا این دو نفر با یکدیگر نسبتی داشته اند یا مگر شباهت در اسامی موجب خلط و اشتباهی در این میان شده باشد.

سه منبعِ رجال برقی: ۷۱; رجال کشی: ۴۱۱ و رجال طوسی: ۲۶۴ (در مورد اخیر بخوانید «خزائن» به جای «جیْش») گزارش کرده اند که عبدالله بن سنان خزانه دار بیت المال کوفه در روزگار منصور و مهدی بوده است. بنا به گفته نجاشی: ۲۱۴ او در روزگار هادی و رشید هم این منصب را داشته است. در تاریخ بغداد: ۴۶۹/۹ (نیز تلخیص المتشابه: ۳۵۰) گزارش شده است که عبدالله بن سنان آن منصب را با مشارکت جرّاح بن ملیح رؤاسی پدر وکیع (م ۱۹۷)، محدث سنی کوفه، عهده داری می کرده است. در باره جراح می دانیم که او نخست خزانه دار کوفه بود (بنگرید: الاعلام زرکلی: ۱۱۷/۸ و منابعی که در این مأخذ یاد شده) از اوایل روزگار عباسی (تاریخ بغداد: ۴۶۸/۱۳، به یقین از پیش از میانه قرن دوم، زمانی که سلیمان بن مهران اعمش [م ۱۴۸] هنوز زنده بود)، و سپس خزانه دار بیت المال خلافت در عهد هارون الرشید (طبقات ابن سعد: ۲۶۵/۶ و بسیاری از منابع دیگر که در پاورقی مصحح تهذیب الکمال: ۵۱۷/۴ آمده است) ـ به احتمال تا وفاتش که پس از سال ۱۷۵ اتفاق افتاده است (طبقات خلیفة بن خیاط: ۳۹۷، یعنی

---

۲۰۷ . مقـ : **الاکمال** ابن ماکولا: ۴۵۱/۴ و **تلخیص المتشابه** خطیب: ۳۵۰ که در آن «عبدالله بن سنان بن ابی سنان الزهری» که از پدر خود روایت می کند از عبدالله بن سنان مورد نظر ما تفکیک شده است.

یا سال ۱۷۶ چنان که در تهذیب الکمال: ۵۲۰/۴ آمده و یا سال ۱۸۶ چنان که در میزان الاعتدال: ۳۹۰/۱ است). به گفته یحیی بن معین در تاریخ: ۴۸۹/۳ (و از آنجا در تاریخ بغداد: ۴۶۹/۹، و بنگرید: ضعفاء عقیلی: ۲۶۲/۲) ابن سنان نیز بعداً به بغداد انتقال یافته و در محله قطیعة الربیع آن شهر که منسوب به ربیع بن یونس، ابن ابی فروه (م ۱۶۹) بوده (شخصی که آن محل را به عنوان اقطاع از منصور دریافت کرده بود) ساکن شد. این که ابن سنان تا چه زمانی منصب بیت المال را به شراکت

ص: ۲۱۰

جراح داشته روشن نیست; اما گزارش شده که وی سالهای پایانی زندگی را در فقر بسر می برده، پس از روزگار خوشی که در زمان منصور داشته است (تمحیص ابن همام: ۴۵).

ابن سنان را در حدیث سنی «قلیل الحدیث» خوانده اند (کامل ابن عدی: ۱۵۶۱) اما در حدیث شیعی، او یک راوی پرکار بوده و مرجعی در زمینه معارف اهل بیت (ع) در جامعه شیعی زمان خود به شمار می رفته است (بنگرید: کافی: ۵۱/۱ ـ ۵۲). وی تألیفاتی داشته که گروه بزرگی از راویان شیعه آن را روایت کرده اند (نجاشی: ۲۱۴). از آن جمله:

[۱۵۹] ۱ ـ کتاب عمل یوم و لیلة

(نجاشی: ۲۱۴ [که می گوید این کتاب با نام کتاب الصلاة نیز شناخته می شده است]، فهرست طوسی: ۱۰۱). آثار باقی مانده با این عنوان، مانند کتاب شیخ طوسی، در باره نمازهای واجب و مستحب روزانه می باشد. پس نقلهای زیر از عبدالله بن سنان در این موضوع در مجامیع متقدم حدیثی شیعه، می تواند نهایتا از این اثر بوده باشد:

مشیخه حسن بن محبوب: ۸۱ (نیز ثواب الاعمال: ۱۹۶; فلاح السائل: ۲۹۷)

محاسن: ۸۴ (نیز امالی صدوق: ۵۷۳ ـ ۵۷۴; عقاب الاعمال: ۲۷۶)، ۶۳۹

تفسیر عیاشی: ۱۲۷/۱ ـ ۱۲۸ (نیز تفسیر قمی: ۷۹/۱); ۳۲۰/۲

کافی: ۵۸۵/۲، ۲۸۰/۳، ۳۲۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۲۰، ۴۲۸، ۴۴۹

امالی صدوق: ۴۶۲ (نیز ثواب الاعمال: ۱۹۴)، ۵۸۶، ۶۳۸

من لایحضر: ۴۸۹/۱

علل الشرایع: ۱۸/۲، ۱۹، ۳۸

کمال الدین: ۳۵۱ ـ ۳۵۲

خصال: ۷ (نیز ثواب الاعمال: ۶۳)، ۳۹۳، ۴۶۰، ۴۹۹

ثواب الاعمال: ۱۷۲

امالی طوسی: ۲۱۴

مصباح المتهجد: ۳۶۳ ـ ۳۶۴

تهذیب: ۲۸/۲، ۳۹، ۵۱، ۵۳، ۵۶، ۶۶، ۶۷، ۷۹، ۸۹، ۱۱۶، ۱۳۶، ۲۵۷، ۲۷۶; ۴/۳ ـ ۵، ۱۳، ۲۵، ۸۵، ۸۶، ۱۳۱، ۲۳۵ ـ ۲۳۶، ۲۷۴، ۲۸۰، ۲۸۲

جمال الاسبوع: ۱۵۷ ـ ۱۵۸، ۲۷۴، ۲۷۵ (نیز بنگرید: ۲۷۷)

ص: ۲۱۱

ذکری: ۳۷۳/۲

مجموعه جُباعی (نقل شده در بحار: ۲۱۷/۸۶ ـ ۲۱۸)

۲ ـ کتاب الصلاة الکبیر

(نجاشی: ۲۱۴). بخش هایی از شمار بزرگی از احادیث که از عبدالله بن سنان در کتابهای متأخرتر حدیث در باره نمازهای غیر روزانه وارد شده، می تواند از این کتاب بوده باشد. از آن جمله موارد زیر:

اصل زید النرسی: ۴۵

مشیخه حسن بن محبوب: ۸۱ (دو روایت)، ۸۶ ـ ۸۷، ۹۰ (و از این مأخذ در محاسن: ۱۸; تفسیر عیاشی: ۴۸/۱)

نوادر بزنطی: ۲۹ (دو روایت، یکی از آنها نیز در تهذیب: ۲۸/۲)

نوادر محمد بن علی بن محبوب: ۹۶

محاسن: ۴۸، ۳۱۵ ـ ۳۱۶ (نیز کافی: ۴۵۴/۳)، ۳۱۸، ۴۲۵

[۱۶۰] تفسیر عیاشی: ۳۱۸/۲

ضعفاء عقیلی: ۲۶۳/۲

کافی: ۲۰۷/۳، ۲۶۶، ۲۷۴، ۲۸۶ ـ ۲۸۷، ۲۹۵ ـ ۲۹۶، ۳۰۹، ۳۱۴، ۳۱۷ (دو روایت)، ۳۱۸، ۳۳۳، ۳۴۲، ۳۵۵، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۶، ۳۸۷، ۴۰۱ ـ ۴۰۲، ۴۰۴ ـ ۴۰۵، ۴۲۴، ۴۴۹، ۴۴۹، ۴۵۴، ۴۶۸، ۴۸۸

طب الائمة: ۱۰۹ ـ ۱۱۰، ۱۱۷

امالی صدوق: ۳۶۶ (نیز معانی الاخبار: ۱۱۷ـ ۱۱۸)

من لایحضر: ۱۰۹/۱، ۱۶۳، ۲۲۳ ـ ۲۲۴، ۲۵۶، ۲۶۶، ۲۸۷، ۳۴۶، ۳۸۷، ۴۰۷، ۴۳۹ ـ ۴۴۰، ۵۶۴، ۵۶۶، ۵۶۸ ـ ۵۶۹

علل الشرایع: ۲۸۴/۱، ۱۶/۲، ۲۱

ثواب الاعمال: ۳۵، ۵۹، ۶۲، ۱۰۳ (دو روایت)

مصباح المتهجد: ۷۸۲ ـ ۷۸۷

تهذیب: ۲۵۴/۱، ۳۹۰، ۴۰۱، ۴۰۴، ۴۰۷، ۴۲۷; ۶/۲، ۱۳ ـ ۱۴، ۵۰، ۵۹ ـ ۶۰، ۶۱، ۷۰، ۱۳۱، ۱۴۷، ۲۲۲، ۲۶۵، ۲۷۰ (نیز رساله عدم مضایقه ابن طاوس: ۳۴۲ ـ ۳۴۳ که این روایت را از کتاب الصلاة حسین بن سعید نقل می کند)، ۲۸۷، ۲۹۱، ۲۹۹، ۳۱۳، ۳۴۳، ۳۵۰، ۳۵۵، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۶۵، ۳۶۶; ۱۲/۳ ـ ۱۳، ۲۵، ۳۵، ۶۴ ـ ۶۶، ۶۹، ۱۲۸، ۱۳۶، ۱۶۰، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۹۹، ۲۱۶، ۲۳۱، ۲۳۶،

ص: ۲۱۲

۲۴۱، ۲۴۲، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۹۵، ۳۰۸، ۳۱۵

مجمع البیان: ۱۵۵/۳۰، ۲۰۷
امالی ابی طالب: ۲۱۵
مکارم الاخلاق: ۱۳۰، ۱۳۵ (دو روایت)
غیاث سلطان الوری: ۸
اقبال الاعمال: ۴۹/۱ ـ ۵۱، ۴۷۵

۳ ـ کتاب فی أبواب الحلال و الحرام

نجاشی: ۲۱۴ که از این اثر یاد کرده، آن را کتاب فی سائر الابواب من الحلال و الحرام می نامد. به احتمال، این همان کتاب است که در رسالة ابی غالب: ۱۸۳، فهرست طوسی: ۱۰۱ و رجال او: ۳۳۹ از آن یاد شده است. این کتاب طبعا حاوی روایات عبدالله بن سنان در موضوعات فقهی بوده که نزدیک به یک هزار نمونه آن در چهار مجموعه حدیثی شیعه، و شمار بسیاری دیگر در سایر کتب متقدم شیعی آمده است. برای فهرست نقلهایی که در کتب چهارگانه آمده است بنگرید: معجم رجال الحدیث: ۲۰۳/۱۰ ـ ۲۰۹، ۴۵۴ ـ ۴۷۸، ۱۸۶/۲۲ ـ ۱۹۱، ۳۹۲ ـ ۴۰۴، و برای دیگر نقلها بنگرید: فهارس بحار: ۷۱/۹ ـ ۷۳، ۲۱۴ ـ ۲۱۶.

۴ ـ النوادر

از این اثر در رسالة ابی غالب: ۱۸۳ به عنوان بخشی از کتاب حدیثی بزرگتر عبدالله بن سنان یاد شده است. طبعا بخشی از مرویات این راوی در باره مسائل [۱۶۱] غیر فقهی که بسیاری از آنها به شرحی که گذشت در معجم رجال و فهارس بحار، فهرست شده شاید در اصل جزو محتویات این اثر بوده است.

۱۶ . ابن طلحة النهدی

عبدالله بن طلحة نهدی، از شیعیان عرب کوفه که از امام صادق (ع) روایت کرده است.

رجال برقی: ۷۲; نجاشی: ۲۲۴; رجال طوسی: ۲۳۲. نیز بنگرید: کافی: ۱۷۲/۲، ۲۳۲ ـ ۲۳۳ (متنی که به وضوح از اواخر دوره اموی است)، تهذیب: ۳۵/۶.

ص: ۲۱۳

کتاب

دفتر حدیث اوست که علی بن اسماعیل میثمی، دانشمند امامی آغاز قرن سوم، آن را روایت کرده است (نجاشی: ۲۲۴). جعفر بن محمد بن شریح حضرمی قطعه ای مشتمل بر هیجده روایت به نقل از عبدالله بن طلحه در کتاب خود (الاصول الستة عشر: ۷۴ ـ ۷۸) آورده که می تواند از همین اثر باشد. پاره ای از نقلهای دیگر مؤلف ما که برخی از آنها از طریق علی بن اسماعیل میثمی است (برای نمونه: کتاب الزهد حسین بن سعید: ۳۶) چنین است:

کتاب الزهد: ۳۶، ۴۴ ـ ۴۵
محاسن: ۵۸۴ (نیز کافی: ۲۴۰/۶)

بصائر: ۲۵۳ (نیز کافی: ۲۳۲/۸)، ۴۵۸ ـ ۴۵۹

تفسیر عیاشی: ۴۳/۱ (تکرار شده در ۶۸)

کافی: ۵۱۰/۲ (نیز امالی صدوق: ۳۳۴; فضائل الاشهر: ۸۶، ۱۱۱)، ۶۲۰; ۶۴/۴ (نیز امالی صدوق: ۶۴۵; فضائل الاشهر: ۱۲۱ ـ ۱۲۲; ثواب الاعمال: ۷۵)، ۱۴۷/۷، ۲۲۹، ۲۴۷، ۲۹۳ (دو روایت); ۲۷۲/۸

امالی صدوق: ۲۴۷ ـ ۲۴۸، ۶۸۲

معانی الاخبار: ۲۴۱

امالی طوسی: ۶۷۷

تهذیب: ۲۱/۶، ۳۵، ۴/۱۰، ۲۹۲

[۱۶۲] ۱۷ . ابن وضّاح

ابومحمد عبدالله بن وضّاح، از موالی کوفه، و از اصحاب راوی سرشناس شیعی آن شهر ابوبصیر یحیی بن قاسم اسدی (م ۱۴۹ ـ ۱۵۰).

نجاشی: ۲۱۵; فهرست طوسی: ۱۹۳; رجال او: ۳۴۰

روایتی در کتاب غیبت طوسی: ۴۴ شاید مشعر بر آن باشد که این راوی در اواخر زندگی خود به واقفه پیوسته است. او بی تردید جز ابومحمد عبدالله بن وضاح کوفی لؤلؤی است که راوی سنی و شیخ ترمذی، یعقوب بن اسحاق فسوی و بسیاری دیگر بوده و به سال ۲۵۰ درگذشت (تهذیب الکمال: ۲۶۶/۱۶ ـ ۲۶۷ و منابعی که در پاورقی مصحح در همانجا آمده). از این راوی اخیر نیز نقلهایی در کتابهای شیعی آمده است (برای نمونه: تفسیر فرات: ۴۰۸ ـ ۴۰۹).

نجاشی: ۲۱۵ دارد که این راوی کتب متعددی تألیف کرده بود اما نجاشی تنها یکی از آنها را می شناخته است:

۱ ـ کتاب الصلاة

عالم سرشناس واقفی، علی بن حسن طاطری این کتاب را از مؤلف روایت می نمود. بیشتر مطالب کتاب را مؤلف از شیخ خود ابوبصیر روایت کرده بود (نجاشی: ۲۱۵). روایاتی از این مؤلف در باره مسائل مربوط به نماز که برخی از آنها از ابوبصیر است، شامل نمونه های زیر می باشد:

کافی: ۴۷۸/۳

تهذیب: ۱۴۱/۲، ۲۵۹

۲ ـ کتاب التفسیر

(فهرست طوسی: ۱۹۳). یک روایت طولانی از این مؤلف در تفسیر قمی: ۴۷/۲ در تفسیر آیه ۱۱۰ کهف و چند آیه دیگر می تواند از این کتاب گرفته شده باشد.

۱۸ . الکاهلی

ابومحمد عبدالله بن یحیی الکاهلی، از شیعیان عرب کوفه، و از اصحاب امام صادق (ع) و امام کاظم (ع). وی به امام کاظم (ع) نزدیک بوده و در روزگار زندگی ایشان، پیش از سال ۱۸۲ درگذشت.

[۱۶۳] رجال برقی: ۷۱; رجال کشی: ۴۰۱ ـ ۴۰۲، ۴۳۴ ـ ۴۳۵، ۴۴۷ ـ ۴۴۸; نجاشی: ۲۲۱ ـ ۲۲۲; فهرست طوسی: ۱۰۲; رجال او: ۳۴۱. نیز بنگرید: کافی: ۴۹۱/۳، ۵۰۶/۴; من لایحضر: ۱۷۸/۱.

برقی یادآور شده که این شخص از بنوکاهل، شاخه ای از اسد خزیمه، بوده است، اما نجاشی از نسّابه برجسته، محمد بن عبدالرحمان عبدی معروف به ابن عبده، مؤلف کتابی در باره بنواسد (فهرست ابن ندیم: ۱۱۸) نقل می کند که او در واقع از قبیله بنوتمیم بوده است; پس نسبت کاهلی او و شاید نشانگر آن باشد که وی در محله بنوکاهل در کوفه می زیسته است. روایتی از این راوی در المزار مشهدی: ۱۲۲ در باب مربوط به مسجد بنوکاهل در کوفه، وصف می کند که چگونه امام صادق (ع)

نماز فجر را در آن مسجد اقامه فرمود.

کشی روایتی نقل می کند که بر اساس آن امام کاظم (ع) از علی بن یقطین، از رجال شیعه که در شمار بلندپایگان دربار خلافت عباسی بود (بنگرید: مدخل شماره ۳۸ در فصل حاضر)، خواسته بود که کاهلی و خانواده اش را تحت حمایت خود گیرد. از آن پس کاهلی، مستمری از ابن یقطین دریافت می کرده و از جمله مبلغی که سالانه برای انجام حج به وی پرداخت می شده است. به گفته کشی (رجال کشی: ۴۴۸) کاهلی در حیات علی بن یقطین (م ۱۸۲) وامام کاظم (ع) درگذشت.

کتاب

دفتر حدیث او که شماری از راویان از جمله احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی (نجاشی: ۲۲۲; فهرست طوسی: ۱۰۲) روایت کرده اند. قطعه ای از این دفتر یادداشت که همین راوی روایت کرده، برجای مانده و در مجموعه الاصول الستة عشر (۱۱۴ ـ ۱۱۶) چاپ شده است. این قطعه شامل سیزده روایت است (نیز ببینید مقاله کالبرگ در باره اصول اربعمائة: ۱۱۴ ـ ۱۱۶). بسیاری از نقلهای دیگر از کاهلی در مجموعه های حدیثی شیعه هست که بیشتر آنها باید از نسخه اصلی این کتاب گرفته شده باشد. برای فهرست بسیاری از آنها بنگرید به: معجم رجال الحدیث: ۳۷۹/۱۰، ۳۸۱، ۳۹۰، ۱۳۴/۲۳ ـ ۱۳۵; فهارس بحار: ۲۳۱/۹، ۲۴۸ ـ ۲۴۹، ۷/۱۰ .

۱۹ . الرسان

عبدالله بن زبیر کوفی، فروشنده طناب، از موالی بنواسد که در قیام زید بن علی علیه هشام بن عبدالملک اموی در سال ۱۲۲ شرکت کرده بود. او بعدها در قیام محمد بن عبدالله نفس زکیه به سال ۱۴۵ نیز شرکت کرده و از آن هم جان سالم بدر برد. وی از امام صادق (ع) و دیگران روایت کرده و برای راویان سنی و زیدی شناخته شده بود، به خصوص به

عنوان پدر ابواحمد زبیری (م ۲۰۳)، محدث برجسته و مورد احترام در سنّت حدیثی اهل سنت و شیخ احمد بن حنبل و بسیاری دیگر.

[۱۶۴] تاریخ الثقات عجلی: ۲۵۶; کتاب الضعفاء ابوزرعه رازی: ۴۹۶; رجال برقی: ۹۱; الجرح و التعدیل: ۵۶/۵; رجال کشی: ۳۳۸; ثقات ابن حبان: ۳۴۵/۸; مقاتل الطالبیین: ۲۹۰; امالی صدوق: ۴۱۶; نجاشی: ۲۲۰; رجال طوسی: ۲۳۴; تلخیص المتشابه خطیب: ۲۰; لسان المیزان: ۱۷/۴ (و منابع دیگری که مصحح در پاورقی این منبع آورده است).

مزی در تهذیب الکمال: ۴۷۶/۲۵ این راوی را عبدالله بن زبیر بن عمر بن درهم الاسلمی مولی بنی اسد خوانده است. کلمه «اسلمی» در منبعی که مورد استفاده مزی بوده، به احتمال بسیار تصحیف «اسدی» بوده است، زیرا مولی بنواسد بودن با نسبت اسلمی (در انتساب به یک قبیله عرب منشعب از بازماندگان الیاس بن مضر، نیای پیامبر [ص]) سازگار نیست.

به نظر می رسد که فروش طناب، حرفه خانوادگی این راوی بوده; چه او (رجال کشی: ۳۳۸; تلخیص المتشابه خطیب: ۲۰، پاورقی مصحح) و برادرش فضیل[۲۰۸] (رجال کشی: ۳۳۸; امالی صدوق: ۴۱۶; تلخیص خطیب: ۲۰) را با لقب «رسان» وصف کرده اند. ابواحمد پسر عبدالله را هم با لقب «حبّال» معرفی کرده اند (تهذیب الکمال: ۴۸۰/۲۵; سیر اعلام النبلاء: ۵۳۱/۹).

این نکته که وی از قیام زید و نفس زکیه جان سالم بدر برد از گزارشی که در مقاتل الطالبیّن: ۲۹۰ آمده به دست می آید. روایتی در امالی صدوق: ۴۱۶ از آن حکایت دارد که او پس از شکست قیام زید، از امام صادق (ع) کمک مالی دریافت می کرد. همین حکایت در رجال کشی: ۳۳۸ (و از آنجا در ارشاد مفید: ۱۷۳/۲) با یک کلمه اضافی مبهم آمده که موجب برخی سردرگمی ها در فهم مراد شده است.

تاریخ الثقات عجلی: ۲۵۶ و ثقات ابن حبان: ۳۴۵/۸ این راوی را در جمع راویان موثق یاد می کنند; اما ابن ابی حاتم (الجرح و التعدیل: ۵۶/۵) و ابوزرعه رازی (ضعفاء: ۴۹۶) او را غیرقابل اعتماد معرفی کرده اند. برای نمونه هایی از روایات غیر شیعی او بنگرید: تاریخ طبری: ۱۶۱/۶; ثقات ابن حبان: ۳۴۵/۸ (مورد اخیر، که روایتی است از این راوی به نقل از عبدالله بن شریک که با امام باقر [ع] در سفر مکه ملاقات کرده بود، در رجال کشی: ۱۲۵ ـ ۱۲۶ نیز با متنی طولانی تر آمده است. همچنین روایتی دیگر از یک متن شیعی در دست است که راوی ما از عبدالله بن شریک نقل کرده و صورتی دست برده از آن در کمال الدین: ۳۱۷ آمده است).

در باره فرزندش ابواحمد محمد بن عبدالله زبیری بنگرید: تهذیب الکمال: ۴۷۶/۲۵، ۴۸۱; تاریخ الاسلام ذهبی: ۱۴ (سالهای ۲۰۰ ـ ۲۱۰)/۳۵۳ ـ ۳۵۵; (و منابع بسیار دیگر که در پاورقی های مصحّحان این دو کتاب آمده است). حسن فرزند دیگر عبدالله هم راوی حدیث بوده است، همین طور طاهر فرزند ابواحمد. ابواحمد (تاریخ الثقات: ۴۰۶; نیز بنگرید: تاریخ دمشق: ۱۴۲/۴۲) و حسن (تاریخ بغداد: ۴۰۲/۵) هر دو جانبدار امام علی (ع) بودند. خطیب، حسن را از

---

۲۰۸ . راوی حدیث (معجم رجال: ۳۲۶/۱۳ ـ ۳۲۷; فهارس: ۵۴۶/۹) و مؤلف تسمیة من قتل مع الحسین من ولده و اخوته و شیعته (چاپ محمدرضا حسینی، قم، ۱۴۰۶ [در مجله تراثنا ۲: ۱۲۵ ـ ۱۶۰]).

سران جریان جانبدارانه از امام علی (ع) در میان محدثان سنی زمان خویش دانسته (منبع اخیر، همان صفحه)، چنان که پدرش هم چنین

ص: ۲۱۷

بوده است (تلخیص خطیب: ۲۰). با این حال، هیچ یک امامی مذهب نبودند (برای نمونه بنگرید: تهذیب الکمال: ۳۵۵/۲۲).

کتاب النوادر

دفتر روایات او و از امام صادق (ع) است که عبّاد بن یعقوب رواجنی (م ۲۵۰) از مؤلف روایت می نمود (نجاشی: ۲۲۰). [۱۶۵] روایات عبدالله بن زبیر از امام صادق (ع) در منابع امامی و زیدی که بعضا از طریق راوی مذکور (برای نمونه: امالی احمد بن عیسی: ۴۲۸/۲) روایت شده، می باید از همین کتاب گرفته شده باشد. نمونه ها:[۲۰۹]

امالی احمد بن عیسی: ۴۲۸/۲

امالی صدوق: ۱۴۱

تهذیب: ۴۱۴/۱

در تسمیة من روی عن الامام زید: ۱۰۳ عبّاد از این مؤلف روایتی در مورد خروج زید (ع) نقل می کند که از امام صادق نیست.

۲۰ . عبدالملک الخثعمی

عبدالملک بن حکیم خثعمی، از شیعیان کوفه که از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) روایت می نمود.

نجاشی: ۲۳۹ ـ ۲۴۰; فهرست طوسی: ۱۱۰

کتاب

دفتر حدیث اوست که برادرزاده اش، جعفر بن محمد بن حکیم از او روایت کرده است (نجاشی: ۲۳۹ ـ ۲۴۰; فهرست طوسی: ۱۱۰). نسخه ای از این کتاب که از طریق راوی مزبور روایت شده، باقی مانده و در الاصول الستة عشر (۹۸ ـ ۱۰۱) به چاپ رسیده است (برای ویژگی های بیشتر بنگرید به مقاله کالبرگ در باره اصول اربعمائة: ۱۵۵).

ص: ۲۱۸

۲۱ . عبدالملک النخعی

عبدالملک بن عتبة نخعی صیرفی، از شیعیان کوفه که از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) روایت می نمود.

---

۲۰۹ . این، فهرست کاملی نیست زیرا برخی از یادداشت های من در باره این مؤلف، مفقود شده است.

نجاشی: ۲۳۹; رجال طوسی: ۲۳۸

کتاب

دفتر حدیث او که نجاشی و طوسی (فهرست: ۱۱۰) از آن یاد کرده اند. طوسی (فهرست : ۱۱۰)، که طبق معمول کتاب منبع خود را عینا نسخه برداری کرده، از کتابی از یک عبدالملک بن عتبه یاد می کند [۱۶۶] که مکی و از احفاد ابولهب بوده است. نجاشی: ۲۳۹ این اشتباه را اصلاح کرده و یادآور می شود که کتابی که در عصر او عده ای از راویان از عبدالملک بن عتبه روایت می کرده اند، مربوط به آن صیرفی کوفی می باشد نه از هاشمی مکی. به نظر می رسد که این اشتباه در انتساب، بسیار قدیمی بوده و گویا در اصل از اشتباه یکی از نگارندگان فهارس اولیه رجال حدیث شیعه در شناخت نگارنده واقعی این دفتر احادیث آغاز شده بود. این اشتباه به نوبه خود موجب خطای راویان متأخر شد که آن مجموعه را به نام عبدالملک بن عتبه هاشمی شناخته و در نقل خود از آن، نام راوی اعلای حدیث را با همان نسبت ذکر کرده اند. علی بن حکم، یک راوی عمده این کتاب، خود کوفی و از موالی بنی نخع بوده و با صرافان شهر پیوستگی داشت (رجال کشی: ۵۷۰). حتی در برخی از روایات این راوی نیز، که همه به سند واحد به دست مؤلفان مجامیع متأخرتر حدیثی رسیده است، نسبت هاشمی به اسم عبدالملک، طبعا از سوی یک راوی متأخر، افزوده شده است. با این همه، شواهد کافی در این روایات وجود دارد که می توان بر اساس آنها مؤلف این کتاب را شناسایی کرد. در یکی از این نمونه ها (کافی: ۲۴۵/۵) عبدالملک به تفصیل برای امام شرح می دهد که صیرفیان چگونه معاملات مالی خود را انجام می دهند به گونه ای که روشن است که گوینده خود با این حرفه آشنایی کامل داشته است. در روایات دیگری که راویان مختلفی از او روایت کرده اند (کافی: ۳۰۷/۵، تهذیب: ۱۱۵/۷) وی به تفصیل برای امام شرح می دهد که وی شخصا به عنوان یک صراف چگونه عمل می کند. باز در روایت دیگری که در تهذیب: ۱۸۸/۷ ـ ۱۸۹ آمده، وی توضیح می دهد که او قبل از آن، در باره یکی از مسائل صرافی به فقهای (سنّی) کوفه مراجعه کرده، اما بعدها امام صادق (ع) به او توصیه کرده بود که مخالف با آنچه آنان گفته بودند عمل

ص: ۲۱۹

کند. قرائن مشابهی در روایات نقل شده از سوی وی در کافی: ۲۰۶/۵ و تهذیب: ۵۹/۷، ۱۸۹ (دو روایت) دیده می شود. به احتمال فراوان، نجاشی از همین شواهد دریافت که مجموعه حدیثی مورد سخن باید از عبدالملک بن عتبه کوفی صراف باشد نه از عبدالملک بن عتبه هاشمی.

چنین است فهرستی از نقلها از این مؤلف به روایت علی بن حکم در دو کتاب اصلی حدیث شیعه:

کافی: ۶۷۳/۲ ـ ۶۷۴، ۵۴۸/۳ (بخوانید: «احمد عن علی بن الحکم»، چنان که در همه موارد مشابه)، ۵۵۱، ۱۱۶/۴ (نیز من لایحضر: ۱۳۴/۲)، ۱۲۷ (نیز علل: ۷۰/۲)، ۱۳۴، ۲۷۹، ۲۰۶/۵، ۲۴۵

تهذیب: ۳۷۲/۱، ۴۳۶، ۵۹/۷ (تکرار شده در ۸۱ و ۲۳۸)، ۱۸۹ (دو روایت)

مطالبی که از طریق راویان دیگر یا بدون سند نقل شده و به احتمال زیاد باز از همین کتاب می باشد، شامل نمونه های زیر است:

[۱۶۷] کافی: ۳۰۷/۵

من لایحضر: ۲۵۲/۲ ـ ۲۵۳

تهذیب: ۱۱۵/۷، ۱۸۸ ـ ۱۸۹

۲۲ . عبدالمؤمن انصاری

ابوعبدالله عبدالمؤمن بن قاسم انصاری، از شیعیان کوفه و از راویان حدیث، برادر راوی معروفتر ابومریم عبدالغفار بن القاسم (بنگرید: مدخل شماره ۵ در همین فصل). وی از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) روایت می کرده و در سال ۱۴۷ در سن ۸۱ سالگی درگذشت.

رجال برقی: ۵۱، ۶۴; ضعفاء عقیلی: ۹۲/۳; فهرست ابن ندیم: ۲۷۵; نجاشی: ۲۴۹; فهرست طوسی: ۱۲۲; رجال او: ۱۴۲، ۲۴۱; لسان المیزان: ۴۸۱/۴ ـ ۴۸۲ (و منابعی که در پاورقی مصحح در این مأخذ آمده است). همچنین بنگرید: بصائر الدرجات: ۴۶ ـ ۴۷; اختصاص: ۲۷۹.

وی به یقین شیعه بوده چنان که از روایات فراوان او در فضائل امام علی (ع) و فرزندانش به دست می آید; اما به نظر می رسد که او امامی مذهب، به معنای خاص آن، نبوده است. این نکته از روایاتی که وی از امام باقر (ع) از جابر از پیامبر (ص) روایت می کند به دست می آید (برای نمونه: امالی مفید: ۶۶ ـ ۶۷، ۱۶۵). این اسناد در احادیث اهل سنت و زیدیه بسیار معروف است; اما در متون امامیه، چنین اسنادی جز در مباحثات کلامی میان شیعه و سنی مرسوم و معمول نیست چه آنان معتقد بودند که

ائمه اطهار، علم خود را به طریق وراثت ابا عن جد از پیامبر گرفته اند و نه از راه روایت از دیگران (در این باب نیز ببینید تسمیة من روی عن الامام زید: ۳۱ – ۳۲ و ۶۵).

کتاب

دفتر حدیث اوست که شماری از راویان از جمله سفیان بن ابراهیم بن مَزْیَد ازدی از وی روایت کرده اند (فهرست ابن ندیم: ۲۷۵; نجاشی: ۲۴۹; فهرست طوسی: ۱۲۲). این راوی (در باره او بنگرید: رجال طوسی: ۲۲۰) برای شرح حال نویسان سنی هم به عنوان راوی از عبدالمؤمن شناخته شده بود (میزان الاعتدال: ۱۶۴/۲ ـ ۱۶۵; لسان المیزان: ۵۲/۳). او با نام «حریری» شهرت داشت که در ارتباط با شغل اوست که فروشنده حریر بوده است (امالی طوسی: ۲۳۲). این نسبت در نجاشی: ۲۴۹ به «حارثی» و در اسانید بسیار به جَریری / جُرَیری تصحیف شده است.

نقلها از این مؤلف در آثار بعدی که توسط سفیان بن ابراهیم روایت شده و به احتمال زیاد از همین کتاب است، شامل این نمونه هاست:

ضعفاء عقیلی: ۳۰۶/۳ (نیز معجم اوسط طبرانی: ۱۷۱/۴; کتاب السنة ابن شاهین: ۱۵۶; فضائل الخلفاء ابونعیم: ۶۲ ـ ۶۳; تاریخ دمشق: ۳۲۹/۴۲)

[۱۶۸] محاسن: ۴۸۵ (نیز کافی: ۳۳۲/۶)

تأویل ما نزل من القرآن: ۲۷۵ (بخوانید: «عبدالمؤمن» به جای «عبدالله» چنان که در تأویل الایات: ۵۱۲. نیز بصائر: ۵۵ ـ ۵۶; و کافی: ۲۱۲/۱ که در این دو، راوی دیگری همین بند را از عبدالمؤمن راویت کرده است)

معجم اوسط طبرانی: ۱۷۲/۴

خصال: ۴۴۵

زین الفتی: ۵۰۰/۱ (نیز بصائر: ۳۱۰ که راوی دیگری همین روایت را از عبدالمؤمن نقل می کند)

امالی طوسی: ۲۳۲، ۲۵۵

غیبت او: ۱۸۰، ۴۷۲ ـ ۴۷۳ (روشن است که روایت از عبدالمؤمن می باشد، اما نام او یا افتاده و یا در اسناد تصحیف شده است)

بشارة المصطفی: ۱۱۸

الیقین: ۱۹۴ (به نقل از کتاب المعرفة ابو اسحاق ثقفی)

ص: ۲۲۱

نقلهای دیگر از این مؤلف که به احتمال فراوان از همین دفتر حدیث اوست و همه در فضائل امام علی و فرزندانش و نیز مسائل اخلاق مذهبی (ولی نه کلامی و نه فقهی)، چنین است:

کتاب الزهد حسین بن سعید: ۴۵ ـ ۴۶

محاسن: ۱۱ (نیز خصال: ۳۴۹ ـ ۳۵۰)، ۳۳ ـ ۳۴

بصائر: ۴۶ ـ ۴۷، ۵۶، ۳۱۰، ۵۱۲

ضعفاء عقیلی: ۹۲/۳

کافی: ۱۵۴/۱، ۲۱۴ (بنگرید: بصائر: ۴۶ ـ ۴۷)، ۱۳۱/۸ (نیز امالی طوسی: ۶۹۳)، ۲۳۴ (نیز خصال: ۱۳۹، و یک متن طولانی تر از همین در ۱۵۲)

من لایحضر: ۱۱۵/۲ ـ ۱۱۶ (نیز معانی الاخبار: ۳۳۶)

علل الشرایع: ۸۰/۱

خصال: ۳۴۹ ـ ۳۵۰، ۵۷۱

امالی مفید: ۶۶ ـ ۶۷، ۱۶۵

امالی طوسی: ۴۸۳

۲۳ . ابن الحجّاج

ابوعلی عبدالرحمان بن حجاج، فروشنده لباس شاپوری، و از موالی کوفی قبیله بَجیله که به بغداد مهاجرت کرد. او فقیه سرشناس شیعه و از اصحاب نزدیک امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) بود. وی تا اواخر قرن دوم زنده بوده و در سن ۸۱ سالگی در مدینه، در دوران امامت امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) درگذشت.

[۱۶۹] رجال برقی: ۷۴، ۱۱۷; محاسن: ۷۰، کافی: ۵۵۸/۴; رجال کشی: ۴۴۱ ـ ۴۴۲; مشیخه: ۴۴۷; نجاشی: ۲۳۷ ـ ۲۳۸; فهرست طوسی: ۱۰۸; رجال او: ۲۳۶، ۳۳۹; غیبت همو: ۶۱، ۷۱، ۳۴۸

شرح حال نویسان او را بیاع السابری معرفی کرده اند که اشاره به حرفه او در فروشندگی لباس شاپوری است. این لباس از نوعی پارچه توری شفاف تهیه می شده که از آن در حدیث (نمونه ها در کتاب السنه عبداللّه بن احمد بن حنبل: ۳۱۳/۱، ۳۳۸) و اشعار عربی دوره نخست اسلامی (نمونه ها در تاج العروس: ۲۵۳/۳) به عنوان سمبل لطافت یاد

می شود. سابُری نام نوعی خرمای لطیف کوفی هم بوده است (عیون الاخبار: ۲۲۰/۱، کافی: ۳۴۸/۶; تاج العروس: ۲۵۳/۳) اما در اینجا آن نوع خرما مقصود

ص: ۲۲۲

نیست (نیز بنگرید: انساب سمعانی: ۴/۷; تبصیر ابن حجر: ۷۱۲). املای این اسم را لغت نویسان «سابِری» و سمعانی «سابَری» آورده اند، اما اصل فارسی این نام، سابُری را درست می داند و به احتمال زیاد تلفظ این کلمه نیز در آن روزگار، به این صورت بوده است.

ابن حجاج با علی بن یقطین از بلندپایگان دربار خلافت عباسی در نیمه دوم قرن دوم (ببینید مدخل شماره ۳۸ در فصل حاضر) روابط نزدیکی داشت و علی بن یقطین، هر سال هزینه سفر وی را برای انجام فریضه حج می پرداخت (رجال کشی: ۴۳۵، نیز بنگرید: ۴۳۱). این سفرهای حج سالانه، نه تنها سماع حدیث از امام (ع) را برای وی میسّر می ساخت، بلکه امکان رساندن و گرفتن پیام شیعیان عراق را به آن حضرت توسط او فراهم می آورد. روایتی در رجال کشی: ۴۳۱ حکایت از آن دارد که وی مبالغ فراوانی پول برای امام کاظم (ع) برده است. ظاهر روایتی در غیبت طوسی: ۳۴۹ (که به احتمال، متن دیگری از همان روایت کشی است) آن است که ابن حجاج، وکیل امام صادق (ع) بود; ولی نهاد وکالت مالی برای امام، در زمان امام صادق وجود نداشته است (بنگرید کتاب: Crisis andConsolidation از مؤلف، صفحه ۱۳).

نجاشی دارد که ابن حجاج در آغاز تمایلات کیسانی داشت و سپس به مذهب حق راه یافت; اما سیاق نقل نشانگر آن است که کلمه «کیسانیه» به جای «واقفه» بکار رفته است. در غیبت طوسی: ۷۱ وی را از جمله شاگردان ممتاز امام کاظم (ع) دانسته که در آغاز به واقفه پیوست اما اندکی بعد، به حق رهنمون شده و امام رضا (ع) را به عنوان جانشین پدر شناخت. روایتی در همان: ۶۱ موضع پیشین ابن حجاج را تأیید می کند. به گفته همین منبع، وی در دوران امام رضا (ع) درگذشته است. این که وی دست کم تا سال ۱۸۳ زنده بوده، از روایتی در کافی: ۳۰۸/۱ نیز به دست می آید.

ابن حجاج فقیه سرشناس جامعه شیعه در روزگار خویش بوده و در میان اعضای جامعه شیعه به این وصف شناخته می شده است (کافی: ۳۹۱/۴). از شواهدی که در روایات نقل شده توسط خود او هست بر می آید که او دارای آگاهی وسیع در باره آراء و روشهای استدلالی فقهای سنی عراق بود. امام صادق (ع) گهگاه از وی در باره دیدگاه های فقهی عراق پرسش می کرد. روایات او که غالبا فقهی است، نشانگر ذهن یک فقیه است که با جزئیات مسائل و فروعات آنها سروکار دارد. نمونه ها در این باره، بیش از آن است که بتوان نقل کرد; پس به ذکر چند مورد بسنده می کنیم: کافی: ۲۰۰/۵، ۱۶۳/۶، ۴۰۹ ـ ۴۱۰ (با تکرار بخشی از آن در ۴۱۷)، ۲۶/۷ ـ ۲۷، ۶۱ ـ ۶۲، ۱۳۰ ـ ۱۳۱، ۱۳۷، ۱۶۵ ـ ۱۶۶، ۱۸۲، ۲۷۸ ـ ۲۷۹، ۲۸۰ ـ ۲۸۱، ۳۸۵ ـ ۳۸۶، تهذیب: ۲۱/۷ ـ ۲۲، ۱۵۵.

در کافی: ۲۶/۷ ـ ۲۷ امام صادق (ع) وی را برای اثبات بطلان روش قیاس به مبارزه می طلبد. این یک روش استدلال فقهی بود که در آن زمان، میان فقهای سنی عراق، معمول بود، اما امام صادق (ع)

ص: ۲۲۳

آن را نمی پذیرفت. در کافی: ۲۳۴/۴ ابن حجاج به امام یادآور می شود که ایشان خود بر اساس قیاس پاسخ می دهد; اما امام می فرماید که بر آن بوده است تا فهم مطلب را بر وی آسان سازد. ابن حجاج نزد برخی از فقهای سنی [۱۷۰] عراق هم تحصیل کرده بود، چه در مواردی برخی از آنچه را که از آنان شنیده نقل می کند (برای نمونه: کافی: ۲۸۰/۷ ـ ۲۸۱، ۴۲۷ ـ ۴۲۸). امام صادق (ع) وی را تشویق کرد تا با مردم و عالمان مدینه تماس بگیرد تا آنان بدانند که جامعه شیعه دارای فقیهی با این رتبت علمی والاست (رجال کشی: ۴۴۲). با این همه او با بحث های کلامی و زبان آن آشنایی نداشت. این مطلب از روایتی که در رجال کشی: ۲۷۹ آمده، به دست می آید.

کتاب

این کتاب را شمار زیادی از راویان روایت کرده اند که از آن جمله شاگرد برجسته مؤلف (رجال طوسی: ۲۳۶) صفوان بن یحیی بجلی (م ۲۱۰) است که خود فروشنده لباس شاپوری بوده است. همین طور ابن ابی عمیر (رسالة ابی غالب: ۱۶۳، ۱۷۲، نجاشی: ۲۳۸، فهرست طوسی: ۱۰۸، رجال او: ۳۳۹). این کتاب در ابوابی به ترتیب موضوعی تدوین شده بود چنان که از سخن نجاشی که از آن تعبیر به «کتب» کرده به دست می آید (در سنت اسلامی، معمولا به ابواب کتاب که به ترتیب موضوعی دسته بندی شده بود «کتاب» گفته می شد). ابوغالب دو کتاب مختلف از ابن حجاج یاد می کند که می تواند اشاره به دو نسخه مختلف همین اثر باشد که به وسیله راویان مختلفی روایت شده است. قسمت اعظم نزدیک به پانصد روایت ابن حجاج در آثار حدیثی شیعی که در معجم رجال الحدیث: ۳۱۸/۹ ـ ۳۲۲، ۵۲۶ ـ ۵۳۸ و فهارس بحار: ۳۳۰/۸، ۲۶۳/۹ فهرست شده، از دو راوی یاد شده می باشد و چنین به نظر می رسد که همه از کتاب یاد شده گرفته شده باشد.

ویژگی های عمده این کتاب را می توان از مواد گسترده ای که از آن باقی مانده است، شناسایی کرد. کتاب به صورت سؤال و جواب بوده (قلت ـ قال) که این روش در کتابهای فقهی اواخر قرن دوم و اوائل قرن سوم دیده می شود (برای نمونه: کافی: ۲۷۸/۲ ـ ۲۷۹; ۲۸۵ ـ ۲۸۶، ۴۰۱ ـ ۴۰۲، ۳۹۸/۳، ۵۰۰، ۲۳۴/۴، ۳۰۰ ـ ۳۰۱، ۳۹۱، ۱۳۲/۵، ۱۶۹، ۲۰۰، ۲۴۶ ـ ۲۴۷، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۵، ۳۸۵ ـ ۸۶، ۴۲۷، ۴۷۸، ۸۶/۶، ۱۶۳، ۲۶/۷ ـ ۲۷، ۶۱ ـ ۶۲، ۱۳۰ ـ ۱۳۱، ۱۳۷، ۱۶۵ ـ ۱۶۶، ۲۷۸ ـ ۲۷۹، ۲۸۰ ـ ۲۸۱، ۳۸۵ ـ ۳۸۶، تهذیب: ۳۴۶/۵، ۳۸۴/۶، ۴۹/۷، ۱۰۵، ۴۶۹، ۱۵۷/۸، ۳۶۰/۹ [نسخه مفصل تر همین متن در کافی ۱۰۸/۱۰]). عباراتی مانند «أرأیت» و «أتری» در آن فراوان بکار رفته که نیز از ویژگی های آثار فقهی آن روزگار است. مؤلف گاهی

ص: ۲۲۴

اختلاف آرای مکاتب شیعه و سنی را یادآور می شود (برای نمونه: کافی: ۵۳۲/۳ که در آن نظر خود را در میان روایتی در باره زکات شتر آورده و می گوید: این مسأله میان ما و «دیگران» اختلافی است). همچنین در مواردی، او نظر اهل سنت را در باره مسأله مورد بحث می آورد و سپس نظر امام صادق (ع) را به عنوان دیدگاه شیعه نقل می کند (برای نمونه: کافی: ۲۸۰/۷ ـ ۲۸۱). همه کتاب به شکل روایت مستقیم نبوده است، زیرا مواردی وجود دارد که وی نظرات خود یا توضیحات ضروری اضافی را بیان می کند (برای نمونه: نوادر احمد بن محمد بن عیسی: ۶۷ [نیز کافی: ۱۶۰/۶ که مصحح، عبارت [۱۷۱] «عن ابی عبدالله» را در پرانتز افزوده، زیرا به خطا، گمان کرده که آن از متن افتاده است]). چنین به نظر می رسد که کتاب دارای بابی در باره اسناد شرعی بوده که آن نیز پدیده ای متداول در آثار کهن فقه اسلامی

بود. نسخه هایی از وصیت نامه ها و وقف نامه های امام علی (ع) و امام صادق (ع) که مؤلف از امام کاظم (ع) خواسته و دریافت کرده بود (کافی: ۴۹/۷ ـ ۵۴) و نیز متنی که در کافی: ۳۹/۷ آمده، به احتمال، بخشی از همین باب کتاب بوده است.

برای نمونه ای از یک نقل طولانی که نشانگر بعضی از ویژگی های این کتاب است بنگرید به: کافی: ۳۰۰/۴ ـ ۳۰۱ (در این جا عبارت «فسألت عمن معنا من النساء» در ص ۳۰۱ به صورت «فسأل عبدالرحمان عمن معنا» آمده [و البته صحیح آن بود که به جای «عمن معنا» نوشته شود «عمن معه»] برای نشان دادن پایان یک بند و روشن کردن آن که چه کسی اکنون سخن می گوید). برای چند نمونه کوتاه تر از متن اصلی در شکل اصیل خود بنگرید: محاسن: ۲۱۴، تفسیر عیاشی: ۹۴/۲، کافی: ۳۰۹/۵ ـ ۳۱۰، ۴۰۹/۶ ـ ۴۱۰، ۳۷۳/۷ ـ ۳۷۴، ۴۰۹، ۴۲۷ ـ ۴۲۸، من لایحضر: ۵۱۱/۳.

۲۴ . ابن کثیر هاشمی

عبدالرحمان بن کثیر هاشمی کوفی، از موالی ابوالفضل عباس بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب (م ۱۸۶) برادر منصور عباسی و حاکم شام در دوران او و حاکم بین النهرین در روزگار هارون الرشید. عبدالرحمان از امام صادق (ع) روایت می کرده و تمایلات باطنی روشن داشته است.

رجال برقی: ۶۷; رجال کشی: ۴۵۲; نجاشی: ۲۳۴ ـ ۲۳۵; فهرست طوسی: ۱۰۸ ـ ۱۰۹; رجال او: ۲۳۷
مطلبی که در بالا در باره انتساب ولایی عبدالرحمان بن کثیر آمده، بر اساس گفته نجاشی است.

ص: ۲۲۵

در برخی از اسانید روایات که در امالی صدوق: ۶۴۹، ثواب الاعمال: ۳۱ و تهذیب: ۵۳/۱ آمده، وی مولی محمد بن علی خوانده شده که بر حسب قاعده باید منظور از آن محمد بن علی بن عبداللّه بن عبّاس، پدر ابوالفضل عباس مزبور و منصور عباسی و پایه گذار دعوت عباسی، بوده باشد. پس این روایات با متن نجاشی در این مورد قابل جمع است. اما در برخی از اسانید (برای نمونه: تفسیر عیاشی: ۶۲/۱، کامل الزیارات: ۲۳۷) عبدالرحمن را مولی ابوجعفر می شناساند. این می تواند اشاره به همان محمد بن علی عباسی باشد، چه ابوجعفر، چنان که بر محققان فن شرح حال نگاری اسلامی روشن است، کنیه قراردادی کسانی است که نام محمد دارند، و یا اشاره به ابوجعفر منصور خلیفه عباسی زمان باشد که به حکم وراثت، مولای این راوی بود. عبارت «علیه السلام» که در برابر کلمه ابوجعفر در کامل الزیارات: ۲۳۷ آمده، نشان می دهد که یکی از راویان بعدی روایت یا کاتبان کتاب، تصور کرده بود که مقصود از ابوجعفر، امام باقر (ع) است. فرض ابن غضائری هم در رجال: ۷۷ چنین است; دست کم بر اساس صورتی از آن کتاب که در دست ماست.

[۱۷۲] این مطلب که این راوی دارای تمایلات باطنی بود، به شکل روشن از روایاتی که نقل کرده است، استفاده می شود. وی از مفضل جُعْفی که منبع معروف روایات باطنی است، نقل حدیث می کرده است. نجاشی می گوید که علمای شیعه در زمان او، عبدالرحمان را جعّال حدیث می دانسته اند.

۱ – کتاب فضل سورة انا أنزلناه / کتاب ثواب انا أنزلناه

(رسالة ابی غالب: ۱۷۵; نجاشی: ۲۳۵ و ۲۵۷). روایتی که در تفسیر قمی: ۳۵۱/۲ آمده، به روشنی از این کتاب اخذ شده است. این اثر احتمالا در اقتباسی از آن که به وسیله یک راوی متأخرتر مطالب باطنی: حسن بن عباس بن حَریش

رازی (در باره او بنگرید: رجال ابن غضائری: ۵۱ ـ ۵۲، نجاشی: ۶۰ ـ ۶۱، فهرست طوسی: ۵۳) فراهم آمده (بصائر: ۲۲۲ ـ ۲۲۴، کافی: ۲۴۲/۱ ـ ۲۵۳ [متن دست برده شده]) باقی مانده است. فرض کافی: ۲۴۲/۱ و منابع متأخرتر، آن است که ابن حریش این نسخه مقتبس را از امام محمد جواد (ع) نقل کرده اما بصائر: ۲۲۲ ـ ۲۲۳ دارد که ابن حریش، این رساله را به امام جواد (ع) نشان داده و امام هم آن را تأیید کرده است. در بصائر: ۲۲۴ ـ ۲۲۵ دو بند طولانی در باره موضوع این کتاب آمده که هر دو از امام صادق (ع) به وسیله یک راوی شیعی نامشخص روایت شده است. در بند دوم آمده است که فرشتگانی که در شب قدر بر پیامبر (ص) فرود می آمدند، بعد از وفات آن حضرت نزد امام علی (ع) آمدند. در خرائج: ۷۷۸ ـ ۷۷۹ این بند را از عبدالرحمان بن کثیر نقل کرده است; بنابر این هر دو متن باید از

ص: ۲۲۶

کتاب عبدالرحمان در باره موضوع بوده باشد. از سوی دیگر بند اول که در باره تیمی (ابوبکر) و عدوی (عمر) است، در کافی: ۲۴۹/۱ ضمن متنی که به ابن حریش منسوب است، آمده است. این مطلب شاید فرضیه ما را تأیید کند که رساله ای که گفته می شود ابن حریش به امام جواد (ع) نشان داده، اثر مورد بحث بوده و نسخه ابن حریش، تحریری از کتاب عبدالرحمان است.

۲ ـ کتاب فدک

(نجاشی: ۲۳۵).

۳ ـ کتاب صلح الحسن

(نجاشی: ۲۳۵). متن کامل این رساله در امالی طوسی: ۵۶۱ ـ ۵۶۷ باقی مانده است. طوسی این متن را با همان اسناد که نجاشی یاد نموده، روایت کرده است.

[۱۷۳] ۴ ـ کتاب الاظلّة

(رسالة ابی غالب: ۱۷۵; نجاشی: ۲۳۵، ۲۵۷). نجاشی آن را «کتاب فاسد مختلط» خوانده است. این کتاب باید در همان خط کتاب الهفت و الاظلة منسوب به مفضل بن عمر جعفی (ولی احتمالا از محمد بن سنان زاهری) بوده باشد که باقی مانده و به چاپ هم رسیده است. یک نقل طولانی از عبدالرحمان در کافی: ۱۹۱/۴ ـ ۱۹۴ شاید از این کتاب بوده باشد. این روایت افزون بر مطالب مختلف، توضیح می دهد که چگونه محل کعبه، با راهنمایی جبرئیل، با جای سایه ای تعیین شد که ابری در آسمان بر آن موضع مشخص افکنده بود.

۵ ـ کتاب

دفتر حدیث مؤلف است که مانند آثار دیگر وی وسیله برادرزاده اش علی بن حسان بن کثیر از او روایت شده است (فهرست طوسی: ۱۰۸ ـ ۱۰۹). بسیاری از روایات نقل شده از عبدالرحمن به وسیله این راوی که مربوط به موضوعات کتابهای دیگر او نیست، به احتمال از این کتاب گرفته شده است، از جمله نمونه های زیر:

محاسن: ۴۵ ـ ۴۶ (نیز امالی صدوق: ۶۴۹، ثواب الاعمال: ۳۱ ـ ۳۲، کافی: ۷۰/۳ ـ ۷۱ از طریق راوی دیگری جز برادرزاده مؤلف)، ۶۴۸ ـ ۶۴۹

بصائر: ۱۷، ۴۰، ۴۵، ۷۱، ۷۸، ۱۰۵ (نیز کافی: ۱۹۲/۱)، ۲۰۶، ۲۱۲ ـ ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۵۳، ۲۸۰ ـ

ص: ۲۲۷

۲۸۱، ۳۴۴، ۳۵۸، ۴۲۰، ۴۲۷، ۴۸۰ (نیز کافی: ۲۷۵/۱)، ۴۹۰، ۵۱۷

تفسیر عیاشی:[۲۱۰] ۴۱/۱، ۶۲ (بخوانید: «عن عبدالرحمن» به جای «عمر بن عبدالرحمن»)، ۱۲۸، ۱۶۲، ۲۰۱، ۲۱۱، ۲۸۱، ۳۶۶ ـ ۳۶۷، ۱۰۵/۲

کافی: ۱۸۵/۱، ۱۹۲، ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۲۹، ۲۷۵، ۳۴۰، ۳۶۸ (و از اینجادر غیبت نعمانی: ۱۹۸، ۲۴۳)، ۴۱۳، ۴۱۴ ـ ۴۱۵ (دو روایت)، ۴۲۰ ـ ۴۲۱ (سه روایت)، ۴۲۳ ـ ۴۲۴ (دو روایت)، ۴۲۵ (نیز معانی الاخبار: ۲۹۹)، ۴۲۶، ۶۵/۲، ۳۳۷/۵ ـ ۳۳۸، ۳۷۴ ـ ۳۷۵، ۴۶۷، ۵۰۳ (تحریر دیگری از آن در شواهد التنزیل، ۴۵۰/۱ ـ ۴۵۱)، ۵۱۰، ۵۳۷، ۳۴۵/۶، ۳۹۱ (و از آنجادر کامل الزیارات: ۲۱۲)، ۴۶۴، ۵۲۱ (دو روایت)

[۱۷۴] رجال کشی: ۱۹۳ ـ ۱۹۴، ۲۲۵ ـ ۲۲۶

تفسیر فرات: ۳۹۸ ـ ۳۹۹

تأویل ما نزل من القرآن الکریم: ۴۵۸

غیبت نعمانی: ۱۷۳، ۱۹۸ (دو روایت که یکی از آنها در ۲۴۳ تکرار شده است)

تفسیر قمی: ۱۳۱/۲، ۲۳۴، ۲۸۶، ۳۱۹، ۳۳۲، ۳۵۱، ۳۸۵ ـ ۳۸۶، ۳۹۵، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۴۱

مقاتل الطالبیّن: ۴۶۴

کامل الزیارات: ۷۴ ـ ۷۶، ۲۳۷ ـ ۲۳۸

امالی صدوق: ۶۶۵ ـ ۶۷۰ (نیز صفات الشیعه: ۲۰۸ ـ ۲۱۰. بخوانید: «علی بن حسان هاشمی» به جای «علی بن حسان واسطی»)

من لایحضر: ۵۲۴/۱ (بنگرید: مشیخه: ۴۷۴. نیز خصال: ۲۴۲)

علل الشرایع: ۱۱۲/۱، ۷/۲، ۱۶۰ (اولین جمله روایت در ۷۹/۲، و صورت کوتاه شده آن نیز در من لایحضر: ۵۶۱/۳ ـ ۵۶۲ و خصال: ۳۶۴)، ۱۱۱، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۲۰

تهذیب: ۵۴/۱، ۳۷/۶ ـ ۳۸

تاریخ دمشق: ۲۷۵/۵۴ (و از آن جا در سیر اعلام النبلاء: ۴۰۴/۴)

الحجة علی الذاهب الی تکفیر ابی طالب: ۴ ـ ۵

فلاح السائل: ۴۵۱

ص: ۲۲۸

۲۱۰ . همان گونه که چندین بار یادآور شده ایم نقلهایی که در نسخه تلخیص شده موجود این منبع آمده، معمولا بدون نام راوی دوم است. اما در مورد سخن، به نظر می رسد که نقلها از طریق برادرزاده مؤلف باشد; چنان که فی المثل از مقایسه مورد نقل شده در عیاشی: ۱۶۱/۱ با کافی ۴۱۴/۱ به دست می آید.

جمال الاسبوع: ۱۵۵

فرحة الغری: ۷۷ ـ ۷۸

مختصر بصائر: ۱۶ ـ ۱۷

تأویل الایات: ۸۴۳ ـ ۸۴۴، ۸۵۵ (که در آن نام راوی از عبدالرحمان ذکر نشده است)

بحارالانوار: ۲۴۷/۱۰۰

۲۵ . عبدالرحمان العرزمی

ابومحمد عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله الفزاری العرزمی، از محدثان کوفه، با تمایلات معتدل شیعی، و عضو خاندانی معروف از راویان. او از امام صادق (ع) و بسیاری از منابع حدیث اهل سنت در آن روزگار روایت حدیث می کرد. گفته می شود که وی به سال ۱۸۰ درگذشت.

الجرح و التعدیل: ۲۸۲/۵; ثقات ابن حبان: ۹/۷; ضعفاء دارقطنی: ۱۱۹; نجاشی: ۲۳۷; فهرست طوسی: ۱۰۸; رجال او: ۲۳۷; لسان المیزان: ۲۹۱/۴ ـ ۲۹۲ (ومنابع دیگر که مصحح در پاورقی مأخذ اخیر آورده است).

در باره سوابق خانوادگی و معنی نسبت «عرزمی» بنگرید: تهذیب الکمال: ۳۲۳/۱۸; انساب سمعانی: ۱۷۸/۴، ۲۷۱/۹ (و ارجاعات پاورقی ش ۶ همانجا). در باره محمد (م ۱۵۵) پدر عبدالرحمان که شاعر و راوی حدیث بوده است، بنگرید: تهذیب الکمال: ۴۱/۲۶ ـ ۴۵ و منابع فراوانی که در پاورقی مصحح در همانجا آمده است. [۱۷۵] برخی از اعضای دیگر این خانواده در کتابهای رجالی و شرح حال سنی یاد شده اند، از جمله عموی پدر این راوی، عبدالملک بن ابی سلیمان میسره (م ۱۴۵) که برجسته ترین راوی این خاندان بود (تهذیب الکمال: ۳۲۲/۱۸ ـ ۳۲۹ و منابع لیست شده در پاورقی مصحح) و نیز اسحاق و حسن (ضعفاء دارقطنی: ۱۱۹) برادران عبدالرحمان، و محمد (تاریخ یحیی بن معین: ۵۲۹/۲; الجرح و التعدیل: ۳۲۰/۶) پسر این راوی و دیگران (انساب: ۲۷۴/۹، کامل ابن عدی: ۲۰۱۶).

در باره تمایلات معتدل شیعی این مؤلف، برای نمونه بنگرید: کافی: ۴۷/۴. محمد فرزندش نیز دارای تمایلات شیعی بوده است چنان که از روایتی در امالی صدوق: ۱۰۵ ـ ۱۰۶ (متن تلخیص شده این روایت نیز در همان کتاب: ۱۸۸ ـ ۱۸۹ و خصال: ۲۹۳) استفاده می شود.

ص: ۲۲۹

کتاب

دفتر حدیث مؤلف است که شماری از راویان، از جمله یوسف بن حارث کُمَندانی از او روایت کرده اند (نجاشی: ۲۳۷; رجال طوسی: ۴۲۷) این کتاب مشتمل بر روایات عرزمی از امام صادق (ع) بوده که بسیاری از آن ها در کتابهای بعدی به نقل از کمندانی و با همان اسنادی که در رجال طوسی: ۴۲۷ آمده، نقل شده است. نمونه ها:

اصل عباد بن یعقوب: ۱۸، ۱۹ (نیز تهذیب: ۳۱۶/۱)

محاسن: ۲۶۳ (و از آنجا در کافی: ۱۲۶/۲ ـ ۱۲۷، علل الشرایع: ۱۱۲/۱)، ۴۵۸ ـ ۴۵۹، ۶۱۷

بصائر: ۱۸۵

امالی احمد بن عیسی: ۲۱۸/۴

تفسیر عیاشی: ۹۳/۱

مناقب امیرالمؤمنین (ع): ۱۵۵/۲

کافی: ۴۶۳ ـ ۶۴۳/۱، ۱۸/۲، ۵۹، ۹۱، ۱۲۶ ـ ۱۲۷، ۴۷/۴، ۳۶۴، ۲۲۵/۵، ۳۷۱ ـ ۳۷۲، ۵۴۹، ۱۹/۶، ۲۷۷، ۲۹۴، ۳۸۳، ۴۷۰، ۴۷/۷، ۱۹۹ ـ ۲۰۰ (یک متن با دو تحریر)، ۲۱۸/۸ ـ ۲۱۹ (نیز تفسیر قمی: ۲۷۶/۲)، ۲۷۱ (نیز علل: ۱۳۳/۲، معانی الاخبار: ۳۸۵)

علل الشرایع: ۸۳/۲

خصال: ۶۲، ۱۳۲ ـ ۱۳۳

توحید: ۳۳۸ ـ ۳۳۹، ۳۶۸

امالی طوسی: ۵۵۹ ـ ۵۶۰

تهذیب: ۴۰/۳، ۱۶۰ (و با اختلافاتی در ۲۴۴)، ۱۹۴ ـ ۱۹۵، ۱۱۶/۱۰، ۲۷۵

[۱۷۶] ۲۶ . عبدالصمد العُرامی

عبدالصمد بن بشیر عُرامی عبدی کوفی، از موالی بنوعبدالقیس از اسد ربیعه، و راوی از امام صادق (علیه السلام).

رجال برقی: ۷۵; نجاشی: ۲۴۸ ـ ۲۴۹; فهرست طوسی: ۱۲۲; رجال او: ۲۴۱

کتاب

دفتر حدیث اوست که شماری از راویان آن را روایت کرده اند، از جمله عُبَیس بن هشام

ص: ۲۳۰

الناشری (نجاشی: ۲۴۹، فهرست طوسی: ۱۲۲). در مجامیع حدیثی شیعه، نقلهایی از عبدالصمد بن بشیر آمده است که بسیاری از آنها از طریق عبیس و برخی مانند نقل طولانی عیاشی: ۱۴۳/۱ ـ ۱۴۴ به سبک نقل از کتاب است. چنین است فهرستی از آن نقلها:

زهد، حسین بن سعید: ۳۷ (نیز کافی: ۱۵۷/۲)، ۸۳ (نیز کافی: ۱۳۴/۳)

بصائر الدرجات: ۱۶۹ (نیز کافی: ۲۴۲/۱، علل: ۱۹۷/۱)، ۱۹۲، ۲۰۸ (دو روایت)، ۳۶۱ (بخوانید: «عن عبیس بن هشام عن عبدالصمد بن بشیر عن عبدالله بن سلیمان»، چنان که در اختصاص: ۳۰۶ به نقل از صفّار. بخشی از این تصحیح در باره متن کافی: ۴۳۸/۱ ـ ۴۳۹ نیز صادق است)، ۳۷۷ ـ ۳۷۸، ۳۸۷، ۴۹۳

تفسیر عیاشی: ۱۴۳/۱ ـ ۱۴۴، ۱۵۷ ـ ۱۶۰، ۲۰۰، ۱۲۸/۲

کافی: ۱۰۸/۱ (نیز توحید: ۱۴۵)، ۲۹۸، ۵۴۴، ۴۳۷/۲، ۶۵۶، ۵۶۶/۴ ـ ۵۶۷، ۹۲/۵، ۵۰۹، ۳۱۴/۶، ۲۰۰/۷ (نیز تهذیب: ۵۲/۱۰ و با تفاوتی در ۶۲/۱۰)، ۲۵۵/۸، ۳۱۷

رجال کشی: ۲۹۸ ـ ۲۹۹

تأویل ما نزل من القرآن: ۲۵۸ (و با تفاوتی در شرح الاخبار: ۲۳۶/۱ ـ ۲۳۷)
غیبت نعمانی: ۲۶۱ ـ ۲۶۲
تفسیر قمی: ۲۰۹/۱
من لایحضر: ۲۰۷/۳ ـ ۲۰۸ (نیز تهذیب: ۳۵/۷)، ۲۳/۴
عیون أخبار الرضا: ۲۸/۱
مأة منقبة: ۱۳۷
[۱۷۷] امالی طوسی: ۶۵۰
تهذیب: ۲۹/۵، ۷۲/۹ ـ ۷۳، ۱۰۰، ۱۲۱/۱۰
دلائل الامامة: ۲۲۸ ـ ۲۲۹
فلاح السائل: ۴۷۲
مختصر بصائر: ۹۴

۲۷ . احمد احْمسی

ابوعلی احمد بن عائذ بن حبیب کوفی، از موالی قبیله احمس، (تیره ای از بَجیله)، و از اصحاب راوی شیعی ابوخدیجه سالم بن مکرم (بنگرید: مدخل شماره ۱۸۷ در همین

ص: ۲۳۱

فصل). او در بغداد می زیست و در کار فروشندگی روغن کنجد بود.

رجال کشی: ۳۶۲، مشیخة: ۵۱۴، نجاشی: ۹۸ ـ ۹۹، رجال طوسی: ۱۵۶ ـ ۱۵۷

عائذ بن حبیب پدر این راوی، برای علمای حدیث سنی (بنگرید: تهذیب الکمال: ۹۵/۱۴ ـ ۹۸ و منابعی که مصحح در پاورقی آورده است)، زیدی (برای مثال: امالی احمد بن عیسی: ۵۳/۳، ۱۳۲) و امامی شناخته شده بود. برقی در رجال: ۱۱۲ نام او را عائذ بن حبیب البَجَلی الاحْمسی، فروشنده لباسهای ساخته در هرات معرفی می کند. وابستگی حرفه ای او به عنوان «بیّاع الهروی» در متن سندی در کافی: ۴۶/۶ نیز آمده است. طوسی یادآور می شود که عائذ بن حبیب و خاندان او عرب و از قبیله بنوعَبْس بوده (رجال طوسی: ۲۶۲، نیز ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۵۵، ۱۸۵، ۲۰۳) و عائذ احمسی فروشنده لباسهای ساخته در هرات، شخص دیگری از همین دوره با نام عائذ بن نُباته بود که نامش به عنوان راوی از امام صادق (ع) در اعلام طبرسی: ۲۶۸ (به نقل از نوادر الحکمة محمد بن احمد بن یحیی اشعری) آمده است. اما منابع سنی، همان عائذ بن حبیب پدر احمد، را هم به عنوان عبْسی و هم به عنوان بیّاع هروی معرفی می کنند (بنگرید: تهذیب الکمال: ۹۵/۱۴ و مآخذی که در پاورقی مصحح آمده است). آنان او را به عنوان برادر ربیع بن حبیب عبسی (که در رجال طوسی: ۱۳۴، ۲۰۰، ۲۰۳ از او یاد شده) می شناسند که از دانشمند سرشناس شیعی کوفه زرارة بن أعین و دیگران روایت می کرده و شیعه متعصب (میزان الاعتدال: ۳۶۲/۲) و به نقل تاریخ یحیی بن معین: ۲۹۰/۲، ضعفاء ابوزرعه رازی: ۳۸۵ و ضعفاء عقیلی: ۴۱۱/۳ زیدی بوده است.

بیشتر نقلهای احمد بن عائذ در کتابهای حدیثی شیعه از ابوخدیجه سالم بن مکرم است که گفته شرح حال نویسان را که احمد بن عائذ از اصحاب ابوخدیجه بوده تأیید می کند. از نظر حرفه، نجاشی: ۹۹ او را «حلاّل» معرفی کرده که خود ذیل عنوان یک راوی دیگر: احمد بن عمر حلال (نجاشی: ۹۹) آن را به فروشنده روغن کنجد تفسیر می کند.

[۱۷۸] کتاب

دفتر حدیث او که حسن بن علی الوشاء و دیگران از او روایت کرده اند (نجاشی: ۹۹، مشیخة: ۵۱۴). تقریبا تمام نقلهایی که از احمد بن عائذ در کتابهای حدیثی شیعه آمده از طریق همین راوی می باشد:

محاسن: ۱۸۱ (نیز کافی: ۵۲۰/۲)، ۴۴۸ (نیز کافی: ۲۹۲/۶ ـ ۲۹۳. مقایسه کنید با محاسن: ۴۳۱)، ۴۵۷ (نیز کافی: ۲۷۱/۶ ـ ۲۷۲)

بصائر: ۹ (نیز خصال: ۱۲۳، و بخشی از آن در کافی: ۳۴/۱)، ۳۱ (نیز کافی: ۲۰۸/۱)، ۴۸۲ (نیز

کافی: ۲۶۰/۱، کشف الغمة: ۳۵۱/۲ به نقل از کتاب الدلائل عبدالله بن جعفر حمیری)، ۴۹۶

کافی: ۴۶/۱، ۱۸۰، ۱۹۰، ۲۰۵، ۲۷۶، ۳۷۶، ۴۱۶، ۴۶۴، ۵۳۵، ۱۳۸/۲، ۱۶۲ ـ ۱۶۳ (دو روایت)، ۳۰۴، ۳۳۹، ۱۳۸/۳، ۵۴۹، ۵۹/۴، ۱۸۸ ـ ۱۸۹، ۳۴۱، ۳۶۲، ۵۱۱، ۱۳۷/۵، ۲۱۸، ۳۰۹، ۲۴/۶، ۳۲، ۳۴۷، ۴۵۵ ـ ۴۵۶، ۴۸۶ ـ ۴۸۷، ۵۴۶ (دو روایت)

رجال کشی: ۲۱۷ ـ ۲۱۸

کامل الزیارات: ۱۲۲، ۱۳۰ ـ ۱۳۲، ۲۶۶ ـ ۲۶۷، ۲۷۶ ـ ۲۷۷، ۲۹۸

من لایحضر: ۲/۳ ـ ۳، ۱۸، ۳۳۶/۴

علل: ۸۵/۲

عقاب الاعمال: ۳۱۳ (مقایسه کنید با محاسن: ۱۰۸ ـ ۱۰۹)، ۳۱۸

معانی الاخبار: ۲۰۱، ۲۴۷ ـ ۲۴۸

ثواب الاعمال: ۱۳۷

غیبت طوسی: ۴۳۷

تهذیب: ۳۰۹/۲، ۱۳۷/۴

۲۸ . ابن رِزْق

احمد بن رِزق بجلی غُمشانی، یکی از شیعیان کوفه که در میانه قرن دوم می زیسته است.

نجاشی: ۹۸، فهرست طوسی: ۳۵ ـ ۳۶، رجال او: ۱۵۵

[۱۷۹] کتاب

دفتر حدیث اوست که راویان متعدد آن را از او روایت می کنند، از جمله علی بن حسن فضّال که آن را از طریق عباس بن عامر قَصَبانی از مؤلف روایت می کرد (نجاشی: ۹۸، فهرست طوسی: ۳۵). قطعه ای از این دفتر شامل نوزده

روایت که ابن فضال از عباس بن عامر از مؤلف روایت نموده در امالی طوسی: ۶۷۱ ـ ۶۷۶ نقل شده است (نخستین روایت در این قطعه، نیز در بصائر: ۷۵، کافی: ۴۳۷/۱). بیشتر این روایات در باره فضائل اهل بیت و شیعیان می باشد اما برخی هم در باره اخلاق و فقه است. نقل های دیگری نیز از این مؤلف با همین اسناد در سایر کتابهای حدیثی شیعه مانند کافی: ۵۴۲/۴ و کامل الزیارات: ۲۱۸ ـ ۲۱۹ آمده است. نقلهایی هم

ص: ۲۳۳

وجود دارد که بدون سند یا با اسناد متفاوتی می باشد، از جمله در تهذیب: ۳۰۳/۱ و غیبت طوسی: ۱۸۸.

۲۹ . علاء نَهْدی

ابوالقاسم علاء بن فُضَیل بن یسار، از مردمان بصره، از قبیله بنونهد به ولاء یا نسب، و از روات حدیث از امام صادق (علیه السلام).

برقی: ۷۸، رجال نجاشی: ۲۹۸، فهرست طوسی: ۱۱۳، رجال او: ۲۴۷

نجاشی: ۲۹۸ و رجال طوسی: ۲۴۷ این راوی را از موالی بنونهد می شناسانند، اما نجاشی: ۳۰۹ پدر این راوی، یعنی فضیل بن یسار النهدی، را یک عرب خالص معرفی می کند و در ذیل نام پسر دیگر او یعنی قاسم (نجاشی: ۳۱۳) و فرزند وی یعنی محمد بن قاسم (نجاشی: ۳۶۲) به این که آنان از موالی بوده اند اشاره ای ندارد. اما رجال برقی: ۶۳، مشیخه: ۴۴۱ و رجال طوسی: ۲۶۹ فضیل بن یسار پدر علاء را از موالی بنونهد در کوفه معرفی کرده اند (با تصحیف «بنونهد» به «بنونهیک» در رجال برقی) که به بصره انتقال یافت. بدین ترتیب، برقی تناقضی در این نمی بیند که فضیل را بصری (برقی: ۵۲) و علاء بن فضیل را کوفی (همان: ۷۸) بخواند.

کتاب

دفتر حدیث اوست که محمد بن سنان زاهری از او روایت می نمود (نجاشی: ۲۹۸; فهرست طوسی: ۱۱۳). تقریبا تمامی نقلها از علاء بن فضیل در کتابهای حدیث شیعه از طریق همین راوی است. بخشی از این موارد چنین است:

محاسن: ۲۷۳، ۳۷۲، ۴۳۰، ۴۳۴

تفسیر عیاشی (بدون نام راوی دوم): ۸۶/۱ ـ ۸۷، ۲۰۸/۲، ۳۵۲

[۱۸۰] کافی: ۸۷/۲، /۱۷۳ (تکرار شده در ۶۳۷)، ۲۶۰، ۶۵۲، ۱۸۹/۶، ۱۹۸/۷، ۲۶۲، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۹۱، ۲۹۸، ۳۱۲، ۳۵۱

امالی صدوق: ۷۰۲

من لایحضر: ۴۸۸/۲، ۲۷۲/۴

خصال: ۱۵۹

توحید: ۳۲۸

ص: ۲۳۴

تهذیب: ۴۱۵/۱، ۲۶۳/۳، ۳۰۳ ـ ۳۰۴، ۹۰/۵، ۴۷۳، ۱۴۲/۶، ۶۱/۱۰

۳۰ . علاء القلاّء

علاء بن رزین کوفی قلاء (سازنده سویق، نوعی غذا که از آرد برشته درست می شد)، از موالی کوفی ثقیف، و راوی از امام صادق (علیه السلام). او از اصحاب و شاگردان فقیه برجسته امامی کوفه محمد بن مسلم بن رباح (م ۱۵۰) بود.

برقی: ۷۷، نجاشی: ۲۹۸، فهرست طوسی: ۱۱۲ ـ ۱۱۳، رجال او: ۲۴۷

این که او از موالی ثقیف بود هم در نجاشی و هم در رجال طوسی یادآوری شده است. استاد او محمد بن مسلم بن رَباح هم از موالی ثقیف بود. اما نجاشی می نویسد که محمد بن عبدالرحمان عبدی نسابه معروف به ابن عبده، نویسنده کتابی در باره بنواسد، علاء را مولای یشکر که شعبه ای از اسد ربیعه بود دانسته است.

کتاب

این کتاب که شماری از راویان آن را از مؤلف روایت کرده اند (رسالة ابی غالب: ۱۴۸، ۱۸۲ ـ ۱۸۳، نجاشی: ۳۹، ۲۹۸، فهرست طوسی: ۱۱۲ ـ ۱۱۳) محتملا در ابواب مختلف به صورت موضوعی تدوین شده بود، اگر تعبیر نجاشی: ۱۹۸ به «کتب» در معرفی این اثر به این دلیل باشد.[۲۱۱] طوسی (فهرست: ۱۱۲ ـ ۱۱۳) می گوید که چهار نسخه از این کتاب وجود داشته که چهار راوی مختلف آن را روایت کرده اند. نزدیک به یک هزار روایت از علاء بن رزین در کتابهای حدیثی شیعه آمده است [۱۸۱] که در معجم رجال الحدیث: ۱۶۱/۱۱ ـ ۱۶۵، ۱۶۹ ـ ۱۷۱، ۱۷۸، ۴۴۹ ـ ۴۶۸ و فهارس بحار: ۳۴۱/۹ ـ ۳۴۲ فهرست شده و عمدتا وسیله همان چهار راوی که طوسی نامشان را آورده، روایت شده است. روایات او به استثنای چند روایت معدود، همواره از استادش محمد بن مسلم است. بخشی از این کتاب در صورت اصلی باقی مانده و در مجموعه الاصول الستة عشر (۱۵۰ ـ ۱۵۷) به چاپ رسیده است. ابن طاوس نیز از کتاب علاء بن رزین در غیاث سلطان الوری: ۹ نقل می کند (نیز کتابخانه ابن طاوس: ۲۲۱).

ص: ۲۳۵

۳۱ . ابن عبدالعزیز

علی بن عبدالعزیز کوفی، از راویان حدیث، که از امام صادق (علیه السلام) روایت می نمود.

مشیخه: ۵۱۷، نجاشی: ۲۷۶، رجال طوسی: ۱۴۱، ۲۴۶، ۲۶۶

---

۲۱۱ . بنگرید: مدخل مربوط به «ابن الحجاج» در همین فصل، ش ۲۳.

این راوی، به طوری که روایات وی نشان می دهد، شیعه مذهب و به احتمال از موالی قبیله ازد بوده است (بنگرید: کافی: ۱۹۹/۶). طوسی (فهرست: ۹۵ ـ ۹۶) او را همان قاضی علی بن عبدالعزیز الفزاری معروف به علی بن غراب[۲۱۲] (م ۱۸۴) می داند که از امام صادق (ع)[۲۱۳] و دیگران روایت می کند. گویا شیخ طوسی یا منبع او تحت تأثیر تفسیری قرار گرفته است که در اسناد یک روایت که ابن عقده روایت کرده بود (بنگرید: تهذیب التهذیب ابن حجر: ۳۷۲/۷ ـ ۳۷۳) در مورد هویت یکی از راویان آن روایت که علی بن عبدالعزیز نام داشت، دیده می شد.[۲۱۴] تفاوت روشنی که میان ویژگی های روایات و راویانی که این دو راوی از آنان نقل می کنند وجود دارد، تردیدی باقی نمی گذارد که اینها دو نفر هستند.[۲۱۵]

ص: ۲۳۶

[۱۸۲] کتاب

دفتر حدیث مؤلف است که شماری از راویان از او روایت کرده اند (نجاشی: ۲۷۶، فهرست طوسی: ۹۵ ـ ۹۶). کتابی نیز در فهرست ابن ندیم: ۲۷۵ در عداد مؤلفات شیعه از گفته های ائمه خود به علی بن غراب نسبت داده شده است. طوسی که مؤلف ما را با این شخص اخیر یکی می داند، سه اسناد برای روایت کتاب علی بن عبدالعزیز در فهرست (۹۵ ـ ۹۶) یاد می کند که دو طریق آن امامی است و به حسب قاعده مربوط به کتاب مورد سخن از علی بن عبدالعزیز شیعی، و طریق سوم از راه نصر بن مزاحم که تراجم نگاران سنی نیز او را از راویان علی بن غراب می شناسند (تهذیب الکمال: ۵۵/۲۱). شماری از نقلها از «علی بن عبدالعزیز» در مجموعه های حدیثی شیعی متقدم که برخی از آنها از راه دو اسناد امامی یاد شده روایت شده اند باید از همین کتاب مورد سخن باشند، از جمله موارد زیر:

---

۲۱۲ . در باره این دانشمند بنگرید: **طبقات** ابن سعد: ۲۷۳/۶; برقی: ۷۷; **فهرست** طوسی: ۹۵ ـ ۹۶; **رجال** طوسی: ۲۴۶، ۲۶۶; **تهذیب الکمال**: ۹۰/۲۱ ـ ۹۶ (و منابع بسیاری که در پاورقی مصحح در مأخذ اخیر آمده است). ابن سعد: ۲۷۳/۶ می نویسد که وی در اوائل سال ۱۸۴ در کوفه درگذشته است. این مطلب مورد تأیید منابع بعدی قرار گرفته، اما خلیفه بن خیاط (**طبقات**: ۴۰۲) درگذشت وی را در سال ۲۰۴ دانسته است.

۲۱۳ . برای گرایش های شیعی او بنگرید: **سؤالات ابن جنید لیحیی بن معین**: ۱۶۹; **مجروحین** ابن حبان: ۱۰۵/۲; **تاریخ بغداد**: ۴۶/۱۲; **کفایه** خطیب: ۲۰۷; **تهذیب الکمال**: ۱۹۳/۲۱; **تهذیب** ابن حجر: ۳۷۲/۷. در باره ارتباط او با امام صادق (ع) بنگرید: **امالی** صدوق: ۳۱۵ و **علل**: ۲۲۴/۱ که روش تعبیر او را از امام صادق در موارد روایت از وی شرح می دهد. نمونه عملی این روش را در **من لایحضر** ۴۱۱/۴ و **معانی الاخبار**: ۲۵۰، ۲۹۱ می توان دید.

۲۱۴ . برای توضیح بیشتر بنگرید: **کامل** ابن عدی: ۱۸۴۸ ـ ۱۸۴۹، **موضح** خطیب: ۲۷۶/۲، **تهذیب الکمال**: ۵۵/۲۱.

۲۱۵ . این دو راوی، باز جز راوی دیگری با همین نام هستند که از امام علی الرضا (ع) در **تاریخ بغداد**: ۲۵۵/۱ روایت می کند (مقایسه کنید: **خصال**: ۱۷۹، **عیون اخبار الرضا**: ۲۲۷/۱، که در آنجا این راوی، مطلب مورد نظر را به وساطت ابوالصلت عبدالسلام بن صالح هروی [م ۲۳۶] از امام رضا [ع] روایت می کند). ابن بابویه روایات دیگری هم از این راوی در **خصال**: ۶۹، ۷۰، ۲۰۶ نقل می کند. در **معانی الاخبار**: ۲۱۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۵ ـ ۲۷۷، ۲۷۷ ـ ۲۸۴، ۳۰۲ ـ ۳۰۳، ۳۰۳ ـ ۳۰۴، ۳۲۰، ۳۲۱ ـ ۳۲۲، ۳۲۶ نقلهای فراوانی از این راوی به نقل از ابوعبید قاسم بن سلام (م ۲۲۴) در باره معنای برخی از کلمات غریبی که در شماری از احادیث آمده، آورده است. این شخص ابوالحسن علی بن عبدالعزیز بن مرزبان بن سابور البغوی شاگرد ابوعبید بودکه بعدها در مکه سکونت گزید و به سال ۲۸۶ درگذشت. او با استاد صدوق از راه مکاتبه در ارتباط بود. همین طور با ابن ابی حاتم رازی که برخی از روایات ابوعبید را از طریق این علی بن عبدالعزیز به صورت مکتوب دریافت کرد (**الجرح و التعدیل**۱۹۶/۶).

محاسن: ۶۹، ۱۶۳، ۲۸۹ (بخشی از آن نیز در کافی: ۶۲/۴ ـ ۶۳; فضائل الاشهر الثلاثه: ۱۲۲)

بصائر: ۳۹۷

تفسیر عیاشی: ۱۹۰/۱

کافی: ۴۲۸/۳، ۲۴۱/۴، ۳۳۰، ۴۱۴، ۸۴/۵، ۲۳۸/۸

من لایحضر: ۱۵۷/۳، ۴۱۱/۴، ۵۱۶

صفات الشیعة: ۲۱۴ ـ ۲۱۵

تهذیب: ۲۳۲/۱، ۳۴۰/۲

قصص الانبیاء: ۱۴۳ ـ ۱۴۵

روایات شیعی[۲۱۶] که از علی بن غراب دانسته شده، شامل موارد زیر است که بعضی از آنها می تواند مربوط به مؤلف ما باشد:

امالی احمد بن عیسی: ۱۲۳/۱، ۲۸۸/۴

ص: ۲۳۷

کافی: ۱۲/۴ (بخشی از آن تکرار شده در همان: ۷۲/۵)

تفسیر فرات: ۱۷۳، ۵۱۲

تفسیر قمی: ۳۹۰/۲

من لایحضر: ۷۱/۳ ـ ۷۲، ۴۱۱/۴

علل: ۱۶۶/۱

معانی الاخبار: ۲۵۰، ۲۹۱ (مقایسه کنید با امالی صدوق: ۳۱۵ [نیز علل: ۲۲۳/۱ ـ ۲۲۴] که بر اساس آن این دو روایت باید از حفص بن غیاث (م ۱۹۴) باشد نه علی بن غراب. این مطلب با نقلی در امالی طوسی: ۵۸۱ نیز تأیید می شود. شخصی که متن منقول در معانی: ۲۵۰ را از علی بن غراب نقل می کند، کسی است که روایت اواز حفص بن غیاث در معانی: ۳۲۵ و کافی: ۱۱۹/۳ به اثبات رسیده است).

معجم الکبیر طبرانی: ۷۹/۱ ـ ۸۰ (و از آن جا تاریخ دمشق: ۴۶۳/۳۹) که راوی آن علی بن غراب محاربی می باشد. یکی از رجال شناسان اظهار نظر کرده است که نسبت محاربی برای این راوی خطاست (بنگرید: تهذیب الکمال: ۹۱/۲۱) زیرا علی بن غراب از قبیله فزاره بوده است نه بنومحارب.[۲۱۷]

---

۲۱۶ . نمونه هایی از روایات سنی او را بنگرید در: **سنن ابن ماجه**: ۳۴۹، ۸۲۶ ـ ۸۲۷، ۱۰۳۱; **سنن نسائی**: ۱۷۷/۵، ۳۶۲/۸، ۴۰۲ ـ ۴۰۳; **کامل** ابن عدی: ۱۸۴۸ ـ ۱۸۴۹ (۹ روایت). نیز بنگرید: موضح خطیب: ۲۷۴/۲ ـ ۲۷۶، **میزان الاعتدال**: ۱۴۹/۳ ـ ۱۵۰.

۲۱۷ . روشن نیست که راوی این روایت همان فزاری باشد. در ادوار متقدم، نسبت های طایفه ای، وسیله ای آسان برای تمییز میان اشخاصی بود که نام و نام پدرشان یکی بود و بدین گونه از خلط میان دو نفر یا بیشتر جلوگیری می کرد تا کسی تصور نکند اینها یک نفر هستند. شرح حال نویسان بعدی گاه از توجه به این نکته مهم غافل مانده و به خطا فرض می کنند که نسبت های مختلف برای اشخاصی که اسامی مشترک دارند، تنها نشان دهنده اختلاف نظر در باره انتساب قبیله ای یک شخص واحد است و به همین جهت، احتمال این را که آنها واقعا با دو نفر یا بیشتر سروکار دارند، مد نظر قرار نمی دهند. ما به نمونه های بسیاری از این فرض های غلط در این اثر برخورد خواهیم کرد.

موضح خطیب: ۲/۲۷۵، ۲۷۶

۳۲ . البطائنی

ابوالحسن علی بن ابی حمزه سالم بطائنی کوفی، از موالی انصار، و راوی از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام). او بزّاز بوده و در بغداد می زیسته و در آنجا نمایندگی امام کاظم (ع) را در امور مالی داشته است. وی از بنیانگذاران گرایش واقفی

ص: ۲۳۸

بود، بلکه بر اساس برخی گزارشها، او نخستین کس بود که پس از شهادت امام کاظم (ع) دعوی کرد که آن حضرت زنده و در غیبت است و با جانشینی امام رضا (ع) به مخالفت برخاست. او در روزگار زندگی حضرت رضا (ع)، بنابر یک گزارش در ایامی که آن حضرت در سالهای ۲۰۱ ـ ۲۰۲ در مرو بودند، درگذشت.

برقی: ۷۶، ۱۱۷; رجال کشی: ۴۰۳ ـ ۴۰۶، ۴۴۳ ـ ۴۴۶، ۴۶۳ ـ ۴۶۵; رجال ابن غضائری: ۸۳; نجاشی: ۲۴۹ ـ ۲۵۰; فهرست طوسی: ۹۶ ـ ۹۷; رجال او: ۲۴۵، ۳۳۹. نیز بنگرید: قرب الاسناد: ۳۴۷ و ۳۵۱ ـ ۳۵۲; غیبت طوسی: ۵۵، ۵۶، ۶۳ ـ ۶۵، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۲۲۴، ۳۵۲.

[۱۸۴] بطائنی از ملازمان و عصاکش راوی برجسته و نابینای امامی، ابوبصیر یحیی بن قاسم اسدی (م ۱۴۹ - ۱۵۰) بود. بیشتر روایات بطائنی از ابوبصیر نقل شده است.

این که او از رهبران واقفه بوده در بیشتر مآخذ رجالی پیشگفته آمده است. ابن غضائری در رجال: ۸۳ و طوسی در غیبت: ۶۷ وی را بنیانگزار بدعت واقفه می دانند. منابع امامی، انگیزه های مالی را دلیل این موضع گیری از طرف او و همکیشان وی در نپذیرفتن امام رضا (ع) به عنوان جانشین پدر می دانند. روایتی می گوید که در وقت رحلت امام کاظم (ع)، بطائنی به عنوان وکیل مالی آن حضرت نزدیک به سی هزار دینار در اختیار داشت، ثروتی که او ترجیح می داد برای خود نگاه دارد (بنگرید: Crisis and Consolidation، ص ۶۲). ولی سخنی که از امام رضا (ع) در قرب الاسناد: ۳۵۱ ـ ۳۵۲ نقل شده، نوعی انگیزه عقیدتی برای آن موضعگیری پیشنهاد می کند، نکته ای که می تواند در باره برخی دیگر از رهبران واقفه نیز صادق باشد (بنگرید: رجال کشی: ۴۶۷، پایان بند ش ۸۸۷). با این همه دیدگاه مذهبی او مانع از آن نشد که بعدها در روایتی از او تصرف کرده و عبارتی بیفزایند که شماره دقیق امامان را پیشگویی کرده و فهرست نام ائمه دوازده گانه را ارائه می دهد (کمال الدین: ۲۵۸ ـ ۲۵۹).

حرفه او در روایتی در بصائر: ۱۷۲ یاد شده است. (بخوانید «ابن ابی حمزه» به جای «ابی حمزه»، چنان که در بحار: ۴۷/۶۶). این که او در روزگار امام رضا (ع) در مرو درگذشت، در روایتی در مناقب ابن شهرآشوب: ۴/۳۳۷ آمده است.

۱ . کتاب التفسیر

به گفته نجاشی: ۲۵۰ بیشتر مطالب این کتاب از ابوبصیر نقل شده است; نکته ای که بخش های باقی مانده کتاب آن را تأیید می کند. آنچه از نقلهای باقی مانده کوتاه و بلند از این اثر در صورت اصلی آن به دست می آید (کافی: ۱/۴۲۱، ۴۳۱ ـ ۴۳۲، ۴۳۵ ـ ۴۳۶، ۸/۱۸۴، ۳۸۱; تفسیر قمی: ۲/۴۷، ۵۷، ۴۳۴ ـ ۴۳۹، کمال الدین: ۱۷ ـ ۱۸) آن است که سبک کتاب همان سبک

ص: ۲۳۹

کتابهای تفسیری متقدم شیعی مانند تفسیر جابر جعفی (برای نمونه: کافی: ۳۷۹/۸ ـ ۳۸۱) و ابوحمزه ثمالی (برای نمونه: تفسیر عیاشی: ۱۶۸/۱، ۱۵۲/۲) و تفاسیر نسل بعد مانند تفسیر فرزند این مؤلف، حسن بن علی بن ابی حمزه (برای نمونه: کافی: ۵/۲ ـ ۶) و تفسیر حسن بن محبوب (برای نمونه: کافی: ۴۳۲/۱ ـ ۴۳۵) بوده است.

بخش هایی از روایات تفسیری نقل شده از این مؤلف که تقریبا همه باید از همین کتاب گرفته شده باشد چنین است:

کتاب الزهد: ۲۴، ۳۱، ۶۲ ـ ۶۳، ۹۲ ـ ۹۳ (چهار روایت)، ۹۹

محاسن: ۱۶۶ ـ ۱۶۷، ۶۲۳

بصائر: ۶۵، ۱۱۰، ۴۲۹، ۴۶۳ ـ ۶۴۴

تفسیر عیاشی: ۱۹/۱، ۷۴ (مقایسه کنید با علل: ۱۶۴/۲)، ۲۲۰، ۲۶۶، ۲۷۸، ۳۰۱، ۳۳۹، ۲/۲، ۱۶، ۴۴، ۴۶، ۷۳، ۱۵۸، ۱۶۶، ۱۷۸، ۲۲۵ ـ ۲۲۶ (مقـ: کافی: ۲۳۹/۳ ـ ۲۴۰)، ۲۷۸، ۲۹۳، ۳۲۱، ۳۵۳

کافی: ۲۱۹/۱، ۴۱۴، ۴۱۸ ـ ۴۱۹، ۴۲۱، ۴۳۱ ـ ۴۳۲، ۴۳۵ ـ ۴۳۶، ۱۵۱/۲، ۲۷۰ ـ ۲۷۱، ۳۳۴، ۵۰۳/۳، [۱۸۵] ۱۱۹/۵، ۱۳۹/۶، ۴۰۶، ۱۷۹/۸ ـ ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۸۷ ـ ۱۸۹، ۲۹۰ ـ ۲۹۱، ۳۳۴ ـ ۳۳۸، ۳۸۱

تأویل ما نزل من القرآن: ۲۳۴، ۲۵۳ (بخوانید: «ابن ابی حمزه» بجای «ابی حمزه»، چنان که در پاورقی مصحح و تأویل الایات: ۴۶۹)، ۲۷۳، ۲۸۶، ۲۸۹

غیبت نعمانی: ۵۱ ـ ۵۲، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۵۱، ۲۶۹، ۳۱۶

تفسیر او: ۳

تفسیر قمی: ۱۹۹/۱، ۴۰/۲، ۴۶ ـ ۴۷ (دو روایت)، ۴۸، ۵۵، ۵۷، ۵۷ ـ ۵۸، ۶۳، ۱۵۴، ۱۹۸، ۳۴۴، ۴۰۸، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۷، ۴۳۴ ـ ۴۰۹

کامل الزیارات: ۱۳۴

علل الشرایع: ۳۰/۱، ۴۸، ۱۲۲/۲ ـ ۱۲۳

عقاب الاعمال: ۳۲۳

کمال الدین: ۱۷ ـ ۱۸ (تکرار شده در ۳۴۰ ـ ۳۴۱)، ۳۲۵ ـ ۳۲۶، ۳۵۷، ۴۱۷، ۶۷۰، ۶۷۳

خصال: ۱۶۰، ۵۳۱ (بخوانید: «علی بن ابی حمزه»)

معانی الاخبار: ۱۳۲، ۱۶۲، ۱۷۴، ۳۴۹، ۳۶۸، ۳۶۹ (بخوانید: «ابن ابی حمزه» به جای «ابی حمزه». بنگرید: بحار: ۲۱۵/۲۴)، ۳۹۲

توحید: ۲۰، ۱۱۷، ۳۵۶

ص: ۲۴۰

ثواب الاعمال: ۱۳۰، ۱۳۲ (دو روایت)، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۴۳ ـ ۱۴۴ (دو روایت)، ۱۴۵، ۱۴۶ ـ ۱۴۷، ۱۵۰ (دو روایت)، ۱۵۱، ۱۵۲

امالی مفید: ۱۹۶

مهج الدعوات: ۳۷۹ (به نقل از صفّار در فضل الدعاء)

تأویل الایات: ۴۳۵، ۴۹۶ ـ ۴۹۷، ۸۰۸، ۸۴۴ ـ ۸۴۵

مقایسه ای میان تفسیر عیاشی: ۲۲۵/۲ ـ ۲۲۶ با روایتی در کافی: ۲۲۹/۳ و میان عیاشی:۱۱۸/۱ با محاسن: ۲۲۹ و میان عیاشی: ۲/۲، ۴۶ (تکرار شده در ۷۳)، ۱۶۶ با ثواب: ۱۳۲ (دو روایت)، ۱۶۶ و موارد مشابه بسیار دیگر، نشان می دهد که بیشتر مطالبی که در تفسیر عیاشی از ابوبصیر نقل شده از طریق علی بن ابی حمزه بوده، گرچه نام علی بن ابی حمزه در متن موجود عیاشی به دلیل حذف نام راوی دوم در اکثر موارد نیامده است. موارد نقل از ابوبصیر در تفسیر عیاشی که بسیاری از آنها می تواند از همان تفسیر بطائنی باشد، به شرح زیر است:[۲۱۸]

تفسیر عیاشی [۱۸۶] ج ۱

۱۰، ۱۱، ۴۹ ـ ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۶۳، ۶۹ ـ ۷۰، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۸۳ ـ ۸۴، ۸۵، ۹۰ ـ ۹۱، ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۵ ـ ۱۲۶، ۱۲۹ ـ ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲ ـ ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۸ ـ ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۴ ـ ۱۶۵، ۱۷۲، ۱۹۲ ـ ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۲۲ ـ ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۷ ـ ۲۲۸، ۲۳۲ ـ ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۹ ـ ۲۵۱، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۸، ۲۸۱، ۲۹۵، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۱۳، ۳۱۷، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۲۱۶، ۳۳۰، ۳۳۷، ۳۵۳، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۸۰، ۳۸۳، ۳۸۸

تفسیر عیاشی ج ۲

۲، ۹، ۱۲، ۱۳، ۲۶ ـ ۲۷، ۳۱، ۳۷، ۴۰، ۴۰، ۴۲، ۴۴، ۴۶، ۴۸، ۵۱، ۶۱ ـ ۶۲، ۷۱، ۷۳، ۷۴ ـ ۷۵، ۸۳، ۸۶، ۸۷، ۹۰، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۳۶، ۱۵۰ ـ ۱۵۱، ۱۵۴ ـ ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۷۸ ـ ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۹۰ ـ ۱۹۱، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۲۳ ـ ۲۲۴، ۲۲۵ ـ ۲۲۶، ۲۳۹ ـ ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۴ ـ ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۹ ـ ۲۷۰، ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۴ ـ ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۸، ۲۹۲، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۵، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۳۶، ۳۳۹ ـ ۳۴۰، ۳۵۰

نقل های بسیار دیگری نیز از بطائنی در سیاق آیات قرآنی آمده است بی آن که آیه قرآنی

ص: ۲۴۱

در آن ذکر شود یا در سیاق دیگری آمده اما آیه ای قرآنی در آن بکار رفته است. برخی از این موارد نیز می تواند از همین تفسیر باشد، چنان که در نمونه های زیر:

کتاب الزهد: ۸۹، ۹۱

محاسن: ۲۲۹ (نیز عیاشی: ۱۱۸/۱ که در آنجا اسم ابن ابی حمزه به عنوان راوی دوم نیامده است)، ۳۱۴، ۵۳۵

بصائر: ۲۰۵

تفسیر عیاشی: ۱۱۵/۲

کافی: ۳۸۵/۱ ـ ۳۸۷، ۴۴۲ ـ ۴۴۳، ۶۱۶، ۱۹۵/۲، ۲۰۳، ۶۱۷ (و با اختلاف اندک در ۶۱۸ ـ ۶۱۹)، ۱۵۷/۴، ۲۰۶/۶، ۲۰۷، ۴۸۶

---

۲۱۸ . با این همه می دانیم که برخی نقلها از طریق علی بن ابی حمزه روایت نشده است. برای نمونه بنگرید: عیاشی: ۲۵۹/۲ که در سعد السعود: ۲۳۴ از طریق عبدالله بن حماد از ابوبصیر نقل شده است.

امالی صدوق: ۲۴۲ ـ ۲۴۳، ۳۱۲ (نیز معانی: ۹۴)
علل الشرائع: ۱۶/۱ (دو روایت)، ۱۱۵، ۱۱۶
قصص الانبیاء: ۵۹ (دو روایت)، ۱۲۹ ـ ۱۳۱ (مقـ : عیاشی: ۱۷۶/۲، امالی طوسی: ۴۱۴)

۲ . کتاب جامع فی ابواب الفقه

یاد شده در نجاشی: ۲۵۰ که از دو کتاب دیگر مؤلف نیز با عناوین کتاب الصلاة و کتاب الزکاة نام می برد. روشن است که این اثر، مجموعه ای از روایات نقل شده توسط مؤلف در باره مسائل فقهی بوده است که به ترتیب موضوعی تدوین شده بود. بنابراین دو کتاب دیگر، می بایست بخش هایی از همین کتاب جامع باشد.

بیشتر روایات چند صد گانه ای که از این راوی در چهار کتاب اصلی حدیث امامی آمده و در معجم خویی: ۲۲۷/۱۱ ـ ۲۳۱، ۴۸۷ ـ ۵۰۰، [۱۸۷] ۲۲۹/۲۲ ـ ۲۳۰ فهرست شده، در باره مسائل فقهی است و با عنوان این کتاب مناسبت دارد. از جمله شمار بسیاری در باره مسائل نماز و زکات، موضوع دو کتابی که نجاشی به عنوان دو اثر مستقل یاد کرده است.

۳ . اصل / کتاب

دفتر حدیث مؤلف که ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی از او روایت کرده اند (فهرست طوسی: ۹۶ ـ ۹۷، رجال او: ۳۳۹). این کتاب باید مشتمل بر بسیاری از روایات غیر فقهی فراوانی نیز می بوده که در کتب حدیثی شیعه از وی به واسطه دو راوی یاد شده نقل شده است. برای فهرست این موارد بنگرید: فهارس بحار: ۲۲۸/۸، ۴۶۹، ۳۹۱/۹ ـ ۳۹۲.

۳۳ . ابن عطیة الحنّاط

علی بن عطیه اصمّ، گندم فروش، از موالی کوفه، و از روات و اصحاب امام صادق (علیه السلام).

رجال برقی: ۷۷، ۱۱۶، ۱۲۰، رجال کشی: ۳۶۷، مشیخه: ۴۷۲، نجاشی: ۴۶، فهرست طوسی: ۹۷، رجال او: ۱۴۱، ۲۴۶، ۲۶۶، ۳۳۹

در باره قبیله عربی که وی از موالی آن بوده (تفصیل در قاموس الرجال: ۵۱۶/۷ ـ ۵۱۸) و نیز حرفه او تردیدهایی وجود دارد. در مشیخه: ۴۷۲، نجاشی: ۴۶، فهرست طوسی: ۹۷ و رجال او: ۱۸۰ وی را گندم فروش خوانده اند و این مطلب با روایتی که از خود وی در کافی: ۱۸۲/۵ آمده نیز تأیید می شود. این شغل، حرفه خانوادگی او بوده است (نجاشی: ۴۶). اما در کافی: ۳۳۰/۸ و اختصاص: ۲۰۱ از شخصی با نام علی بن عطیه زیات (روغن فروش) یاد می شود.[۲۱۹] در اختصاص: ۲۰۱ دارد که این شخص به عنوان «بوّاب» معروف بوده است. رجال کشی: ۳۶۷، نجاشی: ۴۶ و رجال طوسی: ۱۸۰، ۱۹۵ (نیز کامل الزیارات: ۳۴۸) از یک حسن بن عطیه دغشی محاربی ابوناب، بزّاز (برقی:

---

۲۱۹ . این را در بحار (۴۹/۲۵) از بصائر نیز نقل کرده، اما در اسناد روایت مربوط در نسخه چاپی بصائر: ۴۴۶ نام راوی بدون نسبت «زیات» آمده است. به نظر می رسد که در نسخه مورد استفاده علامه مجلسی، جمله «علی بن عطیة عن علی بن رئاب» (چنان که در کافی: ۳۸۹/۱)به «علی بن عطیة الزیات» تصحیف شده بود.

۱۰۶) نام می برند و او را برادر علی بن عطیه می شناسند. نجاشی و طوسی در رجال، ابوناب را کنیه حسن می دانند، اما در رجال کشی: ۳۶۷ به نظر می رسد آن را عنوان خانوادگی همه برادران می داند، هرچند برخی از نسخه های رجال کشی، چنان که در پاورقی مصحح آمده، در این باره با دو منبع دیگر (نجاشی و رجال طوسی) مطابقت دارد. به هر روی، تشابه املائی کلمات «ابوناب» و «بواب» و «زیات» (و «رئاب» به شرح پاورقی) چشمگیر است.

حضور دست کم یک بار او در مکه (تهذیب: ۲۶۳/۵) و مدینه (کافی: ۹۸/۲) اثبات شده است.[۲۲۰]

ص: ۲۴۳

[۱۸۸] کتاب

دفتر حدیث اوست که توسط ابن ابی عمیر روایت شده است (فهرست طوسی: ۹۷).[۲۲۱]پس نقل های زیر که توسط همین راوی از این مؤلف در مآخذ حدیثی آمده شاید در اصل از این دفتر گرفته شده باشد:

محاسن: ۴۶۲

کافی: ۸۳/۱ (نیز توحید: ۱۰۵); ۹۸/۲، ۳۰۰، ۶۷۳; ۲۸۳/۳ (نیز ۹۸/۴ که نام راوی از مؤلف ما در آن نیامده است); ۱۴۹/۵، ۱۸۲; ۴۶۹/۶

تهذیب: ۲۶۳/۵، ۳۰۸، ۳۳۷/۶، ۵۹/۱۰ ـ ۶۰

۳۴ . علی بن حسّان

علی بن حسان بن کثیر هاشمی، از موالی عباس بن محمد بن علی (م ۱۸۶) برادر منصور خلیفه عباسی، و راوی مطالب باطنی در اواخر قرن دوم.

رجال کشی: ۴۵۱ ـ ۴۵۲، رجال ابن غضائری: ۷۷، نجاشی: ۲۵۱، فهرست طوسی: ۹۸

نجاشی در دو مدخل مربوط به این راوی و عموی وی عبدالرحمان بن کثیر می نویسد که آنان از موالی عباسیان بودند. ابن غضائری، علی بن حسان را به عنوان «مولی ابی جعفر الباقر» (ع) معرفی می کند که خطاست، چنان که در مدخل عبدالرحمان بن کثیر گذشت (شماره ۲۴ فصل حاضر).

کشی او را دروغگو و واقفی دانسته و نجاشی و ابن غضائری هم وی را غالی و فاسد العقیده می شناسند.

تفسیر الباطن

---

۲۲۰ . یک محمد بن عطیه حنّاط هم میان راویان از امام صادق (ع) وجود داشته که از موالی کوفه (برقی: ۷۰، نجاشی: ۲۵۶، **رجال طوسی**: ۲۹۰) و مؤلف یک دفتر حدیث بوده که ابن ابی عمیر آن را روایت کرده است (نجاشی: ۳۵۶). شماری از روایات این مؤلف در آثار بعدی آمده است که در **معجم خویی**: ۲۸۳/۱۶ و **فهارس**: ۲۲۱/۱۰ فهرست شده اما تنها یک مورد آنها (**کافی**: ۱۶۱/۴ ـ ۱۶۲) از آن راوی ـ ابن ابی عمیر ـ است. ولی برخی نقلهای دیگر از این مؤلف نیز به سبک نقل مستقیم از کتاب است. برای نمونه: **کافی**: ۹۴/۸ ـ ۹۵، **تهذیب**: ۳۱۲/۱ ـ ۳۱۳ (ش ۹۰۷، مقـ: ش ۹۰۹).

۲۲۱ . ابن بابویه از این مؤلف در **من لایحضر**: ۵۰۰/۱ و ۴۸۰/۲ از طریق علی بن حسان (**مشیخه**: ۴۷۲) روایت می کند. نقلهای دیگری از مؤلف ما از طریق این راوی در **بصائر**: ۴۴۶ (نیز **کافی**: ۳۸۹/۱)، **علل**: ۲۱۳/۲ و **قصص الانبیاء**: ۵۳ (مقـ: **کافی**: ۵۱۳/۶) آمده است.

نجاشی: ۲۵۱ و رجال ابن غضائری: ۷۷ از این کتاب یاد کرده اند. اولی آن را سراسر تخلیط و باطنی گری دانسته و دومی آن را کتابی که ربطی [۱۸۹] به اسلام ندارد شناخته است. آثار

ص: ۲۴۴

بعدی، به وضوح مطالب افراطی آن را نقل نکرده اند، ولی نقلهای فراوانی از این مؤلف در زمینه تفسیر وجود دارد که وصف نجاشی بر برخی از آنها منطبق است. چنین است فهرست بخشی از مرویات تفسیری از این مؤلف در متون بعد:

بصائر: ۴۰، ۴۵، ۷۱، ۷۸، ۲۰۶، ۳۵۸، ۴۲۷

تفسیر عیاشی:[۲۲۲] ۴۱/۱، ۱۲۸، ۱۶۲، ۲۰۱، ۲۱۱، ۲۸۱، ۳۶۶ ـ ۳۶۷، ۱۰۵/۲

کافی: ۱۸۵/۱، ۱۹۶ ـ ۱۹۸ (احتمالا)، ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۷۵، ۴۱۳، ۴۱۴ ـ ۴۱۵ (دو روایت)، ۴۱۸، ۴۲۰ ـ ۴۲۱ (سه روایت)، ۴۲۲ ـ ۴۲۳ (دو روایت)، ۴۲۵ (نیز معانی: ۲۹۹)، ۴۲۶; ۴۰۷/۲ (احتمالا)، ۱۹۱/۴ ـ ۱۹۴; ۵۰۳/۵ (مقـ: شواهد التنزیل: ۴۵۰/۲ ـ ۴۵۱); ۵۱۳/۶

رجال کشی: ۱۹۲

تفسیر فرات: ۳۹۸ ـ ۳۹۹

تأویل ما نزل من القرآن: ۴۵۸

غیبت نعمانی: ۱۹۸ (تکرار شده در ۲۴۳)

تفسیر قمی: ۱۶۵/۱، ۱۶۷; ۱۳۱/۲، ۲۳۴، ۲۸۶، ۳۱۹، ۳۳۲، ۳۵۱، ۳۸۵ ـ ۳۸۶، ۳۹۰، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۴۱

کامل الزیارات: ۷۴ ـ ۷۶

من لایحضر: ۵۶۱/۳ ـ ۵۶۲ (نیز علل: ۱۶۰/۲; خصال: ۳۶۴)

علل: ۱۱۹/۱، ۱۹۵، ۱۹۶

توحید: ۳۲۹ ـ ۳۳۰ (و احتمالا: ۴۵۸)

تأویل الایات: ۸۴۳ ـ ۸۴۴، ۸۵۵

به نظر می رسد دو نقل موجود در کافی: ۴۲۰/۱ ـ ۴۲۱، ۴۲۶ ساختار اصلی کتاب را نشان می دهند.

۳۵ . ابن رئاب الطحّان

ابوالحسن علی بن رئاب، آسیابان،از موالی کوفه، و از برجستگان روات از امام صادق (ع)، امام کاظم (ع) و اصحاب آنان.

برقی: ۷۶، رجال کشی: ۵۸۵، فهرست ابن ندیم: ۲۷۵، نجاشی: ۲۵۰، فهرست طوسی: ۸۷، رجال او:

ص: ۲۴۵

۲۴۶، الاکمال: ۵/۴. نیز بنگرید: مروج الذهب: ۲۸/۴.

---

۲۲۲ . بنگرید: مدخل عبدالرحمان بن کثیر در شماره ۲۴ فصل حاضر.

[۱۹۰] برقی این راوی را از موالی جَرْم، تیره ای از قضاعه، می شناسد; اما طوسی در رجال: ۲۴۶ او را از موالی بنوسعد معرفی می کند. نجاشی هر دو را یاد کرده و شرح می دهد که مراد، بنوسعد بن بکر از تیره های قبیله هوازن است.

در باره برجستگی او به عنوان یک راوی حدیث در زمان خود، بنگرید: رجال کشی: ۵۸۵. مسعودی در مروج ۲۸/۴ وی را از دانشمندان بزرگ شیعه دانسته و می نویسد که او برادری با نام یمان بن رئاب داشت که از دانشمندان برجسته خوارج بود.[۲۲۳] دو برادر سالی یکبار برای سه روز با یکدیگر ملاقات کرده و پیرامون اختلافات مذهبی و فرقه ای خود بحث می کردند و پس از سه روز بی آن که سخن برادرانه ای با یکدیگر بگویند از هم جدا می شدند.

۱ ـ کتاب الوصیة و الامامة

این کتاب که حسن بن محبوب از مؤلف روایت کرده (نجاشی: ۲۵۰) به روشنی در باره مفهوم امامی امامت با نص و وصیت بوده است. نقلهای متعددی از علی بن رئاب در باره موضوع امامت به طور عموم و در باره نصب امام علی (ع) به امامت و وصایت از سوی رسول خدا(ص)، که همه وسیله حسن بن محبوب روایت شده، باقی مانده است. موارد نوع دوم و برخی از موارد اول، به احتمال زیاد از همین کتاب می باشد. چنین است فهرستی از برخی از این نقلها:

بصائر: ۸۹ (نیز کافی: ۴۳۷/۱، و بخشی از آن در ۴۳۶; تأویل ما نزل: ۳۲۱)، ۱۱۳ (نیز کافی: ۲۵۶/۱ ـ ۲۵۷)، ۱۲۴ ـ ۱۲۵، ۱۴۲، ۱۵۳ ـ ۱۵۴ (نیز کافی: ۲۴۱/۱)، ۳۵۴، ۵۱۸ (نیز تفسیر قمی: ۶۱/۲، تأویل ما نزل: ۱۴۴)، ۵۱۹

کافی: ۲۶۱/۱ ـ ۲۶۲، ۲۸۱، ۳۳۳، ۳۴۸، ۱۷۱/۷

تأویل ما نزل من القرآن: ۴۸۷ ـ ۴۸۸

غیبت نعمانی: ۴۳، ۱۲۸ ـ ۱۲۹، ۲۵۰

ص: ۲۴۶

تفسیر قمی: ۳۶۵/۱، ۶۶/۲ ـ ۶۷

کمال الدین: ۱۸ (تکرار شده در ۳۳۶)، ۳۲۸، ۴۱۶، ۴۸۱، ۶۴۸

امالی طوسی: ۶۴۲ ـ ۶۴۳

غیبت او: ۶۸، ۳۳۲

بشارة المصطفی: ۸۵ ـ ۸۶

سعد السعود: ۲۳۸ ـ ۲۴۰

[۱۹۱] ۲ ـ کتاب الدیات

۲۲۳ . در باره او بنگرید: **مقالات الاسلامیین**: ۱۹۷/۱ ـ ۱۹۸، ۲۰۰. **فهرست** ابن ندیم: ۲۳۳، **مختلف** دارقطنی: ۱۵۲، نجاشی: ۳۰۷، **فهرست** طوسی: ۱۲۴، **الاکمال**: ۵/۴ ـ ۶، **میزان الاعتدال**: ۴۶۰/۴، و دیگر منابعی که در پاورقی مصحح در **لسان المیزان**، ۵۲۱/۷ آمده است (دار قطنی و ابن ماکولا او را خراسانی می شناسانند). نیز بنگرید کتاب مایکل کوک Early Muslim Dogma، صفحات ۹۸ ـ ۹۹ و کتاب: Theologie از فان اس: ۵۹۹/۲ ـ ۶۰۰.

این کتاب را هم حسن بن محبوب از مؤلف روایت کرده است (نجاشی: ۲۵۰). نقلهای زیر از علی بن رئاب در باره این موضوع که تقریبا همه آنها را حسن بن محبوب روایت کرده، می تواند از همین کتاب گرفته شده باشد:

قرب الاسناد: ۱۶۵ (نیز کافی: ۳۵۱/۷، ۳۵۳)

کافی: ۱۴۱/۷، ۲۸۵، ۲۸۸ (دو روایت)، ۲۹۴ ـ ۲۹۵ (دو روایت، یکی از آن دو نیز در علل: ۲۲۹/۲)، ۳۰۰، ۳۰۵، ۳۰۶ (دو روایت)، ۳۱۰ (سه روایت)، ۳۲۸، ۳۴۴، ۳۵۷

من لایحضر: ۱۰۸/۴، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۲۱

تهذیب: ۱۸۲/۱۰، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۱۵ ـ ۲۱۶

۳ ـ اصل / کتاب

دفتر حدیث بزرگ (فهرست طوسی: ۸۷) او که حسن بن محبوب از او روایت کرده است (رسالة ابی غالب: ۱۸۲; فهرست طوسی: ۸۷ . نیز بنگرید: فهرست ابن ندیم: ۲۷۵). قسمت اعظم بیش از پانصد روایت که از علی بن رئاب در مآخذ حدیثی آمده از طریق همین حسن بن محبوب است. فهرست این مرویات در معجم رجال الحدیث: ۱۸/۱۲ ـ ۲۵، ۲۸۵ ـ ۲۹۵، ۱۷۴/۲۲ ـ ۱۷۸، ۳۸۰ ـ ۳۸۱ و فهارس بحار: ۵۴۵/۸ ـ ۵۴۶، ۳۹۵/۹ آمده است. در قرب الاسناد: ۱۶۳ ـ ۱۶۷ قطعه ای مشتمل بر هفده روایت از علی بن رئاب از طریق حسن بن محبوب نقل می کند که می تواند نهایتا از همین دفتر گرفته شده باشد.[۲۲۴]

ص: ۲۴۷

۳۶ . ابن ابی اراکه

علی بن شجرة بن میمون بن سنجار، سازنده پیکان تیر، از موالی کوفه و عضو یک خاندان شیعی از روات حدیث. وی از امام صادق (ع) روایت می کرد.

برقی: ۷۷، نجاشی: ۲۷۵، فهرست طوسی: ۹۴ ـ ۹۵، رجال او: ۲۶۶، ۳۳۹

پدر این راوی شجره و عمویش بشیر و برادرش حسن و عموزاده اش اسحاق بن بشیر از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) روایت می کردند. ابو اراکة یا کنیه میمون، پدربزرگ راوی ما (رجال طوسی: ۱۲۷، ۲۲۴) بوده و یا کنیه نیای اعلای خانواده (نجاشی: ۲۷۵). برقی: ۳۸ و رجال طوسی: ۸۶ از یک راوی کوفی با نام «ابواراکه بجلی» یاد می کنند که از امیرمؤمنان علی (ع) روایت می کند.[۲۲۵]

در باره جزئیات انتساب ولایی این راوی و خاندان او اختلافاتی وجود دارد: [۱۹۲] رجال طوسی: ۱۲۷، ۱۶۹، ۲۲۴ (و از آنجا لسان المیزان: ۵۹/۲) اعضای دیگر این خانواده را از موالی بنو وابش، از تیره های قیس عیلان از عدنان

---

۲۲۴ . مقـ : رجال کشی: ۵۷۵.

۲۲۵ . بنگرید: **تاریخ کبیر**: ۳۱/۹ (اشتباها به عنوان «ابوراکه»)، **الجرح و التعدیل**: ۳۳۶/۹، **ثقات ابن حبان**: ۵۸۴/۵. برای نمونه هایی از روایت او از امیرمؤمنان ببینید: **وقعة صفین**: ۲۷۴، **زهد حسین بن سعید**: ۵، ۲۳ (نیز **تهجد** ابن ابی الدنیا: ۲۷۱ ـ ۲۷۲، **کامل ابن عدی**: ۲۷۵، **امالی مفید**: ۱۹۶ ـ ۱۹۷، **حلیة الاولیاء**: ۷۶/۱، **موضح خطیب**: ۲۹۶/۲ ـ ۲۹۷)، **بصائر**: ۱۴۹، **کامل ابن عدی**: ۱۸۷۸، **اختصاص**: ۷۸ ـ ۷۹.

می شناسند، ولی همان رجال طوسی : ۲۶۶، ۳۳۹ راوی ما را علی بن شجره شیبانی وصف می کند. ابن حجر در لسان المیزان: ۴۱/۲ ادعا می کند که طوسی و کشی، بشیر نبّال، عموی علی بن شجره را، شیبانی خوانده اند; اما این مطلب در نسخه های موجود این آثار نیامده است. شیبان تیره ای از بکر بن وائل از عدنان بوده است. نجاشی: ۲۷۵ در برابر، راوی ما را از موالی کنده، قبیله ای از کهلان معرفی می کند که نام آن در روایتی از راوی ما در کافی: ۴۹۳/۳ آمده است. چنان چه ابو اراکه بجلی که برقی و طوسی از او یاد می کنند، پدر بزرگ یا نیای راوی ما بوده باشد، موضوع از این نیز بغرنج تر می شود زیرا بجیله تیره ای دیگر از کهلان بوده است.

به نظر می رسد ساختن پیکان تیر حرفه خانوادگی راوی ما بوده است، زیرا اعضای مختلف خانواده با لقب «نبّال» وصف شده اند (برای نمونه: رجال کشی: ۳۶۹، نجاشی: ۲۷۵، رجال طوسی: ۱۲۷، ۱۶۹، ۲۲۴. نیز در اسانید بسیار).

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که بسیاری از راویان از جمله حسن بن علی بن فضال و حسن بن

ص: ۲۴۸

محمد بن سماعة از او روایت کرده اند (نجاشی: ۲۷۵، فهرست طوسی: ۹۴ ـ ۹۵). روایات علی بن شجره که برخی از آنها از طریق همین دو راوی می باشد، شامل موارد زیر است:

کتاب الزهد: ۵۶، ۶۱، ۷۴

محاسن: ۱۵۹، ۱۷۳

کافی: ۱۷۰/۳، ۱۷۴، ۳۴۵، ۴۹۳، ۸۲/۴، ۱۶۸/۵، ۲۷۸، ۱۰۷/۸

کامل الزیارات: ۱۴۶ ـ ۱۴۷

توحید: ۴۵۹ ـ ۴۶۰

ثواب الاعمال: ۱۵۵

تهذیب: ۲۵۱/۲ ـ ۲۵۲

قصص الانبیاء: ۲۷۶ ـ ۲۷۷ (بخوانید «عن عمه بشیر النبال» به جای «عن عمه، عن بشیر النبال»)

[۱۹۳] ۳۷ . ابن عقبة

ابوالحسن علی بن عقبة بن خالد کوفی، لباس فروش، از موالی بنواسد، و راوی از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام).

برقی: ۷۷، رجال کشی: ۳۴۴، نجاشی: ۲۷۱، فهرست طوسی: ۹۰، رجال او: ۲۴۵، ۲۶۶

حرفه او به عنوان «بیّاع الاکسیة» در کافی: ۴۳۸/۲ آمده است. در امالی طوسی: ۶۸۰ از او با عنوان علی بن عقبة بن بشیر نام می برد. این مطلب با منابع دیگر ناسازگار است، مگر آن که بشیر، نام نیای اعلای او باشد. حضور او در مدینه، دست کم یکبار در روزگار زندگی امام کاظم (علیه السلام) اثبات شده است (کافی: ۳۲۱/۳).

کتاب

دفتر حدیث او که شماری از راویان از جمله حسن بن علی بن فضال و عبدالله بن محمد الحجّال از او روایت می کنند (نجاشی: ۲۷۱، فهرست طوسی: ۹۰). تقریبا تمامی بیش از یکصد مورد روایت نقل شده از این مؤلف در منابع شیعی، از طریق راوی اول می باشد، و تنها اندکی از طریق راوی دوم، و بسیار کمتر از راویان دیگر. برخی نمونه ها عبارتند از:

محاسن: ۹۱ ـ ۹۲، ۱۰۹، ۱۶۱ ـ ۱۶۲، ۱۶۲ ـ ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۳ (دو روایت)، ۱۷۴، ۱۷۵ ـ

ص: ۲۴۹

۱۷۶، ۱۸۲، ۱۹۸ (نیز تفسیر عیاشی: ۱۳۷/۲، توحید: ۴۱۴ ـ ۴۱۵)، ۲۲۳، ۳۹۲

بصائر: ۳۰۸، ۴۸۲

تفسیر عیاشی: ۳۷۱/۱، ۳۴/۲ (نیز علل: ۶۶/۱)، ۷۹

کافی: ۶۹/۱، ۱۶۶، ۳۹۱ ـ ۳۹۲، ۷۸/۲، ۹۵، ۱۴۴، ۱۶۶، ۱۷۱، ۱۷۵، ۱۷۹، ۲۱۳ ـ ۲۱۴، ۲۵۷، ۲۹۳، ۳۰۲، ۳۰۳ ـ ۳۰۴، ۳۱۰، ۳۵۲، ۳۶۶، ۴۲۲، ۴۳۸، ۴۸۷، (بخوانید «عن ثعلبه و علی بن عقبه»، چنان که در همین مأخذ: ۶۳۸/۲، ۶۶۵، ۸۴/۸)، ۶۱۶، ۶۲۷، ۶۳۸، ۶۶۵، ۱۱۹/۳، ۱۲۸ ـ ۱۲۹، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۷۹، ۲۲۵، ۲۵۵، ۳۲۱، ۴۰۰، ۵۰۵، ۵۱۵ ـ ۵۱۶، ۳۹/۴، ۲۱۳، ۳۲۲، ۳۹۷، ۴۱۸، ۱۰۹/۵، ۱۴۹ ـ ۱۵۰ (دو روایت)، ۲۲۹، ۲۹۷، ۳۲۷، ۳۶۶ ـ ۳۶۷، ۴۳۸، ۵۵۹، ۱۵۹/۶، ۲۵۱ ـ ۲۵۲، ۳۸۶، ۴۰۱، ۴۳۶، ۴۴۹، ۴۶۰، ۴۹۰، ۴۹۴، ۵۳۹، ۱۲/۷، ۴۴، ۵۷، ۲۷۱، ۳۹۴، ۳۹۶ (سه روایت)، ۴۱۷، ۴۲۹ ـ ۴۳۰ (مقـ: همان، ۴۴/۷)، ۸۰/۸ ـ ۸۱، ۸۴ ـ ۸۵، ۱۰۱، ۱۲۹ ـ ۱۳ (دو روایت)، ۲۹۵

رجال کشی: ۳۱ ـ ۳۲، ۲۳۱، ۲۹۲ ـ ۲۹۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۴۱۷ ـ ۴۱۸

غیبت نعمانی: ۴۳، ۲۰۰، ۳۱۸

تفسیر قمی: ۲۷/۱ ـ ۲۸، ۲۹، ۱۳۳

[۱۹۴] کامل الزیارات: ۴۲۵، ۴۹۴

امالی صدوق: ۲۸۷، ۳۷۹، ۴۲۰، ۶۴۰ (نیز توحید: ۴۰۱)

علل: ۶۶/۱، ۷۰ ـ ۷۱، ۱۹۰/۲

عقاب الاعمال: ۳۲۱

خصال: ۱۳۲، ۲۶۳، ۵۴۴، ۶۴۸

معانی: ۱۹۳، ۲۴۲، ۲۵۵ ـ ۲۵۶، ۳۷۹

توحید: ۴۰، ۱۶۱

امالی مفید: ۱۹۳، ۱۹۴ ـ ۱۹۵، ۳۵۴

ارشاد: ۳۸۴/۲ ـ ۳۸۵

اختصاص: ۲۰۲ ـ ۲۰۳ (نیز بنگرید: رجال کشی: ۱۶۳ ـ ۱۶۴ که سند باید چنین خوانده شود: «عن حسن بن فضال، عن علی بن عقبه، عن ابی کهمس»)

امالی طوسی:۶۴۶، ۶۸۰ ـ ۶۸۲ (چهار روایت)، ۶۹۲ ـ ۶۹۵ (نه روایت)

تهذیب: ۱۵۳/۱، ۳۲۰، ۳۹۸، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۵۹، ۲۲۷/۲، ۳۵۸، ۱۴/۴، ۲۰۹/۶ ـ ۲۱۰، ۲۴۱، ۲۴۷، ۲۸۴، (دو روایت)، ۴/۷، ۳۹۲، ۴۶۱، ۱۹۴۳۹، ۱۹۵/۱۰

قصص الانبياء: ۲۶۹

ص: ۲۵۰

فلاح السائل: ۷۶

طوسی قطعه ای مشتمل بر دوازده روایت در امالی: ۶۸ - ۸۲ و ۶۹۲ - ۶۹۵ با یک سند از علی بن عقبه نقل می کند. این می تواند از همین کتاب بوده باشد.

۳۸ . ابن یقطین

ابوالحسن علی بن یقطین بن موسی، از موالی کوفی بنواسد و ساکن در بغداد. وی که فرزند یکی از کارپردازان اصلی انقلاب عباسی بود، در سال ۱۲۴ هجری در کوفه به دنیا آمد، و در سال ۱۶۸ توسط مهدی عباسی به مقام دستیار او، و به سال ۱۶۹ توسط هادی عباسی به عنوان نگهدارنده مهر خلافت منصوب گردید. وی تا سال ۱۸۲ که درگذشت، همواره از بلندرتبه ترین مقامات دستگاه خلافت بود. ابن یقطین از شیعیان وفادار امام کاظم (ع) بوده و روایات فراوانی از آن حضرت روایت کرده است.

[۱۹۵] برقی: ۱۱۷، تاریخ طبری: ۱۶۷/۸، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۸۹، ۲۲۱، الوزراء و الکتاب: ۱۲۴ ـ ۱۲۵، ۱۳۲، مروج الذهب: ۱۸۱/۴ ـ ۱۸۲، رجال کشی: ۴۳۰ ـ ۴۳۷، فهرست ابن ندیم: ۲۷۹، نجاشی: ۲۷۳، فهرست طوسی: ۹۰ ـ ۹۱، رجال او: ۳۴۰

در باره پدرش یقطین بن موسی بنگرید: اعلام زرکلی: ۲۰۷/۸، و منابعی که در این مأخذ آمده است. وی در اصل، بافنده ای بوده[۲۲۶] که در همان آغاز و به یقین پیش از قیام زید بن علی در سال ۱۲۲ (العباسی ابن سمکه: ۲۳۱. نیز بنگرید: الوزراء و الکتاب: ۱۲۵ [بخوانید: و کان یقطین من وجوه الدعاة]، فهرست ابن ندیم: ۲۷۹) به نهضت عباسی پیوست. گفته می شود که او کسی بود که با برنامه ریزی زیرکانه سفاح را به رهبری نهضت رسانید (البدایة و النهایة: ۱۸۸/۱۰). پس از پیروزی انقلاب عباسی، وی به عنوان یکی از نزدیکان و رازداران خلفای عباسی در سمت های مختلف خدمت کرد (برای نمونه بنگرید: الهفوات النادره: ۳۸۱ ـ ۳۸۲). منصور در سال ۱۳۷ او را به مأموریت نزد ابومسلم خراسانی فرستاد (تاریخ طبری: ۴۸۲/۷ ـ ۴۸۳. نیز بنگرید: تاریخ بغداد: ۴۳۸/۱۱). وی در سال ۱۵۸ از معدود نزدیکان منصور عباسی بود که پس از مرگ وی، جسد او را در گور قرار دادند

ص: ۲۵۱

(تاریخ طبری: ۶۱/۸). مهدی عباسی در سال ۱۶۱ او را به اجرای طرح بزرگ اصلاح و تعمیر راه حج از بغداد به مکه گماشت (تاریخ طبری: ۱۶۱/۸، نیز ۱۵۰/۸)، سمتی که وی تا سال ۱۷۱ داشته است. همان خلیفه در سال ۱۶۷ وی

---

۲۲۶ . الاغانی: ۳۶۴/۱۴. مقـ : کشی در رجال: ۲۳۰ که می نویسد: یقطین مولی بنواسد فروشنده ادویه بوده است، به احتمال بر اساس هجویه ای که در اغانی: ۳۶۴/۱۴ نیز نقل شده و در آن از «ابزار» یقطین یاد آمده است، کلمه ای که در این سیاق می تواند غیر عربی بوده و معنایی غیر از ادویه داشته باشد.

را به نظارت بر طرح گسترش مسجد الحرام منصوب کرد (همان: ۱۶۵/۸. نیز بنگرید: تفسیر عیاشی: ۱۸۵/۱ ـ ۱۸۶). در سال ۱۶۹ وی سر حسین بن علی شهید فخ را که بر ضد عباسیان قیام کرده، شکست خورده و کشته شده بود برای هادی عباسی برد (طبری: ۳۰۳/۸، نیز ۱۹۹/۸). در سال ۱۷۸ یقطین به افریقیه فرستاده شد تا عبدویه را به اطاعت خلیفه عباسی وادار سازد (تاریخ طبری: ۲۵۶/۸). یقطین در سال ۱۸۵، سه سال پس از وفات پسرش، در بغداد درگذشت (تاریخ طبری: ۲۷۳/۸. ابن کثیر در البداية: ۱۸۸/۱۰، شاید به اشتباه، مرگ او را در سال ۱۸۶ نوشته است). یقطین، نه از پیروان ائمه اطهار بوده و نه به علویان دلبستگی داشته است (کافی: ۳۶۹/۱، و از آنجا در غیبت نعمانی: ۲۹۵ [مقـ : علل: ۲۶۸/۲]. نیز کافی:۱۳/۲ که همین مطلب را تأیید می کند). در زمان قیام زید بن علی، یقطین، عمیقا وابسته به عباسیان بوده و کوفه را همراه یکی از رؤسای محلی نهضت عباسی، ابوسلمه خلاّل (م ۱۳۲)، ترک کرده بود تا مجبور به حمایت از زید نشود. این دو بعد از سرکوبی قیام و کشته شدن زید، به کوفه بازگشتند (العباسی: ۲۳۱). ابن ندیم در فهرست: ۲۷۹ (و از آنجا در فهرست طوسی: ۹۱) به خطا رفته و یقطین را پیرو امامان معرفی کرده است. ابن ندیم به روشنی اطلاعات مربوط به علی بن یقطین را به پدر او نسبت می دهد. یقطین چندان از حامیان وفادار نهضت عباسی بوده است که پسرش علی نگران بود که نفرینی که گفته می شد امام صادق (ع) بر کسانی که عباسیان را به قدرت رسانیدند فرموده بود شامل یقطین و فرزندان او هم بشود (کافی: ۱۳/۲; نیز رجال کشی: ۴۳۵ ـ ۴۳۶ که در آن، روایت به شکل محرفی آمده است). با این همه، هر چهار فرزند یقطین از پیروان امام کاظم (ع) بودند،[۲۲۷] چنان که به نظر می آید نسلهای بعدی آنها هم چنین بوده اند.[۲۲۸]

[۱۹۶] در باره مقام والای علی بن یقطین در دربار عباسی، بنگرید: طبری: ۱۶۸/۸، ۱۷۰، ۲۲۱; اخبار الوزراء و الکتاب: ۱۳۲; مروج: ۱۸۱/۴ ـ ۱۸۲ (نیز بنگرید: قرب الاسناد: ۳۰۵). در وقت درگذشت او، محمد امین ولی عهد هارون بر جسد او نماز گزارد (فهرست ابن ندیم: ۲۷۹، فهرست طوسی: ۹۱). در

رجال کشی: ۴۳۰ سال درگذشت او ۱۸۰ آمده که به احتمال زیاد اشتباه است. فرزندانش حسن و حسین از دانشمندان امامی نسل بعد هستند که از امامان روایت می کردند. او فرزندی هم با نام عیسی داشته است (تهذیب: ۴۵۶/۷).

۱ ـ کتاب ما سئل عنه الصادق (ع) من امور الملاحم

۲ ـ کتاب مناظراته مع الشاک بحضرة جعفر

ابن ندیم (الفهرست: ۲۷۹) این دو کتاب را از آثار ابن یقطین یاد کرده است (نیز با تغییرات جزئی در فهرست طوسی: ۹۱). این در حالی است که شرح حال نویسان و مؤلفان کتب حدیث شیعه از این دو کتاب آگاهی نداشته اند. موضوع این هر دو اثر با طبیعت علی بن یقطین و روایات او تناسبی ندارد. نزدیک ترین حدّی که علی بن یقطین هرگز به

۲۲۷ . **رجال کشی**: ۴۲۷. در آنجا اسامی این پسران به این شرح آمده است: علی، عبید (که در **تاریخ طبری**: ۱۹۹/۸، **فهرست** ابن ندیم: ۲۷۹، **تهذیب**: ۴۵۶/۷ هم یاد شده و او جدّ دانشمند برجسته امامی میانه قرن سوم، ابوجعفر محمد بن عیسی بن عبید یقطینی بوده است)، خزیمه، و یعقوب (که در **تهذیب**: ۴۱۲/۶ نیز از او یاد شده است).

۲۲۸ . **تهذیب**: ۴۵۶/۷. نیز بنگرید: **البیان و التبیین**: ۳۴۵/۳ که می گوید بعضی از اولاد یقطین شیعه هستند و اشعاری در این باره نقل می کند.

موضوع کتاب اول (پیشگویی ها) نزدیک شده روایتی در علل: ۲۶۸/۲ است که در آن علی بن یقطین از امام کاظم (ع) پرسش می کند که چرا روایاتی که آینده ای طلایی برای شیعیان پیشگویی کرده به صحّت نپیوسته است. عنوان کتاب دوم حتی اشکال بیشتری دارد، زیرا در هیچ موردی، از علی بن یقطین به عنوان متکلم و مُناظِر یاد نشده است. اما در این مورد دوم، به نظر می رسد ابن ندیم کتابی از یونس بن عبدالرحمان، دانشمند مشهور شیعی اواخر قرن دوم هجری، را به علی بن یقطین نسبت داده باشد. یونس از موالی علی بن یقطین[۲۲۹] و شاگرد هشام بن حکم، متکلم معروف شیعی آن زمان، بوده که بحث های کلامی امام صادق (ع) و هشام بن حکم را روایت کرده است (برای نمونه: کافی: ۷۱/۱، توحید: ۲۷۱ ـ ۲۷۵). به احتمال زیاد، ابن ندیم، عنوان دوم را در لیست آثار هشام به عنوان بحث او با یک شکاک در حضور امام صادق (ع) که توسط «یونس بن عبدالرحمان مولی علی بن یقطین» تدوین شده، دیده بوده است، اما سبق ذهن یا تصحیف نسخه سبب شد که ابن ندیم آن را به علی بن یقطین نسبت دهد. این کتاب، می تواند همان متن طولانی گفتگوی هشام بن حکم با یک کشیش کاتولیک باشد که به روایت یونس بن عبدالرحمان در توحید: ۲۷۰ ـ ۲۷۵ آمده است، یا چیزی شبیه به آن.[۲۳۰]

ص: ۲۵۳

[۱۹۷] ۳ ـ کتاب مسائل ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام

دفتری که علی بن یقطین در آن، متن پاسخ های امام را به پرسش های خود گرد آورده و شماری از راویان از جمله احمد بن محمد بن خالد برقی و احمد بن هلال از طریق حسن بن علی بن یقطین (نجاشی: ۲۷۳; فهرست طوسی: ۹۱) روایت کرده اند. بسیاری از نقلها از این مؤلف در کتابهای بعدی از طریق برقی (بنگرید: معجم خویی: ۳۱۶/۵ ـ ۳۱۹) و گاهی از طریق احمد بن هلال (برای نمونه: تهذیب: ۱۵۷/۸)، هر دو به روایت از حسن،[۲۳۱] آمده و بنابر این به نظر می رسد کتابی که نجاشی: ۴۵ و طوسی: ۴۸ با همین عنوان به حسن بن علی بن یقطین نسبت می دهند، نسخه ای از همین کتاب یا دست بالا تحریری از آن باشد. در آنجا هم برقی به عنوان راوی اصلی کتاب شناسانده شده است.

نقلهای فراوانی که در کتابهای حدیثی شیعه از علی بن یقطین از امام کاظم (ع) آمده، به احتمال زیاد در اصل از همین اثر گرفته شده است. از آن جمله است این موارد:

نوادر احمد بن محمد بن عیسی: ۸۷، ۱۰۴ (بنگرید به توضیح مصحح در پاورقی)

بصائر: ۳۱۶، ۳۱۷

تفسیر عیاشی: ۴۷/۱

---

۲۲۹ . «مولی علی بن یقطین». بنگرید: رجال کشی: ۴۸۷، ۴۹۱، ۴۹۸; نجاشی: ۴۴۶; رجال طوسی: ۳۴۶، ۳۷۸.

۲۳۰ . در حقیقت، مورد دیگری در فهرست آثار هشام در نجاشی: ۴۳۳ وجود دارد که تألیف علی بن منصور شاگرد دیگر هشام است. این شاگرد سخنان هشام را در موضوع امامت در این اثر گرد آورده بود.

۲۳۱ . برداشت اشتباهی که در **معجم** خویی: ۲۳۶/۱۲، ۲۳۷ و **قاموس الرجال** تستری: ۶۱۹/۷ ـ ۶۲۰ در تشخیص مرجع ضمیر «عنه» در جمله «احمد بن هلال، عنه» در فهرست طوسی: ۹۱ شده است، باید اصلاح شود.

کافی: ۳۶۹/۱، ۱۳/۲، ۱۸/۳، ۴۶، ۱۵۵، ۱۶۸، ۱۹۲، ۴۳۵، ۵۱۸، ۵۳۹، ۵۴۷ ـ ۵۴۸، ۳۱۲/۴، ۳۸۰، ۵۲۴، ۱۱۰/۵، ۱۱۲، ۲۹۲، ۴۵۲، ۵۴۰، ۳۶/۶، ۴۰۶، ۴۱۲ (دو روایت)، ۵۰۲، ۴۶/۷

طب الائمة: ۸۷ (بخوانید «عن ابی الحسن موسی»)

امالی صدوق: ۴۵۹ ـ ۴۶۰ (نیز عیون اخبار الرضا: ۷۹، مهج الدعوات: ۴۳ ـ ۴۵ با یک بند اضافی)

من لایحضر: ۱۱۴/۱، ۲۶۷، ۲۷۱، ۴۱۵، ۴۴۶، ۴۵۱، ۳۶/۲، ۳۹، ۲۲۲، ۵۲۴، ۶۷/۳، ۱۷۶، ۲۵۱، ۲۰۹/۴، ۳۰۴

علل: ۶۷/۱ (نیز معانی: ۳۵۳)

توحید: ۳۵۲ ـ ۳۵۳، ۴۶۰

ثواب الاعمال: ۱۶۹، ۲۰۳

[۱۹۸] تهذیب: ۱۹/۱، ۱۱۱ ـ ۱۱۲ (دو روایت)، ۱۴۲، ۱۴۷، ۲۲۱ ـ ۲۲۲، ۲۳۷، ۲۷۱، ۳۲/۲، ۷۶، ۱۰۳، ۱۴۳، ۱۵۷، ۱۶۶، ۱۸۷، ۲۱۱، ۲۵۳ (تکرار شده در ۳۰۷)، ۲۷۹، ۲۹۶، ۳۴۰، ۳۷۴، ۷/۳،

ص: ۲۵۴

۸، ۱۲، ۳۶، ۲۰۹، ۲۱۲ ـ ۲۱۳ (چهار نسخه از یک روایت)، ۲۴۶ ـ ۲۴۷ (دو روایت)، ۲۶۷، ۲۷۷، ۲۹۶، ۲۹۸، ۲۲۸/۴، ۱۰۸/۵، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۴۲، ۱۷۳، ۲۴۱، ۴۳۰، ۴۴۰، ۲۵۵/۶، ۲۲/۷، ۸۰، ۹۲، ۱۵۷/۸ ـ ۱۵۸، ۲۴۴، ۲۵۳، ۲۶۱، ۲۸۶، ۳۸۲، ۴۶۰، ۱۲۶/۹ ـ ۱۲۷، ۱۳۷، ۲۴۳، ۳۳۰

مکارم الاخلاق: ۱۹۰

غیاث سلطان الوری: ۷

۳۹ . عمار ثوبانی

عمار بن مروان کوفی خزاز، از موالی فرزندان ثوبان بن سالم یَشکُری، که از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) روایت می نمود.

رجال ابن غضائری: ۷۴، نجاشی: ۱۹۱، فهرست طوسی: ۱۱۷، رجال او: ۲۵۲

مشیخه: ۴۹۸ از یک عمار بن مروان کلبی نام می برد که رجال شناسان از او یاد نکرده اند; ولی در من لایحضر: ۱۴۲/۲، ۲۷۴ و خصال: (۳۲۹ ـ ۳۳۰ (نیز بنگرید: ۲۹۰) از او نقل شده است. روایتی که در من لایحضر: ۱۴۲/۲ آمده، در کافی: ۱۲۹/۴ با اسناد مشابهی از محمد بن مروان (کلبی) نقل شده که در رجال طوسی: ۱۴۴ در زمره راویان از امام باقر (ع) نامبردار است. این امر سبب شده است که مؤلف معجم رجال الحدیث: ۲۵۹/۱۲ احتمال دهد که شخصی به نام عمار بن مروان کلبی اساسا وجود نداشته و تصحیف یا خطایی در نسخه صدوق پیش آمده است. اما صدوق در این باره تنها نیست، زیرا محاسن: ۳۵۸ هم از راوی ما با عنوان عمار بن مروان کلبی نقل می کند.[۲۳۲]

کتاب

۲۳۲ . این مطلب در سیاق روایتی است که بر اساس اسناد آن، مربوط به راوی ماست. همان روایت در کافی: ۶۶۹/۲ از عمار بن مروان مطلق نقل شده است.

دفتر حدیث مؤلف که محمد بن سنان زاهری از او روایت می کند (نجاشی: ۱۹۱، فهرست طوسی: ۱۱۷). بیش از [۱۹۹]یکصد روایت از این مؤلف در کتابهای حدیثی شیعه، همه از طریق محمد بن سنان نقل شده است. فهرست این موارد را در معجم خویی: ۲۵۶/۱۲ ـ ۲۵۸، ۳۷۱ ـ ۳۷۳ و فهارس بحار الانوار: ۴۵۰/۹ ببینید.

ص: ۲۵۵

۴۰ . عمار ساباطی

ابوالفضل عمار بن موسی ساباطی،از موالی کوفه که در تیسفون می زیست و از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) روایت می کرد. وی یک فَطحی مذهب بود که به امامت امام کاظم پس از برادرش عبدالله افطح قائل بود، اما به عنوان جانشین عبدالله افطح نه جانشین امام صادق (ع). وقتی عبدالله افطح بدون جانشین مرد، برخی از فطحی ها به دیگر فرقه های شیعه پیوستند، اما بسیاری از آنان با همان موضعگیری عمار به جمع پیروان امام کاظم (ع) ملحق شدند. به همین دلیل، نویسندگان متقدم ملل و نحل از آنان با عنوان عماریه یاد می کنند، در انتساب به همین عمار که به وضوح مهم ترین عضو آن گروه بود. وی به دانش فقهی و ثروت شهرت داشته است.

برقی: ۹۴، ۱۱۷، رجال کشی: ۲۵۳ ـ ۲۵۴، ۴۰۶، ۵۰۴، نجاشی: ۲۹۰، فهرست طوسی: ۱۱۷، رجال او: ۲۵۱، ۳۴۰. نیز بنگرید: کافی: ۴۶۷/۵ (نیز متعه مفید: ۶۹).

برقی بر آن است که این راوی در اصل از مردم مدائن بوده ولی در کوفه می زیسته است. طوسی در رجال: ۳۴۰ عکس این را می گوید و وی را شخصی کوفی می شناسد که در مدائن زندگی می کرده است. سخن طوسی درست می نماید، زیرا راوی عمده عمار یعنی مَصْدق بن صَدَقة و کسی که از این مصدق نقل می کرد، همه از مدائن بودند. گاهی نیز افرادی نامشخص از مردمان آن شهر (برای نمونه رجال کشی: ۲۵۳) و به خصوص ساباط (کافی: ۵۰۱/۳، تکرار شده در ۲۷/۴) ـ ناحیه ای از مدائن (معجم البلدان: ۱۶۶/۳) که عمار خود به شهادت نام «ساباطی» در آنجا زندگی می کرده است - از وی نقل می کنند.

در باره عماریه که از فطحیه بودند، بنگرید: رجال کشی: ۲۶۶ (به نقل از ابن المُقْعَد نگارنده نخستین اثر در علم ملل و نحل در روزگار خلافت مهدی عباسی [خـ : ۱۵۸ ـ ۱۶۹])، ۲۸۴ ، مقالات الاسلامیین: ۹۹/۱، فرق الشیعة نوبختی: ۷۹، المقالات و الفرق: ۸۹; الفرق بین الفرق: ۶۲ (نیز بنگرید: الحور العین: ۱۶۴).

در باره ثروت وی بنگرید: کافی: ۵۰۱/۳ (تکرار شده در ۲۷/۴).

با آن که عمار یک فطحی سرسخت بود، امامیان او را یک راوی موثق می دانند (نجاشی: ۲۹۰، تهذیب: ۱۰۱/۷، المسائل العزیة: ۶۵) گرچه شیخ طوسی در مواردی، سخن خود را در این باره نقض می کند (مقـ : تهذیب: ۱۰۱/۷ با استبصار: ۳۷۲/۱). بیشتر روایات او با دیدگاه های معروف و معمول فقه امامی، همخوانی ندارد و به احتمال، نماینده یک جریان دگراندیش در ادوار نخستین مکتب فقهی

ص: ۲۵۶

شیعه بوده است. تستری در قاموس: ۱۹/۸ــ ۳۱ فهرستی از بیشتر این اختلاف نظرها را به دست می دهد که برخی از آنها در همان زمان، به آگاهی امامان نیز رسیده بود (برای نمونه: کافی: ۳۶۲/۳).

[۲۰۰] کتاب

دفتر حدیث مؤلف که راوی اواخر قرن دوم مَصْدَق بن صدقه از او روایت می کند (نجاشی: ۲۹۰، فهرست طوسی: ۱۱۷). طوسی آن را به عنوان یک کتاب خوب و بزرگ و معتبر وصف کرده است (فهرست: ۱۱۷). این کتاب در اواخر قرن هفتم در دسترس علامه حلی بوده و وی در مختلف: ۳۱۰/۸ از آن نقل کرده است. ابن طاوس در غیاث: ۴ از این اثر توسط یک کتاب نامشخص طوسی نقل می کند (نیز کتابخانه ابن طاوس: ۱۲۴). قسمت اعظم حدود پانصد روایت از این مؤلف در کتابهای حدیثی شیعه که در معجم خویی: ۲۴۶/۱۲، ۲۶۰، ۲۶۳ ـ ۲۶۴، ۲۷۲ ـ ۲۷۳، ۳۷۰ ـ ۳۸۴، ۱۰۱/۲۳ و فهارس بحار: ۴۴۷/۹، ۴۵۱ فهرست شده از راه همان مصدق بن صدقه است.

۴۱ . حُلوانی

ابوعثمان عمرو بن جُمَیع، یک راوی سنی میانه قرن دوم از شهر بصره، که دارای گرایش های شیعی بوده است. وی در بغداد زندگی می کرده و همان جا در مسجدی مجلس درس حدیث داشت. او در ادوار مختلفی از زندگی خود در حلوان و ری قاضی بوده، و از امام صادق (ع) و دیگران حدیث کرده است.

المعرفة و التاریخ: ۳۹/۳، برقی: ۹۲ (به جای «عبدی» بخوانید «ازدی»)، ضعفاء عقیلی: ۲۶۴/۳، الجرح و التعدیل: ۲۲۴/۶، کامل ابن عدی: ۱۷۶۴ ـ ۱۷۶۵، رجال کشی: ۳۹۰، نجاشی: ۲۸۸، فهرست طوسی: ۱۱۱، رجال او: ۱۴۲، ۲۵۱، لسان المیزان: ۲۹۵/۵ ـ ۲۹۶ (و منابع دیگری که در پاورقی مصحح در این مأخذ آمده است).

کنیه وی در منابع شیعی، ابوعثمان آمده; اما ابن عدی (کامل: ۱۷۶۴) آن را ابوالمنذر آورده است. منابع دیگر سنی هر دو را یاد کرده اند (بنگرید: میزان الاعتدال: ۲۵۱/۳، لسان المیزان: ۲۹۵/۵). او در منابع سنی به عنوان قاضی حلوان (کرمان که در کتاب الضعفاء نسائی: ۱۸۴ آمده، تقریبا به طور یقین تصحیف همان حلوان است)، و در منابع شیعی به عنوان قاضی ری (نجاشی: ۲۸۸، رجال طوسی: ۲۵۱) شناخته می شود.

نسخه / کتاب

دفتر حدیث مؤلف (نجاشی: ۲۸۸، فهرست طوسی: ۱۱۱) که جمعی از جمله یونس بن عبدالرحمان در میان امامیه (فهرست طوسی: ۱۱۱، چنان که در محاسن: ۸، ۱۱، ۴۴۳، ۴۴۵، کافی: ۸۳/۲، معانی: ۳۰۲) و عبدالله بن داهر رازی از زیدیه (بنگرید به مواردی که از امالی احمد بن عیسی و امالی ابوطالب در ذیل لیست شده) از او روایت کرده اند. امامیه،

طبعا به طور عمده [۲۰۱] به نقلهای او از امامان خویش نظر داشتند. در اینجا فهرستی از روایات او از امامان، به ویژه امام صادق (ع)، ارائه می شود که ظاهراً عمده مطالب کتابش را تشکیل می داد:[۲۳۳]

محاسن: ۸، ۵۴، ۲۴۱ (نیز توحید: ۳۱۳، معانی: ۱۱ [بخوانید «عمرو بن جمیع»، چنان که در بحار ۲۱۸/۹۰])، ۴۴۳، ۴۴۵ (دو روایت)

امالی احمد بن عیسی: ۱۱۶/۱، ۸/۳ ـ ۹ (دو روایت)، ۱۶۵، ۱۸۸، ۲۶۳/۴، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۸، ۳۴۰، ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۵۶ (دو روایت)، ۳۵۸ (دو روایت)، ۳۶۲ ـ ۳۶۳ (پنج روایت)

تفسیر عیاشی: ۲۵/۱، ۱۲۰

ضعفاء عقیلی: ۲۶۴/۳ (با وسائط از امام حسن مجتبی (ع)، همچنین در کامل ابن عدی: ۱۷۶۴، اما در میزان الاعتدال: ۲۵۱/۳ [و از آنجا در لسان المیزان: ۲۹۶/۵] به نقل از عُقَیلی، این روایت را عمرو از امام صادق [ع] نقل می کند)

کافی: ۸۳/۲، ۸۷، ۱۱۴، ۲۳۳ (بخوانید «ازدی» به جای «عبدی»)، ۴۴۲، ۴۴۵، ۴۶۷، ۶۰۴، ۶۲۱، ۳۶۹/۳، ۵۰۴، ۳۴/۵، ۷۲ (نیز توحید: ۲۱۵)، ۱۴۷ (دو روایت)، ۳۲۵، ۵۶۹، ۲۹۷/۶، ۳۰۰، ۵۳۹

ایضاح قاضی نعمان: ۱۷۸

کامل ابن عدی: ۱۷۶۴ ـ ۱۷۶۵ (پنج روایت از امام علی (ع)، یکی همان که در ضعفاء عقیلی: ۲۶۴/۳ است و دیگری نیز در اخبار اصبهان: ۱۵۷/۱)

امالی صدوق: ۵۶۱

ص: ۲۵۸

من لایحضر: ۷۱/۳، ۲۷۲

علل: ۷/۱

عقاب الاعمال: ۲۶۵

کمال الدین: ۲۳۶ ـ ۲۳۷

خصال: ۴۸۰ ـ ۴۸۱

معانی: ۲۰۰ (نیز شعب الایمان بیهقی: ۲۲۳/۱)، ۳۰۰ ـ ۳۰۲ (چهار روایت)، ۳۴۴ ـ ۳۴۵

ثواب الاعمال: ۱۶، ۱۳۱

امالی ابی طالب: ۱۴۵، ۱۶۸ (نیز میزان الاعتدال: ۲۵۱/۳)، ۲۳۸، ۳۶۵ ـ ۳۶۶، ۳۷۷

حلیة الاولیاء: ۱۹۶/۳ ـ ۱۹۷

اذان شجری: ۷۰

امالی طوسی: ۴۹۷

---

۲۳۳ . نقلهای دیگری هم از این مؤلف در فضائل امام علی (علیه السلام) وجود دارد که از اعمش و ابن ابی لیلی و دیگران روایت کرده است. برای برخی از این نمونه ها، و همچنین برخی از مرویات دیگر او در آثار شیعه، بنگرید: **فضائل الصحابه** احمد بن حنبل: ۶۲۸ (و از آنجادر **تاریخ دمشق**: ۴۳/۴۲، ۳۱۳)، **محاسن**: ۱۱، **امالی صدوق**: ۳۶۷ ـ ۳۶۹، **خصال**: ۴۴۹، **ثواب الاعمال**: ۱۶، **شواهد التنزیل**: ۱۸۴/۲ (نیز بنگرید: **تاریخ دمشق**: ۳۶/۵۶).

تهذیب: ۲۰۱/۳، ۱۹۱/۴، ۱۹۸
[۲۰۲] مسند فردوس (ازبک: ۲۲۱۵)
ذیل تاریخ بغداد ابن النجار: ۶۲/۲

۴۲ . ابوخالد واسطی

ابوخالد عمرو بن خالد واسطی، مولی بنی هاشم، از مردمان کوفه که به واسط مهاجرت کرد. وی زیدی مذهب بوده و به عنوان راوی آثار زید بن علی (از جمله مجموع، مناسک، و تفسیر غریب القرآن) شهرت دارد.[۲۳۴]

تاریخ یحیی بن معین: ۴۴۲/۲، علل احمد: ۲۴۶/۱; ۵۵۸/۲، ۱۶/۳، ۱۲۸، تاریخ کبیر بخاری: ۳۲۸/۶، المعرفة و التاریخ: ۷۰۰/۱، ۳۹۵/۲، ۴۳۶/۳، برقی: ۵۲، ضعفاء نسائی: ۱۸۵، ضعفاء عقیلی: ۲۶۸/۳، الجرح و التعدیل: ۲۳۰/۶، رجال کشی: ۲۳۱ ـ ۲۳۲، ۳۹۰، مجروحین ابن حبان: ۷۶/۲، ضعفاء دارقطنی: ۱۳۳، کامل ابن عدی: ۱۷۷۴ ـ ۱۷۷۸، فهرست ابن ندیم: ۲۷۵، نجاشی: ۲۸۸، رجال طوسی: ۱۸۲، تهذیب الکمال: ۶۰۳/۲ ـ ۶۰۷ (و مآخذ بسیار دیگر که در پاورقی مصحح در این مأخذ فهرست شده است).

جد این راوی از موالی عقیل بن ابی طالب بوده است (المعرفة و التاریخ: ۷۰۰/۱). به گفته کشی

ص: ۲۵۹

(رجال کشی: ۲۳۲) وی در مجاورت مسجد سماک در کوفه زندگی می کرد مسجدی که در زمان عمر در محله بنونصر بن قُعَین بنا شده و بزرگترین مسجد بنواسد در کوفه بود (اغانی: ۲۵۱/۱۱). مسجد یاد شده، بعدها با نام مسجد الحوافر شهرت یافت و در راسته آهنگران شهر قرار داشت (المزار الکبیر: ۱۲۰). در واقع، جدّ سماک نخستین آهنگر شهر بوده است (فتوح البلدان: ۳۴۸). اُقَیشر (م ۸۰) و اَخْطل (م ۹۰) شاعران اموی، اشعاری در باره این مسجد سروده اند، یکی در هجو و دیگری در ستایش آن (اغانی: ۲۵۱/۱۱، فتوح البلدان: ۳۴۸). انساب الاشراف۲: ۲۰۷، ۳۳۸، نام این مسجد برگرفته از نام سماک بن مَخْرمه بن حُمَین اسدی (فتوح البلدان: ۳۴۸، الجرح و التعدیل: ۲۷۹/۴، الاکمال: ۵۳۴/۲، قاموس المحیط: ۷۱۸/۱. نیز بنگرید: کافی: ۴۹۰/۳، خصال: ۳۰۱) رئیس گروه مخالفان امام علی (ع) در کوفه در زمان خلافت آن حضرت بوده است. سماک به طرفداری از معاویه برخاست و به اجبار کوفه را به قصد رَقّه ترک کرد. او با مالک اشتر، فرمانده امام علی (ع)، جنگید (وقعة صفین: ۱۲، ۱۴۶، الغارات: ۳۲۳ ـ ۳۲۵، فتوح البلدان: ۳۴۸). بعدها وی یکی از عثمانی های کوفه بود که علیه حُجر بن عدی، شیعه استوار و والامقام امام علی (ع)، در سال ۵۱ در زمینه سازی برای قتل او به دست مأموران معاویه شهادت داد (اغانی: ۱۴۶/۱۷). گفته می شد که امام علی (ع) هرگز در آن مسجد نماز نگزارد (همان: ۲۵۱/۱۱) و بعدها این مسجد را دشمنان او به شادمانی کشته شدن امام حسین (ع) بازسازی کردند (الغارات: ۴۸۴. نیز کافی: ۴۹۰/۳، خصال: ۳۰۱، امالی طوسی: ۱۶۹). تا قرن چهارم، شیعیان کوفه همچنان از این مسجد دوری می کردند و منطقه پیرامون آن به طور عمده محل سکونت عثمانیّه بود (اغانی: ۲۵۱/۱۱).

محله یاد شده نمی توانست تمایلات شیعی ابوخالد واسطی را برای همیشه تحمل کند. ابن عدی از وکیع بن جرّاح کوفی (م ۱۹۷) نقل می کند که عمرو بن خالد [۲۰۳] در مجاورت ما سکونت داشت، اما وقتی روشن شد که او یک دروغگوست (اشاره ای روشن به روایات او در هواداری از امیر مؤمنان [ع]) مجبور شد به واسط برود (کامل: ۱۷۷۴).

۲۳۴ . بنگرید تاریخ ادبیات عرب از سزگین، اصل آلمانی: ۵۵۲/۱ ـ ۵۵۷، ۵۵۹.

پس سخن خطیب در الموضح: ۲۸۸/۲ که ابوخالد در اصل، واسطی بوده و در کوفه زندگی می کرده، اگر فقط به استناد شهرت واسطی اوست، نباید درست باشد; زیرا این شهرت چه بسا در نتیجه مهاجرت و اقامت بعدی او در آن شهر باشد مگر آن که سندی باشد که او در واقع به موطن اصلی خود بازگشته بود. روایات این مؤلف، با استثناءات نادر،[۲۳۵] تماما از زید بن علی و امام باقر (ع) می باشد.

ص: ۲۶۰

کتاب

(فهرست ابن ندیم: ۲۷۵ [و از آنجا در فهرست طوسی: ۱۸۹]، نجاشی: ۲۸۸). نجاشی که این مؤلف را به عنوان راوی از زید بن علی می شناسد، اثر او را به عنوان کتابی بزرگ وصف می کند که نصر بن مزاحم منقری آن را از مؤلف روایت می کرد. به نظر می رسد که اشاره او به کتاب مجموع زید بن علی باشد که تحت عنوان مسند الامام زید انتشار یافته و آن را عمرو بن خالد از مرویات زید فراهم آورده و نصر بن مزاحم از وی، به واسطه ابراهیم بن الزبرقان (مسند زید بن علی: ۵۰) روایت کرده است. نقلها از این کتاب، معمولا از طریق راوی عمده دیگر آن: حسین بن علوان کلبی، به وفور در منابع حدیثی سنی، زیدی و امامی آمده است. بخش دیگری از روایات این مؤلف در آثار متأخرتر[۲۳۶] مرویات او از امام باقر (ع) است که نمونه های آن چنین است:

تاریخ واسط: ۱۹۳ (نیز میزان الاعتدال: ۲۵۸/۳)

امالی احمد بن عیسی: ۱۸/۱، ۲۳، ۳۱، ۴۳، ۵۰، ۵۵، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۷۵، ۸۱، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۷۲، ۱۸۵، ۱۹۸، ۲۰۹، ۲۲۶، ۲۴۴، ۳۰۹، ۳۲۰، ۳۳۶، ۳۴۳، ۳۹۰، ۳۹۲، ۴۰۱، ۴۰۴، ۳۳۹/۲، ۹۰/۳، ۱۰۳، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۳۲، ۱۶۹، ۲۶۸/۴

کافی: ۷۵/۲ ـ ۷۶، ۳۹۳/۳، ۹۲/۴

رجال کشی: ۲۳۱ ـ ۲۳۲ (نیز امالی صدوق: ۴۱۵)

[۲۰۴] امالی ابی طالب: ۲۷۵

تسمیة من روی عن الامام زید: ۱۰۶

سنن بیهقی :۲۸۳/۹

امالی طوسی: ۵۸۵

تهذیب: ۳۱۰/۸

۲۳۵ . از جمله در مصنفِ عبدالرزاق: ۳۵۰/۲ (و از آنجا در **المعرفة و التاریخ**: ۷۰۰/۱)، **امالی** صدوق: ۵۶۳، ۶۸۱ (نیز **ثواب**: ۶۸ ـ ۶۹)، **کمال الدین**: ۲۸۰ (متنی دست برده شده، نیز در **عیون اخبار الرضا**: ۶۴/۱)، **ثواب**: ۷۶، **امالی** طوسی: ۶۳۲، **کامل** ابن عدی: ۱۷۷۶ ـ ۱۷۷۸ (دوازده روایت)، **موضح** خطیب: ۲۸۸/۲ ـ ۲۹۱، **فلاح السائل**: ۲۵۲ ـ ۲۵۸، **میزان الاعتدال**: ۲۵۸/۳.

۲۳۶ . این نقلها نیز از طریق حسین بن علوان یا نصر بن مزاحم، با توسط ابراهیم بن الزبرقان (برای نمونه: **امالی** طوسی: ۴۸۹) یا بدون آن (چنان که در وقعه صفین: ۱۳۴، **امالی احمد بن عیسی**: ۱۲۰/۳، ۱۲۲، ۳۷۴/۴، **امالی** صدوق: ۱۳۶ ـ ۱۳۷ [نیز **خصال**: ۴۲۹]، **الفقیه و المتفقه**: ۴۵/۱، **بشارة المصطفی**: ۱۲۸، **فلاح السائل**: ۲۵۲ ـ ۲۵۸) است.

ص: ۲۶۱

مسند فردوس: (ازبک: ۶۸۲، و از مسند فردوس در علل ابن جوزی: ۹۳۳)

مجمع البیان: ۲۳ /۱۵۳ (از تفسیر عیاشی. مقـ : شواهد التنزیل: ۱۷۷/۲)

۴۳ . ابوعبدالله جُعْفی

ابوعبدالله عمرو بن شِمْر (یا شَمِر) بن یزید جُعفی، از عرب نژادان کوفه، یک راوی حدیث که در میان سنیان و شیعیان شهر شناخته بود. وی از امام صادق (ع) و جابر جعفی روایت می کرد.

تاریخ یحیی بن معین: ۴۴۶/۲، تاریخ کبیر بخاری: ۳۴۴/۶، برقی: ۹۲، ضعفاء نسائی: ۱۸۵، ضعفاء عقیلی: ۲۷۵/۳، الجرح و التعدیل: ۲۳۹/۶ ـ ۲۴۰، مجروحین ابن حبان: ۷۵/۲، کامل ابن عدی: ۱۷۷۹ ـ ۱۷۸۲، رجال ابن غضائری: ۷۴، ضعفاء ابونعیم: ۱۱۸، نجاشی: ۲۸۷، فهرست طوسی: ۱۱۲، رجال او: ۱۴۱، ۲۵۰، لسان المیزان: ۳۰۹/۵ ـ ۳۱۱ (و منابع بسیار دیگری که در پاورقی مصحح در این مأخذ آمده است).

ابن عدی در کامل: ۱۷۷۹ به نقل از حسین جعفی مؤذن گزارش می کند که عمرو بن شمر، سی سال امام مسجد بود. این باید مسجد جعفی کوفه باشد که در بیرون دیوار شهر قرار داشت (تنبیه الخواطر ورام: ۳۰۴) و پاتوق شیعیان عرب شهر کوفه بود (الغارات: ۴۸۴ [بخوانید: «ناس من العرب من اولیاءنا»، چنان که در امالی طوسی: ۱۶۸]). این مسجد به عنوان پایگاهی برای شیعیان، در شمار مساجد متبرک شهر به شمار می رفت (المزار الکبیر: ۱۴۹ ـ ۱۵۳)، گرچه برخی گزارش ها می گوید که مسجدی که شیعیان در اواخر دوره اموی آن را متبرک می دانستند، مسجد قدیم جعفی بوده که به تدریج از میان رفته بود (کافی: ۴۹۰/۳، خصال: ۳۰۱). گزارشی در مناقب ابن شهرآشوب: ۱۸۷/۴ تأیید می کند که مسجد قدیم جعفی پیش از پایان یافتن دوره اموی رو به ویرانی نهاده بود.

در برخی از آثار رجالی سنی از این راوی به عنوان شیعی یاد شده است (برای نمونه: مجروحین ابن حبان: ۷۵/۲). دیگران او را متهم می کنند که برای شیعیان، حدیث جعل می کرده است (بنگرید: میزان الاعتدال: ۲۶۹/۳). اما علی رغم این حقیقت که او روایات تند شیعی جابر جُعفی و مطالبی مانند کتاب حدیث الشوری وی را (بنگرید: بخش دوم همین کتاب، ش ۷، مدخل جابر جُعْفی) روایت می کرد، به نظر نمی رسد که خود شخصا یک شیعه متصلب بوده است. گزارشی از وی در تاریخ دمشق: ۲۸۶/۵۴ گروهی از مردم عراق را که مدعی محبت نسبت به خاندان پیامبرند اما به ابوبکر و عمر بی احترامی می کنند، محکوم می کند. روایات غیر شیعی وی هم اندک نیست (برای نمونه بنگرید:

ص: ۲۶۲

کامل ابن عدی: ۱۷۸۰ ـ ۱۷۸۱، ضعفاء عقیلی: ۲۷۶/۳، موضح خطیب: ۸۰/۱، ۲۹۵/۲ ـ ۲۹۷).

[۲۰۵] کتاب

(فهرست طوسی: ۱۱۲). چنان که در مدخل جابر جعفی گذشت عمرو، راوی عمده آثار جابر بوده و مطالبی بر آن افزوده است. نتیجتا برخی از این آثار را در صورت تحریر شده آن بدو نیز منسوب می نمودند (نجاشی: ۲۸۷). اثر مورد بحث، چیزی جز آثار جابر جعفی بود که توسط وی روایت شده بود. این کتاب، به احتمال بسیار، دفتر احادیث خود او بود که مشتمل بر روایاتی نیز بود که وی از طریقی به جز جابر روایت می کرد. نقلهای فراوانی از این قبیل را می توان در آثار حدیثی سنی و زیدی دید، اما بیشترین تعداد آن در منابع امامی آمده است. فهرست این نقلها را در معجم خویی: ۱۰۸/۱۳، ۳۹۸ ـ ۴۰۳، و فهارس بحار: ۴۷۸/۹ ـ ۴۷۹ ببینید.

۴۴ . ابن ابی المقدام

ابومحمد عمرو بن ابی المقدام ثابت بن هرمز کوفی، از موالی بنو عِجْل (تیره ای از بکر بن وائل)، و از روات شناخته شده در سنت حدیثی سنی و شیعی. وی از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) و دیگران روایت حدیث می کرده و به سال ۱۷۲ درگذشته است.

طبقات ابن سعد: ۲۶۷/۶، تاریخ کبیر بخاری: ۳۱۹/۶، صحیح مسلم: ۱۶، سنن ابی داود: ۷۷/۱، برقی: ۵۲، ۶۳، الجرح و التعدیل: ۲۲۳/۶، رجال کشی: ۳۹۲، رجال ابن غضائری: ۷۳، ۱۱۱، نجاشی: ۲۹۰، رجال طوسی: ۱۴۱، ۲۴۸، ۲۶۵ (و منابع دیگری که در پاورقی های مصححان تهذیب الکمال: ۵۵۳/۲۱ ـ ۵۵۹ و تاریخ الاسلام ذهبی: ۱۱ [سالهای ۱۷۱ ـ ۱۸۰]/۲۷۹ آمده است).

منابع سنی، به طور عموم، این راوی را به داشتن گرایش های تند شیعی متهم می کنند (طبقات ابن سعد: ۲۶۷/۶، سنن ابی داود: ۷۷/۱، الجرح والتعدیل: ۲۲۳/۶) در حدی که سَلَف را دشنام می داد (صحیح مسلم: ۱۶، ضعفاء عقیلی: ۲۶۲/۳). احمد بن حنبل می گوید که این شخص، به طور خاص، به عثمان ناسزا می گفت. دیگران گواهی داده اند که وی تمام اصحاب پیغمبر (ص) را به جز چهار نفر، کافر می دانست (ضعفاء عقیلی: ۲۶۱/۳، سؤالات آجرّی: ۲۱۲/۳ [اینجا «به جز پنج نفر» آمده است])[۲۳۷]

ص: ۲۶۳

مطلبی که در تشیع کهن کوفه، شناخته شده است. روایات وی در منابع شیعی، گرایش شدید شیعی وی را تأیید می کند،[۲۳۸] نیز این مطلب را که او در حالی که با محافل حدیث سنی در ارتباط بوده (چنان که از تفسیر عیاشی: ۲۱۶/۱ به دست می آید) اما خود را بیشتر با شیعیان می دانسته است. پدر وی، ثابت بن هرمز، [۲۰۶] از امام سجاد (ع) و امام باقر (ع) (نمونه ها در اصل عباد بن یعقوب: ۱۵ ـ ۱۷ [چهار روایت]، کافی: ۱۸۸/۳، خصال:۴۴۴ [نیز صفات الشیعة: ۱۹۸ ـ ۱۹۹، تکرار شده در ۲۰۲]، اذان ابوعبدالله شجری: ۲۸ ـ ۲۹) روایت می کرده است (نجاشی: ۱۱۶، تهذیب

---

۲۳۷ . در مصادر امامی نیز این سخن از وی در **اختصاص**: ۶ (ولی در اینجا: «به جز سه نفر») در ماجرای حوادث سقیفه و انتخاب ابوبکر به عنوان خلیفه نقل شده است. برای روایت دیگری از ابن ابی المقدام در محکومیت ماجرای سقیفه، بنگرید: **تفسیر عیاشی**: ۲۰۰/۱، ۶۶/۲ ـ ۶۸، **کافی**: ۲۷۰/۸. عدد سیزده در مأخذ نگاره **الفرق بین الفرق**: ۳۰۸ (و اما الامامیة فقد زعم اکثرهم ان الصحابة ارتدت بعد النبی سوی علیّ و ابنیه و مقدار ثلاثة عشر منهم ظاهرا وهم کاتب بوده است.

۲۳۸ . برای نمونه بنگرید: **تفسیر عیاشی**: ۲۰۰/۱، ۶۶/۲ ـ ۶۸، **کافی**: ۲۱۲/۸ ـ ۲۱۴، **خصال**: ۳۶۴ ـ ۳۸۲. نیز بنگرید به گفته وی در باره امام صادق (ع) در **کامل** ابن عدی: ۵۵۶.

الکمال: ۳۸۰/۴ ـ ۳۸۱، و بسیاری از منابع دیگر که در پاورقی همین مأخذ آمده است). نجاشی یک دفتر احادیث (نسخه) به او نسبت می دهد.

به روایت عَبّاد بن یعقوب رواجنی در تاریخ اوسط بخاری: ۱۰۴/۲ و تاریخ کبیر او: ۳۱۹/۶، سال وفات وی ۱۷۲ بوده است. ابن سعد (طبقات: ۲۶۷/۶) سال خاصی را یاد نکرده، اما می گوید وی در دوران خلافت هارون (۱۷۰ ـ ۱۹۳) درگذشت.

۱ ـ کتاب المسائل التی أخبر بها أمیرالمؤمنین الیهودی

این کتاب در فهرست طوسی: ۱۱۱ به عنوان کتابی از ابن ابی المقدام یاد شده; گرچه این مطلب در مدخلی که به این مؤلف مربوط نیست، آمده است (بنگرید: قاموس الرجال: ۱۴۴/۸). این کتاب که به روشنی یک جزوه تبلیغی شیعی از اواخر دوره اموی بوده و عمرو آن را از دو منبع برجسته حدیث نقل می نمود، در خصال: ۳۶۴ ـ ۳۸۲ باقی مانده است.

۲ ـ کتاب

دفتر حدیث مؤلف که به گفته نجاشی کتاب کوچکی بود که عَبّاد بن یعقوب رواجنی از او روایت می کرد. قطعه ای مشتمل بر یازده روایت از این مؤلف، در نسخه اصل عباد بن یعقوب (۱۵ ـ ۱۷) باقی مانده که به روشنی از کتاب مورد بحث می باشد. در واقع، با یک نقل اضافی که در اصل عَبّاد: ۱۸ آمده، تعداد نقلهای برجای مانده از ابن ابی المقدام به دوازده عدد (از مجموع

هیجده روایتی که اصل عباد را تشکیل می دهد) بالغ می شود. نقلهای دیگر از این مؤلف، با وساطت عباد، که می باید جزو اثر مورد نظر بوده باشد، مشتمل بر موارد زیر است:

مناقب امام امیرالمؤمنین (ع): ۲۸۸/۱، ۳۲۸ (دو روایت)، ۳۸۴، ۳۸۵، ۴۷۷، ۵۱۱، ۳۶۶/۲، ۳۶۷ (نیز در کامل ابن عدی: ۱۷۷۳)، ۳۹۰، ۴۰۲، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۹

مقاتل الطالبیین: ۵۱ ـ ۶۷، ۶۷ ـ ۶۹

کامل ابن عدی: ۱۷۷۲، ۱۷۷۳

کامل الزیارات: ۱۹۶، ۴۵۰ ـ ۴۵۱، ۴۵۴

امالی صدوق: ۲۰۳

مأة منقبة: ۴۹ ـ ۵۰

تلخیص الشافی: ۴۸/۳

[۲۰۷] ۴۵ . ابوضَمرة

ابوضمرة انس بن عیاض، از عرب نژادان مدینه، از قبیله بنولیث بن بکر بن عبدمنات، و از روات سنی حدیث که از امام صادق (ع)[۲۳۹] و دیگران نقل حدیث می کرد. وی عمری طولانی داشته و در اواخر قرن دوم درگذشته است.

طبقات ابن سعد: ۵۰۲/۵، تاریخ یحیی بن معین: ۴۳/۲، طبقات خلیفة بن خیاط: ۲۷۶، تاریخ کبیر بخاری: ۳۳/۲، المعرفة و التاریخ: ۱۹۰/۱، تاریخ ابی زرعة الدمشقی: ۲۷۷، ۴۱۵، الجرح والتعدیل: ۲۸۹/۲، مشاهیر ابن حبان: ۲۲۹، ثقات او: ۷۶/۶، نجاشی: ۱۰۶، فهرست طوسی: ۳۹، رجال او: ۱۶۵، و منابع بسیار دیگری که فهرست آن در پاورقی مصحح تاریخ الاسلام ذهبی: ۱۳ (سالهای ۱۹۱ ـ ۲۰۰) /۱۱۲ آمده است.

ابوالحسن جَلَبة بن عیاض، برادر مؤلف ما، راوی از امام صادق (ع) و مؤلف دفتری از احادیث بوده است که هارون بن مسلم انباری کاتب آن را روایت می نمود (نجاشی: ۱۲۸، فهرست طوسی:

۱۸۶) ولی به نظر می رسد که این انباری آن دفتر را با واسطه از مؤلف گرفته بود (بنگرید: علل: ۲۱۶/۲). تمامی نقلهای باقی مانده از این مؤلف، از طریق همین راوی رسیده است چنان که در علل: ۲۱۶/۲ (دو روایت) ۲۵۰، کمال الدین: ۲۱۲، خصال: ۱۰۳، اختصاص: ۶۳، اقبال الاعمال: ۲۷۹/۲ ـ ۲۸۲.

ابن حبان در مشاهیر: ۲۶۶ و ثقات ۷۶/۶ تاریخ درگذشت ابوضمره را ۱۸۰ یاد کرده، اما بخاری در تاریخ کبیر: ۳۳/۲ و فسوی در المعرفة: ۱۹۰/۱ سال ۲۰۰ را پیشنهاد نموده اند. هر دو عدد نشانگر تقریبی بودن تاریخ هاست.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف از امام صادق (ع) و دیگران که چند راوی از او روایت کرده اند (نجاشی: ۱۰۶، فهرست طوسی: ۳۹). نمونه های روایات او از امام صادق (ع) شامل موارد زیر است:

طبقات ابن سعد: ۱۸/۱، ۵۰، ۱۷۸/۲، ۱۹۸ ـ ۱۹۹، ۲۱۱، ۲۱۸، ۲۲۷، ۲۲۸، ۱۹/۸، ۳۳۸ ـ ۳۳۹

محاسن: ۶۳۶

اهوال ابن ابی الدنیا: ۳۰

امالی احمد بن عیسی: ۱۰۸/۱، ۱۳۴، ۱۸۲، [۲۰۸] ۳۶۱/۲، ۳۸۴، ۳۸۹، ۳۴/۳، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۶۱، ۲۱۱، ۳۲۴، ۳۳۱، ۳۴۷، ۳۵۲

علل: ۳۵/۲

تاریخ بغداد: ۳۵۸/۳

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۳۱۱/۲

۲۳۹ . سخن یکی از معاصرین غیر شیعی این راوی، چنین تداعی می کند که گویا تردیدهایی در باره روایت مستقیم ابوضمره از امام صادق (ع) وجود داشته است (**المعرفة و التاریخ**: ۱۹۰/۱). اما عبارت، صراحت در این مطلب نداشته و ذووجهین است. محتمل است که تردید نه در روایت وی از امام صادق (ع) بلکه در باره روش انتقال علم در خاندان امامت بوده که آیا مانند روش مرسوم سماع و روایت است که در میان مردم در آن زمان معمول بود یا نوعی انتقال غیر عادی علم از پدران به فرزندان بود که اکثریت عظیم شیعیان بدان اعتقاد داشتند.

روایات غیر شیعی این مؤلف نیز گهگاه در کتاب های شیعه آمده است. برای نمونه بنگرید: کفایة الاثر: ۲۲۳ (متنی دست برده شده)، تهذیب: ۳۱۵/۴، ۱۷۵/۶ (که اسناد آن با اسناد ذکر شده برای کتاب در رجال نجاشی درنفرات اول برابر است).

۴۶ . عنبسة العابد

عَنْبسة بن بِجاد عابد کوفی، از موالی بنو اسد، و راوی از امام صادق (ع). شرح حال نویسان از دانش و تقوای وی ستایش کرده اند.

برقی: ۱۰۱، رجال کشی: ۳۷۲، نجاشی: ۳۰۲، فهرست طوسی: ۱۲۰، رجال او: ۱۴۰، ۲۶۱

ص: ۲۶۶

ابونعیم در حلیه: ۱۹۸/۳ (نیز لالکائی در شرح اصول اعتقاد اهل السنة: ۱۴۵) حدیثی از امام صادق (ع) به روایت عنبسة الخثعمی نقل کرده و با عبارت «کان من الاخیار» او را وصف نموده است. همین حدیث در حلیه: ۱۸۴/۳ به روایت «عنبسة بن مَخْلد (کذا; به روشنی تصحیف «بجاد») العابد» آمده است.

در رجال کشی: ۳۷۲ در باره عنبسه دارد که: «کان خیرا فاضلا». کلمه «فاضلا» در نجاشی به «قاضیا» تصحیف شده است.

کتاب

دفتر حدیث این مؤلف است که صفوان بن یحیی و عبدالرحمان بن محمد بن ابی هاشم از وی روایت کرده اند (نجاشی: ۳۰۲، فهرست طوسی: ۱۲۰). نقلها از این مؤلف در آثار بعدی که برخی از طریق دو راوی مذکور است، مشتمل بر این نمونه هاست:

محاسن: ۱۷۱ (نیز شواهد التنزیل: ۳۸۸/۲، ۳۸۹)، ۲۹۳ (و از آن در کافی: ۴۲۷/۲)، ۵۳۱ (و از آن در کافی: ۳۴۵/۶)

بصائر: ۱۴۷، ۱۶۵، ۱۶۸ ـ ۱۶۹ (نیز کافی: ۳۹۵/۸، مقاتل الطالبیّن: ۲۰۸)

قرب الاسناد: ۱۶۳

کافی: ۱۰۰/۲، ۳۰۱ (نیز امالی صدوق: ۵۰۳، حلیة الاولیاء: ۱۸۴/۳، ۱۹۸. نیز بنگرید: کافی: ۱۴۱/۸ برای یک روایت احتمالی دیگر از این مؤلف در موضوع همین روایت)، ۳۴۷، ۴۸۳، ۶۶۴، ۶۶۵، [۲۰۹] ۹۱/۴، ۶۵/۷ (نیز کتاب ابن قولویه: ۱۴۶، امالی صدوق: ۳۵۵)، ۲۶۰/۸ (نیز تأویل ما نزل من القرآن: ۳۵۷)، ۳۹۴ ـ ۳۹۵

رجال کشی: ۲۴۵

ایضاح قاضی نعمان: ۱۴۸ – ۱۴۹

امالی صدوق: ۳۰۹ (نیز کمال الدین: ۷۴)

علل: ۶۹/۲

اختصاص: ۲۷۹ ـ ۲۸۰

تهذیب: ۲۷۵/۲، ۳۵۳

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۲۰۲/۲

۴۷ . اسباط بیّاع الزُطّی

ص: ۲۶۷

ابوعلی اسباط بن سالم کوفی، فروشنده لباس هایی که قوم هندی زط (جات) آن را تهیه می کردند، و از موالی قبیله کنده. او از امام صادق (علیه السلام) روایت می کند.

برقی: ۱۰۹، نجاشی: ۱۰۶، فهرست طوسی: ۳۸ ـ ۳۹، رجال او: ۱۶۶. نیز بنگرید: کافی: ۱۹۹/۵، من لایحضر: ۳۵۰/۳.

کتاب / اصل

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان از جمله ابن ابی عمیر (نجاشی: ۱۰۶، فهرست طوسی: ۳۸ ـ ۳۹) از او روایت کرده اند. نقلها از این مؤلف در آثار بعدی که برخی از آنها از طریق راوی مذکور می باشد، شامل نمونه های زیر است:

محاسن: ۱۷۹

بصائر: ۵۵، ۲۰۵، ۳۵۵ (نیز کافی: ۲۱۸/۱)، ۴۵۱، ۴۵۶ (تکرار شده در ۴۵۸ [نیز کافی: ۲۷۳/۱]. قطعه ای که در بصائر: ۵۵ آمده، بخش دیگری از همین روایت می باشد.)

تفسیر عیاشی: ۵۷/۱، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۴۷، ۳۱۷/۲

کافی: ۱۹۲/۱، ۲۰۷، ۲۱۸ (دو نسخه از یک روایت)، ۲۷۳، ۴۷۰/۲، ۲۵۵/۳، ۵۰۵، ۱۲/۴، ۷۵/۵، ۱۳۱ (دو نسخه از یک روایت)، ۱۹۹، ۶/۶، ۳۸۸، ۴۱۳، ۵۲۱، ۳۰۲/۸

تأویل ما نزل من القرآن: ۳۵۶ ـ ۳۵۷

[۲۱۰] من لایحضر: ۳۵۰/۳

علل: ۸۷/۱

امالی طوسی: ۶۹۴

غیبت او: ۴۷۶

تهذیب: ۴/۷

قصص الانبیاء: ۵۹ ـ ۶۰

۴۸ . عاصم حنّاط

ابوالفضل عاصم بن حُمَید کوفی، گندم فروش، از موالی بنوحنیفه (تیره ای از بکر بن وائل)، و راوی پرکار حدیث که میان شیعیان و سنیان شناخته شده بود. وی از امام صادق

ص: ۲۶۸

(ع) و اصحاب وی روایت می کرده، در کوفه می زیسته و همانجا درگذشته است.

برقی: ۱۱۱، الجرح و التعدیل: ۳۴۲/۶، رجال کشی: ۳۶۷، ثقات ابن شاهین: ۲۱۹ ـ ۲۲۰، نجاشی: ۳۰۱، فهرست طوسی: ۱۲۰، رجال او: ۲۶۲، و دیگر منابعی که در پاورقی مصححان بر تهذیب الکمال: ۴۸۲/۱۳ و تاریخ الاسلام ذهبی: ۱۳ (سالهای ۱۹۱ ـ ۲۰۰) /۲۶۰ آمده است.

یکی از رجال شناسان متقدم سنی، عاصم را موثّق ترین راویان شیعه در کوفه خوانده است (تهذیب الکمال: ۴۸۲/۱۳).

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که راویان متعددی نقل کرده اند (رسالة ابی غالب: ۱۴۸، نجاشی: ۳۰۱، فهرست طوسی: ۱۲۰، رجال او: ۴۰۸). نسخه ای از این دفتر برجای مانده و در الاصول الستة عشر: ۲۱ ـ ۴۱ به چاپ رسیده است. این نسخه، باید قطعه ای از دفتر اصلی باشد; زیرا بیش از پانصد حدیث دیگر از این مؤلف در کتب شیعه باقی مانده که بیشتر آنها از طریق کسانی است که نجاشی و طوسی، به عنوان راوی این دفتر یاد می کنند. برای فهرست آن موارد، بنگرید: معجم خویی: ۱۷۷/۹، ۱۸۱ ـ ۱۸۴، ۴۷۱ ـ ۴۸۲; فهارس بحار ۱۶۳/۹ ـ ۱۶۵. نمونه هایی از نقلهای وی در منابع سنی نیز هست، از آن جمله:

حلیة الاولیاء: ۷۹/۱ ـ ۸۰ (و از آن جا در الفقیه خطیب: ۱۵۰/۱، تاریخ دمشق: ۲۵۲/۵۰ ـ ۲۵۳، ۲۵۳ ـ ۲۵۴. نیز بنگرید: مناقب الامام امیرالمؤمنین (ع): ۹۴/۲ ـ ۹۶)

زین الفتی: ۱۸۲/۱

دلایل النبوة بیهقی: ۳۴۱/۵ (بخوانید: «عاصم بن حمید عن الثمالی»، چنان که در تاریخ دمشق: ۲۰۳/۶۹)

تلخیص المتشابه خطیب: ۳۸۳/۱

[۲۱۱] ۴۹ . عاصم کوزی

ابوشعیب عاصم بن سلیمان بصری کوزی، کفاش، راوی سنی با تمایلات شیعی. وی از امام صادق (ع) و منابع سنی حدیث در روزگار خود نقل حدیث کرده است.

قبول الاخبار: ابوالقاسم بلخی: ۸۶/۱، ضعفاء عقیلی: ۳۳۷/۳، کامل ابن عدی: ۱۸۷۷ ـ ۱۸۷۹، نجاشی: ۳۰۱، رجال طوسی: ۲۶۲، لسان المیزان: ۶۴۰/۳ ـ ۶۴۱ (و منابع دیگری که در پاورقی مصحح در همانجا

ص: ۲۶۹

آمده است).

شرح حال نگاران، عاصم را بصری معرفی کرده اند. نجاشی: ۱۸۴ برادرزاده اش سلیمان بن سماعه را کوفی می خواند. در باره وابستگی قبیله ای او تردیدهایی وجود دارد. به نظر می رسد که سه طایفه با نام بنوکوز شناخته

می شدند: یکی از بنوضَبّه، دیگری از اسد خزیمه، و سوم یک قبیله محلی در بصره (توضیح المشتبه: ۳۷۲/۷). ابن عدی در کامل: ۱۸۷۷ و دیگران او را به آن قبیله بومی بصره نسبت می دهند. نجاشی: ۳۲۱ در این باره تردید دارد که او متعلق به کوز بنوضبّه است یا کوز اسد خزیمه، گرچه برادرزاده اش را به طور قطعی از بنوضبّه می داند (همان: ۱۸۴). اضافه شدن دو نسبت تمیمی (لسان المیزان: ۶۴۰/۳) و عبدی (کامل ابن عدی: ۱۸۷۷) بر نام او، مشکل را پیچیده تر کرده است. سمعانی در انساب: ۱۶۷/۱۱ این نسبت های متعارض را با هم جمع کرده و او را «التمیمی الکوزی العبدی البصری» خوانده است!

حرفه کفاشی او در اِسناد روایتی در لسان المیزان: ۳۴۲/۳ آمده است. برادرزاده اش هم کفاش بود (نجاشی: ۱۸۴).

کتاب

دفتر حدیث این مؤلف است که برادرزاده اش سلیمان بن سماعه از وی روایت کرده است (نجاشی: ۳۰۱). نقلهای زیر از این مؤلف در کتابهای حدیثی شیعه، همگی از طریق همین برادرزاده می باشد:

کافی: ۱۶۴/۲، ۳۲۴/۵، ۱۹/۶، ۳۳

عقاب الاعمال: ۳۰۰

معانی: ۲۶۵

تهذیب: ۲۸۱/۳

موارد زیر هم می تواند از همین مؤلف بوده باشد:[۲۴۰]

کتاب الزهد: ۱۰۳

تفسیر عیاشی: ۲۳/۲ ـ ۲۴ (به جای «مصری» بخوانید «بصری»)، ۳۲۶

[۲۱۲] امالی صدوق: ۶۵۹ ـ ۶۶۰

ص: ۲۷۰

فضائل الاشهر: ۶۴ ـ ۶۵

۵۰ . اخو اُدَیم

ایوب بن حر جعفی، فروشنده پارچه های هراتی، که در میان راویان حدیث به «برادر اُدَیم» شناخته می شود. وی از موالی کوفه بوده و از امام صادق (ع) روایت می کرده است.

برقی: ۸۴، مشیخه: ۵۱۸، نجاشی: ۱۰۳، فهرست طوسی: ۱۶ ـ ۱۷، رجال او: ۱۶۶، ۳۳۱

برقی و نجاشی وی را جُعْفی می خوانند. نجاشی او را از موالی این قبیله می داند، اما طوسی او را از موالی طَریف وصف می کند (رجال: ۳۲۱). این که نام طریف در این مورد، اشاره به شخصی با این نام از قبیله جعفی بوده باشد و نه اشاره به تیره طریف از قبیله خزرج، غیر ممکن نیست ولی بی دلیل است. در اسانید معمولا از وی به اخو اُدَیم (برای

---

۲۴۰ . نقل شیعی دیگری از وی در میزان الاعتدال: ۳۵۲/۲ آمده است. برای نمونه های روایات سنی او بنگرید: کامل ابن عدی: ۱۸۷۷ ـ ۱۸۷۹ که چهارده مورد از این گونه روایات نقل می کند.

نمونه: محاسن: ۱۵۱، ۱۶۰، بصائر: ۵۲۳، کافی: ۵۲۰/۲، ۳۰۳/۴، ۷۸/۵. نیز در نجاشی و مشیخه) و بیّاع الهروی (محاسن: ۲۶، ۲۷۶، کافی: ۷۸/۵ [که در این مورد وصف بیّاع الهروی می تواند اشاره به ایوب با برادرش ادیم باشد، زیرا عبارت چنین است: «عن ایوب اخی ادیم بیاع الهروی»]) تعبیر می شود. بیّاع الهروی به معنای فروشنده پارچه های ساخت هرات است (تاج العروس: ۴۱۰/۱۰). در باره برادرش ادیم بن حر ببینید: مدخل شماره ۲۰۷ در همین فصل.

کتاب

دفتر حدیث این مؤلف که احمد بن محمد بن خالد برقی (نجاشی: ۱۰۳، فهرست طوسی: ۱۶ ـ ۱۷) با وسایطی (بنگرید: مشیخه: ۵۱۸) از مؤلف روایت می کند. نقلهایی از این مؤلف در آثار متأخرتر شیعی، عمدتا از طریق راوی یاد شده، موجود است که شامل موارد زیر می باشد:

کتاب الزهد: ۸۵ (نیز بصائر: ۵۲۳)

محاسن: ۲۶، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۶۰، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۱۹ (و از آن جا در کافی: ۲۱۹/۲)، ۲۲۰ ـ ۲۲۱ (نیز تفسیر عیاشی: ۹/۱)، ۲۳۴، ۲۸۵ (و از آن جا در کافی: ۳۸/۲)، ۳۹۲، ۳۹۵، ۴۰۵، ۴۸۳ (و از آن جا در کافی: ۳۲۸/۶)

بصائر: ۳۰، ۲۰۴، ۲۰۵ (تکرار شده در ۲۰۶)، ۴۷۹ (نیز تفسیر عیاشی: ۱۵/۲)، ۵۲۳

تفسیر عیاشی: ۱۵/۱، ۱۶۹، ۲۵۶

ص: ۲۷۱

کافی: ۶۹/۱، ۱۸۵، ۲۱۳، ۲۶۹، ۲۸۶ ـ ۲۸۸، ۳۸/۲، ۱۷۹ ـ ۱۸۰، ۲۱۵ ـ ۲۱۶، ۳۱۰، ۴۰۶، ۵۱۹ (تکرار شده در ۵۲۰)، ۲۱۳/۳، ۲۵۵، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۱۰ (نیز در معانی: ۲۴۲)، ۴۰۷، ۴۲۷، ۷۸/۵، ۱۲۰، [۲۱۳] ۳۲۸/۶، ۴۹۰، ۱۷/۷، ۱۲۵

رجال کشی: ۲۴۳ ـ ۲۴۴

علل: ۶۰/۲

امالی طوسی: ۲۴۸ (تکرار شده در ۶۳۳)، ۶۷۰، ۶۹۴

تهذیب: ۳۵۰/۱، ۱۴۸/۵، ۳۰۰/۶، ۳۵۷/۷، ۱۵۳/۸، ۲۲۹/۹

۵۱ . بُرَید عجلی

ابوالقاسم بُرید بن معاویه عجلی، دانشمند برجسته جامعه شیعه کوفه در نیمه اول قرن دوم هجری. وی از اصحاب و راویان حدیث از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) بوده و در حلقات حدیثی سنی هم شناخته شده بود. وی در سال ۱۵۰ درگذشت.

برقی: ۵۷، ۶۵، رجال کشی: ۱۰، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۸۵، ۲۳۸، ۲۴۰; نجاشی: ۱۱۲، رجال طوسی: ۱۲۸، ۱۷۱، مؤتلف دارقطنی: ۱۷۲، اکمال ابن ماکولا: ۲۲۷/۱ ـ ۲۲۸، تلخیص المتشابه خطیب: ۵۰۹/۱ ـ ۵۱۰، لسان المیزان: ۱۸/۲

اطلاعات کشی در باره این دانشمند حاوی برخی جزئیات مفید است. وی رهبر جامعه امامی کوفه بوده (رجال کشی: ۱۶۹) و یکی از برجسته ترین شاگردان و راویان از امام باقر (ع) به شمار می رفته است (همان: ۱۰، ۱۳۷، ۱۷۰). او یکی از چهار صحابی مورد علاقه ویژه امام صادق (ع) بود (همان: ۱۳۵، ۱۸۵، ۲۳۸). شیعیان غالی و باطنی آن دوره که متمثل در ابوالخطاب و پیروانش بودند، از این چهار صحابی نفرت داشتند زیرا جامعه امامی کوفه، آن چهار نفر را نمایندگان واقعی امام می دانستند، مقامی که غالیان مدعی آن بودند (همان: ۱۳۸). برید در باره مسأله کلامی «استطاعت» با زرارة بن اعین (م ۱۴۸ ـ ۱۴۹) هم نظر بوده است (همان: ۱۴۸، ۲۴۰).

کتاب

دفتر حدیث اوست که علی بن عقبة بن خالد اسدی آن را روایت کرده است (نجاشی:

ص: ۲۷۲

۱۱۲)،[۲۴۱] [۲۱۴] همچنین عمر بن اُذَینه، چنان که از حجم نقلهای او از برید به دست می آید (بنگرید: تجرید اسانید الکافی: ۲۶۵ ـ ۲۶۶). نزدیک به چهارصد نقل از این مؤلف در کتابهای حدیثی شیعه آمده که بیشتر آنها از راوی دوم است. فهرست این نقلها در معجم خویی: ۵۰۳/۳ ـ ۵۱۰ و فهارس بحار: ۲۱۰/۸ ـ ۲۱۱ آمده است.

۵۲ . ابن فرقد

داود بن ابی یزید فرقد کوفی، عطار، از موالی فرزندان ابوسَمّال اسدی (بنگرید: مدخل شماره ۱۰۱ در همین فصل)، و راوی از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام).

برقی: ۸۸، ۱۱۵، رجال کشی: ۳۴۵ ـ ۳۴۶، نجاشی: ۱۵۸ ـ ۱۵۹، فهرست طوسی: ۶۸، رجال او: ۲۰۱، ۳۳۶

کتاب

دفتر حدیث این مؤلف است که شمار زیادی از راویان شیعی آن را روایت کرده اند (نجاشی: ۱۵۸ ـ ۱۵۹، فهرست طوسی: ۶۸، رجال او: ۳۳۶). نقلهای بسیاری از این مؤلف در کتاب های حدیث شیعی آمده که بیشتر آنها از طریق کسانی است که به عنوان راوی این دفتر، در مآخذ بالا از آنها نام برده شده است. فهرستی از حدود ۲۰۰ روایت از این دست را در معجم خویی: ۹۲/۷ ـ ۹۴، ۱۱۷ ـ ۱۱۸، ۳۹۸ ـ ۳۹۹، ۴۰۴، ۴۰۸ و فهارس: ۵۱۴/۸، ۵۱۶ ببینید.

۵۳ . ابن الحُصَین

داود بن حصین کوفی، از موالی بنواسد، و راوی از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام). وی پس از رحلت امام کاظم (ع) به واقفه پیوست.

نجاشی: ۱۵۹ ـ ۱۶۰، فهرست طوسی: ۶۸، رجال او: ۲۰۲، ۳۳۶. نیز بنگرید: مشیخه: ۴۴۶.

---

۲۴۱ . برای نمونه نقلهای او از مؤلف ما بنگرید: کافی: ۳۲۵/۵، ۳۲۷، ۱۲/۷، ۵۷، ۷۹ ـ ۸۰، تهذیب: ۳۹۹/۷.

ص: ۲۷۳

کتاب

دفتر حدیث این مؤلف است که شماری از راویان شیعی از جمله عباس بن عامر القصبانی از او روایت کرده اند (نجاشی: ۱۶۰، فهرست: ۶۸). تعداد قابل ملاحظه ای حدیث از این مؤلف در کتابهای حدیثی شیعه آمده است که بیشتر آنها از طریق راوی یاد شده می باشد، [۲۱۵] از جمله این نمونه ها:

کافی: ۸۳/۴، ۱۹۱/۵، ۴۵/۶ (نیز من لایحضر: ۳۰۴/۳ ـ ۳۰۵)، ۴۰۰

علل: ۱۶/۲

تهذیب: ۵۶/۳ ـ ۵۷ (تکرار شده در ۲۸۱)، ۳۲۸/۴، ۴۱۹/۵، ۳۱۸/۷، ۱۴۷/۸ ـ ۱۴۸، ۱۰۶/۹، ۱۵۷ (دو روایت)، ۱۶۰، ۱۹۳، ۳۹۷

۵۴ . ابن سِرحان

داود بن سرحان، عطار، از موالی کوفه که از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است.

برقی: ۸۸، نجاشی: ۱۵۹، فهرست طوسی: ۶۸ ـ ۶۹، رجال او: ۲۰۲. نیز بنگرید: رجال کشی: ۳۶۸ ـ ۳۶۹. برای حرفه عطاری وی بنگرید: من لایحضر: ۲۲۶/۳ ـ ۲۲۷ (نیز تهذیب: ۱۳۹/۷).

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شمار زیادی از راویان شیعی از او روایت کرده اند از جمله احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی (م ۲۲۱)، محمد بن ابی حمزه،[۲۴۲] و عبدالرحمان بن ابی نجران[۲۴۳] (رسالة ابی غالب: ۱۵۹، ۱۶۴، نجاشی: ۱۵۹، فهرست طوسی: ۶۹. نیز مشیخه: ۴۶۸). ابوغالب (رسالة ابی غالب: ۱۵۳، ۱۶۴) نسخه ای از این کتاب را در اختیار داشته که در سال ۲۲۷ بر عبدالرحمان بن ابی نجران قرائت شده بود. ابوغالب این کتاب را نزد استادش که با واسطه از عبدالرحمان بن ابی نجران در سال ۲۹۹ روایت می کرد، قرائت نموده و نسخه ای بر کاغذ (اشاره به این که نسخه قبلی روی پوست بوده است) در سال ۳۴۸ از روی آن نسخه تهیه کرده

ص: ۲۷۴

بود. اکثریت قریب به اتفاق نزدیک به یک صد حدیث باقی مانده از ابن سرحان، [۲۱۶] از طریق راوی اول ـ بزنطی ـ باقی مانده که نمونه های زیر از آن شمار است:

امالی احمد بن عیسی: ۷۷ (نیز کافی: ۴۰۷/۵)، ۱۰۹ (نیز کافی: ۴۲۶/۵)، ۱۳۲ (نیز کافی: ۳۵۴/۵)

---

۲۴۲ . برای نمونه روایت وی از این مؤلف بنگرید: **تفسیر فرات**: ۴۲۶.

۲۴۳ . روایت وی از مؤلف ما، در **بصائر**: ۱۶۹ ـ ۱۷۰ [بخوانید: «و محمد بن سنان»] و **تهذیب**: ۳۷۸/۱ آمده است.

کافی: ۱۴/۲، ۲۵۰، ۳۷۵، ۱۵۸/۳، ۱۰۱/۴، ۱۷۶، ۱۷۸، ۲۱۸، ۳۶۸، ۲۶۵/۵، ۳۸۴ (نیز تهذیب: ۳۶۴/۷ با اضافات)، ۳۹۳، ۴۳۷، ۴۷۱، ۹۰/۶، ۱۶۷، ۴۷۵ (دو روایت)، ۳۵۰/۷، ۳۹۲

ایضاح قاضی نعمان: ۶۶

من لایحضر: ۴۲۲/۱، ۹۳/۳، ۹۷، ۹۹، ۲۲۶ ـ ۲۲۷، ۱۱۱/۴

امالی صدوق: ۴۶۰

خصال: ۲۵۲

تهذیب: ۱۸۵/۱، ۲۸۵/۲، ۱۹۵/۶، ۲۱۲، ۲۷۶، ۳۸۹، ۴۲۴/۷

۵۵ . ابومالک حَضْرمی

ابومالک ضحاک حضرمی، از شیعیان عرب کوفه، و راوی حدیث از امام کاظم (علیه السلام). وی متکلم و از اصحاب هشام بن حکم، متکلم برجسته شیعی این دوره، بوده است.

فهرست ابن ندیم: ۲۲۶، نجاشی: ۲۰۵، رجال طوسی: ۲۲۷

این که او از اصحاب هشام بوده در کافی: ۴۱۰/۱ و رجال کشی: ۲۷۸ آمده است. آثار کهن کلامی وی را از متکلمان برجسته شیعی می شناسند و دیدگاه های او را می آورند (مقالات الاسلامیین: ۱۱۱/۱، ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۷۸/۲، ۲۰۰، الفرق بین الفرق: ۵۲، اصول الدین بغدادی: ۲۶۰، الفصل: ۱۵۸/۴. برای جزئیات این موارد، اکنون بنگرید: Theologie und Gesellschaft، از فان اس: ۳۴۸/۱ ـ ۳۴۹). مسعودی در مروج الذهب: ۲۳۷/۴ گفتار وی را در باره «عشق» در دربار یحیی بن خالد برمکی (م ۱۹۰) نقل می کند، گرچه وی را به اشتباه، از خوارج گمان می برد (نیز بنگرید: همان: ۲۸/۴). در باره مواضع ضد غلوّ او در مسأله امامت، بنگرید: کافی: ۴۱۰/۱، رجال کشی: ۲۴۷.

ابومالک راوی حدیث نیز بوده و فهرستی از برخی از نقلهای برجای مانده او چنین است:

بصائر: ۴۶۵

کافی: ۲۰۶/۶، ۴۱۲، ۱۰۸/۸

رجال کشی: ۲۴۷

ص: ۲۷۵

غیبت نعمانی: ۲۶۸ ـ ۲۶۹

امالی صدوق: ۵۶۵

من لایحضر: ۳۸۴/۳

تهذیب: ۳۰۲/۲، ۲۰۹/۳، ۵۹/۸

[۲۱۷] کتاب فی التوحید

(نجاشی: ۲۰۵). برخی از آرای کلامی ابومالک که در آثار کهن کلامی آمده، می تواند از این کتاب بوده باشد. از آن جمله است دیدگاه او در ماهیت مشیّت خداوند (مقالات الاسلامیین: ۱۱۱/۱، ۱۷۸/۲)، استطاعت انسان برای انجام افعال (همان: ۱۱۲/۱)، علم انسان (همان: ۱۱۸/۱) و عذاب اطفال (اصول الدین بغدادی: ۲۶۰).

۵۶ . ذَریح مُحاربی

ابوالولید ذریح بن محمد بن یزید محاربی، از شیعیان عرب کوفه و راوی از امام صادق (علیه السلام).

برقی: ۱۰۹، رجال کشی: ۳۷۲ ـ ۳۷۴، نجاشی: ۱۶۳، فهرست طوسی: ۶۹، رجال او: ۲۰۳

در نجاشی نام وی ذریح بن محمد بن یزید آمده است، در حالی که در مشیخه: ۵۱۰ ذریح بن یزید بن محمد است. اسناد روایتی در تهذیب: ۷۲/۳ گفته نجاشی را تأیید می کند.

به نظر می رسد که ذریح در جامعه شیعه کوفه در روزگار خود معروف (رجال کشی: ۳۷۳، من لایحضر: ۱۹۰/۳) و دارای تمایلات باطنی بوده است (بنگرید: کافی: ۵۴۹/۴، رجال کشی: ۱۹۳، ۳۷۳، اختصاص: ۷۱).

کتاب / اصل

دفتر حدیث این مؤلف است که تعدادی از راویان شیعی از جمله جعفر بن بشیر بجلی (م ۲۰۸)، ابن ابی عمیر و عبدالله بن مغیره از او روایت کرده اند (نجاشی: ۱۶۳، فهرست طوسی: ۶۹ نیز مشیخه: ۵۱۰). عبدالله بن جَبَله (م ۲۱۹) ـ چنان که از گفته وی در پایان روایتی در رجال کشی: ۳۷۳ بر می آید ـ و صفوان بن یحیی ـ چنان که از حجم نقلهای وی از ذریح استفاده می شود ـ نیز گویا از راویان این کتاب بوده اند.

ص: ۲۷۶

نسخه ای از کتاب وی که محمد بن مثنی حضرمی روایت کرده، باقی مانده و در الاصول الستة عشر: ۸۳ ـ ۹۳ تحت عنوان اصل محمد بن مثنی به چاپ رسیده است. همه روایات از ذریح است جز سه روایت در پایان: ۹۲ ـ ۹۳ و یک جمله که به روایتی از ذریح به نقل از روایت راوی دیگری اضافه شده است (ص ۹۱). بیشتر نقلهایی که از ذریح در دیگر مجموعه های حدیثی شیعی هست در این اثر آمده است. نقلهای دیگر ذریح توسط راویان دیگر کتاب او که در بالا ذکر شدند، شامل نمونه های زیر است:

[۲۱۸] بصائر: ۳۱۰ (نیز خصال: ۶۴۹)، ۴۱۴، ۴۸۴ ـ ۴۸۵

کافی: ۱۰۰/۲، ۱۶۷/۳، ۲۷۶، ۴۴۰، ۲۶۸/۴، ۲۹۰، ۳۹۸، ۷۲/۵ (دو نسخه از یک روایت)، ۸۸، ۵۰/۶، ۳۷۵/۸

رجال کشی: ۴۰، ۱۱۰، ۳۷۲ ـ ۳۷۳

من لایحضر: ۱۶۸/۴ ـ ۱۶۹

علل: ۸۵/۲ ـ ۸۶

کمال الدین: ۲۳۰

امالی مفید: ۱۸ ـ ۱۹

تلخیص الشافی: ۵۰/۳

تهذیب: ۴۶۵/۱، ۳۳/۲، ۲۴۶، ۲۵۳ ـ ۲۵۴، ۲۵۷، ۲۸۴، ۲۴۱/۳، ۳۰۹، ۴۰۳/۵، ۱۹۸/۶

۵۷ . ابن ابی منصور

دُرُست بن ابی منصور محمد واسطی، راوی حدیث از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام). او پس از وفات امام کاظم (ع) به واقفه پیوست.

برقی: ۱۱۷، ۱۱۸، رجال کشی: ۵۵۶، نجاشی: ۱۶۲، فهرست طوسی: ۶۹، رجال او: ۲۰۳، ۳۳۶

عبارتی در محاسن: ۵۵۱ و کافی: ۳۵۵/۶ ـ ۳۵۶ چنین تداعی می کند که این مؤلف وابستگی هایی با مفضّل بن عمر جُعْفی، رئیس جریان غالی مفوّضه در جامعه شیعه آن زمان، داشته است. اما به نظر می رسد نام «درست» در آن عبارت، تصحیف نام دیگری باشد، چنان که از محاسن: ۵۵۲ آشکار می شود.

کتاب

ص: ۲۷۷

دفتر حدیث این مؤلف است که شماری از راویان از جمله ابن ابی عمیر و علی بن حسن جَرْمی طاطری ـ که این کتاب را از طریق عموی خود از مؤلف نقل می کند ـ از مؤلف روایت کرده اند (نجاشی: ۱۶۲، فهرست طوسی: ۶۹). قطعه ای از این کتاب باقی مانده و در الاصول الستة عشر: ۱۵۸ ـ ۱۶۹ تحت عنوان «ما وُجِد من کتاب درست بن ابی منصور» به طبع رسیده است. این قطعه را [۲۱۹] عبیدالله بن عبدالله واسطی دهقان از مؤلف روایت می کند (الاصول الستة عشر: ۱۶۰). راوی عمده این عبیدالله، ابوجعفر محمد بن عیسی بن عبید یقطینی است (نجاشی: ۲۳۱، فهرست طوسی: ۱۰۷). نقلهای فراوان دیگری از «درست» به روایت دهقان و از طریق یقطینی، در کتابهای حدیثی شیعه آمده که در قطعه باقی مانده نیامده است. بیش از این مقدار، دیگران از «درست» روایت کرده اند. چنین است فهرستی از نقلهای «درست» از طریق سه راوی مزبور:

الف: یقطینی از دهقان از درست:

محاسن: ۱۹۳، ۳۷۳، ۳۹۸ (نیز خصال: ۹۳)، ۴۰۳، ۴۴۷، ۴۶۷، ۴۷۲، ۴۸۱، ۴۸۸، ۵۳۲، ۵۳۹ ـ ۵۴۰، ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۵۷ (دو روایت)، ۵۶۳، ۵۶۴ (نیز امالی صدوق: ۴۷۶، علل: ۲۲۰/۲، خصال: ۶۳ ـ ۶۴)، ۵۹۰، ۶۲۲ (نیز خصال: ۹۲)، ۶۲۸، ۶۳۱ (این احادیث در کافی: ۲۶۹/۶، ۳۰۶، ۳۱۶، ۳۱۹ ـ ۳۲۰، ۳۲۵، ۳۳۱، ۳۴۹، ۳۵۲، ۳۶۲، ۳۷۳، ۳۷۷، ۵۳۸، ۵۴۰ هم آمده است)

کافی: ۱۶۲/۵، ۳۵۳/۶، ۳۶۶، ۳۷۳، ۴۷۸، ۵۴۶

خصال: ۹، ۲۲۱، ۲۶۴، ۴۲۲ ـ ۴۲۳، ۴۸۱ (نیز ثواب: ۳۴)

تهذیب: ۳۶۲/۶، ۱۶۳/۷[۲۴۴]

۲۴۴ . نیز به احتمال: تهذیب: ۳۶۶/۱ (نیز علل: ۲۶۶/۱، عیون اخبار الرضا: ۸۲/۲) و ۱۶۲/۷. در این موارد یقطینی بدون واسطه از درست نقل می کند، اما قطعی نیست که واسطه مفقوده، دهقان باشد، زیرا در موارد اندکی یقطینی به واسطه دیگران از «درست» روایت کرده است (برای نمونه: علل: ۷۱/۱، اختصاص: ۲۲).

ب: دیگران از دهقان از درست:

کتاب جعفر بن محمد بن سنان (مستطرفات سرائر): ۱۲۷ (دو روایت; به جای «عبدالله» بخوانید: «عبیدالله»)

محاسن: ۶۳۱ (نیز کافی: ۵۳۸/۶)

بصائر: ۴۴۷ ـ ۴۴۹

کافی: ۲۳/۱، ۳۲ (نیز امالی صدوق: ۳۴۰، معانی: ۱۴۱. نیز نگاه کنید: کتاب جعفر بن محمد بن سنان:

۱۲۷)، ۴۸، ۴۸۷/۲، ۵۰۷، ۶۲۳ (نیز ثواب: ۱۵۳)، ۲۱۳/۳، ۲۸/۴ (نیز خصال: ۲۵۸، معانی: ۱۴۱)، ۷۴/۵، ۵۴۹ (نیز علل: ۲۳۹/۲)، ۵۵۴، ۳۵۳/۶، ۴۸۸، ۴۹۵ ـ ۴۹۶ (بنگرید: خصال: ۴۸۱، ثواب: ۳۴)

امالی صدوق: ۹۲، ۶۳۶

علل: ۲۱۷/۲ ـ ۲۱۸ (نیز معانی: ۱۵۰ ـ ۱۵۱)

خصال: ۱۰۳، ۲۸۷

معانی: ۳۹۰ (دو روایت; به جای «عبدالله» بخوانید: «عبیدالله»)

[۲۲۰] توحید: ۴۱۱ ـ ۴۱۲ (نیز به احتمال: ۳۳۹، ۳۴۳، ۳۶۵ که در این موارد علی بن معبد، بدون واسطه از درست نقل می کند. وی در بصائر: ۴۴۷، کافی: ۵۴۹/۵، علل: ۲۳۹/۲، قصص الانبیاء: ۱۳۸ به واسطه دهقان از درست روایت کرده است)

ثواب: ۲۳۰ (نیز ۱۵۹، موردی که علی بن معبد بدون واسطه از درست نقل می کند)

قصص الانبیاء: ۱۳۸

ج: ابن ابی عمیر از درست

محاسن: ۲۳۵ (نیز کمال الدین: ۶۶۵)

کافی: ۱۵۶/۲، ۳۰۸ (نیز عقاب: ۲۶۳)، ۳۱۵ (نیز خصال: ۲۵)، ۴۸۲، ۳۹۷/۶، ۸۲/۷، ۱۲۰

د: طاطری از درست

علل: ۱۳/۱، ۱۶۸/۲

تهذیب: ۱۳۹/۵، ۲۹۸، ۳۰۸، ۳۳۷، ۳۵۱، ۳۵۸ ـ ۳۵۹، ۴۰۳

۵۸ . فضل بَقْباق

ابوالعباس فضل بن عبدالملک بقباق، از موالی کوفه، و راوی حدیث از امام صادق (علیه السلام). وی از چهره های برجسته در جامعه شیعه کوفه بوده و به نظر می رسد که ارتباط نزدیکی با امام داشته است.

برقی: ۹۱، رجال کشی: ۳۳۶ ـ ۳۳۷، نجاشی: ۳۰۸، رجال طوسی: ۲۶۸

در باره وابستگی نزدیک وی به امام صادق (ع) بنگرید: رجال کشی: ۳۳۶، صاغانیه مفید: ۷۲ (به نقل از کتاب النکاح حسین بن سعید).

ص: ۲۷۹

کتاب

دفتر حدیث او که داود بن حصین که از اصحاب بقباق بود (نجاشی: ۱۵۹)، از او نقل می نمود (برقی: ۹۱، نجاشی: ۳۰۸) . نقلها از بقباق، از طریق راوی مذکور، شامل نمونه های زیر است:

کافی: ۹۴/۲، ۱۷۵/۴، ۱۷۶، ۳۷۶/۵، ۳۹۶، ۴۷۹، ۴۷۶/۶ ـ ۴۷۷، ۱۴۰/۷، ۲۷۹

[۲۲۱] تأویل ما نزل من القرآن: ۳۳۸

من لایحضر: ۹۶/۳ (نیز تهذیب: ۲۰۹/۶ ـ ۲۱۰)، ۳۱۱ (نیز تهذیب: ۱۵۷/۷ با یک افزوده)، ۴۵۱ (نیز تهذیب: ۳۴۸/۷)

تهذیب: ۱۶۴/۳ ـ ۱۶۵ (تکرار شده در ۲۲۶ ـ ۲۲۷. نیز بنگرید: من لایحضر: ۳۹۸/۱)، ۲۳۳، ۳۲۵، ۳۹۷/۹

معتبر محقق: ۲۸۳/۲ (به نقل از جامع بزنطی)

گفتنی است که راوی عمده از بقباق، دانشمند ابان بن عثمان احمر است که برای روایات بسیار او از بقباق بنگرید به فهرست مندرج در معجم خویی: ۴۶۴/۱۳، ۴۰۱/۲۱ ـ ۴۰۳.

۵۹. ابن ابی قُرّه

ابومحمد فضل بن ابی قرّه تمیمی تفلیسی سَهَندی (در نسبت به منطقه ای به نام «سهند» در آذربایجان)، راوی کوفی الاصل که به ارمنستان مهاجرت کرد. وی از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است.

برقی: ۹۱، رجال ابن غضائری: ۳۸۴، نجاشی: ۳۰۸، فهرست طوسی: ۱۲۵، رجال او: ۲۶۹. نیز بنگرید: تفسیر قمی: ۳۷۲/۲، مشیخه: ۵۱۸ ـ ۵۱۹.

کتاب

دفتر حدیث این مؤلف است که شریف بن سابق تفلیسی از وی روایت می نمود (نجاشی: ۳۰۸، فهرست طوسی: ۱۲۵. نیز بنگرید: مشیخه: ۴۸۱، ۵۱۸ ـ ۵۱۹). تقریبا همه نقلهای مؤلف در کتابهای بعدی از طریق همین راوی است، از جمله نمونه های زیر:

محاسن: ۱۰۷ (و از اینجا در کافی: ۵۵۳/۵)

کافی: ۳۹/۱، ۳۲۲/۲، ۳۷۳، ۴۷۷، ۵۲۴، ۶۶۳ (نیز معانی: ۱۶۴. نیز جامع بزنطی: ۶۲ ـ ۶۳ بدون

ص: ۲۸۰

نام راوی از فضل)، ۴۵/۴، ۷۴/۵ (دو روایت)، ۱۲۱، ۱۴۹، ۳۱۸ ـ ۳۱۹، ۳/۶ ـ ۴، ۴۹

غیبت نعمانی: ۲۱۱

طب الائمة: ۱۲۴

امالی صدوق: ۷۰۴

[۲۲۲] من لایحضر: ۱۶۳/۳

علل: ۱۱۹/۱

امالی ابی طالب: ۳۳۱

امالی طوسی: ۴۶ ـ ۴۷ (به جای «فضل بن عبدالملک» بخوانید «فضل بن ابی قره». نیز بنگرید: قصص الانبیاء: ۱۸۸ ـ ۱۸۹)

تاریخ دمشق: ۲۴۲/۴۲

بر این لیست، شماری از موارد دیگر را نیز می توان افزود که در آن نام شریف تفلیسی به عنوان راوی از فضل نیامده است:

تفسیر عیاشی: ۲۸۳/۱، ۱۵۴/۲

تفسیر قمی: ۳۷۲/۲ ـ ۳۷۳

تاریخ بغداد: ۹۴/۳ (نیز تاریخ نیسابور المنتخب من السیاق: ۱۰۱)

۶۰ . فضل الکاتب

فضل بن یونس بغدادی کاتب، از موالی کوفه که ساکن بغداد و از مقامات دیوانی دستگاه خلافت در زمان هارون الرشید بود. وی پس از وفات امام کاظم (ع) به واقفه پیوست.

برقی: ۱۲۲، رجال کشی: ۵۰۰، نجاشی: ۳۰۹، فهرست طوسی: ۱۲۵، رجال او: ۳۴۲

۱ ـ حدیث الفضل بن یونس الکاتب

(رسالة ابی غالب: ۱۷۵). به نظر می رسد این، همان گزارش دیداری باشد که امام کاظم (ع) از این شخص به عمل آوردند (رجال کشی: ۵۰۰. تحریر دیگری از این داستان در محاسن: ۴۵۰ ـ ۴۵۱. خرائج: ۳۶۸ نسخه ای بسیار مختلف از این دیدار را نقل کرده که حتی اصل موضوع را به خطا به امام رضا [ع] استناد می دهد). جزئیات آنچه امام کاظم (ع) در این دیدار گفته یا انجام

ص: ۲۸۱

داده بودند، در گزارشی از فضل در محاسن: ۴۲۵، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۵۱، ۵۵۹ ـ ۵۶۰ (و از آنجا در کافی: ۲۹۱/۶، ۳۰۴، ۳۷۷ ـ ۳۷۸) بازگو شده است.

۲ ـ کتاب

دفتر حدیث مؤلف که حسن بن محبوب و ابن ابی عمیر از او روایت کرده اند (نجاشی: ۳۰۹، فهرست طوسی: ۱۲۵ [بخوانید « ابن ابی عمیر و الحسن بن محبوب»]). [۲۲۳] نقلها از این مؤلف به روایت آن دو راوی شامل موارد زیر است:

مشیخه حسن بن محبوب: ۸۴ ـ ۸۵ (و از آنجا در امالی مفید: ۲۱۰ ـ ۲۱۱، اختصاص: ۳۴۳)

قرب الاسناد: ۳۱۲ ـ ۳۱۴ (قطعه ای شامل سه روایت. در سند اولین روایت بخوانید: «عن الفضل بن یونس الکاتب»، چنان که در تهذیب: ۴۴۵/۱. دومین روایت نیز در کافی: ۱۰۲/۳. سومین روایت نیز در من لایحضر: ۴۳۱/۲ و بخشی از آن در کافی: ۲۶۶/۴ [نیز ۳۰۴ با اسنادی دیگر]. این قطعه باید از کتاب المشیخه حسن بن محبوب گرفته شده باشد)

تفسیر عیاشی: ۲۳۲/۲ (بدون نام راوی از فضل، به روش معمول آن کتاب. بخوانید: «فضل بن یونس» به جای «فضل بن موسی»)

کافی: ۵۷۹/۲ (نیز ۷۳/۲ با اختلاف و از طریق راوی دیگری جز حسن بن محبوب)، ۳۷۱/۴ (بخوانید: «احمد بن محمد عن حسن بن محبوب»، چنان که در تهذیب: ۴۶۵/۵، و چنان که در اسناد مشابهی در کافی: ۳۰۴/۴ در روایتی دیگر)

امالی صدوق: ۷۱۴ ـ ۷۱۶ (نیز علل: ۸۹/۲ ـ ۹۰ و توحید: ۲۵۳ ـ ۲۵۴ که همین را از طریق راویان دیگر از او روایت کرده اند)

من لایحضر: ۴۱۶/۳

تهذیب: ۳۴۸/۹

۶۱ . ابن عیاض

ابوعلی فضیل بن عیاض بن مسعود تمیمی یربوعی مروزی، زاهد سنّی مشهور که کوفی الاصل بود. وی در سال ۱۰۵ در خراسان به دنیا آمده و بعداً به کوفه و از آنجا به مکه مهاجرت کرد و تا زمان درگذشتش در سال ۱۸۷ در این شهر ماند. وی از امام صادق (ع) و مشایخ سنی حدیث در روزگار خود روایت می نمود.

ص: ۲۸۲

شرح حال این دانشمند در بیشتر کتب تراجم آمده است. برای یک فهرست طولانی از این منابع بنگرید به پاورقی مصحح تاریخ الاسلام ذهبی: ۱۲ (سالهای ۱۸۱ ـ ۱۹۰)/۳۳۲ ـ ۳۳۳. برای روایت او از امام صادق (ع) بنگرید: تهذیب الکمال: ۲۸۲/۲۳، سیر اعلام النبلاء: ۳۷۳/۸، و منابع آنها.

نسخة عن ابی عبدالله

دفتری کوچک از روایات این مؤلف از امام صادق (ع) که سلیمان بن داود منقری بصری از او روایت کرده است (نجاشی: ۳۱۰). روایات فضیل بن عیاض از امام صادق، که همه آنها از طریق راوی یاد شده است، شامل موارد زیر است:

[۲۲۴] تفسیر عیاشی: ۳۶۰/۱ (به شهادت معانی: ۲۵۲ ـ ۲۵۳. و تفسیر قمی، ۲۰۰/۱ ـ ۲۰۱)، ۳۷۰ (احتمالا)

کافی: ۳۰۷/۲، ۴۶۱، ۲۹۰/۴ (نیز تفسیر عیاشی: ۷۷/۲)، ۹/۵ ـ ۱۰ (نیز خصال: ۲۴۰، غایات ابن الرازی: ۱۹۰. مقـ : تهذیب: ۱۲۴/۶)، ۱۰۸

فقیه: ۴۸۸/۲ (بخش دیگر همان روایت تفسیر عیاشی: ۷۷/۲ و کافی: ۲۹۰/۴. متن کامل در معانی: ۲۹۶)

علل: ۱۰۰/۲

معانی: ۲۴۵ (نیز تحف العقول: ۳۷۱ ـ ۳۷۲)

۶۲ . فُضَیل اَعْور

ابومحمد فضیل بن عثمان انباری کوفی، یک چشم، زرگر، از موالی قبیله بنومراد، و راوی از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام).

برقی: ۵۲، ۹۱، نجاشی: ۳۰۸ (به شکل فضل بن عثمان)، فهرست طوسی: ۱۲۶، رجال او: ۱۴۳، ۲۶۸، ۲۶۹

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان از جمله ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی از وی روایت کرده اند (نجاشی: ۳۰۸، فهرست: ۱۲۶ [مقـ : نجاشی: ۲۷۶]. نیز مشیخه: ۴۳۶). روایات دو راوی یاد شده از فضیل شامل موارد زیر است:

ص: ۲۸۳

محاسن: ۳۹۴

بصائر: ۲۵۹ (تکرار شده در ۵۱۰، نیز رجال کشی: ۲۳۵ ـ ۲۳۶)

کافی: ۱۱۵/۱ (نیز توحید: ۳۱۴)، ۳۹۷، ۶۲/۲، ۳۶/۳

توحید: ۴۵۷

تهذیب: ۵۸/۱ (تکرار در همین مأخذ: ۷۹/۱ ـ ۸۰)

بیشتر روایات موجود فضیل، از طریق راویان دیگر می باشد. فهرست این روایات را در معجم خویی: ۳۰۸/۱۳ ـ ۳۱۰، ۳۲۵، ۳۳۰ ـ ۳۳۱، ۳۴۲، ۴۷۰ ـ ۴۷۱ و فهارس بحار: ۵۴۶/۹، ۵۴۷ ببینید.

[۲۲۵] ۶۳ . فُضَیل نَهْدی

ابوالقاسم فضیل بن یسار، از اعضاء اصلی یا موالی بنو نهد در کوفه که به بصره مهاجرت کرد. او از روات حدیث از امام باقر و امام صادق (علیهماالسلام) بوده و یکی از افراد برجسته جامعه شیعه زمان خود به شمار می رفته است. وی در دوران زندگی امام صادق (ع) (رحلت: ۱۴۸) درگذشت.

تاریخ کبیر بخاری: ۱۲۲/۷، برقی: ۵۲، ۶۳ (بخوانید: «بنی نهد» به جای «بنی نهیک»)، رجال کشی: ۲۱۲ ـ ۲۱۴، ۳۱۱، الجرح و التعدیل: ۷۶/۷، ثقات ابن حبان: ۳۱۵/۷، مشیخه: ۴۴۱، نجاشی: ۳۰۹ ـ ۳۱۰، رجال طوسی: ۱۴۳، ۲۶۹. نیز بنگرید: تهذیب: ۲۷/۳.

برای اختلاف نقل ها در مورد انتساب نسبی یا ولائی این راوی ببینید: مدخل ۲۹ در فصل حاضر که مربوط به فرزند او علاء بن فضیل بن یسار است.

نجاشی: ۳۰۹ کنیه دیگر راوی را ابومِسْور دانسته است. ابن سمکه در العباسی: ۳۱ از وی به صورت «ابوجعفر الاعرج القاری» یاد می کند. کشی در رجال: ۲۳۸ وی را یکی از شش نفری می داند که دانشمندترین افراد در میان نسل بزرگسال تر اصحاب امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) بودند. علمای حدیث سنّی نیز وی را به عنوان یک راوی

شیعی (لسان المیزان: ۴۸۲/۵) از امام باقر(ع) می شناختند. دو فرزند وی، علاء و قاسم نیز از راویان حدیث بودند (نجاشی: ۲۹۸، ۳۱۳، ۳۶۲، رجال طوسی: ۲۴۷، ۲۷۲، ۳۶۶). داماد او عبدالرحمان بن ابی عبدالله بصری هم راوی حدیث بوده است (رجال کشی: ۳۱۱، رجال طوسی: ۲۳۶).

ص: ۲۸۴

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که تنی چند از راویان حدیث از وی روایت کرده اند، از جمله حمّاد بن عیسی جُهَنی (م ۲۰۹) (نجاشی: ۳۰۹، ۳۱۰) که گویا به واسطه ربِعی بن عبدالله الهُذَلی، که یکی از شاگردان نزدیک فضیل بن یسار بوده (نجاشی: ۱۶۷) ، از او روایت می کرده است. نقلهای زیر از این مؤلف در کتب حدیثی شیعه، از طریق حماد به نقل از ربعی می باشد:

نوادر محمد بن علی بن محبوب: ۱۱۰

بصائر: ۵۱۱

تفسیر عیاشی: ۲۱۷/۲

کافی: ۸۹/۲، ۲۸۱

کامل الزیارات: ۱۷۱، ۱۷۲ (نیز با اختلافاتی در ۴۸۸)

توحید: ۱۲۷ ـ ۱۲۸، ۳۲۷

غیبت طوسی: ۱۹۵ ـ ۱۹۶

تعداد قابل ملاحظه ای از نقلهای دیگر نیز از فضیل در دست است که حماد از طریق حریز بن عبدالله سجستانی و به تعدادی کمتر [۲۲۶] از ابراهیم بن عمر یمانی نقل کرده که شامل موارد زیر است:[۲۴۵]

محاسن: ۲۶۲ (نیز کافی: ۱۲۵/۲)

کافی: ۲۲۲/۱، ۱۵۱/۲، ۲۶۹، ۲۸۰/۳، ۲۹۴ ـ ۲۹۵، ۳۶۳، ۴۱۸، ۴۵۳، ۵۰۹ (بخشی از آن نیز در ۴۹۷ ـ ۴۹۸)، ۱۵۳/۴، ۲۷۹/۵

رجال کشی: ۱۶، ۵۳ ـ ۵۴

من لایحضر (بنگرید: مشیخه: ۴۲۵): ۴۷۷/۳، ۲۸۴/۴، ۳۰۸

تهذیب: ۳۳۲/۲، ۳۷۹، ۶۹/۳ ـ ۷۰، ۷۳/۴ (دو روایت)

اکثریت انبوه نزدیک به سیصد روایت نقل شده از فضیل در کتابهای شیعی که در معجم خویی: ۳۳۸/۱۳ـ۳۴۱، ۴۷۱ـ۴۷۷ و فهارس بحار: ۵۴۷/۹ ـ ۵۴۸ فهرست شده، از راویان دیگر است.[۲۴۶]

---

۲۴۵ . در **ایضاح** قاضی نعمان: ۱۱۵ – ۱۱۶ او به واسطه محمّد بن مروان از فضیل روایت می کند (در اسناد این روایت در منبع مورد استفاده مؤلف نام حمّاد به خطا تکرار شده بود که در هامش بدان اشاره شده است).

۲۴۶ . داماد او عبدالرحمان بن ابی عبدالله، بیش از ۷۰۰ روایت از وی نقل کرده است (**رجال ابن داود**: ۲۲۲). از یک دفتر احادیث از شاگرد فضیل، ابواسماعیل بصری، که ظاهرا منحصرا از این دانشمند روایت می کند، در **فهرست طوسی**: ۱۸۸ یاد شده است. از این دفتر حدیث که از ابواسماعیل به

ص: ۲۸۵

۶۴ . غالب المنقری

غالب بن عثمان کوفی، کحّال، از موالی بنومنقر (تیره ای از تمیم)،[۲۴۷] و از روات حدیث که از اصحاب امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) روایت می کند. [۲۲۷] بر اساس برخی گزارش ها وی بعد از وفات امام کاظم (ع) به واقفه پیوست.

نجاشی: ۳۰۵، فهرست طوسی: ۱۲۳ ـ ۱۲۴، رجال او: ۲۶۷

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که حسن بن علی بن فضّال از او روایت می نمود (نجاشی: ۳۰۵، فهرست طوسی: ۱۲۳ ـ ۱۲۴). نقلهای زیر از این مؤلف در کتابهای حدیثی شیعه از طریق همین راوی است:

محاسن: ۳۹ (و از آن جا کافی: ۴۹۸/۲)، ۵۶۲، ۵۷۶ (بخوانید: «غالب بن عثمان» به جای «غالب بن عیسی»)

کافی: ۱۱۰/۲، ۱۴۷، ۲۱/۳، ۱۱۵، ۲۳۶ ـ ۲۳۷، ۲۴۲، ۱۲۱/۵ ـ ۱۲۲، ۵۱۲، ۴۶۸/۶، ۷۹/۸ ـ ۸۰

ص: ۲۸۶

رجال کشی: ۳۶۴

امالی صدوق: ۴۰۸ (نیز من لایحضر: ۴۰۰/۴، مواعظ: ۱۱۵، ثواب: ۱۹۲)

علل: ۱۰۵/۲

تهذیب: ۱۳/۱، ۴۴۹، ۳۱۹/۲، ۲۹۲/۳

وسیله ابن ابی عمیر نقل شده، مواردی در **کافی:** ۱۰۴/۲، ۱۶۷، ۵۶۶ (در دو مورد اخیر بخوانید: «عن ابی اسماعیل»)، ۱۴۸/۵، ۲۷۱/۶، **رجال کشی:** ۲۱۴ (بخوانید: «عن ابی اسماعیل»)، و **توحید:** ۴۸ (بخوانید: «عن ابی اسماعیل») آمده است.

۲۴۷ . بر اساس گفته نجاشی: ۳۰۵، این شخص شاید در اصل از موالی خاندان اعین بود که خود از موالی بنوشیبان بودند، نه تمیم. یک غالب بن عثمان همدانی مشعاری (م ۱۹۹ در سن ۷۸ سالگی) نیز بود که از شاعران زیدی مذهب کوفه بود (بنگرید: **مقاتل الطالبیین:** ۲۲۸ ـ ۲۲۹ [نیز **تاریخ طبری:** ۵۴۵/۷ ـ ۵۴۶]، ۳۰۴ ـ ۳۰۵، ۳۸۴ ـ ۳۸۵، ۳۸۵ ـ ۳۸۶) و از امام صادق (ع) روایت می کرد (نجاشی: ۳۰۵، **رجال:** ۲۶۷. نمونه هایی از نقلهای او در **امالی احمد بن عیسی:** ۳۱۳/۴ [نیز **مناقب الامام امیرالمؤمنین** (ع): ۴۶۰/۱]، **تأویل ما نزل من القرآن:** ۲۶۲ ـ ۲۶۳، **تفسیر فرات:** ۳۱۸ [به جای «نهدی» بخوانید «همدانی»]، **تاریخ دمشق:** ۴۸۷/۴۲، **اقبال:** ۸۶/۳، و احتمالا **رجال کشی:** ۵ [از «غیاث الهمدانی» که به احتمال تصحیف «غالب همدانی» است]). او به احتمال مؤلف یک دفتر حدیث است که ابن طاوس در **اقبال:** ۸۶/۳ به واسطه **کتاب الرجال** ابوالعباس احمد بن نصر بن سعد از آن نقل می کند. نسبت مشعاری برای این شخص، نسبتی است به تیره ای از همدان (**تاج العروس:** ۳۰۵/۳). نسبت «منقری» برای غالب بن عثمان کحال، می تواند تصحیف مشعاری باشد از سوی کسی که این دو را یک تن پنداشته بود.

۶۵ . غیاث بن ابراهیم

ابومحمد غیاث بن ابراهیم تمیمی دارمی اسبدی، یک بصری زیدی بُتْری که در کوفه می زیست. او از امام صادق (ع) روایت کرده است.

نجاشی: ۳۰۵، فهرست طوسی: ۱۲۳، رجال او: ۱۴۲، ۲۶۸، ۴۳۵

نجاشی و رجال طوسی: ۲۶۸ از این راوی با عنوان «الاسیّدی» در نسبت به تیره ای از تمیم یاد کرده اند. تستری در قاموس الرجال: ۳۵۴/۸ اظهار نظر می کند که «اُسیّدی» تصحیف «اَسبدی» در نسبت به تیره دیگری از تمیم باشد. او به اسناد روایتی در من لایحضر: ۱۴۶/۳ (نیز در اسناد یک روایت دیگر در ثواب: ۲۱۹) استدلال می کند که در آن از این راوی با عنوان دارمی یاد شده است (نیز تهذیب: ۲۲۸/۸ [به جای «داری» بخوانید «دارمی» چنان که [۲۲۸] در استبصار: ۶/۴. نیز بنگرید: تهذیب: ۴۳۱/۱ که از این راوی با لقب «رِزامی» یاد شده که آن نیز به احتمال زیاد تصحیف «دارمی» است]). اسبدی ها چنان که در انساب سمعانی: ۱۹۵/۱ ـ ۱۹۶ آمده، نوادگان زید بن عبدالله بن دارم و بدین ترتیب دارمی هستند، اما اسیدی ها از شاخه دیگری از تمیم اند (همان: ۲۵۴/۱).

یک ابوعبدالرحمان غیاث بن ابراهیم نخعی کوفی نیز هست که از روات حدیث سنی از همین دوره بوده و برخی گرایش های شیعی داشته است (برای نمونه بنگرید: زین الفتی: ۲۶۴/۲ [نیز تاریخ دمشق: ۲۲۳/۴۲] تاریخ بغداد: ۳۲۳/۱۲. نیز احتمالا مناقب الامام امیرالمؤمنین [ع]: ۲۳۱/۲ [نیز تاریخ دمشق: ۱۱۶/۱۳]). بیشتر آثار رجالی سنی از این یک یاد کرده اند که لیست بسیاری از آنها در پاورقی های مصححان تاریخ الاسلام ذهبی: ۱۰ (سالهای ۱۶۱ ـ ۱۷۰) /۳۸۸ ـ ۳۹۰ و لسان المیزان: ۴۲۱/۵ ـ ۴۲۲ آمده است. روشن نیست که آیا این دو تن یکی بوده و «نخعی» تصحیف «تمیمی» است یا دو تن بوده اند، و در این صورت دوم هم دور از تصور نیست که برخی از روایات یکی از آن دو به دلیل شباهت اسمی به دیگری نسبت داده شده باشد.

برای نمونه روایت غیاث بن ابراهیم ما از سایر علویان، بنگرید به: اذان شجری: ۸۴ .

ص: ۲۸۷

۱ . جامع / کتاب / کتاب مُبوّب فی الحلال و الحرام

کتابی در احکام فقهی که در ابواب مدوّن شده بود و آن را شماری از راویان از جمله اسماعیل بن ابان بن اسحاق ازدی ورّاق (م ۲۱۶) و محمد بن یحیی خزّاز روایت کرده اند (رسالة ابی غالب: ۱۶۵، نجاشی: ۳۱۵، فهرست طوسی: ۱۲۳، ۱۵۴. نیز بنگرید: مشیخه: ۴۹۰). قاضی نعمان آن را جامع نامیده و از طریق اسماعیل (بن ابان) از آن در ایضاح: ۱۲۹ نقل می کند. ابن شهرآشوب (معالم: ۸۹) آن را به عنوان جامعة یاد کرده که می تواند تصحیف جامع باشد یا به عکس. ابن طاوس از آن با عنوان کتاب یاد کرده و در فلاح: ۱۶۶ نقل می کند (نیز بنگرید: کتابخانه ابن طاوس: ۲۲۲ ـ ۲۲۳).

محمد بن منصور مرادی زیدی، این اثر را از طریق محمد بن راشد از اسماعیل بن ابان از مؤلف روایت می کرد.[۲۴۸] وی روایات بسیاری با این اسناد در امالی احمد بن عیسی نقل کرده که نمونه های زیر از آن جمله است:

---

۲۴۸ . نیز بنگرید: اذان شجری: ۷۲، ۸۴.

امالی احمد بن عیسی: ۱۷/۱، ۷۴، ۷۹، ۸۰، ۲۳۷، ۲۶۷/۲، ۳۰۸ (و از اینجا در امالی ابوطالب: ۲۶۴)، ۷/۳، ۳۲ (دو روایت)، ۲۸، ۳۳ (سه روایت)، ۳۵، ۳۸، ۴۲ (دو روایت)، ۴۶، ۴۹، ۷۹ (دو روایت)، ۹۰ (با سقط نام غیاث در این مورد)، ۹۵، ۹۷ (دو روایت)، ۹۸، ۱۰۶، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۱۷ (دو روایت)، ۱۳۹، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۱، ۱۷۵، ۲۱۲/۴، ۲۱۷ ـ ۲۱۸، ۲۲۶ (سه روایت)، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۴۹۵ (سه روایت)

[۲۲۹] امامیه هم گاه از طریق اسماعیل بن ابان از غیاث روایت کرده اند، چنان که در من لایحضر: ۵۱۱/۳، ثواب: ۲۳۷، مائة منقبة: ۱۴۳ ـ ۱۴۴ (نیز ایضاح قاضی نعمان: ۸۴، ۱۳۷، ۱۵۱ [دو روایت]، ۱۵۴ - ۱۵۵ [دو روایت]، ۱۷۱ [بدون نام راوی از غیاث در این مورد]، ۱۹۲ [بخوانید «عن غیاث عن جعفر بن محمد» چنان که در اصل مخطوط کتاب]). امّا اکثریت قریب به اتفاق روایات فراوان غیاث در کتابهای حدیث امامی توسط راوی عمده دیگر کتابش محمد بن یحیی خزّاز می باشد، چنان که در نمونه های زیر:

نوادر محمد بن علی بن محبوب: ۹۸، ۱۰۵

محاسن: ۱۱۳ (نیز عقاب: ۳۱۷)، ۱۱۵، ۳۹۸ (نیز کافی: ۲۷۳/۶)، ۴۳۴ (دو روایت، هر دو نیز در کافی: ۲۹۳/۶)، ۴۹۱ (نیز تهذیب: ۱۹۹/۴)، ۶۳۶ (نیز کافی: ۵۴۲/۶)

کافی: ۳۱۵/۲، ۶۴۷، ۶۴۸ ـ ۶۴۹، ۳۳۲/۳، ۵۳۸ (دو روایت)، ۹/۴، ۱۳، ۶۹ (از محمد بن یحیی

خثعمی [نیز در معانی: ۳۱۵] که به نظر می رسد همان محمد بن یحیی خزاز باشد که این مورد را در من لایحضر: ۱۷۲/۲ ـ ۱۷۳ روایت کرده است [بنگرید: مشیخه: ۴۹۰]. برای توضیح بیشتر بنگرید: قاموس الرجال: ۶۵۰/۹)، ۱۱۲، ۲۴۴، ۳۶۳ ـ ۳۶۴، ۴۰۸، ۴۳۴، ۵۰۳، ۴۹/۵، ۵۹، ۱۰۳، ۱۶۴، ۱۷۷، ۱۸۴، ۱۸۱، ۲۴۲ ـ ۲۴۳، ۲۷۸، ۳۸۱، ۴۸۸، ۵۳۵، ۵۳۶ ـ ۵۳۷، ۵۶۰ (دو روایت)، ۴۴/۶، ۴۷، ۲۰۰ (از محمد بن یحیی خثعمی، همان که توسط محمد بن یحیی خزاز در تهذیب: ۳۹۸/۶ روایت شده است)، ۲۱۳ ـ ۲۱۴، ۲۲۹ ـ ۲۳۰، ۲۴۵، ۲۵۵ ـ ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۷۳، ۲۹۳ (دو روایت، یکی از آنها نیز در امالی صدوق: ۳۷۴ و ثواب: ۲۱۹)، ۲۹۶ (تکرار شده در ۳۱۸)، ۳۸۵، ۴۶۴، ۵۴۲، ۲۳۰/۷ ـ ۲۳۱، ۳۳۸، ۴۵۴

امالی صدوق: ۴۳۲ (نیز معانی: ۱۸۵ ـ ۱۸۶)

من لایحضر: ۷۰/۳ ـ ۷۱ (دو روایت)، ۹۷ ـ ۹۸، ۱۵۰، ۲۶۴، ۲۶۵، ۴۸۷، ۱۴۳/۴

علل: ۱۷۱/۲ (نیز تهذیب: ۱۹/۹)، ۱۸۴، ۲۳۱ (نیز تهذیب:۴۰/۱۰)

معانی: ۳۶۶

امالی مفید: ۶۶، ۲۱۱ ـ ۲۱۲

تهذیب: ۱۶۲/۱، ۲۶۶، ۲۹۵، ۳۵۳، ۴۶۴، ۳۲۶/۲ (تکرار شده در ۳۵۷)، ۳۷۱، ۲۳۵/۳، ۲۵۶، ۲۶۹، ۲۱۴/۴ (به جای «محمد بن علی» بخوانید «محمد بن یحیی»)، ۲۷۵، ۴۴۲/۵، ۱۹۵/۶ (تکرار شده در ۲۱۲)، ۱۹۶، ۲۵۶ ـ ۲۵۷، ۲۹۹، ۷۶/۷، ۲۲۱، ۲۳۸، ۲۷۳، ۴۱۰ ـ ۴۱۱، ۴۲۶، ۴۳۲ ـ ۴۳۳، ۴۳۵، ۲۱/۸، ۲۲۸، ۳۱۹ (بدون نام خزاز در این مورد)، [۲۳۰] ۸۰/۱۰، ۱۳۶ (بخوانید: «احمد عن محمد بن یحیی»، چنان که در چاپ سنگی ۱۳۱۶ ق تهران)، ۱۴۳، ۱۵۰، ۲۲۴ (بخشی از این نیز در ۲۲۱/۷)، ۲۶۱ (دو روایت)، ۲۹۳

۲ ـ مقتل امیرالمؤمنین (ع)

کتابی در اخبار شهادت امام علی (علیه السلام) که زید بن عمر از مؤلف روایت کرده است (فهرست طوسی: ۱۲۳). خطیب در موضح: ۲۷۶/۱ و تاریخ بغداد: ۱۵۳/۱ ـ ۱۵۴ دو بند از متنی نقل می کند که اجلح بن عبدالله کندی (م ۱۴۵) با نام تسمیة من شهد مع علی من اصحاب رسول الله بر اساس روایات از امام جعفر صادق (ع)، زید بن علی، عبدالله بن حسن و فرزندش محمد گرد آورده بود. اسناد خطیب به این متن از راه ابن عقده، از جعفر بن محمد خشاب، از پدرش، از زیدان بن عمر، از غیاث بن ابراهیم، به اجلح می رسید. اسناد شیخ طوسی به مقتل غیاث نیز از ابن عقده به زید[ان]بن عمر، اما با واسطه هایی متفاوتِ از سند خطیب، می باشد (بنگرید: فهرست:

ص: ۲۸۹

۱۲۳). متنی که خطیب نام برده است شاید بخشی از مقتل غیاث بوده و یا آنچه را طوسی مقتل غیاث نامیده، همان تسمیة من شهد مع علی اجلح کندی باشد که خطیب نقل کرده است، اما طوسی یا منبع وی، آن را به خطا مقتل خوانده و به غیاث منسوب داشته اند.

شماری از روایات در باره فضائل امیرالمؤمنین (ع) از غیاث نقل شده که چنان که او فی الواقع کتابی با دایره ای وسیع تر از آنچه خطیب نقل کرده تألیف نموده بود، می تواند از این اثر وی گرفته شده باشد. چنین است نمونه هایی از آن روایات:

تأویل ما نزل من القرآن: ۳۳۷

امالی صدوق: ۳۴۱ ـ ۳۴۲ (نیز کمال الدین: ۲۴۱)

کمال الدین: ۲۴۰ (متن دست برده. نیز معانی: ۹۰ ـ ۹۱، عیون اخبار الرضا: ۵۷)

مأة منقبة: ۱۴۳ ـ ۱۴۴

زین الفتی: ۲۶۴/۲ (احتمالا; نیز تاریخ دمشق: ۲۲۳/۴۲)

تاریخ خطیب: ۳۲۳/۱۲ (احتمالا)

۶۶ . ابن البَخْتَری

حفص بن بختری، از موالی کوفه که در بغداد زندگی می کرد و از امام صادق و امام کاظم (علیهماالسلام) روایت حدیث می نمود.

[۲۳۱] برقی: ۹۶، نجاشی: ۱۳۴، فهرست طوسی: ۶۱، رجال او: ۱۹۰، ۳۳۵

به گفته نجاشی، آل اَعْین، خاندان متنفذ شیعی کوفه، این شخص را به بی مبالاتی در مسائل دینی و شطرنج بازی متهم می کردند. نجاشی می گوید که این اتهام ناشی از دشمنی و کینه شخصی میان این شخص و آن خاندان بود.

کتاب / اصل

دفتر حدیث اوست که شماری از راویان از جمله ابن ابی عمیر از وی روایت کرده اند (نجاشی: ۱۳۴، فهرست طوسی: ۶۱). بیش از دویست روایت از این راوی در کتابهای حدیثی شیعه وجود دارد که در معجم خویی: ۱۳۲/۶ ـ

۱۳۴ ۳۶۰ ـ ۳۶۶ و فهارس بحار: ۲۰۲/۸، ۴۴۳ فهرست شده و تقریبا همه آنها از طریق راوی مذکور می باشد. این کتاب در دسترس ابن طاوس بوده و از آن در اجازات: ۴۴ نقل کرده است (نیز بنگرید: کتابخانه ابن طاوس: ۲۲۳).

ص: ۲۹۰

۶۷ . حفص القاضی

ابوعمر حفص بن غیاث بن طَلْق بن معاویة نخعی، فقیه کوفی و راوی حدیث که در سال ۱۷۷ توسط هارون الرشید، قاضی نیمه شرقی بغداد شد، منصبی که او برای دوسال عهده دار بود. سپس به عنوان قاضی کوفه نصب شد که سیزده سال در آن منصب ماند و در سال ۱۹۴ در سن ۷۷ سالگی درگذشت.

برای دو فهرست طولانی از منابعی که مدخلی به نام این قاضی دارند بنگرید به پاورقی های مصححان تهذیب الکمال: ۵۶/۷، و تاریخ الاسلام ذهبی: ۱۳ (سالهای ۱۹۱ ـ ۲۰۰)/۱۵۲ ـ ۱۵۳. مفیدترین منبع در باره او تاریخ بغداد: ۱۸۸/۸ ـ ۲۰۰ است.

این قاضی، مواضع روشن ضد شیعه داشت اما نسبت به امیرمؤمنان (ع)و خاندان او عواطفی ملایم داشته و از امام صادق (ع) و یک دو تن از علمای شیعه امامی مانند ابوحمزه ثمالی (بنگرید: تهذیب الکمال: ۵۷/۷) روایت می نمود. نمونه هایی از روایات وی را در باره فضائل امام علی (ع) در کتابهای زیر می توان یافت:

المعرفة و التاریخ: ۱۹۲/۳ (و از آنجا در تاریخ دمشق: ۲۹۸/۴۲)

الصمت ابن ابی الدنیا: ۵۵۴ ـ ۵۵۵

تأویل ما نزل: ۳۲۸

کفایة الاثر: ۱۱۰ ـ ۱۱۱

مناقب ابن شهرآشوب: ۳۲۶/۳ (در باره فاطمه زهرا [ع])

وی یک منبع عمده مطالب فقهی منسوب به امام علی (ع) در حدیث سنی است. برخی از نمونه ها از این قرار است:

مصنف عبدالرزاق: ۳۴۰/۱

الأُم: ۱۶۵/۷ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۲۶۳/۷)

مصنف ابن ابی شیبه: ۱۵/۱، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۱۰، ۱۲۷، ۱۸۰ ـ ۱۸۱ (نیز سنن ابی داود: ۴۲/۱)، ۱۹۴، ۳۰۰/۳، ۳۰۳، ۳۰۷، ۳۷۰/۴، ۳۹۲، ۱۷۵/۵، ۴۲۰/۶ (تکرار شده در ۳۳۳/۱۲، و با اختلافات در سنن بیهقی: ۱۴۱/۹)، ۲۶۳/۷، ۴۸/۱۰، ۸۲، ۱۳۴، ۱۳۸ (تکرار شده در ۲۷۴/۱۲)، الجزء المفقود (من مصنّف ابن ابی شیبه): ۹۴

تاریخ کبیر بخاری: ۴۱۴/۱

ص: ۲۹۱

صحیح بخاری: ۳۳۱/۴

سنن ترمذی: ۱۹۱/۱
کتاب السنه عبدالله بن احمد: ۲۱۹
امالی احمد بن عیسی: ۲۲۸/۴
جامع صغیر طبرانی: ۱۴۳/۱ ـ ۱۴۴
سنن دارقطنی: ۸۹/۱، ۲۸۶ (هر دو مورد نیز در سنن بیهقی: ۸۷/۱، ۳۱/۲ به ترتیب)
حفص در سال ۱۱۷ به دنیا آمد (تهذیب الکمال: ۶۹/۷). بنابراین گفته شیخ طوسی که وی با امام باقر (ع) ملاقات کرده (رجال طوسی: ۱۳۳) خطاست. در واقع حفص از امام باقر (ع) همواره با واسطه نقل می کند چنان که در موارد زیر: مصنف ابن ابی شیبه: ۱۲۶/۱، سنن دارمی: [۲۳۲] ۷۱/۱ (نیز الصمت ابن ابی الدنیا: ۲۹۶)، کافی: ۱۱۴/۳ (نیز حلیة الاولیاء: ۱۳۴/۳). او علاوه بر امام صادق (ع)، از امام کاظم (ع) نیز در کافی: ۶۰۶/۲، معانی: ۳۴۳ و تهذیب: ۳۷۷/۶ روایت می کند، اما روایت اول در ثواب: ۱۵۷ و روایت سوم در کافی: ۱۴۴/۸ از امام صادق (ع) است.

یحیی بن معین می گوید که حفص بین سه تا چهار هزار حدیث در کوفه از حافظه نقل کرد بدون آن که از نوشته ای بهره گیرد (تاریخ بغداد: ۱۹۵/۸). اما وی ظاهرا روایاتی را که از مشایخ خود می شنید در دفاتری یادداشت می نمود; زیرا در آثار بعدی، اشاراتی به مجموعه های حدیثی او وجود دارد (برای نمونه بنگرید: الجرح و التعدیل: ۱۸۶/۳، تهذیب الکمال: ۶۱/۷ ـ ۶۲). فرزندش عمر (م ۲۲۲) که خود از روات حدیث بوده، دفتری را که پدرش روایات اعمش را در آن نوشته بود، به دوست راوی خود نشان داد (تاریخ بغداد: ۱۹۷/۸). او یک دفتر حدیث هم از روایات خود از امام جعفر صادق (ع) فراهم کرده بود و همین دفتر بود که توجه علمای شیعه را به او جلب کرد.

کتابه عن جعفر بن محمد (ع)
دفتری مشتمل بر نزدیک به ۱۷۰ روایت که حفص از امام صادق (ع) شنیده، و شماری از راویان، از جمله فرزندش عمر از او روایت کرده اند (نجاشی: ۱۳۵). منابع سنی هم برخی روایات حفص را از طریق فرزندش عمر روایت می کنند (برای نمونه: ادب المفرد: ۲۱۶; صحیح بخاری: ۳۳۱/۴، صحیح مسلم: ۸۹۲ ـ ۸۹۳، المعرفة و التاریخ: ۱۹۲/۳، صفة النار ابن ابی الدنیا: ۵۶). طوسی (فهرست: ۶۱. نیز بنگرید: رجال او: ۴۲۵) که کتاب را از یک راوی مشترک با نجاشی، به

ص: ۲۹۲

نقل از فرزند حفص بن غیاث شنیده بود، این فرزند را «محمد» می خواند (نیز در تهذیب: ۳۰۲/۱). اما به نظر می رسد که این اشتباه طوسی باشد; زیرا در منابع حدیثی سنی هم از فرزندی از حفص با این نام، نامی نیامده و روایتی نقل نشده است (بنگرید: تهذیب الکمال: ۵۹/۷). صدوق در من لایحضر، همزمان، با سه اسناد مختلف از حفص روایت می کند که نشانگر نقل از یک متن مکتوب است. دو اسناد از این جمله، به سلیمان بن داود منقری می رسد (مشیخه: ۴۷۳). اکثریت انبوه روایات حفص در منابع شیعی، از طریق همین سلیمان بن داود است. نقلهای وی از امام صادق (ع) که در آثار سنی و شیعی آمده و ظاهرا همه از همین دفتر می باشد، شامل موارد زیر است:

الف: آثار سنی:

مصنف عبدالرزاق: ۳۴۰/۱ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۱۰۱/۱ ـ ۱۰۲)

طبقات ابن سعد، ترجمة الامام الحسین: ۳۵

[۲۳۳] مصنف ابن ابی شیبه: ۶۴/۱ (و از آنجا در سنن ابن ماجه: ۱۹۱)، ۱۱۰، ۱۲۷، ۱۸۷/۲، ۴۵۵، ۳۷۹/۵، ۳۸۰، ۳۹۶، ۲۳۷/۶، ۵۷۰، ۱۳۷/۷، ۴۲۴/۱۲ (نیز کافی: ۱۲/۵)، الجزء المفقود (من مصنف ابن ابی شیبه): ۳۰۵، ۳۴۵

تاریخ کبیر بخاری: ۴۱۴/۱، ۲۸۶/۲

صحیح مسلم: ۸۸۶ ـ ۸۹۳ (نیز سنن ابی داود: ۱۸۷/۲)

تاریخ مدینه ابن شبّه: ۱۷۱/۱ (نیز کافی: ۲۷۸/۵)

سنن ابی داود: ۱۹۵/۳ (نیز سنن ترمذی: ۱۶۲/۲ و منابع متعدد دیگر)

مصاحف ابن ابی داود: ۱۷۸

معجم کبیر طبرانی: ۳۵۱/۲۳

آداب الصحبه سلمی: ۷۳ (به نقل از ابن شبه)

معرفة الصحابة ابونعیم: ۱۹۷۰

سنن بیهقی: ۳۰۴/۹

فِصَل ابن حزم: ۶۱/۷ (به نقل از ابن ابی شیبه)

مسند الفردوس: (ازبک: ۶۶۷ [نیز اسنی المطالب: ۹۳ ـ ۹۴]، ۶۹۹[بخوانید: «حفص بن غیاث» به جای «جعفر بن غیاث»])

تاریخ دمشق: ۵۵۳/۴۲

ص: ۲۹۳

اسنی المطالب: ۱۰۸ ـ ۱۰۹

ب: آثار زیدی:

امالی احمد بن عیسی: ۲۶۷/۲، ۳۷۲، ۴۳۴، ۳۸/۳ (دو روایت)، ۱۶۸، ۲۰۴/۴، ۲۰۵، ۲۲۸
مناقب امیرالمؤمنین: ۸۰/۲

ج: آثار امامی:
محاسن: ۴۷، ۳۲۸ (نیز علل: ۱۲۷/۲)، ۴۳۹ ـ ۴۴۰
تفسیر عیاشی: ۴۸/۱ (نیز ۳۲۴ ـ ۳۲۵، ۳۸۵)، ۸۵، ۱۷۹/۲ ـ ۱۸۰
کافی: ۳۵/۱ (نیز امالی طوسی: ۴۷، ۱۶۷)، ۴۶ (دو روایت)، ۴۷ (دو روایت)، ۷۷/۲، ۸۸ ـ ۸۹، ۱۲۸، ۱۴۸ (تکرار شده در ۱۴۳/۸. نیز امالی مفید: ۲۷۴ ـ ۲۷۵)، ۲۶۳، ۳۱۹ (نیز امالی طوسی: ۲۰۸)، ۶۲۸ ـ ۶۲۹ (نیز امالی صدوق: ۱۱۹، فضائل الاشهر: ۱۸۷)، ۴۲۱/۳ ـ ۴۲۲، ۴۳۰، [۲۳۴] ۱۰/۵ ـ ۱۲ (نیز به طور کامل یا بخشی از آن در تفسیر عیاشی: ۳۲۴/۱، ۷۵/۲، تفسیر قمی: ۳۲۰/۲ ـ ۳۲۱، خصال: ۲۷۴ ـ ۲۷۶)، ۲۸ ـ ۲۹، ۴۴، ۴۷۳/۶، ۳۸۷/۷، ۴۵۷، ۱۴۳/۸ ـ ۱۴۴ (پنج روایت)، ۱۲۸ ـ ۱۲۹
تفسیر قمی: ۲۹/۱ (بخوانید: «حفص بن غیاث» به جای «جعفر بن غیاث»)، ۲۰۰، ۲۴۲ ـ ۲۴۳، ۱۱۴/۲، ۱۴۶، ۱۵۹، ۳۲۰ ـ ۳۲۱
امالی صدوق: ۶۷۶ ـ ۶۷۷ (دو روایت، دومی نیز در عقاب: ۲۹۵ ـ ۲۹۶)
من لایحضر: ۵۰۸/۱، ۵۲۴، ۴۳۵/۳
خصال: ۳۸۶ (و بخشی از آن در ۳۹۴)، ۴۰۷
معانی: ۳۰ (نیز توحید: ۳۲۷)، ۱۵۶، ۲۲۰، ۲۵۶، ۳۲۵
توحید: ۱۱۶ (به جای «عن حفص او غیره» بخوانید: «عن حفص بن غیاث»)، ۱۲۰، ۴۱۶ (نیز ثواب: ۱۶۱)[۲۴۹]
ثواب: ۱۵۷ (نیز بنگرید: کافی: ۶۰۶/۲ که در آن جا این روایت به امام کاظم (ع) نسبت داده شده است)
امالی طوسی: ۵۸۱

تهذیب: ۱۷۷/۱، ۲۵۳ ـ ۲۵۴، ۲۱/۳ـ۲۲، ۱۹۵، ۲۴۸، ۳۳۳/۴، ۱۴۶/۶ ـ ۱۴۷، ۱۵۱ ـ ۱۵۲، ۱۸۰ ـ ۱۸۱، ۱۵۵/۱۰
قصص الانبیاء: ۱۸۴، ۲۳۰
مناقب ابن شهرآشوب: ۷۳/۴ ـ ۷۴
موردی که در تهذیب: ۲۱/۳ ـ ۲۲ آمده، نشانگر سبک اصلی کتاب حفص می باشد. باب مفصلی از این کتاب مربوط به «جهاد» بوده است («سِیَر» که در تهذیب: ۱۴۵/۶ به «سیره» و در کافی: ۴۴/۵ به «سنن» تصحیف شده است). آغاز آن باب، قطعه ای است که در کافی: ۴۴/۵ و تهذیب: ۱۴۵/۶ ـ ۱۴۶ نقل شده و بخش های دیگر در این دو کتاب پراکنده است (کافی: ۱۰/۵ ـ ۱۲، ۲۸ ـ ۲۹، ۳۲ ـ ۴۴; تهذیب: ۱۱۵/۴ ـ ۱۱۶، ۱۳۶/۶ ـ ۱۳۷، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۵ ـ

۲۴۹. متنی که در برخی از نسخه های توحید به حفص نسبت داده شده و در پاورقی چاپ ۱۳۸۷ ق این اثر (ص ۳۹۷ ـ ۳۹۹) آمده است، به روشنی یک متن ساختگی است.

۱۴۶، ۱۴۶ ـ ۱۴۷، ۱۵۱ ـ ۱۵۲. برخی از اینها نیز در محاسن: ۳۲۷ ـ ۳۲۸، تفسیر عیاشی: ۴۸/۱، ۳۲۴ ـ ۳۲۵، ۳۸۵، ۸۵/۲، تفسیر قمی: ۳۲۰/۲ ـ ۳۲۱، من لایحضر: ۳۱۹/۴، خصال: ۲۷۶). باب دیگری از این کتاب در باره مسائل اخلاقی را می توان از متفرقاتی که در کافی: ۸۸/۲ ـ ۸۹، ۱۴۸، ۲۶۳، ۳۱۷، ۳۱۹، ۴۵۲، ۴۵۶ ـ ۴۵۷، ۱۲۸/۸ ـ ۱۲۹، [۲۳۵]۱۴۳، ۱۴۴ و امالی صدوق: ۷۶۴ ـ ۷۶۵ (نیز محاسن: ۲۲۴، خصال: ۴۱، ۱۱۹، عقاب: ۲۶۳، امالی مفید: ۲۷۴ ـ ۲۷۵، ۳۲۹) آمده است، بازسازی کرد.

۶۸ . ابوولاّد حنّاط

ابوولاّد حفص بن سالم کوفی، گندم فروش، از موالی بنومخزوم، که از امام صادق و امام موسی کاظم (علیهما السلام) روایت می کند.

برقی: ۹۶، نجاشی: ۱۳۵، فهرست طوسی: ۶۲، رجال او: ۱۹۷ (نیز بنگرید: کافی: ۲۹۰/۵).

برقی: ۹۶ و طوسی در فهرست: ۶۲ او را مولای جُعفی دانسته اند. نجاشی هم، همین مطلب را از یکی از منابعش نقل می کند، ولی ممکن است این مطلب مربوط به شخص دیگری که همان کنیه و حرفه راوی ما را داشته، بوده باشد (بنگرید: قاموس الرجال: ۵۸۰/۳ ـ ۵۸۱).

کتاب / اصل

دفتر حدیث این مؤلف که حسن بن محبوب از وی روایت کرده است (نجاشی: ۱۳۵، فهرست طوسی: ۶۲. نیز مشیخه: ۴۶۵، ۴۶۹). نزدیک به یک صد روایت از این مؤلف در کتب حدیثی شیعه هست که در معجم خویی: ۱۳۷/۶، ۶۸/۲۲ ـ ۶۹، ۲۲۲ ـ ۲۲۴ و فهارس بحار: ۴۴۴/۸،

ص: ۲۹۵

۴۵۱/۱۰[۲۵۰] فهرست شده و تقریبا همه آنها از طریق حسن بن محبوب نقل شده است.

۶۹ . حفص عَمْری

حفص بن سوقه کوفی،از موالی خاندان عمرو بن حُرَیث مخزومی (م ۸۵)، که از امام صادق (ع) و شاگردان وی روایت می نمود.

برقی: ۹۶، نجاشی: ۱۳۵، فهرست طوسی: ۶۲، رجال او: ۱۹۶

پیوند ولائی وی به شرح فوق در نجاشی گزارش شده است. وی همچنین از دو برادر این راوی با نام های زیاد و محمد یاد کرده که هر دو از امام باقر و امام صادق (علیهماالسلام) روایت کرده اند. طوسی (رجال: ۱۱۴) نیز از این دو نفر یاد کرده اما زیاد بن سوقه را به عنوان مولی جریر بن عبدالله بجلی (همان: ۱۳۵، ۲۰۸. در باره جریر بنگرید به مدخل شماره ۱۱۴ در همین فصل) و محمد بن سوقه را، که از او با عنوان «المرضی الخزّاز» نام می برد، به عنوان مردی از طایفه بَجیله و راوی [۲۳۶] از امام صادق (ع) یاد می کند (همان: ۲۸۵). این محمد باید همان ابوبکر محمد بن سوقه کوفی عابد باشد که شرح حال نویسان سنی از او یاد کرده (بنگرید: تهذیب الکمال: ۳۳۳/۲۵ ـ ۳۳۶ و منابعی که مصحح

۲۵۰ . برای نمونه ای از حدیث وی در یک اثر غیر امامی، بنگرید: امالی ابی طالب: ۴۴۴.

در پاورقی همانجا آورده است) و او را راوی از امام باقر (ع)دانسته، و با عنوان «الرضی» (همان: ۳۳۴/۲۳) و خزاز (همان: ۳۳۵/۲۳) وصف می کنند. ولی این شخص اخیر را «غنوی» دانسته اند که بیانگر انتساب به طایفه غنی بن یعصر از قیس عیلان است.

کتاب / اصل

دفتر حدیث «کوچک» این راوی که آن را ابن ابی عمیر از او روایت کرده است (نجاشی: ۱۳۵، فهرست طوسی: ۶۲). پس موارد زیر که توسط ابن عمیر از این مؤلف روایت شده، می تواند از همین دفتر باشد:

کافی:۱۰۳/۴، ۲۰۲/۵، ۴۶۲/۷

تهذیب: ۴۱۴/۷ (تکرار شده در ۴۶۱)، ۱۵۵/۵

۷۰ . حَکَم الاعْمی

ص: ۲۹۶

ابومحمد حکم بن مسکین کوفی، نابینا، از موالی ثقیف، و راوی از امام صادق (علیه السلام).

برقی: ۹۸، نجاشی: ۱۳۶، فهرست طوسی: ۶۲، رجال او: ۱۹۷

نجاشی کنیه وی را همان گونه که گذشت، آورده، اما در مشیخه:۴۵۳ ـ ۴۵۴ ابوعبدالله است.

این شخص، چنان که در همه منابع پیشگفته آمده، نابینا بوده است. بنابر این، گزارشی در مناقب ابن شهرآشوب: ۲۳۲/۴ که در آن او از چیزی که خود دیده بود سخن می گوید نباید دقیق باشد مگر به استعمال مجازی.

کتاب / اصل

دفتر حدیث مؤلف است که شماری از راویان از جمله ابن ابی عمیر، حسن بن محبوب[۲۵۱] و محمد بن الحسین بن ابی الخطاب از او روایت کرده اند (رسالة ابی غالب: ۱۸۲، فهرست طوسی: ۶۲). [۲۳۷] فرد اخیر (م ۲۶۲) که یکی از راویان عمده از این مؤلف بوده، می بایست این کتاب و آثار متعدد دیگری را که از مؤلف ما نقل می کند (بنگرید: مشیخه: ۴۴۱، ۴۵۲، ۴۵۳ ـ ۴۵۴، ۴۶۴، ۴۶۶، ۴۹۶، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۱۸، ۵۲۲، ۵۶۲) با واسطه نقل کرده باشد. در بصائر: ۴۷۷ وی از مؤلف، به واسطه علی بن اسباط نقل می کند که خود از راویان عمده مؤلف ماست (بنگرید: معجم خویی: ۳۷۰/۶ ـ ۳۷۴، نیز محاسن: ۲۷۵ ـ ۲۷۶، طب الائمة: ۱۰۳، خصال: ۶۳). شیخ صدوق به طور مستقیم از کتاب حکم بن مسکین نقل کرده است (من لایحضر: ۴۴۱/۱).

چنین است پاره ای از موارد نقل از این مؤلف در کتب حدیث شیعی از طریق راویان نامبرده:

محاسن: ۲۷۵ ـ ۲۷۶، ۴۷۰

بصائر: ۵۷، ۷۶ (نیز کافی: ۴۱۳/۱، تأویل ما نزل: ۲۵۳)، ۲۷۶ ـ ۲۷۷، ۴۷۷

---

۲۵۱ . فهرست طوسی: ۶۲ (بخوانید: «و الحسن بن محبوب» به جای «عن الحسن بن محبوب» [بنگرید: قاموس الرجال: ۶۰۰/۳]).

کافی: ۲۷۴/۱ ـ ۲۷۵، ۱۹۱/۲ ـ ۱۹۲، ۳۱/۳ (نیز علل: ۲۷۳/۱)، ۱۱۵ (نیز ثواب: ۲۲۹)، ۴۵۵، ۴۶۷، ۷۳/۴ ـ ۷۴، ۱۹/۵، ۴۶۷، ۴۹۲ (دو روایت، یکی تکرار شده در ۴۹۳)، ۷۹/۶، ۱۹۰/۷ ـ ۱۹۱ (دو روایت از یک متن)، ۲۰۵ ـ ۲۰۷ (دو روایت از یک متن)، ۲۶۲/۸ ـ ۲۶۳

ص: ۲۹۷

کامل الزیارات: ۱۸۰، ۲۱۵ (نیز امالی صدوق: ۲۰۰)، ۲۱۷ ـ ۲۱۸، ۲۶۴

امالی صدوق: ۴۹۶، ۶۸۲ (نیز ثواب: ۶۹)

من لایحضر: ۴۵۴/۳

علل: ۳۲/۲

عقاب الاعمال: ۲۵۱، ۲۷۳ (نیز بنگرید: محاسن: ۸۰ که همین روایت از حکم از طریق راوی دیگری روایت شده است)

کمال الدین: ۳۰۱ ـ ۳۰۲ (نیز خصال: ۴۷۶ ـ ۴۷۷، عیون اخبار الرضا: ۵۲/۱ ـ ۵۴)

خصال: ۶۳، ۱۳۹ ـ ۱۴۰، ۴۱۱ (به جای «حسن بن مسکین»، بخوانید «حکم بن مسکین»)، ۴۸۵ (بخوانید «حکم»، چنان که در مورد قبلی)، ۵۵۴ ـ ۵۶۳

تهذیب: ۲۷/۱، ۱۹/۲، ۱۴۹، ۱۸۲، ۳۱۶، ۳۳۲، ۳۳۵، ۲۰/۳ ـ ۲۱، ۲۲۳، ۲۸۱، ۱۹۷/۴، ۳۶۵/۶، ۱۶۲/۷ ـ ۱۶۳، ۳۰۱/۸ (به جای «اعشی» بخوانید: «اعمی». مقـ : کافی: ۴۱۳/۱، ۴۶۷/۳، ۵۵۶/۵)، ۲۳/۱۰، ۶۶

قصص الانبیاء: ۱۷۸

[۲۳۸] نجاشی از سه کتاب دیگر او: کتاب الوصایا، کتاب الطلاق و کتاب الظهار یاد کرده است. به نظر می رسد این کتابها در دسترس نویسندگان کتب حدیثی شیعه نبوده چه به جز یک استثنا (کافی: ۷۹/۶، مسأله ای در باب طلاق) روایتی از این مؤلف در باره موضوعات این کتابها نقل نشده است.

۷۱ . ابن ابی طلحه

حسن بن ابی طلحة، فروشنده لباسهای شاپوری، یک شیعه کوفی که از شاگردان امام صادق (ع) روایت می کند.

برقی: ۷۱، نجاشی: ۱۴۴، رجال طوسی: ۱۹۴

کتاب

دفتر حدیث مؤلف است که آن را شماری از راویان از جمله احمد بن ابی بشر (نجاشی: ۱۴۴) و محمد بن سنان زاهری، آنچنان که شاید از نقلهای متعدّد او و از این مؤلف به دست آید، از او روایت کرده اند. نمونه هایی از موارد نقل شده از این مؤلف توسط این دو راوی از این

ص: ۲۹۸

قرار است:

بصائر: ۲۷۲

کافی: ۵۳۷/۱، ۲۰۹/۲، ۲۸۱/۴، ۱۰۱/۵، ۲۳۷/۸

غیبت نعمانی: ۳۰۸ ـ ۳۰۹

تهذیب: ۲۵۲/۲، ۱۴۳/۴ ـ ۱۴۴، ۱۸۹/۶

[۲۳۹] ۷۲ . حمّاد ناب

حمّاد بن عثمان الناب،از موالی کوفه، و راوی از امام صادق و امام کاظم (علیهماالسلام). یک راوی پرکار حدیث که در جامعه شیعه روزگار خود به دانش دینی معروف بود. وی در سال ۱۹۰ در کوفه درگذشت.

برقی: ۷۰، ۱۱۷، رجال کشی: ۳۷۲، ۳۷۵، نجاشی: ۱۴۳، فهرست طوسی: ۶۰ ـ ۶۱، رجال او: ۱۸۶، ۳۳۴، ۳۵۴

در باره جزئیات مربوط به زندگی او اختلافاتی وجود دارد. در باره این اختلافات بنگرید: قاموس الرجال: ۶۴۸/۳ ـ ۶۵۱.

کشی: ۳۷۵ او را یکی از شش تن دانشمندترین افراد در میان طبقه جوان تر شاگردان امام صادق(ع) می شناساند.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان از جمله ابن ابی عمیر، حسن بن علی الوشاء، حسن بن علی بن فضال و محمد بن ولید خزاز از او روایت می کنند (نجاشی: ۱۴۳، فهرست طوسی: ۶۰ ـ ۶۱، رجال او: ۳۳۴). ابن طاوس در غیاث سلطان الوری: ۶، ۹ و ملاحم: ۱۱۹ ـ ۱۲۰ از این کتاب نقل کرده است (برای اطلاعات بیشتر بنگرید: کتابخانه ابن طاوس: ۲۲۳). شمار احادیث نقل شده از وی در منابع حدیثی شیعه حدود دو هزار حدیث است که بیشتر آنها از طریق راویان پیشگفته نقل شده است. برای فهرست آنها بنگرید: معجم خویی: ۱۸۹/۶ ـ ۱۹۸ (مقـ : قاموس الرجال: ۶۵۲/۳ ـ ۶۵۳)، ۲۱۶ ـ ۲۲۳، ۳۷۴ ـ ۴۲۲، فهارس بحار: ۴۵۲/۸ ـ ۴۵۴، ۴۵۶ ـ ۴۵۷.

۷۳ . حمزه شیبانی

ص: ۲۹۹

حمزة بن حُمران بن اَعْین،از موالی کوفی بنوشیبان و عضو خاندان برجسته شیعی آل اعین (بنگرید: مدخل شماره ۲۳۴ در همین فصل). او از امام باقر و امام صادق (علیهماالسلام) روایت می کند.

برقی: ۱۰۰، کافی: ۱۵۴/۶، مشیخه: ۵۱۲، رسالة ابی غالب: ۱۱۴، ۱۳۲، نجاشی: ۱۴۰، فهرست طوسی: ۶۴، رجال او: ۱۳۲، ۱۹۰

حمزه فرزند حمران بن اعین، یکی از علمای برجسته شیعی نیمه اول قرن دوم هجری بوده (در باره حمران بنگرید: معجم خویی: ۲۵۵/۶ ـ ۲۵۶، قاموس الرجال: ۱۳/۴ ـ ۲۲) که در منابع سنی نیز از او به عنوان راوی حدیث و

متخصص در قراءات یاد شده است (در این باره بنگرید به منابع فراوانی که مصحح در پاورقی تهذیب الکمال: ۳۰۶/۷ ـ ۳۰۷ ذکر نموده است).

[۲۴۰] کتاب

دفتر حدیث مؤلف که تنی چند از راویان از جمله صفوان بن یحیی از او روایت کرده اند (نجاشی: ۴۰، فهرست طوسی: ۶۴). نزدیک به یک صد حدیث از این مؤلف در آثار حدیثی شیعه آمده که در معجم خویی: ۲۶۷/۶ ـ ۲۶۸، ۴۵۴ ـ ۴۵۶ و فهارس بحار: ۴۶۴/۸ ـ فهرست شده و برخی از آنها از طریق راوی یاد شده می باشد.[۲۵۲]

۷۴ . حنان صیرفی

حنان بن سدیر بن حکیم بن شُعَیب کوفی، صراف، از موالی ازد، عضو برجسته جامعه شیعه کوفه در روزگار خویش، و راوی از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام). وی پس از رحلت امام کاظم (ع) به واقفه پیوست و عمری طولانی کرد.

برقی: ۱۱۱، ۱۱۷ رجال کشی: ۲۹۶، ۵۵۰، نجاشی: ۱۴۶، فهرست طوسی: ۶۴، رجال او: ۱۹۳، ۳۳۴. وی در حلقات حدیث سنی هم شناخته بود. بنگرید: الجرح و التعدیل: ۲۹۹/۳، ثقات ابن حبان: ۲۱۹/۸، علل دارقطنی: ۱۸۴/۵، مؤتلف او: ۴۳۰ ـ ۴۳۱، و منابع دیگری که مصحح در پاورقی لسان المیزان: ۶۹۵/۲

ص: ۳۰۰

آورده است.

کنیه «ابوالفضل» در مدخل مربوط به وی در نجاشی آمده، به گونه ای که گویا از اوست، اما آن در واقع کنیه پدر اوست (برقی: ۶۵، رجال کشی: ۲۱۰، ثواب: ۲۳۸ [نیز امالی مفید: ۱۹۵]، غیبت طوسی: ۴۵، رجال او: ۱۴۴، ۲۲۳). در باره مولای ازد بودن او بنگرید: رجال کشی: ۵۹۲.

نجاشی محل دقیق دکان این راوی را در بازار کوفه یاد می کند که روبروی ورودی مسجد جامع، در راسته بزّازان بوده است.

منابع زیدی (برای نمونه: امالی احمد بن عیسی: ۱۲۰/۳) و سنّی (برای نمونه: مؤتلف دارقطنی: ۴۳۰، ۴۳۱، تاریخ دمشق: ۱۴۸/۲۰ـ ۱۴۹ [نیز امالی صدوق: ۴۱۲ ـ ۴۱۳، امالی مفید: ۱۲۶]، ۳۰۶/۶۲ [بخوانید: «حنان» به جای «حسان»]) هم از وی احادیثی نقل کرده اند. برای روایات وی در حمایت از واقفه بنگرید: غیبت طوسی: ۴۵، ۵۰، ۵۳، ۵۸ که همه آنها از کتاب فی نصرة الواقفه علی بن احمد علوی موسوی می باشد. این علی بن احمد علوی که در اواسط قرن سوم بوده و برخی از راویان دیگر این طبقه، به صورت روایت بی‌واسطه از حنان نقل می کنند. این می تواند امکانا مؤید سخن نجاشی باشد که حنان عمری طولانی داشته است.[۲۵۳]

---

۲۵۲ . چند نمونه آنها از این قرار است: زهد حسین بن سعید: ۸، بصائر: ۴۸۲ (نیز رسائل کلینی، چنان که در لهوف: ۵۶ ـ ۵۷ آمده است)، کافی: ۲۶۶/۳ (نیز تهذیب: ۲۳۸/۲).

۲۵۳ . البته این هم ممکن است که روایات مزبور از کتب حنان باشد نه به سماع مستقیم از وی.

[۲۴۱] ۱ ـ کتاب فی صفة الجنّة و النار

(نجاشی: ۱۴۶). آغاز این اثر که نجاشی نقل کرده، همان جمله آغازین کتاب صفة الجنة و النار از سعید بن جناح است که باقی مانده است (اختصاص: ۳۴۵ ـ ۳۶۵). یک روایت طولانی از حنان در این موضوع در دست است (ثواب: ۲۳۸ [بخشی از آن نیز در ۱۸۰]، امالی مفید: ۱۷۷ ـ ۱۷۸) که با جمله ای شبیه همان کتاب سعید بن جناح آغاز می شود، اما متن متفاوتی دارد و در حجمی نیست که اثر مستقلی به شمار آید. ممکن است نجاشی یا منبع وی میان این دو اثر خلط کرده باشند.[۲۵۴] سعید بن جناح، نیمه نخست کتابش را (صص ۳۴۵ ـ ۳۵۶) از عوف بن عبدالله

ص: ۳۰۱

ازدی از «بعض اصحابنا» نقل می کند، اما این نمی تواند اشاره به روایت طولانی حنان باشد، زیرا دو متن از نظر اسلوب و طبیعت، تفاوت های زیادی دارند.

۲ ـ کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان از جمله ابن ابی عمیر، حسن بن محبوب، محمد بن عیسی بن عبید یقطینی، ابراهیم بن هاشم قمی (مشیخه: ۴۲۸، فهرست طوسی: ۶۴ [بخوانید: «والحسن بن محبوب» به جای «عن الحسن بن محبوب». بنگرید: قاموس الرجال: ۶۸/۴])، و به احتمال محمد بن اسماعیل بن بزیع (بنگرید: تجرید اسانید الکافی: ۶۱۹) از او روایت کرده اند. دو نسخه از این کتاب به دست ابوغالب (رسالة ابی غالب: ۱۶۷ ـ ۱۶۸) رسیده بود; یکی به روایت محمد بن بکر بن جناح از مؤلف، و دیگری از طریق عبدالله بن جعفر حمیری به واسطه دو راوی قمی: محمد بن عبدالحمید و عبدالصمد بن محمد[۲۵۵] که کتاب را از مؤلف روایت کرده بودند. حمیری دو قطعه از این کتاب را توسط دو راوی اخیر در قرب الاسناد: ۹۶ ـ ۱۰۱ (دوازده روایت) و ۱۲۳ ـ ۱۲۵ (شش روایت) آورده است. محاسن: ۵۲۴ (و از آنجا خصال: ۱۴۴)، ۵۳۸، ۵۸۰ از طریق «گروهی از اصحاب» از حنان روایت می کند که ظاهرا نشانگر نقل از کتاب است.

[۲۴۲] بیشتر نزدیک به دویست نقل از حنان در کتابهای حدیثی شیعه که در معجم خویی: ۳۰۲/۶ ـ ۳۰۵، ۴۶۴ ـ ۴۷۰ و فهارس بحار: ۴۷۷/۸ ـ ۴۷۸ فهرست شده، از طریق راویان پیشگفته می باشد.

۷۵ . حارث نصری

---

۲۵۴ . این هم ممکن است (گرچه احتمال بعیدی است) که دو نام سعید و جناح در نسخه ای از کتاب منسوب به سعید بن جناح که به دست نجاشی یا منبع او رسیده بود تصحیف شده بود و کسی با جابجا کردن جای آن دو نام، آنها را به شکلی که خیال می کرد باید صورت درست آن نام ها باشد تصحیح کرده بود. این مانند مطلبی است که در باره نسخه **الدعامة فی تثبیت الامامة** ابوطالب یحیی بن حسین هارونی که با عنوان **نصرة مذاهب الزیدیه** (تحقیق ناجی حسن، ۱۹۸۱) با نسبت آن به صاحب بن عباد انتشار یافته پیش آمده است که ظاهرا مصحح ـ یا احتمالا ناسخ تنها نسخه مورد استفاده او ـ نام فرسوده شده «ابوطالب» را بر نسخه قدیم کتاب، «صاحب» تصور کرده و البته برای این نام اخیر نیز جز صاحب بن عباد کسی را نمی شناخته است. می دانیم که تصحیف اسامی حنان و سدیر، فراوان رخ می داده است. بنگرید به توضیحات ابن حجر در **لسان المیزان**: ۳۰۴/۲، ۳۵۱ (بر عبارت ذهبی در **میزان**: ۴۴۹/۱، ۴۸۷). نیز بنگرید به پاورقی های مصحّحان **لسان المیزان**: ۶۹۵/۲ و **مؤتلف دارقطنی**: ۴۳۰.

۲۵۵ . شیخ صدوق هم این کتاب را از طریق همین راوی (و دیگران) دریافت کرده بود. (**مشیخه**: ۴۲۸).

ابوعلی حارث بن مغیره کوفی، عربی از بنونصر بن معاویه (یکی از تیره های هوازن)، و راوی از امام صادق (علیه السلام).

ص: ۳۰۲

برقی: ۵۹، ۱۰۰، رجال کشی: ۳۳۷، نجاشی: ۱۳۹، فهرست طوسی: ۱۶۵، رجال او: ۱۳۲، ۱۹۱، لسان المیزان: ۲۹۰/۲ ـ ۲۹۱. نیز بنگرید: محاسن: ۶۲۵، کافی: ۱۵۸/۸، ۱۶۲، طب الائمه: ۱۳۰، ۱۳۴، امالی طوسی: ۳۱۸.

برقی این راوی را کوفی، و نجاشی او را بصری معرفی می کنند. در روایتی در رجال کشی: ۳۳۷، یونس بن یعقوب که کوفی بود، نقل می کند که امام صادق (ع) به گروهی از دیدار کنندگان که به احتمال زیاد کوفی بودند، توصیه می فرمود که در مسائل دینی به حارث مراجعه کنند. آگاهیم که صفوان بن یحیی که راوی عمده روایات حارث است، و تقریبا همه راویان دیگر او، کوفی هستند. ترکیب این نکات ظاهرا چنین نشان می دهد که او یا فقط بصری الاصل بوده و یا آن که «نصری» در یکی از منابع نجاشی، به «بصری» تصحیف شده بود.

نجاشی، او را از راویان از امام کاظم (ع) نیز دانسته است; اما روایتی در رجال کشی: ۳۳۷ شاید نشانگر آن باشد که حارث در زمان امام صادق (ع) درگذشته بود.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان شیعی از جمله صفوان بن یحیی (که گاهی با واسطه از این مؤلف نقل می کند چنان که در محاسن: ۲۱۹، [۲۴۳] تأویل ما نزل من القرآن: ۱۷۲ ـ ۱۷۳، بصائر: ۴۸۰ [نیز بنگرید: ۶۵]، غیبت نعمانی: ۲۴۲، توحید: ۱۴۹) از او روایت کرده اند (نجاشی: ۱۳۹، فهرست طوسی: ۶۵) . شیخ صدوق در من لایحضر (برای نمونه: ۴۴۲/۲) از او، هم زمان، از طریق دو راوی: ابن ابی عمیر و یونس بن عبدالرحمان نقل می کند (مشیخه: ۴۵۵). ابن ابی عمیر در مواردی دیگر از حارث با واسطه نقل کرده است (برای نمونه: محاسن: ۲۵۹، امالی صدوق: ۲۴۹) اما یونس غالبا بدون واسطه از او روایت می کند (برای نمونه: بصائر: ۳۹۶، کافی: ۲۲۳/۱ [نیز کمال الدین: ۲۲۴]).

نزدیک به یک صد روایت از حارث در کتابهای حدیث شیعی آمده که در معجم خویی: ۴۶۲/۴ ـ ۴۶۴ و فهارس بحار: ۳۱۸/۸، ۳۱۹، ۳۲۱ فهرست شده است. موارد زیر به روایت صفوان می باشد:

زهد حسین بن سعید: ۷۳

محاسن: ۲۱۹

بصائر: ۳۲۳ (نیز تأویل ما نزل من القرآن: ۱۷۲ ـ ۱۷۳. نیز بنگرید: بصائر: ۳۲۱ ـ ۳۲۲)، ۳۲۶ ـ ۳۲۸ (نیز کافی: ۲۶۴/۱)، ۳۶۶ ـ ۳۶۷، ۴۸۰

ص: ۳۰۳

کافی: ۴۸۴/۲، ۲۷۶/۳، ۱۵۸/۸

غیبت نعمانی: ۲۴۲ (نیز بنگرید: خصال: ۲۰۰)
توحید: ۱۴۹

۷۶ . ابن الاحول

حارث بن محمد بن نعمان کوفی، از موالی بجیله، فرزند متکلم معروف شیعه ابوجعفر الاحول صاحب الطاق (شماره ۱۴۸ در همین فصل).

برقی: ۱۰۰، نجاشی: ۱۴۰، فهرست طوسی: ۶۴، رجال او: ۱۹۲، لسان المیزان: ۲۸۹/۲ ـ ۲۹۰

کنیه او در رجال طوسی ابوعلی اما در لسان المیزان ابومحمد است. در منبع اخیر از علی بن حکم و او به نقل از حسن بن محبوب نقل دارد که او زمانی در محفل درس محمد بن حسن شیبانی فقیه (م ۱۸۹) شرکت جسته بود و این شیبانی حارث را می ستود و بر آن که چنین کسی شیعه بود تأسف می خورد!

کتاب / اصل

دفتر حدیث مؤلف که توسط شماری از راویان شیعه از جمله حسن بن محبوب روایت شده است (نجاشی: ۱۴۰، فهرست طوسی: ۶۴). نقل ها از این مؤلف در منابع بعدی، که بیشتر توسط همین راوی روایت شده، شامل نمونه های زیر است:

محاسن: ۱۸۰ ـ ۱۸۱ (نیز فضائل الشیعه: ۳۰۹ ـ ۳۱۰)، ۳۵۰ (کافی: ۲۸۳/۴)

کافی: ۱۲۲/۴ (نیز من لایحضر: ۱۴۹/۲)، ۳۸۰/۵، ۲۳۴/۷ (نیز من لایحضر: ۴۴/۴)، ۳۱۴ (نیز تهذیب: ۲۴۹/۱۰)، ۱۵۶/۸

امالی صدوق: ۳۸۱ ـ ۳۸۲ (نیز من لایحضر: ۴۰۰/۴، معانی: ۱۹۶، و بخشی از آن در خصال: ۱۵۳)
من لایحضر: ۱۴۸/۴ (نیز تهذیب: ۲۳۳/۱۰)
ثواب: ۱۶۲

[۲۴۴] ۷۷ . حَریز السِّجِستانی

حریز بن عبدالله ازدی سجستانی کوفی، تاجر روغن، و فقیه برجسته شیعی در نیمه

ص: ۳۰۴

اول قرن دوم هجری. او در سجستان اقامت گزید و در آن جا حلقه ای از پیروان داشت،اما در مبارزه ای مسلحانه با خوارج محلی که در آن زمان، در ناحیه مزبور در قدرت بودند درگیر و در نهایت توسط آنان کشته شد.

برقی: ۱۰۳، رجال کشی: ۳۳۶، ۳۸۳ ـ ۳۸۵، مؤتلف دارقطنی: ۳۵۶، اختصاص: ۲۰۷، الاکمال ابن ماکولا: ۸۶/۲، نجاشی: ۱۴۴ ـ ۱۴۵، فهرست طوسی: ۶۲ ـ ۶۳، رجال او: ۱۹۴، تلخیص المتشابه: ۴۹۶، معجم الادباء: ۱۹۱/۳، لسان المیزان: ۳۴۷/۲

اختلافاتی در منابع در باره جزئیات مربوط به شرح حال حریز وجود دارد. کنیه او در نجاشی: ۱۴۴ ابومحمد، اما در رجال کشی: ۳۸۵ ابوعبدالله آمده است. برقی و کشی: ۳۸۵ او را عرب می دانند، اما طوسی در رجال: ۱۹۴ او را از

موالی ازد می خواند. این که او ازدی باشد، خواه به نسب و خواه به وِلا، مورد قبول همه است. با این همه عُقَیلی در ضعفاء: ۲۴۰/۲ یکی از دانشمندان بصره را که منابع سنی او را به عنوان پدر حریز می شناسند «عوفی» می خواند. درست است که دو تیره از بنوعوف در ازد وجود داشت که افرادی از یکی از آن دو در بصره زندگی می کردند (جمهره ابن حزم: ۳۱۳، ۳۵۸) اما در مورد سخن ما «عوفی» به احتمال زیاد، تصحیف «کوفی» است.

منابع شیعه حریز را به عنوان یک کوفی معرفی می کنند که غالبا برای تجارت به سجستان سفر می کرده است (نجاشی: ۱۴۴). منابع دیگری هم کوفی بودن او را تأیید می کنند (الجرح و التعدیل: ۲۸۹/۲، الاکمال: ۸۶/۲، لسان المیزان: ۳۴۷/۲). با این همه منابع سنی او را به عنوان فرزند عبدالله بن حسین ازدی، قاضی سجستان و راوی حدیث معرفی می کنند که بیشتر این منابع برآنند که وی بصری بوده است (تهذیب الکمال: ۴۲۰/۱۴ ـ ۴۲۲ و منابع بسیار دیگری که مصحح در پاورقی همانجا آورده است). برخی از همین منابع، این قاضی را به داشتن اعتقاد شیعی «رجعت» متهم کرده اند (سؤالات آجرّی [گزارش شده در تهذیب الکمال: ۴۲۲/۱۴، ولی عبارت در متن چاپی سؤالات آجرّی سقط شده است]، میزان الاعتدال: ۴۰۷/۲ ـ ۴۰۸، توضیح المشتبه: ۲۹۱/۲).

این که حریز با خوارج سجستان درگیر شده بود، توسط رجال کشی و نجاشی گزارش شده است. هر دو یاد کرده اند که او به خاطر این کار از سوی امام صادق (ع) سرزنش شده بود. برقی و کشی نوشته اند که او در سجستان کشته شد. اختصاص: ۲۰۷ جزئیاتی در باره کشته شدن وی و همراهانش به دست خوارج در آن منطقه به دست داده است.

این که او فقیه برجسته ای در زمان خویش بود، نیز با دو گزارش در رجال کشی: ۳۸۳ ـ ۳۸۴ تأیید می شود. یکی از آنها گزارش گفتگویی میان وی و ابوحنیفه در باره چند مسأله فقهی است. در گزارش دیگر، یونس بن عبدالرحمن، دانشمند برجسته شیعه، حریز را به خاطر دانش گسترده اش

ص: ۳۰۵

در فقه اسلامی ستایش می کند. دیگران، حریز را به عنوان یکی از مشایخ شیعه می شناسانند (فهرست ابن ندیم: ۳۰۸، مؤتلف دارقطنی: ۳۵۶، تلخیص المتشابه خطیب: ۴۹۴، توضیح المشتبه: ۲۹۲/۲).

حریز یک محدث پرکار در نقل روایت بوده و نزدیک به یک هزار و پانصد حدیث از وی، تنها در کتب [۲۴۵] اربعه حدیث (معجم خویی: ۲۵۳/۴، ۲۶۱، و فهرست آنها در ص ۴۶۷ ـ ۴۹۶) و بسیاری دیگر در سایر کتابها (فهارس بحار: ۳۳۷/۸ ـ ۳۳۸) آمده است . برقی می گوید که حریز چندین کتاب داشته، اما جزئیات بیشتری ارائه نمی دهد. ابن ندیم در فهرست: ۲۷۷، نجاشی: ۱۴۵ و طوسی در فهرست: ۶۳ از تعدادی از این آثار نام می برند. نجاشی و طوسی و علمای متقدم دیگر که از این آثار نام می برند (مشیخه: ۴۴۳ ـ ۴۴۴، رسالة ابی غالب: ۱۱۰) آنها را به روایت حماد بن عیسی جُهَنی از مؤلف دریافت کرده اند. نزدیک به یک هزار نقل از حریز به روایت همین راوی در کتب اربعه (معجم خویی: ۱۸۹/۶، ۲۳۱) و بسیاری دیگر در سایر منابع حدیثی آمده است.

۱ ـ کتاب حریز

دفتر حدیث مؤلف که ابن ندیم در فهرست: ۲۷۵ و صدوق در من لایحضر: ۳/۱ از آن به عنوان یک منبع اصلی حدیث و فقه شیعی از یکی از پیشگامان مکتب تشیع یاد می کنند. ابوغالب (رساله: ۱۷۰) این اثر را در نسخه ای از کتاب که دستنوشته حُمید بن زیاد دهقان (م ۳۱۰) بوده و او آن را از مؤلفش به واسطه حماد بن عیسی اخذ کرده بود،

دریافت کرد. آثار دیگر حریز، به احتمال فراوان، از مطالب و روایات همین اثر گرفته و به شکل موضوعی تدوین شده است.

بخشی از این کتاب در مستطرفات: ۷۱ ـ ۷۵ آمده است. تمام روایات این بخش، مسقیم یا غیر مستقیم، در باره نماز است، اما روایتی که ابن طاوس از این کتاب در فلاح: ۱۷۳ نقل کرده، مربوط به این موضوع نیست، مگر آن که آن هم در اصل، بخشی از یک روایت بزرگ تر بوده که بخش های دیگرش با نماز یا نوعی خاص از آن در ارتباط بوده است.

۲ ـ کتاب الصلوة

(فهرست ابن ندیم: ۲۷۷، نجاشی: ۱۴۵، فهرست طوسی: ۶۳). این، کتاب بزرگ حریز در باب نماز بوده است (نجاشی: ۱۴۵). ظاهرا تمام محتوای این کتاب در آثار بعدی بر جای مانده چه اکثریت قاطع روایاتی که حماد از حریز نقل کرده، مربوط به این موضوع است. برای لیست این روایات بنگرید: معجم خویی: ۴۶۷/۴ ـ ۴۹۶ (نیز ایضاح قاضی نعمان که در صفحات بسیار از

ص: ۳۰۶

کتاب حمّاد از حریز در بابِ نماز [نجاشی: ۱۴۲] نقل کرده و آن ظاهراً صورت تکمیل شده همین کتاب الصلاة حریز بوده است).

۳ ـ کتاب الصلوة

این، کتاب کوچک مؤلف در باره این موضوع است (نجاشی: ۱۴۵) و باید همان متنی باشد که حماد بن عیسی آن را در حفظ داشت (کافی: ۳۱۱/۳، [۲۴۶] امالی صدوق: ۴۹۸، من لایحضر: ۳۰۰/۱).[۲۵۶] این متن ظاهرا مشتمل بر سخنان امامان در باره مسائل اصلی مربوط به نمازهای روزانه بوده است.

۴ ـ کتاب الزکاة

(فهرست ابن ندیم: ۲۷۷، فهرست طوسی: ۶۳) نجاشی: ۱۴۲ کتابی با عنوان کتاب الزکاة به حماد نسبت می دهد که عمده مواد آن به روایت از حریز بوده و تنها اندکی از روایات آن از مشایخ دیگر بوده است. این بدین معناست که کتاب حماد، اقتباس و صورت تکمیل شده ای از اثر حریز بوده و یا آن که حماد این کتاب را از مواد و روایاتی که در دفتر حدیثی حریز بوده، گردآوری کرده است. به نظر می رسد که شیخ صدوق، در فصل زکات از کتاب من لایحضر خود از این کتاب حریز بهره برده است (بنگرید: مشیخه: ۴۴۳، و برای نمونه های روایات اخذ شده از آن اثر بنگرید: من

---

۲۵۶ . این که حماد کتاب حریز را در باره نماز در حفظ داشته، در سیاق گفتگویی میان حماد و امام صادق (ع) آمده است که امام ضمن آن، حماد را برای آن که به سن شصت یا هفتاد رسیده و هنوز نمی توانسته نمازش را درست انجام دهد، نکوهش می کند. با این همه سرگذشت نویسان گفته اند که حماد به سال ۲۰۹ در سن بیش از ۹۰ سالگی درگذشته است (عبارت «سبعین» در **رجال کشی**: ۳۱۷ هم باید تصحیف «تسعین» باشد). بنابر این، عمر وی در زمان رحلت امام صادق (ع) چیزی نزدیک سی سال بوده است، چیزی که با آن جمله بالا ناسازگار است. می توان این جمله را به عنوان یک توصیه تلقی کرد که اگر جوانان رفتار خود را اصلاح نکنند عادات غلط را تا پیری ادامه می دهند. هرچند این تفسیر، با سیاق عبارت منسوب به امام چندان سازگار نیست.

لایحضر: ۴/۲ ـ ۷، ۹ ـ ۱۰، ۲۶، ۵۰ ـ ۵۱، ولی مواد دیگری نیز در این منبع از زرارة بن اعین و دیگران نقل شده که می تواند از همین اثر مورد سخن بوده باشد، چنان که از روایات مشابه آن در کافی به دست می آید). نقلهای فراوان دیگر در باره این موضوع از حریز به روایت حماد در کتابهای حدیثی کهن دیگر شیعه آمده که نمونه هایی از آن، از این قرار

ص: ۳۰۷

است:

تفسیر عیاشی: ۴۷/۲ (نیز تهذیب: ۱۳۲/۴، ۱۳۳ با اختلاف)

کافی: ۴۹۶/۳ ـ ۴۹۷، ۴۹۷ ـ ۴۹۸، ۵۰۴، ۵۰۶، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۸ (دو روایت، اولی نیز در علل: ۵۸/۲)، ۵۲۰، ۵۲۲، ۵۲۳ ـ ۵۲۴ (دو روایت)، ۵۲۵ ـ ۵۲۶ (نیز علل: ۶۲/۲ ـ ۶۳)، ۵۲۸، ۵۲۰ ـ ۵۳۲ (پنج روایت، آخری نیز در معانی: ۳۲۷ ـ ۳۲۸)، ۵۳۴ ـ ۵۳۵ (دو روایت)، ۵۳۶ ـ ۵۳۸ (دو روایت)، ۵۴۱ (سه روایت)، ۵۴۶ (دو روایت)، ۵۴۷، ۵۴۸ ـ ۵۴۹، ۵۵۳ ـ ۵۵۴ (پنج روایت)، ۵۶۰ (دو روایت، دومی نیز در معانی: ۲۶۲)، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶ ـ ۵۶۷ (دو روایت)، ۵۶۸، ۱۳/۴، ۲۵، ۴۹، ۵۹

تفسیر قمی: ۲۰۴/۲

علل: ۶۵/۲ (دو روایت، اولی نیز در تهذیب: ۱۳۷/۴ ـ ۱۳۸)

معانی: ۲۴۶

تهذیب: ۹/۴، ۱۶، ۴۰، ۴۱، ۵۱، ۵۹، ۶۱، ۶۵، ۶۶، ۷۴، ۷۷، ۸۷، ۹۲ ـ ۹۳، ۱۲۲، ۱۴۷ (دو روایت)

[۲۴۷] بخش عمده ای از این کتاب که حریز از دو فقیه امامی معروف، زرارة بن اعین و محمد بن مسلم، اخذ کرده درست به زبان و ساختار کتابهای فقهی قرن دوم هجری است. در این باره به ویژه بنگرید به قطعه ای که در کافی: ۵۲۵/۴ ـ ۵۲۶ (نیز علل: ۶۲/۲ ـ ۶۳، و بنگرید: تهذیب: ۹۲/۴ ـ ۹۳) آمده است. برای بخش های دیگری از آن قطعه بنگرید: کافی: ۴۹۶/۳ ـ ۴۹۷، ۵۱۳، ۵۲۰، ۵۲۸، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۵۳ ـ ۵۵۴ (سه مورد)، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶ ـ ۵۶۷، ۵۶۸، من لایحضر: ۴/۲ ـ ۷.

۵ ـ کتاب الصوم

(فهرست ابن ندیم: ۲۷۷، فهرست طوسی: ۶۳). نقل های زیر از حریز مربوط به این عنوان است:

محاسن: ۳۱۸ (و از این جا در علل: ۷۱/۲)

تفسیر عیاشی: ۹۰/۱، ۲۷۵ (نیز کتاب ابن قولویه: ۱۴۶ [بدون سند])

کافی: ۶۲/۴، ۹۳ (نیز ثواب: ۱۰۵)، ۱۰۶، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۴۶، ۱۵۳

من لایحضر: ۱۲۱/۲ (نیز تهذیب: ۲۷۱/۴)، ۱۴۱، ۱۸۳

خصال: ۵۰۸

تهذیب: ۱۵۱/۴، ۱۹۸، ۲۰۳، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۵۰، ۲۵۴، ۲۷۹، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۳۱

ص: ۳۰۸

۶ ـ کتاب النوادر

(فهرست ابن ندیم: ۲۷۷، نجاشی: ۱۴۵، فهرست طوسی: ۶۳). بسیاری از روایات نقل شده از حریز، به ویژه در موضوعات اخلاق مذهبی، با موضوع این کتاب مناسب است. بنگرید: فهارس بحار: ۳۳۷/۸ ـ ۳۳۸ برای فهرست برخی از این نقل ها.

۷۸ . هارون غنوی

هارون بن حمزه صراف، یک راوی کوفی از امام صادق (علیه السلام).

برقی: ۸۵، نجاشی: ۴۳۷، فهرست طوسی: ۱۷۹، رجال او: ۱۴۸، ۳۱۸

حرفه هارون به عنوان صراف در نجاشی آمده، اما تهذیب: ۱۳۹/۸ و بصائر: ۴۲۰ از او به عنوان خزّاز یاد می کنند.

کتاب

دفتر حدیث او که شماری از دانشمندان بعدی از طریق یزید بن اسحاق غنوی معروف به شَعَر، دریافت کرده اند [۲۴۸](رسالة ابی غالب: ۱۶۶، نجاشی: ۴۳۷، فهرست طوسی: ۱۷۶. نیز بنگرید: مشیخه: ۴۷۲). تقریبا همه نقلهای برجای مانده از این مؤلف در منابع بعدی، از طریق همین راوی است که نمونه های آن از این قرار می باشد:

بصائر: ۵۰، ۱۲۵، ۲۰۵ (نیز کافی: ۲۱۴/۱)، ۲۰۷ (بخوانید «یزید شَعَر» به جای «یزید بن سعد»، همان طور که مصحح نیز در پاورقی توضیح داده است.)

کافی: ۲۱۴/۱، ۲۸۴ (نیز خصال: ۱۱۷)، ۲۲/۳، ۱۶۳ (نیز علل:۲۸۳/۱)، ۴۴۲، ۸۴/۵ (نیز من لایحضر: ۱۹۲/۳ با افزوده ای)، ۱۵۳، ۲۸۱، ۲۹۳، ۲۹۷، ۳۰۱، ۱۰۰/۶ ـ ۱۰۱، ۴۱۱/۷، ۴۳۱

من لایحضر: ۵۰۷/۱، ۴۴۱/۲

کمال الدین: ۲۳۲

خصال: ۴۲۳

تهذیب: ۲۳۸/۱، ۲۸۶/۳، ۳۲۰، ۵۱/۴، ۱۶۰ (تکرار شده در ۱۶۵)، ۳۰۱/۵، ۳۷۹، ۲۸۴/۶، ۳۰۱، ۹۰/۷، ۲۰۶، ۱۲۲/۸، ۱۳۹، ۱۱۴/۹، ۱۸۱

۷۹ . ابن الجَهْم

هارون بن جهم بن ثُوَیْر بن ابی فاخته کوفی، از موالی بنی هاشم، و عضوی از یک خاندان معروف شیعی. او از امام صادق (ع) روایت کرده و به نظر می رسد که تا اواخر قرن دوم هجری زنده بوده است.

برقی: ۸۵، ضعفاء عقیلی: ۲۸۲/۴، نجاشی: ۴۳۸، فهرست طوسی: ۱۷۶، رجال او: ۳۱۸، میزان الاعتدال: ۶۵۶/۳، لسان المیزان: ۲۳۰/۷ ـ ۲۳۱. نیز بنگرید: محاسن: ۳۰۴، ۵۸۵.

انتساب ولائی این شخص به قریش، به اعتبار آن که بنی هاشم تیره ای از آن قبیله است، به ارث از پدر بزرگ وی ابوفاخته است که خادم ام هانی دختر ابوطالب و خواهر امیر مؤمنان (ع) بود. ثُوَیْر، پدر بزرگ هارون، یک تابعی است که به تمایلات شیعی شناخته می شد (بنگرید: تهذیب الکمال: ۴۲۹/۴ ـ ۴۳۱ و منابعی که مصحح در پاورقی همانجا آورده است [نیز بنگرید: نجاشی: ۱۱۸]. برای نمونه روایات شیعی وی بنگرید: [۲۴۹] مصنف ابن ابی شیبه: ۲۸۲/۳، تفسیر طبری: ۲۰۹/۲، تفسیر فرات: ۳۱۴، تفسیر قمی: ۱۶۵/۱ ـ ۱۶۶، ۲۵۲/۲، تهذیب الکمال: ۴۰۳/۲۰). حسین عموی هارون نیز راوی و مؤلف یک دفتر حدیث بود (برقی: ۸۰، نجاشی: ۵۵، ۱۵۵، فهرست طوسی: ۵۹، رجال او: ۱۸۵، لسان المیزان: ۵۱۱/۲).[257]

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که توسط دانشمند قرن سوم محمد بن خالد برقی روایت شده (نجاشی: ۴۳۸، فهرست طوسی: ۱۷۶) که به نظر می رسد آن را از طریق یک واسطه ـ چنان که در بصائر: ۲۰۸ (نیز کافی: ۲۳۰/۱) ـ دریافت کرده بود. بیشتر نقل های برجای مانده از این مؤلف در کتابهای حدیثی شیعه، از طریق همین راوی است. آن نقل ها شامل موارد زیر است:

محاسن: ۴ (و از آنجا در خصال: ۸۴، معانی: ۳۱۴)، ۲۰۸ (و از آن جا در عقاب: ۳۰۷)، ۲۲۰ (و از آنجا در معانی: ۱۵۴)، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹ ـ ۲۵۰، ۳۰۴ ـ ۳۰۵، ۳۱۶، ۳۵۶، ۳۶۸ ـ ۳۶۹، ۳۹۳، ۴۶۷،

۵۸۴ ـ ۵۸۵ (دو روایت، و از اینجا در کافی: ۲۶۸/۶)

بصائر: ۲۰۸ (نیز کافی: ۲۳۰/۱)

کافی: ۵۲/۲، ۹۸، ۱۹۳ ـ ۱۹۴ (مقـ : عقاب: ۲۹۶ که همان روایت با سندی متفاوت آمده است)، ۳۳۰ ـ ۳۳۱ (نیز امالی صدوق: ۳۲۵ ـ ۳۲۶، خصال: ۱۱۸ ـ ۱۱۹)، ۳۳۱ (نیز عقاب: ۳۲۲)، ۳۵۷، ۴۲۲ ـ ۴۲۳، ۱۵۳/۴، ۸۶/۵، ۱۶۷، ۵۲۸ (دو روایت)، ۲۰۳/۷

کامل الزیارات: ۵۳۵

امالی صدوق: ۹۲ ـ ۹۳

۸۰ . ابن خارجة

ابوالحسن هارون بن خارجه کوفی، صراف،از موالی انصار، و راوی از امام صادق (علیه السلام).

---

۲۵۷ . دفتر حدیث حسین بن هارون، توسط خیبری بن علی الطحان از مؤلف روایت شده بود (نجاشی: ۵۵، ۱۵۵، **فهرست طوسی**: ۵۹). موارد نقل شده از این مؤلف در کتابهای حدیث شیعی، در **معجم خویی**: ۲۰۷/۵ ـ ۲۰۸ و **فهارس بحار**: ۳۴۸/۸، ۴۰۴ فهرست شده است. شماری از آنها (برای نمونه: **کافی**: ۴۷۴/۱، ۳۴۲/۳، ۳۰۸/۵، **کامل الزیارات**: ۱۶۶ [دو روایت]، ۲۵۳) از طریق همین راوی است (سه مورد اخیر از این مؤلف توسط ابوسعید روایت شده که همان خیبری بن علی طحان است [بنگرید: کافی: ۵۲/۱]).

برقی: ۸۵، نجاشی: ۴۳۷، فهرست طوسی: ۱۷۶، رجال او: ۳۱۸ (نیز ۳۱۱). نیز بنگرید: محاسن: ۵۶ (نیز تفسیر عیاشی: ۲۷۷/۲، کافی: ۴۹۱/۳)، کافی: ۵۱۸/۳ (نیز علل: ۵۸/۲).

[۲۵۰] کتاب

دفتر حدیث مؤلف که وسیله شماری از راویان از جمله علی بن نعمان و عثمان بن عیسی رؤاسی روایت شده است (نجاشی: ۴۳۷، فهرست طوسی: ۱۷۶. نیز مشیخه: ۴۷۵). حدود یک صد حدیث در منابع حدیثی شیعه از این مؤلف آمده که در معجم خویی: ۲۲۴/۱۹ ـ ۲۲۵، ۴۰۱ ـ ۴۰۴ و فهارس بحار: ۴۱۵/۱۰ فهرست شده و بسیاری از آن ها از طریق علی بن نعمان (برای نمونه: بصائر: ۵۱۶ ـ ۵۱۷، کمال الدین: ۳۹۳، تهذیب: ۸۲/۹) و عثمان بن عیسی (برای نمونه: محاسن: ۳۴۸، ۵۹۸ [نیز معانی: ۱۴۴ ـ ۱۴۵]، کافی: ۱۴۳/۲، ۵۸۵، ۶۴۶، ۴۶۷/۴، ۲۴۱/۸، خصال: ۱۱) می باشد. روایاتی که از طریق یحیی بن عمران حلبی (برای نمونه: زهد حسین بن سعید: ۱۰۵، کافی: ۳۹۹/۲، ۱۹۵/۳، ۲۳۵، ۴۶۵، ۴۱۷/۴، ۲۵۲/۸، ۳۱۶، تفسیر قمی: ۸۶/۱ ـ ۹۱، ۳۷۰/۲ ـ ۳۷۱، کامل الزیارات: ۱۲۸) نقل شده نیز ظاهرا از همین کتاب است.

۸۱ . ابن البطائنی

ص: ۳۱۱

ابومحمد حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی کوفی، از موالی انصار، و فرزند علی بن حمزه بطائنی (ببینید مدخل شماره ۳۲ در همین فصل). وی همانند پدر واقفی بود و گرایش های روشن باطنی داشت.

رجال کشی: ۴۴۳، ۵۵۲، رجال ابن غضائری: ۵۱، نجاشی: ۳۶ ـ ۳۷، فهرست طوسی: ۵۰، ۵۱، معالم العلماء: ۳۵، لسان المیزان: ۴۳۳/۲

۱ ـ کتاب فضائل القرآن

(نجاشی: ۳۷، فهرست طوسی: ۵۱). نجاشی این کتاب را از طریق اسماعیل بن مهران سکونی دریافت کرده بود. به نظر می رسد که متن کامل این کتاب، به روایت همان راوی در ثواب الاعمال: ۱۳۰ ـ ۱۵۸ برجای مانده است. مواردی از همین روایات به صورت موردی در برخی آثار دیگر نیز آمده از جمله در تفسیر عیاشی: ۱۹/۱ (همین در مهج الدعوات: ۳۷۹ به نقل از فضل الدعاء صفار) و کافی: ۶۲۰/۲، ۶۲۲ (دو روایت). بندی در فلاح: ۴۸۶ نیز می تواند مربوط به این کتاب باشد گرچه آن بند در متن نقل شده در ثواب الاعمال نیست.

۲ ـ تفسیر القرآن

(رجال کشی: ۵۵۲). تعداد قابل توجهی نقل از این مؤلف در دانش تفسیر، برخی به روایت از پدرش (که خود مؤلف تفسیری بود) و شماری هم به نقل از دیگران، برجای مانده است. فهرستی از این نقلها که همه به احتمال از اثر مورد سخن است، به شرح زیر است:

[۲۵۱] کافی: ۱۱۲/۱ (نیز توحید: ۱۹۰ ـ ۱۹۱)، ۱۳۷، ۵/۲ ـ ۶، ۱۹۵، ۱۹۰/۴ ـ ۱۹۱، ۱۲۷/۵، ۵۱۱، ۵۳۰ ـ ۵۳۱، ۲۰۶/۶، ۳۹۳ ـ ۳۹۴ (بخوانید: «عن حسن بن علی بن ابی حمزه»، چنان که در مورد دیگر در همین کتاب: ۵۱۴/۶ که آن نیز بخشی از همین متن طولانی است) ۴۰۶، ۲۶۲/۷

تفسیر فرات: ۶۳ ـ ۶۴، ۵۳۴

تأویل ما نزل من القرآن: ۲۸۹، و متنی در باره آیه ۸۳ سوره صافات که در تأویل الایات: ۴۹۶ ـ ۴۹۷ به نقل از ابن جحام آمده اما در نسخه بازسازی شده کتاب ابن جحام نیامده است.

غیبت نعمانی: ۵۱ ـ ۵۲، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۵۱، ۲۶۹

تفسیر او: ۳ ـ ۴

تفسیر قمی: ۴۰/۲ ـ ۴۲، ۴۶ ـ ۴۷ (دو روایت)، ۴۸، ۵۵، ۵۶ ـ ۵۷، ۳۵۸ ـ ۳۶۰، ۳۷۰، ۴۰۸ ـ ۴۰۹، ۴۱۵، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۷، ۴۳۴ ـ ۴۳۹

ص: ۳۱۲

امالی صدوق: ۶۵۱

معانی: ۱۳۲، ۳۹۲ (نیز تفسیر عیاشی: ۱۰۹/۲)

امالی طوسی: ۱۴۴

متن طولانی نقل شده در کافی: ۵/۲ ـ ۶ ظاهرا تا حدودی صورت اصلی خود را در اثر مورد سخن حفظ کرده است.

۳ ـ کتاب الدلائل

(نجاشی: ۳۷، فهرست طوسی: ۵۱). طوسی این کتاب را از دو طریق روایت می کرد که یکی از آنها از طریق احمد بن میثم نواده فضل بن دکین کوفی تیمی (م ۲۱۹) است که کتاب را از مؤلف روایت کرده بود (فهرست طوسی: ۵۱. نیز بنگرید: رجال او: ۴۰۸ [بخوانید: «کتاب الدلالات» به جای «کتاب الدلالة»]). در فهرست: ۲۶، طوسی به اشتباه کتاب را به احمد بن میثم نسبت داده است (برای توضیح بیشتر بنگرید: قاموس الرجال: ۶۶۴/۱). کتابی با عنوان کتاب الدلائل در نجاشی: ۱۳۲ به عالمی با نام حُمید بن زیاد دهقان (م ۳۱۰) نیز نسبت داده شده که او نیز بر طبق آنچه در رجال طوسی: ۴۰۸ آمده این کتاب ابن بطائنی را از طریق احمد بن میثم دریافت کرده بود.

این کتاب در اختیار ابن شهرآشوب (م ۵۸۸) بود و او قطعاتی از آن را در مناقب: ۱۸۲/۴، ۱۸۹، ۲۲۶، ۲۳۴، ۲۴۳ نقل و همیشه از آن با نام الدلالات یاد می کند. تعداد فراوان دیگری روایت از ابن بطائنی در موضوع این کتاب در منابع شیعی هست که می تواند از همین کتاب باشد. نمونه هایی از آنها از این قرار است:

محاسن: ۸۹ (و از آنجا در عقاب: ۲۴۹)

بصائر: ۳۴۶ (نیز کافی: ۲۲۳/۶ ـ ۲۲۴)

[۲۵۲] تفسیر عیاشی: ۲۰۸/۲ (نیز کنز الفوائد: ۳۶ ـ ۳۷)

کافی: ۴۰۸/۱ ـ ۴۰۹، ۱۰۸/۲ (تکرار شده در ۷۵/۵ ـ ۷۶، نیز عقاب: ۱۶۲/۳)، ۵۴۷/۶ (نیز کامل الزیارات: ۱۹۸)

رجال کشی: ۱۲۰ ـ ۱۲۳ (دو روایت)، ۴۴۲ ـ ۴۴۳، ۴۴۵ ـ ۴۴۶، ۴۴۸

تأویل ما نزل: ۲۸۹

کامل الزیارات: ۱۱۲ ـ ۱۱۳، ۲۰۱ ـ ۲۰۲، ۳۷۴ ـ ۳۷۷ (بخشی از آن نیز در ۲۸۸، ۴۳۳ ـ ۴۳۴)

امالی صدوق: ۵۶۱

ص: ۳۱۳

من لایحضر: ۱۷۹/۴ ـ ۱۸۰ (متنی از ادوار متأخّرتر، نیز در کمال الدین: ۲۵۹ [ش ۴]، عیون: ۵۹/۱، کفایة الاثر: ۱۴۶، ۲۵۹)

علل: ۱۷۶/۱، ۱۹۳ ـ ۱۹۴، ۲۲۱

کمال الدین: ۲۵۸ ـ ۲۵۹ (شماره ۳، متن تصرّف شده، نیز در کفایة الاثر: ۱۴۴ ـ ۱۴۶)

معانی الاخبار: ۱۳۲، ۳۹۲

خرائج: ۸۲۱ ـ ۸۲۲ (نیز مختصر بصائر: ۱۱۲ ـ ۱۱۳)

بحار: ۱۸۱/۶۱ (به نقل از کتاب الاستدراک)

۴ ـ کتاب الفتن / کتاب الملاحم

(نجاشی: ۳۷). این کتاب در دسترس ابن طاوس بوده و او قطعه ای از آن را از نسخه ای کهن که آن را در کتابخانه آستانه مقدس امام کاظم (ع) در بغداد یافته بود، در کتاب اقبال: ۱۱۶/۳ ـ ۱۱۷ نقل کرده است (برای جزئیات بیشتر بنگرید: کتابخانه ابن طاوس: ۲۴۵). شماری روایت از این مؤلف در کتابهای حدیثی شیعه در این موضوع وجود دارد. یک قطعه طولانی در امالی صدوق: ۱۷۵ ـ ۱۷۷ (بخشی از آن تکرار شده در ۱۹۷) هست که قطعا از همین کتاب است. تعداد قابل توجهی روایت هم در غیبت نعمانی: ۱۹۴، ۲۰۴، ۲۱۱، ۲۳۴ ـ ۲۳۵ (دو روایت)، ۲۵۱، ۲۵۳ ـ ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۲ ـ ۲۶۳ (دو روایت)، ۲۶۴، ۲۶۷، ۲۶۹ موجود است که مربوط به همین موضوع و به احتمال زیاد، برگرفته از همین کتاب است. این کتاب نیز توسط احمد بن میثم (رجال طوسی: ۴۰۸) روایت شده و یکی از آثاری است که به اشتباه در فهرست طوسی: ۲۶ به او نسبت داده شده است.

۵ ـ کتاب القائم

یک کتاب کوچک تر (نجاشی: ۳۷)، طبعا در مقایسه با کتاب شماره ۴ بالا، در باره شخصیت منجی موعود شیعه و طبعاً از دیدگاه واقفه. تعداد قابل توجهی از روایات این مؤلف که متناسب با عنوان بالاست و در ذیل کتاب شماره ۴ آمد، می تواند متعلق به این اثر باشد. نمونه های دیگر از این قرار است:

تأویل ما نزل من القرآن: ۲۸۹

[۲۵۳] غیبت نعمانی: ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۳۴ ـ ۲۳۵ (دو روایت)، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۵۱، ۲۵۳ ـ ۲۵۷ (دو روایت)، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۶۷، ۲۶۹، ۲۷۲، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۲

ص: ۳۱۴

کمال الدین: ۲۵۸ ـ ۲۵۹ (دو روایت)، ۳۲۹، ۳۴۵ ـ ۳۴۶
غیبت طوسی: ۴۲۰

۶ ـ کتاب الغیبة
۷ ـ کتاب الرجعة

این دو عنوان را نجاشی: ۳۷ آورده است. برخی نقل ها از این مؤلف در باره قائم، مسأله غیبت او را مطرح کرده (برای نمونه: کمال الدین: ۳۲۹، ۳۴۵ ـ ۳۴۶) و طبعا متناسب با عنوان کتاب غیبت است. روایات دیگری هم از او، موضوع بازگشت پیغمبر و امام علی (ع) (غیبت نعمانی: ۲۳۴ ـ ۲۳۵) یا خلفای جائر گذشته (تفسیر قمی: ۴۱۶/۲) را مطرح می کند که با عنوان کتاب الرجعة متناسب است.

۸ ـ کتاب فضائل امیرالمؤمنین (ع)
(نجاشی: ۳۷). نقل های مربوط:
محاسن: ۸۹ (و از آنجا در اقبال: ۲۴۹)
کافی: ۴۹۲/۳ (نیز ثواب: ۵۰)
امالی صدوق: ۴۴۲ (تکرار شده در ۷۶۳ با اختلاف و یک افزوده)
امالی طوسی: ۱۴۴
تهذیب: ۳۴/۶ (نیز فرحة الغری: ۶۹ ـ ۷۰)

۹ ـ کتاب الصلوة
(نجاشی: ۳۷). روایات نقل شده متناسب با عنوان این کتاب (در باره نمازهای واجب و نافله):
کافی: ۴۷۸/۲ (نیز ثواب: ۱۹۳)، ۴۹۲، ۶۲۲ (نیز ثواب: ۱۵۵)
امالی صدوق: ۴۸۸ ـ ۴۸۹، ۶۵۱
فضائل الاشهر: ۹۲ (نیز امالی طوسی: ۴۹۷ با اختلافات)
تهذیب: ۳۴۷/۱
کامل الزیارات: ۳۷۴ ـ ۳۷۷ (بخشی از آن نیز در ۲۸۸، ۴۳۳ ـ ۴۳۴)
فلاح: ۱۱۷ ـ ۱۱۸، ۱۱۹ ـ ۱۲۰، ۴۷۹ ـ ۴۸۱ (بخوانید: «حسن» بن علی بن ابی حمزة به جای «حسین»، چنان که در همین مأخذ: ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۵۰۲)، ۵۰۲ ـ ۵۰۳

ص: ۳۱۵

جمال الاسبوع: ۱۳۵

[۲۵۴] ۱۰ ـ کتاب المتعة

۱۱ ـ کتاب الفرائض

(نجاشی: ۳۷). در میان روایاتی که از ابن بطائنی نقل شده، روایتی که متناسب با این دو عنوان باشد، به نظر نرسید. کتابی با عنوان کتاب المتعة در فهرست طوسی: ۵۰ به احمد بن میثم نسبت داده شده است، کسی که تعداد دیگری از آثار ابن بطائنی را روایت کرده و همان گونه که گذشت، برخی آثار این مؤلف به اشتباه به وی نسبت داده شده بود.

۱۲ ـ کتاب

دفتر حدیث مؤلف که توسط احمد بن میثم (فهرست طوسی: ۵۰) روایت شده است. گذشته از نقل هایی که متناسب با عناوین کتابهای پیشگفته وی بود، بیشتر روایات دیگر که از ابن بطائنی در منابع مختلف برجای مانده در موضوع فضائل اعمال است. پس این احتمال وجود دارد که او کتابی نیز در فضائل الاعمال داشته است (شاید به عنوان کتاب النوادر، عنوانی که در فهرست طوسی: ۲۶ به احمد بن میثم نسبت داده شده، کسی که برخی آثر دیگر ابن بطائنی هم به اشتباه به او نسبت داده شده است). بسیاری از موارد زیر می تواند متعلق به چنین کتابی بوده باشد:

محاسن: ۲۰۵، ۳۹۰، ۶۰۲ (دو روایت)

کافی: ۱۵۲/۴، ۳۳۰/۵، ۵۱۷، ۲۲۳/۶ ـ ۲۲۴، ۵۴۶ ـ ۵۴۷، ۴۳۰/۷، ۴۴۱

کامل الزیارات: ۱۱۲، ۲۰۱ ـ ۲۰۲

امالی صدوق: ۱۱۶، ۲۶۸، ۴۷۳ (دو روایت)، ۵۵۲، ۵۶۱، ۶۴۶

علل: ۴۲/۱، ۸۶

تهذیب: ۴۵/۶

۸۲ . حسن عُرَنی

حسن بن حسین انصاری عُرَنی، یک کوفی مدنی الاصل و شیعه غیر امامی. او در سال ۱۷۵ که یحیی بن عبدالله بن الحسن شورش خود را علیه هارون الرشید آغاز کرد جزء

ص: ۳۱۶

هواداران او بود.

اخبار فخ: ۱۹۷ (و از آن جا در مصابیح ابوالعباس حسنی: ۳۰۴)، الجرح و التعدیل: ۷/۳، مجروحین ابن حبان: ۲۳۸/۱ ـ ۲۳۹، کامل ابن عدی: ۷۴۳ ـ ۷۴۴، نجاشی: ۵۱، میزان الاعتدال: ۴۸۳/۱ ـ ۴۸۵، لسان المیزان: ۳۷۲/۲ ـ ۳۷۴. نیز بنگرید شواهد التنزیل: ۹۶/۱، ۳۸۴.

[۲۵۵] کتاب عن الرجال عن جعفر بن محمد (ع)

بیشتر آنچه از حسن عرنی برجای مانده در باره فضائل امام علی و اهل بیت پیامبر (ص) است. با این همه، او در درون حوزه حدیث سنی فعالیت می کرد و به طور کلی سماع و روایت وی از راویان سنی و به آنان بود. آنچه سبب شده

است تا نجاشی: ۵۱ نام او را میان مؤلفان امامی بیاورد، یک دفتر حدیث بود که مؤلف در آن احادیثی از امام صادق (ع) از طریق شاگردان وی، گردآوری کرده بود. این باید یکی از چند دفتر حدیث باشد که این مؤلف مطالب منقول از مشایخ مختلف حدیث را در آن گردآورده بود. به نظر می رسد که بخش قابل توجهی از این دفتر حدیث در آثار بعدی برجای مانده باشد. نمونه ها از این قرار است:

مناقب الامام امیرالمؤمنین (ع): ۱۵۹/۱ (بخشی از آن نیز در ۲۹۷/۲)، ۴۶۰، ۴۹۲، ۱۵۹/۲، ۱۶۰، ۲۳۹، ۲۹۶ (دو روایت)، ۵۱۷، ۵۶۶ ـ ۵۶۷

کافی: ۶۲/۳

تفسیر فرات: ۴۹، ۱۰۶، ۶۰۶ (نیز ما نزل ابونعیم: ۲۸۵)

سنن دارقطنی: ۴۲/۲ ـ ۴۳

امالی مفید: ۳۱۹

امالی طوسی: ۲۷۲ (نیز شواهد التنزیل:۱۶۹/۱)

تهذیب: ۳۹۶/۶

شواهد التنزیل: ۴۱۹/۱، ۲۹۸/۲

تاریخ دمشق: ۳۱۱/۴۲

۸۳ . ابن راشد

ابومحمد حسن بن راشد، یک شیعه کوفی که در بغداد ساکن بود. او مولی و خدمتکار منصور عباسی بود و همکاری خود را با جانشینانش تا هارون الرشید ادامه داد. او از امام

ص: ۳۱۷

صادق (ع) و امام کاظم (ع) روایت می نمود.

برقی: ۷۸، ۱۱۷، تاریخ طبری: ۳۵۵/۸ ـ ۳۵۶، رجال ابن غضائری: ۴۹، فهرست طوسی: ۵۳ ـ ۵۴

کتاب الراهب و الراهبه

(نجاشی: ۱۳۴، فهرست طوسی: ۵۳ ـ ۵۴). متن این کتاب، گفتگویی که به حسب این نقل باید میان امام کاظم (ع) و راهب و راهبه ای از نجران یمن رخ داده باشد، [۲۵۶] در کافی: ۴۸۱/۱ ـ ۴۸۴ آمده است. متنی هم که در همان: ۴۷۸/۱ ـ ۴۸۱ آمده، به احتمال زیاد تحریر دیگری از همین اثر است.

۸۴ . ابن حیّ

ابوعبدالله حسن بن صالح بن حی ثوری هَمْدانی، یک زیدی بُتری کوفی، و از فقهای معروف کوفه در روزگار خود. وی در سال ۱۶۸ یا ۱۶۹ درگذشت.

شرح حال وی در منابع زیادی یافت می شود. فهرستی از این منابع را در پاورقی های مصححان تهذیب الکمال: ۱۷۷/۶ و تاریخ الاسلام ذهبی ۱۰ (سالهای ۱۶۱ ـ ۱۷۰)/۱۳۱ ببینید. تلخیص خوبی از مطالب این منابع در باره حسن بن صالح در کتاب Theologie فان اس: ۲۴۶/۱ ـ ۲۵۱ آمده است.

اصل

حسن بن صالح تألیفاتی از خود برجای گذارد که فهرست آنها را ابن ندیم در فهرست: ۲۲۷ آورده است (نیز بنگرید: کامل ابن عدی: ۷۲۹). او در کنار روایت از دیگران، از امام صادق (ع) و با واسطه از امام باقر (ع) نیز روایت می کرد. این امر موجب شد که دفتر حدیث وی مورد توجه شیعیان امامی قرار گیرد. شیخ طوسی این دفتر را از طریق حسن بن محبوب دریافت کرد (فهرست طوسی: ۵۰). نقل های زیر از حسن بن صالح، از طریق همان راوی، می تواند نماینده بخشی از محتوای آن دفتر باشد:

محاسن: ۵۲ (نیز کافی: ۴۷۸/۳)

تفسیر عیاشی: ۱۴۹/۲ (نیز کافی: ۲۱۲/۴ ـ ۲۱۳ [بخشی از آن تکرار شده در ۲۸۳/۸])

کافی: ۲/۳، ۳۴/۵، ۴۰۹، ۸۰/۶، ۱۲۵، ۱۸۲، ۲۰۰ ـ ۲۰۱، ۱۱۳/۷ ـ ۱۱۴، ۱۴۳، ۲۶۰، ۲۸۶، ۲۹۲، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۲۷

ص: ۳۱۸

من لایحضر: ۱۸۹/۳

تهذیب: ۱۷۶/۸، ۱۹۴ ـ ۱۹۵ (تکرار شده در ۲۱۶)، ۲۲۴/۱۰

تعدادی روایت دیگر نیز از حسن بن صالح به نقل از امام صادق (ع) یا با واسطه از امام باقر (ع) هست [۲۵۷] که در منابع، از طرقی جز حسن بن محبوب روایت شده است. نمونه هایی از آن به این شرح است:

مصنف ابن ابی شیبه: ۹/۱، ۱۱۹، ۱۲۶ ـ ۱۲۷

مسند احمد: ۲۶۷/۱

تفسیر عیاشی: ۳۲۱/۲

امالی احمد بن عیسی: ۱۳۹/۱، ۳۲/۳، ۹۹، ۱۲۶، ۱۴۰ ـ ۱۴۱، ۱۶۷

کافی: ۴۸۶/۴

کامل ابن عدی: ۵۵۷

امالی طوسی: ۵۱۳ (تکرار شده با اختلاف سند در ۶۰۹ ـ ۶۱۰)

مناقب ابن شهرآشوب: ۲۴۹/۴

بشارة المصطفی: ۸۶

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۱۰۶/۴

۸۵ . حسّان جمّال

ابوعلی حسان بن مهران بن مغیره کوفی، شتردار، از موالی بنوکاهل (تیره ای از اسد خزیمه)، و راوی از امام صادق (علیه السلام).

برقی: ۸۰، رجال کشی: ۱۴۷، فهرست طوسی: ۱۸۴، رجال او: ۱۳۲، ۱۹۳. نیز بنگرید: کافی: ۵۶۶/۴

نام وی در محاسن: ۳۹۵ به شکل ابوعلی حسان بن مهران النخعی آمده، و اختلافاتی دیگر در مورد انتساب قبیله ای این راوی در نجاشی: ۱۴۷ گزارش شده است. چنان که پیش از این یادآور شدیم نسبت های قبیله ای مختلف در مورد نام واحد، گاه می تواند نشانگر تعدد اشخاص باشد.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان شیعی از او روایت کرده اند (نجاشی: ۱۴۷). نقل های زیر از این مؤلف در کتابهای حدیثی شیعه، که بیشتر آنها از یک طریق مشترک روایت

ص: ۳۱۹

شده، می تواند از همین کتاب باشد:

محاسن: ۳۹۱، ۳۹۵ (دو نسخه دیگر از روایت نخست)

بصائر: ۶۱ (نیز کافی: ۱۴۵/۱)، ۱۷۱، ۲۲۲، ۲۹۴، ۴۷۱

کافی: ۳۹۸/۲، ۴۵۵، ۴۷۵، ۹۵/۴ (بخوانید: «مهران» به جای «مختار»، و همچنین در دو مورد بعد)، ۱۵۶، ۵۶۳، ۵۶۶ ـ ۵۶۷ (نیز تأویل ما نزل: ۴۰۰، شرح الاخبار: ۲۴۰/۱ ـ ۲۴۱، با یک افزوده در هر دو)، ۸۷/۸ ـ ۸۸ (بخوانید: «عن سیف عن حسان»، چنان که در ۹۵/۴، ۱۵۶، ۵۶۳)

[۲۵۸] تفسیر قمی: ۲۰۴/۲

خصال: ۵۱۹

تهذیب: ۲۷۲/۲

فرحة الغری: ۷۹

۸۶ . حاتم المدنی

ابواسماعیل حاتم بن اسماعیل مدنی، از موالی کوفه که به مدینه مهاجرت کرد و تا پایان عمر در آنجا ماند. وی از راویان برجسته حدیث سنی بوده و از امام صادق (ع) و دیگران روایت کرده و به سال ۱۸۷ درگذشته است.

تمامی منابع شرح حال رجال حدیث سنی، مدخلی را به حاتم بن اسماعیل اختصاص داده اند. برای فهرست بسیاری از آنها بنگرید به پاورقی های مصححان بر تهذیب الکمال: ۱۸۷/۵ و تاریخ الاسلام ذهبی: ۱۲ (سالهای ۱۸۱ ـ ۱۹۰)/۱۰۷.

کتابه عن جعفر بن محمد (ع)

شرح حال نویسان از دفتر احادیث وی به عنوان کتابی معتبر یاد می کنند (بنگرید: تهذیب الکمال: ۱۹۰/۵). آنچه سبب توجه دانشمندان شیعی به این راوی شد، دفتری بود که او از مسموعات خود از امام صادق(ع) فراهم آورده بود (نجاشی: ۱۴۷). موادّ این کتاب به صورت گسترده در آثار بعدی نقل شده است. نمونه هایی از آن به این شرح است:

مسند شافعی: ۱۳۳ (نیز سنن بیهقی: ۱۲۲/۳)، ۲۲۶، ۵۰۹ (نیز سنن بیهقی: ۳۳۲/۶)، ۵۳۲

طبقات ابن سعد: ۱۷۹/۲ ـ ۱۸۰، فصل ترجمة الامام الحسن: ۶۸ ـ ۶۹ (نیز مصنف ابن ابی شیبه: ۲۵۳/۵)، ۷۳ (دو روایت که نخستین آن دو، در سنن ترمذی: ۳۵۳/۳ نیز آمده است; نیز کافی:

۴۶۹/۶، اخبار الحسن طبرانی: ۳۳)

مصنف ابن ابی شیبه: ۴۸/۱ (نیز سنن ابن ماجه: ۱۶۵)، ۱۵۳ ـ ۱۵۴، ۱۸۶، ۸۷/۳، ۲۵۷، ۳۵۸ (نیز نسائی: ۴۲۲/۲)، ۱/۴، ۹۵، ۱۱۹، ۱۴۴، ۲۲/۵، ۷۲، ۸۱، ۲۸۵/۶، ۳۱۱ (تکرار شده در ۴۰۶/۱۱)، ۱۵/۸ (نیز محاسن: ۵۸۰، و از آنجا در کافی: ۳۸۶/۶)، ۲۹۲ (نیز محاسن: ۶۱۷)، ۳۹۹، ۵۴۸ (و از این مأخذ در امالی احمد بن عیسی: ۲۶۳/۴)، ۲۳۶/۹، ۴۵۷، ۴۷۰، ۵۰۹، ۵۲۸، ۱۶۵/۱۰، [۲۵۹] ۱۸۵/۱۴، الجزء المفقود: ۱۱۹، ۱۲۲ (بخوانید: «حاتم» به جای «جابر» در هر دو مورد)، ۳۱۹، ۳۲۳، ۳۷۷ ـ ۳۸۱ (روایتی طولانی در باره حج پیامبر [ص]، نیز در سنن دارمی: ۴۴/۲ ـ ۴۶، صحیح مسلم: ۸۸۶ ـ ۸۹۲، سنن ابن ماجه: ۱۰۲۲ ـ ۱۰۲۳، سنن ابی داود: ۱۸۲/۲ ـ ۱۸۶، صحیح ابن حبان: ۲۵۳/۹ ـ ۲۵۶ و منابع بسیار دیگر)

صحیح مسلم: ۱۴۴۵ (نیز سنن ترمذی: ۲۱۵/۳)

سنن ابن ماجه: ۳۵۵ (نیز سنن ترمذی: ۵۲۴/۱)

محاسن: ۴۲۷، ۶۳۵

الاهوال ابن ابی الدنیا: ۲۵۹

امالی احمد بن عیسی: ۲۶۸/۲ (سه روایت)، ۹۲/۳ (بخوانید: «عن حاتم بن اسماعیل» به جای «عن حاتم عن اسماعیل»)، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۶۱، ۲۱۶/۴، ۲۴۰، ۲۸۸

سنن نسائی: ۲۰۶/۲، ۴۲۲، ۴۱۹/۸

کافی: ۳۰/۴ (نیز خصال: ۱۳۳)، ۲۲۴/۵، ۴۷۵/۶، ۴۷۶

اذان ابوعبدالله شجری: ۲۳ ـ ۲۴ (با پنج اسناد مختلف به حاتم، تکرار شده در ۶۳ ـ ۶۹ با دوازده اسناد دیگر)

المحلی ابن حزم: ۳۸۱/۷ (به نقل از ابن ابی شیبه)

سنن بیهقی: ۸۶/۲

امالی طوسی: ۴۰۱ ـ ۴۰۲

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۲۰۲/۲

۸۷ . هشام بن الحکم

ابومحمد هشام بن الحکم، فروشنده کرباس،از موالی کوفه که در شهر واسط بزرگ شد و سپس به بغداد رفت. صحابی خاص امام صادق و امام کاظم (علیهماالسلام). وی

ص: ۳۲۱

برجسته ترین متکلم شیعی عصر خود، بلکه سه قرن نخستین تاریخ شیعه که موضوع بحث این کتاب است، بود. وی به سال ۱۷۹ در کوفه درگذشت.

مطالب مربوط به شرح حال و گزارش ها از عقاید کلامی وی در بسیاری از مآخذ و تک نگاری های متعدد در زبان های مختلف آمده است. برای دو تلخیص مفید از این مطالب بنگرید به مدخل های مربوط به او در دائرة المعارف اسلام: ۴۹۶/۳ ـ ۴۹۸ (از مادلونگ) و Theologie، ۳۴۹/۱ ـ ۳۷۹ (از فان اس).

[۲۶۰] حرفه هشام به عنوان بیّاع الکرابیس در مشیخة: ۴۳۷ آمده است. این مطلب با آنچه در محاضرات راغب آمده سازگار است که می گوید هشام و شریک اباضی او عبدالله بن یزید «کانا شریکین فی البزّ». در باره این شریک وی بنگرید به مقدمه مصحح بر کتاب النجاة احمد بن یحیی الناصر: ۴ ـ ۹.[۲۵۸] برای شراکت هشام با این شخص بنگرید: البیان و التبیین: ۴۶/۱، ۴۷; مروج الذهب: ۲۸/۴; کمال الدین: ۳۶۳ . مسعودی حکایتی نقل کرده است که ضمن آن، شریک اباضی هشام از دختر او برای پسرش خواستگاری می کند. دو صورت دیگر از این حکایت در کافی: ۳۴۵/۵ و محاضرات راغب: ۱۳/۳ آمده است. این که هشام کلا در کار تجارت پوشاک بوده، با حکایت دیگری که در کافی: ۱۶۰/۵ ـ ۱۶۱ آمده و هشام را در جایی در حال فروش لباس شاپوری نشان می دهد، تأیید می شود. کلمه «حرّار» در مروج: ۲۱/۵، و «خرّاز» در مورد دیگر از همین مأخذ (۱۹۴/۳ چاپ ۱۹۶۵ بیروت) و «حزّاز» در الوافی بالوفیات صفدی: ۳۴۶/۲۷ می تواند تصحیف بزّاز باشد. دشواری های دیگر مربوط به شرح حال وی در دو مدخل پیشگفته مورد بحث قرار گرفته است.

در فهرست ابن ندیم: ۲۲۴ (و از آنجا در نجاشی: ۴۳۳ و فهرست طوسی: ۱۷۵) فهرستی طولانی از مؤلفات ابن هشام آمده است. نجاشی: ۴۳۳ دو سه عنوان دیگر را در ابتدا و انتهای فهرست مؤلفات هشام که ابن ندیم آورده افزوده است. او در یک مورد توضیح می دهد که یکی از عناوین ذکر شده در آن لیست را در واقع یکی از شاگردان هشام از گفته های او جمع آوری کرده بود. به نظر می رسد این مطلب دست کم در باره دو مورد دیگر از مؤلفات هشام بن حکم نیز که در لیست نجاشی آمده، و گزارش مناظرات هشام پیرامون توحید و امامت است، صادق باشد.

ص: ۳۲۲

۱ ـ کتاب / اصل

دفتر حدیث هشام که راوی مشهور شیعی ابن ابی عمیر از او روایت کرده است (رسالة ابی غالب: ۱۷۷، نجاشی: ۴۳۳، فهرست طوسی: ۱۷۵). ابن ابی عمیر در آغاز از شاگردان و اصحاب هشام بود (امالی صدوق: ۷۳۱ ـ ۷۳۲; نیز

---

۲۵۸ . این اثر، ردیه ای است بر کتاب همین عبدالله بن یزید که آن را بر ضد معتزله نوشته بوده و ابن ندیم در **الفهرست**: ۲۳۳ از آن یاد کرده است. ابن ندیم از اثر دیگری از این مؤلف بر ضد شیعه یاد می کند. برای موارد مشابه دوستی میان شیعیان و مخالفان سرسخت آنها در دوران های نخستین بنگرید: **کافی**: ۱۳۳/۳، **البیان و التبیین**: ۴۶/۱، **کمال الدین**: ۵۱۰، **غیبت طوسی**: ۳۱۱ (نیز بنگرید: **الاغانی**: ۲۶۴/۷ ـ ۲۶۶).

علل الشرایع: ۱۹۴/۱ ـ ۱۹۵; خصال: ۲۱۵; معانی الاخبار: ۱۳۳) که بعدا به خاطر اختلاف نظرهای عقیدتی، هشام را ترک کرد (کافی: ۴۱۰/۱). بیشتر روایات نقل شده از هشام در کتابهای شیعه از طریق همین ابن ابی عمیر روایت شده است. نمونه ها:

نوادر احمد بن محمد بن عیسی: ۶۱ (مقایسه کنید با کافی: ۴۵۳/۷)، ۸۷

نوادر محمد بن علی بن محبوب: ۹۶ (دو روایت)

محاسن: ۸۳، ۳۸۸، ۳۹۳ (نیز کافی: ۲۰۲/۲ ـ ۲۰۳)، ۳۹۴، ۳۹۹ (نیز کافی: ۲۸۰/۶)، ۴۱۰ (نیز کافی: ۲۸۰/۶ ـ ۲۸۱)، ۴۲۱ (نیز کافی: ۲۸۸/۶)، ۵۰۴، ۵۳۵ (نیز کافی: ۳۴۷/۶)، ۵۳۸ (نیز کافی: ۳۴۸/۶)، ۵۷۰ ـ ۵۷۱، ۶۰۸ (نیز خصال: ۱۵۹)، ۶۰۹ (نیز کافی: ۵۲۹/۶)، ۶۱۰ (نیز کافی: ۵۲۵/۶)، ۶۲۱، ۶۳۷ (نیز کافی:۵۴۲/۶)

[۲۶۱] بصائر: ۳۶۵

تفسیر عیاشی: ۳۱۱/۱ (مقـ : قصص الانبیاء: ۶۱)

کافی: ۱۳/۱ ـ ۲۰، ۶۹، ۱۲۸، ۴۴۹; ۷۵/۲، ۱۰۹، ۱۵۶، ۱۹۱ ـ ۱۹۲، ۲۰۲ ـ ۲۰۳، ۲۶۴ ـ ۲۶۵، ۳۴۴، ۴۷۴، (نیز بنگرید: ۳۱۵ [همچنین ۳۸۵ ـ ۳۸۶ که مورد اخیر ظاهرا یک نقل شفاهی باشد]); ۱۲/۳، ۲۰۹، ۲۰۵، ۳۶۸، ۴۶۲ ـ ۴۶۳، ۵۰۴ (و به احتمال: ۲۴۹ [دو روایت]); ۵۱/۴، ۶۶، ۱۲۸، ۱۷۱ (نیز بنگرید: تفسیر عیاشی: ۴۳/۱; من لایحضر: ۷۷/۲)، ۲۱۳ (همچنین علل: ۱۰۴/۲)، ۲۶۲ (دو روایت)، ۳۱۶، ۳۲۷، ۳۵۴، ۴۱۲، ۴۶۲، ۴۷۰، ۴۷۶، ۴۷۷، ۵۱۵; ۱۵۲/۵، ۱۶۰ ـ ۱۶۱، ۲۰۸، ۲۱۹، ۲۸۹، ۳۳۳، ۳۹۸; ۵/۶، ۶، ۳۰ (احتمالا)، ۲۸۰، ۲۸۱ (دو روایت)، ۲۸۸، ۳۴۱، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۸۲، ۴۷۹، ۴۸۳، ۴۹۹، ۵۲۱، ۵۲۵، ۵۲۹، ۵۴۲; ۴/۷ (تکرار شده در: ۳۹۸ ـ ۳۹۹ با اختلافات)، ۲۲، ۴۱۴ (بخوانید: «سعد و هشام»، چنان که در تهذیب: ۲۲۹/۶)، ۴۵۳; ۱۶۳/۸ (احتمالا)[۲۵۹]

ص: ۳۲۳

رجال کشی: ۱۷۶، ۲۰۲، ۳۰۴، ۳۱۰، ۳۲۳، ۳۴۹ (همچنین به احتمال ۲۳۳ ـ ۲۳۴)

کامل الزیارات: ۲۹۴ ـ ۲۹۵ (تکرار شده در ۲۹۷)، ۳۱۲

امالی صدوق: ۳۱۹

من لایحضر: ۳۱۹/۱، ۴۴۳، ۳۱/۲، ۳۲۱، ۳۵۲، ۳۵۵، ۳۸۶، ۴۱۲، ۴۷۶ (همچنین به احتمال: ۵۹۹); ۵۷۲/۳ ـ ۵۷۳ (نیز علل: ۱۷۸/۲ ـ ۱۷۹، عقاب: ۳۰۶ ـ ۳۰۷); ۱۱۵/۴

علل الشرایع: ۴۶/۱ ـ ۴۷، ۴۹

خصال: ۳۹۲ ـ ۳۹۳

توحید: ۱۳۴، ۱۳۷ (تکرار شده در ۱۳۸)، ۲۵۰، ۳۵۰ ـ ۳۵۱

امالی ابوطالب: ۱۹۱

تهذیب: ۳۵۴/۱، ۳۷۶، ۴۶۷; ۳۰۲/۲، ۳۰۳; ۲۸۴/۳ ـ ۲۸۵; ۱۵۸/۴، ۱۹۲، ۳۳۱; ۴۹۱/۵; ۲۲۹/۶، ۲۳۰ (احتمالا)، ۳۴۳; ۲۱۱/۷; ۷۳/۹ (احتمالا)

---

۲۵۹ . به استثنای این شماره ها: ۱۳/۱ ـ ۲۰، ۶۹، ۵۱/۴، ۶۶، ۳۴۱/۶، ۳۴۶ همه نقلهای مذکور بالا در کافی به یک اسناد روایت شده که ظاهرا نشانگر آن است که از کتابی نقل شده است.

شواهد التنزيل: ۱۸۷/۱

[۲۶۲] ۲ ـ کتاب علل التحريم و الفرائض

(نجاشی: ۴۳۳ که «علل التحريم» و «فرائض» را، ظاهرا به خطا، به صورت دو کتاب مختلف ذکر می کند). نقل های متعددی از هشام در باره موضوع این کتاب در آثار بعدی وجود دارد که به احتمال از همین کتاب گرفته شده است. نمونه ها:

الف: در باره علل تحریم ها:

محاسن: ۵۶۵ (و از آنجا در علل: ۲۱۹/۲; نیز کامل ابن عدی: ۵۸۰)

علل الشرایع: ۱۶۸/۲

احتجاج: ۲۳۸/۲ ـ ۲۳۹

ب: در باره علل فرائض:

کافی: ۳۶۳/۵ ـ ۳۶۴

علل: ۹۵/۱; ۶/۲ ـ ۷، ۲۲ (نیز من لایحضر: ۳۰۵/۱)، ۲۴، ۳۰ (نیز من لایحضر: ۲۷۲/۱)، ۶۶ (نیز من لایحضر: ۷۳/۲)، ۷۲

به نظر می رسد متن مفصلی که در کافی: ۳۶۳/۵ ـ ۳۶۴ نقل شده نشانگر ساختار اصلی این کتاب هشام باشد.

۳ ـ کتاب الامامة

۴ ـ کتاب الوصية و الرد علی من أنکرها

ظاهرا این دو اثر، عمده تألیفات هشام در بحث امامت بوده است. در منابع قدیم اشارات متعددی به آثار (کتاب المناظرات ابن هیثم: ۶۲) یا اثر (برای نمونه: مغنی قاضی عبدالجبار: ۲۰ [قسم اول]/ ۲۷۳; الدعامة: ۲۷) او در باره این موضوع آمده است. نقلهای متعدد از هشام در باره جنبه های عمومی بحث امامت (برای نمونه: بصائر: ۲۳۵; تفسیر عیاشی: ۴۳/۱، ۵۸، ۳۱۱; کافی: ۲۶۲/۱، ۴۲۸; شواهد التنزیل: ۱۸۷/۱; فصل ابن حزم: ۱۷۲/۴) مناسبت با عنوان نخستین (از دو عنوان بالا) دارد; اما نقلهایی که مربوط به مسأله نص یا اثبات امامت از طریق نص و وصیّت است (برای نمونه: بصائر: ۴۱۴; تفسیر عیاشی: ۳۰۹/۱ ـ ۳۱۱; فصل ابن حزم: ۱۶۹/۴) با عنوان دوم مناسبت دارد و می تواند از آن گرفته شده باشد. عبارتی که از هشام در فصل ابن حزم: ۱۷۲/۴ نقل شده، اگر از کتاب دوم باشد امکانا می تواند نشانگر آن باشد که آن اثر بعد از وفات امام صادق (ع) نوشته شده بود. در این نقل آمده است که اگر فرزندان امام پیشین جز یک تن دارای نقص بدنی باشند که آنان را از داشتن ویژگی های شایسته برای رهبری جامعه مسلمین محروم کند، امامت بدون نیاز به نص مشخص، در فرزندی که دارای شرط سلامت اعضاء است مشخص خواهد شد. [۲۶۳] این مسأله به خصوص پس از وفات امام صادق (ع) در مشاجرات میان پیروان امام کاظم (ع) و فطْحیه بسیار مورد بحث قرار گرفت (رجال کشی: ۲۸۲).

۵ ـ کتاب التدبیر

۶ ـ کتاب المجالس فی الامامة

۷ ـ کتاب المجالس فی التوحید

به گفته نجاشی: ۴۳۳ نخستین این سه اثر، کتابی است در باره امامت که شاگرد هشام، علی بن منصور، از سخنان هشام گردآوری کرده بود. ولی در مدخل علی بن منصور در نجاشی: ۲۵۰ عنوان این اثر، کتاب التدبیر فی التوحید و الامامة است. پس این می تواند همان دو کتابی باشد که نجاشی با عناوین کتاب المجالس فی التوحید و کتاب المجالس فی الامامة در پایان فهرست آثار هشام که اصل آن توسط ابن ندیم تدوین شده است افزوده و به روشنی مجموعه مناظراتی است که هشام با معاصران خود در این موضوعات داشته و احتمالا وسیله یک یا چند تن از شاگردانش گردآوری شده است. گزارش مناظره هشام با یک زندیق مصری در کافی: ۷۲/۱ ـ ۷۴ (نیز

ص: ۳۲۵

التوحید: ۲۹۳ ـ ۲۹۵) در واقع، توسط همین شاگرد او (علی بن منصور) روایت شده است. مناظرات متعدد دیگر میان هشام و معاصرانش در باره توحید (برای نمونه: عیون الاخبار ابن قتیبه: ۱۵۳/۲ [و از آنجا در: العقد الفرید: ۴۱۱/۲ ـ ۴۱۲]، کافی: ۸۰/۱ ـ ۸۲، ۱۲۸ ـ ۱۲۹; توحید: ۲۴۳ ـ ۲۵۰، ۲۷۰ ـ ۲۷۵) و مسائل مربوط به آن (برای نمونه: مروج الذهب: ۲۱/۵ ـ ۲۲) و نیز امامت (برای نمونه: عیون الاخبار: ۱۵۰/۲ [واز آنجا در العقد الفرید: ۴۱۲/۲]، کافی: ۱۶۹/۱ ـ ۱۷۱ [نیز رجال کشی: ۲۷۱ ـ ۲۷۳]، ۱۷۱ ـ ۱۷۳; رجال کشی: ۲۵۸، ۲۶۳، ۲۶۶، مروج الذهب: ۲۲/۵ ـ ۲۳ به نقل از ابوعیسی الوراق در کتاب المجالس; مجالس مفید: ۹/۱، ۲۵، ۲۶ ـ ۲۷، ۵۴ ـ ۵۵; اختصاص: ۹۶ ـ ۹۸) در منابع آمده است که به احتمال می تواند از همین آثار مورد سخن گرفته شده باشد. آرایی نیز که از او در باره مسائل فقهی فرقه ای مانند عدم جواز طلاق ثلاث بدون فاصله، در آثار فقهی بعدی آمده (نمونه: مغنی ابن قدامه: ۳۲۷/۱۰) می تواند از موادی که در مناظرات و آثار وی در باره امامت و موضوعات مربوط به آن آمده، نشأت گرفته باشد.

۸ ـ کتاب الدلالة علی حَدَثِ الاجسام

عنوان کتاب در نجاشی چنین است; اما در فهرست ابن ندیم و فهرست طوسی، کتاب الدلالات علی حدث (در فهرست طوسی: حدوث) الاشیاء آمده است.

۹ ـ کتاب الرد علی الزنادقة

این می تواند همان متن طولانی باشد که در احتجاج: ۱۹۷/۲ ـ ۲۰۰، ۲۱۲ ـ ۲۵۰ به صورت پرسش وپاسخ میان یک زندیق و امام صادق (ع) آمده [۲۶۴] و هشام آن را روایت کرده است (همان مأخذ: ۱۹۷/۲). بخش هایی از این متن در کافی: ۸۰/۱ ـ ۸۱، ۸۳ ـ ۸۵، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۶۸ (همه با یک سند) و توحید: ۲۴۳ ـ ۲۵۰ (نیز معانی الاخبار: ۸) نیز از هشام نقل شده است.

۱۰ ـ کتاب الرد علی اصحاب الاثنین

مطالبی از هشام در زمینه موضوع این کتاب، در برخی از منابع آمده است. از آن جمله دو مورد در کافی: ۸۰/۱ ـ ۸۲، ۱۲۸ ـ ۱۲۹ (نیز توحید: ۱۳۳).

۱۱ ـ کتاب التوحید

۱۲ ـ کتاب الرد علی اصحاب الطبایع

ص: ۳۲۶

۱۳ ـ کتاب الرد علی ارسطاطالیس فی التوحید

۱۴ ـ کتاب الشیخ و الغلام

موضوع کتاب اخیر در فهرست ابن ندیم بیان نشده; اما نجاشی گفته است که آن در باره توحید می باشد. نقلهای متعددی از هشام در این موضوع آمده که گاهی به نقل از امام صادق (ع) است (برای نمونه: توحید: ۱۳۴، ۱۳۷، ۲۵۰) ولی بیشتر به صورت نقل از خود هشام، به طوری که نشان می دهد از کتابهای او گرفته شده است. از جمله یک مورد طولانی در نهایة الاقدام شهرستانی: ۲۱۷ ـ ۲۱۸، و نقلی دیگر در کافی: ۹۹/۱ ـ ۱۰۰، و نقل کوچکی در فصل ابن حزم: ۱۹۳/۵. اشاره ای که در رجال کشی: ۲۵۸ به مخالفت هشام با فلاسفه هست می تواند با عنوان شماره ۱۳ تأیید شود.

۱۵ ـ کتاب الرد علی هشام الجوالیقی

این کتاب ردیه ای است علیه متکلم شیعی معاصر مؤلف، هشام بن سالم جوالیقی، طبعا در مسأله صورت و جسم الهی که مورد اصلی اختلاف میان آن دو بود (بنگرید: کافی: ۱۰۵/۱ ـ ۱۰۶; رجال کشی: ۲۷۹، ۲۸۴ ـ ۲۸۵. برای تفصیل بیشتر بنگرید: مقالات الاسلامیین: ۱۰۹/۱، ۱۱۵ ـ ۱۱۸، ۲۸۳، ۳۸/۲، ۱۹۹، انتصار خیاط: ۶، ۵۷، و منابع بسیار دیگر). اختلاف این دو چنان جدی بود که رؤسای شیعه مناظره ای میان آنان ترتیب دادند تا اختلافاتشان را حل کنند (رجال کشی: ۲۷۹). با این همه، هشام جوالیقی ستایشگر دانش هشام بن حکم بوده است (به ویژه بنگرید: توحید: ۲۸۹، نیز رجال کشی: ۲۷۵ ـ ۲۷۹ [مورد اخیر در کافی: ۱۷۱/۱ ـ ۱۷۳ نیز آمده، اما در اینجا نام جوالیقی به عنوان راوی اصلی خبر حذف شده است]).

[۲۶۵] ۱۶ ـ کتاب علی شیطان الطاق

این اثر کتابی است علیه یک معاصر دیگر هشام، مؤمن الطاق، که از متکلمان شیعه آن عصر بود و آراء کلامی متفاوتی با هشام در بسیاری از مسائل کلامی داشت (برای نمونه بنگرید: مقالات الاسلامیین: ۱۱۱/۱ ـ ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۳، ۲۹۱ ـ ۲۹۲، ۳۸/۲، ۱۸۴; فصل: ۲۶۹/۲، ۱۵۸/۴، ۳۹/۵; البدء و التاریخ: ۱۳۲/۵). نامگذاری این اثر بی تردید، از نویسندگان فهارس است نه هشام که گفته اند که خود نخستین کس بود که این دانشمند را مؤمن الطاق خواند (لسان المیزان: ۳۷۸/۶).

ص: ۳۲۷

۱۷ ـ کتاب المیزان[۲۶۰]

از قطعات اندک برجای مانده از این کتاب چنین بر می آید که موضوع این کتاب، یا یکی از موضوعات آن، بحث از اختلاف نظرهای موجود میان شیعیان در زمان مؤلف بوده است. ابن حزم دو قطعه از این کتاب را در فصل نقل می کند یکی در ۱۵۷/۴ (و از آنجا در فتاوی سبکی: ۵۶۷/۲) در باره نظر حسن بن صالح بن حی در این که آیا هر قُرَشی می تواند به امامت برسد یا این حق ویژه ذرّیه پیامبر است; و دیگری در ۴۵/۵ در باره آراء کسفیّه یعنی پیروان ابومنصور عجلی، یکی از فرقه های متقدم غالی. دو قطعه دیگر در همانجا: ۱۶۹/۴ و ۱۷۲ می تواند مأخوذ از همین کتاب هشام باشد. همچنین قطعه ای که عبدالجبار در تثبیت: ۲۲۴ (نیز ۴۴۸ با عبارت دیگر) در باره مواضع شیعیان نخستین در مسأله امامت[۲۶۱] نقل کرده است. محتمل است که دانشمندان متقدم فنّ ملل و نحل مانند زرقان نیز، بویژه برای نقلها از هشام در باره آرای خود او، از همین کتاب استفاده کرده باشند (برای نمونه: مقالات الاسلامیین: ۱۰۹/۱، ۱۲۶ ـ ۱۲۷).

در فهرست ابن ندیم (و از آنجا در نجاشی و فهرست طوسی) بعد از عنوان این کتاب، عنوانی دیگر به شکل کتاب المیدان است که می تواند تصحیف کتاب المیزان در یکی از منابع ابن ندیم و یا نسخه بدلی در نسخه اصلی خود آن کتاب باشد.

۱۸ ـ اختلاف الناس فی الامامة

به احتمال زیاد، این همان متن مفصلی است که در کمال الدین: ۳۶۲ ـ ۳۶۸ در قالب گزارش آخرین مناظره هشام با رؤسای مکاتب کلامی عصر او در خانه وزیر یحیی بن خالد برمکی نقل شده است. [۲۶۶] این متن با وصف نشست های هفتگی مناظرات کلامی در خانه وزیر در روزهای یکشنبه آغاز شده و با گزارش این مناظره خاص و پیامدهای آن، که سبب خشم هارون الرشید شده و او دستور دستگیری هشام را صادر کرد پایان می پذیرد. پس از این واقعه، هشام به کوفه گریخت و پنهان گردید و اندکی بعد درگذشت. در آغاز مناظره، وزیر از هشام و شریک اباضی او می خواهد که در باره امامت به بحث بپردازند (فیما اختلفتم فیه من

ص: ۳۲۸

الامامة). نام کتاب ظاهرا از این عبارت گرفته شده است (گزارش کوتاه تری از این مناظره در رجال کشی: ۲۵۸ ـ ۲۶۳ آمده است).

---

۲۶۰ . عنوان مشابهی در **کامل** ابن اثیر: ۲۸/۸ ـ ۲۹ به کتابی از ابوشاکر میمون ابن دیصان داده شده است. این شخص از پیروان مذهب مانی بوده و هشام در آغاز نوجوانی در درسهای او شرکت می کرده است (**رجال برقی**: ۹۲; **رجال کشی**: ۲۷۸).

۲۶۱ . در باره این موضوع، نیز بنگرید: **میزان الاعتدال**، ۴۲۱/۳.

ویلفرد مادلونگ[۲۶۲] حدس می زند که این کتاب هشام، منبع مشترک دو کتابی باشد که حسن بن موسی نوبختی و سعد بن عبدالله اشعری در باره فرقه های متقدم اسلامی نگاشته اند. طبعا اگر بنا بود اثری از هشام در مسائل ملل و نحل مورد استفاده قرار گیرد کتاب المیزان او نامزد بهتری برای آن کار بود. با این همه، اشاراتی که در دو کتاب نوبختی و اشعری به امامیه به عنوان «رافضه» آمده (فرق الشیعه: ۷۶; المقالات و الفرق: ۷۸ [نیز ۹۲، گرچه در این مورد «رافضه» احتمالا تصحیف «واقفه» است]) و بی تفاوتی در ارائه برخی از افکار غیر شیعی مانند این که ابوطالب کافر درگذشته است (فرق الشیعة: ۶۰; حذف شده در تحریر سعد بن عبدالله اشعری در المقالات و الفرق) نشان از آن دارد که منبع مشترک آنها یک کتاب سنی ـ و نه شیعی مانند کتاب هشام ـ بوده است.[۲۶۳] از طرف دیگر، هیچ یک از نقلهای بالا از کتاب المیزان در این دو کتاب نیامده است، پس ظاهراً کتاب المیزان نیز منبع اساس آن دو کتاب نیست.

۱۹ ـ کتاب فی الجبر و القدر

۲۰ ـ کتاب القدر

۲۱ ـ کتاب الاستطاعة

نقل هایی از هشام در باره موضوعات این آثار در کتابهای بعدی آمده که از آن جمله است: مقالات الاسلامیین: ۱۱۰/۱; رجال کشی: ۲۶۷; توحید: ۳۵۰ ـ ۳۵۱. بِشر بن المعتمر، متکلم معتزلی (م ۲۱۰) ردیه ای بر کتاب اخیر نوشته که ابن ندیم در فهرست: ۲۰۵ تحت عنوان کتاب الاستطاعة علی هشام بن الحکم یاد کرده است. یک بیت شعر که بِشر بر ضد هشام سروده و در طبقات المعتزلة قاضی عبدالجبار: ۲۶۵ نقل شده است، می تواند از همین اثر بِشر باشد (برای نمونه دیگری از شعر بر ضد هشام بنگرید: الانتصار خیاط: ۱۱۹).

ص: ۳۲۹

[۲۶۷] ۲۲ ـ کتاب [فی] الحکَمَیْن

شیخ صدوق قطعه ای از این کتاب را در من لایحضر: ۵۲۲/۳ آورده است با عنوان «فصل لهشام بن الحکم مع بعض المخالفین فی الحکمین بصفین عمرو بن العاص و ابی موسی الاشعری». پس این اثر، گزارش مناظره ای میان هشام و یکی از مخالفین در باره این موضوع بوده است.

۲۳ ـ کتاب الرد علی المعتزلة فی طلحة و زبیر

۲۴ ـ کتاب آخر علی المعتزلة

---

۲۶۲ . بنگرید به مقاله: Bemerkungen zur imamitischen Firaq-Literatur در مجله Der Islam سال ۴۳ (۱۹۶۷) ۳۷ ـ ۵۲ که اکنون در مجموعه مقالات مادلونگ با عنوان Riligious Schools and Sects inMedieval Islam تجدید چاپ شده است (مقاله پانزدهم).

۲۶۳ . ولی تمام این ارجاعات، چه در مورد استعمال نام «رافضه» و چه در مورد کفر ابوطالب، به شکل نقل قول از دیگران است و بنابر این، حتی استظهار ما نیز که منبع مشترک دو کتاب را سنی خوانده ایم، محل مناقشه تواند بود.

به نظر می رسد که کتاب اخیر همان کتابی است که ابن راوندی در فضیحة المعتزلة به طور مکرر از آن نقل می کند. به همین جهت قطعاتی از کتاب هشام در الانتصار ـ که رد آن اثر ابن راوندی است ـ : ۱۰۸ ـ ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۰ باقی مانده است. این می تواند همان کتابی باشد که جاحظ در بندی که از او در مقالات الاسلامیین: ۱۰۴/۱ آمده، از آن نقل می کند.

۲۵ ـ کتاب الالفاظ

عنوان این کتاب سبب شده است که برخی از علمای متأخر شیعه آن را یکی از قدیم ترین کتابها در بحث اصول فقه بپندارند (برای نمونه: تأسیس الشیعة: ۳۱۰; دروس فی الاصول سید محمدباقر صدر: ۵۱/۱). اما در فهرست طوسی، نام آن کتاب الالطاف آمده است که یک مفهوم معروف کلامی و عنوان مناسبی است برای کتاب کسی که درگیر مناظرات کلامی شدیدی با معتزله بوده است. بلکه حتی اگر نام آن همان کتاب الالفاظ باشد، اثر متکلمی چون هشام در این مسأله می بایست به حسب قاعده مربوط به شناخت ریشه های وجود شناسیِ الفاظ باشد نه جنبه های لفظی آن. هیچ کدام از مؤلفان متقدم شیعی در اصول فقه نیز کم ترین اشاره ای به این کتاب ندارند، چه رسد به آن که از آن نقل کرده باشند.

۲۶ ـ کتاب المعرفة

این موضوع در آثار کلامی، یکی از موضوعات معروف و مطرح می باشد; اما ممکن است که این عنوان اشاره به یک کتاب در باره موضوع معرفت نباشد، بلکه همان نقل طولانی باشد که کلینی در کافی: ۱۳/۱ ـ ۲۰ آورده و آن نصایح امام کاظم (ع) به هشام است که با بحث معرفت

ص: ۳۳۰

خداوند آغاز می شود.

[۲۶۸] ۲۷ ـ کتاب الثمانیة ابواب

این اثر می تواند همان متن طولانی باشد که در امالی صدوق: ۲۷۹ ـ ۲۸۳ از هشام نقل شده و مشتمل بر وصف بهشت و ابواب آن است; گرچه در متن برجای مانده تنها وصف شش در از هشت در آن آمده است.

۲۸ ـ کتاب الاخبار [و کیف تصحّ]

نقلی که در الانتصار: ۱۵۷ ـ ۱۵۸ از هشام بن حکم در باره حجیت خبر متواتر آمده است، با عنوان این کتاب مناسبت دارد.

۲۹ ـ کتاب بریه النصرانی

در رسالة ابی غالب: ۱۷۶ و فهرست طوسی: ۴۰ از این کتاب یاد شده و متن کامل آن در توحید: ۲۷۰ ـ ۲۷۵ (و بندی چند از آن نیز در کافی: ۲۲۷/۱) آمده است. این متن به شکل یک گزارش از مناظره ای فرضی میان هشام و پیشوای مسیحیان عراق نوشته شده است.

۳۰ ـ کتاب فی الجسم و الرؤیة

عبدالجبار در طبقات المعتزلة: ۱۵۲ از کتابی از ابوعلی جبائی معتزلی در ردّ کتاب فی الجسم و الرؤیة هشام بن حکم یاد کرده است. این می تواند عنوانی توهین آمیز برای کتاب التوحید هشام یا کتاب او بر ضد معتزله باشد (نیز ببینید تبصره نسفی: ۲۱۹/۱). قطعه ای که جاحظ (مقالات الاسلامیین: ۱۰۴/۱) از کتابی از هشام نقل می کند و قطعه ای که در کافی: ۹۹/۱ ـ ۱۰۰ به نقل از هشام آمده هر دو در موضوع رؤیت می باشند.

۸۸ . هشام حَنّاط

هشام بن مثنی کوفی، فروشنده گندم، راوی از امام صادق (علیه السلام).

رجال برقی: ۹۲ (با عنوان بالا)، نجاشی: ۴۳۵ (به عنوان هاشم بن مثنی)، رجال طوسی: ۳۱۹ (ش ۴۷۵۵: هاشم الحناط، ش ۴۷۶۴: هشام بن مثنی الحناط). همچنین بنگرید: مشیخه: ۴۴۹ (هاشم

ص: ۳۳۱

الحناط)، مجالس مفید: ۱۲۷/۱ (هشام بن مثنی). نام وی در اسناد روایات هم به همین منوال، مختلف ضبط شده است.

[۲۶۹] کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان، از جمله ابن ابی عمیر از او روایت کرده اند (نجاشی: ۴۳۵). موارد زیر توسط همین راوی از مؤلف ما روایت شده است:

نوادر احمد بن محمد بن عیسی: ۹۴ (مقـ : تهذیب: ۳۲۶/۷ ـ ۳۲۷، ۳۲۸)

کافی: ۳۰۶/۱ (بخشی از آن تکرار شده در ۴/۴)، ۵۵/۴، ۳۶۰، ۴۲۶، ۵۵۰، ۳۰۵/۵، ۴۸۶/۶

رجال کشی: ۱۱۵ ـ ۱۱۷

۸۹ . جوالیقی

ابومحمد هشام بن سالم، در آغاز جوال فروش و سپس فروشنده علوفه، از موالی کوفه، و راوی از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام). او از متکلمان شناخته شده شیعی در روزگار خود بود و دیدگاه های کلامی او در مسائل مختلف در منابع کلامی و فرقه شناسی برجای مانده است.

برای فشرده ای مفید از مطالب منابع شرح حال و فرقه شناسی در باره زندگی و دیدگاه های این دانشمند بنگرید: Theologie از جوزف فان اس: ۳۴۲/۱ ـ ۳۴۸.

۱ ـ کتاب التفسیر

(نجاشی: ۴۳۴). شمار فراوانی روایت تفسیری از این مؤلف در منابع تفسیری و حدیثی شیعه، که شامل قصص زیادی در باره انبیا هم می شود، می تواند بازمانده بخش هایی از این کتاب باشد. نمونه های زیر از آن جمله است:

نوادر احمد بن محمد بن عیسی: ۵۳

محاسن: ۴۲، ۱۰۵ (نیز عقاب: ۳۲۷ ـ ۳۲۸)، ۱۱۴ (نیز عقاب: ۳۱۸)، ۱۹۲، ۲۰۰، ۲۳۷ (نیز توحید: ۳۸۵)، ۲۴۷، ۲۵۷ (نیز کافی: ۲۱۷/۲)، ۲۶۴ (نیز کافی: ۱۲۶/۲)، ۳۲۱، ۳۲۹ (نیز علل۲۵۷/۲ ـ ۲۵۸)، ۳۵۲ (نیز تفسیر عیاشی: ۲۸۵/۲، ۲۸۶)، ۵۷۶ (بخوانید: «هشام عن سلیمان بن خالد»)

بصائر: ۳۹ (نیز امالی طوسی: ۶۶۴)، ۱۹۴ ـ ۱۹۵، ۲۲۱، ۳۱۱ ـ ۳۱۲، ۳۷۳ ـ ۳۷۴ (نیز کافی: ۱۷۴/۱ ـ

ص: ۳۳۲

(۱۷۵

[۲۷۰] تفسیر عیاشی: ۱۷/۱، ۲۹، ۱۵۶(دو روایت)، ۱۶۸، ۱۸۹، ۲۰۱، ۲۱۰، ۲۶۷، ۲۷۹، ۲۹۳، ۲۹۶، ۳۰۶ ـ ۳۰۹، ۳۳۹ ـ ۳۴۰ (نیز امالی طوسی: ۶۵۷ ـ ۶۵۸)، ۳۴۱، ۳۵۷، ۱۱۰/۲، ۱۲۷، ۱۷۷ ـ ۱۷۸، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۲۱۰، ۲۵۴، ۲۷۶ ـ ۲۷۷، ۲۸۳، ۲۸۶، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۳۴، ۳۴۱. (نیز مجمع البیان: ۲۳۷/۳۰ به نقل از بخش مفقود شده تفسیر عیاشی

کافی:۱۴۶/۱ ـ ۱۴۷ (نیز توحید: ۳۳۳)، ۱۷۵، ۳۸۲ ـ ۳۸۳، ۳۹۸، ۴۰۷ ـ ۴۰۸ (تکرار شده در ۲۷۹/۵ ـ ۲۸۰)، ۴۳۰، ۴۴۸، ۸/۲ ـ ۱۰، ۱۵، ۸۰، ۸۱، ۲۶۹، ۲۵۶/۳، ۲۱۶/۴ (همان مجمع البیان: ۲۳۷/۳۰ به نقل از عیاشی)، ۱۲۸/۵، ۳۴۴ (و به احتمال ۳۱۲ و ۵۰۳)، ۲۰۴/۸ ـ ۲۰۵، ۲۷۷ ـ ۲۷۹، ۳۳۸ ـ ۳۴۱

رجال کشی: ۴۳

تأویل ما نزل من القرآن: ۲۱۷

غیبت نعمانی: ۲۲۸ (نیز کمال الدین: ۱۴۱ ـ ۱۴۲)

تفسیر قمی: ۲۷/۱ ـ ۲۸، ۶۰، ۷۴، ۹۳، ۹۵، ۱۱۴، ۱۳۲، ۱۴۰، ۱۶۵، ۵۰/۲، ۸۴، ۱۰۰، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۶۸، ۱۹۸، ۳۴۶

امالی صدوق: ۵۵ (نیز خصال: ۲۱۸)، ۸۷، ۱۱۱، ۱۵۹ ـ ۱۶۰ (نیز کمال الدین: ۵۲۴ ـ ۵۲۵)، ۶۳۷، ۶۷۲ (و احتمالا ۶۰۰ ـ ۶۰۱ [نیز توحید: ۴۰۱])

علل: ۱۰/۱ ـ ۱۱، ۵۲، ۱۶۸/۲، ۲۳۴ ـ ۲۳۶، ۲۵۰

عقاب: ۲۵۳

کمال الدین: ۱۳۸ ـ ۱۳۹، ۵۲۳

خصال: ۱۱۸، ۱۴۲ ـ ۱۴۳، ۲۸۴، ۲۶۰ ـ ۲۶۱

معانی: ۹ (نیز توحید: ۳۱۲)، ۳۱ ـ ۳۲، ۲۴۸

توحید: ۴۰، ۲۸۹، ۳۲۹

ثواب: ۱۴۴، ۱۹۴ ـ ۱۹۵

کفایة الاثر: ۲۵۶ ـ ۲۶۰ (متن تصرف شده)

امالی مفید: ۲۱۳

اختصاص: ۱۰، ۲۵۴ ـ ۲۵۵، ۳۳۳

امالی ابی طالب: ۳۵۹

امالی طوسی: ۴۱۷ ـ ۴۱۸، ۶۵۸ ـ ۶۵۹، ۶۵۹ ـ ۶۶۲ (نه روایت)

ص: ۳۳۳

مصباح: ۱۰۶ ـ ۱۰۷

قصص الانبیاء: ۴۱، ۴۳، ۵۰، ۶۱ ـ ۶۲، ۶۳ ـ ۶۴، ۱۰۳ ـ ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۳۲ ـ ۱۳۳، ۱۴۰ ـ ۱۴۱ (دو روایت)، ۱۴۲، ۱۶۴، ۱۷۵، ۱۸۰، ۲۰۲، ۲۰۸، ۲۱۷، ۲۴۱

مکارم الاخلاق: ۱۲۹ ـ ۱۳۰ (بخش غیر قرآنی روایت نیز در محاسن: ۶۲)

یقین ابن طاوس: ۲۶۴ ـ ۲۶۵ (احتمالا)

[۲۷۱] ۲ ـ کتاب الحج

(نجاشی: ۴۳۴). شمار قابل توجهی روایت از این دانشمند در موضوع حج وجود دارد (نمونه ها: محاسن: ۶۸، ۲۹۶ [نیز توحید: ۳۵۰]، کافی: ۲۷۲/۴، ۲۸۲، ۳۰۷، ۳۲۸، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۷۵، ۴۴۳، ۴۹۳، ۷۲/۵ [نیز کتاب ابان : ۴۰ ـ ۴۱، امالی طوسی: ۶۶۲])، ولی حجم مواد برجای مانده، زیاد نیست. ممکن است که لفظ «حج» در عنوان کتاب، تصحیف «حجة» باشد که در باره آن، یعنی بحث امامت، روایات بسیار زیادتری از این دانشمند برجای مانده است. ابوطالب در الدعامة: ۲۷ ضمن اشاره به آثار کلامی مؤلفان شیعه که طرفدار نظریه لزوم تشخیص جانشین پیامبر از راه نصّ بودند، از آثار هشام بن حکم و هشام بن سالم یاد می کند که در آن ها حدیث المنزلة آمده بود. این نقل، مناسبت کامل با عنوان کتاب الحجة دارد.

۳ ـ کتاب المعراج

(نجاشی: ۴۳۴). این متن توصیفی از معراج رسول خدا (ص) به طور کامل در تفسیر قمی: ۳/۲ ـ ۱۲ آمده است. روایاتی برگرفته از این متن یا تحریری متفاوت از آن، در آثار دیگر نیز آمده که از آن جمله است: تفسیر عیاشی: ۲۷۶/۲ ـ ۲۷۷، علل: ۸/۱ .

۴ ـ کتاب / اصل

دفتر حدیث هشام که توسط شماری از راویان از جمله ابن ابی عمیر، شاگرد نزدیک وی (بنگرید: رجال کشی: ۲۷۹) و چهار نفر دیگر (برقی: ۹۱، مشیخه: ۴۲۴ ـ ۴۲۵، نجاشی: ۴۳۴، فهرست طوسی: ۱۷۴) روایت شده است. این کتاب تا میانه قرن هفتم باقی و در دسترس ابن طاوس بوده که از آن در اقبال: ۱۷۱/۳ و غیاث سلطان الوری: ۵ استفاده کرده است (برای اطلاعات بیشتر بنگرید: کتابخانه ابن طاوس: ۱۲۴)، مورد نقل شده در اقبال: ۱۷۱/۳، در محاسن: ۲۵ (و از آنجا در ثواب: ۱۶۰) و کافی: ۷۱/۲ نیز از مؤلف ما نقل شده است. یک قطعه شامل ۳۷ روایت از این دفتر

ص: ۳۳۴

حدیث در بخش خاصی از کتاب امالی طوسی: ۶۵۷ ـ ۶۶۵ آمده که بخشی از آنها در تفسیر قرآن است و نشان می دهد این دفتر حدیث مشتمل بر روایات تفسیری مؤلف نیز بوده که این قسمت آن به صورت یک کتاب مستقل در تفسیر، تدوین شده است.

اکثریت قریب به اتفاق نزدیک به هفتصد حدیث از این دانشمند در کتابهای تفسیری و حدیثی که در معجم خویی: ۳۰۱/۱۹ ـ ۳۰۵، ۴۱۳ ـ ۴۲۸ و فهارس بحار: ۴۲۹/۱۰، ۴۳۰، ۴۳۱ ـ ۴۳۳ فهرست شده، از طریق ابن ابی عمیر و دیگر کسانی است که نامشان به عنوان راوی این دفتر در منابع پیشگفته ضبط شده است.

[۲۷۲]۹۰ . حذیفة بیّاع السابری

ابومحمد حذیفة بن منصور کوفی، فروشنده لباسهای شاپوری، از موالی خزاعه، که از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) روایت می کرد.

برقی: ۱۱۱، رجال کشی: ۳۳۶، رجال ابن غضائری: ۵۰، نجاشی: ۱۴۷ ـ ۱۴۸، فهرست طوسی: ۶۵، رجال او: ۱۳۳، ۱۹۲

برقی این نویسنده را به عنوان عرب خزاعی می شناسد، اما طوسی در رجال او را از موالی این قبیله معرفی می کند. این که او وابسته به خزاعه باشد، خواه با نسب و خواه با ولاء، وسیله ابن غضائری هم تأیید شده است. طوسی در رجال: ۱۸۰ حسن فرزند حذیفه بن منصور را که در نجاشی: ۱۴۸ هم از او نام آمده به عنوان مولای سَبیع، تیره ای از همْدان، نام می برد. ابن غضائری نیز در رجال: ۵۰ این فرزند را همْدانی می خواند. به نظر می رسد پدر یا پسر با شخصی همنام خود اشتباه شده باشند.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان از او روایت کرده اند (نجاشی: ۱۴۸، فهرست طوسی: ۶۵). این کتاب برای علمای شیعه در میانه قرن پنجم شناخته بوده است (تهذیب: ۱۶۹/۴ [واز آنجا در شرح جمل العلم: ۱۷۵]). تعداد قابل توجهی از روایات این مؤلف، در کتابهای حدیثی شیعه وجود دارد که در معجم خویی: ۲۴۰/۴ ـ ۲۴۱، ۲۴۴ ـ ۲۴۵، ۴۶۵ ـ ۴۶۷ و فهارس: ۳۳۳/۸، ۳۳۴ فهرست شده و از آن جمله است روایات فراوانی در تهذیب. در میان این موارد، طوسی در تهذیب: ۱۶۷/۴ ـ ۱۶۸ در مورد یک روایت خاص از حذیفه یادآور شده که آن در دفتر حدیث

ص: ۳۳۵

او وجود ندارد. پس ظاهرا بیشتر احادیث دیگر این راوی در تهذیب و منابع حدیثی اقدم، در آن دفتر وجود داشته است.

۹۱ . حُجْر الحَضرمی

ابوعبدالله حجر بن زائدة حضرمی کوفی، فردی متقی و مورد احترام در جامعه شیعه زمان خود، و راوی از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام). شرح حال نویسان از او به عنوان فردی صحیح المذهب و صحابی بسیار نزدیک دو امام پیشگفته یاد کرده اند. وی از مخالفان سرسخت مفضّل جعفی، رهبر گرایش مفوّضه در جامعه شیعه، بود و از این رو،

مفوّضه برای بی اعتبار کردن او تلاش کرده اند سخنانی از زبان امام صادق (ع) در محکوم ساختن حجر و تأیید مفضل جعفی جعل کنند.

[۲۷۳]برقی:۱۱۱، رجال کشی: ۱۰، نجاشی: ۱۴۸، فهرست طوسی:۶۳، رجال او:۱۹۲. نیز بنگرید: اختصاص: ۸.

در باره مخالفت وی با مفضّل غالی و آموزه های او، بنگرید: رجال کشی: ۳۲۳، ۳۲۶. در باره جعلیات مفوّضه علیه او بنگرید: همان: ۳۲۱ ـ ۳۲۲ (مختصر آن تکرار شده در ۴۰۷)، کافی: ۳۷۳/۸.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که توسط شماری از راویان شیعی از جمله صفوان بن یحیی روایت شده است. صفوان کتاب را از عبدالله بن مسکان از مؤلف روایت می نمود (نجاشی: ۱۴۸، فهرست طوسی: ۶۳). تقریبا تمامی نقلهای زیر که در کتب حدیثی شیعی از حجر آمده، از همین طریق است:

کتاب الزهد: ۹۱

بصائر: ۳۶، ۷۴، ۱۱۶، ۱۷۷ (نیز کافی: ۲۳۵/۱)، ۱۷۸، ۲۰۵ (نیز ۲۰۶ با افزوده هایی)، ۲۹۲، ۳۲۲، ۴۷۳

تفسیر عیاشی: ۳۶۵/۱

کافی: ۳۶۸/۸ (نیز قصص الانبیاء: ۱۰۴ با افزوده ای)

رجال کشی: ۱۷۶

تأویل ما نزل من القرآن: ۱۶۷

ص: ۳۳۶

امالی صدوق: ۵۷۲

معانی: ۲۰۲

تهذیب: ۱۳۵/۱

۹۲ . ابوالمَغْرا

ابوالمغرا حُمَید بن مثّنی عجلی کوفی، صراف، راوی از امام صادق و امام کاظم (علیهماالسلام).

برقی: ۷۰، مشیخه: ۴۶۶ ـ ۴۶۷، نجاشی: ۱۳۳، فهرست طوسی: ۶۰، رجال او: ۱۹۲

مشیخه او را عرب، اما نجاشی مولی می شناسد. این که او صرّاف بوده در فهرست طوسی آمده است. برقی و رجال طوسی: ۱۹۴ حمید صراف را راوی دیگری از امام صادق (ع) می دانند.

کتاب / اصل

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان حدیث از جمله فضالة بن ایوب ازدی، ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی از او روایت می کنند (نجاشی: ۱۳۳، فهرست طوسی: ۶۰، نیز مشیخه: ۴۶۷). نزدیک به دویست نقل از این مؤلف در منابع بعدی در معجم خویی: ۲۹۴/۶ ـ ۲۹۶، [۲۷۴] ۵۳/۲۲ ـ ۵۴، ۲۱۵ ـ ۲۲۲ و فهارس بحار: ۴۷۳/۸، ۳۲۶/۱۰ ـ ۳۲۷

فهرست شده که بسیاری از آن ها از طریق راویان مذکور می باشد. ابن طاوس از این کتاب در ملاحم: ۱۷۴ نقل کرده است (برای جزئیات بیشتر بنگرید: کتابخانه ابن طاوس: ۱۲۴ ـ ۱۲۵). قطعه ای شامل نه حدیث از این مؤلف در مجالس مفید: ۱۲۲/۲ ـ ۱۲۳ می تواند از این کتاب باشد.

۹۳ . حُمَید السَبیعی

حمید بن شعیب سبیعی همْدانی کوفی، راوی از جابر جعفی و دیگر راویان شیعه نیمه اول و میانه قرن دوم هجری.

رجال ابن غضائری: ۴۹ ـ ۵۰، نجاشی: ۱۳۳، فهرست طوسی: ۶۰، رجال او: ۱۹۲

۱ ـ کتابه عن جابر

ص: ۳۳۷

نجاشی: ۱۳۳ این اثر را به عنوان کتابی از جعفربن محمد بن شریح که از حمید بن شعیب از جابر (جعفی) روایت کرده است، یاد می کند. این دفتر حدیث باقی مانده و زیر عنوان نام راویِ بعدی آن با عنوان اصل محمد بن مثنی الحضرمی در الاصول الستة عشر: ۶۰ ـ ۸۱ چاپ شده است.

۲ ـ کتاب

دفتر حدیث این مؤلف که شماری از راویان از جمله عبدالله بن جَبَله ـ که نسخه او از این دفتر شایع ترین تحریر آن بود ـ از او روایت می کنند (نجاشی: ۱۳۳، فهرست طوسی: ۶۰). نقل هایی که از این مؤلف از طریق همان راوی (فی المثل در بصائر: ۷۵ و امالی طوسی: ۵۹۵) و از طرق دیگر (برای نمونه در تفسیر قمی: ۲۱۵/۱ و تاریخ بغداد: ۴۶۷/۵ [و از آن جا در تاریخ دمشق: ۱۵/۵۴]) آمده می تواند از همین کتاب بوده باشد.

۹۴ . ابن ابی العَلاء

ابوعلی حسین بن ابی العلاء اعور، کفاش، از موالی کوفه، و راوی از امام صادق (علیه السلام).

برقی: ۶۰، ۷۹، رجال کشی: ۳۶۵ ـ ۳۶۶، مشیخه: ۴۳۳، نجاشی: ۵۲ ـ ۵۳، فهرست طوسی: ۵۴، رجال او: ۱۳۱، ۱۸۲. نیز بنگرید: جامع بزنطی: ۶۱.

[۲۷۵] گزارش های متفاوتی در باره نسبت ولائی این راوی در منابع آمده است. برای جزئیات بیشتر در این باره بنگرید: قاموس الرجال: ۴۰۷/۳ ـ ۴۰۹.

کتاب

نجاشی: ۵۳ می گوید که این راوی، چندین کتاب داشته است. دفتر حدیث او توسط راویان مختلفی از جمله ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی روایت شده بود (فهرست طوسی: ۵۴). بیش از یک صد روایت از او در منابع بعدی آمده که برخی از آنها از طریق دو راوی یاد شده است (نمونه ها در کافی: ۱۷۸/۱، ۲۶۸، کامل الزیارات: ۱۵۲ [که در اینجا

صفوان با واسطه از مؤلف نقل می کند]، تهذیب: ۱۵۹/۲، ۶۸/۵، ۴۲۰، غیبت طوسی: ۱۶۳) اما بیشتر روایات او از طریق علی بن حکم نقل شده که معمولا احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی از او روایت می کند. فهرست آن موارد را در معجم خویی: ۱۸۵/۵، ۴۰۵ ـ ۴۰۹ و فهارس بحار: ۴۲۰/۸ ـ ۴۲۱ ببینید.

ص: ۳۳۸

۹۵ . ابن ابی غُنْدَر
حسین بن ابی غندر کوفی، راوی از امام جعفر صادق (علیه السلام).
نجاشی: ۵۵ ـ ۵۶، فهرست طوسی: ۵۹

کتاب / اصل

دفتر حدیث مؤلف که صفوان بن یحیی از او روایت می نمود (نجاشی: ۵۵ ـ ۵۶، فهرست طوسی: ۵۹). قطعه ای از این کتاب، مشتمل بر هیجده روایت، در امالی طوسی: ۶۶۶ ـ ۶۷۰ باقی مانده است (دو مورد از این روایات نیز در کامل الزیارات: ۱۲۵ ـ ۱۲۶، ۱۴۴). از جمله نقلهای دیگر از این مؤلف به روایت همان راوی، سه روایت است در کامل الزیارات: ۱۹۹ وتهذیب: ۲۵۸/۲ ـ ۲۵۹، ۲۶۰.

۹۶ . ابوجُنادة السَلُولی

ابوجناده حصین بن مخارق سلولی کوفی، از روات اواخر قرن دوم هجری با گرایشات قوی شیعی. او از امام صادق و امام کاظم (علیهماالسلام) و شماری از مشایخ حدیث دیگر در روزگار خود روایت می کرد.

[۲۷۶] رجال ابن غضائری: ۱۱۲ ـ ۱۱۳، نجاشی: ۱۴۵، فهرست طوسی: ۵۷ ـ ۵۸، رجال او: ۱۹۱، ۳۳۵، خلاصة الاقوال: ۳۴۲ (به نقل از ابن عقده). برای منابع سنی در باره او بنگرید به فهرست منابعی که مصحح لسان المیزان در پاورقی آن کتاب: ۵۹۱/۲ آورده است.

ابن غضائری این مؤلف را زیدی می شناسد (خلاصة الاقوال: ۳۴۲، رجال ابن داود: ۴۴۷) و طوسی به عنوان واقفی (رجال: ۳۳۵). گزارش نخست با عنایت به این نکته که امامیه او را از طریق زیدیان می شناسند، مقبول تر است. او از امام صادق (ع) بسیار روایت می کند. برای نمونه روایت وی از امام کاظم (ع) بنگرید: تفسیر عیاشی: ۲۵۵/۱، کافی: ۱۸۴/۸، شواهد التنزیل: ۳۹۶/۱، ۳۴۳/۲ ـ ۳۴۴.

۱ ـ کتاب التفسیر و القراءات
نجاشی: ۱۴۵ این اثر را کتابی بزرگ وصف کرده که از طریق ابوالفرج اصفهانی زیدی (م

ص: ۳۳۹

۳۵۶) به دست او، و از طریق ابن عقده (م ۳۳۳) به دست طوسی (فهرست: ۵۷ ـ ۵۸) رسیده بود. هر دو طریق، به احمد بن حسن بن سعید خزّاز (بن عثمان ابوعبداللّه القرشی، چنان که در تسمیة من روی عن الامام زید: ۷۲، نجاشی: ۹۱، فهرست طوسی: ۲۶ [بخوانید «بن حسن» به جای «بن حسین»]، که به نوشته منبع اخیر: ۳۵ خود مؤلف تفسیری بود) از طریق پدرش به مؤلف می رسید. ابن جحام، حسکانی و دیگران هم این اثر را از طریق ابن عقده روایت کرده اند و ابن عساکر از طریقی دیگر; اما همه اسانید در نهایت به این احمد بن حسن خزاز و پدر او منتهی می شود. فهرستی از نقلها از این مؤلف که متناسب با عنوان بالاست و از طریق احمد خزاز و پدر او روایت شده، چنین است:

تأویل ما نزل من القرآن: ۱۵۱، ۱۵۷، ۱۶۸، ۱۸۰، ۲۲۷ (نیز شواهد التنزیل: ۵۶۵/۱)، ۲۳۰، ۲۳۷، ۳۱۷ (نیز شواهد: ۲۴۰/۲)، ۴۳۸ (نیز شواهد: ۴۲۵/۲)، ۴۳۹، ۴۸۷ (نیز شواهد: ۴۸۶/۲)

کامل ابن عدی: ۴۹۰ (و از آنجا در سنن بیهقی: ۵۱/۹)

تسمیة من روی عن الامام زید: ۷۲

شواهد التنزیل: ۵۲/۱، ۱۵۲، ۲۶۶، ۳۱۷، ۳۸۸، ۳۹۶، ۴۹۷، ۵۳۲، ۵۶۵، ۳۱/۲، ۲۳۴ (نیز مناقب خوارزمی: ۳۲۵)، ۲۴۰، ۳۴۳ (تکرار شده در ۳۴۴)، ۳۷۱، ۴۲۵، ۴۶۳، ۴۸۶ (دو روایت)

تاریخ دمشق: ۱۷۱/۱۴ ـ ۱۷۲، ۴۲۵، ۲۸۷/۴۲، ۲۹۸، ۳۶۰، ۳۶۳، ۴۴۷

علل ابن جوزی: ۱۵۰

شافی عبدالله بن حمزه: ۶۷/۱ ـ ۶۸، ۷۴ (هفت نسخه از یک متن)

نقلهایی دیگر نیز از این مؤلف در موضوع این اثر در دست است که یا بدون اسناد و یا با اسنادی متفاوت از اسناد بالاست از جمله سه مورد در تفسیر عیاشی: ۲۵۵/۱، ۳۵۵، و کافی: ۱۸۴/۸.

۲ ـ کتاب جامع العلم

این اثر در فهرست طوسی: ۵۷ آمده و نام آن، کتاب امالی احمد بن عیسی را تداعی می کند که به کتاب العلوم هم شهرت دارد، و به نظر می رسد همان اثر از این مؤلف باشد که به تکرار و همواره با یک اسناد، در کتاب اخیر از آن نقل شده است. فهرست این نقلها همراه با چند مورد دیگر که ممکن است مربوط به همین کتاب باشد، چنین است:

[۲۷۷] امالی احمد بن عیسی: ۴۴/۱، ۴۶، ۷۳، ۱۴۴ (دو روایت)، ۲۵۸ (دو روایت)، ۴۳۵/۲ (دو روایت)، ۶/۳، ۲۶، ۳۴ ـ ۳۵، ۳۹، ۴۴، ۴۸، ۴۹ (دو روایت)، ۵۰، ۷۴، ۷۶، ۸۷، ۹۷، ۱۰۸ (دو

روایت، در روایت دوم نام ابوجناده از سند افتاده است)، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۳، ۱۶۱، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۳ (دو روایت)، ۱۹۴، ۲۰۲/۴ (چهار روایت)، ۲۰۳، ۲۱۱ (دو روایت)، ۲۱۲ ـ ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۱۷ (دو روایت)، ۲۱۹، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸

کافی: ۹۳/۴

امالی ابی طالب: ۲۲۳، ۲۶۷، ۲۷۲، ۳۲۴

اذان شجری: ۷۲

تسمیة من روی عن الامام زید: ۵۷

مناقب ابن المغازلی: ۲۶۱

۹۷ . حسین القَلانسی

ابوعبدالله حسین بن مختار کوفی، کلاهدوز، از موالی تیره اَحْمس از بَجیله، و راوی از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام). وی پس از رحلت امام کاظم (ع) به واقفه پیوست.

برقی: ۷۹، نجاشی: ۵۴ ـ ۵۵، فهرست طوسی: ۵۵، رجال او: ۱۸۳، ۳۳۴، خلاصة الاقوال: ۳۳۸ ـ ۳۳۹ (به نقل از ابن عقده)

واقفی بودن او در رجال طوسی: ۳۳۴ آمده است.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که توسط شماری از راویان از جمله حماد بن عیسی از او روایت شده است (نجاشی: ۵۴ ـ ۵۵، فهرست طوسی: ۵۵. نیز مشیخه: ۴۴۳). نزدیک به دویست مورد روایت از این مؤلف در کتابهای حدیثی شیعه در معجم خویی: ۸۸/۶، ۳۵۱ ـ ۳۵۵ و فهارس بحار: ۴۲۷/۸، ۴۳۳ ـ ۴۳۴ فهرست شده که بیشتر آنها از طریق راوی مذکور است

۹۸ . حسین الاَحْمسی

ابوعلی حسین بن عثمان کوفی، از موالی تیره احمس از بجیله، و راوی از امام صادق (علیه السلام). وی تا اواخر قرن دوم هجری زنده بود.

ص: ۳۴۱

[۲۷۸] نجاشی: ۵۴، فهرست طوسی: ۵۶ (دو مدخل)، رجال او: ۱۹۵. نیز بنگرید: برقی: ۷۹.

برای کنیه او بنگرید به ادامه بحث. این که او تا اواخر قرن دوم زنده بوده از روایتی در محاسن: ۶۲۴ که وی در آن سخنی از امام رضا (ع) نقل کرده بر می آید.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که توسط ابن ابی عمیر (نجاشی: ۵۴، فهرست طوسی: ۵۶)، تنها راوی این کتاب (نجاشی: ۵۴ به نقل از ابن عقده)، روایت شده است. این دفتر حدیث به روایت ابن عقده که آن را با واسطه از ابن ابی عمیر دریافت کرده بود، باقی مانده و در الاصول الستة عشر: ۱۰۸ ـ ۱۱۳ چاپ شده است. نسخه ای که این دفتر بر اساس آن چاپ شده، مؤلف را حسین بن عثمان بن شریک عامری می شناسد. این نام به طور حتم اشتباه است، چه بخشی از محتوای این کتاب در منابع متقدم حدیثی شیعه به نقل از حسین اَحْمسی آمده است.[۲۶۴] نسخه چاپی کتاب مشتمل بر ۴۴ حدیث است

۲۶۴ . نمونه ها: کتاب حسین بن عثمان: ۱۰۸ ـ ۱۱۲: روایت شماره ۴ در کافی: ۲۷۰/۴; ش ۱۱ در تهذیب: ۱۱۸/۹; ش ۱۲ در کافی: ۲۷۱/۴; ش ۱۳ در کامل الزیارات: ۲۹۶ ـ ۲۹۷، ش ۱۵ در کتاب الزهد حسین بن سعید: ۱۰۳، ش ۳۹ در کافی: ۲۴۰/۶ (که روایت در این مأخذ به دو بخش تقسیم شده است).

(برای اطلاعات بیشتر بنگرید به مقاله کالبرگ در باره اصول اربعمائة: ۱۵۵). نقلهای دیگری از ابن ابی عمیر از «حسین احمسی» در منابع حدیث هست که نشان می دهد نسخه برجای مانده از این کتاب، تنها بخشی از آن دفتر است; از جمله موارد ذیل:

کتاب الزهد حسین بن سعید: ۲۹ ـ ۳۰ (بخوانید: «عن ابی علی الاحمسی» [همان طور که در نسخه خطی بوده و مصحح در پاورقی ش ۸۰ یادآور شده]، نیز کافی: ۱۰۰/۲ که در آن این روایت توسط ابن ابی عمیر از «حسین احمسی» روایت شده)، ۵۱، ۷۲ (بخوانید: «عن ابی علی الاحمسی». نیز بنگرید: بحار: ۱۲۷/۷۳)، ۱۰۳

کافی: ۵۲/۱، ۴۷۵/۲، ۲۶۰/۴

موارد دیگری به نقل از همان راوی از «حسین بن عثمان» (بدون ذکر نسبت) هست که بسیاری از آن موارد در نسخه چاپ شده کتاب مورد سخن هم آمده است.[۲۶۵] نمونه مواردی

که در متن برجای مانده از این اصل نیامده، از این قرار است:

[۲۷۹] محاسن: ۷۱ (نیز کافی: ۲۸۱/۴)، ۲۵۶، ۵۴۸، ۵۴۹، ۶۲۴

کافی: ۵۴۵/۱ (بخوانید: «عن حسین بن عثمان»)، ۲۵۷/۲ ـ ۲۵۸، ۳۵۶، ۳۷۱، ۲۰۴/۳، ۵۴۵، ۵۵۰، ۴۲۳/۴ (مقـ : تهذیب: ۱۴۰/۵ که در آنجا همین روایت از حسین بن عثمان با سند متفاوتی آمده است)، ۲۳۸/۵، ۱۷۹/۶، ۲۹۴، ۲۳۱/۸

رجال کشی: ۴۰

کامل الزیارات: ۱۰۸، ۱۱۰

خصال: ۲۴ (بخوانید: «عن حسین بن عثمان»)[۲۶۶]

تهذیب: ۴۴/۴

۹۹ . حسین الرؤاسی

حسین بن عثمان بن شریک رُؤاسی عامری کوفی، راوی از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام).

رجال کشی: ۳۷۲، نجاشی: ۵۳، فهرست طوسی: ۵۷، رجال او: ۱۸۲. نیز بنگرید: قاموس الرجال: ۴۸۳/۳ ـ ۴۸۴.

برادر او، جعفر بن عثمان بن شریک رؤاسی، از اصحاب راوی مشهور امامی کوفه، ابوبصیر یحیی بن قاسم اسدی (رجال کشی: ۳۷۲، نجاشی: ۱۲۴ ـ ۱۲۵، فهرست طوسی: ۴۴، رجال او: ۱۷۵. برای اطلاعات بیشتر بنگرید: تأویل ما نزل من القرآن: ۲۱۴، قاموس الرجال: ۶۳۴/۲ ـ ۶۳۸) و مؤلف یک دفتر حدیث است که از جمله توسط ابن ابی عمیر (نجاشی: ۱۲۵، فهرست طوسی: ۴۴)، کسی که به نظر می رسد مع الواسطه آن کتاب را از مؤلف دریافت کرده (مشیخه:

---

۲۶۵ . نمونه های زیر از **کتاب حسین بن عثمان** در کتابهای حدیثی به نقل از ابن ابی عمیر از «حسین بن عثمان» (بدون ذکر نسبت) آمده است: روایت ش ۳ در **کافی**: ۵۵۵/۳، روایت ش ۷ در **همان**: ۳۵۱/۲، روایت ش ۸ در **خصال**: ۱۸۷ و **عقاب**: ۳۲۳، روایت ش ۱۸ در **کافی**: ۴۳/۷ (تکرار شده در ۱۶۸، نیز **تهذیب**: ۳۱۰/۶)، روایت ش ۲۰ در **کافی**: ۸۰/۶، روایت ش ۳۱ در **همان**: ۵۴۴/۴، روایت ش ۳۲ در **همان**: ۳۰۶/۴، روایت ش ۳۷ در **محاسن**: ۶۲۳ و **کافی**: ۵۳۱/۶، روایت ش ۴۴ در **تفسیر عیاشی**: ۲۱۰/۲ ـ ۲۱۱ و **کافی**: ۱۵۷/۲.

۲۶۶ . بنگرید: **معجم خویی**: ۳۳۱/۶.

۵۲۷ ـ ۵۲۸)، روایت شده است. نقلها از این مؤلف، روایت شده توسط همان راوی، در بصائر: ۱۰۹ (نیز کافی: ۱۴۷/۱)، کافی: ۴۲۰/۲، ۲۴۴/۵، رجال کشی: ۲۹۷ ـ ۲۹۸، امالی صدوق: ۱۴۰ (نیز تهذیب: ۲۹/۲، ۲۶۴ ـ ۲۶۵)، خصال: ۴۱۱ (نیز معانی: ۳۸۱)، تهذیب: ۳۳۷/۲ (تکرار شده در ۲۳۳/۳) آمده است.

ص: ۳۴۳

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که توسط شماری از راویان روایت شده است (نجاشی: ۵۳، فهرست طوسی: ۵۷). فضالة بن ایوب از این مؤلف با عنوان حسین بن عثمان رُؤاسی در رجال کشی: ۲۳۶ روایت می کند و آن روایت را به نوبه خود حسین بن سعید از فضاله نقل کرده است. نزدیک به پنجاه روایت از حسین بن سعید از فضالة بن ایوب از حسین بن عثمان [۲۸۰]در کتب اربعه حدیث شیعه روایت شده (فهرست آنها در معجم خویی: ۳۳۰/۶ ـ ۳۳۳، ۴۳۴/۱۳، ۴۴۵ ـ ۴۴۶) و موارد دیگر نقل از حسین بن عثمان توسط فضاله در کتاب النوادر محمد بن علی بن محبوب: ۹۸، محاسن: ۱۸۴، ۳۲۵، و جاهای دیگر نیز آمد که به نظر می رسد همگی از محتویات این دفتر حدیث بوده است.

۱۰۰ . حسین ذو الدمعة

ابوعبدالله حسین بن زید بن علی بن الحسین (ع)، مشهور به ذو الدمعة، از روات حدیث که در هر دو سنت حدیثی شیعه و سنی شناخته شده بود. او هنوز کودک بود که پدرش زید بن علی در سال ۱۲۲ کشته شد. از آن پس او تحت سرپرستی امام صادق (ع) تربیت شد و حضرت، خواهر زاده خود، دختر محمد بن عبدالله ارقط را به ازدواج او درآوردند. حسین در سال ۱۴۵ به قیام محمد بن عبدالله نفس زکیه پیوست، اما بعد از شکست آن قیام توسط منصور عباسی، از مجازات در امان ماند. بعدها منصور، دختر حسین را به عقد پسرش محمد المهدی، خلیفه بعدی (خلافت از ۱۵۸ ـ ۱۶۹) درآورد. حسین در اواخر عمر نابینا شد و در سن ۷۶ سالگی درگذشت.

مطالب مربوط به شرح حال این راوی در بسیاری از منابع سنی و شیعی آمده است. برای فهرستی از این منابع، بنگرید به پاورقی های مصححان تهذیب الکمال: ۳۷۵/۶ و تاریخ الاسلام ذهبی: ۱۲ (سالهای ۱۸۱ ـ ۱۹۰) /۱۲۲ و ۱۳ (سالهای ۱۹۱ ـ ۲۰۰)/۱۴۹.

کنیه وی به عنوان ابوعبدالله در بسیاری از منابع آمده است. اما در اسناد روایتی در امالی طوسی: ۲۰۳ ابوالحسین آمده که به روشنی خطاست. کتابهای نسب، گاهی لقب «ذوالعبرة» را برای وی بکار برده اند (برای نمونه بنگرید: تهذیب الانساب: ۱۹۰، الشجرة المبارکة: ۱۲۷، غایة الاختصار: ۱۲۱، عمدة الطالب: ۲۶۰)، طبعا از باب جایگزین کردن دو لفظ مترادف به جای یکدیگر، گاه همراه با به کار بردن

ص: ۳۴۴

هم زمان لقب «ذو الدمعة» در مورد دیگر و گاه با به کار بردن مکرر هر دو لفظ در عبارت واحد به گونه ای که به صورت آزادانه از یکی به دیگری منتقل می شوند (برای نمونه بنگرید: تهذیب الانساب: ۱۹۰، ۲۰۵، ۲۰۸، عمدة الطالب: ۲۶۰، ۲۶۱ به بعد). به هر روی، به نظر می رسد که لقب ذو الدمعة لقبی بوده که در داخل خاندان بکار می رفته است (بنگرید: امالی طوسی: ۴۹۱). ابن سمکه در کتاب العباسی: ۳۸۳ ـ ۳۸۴ پنداشته است که مادر حسین، دختر ابوهاشم عبدالله بن محمد حنفیه (م ۹۹) بوده، کسی که مادر یحیی بن زید (م ۱۲۵)، برادر پدری حسین، بوده است (المجدی: ۲۲۴). ولی منابع نسب شناسی، حسین را به عنوان فرزند یک کنیز می شناسند (برای نمونه بنگرید: المجدی: ۱۵۹، عمدة الطالب: ۲۶۰). ازدواج وی با دختر محمد ارقط در نجاشی: ۵۲ و المغانم فیروزآبادی: ۲۹۴ (امّا مقـ : المجدی: ۱۴۴) آمده است.

برقی: ۶۶ زمان یتیم شدن او را در چهار سالگی آورده است. اما عمدة الطالب: ۲۶۲ او را در آن هنگام، هفت ساله می داند. این شاید تصحیف «اربع» به «سبع» باشد. ابن صوفی در مجدی: ۱۵۹ نوشته است که وی در شام متولد شده بود. او پیوند خود را با خاندان امامت حسینی، پس از امام صادق (ع) همچنان حفظ کرد (برای نمونه بنگرید: محاسن: ۴۵۱ [بخوانید: «حسین بن زید» به جای «حسین بن یزید»]، قرب الاسناد: ۳۱۷). [۲۸۱] این نکته مورد اتفاق نظر منابع است که او در سن ۷۶ سالگی درگذشت. پس سال درگذشت او ۱۹۴ بوده است. ابن زهره در غایة الاختصار: ۱۲۱ و ابن عنبه در عمدة الطالب: ۲۶۰ تاریخ به روشنی نادرست ۱۳۴ (ابن زهره) و ۱۳۵ یا ۱۴۰ (ابن عنبه) را برای زمان درگذشت او آورده اند. این اشتباه، به ویژه از ابن عنبه انتظار نمی رود چه وی خود یادآور شده است که حسین در وقت کشته شدن پدرش (در سال ۱۲۲) یک کودک (همان: ۲۶۱) هفت (ظ: چهار) ساله (همان: ۲۶۲) بوده است. پس ظاهراً کلمه «تسعین» به «ثلاثین» تصحیف شده بود هرچند این، تصحیف شایعی نیست (مائة و اربعین» هم باید تصحیف «مائة و اربع و تسعین» باشد).

منابع نسب شناسی، فهرستی طولانی از اعقاب او به دست می دهند که بسیاری از آنها مردان معروف زمان خویش بوده اند. برای نمونه بنگرید: تهذیب الانساب: ۱۹۰ ـ ۲۰۹، المجدی: ۱۵۹ ـ ۱۶۶، الشجرة المبارکة: ۱۲۷ ـ ۱۳۸، عمدة الطالب: ۲۶۱ ـ ۲۸۵.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که عمدتا از امام صادق (ع) روایت می کند و شماری از راویان از جمله راوی زیدی عباد بن یعقوب رواجنی آن را روایت کرده اند (نجاشی: ۵۲، فهرست طوسی: ۵۵). نقلها از این مؤلف (از جمله برخی از طریق همان راوی در سنن ابن ماجه: ۴۷۱، امالی احمد بن

ص: ۳۴۵

عیسی: ۱۷۹/۱، ۱۸۶، کامل ابن عدی: ۷۶۲، مسلسلات ابن رازی:۲۴۳، امالی صدوق: ۷۰۱ ـ ۷۰۲، بشارة المصطفی: ۱۰۸) در منابع حدیث سنی، زیدی و امامی فراوان است. نمونه ها از این قرار است:

سنن ابن ماجه: ۴۷۱ (نیز کافی: ۳۶۴/۵ [با اختلاف]، کامل ابن عدی: ۷۶۲)

محاسن: ۱۳۸ (و از آنجا در امالی صدوق: ۵۶۱ ـ ۵۶۲، علل: ۱۳۴/۱، معانی: ۱۶۱ [بخوانید: «بن زید» به جای «بن یزید»])، ۴۲۰

بصائر: ۲ (بخوانید: «حسین بن زید» به جای «حسن بن زید»)

امالی احمد بن عیسی: ۱۸/۱ (نیز مسند ابی یعلی: ۱۵۳/۱۲، معجم کبیر طبرانی: ۸۶/۳)، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۶، ۶۴/۳، ۶۵، ۱۹۴

تفسیر عیاشی: ۱۶۶/۱ ـ ۱۶۷، ۲۳۰، ۲۲۰/۲، ۲۶۶ (نیز ۱۶/۲ [شماره ۳۵] که در اصلِ تلخیص ناشده کتاب، با اسناد از مؤلف ما روایت شده بود. بنگرید: مجمع البیان: ۴۷/۸)

مناقب الامام امیرالمؤمنین (ع): ۱۰۴/۲، ۲۷۳ ـ ۲۷۴

تاریخ طبری: ۵۴۰/۷ ـ ۵۴۱ (و از آنجادر مقاتل الطالبیین: ۲۱۹ ـ ۲۲۰)

کافی: ۱۶۴/۱، ۴۹۷/۲، ۱۴۰/۴، ۱۴۴/۵، ۵۰۰، ۱۸/۶، ۴۰۱/۷، ۱۵۳/۸ ـ ۱۵۵ (بخشی از آن نیز در ۱۵۱/۵، متن کامل نیز در توحید: ۲۷۵ ـ ۲۷۷)

[۲۸۲] رجال کشی: ۱۲۷، ۱۲۸، ۴۱۴ ـ ۴۱۶

کتاب العباسی: ۳۸۳ ـ ۳۸۴

تأویل ما نزل من القرآن: ۲۴۹ (تکرار شده در ۲۹۳)، ۳۱۵ ـ ۳۱۶، ۳۶۶ (نیز شواهد التنزیل: ۳۰۸/۲ ـ ۳۰۹)

مقاتل الطالبیین: ۴۶، ۲۷۷ ـ ۲۷۸ (دو روایت)، ۴۳۵ ـ ۴۳۶

معجم اوسط طبرانی: ۱۲۰/۵ (سه روایت; یکی [شماره ۴۸۴۸] نیز در خصال: ۵)

معجم کبیر طبرانی: ۲۰۸/۱ (تکرار شده در ۴۰۱/۲۲، نیز مسند ابی یعلی: ۱۹۰/۱، کامل ابن عدی: ۷۶۲، امالی صدوق: ۴۶۶ ـ ۴۶۷، مستدرک حاکم: ۱۵۳/۳ ـ ۱۵۴)، ۲۴۹/۲۲

معجم صغیر طبرانی: ۲۵۰/۱ ـ ۲۵۱ (چهار روایت، از جمله همان سه روایت مسند اوسط: ۱۲۰/۵)

ایضاح قاضی نعمان: ۱۰۲

کامل ابن عدی: ۷۶۲ (سه روایت، یکی نیز در اخبار اصبهان: ۸۰/۱ ـ ۸۱)

امالی صدوق: ۳۷۸ (نیز من لایحضر: ۵۵۶/۳ ـ ۵۵۷: خصال: ۵۲۰)، ۵۰۹ ـ ۵۱۸، (نیز من لایحضر: ۳/۴ ـ ۱۸)، ۵۰۶، ۵۸۷، ۷۰۱ ـ ۷۰۲

ص: ۳۴۶

کمال الدین: ۲۲۸، ۲۶۹ ـ ۲۷۰ (نیز خصال: ۴۷۵ ـ ۴۷۶)

خصال: ۲۶۰، ۴۳۰، ۴۴۶

سنن دارقطنی: ۴۲/۲ ـ ۴۳

مسلسلات ابن الرازی: ۲۴۳ (مقـ : امالی صدوق: ۴۰۹، عیون: ۲۵۰/۱، امالی طوسی: ۴۵۱)

کفایة الاثر: ۲۳۷ (به سند بیفزایید: «عن حسین بن زید عن عمه عمر بن علی»، چنان که در بحار: ۳۸۸/۳۶)

مستدرک حاکم: ۳۵۹/۱، ۵۸۸/۲ (بخشی از آن نیز در ۲/۳)، ۱۷۹/۳ (نیز سنن بیهقی: ۳۰۴/۹)

امالی مفید: ۳۳، ۱۵۰، ۱۷۳

ارشاد: ۱۵۱/۲، ۱۷۰

امالی ابی طالب: ۱۱۱

ما نزل ابونعیم: ۹۲ ـ ۹۳ (دو نسخه مختلف، نیز شواهد التنزیل: ۳۰۱/۱)
معرفة الصحابه او: ۹۳/۱
تسمية من روی عن الامام زید: ۸۱، ۸۲
زین الفتی: ۳۳۹/۱
امالی طوسی: ۲۰۳، ۴۴۷، ۴۶۲ ـ ۴۶۳، ۴۹۱ ـ ۴۹۲، ۴۹۵، ۴۹۹ ـ ۵۰۱، ۶۱۳، ۶۳۲، ۶۳۴
مصباح المتهجّد او: ۸۵۲
تهذیب: ۷۷/۱، ۳۹۶/۶، ۸۰/۷ (بخوانید: «حسین بن زید» به جای «حسن بن زید»)
مسند فردوس (دو روایت، ازبک: ۷۳۷، ۲۲۲۲)
مشیخه بغدادیه ابوطاهر سِلَفی (ازبک: ۷۲۶)
تاریخ دمشق: ۲۲۳/۱۴
[۲۸۳] مناقب ابن شهر آشوب: ۲۴/۲
شافی عبدالله بن حمزه: ۱۱۰/۳
بشارة المصطفی: ۱۰۸
شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۵۷/۲، ۲۰۰/۳

۱۰۱ . ابن ابی سمّال
ابراهیم بن ابی بکر بن ابی السمال اسدی، یک شیعه عرب از اسد خزیمه و از نسل

شاعر عرب سِمعان بن هُبَیرة بن مُساحق. خاندان او از بیوت سرشناس شیعه بود. وی از امام کاظم (علیه السلام) روایت می کرد. او و برادرش اسماعیل، هر دو از شخصیت های برجسته جامعه شیعه بوده و پس از رحلت امام کاظم (ع) به واقفه پیوستند. دو برادر تا زمان شورش ابوالسرایا در سالهای ۱۹۹ ـ ۲۰۰ زنده بودند.

برقی: ۱۰۶، رجال کشی: ۴۷۱ ـ ۴۷۴، نجاشی: ۲۱، ۱۰۱، ۱۵۸ ـ ۱۵۹، فهرست طوسی: ۹ ـ ۱۰، رجال او: ۳۳۲، لسان المیزان: ۵۹/۱ (از کتاب علی بن فضال در شرح حال راویان شیعه). نیز بنگرید: تهذیب: ۲۴۸/۵، قاموس الرجال: ۱۳۴/۱ ـ ۱۳۹.

کنیه او به عنوان ابوبکر در نجاشی: ۲۱ آمده است. بنابر این، مقصود از ابوبکر بن ابی سمال در برقی: ۱۰۶ و شماری از اسانید روایات (کافی: ۲۳/۳، من لایحضر: ۴۰۰/۱ [نیز ۴۶۶/۴]، ثواب: ۷۵، تهذیب: ۹۲/۲) هموست. «سمال» گاه به «سماک» تصحیف می شود (برای نمونه: محاسن: ۲۰۵، ۶۱۰ [اینجا: ابراهیم بن سماک]، بصائر: ۳۱۷، کافی: ۲۳/۳، ۲۶۶/۸، خصال: ۱۳۴، تهذیب: ۹۲/۲، ۸۷/۳، ۲۸۰/۴، ۹۴/۵، ۳۷۰، مختصر بصائر: ۱۳).

در نسب نامه هایی که نجاشی برای وی به دست داده، دشواری هایی وجود دارد. در یک جا (ص ۲۱) وی چنین معرفی شده: ابراهیم بن ابی بکر محمد بن الربیع ـ ابن ابی السمال سمعان بن هبیرة بن مساحق، ولی در صفحه ۱۵۹ او را ابراهیم بن ابی بکر محمد بن عبدالله بن نجاشی، مشهور به ابن ابی السمال می خواند. اما در صفحه ۱۰۱ نجاشی که خود از افراد همین خاندان است، نسب خود را به «ابراهیم بن محمد بن عبدالله بن نجاشی بن عُثَیم بن ابی السمال سمعان بن

هبیره شاعر ابن مساحق» می رساند. یک راه برای ایجاد سازگاری میان این گزارش ها این است که نام ربیع برای پدر بزرگ ابراهیم در نجاشی: ۱۰۱ شاید تصحیف عبدالله بوده و یا به شیوه تلخیص و یا به سهو در آن سلسله افتاده باشد، و در صفحه ۲۱ مؤلف سلسله نسب میان ابوالسمال و ابراهیم را تلخیص کرده باشد، چنان که در صفحه ۱۰۱ هم نامی را میان سمعان بن هبیره و اسد بن خزیمه انداخته است. به هر حال، نجاشی بر اساس یک قرائت، نبیره ابن ابی السمال ما می شود و بر اساس قرائت دیگر، یک پسر عمّ دور او.

[۲۸۴] پدر بزرگ وی، سمعان بن هبیره بن مساحق، ابوالسمال الاسدی، شاعر جاهلی است که دوره اسلامی را درک کرد.[۲۶۷] وی در کوفه سکونت گزید و تا میانه قرن اول زنده بود (تهذیب تاریخ

دمشق: ۲۰۸/۱۰ ـ ۲۰۹). در برخی از منابع، ابهاماتی در باره او دیده می شود. یک ابوسمال اسدی در زمان امام علی (ع) در کوفه بود که یک وقت به همراه شاعر قیس بن عمرو نجاشی حارثی شراب می نوشد و از مجازات می گریزد، اما قیس بن عمروِ نجاشی دستگیر شده و حد می خورد (الشعر و الشعراء: ۳۲۹/۱ ـ ۳۳۰. برای توضیح بیشتر بنگرید: مناقب ابن شهر آشوب: ۱۴۷/۲). کنیه نجاشی شاعر، نیز ابوسمال بوده است (الاکمال: ۳۵۴/۴). برخی منابع بر آن هستند که کسی که شراب خورد و از مجازات گریخت، همین ابوسمال سمعان بن هبیره بود (برای نمونه بنگرید: الاصابه: ۲۶۵/۳)، اما برخی دیگر معتقدند که او شخص دیگری بوده است (برای نمونه بنگرید: توضیح المشتبه: ۱۶۰/۵). اشتباه و خلط مشابهی در باره دو نسل پایین تر رخ داده است. نجاشی: ۲۱۳ می گوید که پدر بزرگ او ابوبُجَیر عبدالله بن نجاشی، نواده سمعان بن هبیره شاعر، در دوره خلافت منصور (خ. ۱۳۶ ـ ۱۵۸) حاکم اهواز بوده است. ابوالفرج در اغانی: ۲۷۴/۷ داستانی دارد که بر اساس آن، شاعر معروف سید حمیری (م ۱۷۳) در ایامی که ابوبجیر بن سماک (کذا) در اهواز عامل دیوان بود، شبی در آن شهر نزد او بود و چنین اتفاق افتاد که در آن شب ابن نجاشی نیز همراه ابن سماک بود. پس فرض داستان بر این است که ابن نجاشی و ابوبجیر دو نفر مختلف بوده اند. اما احتمال می رود که در متن اغانی در اینجا تصحیفی روی داده باشد.

همان گونه که یادآور شدیم ابراهیم بن ابی السمال و برادرش اسماعیل پس از رحلت امام کاظم (ع) به واقفه پیوستند. متن گفتگویی میان دو برادر و امام رضا (ع) در باره جانشینی او، در شکل اصیل آن در رجال کشی: ۴۷۳ ـ ۴۷۴ باقی مانده است. گفتگوی دیگری میان ابراهیم و امام رضا(ع) در مختصر بصائر: ۱۳ آمده است.

داود بن فرقد (مدخل شماره ۵۲ در همین بخش)، راوی از امام صادق و امام کاظم (علیهماالسلام)، مولای خاندان ابوسمال و مؤلف یک دفتر حدیث بود. این دفتر حدیث توسط ابراهیم بن ابی السمال که آن را از مؤلفش روایت می کرد، به دست دانشمندان بعدی رسید (نجاشی: ۱۵۹).

---

۲۶۷ . در باره وی بنگرید: **نسب قریش** مصعب زبیری: ۹، **تاریخ یعقوبی**: ۲۳۰/۱، ۲۶۸ (در هر دو مورد: «شمعان»)، **الشعر و الشعراء**: ۳۲۹/۱ ـ ۳۳۰، **تاریخ طبری**: ۲۷۳/۴، **معجم مرزبانی**: ۱۳۷، **مؤتلف دارقطنی**: ۱۲۴۰ ـ ۱۲۴۱، ۱۳۲۵، **اکمال** ابن ماکولا: ۳۵۳/۴ ـ ۳۵۴، **انساب سمعانی**: ۲۳۲/۷، **تهذیب ابن منظور**: ۲۰۸/۱۰ ـ ۲۰۹ (این مدخل در نسخه موجود از **تاریخ دمشق**، کتابی که این اثر ابن منظور تلخیصی از آن است، افتاده است. به پاورقی مصحح **تاریخ دمشق**: ۴۰۳/۲۲ توجه کنید)، **الاصابة**: ۲۶۴/۳ ـ ۲۶۵، **توضیح المشتبه**: ۱۶۰/۵. نیز بنگرید به توضیح مصحح **مؤتلف دارقطنی**: ۱۲۴۰.

کتاب / کتاب نوادر

ص: ۳۴۹

دفتر حدیث مؤلف که توسط عده ای از جمله علی بن حسن بن فضال روایت شده است (نجاشی: ۲۱، فهرست طوسی: ۹). نقلها از این مؤلف در کتابهای حدیثی شیعه، که عمدتا از طریق راوی مذکور است، شامل نمونه های زیر می باشد:

محاسن: ۲۰۵، ۶۱۰

بصائر: ۳۱۷

[۲۸۵] کافی: ۳۸۸/۲، ۲۳/۳، ۷/۷ (نیز تهذیب: ۱۸۷/۹ [بخوانید: «اسدی» به جای «ازدی»])، ۲۶۶/۸

من لایحضر: ۴۰۰/۱

خصال: ۱۳۴

ثواب: ۲۹، ۷۵، ۲۳۵

مقتضب الاثر: ۵۴ ـ ۵۵ (متن تصرّف شده)

تهذیب: ۹۲/۲، ۸۷/۳، ۲۶۷/۴، ۲۸۰، ۹۴/۵، ۱۰۴، ۱۳۶، ۱۴۸، ۳۷۰ (چهار مورد اخیر به روشنی، قطعاتی از یک روایت طولانی واحد است)، ۹۷/۸

تنبیه الخواطر: ۱۷

جمال الاسبوع: ۱۵۱

مختصر بصائر: ۱۳

۱۰۲ . ابوایوب خرّاز

ابوایوب ابراهیم بن عیسی (یا عثمان) کوفی، دباغ، راوی از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام)، و چهره سرشناس در جامعه شیعه کوفه آن زمان.

برقی: ۸۱، رجال کشی: ۳۶۶، نجاشی: ۲۰، فهرست طوسی: ۸، رجال او: ۱۶۷

حرفه او به دو صورت مختلف خرّاز (به معنای دباغ) یا خزّاز (به معنای فروشنده پوست خز) آمده است. درست بودن ضبط اول محتمل تر است (بنگرید: قاموس الرجال: ۲۴۳/۱).

اصل / کتاب

دفتر حدیث مؤلف که توسط ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی روایت شده است (فهرست طوسی: ۸). نجاشی: ۲۰ از کتاب نوادر این مؤلف نام برده که حسن بن محبوب از او روایت نموده

ص: ۳۵۰

بود. این شاید بخشی از همان دفتر حدیث عام وی باشد. این دفتر حدیث تا میانه قرن هفتم هجری باقی بوده و ابن طاوس در فلاح: ۱۶۰ از آن نقل کرده است (برای توضیح بیشتر بنگرید: کتابخانه ابن طاوس: ۲۲۴ ـ ۲۲۵). [۲۸۶] نقلها از این مؤلف که بسیاری از آنها توسط دو راوی ذکر شده روایت شده، در کتابهای حدیثی شیعه فراوان است. برای فهرستی از بیش از ششصد مورد از آن نقلها بنگرید: معجم خویی: ۲۵۶/۱ ـ ۲۵۸، ۲۶۵ ـ ۲۶۷، ۳۵۹، ۲۷/۲۱ ـ ۳۴، ۳۶ ـ ۳۷، ۲۸۳ ـ ۲۹۹، فهارس بحار: ۱۹۶/۸ ـ ۱۹۷.

۱۰۳ . ابن ابی بُردة

ابراهیم بن مِهْزم بن ابی بُردة اسدی کوفی، راوی از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام). او عمری طولانی کرد. پدرش نیز از امام صادق (ع) روایت می نمود.

برقی: ۶۵، ۸۱، نجاشی: ۲۲، فهرست طوسی: ۹، رجال او: ۱۶۷، ۳۳۱ (نیز ۱۴۶، ۳۱۴، ۳۴۳، همه در باره پدر او).

کتاب / اصل

دفتر حدیث مؤلف که توسط شماری از راویان از جمله حسن بن محبوب از او روایت شده است (نجاشی: ۲۲، فهرست طوسی: ۹). تعداد قابل توجهی روایت به نقل از ابراهیم بن مهزم در کتابهای حدیثی شیعه موجود است که در معجم خویی: ۳۰۱/۱ ـ ۳۰۳، ۴۶۳ ـ ۴۶۵ و فهارس بحار: ۳۵/۸ فهرست شده است. موارد زیر وسیله حسن بن محبوب روایت شده است:

محاسن: ۲۵۰ (نیز کافی: ۵۳/۲)

کافی: ۴۵۷/۲، ۱۵۶/۳، ۴۲/۴، ۱۴۵، ۱۰۰/۵، ۲۶۵/۶ (نیز علل: ۲۱۹/۲، تهذیب: ۹۰/۹)، ۴۸۹، ۵۲۴

امالی صدوق: ۲۸۶ (نیز تهذیب: ۳۲۸/۳)

تهذیب: ۴۳۲/۱

نقلی از وی در علل: ۱۵۱/۲ در باره یک کتیبه غیر عربی قدیم نقل شده که به احتمال از همین کتاب بوده است.

ص: ۳۵۱

۱۰۴ . ابن ابی یحیی

ابراهیم بن محمد بن ابی یحیی سمعان مدنی، [۲۸۷] از موالی بنواسلم، از دانشمندان مشهور مدینه و یک راوی پرکار حدیث با تمایلات روشن شیعی که به همین دلیل، مانند موارد مشابه، از سوی شرح حال نویسان سنی مورد انتقاد قرار گرفته است. او همچنین از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) روایت حدیث می کرد. وی معلم محمد بن ادریس شافعی بود که به عنوان یک طلبه جوان نزد وی درس خواند و بر روایات او اعتماد می نمود. وی به سال ۱۸۴ درگذشت.

بسیاری از شرح حال نویسان روات حدیث سنی مدخلی را به این راوی اختصاص داده اند. برای فهرستی از این منابع، بنگرید به پاورقی مصحح تاریخ الاسلام ذهبی: ۱۲ (سالهای ۱۸۱ ـ ۱۹۰)/۶۳. در میان این منابع، گزارش کامل ابن عدی: ۲۱۹/۱ ـ ۲۲۷، تهذیب الکمال: ۱۸۴/۲ ـ ۱۹۱ و تهذیب التهذیب: ۱۵۸/۱ ـ ۱۶۱ مفصل ترین و مفیدترین است.

بسیاری از شرح حال نویسان به علایق شیعی وی اشاره کرده اند (برای نمونه بنگرید: تاریخ یحیی بن معین: ۱۳/۲، ضعفاء عقیلی: ۶۳/۱ ـ ۶۴، کامل ابن عدی: ۲۲۱/۱، مجروحین ابن حبان: ۱۰۴/۱، تهذیب الکمال: ۱۸۷/۲). نجاشی: ۱۴ ـ ۱۵ و طوسی در فهرست: ۳ ارتباط وی را با دو امام شیعه یادآور شده اند.

ابن ابی یحیی راوی پرکار حدیث و دارای تألیفات بود. او کتاب بزرگی در حدیث تألیف کرد که چندین برابر کتاب موطأ مالک بن انس (م ۱۷۹)، معاصر و رقیب او، بود. او همچنین دفترهای حدیث کوچک تر فراوانی داشت (کامل ابن عدی: ۲۲۶). نعیم بن حماد (م ۲۲۸) پنجاه دینار صرف خرید کتابهای او نمود (همان: ۲۲۱/۱). راوی دیگری کتابهای ابن ابی یحیی را در حالی که در عبای خود پیچیده بود نزد او آورد تا اجازه روایت آنها را بگیرد (مجروحین ابن حبان: ۱۰۵/۱).

نجاشی: ۱۴ ـ ۱۵ و طوسی در فهرست ۳ از یک منبع ناشناخته سنی [بعض المخالفین] نقل کرده اند که ادعا کرده است که کتابهای مورخ مشهور محمد بن عمر واقدی (م ۲۰۷) در اصل برگرفته از آثار محمد بن ابی یحیی بوده است. با این همه، به نظر نمی آید که ابن ابی یحیی مورخ بوده باشد، و گر چه برخی از اخبار وی در منابع شیعه به مسائل تاریخی مربوط می شود (برای نمونه بنگرید: محاسن: ۳۷۸، ۶۲۹، کافی: ۳۷۶/۵، ۳۹۱، ۴۸/۷، تفسیر فرات: ۵۵۷، علل: ۷۷/۲)

ص: ۳۵۲

اما روایات او به طور عموم، در قالب فقهی است، حقیقتی که با وصف او از سوی شرح حال نویسانش به عنوان یک فقیه تطابق دارد. منابع شیعه از این دانشمند شناخت درستی نداشته اند از جمله همان گونه که خواهد آمد، در اسانید شیعه، نسبت او به گونه های مدنی، مدینی، و مدائنی آمده است (برای نمونه بنگرید: محاسن: ۳۴۷، ۶۲۹، کافی: ۵۳۹/۱). این خلط ها، انسان را به این اندیشه می اندازد که آیا منبع سنی که نجاشی و طوسی از آن یاد کرده اند، یا به احتمال بیشتر منبع شیعی آنها که از یک منبع سنی این مطلب را نقل می کند، این مدنی را که گاه به اشتباه مدائنی نوشته می شود با علی بن محمد مدائنی مورخ (م ۲۲۴ در سن ۹۳ سالگی) [۲۸۸] اشتباه نکرده اند؟ علی بن محمد مدائنی، یک معتزلی (فهرست ابن ندیم: ۱۱۳)، مانند ابن ابی یحیی که او هم برای برخی از معاصرانش به عنوان معتزلی شناخته می شد (مجروحین ابن حبان: ۱۰۵/۱ ـ ۱۰۷. نیز بنگرید: تهذیب الکمال: ۱۸۶/۲ ـ ۱۸۷، تهذیب التهذیب: ۱۵۸/۱ ـ ۱۵۹)، مؤلف آثار جامعی در باره تاریخ عرب و اسلام (برای جزئیات بیشتر بنگرید: فهرست ابن ندیم: ۱۱۳ ـ ۱۱۷) و کسی است که دیگر مورخان، اخبار تاریخی خود را از وی گرفته اند (النجوم الزاهرة: ۲۵۹/۲).

کتاب مبوّب فی الحلال و الحرام عن جعفر بن محمد

همان گونه که گذشت، ابن ابی یحیی یک راوی پرکار حدیث بود. شافعی مکرراً در کتاب الام از او نقل کرده و روایات بسیار دیگری به نقل از وی، در منابع سنی برجای مانده است. حتی برخی از این نقلها که وی آنها را از رجال غیر شیعی متقدم نقل کرده نشانگر تمایلات شیعی اوست (برای نمونه بنگرید: مقتل خوارزمی: ۱۵۹/۱. برای اطلاعات بیشتر بنگرید: کامل ابن عدی: ۲۲۲/۱ ـ ۲۲۶، موضح خطیب: ۳۶۵/۱ ـ ۳۷۱).

شیعیان به کتابی که وی از روایاتش از امام صادق (ع) فراهم آورده بود، علاقه نشان داده اند. نجاشی: ۱۴ و طوسی در فهرست: ۳ از این کتاب نام برده و یادآور شده اند که آن در فقه و دارای چندین باب و ظاهرا بر اساس نظم و ترتیب کتاب های فقهی آن زمان بوده است. نقلهای فراوانی در کتابهای سنی، زیدی وامامی از امام صادق (ع) از طریق این مؤلف وجود دارد که غالبا به طور مستقیم یا غیر مستقیم در مسائل فقهی است. نمونه هایی از آن موارد به این شرح است:

مسند شافعی: ۸۹ ـ ۹۰، ۱۱۹، ۱۴۹ (دو روایت)، ۱۶۳ (دو روایت)، ۱۶۶ (دو روایت)، ۱۹۲، ۳۴۹، ۳۷۲، ۴۲۵، ۴۷۰، ۵۰۲، ۵۰۵، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۷۱ (و از این جا در سنن بیهقی: ۱۹۸/۳، ۲۸۰،

ص: ۳۵۳

۴۱۱، ۱۱۴/۵، ۳۷/۶، ۳۱۳/۷، ۲۶/۸)

مصنف عبدالرزاق: ۸۲/۱ (نیز سنن بیهقی: ۲۶۸/۱)، ۲۹۲/۳ (نیز الام شافعی: ۲۰۹/۱)، ۲۵/۷

محاسن: ۳۴۷ (بخوانید: «ابن ابی یحیی المدینی» [چنان که در من لایحضر: ۲۶۶/۲] به جای «ابن یحیی المدائنی»)، ۳۷۸، ۵۸۰ (بخوانید: «ابن ابی یحیی» به جای «ابن یحیی»)، ۶۲۹ (بخوانید: «مدینی» [چنان که در کافی: ۵۴۲/۶] به جای «مدائنی»).

امالی احمد بن عیسی: ۲۹۱/۲، ۱۱۹/۳ (به نقل از امام باقر (ع) ولی به احتمال زیاد از طریق فرزندش امام صادق [ع])، ۱۲۴، ۲۱۸/۴

تفسیر عیاشی: ۹۳/۱، ۲۱۸/۲

[۲۸۹] کافی: ۱۱۸/۳ (بخوانید: «ابن ابی یحیی» به جای «ابی یحیی»)، ۵۴۸/۴ (بخوانید: «ابی یحیی الاسلمی» به جای «ابی حجر الاسلمی» [نیز در من لایحضر: ۵۶۵/۲، علل: ۱۴۵/۲، کامل الزیارات: ۴۴]، همان گونه که در تهذیب: ۴/۶ به نقل از کافی، ۳۷۶/۵)، ۳۹۱، ۵۴۲/۶، ۴۸/۷ (نیز در رجال کشی: ۱۷ ـ ۱۸)

تفسیر فرات: ۵۵۷

طب الائمه: ۶۴ ـ ۶۵

علل: ۷۷/۲

کمال الدین: ۲۹۷ ـ ۲۹۹ (بخوانید: «ابن ابی یحیی» به جای «ابن یحیی»)، ۳۰۰ (بخوانید: «عن ابن ابی یحیی المدینی». مقـ : همان: ۲۹۴ ـ ۲۹۶، نیز کافی: ۵۳۱/۱ و غیبت نعمانی: ۹۷ ـ ۹۹ که در این موارد، ابن ابی یحیی همین مورد را از شیوخ دیگری غیر از امام صادق [ع] روایت می کند)

خصال: ۳۶ (بخوانید: «ابن ابی یحیی» به جای «ابن یحیی»)

اذان شجری: ۵۰ ـ ۵۱

مهج الدعوات: ۱۷۰ ـ ۱۷۱

۱۰۵ . ابوالصباح کِنانی

ابوالصباح ابراهیم بن نعیم عبدی کنانی، یک عضو برجسته جامعه شیعه کوفه در زمان خود. وی صحابی امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) بود و پس از سال ۱۷۰ با سنی بالغ بر ۷۰ درگذشت.

برقی: ۵۳، ۶۵، ۹۷، رجال کشی: ۲۵۵، ۳۵۰ ـ ۳۵۲، نجاشی: ۱۹ ـ ۲۰، فهرست طوسی: ۱۸۵ ـ ۱۸۶،

رجال او: ۱۲۳، ۱۵۶، رجال ابن داود: ۱۹ ـ ۲۰

کتاب / اصل

دفتر حدیث مؤلف که توسط شماری از راویان، از جمله صفوان بن یحیی و محمد بن فضیل روایت شده است (نجاشی: ۲۰، فهرست طوسی: ۱۸۵ ـ ۱۸۶). طوسی (رجال: ۱۲۳) به دفاتر حدیث ابوالصباح (اصول) اشاره کرده که به آنها از راه دو راوی مذکور و همچنین محمد بن اسماعیل بن بَزیع طریق داشت. چند صد روایت از این مؤلف در کتابهای حدیثی شیعی در معجم خویی: ۳۹۵/۲۱ ـ ۴۰۰ و فهارس بحار: ۱۲۲/۹ فهرست شده که بیشتر آنها از طریق راویان پیشگفته است.

[۲۹۰] ۱۰۶ . ابن هَراسة

ابراهیم بن رجاء شیبانی کوفی، معروف به ابن هراسه، یک سنی زاهد با تمایلات شیعی. او از شماری از علویان، از جمله امام صادق (ع)، روایت می نمود.

تاریخ کبیر بخاری: ۳۳۳/۱، ضعفاء نسائی: ۴۱، ضعفاء عقیلی: ۶۹/۱، الجرح و التعدیل: ۱۴۳/۲، مجروحین ابن حبان: ۱۱۱/۱، کامل ابن عدی: ۲۴۳ ـ ۲۴۴، ضعفاء دارقطنی: ۴۶، نجاشی: ۲۳، فهرست طوسی: ۲۳، رجال او: ۵۸، موضح خطیب: ۳۸۶/۱ ـ ۳۸۷، لسان المیزان: ۱۷۸/۱ ـ ۱۷۹ (و منابع دیگری که در پاورقی مصحح این منبع فهرست شده است).

هراسه نام مادر این راوی است (نجاشی: ۲۳، موضح: ۳۸۷/۱). فیروزآبادی در قاموس: ۴۰۱/۲ (نیز بنگرید: تاج العروس: ۲۷۲/۴) یادآور معنای آن کلمه شده و ضبط آن را ذکر نموده و از راوی ما یاد کرده است. نجاشی: ۲۳ او را ابن ابی هراسه نامیده که شاید خطا باشد، زیرا هراسه، بر طبق نوشته همان کتاب، نام مادر وی بوده است (مگر آن که در تداول عربی قدیم، در مواردی خاص از موارد انتساب به نام خاص مؤنث، نه نسبت چون حنفیه، چنین تصرفاتی به دلایل فرهنگی و اجتماعی در برخی اوساط، معمول بوده باشد. پس از این در مدخل شماره ۱۴۸ فصل حاضر می بینیم که احتمالا ابن خدره خارجی نیز در برخی منابع به عنوان ابن ابی خدره نام برده شده است که آن نیز شاید از همین باب باشد. در این صورت، ابن ابی هراسه به معنی «ابن صاحب هراسه» یا «ابن من له هراسه» خواهد بود و به عبارت دیگر «فرزند همسر هراسه». شاید هم این به انگیزه نوعی تعمیم در آیه مبارکه

ص: ۳۵۵

«ادعوهم لابائهم هو أقسط عند الله» با تنقیح مناط از راه الغاء خصوصیت مورد بوده است.) خطیب در موضح: ۳۸۷/۱ او را با یک ابراهیم بن سلمه که روایتی در آن کتاب از او نقل کرده است، یکی می داند. اگر این درست باشد، یکی از دو نام رجا و سلمه باید نام پدر بزرگ او باشد. کاربرد نام جدّ به جای نام پدر، در عربی معمول بود اما در مواردی که نام پدر بزرگ، مانند سلمه یا رجاء، نام نادری بود و بدین ترتیب می توانست به عنوان نام خانوادگی برای اعقاب به کار رفته، آنان را از دیگران متمایز سازد. یک رجاء بن سلمه هم هست که مانند ابراهیم ما (چنان که در زین الفتی: ۲۲۷/۱، الیقین: ۲۲۲) از عمرو بن شمر جعفی روایت می کرد (برای نمونه: علل: ۱۱۷/۱ ـ ۱۱۸، ۲۲۳، معانی: ۵۸ ـ ۶۲، نیز تأویل ما نزل: ۱۹۴ [که در این مورد، رجاء از آن راوی باواسطه نقل می کند]، بشارة المصطفی: ۱۲ ـ ۱۳ [که در آنجا رجاء بن ابی سلمة آمده]).[۲۶۸]

وکیع، عالم کوفی (م ۱۹۷) در یک روز جمعه ابراهیم را در حالی که در حال املای برخی از روایاتش برای گروه بزرگی از مردم بود، دید و نسبت به او سخنی غیر دوستانه گفت (کامل ابن عدی: ۲۴۴). ابن ابی حاتم در الجرح و التعدیل: ۱۴۳/۲ او را یک چشم وصف می کند. سیوطی در بغیة الوعاة: ۴۱۰/۱ یک ابراهیم بن رجاء بن نوح، دانشمندی نحوی و قرآن شناس از بلخ، ذکر می کند که در سال ۲۵۶ درگذشته بود. نویهید در معجم المفسرین: ۱۳/۱ با تصریح به این که مأخذش در باره این عالم قرآن شناس همان کتاب سیوطی است، سال ۱۶۳ را به عنوان سال درگذشت وی یاد کرده است. این تاریخ در کتاب سیوطی نیامده است. معجم الرواة عبدالسلام وجیه: ۱۳۲ راوی ما را با این مفسر خلط کرده، فرد اخیر را ابراهیم بن رجاء شیبانی مروزی می نامد و می گوید که او در نسبت به مادرش به «ابن هراسه» شهرت داشته است; و آن گاه تاریخ سال ۱۶۳ را هم برای درگذشت او می آورد.

۱ ـ نسخة عن جعفر [بن محمد] (ع)

دفتر یادداشت مرویّات مؤلف از امام صادق (ع) است (نجاشی: ۲۳). نقلی در امالی احمد بن عیسی: ۳۱۲/۴ ـ ۳۱۳ از ابراهیم بن رجاء شیبانی هست [۲۹۱] که آن را از امام صادق (ع) در باره معنای حدیث غدیر روایت کرده (نیز در مناقب الامام امیرالمؤمنین (ع): ۳۷۷/۲، بشارة المصطفی: ۵۱) و آن باید از همین کتاب باشد.

ص: ۳۵۶

۲ ـ کتاب

دفتر حدیث عمومی مؤلف (فهرست طوسی: ۹) که آشکارا در آن دوره با شهرت او «ابن هراسه» شناخته می شده، چه نام وی به همین صورت، ظاهرا در تمام روایاتی که وی از مشایخ دیگر خود به جز امام صادق (ع) روایت می کند، یاد می شود. نمونه هایی از روایات شیعی مؤلف در آثار بعدی حدیث، از این قرار است:

---

۲۶۸ . رجاء بن ابی سلمه مهران، ابومقداد، یک راوی بصری است که در رمله در فلسطین زندگی می کرد و در سال ۱۹۱ درگذشت (**تهذیب الکمال**: ۱۶۱/۹ ـ ۱۶۳، و منابعی که در پاورقی مصحح آمده است).

تواضع ابن ابی الدنیا: ۱۱۸

بصائر: ۱۲

غیبت نعمانی: ۲۹۰ ـ ۲۹۲

امالی صدوق: ۷۳۰

امالی مفید: ۱۱۶

حلیة الاولیاء: ۶۴/۱

زین الفتی: ۲۲۷/۲

تهذیب: ۴۶/۶ (نیز در فضل زیارة الحسین شجری: ۴۴، ۴۶)

موضح خطیب: ۳۸۷/۱

یقین ابن طاوس: ۲۲۲ (به نقل از مجلد اول دلائل الامامة که مفقود شده است)

۱۰۷ . ابراهیم یمانی

ابراهیم بن عمر یمانی صنعانی، یک شیعه یمنی که از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) روایت می نمود.

برقی: ۵۳، ۱۱۵، رجال ابن غضائری: ۳۶، نجاشی: ۲۰، فهرست طوسی: ۹، رجال او: ۱۲۳، ۱۵۸، ۳۳۱. نیز بنگرید: قاموس الرجال: ۲۵۴/۱.

کتاب / اصل

دفتر حدیث مؤلف که وسیله حماد بن عیسی جُهَنی روایت شده بود (رجال ابن غضائری: ۳۶، نجاشی: ۲۰، فهرست طوسی: ۹، رجال او: ۳۳۱). طوسی در رجال: ۱۲۳ به «اصول» این راوی اشاره دارد که همه آنها توسط همان حماد بن عیسی روایت شده بود. [۲۹۲] با چند استثناء معدود (کافی: ۸۶/۱، ۱۱۲، ۱۶۸/۴، ۱۴۳/۵، امالی طوسی: ۷۳۵ ـ ۷۳۶) همه مرویات این مؤلف در منابع

حدیثی شیعه، از طریق حماد بن عیسی است (بنگرید: معجم خویی: ۲۳۱/۵ ـ ۲۳۲). ابراهیم یکی از راویان اصلی کتاب سلیم بن قیس هلالی است و شاید همین، دلیل یا یکی از دلایل آن باشد که ابن غضائری که این کتاب را ساختگی می داند، ابراهیم را به عنوان یک راوی غیر موثق معرفی می کند (رجال ابن غضائری: ۳۶). حماد این کتاب را از ابراهیم گرفته بود، همان گونه که در اسناد آن کتاب در آغاز متن یادآور شده است. برخی از نقل های حماد از ابراهیم در کتابهای بعدی، بندهایی از آن کتاب است، اما نقل های بسیار دیگری هم هست که در کتاب سلیم نیامده و طبعا باید از دفتر حدیث ابراهیم گرفته شده باشد. نمونه ها از این قرار است:

کتاب الزهد حسین بن سعید: ۵۳، ۷۵، ۷۶ (نیز کافی: ۴۵۳/۲)

کتاب النوادر احمد بن محمد بن عیسی: ۶۰ (بخوانید: «عن حماد بن عیسی عن ابراهیم بن عمر»، چنان که در کافی: ۴۵۴/۷)

محاسن: ۹۹ (نیز امالی صدوق: ۵۷۴، ثواب: ۷۷، ۱۶۴، امالی مفید: ۹)، ۲۸۹ ـ ۲۹۰ (و از آن جا در علل: ۲۳۵/۱ ـ ۲۳۶)، ۳۹۳، ۴۹۰، ۵۵۵ (و از آن جا در کافی: ۳۶۰/۶)

بصائر: ۱۲۳، ۱۹۵ ـ ۱۹۶، ۴۴۵ ـ ۴۴۶ (و از آن جا در کافی: ۲۷۱/۱ ـ ۲۷۲)، ۴۵۹، ۴۶۲

تفسیر عیاشی: ۱۲/۱، ۵۵ (نیز معانی: ۲۹۷)، ۲۷۱، ۵۵/۲، ۱۲۰، (نیز تفسیر قمی: ۳۰۸/۱ ـ ۳۰۹)، ۱۶۲ (نیز کافی: ۲۶۶/۳، علل: ۵۲/۲)، ۲۲۲، ۲۶۱، ۳۱۸

کافی: ۱۵۸/۱، ۲۷۱ ـ ۲۷۲، ۵۳۵، ۸۰/۲، ۱۷۰، ۱۷۶، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۳۳، ۳۶۱، ۴۵۳، ۵۵۱، ۴۴/۳، ۱۶۴، ۲۶۶، ۷۰/۴، ۲۳۸ ـ ۲۳۹ (نیز من لایحضر: ۲۵۶/۲)، ۳۶۹، ۴۱۱ ـ ۴۱۲، ۴۲۲ ـ ۴۲۳، ۵۳۵، ۱۴۵/۵ ـ ۱۴۶ (بخشی از آن نیز در من لایحضر: ۲۷۵/۳)، ۲۷۴/۶، ۳۶۰، ۳۹۵، ۳۲۵/۷، ۴۵۴، ۱۶۵/۸ ـ ۱۶۶، ۳۶۴ (نیز تفسیر قمی: ۳۰۸/۱ ـ ۳۰۹)

رجال کشی: ۱۶ ـ ۱۷، ۵۳ ـ ۵۵ (نیز تفسیر قمی: ۲۳/۲، اختصاص: ۷۱ ـ ۷۳)

منتخب انوار ابن همام: ۵۰

غیبت نعمانی: ۱۹۱، ۱۹۹، ۲۰۶ ـ ۲۰۷ (نیز غیبت طوسی: ۳۳۹ ـ ۳۴۰)

شرح الاخبار: ۲۳۷/۱

من لایحضر: ۴۰۱/۲

کمال الدین: ۲۰۶ ـ ۲۰۷ (نیز امالی طوسی: ۴۴۱)، ۶۵۰ (تکرار شده در ۶۵۲)

خصال: ۲۷

توحید: ۳۲۵ ـ ۳۲۶، ۳۵۹

[۲۹۳] ارشاد: ۳۷۶/۲ (نیز غیبت طوسی: ۴۴۸)

ص: ۳۵۸

اختصاص: ۲۹

غیبت طوسی: ۴۳۶ ـ ۴۳۷

مصباح المتهجّد: ۳۰۲ ـ ۳۰۴ (بخوانید: «عن حماد بن عیسی عن ابراهیم بن عمر»، چنان که در جمال الاسبوع: ۱۷۳).

تهذیب: ۴۱/۱، ۹۶/۳ ـ ۹۷، ۱۹/۵، ۷۹، ۳۵۰، ۲۳۹/۶

۱۰۸ . عیص البَجَلی

ابوالقاسم عیص بن قاسم بن ثابت بجلی، یک عرب کوفی، و راوی از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام).

برقی: ۱۰۳، رجال کشی: ۳۶۱ ـ ۳۶۲، نجاشی: ۳۰۲، فهرست طوسی: ۱۲۱، رجال او: ۲۶۳

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که توسط صفوان بن یحیی و ابن ابی عمیر از او روایت شده است (رسالة ابی غالب: ۱۶۱، ۱۷۱، نجاشی: ۳۰۲، فهرست طوسی: ۱۲۱). اکثریت قریب به اتفاق نقلها از این مؤلف از طریق صفوان بن یحیی است، به ویژه در مورد حدود پنجاه حدیث او که در کتب اربعه حدیثی شیعه آمده و در معجم خویی: ۲۱۶/۱۳ ـ ۲۱۷، ۴۱۸ ـ ۴۲۱ فهرست شده است. نمونه های بیشتر را می تواند در منابع زیر یافت:

نوادر احمد بن محمد بن عیسی: ۹۵، ۱۰۲

محاسن: ۴۵۳، ۴۶۲، ۴۹۴ (دو روایت)، ۶۲۱ (نیز بنگرید: همان: ۴۵۲ [از طریق ابن ابی عمیر]).

بصائر: ۱۶۹ (دو تحریر)

کامل الزیارات: ۳۴۷ (مقـ : ۳۴۸، که در آن جا صفوان همین مورد را با واسطه از عیص نقل می کند)

امالی صدوق: ۳۳۹ ـ ۳۴۰، ۳۹۳، ۴۰۱ ـ ۴۰۲

مضایقه ابن طاوس: ۳۴۲

[۲۹۴] ۱۰۹ . عیسی مبارک

ص: ۳۵۹

ابوبکر عیسی بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی بن ابی طالب، ملقب به مبارک، نبیره امام علی (ع) و نواده دختری امام باقر (ع)، مورخ، نسّابه، شاعر، و راوی حدیث. او غالبا از امام صادق (ع) و از پدر خودش عبدالله ملقب به دافن روایت می نمود.

تاریخ کبیر بخاری: ۳۹۰/۶ ـ ۳۹۱، برقی: ۸۵، الجرح و التعدیل: ۲۸۰/۶، مجروحین ابن حبان: ۱۲۱/۲ ـ ۱۲۲، ثقات او: ۴۹۲/۸، کامل ابن عدی: ۱۸۸۳ ـ ۱۸۸۵، سنن دارقطنی: ۲۶۳/۲، نجاشی: ۲۹۵، فهرست طوسی: ۱۱۶، ۱۱۷، رجال او: ۲۵۷، و منابع دیگری که در پاورقی مصحح در لسان المیزان: ۳۷۵/۵ ـ ۳۷۶ آمده است.

وی فرزند ام حسین، دختر عبدالله برادر امام صادق (ع)، بود (کتاب المعقبین من ولد امیرالمؤمنین: ۱۰۲، تاریخ طبری: ۶۰۰/۷ [و از آنجا در مقاتل الطالبیّن: ۲۴۸]، مجدی: ۲۹۲ [و ۹۴، اما در این مورد بخوانید «عبدالله» به جای «عبیدالله»]. به همین دلیل است که وی، گاهی، امام صادق (ع) را عموی خود می خواند (برای نمونه: امالی ابی طالب: ۵۹، ۱۹۴). مادر بزرگ پدری او دختر امام زین العابدین علیه السلام بود (متمم طبقات ابن سعد: ۲۴۹، ۳۸۸، نسب قریش: ۸۰، طبقات خلیفة بن خیاط: ۶۴۷). ابن عدی در کامل: ۱۸۸۳ و حاکم در معرفة علماء الحدیث: ۱۰۲ او را کوفی می شناسند. این مطلب، قطعا نادرست است. یک راوی در تاریخ کبیر: ۳۹۰/۶ گزارش می دهد که در ری از او سماع حدیث کرده است. ولی به نظر می رسد این هم درست نباشد. مولد و مسکن وی در مدینه بوده، و به محل سکونت او در اسناد برخی از روایاتش تصریح شده است (نمونه: شواهد التنزیل: ۲۲۷/۲).

این که او، هم شاعری پرشعر و هم شعرشناس چیره دستی بوده، در نسب قریش (به نقل تاریخ دمشق: ۳۵۸/۳۲ از مصعب زبیری، اما جمله مربوط از نسخه چاپی نسب قریش سقط شده است)، معجم مرزبانی: ۲۵۹ و همین طور کتب انساب مانند مجدی: ۲۹۲ آمده است. شش بیت از شعر او در رثای حسین بن علی شهید فخ (م ۱۶۹) در مقاتل الطالبیّن: ۴۵۸ ـ ۴۵۹ (و بخشی از آن در معجم مرزبانی: ۲۵۹ و مجدی: ۲۹۲) آمده است. مرزبانی: ۲۵۹ دو بیت از

شعر دیگری از او را هم آورده است. بسیاری از اخبار مربوط به قیام محمد بن عبدالله نفس زکیه (م ۱۴۵) و زمینه ها و پیامدهای آن در تاریخ طبری از همین راوی است (بنگرید: تاریخ طبری: ۴۲۲/۷، ۵۲۱، ۵۲۹ ـ ۵۳۱، ۵۳۴، ۵۳۶ ـ ۵۳۸، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۹، ۵۵۳، ۵۵۵، ۵۵۷، ۵۶۰، ۵۶۲، ۵۷۲، ۵۷۶، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۳، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۸، ۵۹۰، ۵۹۲، ۵۹۸، ۵۹۹ ـ ۶۰۱، ۶۰۳ ـ ۶۰۵، ۶۰۸، ۶۱۱). حجم گسترده این مواد تاریخی، نشانگر آن است که عیسی به احتمال کتابی در باره مقتل نفس زکیه تألیف کرده بود (در باره عیسی به عنوان یک منبع برای مواد تاریخی، نیز بنگرید: اخبار مکه ازرقی: ۱۷۳/۱، اغانی: ۲۱/۷). از وی همچنین به عنوان منبعی برای مواد مربوط به شرح حال و انساب افراد خاندان پیامبر (ص) یاد می شود (برای نمونه:

ص: ۳۶۰

تاریخ مدینه ابن شبه در موارد نقل شده زیر، مناقب ابن شهر آشوب: ۱۹۲/۲، غایة الاختصار: ۴۱ ـ ۴۲).
در باره اعقاب وی بنگرید: تهذیب الانساب: ۲۹۳ ـ ۲۹۵، مجدی: ۲۹۳ ـ ۲۹۵، عمدة الطالب: ۳۶۷ ـ ۳۶۹.

[۲۹۵] کتاب / نسخه

دفتر حدیث این راوی که توسط شماری از راویان از جمله ابوسُمینه محمد بن علی بن ابراهیم قرشی و علی بن محمد بن سلیمان نوفلی[۲۶۹] روایت شده است (رسالة ابی غالب: ۱۴۶، ۱۸۴، نجاشی: ۲۹۵، فهرست طوسی: ۱۱۶، ۱۱۷). این دفتر حدیث در میانه قرن چهارم بسیار رایج و شناخته شده بود (رسالة ابی غالب: ۱۴۶). ابن حبان در مجروحین: ۱۲۳/۲ آن را نسخه نامیده است. شیخ طوسی، نسخه ای از این دفتر حدیث که آن را به عیسی بن عبدالله هاشمی نسبت می دهد، از طریق احمد بن هلال یک راوی میانه قرن سوم هجری، دریافت و در فهرست: ۱۱۷ به صورت مستقل یاد کرده که به وضوح بر پایه این فرض است که این عیسی می تواند شخص دیگری باشد. ولی احمد بن هلال، گاهی این را صریحا روشن می کند که منبع او «عیسی بن عبدالله مِن وُلد عمر بن علی» است (توحید: ۳۰، ثواب: ۱۵).

تعداد فراوانی روایت از این مولف در آثار سنی، زیدی و امامی هست که بیشتر آنها از طریق راویان نامبرده بالا و شماری دیگر است که اسناد بسیاری از آنها مشترک است. حجم این مواد، نشانگر آن است که عمده محتویات این کتاب در کتابهای بعدی برجای مانده است. نمونه ها از این قرار است:

نوادر علی بن اسباط: ۱۲۴

اخبار مکه ازرقی: ۱۷۳/۱

تاریخ کبیر بخاری: ۳۹۰/۱ ـ ۳۹۱ (نیز تاریخ دمشق: ۳۵۷/۳۲)

تاریخ مدینه ابن شبه: ۶۶۰، ۶۶۵، ۷۵۵ (و از آن جا در مقتل ابن ابی الدنیا: ۱۲۰)

محاسن: ۸۲ ـ ۸۳ (نیز معانی: ۱۶۴)، ۴۵۹ (نیز کافی: ۳۰۸/۶)، ۴۷۹، ۴۸۶، ۵۱۸، ۵۲۶ ـ ۵۲۷، ۵۵۸

---

۲۶۹ . این راوی در میانه قرن سوم می زیسته و لذا باید این دفتر حدیث را با واسطه دریافت کرده باشد. در کافی: ۳۹۱/۶، او از مؤلف ما از طریق شیخ خود (بنگرید: علل: ۱۸/۱ ـ ۱۹) علی بن داود یعقوبی، یک راوی که مرویات او از مؤلف ما در منابع متعدد دیگری هم آمده است (برای نمونه: کافی: ۵۲۴/۶، امالی صدوق: ۳۶۳، خصال: ۲۹۱، تهذیب: ۴۷۳/۷) نقل می کند. این شخص شاید همواره، حلقه ارتباطی میان نوفلی و این دفتر حدیث بوده، حتی در مواردی که نام واسطه یاد نشده باشد.

ص: ۳۶۱

ـ ۵۵۹، ۵۷۰ (نیز کافی: ۳۸۰/۶ ـ ۳۸۱ با دو سند متفاوت)

ما نزل من القرآن حبری: ۴۳ (نیز امالی صدوق: ۵۷۹، ما نزل ابونعیم: ۲۵۳ ـ ۲۵۴، شواهد التنزیل: ۸۸/۱ ـ ۹۲ [پنج نسخه از یک متن]).

بصائر: ۲ ـ ۳ (دو نسخه از یک متن در سه روایت، یکی از آن روایات نیز در کافی: ۳۰/۱، نسخه سومی از همین متن نیز در کامل ابن عدی: ۱۸۸۳)، ۱۶۳ ـ ۱۶۴، ۱۸۱ (نیز کافی: ۳۰۵/۱)

امالی احمد بن عیسی: ۱۵/۱، ۱۸، ۳۲، ۳۴، ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۴۶، ۲۳۳، ۲۳۷، ۲۶۲، ۲۶۳/۲، ۲۶۴، ۳۸۸، ۴۱۲، ۴۳۸، ۶/۳، ۷، ۴۶، ۱۳۸ (دو روایت)، ۲۵۹/۴ ـ ۲۶۰، ۲۶۱، ۳۱۵، ۳۲۱، ۳۳۵، ۳۷۰ ـ ۳۷۱ (پنج روایت)

[۲۹۶] تفسیر عیاشی: ۲۱/۱، ۴۱، ۱۱۰، ۲۳۲، ۲۸۸، ۳۱۱، ۳۵۰ ـ ۳۵۱ (نیز قصص الانبیاء راوندی: ۱۸۵)، ۶۴/۲، ۱۴۵ ـ ۱۴۶

مناقب الامام امیرالمؤمنین (ع): ۱۴۲، ۲۲۱ (تکرار شده در ۳۸۴/۲ و بخشی نیز در ۳۹۱/۲. نیز در شرح الاخبار: ۲۳۱/۱)، ۳۱۰ (نیز در امالی طوسی: ۳۵۴ ـ ۳۵۵)، ۳۱۱، ۵۱۲، ۸۱/۲ ـ ۸۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۲۷۴، ۲۸۷، ۲۹۸ ـ ۳۹۹ (بخشی از آن نیز در ۳۹۱)، ۴۱۹

تاریخ طبری: ۶۰۰/۷ ـ ۶۰۱ (و از آن جا در مقاتل الطالبیّن: ۲۴۸)

کافی: ۲۸۶/۱ (نیز در ۳۰۹ با متن کامل تر) ۲۲۷/۳، ۶۰/۴، ۱۸۹، ۵۴۰، ۹۷/۵ (نیز تهذیب: ۲۱۱/۶)، ۵۲/۶ (بخوانید: «محمد بن علی عن عیسی بن عبدالله»، چنان که در توحید: ۳۹۵ و ثواب: ۲۳۱)، ۳۹۱، ۵۱۳، ۵۲۴، ۵۳۲، ۴۶۳/۷، ۳۴۹/۸ ـ ۳۵۱

تأویل ما نزل من القرآن: ۲۰۳ (نیز شواهد التنزیل: ۵۴۱/۱)

تفسیر فرات: ۴۰۴ (نیز در مجروحین ابن حبان: ۱۲۲/۲ به نقل مستقیم از نسخه، شواهد التنزیل: ۲۲۷/۲)، ۵۷۰ (نیز خصال: ۳۶۰ ـ ۳۶۱)، ۶۱۹ ـ ۶۲۰

غیبت نعمانی: ۱۵۶

مجروحین ابن حبان: ۱۲۲/۲ (شش روایت که مستقیما از نسخه گرفته شده است. یکی مشابه همان نقل با: تفسیر فرات: ۴۰۴، دیگری همان که در تاریخ کبیر: ۳۹۰/۶ ـ ۳۹۱ هست، دو روایت نیز در کامل ابن عدی: ۱۸۸۴ [یکی از این دو روایت نیز در امالی طوسی: ۳۳۴ ـ ۳۳۵ و تاریخ دمشق: ۲۴۵/۴۲، دیگری نیز در کافی: ۶۰/۴]).

اخبار الحسن طبرانی: ۶۵ ـ ۶۶ (نیز معجم کبیر او: ۴۱/۳، و از آنجا در تاریخ دمشق: ۲۲۷/۱۳)

معجم اوسط طبرانی: ۹/۶

کامل ابن عدی: ۱۸۸۳ ـ ۱۸۸۵ (نوزده روایت، ولی دو متن از این جمله، بخش هایی از دو

ص: ۳۶۲

متن دیگر از این ۱۹ روایتند [او همچنین به وجود۹ متن روایی دیگر به اجمال اشاره می کند بدون آن که متون آنها را نقل کند]. بسیاری از این ۱۹ روایت در کتابهای شرح حال بعدی و همچنین در مسند الفردوس، العلل المتناهیه ابن جوزی و اللئالی المصنوعه سیوطی به نقل از ابن عدی آمده است. چهار مورد آن روایات در دیگر کتابها، مستقل از کتاب

ابن عدی، آمده است. دو مورد در ضعفاء دارقطنی: ۱۲۲/۲ [یکی از دو روایت نیز در کافی: ۶۰/۴، دیگری نیز در امالی طوسی: ۳۳۴ ـ ۳۳۵ و تاریخ دمشق: ۲۴۵/۴۲] آمده; مورد سوم در امالی طوسی: ۳۵۵، و تحریر دیگری از مورد چهارم در بصائر: ۲ و کافی: ۳۰/۱)

کامل الزیارات: ۱۰۶ (بخشی از آن نیز در همان: ۱۰۷ ـ ۱۰۸ و خصال: ۲۵۰)

کتاب ابن قولویه: ۱۴۴

امالی صدوق: ۶۴ (نیز در توحید: ۹۵، ثواب: ۱۵۶)، ۲۴۷، ۳۶۳ (نیز شواهد التنزیل: ۷۶/۱)

[۲۹۷] علل: ۱۵۴/۲ ـ ۱۵۵

کمال الدین: ۳۵۰، ۴۱۵ ـ ۴۱۶

خصال: ۹۱، ۲۸۳ ـ ۲۸۴، ۲۹۱، ۳۵۸

معانی: ۱۰، ۱۶۴، ۲۲۰، ۳۵۴ ـ ۳۵۶

ثواب: ۳۷ (دو روایت)، ۵۳ ـ ۵۴، ۵۸، ۱۳۴، ۲۰۹

سنن دارقطنی: ۳۰۲/۱، ۲۶۳/۲، ۲۵۰/۴

معرفة علماء الحدیث: ۵۰، ۱۰۲ (بخوانید: «عن عیسی بن عبدالله بن محمد بن عمر»، چنان که در شواهد التنزیل: ۲۲۶/۱ و تاریخ دمشق: ۳۵۶/۴۲ ـ ۳۵۷ [نیز به صورت مختصر در همان: ۳۰۳/۴۵])

امالی ابی طالب: ۵۹ ـ ۶۱، ۷۸، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۹۴، ۲۲۴، ۳۳۵

مسند الشهاب: ۳۱۵/۲ (نیز میزان الاعتدال: ۳۱۵/۳، ۳۱۶)

شعب الایمان: ۹۵/۴

سنن بیهقی: ۳۴۹/۶ (نیز تلخیص المتشابه خطیب: ۲۴۷ ـ ۲۴۸)

امالی طوسی: ۱۶۷، ۳۵۵، ۴۵۴، ۵۹۰

تهذیب: ۲۴/۱، ۳۷۷، ۳۷۸، ۲۸۶/۳، ۳۰۹، ۳۹۴/۷، ۴۷۳، ۳۵/۱۰، ۱۰۶ ـ ۱۰۷

تلخیص المتشابه خطیب: ۲۹۹

تاریخ بغداد: ۳۳۹/۴

شواهد التنزیل: ۵۲/۲

ص: ۳۶۳

مسند فردوس (ازبک: ۲۳۰۰ ش ۷۳)

تاریخ دمشق: ۱۴۴/۳ ـ ۱۴۵، ۴۵۹/۱۰، ۳۱۲/۱۱، ۲۴۵/۴۲ ـ ۲۴۶، ۴۵۱، ۳۰۳/۴۵، ۴۱۴/۵۴

خرائج: ۱۱۶ ـ ۱۱۷

مناقب ابن شهر آشوب: ۱۰۷/۳

اللئالی المصنوعة: ۳۶۹/۱، ۲۶۱/۲ ـ ۲۶۲

۲ ـ مسند عمر بن علی بن ابی طالب

در مدخل مربوط به این مؤلف، در نجاشی: ۲۹۵ آمده است که دانشمند میانه قرن چهارم بغداد، ابوبکر محمد بن عمر تمیمی [۲۹۸] معروف به ابن جعابی (م ۳۵۵) روایات مؤلف ما را از طریق پدرانش در یک مجلد گردآوری کرده است. آشکارا این همان کتابی است که نجاشی: ۳۹۵ از آن در مدخل ابن جعابی یاد کرده و نام آن را در میان مؤلفات وی با عنوان کتاب مسند عمر بن علی بن ابی طالب آورده است. نقلهای برجای مانده از عمر بن علی از طریق ابن جعابی در منابع متأخر، به احتمال قریب به یقین، به همین کتاب می رسد. بیشتر روایاتی که از عمر بن علی نقل شده، از طریق عیسی روایت شده، اما چند مورد هم از طریق دیگران، به ویژه دیگر اعضای همین خاندان است.[۲۷۰] این حقیقت همچنین در کتاب ابن جعابی منعکس شده بود چه در حالی که برخی از روایات برجای مانده از این کتاب، فی الواقع از طریق عیسی بن عبدالله است، مانند دو متن نقل شده در امالی طوسی: ۳۵۴ ـ ۳۵۵، موارد دیگر از طریق دیگران روایت شده است، مانند روایات نقل شده در حلیة الاولیاء: ۶۷/۱، الترغیب و الترهیب ابوالشیخ (ازبک: ۲۳۰۰، ش ۷۰)، امالی مفید: ۲۵۱ (نیز بنگرید: خصال: ۲۷۱ ـ ۲۷۲).

۱۱۰ . عیسی نجّار

عیسی بن داود نجار کوفی، راوی از امام کاظم (علیه السلام).

نجاشی: ۲۹۴

ابن عقده (م ۳۳۳) و ابن همام اسکافی (م ۳۳۶) هر دو از این نویسنده، با یک واسطه روایت

ص: ۳۶۴

می کنند. استفاده ظاهرا گسترده از روش «وجاده» در نقل، قضاوت در این باره را که آیا این نویسنده در میانه قرن سوم زندگی می کرده یا واقعا از امام کاظم (ع) مستقیما روایت می نموده است، دشوار می سازد.

کتاب التفسیر

(نجاشی: ۲۹۴). دست کم بخشی از این اثر، در اختیار ابن جُحام، نویسنده میانه قرن چهارم در باب تفسیر، بوده و او بخش بزرگی از آن کتاب را با یک اسناد در تفسیر خود آورده است: ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۳۷ ـ ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۳ ـ ۱۵۴، ۱۵۷ ـ ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۳، ۱۶۴ (دو بند)، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۹ ـ ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۴ ـ ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۲ (دو بند)، ۱۸۶، ۱۹۱ ـ ۱۹۲، ۳۴۰ ـ ۳۴۴، ۴۰۷، ۴۱۱. موارد نقل شده در همان: ۱۳۲، ۱۴۰، ۱۴۷، ۱۷۷، ۳۴۰ ـ ۳۴۴ ساختار و زبان اصلی کتاب را حفظ کرده است.

[۲۹۹] بر اساس موارد نقل شده، این کتاب، یک تفسیر خالص شیعی مانند آثار منسوب به جابر جعفی و ابن ابی حمزه بطائنی، اما نه به اندازه آن دو باطنی، بوده است. موارد نقل شده همچنین نشان می دهد که در این اثر، تفسیر با متن قرآن تلفیق شده بود، همان گونه که نمونه هایی از تفاسیر شیعی پس از این دوره، مانند تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی، نیز چنین است.

۱۱۱ . اسحاق صیرفی

---

۲۷۰ . بنگرید: نجاشی: ۳۵۸، تاریخ بغداد: ۴۴۳/۱۲. نیز زین الفتی: ۲۰۸/۲، شواهد التنزیل: ۳۶۳/۲، تاریخ دمشق: ۳۳۲/۴۲، ۳۸۹.

ابویعقوب اسحاق بن عمار بن حیان کوفی، صراف، از موالی بنو تغلب، و عضو یک خاندان از روات حدیث شیعی. وی فردی دانشمند و ثروتمند بود و از افراد برجسته جامعه شیعه زمان خود به شمار می آمد. او از امام صادق و امام کاظم (علیهماالسلام) روایت می کرده و گزارش شده است که در دوران امام کاظم (ع) و به احتمال پیش از سال ۱۸۲ درگذشته بود.

برقی: ۸۳، ۱۱۵، رجال کشی: ۴۰۲، ۴۰۸ ـ ۴۱۰، مشیخه: ۴۷۵، نجاشی: ۷۱، فهرست طوسی: ۱۵، رجال او: ۱۶۲، ۳۳۱. همچنین بنگرید: قاموس الرجال: ۷۵۷/۱ ـ ۷۷۰.

تاریخ تقریبی درگذشت وی مبتنی بر یک روایت باطنی موجود در رجال کشی: ۴۰۹ است که بر اساس آن، امام کاظم (ع) مرگ اسحاق را در دو سال آینده پیشگویی می کند. با توجه به درگذشت امام

ص: ۳۶۵

کاظم (ع) در سال ۱۸۳، پس از چهار سال زندانی بودن و عدم ارتباط با جامعه شیعه، آخرین تاریخی که کسی در جامعه شیعه می توانست فرضا چنین سخنی را از آن امام شنیده باشد، سال ۱۷۹ بوده، پس برای آن که مردم آن زمان چنین نقلی را بپذیرند، اسحاق می بایست پیش از سال ۱۸۲ درگذشته باشد (نیز ببینید کشف الغمّه ۲: ۴۰۹).

کتاب / اصل / کتاب نوادر

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان شیعی از جمله غیاث بن کَلوب البجلی و ابن ابی عمیر از او روایت کرده اند (نجاشی: ۷۱، فهرست طوسی: ۱۵، رجال او: ۳۳۱). از حدود یک هزار حدیث روایت شده از این مؤلف در آثار حدیثی شیعه که در معجم خویی: ۵۴/۳ ـ ۵۶، ۴۳۰ ـ ۴۶۰ و فهارس بحار: ۱۳۹/۸، ۱۴۵ ـ ۱۴۶ فهرست شده، و بسیاری از آنها از طریق دو راوی یاد شده و گروه دیگری است که بخش بزرگی از این موادّ را روایت کرده اند، چنین به دست می آید که بخش عمده این دفتر حدیث در کتابهای بعدی باقی مانده است.

محمد بن مکی عاملی، معروف به شهید اول، دانشمند برجسته شیعه در اواخر قرن هشتم هجری (م ۷۸۶)، از این دفتر حدیث نقل کرده است (ذریعه: ۱۱۲/۲۰). این شاید به آن معنی باشد که این دفتر حدیث یا بخشی از آن تا زمان وی باقی بوده است.

[۳۰۰] ۱۱۲ . اسحاق کاهلی

ابویعقوب اسحاق بن بشر بن مقاتل کاهلی کوفی، یک راوی سنی حدیث با تمایلات شیعی، که از امام صادق (ع) و دیگران روایت می کند. او در بغداد می زیست و به سال ۲۲۸ درگذشت.[۲۷۱]

ضعفاء عقیلی: ۹۸/۱ ـ ۱۰۰، مجروحین ابن حبان: ۱۳۵/۱ ـ ۱۳۷، کامل ابن عدی: ۳۳۵ ـ ۳۳۶، نجاشی: ۷۲، تاریخ بغداد: ۳۲۸/۶ ـ ۳۲۹، و منابع دیگری که در پاورقی مصحح در لسان المیزان: ۵۴۲/۱ آمده است.

---

۲۷۱ . همان طور که از تاریخ درگذشت این راوی روشن می شود، روایت وی از امام صادق (ع) می بایست با وسائط بوده باشد که وی اسامی آنان را نیاورده است. سبک نقل بلاواسطه وی از امام صادق (ع)، سبب این خطا شده است که شرح حال نویسان، نام او را در میان راویان از امام صادق (ع) بیاورند و همین نیز دلیل ذکر او در این بخش از کتاب حاضر است در حالی که او در واقع، به دوره بعد تعلق دارد.

ص: ۳۶۶

برخی از مؤلفان آثار رجالی، وی را با راوی معمّرتر و مشهورتر معاصرش، ابوحذیفه اسحاق بن بشر خراسانی (م ۲۰۶)، یک مورخ و راوی حدیث از بخارا که زمانی هم از بغداد دیدار کرد، خلط کرده اند، از جمله ابن حبان در مجروحین: ۱۳۵/۱ ـ ۱۳۷ و نجاشی: ۷۲. طوسی نیز در رجال: ۱۶۲ از میان این دو نفر، تنها نام ابوحذیفه را به عنوان راوی از امام صادق (ع) یاد می کند. بررسی روایات، نشانگر آن است که این کاهلی کوفی بود که تمایلات شیعی داشته و از امام صادق (ع) (طبعا با واسطه، هرچند او نام واسطه را در هیچ جا ذکر نمی کند) روایت می کرد (فی المثل بنگرید: تأویل ما نزل: ۴۸۹ [عن اسحاق بن بشر الکاهلی]، زین الفتی: ۲۰/۱ [عن اسحاق بن بشر الکاهلی الکوفی]، بشارة المصطفی: ۱۵۲ [عن اسحاق بن بشر الاسدی. کاهل تیره ای از اسد خزیمه است]. نیز بنگرید: تاریخ بغداد: ۳۲۷/۶ که می گوید که با یک استثناء، تنها خراسانی ها از ابوحذیفه روایت کرده اند). روایت راویان شیعه از اسحاق بن بشر کاهلی، شامل مواردی هم که وی از مشایخی جز امام صادق (ع) روایت کرده، می شود. برای نمونه: امالی صدوق: ۶۷۲ ـ ۶۷۳ (نیز ثواب: ۲۳۹).

۱ ـ کتاب

نجاشی: ۷۲ یادآور شده است که وی کتابی از این مؤلف دریافت کرده که تنها راوی آن از وی، شخصی با نام احمد بن سعید بوده است. یک متن طولانی حاوی دستوراتی که خداوند در شب معراج به رسولش فرمود از اسحاق بن بشر به وسیله عبدالحمید بن احمد بن سعید در دست است. شخص اخیر باید همان کسی باشد که نجاشی از او یاد کرده و نام عبدالحمید یا از سوی نجاشی سقط شده و یا در سند این متن به اشتباه، افزوده شده است. طبعا در این مورد، احتمال اول مرجّح است.

این متن که در قالب یک رساله مستقل است، چاپ سنگی شده (تهران، ۱۲۹۷ ق همراه با تحف العقول و جلد هشتم [روضه] کافی در یک مجلد)، [۳۰۱] و همچنین در ارشاد القلوب دیلمی: ۳۷۳/۱ ـ ۳۸۲ (بدون اسناد) و بحار: ۲۱/۷۱ ـ ۳۱ (با اسناد در انتهای متن) روایت شده است (برای اطلاعات بیشتر بنگرید: قاموس الرجال: ۷۳۸/۱ ـ ۷۳۹).

۲ ـ نسخه

دفتر یادداشت حدیث کاهلی که در آن از امام صادق (ع)، سفیان بن سعید ثوری (م ۱۶۱) و دیگران روایت کرده بود. ابن حبان که از این نسخه در مجروحین: ۱۳۶/۱ یاد کرده، بیشتر محتوای آن را برای روایت کردن، نامناسب دانسته است (اشیاء موضوعة أکره ذکرها). لحن و سیاق

ص: ۳۶۷

کلام وی نشان از آن دارد که بخش مهمی از آن دفتر، روایاتی در فضائل امام علی (ع) بوده که نقل های فراوانی از این راوی در آن موضوع در منابع متأخرتر آمده است، از جمله:

تفسیر فرات: ۲۴۲ ـ ۲۴۳

تأویل ما نزل من القرآن: ۱۴۷، ۴۸۹ ـ ۴۹۰ (بخوانید «بشر» به جای «بشیر»)

کامل الزیارات: ۱۴۷

کتاب المعراج صدوق: (نقل شده در کتاب محتضر [بحار: ۴/۲۵]، نیز در تأویل الایات: ۷۷۳ ـ ۷۷۴ [بدون اسناد])

زین الفتی: ۲۰ ـ ۲۱ (با دو اسناد، نیز در الکشف و البیان ثعلبی [به نقل عمده ابن بطریق: ۳۵۱، نیز در پاورقی مصحح ما نزل ابونعیم: ۱۳۵ ـ ۱۳۷]، شواهد التنزیل: ۴۶۴/۱ ـ ۴۶۵ [با شش اسناد])

استیعاب: ۱۷۴۴ (نیز بشارة المصطفی: ۱۵۱، الاصابة: ۳۵۴/۷، و بخشی از آن در میزان الاعتدال: ۱۸۸/۱)

یقین ابن طاوس: ۴۸۴ (به نقل از کتابی از ابوالحسین نسابه).

روایت دیگری هم از امام صادق (ع) با اسناد عراقی از «اسحاق بن بشر» در مسند فردوس (ازبک: ۲۲۱۲، ش ۳۳ و از فردوس در لئالی سیوطی: ۱۶۴/۲) در دست است. برای نمونه هایی از روایات کاملا سنی این مؤلف بنگرید: ضعفاء عقیلی: ۹۸/۱ ـ ۱۰۰، کامل ابن عدی: ۳۳۵ ـ ۳۳۶.

۱۱۳ . اسحاق مؤتمن

اسحاق بن جعفر بن محمد، فرزند امام صادق (ع)، راوی از پدر و برادرش امام کاظم (علیهما السلام). او در روزگار خود از علمای دینی مورد احترام جامعه بود.

تاریخ کبیر بخاری: ۳۸۳/۱، برقی: ۵۱، ۱۱۵، الجرح و التعدیل: ۲۱۵/۲، ثقات ابن حبان: ۱۱۱/۸، ارشاد: ۲۱۱/۲، رجال طوسی: ۱۶۱. نیز بنگرید: کافی: ۳۱۶/۱ ـ ۳۱۸، عیون اخبار الرضا (ع): ۳۹/۱، تهذیب: ۳۱۷/۲.

[۳۰۲] در لسان المیزان: ۵۴۶/۱ ـ ۵۴۷ به نقل از ابن عقده، لقب «حزین» به این راوی داده شده و حکایتی در وجه این لقب نقل شده است. با این همه، کتابهای نسب همگی لقب «مؤتمن» را برای او یاد کرده اند (برای نمونه بنگرید: تهذیب الانساب عبیدلی: ۱۸۳، المجدی: ۹۸، الفخری فی انساب الطالبیه: ۹، ۲۶، الشجرة المبارکة: ۷۶، غایة الاختصار: ۹۲، عمدة الطالب: ۲۴۹).

صحیفه

ص: ۳۶۸

در منابع شیعه هیچ کتابی به او منسوب نشده است، اما در حدیث سنی دفتری شامل نوزده روایت که وی به نقل از اجداد خود از پیامبر (ص) روایت کرده و صحیفة اسحاق بن جعفر الصادق عن آبائه خوانده می شود، وجود دارد. متن آن به صورت چاپ عکسی در ازبک: ۷۰۹ ـ ۷۱۰ آمده است. همچنین روایات دیگری هم به نقل از اسحاق از پدرش، در منابع حدیثی سنی و شیعی آمده که در صحیفه ثبت نشده و شامل موارد زیر است:

محاسن: ۴۶۰ (نیز کافی: ۵۴۴/۶).

کافی: ۳۰۸/۱، ۳۸۷ ـ ۳۸۸، ۴۴۸ ـ ۴۴۹

کفایة الاثر: ۱۰۵ ـ ۱۰۶ (با تصرف)

امالی طوسی: ۵۴، ۲۲۳ (تکرار شده در ۵۹۶)، ۴۹۵ ـ ۴۹۶، ۵۸۵، ۵۹۶ (سه روایت که یکی تکرار مورد صفحه ۲۲۳ است)، ۶۲۹ ـ ۶۳۰

تدوین رافعی: ۱۴۳/۴ ـ ۱۴۴

۱۱۴ . اسحاق جریری

ابویعقوب اسحاق بن جریر بَجَلی، یک عرب کوفی شیعه، و راوی از امام صادق (علیه السلام). او پس از رحلت امام کاظم (ع) به واقفه پیوست و تا دهه های پایانی قرن دوم زنده بود.

برقی: ۸۳، نجاشی: ۷۱، فهرست طوسی: ۱۵، رجال او: ۱۶۱، ۳۳۲. نیز بنگرید: لسان المیزان: ۵۴۶/۱.

او فرزند جریر بن یزید بن جریر بن عبدالله بجلی است. نیای اعلای او جریر بن عبدالله (م ۵۴) از اصحاب امیر المؤمنین (ع) بود که به معاویه پیوست و به صورت یکی از دشمنان سرسخت آن حضرت درآمد. پدر راوی ما، جریر بن یزید، شخصی برجسته در آغاز انقلاب عباسی بود (بنگرید: تاریخ طبری: ۴۸۳/۷ [نیز بنگرید: ۲۷۰]). خود اسحاق در اوائل جوانی در خدمت ابوالعباس سفاح در حیره بود (کامل الزیارات: ۸۸).

خبر پیوستن او به واقفه در رجال طوسی: ۳۳۲ آمده است.

[۳۰۳] کتاب / اصل

دفتر حدیث مؤلف که توسط شماری از راویان، از جمله ابن ابی عمیر و حسن بن محبوب روایت شده است (نجاشی: ۷۱، فهرست طوسی: ۱۵). نقلها از این مؤلف، برخی از طریق دو

ص: ۳۶۹

راوی یاد شده، شامل نمونه های زیر می شود:

نوادر احمد بن محمد بن عیسی: ۱۱۴

نوادر محمد بن علی بن محبوب: ۱۰۵ ـ ۱۰۶ (نیز کافی: ۹۱/۳ ـ ۹۲، و بخشی از آن در محاسن: ۲۳۹، عقاب: ۳۱۸)

محاسن: ۸۹ ـ ۹۰ (نیز عقاب: ۲۴۹)، ۳۵۳، ۳۵۷ (نیز من لایحضر: ۲۷۸/۲)، ۵۵۹ (نیز کافی: ۳۷۷/۶)

بصائر: ۴۳۹

کافی: ۴۷۲/۱، ۵۸۶/۴، ۳۵۶/۵ (نیز تهذیب: ۳۲۷/۷ از طریق راوی دیگر)، ۵۳۶ (دو تحریر، یکی تکرار شده در همان: ۴۳۳/۶)، ۵۲۰/۶، ۲۰۴/۷ (نیز علل: ۲۲۵/۲)

غیبت نعمانی: ۲۱۶

تفسیر قمی: ۲۴۴/۲

کامل الزیارات: ۸۷ ـ ۸۸

کمال الدین: ۲۱، ۳۴۸ ـ ۳۴۹

تهذیب: ۶۵/۲، ۱۶۲/۴ ـ ۱۶۳، ۷۳/۸

۱۱۵ . اسماعیل بن عبدالخالق

اسماعیل بن عبدالخالق بن عبدربه کوفی، از موالی بنواسد، و عضو یک خاندان شیعی از روات حدیث، فردی برجسته در جامعه شیعی کوفه با دانش خوب در احکام شرعی، و راوی از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام).

رجال کشی: ۴۱۴، نجاشی: ۲۷، فهرست طوسی: ۱۴، رجال او: ۱۵۹. نیز بنگرید: کافی: ۱۹۸/۵، ۲۰۳.

[۳۰۴] کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان از جمله محمد بن خالد طیالسی (م ۲۵۹) از وی روایت کرده اند (رسالة ابی غالب: ۱۴۸، نجاشی: ۲۷، فهرست طوسی: ۱۴). قطعه ای مشتمل بر سیزده روایت از این دفتر، از طریق راوی یاد شده، در قرب الاسناد: ۱۲۵ ـ ۱۲۹ آمده است. پنج مورد از آن ها (ش ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۶، ۴۴۹، ۴۵۱) به ترتیب در کافی: ۳۵۱/۴، همان: ۵۲۹/۳، تهذیب: ۳۲۸/۲، همان: ۵۵/۸، کافی: ۹۳/۸، همه از طریق علی بن الحکم که گویا راوی عمده دیگر این دفتر حدیث بوده، آمده است. نقلهای دیگری از این مؤلف از طریق محمد بن خالد طیالسی

ص: ۳۷۰

در کافی: ۱۹۸/۵، رجال کشی: ۴۰۶ (تکرار شده در ۴۱۲) و فلاح ابن طاوس: ۴۵۵ ـ ۴۵۶ هست. نقلهای دیگر از طریق علی بن الحکم در معجم خویی: ۴۷۰/۳ ـ ۴۷۱، ۵۹۰/۱۱ فهرست شده است.

۱۱۶ . ابن ابی زیاد سکونی

اسماعیل بن ابی زیاد سکونی کوفی، از موالی کنده (که بنی سکون تیره ای از آن بود)، و راوی سنی حدیث. وی شمار بسیار بزرگی حدیث از امام صادق (ع) روایت کرده و پرکارترین منبع غیر شیعی برای حدیث شیعی است.

برقی: ۸۲، نجاشی: ۲۶، فهرست طوسی: ۱۳، رجال او: ۱۶۰. نیز بنگرید: موضح خطیب: ۴۰۸/۱ ـ ۴۱۰.

نام پدر مؤلف در مشیخه: ۴۵۹ و بیشتر آثار «مسلم» است. نویسنده ما باید همان اسماعیل بن ابی زیاد باشد که قاضی موصل بوده و تفسیری بر قرآن نوشته است (بنگرید: لسان المیزان: ۶۲۷/۱ ـ ۶۲۸ و منابع دیگری که مصحح در پاورقی آنجا نام آورده است. برای اطلاعات بیشتر بنگرید: موضح خطیب: ۴۰۸/۱ ـ ۴۱۰ به نقل از ابن عقده). در باره این قاضی گفته شده که از استادش ثور بن یزید در تفسیر قرآن خود نقل کرده است (لسان المیزان: ۶۲۷/۱)، نکته ای که در روایات تفسیری سکونی در منابع حدیثی شیعی دیده می شود (ببینید توحید: ۳۴۳ ـ ۳۴۴).[۲۷۲]

[۳۰۵] ۱ ـ کتاب التفسیر

۲۷۲ . تحریر دیگری از این مورد که (به شرحی که در بالا گفته شد) سکونی از ثور بن یزید روایت می کند، در تفسیر قمی: ۲۱۰/۲ ـ ۲۱۱ به واسطه نوفلی، راوی عمده سکونی در حدیث شیعی، از سکونی از امام صادق (ع) نقل شده است. این روایت، دیگر نقل های نوفلی از سکونی را مورد تردید قرار می دهد، به خصوص در مواردی که با مواضع جا افتاده مکتب شیعی موافقت نداشته باشد; زیرا نوفلی یا راوی از وی، شاید آن موارد را به اشتباه به امام نسبت داده باشد. این نوع خطا، در مواقعی که کسی، نام شیخ یا سندی را که در ابتدای یک باب یا کتاب آمده مربوط به تمام مرویّات آن باب یا کتاب تصور کند، به راحتی پیش می آید.

(فهرست ابن ندیم: ۳۶، لسان المیزان: ۶۲۷/۱). نقلهای زیادی از این مؤلف در این موضوع در آثار شیعی آمده است. موردی که پیشتر گفته شد (توحید: ۳۴۳ ـ ۳۴۴) به روشنی نشانگر ساختار و سیاق اصلی این تفسیر می باشد. چنین است فهرست برخی از نقلهای دیگر از وی

ص: ۳۷۱

در این موضوع:

محاسن: ۲۹۱

تفسیر عیاشی: ۸/۱، ۱۷۹، ۲۳۸، ۲۶۳، ۲۸۹، ۲۹۴، ۳۱۹، ۳۲۲، ۳۸۵ ـ ۳۸۶، ۵۳/۲ (بخوانید «عن اسماعیل الشعیری»)، ۱۰۸، ۱۲۴، ۱۵۹، ۲۲۴، ۲۵۶، ۲۹۴، ۳۲۰، ۳۳۵

کافی: ۶۰۰/۲، ۶۱۹، ۶۲۲

تفسیر قمی: ۲۱۰/۲ ـ ۲۱۱، ۳۳۹ (نیز معانی: ۲۱۵)

کامل الزیارات: ۱۶۳

من لایحضر: ۱۶۶/۳

معانی: ۲۱۶

امالی ابی طالب: ۱۶۸ ـ ۱۶۹، ۲۵۱، ۳۴۸ ـ ۳۴۹

تأویل الایات: ۵۴۲

۲ ـ کتاب

این اثر که فهرست طوسی: ۱۳ از آن به عنوان دفتری بزرگ یاد می کند، از طریق حسین بن یزید نوفلی به علمای شیعه رسیده است (نجاشی: ۲۶. نیز بنگرید: مشیخه: ۴۵۹، فهرست طوسی: ۱۳). چند صد روایت از سکونی که توسط همین راوی در کتب اربعه حدیث شیعی آمده (معجم خویی: ۱۱۴/۶ ـ ۱۱۵، ۱۴۹/۲۳) نشانگر آن است که عمده مواد این کتاب در منابع متأخرتر باقی مانده است.

۳ ـ کتاب النوادر

(فهرست طوسی: ۱۳). بسیاری از بیش از یک هزار روایت از این مؤلف در کتابهای حدیث شیعی که برخی از آنها در معجم خویی: ۱۰۸/۳، ۱۸۵ ـ ۱۸۶، ۲۰۶، ۴۶۱ ـ ۴۶۴، ۱۰۳/۲۳ و فهارس بحار: ۴۵/۹ ـ ۴۷ فهرست شده، با عنوان این اثر مناسبت دارد.

۱۱۷ . اسماعیل خَثْعَمی

اسماعیل بن جابر خثعمی، یک راوی کوفی که از امام باقر و امام صادق (علیهماالسلام) روایت می نمود.

ص: ۳۷۲

[۳۰۶] برقی: ۸۲، رجال کشی: ۱۹۹، ۳۷۶ ـ ۳۷۷، نجاشی: ۳۲ ـ ۳۳، فهرست طوسی: ۱۵، رجال او: ۱۲۴، ۱۶۰، ۳۳۱

ابهاماتی در باره نسبت قبیله ای این راوی وجود دارد. برای تفصیل مطلب بنگرید: قاموس الرجال: ۳۳/۲ ـ ۳۹ (ولی مقایسه کنید با تفسیر عیاشی: ۱۴۷/۲).

وی به سال ۱۳۳ همراه امام صادق (ع) در مکه بوده است (رجال کشی: ۳۷۶ ـ ۳۷۷. نیز بنگرید: محاسن: ۳۵۶، ۴۰۳).

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که صفوان بن یحیی از او روایت کرده است (نجاشی: ۳۳، فهرست طوسی: ۱۵، رجال او: ۱۲۴. نیز بنگرید: مشیخه: ۴۲۶). نزدیک به یکصد روایت از این مؤلف در آثار بعدی آمده که در معجم خویی: ۴۶۴/۳ ـ ۴۶۷ و فهارس بحار: ۱۵۹/۸ فهرست شده و برخی از آنها از طریق راوی پیشگفته است، چنان که در نمونه های زیر:

محاسن: ۴۵۴ (نیز کافی: ۲۶۴/۶)

من لایحضر: ۶۳/۱، ۴۴۳، ۵۰۸ ـ ۵۰۹، ۳۹/۲، ۳۰۲، ۱۶۸/۳

معانی: ۲۹۸

تهذیب: ۴۱/۱، ۲۵۸/۲، ۲۹۸/۵ ـ ۲۹۹ (بخشی از آن نیز در من لایحضر: ۳۵۱/۲ که در آنجا نام راوی از این مؤلف نیامده است. نیز بنگرید: رجال کشی: ۱۹۹).

۱۱۸ جعفر حَضْرمی

جعفر بن محمد بن شریح حضرمی کوفی، راوی شیعی حدیث در اواخر قرن دوم.

نجاشی: ۱۳۳، فهرست طوسی: ۴۳

کتاب

(نجاشی: ۱۳۳، فهرست طوسی: ۴۳). این دفتر حدیث که باقی مانده و در الاصول الستة عشر: ۶۰ ـ ۸۱ به چاپ رسیده شامل ۱۲۳ روایت است که قریب به اتفاق آنها از جابر جعفی، توسط حمید بن شعیب (ش ۹۳ در فصل حاضر) می باشد (برای اطلاعات بیشتر بنگرید به مقاله کالبرگ در باره اصول اربعمائة: ۱۵۳ ـ ۱۵۴). همچنین به جز سه خبر که در پایان اصل محمد بن

ص: ۳۷۳

مثنی حضرمی (چاپ شده در الاصول الستة عشر: ۸۳ ـ ۹۷) آمده، همه روایات آن اصل، شامل ۴۳ روایت، توسط همین جعفر بن محمد حضرمی روایت شده است (باز بنگرید به همان مقاله کالبرگ: ۱۵۴ ـ ۱۵۵).

[۳۰۷] ۱۱۹ . ابن درّاج

جمیل بن درّاج بن عبدالله کوفی، از موالی نخع، و فقیه سرشناس شیعه در اواخر قرن دوم. برادر وی نوح (م ۱۸۲) نیز شیعه و قاضی کوفه بود و بعدها قاضی نیمه شرقی بغداد شد. جمیل هم مانند برادرش نوح، در اواخر زندگی نابینا شد و در سالهای پایانی قرن دوم درگذشت.

برقی: ۱۰۲، رجال کشی: ۱۳۴، ۲۵۱ ـ ۲۵۲، ۳۷۵، نجاشی: ۱۲۶ ـ ۱۲۷، فهرست طوسی: ۴۴، رجال او: ۱۷۷، ۳۳۳. نیز بنگرید: غیبت طوسی: ۷۱.

رجال کشی: ۳۷۵ جمیل را یکی از شش تن برجسته ترین فقهای شیعه در نسل خود می داند. منابع سنی، اطلاعات سودمندی در باره خانواده وی، در مدخل هایی که به نوح بن دراج اختصاص داده اند، ارائه می دهند. برای خلاصه ای از آن مواد بنگرید: تاریخ بغداد: ۱۳/ ـ ۳۱۵ ـ ۳۱۸. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به مآخذ یاد شده در دو فهرست طولانی از منابع که در پاورقی های مصححان تاریخ الاسلام ذهبی: ۱۱ (سالهای ۱۸۱ ـ ۱۹۰) /۴۲۷ و تهذیب الکمال: ۴۳/۳۰ ـ ۴۸ آمده است.

۱ ـ کتاب / اصل

دفتر عمده حدیث مؤلف که توسط راویان متعدد از جمله ابن ابی عمیر از او روایت شده است (رسالة ابی غالب: ۱۷۲ ـ ۱۷۳، نجاشی: ۱۲۷، فهرست طوسی: ۴۴). با نزدیک به پانصد روایت از جمیل توسط ابن ابی عمیر تنها در کتب اربعه حدیث شیعی که در معجم خویی: ۴۱۸/۱۴ ـ ۴۲۰، ۱۰۲/۲۰، ۲۴۶ ـ ۲۵۳ فهرست شده و بیشتر آنها به یک اسناد است، به اضافه نقل های بسیار دیگری که در منابع دیگر آمده و در فهارس بحار:۳۰۷/۸ ـ ۳۰۸ فهرست شده است، به نظر می رسد که عمده مواد این دفتر، از جمله توضیحات خود جمیل بر مطالبی که از مشایخ خود نقل می کند (نمونه در کافی: ۹۸/۶ ـ ۹۹)، باقی مانده است. قطعه ای کوچک از این اثر را ابن ادریس در مستطرفات: ۴۴ ـ ۴۵ حفظ کرده است.

ص: ۳۷۴

۲ ـ کتاب اشترک هو و محمد بن حمران فیه

دفتری مشترک از مرویّات این دو نفر که توسط حسن بن علی وشاء و ابن ابی عمیر روایت شده است (نجاشی: ۱۲۷. نیز مشیخه: ۴۳۰). موادّ باقی مانده از این دفتر شامل نمونه های زیر می باشد:

نوادر احمد بن محمد بن عیسی: ۶۵ (مقـ : کافی: ۱۵۶/۶)

محاسن: ۳۵۵ (نیز کافی: ۳۰/۵). نیز به احتمال: ۲۳۸ (نیز امالی صدوق: ۵۰۳، مقـ : تفسیر قمی: ۲۵/۱ ـ ۲۶)، ۳۲۰ (مقـ : علل: ۱۲۳/۲ ـ ۱۲۴)

[۳۰۸] کافی: ۴۲۴/۲ (در دو خبر جداگانه، مقـ : همان: ۳۰/۵)، ۶۶/۳ (نیز من لایحضر: ۱۰۹/۱ با اختلاف)، ۱۳۸/۴، ۳۸۹/۵، ۴۴۷/۶، ۱۴۹، ۲۲۱، ۳۹۰

من لایحضر: ۱۱۹/۴ (مقـ : کافی: ۳۰۰/۷)

تهذیب: ۳۹۴/۱، ۴۰۱، ۴۰۴، ۱۶۷/۳، ۶۸/۹، ۱۰۱/۱۰

۳ ـ کتاب اشترک هو و مرازم بن حکیم فیه

یک دفتر حدیث مشترک دیگر که علی بن حدید مدائنی، برادرزاده مرازم بن حکیم (شریک جمیل بن دراج در این مجموعه) آن را روایت کرده است (نجاشی: ۱۲۷). این می تواند کتابی باشد که به تنهایی به مرازم، در مدخل مربوط به او در نجاشی: ۴۴۲، نسبت داده شده است زیرا اسناد هر دو اثر در بخش بالا یکسان است. این اثر نیز می تواند همان کتاب جمیل بن دراج باشد که ابوغالب زراری آن را توسط همان راوی یعنی علی بن حدید دریافت کرده بود (رسالة ابی غالب: ۱۶۵).

بیش از پنجاه روایت از جمیل توسط علی بن حدید در آثار بعدی که در معجم خویی: ۵۳۴/۱۱ ـ ۵۳۶ فهرست شده، می تواند در اصل بخشی از مواد این کتاب بوده باشد. حسن بن محبوب هم به احتمال از همین دفتر در کافی: ۱۷۰/۲، ۲۷/۴ نقل می کند (نیز ثواب: ۲۰۳. برای یک قطعه احتمالی دیگر بنگرید: کامل الزیارات: ۶۰ [ش ۴۱]، ۶۱ [ش ۴۴]).

۱۲۰ . جمیل اسدی

جمیل بن صالح اسدی کوفی، راوی از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام).

برقی: ۱۰۲، نجاشی: ۱۲۷ ـ ۱۲۸، فهرست طوسی: ۴۴، رجال او: ۱۷۷

کتاب / اصل

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان آن را روایت کرده اند (نجاشی: ۱۲۷ ـ ۱۲۸، فهرست طوسی: ۴۴). نجاشی به تحریرهای قمی و کوفی این دفتر اشاره می کند [۳۰۹] که به ترتیب، حسن بن محبوب و ابن ابی عمیر آن را روایت کرده اند. اکثریت قریب به اتفاق بیش از دویست روایت از این مؤلف در کتب حدیث شیعی که در معجم خویی: ۴۵۷/۴ ـ ۴۶۲ و فهارس بحار: ۳۰۸/۸ ـ ۳۰۹ فهرست شده، توسط همین دو راوی نقل شده است.

۱۲۱ . جرّاح مدائنی

جراح مدائنی، راوی از امام جعفر صادق (علیه السلام).

برقی: ۱۱۳، نجاشی: ۱۳۰، رجال طوسی: ۱۲۹، ۱۷۹

رجال طوسی: ۱۷۸ از یک جراح بن عبدالله مدنی در میان راویان از امام صادق (ع) یاد می کند. تصحیف «مدائنی» به «مدنی» (و شکل دیگر آن «مدینی») یا به عکس، امری غیر عادی نیست.[۲۷۳] پس شاید تصور شود که نقل رجال به یافتن نام پدر این راوی کمک می کند. با این همه، در مواردی که در منابع نام پدر کسی نیامده و تنها در یک منبع نام

۲۷۳ . برای نمونه مقـ: محاسن: ۳۴۷ با من لایحضر: ۲۶۶/۲. برای نمونه های متعدد دیگر بنگرید: معجم خویی: ۳۸/۲۱ ـ ۴۹.

عبدالله به عنوان پدر پیشنهاد شده است، معمولا این احتمال وجود دارد که آن منبع (فی المثل اسنادی که شیخ طوسی در جایی دیده بود) نام عبدالله را در معنای لغوی آن به کار برده باشد، نه آن که آن، نام حقیقی آن فرد باشد.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان از جمله نضر بن سوید (نجاشی: ۱۳۰) ـ که آن را توسط قاسم بن سلیمان بغدادی از مؤلف روایت می کند (مشیخه: ۴۳۷) ـ نقل نموده اند. تمامی بیش از پنجاه روایت از این مؤلف در کتب اربعه حدیث شیعی که در معجم خویی: ۴۰۱/۴ ـ ۴۰۲ فهرست شده (و نیز یک روایت در کامل الزیارات: ۵۳۲ – ۵۳۳، و به احتمال زیاد روایاتی در تفسیر عیاشی: ۳۲۱/۱، ۳۷۹، ۳۵۲/۲) از همین طریق ـ نضر بن سوید عن قاسم بن سلیمان عن

جراح ـ می باشد.

۱۲۲ . کثیر قنبری

ابوطارق کثیر بن طارق، از موالی بنوهاشم و نواده قنبر (خدمتگزار و دستیار مخصوص امام علی [علیه السلام]). وی از زید بن علی روایت می نمود.

[۳۱۰] نجاشی: ۳۱۹. نیز بنگرید: امالی طوسی: ۵۷۹، ۷۰۵.

وی ظاهرا در مکه سکونت داشته است. راوی از وی، محمد بن زکریا بن معاویه، قرشی مکی بوده، و یکی از مشایخ خود او هم دانسته است که از ساکنان همان شهر بوده است (امالی طوسی: ۵۷۹).

کتاب

دفتر حدیث این راوی که توسط راوی مکی، محمد بن زکریّا روایت شده است (نجاشی: ۳۱۹)، کسی که گاه (برای نمونه: امالی طوسی: ۵۷۹)، و شاید همیشه، به واسطه پدرش از مؤلف روایت می کند. شیخ طوسی، هشت روایت از این مؤلف در امالی: ۵۷ ـ ۵۸، ۵۷۹، ۷۰۳ ـ ۷۰۵ نقل کرده که همگی آنها توسط همان راوی و به احتمال زیاد از همین دفتر می باشد.

۱۲۳ . ابوالربیع شامی

ابوالربیع خالد بن اوفی عَنَزی شامی، راوی از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام).

برقی: ۱۰۷، نجاشی: ۱۵۳، ۴۵۵، فهرست طوسی: ۱۸۶، رجال او: ۱۳۴، ۳۲۵

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که عبدالله بن مسکان و خالد بن جریر بجلی آن را روایت کرده اند (نجاشی: ۱۵۳، ۴۵۵، فهرست طوسی: ۱۸۶). نزدیک به یک صد روایت از این مؤلف در آثار بعدی آمده که در معجم خویی: ۳۹۱/۷ ـ ۳۹۲، ۳۸۹/۲۱

ـ ۳۹۱ و فهارس بحار: ۵۳۷/۸ فهرست شده و با چند استثناء معدود، همه از طریق خالد بن جریر می باشد.[۲۷۴] شمار اندکی از آنها نیز

ص: ۳۷۷

توسط ابن مسکان روایت شده است (نمونه ها در: معانی: ۳۹۳، تأویل الایات: ۸۱۳ ـ ۸۱۴ [به نقل از تفسیر قمی، ولی آن در نسخه چاپی تفسیر منسوب به وی نیامده است]).

[۳۱۱] ۱۲۴ . خالد بَجَلی

خالد بن جریر بجلی، برادر اسحاق بن جریر (شماره ۱۱۴ در همین بخش)، یک عرب کوفی و راوی از امام صادق (علیه السلام).

برقی: ۸۷، رجال کشی: ۳۴۶، ۴۲۲ ـ ۴۲۳، نجاشی: ۱۴۹ ـ ۱۵۰، رجال طوسی: ۲۰۱

کتاب

دفتر حدیث او که حسن بن محبوب آن را روایت کرده است (نجاشی: ۱۵۰). تمامی نزدیک به پنجاه روایت باقی مانده از این مؤلف در آثار بعدی که در معجم خویی: ۷/۷، ۸، ۱۷، ۳۹۱ ـ ۳۹۲ و فهارس بحار: ۴۸۴/۸ فهرست شده، از طریق همین راوی می باشد.

۱۲۵ . خالد قَلانِسی

خالد بن مادّ، کلاهدوز، از موالی کوفه، و راوی از امام صادق (علیه السلام).

برقی: ۸۷ (به شکل خالد بن زیاد)، نجاشی: ۱۴۹، فهرست طوسی: ۶۶، رجال او: ۲۰۱ (به هر دو صورت خالد بن ماد و خالد بن زیاد)

به استثنای چند مورد معدود، نام پدر مؤلف در اسنادها همیشه «ماد» است، اما در چند مورد به صورت «زیاد» یا «حماد»، و در رجال ابن داود: ۱۳۸ ـ ۱۳۹ به شکل «باد» آمده است. به نظر می رسد مورد اخیر تصحیف باشد و دو مورد قبل از آن، کوشش هایی برای تصحیح. این وضعیت طبیعی تر به نظر می رسد تا عکس آن، چرا که تصحیف نام های معمول و شایع «زیاد» و «حمّاد» به نامی غیر شایع، آن هم در همه سندها، بسیار غیر محتمل به نظر می رسد. ممکن است که نام پدر مؤلف بر کتاب اصلی، ساییده شده یا به هر دلیل دیگر درست روشن خوانده نمی شده، و این تفاوت ها و اختلاف ها نشانگر صورت های مختلفی است که در باره نحوه خواندن آن نام به نظر افراد رسیده بود.

ص: ۳۷۸

---

۲۷۴ . همین مسأله در باره نقلهای مؤلف در تفسیر عیاشی: ۱۹۲/۱، ۳۰۰، ۳۴۲، ۳۴۸، ۳۶۱، ۲۶۴/۲ هم باید صادق باشد. برای نمونه مقایسه کنید تفسیر عیاشی: ۱۹۲/۱ و ۳۴۸ را به ترتیب با علل: ۱۳۸/۲ و معانی: ۲۴۰ ـ ۲۴۱.

حرفه وی به هر دو صورت قلانسی و بیاع القلانس یاد شده است (من لایحضر: ۳۶۳/۲).

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که نضر بن شعیب آن را روایت کرده است (نجاشی: ۱۴۹، فهرست طوسی: ۶۶. نیز مشیخه: ۴۴۴). بیشتر نقلهای باقی مانده از مؤلف به روایت همین راوی است، از جمله موارد زیر:

بصائر: ۱۰۴، ۱۶۰، ۱۹۵، ۳۰۹ ـ ۳۱۰، ۴۳۶

[۳۱۲] کافی: ۴۱۶/۱ ـ ۴۱۷، ۶۱۲/۲ (بخوانید «عن نضر بن شعیب»، چنان که در ثواب الاعمال: ۱۲۵)

من لایحضر: ۲۲۸/۱ (نیز بنگرید: کافی: ۵۸۶/۴ و کامل الزیارات: ۷۳ ـ ۷۴ [بخشی از آن نیز در ۷۸] که در این مأخذ، این روایت توسط راویان دیگری از مؤلف نقل شده است)، ۳۶۳/۲، ۲۱۳/۴ (نیز کافی: ۲۰/۷ که در آن جا نام خالد از اسناد افتاده است)

امالی صدوق: ۳۴۱، ۳۷۰

تهذیب: ۳۲۹/۳ (بخوانید: «عن نضر بن شعیب»)

چند روایت در باره حج که همه آنها را عمرو بن عثمان از علی بن عبدالله بجلی از مؤلف روایت می کند، می تواند از همین دفتر باشد. از جمله این موارد:

محاسن: ۶۸، ۷۰ (و نسخه ای دیگر در ص ۷۱)

کافی: ۲۵۲/۴

تهذیب: ۴۶۸/۵

۱۲۶ . ابوسعید قمّاط

ابوسعید خالد بن سعید کوفی قمّاط، راوی از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام).

برقی: ۱۱۹، نجاشی: ۱۴۹

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که توسط محمد بن سنان زاهری روایت شده است (نجاشی: ۱۴۹).

ص: ۳۷۹

روایات باقی مانده از این مؤلف توسط راوی مذکور شامل موارد زیر می باشد:

کافی: ۳۴۵/۲، ۱۸۴/۴ ـ ۱۸۶ (نیز علل: ۱۱۴/۲ ـ ۱۱۶)

کامل الزیارات: ۱۴۷ ـ ۱۴۸ (بخشی از آن نیز در ۱۴۱ ـ ۱۴۲)، ۳۲۲ (بخشی از آن نیز در ۲۹۶ که در آنجا نام وی از اسناد افتاده است)، ۴۴۸ ـ ۴۵۰ (دو روایت)

علل: ۲۹۲/۲

خصال: ۴۲۱ ـ ۴۲۲ (نیز معانی: ۱۵۴)

توحید: ۳۳۹

ثواب: ۳۶
[۳۱۳] تهذیب: ۳۵۵/۲، ۲۵۴/۷ (دو روایت)

۱۲۷ . ابوالعلاء خفاف
ابوالعلاء خالد بن طهمان سلولی کوفی، کفاش، راوی سنی حدیث که از امام باقر (علیه السلام) و دیگران روایت می نمود.
تاریخ یحیی بن معین: ۱۴۴/۲، تاریخ کبیر بخاری: ۱۵۷/۳، الکنی والاسماء مسلم: ۶۱۹، تاریخ عثمان دارمی: ۲۴۶، برقی: ۵۹، الکنی والاسماء دولابی: ۷۹۸، الجرح و التعدیل: ۳۳۷/۳، ثقات ابن حبان: ۲۵۷/۶، کامل ابن عدی: ۸۹۱، نجاشی: ۱۵۱ ـ ۱۵۲، و منابع دیگری که در پاورقی مصحح در تهذیب الکمال: ۹۴/۸ ـ ۹۵ آمده است.
ابن ابی حاتم او را شیعه می خواند و نجاشی سنی. در واقع، او یک راوی سنی با تمایلات شیعی است. برای نمونه روایات وی در آثار عمده حدیث سنی، بنگرید: سنن ترمذی: ۲۸۱/۱، ۲۲۶/۴ ـ ۲۲۷، ۲۶۳، ۲۴۲/۵ ـ ۲۴۳ (و منابع دیگری که در پاورقی های مصحح آمده است).

نسخة عن ابی جعفر (ع)
این اثر، دفتر یادداشت مرویّات او از امام باقر (علیه السلام) است (نجاشی: ۱۵۱). روایات باقی مانده این مؤلف از امام باقر (ع) ظاهرا همه از این دفتر گرفته شده است، از جمله موارد زیر:
کافی: ۶۶۴/۲، ۳۴۰/۴
رجال کشی: ۲۱۱

ص: ۳۸۰

امالی طوسی: ۴۵۳
تهذیب: ۱۱۳/۲ (به احتمال زیاد بخوانید: «عن ابی جعفر» به جای «عن جعفر»، همچنین در مکارم الاخلاق: ۱۲۰ که در آنجا روایت مؤلف از امام باقر (ع) در کافی: ۳۴۰/۴ [و من لایحضر: ۳۳۴/۲ ـ ۳۳۵] به اشتباه به امام صادق [ع] منسوب شده است. هیچ یک از رجال شناسان نگفته اند که مؤلف ما هرگز از امام صادق (ع) روایت کرده باشد).

۱۲۸ . خلاّد بزّاز
خلاّد سندی کوفی، بزّاز، راوی از امام صادق (علیه السلام).
[۳۱۴] نجاشی: ۱۵۴، فهرست طوسی: ۶۶، رجال او: ۱۹۹
نجاشی اظهار نظری را نقل می کند که بر اساس آن، این راوی می تواند همان خلاد بن خلف مقریء باشد که عموی ابوسمینه محمد بن علی صیرفی راوی، از موالی قریش، بود. این در حالی است که نجاشی: ۳۳۲ در مدخل مربوط به ابوسمینه، عموی او را خالد بن عیسی می شناسد. طوسی در فهرست: ۶۶ از یک خلاد بن خالد مقریء یاد می کند که

کتابش با اسنادی روایت شده است که حلقات نخست آن با اسناد نقلی از راوی ما که در تهذیب: ۳۷۸/۵ آمده، مشترک است.

کتاب

دفتر حدیث این راوی که توسط ابن ابی عمیر روایت شده است (نجاشی: ۱۵۴، فهرست طوسی: ۶۶). این دفتر حدیث بر جای مانده و در الاصول الستة عشر: ۱۰۶ ـ ۱۰۷ به چاپ رسیده است (برای اطلاعات بیشتر بنگرید به مقاله کالبرگ در باب اصول اربعمائه: ۱۵۵). نسخه برجای مانده، با همان اسنادی که در فهرست طوسی: ۶۶ یاد شده، مشتمل بر هشت حدیث است که چهار مورد آن در دیگر آثار شیعی هم آمده است (ش ۱ در کافی: ۲۳۳/۴ ـ ۲۳۴ [نیز من لایحضر: ۲۵۹/۲، علل: ۱۳۹/۲]، ش ۳ در کافی: ۱۱۱/۲ [نیز خصال: ۲۳]، ش ۴ در کافی: ۴۴۷/۵، ش ۶ در کافی: ۱۶۹/۷). یک نقل اضافی دیگر از این مؤلف در مصادقة الاخوان علی بن بابویه: ۸ آمده که در نسخه موجود از دفتر حدیث او نیست.

۱۲۹ . خیبری طحّان

ص: ۳۸۱

ابوسعید خیبری بن علی، آسیابان، یک شیعه غالی کوفی از پیروان مفضل جعفی.

رجال ابن غضائری: ۵۶، نجاشی: ۱۵۴ ـ ۱۵۵ (نیز بنگرید: ۵۵)

کنیه ابوسعید برای این راوی در کافی: ۵۲/۱ و کامل الزیارات: ۱۶۶ آمده است. برای نمونه هایی از افکار غالی وی بنگرید: بصائر: ۶۸، ۴۳۸ ـ ۴۳۹، کافی: ۴۷۴/۱.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که توسط محمد بن اسماعیل بن بزیع روایت شده است (رجال ابن غضائری: ۵۶، نجاشی: ۱۵۵، فهرست طوسی: ۱۹۳). نمونه هایی از نقل ها از این مؤلف از طریق همین راوی چنین است:

کافی: ۳۴۲/۳، ۵۸۳/۴ (بخوانید: «عن الخیبری»، چنان که در کامل الزیارات: ۲۶۳، ۲۸۸، ثواب: ۱۱۱، تهذیب: ۸۱/۶)، ۳۰۸/۵

[۳۱۵] کامل الزیارات: ۲۴۴، ۲۶۳ (تکرار شده در ۲۸۸)، ۲۸۰ (بخشی از آن نیز در ۲۷۸ ـ ۲۷۹، ۴۹۸ ـ ۴۹۹، ثواب: ۱۱۰)، ۳۰۴ ـ ۳۰۶ (نیز ثواب: ۱۱۸ ـ ۱۱۹)، ۴۶۵ (تکرار شده در ۴۶۷)

تهذیب: ۹/۶

۱۳۰ . کُلَیْب صیداوی

ابومحمد کلیب بن معاویه بن جَبَله صیداوی اسدی، یک کوفی عرب از صیدا (تیره ای از بنواسد)، و راوی از امام صادق و امام کاظم (علیهماالسلام).

برقی: ۵۹، ۶۶، رجال کشی: ۳۳۹ ـ ۳۴۰ (نیز بنگرید: کافی: ۳۹۱/۱)، نجاشی: ۳۱۸، فهرست طوسی: ۱۲۸، رجال او: ۱۴۴، ۲۷۴، ۴۳۶

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان آن را روایت کرده اند (نجاشی: ۳۱۸، فهرست طوسی: ۱۲۸. نیز مشیخه: ۴۵۶، ۵۱۰). تعداد قابل توجهی از روایات این مؤلف در آثار بعدی آمده است که در معجم خویی: ۱۲۳/۴ ـ ۱۲۴، ۳۷۲ و فهارس بحار: ۱۳/۱۰ ـ ۱۴ فهرست شده و عمدتا از طریق راویانی است که در منابع پیشگفته، نامشان به عنوان راویان این کتاب آمده است.

ص: ۳۸۲

۱۳۱ . لیث مرادی

ابوبصیر لیث بن بختری کوفی، راوی از امام صادق (علیه السلام).

برقی: ۵۶، ۶۵، رجال کشی: ۱۶۹ ـ ۱۷۴، رجال ابن غضائری: ۱۱۱، نجاشی: ۳۲۱، فهرست طوسی: ۱۳۰، [۳۱۶]رجال او: ۱۴۴، ۲۷۵، ۳۴۲. نیز بنگرید: قاموس الرجال: ۶۲۲/۸ ـ ۶۳۲.

کتاب

دفتر حدیث این راوی که شماری از راویان از جمله ابوجمیله مفضل بن صالح اسدی آن را روایت کرده اند (فهرست ابن ندیم: ۲۷۵، نجاشی: ۳۲۱، فهرست طوسی: ۱۳۰). بیش از شصت حدیث از این مؤلف در آثار بعدی آمده است که در معجم خویی: ۱۳۹/۱۴، ۱۵۱، ۳۷۲ ـ ۳۷۳ و فهارس بحار: ۲۳/۱۰ ـ ۲۴ فهرست شده و بسیاری از آنها از طریق همان راوی است.

۱۳۲ . ابومِخْنَف

ابومخنف لوط بن یحیی اسدی غامدی، مورخ کوفی، که آثارش مشتمل بر بیشتر اخباری است که شیعیان کوفه در باره تاریخ عصر اول خود روایت می کرده اند. او از امام صادق (ع) در کنار مشایخ دیگر روایت می کرد و به سال ۱۵۸ درگذشت.

برای تحلیلی از مواد و فهرستی از منابع شرح حال ابومخنف بنگرید: سزگین: ۳۰۸/۱ ـ ۳۰۹، نیز تک نگاری Ursula Sezgin با نام: Abu Mikhnaf: ein Beitrag zur Historiographie der umaiyadischen Zeit (Leiden, ۱۹۷۱)

ابن ندیم در فهرست: ۱۰۵ ـ ۱۰۶ و نجاشی: ۳۲۱ فهرستی طولانی از آثار ابومخنف به دست داده اند. طوسی در فهرست: ۱۲۹ ـ ۱۳۰ یک مورد دیگر را اضافه کرده که عبارت است از یک خطبه طولانی امام علی (ع) که در عقد

الفرید: ۷۶/۴ ـ ۸۰ درج شده است. مورخان بعدی مانند ابن شبه، بلاذری و طبری به طور گسترده از آثار ابومخنف استفاده کرده اند. Ursula Sezgin فهرستی از بیشتر این نقلها را به دست داده است. اخیرا کامل سلمان الجبوری در کتاب دو جلدی نصوص من تاریخ ابی مخنف (بیروت، ۱۹۹۹) تلاش کرده است تا آثار ابومخنف را با چینش

قطعات برجای مانده بر اساس ترتیب عناوین آثارش که در منابع کتابشناسی آمده، بازسازی کند.

۱۳۳ . ابن عطیّه احمسی

ابوالحسین مالک بن عطیه احمسی بجلی کوفی، یک عرب شیعی، و راوی از امام صادق (علیه السلام).

برقی: ۱۱۳، رجال کشی: ۳۶۷ ـ ۳۶۸، نجاشی: ۴۲۲ ـ ۴۲۳، فهرست طوسی: ۱۷۰، رجال او: ۳۰۲. نیز بنگرید: کافی: ۲۶۸/۸.

[۳۱۷] کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان از جمله حسن بن محبوب آن را روایت کرده اند (نجاشی: ۴۲۳، فهرست طوسی: ۱۷۰). بیش از یک صد حدیث از این راوی در کتابهای حدیث شیعی آمده است که در معجم خویی: ۳۷۴/۱۴ ـ ۳۷۸ و فهارس بحار: ۳۰/۱۰ ـ ۳۱ فهرست شده و بیشتر آنها از طریق راوی پیشگفته است.

۱۳۴ . ضبّی خزّاز

مَعْمر (یا: مُعَمَّر) بن یحیی بن سام (یا: سالم، یا: بسّام) ضبّی کوفی، فروشنده پوست خزّ، راوی از امام باقر و امام صادق (علیهماالسلام)، که در حلقه های سنی و شیعی روایت حدیث در زمان خویش شناخته شده بود.

تاریخ کبیر بخاری: ۳۷۷/۷، المعرفة و التاریخ: ۲۳۳/۳، برقی: ۵۲، ۶۶، الجرح و التعدیل: ۲۵۸/۸، ثقات ابن حبان: ۴۸۵/۷، نجاشی: ۴۲۵، رجال طوسی: ۱۴۵، ۳۰۷، الاکمال: ۲۷۰/۷، و منابع دیگری که در پاورقی مصحح در تهذیب الکمال: ۳۲۳/۲۸ آمده است.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که توسط ثعلبة بن میمون روایت شده است (نجاشی: ۴۲۵). تعداد قابل ملاحظه ای از روایات این مؤلف در آثار حدیثی سنی و شیعی باقی مانده که بسیاری از

آنها، از طریق همان راوی می باشد. برای آثار شیعی بنگرید به: معجم خویی: ۴۷۳/۱۸ ـ ۴۷۴، فهارس بحار: ۳۳۱/۱۰. برای نمونه هایی از روایات نقل شده از او در آثار سنی بنگرید: صحیح بخاری: ۷۵/۱، تفسیر طبری: ۲۶۱/۵ (بنگرید به پاورقی ش ۱ از مصحح در چاپ قاهره: ۱۹۵۰: ۱۶۸/۹) که هر دو روایت از امام باقر (ع) است.

۱۳۵ ابن حازم بَجَلی

ابوایوب منصور بن حازم کوفی، از موالی قبیله بجیله، که فردی دانشمند در جامعه شیعه کوفه در روزگار خویش بود. وی از امام صادق (علیه السلام) روایت می نمود.

برقی: ۱۰۰، رجال کشی: ۴۲۰ ـ ۴۲۱، نجاشی: ۴۱۳، فهرست طوسی: ۱۶۴، رجال او: ۳۰۶. نیز بنگرید: کافی: ۸۶/۱، ۴۲۲/۵.

[۳۱۸] ۱ ـ اصول الشرایع

کتاب کوچکی که یونس بن عبدالرحمن قمی متکلم آن را از مؤلف روایت می نمود (نجاشی: ۴۱۳). قطعه ای در کافی: ۱۸۸/۱ ـ ۱۸۹ (و بخشی از آن نیز در ۱۶۸ ـ ۱۶۹، متن کامل آن قطعه نیز در رجال کشی: ۴۲۰ ـ ۴۲۱) آمده که می تواند بخشی از این کتاب بوده باشد.

۲ ـ کتاب الحج

(نجاشی: ۴۱۳). نقلها از این مؤلف در باره احکام حج که همه به حسب قاعده از همین کتاب است، شامل نمونه های زیر می باشد:

تفسیر عیاشی: ۹۲/۱

کافی: ۲۳۳/۴، ۲۳۶، ۲۹۵ ـ ۲۹۶ (دو روایت)، ۳۳۳، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۹۰، ۴۱۶، ۴۲۱، ۴۴۵، ۴۸۱، ۴۹۵، ۵۱۶ ـ ۵۱۷

من لایحضر: ۲۵۶/۲، ۳۵۴، ۴۸۷، ۵۰۴

علل: ۱۳۰/۲، ۱۳۸

ثواب: ۷۳

تهذیب: ۸۴/۵، ۱۱۰، ۱۲۹ ـ ۱۳۰، ۱۴۱، ۱۹۰، ۲۰۳ ـ ۲۰۴، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۹ ـ ۳۸۰، ۳۸۹، ۴۰۲

ص: ۳۸۵

اقبال: ۳۴۱/۱

۳ ـ کتاب

دفتر حدیث مؤلف که ابن ابی عمیر، صفوان بن یحیی و سیف بن عَمیره نخعی آن را روایت کرده اند (فهرست طوسی: ۱۶۴. نیز مشیخه: ۴۳۴). به نظر می رسد که ابن ابی عمیر، کتاب یاد شده را مع الواسطه دریافت کرده (چنان که در کافی: ۲۹۵/۴، ۳۸۱، ۴۹۵، ۵۰۹، تهذیب: ۳۶/۵، ۳۹، ۴۲، ۲۱۵)، گرچه گهگاه نام واسطه را نمی گوید (برای نمونه: کافی: ۳۹/۱، ۳۹۵، ۱۰۵/۲، ۱۷۹/۶، ۴۴۰/۷، تهذیب: ۲۴۹/۵، ۳۷۴). اکثریت نزدیک به پانصد روایت از این مؤلف در آثار

بعدی که در معجم خویی: ۳۳۸/۱۸، ۳۴۲ ـ ۳۴۴، ۴۸۴ ـ ۴۹۵ و فهارس بحار: ۳۵۴/۱۰ فهرست شده، از طریق دو راویِ دیگر این دفتر (صفوان و سیف بن عمیره) است.

۱۳۶ . منصور سرّاج

ابویحیی منصور بن یونس بُزُرج، زین ساز، از موالی کوفی قریش، و راوی از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام). وی پس از وفات امام کاظم (ع) به واقفه پیوست.

[۳۱۹] برقی: ۱۰۰، رجال کشی: ۴۶۸ ـ ۴۶۹، نجاشی: ۴۱۳، فهرست طوسی: ۱۶۴، رجال او: ۳۰۶، ۳۴۳. نیز بنگرید: کمال الدین: ۵۱۶، ۵۱۷ ـ ۵۱۸.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که ابن ابی عمیر، علی بن حدید و محمد بن اسماعیل بن بزیع آن را روایت کرده اند (نجاشی: ۴۱۳، فهرست طوسی: ۱۶۴، رجال او: ۳۴۳. نیز مشیخه: ۴۸۵). اکثریت انبوه بیش از یک صد و پنجاه روایت از این مؤلف در آثار بعدی که در معجم خویی: ۳۳۸/۱۸، ۳۴۰، ۳۴۱ ـ ۳۴۲، ۳۵۳ ـ ۳۵۶، ۴۹۸ ـ ۵۰۲ و فهارس بحار: ۲۱۳/۸، ۳۵۴/۱۰، ۳۵۷ فهرست شده، توسط همین راویان روایت شده است.

۱۳۷ . ابن مسلم

ص: ۳۸۶

مروان بن مسلم کوفی، که از امام صادق (ع) و برخی از اصحاب آن حضرت روایت می نمود.

نجاشی: ۴۱۹، فهرست طوسی: ۱۶۹ ـ ۱۷۰

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان از جمله علی بن یعقوب هاشمی و حسن بن علی بن فضال از او روایت کرده اند (نجاشی: ۴۱۹، فهرست طوسی: ۱۶۹ ـ ۱۷۰. نیز مشیخه: ۴۷۷). اکثریت انبوه نزدیک به یک صد روایت از این راوی در آثار بعدی که در معجم خویی: ۱۲۲/۱۸ ـ ۱۲۴، ۴۰۹ ـ ۴۱۱ و فهارس بحار: ۲۹۷/۱۰ فهرست شده، از طریق این دو راوی است.

۱۳۸ . مسعده رَبَعی

ابومحمد مسعدة بن صدقه ربعی بصری، راوی از امام صادق (علیه السلام).

برقی: ۹۸، رجال کشی: ۳۹۰، نجاشی: ۴۱۵، فهرست طوسی: ۱۶۷، رجال او: ۱۴۶، ۳۰۶، میزان الاعتدال: ۹۸/۴۱، لسان المیزان: ۶۹۰/۶

[۳۲۰] کنیه این راوی، به صورت های ابومحمد (نجاشی: ۴۱۵، رجال طوسی: ۳۰۶)، ابوبشر (نجاشی: ۴۱۵ به نقل از یک منبع نامشخص، اما در کافی: ۶۵۲/۲ ابوبشر به عنوان کنیه مسعدة بن الیسع ذکر شده) و ابوالیسع (التدوین: ۴۷۷/۲، در اسناد تحریر دیگری از همان متن کافی: ۶۵۲/۲) آمده است. بشر با الف و لام هم دیده شده هرچند بدون آن مستعمل تر است. پس ابوبشر (در شکل ابوالبشر) شاید تصحیف همین ابوالیسع باشد. یا آن که ابوالیسع در آغاز به «ابوالیَسَر» تصحیف شده و سپس به ابوبشر تصحیح شده بود به علاقه تلازم معنوی بشر و سعادت (چنان که فی المثل، در تلازم حمد و ثنا، که هر محمود «ابوالثناء» است مگر آن که خلاف آن ثابت شود). نسبت قبیله ای او هم به صورت های رَبَعی (معمولا در اسانید، نیز در مشیخه: ۴۴۰)، عبدی (معمولا در منابع رجالی، اما نیز در اسانید چنان که در امالی احمد بن عیسی: ۴۹۷/۴، امالی طوسی: ۵۷۲ [نیز تاریخ خطیب: ۲۳/۱۴]، عَبْسی (رجال طوسی: ۳۰۶) و عیسی (تفسیر فرات: ۳۶۴) آمده است. همچنان که سابقا گذشت، عبدی نمایانگر انتساب به قبیله بنو عبدالقیس، تیره ای از ربیعه، می باشد. بنابر این تعارضی میان دو نسبت ربعی و عبدی نیست. منسوبان به بنو عبدالقیس را «عبقسی» هم می توان خواند که به نظر می رسد عبسی و عیسی، دو شکل تصحیف شده آن باشد.

ص: ۳۸۷

کشی و طوسی در رجال: ۱۴۶ این راوی را غیر شیعی می شناسند (نیز بنگرید: تهذیب: ۱۶۸/۸). روایات وی هم از امام صادق (ع) اشاره به غیر شیعی بودن او دارد، همیشه از رهگذر سبک روایت (هم در بردن نام امام به صورت جعفر بن محمد، در برابر روش شیعیان که معمولا با کنیه از آن حضرت یاد می کنند، و هم در روایت کردن از ایشان فقط به عنوان یک راوی از پیامبر، در مقابل روش امامیه که معمولا مطالب ائمه را، جز در مورد تصریح به خلاف، به عنوان سخنان خود ایشان نقل می کنند)، و گاهی از نظر محتوا نیز (برای نمونه بنگرید: تهذیب: ۱۶۲/۹). با این حال، تعدادی از روایات وی صبغه قوی شیعی دارد (برای نمونه: قرب الاسناد: ۹، تفسیر عیاشی: ۱۴۱/۲ [که آن از مسعده می باشد، چنان که در شواهد التنزیل: ۳۵۶/۱ آمده است]، کامل الزیارات: ۳۰۶ ـ ۳۰۹)، قوی تر از آن که یک سنی به راحتی بتواند آن را تحمل کند (البته افزوده های بعدی هم گاه در روایات او وجود دارد، چنان که برای مثال در کفایة الاثر: ۲۶۰ ـ ۲۶۲، دلائل الامامة: ۵۳۰ ـ ۵۳۴). در تفسیر قمی: ۱۷۶/۱ مسعده از امام صادق (ع) می پرسد که آیا یک شیعه می تواند برای دولت کار کند؟ در این مورد، اگر پرسشگر خود شیعه نباشد، پرسش غیر عادی است. ولی البته این مفهوم از تشیع الزاما به معنای تشیع امامی مصطلح نیست.

برخی از تفاصیل مربوط به شرح حال این راوی، شباهت زیادی به شخص معاصر او مسعدة بن زیاد ربعی، و شباهت کمتری با یک راوی دیگر معاصر آن دو، مسعدة بن الیسع باهلی دارد (برای اطلاعات بیشتر بنگرید: قاموس الرجال: ۵۴/۱۰ ـ ۵۶). گاهی متن واحدی در یک منبع به یکی از اینان و در منبعی دیگر، به فرد دیگری از آنان نسبت داده شده است.[۲۷۵] اما از قرب الاسناد حمیری این مقدار را به روشنی می توان فهمید که دو کتاب حدیث مختلف منسوب به دو

۲۷۵ . در باره مسعده بن زیاد، مقایسه کنید برای نمونه: **کافی**: ۶۵/۵، ۲۹۸، ۴۳۹، ۴۳۹/۶ (همه از مسعدة بن صدقة) را به ترتیب با **قرب الاسناد**: ۷۹ (ش ۲۵۸)، ۸۴ (ش ۲۷۶)، **تهذیب**: ۳۱۴/۷ (ش ۱۳۰۳)، و **ثواب**: ۲۹۱ (همه از مسعدة بن زیاد)، نیز مقـ : **خصال**: ۵۵ با **قرب الاسناد**: ۴۶ (ش ۱۵۰). اما در باره مسعدة بن الیسع مقـ : **کافی**: ۶۵۲/۲ (از مسعدة بن الیسع) را با تحریر دیگری در **التدوین**: ۴۷۷/۲ (از ابوالیسع مسعدة بن صدقه)، **محاسن**: ۴۷۶ (از

اسم اول، در اواسط قرن سوم وجود داشته است، زیرا که حمیری همیشه از این دو نفر، مجموعه هایی از چند روایت را در گروه هایی جداگانه و مشخص در جای جای کتابش نقل می کند.

ص: ۳۸۸

[۳۲۱] ۱ . کتاب خطب امیر المؤمنین (علیه السلام)

(نجاشی: ۴۱۵). نقلهای متعددی که در آثار بعدی شیعه در باره خطبه ها و دیگر کلمات امام علی (ع) به روایت این راوی آمده، می تواند بخش هایی از این کتاب بوده باشد. نمونه ها شامل موارد زیر است:

قرب الاسناد: ۱، ۱۰، ۱۱، ۱۲ (دو روایت)، ۱۳، ۴۵، ۵۰، ۵۵، ۶۳، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۷۶

محاسن: ۵۸۵

تفسیر عیاشی: ۷/۱ ـ ۸، ۱۳، ۱۰۲ ـ ۱۰۳، ۱۶۳، ۲۴۲، ۳۸۴، ۹/۲، ۱۷ ـ ۱۸، ۲۰۳، ۲۲۳

کافی: ۵۴/۱ ـ ۵۵، ۵۷ ـ ۵۸، ۶۰ ـ ۶۱، ۲۱۹/۲، ۳۰۰، ۶۷۰، ۱۱۸/۳ ـ ۱۱۹، ۴/۴ ـ ۶، ۳۱، ۴۳، ۲۲۰، ۳۲۳، ۳۵۲، ۵۳۴ ـ ۵۳۵، ۲۲۱/۶ ـ ۲۲۲، ۴۶۰/۷ (نیز تفسیر قمی: ۶۰/۲ ـ ۶۱)، ۶۳/۸ ـ ۶۶، ۲۳۹/۴۰ (نیز علل: ۱۴۸/۲)

تفسیر فرات: ۵۵ ـ ۵۶

هدایه خصیبی: ۳۶۲ (نیز کمال الدین: ۳۰۲)

امالی صدوق: ۱۷۰ ـ ۱۷۱

من لایحضر: ۷۱/۲ ـ ۷۲

علل: ۲۰۹/۲

توحید: ۴۸ ـ ۵۶ (نیز زین الفتی: ۱۶۸/۱ ـ ۱۷۲، نهج البلاغه: ۱۲۴ ـ ۱۳۶ [خطبه ۹۱]، هر دو با اختلافاتی در متن)

ارشاد: ۲۹۰/۱ ـ ۲۹۱، ۲۹۱ ـ ۲۹۴

امالی ابی طالب: ۱۸۲ ـ ۱۸۴، ۱۹۳ ـ ۱۹۵، ۳۳۹

امالی طوسی: ۵۷۲ (نیز تاریخ بغداد: ۲۳/۱۴)

تهذیب: ۲۸۱/۴، ۲۹۹، ۱۴۷/۶ ـ ۱۴۸، ۱۶۲/۹، ۱۷۳، ۸۱/۱۰ (نیز بنگرید: ۳۳۱/۱ [تکرار شده در ۳۳۲/۳])

تاریخ دمشق: ۳۹۰/۳۶ (نیز میزان الاعتدال: ۹۸/۴)

احتجاج: ۶۲۶/۱ ـ ۶۳۱

مناقب ابن شهر آشوب: ۹۷/۲ (نیز بنگرید: ۲۶۴/۲ که در آن «مسعدة بن الیسع» می تواند تصحیف «مسعدة ابی الیسع» باشد. مشابه همین ملاحظه را می توان در باره کامل الزیارات: ۵۳۰ داشت. نیز بنگرید: الحجة علی الذاهب: ۲۵)

[۳۲۲] بیشتر روایات بالا از مؤلف به روایت هارون بن مسلم بن سعدان کاتب (زنده در

مسعدة بن الیسع) را با کافی: ۳۲۳/۶ (از مسعدة بن صدقه بن الیسع [که به احتمال زیاد باید این گونه خواند: عن مسعدة بن صدقة ابی الیسع]). روشن است که تردیدهایی از همان زمان در باره اسانیدی وجود داشته که در آن «مسعده» نامی از امام صادق (ع) روایت می کرده است.

ص: ۳۸۹

۲۴۰) می باشد که در نجاشی: ۴۱۵ به عنوان راوی این اثر شناخته شده است; اما اندکی از این روایات، به روایت راوی دیگر میانه قرن سوم، جعفر بن عبدالله محمدی است که با واسطه ابوروح فرج بن فروه (کافی: ۴/۵ ـ ۶، ۶۳/۸ ـ ۶۶، تفسیر فرات: ۵۵ ـ ۵۶ [نیز بنگرید: ۳۶۴، ۴۲۵]، توحید: ۴۶ ـ ۵۶ [نیز زین الفتی: ۱۶۸/۱ ـ ۱۷۲، امالی ابی طالب: ۱۹۳ ـ ۱۹۵]) السلمی (زین الفتی: ۱۶۸/۱) از این مؤلف نقل می کند. حسن بن سلیمان حلی، مؤلف اواخر قرن هشتم، مجموعه ای از خطبه های امام علی (علیه السلام) را وصف می کند که نسخه ای از آن را با یادداشتی که به خط رضی الدین علی بن طاوس (م ۶۶۴) بود، مشاهده کرده بود. بخشی از آن کتاب، توسط ابوروح فرج بن فروه از مسعدة بن صدقه نقل شده بود (مختصر بصائر: ۱۹۵).

۲ . کتاب

دفتر حدیث مؤلف که عبدالله بن جعفر حمیری، دانشمند اواخر قرن سوم، آن را از طریق هارون بن مسلم کاتب پیشگفته، از مؤلف روایت کرده است (فهرست طوسی: ۱۶۷). عبدالله بن جعفر چندین قطعه کوتاه و بلند از این کتاب را در قرب الاسناد: ۱ ـ ۱۳ (ش ۱ ـ ۳۹)، ۴۵ ـ ۵۰ (ش ۱۴۷ ـ ۱۶۳به استثنای ش ۱۵۹)، ۵۴ ـ ۵۶ (ش ۱۷۸ ـ ۱۸۱)، ۶۲ ـ ۷۹ (ش ۱۹۸ ـ ۲۵۵) نقل کرده که جمعا ۱۱۷ روایت می شود. تقریبا تمامی نقلهای فراوان دیگر مسعده از امام صادق (ع) که در معجم خویی: ۱۳۵/۱۸ ـ ۱۳۹، ۴۱۴ ـ ۴۱۶ و فهارس بحار: ۳۰۱ ـ ۳۰۲ فهرست شده از طریق راوی پیشگفته است. اما منابع سنی و زیدی، گاهی از طریق فرج بن فروه (چنان که گذشت)، سعید بن عمرو عنزی (برای نمونه: امالی احمد بن عیسی: ۷۰/۱، ۲۹۷/۴، ۲۹۹، تاریخ دمشق: ۳۹۰/۳۶) و دیگران از مسعده نقل می کنند.

۱۳۹ . مسعده باهلی

مسعدة بن الیسع بن قیس باهلی بصری، یک راوی سنی حدیث که گاهی در مکه می زیست. وی عمدتا از امام صادق (ع) روایت کرده است.

علل احمد: ۲۶۷/۳، تاریخ اوسط بخاری: ۱۲۵/۲، تاریخ کبیر او: ۲۶/۸، برقی: ۹۸، ضعفاء عقیلی: ۲۴۵/۴، الجرح و التعدیل: ۳۷۰/۸ ـ ۳۷۱، مجروحین ابن حبان: ۳۵/۳، کامل ابن عدی: ۲۳۸۶ ـ ۲۳۸۷، ضعفاء دارقطنی: ۱۵۹، نجاشی: ۴۱۵، فهرست طوسی: ۱۶۷، رجال او: ۳۰۶، و منابع دیگری که در پاورقی مصحح در لسان المیزان: ۶۹۱/۶ آمده است.

ص: ۳۹۰

[۳۲۳] کتاب

دفتر حدیث مؤلف (نجاشی: ۴۱۵، فهرست طوسی: ۱۶۷). همان گونه که گذشت، این مؤلف به طور عمده از امام صادق (ع) روایت حدیث می کرده، نکته ای که سبب جلب توجه شیعیان به مرویات او شده است. نمونه های روایت وی از دیگر مشایخ متقدم هم وجود دارد (برای نمونه: مسند ابی یعلی: ۱۳۲/۴، ضعفاء عقیلی: ۲۴۵/۴، معجم صغیر طبرانی:

۸۴/۱، کامل ابن عدی: ۲۳۸۶ [سه روایت]، سنن دارقطنی: ۹۲/۴، لسان المیزان: ۶۹۱/۶) اما بیشتر نقلهای برجای مانده از وی از امام صادق (ع) است، چنان که در نمونه های زیر:

محاسن: ۴۵۹، ۴۷۶، ۴۹۱، ۵۷۰، ۵۷۶ (همه از وی با یک سند)

قرب الاسناد: ۱۵۹

امالی احمد بن عیسی: ۲۵۰/۱

تفسیر طبری: ۱۲۴/۱۳

قبول الاخبار ابوالقاسم بلخی: ۳۱۹/۲

کافی: ۶۵۲/۲ (مقـ : التدوین: ۴۷۷/۲)، ۵۲۴/۶

مجروحین ابن حبان: ۳۵/۳ (نیز در لسان المیزان: ۶۹۲/۶ به نقل از تاریخ کبیر ابن ابی خیثمه[م ۲۷۹])

کامل ابن عدی: ۲۳۸۶ ـ ۲۳۸۷ (سه روایت)

سنن دارقطنی: ۷۰/۱

ارشاد: ۱۲۴/۱ ـ ۱۲۸

شعب الایمان: ۹۲/۵، ۱۰۶ (از کامل ابن عدی: ۲۳۸۷، متن کامل تر در میزان الاعتدال: ۹۸/۴)

مسند فردوس (ازبک: ۲۲۱۴)

مناقب ابن شهر آشوب: ۲۶۴/۲

۱۴۰ . ابن زیاد رَبَعی

مسعدة بن زیاد رَبَعی کوفی، راوی از امام صادق (علیه السلام).

برقی: ۹۸، نجاشی: ۴۱۵، فهرست طوسی: ۱۶۷، رجال او: ۱۴۶، ۳۰۳

۱ . کتاب فی الحلال و الحرام

ص: ۳۹۱

کتابی در احکام شرعی بر اساس ابواب مختلف فقه که توسط عبدالله بن جعفر حمیری از طریق هارون بن مسلم بن سعدان کاتب، از مؤلف روایت شده است (نجاشی: ۴۱۵). نقلهای اندکی از مؤلف در باره مسائل فقهی، متناسب با عنوان بالاست. از جمله نمونه های زیر:

[۳۲۴] قرب الاسناد: ۸۱ ـ ۸۵

کافی: ۴۳۷/۶

من لایحضر: ۲۹۲/۳، ۴۵۱ (نیز خصال: ۴۳۸، تهذیب: ۱۹۸/۸)

عقاب: ۲۹۰، ۲۹۱ ـ ۲۹۲

تهذیب: ۱۸۴/۷، ۴۷۴

بیشترین نقلهای برجای مانده از این راوی، در مباحث غیر فقهی است.

۲ ـ کتاب

دفتر حدیث مؤلف که عبدالله بن جعفر حمیری توسط هارون بن مسلم پیشگفته، از مؤلف روایت کرده است (رسالة ابی غالب: ۱۸۳، فهرست طوسی: ۱۶۷). ۲۹ روایتی که جمعا در دو قسمت، عبدالله بن جعفر در قرب الاسناد: ۲۸ ـ ۲۹ (ش ۹۲ ـ ۹۵) و ۷۹ ـ ۸۶ (ش ۲۵۶ ـ ۲۸۱) از طریق هارون بن مسلم از این مؤلف روایت کرده، به روشنی از این دفتر حدیث است نه از کتاب فقهی او. نسخه ای از این دفتر در اواسط قرن هفتم، در دسترس ابن طاوس قرار داشته که از آن در محاسبه: ۳۴ ـ ۳۵ و فلاح: ۳۷۶ ـ ۳۷۷ خود نقل کرده است (برای اطلاعات بیشتر بنگرید: کتابخانه ابن طاوس: ۱۲۵).

افزون بر آن، تعداد قابل ملاحظه ای از روایات این مؤلف در آثار دیگر شیعی آمده است که همه آنها، با یک استثناء، توسط هارون بن مسلم روایت شده و شامل نمونه های زیر می باشد:

محاسن: ۵۰۹، ۵۳۹ (نیز کافی: ۳۵۲/۶)، ۵۴۵

بصائر: ۸

تفسیر عیاشی: ۲۸۳/۱

کافی: ۵۳۱/۱ ـ ۵۳۲، ۱۸/۳ (نیز علل: ۲۷۱/۱، تهذیب: ۴۴/۱)، ۳۵۲/۵، ۴۳۷/۶

کامل الزیارات: ۵۳۰

امالی صدوق: ۱۶۷ (نیز خصال: ۱۱۴، معانی: ۲۳۲)، ۳۶۳ (نیز ثواب: ۲۲۱)

من لایحضر: ۲۹۲/۳، ۳۸۶، ۴۵۱ (نیز خصال: ۴۳۸، تهذیب: ۱۹۸/۸)

ص: ۳۹۲

علل: ۱۱/۱

عقاب: ۲۹۰، ۲۹۱ ـ ۲۹۲، ۳۰۲ (نیز خصال: ۲۹۶)، ۳۰۳ ـ ۳۰۴ (دو روایت)

خصال: ۵۵ (مقـ : قرب الاسناد: ۴۶ که در آن جا همین خبر به مسعدة بن صدقه نسبت داده شده است)، ۸۵، ۱۱۳

معانی: ۳۹۹

[۳۲۵] امالی مفید: ۲۲۷ ـ ۲۲۸ (تکرار شده در ۲۹۲)

امالی طوسی: ۲۰۳ (بخوانید: «مسعده» به جای «سعید»)، ۵۴۳

تهذیب: ۱۸۴/۷، ۴۷۴، ۴۷۵، ۲۰۶/۱۰

۱۴۱ . مِسْمَع کُرْدین

ابوسیار مسمع بن عبدالملک بصری، معروف به کردین، یک عرب شیعی از خاندان سرشناس مسامعه و رئیس قبیله بکر بن وائل (تیره ای از ربیعه) در بصره. وی از امام صادق (علیه السلام) روایت می نمود.

برقی: ۱۱۱، رجال کشی: ۳۱۰، مشیخه: ۴۵۱، نجاشی: ۴۲۰، جمهره ابن حزم: ۳۰۱، فهرست طوسی: ۱۲۸ ـ ۱۲۹، رجال او: ۱۴۵، ۳۱۲، الاکمال ابن ماکولا: ۱۸۱/۷. نیز بنگرید: کامل الزیارات: ۲۰۳، اختصاص: ۲۹۰.

در باره «مسامعه» بنگرید به مدخل مربوط به آنان در دائرة المعارف اسلام، ویرایش دوم، ۶۴۰/۶ (از P. Crone، نیز معجم البلدان یاقوت: ۱۲۲/۵). ابن حزم در جمهره: ۳۰۱ می گوید که راوی ما، همراه تعدادی از اعضای خانواده اش، به قیام عبدالله بن ابراهیم بن حسن (برادر نفس زکیه) در بصره علیه منصور عباسی، که در سال ۱۴۵ صورت گرفت، پیوست.

مسمع منبعی برای ابوعبیده معمر بن مثنی (م ۲۰۹)، ادیب و مورخ بصره، به شمار می آمد که سخنی از امام باقر (ع) را از طریق وی در البیان و التبیین جاحظ: ۲۹۰/۳ و شعری از فرزدق (م ۱۱۰) را در ستایش بکر بن وائل از او در تاریخ طبری: ۲۴۵/۵ نقل کرده است.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که عبدالرحمان بن عبدالله اصمّ از وی روایت کرده است (فهرست طوسی: ۱۲۹). اکثر نزدیک به دویست و پنجاه روایت از این راوی در متون حدیث شیعی که در معجم خویی: ۱۵۴/۱۸ ـ ۱۶۱، ۴۱۶ ـ ۴۲۱ و فهارس بحار: ۱۰/۱۰، ۳۱۰ فهرست شده از طریق همان

ص: ۳۹۳

راوی می باشد. این دفتر حدیث در میانه قرن هفتم در اختیار ابن طاوس بوده که از آن در فلاح السائل: ۳۳۳ نقل کرده است (بخوانید: «مسمع کردین» به جای «کردین بن مسمع»). (برای اطلاعات بیشتر بنگرید: کتابخانه ابن طاوس: ۲۲۶).

[۳۲۶] ۱۴۲ . ابن خُنَیس

ابوعبدالله معلّی بن خنیس، بزّاز، از موالی کوفه که در مدینه می زیست و دستیار امام صادق (علیه السلام) بود. وی به دستور داود بن علی عباسی حاکم مدینه به سال ۱۳۳ کشته شد.

برقی: ۷۸، رجال کشی: ۳۷۶ ـ ۳۸۲ (همچنین بنگرید: ۲۴۷، ۲۴۸)، مشیخه: ۴۶۸ ـ ۴۶۹، رجال ابن غضائری: ۸۷، نجاشی: ۴۱۷، رجال طوسی: ۳۰۴. نیز بنگرید: طبقات ابن سعد: ۲۴۹/۵ ـ ۲۵۰، کافی: ۵۱۳/۲، ۵۵۷، تهذیب الکمال: ۳۹۶/۲۰.

داود بن علی در اواخر سال ۱۳۲ توسط ابوالعباس سفاح به عنوان حاکم مدینه تعیین گردید و این سمت را برای سه ماه در اختیار داشت و در ربیع الاول سال ۱۳۳ درگذشت (تاریخ طبری: ۴۵۹/۷). روایتی در بصائر: ۲۱۸، کافی: ۵۱۳/۲ و رجال کشی: ۳۷۷ ـ ۳۷۸ حاکی از آن است که داود تنها اندکی پس از کشتن معلی بن خنیس مرد.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که صفوان بن یحیی آن را توسط ابوعثمان احول از معلی بن خنیس روایت کرده است (نجاشی: ۴۱۷، فهرست طوسی: [چاپ کلکته، ۱۸۵۳]: ۳۳۴ ـ ۳۳۵). این باید همان کتاب ابوعثمان احول باشد که در نجاشی: ۴۵۸ و فهرست طوسی: ۱۸۸ از آن یاد شده است (بنگرید: قاموس الرجال: ۱۶۳/۱۰). نقل های فراوانی از معلی توسط ابوعثمان احول که غالبا صفوان روایت نموده وجود دارد که از آن جمله نمونه های زیر است:

نوادر احمد بن محمد بن عیسی: ۸۴ (و از آنجا در تهذیب: ۲۶۱/۷)

محاسن: ۲۳۹ (نیز کمال الدین: ۲۳۱)، ۳۶۵ (سه روایت، یکی نیز در کافی: ۲۳/۳)، ۴۵۸ (نیز کافی: ۲۷۲/۶)، ۵۶۱ (نیز کافی: ۲۳/۳)، ۵۷۵ (نیز کافی: ۳۸۳/۶)

بصائر: ۳۹ (نیز ۴۱ با تفاوت هایی)، ۱۵۸، ۱۶۲، ۴۷۴ (نیز کافی: ۲۷۷/۱)

کافی: ۳۳۶/۳، ۲۵۷/۵ (نیز تهذیب: ۳۸۰/۶ با اختلاف)

تأویل ما نزل من القرآن: ۲۰۰ ـ ۲۰۱، ۲۰۳

کمال الدین: ۶۵۰ (تکرار شده در ۶۵۲)

تهذیب: ۲۶۲/۲، ۴۸/۳، ۲۳۳/۷، ۳۲۴[۲۷۶]

[۳۲۷] ۱۴۳ . معاویة بن عمّار دُهنی

ابوالقاسم معاویة بن عمار بجلی دهنی کوفی، راوی از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام). پدرش عمار بن خباب (م ۱۳۳) از امام باقر (ع) و دیگران روایت می کرده و در محافل سنی هم شناخته شده بود. معاویه که فروشنده لباس های شاپوری بوده، از افراد سرشناس جامعه شیعه کوفه در روزگار خود بود و به سال ۱۷۵ درگذشت.

تاریخ یحیی بن معین: ۵۷۳/۲، سؤالات ابن جنید: ۱۶۱، تاریخ کبیر بخاری: ۳۳۵/۷ ـ ۳۳۶، برقی: ۹۰، الجرح و التعدیل: ۳۸۵/۸، رجال کشی: ۳۰۸ ـ ۳۰۹، ثقات ابن حبّان: ۱۶۷/۹، نجاشی: ۴۱۱، فهرست طوسی: ۱۶۶، رجال او: ۳۰۳، و منابع دیگری که در پاورقی مصحح بر تهذیب الکمال: ۲۰۲/۲۸ فهرست شده است.

در باره عمار دهنی، پدر راوی ما، بنگرید: تهذیب الکمال: ۲۰۸/۲۱ ـ ۲۰۹ ومنابع بسیار دیگری که در پاورقی مصحح در همین مأخذ آمده است. زرکلی در اعلام ۲۶۲/۷ راوی ما را با پدرش خلط کرده است.

حرفه این مؤلف در رجال کشی (نیز بنگرید: تهذیب: ۳۶۲/۲) آمده است. در باره روابط وی با جامعه اهل سنت کوفه، برای نمونه بنگرید: کافی: ۱۹/۷. برای نمونه هایی از روایات وی در منابع حدیثی سنی بنگرید: ابن سعد ۴: ۳۲ (بخوانید «دهنی» به جای «ذهبی»)، ۲۷۶/۶، خلق افعال العباد بخاری: ۹ (نسخه ای دیگر از این روایت نیز در همان: ۲۱، نیز الرّد علی الجهمیة عثمان دارمی: ۸۸)، صحیح مسلم: ۹۹، تاریخ دمشق: ۳۷۴/۴۲.

۱ ـ کتاب الحج

---

۲۷۶ . در دو مورد از موارد بالا (کافی: ۳۳۶/۳، تهذیب: ۳۲۴/۸) شخصی غیر از صفوان از ابوعثمان احول روایت می کند. از سوی دیگر در نوادر: ۸۴ و کمال الدین: ۶۵۰، ۶۵۲، صفوان از شخصی به جز ابوعثمان احول از معلی روایت می کند.

این کتاب به طور گسترده روایت شده و شمار فراوانی از راویان آن را روایت کرده اند (نجاشی: ۴۱۱، فهرست طوسی: ۱۶۶). با توجه به بیش از سیصد نقل از این مؤلف در باره این موضوع که برخی از آنها چندین صفحه است (برای نمونه: کافی: ۲۴۵/۴ ـ ۲۴۸) و بیشترشان توسط همان راویانی که نجاشی و طوسی به عنوان راوی کتاب نام برده اند، روایت شده، به نظر می رسد که تمامی محتوای این کتاب باقی مانده باشد. چنین است فهرست آن نقلها:[۲۷۷]

نوادر احمد بن محمد بن عیسی: ۱۳۷ ـ ۱۳۹

محاسن: ۶۳، ۶۵، ۷۲، ۳۳۵ ـ ۳۳۶ (دو روایت)، ۳۳۷ ـ ۳۳۸ (دو روایت)، ۳۴۰

تفسیر عیاشی: ۹۱/۱، ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۹۷، ۹۹، ۱۹۰ (بخشی از آن نیز در توحید: ۳۴۴ [بنگرید به پاورقی مصحح])، ۳۴۳

کافی: ۱۶۴/۴، ۱۹۴ (دو روایت)، ۲۰۲، ۲۱۰ (دو روایت)، ۲۲۶، ۲۲۷ (دو روایت)، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۲ (دو روایت)، ۲۴۰، ۲۴۵ ـ ۲۴۸، ۲۵۰ ـ ۲۵۱ (دو روایت)، [۳۲۸] ۲۵۳، ۲۵۷ (تکرار شده در ۲۶۳)، ۲۸۵، ۲۶۱ ـ ۲۶۲، ۲۶۵، ۲۷۲، ۲۷۴ ـ ۲۷۶ (سه روایت)، ۲۸۲ (دو روایت)، ۲۸۴ ـ ۲۸۵، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱ ـ ۲۹۲ (سه روایت)، ۲۸۲ (دو روایت)، ۲۸۴ ـ ۲۸۵، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱ ـ ۲۹۲ (سه روایت)، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸ ـ ۲۹۹ (دو روایت)، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۱۱، ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹ ـ ۳۲۰، ۳۲۳، ۳۲۶، ۳۳۱ ـ ۳۳۲ (دو روایت)، ۳۳۴، ۳۳۵ ـ ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰ ـ ۳۴۱ (دو روایت)، ۳۴۸ ـ ۳۴۹ (دو روایت)، ۳۵۳، ۳۵۵، ۳۵۷ (دو روایت)، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۶، ۳۶۹ ـ ۳۷۰ (دو روایت)، ۳۷۲، ۳۷۳ ـ ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۲ ـ ۳۸۳ (دو روایت)، ۳۹۱، ۳۹۳ (دو روایت)، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰ ـ ۴۰۱ (سه روایت)، ۴۰۲ ـ ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶ ـ ۴۰۷، ۴۰۹، ۴۱۰ ـ ۴۱۱ (دو روایت)، ۴۱۷، ۴۱۹، ۴۲۲ (دو روایت)، ۴۲۳، ۴۲۵، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱ ـ ۴۳۲، ۴۳۴ ـ ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷ (سه روایت)، ۴۳۸ ـ ۴۳۹ (سه روایت)، ۴۴۰ ـ ۴۴۱ (دو روایت)، ۴۴۸، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۵۸، ۴۶۰، ۴۶۱ ـ ۴۶۴ (چهار روایت)، ۴۶۷، ۴۶۸ ـ ۴۶۹ (دو روایت)، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸ ـ ۴۷۹، ۴۸۰ ـ ۴۸۱، ۴۸۳ ـ ۴۸۵ (پنج روایت)، ۴۸۷، ۴۸۸ ـ ۴۸۹، ۴۹۰ ـ ۴۹۱ (دو روایت)، ۴۵۳ ـ ۴۵۴، ۴۹۷، ۴۹۸ (بنگرید: پاورقی ش ۲ مصحح)، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۲ ـ ۵۰۳، ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰ ـ ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹ (دو روایت)، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۴، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰ ـ ۵۳۱

(دو روایت)، ۵۳۳، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۹(دو روایت)، ۵۴۰، ۵۵۰ ـ ۵۵۱، ۵۵۳ ـ ۵۵۴، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۶۰، ۵۶۳، ۵۶۵ ـ ۵۶۶ (دو روایت)، ۹۱/۶، ۱۹/۷

تفسیر قمی: ۶۶/۲

کامل الزیارات: ۶۰

امالی صدوق: ۲۵۴ ـ ۲۵۵ (بخشی از آن نیز در علل: ۸۴/۲)

من لایحضر: ۲۳۹/۲ ـ ۲۴۰، ۲۵۱ ـ ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۹۵، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۷ ـ ۳۰۸ (دو روایت)، ۳۱۰، ۳۱۸ ـ ۳۱۹، ۳۲۳ ـ ۳۲۴ (دو روایت)، ۳۳۳ ـ ۳۳۴ (دو روایت)، ۳۳۶، ۳۴۰ ـ ۳۴۱ (سه روایت)، ۳۴۲، ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۴ ـ ۳۵۵، ۳۵۷، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۴، ۳۷۵، ۳۷۷، ۳۸۰ (دو روایت)، ۳۸۶، ۳۸۹، ۳۹۸

---

۲۷۷ . دو بند از دفتر حدیث این مؤلف (شماره هشتم از تألیفات وی که خواهد آمد): ۲۲ ـ ۲۳ نیز مربوط به موضوع کتاب مورد بحث است.

ـ ۴۰۰ (دو روایت)، ۴۰۴ (سه روایت)، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۶، ۴۱۷ (دو روایت)، ۴۲۰، ۴۲۲، ۴۲۸ (دو روایت)، ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۳۴، ۴۳۸، ۴۴۲، ۴۴۷، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۳ ـ ۴۵۴، ۴۶۰ (دو روایت)، ۴۶۳ ـ ۴۶۵ (سه روایت)، ۴۶۶ ـ ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۷۱ ـ ۴۷۲، ۴۷۴ ـ ۴۷۵ (دو روایت)، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۱، ۴۸۳ ـ ۴۸۴، ۴۸۸، ۴۹۹، ۵۰۱، ۵۰۲ ـ ۵۰۴ (دو روایت)، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۷ ـ ۵۱۸، ۵۲۴، ۵۶۰[۲۷۸]

علل: ۸۶/۲، ۹۴، ۹۹، ۱۱۳ ـ ۱۱۴، ۱۱۷ (دو روایت)، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱ (چهار روایت)، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۴۷ ـ ۱۴۸

خصال: ۲۷۸، ۴۵۵، ۵۰۲

معانی: ۳۳۸، ۳۳۹

ثواب: ۷۲ (سه روایت)

[۳۲۹] تهذیب: ۵ / شماره های: ۱۳، ۱۷، ۱۹، ۱۲۷، ۳۸، ۴۲، ۵۲، ۵۳، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۷۲، ۷۴، ۸۱، ۸۲، ۹۴، ۱۰۴، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۹، ۱۵۴، ۱۶۱، ۱۶۶، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۸۳، ۱۹۳، ۲۲۷، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۵۳، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۷۲، ۲۹۳، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۹، ۳۱۹، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۲۴، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۹، ۳۵۷، ۴۰۴، ۴۰۹، ۴۱۳، ۴۲۲، ۴۴۵، ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۹، ۴۸۱، ۴۸۷، ۴۹۲، ۴۹۵، ۵۰۳، ۵۰۹، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۲۴، ۵۲۸، ۵۳۳، ۵۳۷، ۵۳۹، ۵۵۷، ۵۹۳، ۵۹۵، ۵۹۶، ۶۰۰، ۶۰۸، ۶۱۱، ۶۱۹، ۶۲۳، ۶۲۶، ۶۳۳، ۶۳۵، ۶۳۷، ۶۵۰، ۶۶۱، ۶۷۱، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۹۷، ۷۱۳، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۸، ۷۳۳، ۷۵۱، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۸۸، ۷۹۰،

۸۱۵، ۸۲۱، ۸۲۶، ۸۳۴، ۸۳۸، ۸۴۴، ۸۵۳، ۸۵۷ (تکرار شده در ۸۶۵)، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۷۶، ۸۷۸، ۸۸۸، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۷، ۹۱۱، ۹۲۲، ۹۲۶، ۹۳۰، ۹۳۴، ۹۳۹، ۹۴۱، ۹۴۵، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۷، ۹۶۴، ۹۶۷، ۹۷۰، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۸، ۹۸۳، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۳، ۱۰۰۶، ۱۰۱۳، ۱۰۲۳، ۱۰۲۸، ۱۰۳۰، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۱، ۱۰۵۵، ۱۰۷۶، ۱۰۸۳، ۱۰۸۵، ۱۰۹۵، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۴، ۱۱۰۹، ۱۱۱۷، ۱۱۵۲، ۱۱۵۷، ۱۱۶۱، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۷۰، ۱۱۷۹، ۱۱۸۷، ۱۱۹۴، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۱۹، ۱۲۶۴، ۱۲۶۹، ۱۲۷۱، ۱۲۷۳، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۸۰، ۱۲۸۸، ۱۲۹۰، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۳۰۱، ۱۳۰۷، ۱۳۰۹، ۱۳۱۸، ۱۳۲۱، ۱۳۵۰، ۱۳۵۸، ۱۳۶۲، ۱۳۷۶، ۱۳۷۹، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۹۶، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۲، ۱۴۱۷، ۱۴۲۳، ۱۴۲۸، ۱۴۳۲، ۱۴۳۷، ۱۴۵۶ (تکرار شده در ۱۶۱۴)، ۱۴۶۵، ۱۴۶۷، ۱۴۷۲، ۱۴۷۵، ۱۴۹۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۹، ۱۵۱۹، ۱۵۲۳، ۱۵۳۱، ۱۵۵۰، ۱۵۵۷، ۱۵۷۴، ۱۵۷۵، ۱۵۸۸، ۱۵۸۹، ۱۵۹۶، ۱۶۱۴، ۱۶۲۱، ۱۶۳۶، ۱۶۳۷، ۱۶۵۱، ۱۶۵۳، ۱۶۵۶، ۱۶۵۹، ۱۶۶۸، ۱۶۷۷، ۱۶۹۵، ۱۷۰۹، ۱۷۲۶، ۱۷۴۳، ۱۷۴۶، ۱۷۴۷، ۱۷۶۳[۲۷۹]

قصص الانبیاء: ۴۷ ـ ۴۸

قطعه ای که در نوادر احمد بن محمد بن عیسی: ۱۳۷ ـ ۱۳۹ نقل شده، می تواند نمایانگر سبک اصلی کتاب باشد.

۲ ـ کتاب الدعاء

(نجاشی: ۴۱۱). نمونه هایی از روایات مربوط:

---

۲۷۸ . بسیاری از این نقلها و نیز روایاتی که در تهذیب آمده، همان (یا تحریری دیگری از) روایاتی است که در کافی آمده است.

۲۷۹ . نیز بنگرید: همان: ۴۳/۲، ۲۲۸/۹.

کتاب معاویة بن عمار: ۲۱

نوادر احمد بن محمد بن عیسی: ۱۳۷

نوادر محمد بن علی بن محبوب: ۹۷ ـ ۹۸

محاسن: ۳۵، ۶۵

بصائر: ۲۱۸ (و متنی کوتاه تر در کافی: ۵۱۳/۲)

کافی: ۴۷۷/۲، ۴۷۸، ۴۸۴ ـ ۴۸۵ (دو تحریر)، ۴۹۳، ۵۰۴ ـ ۵۰۵، ۵۲۰، ۵۲۹، ۵۴۲، ۵۴۹، ۵۵۰ ـ ۵۵۱، ۵۶۸، ۵۸۲ ـ ۵۸۳، ۵۸۴، ۴۱۶/۳، [۳۳۰] ۲۸۴/۴ ـ ۲۸۵، ۳۱۱، ۴۰۱، ۴۰۲ ـ ۴۰۳، ۴۰۶ ـ ۴۰۷، ۴۱۱، ۴۳۰، ۴۳۱ ـ ۴۳۲، ۴۳۴ ـ ۴۳۵، ۴۵۲، ۴۶۰، ۴۶۱ ـ ۴۶۲ (دو روایت)، ۴۶۳ ـ ۴۶۴، ۴۶۷، ۴۶۸ ـ ۴۶۹ (دو روایت)، ۴۷۱، ۴۷۸ ـ ۴۷۹، ۴۸۰ ـ ۴۸۱، ۴۹۸ (بنگرید به پاورقی شماره ۲

مصحح)، ۵۱۱ ـ ۵۱۲، ۵۲۸، ۵۳۰، ۵۳۰ ـ ۵۳۱، ۵۵۰ ـ ۵۵۱، ۵۵۳ ـ ۵۵۴، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۶۰، ۵۶۳، ۱۴۲/۸

طب الائمة: ۷۴

امالی صدوق: ۴۸۳ (بخشی از آن نیز در علل: ۲۳۹/۱)

من لایحضر: ۴۷۱/۱، ۵۴۲ ـ ۵۴۳

علل: ۱۴۸/۲

خصال: ۱۰۱ (بنگرید به پاورقی مصحح)

ثواب: ۱۸۴ (نیز امالی طوسی: ۶۷۷ با اختلاف)

مصباح المتهجد: ۶۳ ـ ۶۶، ۷۵ ـ ۷۹، ۱۱۱ ـ ۱۱۴، ۲۱۷ ـ ۲۲۰ (نیز بنگرید: فلاح: ۳۱۹ ـ ۳۲۲ [بخوانید: «سلیمان بن خالد عن معاویة بن عمار»])، ۳۴۲ ـ ۳۴۴، ۴۰۸، ۴۲۴ ـ ۴۲۷، ۴۴۴ ـ ۴۴۷

تهذیب: ۱۰۴/۲، ۵۰/۵ ـ ۵۱، ۷۰، ۹۱ ـ ۹۲، ۱۰۰، ۱۰۱ ـ ۱۰۲، ۱۰۴ ـ ۱۰۵، ۱۰۷ ـ ۱۰۸، ۱۳۶، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵ ـ ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۲ ـ ۱۸۳، ۱۸۷ ـ ۱۸۸، ۱۸۸ ـ ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۸، ۲۵۱ ـ ۲۵۲، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۸۰ ـ ۲۸۱، ۲۸۸[۲۸۰]

فلاح السائل: ۴۹۲

فتح الابواب: ۲۳۶

اقبال: ۴۵۹/۱

بیشتر این روایات به مراسم مختلف حج مربوط می شود، اما بسیاری از آنها و موارد دیگر (برای نمونه: کافی: ۵۲۹/۲، ۵۳۰، ۵۵۰ ـ ۵۵۱، ۱۴۲/۸، من لایحضر: ۴۷۱/۱، ۵۴۲ ـ ۵۴۳، مصباح المتهجّد: ۶۳ ـ ۶۶، ۷۵ ـ ۷۹، ۱۱۱ ـ ۱۱۴، ۲۱۷ ـ ۲۲۰) می تواند از یک اثر مستقل در باره دعا بوده باشد.

۳ ـ کتاب یوم و لیلة

(نجاشی: ۴۱۱، فهرست طوسی: ۱۶۶). نمونه هایی از موارد احتمالی برجای مانده از این اثر:

---

۲۸۰ . بسیاری از این نقلها همان (یا تحریری دیگر از همان) است که در کافی آمده است.

من لایحضر: ۲۱۹/۱
علل: ۵۳/۲
تهذیب: ۴۰/۲، ۶۵، ۶۹، ۷۵، ۷۷، ۸۷، ۱۲۲، ۱۲۷ (و تحریری دیگر در ۱۲۸)، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۷۴،

ص: ۳۹۹

۲۴۳
مصباح المتهجّد: ۶۳ ـ ۶۶، ۷۵ ـ ۷۹، ۱۱۱ ـ ۱۱۴، ۲۱۷ ـ ۲۲۰

[۳۳۱] ۴ ـ کتاب الصلاة
(نجاشی: ۴۱۱). نمونه هایی از موارد مناسب با این عنوان (به جز آنچه ذیل اثر پیشین یاد شد):
نوادر محمد بن علی بن محبوب: ۹۸ ـ ۹۹
کافی: ۳۱۰/۳ (دو روایت)، ۳۱۲ ـ ۳۱۳، ۳۱۹، ۳۲۹، ۳۴۰، ۳۵۷، ۳۸۲، ۳۸۹ ـ ۳۹۰، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۵۱، ۴۶۰، ۷۹/۸
امالی صدوق: ۲۵۴ ـ ۲۵۵
من لایحضر: ۲۷۱/۱، ۲۷۶
علل: ۲۳/۲، ۵۱
ثواب: ۶۳ (دو روایت)
تهذیب: ۱۵/۲، ۱۶، ۴۸، ۸۳، ۹۲، ۱۴۶، ۱۶۱، ۱۶۲ ـ ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۷۲، ۱۹۷، ۲۳۳، ۲۳۸، ۲۴۷، ۲۹۴ ـ ۲۹۵، ۳۰۳، ۳۴۳، ۳۶۲، ۳۷۵، ۳۸۲ ـ ۳۸۳، ۷/۳، ۱۶، ۱۴۱، ۱۵۶، ۱۶۸، ۲۱۰، ۲۲۹، ۲۸۵، ۲۹۵ ـ ۲۹۶، ۲۷۹/۵
مصباح المتهجّد: ۷۳۳ ـ ۷۳۴
معتبر محقق: ۱۹۳/۲ (نیز منتهی علاّمه: ۱۱۵)
ذکری شهید اول: ۳۳۰/۳

۵ ـ کتاب الزکاة
(فهرست طوسی: ۱۶۶). برخی از نقل های مناسب با این عنوان از این قرار است:
کتاب معاویة بن عمار: ۲۱ ـ ۲۲
کافی: ۴۰/۴
تهذیب: ۲۳۸/۲، ۴۴/۴، ۶۳، ۷۲

۶ ـ کتاب الطلاق
(نجاشی: ۴۱۱). یک دو نقل مناسب با این عنوان از این قرار است:

ص: ۴۰۰

کافی: ۹۱/۶، ۱۰۵، ۱۱۵
تهذیب: ۶۴/۸

۷ ـ کتاب مزار امیرالمؤمنین (علیه السلام)
(نجاشی: ۴۱۱). به نظر می رسد موردی از این کتاب برجای نمانده، ولی احادیثی از این مؤلف در کافی: ۵۵۰/۴ ـ ۵۵۱، [۳۳۲] ۵۵۸ ـ ۵۶۰، ۵۶۳ و کامل الزیارات: ۴۸ ـ ۵۱، ۶۰، ۶۴ ـ ۶۵، ۶۶، ۶۸ ـ ۶۹ در باره فضیلت و آداب زیارت مرقد و مسجد پیامبر (ص) در مدینه آمده است. این مطلب، احتمالی را به ذهن می رساند که شاید نجاشی یا منبع وی نیز مزار پیامبر را در خاطر داشته ولی به جای آن مزار امیرالمؤمنین نوشته باشند که احتمالا خطایی ناشی از سبق ذهن یا سهو القلم بوده است.

۸ ـ کتاب
(ابن ندیم: ۲۷۵). معاویه بن عمار یک راوی پرکار حدیث بود. نزدیک به یک هزار حدیث از وی در کتابهای حدیثی شیعه وجود دارد که در معجم خویی: ۴۲۹/۱۸ ـ ۴۴۶ و فهارس بحار: ۳۱۹/۱۰، ۳۲۰ ـ ۳۲۱ فهرست شده است. چند صد عدد از این احادیث توسط خود وی به صورت موضوعی سامان دهی شده، اما دیگر موارد به حسب قاعده می باید در دفتر حدیث او آمده باشد که به احتمال همان است که ابن ندیم در فهرست: ۲۷۵ از آن با عنوان کتاب یاد کرده است. یک قطعه کوتاه از کتاب معاویة بن عمار در مستطرفات ابن ادریس: ۲۱ ـ ۲۳ درج شده است.

۱۴۴ . معاویه بَجَلی
معاویه بن وَهْب بجلی، یک عرب کوفی، و راوی از امام صادق (علیه السلام).
برقی: ۹۰، نجاشی: ۴۱۲، فهرست طوسی: ۱۶۶، رجال او: ۳۰۳. نیز بنگرید: اصل زید النرسی: ۴۴ ـ ۴۵، خصال: ۱۰.

۱ ـ کتاب فضائل الحج
(نجاشی: ۴۱۲). روایات زیر از این مؤلف در فضیلت حج، مناسب با این عنوان می باشد:
کافی: ۲۷۹/۴، ۳۵۹

ص: ۴۰۱

من لایحضر: ۳۰۸/۲ (تحریر دیگری از آن در تهذیب: ۶۴/۵)
تهذیب: ۲۲/۵، ۸۴، ۱۱۲، ۴۲۸، ۴۴۱، ۴۷۴

۲ ـ کتاب

دفتر حدیث مؤلف که توسط شماری از راویان، روایت شده است (رسالة ابی غالب: ۱۶۴، ۱۶۵، فهرست طوسی: ۱۶۶. نیز مشیخه: ۴۴۰). [۳۳۳] نزدیک به سیصد روایت از این مؤلف در کتابهای حدیثی شیعه امامی،[۲۸۱] که بیشتر آنها از طریق راویانی که نامشان در منابع پیشگفته به عنوان راوی این دفتر حدیث آمده نقل می شود، در معجم خویی: ۲۱۹/۱۸ ـ ۲۲۳، ۴۴۷ ـ ۴۵۳ و فهارس بحار: ۳۲۲/۱۰ ـ ۳۲۳ فهرست شده است.

۱۴۵ . ابوجمیله

ابوجمیله مفضّل بن صالح کوفی، تاجر برده، از موالی بنواسد، راوی شناخته شده در جامعه سنی و شیعی کوفه. او از امام صادق (ع) و دیگران روایت کرده و معمولا از طرف علمای شیعه به عنوان فردی غیر قابل اعتماد ارزیابی می شود. وی در اواخر قرن دوم هجری درگذشت.

تاریخ کبیر بخاری: ۴۰۵/۷، برقی: ۹۰، ضعفاء عقیلی: ۲۴۱/۴ ـ ۲۴۲، الجرح و التعدیل: ۳۱۶/۸ ـ ۳۱۷، مجروحین ابن حبان: ۲۲/۳، کامل ابن عدی: ۲۴۰۵ ـ ۲۴۰۶، رجال ابن غضائری: ۸۸، فهرست طوسی: ۱۷۰، رجال او: ۳۰۷، و منابع دیگری که در پاورقی مصحح در تهذیب الکمال: ۴۰۹/۲۸ فهرست شده است.

برای نمونه نقلهای این راوی در منابع سنی بنگرید: فضائل الصحابه احمد: ۷۶۴، سنن ترمذی: ۳۴۱/۴ ـ ۳۴۲، تهذیب الاثار، بخش ابن عباس: ۸۵، ضعفاء عقیلی: ۳۱۲/۲، ۲۴۲/۴، کامل ابن عدی: ۲۴۰۵/۶، تاریخ بغداد: ۴۶۷/۵، تاریخ دمشق: ۲۲۱/۱۳.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که توسط حسن بن علی بن فضّال روایت شده است (فهرست طوسی:

ص: ۴۰۲

۱۷۰). نزدیک به پانصد حدیث از این مؤلف در کتابهای حدیثی شیعه که بیشتر آنها از طریق همین راوی نقل شده، وجود دارد. برای فهرست آنها بنگرید: معجم خویی: ۲۸۴/۱۸ ـ ۲۸۹، ۴۷۶، ۴۸۰، ۹۶/۲۱ ـ ۱۰۱، ۳۶۰ ـ ۳۶۸، فهارس بحار: ۳۰۹/۸ ـ ۳۱۰، ۳۳۶/۱۰.

۱۴۶ . مفضّل جُعْفی

ابوعبدالله مفضّل بن عمر کوفی، صرّاف، از موالی «جعفی»، و رهبر مکتب مفوضّه از فرق غلات شیعه. او از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) روایت می کرده و در دوران امامت امام کاظم، پیش از سال ۱۷۹ درگذشته است.

[۳۳۴] برقی: ۹۰، رجال کشی: ۳۲۱ ـ ۳۲۹، رجال ابن غضائری: ۸۷ ـ ۸۸، نجاشی: ۴۱۶، فهرست طوسی: ۱۶۹، رجال او: ۳۰۷. نیز بنگرید: کافی: ۲۴/۲، ۲۳۱/۸، ۳۷۴.

---

۲۸۱ . نقل ها از این مؤلف در دیگر کتابها هم وجود دارد; برای نمونه: شرح الاخبار قاضی نعمان: ۲۴۱/۱، امالی ابی طالب: ۱۱۹.

تعدادی کتاب، به ویژه در میراث غالی نُصیریه، به مفضل منسوب شده که به نظر می رسد بیشتر آنها مربوط به پس از درگذشت او باشد. نجاشی هم از برخی از این عناوین یاد کرده و می گوید آنها آثاری ساختگی هستند.

۱ ـ وصیة المفضّل

(نجاشی: ۴۱۶، فهرست طوسی: ۱۶۹). این اثر، متن یک وصیت نامه ادعایی از مفضل برای جامعه شیعه است که به طور کامل در تحف العقول: ۵۱۳ ـ ۵۱۵ نقل شده است. یک بند طولانی در پایان این وصیت نامه، که با دقت و ظرافت نوشته شده، نشان می دهد که این وصیت برای تبرئه مفضل از اتهامات شایع علیه او در آن دوره تدوین شده بود و متنی اصیل ازد وی در (معالم العلماء: ۱۲۴). متن نامه ای منسوب به امام صادق (ع) در شکل پاسخ پرسشی ازمفضل در باره وجود و توحید خداوند.

۳ ـ الاهلیلجه

همین عبارت آغاز می شود. این کتاب از طریق راوی پیشگفته باقی مانده و به صورت مستقل (نجف، ۱۳۷۵ و چاپهای دیگر) و نیز در بحار: ۵۷/۳ ـ ۱۵۱ چاپ شده است. گونه که در آن زمان می شناختند، بر مبنای وحی بوده است (برای اطلاعات بیشتر بنگرید: بحار: ۵۶/۳،

ص: ۴۰۳

پاورقی. مشابه این سخن را ابوحاتم رازی اسماعیلی [م ۳۲۲] در اعلام النّبوة در باره طبّ و نجوم و فلسفه دارد (ببینید صفحات ۲۷۳ به بعد آن کتاب را، به خصوص صفحه ۳۱۸). مفید هم در تصحیح الاعتقاد علم طب را برگرفته از تعلیمات انبیاء می داند. مثنوی نیز دارد که «این نجوم و طب از وحی انبیاست». (بنگرید: کاوشهای تازه در باب روزگار صفوی: ۱۶۹ ـ ۱۷۰). متن کامل این رساله باقی مانده است (بحار: ۱۵۲/۳ ـ ۱۹۶. برای اطلاعات بیشتر بنگرید: کتابخانه ابن طاوس: ۱۸۷). شیخ مفید هم در تصحیح الاعتقاد: ۶۹ـ۷۰ علم طب را گرفته شده از تعالیم انبیا می داند به این استناد که منبع آن سمع است و منشأ این سمع جز انبیا نتوانند بود.

[۳۳۵] ۴ ـ کتاب الهفت و الاظلّه

یک متن غالی نُصَیری منسوب به مفضّل، در شکل مجموعه دیگری از درس ها که امام صادق (ع) بدو تعلیم داده است. این متن نوعی شرح باطنی گرایانه از هستی و تاریخ آن، و نیز از برخی از اصول دین، را ارائه می دهد. این متن مورد احترام نصیری ها می باشد و چاپهای متعددی از آن در بیروت شده است (با تصحیح عارف تامر: ۱۹۶۰، ۱۹۶۹، و با تصحیح مصطفی غالب: ۱۹۶۴). متنی دیگر از همین دست که آن هم منسوب به مفضل است با عنوان کتاب الصراط، اخیرا توسط Leonardo Capezzone در مجله Revista degli Studi Orientali، سال ۶۹ (۱۹۹۵): ۲۹۵ ـ ۴۱۴ چاپ شده است. ولی مسعودی در مروج: و ابن حزم در فصل: ۴۷/۵ آن را از اسحاق بن محمد احمر نخعی رئیس فرقه اسحاقیه از غلات می دانند. متن دیگری نیز با نام الرسالة المفضلیة فی الاتکال علی باریء البریة در چند نسخه خطی باقی مانده است. نسخه شماره ۱۴۵۰/۲ عربی بیبلیوتیک ناسیونال پاریس را نیز در فهرست آن: ۳۱۱/۳ ـ ۳۱۴

اثری از مفضل دانسته اند با نام اثنی عشر حرفا، اما اکنون بار اشر و کوفسکی در کتاب جدید الانتشار خود در باب نصیریه: ۸ نشان داده اند که این خطایی از مفهرس است.

۵ ـ ما یکون عند ظهور المهدی

متنی طولانی و باطنی از ملاحم، منسوب به مفضل، که در کتاب الهدایه خصیبی: ۳۹۲ ـ ۴۳۷ (بخوانید: «عن محمد بن المفضل عن المفضل بن عمر»، همان گونه که در دو منبع بعد) و با تفاوت هایی در مختصر بصائر: ۱۷۸ ـ ۱۹۲ و بحار: ۱/۵۳ ـ ۳۵ آمده است. این متن در باره چگونگی اوضاع عالم در زمان ظهور مهدی و اقدامات او می باشد. این متن مشتمل بر برخی از مسائل فرقه ای مانند متعه و رجعت، و نیز افکار کاملا غالی در باره ادوار و اکوار می باشد، ولی چند

ص: ۴۰۴

صفحه اخیر آن که مشتمل بر این گونه مطالب جهانشناسی غالیانه است، در دو منبع اخیر حذف شده است.

۶ ـ کتاب علل الشرائع

(نجاشی: ۴۱۵). نقل های زیر از مفضل، مناسب با این عنوان است:

کافی: ۲۷۲/۱ ـ ۲۷۶ (بخشی از آن نیز در علل: ۷/۲ ـ ۸)، ۱۴۷/۳، ۱۵۹ (بخشی از آن نیز در علل: ۱۷۶/۱)، ۲۴۲/۶ ـ ۲۴۳

علل: ۱۵۵/۱ ـ ۱۵۶، ۴۸/۲ ـ ۴۹ (دو روایت)، ۲۱۰، ۲۱۹، ۲۷۲

۷ ـ کتاب ما افترض الله علی الجوارح من الایمان / کتاب الایمان و الاسلام/ رسالة میاح

(نجاشی: ۴۱۶). این اثر، به روشنی همان متن طولانی است که به طور کامل در بصائر: ۵۲۶ ـ ۵۳۶ (بخشی از آن نیز در علل: ۲۳۸ ـ ۲۳۹)، به عنوان نامه ای که امام صادق در پاسخ به پرسش مفضل نوشته، درج شده است. این متن را قاسم بن الربیع (الصحاف)، به نقل از محمد بن سنان، از شخصی با نام صباح مدائنی از مفضل روایت کرده است. [۳۳۶]پس باید همان رسالة میاح باشد که نجاشی: ۴۲۴ ـ ۴۲۵ از آن یاد کرده و خود آن را با همین اسناد دریافت کرده بود. طبعا یکی از دو نام «صباح» و «میاح» تصحیف دیگری است.

۸ ـ دعاء سَمات[۲۸۲] / دعاء شبّور

متن دعایی که محمد بن عثمان عَمری، نایب خاص دوم امام دوازدهم (ع) به عنوان متنی که مفضل آن را از امام جعفر صادق (ع) نقل کرده، به جامعه شیعه ارائه فرمود. در یادداشت توضیحی که در مقدمه این دعا آمده، گزارش شده

---

۲۸۲ . تلفظ رایج این نام میان شیعیان به فتح سین بوده است (بنگرید: **فرهنگ دعاء سمات** از بلاغی: ۱۰۵)، گرچه برخی از متأخران که کوشیده اند تا این نام را بر اصول قواعد صرف عربی تصریف کنند، صورت «سِمات» (جمع «سِمَه» به معنای نشانه) را برای آن پیشنهاد می کنند (بحار: ۱۰۲/۹۰، به نقل از عالم شیعی اوائل قرن دهم، ابراهیم بن علی کفعمی، در شرحی که بر این دعا نوشته است).

است که بسیاری از مسلمانان در آن زمان، دعای شبور یهود را برای دفع شرّ دزدان و راهزنان می خوانده اند. این مطلب به اطلاع نایب

ص: ۴۰۵

خاص رسید که ایشان اصل مطلب را تأیید نمود، اما گفت که متن مورد استفاده یهود[۲۸۳]ناقص بوده و صورت کامل آن[۲۸۴] نزد ایشان است که پدر ایشان، نایب خاص اول، آن را به دو واسطه از مفضل نقل نموده بود (بحار: ۹۶/۹۰ ـ ۱۰۱). متن این دعا بدون آن مقدّمه، در مصباح المتهجد: ۴۱۶ ـ ۴۱۹ و جمال الاسبوع: ۳۲۱ ـ ۳۲۴ نیز نقل شده است.

۹ ـ کتاب یوم و لیله
(نجاشی: ۴۱۶)

[۳۳۷] ۱۰ ـ کتاب
دفتر حدیث مؤلف که ابوشعیب محاملی از او روایت کرده است (فهرست طوسی: ۱۶۹).

۱۴۷ . محمد الحلبی

ص: ۴۰۶

ابوجعفر محمد بن علی بن ابی شعبه حلبی، از افراد برجسته جامعه شیعه کوفه در زمان خویش، و راوی از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام). وی در روزگار حیات امام صادق (ع)که در سال ۱۴۸ رحلت فرمود، درگذشت.

---

۲۸۳ . بنگرید: **تلمود، موعِد کتان**: ۱۷ الف ـ ۱۷ ب، که آنجا سخن از مفهوم «شَمْ مِطا» آمده که به روشنی، «سمات» فرم عربی شده آن است. صورت عبری این نام از ترکیب «شَمْ ـ میطه» گرفته شده که معادل «ثَمّ الموت» در عربی است. در این مأخذ در باب تأثیر «شم مطا» گفته می شود که آن «چنان به شخص می چسبد که روغن به تنور... «شم مطا» را بر دم سگ بخوان و آن کار خود را خواهد کرد. زیرا سگی بود که کفش های خاخام ها را می خورد و آنان نمی دانستند چه چیزی این بلا را بر سر کفش های آنان می آورد. پس آنان نفرین «شم مطا» را بر فردی که مرتکب آن کار شده باشد افکندند. دم سگ آتش گرفت و سوخت».

۲۸۴ . این متن کامل، ظاهرا فقط یاد از پیامبر (ص) و اهل بیت آن حضرت را در چندین عبارت، در پایان افزوده دارد، اما جز این به نظر نمی رسد که تغییر مهم دیگری در آن داده شده باشد. حتی نام اسماعیل که طبیعتا در متن اصلی عبری (آنجا که نام ابراهیم و اسحاق و یعقوب مکرر ذکر شده) نبوده، در این متن هم نیامده است. ابن فهد (م ۸۴۱)، عالم شیعی نیمه نخست قرن نهم، به عدم وجود نام اسماعیل متفطن شده و در پیوستی که در انتهای دعا آورده، خواننده را به «نام هایی که در متن نیست» (بما فات منه من الاسماء) توجه داده است (**بحار**: ۹۹/۹۰). هم در آن پیوست و هم در پیوست دیگری که یک دانشمند اقدم پیشنهاد کرده بود (**بحار**: ۱۰۰ به نقل از **اختیار مصباح** ابن باقی) این نیز افزوده شده است که هیچ کس در جامعه شیعه از محتوای این دعا که در باره رخدادها ومسائلی از جامعه یهود است، تصوری نداشته است (در متن پیشنهادی ابن باقی آمده است: اللهم بحق هذا الدعاء و بحق هذه الاسماء التی لایعلم تفسیرها و لا تأویلها و لا ظاهرها و لا باطنها غیرک»، و در متن پیشنهادی ابن فهد آمده است: «... و بما یشتمل علیه من التفسیر و التدبیر (کذا، شاید: و التأویل) الذی لایحیط به الاّ أنت»).

برقی: ۶۹، رجال کشی: ۴۸۸، نجاشی: ۳۲۵ (نیز بنگرید: ۹۸)، فهرست طوسی: ۱۳۰، رجال او: ۱۴۵، ۲۹۰

برقی: ۶۹، ۷۳ و نجاشی: ۲۳۰ یادآور شده اند که وجه اشتهار خاندان کوفی آل ابی شعبه (که راوی ما متعلق به آن بود) به لقب «حلبی»، آن بود که اعضای این خانواده در تجارت خود، به حلب بسیار مسافرت و رفت و آمد داشتند.

۱ ـ کتاب التفسیر

(نجاشی: ۳۲۵). نقل های زیر از این مؤلف در باره این موضوع، به احتمال زیاد متعلق به این اثر می باشد:

بصائر: ۶۰ (نیز تفسیر عیاشی: ۲۲۴/۲)

تفسیر عیاشی: ۲۲/۱، ۲۴، ۱۰۸، ۱۳۲، ۱۳۴ ـ ۱۳۵، ۱۷۵، ۱۷۸ ـ ۱۷۹، ۲۳۶ ـ ۲۳۷، ۳۸۰، ۳۸۳، ۲۵/۲، ۴۸، ۶۶، ۲۲۴، ۲۳۱، ۲۵۳، ۳۰۹

تأویل ما نزل من القرآن: ۱۹۵، ۳۰۴، ۳۱۹، ۳۹۲

تفسیر قمی: ۳۸۸/۲

کامل الزیارات: ۱۸۲ (نیز قصص الانبیاء: ۲۲۱)

توحید: ۱۵۴ ـ ۱۵۵

در یک اسناد غیر معمول که عیاشی: ۲۲۴/۲ و دیگران (برای نمونه: محاسن: ۱۲۱ ـ ۱۲۲ [نیز عقاب: ۲۸۹]، کافی: ۴۴۳/۱، ۴۰۲/۶، ۴۰۴ [بخوانید: «عن زرارة» در دو مورد اخیر]، تأویل ما نزل: ۱۹۵) به طور مکرر در مرویّات خود از مؤلف ما ذکر می کنند، مؤلف ما همزمان از هیأتی چند نفره از دانشمندان شیعه کوفه در میانه قرن دوم مطالبی نقل می کند که آنان همزمان و هماهنگ و یک نواخت از امام باقر (ع)، یا از ایشان و امام صادق (ع)، روایت کرده بودند. این به احتمال، می تواند نمایانگر آن باشد که نقل هایی که با اسناد به آن هیأت چند نفره از دانشمندان [۳۳۸] در نسخه موجود تفسیر عیاشی آمده اما نام راوی بعدی به روش معمول حذف شده، از همین مؤلف ما و به طور اخصّ از همین کتاب مورد بحث بوده است. فهرست آن نقل ها چنین است:

ص: ۴۰۷

تفسیر عیاشی: ۱۱۲/۱، ۱۱۹، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۳۸، ۱۶۰، ۲۰۱، ۲۲۴، ۲۴۹، ۲۷۲، ۲۸۰، ۳۰۴، ۳۵۶، ۳۷۴، ۳۷۸، ۳۸۴ ـ ۳۸۵، ۳۸۶، ۱۲/۲، ۵۳ ـ ۵۴، ۶۱ ـ ۶۲، ۷۰، ۷۵، ۸۹، ۹۲، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۵۴، ۲۰۰، ۲۰۴ ـ ۲۰۵، ۲۲۵، ۲۵۲، ۲۷۴، ۲۷۹، ۲۸۴، ۲۹۷، ۳۰۹، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۹ ـ ۳۳۰، ۳۳۸، ۳۵۳

یک نقل طولانی از محمد حلبی در تأویل الایات: ۵۸۵ ـ ۵۸۹ هست (به نقل از کتاب تأویل ما نزل من القرآن ابن جحام، اما این نقل در متن بازسازی شده این کتاب نیامده است). این قطعه، دارای صبغه آثار آن زمان است، اما اِسناد این نقل (ابن ابی عمیر، عن حماد، عن الحلبی) اشاره به عبیدالله بن علی، برادر مؤلف ما دارد که اثر او از این طریق نقل می شد (بنگرید به مدخل شماره ۲۰۴ در همین فصل). بنابراین، نام محمد که پیش از لقب حلبی در تأویل الایات آمده می تواند اشتباه باشد.

۲ ـ کتاب مبوّب فی الحلال و الحرام

مجموعه ای از روایات امامان در باره مسائل فقهی که به صورت موضوعی تدوین شده (نجاشی: ۳۲۵) و توسط عبدالله بن مسکان و ابوجمیله مفضل بن صالح از مؤلف روایت شده بود (رسالة ابی غالب: ۶۱، نجاشی: ۳۲۵، فهرست طوسی: ۱۳۰. نیز بنگرید: مشیخه: ۴۲۷). همان طور که گذشت، کتاب عبدالله بن مسکان در باره حلال و حرام، در واقع، نسخه ای از کتاب حلبی بوده که ابن مسکان مطالبی بر آن افزوده بود (نجاشی: ۲۱۴).

بخش عمده چند صد حدیث از این مؤلف در باره مسائل فقهی در کتابهای حدیثی شیعه که در معجم خویی: ۳۵۳/۱۷ ـ ۳۵۴، ۷۳/۱۸، ۴۰۴ ـ ۴۰۶، ۳۳۳/۲۳ ـ ۳۴۱ و فهارس بحار: ۴۵۰/۸ ـ ۴۵۲، ۱۲۶/۱۰، ۱۹۴ فهرست شده، از طریق همین دو راوی می باشد.

۱۴۸. صاحب الطاق

ابوجعفر محمد بن علی بن نعمان بن ابی طُریفه کوفی احول، صرّاف، که میان شیعیان به مؤمن الطاق [۳۳۹] و میان سنیان به شیطان الطاق شهرت داشت. وی از موالی بجیله، و متکلم سرشناس شیعه در میانه قرن دوم، و نیز فقیه و شاعر بوده است.

برقی: ۶۴، ۱۲۱، اخبار شعراء الشیعه مرزبانی: ۸۷ ـ ۹۵، رجال کشی: ۱۸۵ ـ ۱۹۱، اغانی: ۲۴۵/۷، فهرست ابن ندیم: ۲۲۴، نجاشی: ۳۲۵ ـ ۳۲۶، فهرست طوسی: ۱۳۱ ـ ۱۳۲، رجال او: ۲۹۶، ۳۴۳، تلخیص المتشابه

ص: ۴۰۸

خطیب: ۲۴۹، الوافی بالوفیات: ۱۰۴/۴ ـ ۱۰۵، لسان المیزان: ۳۷۸/۶ ـ ۳۷۹ و منابع بسیار دیگر. یک تک نگاری در باره وی از محمد حسین مظفر با عنوان مؤمن الطاق در دست است (نجف، ۱۹۶۵). برای خلاصه ای از مواد مربوط به شرح حال این دانشمند و آرای کلامی وی بنگرید به مدخل مربوط به او در Theologie از جوزف فان اس: ۳۳۶/۱ ـ ۳۴۲.

در حدیث شیعی معمولا از این دانشمند با عنوان «صاحب الطاق» (کافی: ۱۰۱/۱، ۳۵۱، ۱۲۵/۲، ۳۱۴/۷، رجال کشی: ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۰، ۲۸۲، امالی صدوق: ۳۸۱ ـ ۳۸۲ [نیز خصال: ۱۵۳، معانی: ۱۹۶]، ثواب: ۱۶۲، نجاشی: ۳۲۵، مناقب ابن شهر آشوب: ۲۵۹/۱، ۲۷۴، ۲۹۰/۴) یا «طاقی» (کافی: ۱۷۲/۱، مناقب ابن شهر آشوب: ۲۶۹/۱، ۲۷۰، ۲۴۶/۴، ۲۷۷) یاد می شود. به گفته ابن ندیم در فهرست: ۲۲۴ (بنگرید: پاورقی ش ۴، و از ابن ندیم در فهرست طوسی:۱۹۱ و رجال او: ۱۹۶) وی با لقب «شاهْ طاق» هم شهرت داشته است. به نظر می رسد لقب اخیر (شاه طاق) منشأ القاب دیگر او باشد که «صاحب الطاق» شکل معرّب و لقب «شیطان الطاق» فرم سنی آن بود که از نظر آهنگ نیز مشابه «شاه طاق» بوده و به تقلید از آن ساخته شده بود. لقب مؤمن الطاق هم به روشنی، نوعی واکنش در مقابل آن نامگذاری سنی، و لقب «طاقی» فرم مختصر و بیطرفانه آن بوده است.

برای نمونه هایی از شعر او بنگرید: اخبار شعراء الشیعه مرزبانی: ۸۹ ـ ۹۰، الوافی بالوفیات: ۱۰۴/۴. مرزبانی از یک سفر این دانشمند به بصره یاد می کند که در کافی: ۹۳/۸ نیز خبر آن آمده است.

فهرست ابن ندیم: ۲۲۴، نجاشی: ۳۲۵ ـ ۳۲۶ و فهرست طوسی: ۱۳۲ لیست هایی که با یکدیگر اختلافات اندکی دارند، از تألیفات این دانشمند به دست می دهند. شهرستانی در ملل: ۲۱۹/۱ که عنوان دیگری را بر آن لیست می افزاید،

از ساخت کلی اثری از این عالم با عنوان افعل لا تفعل توصیفی به دست می دهد. نجاشی نیز از این اثر به عنوان اثری نیکو و مفصّل یاد کرده است. ابوطالب در الدعامه: ۲۷ آورده است که درستی حدیث المنزله، حدیثی که متکلمان شیعه در مناظرات خود با سنیان از آن استفاده می کردند، در آثار این دانشمند اثبات شده است. ابن حزم که به اشتباه از وی با عنوان محمد بن جعفر ابن النعمان (الفصل: ۲۶۹/۲، ۱۵۸/۴، ۳۹/۵) یاد کرده، استدلالی از او را در کتابی که در باره امامت نوشته بود، نقل می کند (همان: ۳۹/۵). بندی که عبدالجلیل قزوینی در نقض: ۲۸۵ از کتابی از محمد بن نعمان احول در باره علم غیب امام نقل می کند، نیز باید از اثری در باب امامت گرفته شده باشد. متن یک مناظره طولانی میان او و

ص: ۴۰۹

ابن ابی خدره خارجی[۲۸۵] که در احتجاج: ۳۰۸/۲ ـ ۳۱۳ نقل شده می تواند همان کتاب الاحتجاج فی امامة امیر المؤمنین باشد که در لیست نجاشی از آثار مؤلف ما، یاد شده است. مناظره ای دیگر میان وی و یکی از خوارج که در اخبار شعراء الشیعه: ۹۰ ـ ۹۵ گزارش شده، نیز می تواند همان کتاب کلامه علی الخوارج باشد که در همان لیست آمده است.

[۳۴۰] ۱۴۹ . ابوعمرو زبیری

ابوعمرو محمد بن عمرو بن عبدالله بن عمر بن مصعب بن زبیر بن العوّام، متکلم شیعی که گفته می شود از امام صادق (علیه السلام) روایت می کرده است.

نجاشی: ۲۲۰، ۳۳۹

برای نسب نامه وی بنگرید: جمهره زبیر بن بکار: ۳۳۳/۱. این مطلب که او از امام صادق (ع) روایت می کرد، بر اساس نقل نجاشی است که ظاهرا تنها مستند اطلاعات او در باره این مؤلف، اثر یاد شده در زیر است به استظهار نقل شفاهی مستقیم از روایاتی که این مؤلف، بدون ذکر واسطه از آن امام روایت کرده بود. اما درست روشن نیست که آیا این مؤلف در روزگار آن حضرت در سنّ و سال قابلیّت سماع بوده یا نقل ها به واسطه، یا به روش وجاده، بوده است، چه بسیاری از متکلمان، چندان به اسانید اعتنایی نداشته و روایات مشهور را بدون سند در آثار خود می آوردند.

کتاب الصوره

کتابی در باره امامت که نجاشی: ۳۳۹ آن را به عنوان یک اثر نیکو یاد می کند. نقلهای طولانی از این مؤلف در باره مسائل کلامی در کافی: ۲۳/۲ ـ ۲۷، ۴۰ ـ ۴۲، ۳۸۹ ـ ۳۹۱ (نیز به شکل تلخیص شده در تفسیر عیاشی: ۴۸/۱ ـ ۴۹، تفسیر قمی: ۳۲/۱ ـ ۳۳ [بخوانید: «ابی عمرو الزبیری» به جای «ابی عمر الزبیدی»])، ۱۳/۵ ـ ۱۹ (با عبارت پایانی که به روشنی از یک کتاب یا پایان یک باب گرفته شده است) و نقلهای متعدّد دیگر در تفسیر عیاشی: ۵۱/۱، ۶۰ ـ ۶۱۰، ۶۳ ـ ۶۴ (دو روایت)، ۶۷، ۱۳۵ ـ ۱۳۶، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۶۹ ـ ۱۷۰، ۱۹۵ (دو روایت)، ۱۹۸، ۲۲۸، ۲۸۲، ۳۲۲ ـ ۳۲۳، ۳۶۱، ۷۲/۲، ۱۰۵، ۲۳۱، ۲۹۳، ۳۲۳ ـ ۳۲۴ می تواند از موادّ برجای مانده از این اثر

---

۲۸۵ . الاکمال ابن ماکولا: ۱۲۸/۳ ـ ۱۲۹ از یک خارجی با نام حبیب بن خدره یاد می کند که در همین زمان می زیسته است.

ص: ۴۱۰

باشد.

۱۵۰ . ابن فرات

محمد بن فرات، یک راوی کوفی که از امام صادق (علیه السلام) روایت می کرد.

رجال کشی: ۲۲۱ ـ ۲۲۲، نجاشی: ۳۶۳. نیز کافی: ۴۳۶/۷.

نجاشی این راوی را جعفی می شناسد. یک مقایسه میان روایات، روات و مشایخ راوی ما با ابوعلی محمد بن فرات تمیمی کوفی که در منابع سنی از او یاد شده، روشن می کند که هر دو یک نفرند. بنابر این منابع ذیل که مدخلی در باره فرد اخیر دارند، می بایست به منابع اندکی که در بالا در باره مؤلف ما ذکر شد، افزوده شود:

تاریخ یحیی بن معین: ۵۳۳/۲، تاریخ اوسط بخاری: ۱۳۹/۲، تاریخ کبیر او: ۲۰۸/۱، ضعفاء عقیلی: ۱۲۳/۴ ـ ۱۲۴، الجرح و التعدیل: ۵۹/۸، مجروحین ابن حبان: ۲۸۱/۲ ـ ۲۸۲، کامل ابن عدی: ۲۱۴۸ ـ ۲۱۵۰، تاریخ بغداد: ۱۶۳/۳ ـ ۱۶۴، و منابع دیگری که در پاورقی مصحح در تهذیب الکمال: ۲۶۹/۲۶ آمده است.

منابع سنی، برای این راوی، نسبت «جرمی» را ذکر کرده اند که نسبت به تیره ای از قضاعه است، نه تمیم. بنابر این، دو نسبت تمیمی و جرمی با یکدیگر ناسازگارند، [۳۴۱] مگر آن که لقب جرمی مربوط به محل اقامت یا کار باشد.[۲۸۶] در رجال طوسی: ۲۹۲ از فردی با نام محمد بن فرات الجرامی در میان راویان از امام صادق (ع) یاد می شود. تستری در قاموس: ۵۰۸/۹ بر آن است که این شخص، با راوی ما یکی است و صورت درست نسبت وی می تواند «حرامی» باشد، منسوب به حرام بن کعب بن سعد، نیای تیره ای از تمیم.[۲۸۷] جعفی هم می تواند تصحیف «جرامی» یا «حرامی» باشد.

بر اساس نقلی در تهذیب الکمال: ۲۷۲/۶ این راوی، یک صد و بیست سال عمر کرده است. ممکن

ص: ۴۱۱

است کسی به تصور این که همه احادیث نقل شده وسیله این راوی، یا از این راوی بر اساس سماع مستقیم بوده این عدد را برای سن وی بر مبنای محاسبه تاریخ وفات یکی از مشایخ و تاریخ تولد یکی از شاگردان او، عنوان کرده باشد.

---

۲۸۶ . به گفته نجاشی: ۲۴۰ محمد بن خالد طیالسی، راوی شیعی (م ۲۵۹) «کان یسکن فی الکوفة فی صحراء جرم». یاقوت از این محل نامی نبرده و «صحراء» را معمولا بخشی از شهر به شمار نمی آوردند. به احتمال زیاد، «صحراء» تصحیف «ضاحیه» می باشد، محلی که افراد قبیله جرم در آنجا زندگی می کردند.

۲۸۷ . محله بنوحرام، در نسبت به این شاخه از تمیم، محله ای بزرگ در کوفه بود (**معجم البلدان**: ۲۳۴/۲)، و شاید این شخص واقعا جعفی بوده ولی در این محله می زیسته است. نجاشی: ۱۹۷ در سرگذشت صفوان بن مهران جمال نیز دارد که «کان یسکن بنی حرام بالکوفه». محله بزرگ دیگری نیز با این نام، شاید در نسبت به شاخه بنوحرام از فزاره، در بصره بود که حریری نگارنده **مقامات** را به خاطر اقامت در آن «حرامی» می خواندند (**انساب سمعانی**: ۱/۶/۴، **معجم البلدان**: ۲۳۵/۲ [نیز **معجم الادباء**: ۲۲۰۲/۵]). او خود از این محله در مقامه ۴۸ همان کتاب خویش (ص ۳۹۷ چاپ بیروت) یاد می کند.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که آن را عباد بن یعقوب رواجنی، از رجال میانه قرن سوم، روایت نموده است (نجاشی: ۳۶۳) احتمالا به روش وجاده یا با وساطت راوی دیگری که نام او را در روایت از این مؤلف انداخته است. نمونه ها در امالی احمد بن عیسی: ۱۷۹/۱، کامل ابن عدی: ۲۱۵۰ (دو روایت)، شواهد التنزیل: ۲۹۲/۲.[۲۸۸] تعداد قابل توجهی از احادیث این مؤلف در منابع سنی، زیدی و امامی آمده است. برای نمونه روایات او در منابع سنی بنگرید: سنن ابن ماجه: ۷۹۴ (نیز مسند ابی یعلی: ۳۹/۱۰ با متن طولانی تر)، ضعفاء عقیلی ۱۲۳/۴ ـ ۱۲۴ (دو روایت)، کامل ابن عدی: ۲۱۴۹ـ۲۱۵۰ (نه روایت)، مسند الفردوس (ازبک: ۷۱۴). برای نمونه های روایات وی در منابع زیدی، برای مثال بنگرید: امالی احمد بن عیسی: ۸/۳، ۹، ۲۶۲/۴. برای نمونه های روایات وی در آثار امامی بنگرید به فهرست آنها در معجم خویی: ۱۲۷/۱۷ ـ ۱۲۸، ۱۳۰ و فهارس بحار: ۲۲۱/۱۰.

۱۵۱ . ابن حکیم خثعمی

ابوجعفر محمد بن حکیم کوفی، از موالی خثعم، متکلم شیعی، و راوی از امام صادق و امام کاظم (علیهماالسلام).

برقی: ۶۷، ۱۱۶، رجال کشی: ۴۴۸ ـ ۴۴۹، نجاشی: ۳۵۷، فهرست طوسی: ۱۴۹، رجال او: ۲۸۰، ۳۴۲

[۳۴۲] این که وی متکلم بوده از کافی: ۵۱۳/۲ ـ ۵۱۴ و رجال کشی: ۴۴۸ ـ ۴۴۹ (نیز بنگرید: ۱۶۶ ـ ۱۶۷، محاسن: ۲۱۲ [نیز بصائر: ۳۰۲، کافی: ۵۶/۱]) به خوبی به دست می آید. نظریه او در باره مفهوم کلامی استطاعت در مقالات الاسلامیین: ۱۱۲/۱ (نیز بنگرید: تفسیر عیاشی: ۳۵۱/۲ ـ ۳۵۲) آمده است. برای نمونه هایی از روایات کلامی او بنگرید: کافی: ۱۰۲/۱، ۱۰۵، ۱۰۶ (دو روایت اخیر نیز در توحید: ۹۷، ۹۹)، ۱۱۶ (نیز معانی: ۱۲)، ۱۵۴، ۱۶۳ (نیز توحید: ۴۱۰)، ۲۸۴/۲ ـ ۲۸۵، ۳۸۷.

ص: ۴۱۲

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان، از جمله حسن بن محبوب از او روایت کرده اند (نجاشی: ۳۵۷، فهرست طوسی: ۱۴۹). ابن ابی عمیر این دفتر را از طریق ابن محبوب (نجاشی: ۳۵۷، گرچه ابن ابی عمیر، گهگاه از این مؤلف بی‌واسطه نقل می کند، چنان که در مشیخه: ۴۸۹ و موارد متعدد دیگر، یا با وسایطی جز ابن محبوب، چنان که در کافی: ۱۱۶/۱[نیز معانی: ۱۲]) و حماد بن عیسی آن را به واسطه حریز بن عبدالله سجستانی (مشیخه: ۴۸۹) دریافت کرده اند. بسیاری از، اگر نه بیشتر، نزدیک به یک صد نقل از مؤلف ما در آثار متأخرتر که در معجم خویی: ۳۰/۱۶، ۳۳ ـ ۳۵ و فهارس بحار:۱۲۶/۱۰ فهرست شده، از این دو طریق است.

۱۵۲ . نهدی بزّاز

---

۲۸۸ . روایت اخیر نیز در تأویل ما نزل ابن جحام: ۳۵۶، لیکن از طریق یک راوی دیگر.

ابوجعفر محمد بن حمران کوفی، بزّاز، از موالی بنونهد (تیره ای از خزاعه) که در جرجرایا، یکی از روستاهای نهروان میان واسط و بغداد، زندگی می کرد. وی از امام صادق (علیه السلام) روایت می نمود.
برقی: ۶۸، نجاشی: ۳۵۹، رجال طوسی: ۲۸۱

۱ ـ کتاب

دفتر حدیث مؤلف که توسط شماری از راویان از جمله علی بن اسباط (نجاشی: ۳۵۹، ولی مقـ : امالی طوسی: ۴۱۸)، ابن ابی عمیر، عبدالرحمن بن ابی نجران (مشیخه: ۴۸۹ ـ ۴۹۰، فهرست طوسی: ۱۴۸[۲۸۹]) و حسن بن علی وشاء (کتاب ابان: ۴۱) روایت شده است. اکثریت انبوه نزدیک به یک صد و پنجاه نقل از این مؤلف در منابع متأخرتر که در معجم خویی: ۳۹/۱۶ ـ ۴۰، ۳۵۰ ـ ۳۵۴ و فهارس: ۱۲۷/۱۰ فهرست شده از طریق همین روات می باشد.

ص: ۴۱۳

[۳۴۳] ۲ ـ کتاب اشترک جمیل و محمد بن حمران فیه

یک دفتر حدیث که راوی ما با جمیل بن دراج (مدخل شماره ۱۱۹ در همین فصل) در آن مشترک بوده و حسن بن علی وشاء (نجاشی: ۱۲۷) و ابن ابی عمیر (مشیخه: ۴۳۰ ـ ۴۳۱) از آن دو روایت کرده اند. چنان که در مدخل مربوط به جمیل بن درّاج گذشت، روایات زیر به روشنی برجای مانده از این اثر مشترک است:

نوادر احمد بن محمد بن عیسی: ۶۵ (مقـ : کافی: ۱۵۶/۶)

محاسن: ۳۵۵ (نیز کافی: ۳۰/۵)، نیز احتمالا ۲۳۸ (نیز امالی صدوق: ۵۰۳، تفسیر قمی: ۲۵/۱ ـ ۲۶)، ۳۲۰ (مقـ : علل: ۱۲۳/۲ ـ ۱۲۴)

کافی: ۴۲۴/۲ (در دو روایت جداگانه، مقـ : همان: ۳۰/۵)، ۶۶/۳ (نیز من لایحضر: ۱۰۹/۱ با اختلاف)، ۱۳۸/۴، ۳۸۹/۵، ۴۴۷/۶، ۱۴۹/۷، ۲۲۱، ۳۹۰

من لایحضر: ۱۱۹/۴ (مقـ : کافی: ۳۰۰/۷)

تهذیب: ۳۹۴/۱، ۴۰۱، ۴۰۴، ۱۶۷/۳، ۶۸/۹، ۱۰۱/۱۰

۱۵۳ . زعفرانی مفلوج

ابوالنضر محمد بن میمون تمیمی زعفرانی کوفی، معلول، راوی کوفی سنی که در نزدیک مسجد سماک، در راسته بازار آهنگران کوفه (بنگرید: مدخل شماره ۴۲ در فصل حاضر)، می زیست. او از امام صادق (ع) و دیگران روایت حدیث می کرد.

---

۲۸۹ . منبع اخیر، مؤلف این دفتر حدیث را با نام محمد بن حمران بن اعین، از موالی بنوشیبان می شناسد. این شخص دیگری بوده است. هم **مشیخه** و هم نجاشی به روشنی، این دفتر حدیث را از محمد بن حمران نهدی می دانستند (بنگرید: **معجم خویی**: ۴۲/۱۶).

تاریخ یحیی بن معین: ۵۴۱/۲، تاریخ کبیر بخاری: ۲۳۴/۱، ضعفاء عقیلی: ۱۳۷/۴، الجرح و التعدیل: ۸۰/۸ ـ ۸۱، مجروحین ابن حبان: ۲۸۲/۲، کامل ابن عدی: ۲۲۶۸، نجاشی: ۳۳۵، رجال طوسی: ۲۹۵، و منابع دیگر که در پاورقی مصحح در تهذیب الکمال: ۵۴۱/۲۶ فهرست شده است.

نسخة عن ابی عبدالله (ع)

دفتر یادداشت حدیث وی از امام صادق (ع) که محمد بن عبید محاربی آن را از مؤلف روایت کرده است (نجاشی: ۳۵۵). [۳۴۴] نقل های زیر از این مؤلف از امام صادق (ع) که عمدتا از طریق راوی پیشگفته روایت شده، به روشنی از همان دفتر یادداشت است:

سنن ابی داود: ۳۴۵/۳

امالی احمد بن عیسی: ۱۳۹/۱، ۲۲/۳، ۳۳، ۷۲، ۸۹، ۹۹، ۱۲۱، ۱۴۹، ۲۹۶/۴

ص: ۴۱۴

ضعفاء عقیلی: ۱۳۷/۴

کامل ابن عدی: ۲۲۶۸

امالی ابی طالب: ۵۷

۱۵۴ . محمد بن مسلم ثقفی طحّان

ابوجعفر محمد بن مسلم بن رباح کوفی، آسیابان، از موالی ثقیف، فقیه سرشناس و یکی از برجسته ترین راویان شیعی حدیث در قرن دوم که به سال ۱۵۰ هجری در سن حدود هفتاد درگذشت.

برقی: ۵۰، ۶۴، رجال کشی: ۱۶۱ ـ ۱۶۹ (نیز بنگرید: ۹ ـ ۱۰، ۱۳۶ ـ ۱۳۷، ۱۷۰، ۱۸۵، ۲۰۱، ۲۳۸ ـ ۲۳۹)، نجاشی: ۳۲۳ ـ ۳۲۴، رجال طوسی: ۱۴۴، ۲۹۴، ۳۴۲. نیز بنگرید: کافی: ۱۴۹/۵.

وی به طور قطع جز ابوعبدالله محمد بن مسلم طائفی مکی است که در مکه می زیست و به سال ۱۷۷ همانجا درگذشت (در باره وی بنگرید به منابع بسیاری که در پاورقی های مصححان در تهذیب الکمال: ۴۱۲/۲۶، و تاریخ الاسلام ذهبی: ۱۱ [سالهای ۱۷۱ ـ ۱۸۰] /۳۵۱ آمده است). تستری در قاموس الرجال: ۵۷۹/۹ متوجه این تفاوت نشده و در مدخلی که برای راوی ما دارد، روایتی از میزان الاعتدال: ۴۱/۴ نقل می کند که از آن راوی سنی مکی است.

۱ ـ کتاب

گفته می شود محمد بن مسلم برای شاگردی در محضر امام باقر (ع) چهار سال در مدینه ماند. او بعدها همچنان به محضر امام صادق (ع) رفت و آمد می کرد. از او نقل شده که سی هزار حدیث از امام باقر (ع) و شانزده هزار حدیث از امام صادق (ع) دریافت کرده بود (رجال کشی: ۱۶۷). با نزدیک به دو هزار روایت از وی که در مجامیع چهارگانه حدیث شیعی نقل شده و بسیاری دیگر که در سایر منابع آمده، وی یکی از پرکارترین راویان حدیث شیعی است. وی می بایست چندین دفتر از مرویات خود می داشته است. در گفتگویی میان وی و ابن ابی لیلی (م ۱۴۸) که برای ۳۳ سال

قاضی کوفه بود، [۳۴۵] قاضی از او پرسید که آیا ثبتی مکتوب از حدیثی که از امام باقر (ع) نقل نموده بود دارد؟ محمد بن مسلم گفت: آری. قاضی درخواست کرد که آن را ببیند. محمد بن مسلم گفت: به شرط آن که تنها به همین یک حدیث نگاه کنی و بقیه مطالب کتاب را ننگری. قاضی پذیرفت و محمد بن مسلم آن نوشته را به او

ص: ۴۱۵

نشان داد (کافی: ۳۴/۷ ـ ۳۵ [نیز من لایحضر: ۲۴۶/۴، معانی: ۲۱۹ ـ ۲۲۰]). این البته می توانست دفتر حدیث خود وی یا نسخه دفتر یکی دیگر از مشایخ حدیث شیعه باشد که محمد بن مسلم در اختیار داشته است. صفوان بن یحیی، روایتی را که در کتابی از محمد بن مسلم یافته بود، روایت کرده است (تهذیب: ۳۴۰/۹). با این همه دفتر(های) حدیث وی تا قرون بعد، برجای نمانده و هیچ کدام از شرح حال نویسان او از آنها یادی نکرده اند. دو اثری که اخیرا انتشار یافته، تلاش دارد تا مجموع روایات برجای مانده از این راوی را گردآوری کند:

مسند محمد بن مسلم الثقفی الطائفی (کذا)، از: بشیر محمدی مازندرانی (قم، ۱۴۱۶)

ما رواه الحواریون، کاظم جعفر المصباح، مجلدات ۱ ـ ۳ (قم، دهه ۱۴۱۰). این اثر مشتمل بر ۲۵۸۲ روایت از راوی ما می باشد.

۲ ـ کتاب اربعمائة مسألة فی أبواب الحلال و الحرام

(نجاشی: ۳۲۴). خطیب که این متن را توسط حریز بن عبدالله سجستانی، راوی شیعی دریافت کرده، آن را با این عنوان وصف می کند: «چهار صد موعظه که شخص را در مسائل دین و دنیا یاری می رساند». وی می گوید که این حدیث از نظر حجم در حدّ یک کُرّاسه کامل است (تلخیص المتشابه خطیب: ۴۹۴). متن آن به طور کامل در خصال: ۶۱۰ ـ ۶۳۷ (نیز تحف العقول: ۱۰۰ ـ ۱۲۵، با اختلافات و بدون اسناد) نقل شده است.

۱۵۵ . ابن قیس بجلی

ابوعبدالله محمد بن قیس بجلی کوفی، راوی از امام باقر و امام صادق (علیهماالسلام). او در سال ۱۵۱ درگذشت.

نجاشی: ۳۲۳، فهرست طوسی: ۱۳۱، رجال او: ۲۹۳

این راوی، قطعا جز راوی معاصر سنی خود در کوفه: محمد بن قیس اسدی والبی است (در باره این یک، بنگرید: تهذیب الکمال: ۳۱۸/۲۶ ـ ۳۲۱، و منابع بسیار دیگری که در پاورقی مصحح در همین منبع آمده است) که گفته اند او هم از امام باقر (ع) و دیگران روایت می کرد (نجاشی: ۳۲۳. برای نمونه ای از روایت ادّعایی این والبی از امام باقر [ع]بنگرید: مصنف عبدالرزاق: ۳۵/۱۰). به نظر

ص: ۴۱۶

می رسد که منابع شیعه، هیچ وقت، از محمد بن قیس [۳۴۶] والبی چیزی روایت نکرده اند.[۲۹۰] با این وجود، روایت گهگاهی وی از احادیث اکثرا سنی از امام علی (ع) با وسایط (برای نمونه: مصنف ابن ابی شیبه: ۴۲۰/۶، ۳۳۳/۱۲، فضائل احمد: ۵۳۱ ـ ۵۳۲، تاریخ المدینة المنورة ابن شبه: ۱۲۶۹، مثالب العرب ابن کلبی: ۳۲، اخبار مکه فاکهی: ۱۶۶/۵ ـ ۱۶۷، کامل ابن عدی: ۲۲۵۵)، نجاشی: ۳۲۴ یا منبع او را بر آن داشته است که به رغم نداشتن تصویری صحیح در شناخت واقعی این راوی،[۲۹۱] کتاب قضایا امیر المؤمنین (ع) را به این محمد بن قیس والبی منسوب کنند. ممکن است این خطا نخست از یک راوی سنی ناشی شده باشد که با توجه به روایات والبی از امام علی (ع)، کتاب محمد بن قیس بجلی (کتاب زیر) را اشتباها به والبی نسبت داده بود. نجاشی یادآور شده است که کتاب ادعا شده برای والبی با کتاب راوی ما، گویا از نظر محتوا، یکسان است.

۱ ـ کتاب قضایا امیرالمؤمنین (ع)

این، کتابی معروف بود (نجاشی: ۳۲۳) که شماری از راویان، از جمله عاصم بن حُمَید حنّاط (مشیخه: ۵۲۶ ـ ۵۲۷، نجاشی: ۳۲۳، فهرست طوسی: ۱۳۱) و عبید بن محمد بن قیس بجلی، فرزند مؤلف که عباد بن یعقوب رواجنی از او نقل کرده (فهرست طوسی: ۱۰۸. برای نمونه نقل های رواجنی از عبید بن محمد بن قیس بجلی از پدرش، بنگرید: امالی احمد بن عیسی: ۲۹۹/۴، کافی: ۳۳۶/۶،ایضاح قاضی نعمان: ۸۶، ۱۳۸ - ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۹ (دو روایت)، ۱۹۴) آن را روایت کرده اند. آغاز این اثر که در فهرست طوسی: ۱۰۸ نقل شده، با آغاز کتاب عبیدالله بن ابی رافع که نجاشی: ۶ آن را نقل کرده، یکسان است. این نشانگر آن است که محمد

ص: ۴۱۷

بن قیس، نسخه ای از کتاب عبیدالله را (که به نقل فهرست طوسی: ۱۰۸ مورد تأیید امام باقر [ع] قرار گرفته بود) گرفته و احادیثی را که خود از امام باقر (ع) به نقل از امام علی (ع) یا در باره ایشان شنیده بود، بر آن افزوده است (مخصوصاً ببینید ایضاح قاضی نعمان: ۱۷۰ - ۱۷۱ و ۱۹۴) چنان که یکی از راویان متأخّرتر این اثر، عبدالرحمن بن ابی نجران، که آن را از طریق عاصم بن حمید دریافت کرده بود موادی بر آن افزود و این نسخه به همین دلیل به نام این راوی شناخته می شد (نجاشی: ۲۳۵). عبّاد بن یعقوب رواجنی که کتاب قضایا را از فرزند مؤلف روایت می نمود مواد آن را در کتاب قضایای خود نقل کرده بود که مواردی از آن در نقل های قاضی نعمان در بخش بازمانده ار ایضاح او باقی مانده است (ایضاح: ۶۵، ۱۳۸ - ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۹۴ [نیز ۱۷۹، اگر نام «کتاب المسائل» در این نقل به

---

۲۹۰ . راویان حدیث شیعی کوفه آن زمان، تنها یک محمد بن قیس را می شناختند، و به همین دلیل، نیازی نمی دیدند که نسبت وی را مشخص سازند. بیشتر موارد اشتباه مانند این نمونه، در زمان های بعد پدید آمده، به ویژه زمانی که مجامع بزرگتر حدیثی، روایاتی از مناطق مختلف را با یکدیگر درآمیختند و در نتیجه، وجود چندین نام مشابه بدون تمییز و تشخّص مناسب، سبب پدید آمدن مشکل خلط میان آنها شد.

۲۹۱ . به همین دلیل، نجاشی، محمد بن قیس اسدی را به عنوان فردی از نزدیکان عمر بن عبدالعزیز و پس از وی یزید بن عبدالملک می شناسد که یکی از آنان وی را به عنوان سفیر برای رهایی اسرای مسلمین به روم فرستاد. این تفاصیل باید مربوط به محمد بن قیس مدنی باشد که از موالی خاندان ابوسفیان و «قاص» شخصی عمر بن عبدالعزیز بوده (در باره وی بنگرید: **تهذیب الکمال**: ۳۲۳/۲۶ ـ ۳۲۶ و منابع بسیاری که در پاورقی مصحح آمده است) که او نیز در منابع سنی، احتمالا باز هم به خلط و خطا، به عنوان یک راوی که گهگاهی هم از امام علی (ع) روایت می کند (برای نمونه: **فضائل احمد**: ۷۲۵) مطرح شده است.

پیشنهاد مادلونگ در مقاله خود در JNES، شماره ۲۵ (۱۹۷۶): ۳۷ تصحیف «کتاب القضایا» باشد]). رواجنی این اثر خود را از روی همین کتاب محمد بن قیس و منابعی دیگر (ببینید ایضاح: ۶۵، ۱۶۴، ۱۷۴، ۱۸۴) گرد آورده بود.
روایات زیادی از مؤلف ما در ارتباط با موضوع این اثر در دست است که عمدتا وسیله عاصم بن حمید حناط از وی روایت می شود. کتاب مسند محمد بن قیس البجلی (قم، ۱۴۰۹) که به تازگی توسط بشیر المحمدی المازندرانی انتشار یافته، بیشتر این نقلها را گردآوری کرده است.

[۳۴۷] ۲ ـ المسائل
دفتر یادداشتی از پرسش های راوی از امام باقر (ع) و پاسخ آنها که عاصم بن حمید آن را روایت کرده است (رجال طوسی: ۲۹۳). روایات فراوانی از این دفتر همراه با عبارت «سألته» در آغاز (چنان که در نوادر احمد بن محمد بن عیسی: ۴۷، ۱۱۲، کافی: ۱۱۳/۵، ۴۴۳، ۴۸۲ [نیز تهذیب: ۲۰۳/۸ ـ ۲۰۴]، ۶۳/۶، ۱۵۰، ۲۶۱/۷ [نیز علل: ۲۶۸/۲]، ۴۰۰) یا بدون آن عبارت، در کتابهای حدیثی آمده است. بیشتر روایات بر جای مانده از این متن نیز، در مسند محمد بن قیس البجلی جمع آوری شده است.

۳ ـ اصل
دفتر حدیث مؤلف که توسط ابن ابی عمیر روایت شده است (فهرست طوسی: ۱۳۱). روایاتی به نقل از این مؤلف، توسط همین راوی با واسطه (چنان که در کافی: ۲۱۴/۶) یا بدون واسطه

ص: ۴۱۸

(چنان که در همان: ۲۸۴/۶) در دست است. موارد باقی مانده از این نوع نیز در کتاب بالا آمده است.

۱۵۶ . نهشلی
محمد بن تمیم نهشلی تمیمی که گفته می شود بصری بوده و از امام کاظم (ع) روایت می کرده است.
الجرح و التعدیل: ۲۱۵/۷، کامل ابن عدی: ۷۵۳، نجاشی: ۳۶۵، لسان المیزان: ۷۵۳/۵
این نام عمدتا از طریق ابوسعید حسن بن علی عدوی (م ۳۱۸)، یک راوی که به وضع حدیث مشهور بود (بنگرید: تاریخ بغداد: ۳۸۱/۷ ـ ۳۸۴، لسان المیزان: ۴۲۵/۲ ـ ۴۲۸ [و منابع دیگری که در پاورقی مصحح این کتاب: ۴۲۵/۲ آمده است.]. نیز بنگرید: رجال ابن غضائری: ۵۳، ۵۴ ـ ۵۵)، به دست آمده و شناخته شده است. در لسان المیزان: ۷۵۳/۵ آمده است که عبدالله بن احمد بن حنبل (م ۲۹۰) نیز، احتمالا در باب مسند الحسین از مسند اهل البیت خود که باقی مانده (نسخه خطی ش ۲۸۰ حدیث کتابخانه تیموریه قاهره [فهرست آن: ۲۳۶/۲])، از این نهشلی روایت می کند. اگر فی الواقع، شخصی از روات حدیث با نام محمد بن تمیم نهشلی تمیمی وجود داشته، می باید حداقل تا اواخر دهه سوم قرن سوم، زمانی که عدوی (تولد در ۲۱۰) و عبدالله بن احمد (تولد در ۲۱۳) می توانسته اند از وی سماع حدیث کرده باشند، هنوز زنده می بوده است. البته احتمال دیگر هم هست که روایت این دو نفر از آن شخص، از کتابی گرفته شده باشد.

کتاب

یک دفتر حدیث که گفته می شود نهشلی از روایات خود از امام کاظم (ع) فراهم نموده و حسن بن علی عدوی آن را از مؤلف روایت کرده است (نجاشی: ۳۶۵). سه [۳۴۸] نمونه از روایات وی از امام کاظم (ع) در کامل ابن عدی: ۷۵۳ ـ ۷۵۴ آمده که همه از طریق عدوی از نهشلی روایت شده است (در متن چاپی کامل ابن عدی که مورد استفاده ماست، روایت دوم از طریق محمد بن صدقه می باشد، ولی در موضوعات ابن جوزی: ۶۷/۳ و لئالی سیوطی: ۲۷۵/۲ این روایت، به نقل از ابن عدی، از محمد بن صدقه و نهشلی است).

۱۵۷ . ابن ابی حمزه

ص: ۴۱۹

محمد بن ثابت بن دینار ثمالی کوفی، از موالی تیره بنوعوف بن اسلم از قبیله ازد، که از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) روایت می کند. او فرزند ابوحمزه ثمالی (مدخل شماره ۲۰۱ در همین فصل) دانشمند سرشناس نیمه اول قرن دوم بوده است.

برقی: ۶۸، رجال کشی: ۲۰۳ (تکرار در ۴۰۶)، نجاشی: ۳۵۸، فهرست طوسی: ۱۴۸، رجال او: ۱۴۵، ۳۱۳

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که ابن ابی عمیر آن را روایت کرده است (نجاشی: ۳۵۸، فهرست طوسی: ۱۴۸). بیش از دویست و پنجاه حدیث از این مؤلف در کتابهای حدیثی شیعه آمده که در معجم خویی: ۲۳۸/۱۴ ـ ۲۴۲، ۴۰۳ ـ ۴۱۲ و فهارس بحار: ۱۲۸/۱۰ فهرست شده، و بیشتر آنها از طریق همین راوی می باشد.

۱۵۸ . محمد بن ابی رافع

محمد بن عبیدالله بن ابی رافع مدنی، نواده ابورافع خادم پیامبر (ع) و پسر عبیدالله کاتب امام علی (ع). وی آثار پدر خویش را روایت کرده و از امام باقر (ع) و دیگران روایت حدیث می نمود او در سال ۱۵۷ درگذشت.

تاریخ یحیی بن معین: ۵۲۹/۲، تاریخ کبیر بخاری: ۲۷۱/۲، ضعفاء عقیلی: ۱۰۴۴، الجرح و التعدیل: ۲/۸، مجروحین ابن حبان: ۲۴۹/۲ ـ ۲۵۰، ثقات او: ۴۰۰/۷، ضعفاء دارقطنی: ۱۴۷، کامل ابن عدی: ۲۱۲۵ ـ ۲۱۲۶، نجاشی: ۶، ۳۵۳، رجال طوسی: ۲۸۷، تهذیب الکمال: ۳۶/۲۶ ـ ۳۸ (و منابع دیگری که در پاورقی مصحح همین مأخذ آمده است).

ابن عدی در کامل: ۲۱۲۶ این راوی را یک کوفی می شناسد که کوفیان از او روایت می کرده و خود از شیعیان آن شهر بوده است. این سخن درست به نظر نمی آید. وی همانند پدر [۳۴۹] و دیگر اعضای خانواده، می بایست در مدینه زندگی کرده و همانجا درگذشته باشد. ابوحاتم، پسرش معمر را به عنوان «یک شیخ مدنی که در بغداد بود» وصف می کند (تهذیب الکمال: ۳۳۰/۸).

روایات وی از امام باقر (ع) در برخی از منابع آمده است (نمونه در مسند الفردوس [ازبک: ۷۳۱، ش ۲۰۶]). او از زید بن علی (برای نمونه: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۱۰۷/۰۴) و دیگر اعضای خاندان

ص: ۴۲۰

پیامبر (ص) (برای نمونه: مسند احمد: ۷۸/۱[مقـ : تاریخ واسط بَحْشل: ۱۹۵]، حلیة الاولیاء: ۷۴/۱، ۳۸۸) نیز روایت می کرده است.

نسخه

دفتر حدیث مؤلف که به نقل ابن حبان در مجروحین: ۳۸/۳ آن را فرزند وی معمر (همان که ابوحاتم در سال ۲۱۳ در بغداد دیده بود. در باره او بنگرید: تهذیب الکمال: ۳۲۹/۲۸ ـ ۳۳۱ و منابعی که در پاورقی مصحح آمده است) روایت می نمود. نجاشی: ۳۵۳ هم از وی به عنوان مؤلف یک کتاب یاد می کند، گرچه جمله ای که آن کتاب را مشخص می کند از نسخ موجود فهرست نجاشی افتاده است. اسنادی که نجاشی برای این اثر نامشخص آورده، در حلقات بالا مشابه اسنادی است که وی برای کتاب ابن ابی رافع یاد کرده که این راوی از پدر خود روایت می نمود (نجاشی: ۶).

بسیاری از روایات نقل شده از این مؤلف[۲۹۲] که شمار متعددی از آن از طریق فرزندش معمر[۲۹۳] است، در کتابهای حدیث سنی و شیعی آمده است. طبرانی در معجم کبیر: ۳۱۸/۱ ـ ۳۲۲ (ش ۹۳۹ ـ ۹۵۵، ۹۵۸) هیجده روایت در یک باب و یک روایت در بابی دیگر (همان: ۱۸۴/۴) نقل کرده است. محمد بن سلیمان در مناقب خود نزدیک به بیست روایت دیگر نقل می کند که همگی در باره فضائل امام علی (ع) است. این چنین:

۲۳۶/۱، ۲۶۲ (یک تحریر طولانی تر در ۲۸۵; نیز معجم کبیر طبرانی: ۳۲۰/۱، [ش ۹۵۲]، مستدرک حاکم: ۱۸۳/۳)، ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۳ (تکرار شده در ۲۸۶. نیز تأویل ما نزل ابن جحام: ۲۸۲ [بخوانید «عن ابن ابی رافع»، چنان که در پاورقی ش ۳ مصحح]، ۲۸۴، ۳۳۴، ۳۱۰، ۳۶۴ (نیز امالی ابی طالب: ۷۵، اعلام الوری: ۱۹۱ ـ ۱۹۲)، ۳۸۵ ـ ۳۸۶ (بخوانید: «عن محمد بن عبیدالله بن أبی رافع، عن ابیه»)، ۳۹۲ (نیز در تأویل ما نزل: ۳۹۱)، ۳۹۵ (نیز کامل ابن عدی: ۲۱۲۶)، ۳۹۷، ۴۲۸ (تکرار شده در ۴۰۵/۲. نیز معجم کبیر طبرانی: ۳۱۹/۱، شرح الاخبار: ۳۳۲/۱، موفقیات زبیر بن بکار: ۳۱۳)، ۴۷۴، ۴۸۵

ص: ۴۲۱

ـ ۴۸۶، ۴۸۹، ۴۹۱ (تحریر طولانی تر در ۴۹۵، بخشی از آن نیز در ۵۳۶/۲. نیز ارشاد مفید: ۸۷/۱)، ۵۰۷ ـ ۵۰۸، ۲۸۳/۲ (تکرار شده در ۴۷۱)

[۳۵۰] نقلهای دیگر از این مؤلف که بسیاری از آنها از طریق همان راوی است که نجاشی از او یاد کرده، شامل موارد زیر می باشد:

طبقات ابن سعد: ۱۵/۳ ـ ۱۶

---

۲۹۲ . گاهی وی را به اشتباه به عنوان محمد بن عبیدالله بن علی بن ابی رافع معرفی می کنند (بنگرید به فصل اول، شماره ۴، مدخل «عبیدالله بن ابی رافع»).

۲۹۳ . از آن جمله، پنج روایت در **کامل ابن عدی**: ۲۴۴۳ (دو مورد از این جمله نیز در **مسند رویانی**: ۴۷۳/۱ ـ ۴۷۴، دیگری نیز در **سنن ابن ماجه**: ۱۵۳، و دیگری نیز در **طبقات ابن سعد**: ۳۷۶/۱ از طریق راویی جز معمر)، ششمین در **تهذیب الاثار** طبری، بخش ابن عباس: ۵۱۱، و هفتمین در **مجمع البحرین** هیثمی: ۱۵۹/۶ ـ ۱۶۰.

مسند احمد: ۷۸/۱ (بخوانید: «عن محمد بن عبیدالله بن ابی رافع»، چنان که در چاپ بیروت، ۱۹۹۵ همین کتاب، نیز در تاریخ واسط بحشل: ۱۹۵)، ۱۲۱

سنن ابن ماجه: ۲۴۲، ۲۹۵ (نیز معجم کبیر طبرانی: ۳۱۸/۲، [ش ۹۴۰])، ۴۱۱ ـ ۴۱۲ (نیز معجم کبیر: ۳۱۸/۱، [ش ۹۴۳])

بصائر: ۸۵

مسند رویانی: ۴۵۵/۱، ۴۶۱ (دو روایت، هر دو نیز در معجم کبیر طبرانی: ۳۲۰/۱ ـ ۳۲۱ [ش ۹۵۴، ۹۵۵]، دومی نیز در ما نزل ابونعیم: ۶۲ ـ ۶۳، تأویل ما نزل: ۹۸ ـ ۹۹)

تأویل ما نزل من القرآن: ۲۰۳ (بخوانید: «عن محمد بن عبیدالله بن ابی رافع»، چنان که در بحار: ۲۷۱/۳۷)

کامل الزیارات: ۱۱۳ (بخوانید: «عن ابی ابی رافع»)

ارشاد: ۷۳/۱ ـ ۷۴

حلیة الاولیاء: ۷۴/۱، ۳۸۸

مسند الفردوس: (ازبک: ۷۳۱ [ش ۲۰۶])

اعلام الوری: ۱۸۷

تاریخ دمشق: ۱۲۸/۱۴ ـ ۱۲۹، ۱۳۰ (نیز بنگرید: معجم کبیر طبرانی: ۱۵۵/۴ ـ ۱۵۶)، ۱۶۲، ۱۴۱/۴۲ ـ ۱۴۲، ۲۷۰

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۱۰۷/۴

الطرق الحُکمیة ابن قیم: ۶۷ ـ ۶۸

یک متن طولانی که در امالی طوسی: ۴۶۳ ـ ۴۷۲ از عبیدالله بن ابی رافع و دیگران نقل شده، نیز می تواند در اصل از اثر مورد بحث گرفته شده باشد، زیرا صورتی از یک دو بند آن در منابع دیگر به روایت مؤلف ما آمده است.

۱۵۹ . ابن عُذافِر صیرفی

ص: ۴۲۲

محمد بن عذافر مدائنی کوفی، صراف، از موالی خزاعه، که از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) روایت می کرد. وی در اواخر قرن دوم، در سن ۹۳ سالگی درگذشت.

برقی: ۶۹، ۱۱۹، نجاشی: ۳۵۹ ـ ۳۶۰، فهرست طوسی: ۱۴۸، رجال او: ۲۹۱، ۳۴۳، الاکمال: ۱۷۰/۵

[۳۵۱] کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان آن را از وی روایت می نمودند از جمله محمد بن اسماعیل بن بزیع و عمرو بن عثمان (نجاشی: ۳۶۰، فهرست طوسی: ۱۴۸، رجال او: ۳۴۳) و به احتمال، محمد بن عمر بن یزید که واسطه میان این مؤلف و موسی بن قاسم بجلی است که مؤلف کتابی در باره حج است و به طور مکرر در آن اثر خود از مؤلف ما نقل می کند. اکثریت بزرگ روایات برجای مانده از ابن عذافر در کتابهای حدیثی سنی (برای مثال: تلخیص المتشابه خطیب:

۴۱) و شیعی (که بیش از یک صد مورد آن در معجم خویی: ۲۷۹/۱۶ ـ ۲۸۰، ۴۳۵ ـ ۴۳۷ و فهارس بحار: ۱۸۱/۱۰ فهرست شده) از طریق همین راویان است.

۱۶۰ . محمد خثعمی

محمد بن یحیی خثعمی کوفی که گفته اند از امام صادق (علیه السلام) روایت می نمود.

نجاشی: ۳۵۹، فهرست طوسی: ۱۶۲، رجال او: ۲۹۷

این راوی، به احتمال قریب به یقین، همان محمد بن یحیی خزاز است که در نجاشی: ۳۵۹ از او یاد شده (در این مورد به خصوص بنگرید: کامل الزیارات: ۱۵۶، ش ۱۷ و ۱۸. نیز مقـ : کافی: ۲۰۰/۶ را با تهذیب: ۳۹۸/۶ و موارد مشابهی که در قاموس الرجال: ۶۵۰/۹ و معجم خویی: ۳۹۱/۱۸ ـ ۳۹۳ آمده)، و ظاهرا تا اوائل قرن سوم زنده بوده است.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان از جمله ابن ابی عمیر آن را روایت کرده اند (نجاشی: ۳۵۹، فهرست طوسی: ۱۶۲). تعداد قابل توجهی از روایات این مؤلف در کتابهای متأخرتر آمده که برخی از آنها از طریق راوی پیشگفته است. برای فهرست آنها بنگرید: معجم

ص: ۴۲۳

خویی: ۲۶/۱۸ ـ ۲۹، ۳۳ ـ ۳۶، ۳۸۶ ـ ۳۹۲، فهارس بحار: ۲۷۴/۱۰ ـ ۲۷۶. این کتاب در میانه قرن هفتم در اختیار ابن طاوس بوده که آن را اصل می نامد و روایتی از آن در فرج المهموم: ۸۶ نقل می کند (برای اطلاعات بیشتر بنگرید: کتابخانه ابن طاوس: ۱۲۵ ـ ۱۲۶).

۱۶۱ . مُنَخّل رَقّی بیّاع الجواری

منخل بن جمیل اسدی رقی، فروشنده کنیزکان، یک شیعه کوفی باطنی گرا که عمدتا از جابر جعفی روایت می کند.

[۳۵۲] رجال کشی: ۳۶۸، رجال ابن غضائری: ۸۹، ۱۱۰، نجاشی: ۴۲۱، فهرست طوسی: ۱۶۹، رجال او: ۳۱۲

نجاشی می گوید که منخّل از امام صادق (ع) نیز روایت کرده است. این گفته، با روایتی در کافی: ۴۱۷/۱ تأیید می شود.

۱ ـ کتاب التفسیر

این کتاب که محمد بن سنان زاهری آن را از مؤلف نقل کرده (نجاشی: ۴۲۱) به روشنی، مجموعه ای از نقل ها در باره قرآن بود که بیشتر باطنی گرا و تقریبا تمامی آنها به روایت از شیخ عمده مؤلف، جابر جعفی بود. روایات متعددی از این مؤلف در باره این موضوع در آثار متأخرتر آمده که همه آنها، تنها با یک استثنا، از جابر می باشد و تمامی آنها توسط محمد بن سنان زاهری، از طریق عمار بن مروان یشکری خزاز از منخل روایت شده است. نمونه ها شامل موارد زیر است:

بصائر: ۱۹۳ (نیز کافی: ۲۲۸/۱)، ۲۹۴ (و از این مأخذ در اختصاص: ۲۷۸)، ۳۹۹ (و از این جا در اختصاص: ۲۷۸)، ۳۹۹ (و از این جا در اختصاص: ۳۳۲)، ۵۰۰

کافی: ۴۱۷/۱ (سه روایت)، ۴۱۸

فرات: ۵۴

تأویل ما نزل: ۱۴۵

تفسیر قمی: ۱۰۴/۲، ۱۱۱، ۲۵۵

طب الائمة: ۲۳، ۶۹

معانی: ۱۶۷

اذان شجری: ۲۱ (به احتمال، تکرار شده در ۸۲)

مختصر بصائر: ۱۷ ـ ۱۸، ۲۶ (دو روایت)

۲ ـ کتاب

این اثر را محمد بن حسین بن ابی الخطاب از طریق محمد بن سنان زاهری (فهرست طوسی: ۱۶۹) که همان گونه که گذشت از طریق عمار بن مروان از مؤلف روایت می کند، دریافت کرده بود. تعداد قابل ملاحظه ای روایات غیر قرآنی از این مؤلف که تقریبا همه آنها از همین طریق رسیده است، می تواند متعلق به این دفتر باشد. نمونه ها چنین است:

بصائر: ۲۰ ـ ۲۱، ۲۸ (بخوانید: «عن منخل، عن جابر»)، ۱۰۴، ۱۴۴، ۱۸۷ ـ ۱۸۸، ۳۱۷، ۴۴۷ (نیز کافی: ۲۷۲/۱)

رجال کشی: ۱۴ ـ ۱۵ (با اسنادی دیگر)

غیبت نعمانی: ۲۰۰ ـ ۲۰۱

اختصاص: ۱۱۷

غیبت طوسی: ۱۸۷

تهذیب: ۱۰۹/۲ (تکرار شده در ۳۲۱)

[۳۵۳] ۱۶۲ . مرازم مدائنی

ابومحمد مرازم بن حکیم مدائنی، از موالی ازد، و راوی از امام صادق و امام کاظم (علیهماالسلام). وی پس از سال ۱۸۳ درگذشت.

برقی: ۱۱۷، نجاشی: ۴۲۴، فهرست طوسی: ۱۷۰، رجال او: ۳۱۱، ۳۴۲. نیز بنگرید: کافی: ۳۴۴/۲ ـ ۳۴۵، ۵۰۶/۴.

مرازم عضوی از یک خانواده کوفی از راویان حدیث شیعی بود که در ساباط مدائن می زیستند. برادر وی حدید را متکلم و راوی حدیث از امام صادق (ع) خوانده اند (نجاشی: ۱۴۸، تاریخ بغداد: ۲۸۰/۸). نجاشی و فهرست طوسی: ۶۳ ـ ۶۴ از دفتر حدیث حدید یاد کرده اند که از طریق راویانی که در آن دو منبع از آنان نام برده شده، نقلی از آن در دست

نیست و حتی فرزندش علی که یک راوی پرکار بود حدیثی از پدر خود روایت نکرده است. از محمد، برادر دیگر مرازم (نجاشی: ۴۲۴، رجال طوسی:

ص: ۴۲۵

۲۸۰)[۲۹۴] و محمد فرزند مرازم (نجاشی: ۳۶۵، فهرست طوسی: ۱۵۵) احادیثی در منابع بعدی نقل شده است.[۲۹۵]

۱ ـ کتاب

دفتر حدیث مؤلف که توسط علی بن حدید، برادر زاده مؤلف (نجاشی: ۴۲۴، فهرست طوسی: ۱۷۰) و به احتمال، ابن ابی عمیر (مشیخه: ۴۶۳) روایت شده است. نزدیک به یک صد نقل از این مؤلف در آثار متأخرتر آمده که در معجم خویی: ۱۱۰/۱۸ ـ ۱۱۳، ۴۰۷ ـ ۴۰۹ و فهارس بحار: ۲۹۳/۱۰ فهرست شده و غالب آنها از طریق همین دو راوی است.

۲ ـ کتاب اشترک جمیل بن دراج و مرازم بن حکیم فیه

دفتر حدیث که به طور مشترک از وی و جمیل بن دراج (شماره ۱۱۹ فصل حاضر) بوده و علی بن حدید آن را روایت کرده است (نجاشی: ۱۲۷). عبارت «جمیل عن مرازم» در کافی: ۱۷۰/۲، ۲۷/۴ (نیز ثواب: ۲۰۳) ممکن است اشاره به این دفتر مشترک باشد، به خصوص اگر عبارت مذکور، در اصل «جمیل و مرازم» بوده است، چه گویا معنی دفتر مشترک، دفتری باشد که بخشی از آن از یک راوی و بخش دیگر، از دیگری است.

[۳۵۴] ۱۶۳ . موسی واسطی

موسی بن بکر واسطی، یک شیعه کوفی که اصل وی از واسط بود. وی از امام صادق و امام کاظم (علیهماالسلام) روایت می کرد و پس از رحلت امام کاظم (ع) به واقفه پیوست.

برقی: ۸۵، ۱۱۷، ۱۱۸، رجال کشی: ۳۲۸، ۴۳۸، نجاشی: ۴۰۷، فهرست طوسی: ۱۶۲، رجال او: ۳۰۱، ۳۴۳

ص: ۴۲۶

وی دستیار نزدیک امام کاظم (ع) بوده، چنان که از روایتی در رجال کشی به دست می آید (نیز قرب الاسناد: ۳۳۳. نیز بنگرید: کافی: ۹۴/۵، ۳۳۲/۵، ۴۸۹). این که او به واقفه پیوست در رجال طوسی: ۳۴۳ آمده است.

---

۲۹۴ . در **محاسن**: ۴۷۹ روایتی از جعفر بن محمد بن حکیم از پدرش، از حدید آمده است. در **کافی**: ۳۲۴/۶ روایتی از جعفر بن محمد بن حکیم از مرازم دارد. این می تواند یک اسناد خانوادگی باشد و به احتمال، این جعفر، برادرزاده مرازم است و نه آن «خثعمی» که در نجاشی: ۳۵۷ از او یاد شده است.

۲۹۵ . به نظر می رسد که عبارت «حفص اخی مرازم» در **کافی**: ۱۰۲/۱، تصحیف «حدید اخی مرازم» باشد، همان طور که «جریر بن حکیم اخو مرازم» در منبع **رجال طوسی**: ۱۷۹.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که علی بن حکم (نجاشی: ۴۰۷)، ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی (فهرست طوسی: ۱۶۲) آن را روایت کرده اند. در کافی از این کتاب یاد و شماری از روایات آن از طریق حسن بن محمد بن سماعه نقل شده است (کافی: ۹۷/۷ و ادامه آن در ۱۰۴). قطعه ای از این اثر در مستطرفات ابن ادریس: ۱۷ ـ ۱۹ برجای مانده است. نزدیک به سیصد نقل از این مؤلف که در آثار متأخرتر آمده و در معجم خویی: ۲۲/۱۹ ـ ۳۱، ۳۴۰ ـ ۳۴۷ و فهارس بحار: ۳۶۵/۱۰ ـ ۳۶۶ فهرست شده، عمدتا از طریق همان راویان می باشد.

۱۶۴ . موسی مروزی

موسی بن ابراهیم مروزی، یک سنی ساکن بغداد که در آغاز از مأموران پلیس آن شهر بود و سپس به حلقه روات پیوست و بنا به دعوی خود زمانی که امام کاظم (ع) در بغداد زندانی بود، از آن حضرت حدیث شنید. گفته می شود وی تا سال ۲۲۹ زنده بوده است.

ضعفاء عقیلی: ۱۶۶/۴، نجاشی: ۴۰۴ ـ ۴۰۸، فهرست طوسی: ۱۶۳، رجال او: ۳۴۳، تاریخ بغداد: ۳۸/۱۳ ـ ۳۹، لسان المیزان: ۹۴/۷ ـ ۹۵ (و منابع دیگری که در پاورقی مصحح در منبع اخیر آمده است).

کتاب / مسند الامام موسی بن جعفر (ع)

دفتر مرویّات مؤلف از امام کاظم (ع) که محمد بن خلف مروزی آن را از مؤلف روایت کرده است (نجاشی: ۴۰۷ ـ ۴۰۸).[۳۵۵] این دفتر در ضمن یک نسخه خطّی کهن در کتابخانه ظاهریه دمشق برجای مانده و به عنوان مسند الامام موسی بن جعفر (تصحیح محمدحسین حسینی جلالی، تهران، ۱۳۵۲ ش) چاپ شده است. این اثر، مشتمل بر ۵۹ روایت است. مصحح، برخی دیگر از مرویّات محمّد بن خلف مروزی از این مؤلف از امام کاظم(ع) را که در این دفتر نبوده، در پیوستی در انتهای کتاب آورده است.

ص: ۴۲۷

۱۶۵ . موسی نمیری

موسی بن اُکَیل نمیری کوفی، راوی از امام صادق (علیه السلام).

برقی: ۸۵، نجاشی: ۴۰۸ ـ ۴۰۹، فهرست طوسی: ۱۶۲، رجال او: ۳۱۴

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان آن را روایت کرده اند (نجاشی: ۴۰۹، فهرست طوسی: ۱۶۲). اکثریت انبوه نزدیک به پنجاه روایت از این مؤلف در آثار متأخرتر با اسنادی واحد از طریق علی بن عقبه و ظبیان بن حکیم عودی است که گاهی با هم (برای نمونه: تهذیب: ۴۵۹/۱، ۲۴۲/۶، جمال الاسبوع: ۲۷۸) و بیشتر جداگانه از این مؤلف روایت

می کنند، و همه به احتمال زیاد از همین دفتر حدیث است. برای فهرستی از نقلهای آنان بنگرید: معجم خویی: ۱۹/۱۹ ـ ۲۱، ۳۳۸ ـ ۳۳۹ (نیز بنگرید: همان: ۴۲۱/۷، ۳۱۳ ـ ۳۱۴).

۱۶۶ . ابوهارون مکفوف

موسی بن عمیر قرشی جَعدی کوفی، نابینا، از موالی خانواده جعدة بن هبیرة مخزومی (خواهر زاده امام علی (ع) و حاکم خراسان از جانب ایشان)، یک راوی حدیث که در حلقات روایی سنی و شیعی عصر خویش شناخته شده بود. او در بغداد می زیست و از امام صادق (ع) و دیگران روایت می نمود.

ضعفاء ابوزرعه رازی: ۵۳۲، المعرفة و التاریخ: ۱۲۱/۳، برقی: ۵۸، ۱۰۸، ضعفاء نسائی: ۲۲۴، ضعفاء عقیلی: ۱۵۹/۴ ـ ۱۶۰، الجرح و التعدیل: ۱۵۵/۸، کامل ابن عدی: ۲۳۴۰ ـ ۲۳۴۱، رجال کشی: ۲۲۲ ـ ۲۲۳، نجاشی: ۴۰۹ (به عنوان موسی بن عمیر «هذلی» که به احتمال، تصحیف «هُبَری» است در نسبت به جعدة بن هبیره)، فهرست طوسی: ۱۸۳، رجال او: [۳۵۶] ۱۵۰، ۳۰۱، تاریخ بغداد: ۲۰/۱۳ ـ ۲۱، تهذیب الکمال: ۱۲۸/۲۹ ـ ۱۲۹ (و منابع دیگری که در پاورقی مصحح در منبع اخیر آمده است). نیز بنگرید: کافی: ۴۸۰/۵، تهذیب: ۲۲۴/۱۰ ـ ۲۲۵.

برای نمونه های روایات سنی این راوی بنگرید: کامل ابن عدی: ۲۳۴۰ ـ ۲۳۴۱ که در آن جا هفت مورد از این گونه روایات او آمده است.

ص: ۴۲۸

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که عباد بن یعقوب رواجنی (نجاشی: ۴۰۹) و عبیس بن هشام ناشری (فهرست طوسی: ۱۸۳) آن را روایت کرده اند. نقل های زیر از این مؤلف به روایت عباد می باشد:

فضائل احمد: ۶۱۹ (تکرار شده در ۶۶۸)

امالی احمد بن عیسی: ۲۶۷/۴

کامل ابن عدی: ۲۳۴۱ (سه روایت، یکی از آن سه نیز در امالی ابی طالب: ۳۱۷)

امالی ابی طالب: ۴۰۰، ۴۲۴

نقلهای دیگر شیعی از وی شامل نمونه های زیر است:

کافی: ۳۰۶/۳، ۳۱۴ ـ ۳۱۵، ۳۴۳، ۳۹/۶، ۱۰۲/۸، ۲۶۶

کامل الزیارات: ۲۰۸ (تکرار شده در ۲۱۰ ـ ۲۱۱)

حلیة الاولیاء: ۱۸۶/۳

تاریخ دمشق: ۳۲۳/۲۶ (بخوانید: «حسن بن محبوب السرّاد عن موسی بن عمیر الکوفی»)

۱۶۷ . مُشْمَعِلّ ناشری

مشمعل بن سعد اسدی ناشری، از شیعیان کوفه، و راوی حدیث از امام صادق (علیه السلام)

برقی: ۱۱۲، نجاشی: ۴۲۰، فهرست طوسی: ۱۷۱، رجال او: ۳۱۱. نیز بنگرید: امالی صدوق: ۵۸۱ ـ ۵۸۲.

کتاب الدیات

کتابی که مؤلف با برادرش حکم، در تألیف آن مشترک بودند و عبیس بن هشام ناشری از آن دو روایت کرده است (نجاشی: ۴۲۰، نیز ۱۳۶ ـ ۱۳۷). تعدادی نقل از این مؤلف در آثار بعدی وجود دارد که برخی از آنها از طریق راوی پیشگفته است، اما روایات فقهی این مؤلف همه در باره احکام ارث است [۳۵۷] (برای نمونه: کافی: ۹۱/۷، ۱۱۰، ۱۲۶ [نیز من لایحضر: ۲۶۲/۴، تهذیب: ۲۹۴/۹ ـ ۲۹۵، که در آن بخوانید: «عن مشمعل» به جای «عن اسماعیل»]، تهذیب: ۲۸۳/۹). تواند بود که کلمه «دیات» در نجاشی، تصحیف «میراث» باشد. این احتمال هم وجود دارد که عنوان کتاب، کتاب الفرائض بوده، عنوانی که معمولا در معنی سهام ارث است، اما

به خصوص در ادوار متقدم، در معنی میزان دیه اعضاء و جوارح و تلف نفس هم به کار می رفت چنان که در مورد دیات ظریف بن ناصح در کافی: ۳۳۰/۷. چه بسا نجاشی یا منبع او، عنوان اصلی کتاب را به عنوان دیگری که به تصور آنان مناسب متن و محتوای اثر بوده تغییر داده اند بی آن که اصل کتاب را دیده و بدانند که «فرائض» در اینجا در معنی دیگر آن یعنی سهام ارث به کار رفته بود.

۱۶۸ . مثنی حنّاط

مثنی بن ولید، گندم فروش، از موالی کوفه، و از روات حدیث از امام صادق (علیه السلام).

برقی: ۱۰۴، رجال کشی: ۳۳۸، نجاشی: ۴۱۴، فهرست طوسی: ۱۶۷

کتاب / اصل

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان از جمله حسن بن علی بن یوسف بن بقّاح (نجاشی: ۴۱۴) و حسن بن علی وشاء (رسالة ابی غالب: ۱۷۲، نجاشی: ۴۱۴، فهرست طوسی: ۱۶۷) آن را روایت کرده اند. این متن باقی مانده و در الاصول الستة عشر: ۱۰۲ ـ ۱۰۵ به طبع رسیده است. اثر یاد شده، مشتمل بر ۲۳ روایت است (برای جزئیات بیشتر بنگرید مقاله کالبرگ در باب اصول اربعمائه: ۱۵۵). تعداد فراوانی نقلهای دیگر از این مؤلف در منابع بعدی آمده که در معجم خویی: ۱۷۸/۱۴ ـ ۱۸۰، ۱۸۳ ـ ۱۸۷، ۳۷۹ ـ ۳۸۶ و فهارس بحار: ۳۶/۱۰ ـ ۳۷ فهرست شده و بسیاری از آنها از طریق راویان پیشگفته است. این امر، نشانگر آن است که متن باقی مانده، یا نسخه کوتاه شده ای از دفتر حدیث مؤلف بوده و یا تنها بخشی از آن است.

۱۶۹ . ابن ابی زُهَیر

ابومحمد مطّلب بن زیاد بن ابی زهیر، از موالی کوفه، و راوی سنی حدیث با تمایلات شیعی. او از امام صادق (علیه السلام) و دیگران روایت کرده و به سال ۱۸۵ درگذشت.

[۳۵۸] طبقات ابن سعد: ۳۶۰/۶، تاریخ یحیی بن معین: ۵۷۰/۲، تاریخ الثقات عجلی: ۴۳۱، تاریخ کبیر بخاری: ۸/۸، المعرفة و التاریخ: ۱۸۰/۳، برقی: ۱۱۰، الجرح و التعدیل: ۳۶۰/۸، کامل ابن عدی: ۲۴۵۵،

ص: ۴۳۰

نجاشی: ۴۲۳، فهرست طوسی: ۱۶۸، رجال او: ۳۱۱، و منابع دیگری که در پاورقی های مصححان در تهذیب الکمال: ۷۸/۲۸ و تاریخ الاسلام ذهبی: ۱۲ (سالهای ۱۸۱ ـ ۱۹۰) /۴۰۰ آمده است.

این راوی را معمولا «الثقفی الزهری القرشی» وصف کرده اند. ابن سعد بر آن است که وصف ثقفی از آن رهگذرست که وی میان ثقیف می زیست، به احتمال در محله آنان در کوفه، و دو وصف زهری و قرشی به آن اعتبار که وی از موالی خاندان جابر بن سمرة بن جُناده سوائی (م ۷۴)، صحابی پیامبر (ص) و برادر زاده سعد بن ابی‌وقاص (م ۵۵)، بود که پدرش حلیف بنوزهرة بن کلاب، تیره ای از قریش، به شمار می آمد (برای اطلاعات بیشتر بنگرید: تهذیب الکمال: ۴۳۸/۴ ـ ۴۳۹).

وی از زید بن علی (تهذیب الکمال: ۷۸/۲۸) و با واسطه از امام باقر (ع) (برای نمونه: امالی احمد بن عیسی: ۳۴۰/۴) روایت می نمود. برای تمایلات شیعی او بنگرید: مصنف ابن ابی شیبه: ۵۹/۱۲ (نیز مناقب الامام امیرالمؤمنین [ع]: ۳۸۹/۲، ۴۰۶، ۴۰۹، سیر اعلام النبلاء: ۲۹۶/۸ ـ ۲۹۷)، مسند احمد: ۱۲۶/۱ (نیز معجم اوسط طبرانی: ۹۴/۱، ۱۵۳/۵ ـ ۱۵۴، ۳۷۹/۷، معجم صغیر طبرانی: ۲۶۱/۱ ـ ۲۶۲)، السنة ابن ابی عاصم: ۸۹۵ ـ ۸۹۶ (نیز خصائص نسائی: ۱۲۲ ـ ۱۲۳، سنن نسائی: ۴۲۹/۷، تاریخ بغداد: ۵۳/۸، تاریخ دمشق: ۱۶۳/۴۲ ـ ۱۶۴)، امالی صدوق: ۶۴، کافئه مفید: ۳۸ ـ ۳۹، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۲۲۱/۱۳ ـ ۲۲۲.

نسخة عن جعفر بن محمد

دفتر یادداشت مرویات او از امام صادق (ع) که احمد بن محمد بن خالد برقی، از طریق پدرش، آن را روایت کرده است (نجاشی: ۴۲۳. نیز فهرست طوسی: ۱۶۸ [به عنوان کتاب]). در واقع، روایتی در محاسن: ۴۹۸ (و از اینجا در کافی: ۳۳۵/۶) آمده است که برقی آن را از طریق پدرش از مؤلف از امام صادق (ع) نقل می کند. اما نقلهای دیگر این مؤلف از امام صادق (ع) معمولا با واسطه است، چنان که در کافی: ۵۱۷/۵، ۵۱۵/۶ و طب الائمه: ۸۴.[۲۹۶]

۱۷۰ . قاسم عجلی

قاسم بن بُرَید عجلی کوفی که از امام صادق (ع) و اصحاب آن حضرت روایت می کرد. وی فرزند برید بن معاویه (شماره ۵۱ در فصل حاضر)، عضو برجسته جامعه شیعی کوفه در میانه قرن دوم هجری بود که به سال ۱۵۰ درگذشت.

ص: ۴۳۱

نجاشی: ۳۱۳ ـ ۳۱۴، رجال طوسی: ۲۷۳، ۳۴۲

---

۲۹۶ . یک برگه از یادداشت های مؤلف در مورد روایات سنی و زیدی از این راوی، مفقود شده است.

[۳۵۹] کتاب

دفتر حدیث مؤلف که فضالة بن ایوب آن را روایت کرده است (نجاشی: ۳۱۳ ـ ۳۱۴). بیش از پنجاه روایت از این مؤلف در آثار بعدی برجای مانده که در معجم خویی: ۱۳/۱۴، ۳۴۶، ۳۴۷ ـ ۳۴۸ و فهارس بحار: ۵۵۴/۹ فهرست شده و بیشتر آنها از طریق همین راوی است.

۱۷۱ . قاسم بغدادی

قاسم بن سلیمان کوفی که در بغداد سکونت داشت و از امام صادق (ع) و اصحاب ایشان روایت می کرد.

نجاشی: ۳۱۴، فهرست طوسی: ۱۲۷ ـ ۱۲۸، رجال او: ۲۷۳

کتاب

دفتر حدیث او که حسین بن سعید از طریق نضر بن سُوَید از مؤلف روایت کرده است (نجاشی: ۳۱۴، فهرست طوسی: ۱۲۷ ـ ۱۲۸. نیز مشیخه: ۴۷۹). نزدیک به یک صد روایت از این مؤلف در آثار بعدی با این اسناد برجای مانده که در معجم خویی: ۲۲/۱۴، ۳۴۸ ـ ۳۵۶ و فهارس بحار: ۵۵۸/۹ فهرست شده است.

۱۷۲ . ابن عروه

ابومحمد قاسم بن عروه، ساکن بغداد و دستیار ابوایوب خوزی، وزیر منصور عباسی.[۲۹۷] او از اصحاب امام صادق (ع) روایت می کرد.

رجال کشی: ۳۷۲، نجاشی: ۳۱۴ ـ ۳۱۵، فهرست طوسی: ۱۲۷، رجال او: ۲۷۳، ۴۳۶

ص: ۴۳۲

[۳۶۰] کتاب

دفتر حدیث مؤلف که عباس بن معروف، حسین بن سعید، محمد بن خالد برقی و دیگران از او روایت کرده اند (نجاشی: ۳۱۴ ـ ۳۱۵، فهرست طوسی: ۱۲۷، رجال او: ۲۷۳). نقلها از طریق این راویان از مؤلف، در آثار بعدی فراوان است. برای فهرست آنها بنگرید: معجم خویی: ۴۷۲/۵ ـ ۴۷۳، ۴۸۷/۹، ۴۹۸، ۳۶۱/۱۶ ـ ۳۶۲، فهارس بحار: ۵۵۹/۹.

۱۷۳ . ربیع اصمّ

ربیع بن محمد بن عمر بن حسّان مُسْلی مَذْحِجی کوفی، راوی از امام صادق (علیه السلام).

نجاشی: ۱۶۴، فهرست طوسی: ۷۰، رجال او: ۲۰۳

---

۲۹۷ . ابوایوب سلیمان بن مَخْلد (یا داود) خوزی موریانی که تا سال ۱۵۳ وزیر منصور بود و در ۱۵۴ درگذشت. در باره او به ویژه بنگرید: الوزراء و الکتاب جهشیاری، ۶۵ ـ ۸۷ (نیز تاریخ طبری: ۴۲/۸، ۴۴ [و صفحات متعددی در جلد هفتم]، مروج الذهب، ۱۳۳/۴، وفیات الاعیان: ۴۱۰/۲ ـ ۴۱۴).

کتاب / اصل

دفتر حدیث مؤلف که حسن بن محبوب و عباس بن عامر قصبانی و دیگران آن را روایت کرده اند (نجاشی: ۱۶۴، فهرست طوسی: ۷۰). به نظر می رسد که علی بن حکم نیز از راویان عمده این کتاب بوده است. تقریبا همه نزدیک به پنجاه روایت برجای مانده از این مؤلف در آثار بعدی که در معجم خویی: ۱۶۶/۷، ۱۷۴ ـ ۱۷۵، ۱۷۷، ۴۳۰ ـ ۴۳۱ و فهارس بحار: ۵۳۸/۸ فهرست شده، از طریق راویان پیشگفته است. این کتاب در اواسط قرن هفتم در دسترس ابن طاوس بوده و وی در فلاح: ۳۸۲ ـ ۳۸۳، ۳۸۷ ـ ۳۸۸ و محاسبه: ۵۴ ـ ۵۵ از آن استفاده کرده است (برای اطلاعات بیشتر بنگرید: کتابخانه ابن طاوس: ۱۲۶).

۱۷۴ . رفاعه نخّاس

رفاعه بن موسی اسدی کوفی، تاجر برده، و راوی از امام صادق و امام کاظم (علیهماالسلام). گفته شده که وی پس از امام کاظم (ع) به واقفه پیوست، اما پس از مدتی آن گروه را ترک کرده و به مذهب امامیه قطعیه بازگشت.

برقی: ۱۰۹، نجاشی: ۱۶۶، فهرست طوسی: ۷۱، رجال او: ۲۰۵، غیبت او: ۷۱. نیز بنگرید: کافی: ۷۸/۶،

جواهر الکلام: ۱۳۰/۳۲.

[۳۶۱] کتاب مبوّب فی الفرائض

کتابی در باره مسائل فقهی که به صورت موضوعی تدوین شده (نجاشی: ۱۶۶) و توسط شماری از راویان از جمله ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی روایت شده بود (رسالة ابی غالب: ۱۷۷، فهرست طوسی: ۷۱. نیز بنگرید: مشیخه: ۴۵۲). نقلها از این مؤلف در مسائل فقهی، توسط راویان پیشگفته و دیگر راویان سرشناس، در آثار حدیث شیعی فراوان است. فهرستی از آنها را در: معجم خویی: ۱۹۸/۷ ـ ۲۰۰، ۴۳۱ ـ ۴۳۷، و فهارس بحار: ۵۴۲/۸ ـ ۵۴۳ ببینید.

۱۷۵ . ابن ابی سبره

ابونعیم رِبْعی بن عبدالله بن جارود بن ابی سبره هُذَلی، راوی بصری حدیث که در حلقات روایی سنی و شیعی شناخته شده بود. جارود (م ۱۲۰) پدر بزرگ او نیز راوی حدیث بوده و ربعی از وی روایت کرده است. رِبْعی شاگرد فُضَیل بن یسار، عالم بصری شیعی بوده و احادیث فراوانی از او نقل کرده است. او از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) و دیگران نیز روایت می کرد.

تاریخ کبیر بخاری: ۳۲۷/۳ ـ ۳۲۸، برقی: ۱۰۱، الجرح و التعدیل: ۵۰۹/۳، رجال کشی: ۳۶۲، ثقات ابن حبان: ۳۰۸/۶، نجاشی: ۱۶۷، فهرست طوسی: ۷۰، رجال او: ۲۰۵

برای نمونه روایات وی در منابع سنی بنگرید: سنن ابی داود: ۹/۲، روایتی که وی آن را از پدر بزرگ خود جارود نقل کرده است چنان که در بصائر الدرجات: ۵۸. اما در موردی دیگر از این مأخذ اخیر: ۵۶ یکی از راویان بعدی همین

متن، عباس بن معروف، در شناسایی این جارود به خطا رفته، و در کافی: ۲۲۱/۱ آن نام به اشتباه به ابوالجارود تصحیح شده است.[۲۹۸]

ص: ۴۳۴

کتاب / اصل

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان شیعی از جمله حماد بن عیسی و ابن ابی عمیر آن را روایت کرده اند (نجاشی: ۱۶۷، فهرست طوسی: ۷۰. نیز مشیخه: ۴۶۸). به استثنای چند مورد، همه بیش از یک صد روایت از ربعی در کتابهای حدیثی شیعه که در معجم خویی: ۱۶۰/۷ ـ ۱۶۱، [۳۶۲] ۱۶۴ ـ ۱۶۵، ۴۲۴ ـ ۴۳۰ و فهارس بحار: ۵۳/۸ ـ ۵۴ فهرست شده، از حماد و بقیه از ابن ابی عمیر و دیگران می باشد.

در پایان مدخل ربعی در نجاشی اشاره ای به کتاب الراهب و الراهبه حسن بن راشد (بنگرید: مدخل شماره ۸۳ در فصل حاضر) شده است. به احتمال نزدیک به یقین، این اشاره به نادرست در اینجا قرار گرفته است. متن یاد شده، یک جزوه مناظره فرقه ای که به صورت گفتگویی میان امام کاظم (ع) و یک راهب و راهبه از یمن نوشته شده، به طور کامل به روایت حسن بن راشد در کافی: ۴۸۱ ـ ۴۸۴ نقل شده و ارتباطی با ربعی ندارد.

۱۷۶. رَوْح بن عبدالرحیم

روح بن عبدالرحیم بن روح کوفی، راوی حدیث از امام صادق (ع). وی خواهر زاده مُعَلّی بن خنیس (شماره ۱۴۲ در فصل حاضر) بوده است.

نجاشی: ۱۶۸، رجال طوسی: ۲۰۴. نیز بنگرید: کافی: ۱۴۷/۲.

کتاب

دفتر حدیث او که غالب بن عثمان از او روایت کرده است (نجاشی: ۱۶۸; نیز مشیخه: ۵۲۱). تعدادی روایت از این مؤلف در کتب اربعه حدیث شیعی آمده که در معجم خویی: ۲۰۴/۷ ـ ۲۰۵، ۲۰۶، ۴۳۷ فهرست شده و همه (و یک مورد اضافی در محاسن: ۵۷۷) به استثنای یک مورد از همان راوی پیشگفته است.

۱۷۷ . خُلقانی

---

۲۹۸ . روشن است که مصحح، این «جارود» را با «ابوالجارود زیاد بن منذر» که بسیار معروف تر است (بنگرید: مدخل شماره ۱۳ فصل دوم کتاب حاضر) اشتباه گرفته است. این اشتباه بدون سابقه نیست. ابوالمنذر جارود بن منذر کندی مسگر، راوی کوفی از امام صادق (علیه السلام) و مؤلف یک دفتر یادداشت حدیث (برقی: ۶۰، ۱۰۵، نجاشی: ۱۳۰، **فهرست طوسی**: ۴۵، **رجال** او: ۱۲۹، ۱۷۹. با نقلهای اندکی از او در **کافی**: ۱۴۴/۲، ۱۳۵/۳، ۵/۶، ۶، ۴۰۵، **رجال کشی**: ۱۲۷، **تهذیب**: ۲۵۹/۲) به طور مکرر با ابوالجارود اشتباه گرفته شده است. برای نمونه مقـ : **خصال**: ۱۳۲ و **معانی**: ۱۲۳ را با **کافی**: ۱۴۴/۲، و کافی: ۴۰۵/۶ را با **تهذیب**: ۱۰۹/۹.

ص: ۴۳۵

ابوالعباس رُزَیق بن زُبَیر بن ابی الزرقاء خلقانی کوفی، راوی حدیث از امام صادق (علیه السلام).

نجاشی: ۱۶۸، فهرست طوسی: ۷۴، رجال او: ۲۰۵

این که این راوی، کوفی بوده در منابع شرح حال او نیامده است، اما از خبری که در امالی طوسی: ۶۹۸ آمده به دست می آید.

کتاب

(فهرست ابن ندیم: ۲۷۵). این اثر، دفتر حدیث رزیق بوده که محمد بن همام اسکافی (م ۳۳۶) از عبدالله بن جعفر [۳۶۳]حمیری از محمد بن خالد طیالسی از مؤلف (نجاشی: ۱۶۸)، و ابوالمفضل شیبانی (م ۳۸۷) از حمید بن زیاد (م ۳۱۰) از قاسم بن اسماعیل قُرَشی (احتمالا از جعفر بن بشیر، چنان که در اسنادی در کافی: ۲۱۷/۸)، از مؤلف (فهرست طوسی: ۷۴)، روایت کرده اند.

بخشی از این دفتر حدیث، در امالی طوسی: ۶۹۴ ـ ۷۰۰ آمده است (مشتمل بر دوازده روایت که نیمی از آنها [همان: ۶۹۴ ـ ۶۹۷] از نسخه ای با اسناد دوم[۲۹۹] و نیمی دیگر [همان: ۶۹۷ ـ ۷۰۰، ش ۱۴۸۸ ـ ۱۴۹۷] از نسخه ای با اسناد اول روایت شده بود. دو روایت از آنها نیز با اسنادی متفاوت در کافی: ۲۱۷/۸ ـ ۲۱۸). نقلهای دیگری نیز از رزیق در آثار حدیثی آمده که در بخش باقی مانده بالا نیست. نمونه ها از این قرار است:

کافی: ۵۰۷/۶

عروس ابن الرازی: ۱۵۷

مناقب ابن شهر آشوب: ۲۲۳/۳

۱۷۸ . فَزاری حَذّاءصبّاح بن صُبَیح (یا صَبیح) کوفی، کفاش، از موالی بنوفزاره، و امام مسجد داراللؤلؤ

ص: ۴۳۶

در کوفه. وی از امام صادق و امام کاظم (علیهماالسلام) روایت می کرد.

برقی: ۹۷، نجاشی: ۲۰۱ ـ ۲۰۲، فهرست طوسی: ۸۵، رجال او: ۲۲۶

کتاب

دفتر حدیث او که شماری از راویان از جمله عبیس بن هشام ناشری روایت کرده اند (نجاشی: ۲۰۲، فهرست طوسی: ۸۵). تعداد قابل توجهی از روایات این مؤلف که در معجم خویی: ۹۳/۹ ـ ۹۴، ۹۷، ۳۸۵ ـ ۳۸۷ و فهارس بحار:

---

۲۹۹ . چنین است در بحار: ۴۰۶/۶۳. اما در چاپی از امالی طوسی که در اثر حاضر استفاده شده، اسنادی که می بایست در ابتدای این بخش بیاید (و جمله «و بهذا الاسناد» در آغاز تمامی روایات بعد به آن اشاره دارد) افتاده است.

۱۲۱/۹ فهرست شده، از طریق روات چندی از جمله عبیس بن هشام[۳۰۰] روایت شده است. در حدیث سنی، روایتی که محمد فرزند مؤلف از او روایت کرده در تلخیص المتشابه خطیب: ۳۹۴ ـ ۳۹۵ آمده است.

[۳۶۴] ۱۷۹ . صباح مُزَنی

ابومحمد صبّاح بن یحیی مُزَنی کوفی، یک راوی حدیث که به روشنی فردی شیعی (گرچه احتمالا غیر امامی) بوده و در حلقات حدیث زیدی و سنی هم شناخته شده بود. وی از اصحاب امام باقر و امام صادق (علیهماالسلام) و دیگران روایت حدیث می کرد.

تاریخ کبیر بخاری: ۳۱۴/۴ ـ ۳۱۵، برقی: ۹۷، ضعفاء عقیلی: ۲۱۲/۲، الجرح و التعدیل: ۴۴۲/۴، رجال کشی: ۴۴، مجروحین ابن حبان: ۳۷۷/۱، کامل ابن عدی: ۱۴۰۲، رجال ابن غضائری: ۷۰، نجاشی: ۲۰۱، فهرست طوسی: ۸۵، رجال او: ۲۲۶، لسان المیزان: ۵۵۹/۳ (و منابعی که در پاورقی مصحح در همین مأخذ آمده است). نیز بنگرید: تفسیر فرات: ۴۴۰.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان آن را روایت کرده اند (نجاشی: ۲۰۱، فهرست طوسی: ۸۵). تعداد قابل ملاحظه ای روایت از این مؤلف در کتابهای حدیثی شیعه آمده که در معجم خویی: ۹۸/۹ ـ ۹۹ و فهارس بحار: ۱۲۲/۹ فهرست شده است. روایات او در آثار سنی و زیدی نیز آمده که نمونه ها چنین است:

ص: ۴۳۷

تاریخ کبیر بخاری: ۳۱۴/۴ ـ ۳۱۵ (دو روایت)
مناقب الامام امیرالمؤمنین (ع): ۲۱۵/۱، ۳۱۲ ـ ۳۱۳ (تکرار شده در ۴۳۰ ـ ۴۳۱)، ۳۵۲، ۳۶۰ ـ ۳۶۱
تفسیر طبری: ۵/۱۰، ۸/۲۲
ضعفاء عقیلی: ۸۶/۲، ۲۰۲
معجم کبیر طبرانی: ۷۹/۱۲ (بخوانید: «مزنی» به جای «مدینی»)
حلیة الاولیاء: ۱۸۷/۳ ـ ۱۸۸
اذان شجری: ۵۰، ۸۷
تاریخ دمشق: ۲۹۷/۱، ۲۹۶/۴۲
شافی عبدالله بن حمزه: ۷۳/۱، ۹۲، ۱۰۵ ـ ۱۰۶

[۳۶۵] ۱۸۰ . سعد زامّ

---

۳۰۰ . برای نمونه بنگرید: کافی: ۳۴۸/۲ (بخوانید: «صباح الحذاء» به جای «صالح الحذاء» [اشتباه میان این دو نام، امری غیر عادی نیست; مقـ : کافی: ۶۹/۳ را با علل: ۲۶۲/۱]).

سعد بن ابی خلف کوفی معروف به «زامّ»، از موالی بنو زهرة بن کلاب (تیره ای از قریش)، و راوی حدیث از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام).

برقی: ۹۸، نجاشی: ۱۷۸ ـ ۱۷۹، فهرست طوسی: ۷۶، رجال او: ۲۱۲، ۳۳۸

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان از جمله ابن ابی عمیر (نجاشی: ۱۷۸ ـ ۱۷۹) و حسن بن محبوب (فهرست طوسی: ۷۶) روایت کرده اند. تقریبا تمامی نقلها از این مؤلف در آثار بعدی که فهرست آنها در معجم خویی: ۴۹/۸، ۳۹۴ ـ ۳۹۶ و فهارس بحار: ۲۲/۹ آمده از دو راوی پیشگفته می باشد.

۱۸۱ . صفوان جمّال

ابومحمد صفوان بن مهران بن مغیره کوفی، شتردار، از موالی شاخه بنوکاهل از اسد خزیمه، راوی حدیث از امام صادق و امام کاظم (علیهماالسلام).

برقی: ۱۱۰، رجال کشی: ۴۴۰ ـ ۴۴۱، نجاشی: ۱۹۸، فهرست طوسی: ۸۴، رجال او: ۲۲۷. نیز بنگرید: تفسیر عیاشی: ۳۸۱/۱.

ص: ۴۳۸

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان آن را روایت کرده اند (نجاشی: ۱۹۸، فهرست طوسی: ۸۴. نیز مشیخه: ۴۳۶). روایات از این مؤلف که برخی از طریق راویانی است که نامشان در منابع پیشگفته آمده، در کتابهای متأخرتر فراوان است. برای فهرست آنها بنگرید به: معجم خویی: ۱۲۲/۹ ـ ۱۲۳، ۱۳۷ ـ ۱۳۸، ۴۲۸، ۴۶۳ ـ ۴۶۵، فهارس بحار: ۱۳۲/۹، ۱۳۳ ـ ۱۳۴، ۱۳۵.

۱۸۲ . سعید اعرج

ابوعبدالله سعید بن عبدالله تیْمی اعرج، احتمالا روغن فروش، از موالی کوفه، که از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) روایت می نمود.

برقی: ۹۷، رجال کشی: ۴۲۷ ـ ۴۲۸، نجاشی: ۱۸۱، فهرست طوسی: ۷۷، رجال او: ۲۱۳. نیز بنگرید: قاموس الرجال: ۱۰۰/۵ ـ ۱۰۳، ۱۰۵ ـ ۱۰۶ (مقـ: معجم خویی: ۱۲۲/۸).

کتاب / اصل

دفتر حدیث مؤلف که شماری از روایان، از جمله علی بن نعمان، صفوان بن یحیی (نجاشی: ۱۸۱، فهرست طوسی: ۷۷، رجال او: ۲۱۳) و عبدالکریم بن عمرو خثعمی (مشیخه: ۴۷۲) آن را روایت کرده اند. اکثریت غالب روایات این

مؤلف در منابع بعدی که در معجم خویی: ۱۰۷/۸ ـ ۱۰۸، ۱۲۳ ـ ۱۲۴، ۴۳۱ ـ ۴۳۴ و فهارس بحار: ۳۱/۹، ۳۵ فهرست شده از طریق راویان مذکور است.

۱۸۳ . ابن غزوان

سعید بن غزوان کوفی، از موالی بنواسد، و از سرشناسان جامعه شیعی کوفه زمان خویش که از امام صادق (ع) روایت می کرد.

[۳۶۶] برقی: ۹۷، نجاشی: ۱۸۱ ـ ۱۸۲، فهرست طوسی: ۷۷، رجال او: ۲۱۴. نیز بنگرید: رجال کشی: ۲۷۹.

ص: ۴۳۹

کتاب / اصل

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان شیعی از جمله ابن ابی عمیر آن را روایت کرده اند (نجاشی: ۱۸۲، فهرست طوسی: ۷۷). تقریبا همه نقلهای باقی مانده از این مؤلف در آثار بعدی که در معجم خویی: ۱۲۸/۸ و فهارس بحار: ۳۷/۹ فهرست شده از طریق همین راوی است.

۱۸۴ . ضُبَعی حنّاط

سعید بن یسار کوفی، گندم فروش، از موالی بنوضبیعه (تیره ای از بنوعجل)، که از امام صادق و امام کاظم (علیهماالسلام) روایت می کرد.

برقی: ۹۷، مشیخه: ۵۲۲، نجاشی: ۱۸۱، فهرست طوسی: ۷۷، رجال او: ۲۱۳

[۳۶۷] کتاب / اصل

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان شیعی (نجاشی: ۱۸۱) از جمله صفوان بن یحیی و علی بن نعمان (فهرست طوسی: ۷۷) آن را روایت کرده اند. بیشتر نقلهای برجای مانده از این مؤلف در آثار بعدی که در معجم خویی: ۱۴۳/۸ ـ ۱۴۴، ۴۳۵ ـ ۴۳۸ و فهارس بحار: ۴۰/۹ فهرست شده از طریق این دو راوی است.

۱۸۵ . ابن عقبه

صالح بن عقبة بن قیس بن سمعان بن ابی رُبَیْحة[مَوْلی رسول الله]، مولی، و راوی حدیث با تمایلات باطنی. وی در نیمه دوم قرن دوم می زیست.

برقی: ۸۰، رجال ابن غضائری: ۶۹، نجاشی: ۲۰۰، فهرست طوسی: ۸۴ ـ ۸۵، رجال او: ۲۲۷، ۳۳۸

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که محمد بن اسماعیل بن بزیع آن را روایت کرده است (نجاشی: ۲۰۰، فهرست طوسی: ۸۴ ـ ۸۵). بیشتر نقلهای برجای مانده از این مؤلف که در معجم خویی: ۷۶/۹ ـ ۷۷، ۳۸۰ ـ ۳۸۵ و فهارس بحار: ۱۱۷/۹ ـ ۱۱۸ فهرست شده، از طریق همین راوی است.

ص: ۴۴۰

۱۸۶ . صالح قمّاط

ابوسعید صالح بن سعید قمّاط، از موالی بنواسد، که از امام صادق (ع) روایت حدیث می کرد.

نجاشی: ۱۹۹، فهرست طوسی: ۸۵، رجال او: ۲۲۵

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان از جمله عبیس بن هشام ناشری (نجاشی: ۱۹۹) و ابراهیم بن هاشم قمی (فهرست طوسی: ۸۵) آن را روایت کرده اند. نقلهای باقی مانده از این مؤلف که در معجم خویی: ۶۵/۹ ـ ۶۹، ۳۷۷ ـ ۳۷۸ و فهارس بحار: ۳۷/۹، ۱۱۶، ۵۷۷ فهرست شده، عمدتا از طریق همین دو راوی است.

[۳۶۸] ۱۸۷ . ابوخدیجه جمّال

ابوخدیجه (نیز ابوسلمه) سالم بن مکرم بن عبدالله کُناسی کوفی، شتردار، از موالی بنواسد، و از پیروان سابق ابوالخطاب غالی مبتدع (م. حدود ۱۳۸). وی پس از کشته شدن ابوالخطاب و پیروانش به امامیه پیوست. او از امام صادق (علیه السلام) روایت می نمود.

برقی: ۸۹، رجال کشی: ۳۵۲ ـ ۳۵۳، نجاشی: ۱۸۸، فهرست طوسی: ۷۹ ـ ۸۰، رجال او: ۲۱۷. نیز بنگرید: فرق الشیعه: ۶۹ ـ ۷۰، مقالات الاسلامیین: ۸۱.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که توسط شماری از راویان شیعی (نجاشی: ۱۸۸)، از جمله ملازم وی احمد بن عائذ احمسی و عبدالرحمان بن ابی هاشم بزاز (فهرست طوسی: ۸۰. نیز مشیخه: ۴۷۸)، روایت شده است. اکثریت غالب نقلهای فراوانی که از این مؤلف در کتابهای شیعی آمده و در معجم خویی: ۱۷/۸، ۲۳ ـ ۲۶، ۳۸۱، ۱۴۳/۲۱ ـ ۱۴۴، ۳۸۶ ـ ۳۸۷ و فهارس بحار: ۴۹۰/۷ ـ ۴۹۱، ۶/۹، ۸ فهرست شده از طریق راویان پیشگفته است.

ص: ۴۴۱

۱۸۸ . سلاّم هاشمی

سلام بن عبدالله هاشمی، راوی حدیث از امام جعفر صادق (علیه السلام).
نجاشی: ۱۸۹

کتاب

کتاب کوچکی که ابوسُمَینه محمد بن علی صیرفی آن را روایت کرده است (نجاشی: ۱۸۹). به نظر می رسد که این اثر، همان متنی است که به طور کامل در کافی: ۳۴۳/۱ ـ ۳۴۵ از طریق همین راوی نقل شده است. روایت دیگری نیز از سلام توسط همان صیرفی در غیبت نعمانی: ۲۷۱ ـ ۲۷۲ دیده می شود.

[۳۶۹] ۱۸۹ . ابن ابی عَمرة

ابوعلی سلاّم بن ابی عمره خراسانی، راوی کوفی حدیث که در حلقات حدیثی شیعی و سنی روزگار خود شناخته شده بود. وی از امام باقر و امام صادق (ع) روایت می نمود.

تاریخ یحیی بن معین: ۴۲۳/۲، تاریخ کبیر بخاری: ۱۲۳/۴، المعرفة و التاریخ: ۴۰/۳، الجرح و التعدیل: ۲۵۸/۴، مجروحین ابن حبان: ۳۴۱/۱، کامل ابن عدی: ۱۱۵۵، نجاشی: ۱۸۹، فهرست طوسی: ۸۲ (با نام «سلام بن عمرو» که ظاهرا تصحیف است)، رجال او: ۲۱۸، تهذیب الکمال: ۲۹۳/۱۲ ـ ۲۹۴ (و منابع دیگری که در پاورقی مصحح در همین مأخذ آمده است). نیز بنگرید: کافی: ۴۰۰/۱.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که ابن عقده از قاسم بن محمد بن حسین بن حازم از عبدالله بن جَبلَه از مؤلف روایت کرده است (نجاشی: ۱۸۹، فهرست طوسی: ۸۲). این دفتر حدیث با همین اسناد باقی مانده و در الاصول الستة عشر: ۱۱۷ ـ ۱۱۹ به چاپ رسیده است. متن باقی مانده مشتمل بر ده روایت است (برای اطلاعات بیشتر بنگرید به مقاله کالبرگ در باب اصول اربعمائه: ۱۵۶) و به نظر می رسد که بخشی از کتاب بزرگتری بوده است; زیرا نقلهای متعدد دیگری از این مؤلف در منابع بعدی آمده (بنگرید: فهارس بحار: ۴۹/۹) که دست کم یکی از آنها (کامل الزیارات: ۷۲) به روایت عبدالله بن جبله، راوی اول این دفتر می باشد. دو روایت از روایات موجود در این

ص: ۴۴۲

دفتر، در مآخذ متقدم دیگر هم آمده است، یکی در سنن ترمذی: ۲۶/۴ و دیگری در تأویل ما نزل: ۲۱۷.

۱۹۰ . سَماعه بیّاع القزّ

سماعة بن مهران بن عبدالرحمان کوفی، تولید کننده و فروشنده پیله ابریشم، از موالی حضارمه که مسجدی نیز در محله آنان در کوفه داشت; گرچه خود در محله کنده زندگی می کرد. وی راوی پرکار حدیث از امام صادق و امام کاظم (علیهماالسلام) و اصحاب آنان بوده و در مدینه درگذشت.

برقی: ۱۰۹، ۱۱۷، نجاشی: ۱۹۳ ـ ۱۹۴، رجال طوسی: ۲۲۱، ۳۳۷

[۳۷۰] کتاب

دفتر حدیث مؤلف که بسیاری از راویان از جمله عثمان بن عیسی عامری آن را روایت کرده اند (نجاشی: ۱۹۴. نیز مشیخه: ۴۲۷). نزدیک به یک هزار روایت از این مؤلف در کتابهای حدیثی شیعه آمده است که در معجم خویی: ۲۹۴/۸ ـ ۳۰۲، ۴۶۳ ـ ۴۸۳ و فهارس بحار: ۶۶/۹ ـ ۶۸ فهرست شده و عمدتا از طریق همین راوی می باشد.

۱۹۱ . سَریّ سُلَمی

سریّ بن عبدالله بن یعقوب سلمی، راوی کوفی که در هر دو جامعه شیعه و سنی آن شهر شناخته بود و از امام صادق (ع) و دیگران روایت حدیث می کرد.

کامل ابن عدی: ۱۲۹۷ ـ ۱۲۹۸، نجاشی: ۱۹۴، رجال طوسی: ۲۲۲، لسان المیزان: ۲۳۰/۳ (و منابع دیگری که در پاورقی مصحح در همین مأخذ آمده است).

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که عباد بن یعقوب رواجنی آن را روایت کرده است (نجاشی: ۱۹۴). تعدادی از روایات این مؤلف از امام صادق (ع) از طریق همین راوی در منابع آمده است.

ص: ۴۴۳

نمونه ها چنین است:[۳۰۱]

امالی احمد بن عیسی: ۸۸/۳، ۱۱۹، ۱۲۴ (نیز ۲۰۱/۴، ۲۰۴، هر دو با اسناد متفاوت)

تهذیب الاثار، بخش ابن عباس: ۳۴۸

کامل ابن عدی: ۱۲۹۷ ـ ۱۲۹۸ (دو روایت، با اشاره «به روایات دیگر» وی از امام صادق [علیه السلام]).

[۳۷۱] ۱۹۲ . سیف نخعی

سیف بن عَمیره نخعی کوفی، راوی از امام صادق و امام کاظم (علیهماالسلام).

برقی: ۱۰۳، ۱۱۶، ثقات ابن حبان: ۲۹۹/۸ ـ ۳۰۰، نجاشی: ۱۸۹، فهرست طوسی: ۷۸ ـ ۷۹، رجال او: ۲۲۲، ۳۳۷، تهذیب الکمال: ۳۲۷/۱۲ ـ ۳۲۸

کتاب

دفتر حدیث مؤلف (فهرست ابن ندیم: ۲۷۵، رسالة ابی غالب: ۱۴۸، نجاشی: ۱۸۹، فهرست طوسی: ۷۸ ـ ۷۹، رجال او: ۳۳۷) که توسط گروه هایی از راویان شیعی (نجاشی: ۱۸۹) از جمله محمد بن خالد طیالسی (رسالة ابی غالب: ۱۴۸، نجاشی: ۱۸۹)، علی بن حکم نخعی (فهرست طوسی: ۷۸ ـ ۷۹) و فرزند مؤلف، علی بن سیف (مشیخه: ۴۹۱ ـ ۴۹۲، مقـ : قاموس الرجال: ۲۸۰/۵) روایت شده است.

---

۳۰۱ . نیز بنگرید: تفسیر عیاشی: ۲۵۹/۲.

نزدیک به سیصد روایت از این مؤلف در آثار حدیثی شیعی آمده است که در معجم خویی: ۳۶۱/۸ ـ ۳۶۳، ۳۶۶ ـ ۳۶۹، ۵۳۸ ـ ۵۵۳ و فهارس بحار: ۸۵/۹، ۸۶ ـ ۸۷ فهرست شده و بسیاری ـ اگر نه اکثر آنها ـ از طریق راویان پیشگفته است. همین نکته در باره روایات این مؤلف که در آثار سنی آمده نیز صدق می کند (برای نمونه: سنن دارقطنی: ۹۱/۱، تلخیص المتشابه خطیب: ۵۱۷، شواهد التنزیل: ۳۵۹/۱).

۱۹۳ . شعیب عَقَرقوفی

ص: ۴۴۴

شعیب بن یعقوب عقرقوفی، خواهر زاده راوی مشهور امامی کوفه: ابوبصیر یحیی بن قاسم اسدی، که از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) روایت می نمود.

برقی: ۸۴، رجال کشی: ۴۴۲ ـ ۴۴۳، نجاشی: ۱۹۴، فهرست طوسی: ۸۲، رجال او: ۲۲۴، ۳۳۸

کتاب / اصل

دفتر حدیث مؤلف که حماد بن عیسی، ابن ابی عمیر و دیگران آن را روایت کرده اند (نجاشی: ۱۹۵، فهرست طوسی: ۸۲). اکثریت غالب نزدیک به یک صد روایت از این مؤلف در آثار بعدی که در معجم خویی: ۲۷/۹ ـ ۲۹، ۳۶ ـ ۳۸، ۳۶۵ ـ ۳۶۸ و فهارس بحار: ۹۹/۹، ۱۰۰ فهرست شده، از طریق راویان پیشگفته است.

[۳۷۲] ۱۹۴ . ابن عُیَیْنَه

ابومحمد سفیان بن عیینه کوفی اعور، خزّاز، از موالی بنوعامر (تیره ای از هوازن)، راوی سرشناس حدیث سنی، که از امام صادق (ع) و بسیاری دیگر روایت می کرد. وی به مکه مهاجرت کرد و تا زمان مرگش به سال ۱۹۸ در سن ۸۹ سالگی در آن جا می زیست.

تمامی کتابهای رجالی حدیث سنی، مدخلی به سفیان بن عیینه اختصاص داده اند. برای فهرست بسیاری از آنها و منابع دیگر بنگرید به پاورقی های مصححان بر تهذیب الکمال: ۱۷۷/۱۱ ـ ۱۹۶ و تاریخ الاسلام ذهبی: ۱۳ (سالهای ۱۹۱ ـ ۲۰۰)/۱۸۹ ـ ۱۹۱ . نیز بنگرید به مدخل های مربوط به او در سزگین: ۹۶/۱ و دایرة المعارف اسلام، چاپ دوم: ۷۷۲/۹ (مقاله S. Spectorsky).

روایت وی از امام صادق (ع) در بسیاری از منابع سنی (بنگرید: تهذیب الکمال: ۱۷۹/۱۱ و منابع آن) و شیعی (برای نمونه: برقی: ۱۰۳ نیز بنگرید: رجال کشی: ۳۹۰، عیون اخبار الرضا [ع]: ۱۶/۲، رجال طوسی: ۲۲۰) تأیید شده است.

نسخة عن جعفر بن محمد

دفتر یادداشت مؤلف از مرویّات خود از امام صادق (ع) (نجاشی: ۱۹۰). بسیاری از نقلهای فراوان این مؤلف از امام صادق (ع) در آثار حدیث سنی و شیعی، به احتمال زیاد از همین دفتر گرفته شده است، از جمله نمونه های زیر:

ص: ۴۴۵

مسند شافعی: ۶۵، ۱۸۰، ۵۵۹ (نیز الاشعثیات: ۲۱۱. مقـ : ام شافعی: ۲۴۷/۱ که در آنجا سفیان این روایت را از جعفر مطلق، و مصنف عبدالرزاق: ۵۵۰/۳، مسند احمد: ۲۰۵/۱، سنن ابی داود: ۱۹۵/۳، سنن ترمذی: ۳۱۳/۲، سنن ابن ماجه: ۵۱۴ که در همه این ها سفیان آن را از جعفر بن خالد روایت می کند)

مصنف عبدالرزاق: ۱۹/۱، ۴۷۴/۳، ۵۰۲، ۵۷۲

مسند حمیدی: ۳۴۲/۲، ۳۴۳ (دو روایت)، ۳۴۴، ۳۴۵ (دو روایت)

طبقات ابن سعد: ۲۲۳/۲

مسند احمد: ۹۷/۴ (دو روایت)

سنن ابن ماجه: ۹۷۲

محاسن: ۲۳۳ (نیز کافی: ۵۰/۱، خصال: ۲۳۹، معانی: ۳۹۴ ـ ۳۹۵)، ۵۵۰ (و از اینجا در کافی: ۳۵۸/۶)

کافی: ۴۰۶/۱، ۱۶/۲ (نیز بنگرید: بحار: ۵۹/۷۰ برای آنچه که به نظر می رسد بخش دیگری از این روایت باشد)، ۷۲، ۱۲۹، ۱۶۴ (تکرار شده با اسنادی که اندکی مختلف است در ۲۹۸)، ۴۱۵ ـ ۴۱۶، [۳۷۳] ۵۲۱/۴ ـ ۵۲۲ (نیز تفسیر قمی: ۷۰/۱، بخشی از آن نیز در من لایحضر: ۴۸۰/۲)

تفسیر فرات: ۵۰۵ ـ ۵۰۶ (نیز تأویل ما نزل: ۴۰۵ ـ ۴۰۶، الکشف و البیان ثعلبی به نقل طرائف ابن طاوس: ۲۲۶/۱ ـ ۲۲۷)

مسند ابی یعلی: ۳۷۵/۳

کامل ابن عدی: ۵۵۷

کفایة الاثر: ۶۱ ـ ۶۲ (روایتی مشتمل بر لیست کامل اسامی دوازده امام [ع])

علل: ۲۶۰/۲

امالی طوسی: ۲۱۱، ۶۰۹

مناقب ابن شهر آشوب: ۲۴۵/۲، ۳۱۸/۳ (مقـ : عمده ابن بطریق: ۴۶۱ ـ ۴۶۲)

تذکرة الخواص: ۱۷۸، ۱۸۰ (نیز کفایة الطالب: ۴۶۸، ۴۷۰، کشف الغمه: ۳۳۲/۲ ـ ۳۳۲)

۱۹۵ . سُلیم فرّاء

سلیم فرّاء کوفی، پوستین دوز، راوی از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام).

نجاشی: ۱۹۳، رجال طوسی: ۲۱۹

وی می تواند همان ابوعبدالله فرّاء باشد که در مشیخه: ۴۴۲ و فهرست طوسی: ۱۸۷ از او یاد شده

ص: ۴۴۶

است.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان از جمله ابن ابی عمیر روایت کرده اند (نجاشی: ۱۹۳. نیز بنگرید: فهرست طوسی: ۱۸۷). تعداد قابل ملاحظه ای روایت از این مؤلف در منابع بعدی آمده که در معجم خویی: ۲۱۵/۸، ۲۲۹ ـ ۲۳۰، ۴۴۵ ـ ۴۴۶، ۲۲۹/۲۱ فهرست شده و عمدتا از طریق راوی پیشگفته است.

۱۹۶ . سلیمان دیلمی

سلیمان دیلمی، تاجر برده که برای کسب و کار به خراسان می رفته و از منطقه دیلم در شمال ایران، برده می خریده و آنها را به کوفه می آورده است. او را به این عنایت «دیلمی» می خواندند. وی غالی بود و از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) روایت می کرد.

[۳۷۴] رجال کشی: ۳۷۵، رجال ابن غضائری: ۶۷، نجاشی: ۱۸۲، فهرست طوسی: ۷۸، رجال او: ۲۱۶

نجاشی این راوی را به عنوان فرزند عبدالله می شناسد، اما ابن غضائری او را فرزند زکریا یاد می کند. بر اساس روایتی در نجاشی، وی کوفی و از قبیله بجیله بوده، اما پسرش محمد، در رجال: ۳۴۳ و ۳۶۳ (نیز در تفسیر عیاشی: ۱۹۴/۱ و کافی: ۵۰/۸ [بخوانید «بصری» چنان که در پاورقی مصحح]) بصری معرفی شده است.

کشی، ابن غضائری، و نجاشی وی را غالی می دانند. دو منبع اخیر او را دروغگو نیز خوانده اند; نکته ای که تعدادی از روایات او می تواند شاهد خوبی بر آن باشد.

۱ ـ کتاب یوم و لیله

اثری که محمد فرزند مؤلف آن را روایت کرده است (نجاشی: ۱۸۲). دو روایت از مؤلف که از طریق همین راوی در کافی: ۳۲۶/۳ و تهذیب: ۱۲۲/۲ نقل شده مناسب با این عنوان است.

۲ ـ کتاب

دفتر حدیث مؤلف که محمد فرزند او روایت کرده است (فهرست طوسی: ۷۸). همه نزدیک به چهل حدیث از این مؤلف که برخی از آن ها به صورت قابل ملاحظه ای طولانی است و

ص: ۴۴۷

بیشتر آنها در معجم خویی: ۴۴۶/۸ ـ ۴۴۷، ۴۶۳ و فهارس بحار: ۶۱/۹ فهرست شده، از طریق همین راوی است.

۱۹۷ . ابوالربیع اَقْطع

ابوالربیع سلیمان بن خالد بن دهقان بن نافله کوفی، فقیه، راوی حدیث و قاری قرآن، که همراه زید بن علی در قیامش بر ضد بنی امیه در سال ۱۲۲ شرکت کرد و دستش را در آن واقعه از دست داد. وی از اصحاب امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) بوده و پیش از وفات امام صادق (ع) که به سال ۱۴۸ روی داد، درگذشت.

برقی: ۵۶، ۸۸، رجال کشی: ۳۵۶ ـ ۳۶۱، مشیخه: ۴۳۹، نجاشی: ۱۸۳، رجال طوسی: ۲۱۵ ـ ۲۱۶. نیز بنگرید: کافی: ۴۶۷/۵، ۲۵۰/۸ ـ ۲۵۲.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که عبدالله بن مسکان (نجاشی: ۱۸۳) و هشام بن سالم (مشیخه: ۴۳۹) آن را روایت کرده اند. [۳۷۵]بیشتر نزدیک به سیصد روایت از این مؤلف در کتابهای حدیث شیعی که در معجم خویی: ۲۵۲/۸ ـ ۲۵۴، ۴۵۱ ـ ۴۵۷ و فهارس بحار: ۶۰/۹ فهرست شده از طریق همین دو راوی است.

۱۹۸ . سوید القلاّء

سوید بن مسلم قلاء، از موالی کوفه، که از امام صادق (ع) روایت می کرد.

نجاشی: ۱۹۱، فهرست طوسی: ۷۸، رجال او: ۲۲۳

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که علی بن نعمان نخعی آن را روایت کرده است (نجاشی: ۱۹۱، فهرست طوسی: ۷۸). همه روایات باقی مانده از این مؤلف در کتابهای متأخرتر که در معجم خویی: ۳۲۸/۸ ـ ۳۲۹، ۴۸۸ ـ ۴۸۹ فهرست شده از طریق همین راوی است.

ص: ۴۴۸

۱۹۹ . طلحه شامی

طلحة بن زید شامی، راوی سنی حدیث که از امام صادق (ع) و دیگران روایت می کرد. اصل وی از دمشق بوده، ولی خود در رقه و یا واسط زندگی می کرده است.

تاریخ کبیر بخاری: ۳۵۱/۴، المعرفة و التاریخ: ۴۰۲/۳، برقی: ۱۱۱، ضعفاء نسائی: ۱۴۳، الجرح و التعدیل: ۴۷۹/۴ ـ ۴۸۰، ضعفاء عقیلی: ۲۲۵/۲ ـ ۲۲۶، مجروحین ابن حبان: ۳۸۳/۱ ـ ۳۸۴، کامل ابن عدی: ۱۴۲۷ ـ ۱۴۳۱، نجاشی: ۲۰۷، فهرست طوسی: ۸۶، رجال او: ۱۳۸، ۲۲۸، تاریخ دمشق: ۲۴/۲۵ ـ ۲۹، تهذیب الکمال: ۳۹۵/۱۳ ـ ۳۹۸ (و منابع بسیار دیگری که در پاورقی مصحح در همین مأخذ آمده است).

عُقَیلی بر آن است که این راوی در واسط بوده است. بیشتر منابع دیگر محل زندگی وی را رقه دانسته اند (نیز بنگرید: کفایة الاثر: ۲۲۶). عباد بن یعقوب از عبدالله بن الحسن به وساطت طلحه بیّاع سابُری در امالی احمد بن عیسی: ۴۰۴/۱ روایتی نقل کرده است (که در آنجا نقلی نیز از امام صادق [ع] از طریق طلحه در ۲۲۶/۴ آمده است). روشن نیست که آیا مقصود، طلحه بن زید ما است یا شخصی دیگر.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که با نسخه های مختلف به وسیله راویان مختلف روایت شده (نجاشی: ۲۰۷) از جمله محمد بن سنان زاهری [۳۷۶] (فهرست طوسی: ۷۶)، محمد بن یحیی خزاز (مشیخه: ۴۸۰) و به احتمال عبدالله بن مغیره.[۳۰۲] اکثریت غالب بیش از یک صد روایت از این مؤلف در کتابهای حدیثی شیعی که غالب آنها از امام صادق (ع) می باشد، از طریق دو راوی نخست این کتاب است. فهرستی از آن ها را در معجم خویی: ۱۶۴/۹ ـ ۱۶۷، ۴۶۷ ـ ۴۷۰ و فهارس بحار: ۱۵۶/۹ ببینید. برای نمونه ای از روایت وی از امام صادق (ع) در منابع سنی بنگرید: سنن دارقطنی: ۲۱۵/۴ (و از اینجا در سنن بیهقی: ۱۷۳/۱۰).

۲۰۰ . شَعرانی

ص: ۴۴۹

ابوطالب ازدی شعرانی بصری، یک راوی حدیث که از شاگردان امام صادق (علیه السلام) روایت می کند.
رجال ابن غضائری: ۱۰۴، نجاشی: ۴۵۷، ۴۵۹ ـ ۴۶۰، فهرست طوسی: ۱۸۷

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که محمد بن خالد برقی از او روایت کرده است، چنان که هر سه منبع یاد شده بالا این مطلب را یادآور شده اند. پس نقلهای زیر می بایست از این کتاب بوده باشد:
محاسن: ۶۳۶
بصائر: ۲۷، ۱۰۴، ۱۰۹، ۲۴۱، ۳۵۷، ۴۳۰[۳۰۳]
کافی: ۲۶۹/۱ ـ ۲۷۰، ۴۱۷، ۵۷۸/۲ ـ ۵۷۹ (بخوانید: «البرقی عن ابی طالب»)،۲۷۹/۴، ۷۸/۵، ۲۹۵/۶

[۳۷۷] ۲۰۱ . ابوحمزه ثمالی

ابوحمزه ثابت بن دینار ثمالی، از موالی کوفه، عالم و راوی سرشناس حدیث در جامعه شیعه روزگار خود. وی از امامان سجاد، باقر و صادق (علیهم السلام) روایت کرده و میان سالهای ۱۴۸ ـ ۱۵۰ درگذشته است.
طبقات ابن سعد: ۳۴۵/۶، تاریخ یحیی بن معین: ۶۹/۲، تاریخ کبیر بخاری: ۱۶۵/۲، المعرفة و التاریخ: ۵۶/۳، برقی: ۴۶، ۴۹، ۱۱۵، ضعفاء نسائی: ۶۹، ضعفاء عقیلی: ۱۷۲/۱، الجرح و التعدیل: ۴۵۰/۲ ـ ۴۵۱، رجال کشی: ۲۰۱ ـ ۲۰۳، مجروحین ابن حبان: ۲۰۶/۱، کامل ابن عدی: ۵۲۰، مشیخه: ۴۴۴، نجاشی: ۱۱۵ ـ ۱۱۶، فهرست طوسی: ۴۱ ـ ۴۲، رجال او: ۱۲۹، ۳۳۳، تهذیب الکمال: ۳۵۷/۴ ـ ۳۵۹ (و منابع دیگری که در پاورقی مصحح در همین مأخذ آمده است). نیز بنگرید: سنن ترمذی: ۴۲۳/۳، کافی: ۱۸۰/۲، ۴۵۳/۴، امالی قالی: ۲۰۰/۳، مستدرک حاکم: ۲۱۹/۲.

---

۳۰۲ . این نکته ممکن است از احادیث بسیار مؤلف ما که از طریق راوی اخیر روایت شده، به دست آید. نمونه ها در **محاسن**: ۱۹۸، ۲۱۱، ۲۳۱، ۲۵۲، ۲۹۱، ۲۹۵، ۴۴۰، ۶۳۲، ۶۳۴; **کافی**: ۴۱/۱، ۱۳۶/۲، ۵۳۳/۶، **عقاب الاعمال**: ۵۷۰، **اختصاص**: ۲۶۲ (بخوانید: «و محمد بن سنان»).

۳۰۳ . به استثنای روایتی که در ص ۱۰۴ آمده، نام راویِ از مؤلف ما، در نقلهایی که از وی در این منبع آمده افتاده است.

ص: ۴۵۰

۱ ـ تفسیر القرآن

(فهرست ابن ندیم: ۳۶، نجاشی: ۱۱۵ ـ ۱۱۶). تفسیری بر قرآن بر اساس روایات از امامان. این اثر در قرون نخستین، کتاب معروفی بوده و مفسران متأخرتر مانند عیاشی، ابواسحاق ثعلبی در الکشف و البیان و طبرسی در مجمع البیان از آن استفاده کرده اند، چنان که شهرستانی نیز در مفاتیح: ۱۷۰/۱ به آن اشارتی دارد. ابن شهرآشوب نیز در مناقب: ۶۱/۳ و موارد دیگر از آن نقل می کند (ببینید: همان: ۱۱/۱). نقلهای فراوانی از ابوحمزه در این موضوع در آثار بعدی وجود دارد که ظاهرا بیشتر آنها از این اثر است. اکنون عبدالرزاق حرز الدین برای بازسازی این اثر تلاش کرده و نقلهای مزبور را در مجلدی با عنوان تفسیر القرآن الکریم لابی حمزة ثابت بن دینار الثمالی (قم، ۱۴۲۰) گرد آورده است.

۲ ـ کتاب

(رجال طوسی: ۳۳۳). دفتر حدیث مؤلف که وسیله حسن بن محبوب (فهرست طوسی: ۴۱) که می بایست آن را مع الواسطه یا به روش وجاده دریافت کرده باشد (بنگرید: رجال کشی: ۵۸۵، نجاشی: ۸۲) روایت شده است . صدها روایت از این مؤلف در منابع سنی و شیعی آمده که بسیاری از آنها از طریق همین راوی است. برای فهرستی از آن روایات در منابع شیعی بنگرید: معجم خویی: ۳۹۲/۳ ـ ۳۹۳، ۱۳۲/۲۱ ـ ۱۳۶، ۳۷۱ ـ ۳۸۴، ۶۶/۲۳، فهارس بحار: ۲۵۵/۸ ـ ۲۵۶، ۲۶۰ ـ ۲۶۲، ۴۶۲ ـ ۴۷۰. نمونه هایی از روایات وی در آثار سنی و زیدی چنین است:

[۳۷۸] جمل سیف بن عمر: ۲۴۳ ـ ۲۴۴

مصنف عبدالرزاق: ۲۳۶/۲

مصنف ابن ابی شیبه: ۹/۱ (نیز سنن ابن ماجه: ۱۴۳، سنن ترمذی: ۹۳/۱ ـ ۹۴)

سنن ترمذی: ۴۲۲/۳ ـ ۴۲۳

عیون الاخبار ابن قتیبه: ۱۷۴/۳

مسند بزّار: ۸۵/۲

امالی احمد بن عیسی: ۱۳۷/۱، ۳۰۶/۲

تاریخ طبری: ۴۶۵/۵

مکارم خرائطی: ۱۰۶

معجم صغیر طبرانی: ۸۲/۲

کامل ابن عدی: ۵۲۰ (سه روایت)

ص: ۴۵۱

مستدرک حاکم: ۵۱۹/۲

امالی ابی طالب: ۲۹۸ ـ ۲۹۹، ۳۱۳ ـ ۳۱۴، ۳۶۹ ـ ۳۷۰
دعامه او: ۲۱۶
حلیة الاولیاء: ۷۹/۱ ـ ۸۰، ۱۳۵/۳ ـ ۱۳۶ (دو روایت)، ۱۳۸، ۱۳۹ ـ ۱۴۱، ۱۸۱ ـ ۱۸۲، ۱۸۳ ـ ۱۸۴، ۱۲۳/۷
تسمیة من روی عن الامام زید: ۸۹ – ۹۲، ۱۰۶
بخلاء خطیب: ۵۷
موضح او: ۱۲/۲ ـ ۱۳ (دو روایت)
تلخیص المتشابه او: ۳۸۳
تاریخ بغداد: ۹۷/۱۱، ۳۸۴/۱۲
دلائل النبوه بیهقی: ۳۴۱/۵
تاریخ دمشق: ۳۲۳/۲۶، ۳۹۶/۴۱، ۳۳۶/۴۲، ۳۸۶ ـ ۳۸۷، ۲۵۱/۵۰ ـ ۲۵۵، ۲۹۳/۵۴، ۲۰۳/۶۹
میزان الاعتدال: ۳۶۳/۱

۳ ـ کتاب النوادر

این اثر توسط حسن بن محبوب از مؤلف روایت شده است (نجاشی: ۱۱۶، فهرست طوسی: ۴۱). بسیاری از نقلها از ابوحمزه که ذکرش گذشت، مناسب این عنوان است.

[۳۷۹] ۴ ـ کتاب الزهد

(فهرست طوسی: ۴۱ ـ ۴۲). این باید متنی باشد که از ابوحمزه در کافی: ۱۴/۸ ـ ۱۷ تحت عنوان صحیفة عن علی بن الحسین و کلامه فی الزهد آمده است.

۵ ـ رسالة الحقوق

ابوحمزه این رساله را از امام سجاد (ع) روایت می کند (نجاشی: ۱۱۶). این متنی معروف است که به جای مانده و به چاپ رسیده است (بنگرید: فصل اول کتاب حاضر، شماره ۶، مدخل علی بن الحسین [علیه السلام]).

۶ ـ دعاء ابی حمزه

ص: ۴۵۲

متن دعائی طولانی منسوب به امام سجاد (ع) که به طور کامل به نقل از ابوحمزه در مصباح المتهجد: ۵۸۲ ـ ۵۹۸ و اقبال الاعمال: ۱۵۷/۱ ـ ۱۷۵ آمده است.

۲۰۲ . ابواسماعیل صائغ

ابواسماعیل ثابت بن شریح انباری کوفی، جواهر فروش، از موالی ازد، راوی حدیث از شاگردان امام صادق (علیه السلام).

نجاشی: ۱۱۶، فهرست طوسی: ۴۲، رجال او: ۱۷۴، ۴۱۸

کتاب فی انواع الفقه / کتاب

مجموعه ای از روایات فقهی این مؤلف که توسط گروه هایی از راویان، از جمله عبیس بن هشام ناشری و صالح بن خالد محاملی، از مؤلف روایت شده است (نجاشی: ۱۱۶، فهرست طوسی: ۴۲). تمامی نقلهای برجای مانده از این مؤلف در مسائل فقهی در کتابهای متأخر توسط همین دو راوی نقل شده که گاهی نام یکی از آنان در اسناد می آید (برای نمونه: کافی: ۴۹۵/۲، ۱۶۱/۷، تهذیب: ۹۰/۷ ـ ۹۱ [ش ۳۸۵، ۳۸۶]) و بیشتر نام هر دو آنان با هم (برای نمونه: کافی: ۸۴/۶، تهذیب: ۲۴۷/۲ ـ ۲۴۸، ۹۰/۷ [ش ۳۸۳]، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۸۶ ـ ۱۸۷ [دو روایت]).

[۳۸۰] ۲۰۳ . ابواسحاق نحوی

ابواسحاق ثعلبة بن میمون کوفی، از موالی بنواسد، دانشمند سرشناس جامعه شیعه کوفه در نیمه دوم قرن دوم هجری. او قاری، فقیه، نحوی و لغوی بوده است. وی از امام صادق (ع) و شاگردانش روایت می کرده و در کوفه نزدیکی مسجد سماک زندگی می نموده است (بنگرید: مدخل شماره ۴۲ در فصل حاضر).

برقی: ۱۰۶، ۱۱۷، ۱۱۸، رجال کشی: ۴۱۲ (نیز بنگرید: ۳۷۵)، نجاشی: ۱۱۷ ـ ۱۱۸، رجال طوسی: ۱۷۴، ۳۳۳. نیز بنگرید: کافی: ۲۶۵/۱، تهذیب: ۲۴۹/۱.

کتاب

(رسالة ابی غالب: ۱۸۴، نجاشی: ۱۱۸، رجال طوسی: ۳۳۳). دفتر حدیث مؤلف که توسط

ص: ۴۵۳

گروه هایی از روات، از جمله عبدالله بن محمد اسدی حجّال (نجاشی: ۱۱۸. نیز مشیخه: ۵۲۵، رسالة ابی غالب: ۱۸۴) و حسن بن علی بن فضّال (چنان که از اسناد روایات وی از مؤلف ما بر می آید) روایت شده است. نزدیک به دویست روایت از این مؤلف در کتابهای بعدی آمده که در معجم خویی: ۴۱۰/۳ ـ ۴۱۲، ۵۲۹ ـ ۵۴۰، ۱۹/۲۱، ۲۷۹ و فهارس بحار: ۲۵۷/۸ ـ ۲۵۸ فهرست شده و غالبا توسط همین دو راوی می باشد.

۲۰۴ . عبیدالله حلبی

عبیدالله بن علی بن ابی شعبه حلبی، برادر محمد (شماره ۱۴۷ در فصل حاضر)، از افراد برجسته جامعه شیعه کوفه در میانه قرن دوم. وی از امام صادق (ع) روایت می کرد.

برقی: ۷۳، نجاشی: ۲۳۱، فهرست طوسی: ۱۰۶ ـ ۱۰۷، رجال او: ۲۳۴

۱ ـ جامع / کتاب

گفته شده است که این اثر، نخستین کتاب فقهی منظم بوده که در جامعه شیعه تألیف شده بود (برقی: ۷۳). نیز گفته شده است که این کتاب بر امام صادق (ع) عرضه شده و آن حضرت از آن تمجید و آن را تصحیح فرمود (نجاشی: ۲۳۱، فهرست طوسی: ۱۰۶). این یک اثر بزرگ بود که در ابواب مختلف تدوین شده (نجاشی: ۳۶۶) [۳۸۱] و منبع شناخته شده ای در مراجعات علمی در جامعه شیعه تا اواخر قرن چهارم (من لایحضر: ۳/۱) و اوائل قرن پنجم (جوابات المسائل المیافارقیات شریف مرتضی: ۲۷۹، جوابات المسائل الرسیة الاولی: ۳۳۱) بوده است. به نظر می رسد قاضی نعمان که از آن کتاب با نام جامع حلبی یا الکتاب المعروف بالجامع یاد می کند، تمامی آن را در کتاب ایضاح خود مندرج کرده بود، چنان که نقلهای فراوان از آن اثر در قطعه باقی مانده کتاب ایضاح نشان می دهد: ۶۸، ۷۸ (دو روایت)، ۸۵، ۹۱، ۹۸ (دو روایت)، ۹۹، ۱۰۰ (سه روایت)، ۱۰۱ (دو روایت)، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹ (دو روایت)، ۱۲۲ (دو روایت، اولی بدون نام جامع)، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۵۳ – ۱۵۴ (دو روایت)، ۱۶۲ (دو روایت)، ۱۶۵ – ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۳ – ۲۰۴، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۱۲ (دو روایت).

این کتاب توسط بسیاری از راویان شیعی با آغازهای گوناگون (نجاشی: ۲۳۱) و نیز تفاوت های جزئی و کوچک در بدنه اصلی متن (برای نمونه بنگرید: تفسیر عیاشی: ۷۶/۱) از

ص: ۴۵۴

مؤلف روایت شده است. رایج ترین نسخه آن، همان بوده که ابن ابی عمیر از طریق حماد بن عثمان از مؤلف روایت کرده (رسالة ابی غالب: ۱۶۲، نجاشی: ۲۳۱، فهرست طوسی: ۱۰۶) و ابن ابی عمیر خود احیانا مطالبی بر آن افزوده بود (معانی: ۱۴۹ ـ ۱۵۰). به نظر می رسد که این نسخه از کتاب، به طور کامل در آثار متأخرتر باقی مانده است چنان که از نزدیک به یک هزار روایت از مؤلف با همین اسناد در کتب اربعه حدیث شیعی که در معجم خویی: ۱۸۹/۶، ۲۱۷، ۳۹۰ ـ ۴۰۰، ۴۱۹ ـ ۴۲۱ فهرست شده، به دست می آید.

این کتاب در میانه قرن هفتم در دسترس ابن طاوس بوده و از آن در مضایقه: ۳۴۰ ـ ۳۴۱ (دو بند) و اقبال: ۴۸/۱ ـ ۴۹ نقل کرده است (برای اطلاعات بیشتر بنگرید: کتابخانه ابن طاوس: ۱۲۶).

۲ ـ کتاب المسائل

مجموعه ای از پرسش های فقهی از امام صادق (ع) همراه با پاسخ های آن. به نظر می رسد این اثر بخشی از تحریر بزرگتر کتاب حلبی باشد که در رجال طوسی: ۴۳۱ به آن اشاره شده است; اما (چنان که از قطعات برجای مانده از آن در ایضاح قاضی بر می آید) به لحاظ سبک با آن متفاوت بوده، زیرا مطالب این یک، مربوط به مسائل مشخص جزیی بوده و به روش پرسش و پاسخ تنظیم شده بود. بسیاری از پاسخ های امام صادق (ع) به پرسش های گوناگون حلبی در روایات او که در معجم خویی: ۴۱۹/۱۱ ـ ۲۱، ۳۳۳/۲۳ ـ ۳۴۱ و فهارس بحار: ۴۵۰/۸ ـ ۴۵۲، ۳۰۸/۹، ۳۱۰ فهرست شده، می تواند از همین کتاب بوده باشد. قاضی نعمان، به طور مکرر از این اثر در ایضاح نقل می کند، از جمله موارد زیر که در بخش باقی مانده آمده است: [۳۸۲] ۷۲، ۷۴، ۸۰ – ۸۱، ۸۴ – ۸۵ (با شرح مؤلف بر سخنی از امام. بخوانید: «قال عبیداللّه» به جای «قال عبداللّه»)، ۸۹ (سه مورد)، ۹۱، ۹۲ (دو مورد)، ۹۴ (دو مورد)، ۹۶، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۹، ۱۱۴، ۱۱۵ (دو مورد)، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۸۶ – ۱۸۷، ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۲، ۲۱۶.

قاضی در سه مورد، روایتی را از هر دو اثر روایت می کند: ۹۸ (فی کتاب الحلبی المعروف بکتاب المسائل و کتابه المعروف بالجامع)، ۱۹۳ (فی جامع الحلبی... و فی کتاب الحلبی المعروف بکتاب المسائل مثل هذا سواء) و ۲۱۳ (فی کتاب جامع الحلبی و کتابه المعروف بالمسائل).

۲۰۵ . وصّافی

ص: ۴۵۵

عبیدالله بن ولید بن عبدالرحمان وصافی عجلی کوفی، یک راوی حدیث که در حلقات حدیثی سنی و شیعی کوفه شناخته شده بود و از امام باقر و امام صادق (علیهماالسلام) و دیگران روایت می کرد.

طبقات خلیفة بن خیاط: ۳۹۱، تاریخ یحیی بن معین: ۳۸۴/۲، تاریخ کبیر بخاری: ۴۰۲/۵، المعرفة و التاریخ: ۷۱۸/۱، برقی: ۵۱، تاریخ عثمان دارمی: ۱۵۸، ضعفاء نسائی: ۱۵۵، ضعفاء عقیلی: ۱۲۸/۳ ـ ۱۲۹، الجرح و التعدیل: ۳۳۶/۵، مجروحین ابن حبان: ۶۳/۲، کامل ابن عدی: ۱۶۳۰ ـ ۱۶۳۱، ضعفاء دارقطنی: ۱۱۶، نجاشی: ۲۱۶، رجال طوسی: ۲۳۴، تهذیب الکمال: ۱۷۳/۱۹ ـ ۱۷۵ (و منابع دیگری که در پاورقی مصحح در همین مأخذ آمده است).

ابن عدی: ۱۶۳۰ کنیه وی را ابواسماعیل یاد کرده، اما نجاشی ابوسعید ذکر می کند. این که او فرزندی با نام سعید داشته، در تهذیب الکمال: ۱۷۴/۱۹ نیز هست. روایات وی در منابع قدیم حدیث سنی مانند ادب المفرد بخاری، سنن ابن ماجه و ترمذی (نیز کامل ابن عدی: ۱۶۳۰ ـ ۱۶۳۱) و دیگران آمده است.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شماری از روات از جمله عبدالله بن مسکان روایت کرده اند (رسالة ابی غالب: ۱۷۴، نجاشی: ۲۳۱). نقلهای زیر از این مؤلف در کتابهای حدیث شیعی که برخی از طریق همین راوی است، می تواند از این دفتر حدیث گرفته شده باشد:

زهد حسین بن سعید: ۳۱ (نیز کافی: ۸/۴، ۲۸، ۲۹ ـ ۳۰ [بخوانید «عبیدالله» به جای «عبدالله» در هر دو مورد، چنان که در امالی صدوق: ۳۲۴ ـ ۳۲۷ و امالی طوسی: ۶۰۳])، ۳۸ (بخوانید مثل مورد بالا)

محاسن: ۳۰ (بخوانید: «اسحاق عن عبیدالله بن الولید»، چنان که در کافی: ۵۱۷/۲، ثواب: ۱۶)، ۹۸، ۱۹۳، ۲۸۴ (از طریق ابن مسکان، نیز در تفسیر عیاشی: ۲۹/۲. بخش های دیگری از این روایت در کافی: ۱۸۸/۲ ـ ۱۸۹، ۱۵/۴ و ثواب: ۲۰۵; تحریر دیگر این خبر در کافی: ۴۲/۸ ـ ۴۹ از راوی دیگر)، ۲۹۴، ۳۸۸، ۳۹۱ (نیز کافی: ۲۰۲/۲)، ۳۹۲ (سه تحریر از یک متن)

امالی احمد بن عیسی: ۳۰۷/۲، [۳۸۳] ۳۴۰/۴، ۳۶۱

کافی: ۹۵/۲ (نیز امالی طوسی: ۴)، ۱۱۰، ۱۵۶، ۱۶۵، ۱۸۸ ـ ۱۸۹ (از طریق ابن مسکان)، ۶۶۸ (نیز بنگرید: ۱۵۶/۲)، ۱۵/۴

ص: ۴۵۶

ثواب: ۲۰۵ ـ ۲۰۶
امالی طوسی: ۲۶۴
نمونه هایی از روایات شیعی وی در منابع سنی چنین است:
طبقات ابن سعد، ترجمة الامام الحسین و مقتله: ۳۴ ـ ۳۵
مصنف ابن ابی شیبه: ۵۵۰/۸ (نیز ادب المفرد: ۴۱۹ ـ ۴۲۰)
اصلاح المال ابن ابی الدنیا: ۳۲۸ (نیز تواضع او: ۱۷۳ ـ ۱۷۴)
مجروحین ابن حبان: ۶۴/۲ (نیز حلیة: ۱۰/۵، تاریخ بغداد: ۳۰۱/۶، امالی ابی طالب: ۴۴۵)
کامل ابن عدی: ۱۶۳۱ (نیز حلیة: ۱۰/۵ ـ ۱۱)
حلیة الاولیاء: ۱۸۷/۳
زین الفتی: ۱۶/۱ ـ ۱۷
تاریخ دمشق: ۲۴۷/۱۳، ۲۹۳/۵۴
تفسیر ابن کثیر: ۵۱۴/۲

۲۰۶ . عبید بن زراره

عبید بن زرارة بن اَعْین کوفی، از موالی بنوشیبان از بکر بن وائل، و عضو خاندان سرشناس شیعی آل اَعْین (بنگرید: مدخل شماره ۲۳۴ در فصل حاضر). وی هم متکلم و هم راوی حدیث بوده و عمدتا از امام صادق (ع) روایت می کرده است.

برقی: ۷۴، فهرست ابن ندیم: ۲۸۶، مشیخه: ۴۴۱، رسالة ابی غالب: ۱۱۴، نجاشی: ۲۳۳ ـ ۲۳۴، [۳۸۴] فهرست طوسی: ۱۰۷ ـ ۱۰۸، رجال او: ۲۴۳. نیز بنگرید: فرق الشیعه: ۷۹، المقالات و الفرق: ۸۸، رجال کشی: ۱۵۴، معانی: ۲۶۶ ـ ۲۶۷ (نیز عیون اخبار الرضا: ۳۱۰/۱ ـ ۳۱۱).

برای نمونه آراء کلامی او بنگرید: مقالات الاسلامیین: ۱۱۲/۱.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شماری از روات، از جمله حماد بن عثمان (نجاشی: ۲۳۳ ـ ۲۳۴) و قاسم بن اسماعیل قرشی (فهرست طوسی: ۱۰۷ ـ ۱۰۸) روایت کرده اند. بسیاری از بیش از دویست روایت از این مؤلف در کتب اربعه حدیث شیعی که در معجم خویی: ۴۴/۱۱ ـ ۴۵، ۴۹ ـ ۵۲، ۴۱۱ ـ ۴۱۹ فهرست شده از طریق حماد بن عثمان و نیز عبدالله بن بکیر نقل شده است که

به نظر می رسد فرد اخیر، راوی عمده دیگر این کتاب بوده است.

۲۰۷ . اُدَیم

ابوالحرّ ادیم بن حرّ، از موالی کوفه، و راوی از امام صادق (علیه السلام).

رجال کشی: ۳۴۷، نجاشی: ۱۰۶، رجال طوسی: ۱۵۶، لسان المیزان: ۵۱۲/۱

ابهاماتی در باره وابستگی قبیله ای و حرفه این راوی وجود دارد. نجاشی وی را جعفی می شناسد، اما طوسی در رجال: ۱۵۶ او را خثعمی می نامد و در اسناد یک روایت که وی از امام صادق (ع) نقل می کند به وی به عنوان خزاعی اشاره شده است (تهذیب: ۳۲۹/۵). این نسبت ها در حروف عربی با یکدیگر شباهت دارند و اختلاف مزبور می تواند ناشی از بد خواندن و تصحیف باشد. با این همه، برادر وی ایوب، توسط برقی: ۸۴ و نجاشی: ۱۰۳ به عنوان جعفی شناخته شده، در حالی که در رجال طوسی: ۳۳۱ به عنوان مولی طریف معرفی می شود که اگر منظور، قبیله طریف باشد که تیره ای از خزرج است، نسبت «خزرجی» که آن نیز در املاء با سه نام دیگر بی شباهت نیست بر لیست بالا افزوده خواهد شد، هر چند غیر ممکن نیست، گرچه بسیار غیر محتمل است، که در این مورد، منظور فردی از قبیله جعفی باشد که نامش طریف بوده، نه آن طریف که تیره ای از خزرج است. در باره حرفه او، ادیم (اصل عاصم بن حمید: ۴۰، کافی: ۴۲۶/۵) و برادرش ایوب (محاسن: ۲۷۶، نیز کافی: ۷۸/۵ که در آن جا صفت می تواند در باره ادیم یا ایوب باشد) را بیّاع الهروی یعنی فروشنده پارچه های هراتی (بنگرید به مدخل شماره ۵۰ در فصل حاضر) شناخته اند. کشی در رجال: ۳۴۷ بر آن است که ادیم کفاش بوده است. این دو نفر، برادر سومی داشته اند که وی هم راوی حدیث بوده (بنگرید: کافی: ۳۷۳/۱) و احتمالا همان است که برقی: ۸۶ و رجال طوسی: ۳۲۲ به عنوان «یحیی برادر آدم»[۳۰۴] از او یاد می کنند. به احتمال نزدیک به یقین، نام اصلی راوی ما آدم بوده که اُدیم تصغیر آن است، هم چنان که در مورد عبیس بن هاشم ناشری، مؤلف امامی اوائل قرن سوم، که نام اصلیش عباس بوده است.[۳۰۵]

اصل

(نجاشی: ۱۰۶). کشی در رجال: ۳۴۷ می گوید که ادیم بیش از چهل حدیث از امام صادق (ع) روایت کرده است. نقلهای اندک باقی مانده از ادیم در مجامیع متقدم شیعی می تواند از این کتاب بوده باشد; از جمله نمونه های زیر:

[۳۸۵] اصل عاصم بن حمید: ۴۰

نوادر احمد بن محمد بن عیسی: ۱۰۸ ـ ۱۰۹ (نیز کافی: ۴۲۶/۵)

محاسن: ۴۶۰ ـ ۴۶۱

بصائر: ۱۷۷، ۲۹۱، ۳۸۶ (و از اینجا در اختصاص: ۳۳۰ ـ ۳۳۱)، ۴۲۷

کافی: ۷۵/۳

تهذیب: ۱۶/۱، ۱۶۷/۲ ـ ۱۶۸، ۲۶۰، ۳۲۹/۵، ۳۰۵/۹

---

۳۰۴ . «یحیی برادر دارم» در کافی: ۱۰۶/۲ به نظر نمی رسد که تصحیف باشد، زیرا همین شخص در محاسن: ۱۸۲ به عنوان «یحیی بن زکریا» شناخته شده است، مگر آن که «زکریا» در این مورد تصحیف «حر» باشد و یا «ابن» تصحیف «ابی» (چه هر یحیی، ابوزکریاست).

۳۰۵ . بنگرید: نجاشی: ۲۸۰.

۲۰۸ . ابوحفص کلبی

ابوحفص عمر بن ابان کوفی، از موالی بنوکلب بن وَبَره از قضاعه، راوی از امام باقر و امام صادق (علیهماالسلام).

برقی: ۹۳، نجاشی: ۲۸۵ (نیز بنگرید: ۲۸)، فهرست طوسی: ۱۱۴، رجال او: ۲۵۳

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان از جمله عباس بن عامر قصبانی روایت کرده اند (نجاشی: ۲۸۵، فهرست طوسی: ۱۱۴). تعداد قابل ملاحظه ای روایت از این مؤلف در کتابهای متأخرتر آمده که در معجم خویی: ۱۰/۱۳ ـ ۱۱، ۳۶۱ ـ ۳۶۳ و فهارس بحار: ۴۵۴/۹ فهرست شده و برخی از آنها از طریق همین راوی (برای نمونه: کمال الدین: ۳۴۹)، اما بیشتر به روایت فضالة بن ایوب است که به نظر می رسد راوی عمده دیگر این کتاب بوده است.

۲۰۹ عمر ثقفی

عمر بن عبدالله بن یعلی بن مرّه ثقفی کوفی، از روات حدیث سنی که توسط همقطارانش متهم به شرب خمر بود. او احیانا از امام باقر (ع) نیز در جزو مشایخ دیگر

ص: ۴۵۹

حدیث روایت کرده است.

تاریخ یحیی بن معین: ۴۳۱/۲، تاریخ کبیر بخاری: ۱۱۳/۲، ۱۷۰/۶، المعرفة و التاریخ: ۱۱۱/۳، ضعفاء نسائی: ۱۹۱، ضعفاء عقیلی: //۱۷۶ ـ ۱۷۷، الجرح و التعدیل: ۱۱۸/۳ ـ ۱۱۹، مجروحین ابن حبان: ۹۱/۲، [۳۸۶] کامل ابن عدی: ۱۶۹۲ ـ ۱۶۹۳، نجاشی: ۲۸۶، تهذیب الکمال: ۴۱۷/۲۱ ـ ۴۲۰ (و منابع دیگری که در پاورقی مصحح در همین مأخذ آمده است).

ابن ماجه و ابوداود در آثار خود از او نقل کرده اند (نیز بنگرید: کامل ابن عدی: ۱۶۹۲ ـ ۱۶۹۳ برای شش روایت دیگر او. نیز تاریخ کبیر بخاری: ۱۷۰/۶). برای نمونه ای از روایت وی از امام باقر (ع) بنگرید: کافی: ۱۲۲/۸ ـ ۱۲۳ (نیز تفسیر قمی: ۹۸/۱ ـ ۹۹).

نسخه

دفتر یادداشت احادیث این راوی که آن را از پدرش عبدالله از پدرش یعلی بن مره (صحابی، در باره او بنگرید: تهذیب الکمال: ۳۹۸/۳۲ ـ ۳۹۹) از امیر مؤمنان (ع) نقل می کند (نجاشی: ۲۸۶). روایاتی از امام علی (ع) از این مؤلف در کتابهای بعدی آمده که از طریق همان اسناد خانوادگی روایت شده و به روشنی مربوط به همین نسخه است (برای نمونه: وقعة صفین: ۱۳۵ ـ ۱۳۶، مناقب الامام امیرالمؤمنین [ع]: ۴۸۱/۲ [نیز کامل ابن عدی: ۱۶۵۴، و از آن جا در تاریخ دمشق: ۲۷۰/۴۲]، امالی مفید: ۱۱۳). اما تمامی این دفتر، از امام علی (ع) نبوده است زیرا این مؤلف، تعدادی روایت را با همین اسناد از پیامبر (ص) نقل کرده که امام علی (ع) واسطه نقل یا موضوع آن روایات نیست.[۳۰۶] پنج

---

۳۰۶ . احتمال ضعیفی هم وجود دارد که نسخه مورد بحث، مشتمل بر تمامی روایاتی نبوده که این مؤلف از طریق این اسناد خانوادگی دریافت کرده بود.

روایت از این جمله در معجم کبیر طبرانی ۲۶۱/۲۲ ـ ۲۶۲ آمده است (نخستین روایت نیز در احادیث الطوال طبرانی: ۱۳۷ ـ ۱۳۸ [نیز بنگرید: مسند احمد: ۱۷۰/۴، ۱۷۳ که در اینجا همین روایت از یعلی بن مره با اسنادی متفاوت نقل شده است]، روایت سوم و چهارم نیز در ضعفاء عقیلی: ۱۷۷/۳)، و روایتی ششم در مسند احمد: ۱۷۱/۴ (نیز بنگرید: معجم کبیر طبرانی: ۲۶۶/۲۲ که در اینجا این روایت از عبدالله بن یعلی، پدر عمر، از طریق راوی دیگری غیر از مؤلف ما نقل می شود)، و به احتمال روایتی هفتم در مسند احمد: ۱۷۴/۴ ـ ۱۷۵ (به احتمال زیاد بخوانید: «عمر بن عبدالله بن یعلی بن مرة» به جای «عمرو بن عثمان بن یعلی بن مرة»; چه در هیچ منبعی برای یعلی بن مرة، فرزندی با نام عثمان یا نواده ای با نام

ص: ۴۶۰

عمرو بن عثمان یاد نشده است)، و روایتی هشتم در سنن بیهقی: ۱۴۵/۴ (از «عمر بن یعلی بن مرة»; مقـ : مسند احمد: ۱۷۷/۴ [از «عمرو بن یعلی بن مرة»] و معجم کبیر طبرانی: ۲۶۴/۲۲ [از «عمران ثقفی از یعلی بن مرة»]، همان: ۲۶۳/۲۲ [از «ابن یعلی بن مرة»]). در مسند احمد: ۱۷۳/۴ مؤلف ما از طریق عضوی دیگر از خانواده، از جدش یعلی نقل می کند (نیز بنگرید: شرح الاخبار: ۲۷۶/۲ ـ ۲۷۷).

[۳۸۷] ۲۱۰ . عمر بن اُذَینه

عمر بن اذینه، از بنوعبدالقیس از اسد ربیعه، به نسب یا ولاء، راوی سرشناس شیعی که از امام صادق و امام کاظم (علیهماالسلام) روایت می کرد.

برقی: ۶۹، ۱۱۵، رجال کشی: ۳۳۴، نجاشی: ۲۸۳ ـ ۲۸۴، فهرست طوسی: ۱۱۳، رجال او:۲۵۴، ۳۱۳، ۳۳۹

اختلافات قابل توجهی میان گزارش های مربوط به جزئیات زندگی این راوی وجود دارد (بنگرید: قاموس الرجال: ۱۶۰/۸ ـ ۱۶۲). نامحتمل نیست که برخی از این جزئیات مربوط به شخص دیگری باشد که نامش مشابه نام مؤلف ما بوده است.

۱ ـ کتاب الفرائض

کتابی در باره احکام ارث (فهرست طوسی: ۱۱۳) که آن را ابن ابی عمیر روایت کرده است (نجاشی: ۲۸۳ ـ ۲۸۴). به نظر می رسد که عمده مواد این اثر به روایت همین راوی در کافی: ۳۵/۷، ۸۰، ۸۲، ۸۵، ۸۷، ۹۱ ـ ۹۲، ۹۳، ۹۴ ـ ۹۵، ۹۶، ۹۸، ۱۰۰ ـ ۱۰۳، ۱۰۹، ۱۲۸ (نیز من لایحضر: ۲۶۳/۴ ـ ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۸، ۲۷۷ ـ ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۴، ۳۴۹، تفسیر قمی: ۱۶۰/۱) باقی مانده است. قطعه ای که در کافی: ۹۱/۷ آمده می تواند بند آغازین کتاب باشد.

۲ ـ کتاب

دفتر حدیث مؤلف که توسط ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی روایت شده است (رسالة ابی غالب: ۱۶۳، فهرست طوسی: ۱۱۳، رجال او: ۳۳۹). در واقع دو تحریر از این کتاب وجود داشته که به لحاظ حجم متفاوت بوده اند (فهرست طوسی: ۱۱۳). ابوغالب: ۱۶۳ کل یک تحریر و یک سوم تحریر دیگری را که هر دو به روایت ابن ابی عمیر بوده، دریافت کرده بود. اکثریت انبوه بیش

ص: ۴۶۱

از پانصد روایت از این مؤلف که در آثار بعدی آمده و در معجم خویی: ۲۰/۱۳ ـ ۲۱، ۳۶۳ ـ ۳۷۴، ۳۵۴/۲۲ ـ ۳۶۲ فهرست شده، از طریق همین راوی می باشد. ابن طاوس در فلاح السائل: ۱۸۵ ـ ۱۸۶ (برای جزئیات بیشتر بنگرید: کتابخانه ابن طاوس: ۲۲۹) روایتی از کتاب ابن اذینه نقل می کند که در تحریر تلخیص شده تفسیر عیاشی: ۱۲۷/۱ بدون اسناد آمده است. روایتی در تهذیب: ۲۸/۸ نیز می تواند متعلق به کتابی از مؤلف ما بوده باشد.

[۳۸۸] ۲۱۱ . عمر بیّاع السابُری

ابوالاسود عمر بن یزید کوفی، فروشنده پارچه های شاپوری، از موالی ثقیف، که از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) روایت می کرد.

برقی: ۹۳،۱۱۵، رجال کشی: ۳۳۱، نجاشی: ۲۸۳، فهرست طوسی: ۱۱۳، رجال او: ۲۵۲، ۳۳۹. نیز بنگرید: فرق الشیعه: ۷۸، المقالات و الفرق: ۸۸، قاموس الرجال: ۲۲۵/۸ ـ ۲۲۷، ۲۳۴ ـ ۲۳۶.

کتاب فی مناسک الحج و فرائضه

کتابی در باره اعمال و مناسک حج که تمام مطالب آن از امام صادق (ع) نقل شده بود (نجاشی: ۲۸۳). این کتاب را محمد بن عذافر و دیگران روایت کرده اند (همان. نیز بنگرید: فهرست طوسی: ۱۱۳، رجال او: ۳۳۹). مؤلف خود به طور مرتب همه ساله به حج می رفته است (نجاشی: ۲۸۳).

نقلهای زیر از این مؤلف در باره این موضوع که غالب آنها از طریق راوی یاد شده می باشد، ظاهرا همه از کتاب مورد بحث بوده است:

تفسیر عیاشی: ۸۶/۱

کافی: ۲۴۵/۴، ۲۵۱، ۲۶۰، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۲۷، ۴۱۹، ۴۵۲ ـ ۴۵۳ (نیز تهذیب: ۴۴۵/۵ ـ ۴۴۶ با اختلاف)، ۴۷۱، ۵۴۳

کامل الزیارات: ۴۴۹ ـ ۴۵۰

ثواب: ۷۱

تهذیب: ۲۲/۵، ۳۴، ۴۴، ۵۶، ۷۰، ۷۱، ۸۵، ۹۲، ۹۶ ـ ۹۶ (دو روایت)، ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۵۷، ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۷۳، ۲۴۰، ۲۴۵، ۲۷۰، ۲۶۴، ۳۰۰، ۳۱۳، ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۹۴، ۴۳۵ ـ ۴۳۶ (دو روایت)

ص: ۴۶۲

۲۱۲ . عقبه اسدی

عقبة بن خالد کوفی، از موالی بنو اسد، راوی از امام صادق (علیه السلام).

برقی: ۱۰۹، رجال کشی: ۳۴۴، نجاشی: ۲۹۹، فهرست طوسی: ۱۱۸، رجال او: ۲۶۱. نیز بنگرید: کافی: ۳۴/۴.

[۳۸۹] کتاب

دفتر حدیث مؤلف که فرزندش علی (شماره ۳۷ در فصل حاضر) و محمد بن عبدالله بن هلال آن را روایت کرده اند (نجاشی: ۲۹۹، فهرست طوسی: ۱۱۸). اکثریت بیش از پنجاه روایت از این مؤلف در آثار بعدی که فهرست آن در معجم خویی: ۴۴۷/۱۱ ـ ۴۴۹ و فهارس بحار: ۳۳۵/۹ و ۳۳۶ آمده از این طریق این دو راوی است.

۲۱۳ . ابن ابی میمونه

وهب بن عبدربه بن ابی میمونة بن یسار کوفی، از موالی بنواسد، عضو یک خاندان سرشناس شیعی کوفه در آن زمان. وی از امام صادق (علیه السلام) روایت می کرد.

برقی: ۱۰۳، رجال کشی: ۴۱۳ ـ ۴۱۴، نجاشی: ۴۳۰ (نیز بنگرید: ۲۷)، فهرست طوسی: ۱۷۲، رجال او: ۳۱۷

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که حسن بن محبوب آن را روایت کرده است (نجاشی: ۴۳۰، فهرست طوسی: ۱۷۲). تعداد قابل ملاحظه ای از روایات این مؤلف در آثار بعدی که عمدتا از طریق همین راوی است در معجم خویی: ۳۹۵/۱۹ ـ ۳۹۶ و فهارس بحار: ۴۵۸/۱۰ فهرست شده است.

۲۱۴ . ابوالبَخْتری

ابوالبختری وهْب بن وهْب بن کثیر بن عبدالله بن زمعه قُرَشی مدنی، راوی سنی که به عدم وثوق و جعل حدیث شهرت داشت. وی در مدینه به دنیا آمده و همانجا بزرگ شد و

ص: ۴۶۳

سپس به بغداد مهاجرت کرد و از سوی هارون الرشید در همان شهر به قضاوت گماشته شد. در سال ۱۹۲ به عنوان قاضی برای مدتی به مدینه بازگشت، اما در سال ۱۹۴ عزل شده و به عراق بازگشت و در آنجا از سال ۱۹۵ مجددا به عنوان قاضی مشغول به کار شد و در بغداد به سال ۱۹۹ یا ۲۰۰ درگذشت. گفته شده که وی ربیب امام صادق (علیه السلام) بوده و ساخته های خود را به ایشان منسوب می کرده است.

[۳۹۰] طبقات ابن سعد: ۲۳۹/۷ ـ ۲۴۰، تاریخ یحیی بن معین: ۶۳۷/۲، نسب قریش: ۲۲۲، طبقات خلیفة بن خیاط: ۸۵۳، تاریخ کبیر بخاری: ۱۷۰/۸، برقی: ۶۷، اخبار القضاة: ۲۴۳/۱ ـ ۲۵۴، ضعفاء عقیلی: ۳۲۴ ـ ۳۲۵، الجرح و التعدیل: ۲۵/۹ ـ ۲۶، رجال کشی: ۳۰۹ ـ ۳۱۰، مجروحین ابن حبّان: ۷۴/۳ ـ ۷۵، کامل ابن عدی: ۲۵۲۶ ـ ۲۵۲۹، فهرست ابن ندیم: ۱۱۳، رجال ابن غضائری: ۱۰۰، نجاشی: ۴۳۰، فهرست طوسی: ۱۰۵، ۱۷۳، رجال او: ۳۱۷، تاریخ بغداد: ۴۵۱/۱۳ ـ ۴۵۷، لسان المیزان: ۳۴۴/۷ ـ ۳۴۹ (و منابع بسیار دیگر که در پاورقی مصحح در همین مأخذ آمده است).

برای جزئیات بیشتر در باره تاریخ سالهای اشتغال او در شغل قضاوت در مناطق مختلف، به ویژه بنگرید: اخبار القضاة: ۲۴۳/۱ ـ ۲۵۴، تاریخ خلیفة بن خیاط: ۷۵۳، ۷۵۹.

ابوالبختری چندین کتاب نوشته که از آنها در منابع بعدی یاد شده است (فهرست ابن ندیم: ۱۱۳ [و از آنجا در سزگین: ۲۶۷/۱]، نجاشی: ۴۳۰، فهرست طوسی: ۱۷۳). آنچه از آن میان با موضوع این کتاب ارتباطی دارد این چند اثر است:

۱ ـ کتاب

دفتر احادیث او از امام جعفر صادق (ع)[۳۰۷] که شماری از راویان شیعه، از جمله سندی بن محمد بزّاز و نیز احمد بن محمد بن خالد برقی ـ به نقل از پدرش از مؤلف ـ آن را روایت کرده اند. تقریبا تمامی بیش از یک صد و پنجاه روایت وی از امام جعفر صادق (ع) در مجامیع حدیث شیعه که بسیاری از آنها در معجم خویی: ۲۰۱/۱۹ ـ ۲۰۳، ۲۱۰ ـ ۲۱۳، ۳۹۴ ـ ۳۹۵، ۳۹۶ و فهارس بحار: ۴۵۹/۱۰ لیست شده، از طریق همین دو راوی است. عبدالله بن جعفر حمیری،

ص: ۴۶۴

بخش بزرگی از این دفتر را که مشتمل بر ۱۳۶ روایت می شود، از طریق سندی بزاز در قرب الاسناد: ۵۱ ـ ۵۴، ۱۳۰ ـ ۱۳۹، ۱۶۰ ـ ۱۷۶ (ش ۱۶۵ ـ ۱۷۷ [به استثنای شماره ۱۶۷ ـ ۱۶۹]، ۴۵۴ ـ ۵۷۹، ۵۸۳ ـ ۵۸۴، ۶۴۵) آورده است. نقلهای دیگر ابوالبختری از امام صادق (ع) را می توان در منابع سنی و زیدی یافت; چنان که در نمونه های زیر:

تاریخ یحیی بن معین: ۱۷۵/۲ (نیز کامل ابن عدی: ۲۵۲۶ و دیگران)

غریب الحدیث ابن قتیبه: ۵۲۳/۱

اخبار القضاة: ۲۵۳/۱

زین الفتی: ۱۵۰/۱ ـ ۱۵۱

اذان شجری: ۵۲

مسند الفردوس: (سه روایت [ازبک: ۶۵۲، ۷۲۰، ۷۳۳])

لئالی سیوطی: ۱۰۳/۱ ـ ۱۰۴

[۳۹۱] ۲ ـ تفسیر [سورة] قل هو اللّه أحد

تفسیری برای سوره توحید. این اثر یا رساله ای مستقل و یا امکانا بخشی از یک اثر تفسیری بزرگتر از این مؤلف بوده است. متن آن را شیخ صدوق در توحید: ۸۸ ـ ۹۳ به طور کامل آورده است (بخشی از آن نیز در معانی: ۷ ـ ۸). این اثر، متن با ارزشی است، زیرا ما را در جریان سبک اصلی کار مؤلف و آثار دیگری از این نوع در اواخر قرن دوم قرار می دهد.

---

۳۰۷. چنان که در بالا ذکر شد، ابوالبختری متهم بود که ساخته های خود را به امام صادق (ع) نسبت می داده است (به ویژه بنگرید: **اخبار القضاة**: ۲۴۸/۱، ۲۵۲ ـ ۲۵۳ [و از اینجا در **تاریخ بغداد**: ۴۵۲/۱۳ ـ ۴۵۳، ۴۵۵]). علمای شیعه به این حقیقت آگاه بودند (**رجال کشی**: ۳۰۹، نجاشی: ۴۳۰، **رجال ابن غضائری**: ۱۰۰) اما به هر روی، برخی از روایاتش را که جعل آشکار نبود، به این امید که شاید درست باشد، روایت می کردند.

۳ – مولد امیرالمؤمنین (ع)

(نجاشی: ۴۳۰). فهرست طوسی: ۱۷۳ از این اثر با نام مولد امیرالمؤمنین و خبره مع النبی و خطیب در تاریخ بغداد: ۴۱۹/۷ با نام مولد امیرالمؤمنین و منشأه و بدء ایمانه و تزویجه فاطمة یاد کرده اند. بخشی از آغاز این متن در مولد و اسلام امیرمؤمنان در اثبات الوصیة: ۱۳۰ ـ ۱۴۱ و بخش تزویج فاطمه آن در دلایل الامامة: ۸۵ ـ ۸۸ به جای مانده است. متن منقول در اثبات الوصیه از همان طریق است که در فهرست طوسی و تاریخ بغداد برای این اثر ذکر می شود. در بخش تزویج فاطمه، متنی مشابه این با اختلافات و با اسانیدی دیگر در تفسیر فرات ۴۱۳ ـ ۴۱۵، امالی صدوق: ۶۵۳ ـ ۶۵۵ و عیون اخبار الرضا: /۲۲۱ ـ ۲۲۵ آمده و صدوق در کتاب اخیر به ورود آن با اسانید دیگر اشاره می کند. به نظر می رسد سخن ابن شهرآشوب نیز در مناقب: ۷/۲ که نقل تقدم اسلام امیرمؤمنان را در ردیف نام هایی چون واقدی و عبدالرزاق به ابوالبختری نسبت می دهد ناظر به همین اثر باشد و نه به

ص: ۴۶۵

روایتی از ابوالبختری صحابی که از راویان فضایل امیر مؤمنان (ع) بود. [این اثر به کوشش احمد پاکتچی (قم، ۱۴۲۴) تحت عنوان مولد امیر المؤمنین (ع) به چاپ رسیده است – مترجم].

۴ ـ کتاب الالویة و الرایات

(فهرست ابن ندیم: ۱۱۳ [با عنوان کتاب الرایات]، نجاشی: ۴۳۰). حسن بن محمد بن حسن قمی در کتاب قم: ۲۸۲ ـ ۲۸۳ بند بزرگی در شرح لِواها و رایات اشعریان از ابوالبختری در کتاب رایات و علمها نقل می کند (نیز ببینید کتابشناسی آثار مربوط به قم: ۱۹). بندی در ارشاد مفید ۱: ۷۹ در رأیت قریش نیز بی گمان از همین اثر گرفته شده است. بندی دیگر در قرب الاسناد: ۱۳۱ در مورد لواء امیرمؤمنان (ع) در غزوه بنوقریظه نیز با موضوع این اثر مناسبت دارد.

۵ ـ کتاب صفة النبی (ص)

(فهرست ابن ندیم: ۱۱۳، نجاشی: ۴۳۰، با تصحیف «صفة» به «صفات»). نقلهای مربوط:

تاریخ یعقوبی: ۸۸/۲

قرب الاسناد: ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۵۵

امالی صدوق: ۳۳۷ ـ ۳۳۸

خصال: ۴۲۵ ـ ۴۲۶ (نیز علل: ۱۲۲ [بخوانید «ابوالبختری» به جای «حفص بن البختری»]، معانی الاخبار: ۵۱)

ثواب الاعمال: ۱۸۶

۶ ـ کتاب فضائل الانصار

(فهرست ابن ندیم: ۱۱۳). نقلی در قرب الاسناد: ۱۴۲ با موضوع این اثر مناسبت دارد.

۷ ـ کتاب الفضائل الکبیر

فهرست ابن ندیم: ۱۱۳. او می گوید که این کتاب مشتمل بر همه گونه فضائل بوده است. چند نقل در کتاب قم: ۲۷۴، ۲۸۱ ـ ۲۸۲ در فضائل اشعریان و نقلی در علل الشرائع: ۲۷۸/۱ در فضایل قبیله ازد باید از همین اثر گرفته شده باشد. جز این، نقلهای دیگری هم از این مؤلف در موضوع فضائل امیر مؤمنان، حسنین و دیگران در مآخذ متأخرتر هست که شاید برخی از آنها از همین اثر او باشد، از جمله در موارد زیر:

ص: ۴۶۶

قرب الاسناد: ۵۴ (نیز فضائل الاشهر الثلاثة: ۴۶)، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۵۲، ۱۵۶ ـ ۱۵۸، ۱۵۸

البلدان یعقوبی: ۲۳

اعلاق ابن رسته: ۲۵

بصائر صفار: ۱۰ ـ ۱۱

کافی: ۲۳۴/۲

امالی صدوق: ۲۰۲

امالی طوسی: ۳۵۲

تهذیب: ۳۱/۱ ـ ۳۲

مناقب ابن شهرآشوب: ۷/۲

کشف الغمه: ۱۱۶/۱

نیز به احتمالی کمتر، برخی روایات او در فضائل اعمال و اشیاء، چنان که در نمونه های زیر:

محاسن: ۴۰۲، ۴۹۹، ۵۱۹، ۵۳۵، ۵۴۸، ۵۵۰، ۵۸۶، ۵۹۳

قرب الاسناد: ۵۱، ۵۴، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۵۶ (نیز ثواب الاعمال: ۲۳۶)

امالی صدوق: ۳۵۷، ۳۹۸، ۶۴۸ (نیز ثواب الاعمال: ۶۸)، ۶۷۳ (سه روایت، هر سه نیز در ثواب الاعمال: ۲۲۵)

ثواب الاعمال: ۱۶۸

مصباح المتهجد: ۸۱۹ ـ ۸۲۰

جمال الاسبوع: ۲۲۸

۸ ـ کتاب نسب ولد اسماعیل بن ابراهیم (ع)

فهرست ابن ندیم: ۱۱۳. او می گوید که این کتاب جز انساب، مشتمل بر احادیث و داستانهایی نیز ـ طبعا در ارتباط با موضوع کتاب ـ بوده است. پس بند نقل شده در قرب الاسناد: ۱۴۷ در داستان سنگ افکندن ابراهیم به سوی شیطان و فلسفه وجوب رمی در حج با این اثر بی مناسبت نیست.

۲۱۵ . ابن صُبَیح

ص: ۴۶۷

ولید بن صبیح کوفی، از موالی بنواسد، که از امام صادق (علیه السلام) روایت می کرد.

برقی: ۱۰۴، رجال کشی: ۱۱۹، نجاشی: ۴۳۱، رجال طوسی: ۳۱۶. نیز بنگرید: کافی: ۵۱۰/۲، ۵۶۲/۳، ۱۱۸/۴.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که فرزندش عباس آن را روایت کرده بود (نجاشی: ۴۳۱). تعداد قابل توجهی روایت از این مؤلف در کتابهای بعدی آمده که در معجم خویی: ۱۹۳/۱۹، ۱۹۵ ـ ۱۹۷، ۳۹۳ ـ ۳۹۴ و فهارس بحار: ۴۵۲/۱۰ فهرست شده و بسیاری از آنها از طریق همین راوی می باشد.

۲۱۶ . مَنْتوف

ابوعلی وُهَیب بن حفص جُرَیری کوفی، معروف به منتوف، تاجر برده، از موالی بنو جُریر از بکر بن وائل از اسد ربیعه، که از راوی معروف حدیث امامی کوفه: ابوبصیر یحیی بن قاسم اسدی روایت می کرد. وی پس از وفات امام کاظم (ع) به واقفه پیوست.

مشیخه: ۴۶۵، نجاشی: ۴۳۱، فهرست طوسی: ۱۷۳، رجال او: ۳۱۷

۱ ـ تفسیر القرآن

اثری در تفسیر قرآن که حسن بن محمد بن سماعه آن را روایت کرده است (نجاشی: ۴۳۱). [۳۹۲] نقلهای زیر از این مؤلف در باره این موضوع که بیشتر از طریق همین راوی است، می بایست بخشی از مطالب این اثر بوده باشد:

الف: کلیات

کافی: ۶۰۱/۲،

اقبال سیّد ابن طاوس: ۲۳۲/۱

ب: در باره آیات معیّن

تهذیب: ۴۳/۲ ـ ۴۴ (بقره: ۱۴۲)

غیبت طوسی: ۴۷۷ ـ ۴۷۸ (بقره: ۱۴۸)

ص: ۴۶۸

تهذیب: ۲۳۵/۵ ـ ۲۳۶ (بقره: ۱۹۶)

بصائر: ۲۰۳، تفسیر قمی: ۴۵۱/۲ (آل عمران: ۷)

تهذیب: ۲۴۳/۸ (نساء: ۲۳)

غیبت نعمانی: ۵۱ ـ ۵۲ (نساء: ۵۸)

کافی: ۱۱۹/۷ (انفال: ۷۵)
مختصر بصائر: ۲۱ (نیز تفسیر عیاشی: ۱۱۳/۲ با حذف اسناد) (توبه: ۱۱۱ ـ ۱۱۲)
کافی: ۹۵/۲ (طه: ۱ ـ ۲)
همان: ۲۲۹/۸ (مؤمنون: ۶۰)
همان: ۵۰۴/۳ (مؤمنون: ۹۹)
ارشاد: ۳۷۳/۲ (شعراء: ۴)
کافی: ۱۳۹/۶ (احزاب: ۲۸)
همان: ۴۹۶/۲ (صافات: ۱۸۰)
غیبت نعمانی: ۲۶۹ (فصلت: ۵۳)
تفسیر قمی: ۳۰۳/۲ (محمد: ۱۶)
تهذیب: ۱۵۳/۶ (انسان: ۸)

۲ ـ کتاب فی الشرایع

کتابی در فقه که در چند باب ترتیب یافته بود و حسن بن محمد بن سماعه آن را روایت می نمود (نجاشی: ۴۳۱). این اثر می بایست همان «کتاب» باشد که در فهرست طوسی: ۱۷۳ از آن یاد شده و محمد بن حسین بن ابی الخطاب آن را روایت کرده بود.

به استثنای چند مورد معدود، تمامی بیش از پنجاه روایت از این مؤلف در فقه که در معجم خویی: ۲۰۴/۱۹ ـ ۲۰۷، ۲۱۴ ـ ۲۱۷، ۳۹۶ ـ ۳۹۸ فهرست شده، از طریق این دو راوی می باشد.

[۳۹۳] ۲۱۷ . وُهَیب کرابیسی

ابوبکر وهیب بن خالد بن عَجلان بصری، کرباس فروش، از موالی باهله از قیس عجلان، از روات حدیث سنی که از امام صادق (ع) و دیگران روایت کرده است. وی در سن ۵۸ سالگی به سال ۱۶۵ یا ۱۶۹ درگذشت.

ص: ۴۶۹

طبقات ابن سعد: ۲۱۱/۷، تاریخ یحیی بن معین: ۶۳۷/۲، تاریخ خلیفه: ۴۷۸، تاریخ کبیر بخاری: ۱۷۷/۸، ضعفاء عجلی: ۴۶۷، المعرفة و التاریخ: ۱۲۹/۲ ـ ۱۳۲، الجرح و التعدیل: ۳۴/۹ ـ ۳۵، مشاهیر ابن حبان: ۲۵۲، ثقات او: ۵۶۰/۷، و منابع دیگری که در پاورقی های مصححان در تهذیب الکمال: ۱۶۴/۳۱ ـ ۱۶۸ و تاریخ الاسلام ذهبی: ۱۰ (سالهای ۱۶۱ ـ ۱۷۰) /۵۰۳ ـ ۵۰۴ آمده است.

نسخة عن ابی عبدالله (ع)

دفتر یادداشت مرویات وهیب از امام جعفر صادق (علیه السلام) (نجاشی: ۴۳۱). تعدادی روایت از این راوی از امام صادق (ع) در آثار بعدی آمده که می تواند از این نسخه گرفته شده باشد (برای نمونه: مسند طیالسی: ۲۴۵/۳ ـ ۲۴۶،

۲۴۶ ـ ۲۴۹ [روایت طولانی در باره حج پیامبر، نیز مسند ابی یعلی: ۲۳/۴ ـ ۲۶، صحیح ابن حبان: ۲۵۰/۹]، مسند احمد: ۳۶۵/۳، ادب المفرد بخاری: ۳۲۲).

۲۱۸ . یحیی رازی

یحیی بن علاء بجلی کوفی رازی، از روات حدیث سنی که قاضی ری بود. وی از امام صادق (ع) و دیگران روایت می نمود.

تاریخ یحیی بن معین: ۶۵۱/۲، تاریخ کبیر بخاری: ۲۹۷/۸، تاریخ ابی زرعه دمشقی: ۵۲۷، ۶۶۹، المعرفة و التاریخ: ۱۴۱/۳، برقی: ۸۶ (نیز بنگرید: ۵۳)، ضعفاء نسائی: ۲۴۹، قبول الاخبار بلخی: ۷۱/۱، ضعفاء عقیلی: ۴۳۷/۴، الجرح و التعدیل: ۱۷۹/۹ ـ ۱۸۰، مجروحین ابن حبان: ۱۱۵/۳ ـ ۱۱۸، کامل ابن عدی: ۲۶۵۵ ـ ۲۶۵۸، ضعفاء دارقطنی: ۱۷۷، نجاشی: ۱۲۶، ۴۴۴، رجال طوسی: ۱۴۹، ۳۲۱، تهذیب الکمال: ۴۸۴/۳۱ ـ ۴۸۸ (و منابع بسیار دیگر که در پاورقی مصحح در همین مأخذ آمده است).

در رجال طوسی: ۳۲۱ او را یحیی بن العلاء بن خالد یاد می کند، اما در فهرست او: ۱۷۸ نام وی به صورت یحیی بن ابی العلاء رازی آمده است. ابن عدی در کامل: ۲۶۵۵ او را مدنی الاصل می شناسد، اما بیشتر منابع دیگر او را کوفی می دانند. وی در یکی از محلات پیرامون ری با نام فَوَرزاد سکونت داشت (تهذیب الکمال: ۴۸۴/۳۱ که شاید همان فَرّزاد منتقلة الطالبیة: ۲۳۵ و معجم البلدان: ۲۴۹/۴، [۳۹۴] و چه بسا «فرحزاد» امروز تهران باشد. یاقوت در معجم: ۲۷۹/۴ از روستای دیگری هم در ری با نام فورارد یاد کرده است). این که او قاضی ری بوده، در حلیة الاولیاء: ۲۰۱/۳ و نجاشی: ۱۲۶ آمده است. روایت وی از امام صادق (ع) در نجاشی: ۱۲۶، تهذیب الکمال: ۴۸۴/۲۳ و منابع دیگر گزارش شده است.

ص: ۴۷۰

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان، از جمله فرزندش ابومحمد جعفر آن را روایت کرده اند (نجاشی: ۱۲۶، ۴۴۴. نیز بنگرید: فهرست طوسی: ۱۷۸). شیعیان به این دفتر به خاطر روایاتی که مؤلف از امام صادق (ع) روایت کرده بود، علاقمند بودند. تعداد قابل ملاحظه ای از این گونه روایات وی در کتابهای حدیثی شیعه آمده که در معجم خویی: ۲۳/۲۰ ـ ۲۵، ۲۵۱ و فهارس بحار: ۴۷۳/۱۰ فهرست شده است. برخی از این روایات، از طریق اسناد مذکور در فهرست طوسی: ۱۷۸ نقل شده (برای نمونه: علل: ۸۷/۲ ـ ۸۸)، اما بیشتر آنها از طریق ابان بن عثمان احمر است که به نظر می رسد یکی از روات عمده این کتاب بوده است. روایات دیگری از این مؤلف به نقل از امام صادق (ع) در آثار سنی و زیدی آمده که برخی نمونه ها چنین است:

مصنف عبدالرزاق: ۴۸۶/۵ ـ ۴۸۹ (و از آنجا در معجم کبیر طبرانی: ۴۱۰/۲۲ ـ ۴۱۲، زین الفتی: ۱۴۲/۱ ـ ۱۴۴)

امالی احمد بن عیسی: ۲۰۳/۴

حلیة الاولیاء: ۲۰۱/۳

اخبار الحسن طبرانی: ۶۹ (نیز معجم کبیر طبرانی: ۴۴/۳، کامل ابن عدی: ۲۶۵۷)
مناقب ابن المغازلی: ۱۱۱ ـ ۱۱۲ (نیز اربعین مفید نیشابوری: ۱۶۱ ـ ۱۶۲)
نمونه هایی دیگر از روایات شیعی وی در مناقب الامام امیرالمؤمنین (ع): ۲۹۷/۱، ۴۳۹، ایضاح قاضی نعمان: ۱۵۶، و موضح خطیب: ۱۹۰/۱ آمده است.

۲۱۹ . یحیی حلبی

یحیی بن عمران بن علی بن ابی شعبه حلبی، از موالی کوفه، و عضو خانواده سرشناس شیعی آل ابی شعبه (بنگرید: مدخل های شماره ۱۴۷ و ۲۰۴ در فصل حاضر). وی از امام صادق (ع) و شاگردان آن حضرت روایت می کرد.
نجاشی: ۴۴۴، فهرست طوسی: ۱۷۷، رجال او: ۳۲۳، ۳۴۶

[۳۹۵] کتاب

ص: ۴۷۱

دفتر حدیث مؤلف که شمار فراوانی از راویان شیعی، از جمله ابن ابی عمیر[۳۰۸] و نضر بن سوید صیرفی آن را روایت کرده اند (نجاشی: ۴۴۴، فهرست طوسی: ۱۷۷، رجال او: ۳۴۶). اکثریت انبوه نزدیک به دویست روایت از این مؤلف در مجامیع حدیث شیعی که در معجم خویی: ۷۰/۲۰ ـ ۷۳، ۹۸ ـ ۹۹، ۲۵۱ ـ ۲۵۳، ۲۵۴ ـ ۲۵۸ و فهارس بحار: ۴۶۷/۱۰، ۴۷۴ فهرست شده به روایت نضر بن سوید می باشد.

۲۲۰ . ابوبصیر

ابومحمد یحیی بن قاسم کوفی، نابینا (چنان که از کنیه او «ابوبصیر» هم بر می آید)، از موالی بنواسد. او را می توان کثیر الروایه ترین راوی حدیث شیعی در قرن دوم هجری خواند. وی از امام باقر و امام صادق (علیهماالسلام) روایت می کرد و در سال ۱۴۹ ـ ۱۵۰ درگذشت.
برقی: ۵۳، ۶۴، رجال کشی: ۱۷۳، نجاشی: ۴۴۱، فهرست طوسی: ۱۷۸، رجال او: ۱۴۹، ۳۲۱، ۳۴۶
با توجه به نزدیک به سه هزار حدیث روایت شده از ابوبصیر که فهرست آن در معجم خویی: ۴۵/۲۱ ـ ۶۳، ۳۰۰ ـ ۳۴۳ و فهارس بحار: ۲۲۲/۸ ـ ۲۲۸ آمده، وی فی الواقع یکی از منابع عمده حدیث شیعی امامی می باشد. نجاشی: ۴۴۱ اثری با عنوان کتاب یوم ولیله، و فهرست طوسی: ۱۷۸ کتابی در مناسک حج به او منسوب می دارند. هر دو اثر را علی بن ابی حمزه بطائنی، عصاکش و ملازم او، از وی روایت کرده و به نظر می رسد که بطائنی خود هر دو کتاب را بر اساس روایاتی که از ابوبصیر دریافت کرده بود، تألیف نموده است. فهرست روایاتی را که این راوی در باره این دو موضوع از ابوبصیر نقل کرده در معجم خویی: ۴۹۳/۱۱ ـ ۴۹۸، ۲۲۹/۲۲ ـ ۲۳۰ ببینید.

---

۳۰۸ . این راوی گاه مع الواسطه از یحیی حلبی روایت می کند، چنان که در نوادر احمد بن محمد بن عیسی: ۱۳۳. امکان دارد که در همه موارد چنین بوده باشد، حتی در مواردی مانند کافی: ۴۶۵/۳ ـ ۴۶۶ که چنان می نماید که او بدون واسطه از مؤلف روایت کرده است.

[۳۹۶] ۲۲۱ . یحیی قَطّان

ص: ۴۷۲

یحیی بن سعید بن فرّوخ بصری، پنبه فروش، از موالی تمیم، و از محدثان سرشناس سنی. وی یکی از منابع عمده آگاهی های مربوط به رجال حدیث سنی در قرن دوم بوده است. او از مشایخ بسیاری از جمله امام صادق (ع) روایت می نمود و در سال ۱۹۸ در سن ۷۸ سالگی درگذشت.

طبقات ابن سعد: ۲۱۵/۷، تاریخ یحیی بن معین: ۶۴۵/۲، تاریخ کبیر بخاری: ۲۷۶/۸، ضعفاء عجلی: ۴۷۲، الجرح و التعدیل: ۲۳۱/۱ ـ ۲۵۱، ۱۵۰/۹ ـ ۱۵۱، تاریخ بغداد: ۳۲۹/۳۱ ـ ۳۴۳، و منابع بسیار دیگر که در پاورقی های مصححان تهذیب الکمال: ۳۳۰/۳۱ و تاریخ الاسلام ذهبی: ۱۳ (سالهای ۱۹۱ ـ ۲۰۰) /۴۶۳ ـ ۴۷۱ یاد شده است.

وی یکی از منابع اصلی آگاهی های رجالی ابن سعد، احمد بن حنبل (در علل)، یعقوب بن اسحاق فسوی، وکیع ضبّی، ابوزرعه دمشقی و ابن ابی حاتم بوده است. این که وی از امام صادق (ع) روایت کرده، در رجال طوسی: ۳۲۱، تهذیب الکمال: ۳۳۰/۳۱ و منابع دیگر (نیز بنگرید: کامل ابن عدی: ۵۵۶) آمده است.

نسخة عن ابی عبدالله (ع)

دفتر یادداشت مرویّات مؤلف از امام صادق (ع) (نجاشی: ۴۴۳). روایات وی از امام صادق (ع) در منابع بعدی که به احتمال فراوان، بسیاری از آنها از این نسخه بوده، شامل نمونه های زیر است:

مصنف عبدالرزاق: ۵۷۲/۳

مصنف ابن ابی شیبه: ۲۴۰/۳ (تکرار شده در ۵۵۸/۱۴)

مسند احمد: ۳۱۹/۳ (دو روایت)، ۳۲۰ ـ ۳۲۱ (روایت طولانی در باره حج پیامبر [ص] که بر اساس این نقل، امام صادق [ع] برای این راوی املاء فرموده بود [کامل ابن عدی: ۵۶]. نیز سنن ابی داود: ۱۶۷/۲، سنن نسائی [که در این منبع، قطعات روایت در باب حج پراکنده می باشد. بنگرید به پاورقی مصحح در ۴۹/۴ برای فهرست حدود چهل مورد آن]; مسند ابی یعلی: ۲۳/۴ ـ ۲۶ و منابع دیگر); ۲۹۲/۶ (نیز سنن نسائی: ۱۴۷/۱)

تاریخ مدینه ابن شبه: ۱۶۱ ـ ۱۶۲

تفسیر عیاشی: ۱۲۳/۲ (احتمالا)[۳۰۹]

ص: ۴۷۳

---

۳۰۹ . این بند از «یحیی بن سعید» بدون مشخصات بیشتر، نقل شده است. این می تواند یحیی بن سعید بن قیس انصاری مدنی (م ۱۴۸)، یکی از مشایخ یحیی بن سعید قطان باشد که از امام صادق (ع) (برای نمونه: **صحیح مسلم**: ۸۶۹، **جزء علی بن محمد حمیری**: ۵۵، **کامل ابن عدی**: ۵۵۷)، امام باقر (ع) (برای نمونه: **معجم اوسط طبرانی**: ۱۵۰/۱ ـ ۱۵۱ [نیز **خصال**: ۵۰۰، **امالی طوسی**: ۵۱۶]، **امالی ابی طالب**: ۳۰۲) و امام سجاد (ع) (برای نمونه: **حلیة الاولیاء**: ۱۳۶/۳) روایت می کند.

[۳۹۷] تفسیر قمی: ۲۸۴/۲، ۳۴۴
مسند ابی یعلی: ۲۰۸/۴ ـ ۲۰۹
کامل ابن عدی: ۵۵۷ (دو روایت)
خصال: ۶۵
قصص الانبیاء: ۱۹۶ ـ ۱۹۷

۲۲۲ . یعقوب احمر
یعقوب بن سالم کوفی احمر، بزّاز، از موالی کنده، که از امام صادق (ع) روایت می کرد.
برقی: ۸۳، ۱۱۹، نجاشی: ۴۴۹، رجال طوسی: ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۴۶. نیز بنگرید: کامل ابن عدی: ۵۸۰.

کتاب مبوّب فی الحلال و الحرام
اثری موضوعی در مسائل فقهی که توسط علی بن اسباط برادر زاده مولف (که از خود او معروف تر است) روایت شده است (نجاشی: ۴۴۹). روایات این مؤلف در مسائل فقهی از طریق همین راوی در آثار بعدی فراوان است. فهرست آنها را در معجم خویی: ۱۲۷/۲۰ ـ ۱۲۸، ۱۳۵ ـ ۱۳۷، ۲۶۴ ـ ۲۶۶ و فهارس بحار: ۴۸۸/۱۰، ۴۹۰ ببینید.

۲۲۳ . یعقوب سرّاج
یعقوب کوفی زین ساز، راوی از امام صادق (علیه السلام).
برقی: ۸۳، رجال ابن عضائری: ۱۰۲، نجاشی: ۴۵۱، فهرست طوسی: ۱۸۰، ۳۲۴

کتاب

ص: ۴۷۴

دفتر حدیث مؤلف که حسن بن محبوب از وی روایت کرده است (نجاشی: ۴۵۱، فهرست طوسی: ۱۸۰). به استثنای دو یا سه روایت مشکوک، همه روایات این مؤلف که در معجم خویی: ۲۸۶/۲۰ و فهارس بحار: ۴۹۰/۱۰ لیست شده، از طریق همین راوی می باشد.

[۳۹۸] ۲۲۴ . یعقوب میثمی
ابومحمد یعقوب بن شعیب بن میثم بن یحیی تمّار، از موالی بنواسد، و نواده میثم تمار شیعه وفادار امیرالمؤمنین (علیه السلام)، که از امام صادق (ع) روایت می کرد.
برقی: ۸۳، نجاشی: ۴۵۰، فهرست طوسی: ۱۸۰، رجال او: ۱۴۹، ۳۲۳، ۳۴۵

کتاب / اصل

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان شیعی، از جمله صفوان بن یحیی، ابن ابی عمیر[۳۱۰] و حماد بن عثمان آن را روایت کرده اند (رسالة ابی غالب: ۱۶۱، ۱۷۷، نجاشی: ۴۵۰، فهرست طوسی: ۱۸۰، رجال او: ۳۴۵. نیز مشیخه: ۴۷۷). اکثریت بیش از یک صد روایت از این مؤلف در کتابهای بعدی که در معجم خویی: ۲۶۶/۲۰ ـ ۲۷۰ و فهارس بحار: ۴۹۰/۱۰ ـ ۴۹۱، ۴۹۲ فهرست شده از طریق صفوان، و برخی از طریق دو راوی دیگر است. این کتاب در زمان شیخ مفید (م ۴۱۳) معروف بوده و این دانشمند، روایتی منسوب به این مؤلف را در کتاب او «که وی در آن، آنچه از امام صادق (ع) شنیده بود، ثبت کرده بود» نیافت (عددیه: ۲۴). گفته ابن داود در کتاب الرجال: ۳۸۹ که یعقوب پنج هزار حدیث روایت کرده، نکته ای که شرح حال نویسان پیش از وی نگفته اند، شاید اشاره به عدد روایات موجود در این کتاب و نشانگر آن باشد که ابن داود یا منبع او به نسخه ای از آن دسترسی داشته اند. این هر دو احتمال البته بعید است چه اگر کتابی با این شماره حدیث در دست بود به حسب قاعده باید از مصادر اصلی و مهم حدیث شیعه می بود و جوامع متقدّم حدیث بیش از این ها از آن روایت می کردند.

ص: ۴۷۵

۲۲۵ . یاسین ضریر

یاسین بصری، نابینا، روغن فروش، و راوی حدیث در نیمه دوم قرن دوم هجری.

نجاشی: ۴۵۳، فهرست طوسی: ۱۸۳

کتاب

[۳۹۹] دفتر حدیث مؤلف که توسط محمد بن عیسی بن عبید یقطینی روایت شده (نجاشی: ۴۵۳، فهرست طوسی: ۱۸۳. نیز مشیخه: ۵۱۶) و او ظاهرا آن را با واسطه یا به روش وجاده از مؤلف نقل کرده بود. روایات این مؤلف در کتابهای بعدی که در معجم خویی: ۱۰/۲۰ ـ ۱۱، ۱۳ ـ ۱۴، ۲۴۹ ـ ۲۵۰ و فهارس بحار: ۴۶۲/۱۰ لیست شده، عمدتا از طریق همین راوی است.

۲۲۶ . ابوخالد قمّاط

ابوخالد یزید کوفی قماط، از موالی بنوعجل، که از امام صادق (ع) روایت می کند.

برقی: ۸۷، رجال کشی: ۴۱۱ ـ ۴۱۲، نجاشی: ۴۵۲، رجال طوسی: ۳۲۵

کتاب

۳۱۰ . به گفته ابوغالب: ۱۷۷، ابن ابی عمیر این کتاب را توسط عبدالله بن مغیره و محمد بن ابی حمزه ثمالی دریافت کرده است. وی احیانا از این مؤلف به واسطه افرادی جز این دو هم نقل می کند (برای نمونه: **علل الشرایع**: ۶۳/۱).

دفتر حدیث مؤلف که توسط شماری از راویان از جمله صفوان بن یحیی روایت شده است (نجاشی: ۴۵۲. نیز بنگرید: فهرست طوسی: ۱۸۴). تعداد قابل توجهی روایات از این مؤلف در کتابهای بعدی آمده که در معجم خویی: ۳۸۴/۲۱ ـ ۳۸۶ و فهارس بحار: ۹۷۶/۹ ـ ۹۷۷ فهرست شده و برخی از آنها، از طریق همین راوی است.

۲۲۷ . یونس دُهنی

ابوعلی یونس بن یعقوب بن قیس بجلی دُهنی کوفی، برادر زاده معاویة بن عمار (شماره ۱۴۳ در فصل حاضر)، یک راوی فَطحی مذهب که از امام صادق و امام کاظم (علیهماالسلام) روایت کرده است. وی در مدینه، در اواخر قرن دوم درگذشت.

برقی: ۸۴، رجال کشی: ۳۸۵ ـ ۳۸۸ (نیز ۳۴۵)، نجاشی: ۴۴۶، فهرست طوسی: ۱۸۲، رجال او: ۳۲۳،

ص: ۴۷۶

۳۴۵، ۳۶۸. نیز بنگرید: کافی: ۲۵۷/۴، مشیخه: ۵۲۳.

۱ ـ کتاب الحج

اثری در باره حج که توسط حسن بن علی بن فضال روایت شده است (نجاشی: ۴۴۶). [۴۰۰] نقلهای زیر از مؤلف در باره این موضوع که در منابع بعدی که از طریق همین راوی روایت شده، می باید بخشی از مواد آن کتاب بوده باشد:

کافی: ۲۳۵/۴ (نیز قرب الاسناد: ۳۱۴، تهذیب: ۳۴۹/۵، هر یک به نقل از راوی دیگری از یونس)، ۲۴۵، ۲۵۷، ۲۹۶، ۲۹۹، ۳۰۳ ـ ۳۰۴، ۳۲۰، ۳۶۸، ۳۸۳، ۳۹۹، ۴۲۹، ۴۴۴، ۴۴۷، ۴۵۵، ۴۶۶، ۴۷۲ (نیز من لایحضر: ۴۶۹/۲ ـ ۴۷۰)، ۴۸۸، ۵۰۵، ۵۳۰، ۵۳۴ (نیز تهذیب: ۴۳۵/۵)، ۵۵۶، ۵۶۳ (نیز کامل الزیارات: ۶۹)

تهذیب:۲۰۸/۵ (نیز من لایحضر: ۴۹۱/۲، خصال: ۳۵۶ به نقل از راوی دیگر از یونس)، ۲۷۹، ۳۶۸ ـ ۳۶۹، ۴۷۴

نقلهای دیگر این مؤلف در باره این موضوع شامل موارد زیر است:

قرب الاسناد: ۱۶۱ ـ ۱۶۲، ۳۰۱ (دو روایت، دومی نیز در من لایحضر: ۵۶۳/۲)

کامل الزیارات: ۳۱۸ (نیز بنگرید: ۲۹۹)

من لایحضر: ۳۹۳/۲، ۴۵۵ (نیز تهذیب: ۹۵/۵)

علل الشرایع: ۱۳۰/۲

ثواب: ۷۴

تهذیب: ۵۶/۵، ۱۲۶، ۱۸۶، ۳۰۶، ۳۳۵، ۳۵۰، ۳۶۳، ۴۸۲

۲ ـ کتاب

دفتر حدیث مؤلف که آن را حکم بن مسکین ثقفی و ابن ابی عمیر روایت کرده اند (مشیخه: ۴۵۲، فهرست طوسی: ۱۸۲). این دفتر باید اثر دیگری جز کتاب مربوط به حج این مؤلف باشد; زیرا بسیاری از روایات وی از طریق این دو راوی، در باره موضوعات دیگری است. فهرست چند صد روایت از این مؤلف در کتابهای بعدی که برخی از آنها از

طریق این دو راوی می باشد، در معجم خویی: ۳۳۴/۲۰ ـ ۳۴۵ (نیز بنگرید: ۲۸۷، ۲۹۰ ـ ۲۹۱، ۲۹۲) و فهارس بحار: ۵۰۸/۱۰ ـ ۵۰۹ آمده است.

ص: ۴۷۷

۲۲۸ . زکریای مؤمن

ابوعبدالله زکریا بن محمد ازدی مؤمن. یک راوی واقفی مذهب که از شاگردان امام صادق و امام کاظم (علیهماالسلام) روایت حدیث می کرد.

برقی: ۱۰۵، نجاشی: ۱۷۲، فهرست طوسی: ۷۳، رجال او: ۳۵۸

[۴۰۱] کتاب / اصل

دفتر حدیث مؤلف که محمد بن عیسی بن عبید یقطینی آن را روایت کرده است (فهرست ابن ندیم: ۲۷۵، نجاشی: ۱۷۲، فهرست طوسی: ۷۳، رجال او: ۴۰۹). اکثریت روایات این مؤلف در کتابهای بعدی که فهرست آن ها در معجم خویی: ۲۹۲/۷، ۴۸۱ ـ ۴۸۳، ۴۱۶/۲۱ ـ ۴۱۷ و فهارس بحار: ۵۵۹/۸، ۳۷۷/۱۰ آمده از طریق همین راوی است. ابن طاوس در فلاح السائل: ۴۷۲ از این کتاب نقل کرده است (برای جزئیات بیشتر بنگرید: کتابخانه ابن طاوس: ۱۲۶).

۲۲۹ . زید نَرْسی

زید نرسی که گفته می شود از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) روایت کرده است.

رجال ابن غضائری: ۶۱ ـ ۶۲، نجاشی: ۱۷۴، فهرست طوسی: ۷۱، رجال او: ۲۰۶

«نَرْس»از توابع کوفه بود (معجم البلدان ۵: ۲۸۰).

کتاب / اصل

یک دفتر حدیث که توسط ابن ابی عمیر روایت شده است (رجال ابن غضائری: ۶۲، نجاشی: ۱۷۴، فهرست طوسی: ۷۱). محمد بن حسن بن احمد بن ولید قمی (م ۳۴۳)، محدث برجسته شیعی قرن چهارم، و به تبع او شاگردش شیخ صدوق (م ۳۸۱) معتقد بودند که این کتاب و کتاب دیگری منسوب به زید زراد (شماره ۲۳۱ در فصل حاضر) توسط راوی متأخرتری جعل شده است (رجال ابن غضائری: ۶۲، فهرست طوسی: ۷۱ به نقل از فهرست ابن بابویه [احتمالا مصابیح او که نجاشی: ۳۹۰ ـ ۳۹۱ از آن یاد کرده است]). این کتاب که مشتمل بر ۴۹ روایت است به روایت ابن ابی عمیر باقی مانده و در الاصول الستة عشر: ۴۳ ـ ۵۸ به چاپ رسیده است (برای

ص: ۴۷۸

جزئیات بیشتر بنگرید به مقاله کالبرگ در باب اصول اربعمائه: ۱۵۲ ـ ۱۵۴). برای ارزیابی مطالب این دفتر حدیث، بنگرید: قاموس الرجال: ۵۴۹/۴ ـ ۵۵۱.

۲۳۰ . زید شحام

ابواسامة زید بن یونس کوفی شحّام، از موالی ازد، که از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) روایت می کرد.

برقی: ۶۵، رجال کشی: ۳۳۷ (نیز بنگرید: ۲۱۰)، نجاشی: ۱۷۵، فهرست طوسی: ۷۱، رجال او: ۱۳۵، ۲۰۶

[۴۰۲] کتاب

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان، از جمله صفوان بن یحیی و ابوجمیله مفضّل بن صالح اسدی آن را روایت کرده اند (نجاشی: ۱۷۵، فهرست طوسی: ۷۱). روایات این مؤلف در آثار بعدی که اکثرا از طریق ابوجمیله و برخی از طریق صفوان و دیگران نقل شده، فراوان است. برای فهرست بیش از دویست روایت وی بنگرید: معجم خویی: ۳۶۶/۷ ـ ۳۶۸، ۴۸۹ ـ ۴۹۵، ۱۲/۲۱ ـ ۱۳، ۲۷۷ ـ ۲۷۸، فهارس بحار: ۱۳۷/۸ ـ ۱۳۸، ۵۷۰ ـ ۵۷۱، ۵۷۴.

۲۳۱ . زید زرّاد

زید زره ساز که گفته می شود کوفی و راوی از امام صادق (علیه السلام) بوده است.

رجال ابن غضائری: ۶۱ ـ ۶۲، نجاشی: ۱۷۴، فهرست طوسی: ۷۱، رجال او: ۲۰۶

کتاب / اصل

یک دفتر حدیث که ابن ابی عمیر آن را روایت کرده است (رجال ابن غضائری: ۶۲، نجاشی: ۶۴). همان طور که در مدخل شماره ۲۲۹ گذشت، این کتاب و کتاب منسوب به زید نرسی، از سوی برخی از علمای حدیث قرن چهارم، آثار مجعول بعدی دانسته شده است. این دفتر که مشتمل بر ۳۴ حدیث به روایت ابن ابی عمیر است در الاصول الستة عشر: ۲ ـ ۱۳ چاپ شده است (برای جزئیات بیشتر بنگرید: مقاله کالبرگ در باب اصول اربعمائه: ۱۵۰ ـ ۱۵۱، ۱۵۳ ـ ۱۵۴).

ص: ۴۷۹

۲۳۲ . زیاد قندی

ابوالفضل زیاد بن مروان انباری، قناد، از موالی بنی هاشم که در بغداد می زیست. وی به عنوان دستیار جراح بن ملیح رؤاسی (م ۱۷۶ ـ ۱۸۶) که مسؤول بیت المال در دوران هارون الرشید بود، کار می کرد. بعدها زیاد به اتهام حیف و میل اموال بیت المال زندانی شد. وی همچنین وکیل مالی امام کاظم (ع) در بغداد، و یکی از پایه گذاران جریان واقفه پس از رحلت آن امام بود.

[۴۰۳] برقی: ۱۱۹، رجال کشی: ۴۶۶ ـ ۴۶۷، ۴۹۳، نجاشی: ۱۷۱، فهرست طوسی: ۷۲، رجال او: ۲۰۸، ۳۳۷

در باره شغل وی در بیت المال و زندانی شدنش بنگرید: کافی: ۳۲۸/۳ (نیز بنگرید: همان: ۳۲۶/۵)، تاریخ بغداد: ۸۹/۱. برای نقش کلیدی وی در جریان واقفه، بنگرید: رجال کشی: ۴۶۶ ـ ۴۶۷، غیبت طوسی: ۶۳ ـ ۶۵، ۳۵۲.

کتاب

دفتر حدیث مؤلف که وسیله شماری از راویان، از جمله یعقوب بن یزید انباری و محمد بن عیسی بن عبید یقطینی روایت شده است (نجاشی: ۱۷۱، فهرست طوسی: ۷۲، رجال او: ۳۳۷. نیز مشیخه: ۴۶۶). بیشتر روایات این مؤلف که لیست آنها در معجم خویی: ۳۱۹/۷ ـ ۳۲۰، ۳۲۸ ـ ۳۲۹، ۴۸۴ ـ ۴۸۷ و فهارس بحار: ۵۶۴/۸ ـ ۵۶۵ آمده (نیز بنگرید: امالی ابوطالب: ۳۷۸ برای نمونه ای دیگر) از طریق دو راوی پیشگفته است. شیخ صدوق در من لایحضر: ۴۰۵/۱ به طور مستقیم از این اثر نقل می کند.

۲۳۳ . زُرْعه حَضْرمی

ابومحمد زرعة بن محمد حَضْرمی کوفی، راوی شیعی حدیث در نیمه دوم قرن دوم، که ملازم سماعة بن مهران، دانشمند سرشناس شیعی کوفه در آن زمان بود و پس از وی امامت جماعت مسجد حضارمه آن شهر را به عهده گرفت. وی پس از رحلت امام کاظم (ع) به واقفه پیوست و در زمان امام رضا (ع)، گویا پیش از پایان این قرن، وفات یافت.

برقی: ۱۱۸، رجال کشی: ۴۷۶ ـ ۴۷۷، نجاشی: ۱۷۶ (نیز بنگرید: ۱۹۳)، فهرست طوسی: ۷۵، رجال او: ۲۱۱، ۳۳۷، ۴۲۷. نیز بنگرید: تفسیر عیاشی: ۳۷۲/۱.

کتاب / اصل

دفتر حدیث مؤلف که شماری از راویان، از جمله حسن بن سعید اهوازی و حسن بن محمد حضرمی روایت کرده اند (نجاشی: ۱۷۶، فهرست طوسی: ۷۵. نیز بنگرید: مشیخه: ۴۲۷). اکثریّت بیش از دویست روایت این مؤلف در کتابهای بعدی که در معجم خویی: ۲۵۸/۷ ـ ۲۶۰، ۲۶۳ ـ ۲۶۴، ۴۷۴ ـ ۴۸۰ و فهارس: ۵۵۷/۸ لیست شده، از طریق همین دو راوی است.

[۴۰۴] ۲۳۴ . زُرارة بن اَعْین

ابوالحسن زرارة بن اعین بن سُنْسن کوفی، از موالی بنوشیبان. وی سرشناس ترین عضو خاندان رومی الاصل آل اعین، و برجسته ترین دانشمند شیعی طبقه خود می باشد. او قاری قرآن، فقیه، متکلم و شاعر بوده و از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) روایت می کرد. زراره در سال ۱۴۸ ـ ۱۴۹ در کوفه درگذشت.

برقی: ۵۷، ۶۳، ۱۱۵، ضعفاء عقیلی: ۹۶/۲ ـ ۹۷، الجرح و التعدیل: ۶۰۴/۳، کامل ابن عدی: ۱۰۹۵، رجال کشی: ۱۳۳ ـ ۱۶۱، ۱۷۰، ۱۸۵، ۲۱۰، ۲۳۸ ـ ۲۴۰، فهرست ابن ندیم: ۲۷۶، رسالة ابی غالب: ۱۳۳ ـ ۱۳۶، نجاشی: ۱۷۵، فهرست طوسی: ۷۴ ـ ۷۵، رجال او: ۱۳۶، ۲۱۰ ـ ۲۱۱، ۳۳۷، لسان المیزان: ۱۲۸/۳ ـ ۱۲۹. نیز بنگرید: المعرفة و التاریخ: ۶۷۱/۲ ـ ۶۷۲، کمال الدین: ۷۴ ـ ۷۶، جمهرة ابن حزم: ۵۳، الحور العین: ۱۶۴.

ابوغالب زراری، از اعقاب این خاندان، کتابی در باره آل اعین، خاندان سرشناس شیعی کوفه در قرن دوم نوشته که باقی مانده است. به گفته وی، این خانواده رومی الاصل، و پدر زراره فرزند یک راهب مسیحی بوده که به دست برده

فروشان افتاد و در سرزمین اسلامی به عنوان برده فروخته شد (رسالة ابی غالب: ۱۲۸ ـ ۱۲۹، تکمله آن از حسین بن عبیدالله: ۱۹۳. گرچه نقل دیگری در این منبع اخیر: ۱۹۱ پدر زراره را ایرانی الاصل می داند).

کشی در رجال: ۲۳۸ و دیگران، موقعیت زراره را به عنوان برجسته ترین فقیه شیعی زمان خود یادآور شده اند. برخی از آراء فقهی و استدلالهای وی، جز آنچه از امامان روایت کرده، در منابع نقل شده است (برای نمونه: تفسیر عیاشی: ۲۸۷/۱، کافی: ۴۵۱/۵، ۸۳/۷، ۱۰۰ ـ ۱۰۱، ۱۰۴). در باره آراء کلامی وی که بیشتر در منابع ملل و نحل نقل شده، اکنون بنگرید به مدخل مربوط به او در Theologie

ص: ۴۸۱

از جوزف فان اس: ۳۲۱/۱ ـ ۳۳۰. شعری مشتمل بر هفت بیت منسوب به وی به عنوان «رأس الشمطية» و در برخی از نسخ «تیمیه» (تعبیر اخیر نیز در رجال کشی: ۱۵۲، و برای معنی این دو تعبیر در این جمله بنگرید: قاموس الرجال: ۴۳۵/۴ ـ ۴۳۶) در کتاب الحیوان جاحظ: ۱۲۲/۷ ـ ۱۲۳ آمده است. فخر رازی در المحصل: ۳۶۵ چهار بیت دیگر از این شعر را نقل می کند.

خبری در رجال کشی: ۱۴۳ حکایت از آن دارد که زراره از مسموعات خود از امام صادق (ع) یادداشت بر می داشت. منابع سنی، دفتری از روایات از امام باقر (ع) به او منسوب می کنند (ضعفاء عقیلی: ۹۶/۲، و از آن جا در لسان المیزان: ۱۲۹/۳). برخی از روایات وی در کتابهای بعدی، به سبک متن های مکتوب است نه شفاهی (برای نمونه بنگرید: کافی: ۸۳/۷، ۱۰۰ ـ ۱۰۱). در فهرست طوسی: ۷۴ ـ ۷۵ آمده است که وی چند کتاب داشته، گرچه طوسی از میان آن آثار تنها کتاب الاستطاعة و الجبر را می شناخته است. نجاشی: ۱۷۵ این کتاب را خود دریافت نکرده اما نام آن را در گفته ای از شیخ صدوق یافته بود. به هر روی، با نزدیک به دو هزار روایت نقل شده توسط وی در مجامیع حدیثی شیعه، زراره یکی از پرکارترین راویان حدیث شیعی به شمار می آید. [۴۰۵] دو کتاب تازه انتشار یافته، تلاش کرده اند تا همه این روایات را گردآورده و به صورت موضوعی دسته بندی کنند:

مسند زرارة بن أعین، از بشیر محمدی مازندرانی، قم، ۱۴۱۳ (جمعا ۱۹۲۰ روایت)

ما رواه الحواریون، از کاظم جعفر مصباح، مجلدات ۴ ـ ۶ (قم، ۱۴۱۸ ـ ۱۴۲۱) (جمعا ۲۳۲۳ روایت).

ص: ۴۸۲

آداب الصحبة، ابوعبدالرحمن محمد بن الحسین النیسابوری السلمی (م ۴۱۲)، به کوشش M. J.Kister ، اورشلیم، ۱۹۵۴
الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی (م ۹۱۱)، به کوشش م. ا. ابراهیم، قاهره، ۱۹۶۷
اثبات الهداة، محمد بن الحسن المشغری - الحر العاملی (م ۱۱۰۴)، به کوشش هـ الرسولی، قم، ۱۳۷۸
الاثنی عشریة، محمد بن حسین بن قاسم العاملی العیناثی (زنده در ۱۰۶۸)، قم، ۱۴۰۶ (در تلخیص علی المشکینی الاردبیلی با نام المواعظ العددیه)
الاجازات لکشف طرق المفازات، رضی الدین علی بن موسی ابن طاوس الحسنی الحلی (م ۶۶۴)، مقدمه آن چاپ شده در بحار: ۳۷/۱۰۷ ـ ۴۴
اجوبة المسائل المهنائیة، علاّمه جمال الدین حسن بن یوسف بن المطهر الحلی (م ۷۲۶)، قم، ۱۴۰۱
الاحادیث الطوال، ابوالقاسم سلیمان بن احمد بن ایوب الطبرانی (م ۳۶۰)، به کوشش م. ع. عطاء، بیروت، ۱۹۹۲
الاحتجاج علی اهل اللجاج، ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی (اوائل قرن ششم)، به کوشش ا. البهادری (و) م. هادی به، قم، ۱۴۱۳
احکام اهل الذمة، محمد بن ابی بکر بن ایوب البردعی الدمشقی معروف به ابن قیم الجوزیّه (م ۷۵۱)، به کوشش صبحی الصالح، دمشق، ۱۹۶۱
احوال الرجال، ابراهیم بن یعقوب جوزجانی (م ۲۵۹)، به کوشش ص. ب. السامرائی، بیروت، ۱۹۸۵
اخبار الحسن بن علی بن ابی طالب (ع)، ابوالقاسم سلیمان بن احمد بن ایوب الطبرانی (م ۳۶۰)، به کوشش م. ش. ضیف الله، کویت، ۱۹۹۲
اخبار الحسین بن علی الفخّی من کتاب المصابیح، ابوالعباس الحسنی (م ۳۵۲)، به کوشش م. جرّار، بیروت، ۱۹۹۵ (همراه اخبار فخ احمد بن سهل رازی: ۲۷۵ ـ ۳۲۸)
اخبار الراضی بالله و المتقی بالله من کتاب الاوراق، محمد بن یحیی ابوبکر الصولی (م ۳۳۵)، به کوشش J. H. Dunne، قاهره، ۱۹۳۵
اخبار القضاة، محمد بن خلف بن حیان الضبی الوکیع (م ۳۰۶)، به کوشش ع. م. المراغی، قاهره،

ص: ۴۸۳

۱۹۴۷
الاخبار الموفقیات، زبیر بن بکار القرشی المکی (م ۲۵۶)، به کوشش س. م. العانی، بغداد، ۱۹۷۲
اخبار شعراء الشیعة، ابوعبدالله محمد بن عمران الخراسانی المرزبانی (م ۳۸۴)، به کوشش م. هـ الامینی، بیروت، ۱۹۹۳
اخبار فخ، احمد بن سهل الرازی (اوائل قرن چهارم)، به کوشش م. جرّار، بیروت، ۱۹۹۵
اخبار مکة، ابوالولید محمد بن عبدالله الارزقی (میانه قرن سوم)، به کوشش ر. ص. ملحس، مادرید، (بی تا)

اخبار مکة، محمد بن اسحاق بن العباس المکی الفاکهی (زنده در ۲۷۲)، به کوشش ع. ع. دهیش، بیروت، ۱۹۹۴
الاختصاص، منسوب به شیخ مفید (م ۴۱۳)، به تصحیح ع. ا. الغفاری، تهران، ۱۳۷۹
الاخوان، عبدالله بن محمد بن عبید القرشی البغدادی ابن ابی الدنیا (م ۲۸۱) به کوشش م. ع. عطاء، بیروت، ۱۹۸۸
ادب الاملاء و الاستملاء، ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن المنصور التمیمی المروزی السمعانی (م ۵۶۲)، به کوشش ش. م. زیعور، بیروت، ۱۹۸۴
الادب المفرد، محمد بن اسماعیل الجعفی البخاری (م ۲۵۶)، به کوشش ک. ی. الحوت، بیروت، ۱۹۸۴
الاذان بحیّ علی خیر العمل، ابوعبدالله الشجری (م ۴۴۵)، به کوشش ی. ع. الفضیل، (بی جا)، ۱۳۹۹
الاربعون البلدانیة، علی بن الحسن بن هبة الله معروف به ابن عساکر (م ۵۷۳)، به کوشش م. م. الحافظ، دمشق، ۱۹۹۲
اربعون حدیثا فی فضائل امیرالمؤمنین (ع)، محمد بن مسلم الرازی معروف به ابن ابی الفوارس (زنده در ۵۸۶)، به کوشش ر. قبادلو، قم، ۱۳۷۹ ش (در میراث حدیث شیعه: ۶۳/۵ ـ ۱۶۳)
الاربعین، شمس الدین محمد بن مکی العاملی معروف به شهید اول (م ۷۸۶)، قم، ۱۴۰۷
الاربعین عن الاربعین فی فضائل علی امیر المؤمنین (ع)، عبدالرحمن بن احمد بن حسین النیسابوری المفید الخزاعی (قرن پنجم)، به کوشش م. ب. المحمودی، تهران، ۱۴۱۶
ارشاد الاریب (معجم الادباء)، ابوعبدالله یاقوت بن عبدالله الحموی (م ۶۲۶)، به کوشش ا. عباس، بیروت، ۱۹۹۳
ارشاد القلوب، حسن بن ابی الحسن محمد الدیلمی (قرن هشتم)، به کوشش هـ میلانی، تهران و قم، ۱۴۱۷
الارشاد الی معرفة حجج الله علی العباد، شیخ مفید (م ۴۱۳)، بیروت، ۱۹۹۵
ازبک = مسند علی بن ابی طالب (ع)، یوسف الازبک، به تصحح ع. ر. علی رضا، دمشق و بیروت، ۱۹۹۵
اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمد بن متویه النیسابوری الواحدی (م ۴۶۸)، به کوشش س. ا.

ص: ۴۸۴

صقر، قاهره، ۱۹۶۹
الاستبصار فی اختلف من الاخبار، محمد بن الحسن الطوسی (م ۴۶۰)، به کوشش ح. م. خرسان، نجف، ۱۳۷۵
الاستیعاب، ابوعمر یوسف بن عبدالله القرطبی (م ۴۶۳)، به کوشش ع. م. البجاوی، قاهره، ۱۹۶۰
اسد الغابة، عزالدین علی بن محمد الجزری معروف به ابن الاثیر (م ۶۳۰)، قاهره، ۱۲۸۵
اسنی المطالب، شمس الدین محمد بن محمد بن علی الدمشقی معروف به ابن الجزری (م ۸۳۳)، به کوشش م. ب. المحمودی، بیروت، ۱۹۸۳
الاشتقاق، محمد بن الحسن بن درید الازدی (م ۳۲۱)، به کوشش ف. وُستنفلد، گوتینگن، ۱۸۵۴
الاشعثیات، محمد بن محمد بن الاشعث الکوفی (میانه قرن چهارم)، تهران، (بی تا) (همراه قرب الاسناد عبدالله بن جعفر حمیری)
الاصابة فی معرفة الصحابة، ابن حجر - شهاب الدین احمد بن علی العسقلانی (م ۸۵۲)، به کوشش ع. م. البجاوی، قاهره، ۱۹۷۰
اصل ابی سعید عباد بن یعقوب رواجنی کوفی عُصْفری (م ۲۵۰)، تهران، ۱۳۷۱ (در مجموعه الاصول الستة عشر: ۱۴ ـ ۱۹)

اصل زید الزرّاد(اواسط قرن دوم؟)، تهران، ۱۳۷۱ (در الاصول الستة عشر: ۱ ـ ۱۳)
اصل زید النرسی (اواخر قرن دوم؟)، تهران، ۱۳۷۱ (در الاصول الستة عشر: ۴۲ ـ ۵۸)
اصل، عاصم بن حمید الحناط (اواخر قرن دوم)، تهران، ۱۳۷۱ (در الاصول الستة عشر: ۲۰ ـ ۴۱)
اصلاح المال، عبدالله بن محمد بن عبید القرشی البغدادی ابن ابی الدنیا (م ۲۸۱)، به کوشش. م. مفلح القضاة، المنصورة، ۱۹۹۰
اصول الدین، عبدالقاهر البغدادی (م ۴۲۹)، بیروت، ۱۹۸۱
اعراب القرآن، ابوجعفر احمد بن محمد بن اسماعیل المرادی المصری معروف به النحاس (م ۳۳۸)، به کوشش ز. غ. زاهد، بیروت، ۱۹۸۵
اعراب القراءات السبع، حسین بن احمد الهمدانی النحوی معروف به ابن خالویه (م ۳۷۰)، به کوشش ع. س. العثیمین، قاهره، ۱۹۹۲
الاعلاق النفیسه، ابوعلی احمد بن عمر الاصبهانی معروف به ابن رسته (زنده در ۲۹۰)، به کوشش M.J. De Goeje ، لیدن، ۱۸۹۲ (همراه کتاب البلدان یعقوبی)
اعلام الدین، حسن بن ابی الحسن محمد الدیلمی (قرن هشتم)، بیروت، ۱۹۸۸
اعلام الوری، ابوعلی فضل بن الحسن امین الاسلام الطبرسی (م ۵۴۸)، به کوشش ع. ا. الغفاری، تهران، ۱۳۷۹
الاعلام، خیرالدین زرکلی (م ۱۳۹۶)، بیروت، ۱۹۸۹
الاغانی، ابوالفرج علی بن الحسین الاصبهانی (م ۳۵۶)، قاهره، ۱۹۲۷
الافادة فی تاریخ الائمة السادة، ابوطالب یحیی بن الحسین الهارونی (م ۴۲۴)، به کوشش م. ی. عزان،

ص: ۴۸۵

صنعاء، ۱۹۹۶
افتتاح الدعوة، ابوحنیفه نعمان بن محمد التمیمی المغربی (م ۳۶۳)، به کوشش و. القاضی، ۱۹۷۰
الاقبال، رضی الدین علی بن موسی ابن طاوس الحسنی الحلی (م ۶۶۴)، به کوشش ج. ق. الاصفهانی، قم، ۱۹۹۳
الاقناع فی القراءات السبع، ابوجعفر احمد بن علی بن خلف الغرناطی معروف به ابن البازش (م ۵۴۰)، به کوشش ع. قَطامِش، دمشق، ۱۴۰۲
الاکمال، ابو نصر علی بن هبة الله العجلی العکبری معروف به ابن ماکولا (م ۴۷۵)، حیدرآباد، ۱۹۶۲
الام، ابوعبدالله محمد بن ادریس المطلبی الشافعی (م ۲۰۴)، قاهره، ۱۳۲۱
الامالی، ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی شیخ الطائفه (م ۴۶۰)، قم، ۱۹۹۳
الامالی، ابوعبدالله حسین بن اسماعیل الضبّی المحاملی (م ۳۳۰)، به کوشش ا. ا. القیسی، دمام و عمان، ۱۹۹۱
الامالی، ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان العکبری البغدادی معروف به ابن المعلم و شیخ مفید (م ۴۱۳)، به کوشش ع. ا. الغفاری (و) ح. استاد ولی، قم، ۱۴۰۳
الامالی، ابوعلی اسماعیل بن القاسم البغدادی القالی (م ۳۵۶)، قاهره، ۱۹۲۶
امالی ابی طالب = تیسیر المطالب من امالی الامام ابی طالب، ابوطالب یحیی بن الحسین الهارونی (م ۴۲۴)، با تدوین مجدد از جعفر بن احمد بن عبدالسلام البهلولی (م ۵۷۶)، به کوشش ی. ع. فضیل، بیروت، ۱۹۷۵

امالی احمد بن عیسی = کتاب العلوم، محمد بن منصور المرادی الکوفی (زنده در ۲۹۰)، (بی جا)، (بی تا).
الامالی الصغری، المؤید بالله احمد بن الحسین الهارونی (م ۴۱۱)، به کوشش ع. ع. الوجیه، صعده، ۱۹۹۳
امالی الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه القمی الصدوق (م ۳۸۱)، قم، ۱۴۱۷
الامامة و التبصرة من الحیرة، علی بن بابویه القمی (م ۳۲۹)، به کوشش م. ر. الحسینی، بیروت، ۱۹۸۷
الاموال، حمید بن مخلد بن قتیبه الازدی النسائی معروف به ابن زنجویه (م ۲۵۱)، به کوشش س. د. فیاض، ریاض، ۱۹۸۶
الانتصار، ابوالحسین عبدالرحیم بن محمد بن عثمان البغدادی معروف به خیاط (اواخر قرن سوم)، به کوشش H. S. Nyberg، قاهره، ۱۹۲۷
الانساب، ابوسعید عبدالکریم بن محمد المنصور التمیمی المروزی السمعانی (م ۵۶۲)، حیدرآباد، ۱۹۶۲
انساب الاشراف، احمد بن محمد بن یحیی بن جابر البلاذری (م ۲۷۹)، به کوشش م. ف. العظم، دمشق، ۱۹۹۶
انقاذ البشر من الجبر و القدر، ابوالقاسم علی بن الحسین الموسوی علم الهدی الشریف المرتضی (م

ص: ۴۸۶

۴۳۶)، قم، ۱۴۰۵ (در رسائل الشریف المرتضی: ۱۷۵/۲ ـ ۲۴۷، به کوشش ا. الحسینی)
اوراد الاحباب، ابوالمفاخر یحیی بن احمد الباخرزی (م ۷۳۶)، به کوشش ا. افشار، تهران، ۱۹۶۶
اهل البیت فی المکتبة العربیة، عبدالعزیز الطباطبائی (م ۱۴۱۶)، قم، ۱۴۱۷
الاهوال، عبدالله بن محمد بن عبید القرشی البغدادی ابن ابی الدنیا (م ۲۸۱)، به کوشش م. ف. السید، قاهره، ۱۹۹۳
الایضاح، ابوحنیفه نعمان بن محمد التمیمی المغربی (م ۳۶۳)، به کوشش م. ک. رحمتی، قم – ۱۳۸۲ ش (در میراث حدیث شیعه ۱۱: ۶۴ – ۲۱۸)
بحار الانوار، محمد باقر المجلسی (م ۱۱۱۰)، تهران، ۱۳۷۶
بحر الفوائد، ابوبکر محمد بن ابراهیم بن یعقوب البخاری الکلاباذی (م ۳۸۴)، به کوشش م. ح. اسماعیل و ا. م. المزیدی، بیروت، ۱۹۹۹
البخلاء، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت البغدادی معروف به خطیب (م ۴۶۳)، به کوشش ا. مطلوب و دیگران، بغداد، ۱۹۶۴
البدایة و النهایة، ابوالفداء اسماعیل بن عمر القرشی الدمشقی معروف به ابن کثیر (م ۷۷۴)، قاهره، ۱۳۵۱
البدیع = مختصر فی شواذ القراءات من کتاب البدیع، حسین بن احمد الهمذانی النحوی معروف به ابن خالویه (م ۳۷۰)، به کوشش G. Bergstrasser، قاهره، ۱۹۳۴
البدء و التاریخ، مطهر بن طاهر المقدسی (زنده در ۳۵۵)، به کوشش C. Huart، پاریس، ۱۸۹۹
برقی = رجال البرقی (منسوب)، به کوشش ج. ق. الاصفهانی، قم و تهران، ۱۴۱۹
بشارة المصطفی، محمد بن ابی القاسم الطبری (قرن ششم)، نجف، ۱۹۶۳
بصائر الدرجات، ابوجعفر محمد بن الحسن بن فرّخ القمی الصفار (م ۲۹۰)، به کوشش م. کوچه باغی، تبریز، ۱۳۸۱
البصائر و الذخائر، ابوحیان التوحیدی (م ۴۱۴)، به کوشش و. القاضی، بیروت، ۱۹۸۸
بغیة الطلب فی تاریخ حلب، کمال الدین عمر بن احمد بن هبة الله العقیلی معروف به ابن العدیم (م ۶۶۰)، به کوشش س. زکار، دمشق، ۱۹۸۹
بغیة الوعاة، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی (م ۹۱۱)، به کوشش م. ا. ابراهیم، قاهره، ۱۹۶۴

بلاغات النساء، احمد بن محمد ابی طاهر طیفور الخراسانی معروف به ابن طیفور (م ۲۸۰)، بیروت، ۱۹۷۲
البلدان، احمد بن محمّد بن اسحاق بن جعفر بن وهب البغدادی - ابن ابی واضح الیعقوبی (زنده در ۲۹۲)، لیدن، ۱۸۸۵
البیان و التبیین، ابوعثمان عمرو بن بحر البصری معروف به جاحظ (م ۲۵۵)، به کوشش ع. م. هارون، ۱۹۴۸

ص: ۴۸۷

تاج العروس، محمد مرتضی بن محمد الحسینی الزبیدی (م ۱۲۰۵)، قاهره، ۱۳۰۶
تاریخ ابوزرعة الدمشقی (م ۲۸۱)، به کوشش ش. ن. قوجانی، دمشق، (بی تا)
تاریخ اسماء الثقات ممن نقل عنهم العلم، عمر بن احمد البغدادی معروف به ابن شاهین (م ۳۸۵) به کوشش ع. ا. قلعجی، بیروت، ۱۹۸۶
تاریخ الائمه، ابوبکر محمد بن احمد الخطیب البغدادی معروف به ابن ابی الثلج (م ۳۲۵)، به کوشش م. ر. الحسینی، قم، ۱۴۱۰ (تحت عنوان تاریخ اهل البیت نقلا عن الائمة)
تاریخ الاسلام، محمد بن احمد بن عثمان الدمشقی الذهبی (م ۷۴۸)، به کوشش ع. ع. التدمری، بیروت، ۱۹۸۷
التاریخ الاوسط، محمد بن اسماعیل الجعفی البخاری (م ۲۵۶)، به کوشش م. ا. اللُحیدان، ریاض، ۱۹۹۸
تاریخ الثقات، ابوالحسن احمد بن عبدالله بن صالح الکوفی العجلی (م ۲۶۱)، به کوشش ع. قلعجی، بیروت، ۱۹۸۴
تاریخ الطبری، ابوجعفر محمد بن جریر الطبری (م ۳۱۰)، به کوشش م. ا. ابراهیم، قاهره، ۱۹۶۰
التاریخ الکبیر، محمد بن اسماعیل الجعفی البخاری (م ۲۵۶)، بیروت، (بی تا) (افست چاپ حیدرآباد، ۱۳۶۰)
تاریخ المدینة المنورة، ابوزید عمر بن شبة النمیری البصری (م ۲۶۲)، به کوشش ف. م. شلتوت، بیروت، ۱۹۹۰
تاریخ بغداد، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت البغدادی معروف به خطیب (م ۴۶۳)، قاهره، ۱۹۳۱
تاریخ بیهق، ابوالحسن علی بن زید البیهقی معروف به ابن فندق (م ۵۶۵)، به کوشش ا. بهمنیار، تهران، ۱۳۱۷ ش
تاریخ جرجان، ابوالقاسم حمزة بن یوسف الجرجانی (م ۴۲۷)، حیدرآباد، ۱۹۵۰
تاریخ جهانگشا، بهاءالدین محمد بن علاءالدین محمد عطاملک الجوینی (م ۶۸۱)، به کوشش م. قزوینی، لیدن، ۱۹۱۲
تاریخ، خلیفة بن خیاط العصفری البصری (م ۲۴۰)، به کوشش ا. ض. العمری، بغداد، ۱۹۶۷
تاریخ دمشق = تاریخ مدینة دمشق، علی بن الحسن بن هبة الله معروف به ابن عساکر (م ۵۷۳)، به کوشش ع. شیری، دمشق، ۱۹۹۵
تاریخ عثمان بن سعید الدارمی عن یحیی بن معین، ابوسعید عثمان بن سعید بن خالد السجستانی الدارمی (م ۲۸۰)، به کوشش ا. م. نورسیف، دمشق و بیروت، ۱۴۰۰
تاریخ قم، حسن بن محمد القمی (زنده در ۳۷۹)، ترجمه فارسی از: حسن بن علی بن عبدالملک القمی در ۸۰۵ ـ ۸۰۶، به کوشش ج. طهرانی، تهران، ۱۳۱۳ ش
تاریخ نیسابور المنتخب من السیاق، ابراهیم بن محمد بن الازهر الصریفینی (م ۶۴۱)، به کوشش م. ک. المحمودی، قم، ۱۴۰۳

ص: ۴۸۸

تاریخ واسط، ابوالحسن اسلم بن سهل الواسطی البهشل (م ۲۹۲)، به کوشش ک. عواد، بغداد، ۱۹۶۷
التاریخ، یحیی بن معین السرخسی الانباری (م ۲۳۳)، به روایت عباس بن محمد الدوری البغدادی (م ۲۷۱) از مؤلف، به کوشش ا. م. نورسیف، مکه، ۱۹۷۹ (با عنوان یحیی بن معین و کتابه التاریخ)
تاریخ یعقوبی، احمد بن محمد بن اسحاق بن جعفر بن وهب البغدادی – ابن ابی‌واضح الیعقوبی (زنده در ۲۹۲)، بیروت، ۱۹۶۰
تأسیس الشیعة لفنون الاسلام، حسن بن هادی العاملی الکاظمی الصدر (م ۱۳۵۴)، بغداد، (بی تا)
تأویل الایات الظاهرة، شرف الدین الحسینی الاسترآبادی (قرن دهم)، قم، ۱۴۰۷
تأویل ما نزل من القرآن الکریم فی النبی و آله، محمد بن العباس بن مهیار البزاز معروف به ابن جحام (زنده در ۳۲۸)، به کوشش ف. ت. الحسون، قم، ۱۴۲۰
تبصرة الادلة، ابوالمعین میمون بن محمد النسفی (م ۵۰۸)، به کوشش C. Salama، دمشق، ۱۹۹۰
التبصرة فی القراءات، ابومحمد مکی بن ابی طالب القیسی (م ۴۳۷)، به کوشش م. رمضان، کویت، ۱۹۸۵
تبصیر المنتبه ، ابن حجر ـ شهاب الدین احمد بن علی العسقلانی (م ۸۵۲)، به کوشش ع. م. البجاوی (و) م. ع. النجار، قاهره، ۱۹۶۴
التتمة فی تواریخ الائمة، تاج الدین الحسینی العاملی (زنده در ۱۰۱۸)، قم، ۱۴۱۲
تثبیت دلائل النبوة، عبدالجبار بن احمد الاسدآبادی الهمذانی (م ۱۴۱۵)، به کوشش ع. عثمان، بیروت، ۱۹۶۶ م.
تجرید اسانید الکافی، حسین بن علی طباطبایی بروجردی، به کوشش مهدی الصادقی، قم، ۱۴۰۹
التحصین، رضی الدین علی بن موسی ابن طاوس الحسنی الحلی (م ۶۶۴)، بیروت، ۱۹۸۹ (همراه الیقین)
تحف العقول، ابومحمد حسن بن علی الحرانی معروف به ابن شعبه (میانه قرن چهارم)، به کوشش ع. ا. الغفاری، تهران، ۱۳۷۶
تدوین السنة الشریفة، السید محمد رضا الحسینی الجلالی، قم، ۱۴۱۳
التدوین فی ذکر اخبار قزوین، ابوالقاسم عبدالکریم بن محمد الرافعی القزوینی (م ۶۲۳)، به کوشش ع. عطاردی، بیروت، ۱۹۸۷
تذکرة الحفاظ، محمد بن احمد بن عثمان الدمشقی الذهبی (م ۷۴۸)، حیدرآباد، ۱۹۵۵
التذکرة الحمدونیة، بهاءالدین محمد بن الحسن البغدادی معروف به ابن حمدون (م ۵۶۲)، به کوشش ا. (و) ب. عباس، بیروت، ۱۹۹۶
تذکرة الخواص، یوسف بن قِزُغلی البغدادی معروف به سبط بن جوزی (م ۶۵۴)، نجف، ۱۳۸۳
تذکرة المشایخ، احمد بن محمد البیابانکی علاءالدوله سمنانی (م ۷۳۶)، تهران، ۱۹۷۱ (در مجموعه سخنرانی ها ومقاله ها در باره فلسفه و عرفان اسلامی: ۵۲ ـ ۱۶۰، به کوشش م. ت. دانش پژوه و H.Landolt)

التذکرة فی القراءات، ابوالحسن طاهر بن عبدالمنعم الحلبی معروف به ابن غلبون (م ۳۹۹)، به کوشش ع. ب. ابراهیم، قاهره، ۱۹۹۰

الترغیب فی فضائل الاعمال،، عمر بن احمد البغدادی معروف به ابن شاهین (م ۳۸۵)، به کوشش ص. ا. م. الوعیل، دمام، ۱۹۹۵

ترکة النبی و السبل التی وجهها فیها، حماد بن اسحاق بن اسماعیل البغدادی (م ۲۶۷)، به کوشش ا. ض. العمری، (بی جا)، ۱۹۸۴

التسمیات طلیعة المؤلفات فی الحضارة الاسلامیة، السید محمدرضا الحسینی الجلالی، قم، ۱۴۰۹ (در مجله تراثنا: ۱۱/۱۵ ـ ۷۵

تسمیة من روی عن الامام زبد من التابعین، ابو عبداللّه محمّد بن علی شجری کوفی (م ۴۴۵)، به کوشش صالح عبداللّه قربان، صنعاء، ۲۰۰۳

تسمیة من شهد مع علی حروبه، عبیدالله بن ابی رافع المدنی (میانه قرن اول)، قم، ۱۴۰۹ (در شرح الاخبار قاضی نعمان: ۱۶/۲ ـ ۳۶)

التسهیل، محمد بن احمد الکلبی الغرناطی معروف به ابن جُزَی (م ۷۴۱)، قاهره، ۱۳۵۵

تصحیح الاعتقاد، ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان العکبری البغدادی معروف به ابن المعلم و شیخ مفید (م ۴۱۳)، به کوشش ح. درگاهی، قم، ۱۴۱۳

التعازی و المراثی، ابوالعباس محمد بن یزید الازدی البصری معروف به مبرد (م ۲۸۶)، به کوشش م. الدیباجی، دمشق، ۱۹۷۶

تفسیر ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر القرشی الدمشقی معروف به ابن کثیر (م ۷۷۴)، بیروت، ۱۹۶۶

تفسیر العیاشی، ابوالنضر محمد بن مسعود السلمی السمرقندی (اوائل قرن چهارم)، به کوشش ح. الرسولی، قم، ۱۳۸۰

تفسیر القرآن العظیم، عبدالرحمن بن عمر الحنظلی الرازی ابن ابی حاتم (م ۳۲۷)، به کوشش ا. م. الطیب، مکه و ریاض، ۱۹۹۹

تفسیر القرآن، عبدالرزاق بن همام الصنعانی (م ۲۱۱)، به کوشش م. م. عبده، بیروت، ۱۹۹۲

تفسیر القمی، علی بن ابراهیم بن هاشم القمی (زنده در ۳۰۷) (منسوب)، به کوشش ط. م. الجزائری، نجف، ۱۳۸۶

تفسیر النعمانی، ابوعبدالله محمد بن ابراهیم الکاتب النعمانی معروف به ابن ابی زینب (میانه قرن چهارم)، تهران، ۱۳۸۷ (در بحار: ۳/۹۳ ـ ۹۷)

تفسیر طبری = جامع البیان، ابوجعفر محمد بن جریر الطبری (م ۳۱۰)، قاهره، ۱۹۵۴

تفسیر فرات، فرات بن ابراهیم الکوفی (اوائل قرن چهارم)، به کوشش م. الکاظم، تهران، ۱۹۹۰

تقریب التهذیب، ابن حجر – شهاب الدین احمد بن علی العسقلانی (م ۸۵۲)، به کوشش م.ع. عطاء، بیروت، ۱۹۹۳

تقیید العلم، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت البغدادی معروف به خطیب (م ۴۶۳)، به کوشش ی. العشّ، دمشق، ۱۹۴۹

تکملة رسالة ابی غالب، حسین بن عبدالله الواسطی البغدادی الغضائری (م ۴۱۱)، به کوشش م. ر. الحسینی، قم، ۱۴۱۱ (همراه رسالة ابی غالب الزراری: ۱۸۵ ـ ۱۹۴)
تلخیص الشافی، ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی شیخ الطائفه (م ۴۶۰)، به کوشش ح. آل بحرالعلوم، نجف، ۱۹۶۳
تلخیص المتشابه، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت البغدادی معروف به خطیب (م ۴۶۳)، به کوشش م. ح. آل سلمان، (و) ا. الشقیرات، ریاض، ۱۹۹۷
التلخیص فی القراءات الثمان، عبدالکریم طبری (م ۴۷۸)، به کوشش م. ح. موسی، جده، ۱۹۹۲
التمحیص، ابوعلی محمد بن همام ابن سهیل الاسکافی الکاتب (م ۳۳۶)، قم، ۱۴۰۴ (همراه کتاب المؤمن حسین بن سعید)
التمهید، ابوعمر یوسف بن عبدالله القرطبی (م ۴۶۳)، به کوشش ع. الصدیق، رباط، ۱۹۶۷
تنبیه الخواطر = مجموعة ورام، ابوالحسین ورام بن ابی فراس الحمدانی الحلی (م ۶۰۶)، تهران، ۱۳۷۶
التنبیه و الاشراف، ابوالحسن علی بن الحسین الهذلی البغدادی معروف به مسعودی (م ۳۴۶)، به کوشش ع. ا. الصاوی، بغداد، ۱۹۳۸
تنقیح اسانید التهذیب، حسین بن علی طباطبائی بروجردی (م ۱۳۸۰)، به کوشش مهدی الصادقی، قم، ۱۴۱۱
التواضع و الخمول، عبدالله بن محمد بن عبید القرشی البغدادی ابن ابی الدنیا (م ۲۸۱)، به کوشش ل. م. الصغیر (و) ن. ع. الخلف، قاهره، بی تا
التوحید، ابو جعفر محمّد بن علی بن بابویه القمی الصدوق (م ۳۸۱)، به کشش هـ ح. الطهرانی، تهران، ۱۳۸۷
توضیح المشتبه، محمد بن عبدالله القیسی الدمشقی معروف به ابن ناصرالدین (م ۸۴۲)، به کوشش م. ن. الارقسوسی، بیروت، ۱۹۹۳
التهجد و قیام اللیل، عبدالله بن محمد بن عبید القرشی البغدادی ابن ابی الدنیا (م ۲۸۱)، به کوشش م. ج. ف. الحارثی، ریاض، ۱۹۰۸
تهذیب الاثار، ابوجعفر محمد بن جریر الطبری (م ۳۱۰)، به کوشش م. م. شاکر، قاهره، ۱۹۸۲
تهذیب الاحکام، شیخ طوسی (م ۳۶۰)، به کوشش ح. م. الخرسان، نجف، ۱۹۵۸
تهذیب الانساب، ابوالحسن محمد بن محمد الحسینی البغدادی العبیدلی شیخ الشرف (م ۴۳۷)، به کوشش م. ک. المحمودی، قم، ۱۴۱۳
تهذیب التهذیب، ابن حجر، شهاب الدین احمد بن علی العسقلانی (م ۸۵۲)، حیدرآباد، ۱۳۲۵
تهذیب الکمال، جمال الدین یوسف بن عبدالرحمن المزی (م ۷۴۲)، به کوشش ب. ع. معروف،

بیروت، ۱۹۸۵
التیجان فی ملوک حمیر، ابومحمد عبدالملک بن هشام الحمیری (م ۲۱۸)، حیدرآباد، ۱۳۴۷
الثقات، ابن حبان – ابوحاتم محمد بن حبان البستی (م ۳۵۴)، حیدرآباد، ۱۹۷۳
ثواب الاعمال، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه القمی الصدوق (م ۳۸۱)، به کوشش ع. ا. الغفاری، تهران، ۱۳۹۱
جامع الاخبار، محمد بن محمد السبزواری (زنده در ۶۷۹)، به کوشش ع. آل جعفر، قم، ۱۴۱۴

جامع الاسرار، رکن الدین حیدر بن علی الحسینی العاملی (اواخر قرن هشتم)، به کوشش هانری کربن (و) عثمان یحیی، تهران، ۱۹۶۹
جامع المسانید، ابوالفداء اسماعیل بن عمر القرشی الدمشقی معروف به ابن کثیر (م ۷۷۴)، به کوشش ع. ا. قلعجی، بیروت، ۱۹۹۴
جامع بزنطی = الاحادیث المنتزعة من جامع البزنطی، احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی (م ۲۲۱)، قطعه ای در مستطرفات ابن ادریس (قم، ۱۹۸۷): ۵۳ ـ ۶۴
جامع بیان العلم و فضله، ابوعمر یوسف بن عبدالله القرطبی (م ۴۶۳)، به کوشش ا. ا. الزهیری، دمام و غیره، ۱۹۹۴
الجامع لاخلاق الراوی و آداب السامع، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت البغدادی معروف به خطیب (م ۴۶۳)، به کوشش م. الطحان، ریاض، ۱۹۸۳
الجامع للشرائع، یحیی بن سعید الهذلی الحلی (م ۶۸۹)، قم، ۱۴۰۵
الجرح و التعدیل، عبدالرحمن بن عمر الحنظلی الرازی ابن ابی حاتم (م ۳۲۷)، بیروت، (بی تا) (افست از چاپ حیدرآباد، ۱۹۵۲)
جزء علی بن محمد الحمیری (م ۳۲۳)، به کوشش ع. س. البُعَیمی، ریاض، ۱۹۹۸
جزء فیه ما انتقی ابن مردویه علی الطبرانی من حدیثه لاهل البصرة، ابوبکر احمد بن موسی الاصبهانی معروف به ابن مردویه (م ۴۱۰)، به کوشش ب. البدر، ریاض، ۲۰۰۰
جزء فیه من حدیث لُوِیْن، ابوجعفر محمد بن سلیمان بن حبیب المصیصی معروف به لُوِیْن (م ۲۴۵)، به کوشش غ. ع. غُنِیم، ریاض، ۱۹۹۸
جلاء الابصار، ابوسعد محسّن بن محمد بن کرامة البیهقی الحاکم الجِشُمی (م ۴۹۴)، به تصحیح W.Madelung، بیروت، ۱۹۸۷ (در اخبار ائمة الزیدیة مصحح: ۱۱۹ ـ ۱۳۳)
جلیس الصالح الکافی، معافی بن زکریا الجریری النهروانی (م ۳۹۰)، بیروت، (بی تا)
جمال الاسبوع، رضی الدین علی بن موسی ابن طاوس الحسنی الحلی (م ۶۶۴) به کوشش ج. القیومی، تهران، ۱۳۷۱ ش
الجمل، ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان العکبری البغدادی معروف به ابن المعلم و شیخ مفید (م ۴۱۳)، به کوشش ع. میرشریفی، قم، ۱۴۱۲
جمهرة انساب العرب، ابومحمد علی بن احمد بن سعید القرطبی معروف به ابن حزم (م ۴۵۶)، به

ص: ۴۹۲

کوشش E. Levi-Provencal، قاهره، ۱۹۴۸
جمهرة النسب، ابوالمنذر هشام بن محمد بن السائب (م ۲۰۴)، به کوشش ن. الحسن، بیروت، ۱۹۸۶
جمهرة نسب قریش، زبیر بن بکار القرشی المکی (م ۲۵۶)، به کوشش م. م. شاکر، قاهره، ۱۳۸۱
جُنگ مهدوی (کتابت در سال ۷۵۳ ـ ۷۵۴)، چاپ عکسی، تهران، ۱۳۸۰ ش
جواباب مسائل اهل الموصل فی العدد و الرؤیة، ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان العکبری البغدادی معروف به ابن المعلم و شیخ مفید (م ۴۱۳)، به کوشش م. م. نجف، قم، ۱۴۱۳

جوابات المسائل الرسية الاولى، ابوالقاسم على بن الحسين الموسوى علم الهدى الشريف المرتضى (م ۴۳۶)، قم، ۱۴۰۵ (در رسائل الشريف المرتضى: ۳۱۳/۲ ـ ۳۷۹، به كوشش ا. الحسينى)
جوابات المسائل الميّافارقيّات، شريف مرتضى (م ۴۳۶)، قم، ۱۴۰۵ (در همان رسائل الشريف المرتضى: ۲۶۹/۱ – ۳۰۶)
جواهر الكلام، محمد حسن بن محمدباقر النجفى (م ۱۲۶۶)، به كوشش ع. القوچانى، نجف، ۱۳۷۷
الحجة على الذاهب الى تكفير ابى طالب، فخار بن معد الموسوى (م ۶۳۰)، نجف، ۱۳۵۱
الحجة فى بيان المحجة، ابوالقاسم اسماعيل بن محمد بن الفضل الاصبهانى التيمى (م ۵۳۵)، به كوشش م. م. ابورحيم، رياض، ۱۹۹۰
حقائق التأويل، ابوالحسن محمد بن الحسين الموسوى الشريف الرضى (م ۴۰۶)، به كوشش م. ر. آل كاشف الغطاء، نجف، ۱۳۵۵
حلية الاولياء، ابونعيم احمد بن عبداللّه الاصبهانى (م ۴۳۰)، قاهره، ۱۹۳۲
الحور العين = شرح رسالة الحور العين، نشوان بن سعيد الحميرى (م ۵۷۳)، به كوشش ک. مصطفى، قاهره، ۱۹۴۸
حياة الحيوان، كمال الدين محمد بن موسى الدميرى (م ۸۰۸)، قاهره، ۱۹۷۰
الحيوان، ابوعثمان عمرو بن بحر البصرى معروف به جاحظ (م ۲۵۵)، به كوشش ع. م. هارون، قاهره، ۱۹۳۸
الخرائج و الجرائح، قطب الدين سعيد بن هبة الله الراوندى (م ۵۷۳)، قم، ۱۴۰۹
خصائص الائمة، ابوالحسن محمد بن الحسين الموسوى الشريف الرضى (م ۴۰۶)، به كوشش م. هـ الامينى، مشهد، ۱۴۰۶
خصائص الامام اميرالمؤمنين على بن ابى طالب (ع)، ابوعبدالرحمن احمد بن على بن شعيب النسائى (م ۳۰۳)، به كوشش م. ب. المحمودى، بيروت، ۱۹۸۳
خصائص الوحى المبين، يحيى بن الحسن الاسدى الحلى معروف به ابن بطريق (م ۶۰۰)، به كوشش م. ب. المحمودى، تهران، ۱۴۰۶
خصال، ابن بابويه صدوق (م ۳۸۱)، به كوشش ع. ا. الغفارى، تهران، ۱۳۸۹
خلاصة الاعجاز فى المتعة، ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان العكبرى البغدادى معروف به ابن المعلم و شيخ مفيد (م ۴۱۳)، به كوشش ع. ا. زمانى نژاد، قم، ۱۴۱۳

ص: ۴۹۳

خلاصة الاقوال، علامه جمال الدين حسن بن يوسف بن المطهر الحلى (م ۷۲۶)، به كوشش ج. ق. الاصفهانى، قم، ۱۴۱۷
خلاصة الفوائد، عبدالمطلب بن يحيى طالقانى (نيمه قرن يازدهم)، قم، ۱۳۷۴ ش (در ميراث اسلامى ايران: ۲۷۳/۲ ـ ۳۰۰).
خلق افعال العباد، محمد بن اسماعيل الجعفى البخارى (م ۲۵۶)، بيروت، ۱۹۸۴
خيرالكلام فى القراءة خلف الامام، محمد بن اسماعيل الجعفى البخارى (م ۲۵۶)، به كوشش ع. ع. مزيد، قاهره، ۲۰۰۱
دراسات فى الحديث النبوى، محمد مصطفى الاعظمى، رياض، ۱۳۹۶
الدر المنثور، جلال الدين عبدالرحمن بن ابى بكر السيوطى (م ۹۱۱)، قاهره، ۱۳۱۴
الدر النظيم، يوسف بن حاتم الشامى (اواخر قرن هفتم)، قم، ۱۴۲۰

دروس فی علم الاصول، محمد باقر الصدر (م ۱۴۰۱)، بیروت، ۱۹۷۸
دستور معالم الحکم، ابوعبدالله محمد بن سلامة القضاعی (م ۴۵۴)، بیروت، ۱۹۸۱
دعائم الاسلام، قاضی نعمان (م ۳۶۳)، به کوشش ا. ع. ا. فیضی، قاهره، ۱۹۵۱
الدعامة فی تثبیت الامامة، ابوطالب یحیی بن الحسین الهارونی (م ۴۲۴)، به کوشش ناجی الحسن، بیروت، ۱۹۸۱ (به عنوان نصرة مذاهب الزیدیة از صاحب بن عباد)
دلائل الامامة، منسوب به ابوجعفر محمد بن جریر بن رستم الطبری (قرن پنجم)، قم، ۱۴۱۳
الدلائل البرهانیة، علامه جمال الدین حسن بن یوسف بن المطهر الحلی (م ۷۲۶)، به کوشش ج. م. ارموی، تهران، ۱۳۵۸ ش (در تعلیقات مصحح بر کتاب الغارات ثقفی: ۸۳۷ ـ ۸۸۰)
دلائل النبوة، ابوبکر احمد بن حسین النیشابوری البیهقی (م ۴۵۸)، به کوشش ع. قلعجی، بیروت، ۱۹۸۵
دیوان اشعار و رسائل، شمس الدین محمد بن یحیی اسیری لاهیجی (م ۹۱۲)، به کوشش ب. زنجانی، تهران، ۱۹۷۸
دیوان المعانی، ابوهلال العسکری (زنده در ۳۹۵)، به کوشش ا. ح. بسج، بیروت، ۱۹۹۴
الذریعة الی تصانیف الشیعة، آقابزرگ الطهرانی (م ۱۳۸۹)، نجف و تهران، ۱۳۵۳
ذکر اخبار اصبهان، ابونعیم احمد بن عبدالله الاصبهانی (م ۴۳۰)، به کوشش S. Dedering، لیدن، ۱۹۳۱
ذکری الشیعة، شمس الدین محمد بن مکی العاملی معروف به شهید اول (م ۷۸۶)، قم، ۱۴۱۹
ذیل تاریخ بغداد، ابن النجار = المستفاد
ذیل تاریخ مدینة السلام بغداد، محمد بن سعید بن یحیی الواسطی معروف به ابن الدبیثی (م ۶۳۷)، به کوشش ب. ع. المعروف، بغداد، ۱۹۷۴
ربیع الابرار، ابوالقاسم محمود بن عمر جارالله زمخشری (م ۵۳۸)، به کوشش س. النعیمی، بغداد، ۱۹۷۶

ص: ۴۹۴

رجال ابن داود = کتاب الرجال، تقی الدین حسن بن علی بن داود الحلی معروف به ابن داود (زنده در ۷۰۷)، به کوشش ج. م. ارموی، تهران، ۱۳۴۲ ش
رجال ابن الغضائری، ابوالحسین احمد بن الحسین الغضائری البغدادی، (نیمه اول قرن پنجم)، به کوشش م. ر. جلالی، قم، ۱۴۲۲
رجال النجاشی = فهرست اسماء مصنفی الشیعة، ابوالعباس احمد بن علی الاسدی الکوفی النجاشی (م ۴۵۰)، به کوشش م. ش. الزنجانی، قم، ۱۴۰۷
رجال طوسی، شیخ طوسی (م ۴۶۰)، به کوشش ج. ق. الاصفهانی، قم، ۱۴۱۵
رجال کشی = معرفة الناقلین، ابوعمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز الکشی (اوائل قرن چهارم)، تلخیص آن از شیخ طوسی (م ۴۶۰) با عنوان اختیار معرفة الرجال، به کوشش ح. المصطفوی، مشهد، ۱۳۴۸ ش
الرد علی الجهمیة، ابوسعید عثمان بن سعید بن خالد السجستانی الدارمی (م ۲۸۰)، به کوشش G.Vitestam ، لیدن، ۱۹۶۰

الرد علی بشر المریسی، ابوسعید عثمان بن سعید بن خالد السجستانی الدارمی (م ۲۸۰)، به کوشش م. ح. الفَقی، قاهره، ۱۹۳۹
رسالة ابلیس الی اخوانه المناحیس، ابوسعد محسّن بن محمد بن کرامة البیهقی الحاکم الجِشُمی (م ۴۹۴)، به کوشش ح. مدرسی، بیروت، ۱۹۹۵
رسالة ابی غالب الزراری، ابوغالب احمد بن محمد الزراری (م ۳۶۸)، به کوشش م. ر. حسینی، قم، ۱۴۱۱
رسالة الغفران، ابوالعلاء المعری (م ۴۴۹)، به کوشش بنت الشاطی، قاهره، ۱۹۵۰
رسالة عدم مضایقة الفوائت، رضی الدین علی بن موسی ابن طاوس الحسنی الحلی (م ۶۶۴)، به کوشش م.ع. ط. المراغی، قم، ۱۴۰۷ (در تراثنا: ۷ـ۳۳۱/۸ ـ ۳۵۹)
رسالة، محمود بعمره بن الحسین النصیری (میانه قرن پنجم)، به کوشش R. Strothmann، برلین، ۱۹۰۸ (تحت عنوان: Esoterische Sonderthemen bei den Nusairi)
رفع الیدین فی الصلوة، محمد بن اسماعیل الجعفی البخاری (م ۲۵۶)، به کوشش ب. الراشدی، بیروت، ۱۹۹۶
روضات الجنات، محمد باقر بن زین العابدین الموسوی الاصفهانی الخوانساری (م ۱۳۱۳)، به کوشش م. ت. الکشفی، (و) ا. اسماعیلیان، تهران و قم، ۱۳۹۰
روضات الجنان، حافظ حسین الکربلائی التبریزی (م ۹۹۷)، به کوشش ج. سلطان القرّائی، تهران، ۱۹۷۰
الزهد، ابوعبدالله احمد بن محمد بن حنبل الشیبانی المروزی (م ۲۴۱)، بیروت، (بی تا)
الزهد = کتاب الزهد، حسین بن سعید الاهوازی (نیمه اول قرن سوم)، به کوشش ع. عرفانیان، قم، ۱۴۰۲

ص: ۴۹۵

زین الفتی، احمد بن محمد بن عاصم الکرامی (اوائل قرن پنجم)، به کوشش م. ب. المحمودی، قم، ۱۴۱۸
السابق و اللاحق، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت البغدادی معروف به خطیب (م ۴۶۳)، به کوشش م. م. الزهرانی، ریاض، ۱۹۸۲
سراج الملوک، ابوبکر محمد بن الولید القرشی ـ ابن ابی رندقه الطرطوشی (م ۵۲۰)، قاهره، ۱۹۳۵
سعد السعود، رضی الدین علی بن موسی ابن طاوس الحسنی الحلی (م ۶۶۴)، به کوشش ف. ت. الحسون، قم، ۱۴۲۱
سنن ابن ماجه، محمد بن یزید القزوینی معروف به ابن ماجه (م ۲۷۳)، به کوشش م. ف. عبدالباقی، قاهره، ۱۹۵۴
سنن، ابوداود سلیمان بن الاشعث السجستانی (م ۲۷۵)، به کوشش م. م. عبدالحمید، قاهره، ۱۹۳۵
سنن، ابوعبدالرحمن احمد بن علی بن شعیب النسائی (م ۳۰۳)، به کوشش ش. الارنؤوط (و) ح.ع. شلبی، بیروت، ۲۰۰۱
سنن الترمذی = الجامع الکبیر، ابوعیسی محمد بن عیسی السلمی الترمذی (م ۲۷۹)، به کوشش ب.ع. معروف، بیروت، ۱۹۹۶
السنن الکبری، ابوبکر احمد بن حسین النیسابوری البیهقی (م ۴۵۸)، حیدرآباد، ۱۳۴۴
سنن دارقطنی، علی بن عمر بن احمد البغدادی الدارقطنی (م ۳۸۵)، مدینه، ۱۹۶۶
سنن دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن التمیمی السمرقندی الدارمی (م ۲۵۵)، دمشق، ۱۳۴۹
سنن، سعید بن منصور (م ۲۲۷)، به کوشش س.ع. آل حمَیّد، ریاض، ۱۹۹۳

السنة، ابوبکر احمد بن عمرو ابن ابی عاصم (م ۲۸۷)، به کوشش ب. ف. الجوابره، ریاض، ۱۹۹۸
السنة، یعقوب بن سفیان الفسوی (م ۲۷۷)، بغداد، ۱۹۷۶ (به همراه مجلد سوم المعرفة و التاریخ مؤلف: ۳۸۴ ـ ۴۰۳)
سؤالات ابن الجنید لیحیی بن معین، ابراهیم بن عبدالله بن الجنید معروف به ابن الجنید (قرن سوم)، به کوشش س. ا. النوری (و) م. م. خلیل، بیروت، ۱۹۹۰
سؤالات، ابوعبید محمد بن علی بن عثمان الاجرّی (زنده در ۳۰۰)، به کوشش ع. ع. البسنوی، مکه و بیروت، ۱۹۹۷
سیر اعلام النبلاء، محمد بن احمد بن عثمان الدمشقی الذهبی (م ۷۴۸)، به کوشش ش. الارنؤوط و دیگران، بیروت، ۱۹۸۱
السیرة النبویة، ابن حبان، ابوحاتم محمد بن حبان البستی (م ۳۵۴)، به کوشش ع. م. ع. عَلّوش، بیروت، ۲۰۰۰
السیرة النبویة، ابومحمد عبدالملک بن هشام الحمیری (م ۲۱۸)، به کوشش م. السقاء و دیگران، قاهره، ۱۹۳۶
الشافی، عبدالله بن حمزه بن سلیمان – المنصور بالله (م ۶۱۴)، بیروت، ۱۴۰۶

ص: ۴۹۶

الشافی فی الامامة، ابوالقاسم علی بن الحسین الموسوی علم الهدی الشریف المرتضی (م ۴۳۶)، به کوشش ع. ح. الخطیب، تهران، ۱۹۸۷
الشجرة المبارکة، فخرالدین محمد بن عمر التمیمی الرازی (م ۶۰۶)، به کوشش م. الرجائی، قم، ۱۴۰۹
شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، عبدالحی بن العماد العکبری الحنبلی معروف به ابن العماد (م ۱۰۸۹)، به کوشش ع. الارنؤوط (و) م. الارنؤوط، دمشق، ۱۹۸۶
شرح اصول اعتقاد اهل السنة و الجماعة، ابوالقاسم هبة الله بن الحسن بن منصور اللالکائی (م ۴۱۸)، به کوشش ا. ا. ح. الغامدی، ریاض، ۱۹۹۴
شرح الاخبار، ابوحنیفه نعمان بن محمد التمیمی المغربی (م ۳۶۳)، به کوشش م. ح. الجلالی، قم، ۱۴۰۹
شرح جمل العلم و العمل، قاضی عبدالعزیز بن نحریر الشامی معروف به ابن البراج (م ۴۸۱)، به کوشش ک. م. شانه چی، مشهد، ۱۹۷۴
شرح الشفاء، علی بن سلطان محمد الهروی معروف به قاری (م ۱۰۱۴)، قاهره، ۱۳۲۷ (همراه نسیم الریاض خفاجی)
شرح علل الترمذی، ابوالفرج عبدالرحمن بن احمد البغدادی معروف به ابن رجب (م ۷۹۵)، به کوشش ص. ج. الحمید (بغداد، ۱۳۹۶)
شرح الکافی = الکافی، الاصول و الروضة، و شرح جامع للمولی محمد صالح المازندرانی، به کوشش و با حواشی ابوالحسن شعرانی (م ۱۳۹۳)، تهران، ۱۳۸۲
شرح مذاهب اهل السنة، عمر بن احمد البغدادی معروف به ابن شاهین (م ۳۸۵) به کوشش ع. محمد، (بی جا)، ۱۹۹۵
شرح معانی الاثار، ابوجعفر احمد بن محمد الازدی الطحاوی (م ۳۲۱)، قاهره، ۱۹۶۹
شرح نهج البلاغه، عزالدین عبدالحمید ابن هبة الله المدائنی معروف به ابن ابی الحدید (م ۶۵۵)، به کوشش م. ا. ابراهیم، قاهره، ۱۹۵۹
شرح نهج البلاغه، کمال الدین میثم بن علی بن میثم البحرانی (م ۹۷۹)، تهران، ۱۳۷۸
شعب الایمان، ابوبکر احمد بن حسین النیشابوری البیهقی (م ۴۵۸)، به کوشش م. ب. زغلول، بیروت، ۱۹۹۰

الشعر و الشعراء، ابومحمد عبدالله بن مسلم الدینوری معروف به ابن قتیبه (م ۲۷۶)، به کوشش م. م. شاکر، قاهره، ۱۹۶۶
الشعراء = المنتخب من کتاب الشعراء
الشفاء بتعریف حقوق المصطفی (ص)، قاضی عیاض بن موسی السَّبتی (م ۵۴۴)، به کوشش ع. م. البجاوی، قاهره، ۱۹۷۷
الشکر، عبدالله بن محمد بن عبید القرشی البغدادی ابن ابی الدنیا (م ۲۸۱)، به کوشش م. س. ب.

ص: ۴۹۷

زغلول، بیروت، ۱۹۹۳
الشمائل النبویة، ابوعیسی محمد بن عیسی السلمی الترمذی (م ۲۷۹)، به کوشش ف. ا. زمرلی، بیروت، ۱۹۹۶
شواهد التنزیل، عبیدالله بن عبدالله بن احمد النیشابوری الحاکم الحسکانی (قرن پنجم)، به کوشش م. ب. المحمودی، تهران، ۱۹۹۰
صحیح ابن حبان = الاحسان فی تقریب صحیح ابن حبان، ابن حبان، ابوحاتم محمد بن حبان البستی (م ۳۵۴)، از علاءالدین علی بن بلبن الفارسی (م ۷۳۹)، به کوشش ش. الارنؤوط (و) ح. الاسد، بیروت، ۱۹۸۴
صحیح، محمد بن اسماعیل الجعفی البخاری (م ۲۵۶)، به کوشش L. Krehl، لیدن، ۱۸۶۲
صحیح، ابوالحسین مسلم بن الحجاج القشیری النیسابوری (م ۲۶۱)، به کوشش م. ف. عبدالباقی، قاهره، ۱۹۵۵
الصراط المستقیم، زین الدین علی بن یونس العاملی النباطی البیاضی (م ۸۷۷)، به کوشش م. ب. البهبودی، تهران، ۱۳۸۴
صفات الشیعة، ابو جعفر محمّد بن علی بن بابویه القمی الصدوق (م ۳۸۱)، به کوشش م. البدری، قم، ۱۴۲۱ (همراه المواعظ مؤلّف: ۱۸۷ ـ ۲۶۶)
صفة الجنة، ابونعیم احمد بن عبدالله الاصبهانی (م ۴۳۰)، به کوشش. ع ر. عبدالله، دمشق، ۱۹۸۶
صفة الجنة، عبدالله بن محمد بن عبید القرشی البغدادی ابن ابی الدنیا (م ۲۸۱)، به کوشش. ن. ع. خلف، بیروت و عمان، ۱۹۹۷
صفة الجنة و النار، سعید بن جناح الکوفی البغدادی (اوائل قرن سوم)، تهران، ۱۳۷۹ (در اختصاص: ۳۴۵ ـ ۳۶۵)
صفة النار، عبدالله بن محمد بن عبید القرشی البغدادی ابن ابی الدنیا (م ۲۸۱)، به کوشش م. ع. م. السعدانی، ریاض، ۲۰۰۰
صفة الصفوة، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی القرشی البغدادی معروف به ابن الجوزی (م ۵۹۷)، حیدرآباد، ۱۳۵۵
صفوة التصوف، ابوالفضل محمد بن طاهر الشیبانی المقدسی معروف به ابن القیسرانی (م ۵۰۷)، به کوشش غ. م. عَدره، بیروت، ۱۹۹۵
صلة الخلف، محمد بن سلیمان السوسی المکی الرودانی (م ۱۰۹۴)، به کوشش م. حجّی، بیروت، ۱۹۸۸
الصمت و حفظ اللسان، عبدالله بن محمد بن عبید القرشی البغدادی ابن ابی الدنیا (م ۲۸۱)، به کوشش ن. ع. خلف، بیروت، ۱۹۸۶
الضعفاء، ابوجعفر محمد بن عمرو بن موسی بن حماد المکی العقیلی (م ۳۲۲)، به کوشش ع. ا. قلعجی، بیروت، ۱۹۸۴

ص: ۴۹۸

الضعفاء، ابوزرعة الرازی (م ۲۶۴)، به کوشش س. الهاشمی، مدینه، ۱۹۸۹ (با عنوان ابوزرعة الرازی و جهوده فی السنة النبویة)

الضعفاء و المتروکین، ابوعبدالرحمن احمد بن علی بن شعیب النسائی (م ۳۰۳)، به کوشش ب. الضناوی (و) ک. ی. الحوت، بیروت، ۱۹۸۵

الضعفاء و المتروکین، علی بن عمر بن احمد البغدادی الدارقطنی (م ۳۸۵)، به کوشش ص. ب. السامرائی، بیروت، ۱۹۸۴

طب الائمة، عبدالله و حسین فرزندان بسطام بن سابور الزیات (اوائل قرن چهارم)، نجف، ۱۹۶۵

طبقات، خلیفة بن خیاط العُصْفری البصری (م ۲۴۰)، به کوشش س. زکار، دمشق، ۱۹۶۶

طبقات الشافعیة، عبدالوهاب بن علی بن عبدالکافی معروف به تاج الدین سبکی (م ۷۷۱)، به کوشش ع. م. الحلو (و) م. م. الطناحی، قاهره، ۱۹۶۴

طبقات الصوفیة، ابوعبدالرحمن محمد بن الحسین النیسابوری السلمی (م ۴۱۲)، به کوشش ن. شریبه، قاهره، ۱۹۶۹

طبقات فحول الشعراء، محمد بن سلام بن عبیدالله البصری معروف به الجمحی (م ۲۳۲)، به کوشش ا. م. شاکر، قاهره، ۱۹۸۸

الطبقات الکبری، محمد بن سعد کاتب الواقدی (م ۲۳۰)، به کوشش م. ع. عطاء، بیروت، ۱۹۹۰

الطبقات الکبری ـ القسم المتمم لتابعی اهل المدینة و من بعدهم، به کوشش ز. م. منصور، مدینه، ۱۹۸۷

الطبقات الکبری = ترجمة الامام الحسن (ع) من القسم غیر المطبوع من کتاب الطبقات، به کوشش ع. الطباطبائی، قم، ۱۴۱۶

الطبقات الکبری ـ ترجمة الامام الحسین (ع) و مقتله من القسم غیر المطبوع من کتاب الطبقات، به کوشش ع. الطباطبائی، بیروت، ۱۹۹۵

طبقات المعتزلة، عبدالجبار بن احمد الاسدآبادی الهمذانی (م ۱۴۱۵)، به کوشش ف. السید، تونس، ۱۹۷۴ (در مجموعه فضل الاعتزال و طبقات المعتزلة: ۱۳۵ ـ ۳۵۰)

الطرائف، رضی الدین علی بن موسی ابن طاوس الحسنی الحلی (م ۶۶۴)، به کوشش ع. عاشور، بیروت، ۱۹۹۹

الطرق الحکمیة، محمد بن ابی بکر بن ایوب البردعی الدمشقی معروف به ابن القیم (م ۷۵۱)، به کوشش م. ج. غازی، قاهره، ۱۹۷۷

العباسی، ابوعلی احمد بن اسماعیل بن سمکة البجلی القمی (اوائل قرن چهارم)، به کوشش ع. الدوری (و) ع. المطلبی، بیروت، ۱۹۷۱ (با نام اخبار الدّولة العباسیّة)[311]

۳۱۱. به نظر می رسد موشه شارون نخستین کسی بود که ضمن مقاله ای که در سال ۱۹۷۳ انتشار یافت: (چنان که در کتابش با عنوان Black Banners From the East: ۲۳۳ – ۲۳۶ آمده) این نسخه چاپ شده را جزئی از کتاب **العباسی** یافت که حسن بن محمد قمی در **تاریخ قم**: ۱۴۵ ـ ۱۴۶، ۲۰۰، ۲۳۶، ۲۳۷ (بنگرید به کتاب مؤلف این سطور: **کتابشناسی آثار مربوط به قم**: ۱۹) از آن نقل کرده است; زیرا دو نقل اخیر در متن چاپ شده (به ترتیب در صفحات: ۸۴ ـ ۸۵، ۱۶۵) آمده است. نقل دیگری از مؤلف کتاب **العباسی**، ابوعلی احمد بن سمکه نحوی، در **تاریخ قم**: ۲۱۷ ـ ۲۱۸ تقریبا به طور یقینی از همین کتاب می باشد گرچه به آن تصریح نشده است. نقل دیگری نیز در **مناقب**: ۱۹۱/۳ از **تاریخ قمی** آمده است که می تواند اخذ شده از همین کتاب یا، به احتمالِ تصحیف در اسم، از کتاب **تاریخ احمد بن ابراهیم العمی** باشد که شاگرد مورخ عبدالعزیز بن یحیی جلودی (م ۳۳۲) بوده است (نجاشی: ۹۶، **فهرست طوسی**: ۳۰، **رجال او**: ۴۱۱، ۴۱۶). با این حال، شارون مؤلف این اثر را نشناخت، و مصححان کتاب هم متوجه روایت مؤلف از علی بن ابراهیم قمی (زنده در ۳۰۷) در صفحه ۳۲ متن چاپ شده، روایت مؤلف از سلیم بن قیس در صفحات ۴۵ ـ ۴۷ همان چاپ، و موارد متعدد نقل او از دیگر منابع شیعی نشده اند. مؤلف، استاد ابوالفضل ابن العمید (م ۳۶۰) وزیر آل بویه بود که برای او رساله ای در دویست برگ تألیف کرده بود (نجاشی: ۹۷). متن یکی از نامه های او به ابن العمید در یک نسخه خطی کهن برجای مانده که در سال ۷۵۴ کتابت شده و در کتابخانه

ص: ۴۹۹

العبر فی خبر من غبر، محمد بن احمد بن عثمان الدمشقی الذهبی (م ۷۴۸)، به کوشش ص. المنجد، کویت، ۱۹۶۶
العدد القویة، علی بن یوسف بن المطهر الحلی (اواخر قرن هفتم)، به کوشش م. الرجائی، ۱۴۰۸
عدة الداعی، احمد بن محمد بن فهد الاسدی الحلی معروف به ابن فهد (م ۸۴۱)، به کوشش ا. م. القمی، بیروت، ۱۹۸۷
العروس، ابومحمد جعفر بن احمد بن علی القمی معروف به ابن الرازی (اواخر قرن چهارم)، به کوشش م. ح. النیشابوری، مشهد، ۱۴۱۳ (همراه جامع الاحادیث مؤلف: ۱۴۳ ـ ۱۶۸)
عقاب الاعمال، ابوجعفر محمّد بن علی بن بابویه القمی الصدوق (م ۳۸۱) به کوشش ع. ا. الغفاری، تهران، ۱۳۹۱ (همراه ثواب الاعمال: ۲۴۱ ـ ۲۴۷)
العقد الثمین، عبدالله بن حمزه بن سلیمان – المنصور بالله (م ۶۱۴)، به کوشش ع. ع. الوجیه، عَمان، ۲۰۰۱
العقد الفرید، احمد بن محمد القرطبی ابن عبدربه (م ۳۲۸)، به کوشش ا. امین و دیگران، قاهره، ۱۹۴۰
علل الحدیث، عبدالرحمن بن عمر الحنظلی الرازی – ابن ابی حاتم (م ۳۲۷)، قاهره، ۱۳۴۳
علل الشرایع، ابوجعفر محمّد بن علی بن بابویه القمی الصدوق (م ۳۸۱) به کوشش ف. ط. الیزدی،

ص: ۵۰۰

قم، ۱۳۷۷
العلل المتناهیة، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی القرشی البغدادی معروف به ابن الجوزی (م ۵۹۷)، به کوشش خ. المیس، بیروت، ۱۹۸۳
العلل ومعرفة الرجال، ابوعبدالله احمد بن محمد بن حنبل الشیبانی المروزی (م ۲۴۱)، به کوشش و. م. عباس، بیروت و ریاض، ۱۹۸۸
العلو للعلیّ الغفّار، محمد بن احمد بن عثمان الدمشقی الذهبی (م ۷۴۸)، مدینه، ۱۹۶۸
عمدة الطالب، جمال الدین احمد بن علی الداودی الحسنی معروف به ابن عنبه (م ۸۲۸)، به کوشش م. ح. آل الطالقانی، نجف، ۱۹۶۱
عمدة عیون صحاح الاخبار، یحیی بن الحسن الاسدی الحلی معروف به ابن بطریق (م ۶۰۰)، به کوشش م. المحمودی (و) ا. بهادری، تهران، ۱۴۱۲
عمل یوم و لیلة، ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی شیخ الطائفه (م ۴۶۰)، به کوشش ر. الاستادی، قم، ۱۴۰۳ (در الرسائل العشر للشیخ الطوسی: ۱۳۹ ـ ۱۵۲)

خصوصی اصغر مهدوی در تهران موجود است (فهرست آن: ۱۴۲ ـ ۱۴۳). (اخیرا نسخه یاد شده به صورت عکسی تحت عنوان **جنگ مهدوی** چاپ شده است. متن مورد اشاره در صفحات: ۱۹۲ ـ ۱۹۳ این چاپ آمده است.) وی شاگرد احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ ـ ۲۸۰) بوده که ادیب و مؤلف چندین اثر می باشد (نجاشی: ۹۷، **فهرست طوسی**: ۳۱، **رجال** او: ۴۱۷). در داستانی که در **تاریخ قم**: ۲۱۷ ـ ۲۱۸ آمده، وی مصاحب ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی در دیدار از علویان سرشناس قم بود، زمانی که این اصفهانی به عنوان حاکم در سال ۳۰۹ به این شهر وارد شده بود (همان، ۱۰۶، ۱۴۲).

عمل یوم و لیلة، احمد بن محمد بن اسباط الدینوری معروف به ابن السنی (م ۳۶۴)، حیدرآباد، ۱۳۱۵
عمل یوم و لیلة، ابوعبدالرحمن احمد بن علی بن شعیب النسائی (م ۳۰۳)، به کوشش ف. حماده، رباط، (بی تا)
العیال، عبدالله بن محمد بن عبید القرشی البغدادی ابن ابی الدنیا (م ۲۸۱)، به کوشش ن. ع. خلف، دمام، ۱۹۹۰
عیون الاثر، ابوالفتح محمد بن محمد الیعمری معروف به ابن سید الناس (م ۷۳۴)، بیروت، ۱۹۷۷
عیون اخبار الرضا (ع)، ابوجعفر محمّد بن علی بن بابویه القمی الصدوق (م ۳۸۱)، به کوشش م. ح. لاجوردی، قم، ۱۳۷۷
عیون الاخبار، ابومحمد عبدالله بن مسلم الدینوری معروف به ابن قتیبه (م ۲۷۶)، قاهره، ۱۹۲۵
عیون المعجزات، حسین بن عبدالوهاب (زنده در ۴۴۸)، نجف، ۱۳۶۹
الغارات، ابراهیم بن محمد الثقفی الکوفی (م ۲۸۳)، به کوشش ج. م. ارموی، تهران، ۱۳۹۵
الغایات، ابومحمد جعفر بن احمد بن علی القمی معروف به ابن الرازی (اواخر قرن چهارم)، به کوشش م. ح. النیشابوری، مشهد، ۱۴۱۳ (همراه جامع الاحادیث مؤلف: ۱۶۹ ـ ۲۳۵)
غایة الاختصار، ابوالعلاء الهمذانی (م ۵۶۹)، به کوشش ا. م. ف. طلعت، جده، ۱۹۹۴
غایة الاختصار، تاج الدین محمد بن حمزه الحلبی معروف به ابن زهره (زنده در ۷۵۳)، به کوشش م. ص. بحر العلوم، نجف، ۱۹۶۲
غایة النهایة، شمس الدین محمد بن محمد بن علی الدمشقی معروف به ابن الجزری (م ۸۳۳)، به کوشش G. Bergstrasser، قاهره، ۱۹۳۲
الغایة فی القراءات العشر، ابوبکر احمد بن الحسین بن مهران الاصبهانی معروف به ابن مهران (م ۳۸۱)، به کوشش م. غ. الجنباز، ریاض، ۱۹۸۵

ص: ۵۰۱

غریب الحدیث، ابومحمد عبدالله بن مسلم الدینوری معروف به ابن قتیبه (م ۲۷۶)، به کوشش ع. الجبوری، بغداد، ۱۹۷۷
غریب الحدیث، حمد بن محمد بن سلیمان البستی الخطابی (م ۳۸۸)، به کوشش ع. ا. الغرباوی، دمشق، ۱۹۸۲
الغنیة لطالبی طریق الحق، عبدالقادر الجیلانی (م ۵۶۱)، قاهره، ۱۳۲۲
غیاث سلطان الوری، رضی الدین علی بن موسی ابن طاوس الحسنی الحلی (م ۶۶۴)، قم، ۱۴۰۸ (قطعات برجای مانده، همراه نزهة الناظر حسین بن محمد بن نصر الحلوانی)
غیبت طوسی = کتاب الغیبة، محمد بن الحسن الطوسی (م ۴۶۰)، قم، ۱۴۱۱
غیبت نعمانی = کتاب الغیبة، ابو عبد اللّه محمد بن ابراهیم کاتب نعمانی (میانه قرن چهارم)، به کوشش ع. ا. الغفّاری، تهران، ۱۳۷۹
الفائق فی رواة و اصحاب الامام الصادق (ع)، عبدالحسین الشبستری، قم، ۱۴۱۸
فتاوی السبکی، تقی الدین علی بن عبدالکافی السبکی (م ۷۵۶)، قاهره، ۱۳۵۵
فتح الابواب، رضی الدین علی بن موسی ابن طاوس الحسنی الحلی (م ۶۶۴)، به کوشش ح. الخفاف، قم، ۱۴۰۹
فتح الباری، ابن حجر – شهاب الدین احمد بن علی العسقلانی (م ۸۵۲)، بولاق، ۱۳۰۰

الفتوح، احمد بن محمد بن اعثم الکوفی (م ح. ۳۱۴)، حیدرآباد، ۱۹۶۸ و ترجمه فارسی آن از محمد بن احمد مستوفی هروی (قرن ششم)، به کوشش غ. ط. مجد، تهران، ۱۹۹۳

فتوح البلدان، احمد بن محمد بن یحیی بن جابر البلاذری (م ۲۷۹)، به کوشش ص. المنجد، قاهره، ۱۹۵۶

الفخری فی انساب الطالبیین، عزالدین اسماعیل بن حسین الحسینی المروزی (زنده در ۶۱۴)، به کوشش م. الرجائی، قم، ۱۴۰۹

فرائد السمطین، ابراهیم بن محمد بن حمویه الجوینی (م ۷۲۲)، به کوشش م. ب. المحمودی، بیروت، ۱۹۷۸

فرج المهموم، رضی الدین علی بن موسی ابن طاوس الحسنی الحلی (م ۶۶۴) نجف، ۱۳۶۸

فرحة الغری، عبدالکریم بن طاوس الحلی (م ۶۹۲)، نجف، ۱۳۶۸

فردوس = مسند الفردوس

فرق الشیعة، ابومحمد حسن بن موسی النوبختی (اواخر قرن سوم)، به کوشش م. ص. بحرالعلوم، نجف، ۱۹۶۹

الفرق بین الفرق، عبدالقاهر البغدادی (م ۴۲۹)، به کوشش م. م. عبدالحمید، قاهره، (بی تا)

فرهنگ سمات، عبدالحجه بلاغی، تهران، ۱۳۷۱

الفصل، ابومحمد علی بن احمد بن سعید القرطبی معروف به ابن حزم (م ۴۵۶)، به کوشش م. ا. نصر (و) ع. عمیرة، ریاض، ۱۹۸۲

ص: ۵۰۲

فصوص الحکم، محیی الدین محمد بن علی الطائی الاندلسی (م ۶۳۸)، به کوشش ا. عفیفی، قاهره، ۱۹۴۶

الفصول المهمة، علی بن محمد بن احمد المکی معروف به ابن صباغ (م ۸۵۵)، نجف، ۱۹۵۰

الفضائل، شاذان بن جبرئیل القمی (زنده در ۶۵۱)، نجف، ۱۹۶۲

فضائل الاشهر الثلاثة، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه القمی الصدوق (م ۳۸۱)، به کوشش غ. عرفانیان، نجف، ۱۳۹۶

فضائل الاوقات، ابوبکر احمد بن محمد النیشابوری البیهقی (م ۴۵۸)، به کوشش ع. ع. م. القیسی، جده، ۱۹۹۷

فضائل الخلفاء الاربعة، ابونعیم احمد بن عبدالله الاصبهانی (م ۴۳۰)، به کوشش ص. م. عقیلی، مدینه، ۱۹۹۷

فضائل رمضان، عبدالله بن محمد بن عبید القرشی البغدادی ابن ابی الدنیا (م ۲۸۱)، به کوشش ع. ح. المنصور، ریاض، ۱۹۹۵

فضائل الشیعة، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه القمی الصدوق (م ۳۸۱)، به کوشش م. البدری، قم، ۱۴۲۱ (همراه مواعظ صدوق: ۲۶۹ ـ ۳۳۵)

فضائل الصحابة، ابوعبدالله احمد بن محمد بن حنبل الشیبانی المروزی (م ۲۴۱)، به کوشش و. م. عباس، بیروت، ۱۹۸۳

فضل زیارة الحسین (ع)، ابوعبدالله محمّد بن علی الشجری الکوفی (م ۴۴۵)، به کوشش ا. الحسینی، قم، ۱۴۰۳

فضیلة العادلین من الولاة، ابونعیم احمد بن عبدالله الاصبهانی (م ۴۳۰)، به کوشش م. ح. آل سلمان، ریاض، ۱۹۹۷

الفقیه و المتفقه، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت البغدادی معروف به خطیب (م ۴۶۳)، (بی جا)، ۱۹۷۵

فلاح السائل، رضی الدین علی بن موسی ابن طاوس الحسنی الحلی (م ۶۶۴) به کوشش غ. المجیدی، قم، ۱۴۱۹

فوائح الجمال، نجم الدین کبری (م ۶۱۸)، ترجمه فارسی از محمّد باقر ساعدی، با مقدمه حسین حیدرخانی، تهران، ۱۳۶۸ ش
فهارس بحار الانوار، به کوشش م. الخاتمی، بیروت، ۱۹۹۲
فهرست ابن ندیم، ابوالفرج محمد بن اسحاق البغدادی الوراق معروف به ابن ندیم (اواخر قرن چهارم)، به کوشش ر. تجدد، تهران، (بی تا)
فهرس الخزانة التیموریة، قاهره، ۱۳۶۶ - ۱۳۶۷
فهرست طوسی= کتاب الفهرست، محمد بن الحسن الطوسی (م ۴۶۰)، به کوشش م. ص. آل بحرالعلوم، نجف، ۱۳۵۶
فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، علی نقی منزوی، ج ۲، تهران، ۱۳۳۲ ش

ص: ۵۰۳

فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، محمدتقی دانش پژوه، ج ۵، تهران، ۱۳۳۵
فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار، ضیاءالدین ابن یوسف شیرازی (م ۱۴۰۸)، تهران، ۱۳۱۵ ش
فهرست نسخه های خطی فارسی، احمد منزوی، تهران، ۱۹۶۹
فهرست نسخه های خطی کتابخانه خصوصی دکتر اصغر مهدوی، محمد تقی دانش پژوه، در نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در باره نسخه های خطی (تهران، ۱۹۶۲): ۵۹/۲ ـ ۱۸۱
قاموس الرجال، محمد تقی التستری (م ۱۴۱۵)، قم، ۱۴۱۰
القاموس المحیط، مجدالدین محمد بن الیعقوب الشیرازی الفیروزآبادی (م ۸۱۷)، بیروت، ۱۹۹۵
قبول الاخبار و معرفة الرجال، ابوالقاسم کعبی بلخی (م ۳۱۹)، بیروت، ۲۰۰۰
القراءات، احمد بن محمد بن سیار البصری الکاتب معروف به السیاری (نیمه قرن سوم)، نسخه شماره ۱۴۵۵ کتابخانه مرعشی قم
قرب الاسناد، عبدالله بن جعفر الحمیری القمی (اواخر قرن سوم)، قم، ۱۴۱۳
قصص الانبیاء، قطب الدین سعید بن هبة الله الراوندی (م ۵۷۳)، به کوشش غ. ع. یزدی، مشهد ۱۴۰۹
قضایا امیرالمؤمنین (ع)، منسوب به ابراهیم بن هاشم القمی (میانه قرن سوم)، دمشق، ۱۹۴۷ (در عجائب احکام امیرالمؤمنین (ع) از محسن الامین العاملی)
قضاء حقوق المؤمنین، سدید الدین حسن بن طاهر بن الحسین الصوری (قرن ششم)، به کوشش ح. الخفاف، قم، ۱۴۰۸
الکاشف، محمد بن احمد بن عثمان الدمشقی الذهبی (م ۷۴۸)، به کوشش م. عوّامه (و) ا. م. ن. الخطیب، جده، ۱۹۹۲
کاشف الغمة فی تاریخ الائمة، محمد بن محمدرضا بن اسماعیل القمی المشهدی (زنده در ۱۱۰۷)، مشهد، ۱۴۱۹
الکافئة لابطال توبة الخاطئة، ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان العکبری البغدادی معروف به ابن المعلم و شیخ مفید (م ۴۱۳)، به کوشش ع. ا. زمانی نژاد، قم، ۱۴۱۳
الکافی، ابوجعفر محمد بن یعقوب الکلینی (م ۳۲۹)، به کوشش ع. ا. الغفاری، ۱۳۷۷
الکامل، ابوالعباس محمد بن یزید الازدی البصری معروف به المبرّد (م ۲۸۶)، به کوشش ا. م. شاکر، قاهره، ۱۹۳۷
کامل الزیارات، ابوالقاسم جعفر بن محمد قولویه القمی (م ۳۶۹)، بیروت، ۱۹۹۷

الکامل فی التاریخ، عزالدین علی بن محمد الجزری معروف به ابن الاثیر (م ۶۳۰)، بیروت، ۱۹۶۵
الکامل فی ضعفاء الرجال، ابواحمد عبدالله بن عدی الجرجانی (م ۳۶۵)، بیروت، ۱۹۸۴
کاوشی در نهج البلاغه، تهران، ۱۹۸۵
کتاب ابان، قطعه ای از آن در مستطرفات ابن ادریس: ۳۹ ـ ۴۴ (قم، ۱۹۸۷) که در آن، این اثر به اشتباه به ابان بن تغلب منسوب شده و به احتمال از ابان سندی (ابان بن محمّد بجلی بزّاز، از راویان میانه

ص: ۵۰۴

قرن سوم) می باشد.
کتاب ابن قولویه، ابوالقاسم جعفر بن محمد قولویه القمی (م ۳۶۹)، قطعه ای از آن در مستطرفات ابن ادریس (قم، ۱۹۸۷): ۱۴۱ - ۱۴۷
کتاب الاموال، ابوعبید قاسم بن سلام الهروی (م ۲۲۴)، به کوشش م. ح. الفقی، قاهره، ۱۳۵۳
کتاب الاوائل، ابوهلال العسکری (زنده در ۳۹۵)، به کوشش و. قصاب (و) م. المصری، ریاض ۱۹۸۱
کتاب الجمل و مسیر عائشة و علی، سیف بن عمر التمیمی (اواخر قرن دوم)، به کوشش ق. السامرائی، لیدن، ۱۹۹۵ (به همراه کتاب الردة و الفتوح مؤلف: ۲۳۱ ـ ۳۶۳)
کتاب الخراج، ابویوسف یعقوب بن ابراهیم الانصاری (م ۱۸۲)، قاهره، ۱۳۵۲
کتاب الخراج، یحیی بن آدم القرشی الکوفی الاحول (م ۲۰۳)، به کوشش ا. م. شاکر، قاهره، ۱۳۴۷
کتاب الدعاء، ابوالقاسم سلیمان بن احمد بن ایوب الطبرانی (م ۳۶۰)، به کوشش م. س. البخاری، بیروت، ۱۹۸۷
کتاب الردة و الفتوح، سیف بن عمر التمیمی (اواخر قرن دوم)، به کوشش ق. السامرائی، لیدن، ۱۹۹۵
کتاب الزهرة، محمد بن داود الاصبهانی الظاهری (م ۲۹۷)، به کوشش ا. السامرائی، عمان، ۱۹۸۵
کتاب السنة، عبدالله بن احمد بن حنبل الشیبانی البغدادی (م ۲۹۰)، به کوشش م. س. قحطانی، دمام، ۱۹۸۶
کتاب السیر، ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن الحارث الفزاری (م ۱۸۸)، به کوشش ف. حماده، بیروت، ۱۹۸۷
کتاب الفتن، نعیم بن حماد المروزی (م ۲۲۸)، به کوشش س. زکار، مکه، ۱۹۹۱
کتاب المحن، ابوالعرب محمد بن احمد التمیمی (م ۳۳۳)، به کوشش ی. الجبوری، بیروت، ۱۹۸۳
کتاب المصاحف، ابوبکر عبدالله بن سلیمان السجستانی ابن ابی داود (م ۳۱۶)، به کوشش A.Jeffrey ، لیدن، ۱۹۳۷
کتاب المُعْقبین من ولد امیرالمؤمنین (ع)، یحیی بن الحسن بن جعفر المدنی (م ۲۷۷)، به کوشش م. الکاظم، قم، ۲۰۰۱
کتاب المناظرات، ابوعبدالله جعفر بن احمد بن محمد بن اسود معروف به ابن الهیثم (قرن چهارم)، به کوشش W. Madelung و P. Walker، لندن، ۲۰۰۱
کتاب المؤمن، حسین بن سعید الاهوازی (نیمه اول قرن سوم)، قم، ۱۴۰۱
کتاب النجاة، احمد بن یحیی الناصر (م ۳۱۵)، به کوشش W. Madelung، ویسبادن، ۱۹۸۵
کتاب النقض، عبدالجلیل قزوینی (زنده در ۵۵۶)، به کوشش. ج. م. ارموی، تهران، ۱۳۵۸ ش
کتاب الهفت، منسوب به مفضل بن عمر الجعفی (م ۱۷۹)، به کوشش م. غالب، بیروت، ۱۹۶۴
کتاب جعفر بن محمد بن سنان الدهقان (اواسط قرن سوم)، قطعه ای از آن در مستطرفات ابن ادریس: ۱۲۷ (قم، ۱۹۸۷)
کتاب جعفر بن محمد بن شریح الحضرمی (اواخر قرن دوم)، تهران، ۱۳۷۱ (در الاصول الستة عشر:

۶۰ ـ ۸۱)
کتاب حسین بن عثمان الاحمسی (اواخر قرن دوم)، تهران، ۱۳۷۱ (در الاصول الستة عشر: ۱۰۸ ـ ۱۱۳ که در آن این اثر به اشتباه به حسین بن عثمان بن شریک العامری منسوب شده است)
کتاب سلیم بن قیس الهلالی، نجف، بی تا (چاپ دوم)
کتابشناسی آثار مربوط به قم، حسین مدرسی طباطبائی، قم، ۱۳۵۳ ش
کتاب علی، مصطفی قصیر العاملی، بیروت، ۱۹۹۵
کتاب فی فضل امیرالمؤمنین (ع)، ابوالولید عیسی بن بزید اللیثی المدنی معروف به ابن دأب (م ۱۷۱)، به کوشش ع. ا. الغفاری، تهران، ۱۳۷۹ (مندرج در اختصاص: ۱۴۴ ـ ۱۶۰)
کتاب فیما جاء فی البدع، محمد بن وضاح القرطبی معروف به ابن وضاح (م ۲۸۷)، به کوشش ب. ع. البدر، ریاض، ۱۹۹۶
کتاب معاویة بن عمار الدهنی (م ۱۷۵)، قطعه ای از آن در مستطرفات ابن ادریس (قم، ۱۹۸۷): ۲۱ ـ ۲۳
کشف الظنون، مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی حاجی خلیفه (م ۱۰۶۷)، استانبول، ۱۹۴۱
کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة، بهاء الدّین علی بن عیسی بن ابی الفتح اربلی (م ۶۹۲)، تبریز – ۱۳۸۱
کشف المحجة، رضی الدین علی بن موسی ابن طاوس الحسنی الحلی (م ۶۶۴)، نجف، ۱۳۷۰
الکشکول، بهاءالدین العاملی (م ۱۰۳۰)، به کوشش م. ص. النصیری، قم، ۱۳۷۸
کفایة الاثر، ابوالقاسم علی بن محمد بن علی القمی الرازی الخزاز (اواخر قرن چهارم)، به کوشش ع. ح. الکوهکمری، قم، ۱۴۰۱
کفایة الطالب، محمد بن یوسف بن طلحة الکنجی (م ۶۵۸)، به کوشش م. هـ الامینی، نجف، ۱۹۷۰
الکفایة فی علم الروایة، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت البغدادی معروف به خطیب (م ۴۶۳)، به کوشش ع. م. عبدالحلیم و ع. محمود، قاهره، ۱۹۷۲
کلمات مکنونه، محمد محسن بن مرتضی الفیض الکاشانی (م ۱۰۹۱)، به کوشش ع. العطاردی، تهران، ۱۳۸۳
کمال الدین، ابو جعفر محمّد بن علی بن بابویه القمی الصدوق (م ۳۸۱)، به کوشش ع. ا. الغفاری، تهران، ۱۳۹۰
کنز العمال، علاء الدین علی بن حسام الدین البرهانپوری معروف به المتقی الهندی (م ۹۷۵)، حلب، ۱۹۶۹
کنز الفوائد، ابوالفتح محمد بن عثمان الکراجکی (م ۴۴۹)، تبریز، ۱۳۲۲
الکنی و الاسماء، ابوالحسین مسلم بن الحجاج القشیری النیسابوری (م ۲۶۱)، به کوشش ع. م. القشقری، مدینه، ۱۹۸۴
الکنی و الاسماء، ابوبشر محمد بن احمد بن حمّاد الدولابی (م ۳۱۰)، به کوشش ن. م. الفاریابی، بیروت، ۲۰۰۰
اللئالی المصنوعة، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی (م ۹۱۱) قاهره، (بی تا)

لسان العرب، ابوالفضل محمد بن مکرم الانصاری معروف به ابن منظور (م ۷۱۱)، بیروت، (بی تا)

لسان المیزان، ابن حجر (م ۸۵۲)، به کوشش م.ع. المرعشلی، بیروت، ۱۹۹۵
اللهوف، رضی الدین علی بن موسی ابن طاوس الحسنی الحلی (م ۶۶۴)، تهران، ۱۳۲۱
ما نزل من القرآن فی أهل البیت، حسین بن الحکم الحبری (م ۲۸۶)، به کوشش ا. الحسینی، قم، ۱۹۷۵
ما نزل من القرآن فی علی (ع)، ابونعیم احمد بن عبدالله الاصبهانی (م ۴۳۰)، به کوشش م. ب. المحمودی، تهران، ۱۴۰۶ (با عنوان النور المشتعل)
ما وجد من کتاب درست بن ابی منصور، درست بن ابی منصور الواسطی (اواخر قرن دوم)، تهران، ۱۳۷۱ (در الاصول الستة عشر: ۱۵۸ ـ ۱۶۹)
مائة منقبة، ابوالحسن محمد بن احمد بن علی القمی معروف به ابن شاذان (اوائل قرن پنجم)، قم، ۱۴۰۷
مباحث فی علوم القرآن، صبحی صالح (م ۱۴۰۷)، بیروت، ۱۹۷۷
المبانی فی نظم المعانی، به کوشش A. Jeffrey، قاهره، ۱۹۵۴ (در کتاب مقدمتان فی علوم القرآن)
المبسوط فی القراءات العشر، ابوبکر احمد بن الحسین بن مهران الاصبهانی معروف به ابن مهران (م ۳۸۱)، به کوشش س. ح. حکیمی، دمشق، ۱۹۸۰
المتعة، ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان العکبری البغدادی معروف به ابن المعلم و شیخ مفید (م ۴۱۳)، قطعات استخراج شده از بحار، قم، ۱۴۱۳
المتفق و المفترق، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت البغدادی معروف به خطیب (م ۴۶۳)، به کوشش م. ص. ا. الحامدی، دمشق و بیروت، ۱۹۷۷
مثالب العرب، ابوالمنذر هشام بن محمد بن السائب (م ۲۰۴)، به کوشش نجاح الطائی، بیروت، ۱۹۹۸
المجازات النبویة، ابوالحسن محمد بن الحسین الموسوی معروف به الشریف الرضی (م ۴۰۶)، به کوشش ط. م. الزینی، قاهره، ۱۹۶۷
مجالس = الفصول المختارة من العیون و المحاسن، ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان العکبری البغدادی معروف به ابن المعلم و شیخ مفید (م ۴۱۳)، نجف، (بی تا)
المجالسة و جواهر العلم، احمد الدینوری (م ۳۳۳)، به کوشش م. ح. آل سلمان، بیروت، ۱۹۹۸
المجدی فی انساب الطالبیین، علی بن ابی الغنائم محمد العمری الشجری معروف به ابن الصوفی (میانه قرن پنجم)، به کوشش ا. م. دامغانی، قم، ۱۴۰۹
المجروحین، ابن حبان، ابوحاتم محمد بن حبان البستی (م ۳۵۴)، به کوشش م. ا. زاید، حلب، ۱۹۷۵
مجمع البحرین، فخرالدین بن محمدعلی الطریحی (م ۱۰۸۵)، به کوشش ا. الحسینی، نجف، ۱۹۶۱
مجمع البحرین، نورالدین علی بن ابی بکر الهیثمی (م ۸۰۷)، به کوشش ع. م. نذیر، ریاض، ۱۹۹۲
مجمع البیان، ابوعلی فضل بن الحسن امین الاسلام الطبرسی (م ۵۴۸)، بیروت، ۱۹۶۱
مجمع الزوائد، نورالدین علی بن ابی بکر الهیثمی (م ۸۰۷)، قاهره، ۱۳۵۲

مجموع الاعیاد = سبیل راحة الارواح، ابوسعید میمون بن القاسم النصیری معروف به میمون الطبرانی (اوائل قرن پنجم)، به کوشش R. Strothmann، برلین، ۱۹۴۶ (مجلد ۲۷ مجله DerIslam)
مجموعة، شمس الدین محمد بن علی الجباعی العاملی (م ۸۸۶)،نسخه ش ۶۰۴ کتابخانه ملک (بنگرید: فهرست: ۱۰۵/۵ ـ ۱۱۲، نیز ذریعه آقابزرگ: ۱۱۲/۲۰)، قطعاتی از آن که در بحار: ۱/۱۰۷ ـ ۲۱۴ نقل شده است (به ویژه بنگرید به صفحات ۱ ـ ۲۵، ۲۷ ـ ۳۱، ۳۴ ـ ۳۶، ۴۷ ـ ۵۰، ۱۴۳ ـ ۱۴۶، ۱۸۱ ـ ۱۸۲، ۲۰۳ ـ ۲۱۴ و موارد بسیار دیگری که بدون ذکر منبع آمده، چنان که در صفحات: ۸ـ۱۷۹ [مقـ: همان: ۲۲۲/۶۰ ـ ۲۲۳])
محاسبة النفس، رضی الدین علی بن موسی ابن طاوس الحسنی الحلی (م ۶۶۴)، به کوشش ج. ق. الاصفهانی، قم، ۱۴۱۹
المحاسن، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد البرقی القمی (م ۲۷۴ ـ ۲۸۰)، به کوشش ج. م. ارموی، تهران، ۱۳۷۰
محاسن الاصطلاح، عمر بن رسلان الکنانی العسقلانی البُلقینی (م ۸۰۵)، به کوشش ع. ع. بنت الشاطی، قاهره، ۱۹۷۴ (همراه مقدمات ابن الصلاح)
المحاسن و المساوی، ابراهیم البیهقی (اواخر قرن سوم)، به کوشش م. ا. ابراهیم، قاهره، (بی تا)
محاضرات الادباء، ابوالقاسم حسین بن محمد الراغب الاصفهانی (م ۴۰۲)، بیروت، ۱۹۶۱
المحتسب، ابوالفتح عثمان بن جنی الموصلی معروف به ابن الجنی (م ۳۹۲)، به کوشش ع. ن. ناصف و دیگران، قاهره، ۱۹۶۶
المحجّة فی ما نزل فی القائم الحجة، حسن بن سلیمان بن اسماعیل الحسینی البحرانی (م ۱۱۰۷)، به کوشش م. م. المیلانی، بیروت، ۱۹۹۰
المحدث الفاصل بین الروای و الواعی، ابومحمد حسن بن عبدالرحمان بن خلاد الرامهرمزی (م ۳۶۰)، بیروت، (بی تا)
المحلی، ابومحمد علی بن احمد بن سعید القرطبی معروف به ابن حزم (م ۴۵۶)، به کوشش ا. م. شاکر، قاهره، ۱۳۴۷
المحیط الاعظم، رکن الدین حیدر بن علی الحسینی العاملی (اواخر قرن هشتم)، به کوشش م. م. التبریزی، تهران، ۱۴۱۴
مختصر اصل علاء بن رزین (میانه قرن دوم)، تهران، ۱۳۷۱ (در الاصول الستة عشر: ۱۴۹ ـ ۱۵۷)
مختصر بصائر الدرجات، حسن بن سلیمان الحلی (اوائل قرن نهم)، نجف، ۱۹۵۰
مختصر تاریخ دمشق، ابوالفضل محمد بن مکرم الانصاری معروف به ابن منظور (م ۷۱۱)، به کوشش ر. ع. مراد، دمشق، ۱۹۸۴
مختلف الشیعة، علامه جمال الدین حسن بن یوسف بن المطهر الحلی (م ۷۲۶)، قم، ۱۴۱۳
المدوّنة الکبری، سحنون ـ ابوسعید عبدالسلام بن سعید التنوخی (م ۲۴۰)، قاهره، ۱۳۲۳

ص: ۵۰۸

مدینة المعاجز، حسن بن سلیمان بن اسماعیل الحسینی البحرانی (م ۱۱۰۷)، به کوشش ع. م. الهمدانی، قم، ۱۴۱۳
المراتب فی فضائل علی بن ابی طالب (ع)، ابوالقاسم اسماعیل بن احمد المعتزلی البستی (اوائل قرن پنجم)، به کوشش م. ر. انصاری قمی، قم، ۱۴۲۱
المراسیل، عبدالرحمن بن عمر الحنظلی الرازی ابن ابی حاتم (م ۳۲۷)، به کوشش ش. ن. القوجانی، بیروت، ۱۹۷۷
مراقد المعارف، محمد حرز الدین، نجف، ۱۹۶۹

مروج الذهب، ابوالحسن على بن الحسين الهذلى البغدادى معروف به مسعودى (م ۳۴۶)، به كوشش Ch. Pellat، بيروت، ۱۹۶۵
المزار، ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان العكبرى البغدادى معروف به ابن المعلم و شيخ مفيد (م ۴۱۳)، قم، ۱۴۰۹
المزارات المعروفة فى مدينة الكوفة، عباس الحاج كاظم مراد، نجف، ۱۹۷۱
المزار الكبير، محمد بن جعفر الحائرى معروف به ابن المشهدى (قرن ششم)، به كوشش ج. القيومى، قم، ۱۹۹۹
المزار، شمس الدين محمد بن مكى العاملى معروف به شهيد اول (م ۷۸۶)، به كوشش م. البدرى، قم، ۱۴۱۶
مسائل الامام احمد بن حنبل، اسحاق بن ابراهيم بن هانىء النيشابورى معروف به ابن هانى (م ۲۷۵)، به كوشش ز. الشاويش، بيروت، ۱۴۰۰
مسائل الامام احمد بن حنبل، صالح بن احمد بن حنبل (م ۲۶۶)، به كوشش ف. دين محمد، دهلى، ۱۹۸۸
مسائل الامامة، منسوب به عبدالله بن محمد الانبارى الناشىء الاكبر (م ۲۹۳)، به كوشش J. van Ess، بيروت، ۱۹۷۱ (به عنوان Fruhe Mutazilitsche Haresiographic)
المسائل الصاغانية، ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان العكبرى البغدادى معروف به ابن المعلم و شيخ مفيد (م ۴۱۳)، به كوشش م. القاضى، قم، ۱۴۱۳
المسائل العزّية، ابوالقاسم جعفر بن الحسن الحلى معروف به محقق (م ۶۷۶)، به كوشش ر. الاستادى، قم، ۱۴۱۳ (در الرسائل التسع: ۴۹ ـ ۱۷۸)
المسائل الناصريات، ابوالقاسم على بن الحسين الموسوى علم الهدى الشريف المرتضى (م ۴۳۶)، تهران، ۱۹۹۷
مسائل على بن جعفر العريضى (اوائل قرن سوم)، مشهد، ۱۴۰۹
مسار الشيعة، ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان العكبرى البغدادى معروف به ابن المعلم و شيخ مفيد (م ۴۱۳)، قم، ۱۴۱۳
المسالک و الممالک، ابواسحاق ابراهيم بن محمد الاصطخرى (اوائل قرن چهارم) به كوشش م. ج. ع.

ص: ۵۰۹

الحينى، قاهره، ۱۹۵۸
المستدرک على الصحيحين، ابوعبدالله محمد بن عبدالله الحاكم النيشابورى (م ۴۰۵)، حيدرآباد، ۱۳۴۰
مستطرفات السرائر، محمد بن ادريس العجلى الحلى (م ۵۹۸)، قم، ۱۹۸۷
المستفاد من ذيل تاريخ بغداد لمحب الدين محمد بن محمود البغدادى المعروف بابن النجار (م ۶۴۳)، احمد بن ابى بكر الحُسامى الدمياطى (م ۷۴۹)، به كوشش م. م. خلف، بيروت، ۱۹۸۶
مسكن الفؤاد، زين الدين بن على بن احمد الجبعى العاملى معروف به شهيد ثانى (م ۹۶۵)، قم، ۱۴۰۷
المسلسلات، ابو محمد جعفر بن احمد بن على القمى معروف به ابن الرازى (اواخر قرن چهارم)، به كوشش م. ح. النيشابورى، مشهد، ۱۴۱۳ (همراه جامع الاحاديث مؤلف: ۲۳۷ ـ ۲۶۸)
مسند ابن الجعد، ابوالحسن على بن الجعد بن عبيد الجوهرى معروف به ابن الجعد (م ۲۳۰)، به كوشش ع. ع. عبدالهادى، كويت، ۱۹۸۵
مسند، ابوعبدالله احمد بن محمد بن حنبل الشيبانى المروزى (م ۲۴۱)، چاپ بولاق ۱۳۱۳
مسند ابى عوانة، يعقوب بن اسحاق الاسفراينى (م ۳۱۶)، حيدرآباد، ۱۳۶۲

مسند ابی یعلی، ابویعلی احمد بن علی بن المثنی الموصلی (م ۳۰۷)، به کوشش ح. س. اسد، دمشق و بیروت، ۱۹۸۴
مسند الامام السجاد (ع)، عزیزالله العطاردی، تهران، ۱۳۷۹ ش.
مسند الامام الشافعی، ابوعبدالله محمد بن ادریس المطلبی الشافعی (م ۲۰۴)، بازترتیب جدید توسط ابوعمرو محمد بن جعفر ابن مطر النیسابوری (م ۳۶۰)، به کوشش م. س. اللحان، بیروت، ۱۹۹۶
مسند البزار = البحر الزخار المعروف بالمسند البزار، ابوبکر احمد بن عمرو البزّار (م ۲۹۲)، به کوشش م. زین الله، مدینه و بیروت، ۱۹۸۸
المسند الجامع، ب. ع. معروف و دیگران، بیروت و کویت، ۱۹۹۳
مسند الحمیدی، ابوبکر عبدالله بن زبیر القرشی الحمیدی (م ۲۱۹)، به کوشش ح. س. ا. الدارانی، دمشق، ۱۹۹۶
مسند الرویانی، ابوبکر محمد بن هارون الطبری الرویانی (م ۳۰۷)، به کوشش ع. ا. ابویمانی، قاهره، ۱۹۹۵
مسند الشهاب، ابوعبدالله محمد بن سلامة القضاعی (م ۴۵۴)، به کوشش م. ع. السلفی، بیروت، ۱۹۸۵
مسند الطیالسی، ابوداود سلیمان بن داود بن جارود الطیالسی (م ۲۰۴)، به کوشش م. ع. الترکی، قاهره، ۱۹۹۹
مسند الفردوس، ابومنصور شهردار بن شیرویه الدیلمی الهمذانی (م ۵۵۸)، قطعاتی از آن که به صورت عکسی در مسند علی بن ابی طالب ازبک (دمشق و بیروت، ۱۹۹۵) چاپ شده

ص: ۵۰۷

مسند زید بن علی بن الحسین (م ۱۲۲)، تألیف ابوالقاسم عبدالعزیز بن اسحاق البغدادی معروف به ابن بقال (م ۳۶۳)، بیروت، ۱۹۶۶
مشارق انوار الیقین، رجب بن محمد الحلی البرسی (زنده در ۸۱۳)، بیروت، ۱۳۷۹
مشاکلة الناس لزمانهم، احمد بن محمد بن اسحاق بن جعفر بن وهب البغدادی - ابن ابی‌واضح الیعقوبی (زنده در ۲۹۲)، به کوشش W. Millward، بیروت، ۱۹۶۲
مشاهیر علماء الامصار، ابن حبان، ابوحاتم محمد بن حبان البستی (م ۳۵۴)، به کوشش م. ع. ابراهیم، المنصوره، ۱۹۹۱
مشکوة الانوار، علی بن الحسن الطبرسی (قرن هفتم)، نجف، ۱۹۶۵
المشیخه، حسن بن محبوب السرّاد (م ۲۲۴)، قطعه ای از آن در مستطرفات ابن ادریس (قم، ۱۹۸۷): ۷۷ ـ ۹۱
مشیخة من لایحضره الفقیه، ابو جعفر محمّد بن علی بن بابویه القمی الصدوق (م ۳۸۱)، به کوشش ع. ا. الغفاری، تهران، ۱۳۹۲ (در انتهای من لایحضره الفقیه: ۴۲۱/۴ ـ ۵۸۸)
مصادقة الاخوان، علی بن بابویه القمی (م ۳۲۹)، به کوشش م. مشکوة، ۱۹۶۶
مصباح المتهجد، شیخ طوسی (م ۴۶۰)، بیروت، ۱۹۹۱
المصباح، تقی الدین ابراهیم بن علی الکفعمی (م ۹۰۵)، به کوشش ح. الاعلمی، بیروت، ۱۹۹۴
مصنف ابن ابی شیبه، ابوبکر عبدالله بن محمد بن ابی شیبه العبسی (م ۲۳۵)، به کوشش ع. خ. الافغانی و دیگران، حیدرآباد، ۱۹۶۶ [مجلدات ۱ ـ ۵]، بمبئی، ۱۴۰۰ [مجلدات ۶ ـ ۱۵]، ریاض، ۱۹۸۸ [الجزء المفقود]
المصنف، عبدالرزاق بن همام الصنعانی (م ۲۱۱)، به کوشش ح. ر. الاعظمی، بیروت، ۱۹۷۰
مضایقه = رسالة فی عدم مضایقة الفوائت

المعارف، ابومحمد عبدالله بن مسلم الدينورى معروف به ابن قتيبه (م ۲۷۶)، به کوشش ث. عکاشه، قاهره، ۱۹۶۰
معالم العلماء، ابن شهرآشوب (م ۵۸۸)، به کوشش م. ص. آل بحرالعلوم، نجف، ۱۹۶۱
معانى = معانى الاخبار، ابو جعفر محمّد بن على بن بابويه القمى الصدوق (م ۳۸۱)، به کوشش ع. ا. الغفارى، تهران، ۱۳۷۹
معانى القراءات، ابومنصور محمد بن احمد الشافعى الازهرى (م ۳۷۰)، به کوشش ع. م (و) درويش، ع. ح. قوزى، رياض، ۱۹۹۱
المعتبر، ابوالقاسم جعفر بن الحسن الحلى معروف به محقق (م ۶۷۶)، قم، ۱۳۶۴ ش
المعجم الاوسط، ابوالقاسم سليمان بن احمد بن ايوب الطبرانى (م ۳۶۰)، قاهره، ۱۹۹۵
معجم البلدان، ابوعبدالله ياقوت بن عبدالله الحموى (م ۶۲۶)، بيروت، ۱۹۵۷
معجم الرواة فى امالى المؤيد بالله، عبدالسلام عباس الوجيه، چاپ شده همراه الامالى الصغرى از احمد بن الحسين الهارونى المؤيد بالله (م ۴۱۱)، به کوشش ع. ع. الوجيه، صعده، ۱۹۹۳ (صص

ص: ۵۱۱

۱۲۵ ـ ۲۶۳).
معجم السفر، ابوطاهر السِلَفى (م ۵۷۶)، به کوشش ع. ع. البارودى، بيروت، ۱۹۹۳
معجم الشعراء، ابوعبدالله محمد بن عمران الخراسانى المرزبانى (م ۳۸۴)، قاهره، ۱۳۵۴
المعجم الصغير، ابوالقاسم سليمان بن احمد بن ايوب الطبرانى (م ۳۶۰)، به کوشش ع. م. عثمان، مدينه، ۱۹۶۸
معجم القراءات القرآنية، ا. م. عمر (و) ع. س. مکرم، کويت، ۱۹۸۸
المعجم الکبير، ابوالقاسم سليمان بن احمد بن ايوب الطبرانى (م ۳۶۰)، به کوشش ح. ع. السلفى، بيروت، ۱۹۸۳
معجم المفسرين، عادل نويهض، (بى جا)، ۱۹۸۳
معجم رجال الحديث، ابوالقاسم بن على اکبر الموسوى الخويى (م ۱۴۱۳)، بيروت، ۱۹۸۳
معجم قبائل العرب، عمررضا کحاله (م ۱۴۰۸)، بيروت، ۱۹۶۸
معجم ما کتب عن الرسول و الائمة، عبدالجبار الرفاعى، تهران، ۱۳۷۱ ش
المعجم، محمد بن ابراهيم بن زيدان الاصبهانى الخازن معروف به ابن المقرىء (م ۹۸۱)، به کوشش ع. سعد، رياض، ۱۹۹۸
معرفة الصحابة، ابونعيم احمد بن عبدالله الاصبهانى (م ۴۳۰)، به کوشش ع. ى. العزازى، رياض، ۱۹۹۸
معرفة القراء الکبار، محمد بن احمد بن عثمان الدمشقى الذهبى (م ۷۴۸)، به کوشش ب. ع. معروف و ديگران، بيروت، ۱۹۸۴
معرفة علوم الحديث، ابوعبدالله محمد بن عبدالله الحاکم النيشابورى (م ۴۰۵)، به کوشش س. م. حسين، حيدرآباد، ۱۹۳۵
المعرفة و التاريخ، يعقوب بن سفيان الفسوى (م ۲۷۷)، به کوشش ا. ض. العمرى، بغداد، ۱۹۷۴
المغانم المطابة فى معالم طابة، مجدالدين محمد بن اليعقوب الشيرازى الفيروزآبادى (م ۸۱۷)، به کوشش ح. الجاسر، رياض، ۱۹۶۹
المغنى فى ابواب التوحيد و العدل، عبدالجبار بن احمد الاسدآبادى الهمذانى (م ۴۱۵)، ج ۲۰، به کوشش ع. محمود (و) س. دنيا، قاهره، ۱۹۶۶
المغنى فى الضعفاء، محمد بن احمد بن عثمان الدمشقى الذهبى (م ۷۴۸)، به کوشش ن. عطر، حلب، ۱۹۷۱

المغنی، موفق الدین عبدالله بن احمد معروف به ابن قدامة (م ۶۲۰)، به کوشش ع. ع. الترکی (و) ع. م. الحلو، قاهره، ۱۹۸۶
مفاتیح الاسرار، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم الشهرستانی (م ۵۴۸)، به کوشش م. ع. آذرشب، تهران، ۱۹۹۷
المفردات، ابوالقاسم حسین بن محمد الراغب الاصفهانی (م ۴۰۲)، به کوشش م. س. الکیلانی،

ص: ۵۱۲

قاهره، ۱۹۶۱
مقاتل الطالبیین، ابوالفرج علی بن الحسین الاصبهانی (م ۳۵۶)، به کوشش س. ا. صقر، قاهره، ۱۹۴۹
مقالات الاسلامیین، ابوالحسن الاشعری (م ۳۲۴)، به کوشش م. م. عبدالحمید، قاهره، ۱۹۶۸
المقالات و الفرق، سعد بن عبدالله الاشعری القمی (م ۲۹۹ ـ ۳۰۱)، به کوشش م. ج. مشکور، تهران، ۱۹۶۳
مقامات الحریری، قاسم بن علی حریری بصری (م ۵۱۶)، چاپ دار صادر بیروت
مقتضب الاثر، احمد بن محمد بن عبیدالله الجوهری البغدادی معروف به ابن عیاش (م ۴۰۱)، به کوشش هـ الرسولی، قم، ۱۳۷۹
مقتل الحسین (ع)، ابوالمؤید موفق بن احمد بن محمد المکی الخوارزمی (م ۵۶۸)، به کوشش م. السماوی، قم، ۱۴۱۸
مقتل امیرالمؤمنین (ع)، عبدالله بن محمد بن عبید القرشی البغدادی ابن ابی الدنیا (م ۲۸۱)، به کوشش م. ب. المحمودی، تهران، ۱۹۹۰
المقدمات من کتاب نص النصوص، رکن الدین حیدر بن علی الحسینی العاملی (اواخر قرن هشتم)، به کوشش هانری کربن و عثمان یحیی، تهران، ۱۹۷۴
مقدمه صحیفه سجادیة، کاظم مدیر شانه چی، مشهد، ۱۴۱۳
مکاتیب الرسول، علی الاحمدی المیانجی (م ۱۴۲۰)، قم، ۱۹۹۸
مکارم الاخلاق، ابوبکر محمد بن جعفر بن سهل السامُرّی الخرائطی (م ۳۲۷)، به کوشش س. س. الخندقاوی، قاهره، ۱۹۹۰
مکارم الاخلاق، رضی الدین ابونصر حسن بن فضل الطبرسی (میانه قرن ششم)، تهران، ۱۳۷۶
المکتفی فی الوقف و الابتداء، ابوعمرو عثمان بن سعید الاندلسی الدانی (م ۴۴۴)، به کوشش ی. ع. المرعشلی، بیروت، ۱۹۸۴
الملل و النحل، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم الشهرستانی (م ۵۴۸)، به کوشش ع. ع. مهنا (و) ع. ح. فاعور، بیروت، ۱۹۹۰
مناظر المحاضر، احمد بن محمد البیابانکی علاءالدوله سمنانی (م ۷۳۶)، به کوشش ح. حیدرخانی، تهران، ۱۳۷۱ ش
المناقب، ابوالمؤید موفق بن احمد بن محمد المکی الخوارزمی (م ۵۶۸)، به کوشش م. المحمودی، قم، ۱۴۱۱
مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب (م ۵۸۸)، قم، ۱۳۷۸
مناقب الامام امیر المؤمنین (ع)، محمد بن سلیمان الکوفی (اواخر قرن سوم)، به کوشش م. ب. المحمودی، قم، ۱۴۱۲
مناقب علی بن ابی طالب (ع)، ابوالحسن علی بن محمد الواسطی الجلابی معروف به ابن المغازلی (م ۴۸۳)، به کوشش م. ب. البهبودی، تهران، ۱۴۰۲

ص: ۵۱۳

منتخب الانوار فی تاریخ الائمة الاطهار، ابوعلی محمد بن همام ابن سهیل الاسکافی الکاتب (م ۳۳۶)، به کوشش م. مهریزی (و) ع. ص. خویی، قم، ۱۳۷۹ (در میراث حدیث شیعه: ۱۳/۵ ـ ۶۲)
المنتخب من کتاب ذیل المذیل، ابوجعفر محمد بن جریر الطبری (م ۳۱۰)، به کوشش م. ا. ابراهیم، قاهره، ۱۹۷۴ (همراه تاریخ طبری: ۴۹۱/۱۱ ـ ۶۸۷)
المنتخب من کتاب الشعراء، ابونعیم احمد بن عبدالله الاصبهانی (م ۴۳۰)، به کوشش ا. صالح، دمشق، ۱۹۹۴
المنتخب من مسند عبد بن حمید (م ۲۴۹) به کوشش م.ع. شلبایه، کویت ۱۹۸۵
منتقلة الطالبیة، ابراهیم بن ناصر ابن طباطبا (قرن پنجم)، نجف، ۱۳۸۸
المنقذ من التقلید، سدیدالدین محمود بن علی الرازی الحمصی (زنده در ۵۸۳)، قم، ۱۴۱۲
من لایحضره الفقیه، ابو جعفر محمّد بن علی بن بابویه القمی الصدوق (م ۳۸۱)، به کوشش ع. ا. الغفاری، تهران، ۱۳۹۲
منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، حبیب الله بن محمد الهاشمی الخویی (م ۱۳۲۴)، ملحقات (مجلدات ۱۵ ـ ۱۹)، ۱۳۸۳ ـ ۱۳۸۷
مواعظ، ابو جعفر محمّد بن علی بن بابویه القمی الصدوق (م ۳۸۱)، به کوشش م. البدری، قم، ۱۴۲۱
الموت، عبدالله بن محمد بن عبید القرشی البغدادی ابن ابی الدنیا (م ۲۸۱)، به کوشش. L. Kinberg، حیفاء، ۱۹۸۳
المؤتلف و المختلف، ابوالفضل محمد بن طاهر الشیبانی المقدسی معروف به ابن القیسرانی (م ۵۰۷)، به کوشش ک. ی. الحوت، بیروت، ۱۹۹۱
المؤتلف و المختلف، علی بن عمر بن احمد البغدادی الدارقطنی (م ۳۸۵)، به کوشش م.ع. عبدالقادر، بیروت، ۱۹۸۶
موسوعة طبقات الفقهاء، جعفر السبحانی، قم، ۱۴۱۸
موضح اوهام الجمع و التفریق، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت البغدادی معروف به خطیب (م ۴۶۳)، حیدرآباد، ۱۹۶۰
الموضوعات، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی القرشی البغدادی معروف به ابن الجوزی (م ۵۹۷)، به کوشش ع. م. عثمان، مدینه، ۱۹۶۶
مهج الدعوات، رضی الدین علی بن موسی ابن طاوس الحسنی الحلی (م ۶۶۴)، تهران، ۱۴۱۶
میزان الاعتدال، شمس الدین ذهبی (م ۷۴۸)، به کوشش ع. م. البجاوی، قاهره، ۱۹۶۳
الناسخ و المنسوخ فی القرآن، ابوعبید قاسم بن سلام الهروی (م ۲۲۴)، به کوشش م. س. المدیفر، ریاض، ۱۹۹۰
الناسخ و المنسوخ فی القرآن، عمر بن احمد البغدادی معروف به ابن شاهین (م ۳۸۵) به کوشش م. ا. الحفناوی، المنصوره، ۱۹۹۵
نجاشی = رجال النجاشی

ص: ۵۱۴

النجوم الزاهرة، یوسف بن تغری بردی بن عبدالله الاتابکی معروف به ابن تغری بردی (م ۸۷۴)، قاهره، ۱۹۶۳
نسب قریش، مصعب الزبیری (م ۲۳۶)، به کوشش E. Levi-Provencal، قاهره، ۱۹۵۳

نسب معد و الیمن الکبیر، ابوالمنذر هشام بن محمد بن السائب (م ۲۰۴)، به کوشش ن. الحسن، بیروت، ۱۹۸۸
نسیم الریاض فی شرح شفاء القاضی عیاض، شهاب الدین احمد بن محمد بن عمر المصری الخفاجی (م ۱۰۶۹)، قاهره، ۱۳۲۵
نقض العثمانیة، ابوجعفر محمد بن عبدالله الاسکافی (م ۲۴۰)، به کوشش ع. م. هارون، قاهره، ۱۹۵۵ (همراه عثمانیه جاحظ: ۲۸۱ ـ ۲۴۳)
نقض کتاب الاشهاد، ابوجعفر محمد بن عبدالرحمن ابن قبة الرازی (اواخر قرن سوم)، به کوشش حسین مدرسی، پرینستون، ۱۹۹۳ (در کتاب Crisis and Consolidation in the FormativePeriod of Shiite Islam: ۱۷۱ ـ ۲۰۱)
نکت الانتصار، محمد بن الطیب البصری الباقلانی (م ۴۰۳)، به کوشش م. ز سلامة، اسکندریه، ۱۹۷۱
النوادر، احمد بن محمد بن عیسی الاشعری القمی (میانه قرن سوم)، قم، ۱۴۰۸
نوادر بزنطی = الاحادیث المنتزعة من نوادر البزنطی، احمد بن محمّد بن ابی نصر بزانطی (م ۲۲۱)، قطعه ای در مستطرفات ابن ادریس (قم، ۱۹۸۷): ۲۵ ـ ۳۷
نوادر، محمد بن علی بن محبوب الاشعری القمی (میانه قرن سوم)، قطعه ای از آن در مستطرفات ابن ادریس، قم (۱۹۸۷): ۹۳ ـ ۱۱۰
نوادر علی بن اسباط (اوائل قرن سوم)، تهران، ۱۳۷۱ (در الاصول الستة عشر: ۱۲۰ – ۱۳۲)
نهایة الاقدام، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم الشهرستانی (م ۵۴۸)، به کوشش A. Guillame، لندن، ۱۹۳۴
النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، مبارک بن محمد الشیبانی الجزری مشهور به ابن الاثیر (م ۶۰۶)، به کوشش ط. ا. الزاوی، (و) م. م. الطناحی، قاهره، ۱۹۶۳
نهج البلاغه، ابوالحسن محمّد بن الحسین الموسوی الشریف الرضی (م ۴۰۶)، به کوشش صبحی صالح، بیروت، ۱۳۸۷
نهج البلاغه، نسخة جدیدة محققه و موثقة، صبری ابراهیم السید، قطر، ۱۹۸۶
الوافی بالوفیات، صلاح الدین خلیل بن ایبک الصفدی (م ۷۶۴)، به کوشش H. Ritter و دیگران، استانبول و ویسبادن، ۱۹۳۱
الوزراء و الکتاب، محمد بن عبدوس الکوفی الجهشیاری (م ۳۳۱)، به کوشش ع. الصاوی، بغداد، ۱۹۳۸
وسائل الشیعة، محمد بن الحسن المشغری – الحر العاملی (م ۱۱۰۴)، به کوشش ع. ربّانی الشیرازی (و) م. الرازی، تهران، ۱۳۷۶

وفیات الاعیان، ابوالعباس احمد بن محمد البرمکی الاربلی معروف به ابن خلکان (م ۶۸۱)، به کوشش ا. عباس، بیروت، ۱۹۶۸
وقعة صفین، نصر بن مزاحم المنقری (م ۲۱۲)، به کوشش ع. م. هارون، قاهره، ۱۳۸۲

الهدایة الکبری، ابوعبدالله حسین بن حمدان بن الخصیب[312] الجنبلائی معروف به خَصیبی[313] (م ۳۴۶ یا ۳۵۸)، بیروت، ۱۹۸۶
الهفوات النادرة، محمد بن هلال الصابی (م ۴۸۰)، به کوشش ص. الاشتر، دمشق، ۱۹۶۷
الهم و الحزن، عبدالله بن محمد بن عبید القرشی البغدادی ابن ابی الدنیا (م ۲۸۱)، به کوشش م. ف. السید، قاهره، ۱۹۹۱
الیقین، رضی الدین علی بن موسی ابن طاوس الحسنی الحلی (م ۶۶۴)، به کوشش انصاری، بیروت، ۱۹۸۹

ص: ۵۱۶

---

۳۱۲. ببینید الهدایة الکبری: ۵۴

۳۱۳. نُصَیری ها که پیروان این شخص هستند، در روزگار ما، نام این شخص را این گونه تلفظ می کنند، لذا ضبط خُصَیْبی در کتاب Crisis مؤلف باید به این تلفظ تصحیح شود.

منابع لاتین

A'ẒAMĪ, Muḥammad Muṣṭafā,
— *Dirāsāt fī 'l-ḥadīth al-Nabawī*, Riyadh, 1396
— *Ḥadīth, Methodology and Literature*, Indianapolis, 1977
BAR-ASHER, Meir M., *Scripture and Exegesis in Early Imami Shiism*, Leiden, 1999
CHESTER BEATTY = *The Chester Beatty Library, A Handbook of the Arabic Manuscripts*, by Arthur J. Arberry, Dublin, 1955
COOK, Michael, *Early Muslim Dogma*, Cambridge, 1981
ESS, J. van, *Theologie und Gesellschaft im 2. und 3. Jahrhundert Hidschra*, Berlin and New York, 1991
JEFFERY, Arthur, *Materials for the History of the Text of the Qur'ān*, Leiden, 1937
KOHLBERG, Etan, *A Medieval Muslim Scholar at Work*, Leiden, etc., 1992
— *"Al-Uṣūl al-arba'umi'a,"* in *Jerusalem Studies in Arabic and Islam* 10 (1987), 128-66 (now in his collection of articles, *Belief and Law in Imāmī Shī'ism*, VII)
MADELUNG, Wilferd, *Der Imam al-Qāsim ibn Ibrāhīm und die Glaubenslehre der Zaiditen*, Berlin, 1965
MODARRESSI, Hossein, *Crisis and Consolidation in the Formative Period of Shī'ite Islam*, Princeton, 1993
— "Early Debates on the Integrity of the Qur'an," *Studia Islamica* 77 (1993): 5-39
SEZGIN, Fuat, *Geschichte des arabischen Schrifttum*, Leiden, 1967
SHARON, Moshe, *Black Banners from the East*, Jerusalem and Leiden, 1983

ص: ۵۱۸

فهرست راهنما

(بر اساس شماره صفحات لاتین که در داخل متن است)

آذربایجان، ۲۶، ۲۲۱

آل اعین، ۱۴۰، ۲۲۶، ۲۳۱، ۲۳۹، ۳۸۳، ۴۰۴

اباضی، ۲۶۰، ۲۶۶

ابان بن ابی عیاش، ۸۵، ۸۶، ۱۱۰

ابان بن تغلب، ۱۰۷- ۱۶

ابان بن عثمان احمر، ۱، ۲۹ – ۳۱، ۳۹۴

ابان بن عثمان بن عفان، ۱۳۰

ابان بن عمر اسدی، ۴۳

ابان بن یزید بن احمد بصری عطار، ۱۱۱

ابراهیم المهاجر البجلی الکوفی، ۱۰۵

ابراهیم بن ابی بکر بن ابی سمال الاسدی، ۲۸۳ـ۲۸۵

ابراهیم بن ابی حفص بجلی، ۱۰۵

ابراهیم بن الولید، ۱۳۵

ابراهیم بن حراسه، بنگرید: ابراهیم بن رجاء شیبانی

ابراهیم بن رجاء الشیبانی، ابن حراسه، ۲۹۰ـ۲۹۱

ابراهیم بن زبرقان، ۲۰۳

ابراهیم بن شعیب میثمی، ۴۳

ابراهیم بن عبدالله بن الحسن، ۱۲۷، ۳۲۵

ابراهیم بن عمر الیمانی، ۲۲۶، ۲۹۱ـ ۲۹۳

ابراهیم بن عیسی،ابوایوب خراز، ۲۸۵

ابراهیم بن محمد بن ابی یحیی المدائنی، ۲۸۶ـ۲۸۸

ابراهیم بن محمد ثقفی، ۱۴

ابراهیم بن مهزم بن ابی بریده، ۲۸۶

ابراهیم بن نضر، ۴۳

ابراهیم بن نعیم، ابوالصباح الکنانی، ۲۸۹

ابراهیم بن هاشم قمی، ۶۷، ۱۴۸، ۲۴۱، ۳۶۷

ابن ابی الثلج، بنگرید: محمد بن احمد الکاتب البغدادی

ابن ابی الخطاب، بنگرید: محمد بن حسین بن ابی الخطاب

ابن ابی المقدام، بنگرید: عمرو بن ثابت
ابن ابی حاتم، ۳۹۶
ابن ابی حراسه، ۲۹۰
ابن ابی حمزه، بنگرید: علی بن ابی حمزه بطائنی،
ابن ابی خدره، ۳۳۹
ابن ابی سبره، بنگرید: ربیع بن عبدالله بن جارود
ابن ابی سمال، ۲۸۳
ابن ابی عمیر، ابواحمد محمد بن زیاد ازدی، ۱۳۱، ۱۷۰، ۱۸۷، ۱۸۸، ۲۰۹، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۳۱، ۲۳۶، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۶۰، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۹۳، ۲۹۹، ۳۰۳، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۲۶، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۱، ۳۵۴، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۷۱، ۳۷۳، ۳۸۱، ۳۸۷، ۳۹۵، ۳۹۸، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲
ابن ابی لیلی، ۱۰۹
ابن ابی یحیی، بنگرید: ابراهیم بن محمد بن

ابی یحیی
ابن ابی یعفور، بنگرید: عبدالله بن ابی یعفور
ابن الاشعث، بنگرید: عبدالرحمان بن محمد بن اشعث
ابن الجعابی، بنگرید: محمد بن عمر التمیمی
ابن الحجاج، بنگرید، عبدالرحمان بن الحجاج
ابن الحراسه، بنگرید: ابراهیم بن رجاء شیبانی
ابن الحریش، بنگرید: حسن بن العباس الحریش الرازی
ابن الحنفیه، بنگرید: محمد بن الحنفیه
ابن القداح، بنگرید: عبدالله بن میمون القداح
ابن النجاشی: ۲۸۴
ابن تیمیه، ۱۴
ابن حمام، بنگرید: محمد بن حمام الاسکافی
ابن رستم الطبری، ۲۱
ابن سعد، ۳۹۶
ابن شهاب الزهری، محمد بن مسلم، ۳۶
ابن عباس، بنگرید: عبدالله بن عباس
ابن عبده، بنگرید: محمد بن عبدالرحمان العبدی
ابن عربی: بنگرید: محیی الدین بن عربی

ابن عقده، احمد احمد بن محمد بن سعید کوفی، ۶۱، ۱۴۱، ۲۳۰، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۹۸، ۳۶۹
ابن عیاش، بنگرید: احمد بن محمد بن عبید اللله الجوهری
ابن فهد، بنگرید: احمد بن محمد بن فهد هلالی، ۳۳۶
ابن مسکان، بنگرید: عبداللله بن مسکان
ابواحمد زبیری(محمد بن عبدالّله)، ۱۶۳، ۱۶۴
ابواراکه بجلی، ۱۹۱، ۱۹۲
ابواسحاق سبیعی (عمر بن عبد الّله همدانی)، ۴۶، ۵۶، ۵۹، ۶۲
ابواسماعیل اسدی، ۲۱۴، ۲۸۴
ابواسماعیل بصری، ۲۲۶
ابوالبختیار(وهب بن وهب)
ابوالعباس سفاح، ۱۹۵، ۳۰۲، ۳۲۶
ابوالفرج اصفهانی، ۲۷۶
ابوایوب خوزی، ۳۵۹
ابوبجیر بن سماک، ۲۸۴
ابوبجیر بن سماک اسدی، ۲۸۴
ابوبکر بن عیاش، ۳
ابوجارود زید بن منذر همدانی، ۳۷، ۳۸، ۶۱، ۵-۱۲۱، ۳۶۱
ابوحمزه ثمالی(ثابت بن دینار)، ۳۵، ۳۸، ۱۸۴، ۲۳۱، ۳۸۴، ۹ - ۳۷۷
ابوحنیفه، ۲۴۴
ابوخطاب(محمد بن ابی زینب اسدی)، ۱۲۸، ۲۱۳، ۳۶۸
ابوذر غفاری، ۱، ۸۱
ابورافع، ۴-۲۲، ۳۴۸
ابوزرعه دمشقی، ۳۹۶
ابوسرایا (سریه بن منصور شیبانی)، ۹۱، ۱۲۲
ابوسریه، ۷۸
ابوسفیان، ۳۴۶
ابوسلمه خلال، ۱۹۵
ابوشاکر میمون بن دیصان، ۲۶۵
ابوشعیب محاملی، ۳۳۷
ابوطالب بن عبدالمطلب، ۴۴، ۲۴۸، ۲۶۶
ابوطالب شعرانی، ۳۷۴
ابوطالب یحیی بن حسین هارونی، ۲۴۱
ابوعبدالرحمان سلمی(عبدالّله بن حبیب)، ۳
ابوعبید قاسم بن سلام، ۱۲۹، ۱۸۱

ابوعبیده احول، ۳۲۶
ابوعبیده حذّاء، ۱۸-۱۱۶
ابوعبیده معمر بن مثنّی، ۱۲۹، ۳۲۵
ابوعلی جبائی، ۲۶۷

ابوفاخته، ۲۴۸
ابوکهمس، ۱۰۴
ابولهب، ۱۶۶
ابومالک ضحاک حضرمی، ۲۱۶
ابومسلم، ۱۹۵
ابومفضل شیبانی، ۳۶۳
ابومنصور جهنی، ۸۲
ابومنصور عجلی، ۲۶۵
ابوهارون عبدی، ۸
ابویوسف یعقوب بن ابراهیم کوفی، ۱۰۴
اجلح بن عبدالله کندی، ۲۳۰
احمد بن حسن بن اسماعیل میثمی، ۴۳
احمد بن حسن بن سعید خزاز، ۲۷۶
احمد بن حنبل، ۹۲، ۱۶۳، ۲۰۵، ۳۹۶
احمد بن رزق غمشانی، ۹-۱۷۸
احمد بن سعید، ۳۰۰
احمد بن عائذ احمسی، ۱۷۷، ۳۶۸
احمد بن عبدالملک بن علی نیشابوری، ۲۱
احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی (ابومنصور)، ۲۲
احمد بن علی بن شعیب نسایی، ۱۵
احمد بن علی عقیقی، ۱۱۷
احمد بن عمر حلاّل، ۱۷۷
احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، ۱۳۱، ۱۳۸، ۱۶۳، ۲۱۵، ۲۱۶
احمد بن محمد بن جعفر صولی بصری، ۲۱
احمد بن محمد بن خالد برقی، ۲۱۲، ۳۸۵، ۳۹۰
احمد بن محمد بن عبدربه، ۱۴

احمد بن محمد بن عبیده اللّه جواهری(ابن عیاش)، ۸۷

احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی، ۱۵۱

احمد بن میثم، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۴

احمد بن هلال، ۱۹۷

احمس، ۱۷۷، ۲۷۷

اخبار الزهراء، ۲۱

اخبار جابر الجعفی، ۸۷

اخبار علی بن الحسین (ع)، ۳۶

اخبار فاطمه (س)، ۲۱

اخطل، ۲۰۲

اُدیم بن الحُرّ، ۲۱۲، ۵ ـ ۳۸۴

ارمنیا، ۲۲۱

ازد، ۲۴۰، ۳۴۸، ۳۵۳، ۳۷۹، ۴۰۱

اسباط بن سالم بیاع زطی، ۲۰۹ـ۲۱۰

اسبدی، ۲۲۷، ۲۲۸

استطاعة، ۱۴۰، ۲۱۳، ۲۱۷، ۳۴۲

اسحاق بن بشیر الخراسانی، ابوحذیفة، ۳۰۰

اسحاق بن بشیر الکاهلی، ۳۰۱ ـ ۳۰۰

اسحاق بن بشیر النبال، ۱۹۱

اسحاق بن جریر البجلی، ۳ ـ ۳۰۲، ۳۱۱

اسحاق بن جعفر الصادق، ۲ ـ ۳۰۱

اسحاق بن شعیب المیثمی، ۴۳

اسحاق بن عبیداللّه الفرازی العرزمی، ۱۷۵

اسحاق بن عمار الصیرفی، ۲۹۹

اسحاق بن غالب، ۱۴۱

اسحاق (ع)، ۳۳۶

اسد خزیمه، ۱۶۳، ۲۱۱، ۲۵۷، ۲۸۳، ۳۰۰، ۳۶۵

اسد ربیعه، ۱۰۳، ۱۳۳، ۱۵۹، ۱۷۶، ۱۸۰

اسماعیل بن ابان بن اسحاق الازدی الوراق، ۲۲۸، ۲۲۹

اسماعیل بن ابی بکر بن ابی السمال الاسدی، ۲۸۳، ۲۸۴

اسماعیل بن ابی زیاد السکونی، ۵ ـ ۳۰۴

اسماعیل بن اسحاق الجهضمی الازدی، ۱۵

اسماعیل بن جابر الخثعمی، ۶ ـ ۳۰۵

اسماعیل بن حسن بن اسماعیل المیثمی، ۴۳

اسماعیل بن شعیب المیثمی، ۴۳
اسماعیل بن عبدالخالق الاسدی، ۴ ـ ۳۰۳

اسماعیل بن عبدالعزیز بن عبداللّه العبدی، ۱۳۳
اسماعیل بن عبیداللّه بن الولید الوصّافی، ۳۸۲
اسماعیل بن مهران السکونی، ۱۳، ۸۱، ۲۵۰
اسماعیل بن میثم التمار، ۴۲
اسماعیل (ع)، ۳۳۶
أُسیّدیان، ۸ ـ ۲۲۷
اشعث بن قیس، ۲۶
اشعری، ۱۳۹
اصبغ بن نباته، ۱۷، ۵۹ ـ ۷۳، ۱۱۹، ۱۲۰
اصفهان، ۲۶
اصل محمد بن مثنی حضرمی، ۲۷۴، ۳۰۶
اصول الشرائع، ۳۱۸
اعمش، نکـ : سلیمان بن مهران
افادة البصیر، ۱۵۰
افعل لاتفعل، ۳۳۹
أُقَیْشِر، ۲۰۲
الاربعین فی فضائل الزهراء، ۲۱
الثغور الباسمة، ۲۲
الدعامه فی تثبیت الامامه، ۲۴۱
السید الحمیری، ۸۹، ۲۸۴
الصحیفة السجادیة، ۳۴
الصحیفة السجادیة الجامعة، ۳۵
الصحیفة الکاملة، ۳۴
الکوثر، ۲۲
المسائل، ۳۴۷، ۳۸۱، ۳۸۲
المناسک، ۳۸، ۲۰۲
الیاس بن مضر، ۱۶۴
امالی احمد بن عیسی، ۲۷۶

ام حسین، دختر عبداللّه بن محمد الباقر، ۲۹۴
ام هانی، دختر ابوطالب، ۲۴۸
انس بن عیاض لیثی ابوضمره، ۲۰۷ ـ ۲۰۸
انوار العقول فی اشعار الرسول، ۱۶
اهلیجة، ۳۳۴
اهواز، ۲۸۴
ایاض بن حبیب بجلی احمسی، ۱۷۷
ایاض بن نباته، ۱۷۷۵
ایوب بن راشد، ۱۳۸
باهله، ۱۴۶، ۳۹۳
بتریه، ۱۰۵، ۲۵۶
بجیله، ۱۰۵، ۱۲۹، ۱۶۸، ۱۷۷، ۲۳۵، ۲۴۳، ۲۷۷، ۳۱۸، ۳۳۹، ۳۷۴
بخارا، ۳۰۰
برید بن معاویه عجلی، ۲۱۳ ـ ۲۱۴، ۳۵۸
بشر بن معتمر، ۲۶۶
بشیر المحمدی المازندرانی، ۳۴۵، ۳۴۶، ۴۰۵
بشیر نبال، ۱۹۱، ۱۹۲
بکر بن صالح رازی، ۱۴۴ ـ ۱۴۵
بکر بن وائل، ۱۰۷، ۱۱۷، ۱۹۲، ۲۰۵، ۲۱۰، ۳۲۵، ۳۸۳
بلخ، ۲۹۰
بن سعید القماط، ۳۶۷
بنو اسد، ۴۲، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۶۳، ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۰۸، ۳۰۳، ۳۰۵، ۳۳۱، ۳۶۶ ـ ۳۶۷، ۳۸۰، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۱، ۳۹۵، ۳۹۸
بنو اسلم، ۱۶۴، ۲۸۶
بنو الحسن، ۱۹
بنو تغلب، ۲۹۹
بنو تمیم، ۵۹، ۱۱۸، ۱۶۳، ۱۸۷، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۳۴۰
بنو جریر، ۱۰۷
بنو حنظله، ۱۱۸
بنو حنیفه، ۲۱۰
بنو زهره بن کلاب، ۱۵۸، ۳۵۸، ۳۶۵
بنو ساعده، ۱۱۶، ۲۰۵
بنو سعد بن بکر، ۱۹۰
بنو سکون، ۳۰۴
بنو شیبان، ۱۹۲، ۲۳۹، ۳۴۲، ۳۸۳، ۴۰۴

بنو ضبه، ۲۱۱
بنو ضبیع، ۳۶۶
بنو عبدالقیس، ۱۰۳، ۱۳۳، ۱۷۶، ۳۲۵
بنو عجل، ۱۰۵، ۱۱۷، ۲۰۵، ۳۶۶، ۳۹۹
بنو عنزه، ۱۵۰
بنو عوف، ۲۴۴، ۳۴۸
بنو کاهل، ۱۶۳، ۲۵۷، ۳۰۰، ۳۶۵
بنو کلب بن وبره، ۳۸۵
بنو کوز، ۲۱۱
بنو لیث بن بکر بن عبدمنات، ۲۰۷
بنو محارب، ۱۸۳
بنو مخزوم، ۱۴۵، ۱۴۶، ۲۳۵
بنو مراد، ۲۲۴
بنو منقر، ۲۲۶
بنو نصر بن قعین، ۲۰۲
بنو نهد، ۱۷۹، ۲۲۵، ۳۴۲
بنو وابش، ۱۹۲
بنو هاشم، ۱، ۱۵۸، ۲۰۲، ۲۴۸، ۳۰۹، ۴۰۲
بنو هلال بن عامر، ۳۷۲
بواب، ۸۹
بیاع الجواری، ۳۵۱
بیاع الریر، ۱۶۷
بیاع الزطی، ۱۳۸، ۲۰۹
بیاع السابوری، ۱۶۹، ۲۳۸، ۲۷۲، ۳۲۷، ۳۷۱، ۳۸۸
بیاع القز، ۳۶۹
بیاع القلانس، ۳۱۱
بیاع الکرابیش، ۲۶۰
بیاع الهروی، ۱۷۷، ۲۱۲، ۳۸۴
بیزنطی ها، ۱۴۰، ۳۴۶، ۴۰۴
بین النهرین، ۱۳۴، ۱۷۱، ۲۶۸

ترمذی، نک: محمد بن عیسی السلمی، ۱۶۲
تزَیُّد، ۱۴۶
تسمیة من شهد مع علی من اصحاب رسول اللّه، ۳۲
تسمیة من قُتل مع الحسین من ولده و اخوته و شیعته، ۱۶۴
تشیع کیسانی، ۹۱، ۱۱۰، ۱۱۵
تفسیر الباطن، ۱۸۸
تفسیر الباقر (ع)، ۳۷، ۳۸، ۱۲۲
تفسیر القرآن، ۳۷، ۱۲۲، ۲۵۰، ۳۷۷
تفسیر اهل البیت، ۹۴
تفسیر غریب القرآن، ۱۱۲، ۲۰۲
تفسیر [سورة] قل هو اللّه احد، ۳۹۱
تمیم، نک: بنی تمیم
تیمی، ۱۷۲
تیمیة، ۴۰۴
ثابت بن دینار، نک: ابوحمزة الثمالی
ثابت بن شریح الازدی الانباری، ۳۷۹
ثابت بن هرمز، ابوالمقدام، ۲۰۵
ثعلبة بن میمون النحوی، ۳۱۷، ۳۸۰
ثقیف، ۱۸۰، ۲۳۶، ۳۴۴، ۳۵۸، ۳۸۸
ثوبان بن سالم الیشکری، ۱۹۸
ثور بن یزید، ۳۰۴
ثویر بن ابی فاخته، ۲۴۸
جابر الجعفی، ۱۰۳ ـ ۸۶، ۱۸۴، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۷۴، ۲۹۹، ۳۰۶، ۳۵۲
جابر بن سمرة بن جنادة السوائی، ۳۵۸
جابر بن عبداللّه الانصاری، ۸۹، ۱۴۹، ۱۶۷
جاتها، ۱۳۸، ۲۰۹
جارود بن ابی سبرة الهذلی، ۳۶۱
جازیه، ۱۳۴
جامع، ۲۲۸، ۳۸۰، ۳۸۱
جامع الحلبی، ۳۸۱
جامعة، ۴، ۱۸، ۲۲۸
جبرئیل، ۱۷، ۱۸
جبلة بن عیاض، ۲۰۷
جراح المدائنی، ۳۰۹

جراح بن عبداللّه المدنی، ۳۰۹
جراح بن ملیح الرُئاسی، ۱۵۸، ۴۰۲

ص: ۵۲۳

جرجرایا، ۳۴۲
جرم، ۱۹۰، ۳۴۰
جریر بن عبداللّه البجلی، ۲۳۵، ۳۰۲
جریر بن یزید بن جریر بن عبداللّه البجلی، ۳۰۲
جزء فی فضائل فاطمة، ۲۱
جعدة بنت هبیرة المخزومی، ۳۵۵
جعفر بن ابی طالب، ۸۳
جعفر بن بشیر البجلی، ۲۱۷، ۳۶۳
جعفر بن عبداللّه المحمدی، ۳۲۲
جعفر بن محمد بن الخشاب، ۲۳۰
جعفر بن محمد بن حکیم، ۱۶۵
جعفر بن محمد شریح الحضرمی، ۳۰۶
جعفر بن محمد عبیداللّه الاشعری، ۱۴۷، ۱۴۸
جعفر بن یحیی بن العلاء البجلی الرازی، ۳۹۴
جعفی، ۲۱۲
جفر، ۵، ۱۸
جلال الدین السیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۶، ۲۲
جمیل بن دراج النخعی، ۸ ـ ۳۰۷، ۳۴۳، ۳۵۳
جمیل بن صالح الاسدی، ۹ ـ ۳۰۸
جناح الکوفی، ۹۳، ۲۴۱
جواد القیومی الاصفهانی، ۳۵
جوالیقی، نک: هشام بن سالم
جهاد مقدس، ۲۳۴
چهارده معصوم، ۱۷
حاتم بن اسماعیل مدائنی، ۲۵۸ـ۲۵۹
حجاج بن یوسف ثقفی، ۲۲، ۶۰، ۷۴، ۷۵، ۸۲
حجاز، ۳۹
حجر بن زائدة الحضرمی، ۲۷۲ـ۲۷۳

حجر بن عدی، ۴۰، ۲۰۲
حدائق الانیقه، ۱۶
حدیث الغدیر، ۲۹۱
حدیث الکمیل، ۷۷
حدیث المنزله، ۶، ۳۳۹
حدیث فضل بن یونس الکاتب، ۲۲۲
حدیث مع الحقیقه، ۷۹
حدید بن حکیم مدائنی، ۳۵۳
حذیفة بن منصور۷ ۲۷۲
حرام بن سعد بن کعب، ۳۴۱
حریث العار،۱۷، ۲۶، ۴۵ـ۵۹، ۶۱، ۶۲
حریث بن عبدالله بن ابی ربیعه مخزومی، ۱۴۵
حریث بن محمد الاحول، ۲۴۳
حریث بن مغیره نصری، ۲۴۲ـ ۲۴۳
حریز بن عبدالله السجستانی، ۲۲۵، ۲۴۴ ـ ۲۴۷، ۳۴۲، ۳۴۵
حسن الجمال، ۲۵۷ـ۲۵۸
حسن بن اسماعیل بن شعیب المیثمی، ۴۳
حسن بن الحسین العرنی، ۲۵۴ـ۲۵۵
حسن بن حذیفه بن منصور، ۲۷۲
حسن بن راشد، ۲۵۵ـ ۲۵۶، ۳۶۲
حسن بن سعید الاهوازی، ۴۰۳
حسن بن شجره البجلی، ۱۹۱
حسن بن صالح بن الحی، ۲۵۶ ـ ۲۵۷، ۲۶۵
حسن بن صالح میثمی، ۴۳
حسن بن عباس الحریش الراضی، ۱۷۲
حسن بن عبدالله بن الرسان، ۱۶۴
حسن بن عطیه الدغشی المحاربی، ابوناب، ۱۸۷
حسن بن علی العدوی، ۳۴۷ـ۳۴۸
حسن بن علی الوشاء، ۱۳۱، ۱۷۸، ۲۳۹، ۳۰۷، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۵۷
حسن بن علی بن ابی حمزه، ۱۸۳ـ ۱۸۵
حسن بن علی بن یوسف بن بقاح، ۳۵۷
حسن بن علی فضال، ۱۴۰، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۷۹، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۲۷، ۲۳۹، ۳۱۹، ۳۳۳، ۳۸۰، ۳۹۹
حسن بن قپانچی، ۱۶

حسن بن محبوب، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۴۲، ۱۴۸، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۲۳، ۲۳۲، ۲۳۶، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۵۶، ۲۸۵، ۲۸۶، ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۱۷، ۳۴۲، ۳۶۰، ۳۶۵، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۹، ۳۹۷
حسن بن محمد الحضرمی، ۴۰۳
حسن بن محمد بن سماعه، ۱۹۲، ۳۵۴، ۳۹۱، ۳۹۲
حسن بن موسی النوبختی، ۲۶۶
حسن بن مهران النخعی، ۲۵۷
حسن محمد بن عبید الله الارزمی، ۱۷۵
حسین بن ابی العلاء، ۲۷۴
حسین بن ابی غندر، ۲۷۵
حسین بن الاحمسی، ۲۷۷، ۲۷۹
حسین بن ثویر بن ابی فاخته، ۲۴۹
حسین بن جعفی، ۲۰۴
حسین بن زید بن علی، ذوالدمعه، ۲۸۰ـ۲۸۳
حسین بن سعید اهوازی، ۳۵۹، ۳۶۰
حسین بن شیخ الاسلامی تویسرکانی، ۲۲
حسین بن عثمان احمسی، ۲۷۷ـ۲۷۹
حسین بن عثمان بن شریک عامری، ۲۷۸، ۲۷۹ـ۲۸۰
حسین بن علوان کلبی، ۲۰۳
حسین بن علی بن حسن، صاحب فخ، ۱۲۷، ۱۹۵، ۲۹۴
حسین بن مخارق سلولی ۲۷۵ ـ ۲۷۷
حسین بن یزید نوفلی، ۳۰۴، ۳۰۵
حضارمه، ۳۶۹
حفص بن البختری، ۲۳۰ ـ ۲۳۱
حفص بن سالم ابوولاد حناط، ۲۳۵
حفص بن سلیمان کوفی، ۳
حفص بن سوقه، ۲۳۵ـ۲۳۶
حفص بن غیاث قاضی، ۲۳۱ـ۲۳۵
حکم بن اب یالعاص، ۸۳
حکم بن سعد الاسدی الناشری، ۳۵۹
حکم بن مسکان ثقفی، ۲۳۶ـ۲۳۸
حلال، ۱۷۷

حلب، ۳۳۷

حلوان، ۲۰۰

حلیف، ۳۵۸

حماد بن ابی طلحه، ۲۳۸

حماد بن عثمان الناب، ۲۳۹، ۳۸۱، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۹۸

حماد بن عیسی جهنی، ۲۲۵، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۷۷، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۴۲، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۷۱

حمران بن اعین شیبانی، ۲۳۹

حمزة بن حمران شیبانی، ۲۳۹ـ۲۴۰

حمزة بن عبدالمطلب، ۸۳

حمزة بن میثم تمار، ۴۲

حمص، ۳۹، ۷۴

حمید بن زیاد دهقان، ۲۴۵، ۲۵۱، ۳۶۳

حمید بن شعیب سبیعی، ۹۳، ۲۷۴، ۳۰۶

حمید بن مثنی عجلی، ۲۷۳ـ۲۷۴

حنان بن سدیر صیرفی، ۲۴۰ـ۲۴۲

حوثی، ۴۵

حیره، ۳۰۲

خارف، ۴۵

خالد السندی البزاز، ۱۴ ـ ۳۱۳

خالد بن اوفی، ابوالربیع الشامی، ۳۱۰

خالد بن جریر البجلی، ۳۱۰، ۳۱۱

خالد بن سعید القماط، ۱۳ ـ ۳۱۲

خالد بن طهمان السلولی، ۳۱۳

خالد بن ماد القلانسی، ۳۱۲، ۳۱۱

خبر وفات سلمان الفارسی، ۶۱

خثعم، ۱۳۷، ۳۴۱

خراسان، ۲۲۳، ۳۰۰، ۳۵۵، ۳۷۳

خرقه، ۷۶

خزاعة، ۱۵۸، ۲۷۲، ۳۵۰

خزرج، ۲۱۲

خزیمة بن یقطین، ۱۹۵
خطبة الوسیلة، ۱۰۳
خلاد بن خالد المقریء، ۳۱۴
خلاد بن خلف المقریء، ۳۱۴
خلاد بن عیسی، ۳۱۴
خلاس بن عمرو الهجری البصری، ۸، ۴۶، ۵۸
خوارج، ۱۹۰، ۲۱۶، ۲۴۴، ۲۶۶، ۳۳۹
خیبری بن علی الطّحمان، ۲۴۹، ۱۵ ـ ۳۱۴
دارالؤلؤ، ۳۶۳
دارین، ۲۲۷، ۲۲۸
دافن، بنگرید: ابومالک بن محمد بن عمر بن علی بن ابی طالب
داود بن الحسین، ۲۱۴ ـ ۲۱۵، ۲۲۰
داود بن سرحان، ۲۱۵ ـ ۲۱۶
داود بن علی، ۳۲۶
داود بن فرقد، ۲۱۴
داود بن کثیر رقی، ۸۹
درست بن ابی منصور واسطی، ۲۱۸ ـ ۲۲۰
دعات، ۶
دعاء ابی حمزه، ۳۷۹
دعاء سمات، ۳۳۶
دعاء شبور، ۳۳۶
دعاء صحیفه، ۳۴
دعاء کمیل، ۷۹
دمشق، ۱۳۵
دورکیپر (doorkeeper)، ۸۹
دیات ظریف بن عاصم، ۱۳
دیلم، ۳۷۳
دیوان زین العابدین، ۳۰۶
دیوان علی (ع)، ۱۶
ذبیان بن حکیم عودی، ۳۵۵
ذریح بن محمد محاربی، ۲۱۷
ذوالدمعه، بنگرید: حسن بن زید بن علی
ذوقرد، ۱۳۰
رافضة، ۲۶۶

رأی، ۱۴۰
ربعی بن عبداللّه الهذلی، ۲۲۵، ۲ ـ ۳۶۱
ربیع بن محمد المُسلی الاصم، ۳۶۰
ربیع بن یونس، ابن ابی فروة، ۱۵۸
ربیعه، ۱۰۵، ۱۵۷، ۳۲۰، ۳۲۵
ربیعة بن سُمیع، ۳۳
رجاء بن ابی سلمة مهران، ابوالمقدام، ۲۹۰
رجاء بن سلمة، ۲۹۰
رجعت، ۹۱
رُزیق بن زبیر الخلقانی، ۳ ـ ۳۶۲
رسالة ابی جعفر الیه، ۱۱۹
رسالة الحقوق، ۳۵، ۳۷۹
رسالة الی بعض اصحابه، ۳۵
رسالة مَیّاح، ۳۳۶
رسول جعفریان، ۱۳۰
رشید الهجری، ۴۰
رضا استادی، ۱۴
رفاعة بن موسی النخاس، ۶۱ ـ ۳۶۰
رقة، ۲۰۲، ۳۲۱
روح بن عبدالرحیم، ۳۶۲
ری، ۲۰۰، ۳۹۳، ۳۹۴
زبیر بن العوام، ۱۰۶، ۲۶۷
زرارة بن اعین، ۱۷۷، ۲۱۳، ۲۴۷، ۵ ـ ۴۰۴
زرعة بن محمد الحضرمی، ۴۰۳
زرقان، ۲۶۵
زکریا بن محمد المؤمن، ۴۰۱ ـ ۴۰۰
زمعة بن سُبیع، ۳۳
زندیق، ۲۶۳
زهیر بن معاویه الجعفی الکوفی، ۹۲
زیاد بن احرم، ۱۱۷
زیاد بن احمر العجلی الکوفی، ۱۱۷
زیاد بن المنذر الهمدانی، نک: ابوالجارود
زیاد بن سوقة، ۲۳۵

زیاد بن مروان القندی، ۳ ـ ۴۰۲

زید، ۲۸۰

زید الزراد، ۴۰۱، ۴۰۲

زید النرسی، ۴۰۱، ۴۰۲

زیدان بن عمر، ۲۳۰

زید بن عبداللّه بن دارم، ۲۲۸

زید بن علی، ۳۵، ۳۸، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۶۳، ۱۹۵، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۳۰، ۲۸۰، ۳۷۴

زید بن عمر، ۲۳۰

زید بن وهب، ۱۳، ۸۲ ـ ۸۰

زید بن یونس الشحام، ۲ ـ ۴۰۱

زیدیه جارودیه، ۱۰۵، ۱۲۱

ساباط، ۱۹۹، ۳۵۳

سابری، ۱۶۹

سالم بن ابی حفصة، ۷ ـ ۱۰۵

سالم بن دینار، ۱۰۵

سالم بن عبید، ۱۰۵

سالم بن عقبة، ۳۶۷

سالم بن مکرم، ابو خدیجة الجمال، ۱۷۷، ۳۶۸

سبئیة، ۹۱، ۱۱۰

سبیع، ۲۷۲

سجستان، ۲۴۴

سری بن عبداللّه السلمی، ۳۷۰

سری بن منصور الشیبانی، ابوالسرایا(؟)

سعد الخیر، ۱۱۹

سعد بن ابی خلف الزام، ۳۶۵

سعد بن ابی وقاص، ۳۵۸

سعد بن طریف الاسکاف، ۲۱ ـ ۱۱۸

سعد بن عبداللّه الاشعری القمی، ۲۶۶

سعد بن عبدالملک، ۱۱۹

سعید بن العاص، ۲۳

سعید بن عبداللّه الاعرج، ۳۶۵

سعید بن عمرو العنزی، ۳۲۲
سعید بن یسار الضُبَعی، ۷ ـ ۳۶۶
سفاح، نک: ابوالعباس السفاح
سفیان بن ابراهیم بن مَزْیَدْ الازدی، ۱۶۷
سفیان بن سعید الثوری، ۳۰۱
سفیان بن عیینة، ۱۰۸، ۱۰۹، ۳ ـ ۳۷۲
سقیفة بنی ساعدة، ۱۱۶، ۱۳۰، ۲۰۵
سلاّم بن ابی عمرة، ۳۶۹
سلاّم بن عبداللّه الهاشمی، ۳۶۸
سلمان الفارسی، ۱، ۶۱، ۸۹
سلوة الشیعة، ۱۶
سلیم القرّاء، ۳۷۵
سلیمان البغدادی، ۳۰۹، ۳۵۹
سلیمان الدیلمی، ۴ ـ ۳۷۳
سلیمان بن خالد الاقطع، ۵ ـ ۳۷۴
سلیمان بن داود المنقری، ۲۲۳، ۲۳۲
سلیمان بن سماعة، ۲۱۱
سلیمان بن عبدالملک، ۱۳۰
سلیمان بن مهران الاعمش، ۱۰۹، ۱۵۸، ۲۳۲
سلیم بن قیس الهلالی، ۶ ـ ۸۲
سماع، ۸۶
سماعة بن مهران الحضرمی، ۷۰ ـ ۳۶۹، ۴۰۳
سماک بن مکرمة بن حُمین الاسدی، ۲۰۲
سِمعان بن هبیرة بن مُساحق، ۲۸۳
سنان بن طریف الهاشمی، ۱۵۸
سندی بن محمد البزاز، ۳۹۰
سوید بن مسلم القلاّء، ۳۷۵
سهند، ۲۲۱
سیف بن عمیدة النخعی، ۳۱۸، ۳۷۱
شاپوری، ۱۶۹، ۱۷۰، ۲۳۸، ۲۷۲، ۳۲۷، ۳۸۸
شافعی، نک: محمد بن ادریس
شاه طاق، نک: محمد بن علی بن النعمان
شبّور، ۳۳۶
شجرة بن میمون البجلی، ۱۹۱

شریف الرضی، محمد بن الحسین الموسوی، ۱۴

شریف بن سابق التفلسی، ۲۲۱
شریک بن عبداللّه النخعی، ۹۲، ۱۰۴
شعبة بن الحجاج، ۱۳۵
شعیب العقرقوفی، ۳۷۱
شعیب بن میثم التمار، ۴۲، ۴۳
شقشقیة، ۱۱۶
شمطیة، ۴۰۴
شم میطا، ۳۳۶
شهید اول، نک: محمد بن مکی العاملی
شیبان، نک: بنی شیبان
شیطان الطاق، نک: محمد بن علی بن النعمان
صاحب بن عباد، ۲۴۱
صاحب فخ، نک: حسین بن علی بن الحسین
صالح بن ابی حماد الرازی، ۱۳
صالح بن خالد المحاملی، ۳۷۹
صالح بن میثم التمار، ۴۲، ۴۳
صباح المدائنی، ۳۳۵
صباح بن صبیح الفرازی، ۳۶۳
صباح بن یحیی المزنی، ۳۶۴
صحیفة اسحاق بن جعفر الصادق عن آبائه، ۳۰۲
صحیفة الحارث الاعور، ۴۶
صحیفة الفرائض، ۱۰
صحیفة علی بن ابی طالب عن رسول اللّه، ۶
صحیفة علی بن الحسین فی الزهد، ۳۵
صفوان بن مهران الجمال، ۳۴۱، ۳۶۵
صفوان بن یحیی البجلی، ۱۴۱، ۱۷۰، ۱۸۷، ۲۰۸، ۲۲۴، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۸۵، ۲۸۹، ۲۹۳، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۱۸، ۳۲۶، ۳۴۵، ۳۵۴، ۳۶۱، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۸۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۲
صنعاء، ۳۴
صیدا، ۳۱۵

ضحاک، بنگرید: ابومالک حضرمی،
طالبیان، ۱۵۸
طاهر بن محمد بن عبداللّه الزبیری، ۱۶۴
طریف، ۲۱۲، ۳۸۴
طلحة بن زید الشامی، ۳۷۵
طلحة بن عبیداللّه، ۱۰۶، ۲۶۷
طلحة بیّاع السابوری، ۳۷۵
طوس، ۹۱
عائشه، ۱۰۶،
عاصم بن ابی النجود کوفی، ۳، ۱۰۹
عاصم بن ابی ضمره، ۵۶
عاصم بن حمید حناط، ۲۱۰ ـ ۲۱۱، ۳۴۶، ۳۴۷
عاصم بن سلیمان کوزی، ۲۱۱ـ۲۱۲
عاصمی، ۱۰۸
عباد بن صهیب کلبی،۳ – ۱۳۱
عباد بن کثیر، ۱۳۱
عباد بن یعقوب رواجنی، ۱۶۴، ۲۰۶، ۲۸۱، ۳۴۱، ۳۵۶، ۳۷۰
عباس بن امیر غضبانی، ۱۷۹، ۲۱۴، ۳۶۰، ۳۸۵
عباس بن عبدالمطلب، ۲۳
عباس بن عبد الولید بن صبیح اسدی، ۳۹۱
عباس بن محمد بن علی بن عبداللّه بن عباس، ۱۷۱
عباس بن معروف، ۳۶۰، ۳۶۱
عبدالحرمان بن محمد بن اشعث، ۷۴، ۷۵
عبدالحمید بن احمد بن سعید، ۳۰۰
عبدالرحمان بن ابی عبداللّه بصری، ۲۲۵، ۲۲۶
عبدالرحمان بن ابی نجران، ۲۱۵، ۳۴۲
عبدالرحمان بن ابی هاشم بزاز، ۳۶۸
عبدالرحمان بن حجاج، ۷۱-۱۶۸
عبدالرحمان بن عبداللّه اعثم، ۳۲۵
عبدالرحمان بن عثمان تمیمی دمشقی، ۱۵
عبدالرحمان بن کثیر هاشمی، ۴-۱۷۱، ۱۸۸
عبدالرحمان بن محمد ازدی کوفی، ۱۱۳
عبدالرحمان بن محمد بن ابی هاشم، ۲۰۸
عبدالرحمان بن محمد حضرمی، ۵-۱۷۴

عبدالرزاق حرزالدین، ۳۷۷
عبدالسلام بن صالح (ابوصلت)، ۱۸۱
عبدالصمد بن بشیر عرامی، ۷-۷۶
عبدالصمد بن محمد، ۲۴۱
عبدالعزیز بن اسحاق کوفی ابن بقال، ۲۴
عبدالعزیز بن عبداللّه عبدی، ۴ - ۱۳۳
عبدالعزیز بن محمد بن صدیق حسینی قماری، ۴۵
عبدالعزیز بن مروان، ۱۱۹
عبدالعزیز بن یحیی جلودی، ۱۴، ۱۶
عبدالعظیم بن عبداللّه حسنی، ۱۳
عبدالغفار بن حبیب طایی جازی، ۵ - ۱۳۴
عبدالغفار بن قاسم انصاری (ابومریم)، ۷-۱۳۵، ۱۶۷
عبدالقیس، ۱۰۳
عبدالکریم بن عمرو خثمی کرام، ۷-۱۴۶، ۳۶۶
عبداللّه بن ابراهیم جعفری، ۵-۱۴۳
عبداللّه بن ابی یعفور، ۵-۱۰۳
عبداللّه بن احمد بن حنبل، ۳۴۷
عبداللّه بن امیر تغلبی کوفی، ۴۶، ۵۸
عبداللّه بن ایوب اشعری، ۱۳۹
عبداللّه بن ایوب بن ابی علاج (ابوبکر)، ۱۳۹
عبداللّه بن ایوب بن رشید ظهوری، ۴۸-۱۳۸
عبداللّه بن ایوب قمی (ابومحمد)، ۱۳۹
عبداللّه بن بکیر شیبانی، ۴۱-۱۴۰، ۳۸۴
عبداللّه بن جبله، ۲۱۷، ۲۷۴، ۳۶۹
عبداللّه بن جعفر افطح، ۱۰۴، ۱۹۹
عبداللّه بن جعفر حمیری، ۲۴۱، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳-۳۶۲
عبداللّه بن حارث، ۵۸، ۹۱
عبداللّه بن حبیب (ابوعبدالرحمن سلمی)
عبداللّه بن حسن، ۱۳۱، ۲۳۰
عبداللّه بن حسین ازدی، ۲۲۴

عبداللّه بن حکم ارمنی، ۴۳-۱۴۲
عبداللّه بن داهیر رازی، ۲۰۰
عبداللّه بن زبیر بن عوام، ۱۴۵
عبداللّه بن زبیر رسان، ۵-۱۶۳
عبداللّه بن سبا، ۷
عبداللّه بن سنان، ۱۵۱، ۶۱-۱۵۷
عبداللّه بن شریک، ۱۶۴
عبداللّه بن صلت قمی، ۱۴۸
عبداللّه بن طلحه نهدی، ۱۶۱
عبداللّه بن عباس، ۲۶، ۱۴۹
عبداللّه بن عبدالرحمن اعثم، ۱۵۶
عبداللّه بن عمر، ۷۵، ۱۴۹
عبداللّه بن غالب اسدی، ۲-۱۴۱
عبداللّه بن قاسم حضرمی(بطال)، ۷-۱۵۵
عبداللّه بن محمد اسدی حجال، ۱۹۳، ۳۸۰
عبداللّه بن محمد باقر، ۲۹۴
عبداللّه بن محمد بن ابراهیم، ۱۴۴
عبداللّه بن محمد بن حنفیه(ابوحسیم)، ۲۸۰
عبداللّه بن محمد بن عبدالعزیز منیعی بغوی، ۲۱
عبداللّه بن مرا، ۵۸
عبداللّه بن مسکان، ۵۵-۱۵۰، ۲۷۳، ۳۱۰، ۳۳۸، ۳۷۴، ۳۸۲
عبداللّه بن معاویه ثعالبی، ۸۷
عبداللّه بن مغیره، ۲۱۷، ۳۷۶، ۳۹۸
عبداللّه بن میمون قداح، ۵۰-۱۴۵
عبداللّه بن نجاشی، ۲۸۴
عبداللّه بن وضّاح، ۱۶۲
عبداللّه بن وضّاح کوفی لؤلؤی، ۱۶۲
عبداللّه بن یحیی کاهلی، ۳-۱۶۲
عبداللّه بن یزید انصاری، ۴۵
عبداللّه بن یزید عبادی، ۲۶۰
عبداللّه بن یعلی بن مرّه ثقفی، ۳۸۵
عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف، ۸۳
عبدالملک بن ابی سلیمان میسره فزاری

حضرمی، ۱۷۵
عبدالملک بن حکیم خثعمی، ۱۶۵
عبدالملک بن عتبه نخعی، ۷-۱۶۵
عبدالملک بن عتبه هاشمی، ۱۶۵
عبدالملک بن مروان، ۱۱۹
عبدالمؤمن بن قاسم انصاری، ۸-۱۶۷
عبدالواحد بن عمر بغدادی بزاز(ابوطاهر)، ۳
عبیدالّله بن ابی رافع، ۱۷، ۲۳، ۲۴، ۳۲ ـ ۲۶، ۳۴۶، ۳۴۸، ۳۵۰
عبیدالّله بن احمد بن یعقوب الانباری، ۲۱
عبیدالّله بن الولید الوصافی، ۳ ـ ۳۸۲
عبیدالّله بن عبدالّله الواسطی الدهقان، ۱۹ ـ ۲۱۸
عبیدالّله بن علی بن ابی رافع، ۲۸
عبیدالّله علی الحلبی، ۳۳۸، ۸۲ ـ ۳۸۰
عبید بن زرارة بن اعین، ۴ ـ ۳۸۳
عبید بن محمد بن قیس البجلی، ۳۴۶
عبید بن یقطین، ۱۹۵
عُبیس بن هشام الناشری، ۱۳۸، ۱۷۶، ۳۵۶، ۳۶۳، ۳۶۷، ۳۷۹، ۳۸۴
عثمان بن حنیف، ۱۰، ۲۶
عثمان بن عیسی الرُأسی، ۲۵۰، ۳۷۰
عثمانیه، ۵۷، ۸۰، ۸۸، ۲۰۲
عدنان، ۱۰۵، ۱۹۲
عزیزالله عطاردی، ۲۲، ۳۶
عطاء بن ابی رباح، ۴
عطیة بن الحارث همدانی، ۱۱۳
عقبة بن خالد الاسدی، ۳۸۸
عقیل بن ابی طالب، ۲۰۲
علاء بن رزین قلاء، ۱۸۰
علاء بن فضیل نهدی، ۱۷۹ ـ ۱۸۰، ۲۲۵
علی بن ابی حمزه بطائنی، ۱۸۳ـ۱۸۷، ۲۹۹، ۳۹۵
علی بن ابی رافع، ۲۳، ۲۸، ۲۹
علی بن ابی طالب، ۲ـ ۱۷
علی بن احمد بن عمر دارقطنی، ۲۱

علی بن احمد فنجکردی نیسابوری، ۱۶
علی بن اسباط، ۲۳۷، ۲۴۲، ۳۹۷
علی بن اسماعیل بن شعیب میثمی، ۴۳، ۱۶۱
علی بن اسماعیل بن صالح میثمی، ۴۳
علی بن حدید مدائنی، ۳۰۸، ۳۱۹، ۳۵۳
علی بن حسان بن کثیر هاشمی، ۱۷۳، ۱۸۸ ـ ۱۸۹
علی بن حسن بن فضال، ۲۸۴
علی بن حسن جرمی طاطری، نکـ : علی بن حسن طاطری
علی بن حسن طاطری، ۱۶۲، ۲۱۸، ۲۱۹
علی بن حکم نخعی، ۲۴۳، ۳۶۰، ۳۷۱
علی بن داود یعقوبی، ۲۹۵
علی بن رئاب طحان، ۱۱۸، ۱۸۹
علی بن سیف بن امیر النخعی، ۳۷۱
علی بن شجره نبال، ۱۹۱ ـ ۱۹۲
علی بن عبدالعزیز، ۱۸۱ ـ ۱۸۲
علی بن عبدالعزیز بن مرزبان بن سابور البغوی، ابوالحسن، ۱۸۱
علی بن عبدالعزیز فزاری، نکـ : علی بن غراب
علی بن عبدالله بجلی، ۳۱۲
علی بن عطیه حناط، ۱۸۷ ـ ۱۸۸
علی بن عقبه بن بشیر، ۱۹۳
علی بن عقبه بن خالد اسدی، ۱۹۳ ـ ۱۹۴، ۲۱۳، ۳۵۵، ۳۸۹
علی بن غراب، ۱۸۱، ۱۸۲
علی بن غراب محاربی، ۱۸۳
علی بن محمد بن سلیمان نوفلی، ۲۹۵
علی بن محمد بن قاسم کندی، ۲۸
علی بن محمد مدائنی، ۱۳، ۲۶۷، ۲۸۸
علی بن محمد میثمی، ۴۳
علی بن معبد، ۲۲۰

ص: ۵۳۰

علی بن منصور، ۲۶۳
علی بن نعمان نخعی، ۲۵۰، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۷۱

علی بن یعقوب هاشمی، ۳۱۹
علی بن یقطین، ۱۶۳، ۱۶۹، ۱۹۴ ـ ۱۹۸
علی زین العابدین، ۳۳ ـ ۳۶
عمار بن خباب دهنی، ۳۲۲
عمار بن مروان ثوبانی، ۱۹۸ ـ ۱۹۹
عمار بن مروان کلبی، ۱۹۸
عمار بن مروان یشکوری خزاز، ۱۹۸، ۳۵۲
عمار بن موسی ساباطی، ۱۹۹ ـ ۲۰۰
عمار بن یاسر، ۸۱
عمار میثمی، ۴۳
عماریه، ۱۹۹
عمران الثقفی، ۳۸۶
عمران بن میثم التمار، ۴۲
عمر بن ابان الکلبی، ۳۸۵
عمر بن احمد بن شاهین المروزی البغدادی، ۲۱
عمر بن اذینة، ۲۱۴، ۳۸۷
عمر بن حفص بن غیاث، ۲۳۲
عمر بن عبدالعزیز، ۳۴۶
عمر بن عبداللّه بن یعلی الثقفی، ۶ ـ ۳۸۵
عمر بن علی بن ابی طالب، ۲۹۷، ۲۹۸
عمر بن یزید الثقفی، ۳۸۸
عمرو بن ابی مقداد، نکـ : عمرو بن ثابث ابی مقداد
عمرو بن ثابت ابی مقداد، ۵۹، ۹۳، ۲۰۵ـ۲۰۷
عمرو بن جمیع حلوانی، ۲۰۰
عمرو بن حریث مخزومی، ۲۳۵
عمرو بن حزم، ۱۰
عمرو بن حمق، ۴۰
عمرو بن خالد واسطی ابوخالد، ۳۸، ۲۰۲ ـ ۲۰۴
عمرو بن سعید بن العاص، ۲۶
عمرو بن شمر جعفی، ۹۳، ۱۰۰، ۱۰۳، ۲۰۴
عمرو بن عثمان، ۳۱۲، ۳۵۱
عمرو بن میمون، ۱۰۳
عنبسة الخثعمی، ۲۰۳
عنبسة بن بجاد عابد، ۲۰۸ ـ ۲۰۹

عوسجه بن شداد، ۲۶
عیسی بن داود النجار، ۹ ـ ۲۹۸
عیسی بن عبداللّه بن محمد بن عمر بن علی، ۱۳۱، ۸ - ۲۹۴
عیص بن القاسم البجلی، ۲۹۳
غالب بن عثمان منقری، ۲۲۶ـ۲۲۷، ۳۶۲
غالب بن عثمان همدانی مشعری، ۲۲۶
غالب بن هذیل اسدی، ابوهذیل، ۱۴۱
غزوان الاسدی، ۳۶۶
غنی بن یعصر، ۲۳۶
غیاث بن ابراهیم تمیمی، ۲۲۷ـ ۲۲۹
غیاث بن ابراهیم نخعی کوفی، ۲۲۸
غیاث بن کلوب عجلی، ۲۹۹
فارس، ۸۲
فاطمه زهرا (س)، ۱۷ ـ ۲۱
فتحیه، ۱۰۴، ۱۲۸، ۱۹۹، ۳۹۹
فخ، ۱۴۴
فرائد، ۱۰، ۳۵۷
فرج بن فروه، ۳۲۲
فرحزاد، ۳۹۴
فرزاد، ۳۹۳
فرزدق، ۳۲۵
فزاره، ۱۸۳، ۳۶۳
فصل لهشام بن الحکم فی الحکمین بصفین، ۲۶۷
فصول الحکم، ۸۰
فضائل الکبیر، ۲۳۱
فضائل زهراء، ۲۲
فضائل فاطمه، ۲۱
فضالة بن ایوب ازدی، ۲۷۳، ۲۷۹، ۲۸۰، ۳۵۹،

۳۸۵
فضل بن ابی قره ارمنی، ۲۲۱
فضل بن دکین تیمی، ۲۵۱

فضل بن شاذان نیشابوری، ۱۴۰
فضل بن عبدالله رسان، ۱۶۴
فضل بن عبدالمالک بقباق، ۲۲۰ ـ ۲۲۱
فضل بن یونس کاتب، ۲۲۲ـ ۲۲۳
فضیل بن عثمان العوار، ۲۲۴
فضیل بن عیاض، ۲۲۳ـ۲۲۴
فضیل بن یاسر نهدی، ۱۷۹، ۲۲۵ـ۲۲۶
فضیل سکره، ۱۰۴
فورارد، ۳۹۴
فورزاد، ۳۹۳
قائم، ۸۸، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۳
قاسم بن اسماعیل القرشی، ۳۶۳
قاسم بن اصبغ بن نباتة، ۶۱
قاسم بن الربیع الصحاف، ۳۳۰
قاسم بن برید بن معاویة العجلی، ۹ ـ ۳۵۸
قاسم بن عروة، ۶۰ ـ ۳۵۹
قاسم بن فضیل بن یسار النهدی، ۱۷۹، ۲۲۵
قاسم بن محمد بن الحسین بن حازم، ۳۶۹
قاص، ۱۱۸
قُراء، ۷۴
قریش، ۱، ۴۱، ۱۴۵، ۱۵۷، ۱۵۸، ۲۴۸، ۳۱۰، ۳۱۸، ۳۵۸، ۳۶۵
قضاعة، ۱۹۰، ۳۴۰، ۳۴۲، ۳۸۵
قضایا امیرالمؤمنین، ۲۷، ۶۷
قطیعة الربیع، ۱۵۸
قنبر، ۳۰۹
قیس بن سعد بن عباده، ۲۶
قیس بن عمرو النجاشی الحارثی، ۲۸۴
قیس عیلان، ۱۹۲، ۲۳۶، ۳۹۳
کاتولیک، ۱۹۶
کاظم جعفر المصباح، ۳۴۵، ۴۰۵
کامل سلمان الجبوری، ۳۱۶
کاهل = بنی کاهل
کتاب آخر علی المعتزله، ۲۶۷
کتاب ابن ابی رافع، ۲۶

کتاب ابی رافع، ۲۳
کتاب اخبار ابی رافع، ۲۶
کتاب اختلاف الناس فی الامامة، ۲۶۵
کتاب الاحتجاج فی امامة امیرالمؤمنین، ۳۳۹
کتاب الاخبار (و کیف تصحّ)، ۲۶۸
کتاب الاربعمأئه مسألة فی الابواب الحلال و الحرام، ۳۴۵
کتاب الاستطاعة، ۲۶۶
کتاب الاستطاعة علی هشام بن الحکم، ۲۶۶
کتاب الاستطاعة و الجبر، ۴۰۴
کتاب الاصبغ، ۶۱
کتاب الاظلة، ۱۷۳
کتاب الالطاف، ۲۶۷
کتاب الالفاظ، ۲۶۷
کتاب الالویة و الرایات، ۲۳۱
کتاب الاُمّ، ۲۸۸
کتاب الامامة، ۲۶۲
کتاب الایمان و الاسلام، ۳۳۵
کتاب التدبیر، ۲۶۳
کتاب التفسیر، ۹۴، ۱۶۲، ۶ ـ ۱۸۴، ۲۶۹، ۲۹۸، ۳۰۵، ۳۳۷
کتاب التفسیر والقرائات، ۲۷۶
کتاب التوحید، ۲۶۴، ۲۶۸
کتاب الثمانیة ابواب، ۲۶۸
کتاب الجلمی، ۳۸۲
کتاب الجمل، ۹۹
کتاب الحج، ۲۷۱، ۳۱۸، ۳۲۷، ۳۹۹
کتاب الدعاء، ۳۲۹
کتاب الدلائل، ۲۵۱
کتاب الدلالات، ۲۵۱

کتاب الدلالة علی حدث الاجسام، ۲۶۳
کتاب الدیات، ۱۲، ۱۳۹، ۱۹۱، ۳۵۷

كتاب الراهب و الراهبة، ٢٥٥، ٣٦٢
كتاب الرجعة، ٢٥٣
كتاب الردّ على ارسطاليس فى التوحيد، ٢٦۴
كتاب الردّ على اصحاب الاثنين، ٢٦۴
كتاب الردّ على اصحاب الطبائع، ٢٦۴
كتاب الردّ على الزنادقة، ٢٦٣
كتاب الردّ على المعتزلة فى طلحة و الزبير، ٢٦٧
كتاب الردّ على هشام الجواليقى، ٢٦۴
كتاب الزكاة، ١٨٦، ٢۴٦، ٣٣١
كتاب الزهد، ٣٧٩
كتاب السنن و الاحكام و القضايا، ٢۴، ٢٦
كتاب الشيخ و الغلام، ٢٦۴
كتاب الصراط، ٣٣٥
كتاب الصلاة، ١٦٢، ١٨٦، ٢۴٥، ٢٥٣، ٣٣١
كتاب الصلاة الكبير، ١٥٩
كتاب الصورة، ٣۴٠
كتاب الصوم، ٢۴٧
كتاب الطلاق، ٢٣٨، ٣٣١
كتاب الظهار، ٢٣٨
كتاب العلوم، ٢٧٦
كتاب الغريب فى القرآن، ١١٢
كتاب الغيبة، ٢٥٣
كتاب الفتن، ٢٥٢
كتاب الفرائض، ١٣، ٢٥۴، ٣٨٧
كتاب الفضائل، ٩٧، ١١٢، ١١٣
كتاب القائم، ٢٥٢
كتاب القدر، ٢٦٦
كتاب القرائة، ١١١
كتاب المبتدأ و المبعث و المغازى و الوفاة و السقيفة و الردة، ١٣٠
كتاب المتعة، ٢٥۴
كتاب المجالس فى الامامة، ٢٦٣
كتاب المجالس فى التوحيد، ٢٦٣
كتاب المسائل، ٣۴٧، ٣٨١، ٣٨٢
كتاب المسائل التى اخبرها اميرالمؤمنين اليهودى، ٥٩، ٢٠٦

كتاب المعراج، ۲۷۱
كتاب المعرفة، ۲۶۷
كتاب الملاحم، ۲۵۲
كتاب المناسک، ۳۸، ۲۰۲
كتاب الميدان، ۲۶۵
كتاب الميزان، ۲۶۵، ۲۶۶
كتاب النهروان، ۱۰۱
كتاب الوصايا، ۲۳۸
كتاب الوصية و الامامة، ۱۹۰
كتاب الوصية و الردّ على من انكرها، ۲۶۲
كتاب الهفت و الاظلة، ۱۷۳، ۳۳۵
كتاب بُريد النصرانى، ۲۶۸
كتاب ثواب انا انزلناه، ۱۷۲
كتاب جابر الجعفى، ۱۰۳
كتاب جامع فى العلم، ۲۷۶
كتاب جعفر بن محمد بن شريح الحضرمى، ۹۳
كتاب حديث الشورى، ۱۰۳، ۲۰۴
كتاب حريز، ۲۴۵
كتابخانه آستان قدس رضوى (ع)، ۳۴
كتابخانه ظاهرية، ۳۵۵
كتاب خروج صاحب فخ و مقتله، ۱۴۴
كتاب خروج محمد بن عبداللّه و مقتله، ۱۴۴
كتاب خطب اميرالمؤمنين، ۸۱، ۳۲۱
كتاب سليم بن قيس الهلالى، ۶ ـ ۸۳، ۲۹۲
كتاب صفة الجنة والنار، ۹۳، ۱۴۷، ۲۴۱
كتاب صفة النبى (ص)، ۲۳۱
كتاب صفين، ۱۰۰، ۱۱۵
كتاب صلح الحسن، ۱۷۲
كتاب علل التحريم و الفرائض، ۲۶۲
كتاب علل الشرائع، ۳۳۵

كتاب على، ۴ ـ ۱۲
كتاب عمل يوم و ليلة، ۱۵۹
كتاب فدک، ۱۷۲
كتاب فضائل الحج، ۳۳۲
كتاب فضائل القرآن، ۲۵۰
كتاب فضائل اميرالمؤمنين، ۲۵۳
كتاب فضل سورة انا انزلناه، ۱۷۲
كتاب فَكِّر، ۳۳۴
كتاب فى الامامة، ۲ ـ ۱۵۱
كتاب فى التوحيد، ۲۱۷
كتاب فى الجبر و القدر، ۲۶۶
كتاب فى الجسم و الرؤيا، ۲۶۷
كتاب (فى) الحكمين، ۲۶۷
كتاب فى بدأ الخلق و الحث على الاعتبار، ۳۳۴
كتاب فى صفة الجنة و النار، ۲۴۱
كتاب فى مناسک الحج و فرائضه، ۳۸۸
كتاب قضايا اميرالمؤمنين، ۲۷، ۳۴۶
كتاب كلامه على الخوارج، ۳۳۹
كتاب ما افترض اللّه على الجوارح من ايمان، ۳۳۵
كتاب ما سئل عنه الصادق من امور الملاحم، ۱۹۶
كتاب مبعث النبى و اخباره، ۱۴۷
كتاب مزار اميرالمؤمنين، ۳۳۱
كتاب مسائل ابى الحسن موسى بن جعفر، ۱۹۷
كتاب مسند عمر بن على بن ابى طالب، ۲۹۸
كتاب مقتل الحسين، ۱۰۲
كتاب مقتل اميرالمؤمنين، ۱۰۱، ۲۳۰
كتاب مناظراته (مع) الشاک بحضرة جعفر، ۱۹۶
كتاب من الاصول فى الرواية على مذاهب الشيعة، ۱۱۶
كتاب ميثم، ۴۳
كتاب نسب ولد اسماعيل بن ابراهيم، ۲۳۱
كتاب وصية موسى بن جعفر، ۱۴۴
كتابه الى محمد بن مسلم الزهرى، ۳۵
كتاب يوم و ليلة، ۳۳۰، ۳۳۶، ۳۷۴، ۳۹۵
كتاب [الردّ] على شيطان الطاق، ۲۶۵

کثیر بن طارق القنبری، ۱۰ ـ ۳۰۹
کثیر بن عیاش القطّان، ۱۲۲
کرام، نک: عبدالکریم بن عمرو الخثعمی
کرمان، ۲۰۰
کریم، ۵۸
کسائی، علی بن حمزه الاسدی الکوفی، ۱۰۹
کسفیه، ۲۶۵
کعبه، ۱۷۳
کلثوم بنت یوسف بن عمران المیثمی، ۴۳
کلیب بن معاویة الصیداوی، ۳۱۵
کمیل بن زیاد النخعی، ۸۰ ـ ۷۴، ۱۰۹
کمیلیة، ۷۸
کنده، ۱۰۸، ۱۹۲، ۲۰۹، ۳۰۴، ۳۶۹
کنیة، ۱۴۳، ۱۷۱
کوپت (Copt)، ۲۲
کهلان، ۱۰۵، ۱۹۲
کهیل الفزاری، ۷۶
کیدری، نک: محمد بن الحسین
لوح، ۲۰
لوط بن یحیی الازدی، ابومخنف، ۳۱۶
لیث بن البختری المرادی، ۱۶ ـ ۳۱۵
ما رواه الحواریون، ۳۴۵، ۴۰۵
مالک الاشتر، ۷، ۳۹، ۶۰، ۲۰۲
مالک بن اعین الجهنی، ۸۲
مالک بن انس، ۲۸۶
مالک بن عطیة الاحمسی، ۱۷ ـ ۳۱۶
مانویان (پیروان مانی)، ۱۹، ۲۰
ما یکون عند ظهور المهدی، ۳۳۵
مأمون عباسی، ۱۲۸
متعه، ۱۰۸، ۲۵۴
متواتر، ۲۶۸
مثنی بن الولید الحناط، ۳۵۷
مجموع، ۲۰۳
محْسِن المیثمی، ۴۳

مُحسِّن بن احمد القیسی، ۱۳۱
محمد الارقط، نک: محمد بن عبداللّه الارقط
محمد الامین (خلیفه) عباسی، ۱۹۵
محمد الباقر، ۸ ـ ۳۷
محمد الباقر المحمودی، ۱۵
محمد الباقر الموحد الابطحی، ۳۵
محمد الباقر الموسوی، ۲۲
محمد المهدی، خلیفه عباسی، ۲۸۰
محمد بن ابی بکر، ۲۶
محمد بن ابی حمزه الثمالی، ۲۱۵، ۳۹۸
محمد بن ابی زینب الاسدی، نک: ابوالخطاب
محمد بن احمد الکاتب البغدادی، ابن ابی الثلج، ۲۱
محمد بن ادریس الشافعی، ۲۸۶
محمد بن اسماعیل بن بزیع، ۲۴۱، ۲۸۹، ۳۱۴، ۳۱۹، ۳۵۱، ۳۶۷
محمد بن الحدید المدائنی، ۳۵۳
محمد بن الحسن الشیبانی، ۲۴۳
محمد بن الحسن بن احمد بن الولید القمی، ۴۰۱
محمد بن الحسن بن زیاد المیثمی، ۴۳
محمد بن الحسین الکیدری البیهقی، قطب الدین، ۱۶
محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، ۱۵۶، ۷ ـ ۲۳۶، ۳۵۲، ۳۹۲
محمد بن الحنفیة، ۶، ۴۰، ۶۰
محمد بن السائب الکلبی، ۱۱۳
محمد بن الفضیل، ۲۸۹
محمد بن القاسم بن فضیل النهدی، ۱۷۹
محمد بن الولید الخزاز، ۲۲۸، ۲۳۹، ۳۵۱، ۳۷۶
محمد بن بکر الارحبی الکوفی، ۱۲۳
محمد بن بکرالواسطی، ۳۵۴
محمد بن بکر بن جناح، ۲۴۱
محمد بن تمیم النهشلی، ۸ ـ ۳۴۷
محمد بن ثابت بن دینار الثمالی، ۳۴۸

محمد بن جعفر بن النعمان، ۳۳۹
محمد بن حکیم الخثعمی، ۲ ـ ۳۴۱
محمد بن حمران النهدی، ۳۰۷، ۳ ـ ۳۴۲
محمد بن حمران بن اعین، ۳۴۳
محمد بن خالد البرقی، ۱۵۶، ۱۹۷، ۲۴۹، ۳۶۰، ۳۷۶
محمد بن خالد الطیالسی، ۳۰۴، ۳۴۱، ۳۶۳، ۳۷۱
محمد بن خلف المروزی، ۳۵۴
محمد بن راشد، ۲۲۸
محمد بن زکریا بن دینار الجوهری الگلابی البصری، ۲۱
محمد بن زکریا بن معاویه، ۳۱۰
محمد بن سلاّم الجُمَحی، ۱۲۹
محمد بن سلیمان الدیلمی، ۳۷۴
محمد بن سنان الزاهری، ۹۳، ۱۲۳، ۱۵۱، ۱۵۸، ۱۷۳، ۱۷۹، ۱۹۸، ۲۳۸، ۳۱۲، ۳۳۵، ۳۵۲، ۳۷۵
محمد بن سوقة الکوفی العبدی، ۲۳۶
محمد بن سوقة المرضی الخزاز، ۲۳۵، ۲۳۶
محمد بن صدقة، ۳۴۸
محمد بن عبدالحمید، ۲۴۱
محمد بن عبدالرحمن، ۱۱۳
محمد بن عبدالرحمن العبدی، ابن عبده، ۱۶۳، ۱۸۰
محمد بن عبدالرحمن بن محمد بن عبیداللّه الفزاری، ۱۷۵
محمد بن عبداللّه الارقط، ۲۸۰
محمد بن عبداللّه الحضرمی الکوفی، مُطَیَّن، ۱۵
محمد بن عبداللّه الزبیری، نک: ابو احمد الزبیری
محمد بن عبداللّه النیسابوری، الحاکم، ۲۱

محمد بن عبداللّه بن الحسن، نفس زکیه، ۱۹، ۸۷، ۱۲۷، ۱۴۴، ۱۶۳، ۲۳۰، ۲۸۰، ۲۹۴، ۳۲۵
محمد بن عبداللّه بن هلال، ۳۸۹
محمد بن عبیداللّه العزرمی، ۱۷۴
محمد بن عبیداللّه بن ابی رافع، ۲۹، ۵۰ ـ ۳۴۸
محمد بن عبید المحاربی، ۳۴۳
محمد بن عثمان العمری، ۳۳۶

محمد بن عُذافِر المدائنی، ۵۱ ـ ۳۵۰، ۳۸۸
محمد بن عطیه، ۳۱۶
محمد بن علی الصیرفی، ۳۶۸
محمد بن علی بن ابراهیم القرشی، ابوسُمینه، ۲۹۰
محمد بن علی بن ابی شعبة الحلبی، ۵ ـ ۱۵۳، ۸ ـ ۳۳۷، ۳۸۰
محمد بن علی بن النعمان، صاحب الطاق، ۲۴۳، ۹ ـ ۳۳۸
محمد بن عمر التمیمی، ابن الجعابی، ۸ ـ ۲۹۷
محمد بن عمر المازنی البصری، ۱۳۱
محمد بن عمر الواقدی، ۱۳، ۲۸۷
محمد بن عمر بن عبیداللّه، ۲۹
محمد بن عمر بن یزید، ۳۵۱
محمد بن عمر علی بن ابی طالب، ۱۱۹
محمد بن عمرو الزبیری، ۳۴۰
محمد بن عیسی، ۱۴۹
محمد بن عیسی بن عبید الیقطینی، ۱۹۵، ۲۱۹، ۲۴۱، ۳۹۹، ۴۰۱، ۴۰۳
محمد بن فرات، ۱ ـ ۳۴۰
محمد بن فرات التمیمی الکوفی، ۳۴۰
محمد بن فرات الجرامی، ۳۴۱
محمد بن قیس الاسدی الوالبی، ۶ ـ ۳۴۵
محمد بن قیس البجلی، ۶ ـ ۳۴۵
محمد بن قیس المدنی، ۳۴۶
محمد بن مثنی الحضرمی، ۲۱۷
محمد بن مرازم المدائنی، ۳۵۳
محمد بن مسلم الثقفی، ۱۰۴، ۱۸۰، ۱۸۱، ۲۴۷، ۵ ـ ۳۴۴
محمد بن مسلم الزهری، نک: ابن شهاب
محمد بن مسلم الطائفی المکی، ۳۴۴
محمد بن مکی العاملی، ۲۹۹
محمد بن میثم التمار، ۴۲
محمد بن میمون الزعفرانی، ۳۴۳
محمد بن نعمان الاحول، ۳۳۹
محمد بن یحیی الخثعمی، ۲۲۹، ۳۵۱
محمد بن یعقوب بن شعیب المیثمی، ۴۳
محمد حسن المظفر، ۳۳۹
محیی الدین بن عربی، ۷۹

مختار الثقفی، ۶
مخنف بن سلیم، ۲۶
مُرازم بن حکیم المدائنی، ۳۰۸، ۳۵۳
مرو، ۱۸۳
مروان، ۸۳
مروان بن مسلم، ۳۱۹
مسامعة، ۳۲۵
مسجد الحضارمة، ۳۶۹، ۴۰۳
مسجد الهوافر، ۲۰۲
مسجد جامع صنعا، ۳۴
مسجد جعفی، ۲۰۴
مسجد دار اللؤلؤ، ۳۶۳
مسجد سماک، ۲۰۲، ۳۴۳، ۳۸۰
مسعدة بن الیسع الباهلی، ۳۲۰، ۳ ـ ۳۲۲
مسعدة بن زیاد الربعی، ۳۲۰، ۵ ـ ۳۲۳
مسعدة بن صدقة، ۱۳، ۲۰۰، ۲۰ ـ ۳۱۹
مسمع بن عبدالملک کردین، ۳۲۰
مسند الامام السجاد، ۳۶
مسند الامام زید، ۲۰۳
مسند الامام موسی بن جعفر، ۳۵۴
مسند اهل البیت، ۳۴۷

ص: ۵۳۶

مسند زرارة بن اعین، ۴۰۵
مسند عبداللّه بن بکیر بن اعین، ۱۴۱
مسند علی، ۱۵
مسند عمر بن علی بن ابی طالب، ۲۹۷
مسند فاطمه، ۲۱، ۳۱
مسند محمد بن قیس البجلی، ۳۴۶
مسند محمد بن مسلم الثقفی الطائفی، ۳۴۵
مسیحیان، ۲۶، ۲۵۵، ۲۶۷، ۳۶۲، ۴۰۴
مُشمعل بن سعد الناشری، ۳۵۶

مشهد، ۳۴
مصحف فاطمه، ۵، ۶، ۱۷
مصدق بن صدقة، ۱۹۹
مطلب بن زیاد بن ابی زهیر، ۸ ـ ۳۵۷
معاویة بن عمار الدهنی، ۱۵۵، ۳۲ ـ ۳۲۶، ۳۹۹
معاویة بن وهب البجلی، ۳۳۲
معتزله، ۱۳۱، ۲۶۰، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۸۸
معدان الشمیطی، ابوالسری، ۷۸
معراج، ۵، ۲۷۱، ۳۰۰
معلّی بن خنیس، ۳۲۶، ۳۶۲
معمر بن المثنی، نک: ابوعبیدة
مُعمّر بن محمد بن عبیداللّه بن ابی رافع، ۳۴۹
معمر بن یحیی بن سام، ۳۱۷
مغیرة بن سعید البجلی، ۸۷
مغیریة، ۸۷
مفضّل، ۳۳۵
مفضل بن صالح الاسدی، ابوجمیلة، ۳۱۵، ۳۳۳، ۴۰۲
مفضّل بن عمر الجعفی، ۱۷۳، ۲۷۲، ۲۷۳، ۳۱۴، ۷ ـ ۳۳۳
مفوّضة، ۲۷۲
مقتل امیرالمؤمنین، ۲۳۰
مقداد بن الاسود الکندی، ۱، ۸۹
مناقب فاطمة، ۲۲
مُنَخَّل بن جمیل الرقی، ۲ ـ ۳۵۱
منصور، ۸۸
منصور بن حازم البجلی، ۱۸ ـ ۳۱۷
منصور بن یونس بن بزرج، ۱۹ ـ ۳۱۸
منصور عباسی، ۱۹، ۹۱، ۱۲۷، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۷۱، ۱۹۵، ۲۵۵، ۲۸۰، ۳۵۹
موسی بن ابراهیم المروزی، ۵ ـ ۳۵۴
موسی بن اُکَیل النمیری، ۳۵۵
موسی بن القاسم البجلی، ۳۵۱
موسی بن زنجویه الارمنی، ۱۴۳
موسی بن سعدان الحنّاط، ۱۵۶
موسی بن عُمیر ابو هارون المکفوف، ۳۵۵
موسی (ع)، ۶

موصل، ۳۰۴
موطا، ۲۸۶
مولد امیر المؤمنین، ۲۳۱
مولد فاطمة، ۲۱
مهدی، ۱۹، ۸۳، ۸۸
مهدی عباسی، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۹۴، ۲۸۰
مهریزی مهدی، ۱۶، ۷۹
میثم التمار، ۴ ـ ۴۲، ۳۹۸
میمون القداح، ۱۴۵
میمون بن سنجار، ۱۹۱
مؤتمن، نک: اسحاق بن جعفر الصادق
مؤمن الطاق، نک: محمد بن علی بن النعمان
ناووسیة، ۱۳۰
نبیذ، ۱۳۶
نجران، ۲۶، ۲۵۵
نجم الدین کبری، ۷۶
نخع، ۳۰۷
نص، ۲۶۲، ۲۷۱
نصر بن مزاحم، ۱۸۲، ۲۰۳
نصر بن معاویة، ۲۴۲
نصرة مذاهب الزیدیه، ۲۴۱
نصوص من تاریخ ابی مخنف، ۳۱۶

ص: ۵۳۷

نصیریة، ۱۳۹، ۳۳۴، ۳۳۵
نضر بن سوید الصیرفی، ۳۰۹، ۳۵۹، ۳۹۲
نضر بن شعیب، ۱۳۴، ۳۱۱
نعیم بن حماد، ۲۸۷
نفس زکیه، نک: محمد بن عبداللّه بن الحسن
نوبندگان، ۸۲
نوح بن دراج، ۳۰۷
نهج البلاغه، ۱۴ ـ ۱۳

نهروان، ۳۹، ۳۴۲
واسط، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۵۹، ۳۴۲، ۳۵۴، ۳۷۵
واقفه، ۱۱۱، ۱۲۸، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۲، ۱۶۹، ۱۸۳، ۱۸۴، ۲۱۴، ۲۱۸، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲۴۰، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۸۳، ۳۰۲، ۳۱۸، ۳۵۴، ۳۶۰، ۳۹۱، ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۰۳
وجادة، ۸۶، ۱۰۶، ۲۹۸، ۳۴۱
وصیه، ۲۶۲
وصیّة المفضل، ۳۳۴
وصیة امیرالمؤمنین، ۷۸
وکیع الضبی، ۳۹۶
وکیع بن الجراح، ۵۸، ۲۰۲، ۲۹۰
ولید بن صبیح الاسدی، ۳۹۱
وهب بن عبدربّه، ۳۸۹
وهب بن وهب، ابوالبختری، ۹۱ ـ ۳۸۹
وهیب بن حفص المنتوف، ۳۹۱
وهیب بن خالد الکرابیسی، ۳۹۳
هادی عباسی، ۱۵۸، ۱۹۴
هارون الرشید، ۱۲۷، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۵۸، ۱۷۱، ۲۲۳، ۲۳۱، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۶۶، ۳۸۹، ۴۰۲
هارون بن الجهم، ۲۴۸ـ۲۴۹
هارون بن حمزه الغنوی، ۲۴۷ ـ ۲۴۸
هارون بن خارجه، ۲۴۹ـ۲۵۰
هارون بن مسلم الانباری الکاتب، ۲۰۷، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴
هاشمیه شیعه، ۸۴
هبرو (عبری)، ۳۳۶
هبة الله بن علی ابن الشجری، ۱۶
هرات، ۱۷۷، ۲۱۲، ۳۸۴
هراسا، ۲۹۰
هشام بن حکم، ۱۹۶، ۲۱۶، ۲۵۹ ـ ۲۶۸
هشام بن سالم الجوالیقی، ۲۶۹ ـ ۲۷۲، ۳۷۴،
هشام بن عبدالملک ۳۷، ۸۳، ۸۸، ۱۶۳
هشام بن مثنی، ۲۶۸ ـ ۲۶۹
هشام بن محمد الساعدی الکعبی، ۲۳
همام الاسکافی، ۱۵۱، ۲۹۸، ۳۶۲
هَمَدان، ۶۲
همدان، ۴۵ (به سکون میم)

هوازن، ۱۹۰، ۲۴۲، ۳۷۲
هیت، ۷۴، ۷۵
یاسین الضریر، ۹ ـ ۳۹۸
یحیی بن الحرّ، ۳۸۴
یحیی بن القاسم الاسدی، ابوبصیر، ۱۶۲، ۱۸۴، ۲۷۸، ۳۷۱، ۳۹۱، ۳۹۵
یحیی بن خالد البرمکی، ۲۱۶، ۲۶۵
یحیی بن زکریا، ۳۸۴
یحیی بن سعید القطان، ۹۲، ۳۹۶
یحیی بن سعید بن قیس الانصاری المدنی، ۳۹۶
یحیی بن عبداللّه بن الحسن، ۱۴۴، ۲۵۴
یحیی بن علاء الرازی، ۳۹۳
یحیی بن عمران الحلبی، ۲۵۰، ۵ ـ ۳۹۴
یحیی بن محمد بن سعید البغدادی، ۱۵
یزید ابوخالد القماط، ۳۹۹
یزید بن اسحاق الغنوی، شَعَر، ۲۴۷
یزید بن عبدالملک، ۳۴۶
یزید بن معاویه، ۲۶، ۸۳
یشکُر، ۱۸۰
یعفوریه، ۱۰۴
یعقوب السّراج، ۳۹۷

یعقوب بن اسحاق الفسوی، ۱۶۲، ۳۹۶
یعقوب بن سالم الاحمر، ۳۹۷
یعقوب بن شعیب المیثمی، ۴۳، ۳۹۸
یعقوب بن شیبة البصری، ۱۵
یعقوب بن میثم التمار، ۴۲، ۴۳
یعقوب بن یزید الانباری، ۴۰۳
یعقوب بن یقطین، ۱۹۵
یعقوب (ع)، ۳۳۶
یعلی بن مرّة الثقفی، ۳۸۵
یقطین بن موسی، ۱۹۵

يمان بن رئاب، ۱۹۰
يوسف ازبک، ۱۶
يوسف بن الحارث الكمندانى، ۱۷۵
يوسف بن عمران الميثمى، ۴۳
يونس بن ظبيان، ۸۹
يونس بن عبدالرحمن القمى، ۸۹، ۱۹۶، ۲۰۰، ۲۴۲، ۲۴۴، ۳۱۸
يونس بن عمران الميثمى، ۴۳
يونس بن يعقوب الدهنى، ۲۴۲، ۴۰۰ ـ ۳۹۹
يهود، ۶، ۵۹، ۱۵۱، ۲۰۶، ۳۳۶

ص: ۵۴۰

فهرست تفصیلی کتاب

فهرست نام مؤلفان شیعه

شماره سمت راست، شماره «شرح حال» در هر فصل است وشماره سمت چپ، شماره صفحه کتاب بر اساس ترجمه فارسی (یعنی شماره صفحه بالای کتاب) است.

فصل اول:

۳ . ابورافع، ...۴۴

۵ . ربیعة بن سُمَیع، ...۵۷

۴ . عبید الله بن ابی رافع، ...۴۷

۱ . علی بن ابی طالب علیه السلام، ... ۲۰

۶ . علی زین العابدین علیه السلام، ... ۵۸

۲ . فاطمه زهرا (س)، ... ۳۸

۷ . محمد الباقر علیه السلام، ... ۶۲

فصل دوم

۱۰ . ابان بن تغلب ...۱۴۸

۸ . ابن ابی یعفور ...۱۴۳

۱۳ . ابوالجارود ...۱۶۴

۱۱ . ابوعبیده حذّاء ... ۱۵۹

۳ . اَصْبغ بن نُباته ...۹۰

۷ . جابر جُعْفی ...۱۲۴

۲ . حارث اعور ...۷۱

۵ . زید بن وهْب ...۱۱۶

۹ . سالم بن ابی حفصه ...۱۴۵

۱۲ . سعد الاسکاف ...۱۶۰

۶ . سُلَیم بن قیس هلالی ... ۱۱۹

۴ . کمیل بن زیاد ...۱۰۸

۱ . میثم تمّار ...۶۸

فصل سوم

۱ . ابان احمر ... ۱۷۰

۱۰۷ . ابراهیم یمانی ... ۳۵۱
۳۶ . ابن ابی اراکه ...۲۴۱
۹۴ . ابن ابی العَلاء ...۳۳۲
۴۴ . ابن ابی المقدام ... ۲۵۶
۱۰۳ . ابن ابی بُردة ...۳۴۵
۱۵۷ . ابن ابی حمزه ...۴۱۲
۱۶۹ . ابن ابی زُهَیر ...۴۲۳
۱۱۶ . ابن ابی زیاد سکونی ...۳۶۴
۱۷۵ . ابن ابی سبره ...۴۲۶
۱۰۱ . ابن ابی سمّال ...۳۴۱
۷۱ . ابن ابی طلحه ...۲۹۳
۱۸۹ . ابن ابی عَمرة ... ۴۳۴
۹۵ . ابن ابی غُنْدَر ...۳۳۳
۵۹. ابن ابی قُرّه ...۲۷۲
۵۷ . ابن ابی منصور ...۲۶۹
۲۱۳ . ابن ابی میمونه ...۴۵۵
۱۰۴ . ابن ابی یحیی ...۳۴۵
۷۶ . ابن احول ...۲۹۸
۶۶ . ابن البَخْتری ...۲۸۲
۸۱ . ابن البطائنی ...۳۰۶
۷۹ . ابن الجَهْم ...۳۰۴
۲۳ . ابن الحجاج ...۲۱۵
۵۳ . ابن الحُصَین ...۲۶۶
۸ . ابن بُکَیر ...۱۸۳
۱۳۵ ابن حازم بَجَلی ...۳۷۸
۱۵۱ . ابن حکیم خثعمی ...۴۰۵
۸۴ . ابن حیّ ...۳۱۲
۸۰ . ابن خارجة ...۳۰۵
۱۴۲ . ابن خُنَیس ...۳۸۷
۱۱۹ . ابن درّاج ...۳۶۷
۳۵ . ابن رئاب الطحّان ...۲۳۸
۲۸ . ابن رِزْق ...۲۲۶
۱۴۰ . ابن زیاد رَبَعی ...۳۸۵

ص: ۵۴۲

۵۴ . ابن سِرحان ...۲۶۶
۱۵ . ابن سنان ...۲۰۲
۲۱۵ . ابن صُبَیح ...۴۵۷
۱۶ . ابن طلحة النهدی ...۲۰۶
۳۱ . ابن عبدالعزیز ...۲۲۹
۱۵۹ . ابن عُذافِر صیرفی ...۴۱۵
۱۷۲ . ابن عروه ...۴۲۵
۱۳۳ . ابن عطیّه احمسی ...۳۷۷
۳۳ . ابن عطیة الحنّاط ...۲۳۶
۱۸۵ . ابن عقبه ...۴۳۲
۳۷ . ابن عقبة ...۲۴۲
۶۱ . ابن عیاض ...۲۷۵
۱۹۴ . ابن عُیَیْنَه ...۴۳۷
۱۸۳ . ابن غزوان ...۴۳۱
۱۵۰ . ابن فرات ...۴۰۴
۵۲ . ابن فرقد ...۲۶۵
۱۵۵ . ابن قیس بجلی ...۴۰۹
۲۴ . ابن کثیر هاشمی ...۲۱۸
۱۳ . ابن مُسکان ...۱۹۵
۱۳۷ . ابن مسلم ...۳۸۰
۱۷ . ابن وضّاح ...۲۰۷
۱۰۶ . ابن هراسة ...۳۴۹
۳۸ . ابن یقطین ...۲۴۴
۲۰۳ . ابواسحاق نحوی ...۴۴۵
۲۰۲ . ابواسماعیل صائغ ...۴۴۵
۲۱۴ . ابوالبَخْتری ...۴۵۵
۱۹۷ . ابوالربیع اَقْطع ...۴۴۰
۱۲۳ . ابوالربیع شامی ...۳۷۱
۱۰۵ . ابوالصباح کِنانی ...۳۴۸
۱۲۷ . ابوالعلاء خفاف ...۳۷۳

۹۲ . ابوالمغرا ...۳۳۱
۱۰۲ . ابوایوب خرّاز ...۳۴۴
۲۲۰ . ابوبصیر ...۴۶۱

۱۴۵ . ابوجمیله ...۳۹۵
۹۶ . ابوجُنادة السَلُولی ...۳۳۳
۲۰۸ . ابوحفص کلبی ...۴۵۱
۲۰۱ . ابوحمزه ثمالی ...۴۴۲
۲۲۶ . ابوخالد قمّاط ...۴۶۵
۴۲ . ابوخالد واسطی ...۲۵۲
۱۸۷ . ابوخدیجه جمّال ...۴۳۳
۱۲۶ . ابوسعید قمّاط ...۳۷۳
۴۵ . ابوضَمرة ...۲۵۸
۴۳ . ابوعبدالله جُعْفی ...۲۵۴
۱۴۹ . ابوعمرو زبیری ...۴۰۳
۵۵ . ابومالک حَضْرمی ...۲۶۷
۱۱ . ابومحمد الجعفری ...۱۸۷
۱۳۲ . ابومخنف ...۳۷۶
۵ . ابومریم ...۱۷۷
۶۸ . ابوولّاد حنّاط ...۲۹۰
۱۶۶ . ابوهارون مکفوف ...۴۲۰
۲۷ . احمد احْمسی ...۲۲۵
۵۰ . اخو اُدَیم ...۲۶۳
۲۰۷ . اُدَیم ...۴۵۰
۴۷ . اسباط بیّاع الزُطّی ...۲۶۰
۱۱۴ . اسحاق جریری ...۳۶۲
۱۱۱ . اسحاق صیرفی ...۳۵۹
۱۱۲ . اسحاق کاهلی ...۳۶۰
۱۱۳ . اسحاق مؤتمن ...۳۶۲
۱۱۵ . اسماعیل بن عبدالخالق ...۳۶۴
۱۱۷ . اسماعیل خَثْعَمی ...۳۶۶

۳۲ . البطائنی ...۲۳۲
۱۴ . البَطَل ...۲۰۰
۱۹ . الرسان ...۲۰۹
۱۸ . الکاهلی ...۲۰۸
۵۱ . بُرَید عجلی ...۲۶۴
۱۲۱ . جرّاح مدائنی ...۳۶۹

ص: ۵۴۴

۱۱۸ جعفر حَضْرمی ...۳۶۷
۱۲۰ . جمیل اسدی ...۳۶۹
۸۹ . جوالیقی ...۳۲۶
۸۶ . حاتم المدنی ...۳۱۴
۷۵ . حارث نصری ...۲۹۷
۹۱ . حُجْر الحَضرمی ...۳۳۰
۹۰ . حذیفة بیّاع السابری ... ۳۲۹
۷۷ . حَریز السِّجستانی ...۲۹۹
۸۵ . حسّان جمّال ...۳۱۳
۸۲ . حسن عُرَنی ...۳۱۱
۹۸ . حسین الاَحْمسی ...۳۳۵
۹۹ . حسین الرؤاسی ...۳۳۷
۹۷ . حسین القَلانسی ...۳۳۵
۱۰۰ . حسین ذو الدمعة ...۳۳۸
۶۷ . حفص القاضی ...۲۸۵
۶۹ . حفص عَمْری ...۲۹۰
۷۰ . حَکَم الاعْمی ...۲۹۱
۴۱ . حُلوانی ...۲۵۰
۷۲ . حمّاد ناب ...۲۹۳
۷۳ . حمزه شیبانی ...۲۹۴
۹۳ . حُمَید السَبیعی ...۳۳۱
۷۴ . حنّان صیرفی ...۲۹۵
۱۲۴ . خالد بجلی ...۳۷۱
۱۲۵ . خالد قَلاَنِسی ...۳۷۲

۱۲۸ . خلاّد بزاز ...۳۷۴
۱۷۷ . خُلقانی ...۴۲۸
۱۲۹ . خیبری طحّان ...۳۷۵
۵۶ . ذَریح مُحاربی ...۲۶۸
۱۷۳ . ربیع اصمّ ...۴۲۵
۱۷۴ . رفاعه نخّاس ...۴۲۶
۱۷۶. رَوْح بن عبدالرحیم ...۴۲۷
۲۳۴ . زُرارة بن اَعْین ...۴۷۰
۲۳۳ . زُرْعه حَضْرمی ...۴۶۹

۱۵۳ . زعفرانی مفلوج ...۴۰۷
۲۲۸ . زکریای مؤمن ...۴۶۷
۲۳۲ . زیاد قندی ...۴۶۹
۲۳۱ . زید زرّاد ...۴۶۸
۲۳۰ . زید شحام ...۴۶۸
۲۲۹ . زید نَرْسی ...۴۶۷
۱۹۱ . سَریّ سُلَمی ...۴۳۵
۱۸۰ . سعد زامّ ...۴۳۰
۱۸۸ . سلاّم هاشمی ...۴۳۴
۱۹۶ . سلیمان دیلمی ...۴۳۹
۱۹۵ . سُلیم فرّاء ...۴۳۸
۱۹۰ . سَماعه بیّاع القزّ ...۴۳۵
۱۹۸ . سوید القلاّء ...۴۴۰
۱۹۲ . سیف نخعی ...۴۳۶
۲۰۰ . شَعرانی ...۴۴۲
۱۹۳ . شعیب عَقَرقوفی ...۴۳۷
۱۴۸. صاحب الطاق ...۴۰۲
۱۸۶ . صالح قمّاط ...۴۳۳
۱۷۹ . صباح مُزَنی ...۴۲۹
۱۸۱ . صفوان جمّال ...۴۳۱
۱۸۴ . ضُبَعی حنّاط ...۴۳۲

۱۳۴ . ضبّی خزّاز ...۳۷۸
۱۹۹ . طلحه شامی ...۴۴۱
۴۸ . عاصم حنّاط ...۲۶۱
۴۹ . عاصم کوزی ...۲۶۲
۲ . عبّاد بن صُهَیب ...۱۷۳
۲۵ . عبدالرحمان العرزمی ...۲۲۲
۲۶ . عبدالصمد العُرامی ...۲۲۳
۳ . عبدالعزیز عبدی خزّاز ...۱۷۵
۴ . عبدالغفار جازی ...۱۷۷
۷ . عبدالله بن ایّوب بیّاع الزُطّی ...۱۸۱
۱۰ . عبدالله بن حکم ارمنی ...۱۸۶
۹ . عبدالله بن غالب ...۱۸۴

ص: ۵۴۶

۱۲ . عبدالله بن میمون قدّاح ...۱۸۸
۲۰ . عبدالملک الخثعمی ...۲۱۱
۲۱ . عبدالملک النخعی ...۲۱۲
۲۲ . عبدالمؤمن انصاری ...۲۱۳
۲۰۴ . عبیدالله حلبی ...۴۴۶
۲۰۶ . عبید بن زراره ...۴۴۹
۲۱۲ . عقبه اسدی ...۴۵۴
۳۰ . علاء القلاّء ...۲۲۸
۲۹ . علاء نَهْدی ...۲۲۷
۳۴ . علی بن حسّان ...۲۳۷
۳۹ . عمار ثوبانی ...۲۴۸
۴۰ . عمار ساباطی ...۲۴۹
۲۱۰ . عمر بن اُذَینه ...۴۵۳
۲۱۱ . عمر بیّاع سابُری ...۴۵۴
۲۰۹ عمر ثقفی ...۴۵۱
۴۶ . عنبسة العابد ...۲۵۹
۱۰۹ . عیسی مبارک ...۳۵۳
۱۱۰ . عیسی نجّار ...۳۵۸

۱۰۸ . عیص البَجَلی ...۳۵۲

۶۴ . غالب المنقری ...۲۷۸

۶۵ . غیاث بن ابراهیم ...۲۷۹

۱۷۸ . فَزاری حَذّاء ...۴۲۹

۶۰ . فضل الکاتب ...۲۷۳

۵۸ . فضل بَقْباق ...۲۷۲

۶۲ . فُضَیل اَعْور ...۲۷۵

۶۳ . فُضَیل نَهْدی ...۲۷۶

۱۷۱ . قاسم بغدادی ...۴۲۴

۱۷۰ . قاسم عجلی ...۴۲۴

۱۲۲ . کثیر قنبری ...۳۷۰

۶ . کرّام الخثعمی ...۱۸۰

۱۳۰ . کلیب صیداوی ...۳۷۵

۱۳۱ . لیث مرادی ...۳۷۶

۱۶۸ . مثنی حنّاط ...۴۲۲

ص: ۵۴۷

۱۴۷ . محمد الحلبی ...۴۰۰

۱۵۸ . محمد بن ابی رافع ...۴۱۳

۱۵۴ . محمد بن مسلم ثقفی طحّان ...۴۰۸

۱۶۰ . محمد خثعمی ...۴۱۶

۱۶۲ . مرازم مدائنی ...۴۱۸

۱۳۹ . مسعده باهلی ...۳۸۴

۱۳۸ . مسعدة ربَعی ...۳۸۰

۱۴۱ . مسمع کردین ...۳۸۶

۱۶۷ . مُشْمَعِلّ ناشری ...۴۲۱

۱۴۴ . معاویه بَجَلی ...۳۹۵

۱۴۳ . معاویة بن عمّار دُهنی ...۳۸۸

۱۴۶ . مفضّل جُعْفی ...۳۹۶

۲۱۶ . مَنْتوف ...۴۵۷

۱۶۱ . مُنَخّل رَقّی بیّاع الجواری ...۴۱۶

۱۳۶ . منصور سرّاج ...۳۸۰

۱۶۴ . موسی مروزی ...۴۱۹
۱۶۵ . موسی نمیری ...۴۲۰
۱۶۳ . موسی واسطی ...۴۱۹
۱۵۲ . نهدی بزّاز ...۴۰۶
۱۵۶ . نهشلی ...۴۱۱
۲۰۵ . وصّافی ...۴۴۷
۲۱۷ . وُهَیب کرابیسی ...۴۵۹
۷۸ . هارون غنوی ...۳۰۳
۸۷ . هشام بن الحکم ...۳۱۶
۸۸ . هشام حَنّاط ...۳۲۶
۲۲۵ . یاسین ضریر ...۴۶۵
۲۱۹ . یحیی حلبی ...۴۶۱
۲۱۸ . یحیی رازی ...۴۵۹
۲۲۱ . یحیی قَطّان ...۴۶۲
۲۲۲ . یعقوب احمر ...۴۶۳
۲۲۳ . یعقوب سرّاج ...۴۶۳
۲۲۴ . یعقوب میثمی ...۴۶۴
۲۲۷ . یونس دُهنی ...۴۶۵